

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۷

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان


www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳90
عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳90.
مشخصات ظاهری : [90۱۸] ص.: مصور.
یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
یادداشت : کتابنامه: ص. [90۱۸].
عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها
رده بندی کنگره : CT۲۰۳ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی : ۹۲۰/ ۰۲

قرآن

ابراهیمی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین ابراهیمی
محل تولد : کازرون
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی ابراهیمی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/10/1
زندگینامه علمی
اینجانب مهدی ابراهیمی متولد 1342 در مشهد از خانواده ای روحانی هستم. دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه جوادیه که یکی از مدارس حاج آقای عابدزاده بود گذراندم و پس از تعطیلی آن مدارس توسط رژیم پهلوی به مدارس دولتی رفتم و تا پایان دوره راهنمایی تحصیل کردم. بعد از اتمام دوره راهنمایی که مصادف با سال 57 شروع انقلاب اسلامی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه علمیه حاج آقای موسوی نژاد به تحصیل پرداختم و همزمان دروس دبیرستان را نیز تا مقطع دیپلم ادامه دادم.
دروس سطح اول و عالی حوزه علمیه و 2 سال درس خارج را در مشهد گذراندم و از سال سوم ورود به حوزه به تدریس ادبیات، منطق و معانی بیان و اصول نیز پرداختم. در سال 1366 وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال 1372 در درسهای خارج فقه و اصول استادان محترم آن حوزه بنام آیت الله تبریزی، فاضل، وحید خراسانی و ... شرکت کردم و درسهای فلسفه را نیز در مشهد و قم نزد استاد آقای آشتیانی و آیت الله حسن زاده آملی گذراندم.
در ایام تحصیل در قم در امتحانات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در مقطع فوق لیسانس ادامه تحصیل دادم. در سال 1372 موفق به اخذ فوق لیسانس شدم و مجددا به مشهد مراجعت کردم و در گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی و فردوسی مشهد مشغول به کار شدم. در سال 1376 به استخدام دانشگاه علوم پزشکی مشهد درآمدم و به عنوان عضو هیئت علمی و مدیر گروه فعالیت خود را ادامه دادم. در بهمن سال 1377 در گرایش علوم قرآن و حدیث در دانشگاه قم در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در سال 1382 فارغ التحصیل شدم و هم اکنون در رتبه استادیاری پایه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گروه معارف

اسلامی مشغول به کار هستم و بعضی از واحدهای درسی مرتبط با علوم انسانی مثل اصول و فلسفه تعلیم و تربیت را در این دانشگاه نیز تدریس می کنم.

ابن ابی‌الخیر حمدانی، برهان‌الدین، ابوالحارث محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، عالم، مفسر و واعظ شیعی. شیخ منتجب‌الدین از او به صفتهای عالم، مفسر، صالح و واعظ یاد کرده است. از آثار وی: «مفتاح التفسیر» یا «تفسیر ابن ابی‌الخیر»؛ «دلائل القرآن»؛ «عین الاصول»؛ «شرح الشهاب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (323 /21 ،367 /15 ،344 /13 ،252 /8 ،240 /4). ریاض العلماء (128 /5)، فوائد الرضویه (571)، فهرست منتجب‌الدین (161).

ابن ابی‌حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمان

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 327 -240 ق)، متکلم، مفسر، فقیه، رجال‌شناس، حافظ و محدث. در ری متولد شد و در همانجا نشو و نما یافت. وی در محله‌ی درب حنظله‌ی ری ساکن، و خانه و مسجدش در آن محل واقع بود. به همراه پدر به حج رفت و سفرهای بسیاری نیز به شهرهای مختلف اسلامی، همچون شام و مصر و اصفهان داشت. قرآن را نزد فضل بن شاذان آموخت و پس از آن به فراگیری حدیث روی آورد، زیرا پدرش اجازه نداده بود که قبل از قرائت قرآن به حدیث بپردازد. در فراگیری حدیث از محضر استادان بسیاری از جمله پدرش، ابوحاتم رازی، و ابوسعید اشج و یونس بن عبدالاعلی و علی بن مُنذر طریقی و احمد بن سِنان و مسلم بن حجاج و حجّاج بن شاعر و ابراهیم مُزنی و بحر بن نصر و محمد بن عبدالملک بن زَنجویه و ابوزرعه رازی و ابن وارة بهره جست و از آنها حدیث شنید. ابن عدی، حسین بن علی حسینک تمیمی، علی بن عبدالعزیز بن مَردک، حَمد اصفهانی، ابواحمد حاکم، احمد بن محمد بصیر رازی، ابراهیم بن محمد بن یَزداد، احمد بن محمد بن یزداد، ابراهیم بن محمد نصرآبادی، ابوسعید عبدالوهاب رازی و دیگران از وی حدیث نقل کرده‌اند و او را ثقه دانسته‌اند. چون ابن ابی‌حاتم، امیرالمؤمنین علی (ع) را مقدم بر عثمان می‌داند، سلیمانی وی را شیعه به حساب آورده است. پدرش ابوحاتم، عبادت و ورع وی را ستوده ست. از آثار وی: «الجرح والتعدیل». «تقدمة المعرفة للجرح والتعدیل»؛ «التفسیر»؛ «الردعلی الجهمیه»؛ «العلل» یا «علل الحدیث»؛ «المسند»؛ «الفوائد الکبیر»؛ «ثواب الاعمال»؛ «المراسیل»؛ «فوائد الرازیین» یا «فوائد اهل الری»؛ «الکنی»؛ «الزهد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (99 /4)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (32)، تهذیب التهذیب (29 /9)، الجرح والتعدیل (مقدمه/ د- ط)، ریحانه (286 /2)، سیر النبلاء (269 -263 /13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 147 /4)، کشف الظنون (1840، 1458، 1440، 583 -582، 436)، لسان المیزان (300 -299 /4)، لغت‌نامه (ذیل/ رازی)، معجم المؤلفین (171 -170 /5)، هدیة العارفین (513 /1).

ابن ابی‌طیّب نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 458 ق)، مفسر و شاعر. در نیشابور متولد شد. در اوایل قرن پنجم قمری در نیشابور چهار مدرسه بزرگ برای چهار فرقه بنا شد و آن مدرسه را که جهت شیعه و عدلیه و زیدیه، در محله اسفریس بنا کردند، به نام امام علی بن ابی‌طیّب نامیدند. او را در 414 ق برای موعظه به دربار سلطان محمود غزنوی بردند، به محض ورود بی‌اجازه نشست و بی‌اجازه شروع به حدیث خواندن کرد، سلطان پندناپذیر فرمان داد تا بر سر او چنان ضربه‌ای زدند که از اثر آن ناشنوا شد. وی را شاگردان بسیاری بود که از آن جمله: خواجه ابوالقاسم علی بن محمد است. وی در سبزوار درگذشت.
از آثارش: «التفسیر الکبیر»، در سی جلد؛ «التفسیر الاوسط»، در یازده جلد؛ و «التفسیر الصغیر»، در سه جلد؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (119 /5)، تاریخ ادبیات در ایران (267 /1)، تاریخ بیهق (194)، سیر النبلاء (174 -173 /18)، معجم الادباء (276 -273 /13)، معجم المؤلفین (131 -130 /7).

ابن ابی‌مریم شیرازی، ابوعبداللّٰه نصر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 565 ق)، مفسر، خطیب، دانشمند و ادیب. اهل فسا بود. در تفسیر، قرائت و نحو مهارت داشت و خطیب شیراز بود. از برهان‌الدین محمود کرمانی روایت می‌کرد. قاضی مجدالدین اسماعیل و قاضی سراج‌الدین مکرم از شاگردان او بودند. از آثارش: «الکشف والبیان»، در تفسیر قرآن، در هشت جلد، مشهور به «تفسیر ابن ابی‌مریم»؛ «الموضح»، در قراآت هشتگانه یا دهگانه، که آن را شاگردان از گفته‌های استاد تقریر کرده‌اند؛ «الارفاد فی شرح الارشاد»؛ «الافصاح فی شرح الایضاح»، در شرح «ایضاح» ابوعلی فارسی؛ «عیون التصریف»؛ «المنتقی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (348 -347 /8)، تذکره‌ی هزار مزار (430 -429)، ریحانه (367 -366 /7)، کشف الظنون (1905 -1904 ،437 ،212)، معجم الادباء (225 -224 /19)، معجم المؤلفین (91 -90 /13)، هدیة العارفین (491 /2).

ابن ابی‌هند سرخسی، ابوبکر، ابومحمد داوود

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 141 -1139 ق)، محدث و مفسر شیعی. وی از یاران امام باقر (ع) بود. در خراسان به دنیا آمد. وی از سعید بن مسیب و عکرمه و شعبی و حسن بصری و محمد بن سیرین و بسیاری دیگر حدیث شنید؛ و ثوری و شعبه و ابن‌جریح و یحیی‌القطان و ابن‌عُلیّه و بسیاری دیگر از او نقل حدیث کرده‌اند. او را از حفاظ بصره می‌شناسند. وی در زمان حسن بصری فتوی می‌داد. احمد بن حنبل و ابن‌معین و نسائی و ابوحاتم رازی و عجلی او را ثقه دانسته‌اند. در پنج «صحیح» از صحاح ششگانه به روایات او احتجاج شده است. در سفری که به حج می‌رفت در میانه راه درگذشت. از آثار وی: «تفسیر ابن ابی‌هند».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (370 /6)، تاریخ الاسلام (حوادث 415 -413 /140 -121)، تاریخ الکبیر (232 -231 /3)، تهذیب التهذیب (183 -182 /3)، الجرح والتعدیل (ج 1، ق 412 -411 /2)، الذریعه (240 /4)، ذیل تاریخ الکبیر (90 -89 /2)، رجال الطوسی (120)، سیر النبلاء (379 -376 /6)، طبقات ابن‌سعد (190 -189 /7)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (59)، معجم رجال الحدیث (91 /7).

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. 381. ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن‌الولید ادب و فقه را فراگرفت.
وی با سلاطین و اعاظم شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.
محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضمار فقاهت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.
نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.
در سنه‌ی 355 وارد بغداد شد و با حداثت سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمیین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه‌ی 381 بوده.
وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهائی رحمة‌اللّه‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند

گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌اللّه الملک الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.

این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌اللّه‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان اللّه جاری شده.

بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رابعة النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نوراللّه شوشتری نوراللّه مرقده الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.

قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلا با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفون‌اند در کتاب «تذکرة المقابر» فی «احوال المفاخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.

مرحوم حاج شیخ عبداللّه مامقانی در رجال خود (تنقیح المقال) می‌گوید و از چیزهائی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (1300) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.

نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل البیت علیهم‌السلام آیةاللّه نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست

دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).
و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:
1- سید ابراهیم لواسانی 2- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر 3- سید محمود مرعشی 4- حاج آقا محمد آل آقا سبط وحید بهبهانی 5- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.
از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: 1- کتاب من لا یحضره الفقیه 2- کتاب علل‌الشرایع 3- کتاب معانی‌الاخبار 4- کتاب الامالی 5- کتاب التوحید 6- کتاب خصال 7- کتاب المقنع 8- کتاب ثواب الاعمال 9- کتاب عقاب الاعمال 10- کتاب عیون اخبارالرضا 11- کتاب الاعتقادات 12- کتاب حقوق الاخوان 13- کتاب صفات الشیعه 14- کتاب اکمال‌الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینةالعلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.
این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرتهای طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرتها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال 352 هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال 354 در کوفه بوده سپس در 355 به بغداد مراجعت کرده و در 367 به خراسان سفر کرد و تا سال 368 در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال 372 کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.
رجال و دانشمندانی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.
1- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)
2- مرحوم سید المتالهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.
3- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.
4- مرحوم عالم جلیل‌القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسهِ

مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه) است
5- مرحوم حجةالاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیةاللّه آملی معاصر ما.
6- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندقآبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندقآبادی معاصر.
7- دانشمند جلیل‌القدر حاج شیخ محمد خندقآبادی فرزند آن مرحوم.
و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالبین مراجعه به کتاب تذکرةالمقابر نویسنده کنند.
(وف 381 ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال‌شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته‌ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دویست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین اثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینة العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» «اثبات الخلافة»؛ «فضائل الشیعة»؛.«علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیة»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعة»؛ «نصوص الائمة».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (159 / 7)، اعیان الشیعه (25 -24 / 10)، ایضاح المکنون (584 ،505 ،491 ،490 ،456 ،350 ،342 ،316 ،315 ،297 / 1)، 123 ،348 ،473 ،477 ،2 / 103 ،196 ،261)، تاریخ ادبی ایران (548 -547 / 1)، تاریخ بغداد (89 / 3)، خاتمة مستدرک الوسائل (265 -257 ،240 / 3)، دانشنامه (432 -431 / 3)، دایرة المعارف

فارسى (17 -16 / 1)، الذريعه (179 / 24 ،232 / 22 ،204 / 21 ،260 / 16 ،375، 313، 45 / 15 ،162 / 7 ،482 / 4 ،315، 226 / 2)، رجال الطوسى (495)، رجال النجاشى (316 -311 / 2)، روضات الجنات (135 -123 / 6)، رجال ابن‌داود (قسم 325 -324 / 1)، رياض العلماء (122 -119 / 5)، رى باستان (422 / 2 ،426 -424 / 1)، ريحانه (439 -434 / 3)، سير النبلاء (304 -303 / 16)، الفهرست لابن النديم (363)، الفهرست للطوسى (305 -304)، فوائد الرضويه (564 -560)، كشف الظنون (1174)، الكنى والالقاب (223 -221 / 1)، لغت‌نامه (ذيل/ ابن‌بابويه)، مؤلفين كتب چاپى (617 -612 / 5)، مجالس المؤمنين (463 -454 / 1)، معجم المؤلفين (3 / 11)، معجم رجال الحديث (326 -316 / 16)، هدية الاحباب (50 -49)، هدية العارفين (53 -52 / 2).

ابن شهرآشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(588 -488 ق)، عالم، متکلم، محدث، فقیه، مفسر، ادیب و شاعر شیعی. در ساری متولد شد. نیای وی شهرآشوب از شاگردان شیخ طوسی بود و ابن شهرآشوب به واسطه‌ی پدر خود از او روایت می‌کرد. در هشت سالگی قرآن را حفظ می‌خواند. از زمخشری و احمد و محمد غزالی و خطیب خوارزمی اجازه‌ی روایت داشت. بنا به دلایل مذهبی به حلب که در آن زمان در پرتو حمایت حمدانیها پیشرفته‌ترین مرکز علمی تشیع و پناهگاه شیعیان بود، رفت. مدتی نیز در بغداد اقامت داشت. به دلیل اینکه بلاغتش در خطبه مورد پسند مقتفی، خلیفه‌ی عباسی، واقع شد و مواعظش در وی مؤثر افتاد، منصب تدریس در بغداد و لقب رشیدالدین گرفت. پدرش شیخ علی بن شهرآشوب، ابومنصور احمد طبرسی، امین‌الدین طبرسی، ابوالفتوح رازی، قطب راوندی، وفتال نیشابوری، از جمله‌ی استادان وی بودند. شاگردان زیادی نزد وی تربیت شدند. محقق حلی خود را به یک واسطه شاگرد او می‌دانسته است. شهرت و مقبولیت وی چندان بود که علی‌رغم اعتقادات شیعی، مورد احترام و قبول اهل تسنن نیز بود و وی را از محدثین ثقه می‌دانند. مقبره‌ی ابن شهرآشوب در جبل‌جوشن نزدیک مشهد حسینی قرار دارد. از آثار وی: «معالم العلما»، که فصلی از آن درباره‌ی شعرای شیعه است؛ «مناقب آل ابی‌طالب»؛ «متشابه القرآن»؛ «بیان التنزیل»؛ «اعلام الطرائق فی الحدود والحقائق»؛ «انساب آل‌ابیطالب»؛ «الاسباب والنزول علی مذهب آل‌رسول (ص)»؛ «الحاوی»؛ «الاوصاف»؛ «المنهاج»؛ «المخزون المکنون فی عیون الفنون».[1]
ساری قدیم‌الایام معدن رجال و دانشمندان بزرگ علمی بوده و بزرگان از قبیل علامه جلیل‌القدر جناب محمد بن علی بن شهرآشوب ساروی مازندرانی منسوب به آن می‌باشد.
این بزرگوار از علماء قرن ششم هجری و صاحب تألیفات عدیده مانند مناقب آل ابیطالب و متشابهات القرآن و معالم‌العلماء و غیره می‌باشد.
علماء علم رجال وی را چنین ستوده‌اند.
محمد بن علی بن آشوب السروی نوراللّٰه مرقده السنی فخر الشیعه و تاج‌الشریعه محی آثار المناقب والفضائل والبحر المتلاطم الزخار الذی لیس له ساحل قطب المحدثین و شیخ مشایخهم رئیس‌العلماء و فقیههم رشید الملة والدین شمس‌الاسلام والمسلمین فقیه وجیه و محدث مفسر محقق

ادیب اریب شاعر منشی بلیغ جامع فنون فضائل و محاسن عالم ربانی شیخ رشید بن ابن شهر آشوب المازندرانی صاحب 1- مناقب آل ابیطالب 2- والمعالم 3- و مثالب النواصب 4- والمخزون المکنون فی عیون الفنون 5- و اعلام الطرائق فی الحدود 6- والحقایق 7- والاوصاف 8- و مائدة الفایده 9- والمثال فی الامثال والاسباب 10- والنزول علی مذهب آل الرسول 11- والحاوی 12- والانصاف 13- والمنهاج الی غیر ذلک مما ذکره فی رجاله المسمی بمعالم العلماء.
وی در شب جمعه 22 شعبان سنه 588 ق ه وفات یافته و در بیرون حلب در بالای کوه معروف به جبل جوشن در جوار مشهدالسقط (محسن بن حسین الشهید (ع)) و قبر احمد بن منیر و ابن‌زهره.
و ما به خواست خدا عده‌ای از رجال گذشته و معاصر این شهر را به نظر ارباب فضل و دانش می‌آوریم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (167 /7)، اعیان الشیعه (17 /10)، ایضاح المکنون (452 ،427 ،421 /2 ،103 ،69 /1)، خاتمة مستدرک الوسائل (60 -56 /3)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (663 -662 /5)، الذریعه (233 ،154 /23 ،319 -318 /22 ،201 ،99 -98 /21 ،231 /20 ،76 ،73 ،63 -62 ،11 -10 /19 ،178 -177 /3 ،477 ،476 ،378 ،239 ،12 /2)، روضات الجنات (272 -269 /6)، ریاض العلماء (128 -124 /5)، ریحانه (60 -58 /8)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 274 -273 /6)، فوائد الرضویه (571 -568)، قصص العلماء (429 -428)، کشف الظنون (1584 ،1269 ،77)، الکنی والالقاب (333 -332 /1)، لسان المیزان (395 /6)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن شهرآشوب)، مؤلفین کتب چاپی (625 -624 /5)، معجم المؤلفین (17 -16 /11)، نامه‌ی دانشوران (46 -45 /5)، الوافی بالوفیات (164 /4)، هدیة الاحباب (69)، هدیة العارفین (102 /2).

ابن مردویه‌ی اصفهانی، ابوبکر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(410 -323 ق)، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. از ابوسهل بن زیاد قطان، ابن‌اسحاق خراسانی، محمد اسواری، احمد بندار و دیگران حدیث شنید. ابوالقاسم عبدالرحمان بن منده، ابوبکر مستملی عطار و ابن‌شکرویه و برخی دیگر از وی روایت شنیدند. در «معجم البلدان» و «الکنی والالقاب» و «هدیة الاحباب» سال وفات او 352 ق ذکر شده است. از آثار وی: «المستخرج علی صحیح البخاری»؛ «التاریخ»، درباره‌ی تاریخ اصفهان؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر الکبیر»، معروف به «تفسیر ابن‌مردویه»؛ «الامالی»، در سیصد مجلس.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (246 /1)، ریحانه (200 /8)، سیر النبلاء (311 -308 /17)، کشف الظنون (439)، الکنی والالقاب (406 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم البلدان (216 /1)، معجم المؤلفین (190 /2)، الوافی بالوفیات (201 /8)، هدیة الاحباب (87)، هدیة العارفین (72 -71 /1).

ابن نقیب بلخی، جمال‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(698 -611 ق)، مفسر و فقیه حنفی. پدرانش از مردم بلخ بودند. در قدس به دنیا آمد. به مصر رفت و در مدرسه عاشوریه آنجا مشغول تدریس شد. سپس به قدس مراجعت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش: تفسیری است به نام «التحریر والتحبیر لاقوال ائمة التفسیر فی معانی کلام السمیع البصیر»، شامل اسباب نزول و قراآت و اعراب و لغات و علم باطن و حقایق آن در پنجاه یا هفتاد یا نود و نه مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (21 /7)، دائرةالمعارف البستانی (724 /1)، ریحانه (256 /8)، کشف الظنون (358)، الکنی والالقاب (441 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌نقیب)، معجم المؤلفین (50 -49 /10)، الوافی بالوفیات (137 -136 /3)، هدیة العارفین (139 /2).

ابن‌بُندار قزوینی، ابویوسف عبدالسلام

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(488 -393 ق)، مفسر، متکلم و محدث معتزلی. اصلاً قزوینی است و در آنجا به دنیا آمد. ابتدا در زادگاهش به تحصیل پرداخت. وی از شاگردان برجسته قاضی عبدالجبار همدانی بود و در نزد وی کلام خواند و مذهب اعتزال را از او اخذ کرد. در همدان از ابوطاهر بن سَلمة و در اصفهان از ابونعیم، و نیز از اساتید دیگر بهره گرفت. گرانمایه، خوش محضر و ظریف بود. ابوالقاسم بن سمرقندی ابوغالب بن بنّاء، هبة اللّٰه بن طاووس و اسماعیل بن محمد تیمی و أبوسَعْد بغدادی و دیگران از وی حدیث شنیدند. سالیان بسیاری در مصر به سر برد. چندی هم در طرابلس (شام) سکنی کرد. از دمشق دیدار کرد و آن شهر را بَلَدِالنَّصْب، شهر دشمنان امیرالمؤمنین و خاندانش (ع) نامید. در اواخر عمر مقیم بغداد شد، و در همان جا درگذشت و در گورستان خیزران دفن شد. ابن‌اثیر تاریخ تولد وی را 411 ق ذکر کرده است و در «هدية العارفين» نیز به تبع آن چنین آمده است. ازآثار وی: «حدائق ذات بهجة»، تفسیر قرآن در سیصد جزء که هفت جزء آن درباره‌ی سوره فاتحه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (131 /4)، سیر النبلاء (620 -616 /18)، الکامل (178 /8)، کشف الظنون (634)، لسان المیزان (362 ،350 -347 /4)، معجم المؤلفین (231 /5)، هدية العارفين (569 /1).

ابن‌بَوّاب، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 423 /413 ق)، خطاط مذهّب، حافظ، قاری، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ابن‌بواب یا ابن‌ستری و ملقّب به علاءالدین و قبلةالکتاب. پدرش پرده‌دار دستگاه آل‌بویه بود و شهرت وی هم از این رو است. ابوالحسن نیز یک چند در خدمت بهاءالدوله‌ی دیلمی سرپرستی کتابخانه‌ی بهاءالدوله را در شیراز بر عهده داشت. خوشنویسی را از ابن‌اسد کاتب آموخت، برخی او را شاگرد حسن بن مقله و بعضی شاگرد محمد بن مقله دانسته‌اند. خط نسخ را به شیوه‌ی خود می‌نوشت و اصولی نیز برای آن وضع کرد. وی را پایه‌گذار شیوه‌ی ریحانی و محقق نیز دانسته‌اند. آموزشگاهی برای تعلیم خط تأسیس کرد که تا 698 ق برجا بود. شصت و چهار نسخه قرآن به خط خود نوشته بود. ابن‌بواب به خدمت فخرالملک، ابوغالب محمد بن علی بن خلف واسطی، والی عراق، از جانب بهاءالدوله، درآمد و ندیم وی شد. در بغداد درگذشت و در جوار امام احمد حنبل به خاک سپرده شد. آثاری از وی در مجموعه‌ی چستربیتی لندن و کتابخانه لاله لی استانبول باقی است. نسخه قرآن کتابخانه چستربیتی به امضای او و به تاریخ 391 ق است که هم از نظر خط و هم از تذهیب مجلل است. اشعاری نیز در فن خط و لوازم آن سروده که ادیبان «القصیدة الرائیة» او را در نهایت بلاغت دانسته‌اند. شهرت او در تکمیل و تنقیح شیوه‌ی ابن‌مقله است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اطلس خط (308 -300)، الاعلام (183 /5)، پیدایش خط و خطاطان (75 ،74 -70)، تاریخ گزیده (696)، تاریخ هنرهای ملی (744 -739 /2)، خوشنویسان و هنرمندان (22)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (454 /3)، دائرةالمعارف البستانی (411 -410 /1)، ریحانه (424 -422 /7)، سرآمدان فرهنگ (36 -35 /1)، سیر النبلاء (320 -315 /17)، کارنامه‌ی بزرگان (24)، کشف الظنون (1339)، الکنی والالقاب (234 /1)، گلستان هنر (19 ،18 ،12)، مجالس المؤمنین (488 /2)، معجم الادباء (134 -120 /15)، معجم المؤلفین (258 /7)، مناقب هنرمندان (113 ،42 ،38 -37)، نامه‌ی دانشوران (105 -91 /5)، وفیات الاعیان (344 -342 /3)، هدیة الاحباب (51).

ابن‌جراح بغدادی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(334 -245 ق)، ادیب، نویسنده، محدث، مفسر و مورخ. از خاندانی ایرانی‌تبار بود. از احمد بن بُدیل قاضی و حسن بن محمد زعفرانی و دیگران حدیث شنید. فرزندش عیسی و ابوالقاسم طبرانی و ابوطاهر ذهلی از او حدیث روایت کرده‌اند. وی وزیر مقتدر و قاهر عباسی بود که امور مالی دولت را سامان داد. مدتی خلیفه او را برکنار کرد و به زندان انداخت و پس از آزادی به ریاست دیوانها منصوب شد. در 311 ق او را به مکه، سپس به صنعا تبعید کرد. در 312 ق بخشوده و ریاست دیوان اشراف مصر و شام به او سپرده شد. پس از آن در 315 ق مجدداً به وزارت رسید، ولی باز بر اثر حسد درباریان خشم خلیفه بر وی نازل شد و او را دستگیر و زندانی کردند. ابن‌جراح از وزرای ایرانی دربار خلفای عباسی بود، که زندگی پر فراز و نشیبی را گذراند، اما در پایان زندگی، در بغداد، محتشم زیست. او را به نیک رفتاری و نیک خلقی ستوده‌اند. هارولدباون خاورشناس انگلیسی کتابی درباره‌ی زندگی وی به نام «زندگی علی بن عیسی و عصر او» به انگلیسی نوشته است. از آثارش: «دیوان رسائل»؛ «معانی القرآن» و تفسیر آن که با همکاری ابوالحسن واسطی و ابن‌مجاهد مقری تألیف شد، «جامع الدعاء»؛ «کتاب الکتّاب و سیاسة المملکة و سیرة الخلفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الوزراء (131 -126) الاعلام (133 /5)، تاریخ بغداد (16 -14 /12)، روضات الجنات (207 -206 /5)، سیر النبلاء (301 -298 /15)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (212 -211 ،60)، معجم الادباء (73 -68 /14)، معجم المؤلفین (162 -161 /7).

ابن‌حبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 406 ق)، مفسر، قاری، واعظ، مورخ، ادیب و نحوی. از اصم و ابوالحسن کارزی و ابوحاتم بن حِبّان و ابوزکریا عنبری حدیث شنید. ابوالقاسم ثعلبی از خواص شاگردان وی بود. نخست مذهب کرامی داشت، اما بعدها به مذهب شافعی گروید. در علوم و معانی قراآت مختلف امام عصر خود بود و در نیشابور سرچشمه علم به حساب می‌آمد. وی در آنجا به تدریس مشغول بود و گروه فراوانی از مجلس درس او بهره‌مند گردیدند. ابوبکر حیری واعظ و محمد فرغانی و حسین سکّاکی از وی روایت کرده‌اند. ابن‌حبیب در مغازی، قصص و سیر نیز پیشگام بود. از آثار وی: «تفسیر النیسابوری‌القدیم» یا «تفسیر قرآن مجید»؛ «عقلاء المجانین». از وی آثاری در آداب و مواعظ و نیز اشعاری پراکنده بر جای ماند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (278 /6)، سیر النبلاء (238 -237 /17)، کشف الظنون (460)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم المؤلفین (278 /3)، الوافی بالوفیات (240 -239 /12)، هدیة العارفین (274 /1).

ابن‌سَلْم رازی اصفهانی، ابویحیی عبدالرحمان

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(211 -291 ق)، عالم، حافظ، محدث و مفسر. در ری متولد شد. وی امام مسجد جامع اصفهان بود. از سهل بن عثمان و عبدالعزیز بن یحیی و حسین بن عیسی زُهری روایت کرده، و قاضی ابواحمد عسّال و ابوالقاسم طَبَرانی و ابوالشیخ بن حَیّان و عبدالرحمان بن سیاه از وی حدیث شنیدند.
از آثارش: «المسند»، در حدیث؛ «التفسیر»، تفسیری بر قرآن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 99)، ری باستان (2/ 319)، سیر النبلاء (13/ 530- 531)، معجم المؤلفین (5/ 175)، هدیة العارفین (1/ 513).

ابن‌سینا، ابوعلی حسین

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(427 /428 -370 ق)، پزشک، فیلسوف، منطقی و دانشمند. مشهور به ابن‌سینا یا ابوعلی سینا، در مغرب زمین آویسن یا آویسنا و ملقب به حجةالحق، شیخ‌الرییس، شرف‌الملک و امام الحکما. ابن‌سینا در افشنه‌ی بخارا، زادگاه مادرش، متولد شد. پدر وی از دیوانیان دستگاه سامانیان بود و در تربیت فرزندان خود سخت کوشا. پدر ابن‌سینا، عبدالله، شیفته‌ی تعلیمات اسماعیلیان بود. ابن‌سینا، علی‌رغم اشراف به نظر و عقاید این گروه، گرایشی به این فرقه نداشت. در چهارده سالگی در علم بر استاد خود ابوعبداللّه ناتلی پیشی گرفت، چندان که مشکلات منطق را بر استاد خود می‌گشود. در شانزده سالگی جمعی از پزشکان فاضل زیردست او کار می‌کردند. ابوعلی با مداوای بیماری نوح بن منصور سامانی امیر خراسان اجازه یافت که از کتابخانه‌ی عالی امیر استفاده کند. در هجده سالگی جامع‌العلوم شد و از این پس ترقیات وی نتیجه‌ی اجتهاد شخصی خود وی بود. در بیست و یک سالگی نخستین اثر فلسفی خود را تحت عنوان «العروضیه» به درخواست ابوالخیر عروضی نوشت. پس از درگذشت پدر، به خدمات دیوانی روی آورد. به زودی فکر و تدبیر او مورد قدردانی واقع شد. امیران علاوه بر نصایح پزشکی او در سیاست نیز خواستار رأی او شدند. چندین بار به وزارت رسید، و در معرض رشک دیگران قرار گرفت. چندین بار فرار کرد. مدتی زندانی شد. ولی از زندان گریخت. چهارده سال در آرامش در دربار علاءالدوله دیلمی در اصفهان می‌زیست. بر اثر مسافرتها و شب زنده‌داریها و بی‌توجهی به خود به قولنج مبتلا شد و در ضمن لشکرکشی علاءالدوله در همدان درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد. در جشن یادبود هزاره‌ی او بر مزارش بنایی ساختند. شهرت ابن‌سینا چندان است که از مرزهای سرزمینهای اسلامی گذشته و به سراسر جهان رسیده است. آثار او به زبانهای مختلفی ترجمه و منتشر شده‌اند. ابن‌سینا، علاوه بر پزشکی و فلسفه، در نجوم، فیزیک، علوم طبیعی نیز آثاری دارد از آن جمله، در اواخر عمر به دستور علاءالدوله آلتی شبیه ورنیه‌ی کنونی برای به دست آوردن نتایج دقیق در رصد اختراع کرد. از هوش و حافظه‌ی وی سخنها گفته‌اند و او را سرآمد فلاسفه اسلامی دانسته‌اند. وی با ابوریحان بیرونی و ابوسهل مسیحی، معاشرت و مباحثه داشت و از معاصرینش می‌توان ابن‌خمار و ابوالفرج بن طیّب را نام برد و

از جمله شاگردان او ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان، ابن‌زیله، ابوعبداللّه معصومی، ابوعبید جوزجانی را با ابوسعید ابوالخیر نیز مباحثه‌ای داشت که بسیار مشهور است. ابن‌سینا در زمینه‌ی ادبیات نیز کتابهایی نوشت و اشعاری نیز به وی منسوب است. از آثار او: «النجاة»؛ «الاشارات والتنبیهات»، در منطق و حکمت؛ «الشفا» در حکمت علمی نظری؛ «دانشنامه‌ی علائی»، به فارسی؛ «اسرار الصلاة»؛ «مبدأ و معاد»؛ «قانون»، در طب. این کتاب با وجود ناقص بودن، سبب اشتهار ابن‌سینا در اروپا شد. «اسباب حدوث الحروف و مخارجها»، در زبان‌شناسی؛ «الموجز الکبیر»؛ «الموجز الصغیر»، هر دو در منطق؛ «رساله حی بن یقظان»؛ «المدخل الی صناعة الموسیقی»، در موسیقی که از آثار فارابی کامل‌تر و جامع‌تر است؛ «مقالة فی آلة رصدیه». در کل 276 عنوان کتاب به او نسبت می‌دهند که 131 اثر را با انتساب صحیح و مابقی را با انتساب مشکوک از او دانسته‌اند.[1]
شیخ‌الرئیس حجةالحق شرف‌الملک امام‌الحکماء ابوعلی حسین بن عبداللَّه بن حسن بن علی معروف به ابن‌سینا (و. افشنه یا خرمیثن 370- ف. همدان 428 ه.ق.) پدر او از مردم بلخ و مادر وی ستاره از اهل افشنه (نزدیک بخارا) بود. ابن‌سینا در بخارا کسب علم کرد و در ده سالگی قرآن را از بر نمود و نزد ابو عبداللَّه ناتلی منطق و هندسه و نجوم آموخت. و پایه وی از استاد در گذشت. از آن پس به تعقیب علوم طبیعی و ما بعدالطبیعه و طب پرداخت. آثار فارابی فکر ابن سینا را به خود جلب کرد و مشوق او در مطالعه آثار فلسفی گردید. وی در عنفوان شباب نوح بن منصور پادشاه سامانی را معالجه کرد و از کتابخانه گرانبهای او بهره‌ها برد. ابن سینا بخارا را ترک گفت و به گرگانج شتافت، و از آنجا به حکم ضرورت به خراسان و سپس به گرگان و ری و همدان و اصفهان شد و آثار ذی‌قیمت خویش را در این سفرها تحریر کرد. شیخ در همدان به وزارت شمس‌الدوله رسید. و سالهای اخیر عمر را در اصفهان در حمایت علاءالدوله کاکویه گذرانید و در سفری که همراه امیر مزبور به همدان می‌شد، در راه مریض گردید و در همدان درگذشت. آرامگاه او را بدانجا برپا داشته‌اند. به مناسبت هزارمین سال تولد وی، جشنی در سال 1331، ه. ش. در ایران منعقد گردید. مؤلفات ابن سینا همواره مورد توجه بوده و شروح متعدد بر آنها نوشته‌اند و بسیاری از آنها نیز به زبانهای غربی ترجمه شده است. آثار مهم ابن سینا- کتاب‌الشفاء کتاب القانون فی الطب، کتاب اشارات، کتاب‌النجاة، دانشنامه علائی (به فارسی) و غیره است. آرامگاه ابن سینا.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الباقیه (395)، از فردوسی تا سعدی (157

-152)، استادان موسیقی (33 -32)، الاعلام (262 -261 /2)، اعیان الشیعه (80 -69 /6)، ایضاح المکنون (672 ،555 /2)، بزرگان و سخن سرایان همدان (149 -148 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (347 -346 ،343 -342 ،319 -303 /1)، تاریخ الحکماء قفطی (570 -555)، تاریخ طب (633 -477 /2)، تاریخ فلسفه در اسلام (721 -683 /1)، تاریخ گزیده (689 -688)، تاریخ موسیقی (153 -148 /1)، تاریخ نجوم اسلامی (321 -320 ،313 ،45 ،38 ،35 -34)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (43 -29)، حبیب السیر (449 /2)، دائرةالمعارف البستانی (539 -535 /1)، الذریعه (232 ،223 -222 ،220 ،218 -217 ،215 ،154 ،145 ،144 ،140 ،139 ،129 ،122 ،121 ،94 ،93 ،92 ،65 ،51 ،48 ،26 ،25 -24 /17 ،381 /15 ،201 /14 ،240 ،239 /10 ،47 /8 ،184 ،130 ،128 /7 ،286 ،43 /5 ،484 ،407 ،371 /1)، روضات الجنات (173 -159 /3)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (34 -29)، سرگذشت ابن‌سینا (19 -1)، سیر النبلاء (537 -531 /17)، فوائد الرضویه (459 -458 /2)، کشف الظنون (2031 ،1900 ،1793 ،1783 ،1621 ،1550 ،1533 ،1520 ،1466 ،1455 ،1454 ،1440 ،1430 ،1408 ،1389 ،1341 ،1327 ،1311 ،1186 ،1055 ،953 ،900 ،897 ،896 ،894 ،891 ،889 ،880 -879 ،876 ،870 ،862 ،861 ،852 ،846 ،843 ،841 ،766 ،757 ،736 ،685 ،624 ،463 ،451 ،449 ،380 ،377 ،238 ،201 ،183 ،94 ،63 ،51 ،37 -36 ،12)، الکنی والالقاب (323 -320 /1)، لسان المیزان (541 -538 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی سینا)، مجالس المؤمنین (189 -181 /2)، معجم المؤلفین (23 -20 /4)، مقدمه بر تاریخ علم (818 -816 /1)، مؤلفین کتب چاپی (800 -779 /2)، نامه‌ی دانشوران (146 -89 /1)، وفیات الاعیان (162 -157 /2)، الوافی بالوفیات (412 -391 /12)، هدیة الاحباب (67 -66)، هدیة العارفین (309 -308 /1).

ابن‌شاهین، ابوجعفر عمر

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(385 -297 ق)، محدث، حافظ، واعظ و مفسر. از محدثین ثقه و مورد اعتماد است که در بغداد متولد شد و در شام، عراق، بصره و فارس حدیث شنید. ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی از جمله‌ی محدثانی بودند که وی از آنان حدیث شنید. و ابوبکر برقانی، ابوسعد مالینی و ابوبکر محمد بن اسماعیل وراق از او روایت حدیث کردند. بیش از سیصد تصنیف داشته است از جمله‌ی آنها: «تفسیر قرآن»، حدود سی مجلد با اسناد مفصل؛ «المسند» یا «السنة»، در حدیث؛ «معجم الشیوخ»؛ «کشف الممالک»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه»؛ «تاریخ اسماء الثقات»؛ «الافراد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (196 /5)، تاریخ بغداد (268 -265 /11)، دائرةالمعارف البستانی (540 -539 /1)، سیر النبلاء (435 -431 /16)، کشف الظنون (1920 ،1426 -1425 ،1394)، معجم المؤلفین (274 -273 /7)، هدیة العارفین (781 /1).

ابن‌عبدک گرگانی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 340 ق)، مفسر، ادیب، فقیه و متکلم امامی. معروف به عبدکی. عبدک اختصار عبدالکریم است. اهل گرگان بود و پیشوای شیعیان آنجا. مدتی در نیشابور توطن کرد. از عمران بن موسی جرجانی و همطبقه او حدیث شنید. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. او سرانجام در گرگان درگذشت. از آثار وی: «التفسیر» یا «تفسیر ابن‌عبدک»؛ «شرح الجامع الصغیر» و «شرح الجامع الکبیر» محمد بن حسن شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «الاقتداء بعلی»؛ «الرد علی الاسماعیلیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (159 /7)، اعیان الشیعه (438 -437 /9)، الذریعه (183 /10 ،244 /4)، رجال ابن‌داود (قسم 325 /1)، رجال النجاشی (301 -300 /2)، ریحانه (103 /8)، الفهرست للطوسی (368 ،306)، کشف الظنون (568 ،562)، معجم رجال الحدیث (331 /16)، معجم المؤلفین (26 /11).

ابن‌فتی، ابوعبداللَّه سلمان، سلیمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 493 ق)، لغوی، نحوی و مفسر. متولد نهروان بود. یاقوت حموی گوید که نشو و نمای او در ری بوده است. وی در بغداد نحو را نزد ثمانینی و لغت را نزد حسن بن دهّان و حدیث را از قاضی ابوطیّب طبری فراگرفت، و به شهرهای عراق سفر کرد و به تعلیم پرداخت. سرانجام در اصفهان مقیم شد و در همان جا درگذشت. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الایضاح» ابوعلی فارسی، در نحو؛ «شرح دیوان المتنبی»؛ «شرح الامالی»؛ «علل القراآت»؛ «القانون»، در زبان شناسی، ده مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 169)، روضات الجنات (4/ 82- 84)، ریحانه (8/ 137- 138)، کشف الظنون (1313، 1160، 812، 446، 212، 163)، معجم الادباء (11/ 251- 253)، معجم المؤلفین (4/ 239)، الوافی بالوفیات (15/ 311- 313).

ابن‌قتیبه‌ی دینوری، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(276 -213 ق)، فرهنگ‌نویس، زبان‌شناس، نویسنده، محدث و مفسر. از مردم مرو بود. نزد استادانی چون اسحاق بن راهویه، ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی و عباس بن فرج ریاشی درس خواند. بیشترین تأثیر را از ابن‌مقفع و ارسطو پذیرفت. آثار جاحظ را خوب می‌شناخت. شکوفایی او با جنبش سنت‌گرایی متوکل همزمان بود. وی توانست با پاره‌ای از نوشته‌های خود از اصلاحات متوکل پشتیبانی کند، و در اندک زمانی سخنگوی این مذهب شود. در 236 ق قاضی دینور شد و بعد از آن همین سمت را در بصره داشت تا زنگیان، شهر را تاراج کردند. ابن‌قتیبه پس از آن تمام همّ خود را بر سر تدریس گذاشت. وی علاوه بر پایگاه بلندی که در میان اهل سنت داشت، پایه‌گذار مکتب زبان‌شناسی بغداد بود که مکتبی آمیخته از مکاتب نحوی کوفه و بصره به شمار می‌رفت. وی سومین نثرنویس بزرگ عرب پس از ابن‌مقفع و جاحظ است. آوازه‌ی او در عرب به خاطر توانایی وی در نگارش آثار ادبی است که گونه‌ای انسان‌گرایی را در جریانهای فکری آن زمان نشان می‌دهد. پسرش، احمد، و قاسم بن اصنع و عبدالرحمان شکری از شاگردان او بودند. آثار او تا مصر نیز رفت. از آثارش: «ادب الکاتب»، کتابی واژگانی است برای دبیران که پیشگفتار پرآوازه‌ی آن بیانیه‌ای فرنگی- سیاسی است؛ «کتاب الانواء» درباره‌ی گاهنامه اخترشناسی با اطلاعاتی درباره‌ی برجهای دوازده‌گانه، کهکشان راه شیری و پیکره‌های آسمانی که تمام متن کتاب باقی مانده است؛ «المعارف»، در شناخت و شرح رجال؛ «الشعر والشعراء» برگزیده‌ی شعر عرب به ترتیب زمان حیات شاعران که پیشگفتار آن بیانیه‌ی مکتب نئوکلاسیک شمرده می‌شود؛ «تفسیر غریب قرآن»، تفسیر واژگانی بر آیه‌های دشوار؛ «تأویل مختلف الحدیث»، بزرگ‌ترین اثر کلامی ابن‌قتیبه که در آن شرح اندیشه‌های دینی و سیاسی و باورهای وی آمده است؛ «تأویل القرآن»، در معانی و بیان و اعجاز قرآن؛ «عیون الاخبار»، مجموعه‌ی بزرگ ادبی؛ «غریب الحدیث»، شرحی لغوی بر حدیث از پیامبر (ص) تا معاویه؛ «اعلام النبوة»؛ «الامامة والسیاسة»؛ «جامع النحو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (280 /4)، ایضاح المکنون (506، 146، 134 /2 356، /1)، تاریخ مشاهیر کرد (7 /1)، تاریخ بغداد (170 /10)،

دائرةالمعارف البستانی (1/ 645)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (781 -775
6/)، روضات الجنات (5/ 100 -103)، ریحانه (8/ 152)، سیر النبلاء (297
-296 ،7 /12)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (130)، کشف الظنون (1724
760، 807، 1102، 1184، 1204، 1392، 1399، 1415، 1464، 1465،
722، 609، 575، 463، 335، 108، 47، 32)، الکنی والالقاب (387
-383 /1)، لسان المیزان (161 -158 /4)، معجم المؤلفین (402 /13
150، /6)، وفیات الاعیان (43 -42 /3)، هدیة العارفین (442 -441 /1).

ابن‌ماجه‌ی قزوینی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(273 -209 ق)، حافظ، محدث، مفسر و مورخ. برخی گفته‌اند که ماجه لقب پدر وی است نه جدش. ابن‌ماجه برای گردآوری حدیث به ری، بصره، دمشق، بغداد، حمص، شام مصر و حجاز سفر کرد. در دمشق از هشام بن عمار و عباس بن ولید خلاّل و در حمص از محمد بن مصفی و در عراق از ابوبکر بن ابی‌شیبه و احمد بن عبده و اسماعیل فزاری و دیگران حدیث شنید. محمد بن عیسی ابهری و ابوطیّب بغدادی و ابوعمرو احمد مدینی و ابوالحسن علی بن قَطّان از شاگردان وی بودند. وی سرانجام در قزوین درگذشت. آوازه‌ی او بیشتر به جهت کتاب «السنن» است که چهار هزار حدیث را در آن گرد آورده و یکی از کتابهای ششگانه «صحیح» در حدیث اهل سنت است. ابن‌ماجه خود گوید: چون کتاب «السنن» را بر ابوزرعه عرضه کردم، گفت: «گمان من آن است که اگر این کتاب در دسترس مردم قرار گیرد دیگر کتابها یا اکثرشان بی‌رونق شوند». از دیگر آثار وی: «تفسیر القرآن»؛ «تاریخ قزوین»، که گویا هر دو از میان رفته‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (15 /8)، تهذیب التهذیب (458 -457 /9)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (823 -822 /6)، دائرةالمعارف البستانی (673 /1)، دایرةالمعارف فارسی (22 /1)، ریحانه (183 /8)، سیر النبلاء (281 -277 /13)، کشف الظنون (1405، 1004، 439، 300)، الکامل (62 /6)، الکنی والالقاب (398 /1)، نامه‌ی دانشوران (342 -340 /4)، معجم البلدان (391 /4)، معجم المؤلفین (116 -115 /12)، الوافی بالوفیات (220 /5)، وفیات الاعیان (279 /4).

ابن‌مظفر شیرازی، جلال‌الدین، ابوالمیامن مسعود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 725 ق)، مفسر، واعظ، عارف و دانشور. وی نیای مادری ابوالعباس زرکوب شیرازی، نویسنده‌ی «شیرازنامه» و نیای سوم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شد الازار» بود. دوبار حج گزارد اما سعی کرد که مردم بر آن مطلع نشوند. او در مسجد آدینه‌ی سنقری وعظ می‌کرد و در بقعه‌ی شیخ کبیر درس حکمت می‌گفت. در شیراز سپرده شد. از تألیفات وی: «کتاب مفتاح الروایات و مصباح الحکایات»، کتابی در فضائل اهل‌بیت- علیهم‌السلام- در چهار مجلد، مشتمل بر دوازده باب. بعلاوه وی دارای تألیفات و مجموعات و اجازات و اسانید معتبر است که اکثر آنها از شیوخ پدرش بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (217)، بزرگان نامی پارس (407 -406 /1)، تذکره‌ی هزار مزار (132 -131)، شیرازنامه (179)، معجم المؤلفین (231 /12).

ابن‌مظفر شیرازی، زین‌الدین، طاهر

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف پس از 700 ق)، عالم، عارف، مفسر و محدث. برای تحصیل علم مسافرت بسیار کرد و صحبت مشایخ را دریافت. به تدریس و تربیت اهل علم علاقه داشت و چندین سال در سیر و سلوک و درس و افاده و وعظ بود. کتاب «جامع الاصول» مجدالدین ابن‌اثیر جزری را از قطب‌الدین محمود شیرازی روایت می‌کرد. او را مجموعه‌ها و اجازات از پدر خود در تفسیر و حدیث و فقه و تصوف و تاریخ است. در پایان زندگی سفری به جزایر خلیج فارس، کیش و هرمز، کرد. در بین راه چون به نماز شب نشست و برخاست می‌کرد، نگهبان قافله، به اشتباه، تیری به پیشانی او زد و به زندگیش خاتمه داد. جنازه‌اش را به شیراز آوردند و در بیرون دروازه فسا دفن کردند. از آثار وی: کتابی در فضیلت علم و شرف دانشمندان به نام «تحفة الحلفاء الی حضرة الخلفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (215 -214)، بزرگان نامی پارس (273 -271 /1)، تذکره‌ی هزار مزار (235 -231 ،22 -21)، شیرازنامه (179)، معجم المؤلفین (39 /5).

ابن‌مَعْقِل نسفی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 295 ق)، محدث و مفسر و فقیه حنفی. از مردم روستای سانج در نزدیکی نسف بود. «صحیح» بخاری را از مؤلف آن روایت کرد و از قتیبة بن سعید، ابوکریب، هشام بن عمّار حدیث شنید. فرزندش، سعید بن ابراهیم، و علی طَغامی و خلف بن محمد خَیّام از وی روایت کردند. ابن‌معقل چندی قاضی نسف (نخشب) بود و عالم آن سامان به حساب می‌آمد. از آثار وی: «المسند» در حدیث؛ «التفسیر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 70)، سیر النبلاء (13/ 493)، کشف الظنون (1685، 436)، معجم المؤلفین (1/ 115)، الوافی بالوفیات (4/ 149).

ابن‌مهریزد اصفهانی، ابومسلم محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(459 /457 -366 ق)، ادیب، مفسر و محدث معتزلی. معروف به ابومسلم اصفهانی. وی محدث اصفهانی و از بزرگان معتزله‌ی عصر خویش است. ابومسلم آشنای به عربیت و به گفته یحیی بن منده آشنای به نحو بود. او از شاگردان ابوبکر بن مُقْری بود و سعید بن ابی‌رجاء صیرفی و حسین خلّال و محمد بن حَمد کبریتی از وی روایت کرده‌اند. او شیخ و استاد اسماعیل بن علی حمامی است. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «جامع التأویل لمحکم التنزیل» یا «تفسیر قرآن»، تفسیر بزرگی در بیست مجلد؛ «جامع الرسائل»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (163 /7)، سیر النبلاء (147 -146 /18)، لسان المیزان (374 -373 /6)، معجم المؤلفین (50 -49 /11)، میزان الاعتدال (655 /3)، الوافی بالوفیات (131 -130 /4)، هدیة العارفین (71 /2).

ابن‌یزداد قمی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 305 ق)، فقیه، محدث و مفسر حنفی. از مردم ری بود. اما مدتی در نیشابور نیز زندگی کرد. از محمد بن شجاع ثَلْجی فقه آموخت و از محمد بن حمید رازی حدیث شنید. ابوبکر احمد بن سعد بن نصر و احمد کاغَدی از او روایت می‌کردند. چندی در نیشابور به املای حدیث می‌پرداخت. ابن‌یزداد در فقه دستی توانا داشت و از مشاهیر فقهای حنفی روزگار خویش بود. با اندیشه‌های شافعی مخالفت می‌ورزید و بر کتابهای او خرده می‌گرفت و بر اصحاب شافعی ردّیه می‌نوشت. از آثار وی: «احکام القرآن»؛ «اثبات القیاس والاجتهاد و خبر الواحد»؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (178 /5)، سیر النبلاء (237 -236 /14)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (384)، کشف الظنون (20)، معجم المؤلفین (251 -250 /7)، هدیة العارفین (675 /1).

ابوالبرکات کازرونی، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ ابوالبرکات تاج‌الدین محمد بن احمد بن ابراهیم مدنی شافعی کازرونی معروف به (حاج هراس) از دانشمندان قرن هشتم و نهم هجریست زیرا تولدش 757 و وفاتش 843 می‌باشد. تألیفات عدیده دارد که از آنهاست.
1- بحرالساده فی الاخلاق والادب (فارسی) 2- تفسیر القرآن 3- شرح التنبیه (تألیف ابواسحاق اسفراینی) 4- شرح فروع (ابن ابی‌الحدید) 5- شرح مختصر التنبیه (در سه جلد) 6- مختصر المعنی (للبارزی در فروع دین).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوالشیخ اصفهانی، ابومحمد عبدالله

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(369 -274 ق)، محدث، مفسر و رجالی. محدث اصفهان بود. وی از کودکی در جستجوی حدیث بود. از جد مادری‌اش، محمود بن فرج زاهد، و محمد بن عبدالله همدانی، رییس اصفهان، و ابراهیم بن رسته، و احمد بن رسته اصفهانی، و ابوالقاسم بغوی و علی بن سعید رازی، و محمد بن یحیی مروزی، و جعفر فریابی حدیث شنید. ابن‌منده و ابن‌مردویه و احمد بن عبدالرحمان شیرازی و سفیان بن حسنکویه و ابونعیم حافظ و محمد بن علی بن بهروز مرد و فضل بن محمد کاشانی و محمد بن علی بن سمویه و احمد بن محمد یزدی از وی حدیث شنیدند. ابن مردویه او را محدثی امین و مورد اعتماد دانسته است. وی شصت سال به تصنیف و تألیف اشتغال داشت. از آثا وی: «التفسیر»؛ «ثواب الاعمال»، در پنج مجلد؛ «السنن»؛ در چند مجلد؛ «السنة»؛ «طبقات المحدثین باصفهان و الواردین علیها»، در دو مجلد؛ «العظمة»، رساله‌ای در تاریخ.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (264 /4)، ریحانه (156 -155 /7)، سیر النبلاء (280 -276 /16)، کشف الظنون (1439 ،1407 ،1406)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالله)، معجم المؤلفین (114 /6)، هدیة العارفین (447 /1).

ابوبکر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عتیق بن محمد هروی سورآبادی، به قول حمداللّٰه مستوفی و حاج خلیفه معاصر الب ارسلان سلجوقی بود، و بنابرین در اواسط قرن پنجم زندگی می‌کرده است. وی مؤلف «تفسیر سور آبادی» (ه.م.) است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابوترابی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر ابوترابی، در سال 1318 هجری شمسی در شهر مقدس قم متولد شد. پدر بزرگوارش آیت الله سید عباس ابوترابی، فرزند آیت الله سید ابوتراب و مادرش دختر آیت الله سید محمد باقر علوی قزوینی است. حجت الاسلام ابوترابی تحصیلات ابتدایی تا پایان دوره دبیرستان را با موفقیت سپری کرد و در سال 1336، موفق به اخذ دیپلم ریاضی شد. پس از اخذ دیپلم با توصیه پدر بزرگوارش به تحصیل دروس دینی علاقمند شد و در سال 1337 به مشهد مقدس عزیمت نمود و در مدرسه نواب اقامت گزید. دروس مقدماتی و دوره سطح را با جدیت و تلاش شبانه روزی و استعدادی شگرف در حوزه علمیه مشهد گذراند و از اساتید بزرگی چون ادیب نیشابوری و مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی بهره های فراوانی برد. با آغاز نهضت امام خمینی (ره) در سال 42، همراه با حاج آقا مصطفی وارد جریانات سیاسی شد و در تظاهرات مردم قم در 15 خرداد سال 42، حضوری فعال داشت. در هجوم عوامل رژیم ستمشاهی به مدرسه فیضیه، مورد ضرب و شتم مأمورین شاه قرار گرفت. در پی تبعید حضرت امام (ره) به نجف اشرف، ایشان نیز به نجف مشرف و مشغول تحصیل شد و در محضر امام راحل(ره) از درس خارج فقه و اصول معظم له بهره مند شد. پس از حدود شش سال تحصیل در نجف، هنگامی که اعلامیه های امام خمینی (ره) را در کیف خود جاسازی کرده بود تا به ایران بیاورد، در مرز خسروی باز داشت شد و ساواک ایشان را به زندان قصر شیرین، سپس به زندان کرمانشاه و زندان کمیته مشترک و پس از آن به زندان اوین منتقل کرد و او را مورد شکنجه و بازجویی قرار داد. پس از آزادی از زندان، فصل جدیدی در فعالیتهای سیاسی ایشان آغاز شد و همراه با شهید مجاهد، سید علی اندرزگو علاوه برمبارزات سیاسی، به سازماندهی جهاد مسلحانه همت گماشتند و در این دوره بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفتند. مرحوم ابوترابی به واسطه حشر و نشر فراوان با شهید اندرزگو، عمیقاً با خصوصیات اخلاقی و صفات حسنه آن مجاهد فی سبیل الله آشنا شده بود و خاطرات بسیاری از او به یاد داشت. در توصیف شهید اندرزگو فرموده است که: "شهید سید علی اندرزگو، از یک اخلاق اسلامی در سطح بسیار بالا برخوردار بود و آن گونه بود که قرآن می فرماید: "... اشداء علی الکفار و رحماء بینهم". مرحوم

ابوترابی، با افرادی چون شهید رجایی ارتباط نزدیک و همکاری تنگاتنگی داشت و در جلسات ماهانه شهید آیت الله بهشتی شرکت می کرد و از نزدیک با آن شهید عزیز در زمینه جذب نیروهای فعال و تحصیلکرده همکاری داشت. وی همچنین با سایر مبارزان و علمای مجاهد دوران ستمشاهی، از جمله رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای همکاری و ارتباط داشت. با آغاز مبارزات انقلابی مردم ایران، او سر از پا نمی شناخت و خواب را بر خویش حرام کرده بود به طوری که خود ایشان می گفت: "در آن روزهای پر التهاب، کار ما سنگین بود و بسیار اتفاق می افتاد که در طول شبانه روز کمتر از یک ساعت می خوابیدیم". در جریان پیروزی انقلاب، فرماندهی گروهی از مردم که کاخ سعدآباد را به تصرف در آوردند به عهده داشت و امکانات و وسایل موجود در کاخ را مورد حفاظت قرار داده و تحویل مقامات ذی صلاح داد. ایشان همچنین با همکاری برادرشان حجت الاسلام سید محمد حسن ابوترابی، در تصرف پادگان لشکر قزوین نقش کلیدی داشتند و از خروج اسلحه و ادوات و تجهیزات جنگی ممانعت کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان رئیس کمیته انقلاب اسلامی قزوین به خدمت محرومان و مستضعفان پرداخت و پس از آن با رأی مردم، به عضویت شورای شهر قزوین انتخاب و رئیس شورا شد. همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، با لباس رزم به سوی جبهه رفت و در کنار شهید دکتر مصطفی چمران در ستاد جنگهای نا منظم به سازماندهی نیروهای مردمی پرداخت و شخصاً به ماموریت های شناسایی رزمی و دشوار می رفت. آزادی منطقه پر حادثه و خطرناک ((دب حردان)) به فرماندهی وی و در رأس یک گروه متشکل از یکصد رزمنده فداکار، یکی از اقدامات ایشان است. مرحوم ابوترابی سرانجام در روز 26 آذر ماه سال 59 در جریان یکی از مأموریتهای شناسایی که برای تکمیل شناسایی قبلی خویش انجام داد تا نیروهای ستاد جنگهای نامنظم آماده یک عملیات گسترده شوند، بر اثر اشتباه یکی از همراهان خود، در حالی که هفت کیلومتر از نیروهای خودی دور شده و تا 200 متری دشمن پیشروی کرده بود، هنگام بازگشت مورد شناسایی دشمن بعثی قرار گرفت و گرچه می توانست خود را از دام دشمن برهاند، اما چون قصد داشت همراهان خود را نجات دهد، با تانک و نفربر به تعقیب وی پرداختند و نهایتاً به اسارت دشمن در آمد. مرحوم ابوترابی پانزده ماه اول اسارت را در سلولهای زندانهای بغداد و تحت شدید ترین شکنجه ها گذراند و در اراده پولادین این مرد خدا خللی ایجاد نشد تا پس از سپری کردن سختی های فراوان و دو بار تا پای چوبه دار رفتن با لطف و رحمت الهی و امدادهای غیبی، ایشان به اردوگاه و جمع اسیران ایرانی منتقل شد. حجت الاسلام ابوترابی پس از حضور در جمع سایر اسیران، با رهبری حکیمانه خود و با

تمسک به ائمه معصومین (ع) و با معنویت و سعه صدر و حلم و بردباری فوق العاده مکر و حیله دشمنان بعثی را بی تأثیر نمود و شمع محفل ایران شد و در جهت تقویت روحیه مقاومت و ایمان آنان از هیچ اقدام و ایثاری دریغ نورزید. هدف و راه را به آنان نشان می داد و چون ابری فیاض، امید و ایمان را بر آنان می بارید. اردوگاههای عنبر، موصل1، 3، 4 و رمادیه و تکریت 5، 17، 18، و نیز سلولهای زندانهای بغداد شاهد خوبیها و مجاهدتهای خستگی ناپذیر آن عارف حکیم هستند. این عارف مجاهد، پس از ده سال اسارت سرانجام در سال 1369، همراه با خیل آزادگان سرافراز به میهن اسلامی بازگشت و به جای آنکه پس از سی سال مبارزه و تلاش طاقت فرسا به استراحت بپردازد، راهی دشوارتر را در پیش گرفت و همراهی آزادگان و پی گیری مشکلات آنان را وظیفه خود می دانست و در این راه تمام تلاش و توان خود را صرف کرد و در تاریخ 7/7/69 با حکم رهبر معظم انقلاب در جایگاه نماینده ولی فقیه در امور آزادگان قرار گرفت و تمام سعی خویش را به کار بست تا آزادگان، مایه عزت و تقویت نظام جمهوری اسلامی باشند. در دوره های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، با رأی بالای مردم قدرشناس تهران به عنوان نفر دوم و سوم مجلس راه یافت و در خانه ملت، با نطق های خود، مسئولین و کارگزاران نظام را به رعایت عدالت، توجه به توده مردم و حفظ ارزشهای دینی نمود. مرحوم ابوترابی، تقویت و دفاع از نظام اسلامی و ولایت فقیه را واجب می دانست و نسبت به شخص مقام معظم رهبری ارادت و اعتقاد ویژه ای داشت و اطاعت از ایشان و تقویت معظم له را در هر مجلس و محفلی متذکر می شد. آن مجاهد خستگی ناپذیر، سرانجام در تاریخ دوازدهم خرداد 79 در حالی که همراه پدر بزرگوارشان عازم مشهد مقدس و زیارت حضرت ثامن الحجج (ع) بودند، در جاده بین سبزوار و نیشابور، براثر تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد و ارواح آن عالمان وارسته از خاک به افلاک پر کشیده و به لقاء الله پیوستند. این بزرگوار در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا (ع) غرفه 24 به خاک سپرده شد.

ابوترابی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود ابوترابی آبندانسری
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1340 شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر ساری متولد شدم.
در سال تحصیلی 55 ـ 56 شمسی از کلاس سوم نظری به سبب اوضاع ناهنجار و نامساعد محیط دبیرستان، ترک تحصیل کردم. از آن پس تا سال 1358 به کار کشاورزی و مشاغل آزاد مشغول بودم، تا اینکه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال تحصیلی 58 ـ 59 توفیق ورود به حوزه علمیه قم را یافتم.
دروس مقدماتی تا سطح عالی را سال 1366 به پایان رساندم و از سال 67 در درس خارج اصول از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی و شیخ جواد تبریزی و شیخ جعفر سبحانی و در درس خارج فقه از محضر حضرات آیات عظام: شیخ جواد تبریزی و جوادی آملی و احمدی فقیه یزدی و برخی دیگر از بزرگان استفاده فراوان نمودم. در خلال سالهای مذکور حداقل یک سال از درس تفسیر حضرت آیت الله مشکینی و دو سال از درس تفسیر استاد فرزانه جوادی آملی با قرآن بیشتر آشنا شده و مأنوس گشتم، که ذوق حلاوت آن سبب شد تا در سال تحصیل 73 ـ 74 در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه شرکت نمایم، که به لطف حق تعالی در سال 76 ـ 77 دوره را به پایان رسانده، که مهر ماه سال 1384 از رساله سطح چهار (دکترا) با عنوان «پژوهشی در تفاسیر روایی شیعه» دفاع نمودم.
در خلال سالهای 61 تا 75 در دروس کلام، فلسفه و عرفان از محضر اساتید فرزانه و آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی آملی، عسکری گیلانی و انصاری شیرازی استفاده شایان بردم. همزمان با تحصیلات به فعالیتهای تدریسی، تحقیقی، تالیفی و تبلیغی در حد توان پرداختم و نیز در طول هشت سال دفاع مقدس حداقل به مدت یک سال توفیق حضور در جبهه های حق علیه باطل به شکل رزمی، تبلیغی را داشتم.

در حال حاضر با برخی از مراکز تحقیقی و نیز در مرکز جامعة الزهراء (س) در بخش امور پایان نامه به راهنمایی دانش پژوهان، همکاری دارم.

اثنی عشری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا حسین بن السید الجلیل المرحوم الحاج السید حاج آقا اثنی عشری اعتمادی از علماء ابرار و اتقیاء اخیار شهرستان ری (زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) است که به تقوا و پارسائی و تعصب در دین معروف و موصوف بوده‌اند.
وی در سال 1318 قمری در شهر ری متولد و در مهد تربیت مرحوم والدش که از روساء آستانه مقدسه و محترمین زاویه مقدسه بوده نشو و نما یافته و دروس جدید را به پایان رسانیده آنگاه بتحصیل مقدمات و ادبیات در مدرسه محمدیه تهران پرداخته و بعد از تکمیل آن در سال 1349 قمری به قم مهاجرت و سطوح را از اساتید حوزه چون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مد ظله فراگرفته و در دروس خارج مرحوم آیت‌اللّه حایری مقداری و پس از ایشان از محضر مرحومین علمین آیتین حجت و خونساری استفاده نموده و در سال 1362 قمری بوطن مذکور خود برگشته و بوظائف دینی پرداخته و در آستانه مقدسه اقامه جماعت و همه شب تبلیغ دین و تفسیر کتاب مبین نموده و در امر بمعروف و نهی از منکر بسیار ساعی و جدی و در این موضوع (لا یخافه لومه لائم) بوده تا در شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان 1384 قمری که در هنگام انجام وظیفه در بالای منبر بسکته قلبی بدرود حیات گفته و در رواق مطهر نزدیک درب حرم شریف مدفون گردیده است.
از آثار اوست تفسیر اثنی عشری در 14 جلد که در حیات آن مرحوم طبع و نشر گردیده و دیگری رساله‌ای در اخبار و احادیث و رساله‌ای در اصول عقاید که بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

احدی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی احدی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1354 وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را در حد تدریس فرا گرفتم، بطوری که پس از گذشت چهار سال، شرح بر هدایه بنام کتاب "الزبده" را نوشته و استاد مدرس افغانی تقریظ بسیار ارزشمندی را بر این کتاب نوشتند. دو نکته را در آنجا اشاره فرمودند:
1- بنده را بعنوان مجتهد در نحو و صرف تلقی دادند.
2- دیگران را در اخذ مسائل متقن نحوی، بر کتاب حقیر ارجاع داده اند. این دو نکته مایه تشویق بنده شد، بطوری که تدریس را در کنار تحصیل شروع نمودم. همواره از اساتید بسیار مجرب در اصول پایه نظیر استاد مصطفی اعتمادی استفاده نمودم، که تعلیقه فرائد الاصول را پس از اتمام رسائل شروع نمودم. پس از آن مکاسب را محضر استاد ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، و کفایة الاصول را نزد فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.
خارج اصول را نزد استاد وحید خراسانی به اتمام رساندم. خارج فقه را نزد آیة الله مرحوم حاج میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی استفاده نمودم. اشتیاق وافر به فلسفه و عرفان و تفسیر باعث شد که شرح منظومه را از محضر انصاری شیرازی و اسفار را از محضر جوادی آملی و حسن زاده آملی و نیز عرفان را از این دو بزرگوار فیض ببرم و هنوز ادامه دارد و اکنون مشغول تدریس اسفار و تمهید و کفایه و خارج اصول می باشم.
مباحث روانشناسی را مدت هفت سال با تحقیق و پژوهش ادامه دادم و به مقطع صاحب نظری رسیدم و اکنون در حد کارشناسی، استفاده می گردد. و این دانش باعث شد که در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی وارد شوم و از اطلاعات به روز استفاده کامل نمایم.
منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احمدزاده بزاز، عبدالمطلب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالمطلب احمدزاده بزاز
محل تولد : خرمشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
از سال 1360 وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) اهواز شدم. در زمان ورود به حوزه مدرک سال دوم تجربی را داشتم، تا سال 1365 در این حوزه درس خواندم. ادبیات را به طور کامل، معالم الاصول، شرح لمعه، اصول مظفر و قسمت قطع و ظن رسائل را در اهواز به پایان بردم. از سال 1365 به حوزه قم آمدم و تا سال 69- 68 باقیمانده سطح یعنی برائت و استصحاب، رسائل، مکاسب و کفایه را گذراندم. پس از آن همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی، باقیمانده دوره متوسطه را به صورت متفرقه خواندم.
درس خارج اصول از ابتدا بر اساس کفایة الاصول از سال 1369 شروع و در سال 1386 به پایان رسیده است. درس خارج فقه در سالهای 69 و 70 مباحث صلاة بوده است و پس از آن مباحث فقه المعاملات (از ابتدای بیع) بر اساس مکاسب شروع شده که تاکنون ادامه دارد.حدوداً ده سال همزمان با درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی از محضر درس خارج مباحث طهارت تا خمس (بر اساس عروه) حضرت حجةالاسلام حاج شیخ محسن وحید خراسانی نیز استفاده برده ام.
از سال 1371 جهت تحصیل در رشته حقوق وارد دانشگاه مفید شده ام که اکنون در حال تدوین رساله در مقطع دکتری می باشم. امتحان جامع نیز سپری شده است.
در زمان تحصیل دروس حوزوی، به صورت پراکنده از مباحث ادبیات گرفته تا فقه و اصول تدریس داشته ام که بیشتر آنها را در خاطر ندارم. پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد نیز دروس تخصصی رشته حقوق را از جمله در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز تدریس کرده ام.

احمدیان، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم احمدیان
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ابراهیم احمدیان در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شدم. نخست در مدرسه مرحوم آقای خلخالی (امام صادق علیه السلام) و سپس مدرسه امام خمینی (ره) و آن گاه در مدرسه مرحوم آقای گلپایگانی مشغول شدم.
دوره ادبیات را زیر نظر آقایان طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و نیز آقای آدینه وند و علیدوست گذراندم. همزمان در جبهه های جنگ نیز حضور داشتم و این موجب شد تا دوره ادبیات برایم اندکی طولانی شود. استادانم در فقه و اصول عبارت بودند از: آقایان اشتهاردی، پایانی و نامدار .
در سال 1370 به دانشگاه مشهد رفتم و در رشته ادیان و عرفان دوره کارشناسی را طی کردم. سپس در دانشگاه تهران با رتبه یک پذیرفته شدم و دوره را طی کردم. همزمان در درس خارج آقایان مرحوم خاتم یزدی و نیز آیت الله وحیدی شرکت جستم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی احمدیان
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مرتضی احمدیان متولد 1323 شمسی در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد شدم و در سال 1339 گواهینامه پایان تحصیلاتی خود را از دبستان شیخ بهائی گرفتم.
در سال 1341 ش طلبه شدم و در مدرسه الحجة نجف‌آباد مشغول تحصیلات دروس حوزوی شدم. جامع المقدمات را که در نجف آباد خواندم راهی حوزه علمیه قم شدم و به مدرسه حقانی وارد شدم. در آنجا مشغول خواندن کتاب سیوطی شدم. کتاب سیوطی، مغنی، مختصر، معالم، اصول الفقه رسائل، مکاسب و کفایه را در مدرسه حقانی خواندم. به اضافه دروس جنبی مانند: تاریخ اسلام، معارف، دروس عقائد، طبیعی (یک دوره فشرده طب) زبان، مکالمه عربی، المحاورات العربیه، زبان انگلیسی، شامل کتاب‌های دایرکت متد 1 و 2 و 3، اکسفورد و... تفسیر قرآن، تعلیم خط نستعلیق، ریاضیات، ادبیات فارسی و... و حدود سال 51 یا 1352 بود که پس از کفایه از مدرسه حقانی بیرون آمدم و به درس خارج مراجع آن وقت مانند آیت الله حاج آقا مرتضی حائری و آیت الله العظمی فانی اصفهانی و آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی گلپایگانی تلمذ کردم.
البته به درس آیت الله العظمی تبریزی و غیره نیز رفتم و در نجف اشرف که رفتم در سال 1347 و 1348 به قسمتی از درس ولایت فقیه امام خمینی (ره) هم رفتم البته در آن موقع اینجانب مشغول دروس سطح بودم اما پس از اینکه از نجف اشرف آمدم و ازدواج نمودم در مضیقه مالی بسیار شدیدی قرار گرفتم به طوری که نه کرایه منزل را می‌توانستم بپردازم و نه هزینه روزمره زندگی را، لذا مدتی مشغول روزه و نماز استیجاری شدم اما چون بسیار مشکل بود، رفتم به چاپخانه علمیه نبش کوچه آبشار قم و در آنجا خط خود را ارائه دادم و مشغول خطاطی کتب

علمی مانند آیات الاحکام آیت الله سلطانی و فقه الحج، و الشواهد المنتخبه مدرس افغانی و غیره شدم و در برابر هر صفحه سی خطی که به صورت رحلی بود فقط 3 تومان دریافت می‌کردم و تقریباً در آن موقع ماهی هزار تومان خطاطی می‌نمودم و با همین پول ناچیز توانستم منزلی هم در نیروگاه قم بسازیم و یادم هست یکماه کار کردم تا توانستم پرده کرکره اطاق را بخرم و بابت یک کتاب که نیاز داشتم سه روز روزه استیجاری گرفتم تا کتاب معراج السعادة نراقی را بخرم حالا چون اصل بر این بود که زندگینامه علمی به نگارش درآید لذا از زندگینامه سیاسی و غیره و کارهای سیاسی قبل از انقلاب و دستگیر شدن و زندانی شدن و... خودداری می‌شود. اینجانب در سال 1347 در نجف اشرف اولین کتاب خود را به زبان عربی نگاشتم و آن را به نام "دلیل الزائر" نام‌گذاری کردم .

دومین کتاب خود را به نام "زندگی زناشوئی" نوشتم که متأسفانه اولین کتاب در نقل و انتقال به ایران مفقود شد و کتاب دوم را طلبه‌ای که عازم کویت بود از من گرفت که بخواند و برگرداند ولی برد و دیگر آن را برنگرداند، و چون طبع شعر مختصری داشتم از این رو شهید محمد منتظری مجله فردوسی آن زمان را آورد که بخوانم و در شعر و ادبیات فارسی از آن بهره گیرم و علت توفیق یافتن به نوشتن این بود که روزی به اتفاق حجةالاسلام سید محمود دعائی از نجف اشرف راهی کربلا شدیم و در آنجا خدمت آیت الله العظمی سیدمحمد شیرازی رسیدیم ایشان هم ما را تشویق به نوشتن کتاب کرد، که اینجانب خدمت ایشان عرض کردم که ما طلبه‌ای مبتدی هستیم چه بنویسیم؟ ایشان فرمودند: «شما لازم نیست کتاب‌های علمی بنویسید بلکه می‌توانید از کتاب‌های مختصری که معارف اسلامی را به زبان ساده برای عوام بیان نماید شروع کنید و بنده کتاب‌های کوچک چند صفحه‌ای مانند: "اعرف الشیعه، من هم الشیعه" و... نوشته‌ام تا کتاب‌های بزرگ اینجانب هم با تشویق ایشان شروع به نوشتن کتاب کردم.

در نجف اشرف مقالات عربی می‌نوشتم و به مناسبت‌های مختلف در احتفالات می‌خواندم. یادم هست در آن زمان مقاله‌ای نوشتم به نام «مَن هُوَ الامام جعفر بن محمد الصادق (ع)» و داستان حمله نظامیان شاه به مدرسه فیضیه و قتل و غارت و دستگیری طلاب را هم در آن مقاله نوشتم و در جشن تولد آن حضرت خواندم، و چون علاقه به اشعار هم داشتم سه دفترچه 200 برگی از اشعار عربی و فارسی و مطالب متفرقه یادداشت کردم که دو جلد کتاب کشکول قسمتی از آنهاست، و از شدت علاقه به نوشتن صبح که شروع به کار می‌نمودم ناگاه می‌دیدم ظهر شده و هیچ احساس خستگی نمی‌کردم.

اکثر کتابِ‌هایی که نوشته‌ام به سفارش ناشرین و غیره بوده است،

مخصوصاً ترجمه‌ها و خطاطی‌ها تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. و شاید این به خاطر توجه و گوشه چشمی است که حضرت به اینجانب نموده باشد

اوائل طلبگی نمی‌دانم حالا خواب دیدم یا حالت شهود بود که در پشت بام منزل دیدم حضرت ولی عصر(عج) نشسته و شمشیر دو دم «ذوالفقار» را بر زانوی خود نهاده و کاغذی پیچیده شده به صورت لوله‌ای در دست دارد و ما چند طلبه بودیم دو زانو حلقه‌وار در جلو ایشان نشسته بودیم و هرگاه با هم صحبتی می‌کردیم ایشان چیزی بر روی آن طومار و کاغذ می‌نوشت و ما طلاب از وحشت دیگر قادر بر سخن گفتن نبودیم، و خانم بنده نقل می‌نماید که قبل از اینکه من شوهر کنم در نجف‌آباد بودم و چون در آن زمان منازل، آب لوله‌کشی نداشت ما می‌رفتیم از قنات آب می‌آوردیم، قناتی در نجف‌آباد است به نام شیر بچه که با سطح زمین تقریباً چهار متر و خورده‌ای فاصله داشت که هم‌اکنون هم هست و از آبش مردم استفاده می‌کنند، خلاصه می‌گوید رفتم آب بیاورم دیدم سیدی نورانی بر روی آب نشسته و جا نماز خود را پهن نموده و بر روی قبله نشسته است تا من نگاه کردم او به من نظر فرمود، من هم چون به حد بلوغ نرسیده بودم از دیدن منظره دلهره و اضطراب مرا گرفت و رفتم به مادر خود و دیگران گفتم، آنها نگاه کردند و چیزی ندیدند، باز من نگاه کردم و حضرت را دیدم و به آنها گفتم، آنها باز نگاه کردند و چیزی ندیدند، من به همسرم گفتم، حضرت به تو توجه نموده است.

اخوان طبسی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد اخوان طبسی
محل تولد : طبس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمداخوان طبسی در سال 1354 یا 1355 بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم.
بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیه و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.
برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد اخوان طبسی
محل تولد : طبس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمداخوان طبسی در سال 1354 یا 1355 بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم.
بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیه و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.
برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

ادیب بهروز، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن ادیب بهروز
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/9

اذکائی، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز اذکائی، به سال 1318 در همدان زاده شد.تحصیلات خود را در آن شهر و تهران و سپس دانشگاه منچستر (انگلستان) ادامه داد. مطالعات وی به طور عمده در تاریخ و فلسفه است. کتاب"الآثار الباقیة عن القرون الخالیة" پرویز اذکایی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : تاریخ و فلسفهتحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز اذکائی تحصیلات خود را درهمدان و تهران و سپس دانشگاه منچستر (انگلستان) ادامه داد. مطالعات وی به طور عمده در تاریخ و فلسفه است.جوائز و نشانها : کتاب"الآثار الباقیة عن القرون الخالیة" پرویز اذکایی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : پرویز اذکائی در رشته‌های کتاب شناسی و رجال شناسی و تاریخ علم نیز دارای تألیفات است. تاکنون 340 عنوان اثر، شامل 30 کتاب، 60 رسالة علمی مفصّل و گفتارهای بلند و کوتاه در دائرةالمعارف‌ها و نشریات معتبر، از وی به چاپ رسیده است. چند اثر مشهور وی از این قرار است: زندگینامة بیرونی (ترجمه)، کارنامة بیرونی (تألیف)، فرمانروایان گمنام (تاریخ)، رسالة قبّةالارض ایرانی (هیأت و نجوم)، رسالة زروانی (علمای اسلام)، مفاتیح الاسرار (تفسیر شهرستانی)، تاریخ نگاران ایران (ج1)، ابوریحان بیرونی (آراء و افکار)، خاندان شاهیة خوارزم (رساله)، فهرست ماقبل الفهرست (2 ج)، تبارشناسی درایران (رساله)، الآثار الباقیه بیرونی (تحقیق و تعلیق)، حکیم رازی (نظام فلسفی)، طب روحانی (رازی)، ماتیکان عین القضات همدانی، فهرست نسخ خطی همدان، فرهنگ مردم همدان، مورّخان همدان، ناموران همدان، قراگزلوهای همدان، علویان همدان، میرسید علی همدانی (احوال و آثار)، رسالة حکیم الهی همدان (عین‌القضات)، باباطاهر نامه (هفده گفتار)، رسالة عراق عجم (در عهد ایلخانان)، درگزین تا کاشان (سه گفتار)، کتاب شناسی همدان، تاریخ معاصر همدان، راهنمای همدان، گفتارهای مغان، مادشناسی و همدان‌نامه (بیست‌گفتار دربارة مادستان).

آثار : الآثار الباقیة عن القرون الخالیة ویژگی اثر : تحقیق،این کتاب ، در

دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:الآثار الباقیة عن القرون الخالیة/ تألیف ابی‌ریحان محمّـدبناحمد البیرونی؛ تحقیق و تعلیق پرویز اذکائی. ـ تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، 1380. کط، 895ص.: جدول، نمونه، نمودار.کتابنامه: ص [749]-771؛ همچنین به صورت زیرنویس. به اعتقاد برخی از محققان، الآثار الباقیة، شاهکار دانشمند و محقق بزرگ ابوریحان بیرونی و مایة افتخار مسلمانان، خاصّة ایرانیان است. این کتاب به دلیل داشتن مطالب با ارزش بسیاری دربارة تقویم و گاه¬شماری ملل مختلف، جشن‌ها، اعیاد، ایام شادمانی و روزهای غمناکی اقوام گوناگون، مراسم فرقه¬های مذهبی، نکات تازه‌ای در تاریخ شاهان بابل و ایران و روم و ...، مطالبی مهم در باب کتب مقدس، یهود، صابئیان، زرتشتیان، مانویان، مزدک، حلاّج و ... از اهمیت بسیار برخوردار است. به همین سبب، نخستین بار، 125 سال پیش، ادوارد زاخائو (خاورشناس بزرگ آلمانی) آن را با مقدمه‌ای عالمانه در لایپزیگ (آلمان) در سال 1878م. تصحیح و چاپ کرد. وی که به اهمیت این کتاب پی‌برده بود، سال بعد (1879) آن را به انگلیسی ترجمه کرد و با حواشی و شروح بسیار در لندن منتشر ساخت. اما آنچه تصحیح و چاپ مجدد آن را ضروری ساخته، دستیابی به سه نسخة خطی نسبتاً کهن است که حکایت از تجدیدنظر و تکمیل به دست ابوریحان دارد. تصحیح متن حاضر، افزون بر نسخة تصحیح شدة زاخائو (بر اساس نسخ موجود در لندن، پاریس و ...) با مقابلة چند نسخة دیگر از کتابخانه‌های «عمومی» استانبول، «توپقاپوسرای» استانبول و «دانشگاه ادینبورگ» انگلستان که زاخائو آن‌هارا ندیده بود، صورت گرفته است. این اثر گرانسنگ که از اعتبار جهانی برخوردار است و همواره مورد استناد و مراجعة محققان بوده، با ویرایشی دقیق و تحقیقی جامع به اهتمام استاد اذکائی، از بیرونی شناسان معاصر، که سالیان متمادی دربارة احوال و آثار بیرونی قلم می زند، سامان پذیرفته است. از ویژگی‌های این کتاب، علاوه بر مقدمة تحقیقی، تعلیقات آن، یعنی حجمی افزون بر ثلث کتاب حاضر است که مشتمل بر پانصد و بیست یادداشت مفید و عمیق کوتاه و بلند است که برخی از آن‌ها حاصل کار زاخائو و برخی دیگر، حاصل کار محقق کتاب است و هر یادداشت با نام پژوهشگر آن متمایز شده است. از دیگر امتیازات این چاپ، فقره‌بندی و شماره گذاری عبارات، تنظیم دقیق جدول‌ها و نیز فهارس فنّی و نمایه‌های ضروری و کارآمد است که بر اعتبار آن افزوده است. 2 زندگینامة بیرونی (ترجمه) 3 فرمانروایان گمنام (تاریخ) ویژگی اثر : رساله4 کارنامة بیرونی (تألیف) منابع زندگینامه http://www.iranologyfo.com:/

اردبیلی، جمال‌الدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 647 ق)، مفسر، فقیه و نحوی. از اهالی اردبیل بود. وی مؤلف کتاب «شرح انموذج» زمخشری است که از قرن هفتم تاکنون از کتب درسی حوزوی بوده و در مجموعه‌ی «جامع المقدمات» برای تعلیم مبتدیان علوم عربی آمده است. از دیگر آثار وی: حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر؛ «الانوار»، در فقه شافعی. صاحب «هدیة العارفین» اردبیلی را با نادری رومی، معروف به غنی‌زاده، شاعر ترک زبان قرن دهم و یازدهم، اشتباه کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 80)، تاریخ ادبیات در ایران (3/ 290)، ریحانه (1/ 425)، کشف الظنون (185)، معجم المؤلفین (10/ 178)، هدیة العارفین (2/ 275).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا استادی مقدم
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1316/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله رضا استادی مقدم (تهرانی) در سال 1316 در تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج خداداد که در سال 1372 دار فانی را وداع گفت، مردی متدین و اهل خیر بود که هماره فرزند خود را در مسائل معنوی و مادی کمک می‌کرد. او در قبرستان وادی‌السلام قم در مقبره‌ای که خود تهیه کرده بود، مدفون است.
آیةالله استادی در سن هفت سالگی به دبستان رفت و در دوازده سالگی تحصیلات دوره ابتدایی را به پایان رساند. پس از آن تا شانزده سالگی به کار و کسب مشغول بود. در شانزده سالگی به وساطت دو نفر از مؤمنان، به مسجد امین الدوله بازار تهران و مدرسه علمیه مروی رفت و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. حدود چهار سال از عمر طلبگی خود را در تهران سپری کرد و سپس به حوزه علمیه قم شرفیاب شد و در دروس دوره سطح شرکت می‌کرد. سپس حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و از محضر استادان برجسته روزگار خود بهره برد. او دو بار به عتبات عالیات مشرف شده بود که نخستین بار آن در دوران کودکی و بار دوم در دوران تحصیل بود و چند ماه به طول انجامید که در طی این چند ماه در درس خارج برخی از استادان آن دیار نیز حاضر شد.
آیةالله استادی در طی این سالها، شوق فراوانی به گردآوری کتب و مطالعه آنها داشت که این مسأله، بعدها در شکل‌گیری روحیه پژوهشگری او تأثیر بسزایی داشت. همچنین در این سالها در درس اخلاق استادان حوزه علمیه تهران و قم حاضر می‌شد.
آیةالله رضا استادی در سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیاری را درک کرد. او در حدود چهار سال در تهران، از محضر آقایان حاج شیخ عبدالکریم حق شناس امام جماعت مسجد امین الدوله، حاج شیخ احمد مجتهدی امام جماعت مسجد حاج ملاجعفر، مرحوم حاج شیخ هادی مقدس

واعظ، مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی امام جماعت مسجد بزازهای تهران و... استفاده کرد. در قم نیز در چند سالی که دروس دوره سطح را می‌خواند به درس آیةالله ستوده، آیةالله میرزا حسین نوری، آیةالله خزعلی، آیةالله محمدی شاه‌آبادی، آیةالله جعفر سبحانی، آیةالله منتظری، آیةالله مکارم شیرازی، آیةالله سلطانی بروجردی، آیةالله آذری قمی رفت و از درس ایشان بهره برد.
در ضمن در درس اخلاق و توسل مرحوم آیةالله حاج شیخ عباس طهرانی و مرحوم حاج آقا حسین فاطمی شرکت کرد. با پایان یافتن دوره سطح نیز به دروس خارج آیات عظام مرحوم سید حسن فرید اراکی، مرحوم سید محمد محقق داماد یزدی، مرحوم سید محمدرضا گلپایگانی، مرحوم سید کاظم شریعتمداری، مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و آیةالله حاج سید موسی شبیری زنجانی رفت و در چند ماهی که در نجف حضور داشت، در درس خارج امام خمینی (ره)، آیةاللهالعظمی خویی (ره) و شهید سید محمد باقر صدر (ره) شرکت جست. او در سالهای تحصیل خود که نزدیک به بیست سال بود، با برخی از فضلا و بیش از همه با آیةالله سید محسن خرازی درسها را مباحثه می‌نموده است و در طی این سالها، خود از تدریس دروسی که خوانده بود، غافل نماند. ایشان از باب تیمّن و تبرک از مرحوم آیةالله سید مصطفی صفایی خوانساری و مرحوم آیةالله شیخ محمد تقی تستری (مؤلف قاموس الرجال) و آیةالله نجومی اجازه روایت دریافت کرد.
آقای استادی تا به امروز فعالیتهای فرهنگی بسیاری را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او در طول سالهای متمادی به تدریس کتابهای شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب، رسائل، کفایه، و نیز اصول عقاید و تفسیر پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورانده است.
از آغازین سالهای تحصیل، به امر تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط گوناگونی رفته و مردم آنجا را ارشاد نموده است. همچنین در برخی سمینارها و همایشهای علمی، مانند کنگره شیخ انصاری، شیخ فضل الله نوری، رشیدالدین میبدی، سید حسن مدرس، میرزاکوچک خان، سید شرف الدین و کنگره امام رضا (ع) و نیز همایش اقتصاد اسلامی به ایراد سخن پرداخته است. از کارهای مهم ایشان در این عرصه تهیه، تنظیم و چاپ آثار سه کنگره عظیم شیخ مفید، مقدس اردبیلی و آقاحسین خوانساری است که حدود 5 سال، بیشتر اوقات ایشان را به خود مصروف داشته است. پس از آن نیز تنظیم آثار کنگره فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان و چاپ آن به عهده ایشان بوده است.
آیةالله استادی سه سال مدیر حوزه علمیه قم و پنج سال سرپرست کتابخانه مسجداعظم بود و چند سال است که عضو شورای عِالی حوزه

علمیه قم می‌باشد. او حدود شش سال از اعضای هیأت امنای دائرةالمعارف اسلامی، سه سال از اعضای مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی بود و حدود سی سال است که به همراه آیةالله خرازی، در هیأت مدیرة مؤسسة در راه حق می‌باشد. وی از سال 1350 تاکنون در کنار درس، به تألیف، تصحیح و ترجمه نیز اشتغال داشته است.
آیةالله استادی تاکنون حدود 150 مقاله نگاشته که پس از چاپ در مجلاّت به صورت کتابهایی با نام‌های مختلف تجدید چاپ شده که در بخش تألیفات ایشان یاد شد. وی کتب بسیاری را تصحیح نموده است که از جمله می‌توان الکافی فی الفقه، تقریب المعارف، نفس المهموم، دو جلد از جواهر الکلام، المسلک محقق حلّی، 9 رساله از محقق حلّی، منهج الرشاد، هفده رساله فارسی، چهارده رساله عربی، سی رساله مرحوم آقامیرزا احمد آشتیانی را نام برد.
همچنین وی بر چاپ کتب بسیاری نظارت داشته است که از جمله آنها به میزان الطالب، چهارده جلد از تفسیر نور، التوازن الاسلامی، الحکومت الاسلامیه فی روایات الشیعه و چند جلد از تألیفات آیةالله العظمی اراکی را می‌توان اشاره کرد.
آیت‌الله استادی در پیش از انقلاب، دوشادوش مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه پرداخت و پس از انقلاب به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. وی همواره به تبعیت از راه امام خمینی(ره) و حمایت از رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته و هماره دستاوردهای انقلاب را که همانا حاصل خون هزاران شهید بوده، پاس می‌داشته است.

اسدی نسب، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی اسدی نسب
محل تولد : بروجرد
شهرت : اسدی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب تا کلاس اول علوم تجربی (دبیرستان) را به صورت شبانه خواندم.
در سال 56 وارد حوزه علمیه بروجرد شدم و در سال 59 وارد حوزه علمیه قم گردیدم، تا سال 67 دروس سطح را به اتمام رساندم و وارد دروس خارج شدم.
از سال 70 تا 73 (به مدت چهار سال) در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شرکت نمودم و از اساتیدی چون آیة الله معرفت، مکارم، خزعلی، شب زنده دار و دیگران بهره مند شدم و رساله سطح چهار را با موضوع قرآن و سکولاریسم با راهنمایی آیة الله غروی و مشاوره حجة الاسلام غرویان انجام دادم و دفاع کردم.
از آن زمان تاکنون مشغول تدریس و تحقیق می باشم که به آنها اشاره می کنم:
الف: فلسفه، تدریس بدایه و نهایه ب: ادبیات عرب، تدریس سیوطی و جامع المقدمات ج: تفسیر، تدریس المیزان مجمع البیان و علوم قرآن در حوزه و دانشگاه علامه طباطبائی د: اصول، رسائل و کفایه ه: فقه، مکاسب و لمعه.
در زمینه تحقیقاتی:
الف: نوشتن کتبی در زمینه علوم قرآن مثل جامع البیان فی الاحادیث المشترکه حول القرآن حدود 650 صفحه ب: مناهج التفسیر از دیدگاه شیعه و سنی به میزان 550 صفحه ج: قرآن و سکولاریسم برای دانشجویان د: اشتغال به تفسیری روان برای جوان در یک جلد که هم اکنون مشغول آن هستم. ه: نوشتن مقالات مختلف در زمینه علوم قرآن که به برخی از آنها اشاره شد. و: ترجمه برخی از آثار و مقالات از جمله ترجمه جلد اول تفسیر " المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید " به میزان 600صفحه و هم اکنون نیز با سمت عضو هیات علمی گروه قرآن

پژوهی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ' مشغول نوشتن تفسیر کامل فارسی روان و تک جلدی می باشم که امید است در سال 1390 به اتمام برسد. این تفسیر طوری طراحی شده است که بتواند حدود هفتصد هزار کلمه در خود جای دهد.

اسدی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اسدی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی اسدی در سال 1348در یکی از روستاهای اطراف زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی راهنمایی و دبیرستان را در زنجان گذراندم. سال 1365 وارد حوزه علمیه شده و سطح یک حوزه را در زنجان و تهران به پایان رساندم. در سال 1371 وارد حوزه علمیه قم شدم.
همراه با درسهای حوزه تا مقطع خارج فقه و اصول در مقطع کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) فارغ التحصیل شدم. در سال 1380 از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان "مواجهه آیات و روایات با جنبه های منفی فرهنگ پذیری" دفاع کردم. پایان نامه یاد شده در سال 1382 از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور به عنوان پژوهش برتر دینی سال انتخاب و در پنجمین همایش تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین موفق به دریافت لوح تقدیر و جایزه شد و هم اکنون در دست پاره ای اصلاحات است تا از سوی موسسه امام خمینی (ره) منتشر شود.
از سال 1379 در زمینه تالیف و ارزیابی با دایرة المعارف قرآن کریم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) همکاری دارم، بیش از20 مقاله برای دایرة المعارف مزبور نوشته ام. از سال 1382 تاکنون مدیر گروه ادیان دایرة المعارف هستم، همچنین عضو هیات علمی و عضو شورای علمی گروه دایرة المعارف ها در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی می باشم .

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کاظم اسدی
محل تولد : بصره
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
نشات احب الشعر و الرسم و الخط و قراءت القرآن الکریم و الکتب الدینیه خاصه التی فیها ذکر مولانا الحجه بن الحسن المهدی (علیه الصلاه و السلام) و حفظت المزید من القصائد الشعریه و الفت العرید من القصائد الشعریه و کذلک فی مجال الرسم، و کان لی شغف بتعلم علوم اهل البیت (ع) منذ الصغر و حاولت منذ البدایه و تمنیت ذلک کثیرا ان اکون طالبا طیله حیاتی و قد رزقنی الله ذلک بعد عناءکبیر. و کنت اعشق المنبر و قراءت العزاء الحسینی و قد رزقنی الله عز وجل ذلک بعد جهد جهید.- درست الابتدائیه و المتوسطه والثانویه فی محافظه البصره بتفوق وکنت اعظی من الامتحانات النهائیه بسبب التفوق. - درست معهد الکترونیک و تخرجت من الاوائل. - تم ایفاوی الی ایطالیا – روما و فلورنسا و اکملت فیها دراسه الالکترونیک و تخرجت بتفوق و بدرجه ممتاز. - درست اللغه الایطالیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الایطالیه لمده سنتین فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیه لمده سنتین فی البصره. - بدات بدراسه الحوزه المبارکه فی سنه 1985 م فی عهد السید الخوئی (رض) و لکن بصوره سریه. - ارتبطت بالسید ابوالقاسم الخوئی و کنت احمل الخمس الیه من البصره و الاحکام الشرعیه و غیرها. - درست فی معهد الامامین الحسنین (ع) للخطابه لمده (4 سنوات). - درست فی حوزه دائره العلوم الاسلامیه المقدمات و السطوح. - درست فی جامعه آل البیت العالمیه لاکمال الماجستیر(کارشناسی ارشد) لمده ثلاث سنوات. - درست البحث الخارج فقها و اصولا فی مدرسه الحجتیه. - درست البحث الخارج فقها و اصولا فی منتدی جبل عامل(حوزه لبنانیها). - درست الفلسفه و الاصول و العرفان النظری علی ید آیت الله السیدکمال الحیدری(حفظه الله). - درست الاصول (بحث خارج) علی ید السید علی رضا الحائری. -

درست الفقه و الاصول (بحث خارج) على يد آيت الله الشيخ فاضل المالکى من 1384-1382 . - توجهت للکتابه و التالیف و خاصه فى مجال الادیان و القصائد و لى بحوث و کتب و مقالات فى القرآن الکریم و العهدین (الکتاب المقدس) و السیره و التاریخ و القصائد و عقائد الادیان السماویه. - تم طبع ثلاث کتب لحد الان و لکن طبع محدود على حسابى الخاص. - لى عشره کتب جاهزه للطبع مبتکره. - تم تکلیفى شخصیا بکتابه کتب خاصه فى مواضیع خاصه و مهمه و تلائم روح العصر و ذلک من قبل بعض العلماء و الاساتیذه الکبار فى قم المقدسه و لازالت هذه الکتب تحت الید اسال الله عز و جل التوفیق بانجازها. و الحمد لله رب العالمین و صلى الله على محمد وآله الطیبین الطاهرین.

اسفراینی طوسی، ابوالمظفر شاهفور، طاهر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 471 ق)، فقیه، اصولی، مفسر و متکلم شافعی. از بزرگان عصر خویش بود و در فنون مختلف دست داشت. وی داماد استاد ابومنصور بغدادی بود. او از ابن مَحمِش و اصحاب اصم نقل حدیث کرده و زاهر شحّامی از شاگردان او بوده است. در «طبقات الشافعیة» و به تبع آن «الاعلام» و «تاریخ نظم و نثر» و همچنین در جلد چهارم «معجم المؤلفین» از وی به عنوان فرزند طاهر یاد شده است. ابوالمظفر در طوس درگذشت. از آثار وی: «التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجیة عن الفرق الهالکین»؛ «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم»، تفسیری از قرآن به زبان فارسی؛ «الاوسط» در ملل و نحل؛ کتابی در «اصول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 260)، تاریخ نظم و نثر (117)، سیر النبلاء (18/ 401- 402)، کشف الظنون (1820، 442، 340، 268)، لغت‌نامه (ذیل/ اسفراینی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 471)، معجم المؤلفین (38 /5، 310 /4)، هدیة العارفین (1/ 430).

اسکندرلو، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد اسکندر لو
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/2
زندگینامه علمی
بنده در سال 1340 در شهرستان همدان در یک خانواده مذهبی متولد شدم. در سال 1356 به منظور فراگیری معارف و علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. ادبیات عرب، منطق و علوم بلاغی را (60 ـ 1356) در مدرسه مبارکه رضویه خواندم. لمعتین (63 ـ 61) را نزد آیت الله اشتهاردی و استاد شماعی همدانی، رسائل و مکاسب (67 ـ 64) را نزد آیت الله اعتمادی و آیت الله علوی گرگانی، کفایتین (69 ـ 67) را نزد آیت الله اعتمادی، خارج فقه (80 ـ 70) را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله نوری همدانی خارج اصول (78 ـ 70) را نزد آیت الله فاضل و آیت الله مکارم شیرازی.
تحصیلات دانشگاهی:
مقطع کارشناسی الهیات و معارف اسلامی (74 ـ 71) موسسه در راه حق.
مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآنی (78 ـ 74) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث (83 ـ 79) تربیت مدرس دانشگاه قم.
ملاحظات: در مهر ماه 1378 از پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "نقد و ترجمه مدخل قرآن از دایرة المعارف دین" دفاع نموده و امتیاز 20 را احراز کردم و در سال 1379 در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کرده و با کسب رتبه اول پذیرفته شدم. در تاریخ 22/ 3/ 82 موضوع پایان نامه دکتری بنده تحت عنوان "نقد و بررسی تحقیقات خاور شناسان در زمینه تاریخ گذاری آیات و سور قرآن" به تصویب رسید و در تاریخ 15/ 10/ 83 مورد دفاع قرار گرفت و با درجه عالی و امتیاز 5 /18 پذیرفته شد.
فراگیری زبان انگلیسی:

الف) دوره عالی زبان انگلیسی مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال 1365 (طی 700 ساعت آموزش) که در تاریخ 31/ 4 / 66 گواهینامه آن را (ممهور به مهر مرکز زبان های خارجی دانشگاه تهران، مرکز زبان های خارجی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) است، دریافت نمودم.

ب) در سال 1369 جهت تقویت مکالمه زبان انلگیسی، کلاس های آن را در زبانکده انگلیسی (ای. اچ. پ) پشت سر نهاده و موفق به اخذ دیپلم زبان (با امتیاز 20) گردیدم.

ت) اخذ گواهینامه مترجمی زبان از نیروی دریایی پاکستان (1370)

ملاحظه: در سال 1370 از سوی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عازم بندر کراچی پاکستان شدم و در طی مدت شش ماه در جمع برادران سپاهی که جهت گذراندن دوره تخصصی زیر دریایی به نیروی دریایی پاکستان اعزام شده بودند، به عنوان مبلغ و مترجم زبان انگلیسی حضور داشته و در پایان دوره موفق به اخذ گواهینامه مزبور شدم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی اسلامی پناه
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب هادی اسلامی پناه در سال 1337 در شهر کربلا و در یک خانواده روحانی بدنیا آمدم . تحصیلات ابتدائی را در مدارس عراقی گذرانده ، از همان زمان با حوزه کربلا و نجف آشنا شدم . در سال 1351 از کربلا اخراج شده و در قم سکونت کردم . در سال 1352 وارد حوزه علمیه قم شده ، در مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس مقدمات را طی نمودم . از دروس سطح ، رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان رساندم. در همان زمان در سال 1359 وارد موسسه در راه حق شدم و دوره چهار ساله را طی نمودم . بیشتر درسها را نزد استاد مصباح یزدی و آیت الله معرفت و استاد فیاضی گذراندم . در سال 1373 پایان نامه خود را به راهنمائی استاد اعرافی دفاع کردم . از همان زمان در بخش تاریخ و سیره اهل بیت (ع) ، با دفتر تبلیغات اسلامی همکاری خوبی داشتم و عضو گروه زن در اندیشه اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شدم و این دو کار تا سال 1380 ادامه داشت . از سال 1380 در مدارس وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس علوم قرآن ، تفسیر و فقه پرداخته و هم اکنون نیز ادامه دارد .

اشراقی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1368 -1313 ق)، عالم، مفسر، خطیب و شاعر. حجت‌الاسلام اشراقی در قم متولد شد. مقدمات و سطوح را نزد پدرش و سایر مدرسین مانند حاج شیخ ابوالقاسم کبیر فراگرفت و عمده‌ی تحصیلات خود را نزد آیت‌اللّٰه حائری به پایان برد و از برجسته‌ترین شاگردان وی بود. او سرانجام به مقام اجتهاد نایل آمد و در فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان صاحب‌نظر گردید. در حیات آیت‌اللّٰه حائری به تدریس فقه و اصول و حکمت و کلام پرداخت. اشراقی طبع شاعری نیز داشت. در تهران درگذشت و در قم در مسجد بالا سر دفن شد. از آثار وی: «تفسیر سوره‌ی یوسف» و «تفسیر سوره‌ی اعلی و ن والقلم». آثار دیگری از او بجا مانده که به چاپ نرسیده از جمله: «اربعین»؛ تقریرات فقه «مکاسب» آیت‌اللّٰه حائری؛ و تعلیقاتی برکتب فقهی و اصولی.[1]
میرزا شهاب‌الدین بن العالم الجلیل و الخطیب الجمیل میرزا محمدتقی اشراقی یکی از افاضل حوزه و حفید مرحوم آیت‌الله ارباب می‌باشد.
در سال 1302 شمسی در شهر مذهبی قم به دنیا آمده و اوان کودکی را در مهد تربیت والد ماجد خود گذرانیده و تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم موفق شده و به زبان فرانسه مسلط گردیده و ضمنا علوم قدیمه ادبیات و منطق را نزد والد خود خوانده و پس از آن در سال 1321 شمسی رسما در سلک روحانیت درآمده و در مدت سه سال سطوح فقه و اصول را نزد اساتید حوزه تمام نموده و درس خارج را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی شروع کرده و در سن بیست و پنج سالگی پدر را از دست داده و یکسال پس از آن با وصلت کردن با مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی... پدر روحانی بزرگی خداوند تعالی نصیبش فرموده که از محضر درس و جلسات خصوصی وی بهره‌های وافری برده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و مدت دوازده سال تمام از محضر آیت‌الله... (ابوالزوجه) خود خوشه‌چینی کرده و در ضمن در رشته معقول از اساتید فن استفاده نموده و در فن تفسیر از محضر درس پدر و زحمات فراوانی که خود متحمل گشته مهارت تامی پیدا نموده و هم به تدریس فقه و اصول اشتغال دارد از تالیفات ارزنده مطبوع ایشان کتب زیر می‌باشد:
1- پاسداران وحی که در بحث امامت کتاب کم نظیریست که با معیت

آقای محمد فاضل نوشته است.
2- چهره‌های درخشان بحث در آیه تطهیر 3- سخن حق در تفسیر در 20 مجلد که دو مجلد آن به چاپ رسیده است اما کتب چاپ نشده ایشان 1- دانستنیهائی از اسلام 2- شرح بر عروةالوثقی که کتاب طهارت آن تکمیل است و در نظر دارد دماء ثلاثه را که کتاب مستدل نفیسی است علیحده چاپ نماید 3- فی الاحوط والاقوی که فتاوی مراجع را بر حاشیه عروه مورد بحث قرار داده است.
میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمد ارباب یکی از علماء و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سال 1313 ق در قم متولد شده و در مهد تربیت پدری چون مرحوم علامه ارباب نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از والد خود و سایر اساتید و آیات عظام قم مثل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگران آموخته تا در سلک شاگردان مبرز مرحوم آیت‌الله حایری درآمده و عمده تحصیلات را از آن بزرگوار تحصیل نموده و از برجسته‌ترین شاگردان آن مرحوم به شمار می‌رفته است
مرحوم علامه اشراقی دارای مقام اجتهاد و حقا در هر علم و فنی از فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان حایز آن مقام منیع بود و از زمان مرحوم آیت‌الله حایری تدریس فقه و اصول و کلام و حکمت و تفسیر را با بیانی شیرین می‌نمود و مخصوص در فن خطابه و ابتکارات منبری و تحقیق در مطالب در عصر خود کم‌نظیر بود علم خود را به زیور حلم و وقار و تواضع و حسن اخلاق آراسته و در این فضائل گوی سبقت از بسیاری از اقران خود ربوده بود به قدری مهارت و استادی در تطبیق مطالب داشت و حق مطلب را اداء کرده و داد سخن می‌داد که عقول مات و خردها حیران می‌ماند، در 25 ماه رمضان 1368 در تهران سکته قلبی نموده و جنازه‌اش با احترام فوق‌العاده‌ای حمل به قم و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردید.
تالیفات ایشان که مطبوع شده تفسیر سوره یوسف و سوره ن والقلم و غیر مطبوع اربعین در حدوث و تقریرات فقه مکاسب مرحوم آیت‌الله حایری و تعلیقاتی بر کتب فقیه و اصولیه و حکمت و فلسفه می‌باشد مانند مرحوم والدش دارای طبع روان و ذوق فراوان بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (219/26)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (184 -183 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (338 -337 /2)، مؤلفین کتب چاپی (246 -245 /2).

اشرفی، امیررضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیررضا اشرفی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1363 به حول و قوه الهی و با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء وارد حوزه مقدسه علمیه قم شدم. دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین علی عطایی اصفهانی گذراندم. در آن زمان تدریس دروس ادبیات عرب و منطق را در آن مدرسه استاد تهرانی، طالقانی و مظهر علی (پاکستانی) به عهده داشتند، لذا دروس مذکور را در محضر این سه استاد گذراندم. در درس معالم الاصول از محضر آیت الله شیخ یحیی انواری استفاده بردم. دروس اصول فقه و لمعه را نزد حجج اسلام علی حسینی بوشهری و سید احمد خاتمی و علی محمدی خراسانی گذراندم.
بین سالهای 1367تا 1370 در درس رسائل استاد علی محمدی خراسانی و مکاسب محرمه آیت الله عراقچی حاضر شدم. جلد اول و دوم کفایة الاصول را نزد استاد سید محمد رضا یزدی (عضو فعلی فقهای شورای نگهبان) گذراندم. و پس از آن حدود 5 سال در درس خارج اصول ایشان در مدرسه علمیه آیت الله العظمی گلپایگانی (روبروی شیخان قم) تلمذ نمودم. ضمناً حدود 4 سال از محضر درس خارج فقه آیت الله العظمی میرزا جواد آقا تبریزی (ره) و خارج فقه آیت الله عبدالله جوادی آملی استفاده بردم.
همزمان با اشتغال به دروس فقه و اصول بین سالهای 1369 تا 1374 دوره پنج ساله الهیات و معارف اسلامی موسسه در راه حق را گذراندم و در سال 1374 از آن موسسه با مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در همان سالها گروه های آموزشی و پژوهشی موسسه مزبور به ریاست آیت الله مصباح یزدی فعالیت خود را در قالب موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه دادند، بنده نیز دوره آموزشی کارشناسی ارشد پیوسته علوم قرآنی آن موسسه را بین

سالهای 1374 تا 1378 گذراندم و در سال 1378 از رساله ام با عنوان نقد و بررسی دیدگاههای علوم قرآنی علامه بلاغی (ره) دفاع نموده و با مدرک کارشناسی ارشد علوم قرآنی از آن موسسه فارغ التحصیل شدم.
در سال 1380 در دوره دکتری علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و در خرداد 1385 از رساله ام با عنوان مبانی و قواعد تفسیری علامه طباطبائی (ره) دفاع نمودم و با مدرک دکتری علوم قرآن و حدیث از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.
ضمناً از سال 1379 به عنوان عضو هیئت علمی و عضو شورای علمی گروه علوم قرآنی و از بهمن 1385 به عنوان قائم مقام مدیر گروه علوم قرآنی با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) همکاری می کنم.
والحمد لله رب العالمین.

اشعری قمی، یعقوب

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 174 ق). عالم، محدث و مفسر. ذهبی از او تعبیر به عالم اهل قم کرده است. از برادرانش، عبدالرحمن و عیسی و عمران بن عبدالله، و نیز جعفر بن ابی‌المغیره و اعمش و لیث بن ابی‌سلیم روایت کرده است. ابن‌مهدی، منصور خزاعی، هیثم بن خارجه، ابوربیع زهرانی و عمرو بن رافع قزوینی و محمد بن حمید رازی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. نسائی و ابوالقاسم طبرانی او را موثق دانسته و ابن‌حبان او را در کتاب «الثقات» خود ذکر کرده است. در «سنن» چهارگانه از او نقل حدیث شده است. و بخاری نیز در «صحیح» خود از او بطور تعلیق حدیث نقل کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تهذیب التهذیب (340 /11)، الجرح و التعدیل (ج 4، ق 210 -209 /2)، سیر النبلاء (300 -299 /8)، لسان المیزان (322 -321 /9)، میزان الاعتدال (452 /4).

اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(649 -674 ق)، مفسر، صوفی، متکلم، منطقی، عروضی و نحوی. در اصفهان متولد شد و فنون متداول را در زادگاه خود نزد پدر و جمال‌الدین ابی‌رجا و دیگران فراگرفت. مدتی در اصفهان و تبریز به تدریس پرداخت و از معاصران شیخ حسن چوپانی و قاضی مظفرالدین‌شاه قزوینی بود. پس از زیارت خانه خدا به دمشق رفت و در جامع اموی به تدریس پرداخت، سپس به قاهره رفت و در خانقاهی که قوصون برای او بنا کرده بود به ارشاد و تربیت مریدان مشغول شد و در همان شهر بود تا درگذشت. و در قرافه دفن شد. از آثار: وی «تشیید القواعد فی شرح تجرید العقاید»؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو؛ شرح «ساویه»، در عروض؛ «انوار الحقایق الربانیه فی تفسیر الآیات القرآنیه»؛ شرح «منهاج» بیضاوی؛ «ناظر العین»؛ «شرح مختصر السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل»؛ «شرح الطوالع»، در منطق و کتاب مختصری در اصول دین.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8/ 52)، تاریخ ادبیات در ایران (3/ 229، 230)، حبیب السیر (3/ 232)، الذریعه (13/ 140)، روضات الجنات (8/ 117)، ریحانه (3/ 248- 249)، کشف الظنون (1991، 1921، 1879، 1855، 1717، 1371، 1148، 1137، 1116، 443، 442، 346، 235)، لغت‌نامه (ذیل/ محمود)، معجم المؤلفین (12/ 173)، هدیه العارفین (2/ 409).

اصیل‌الدین واعظ شیرازی، عبدالله

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 884 /883 ق)، مفسر و محدث. وی در زمان سلطان ابو سعید گورکان از شیراز به هرات رفت و در آنجا اقامت گزید به همین جهت به هروی نیز مشهور بوده است. او به دستور آن پادشاه هفته‌ای یکبار در مدرسه‌ی عالیه گوهرشادآغا، به موعظه و نصیحت می‌پرداخت. وی در هرات درگذشت و نزدیک مدرسه گوهرشادآغا دفن شد. از جمله تألیفات وی: کتاب «درج الدرر
فی میلاد سیدالبشر»؛ رساله‌ی «مزارات هرات» یا «مقصد الاقبال السلطانیه و مرصدالاعمال الخاقانیه»؛ رساله‌ی «مزارات شیراز»؛ «المجتبی فی سیره المصطفی»؛ «المجتنی من کتاب المجتبی فی سیره المصطفی»، خلاصه‌ای از کتاب سابق الذکر است که برای جمال‌الدین ابراهیم معروف به ابی کالیجار وزیر نوشته است؛ کتاب «معراج الاعمال»، در اوراد و عبارات؛ «غرفه الحصن»، ترجمه «مختصر حصن الحصین»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (607)، تاریخ ادبیات در ایران (1606/5)، تاریخ نظم و نثر (244 -243)، حبیب السیر (334/4)، الذریعه (110/22، 228/21، 326، 1/20، 44/16، 58/8)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 78/9)، کشف‌الظنون (745، 670)، مجالس المومنین (527 -526 1/)، مزارت هرات (مقدمه)، معجم المولفین (68/6)، هدیه العارفین (470 -469 /1)، هفت اقلیم (217 -216 /1).

اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(304/302- 230/225 ق)، مفسر، متکلم، فقیه، محدث، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ناصر کبیر. جد مادری شریف رضی و شریف مرتضی است. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام هادی (ع) آورده است. حاکم طبرستان بود و از این رو که بر اثر اصابت شمشیری در نبردگاه کر شده بود به اطروش خوانده می‌شد. وی در فقه و دین علامه بود و در شعر توانا. ابن ابی‌الحدید گوید که او صاحب سیف و قلم و از بزرگان فقهای امامیه و شیخ طالبیین و عالم و زاهد و ادیب و شاعر ایشان بود. او اسلام را در میان ساکنان ساحل دریای خزر نشر داد و در حدود دویست هزار دیلمی و گیلانی به دست وی ایمان آوردند، و او را در شهرهای آنان مساجدی بنا کرد. به گفته‌ی طبری و ابن‌اثیر او حاکمی عادل و نیک سیرت بود و مردم همانند او را در عدل و برپایی حق و حسن روش ندیدند. وی سرانجام در آمل طبرستان درگذشت و مزارش در همان شهر زیارتگاه عموم است. تالیفات و آثار وی بیش از سیصد کتاب بوده است. از جمله آثارش: «اصول الدین»؛ «الامالی»؛ «الامامه الصغیر»؛ «الامامه الکبیر»؛ «امهات الاولاد»؛ «البساط»، در علم کلام؛ «تفسیر الاطروش»، در دو مجلد که در آن به 1000 بیت از 1000 قصیده احتجاج کرده؛ «الفقه الناصریه» که شریف مرتضی علم‌الهدی آن را شرح و تصحیح کرد و «المسائل الناصریات» نامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (216/2)، اعیان الشیعه (184 -179 /5)، الذریعه (299/16، 261/4، 315، 308 /2)، رجال الطوسی (412)، رجال النجاشی (171 -170 /1)، روضات الجنات (253 -251 /2)، ریحانه (98/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 92/4)، الکامل (148/6)، الکنی و الالقاب (232/3)، لغت‌نامه (ذیل/ اطروش)، مروج الذهب، ترجمه (690/2)، معجم المولفین (252/3).

اعرج نیشابوری، نظام‌الدین حسن

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، عالم دینی، مفسر، عارف و ادیب. معروف به نظام نیشابوری و نظام اعرج. او را از علمای عامه دانسته‌اند و بعضی به او نسبت تشیع داده‌اند. اصلش از قم و ساکن نیشابور و به آورده‌ی برخی از مآخذ اصلش از نیشابور و ساکن قم بود. وی از شاگردان قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی به شمار می‌آمد. در پاره‌ای از منابع وی جزو علمای سده‌ی نهم قمری آورده شده چون تاریخ اتمام بعضی از مجلدات «تفسیر» مشهور او را در حدود 850 ق ذکر کرده‌اند، در حالی که برخی از منابع 728 ق را تاریخ صحیح اتمام می‌دانند. از آثارش: «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، در تفسیر که به «تفسیر نیشابوری» معروف است و آن را به اشاره استادش، قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی، تألیف کرد؛ «لب التأویل»، در تفسیر قرآن؛ «اوقاف القرآن»، که به امر قطب‌الدین شیرازی به اسم خواجه سعدالدین ساوجی وزیر الجایتو (م 711 ق) نوشته است، «توضیح التذکرة»، شرح «تذکرة النصیریة» خواجه نصیر طوسی، در هیئت که در 711 ق تألیف نموده است؛ شرح «الشافیة» ابن‌حاجب، در علم صرف که به «شرح نظام» معروف است؛ شرح «مفتاح‌العلوم» سکاکی؛ «الربع المقنطر»؛ رساله‌ای در «علم الحساب».[1]
نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری (ف. 900 ه.ق). از علمای قرن نهم است. آثارش: کتاب «شرح تذکره‌ی طوسی» در هیأت، کتاب «شرح مجسطی»، کتاب «شرح نظام» در صرف، کتاب «تفسیر» معروف به تفسیر نیشابوری و شرحی بر کتب زیج.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (234 ،233/ 2)، اعیان‌الشیعه (249 -248/ 5)، الذریعه (284/ 18 ،32 -31/ 16 ،142/ 13 ،72/ 10 ،492 ،206/ 4 ،121/ 3 ،480/ 2)، روضات‌الجنات (101 -96/ 3)، ریحانه (199 -197/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 47 -46/ 8)، کشف‌الظنون (1763 ،1595 ،1195 ،1062 ،1021 ،392 -391)، الکنی والالقاب (256/ 3)، معجم‌المؤلفین (291 ،282 -281/ 3)، هدیة‌الاحباب (257)، هدیة‌العارفین (283/ 1).

اعمی، مختار

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاری اصفهانی، فاضل ادیب شاعر، از دانایان به علوم قرآن و تجوید، و از دانشمندان قرن دهم در اصفهان است.
کتب چندی در تجوید تألیف نموده، از آن جمله است:
1- درج المضامین، منظومه‌ای در 72 بیت در تجوید، در سال 949 تألیف نموده، و آن را مولی علی بن جعفر استرآبادی شرح نموده، و آن را: «در نثار» در شرح تجوید ملا مختار نامیده، و در 1280 از شرح فارغ شده، و این شرح به طبع رسیده. در الذریعه سه شرح دیگر از این تجوید نام می‌برد
2- رساله‌ای فارسی در تجوید 3- مختار القراء، نسخه‌ای از آن نزد نگارنده موجوداست؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اکبرنژاد، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی اکبر نژاد
محل تولد : شیروان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مهدی اکبر نژاد در سال 1356 وارد حوزه علمیه ایلام شدم و برخی دروس مقدماتی را در آنجا گذراندم. با شروع تظاهرات و راهپیمایی های دوران انقلاب عملاً دروس حوزوی تعطیل شد و با پیروزی انقلاب، در اسفند 1357 وارد حوزه علمیه قم شدم.
در سال 1368 دروس سطح را به پایان رساندم و وارد درس خارج شدم همزمان با دوره سطح برخی دروس مانند بعضی از کتابهای فلسفی از جمله بدایه و نهایه را خواندم و در زمان تحصیل در دوره خارج، مدتی در درس اسفار آیت الله حسن زاده و آیت الله جوادی آملی نیز شرکت کردم.
درس خارج را نزد آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، وحید خراسانی و مومن قمی گذراندم.
در سال 1370 بعنوان عضو تحقیقاتی تفسیر راهنما، به اعضای نویسنده آن تفسیر ملحق و بعد از چند ماه کار در گروه برداشتهای اولیه روائی، وارد گروه کنترل نهایی فیش های حدیثی تفسیر شدم و این همکاری تا سال 1374 ادامه داشت و بدلیل رفتن به شهرستان در سال 1374 پایان یافت.
در سال 1371 در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم. در پاییز سال 1374 از رساله این دوره با عنوان "جدال در قرآن" دفاع کردم.
در زمستان 1374 بعنوان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه های ایلام و علوم پزشکی ایلام منصوب شدم و همزمان دروس دانشگاهی را تدریس می کردم. در سال 1377 بعنوان عضو هیئت علمی دانشگاه در آمدم تا سال 1380 که با قبولی در دوره دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم، به قم منتقل شدم و عملاً مشغول تحصیل حوزوی و دانشگاهی و نیز انجام کارهای تحقیقی شدم که اکنون

رساله دکترا آماده دفاع می باشد.
در سال 1381 با دعوت مرکز فرهنگی انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم به گروه حدیث این موسسه پیوسته و با همکاری چند تن از دوستان، اکنون مجموعه احادیث مهدویت دسته بندی و آماده چاپ و ارائه نرم افزاری می باشد.

اکبری کارمزدی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد اکبری کارمزدی
محل تولد : سواد کوه (عباس آباد)
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/10
زندگینامه علمی
اینجانب محمد اکبری کارمزدی فرزند هادی در تاریخ 10/1/1343 در خانواده ای مذهبی و قرآنی متولد شدم. دوران ابتدائی را در محل و راهنمائی را در آلاشت به پایان رساندم به پیشنهاد ابوی مرحوم و به خاطر علاقه ای که در درون خود نسبت به دروس حوزوی می دیدم راهی حوزه علمیه رستم کلاه در یکی از شهرهای استان مازندران به سرپرستی مرحوم آیة الله ایازی شدم و جامع المقدمات را همگام با قیام عمومی مردم در سال 1357 شروع نمودم که با تهدیدات طاغوت حوزه علمیه تعطیل شد به نا چار در سال 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال 1360 مشغول تحصیل در مدرسه مرحوم آیة الله گلپایگانی شدم. با اتمام لمعتین در درس های آزاد حوزه شرکت نمودم که اصول فقه را در خدمت استاد حسینی بوشهری و صالحی افغانی بودم. مکاسب را در محضر اساتیدی چون استاد بنی فضل، مرحوم پایانی و استاد قدبری تلمذ بودم و رسائل را محضر آیة الله فاضل استفاده بردم و پنج سال متوالی خارج اصول را در محضر آیة الله سبحانی به پایان رساندم . همگام با خارج اصول به مدت 8سال خارج فقه را در محضر آیة الله مکارم تلمذ نمودم. ضمنا سالیان سال در درس تفسیر قرآن محضر آیة الله جوادی آملی بودم .حدود سال 1372 به خاطر علاقه ای که به قرآن و تفسیر قرآن پیدا کردم وارد رشته علوم قرآ نی و تفسیر شدم. بعد از اتمام 4سال مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که بخاطر مشکلاتی، کار ناتمام و مهلت آن به سر آمد که برای بار دوم مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که تا به حال ادامه دارد. بعد از پایان دوره تخصصی برای انجام کار تحقیقات قرآنی در مرکز فرهنگ معارف قرآن مشغول و با تشکیل پرونده ها و سپس ارزیابی مقاله ها و نهائی کردن مقاله ها در بخش مقابله، نزدیک به 9 سال است که دنبال می کنم نتیجه کارهائی که انجام گرفت انتشار پنج جلد از دایرة

المعارف قرآنی و دو جلد اعلام قرآن گروهی می باشد و چند مقاله که به نام اینجانب در دایرة المعارف چاپ شده است. د رحال حاضر در درس فقه آیة الله جوادی آملی مشغول می باشم.

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد حسن الهی طباطبایی
ولادت:1325ق.
محل ولادت: تبریز
وفات:1388ق
محل دفن :قم
محل تحصیل: تبریز ، نجف
اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی ، سید حسین بادکوبه ای و ....
شاگردان: حسن حسن زاده آملی ، میرزا محمد علی ارتقایی، میزرا موسی تبریزی و ....
تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).
او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.
ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی ، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداک " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است . استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید : با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.
زمانی که آیت الله الهی در قم بود ، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد ، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آورند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد . سینی تبدیل به طلا شد . بعد فرمود: " ما طلا را

می خواهیم چه کنیم"؟ دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت ! با وجود چنین قدرت روحی ، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کردو چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!

این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است : از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید ، تا چه رسد به معاصی!

سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان درکتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است .

الهی قمشه ای، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم ربانی و حکیم متاله استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای فرزند حکیم و عارف بزرگ میرزا ابوالحسن از دانشمندان به نام و حکماء والامقام و اساتید عظام معاصر تهران بوده‌اند تولد ایشان در حدود 1322 در قمشه اصفهان (شهرضا) واقع شده و در بیت علم و تقوا پرورش و دروس ابتدائی و سطوح نهائی را در فقه و اصول از علماء بزرگ و حکماء قمشه و اصفهان فراگرفته و از آنجا مسافرت به مشهد مقدس نموده و از اساتید خراسان چون مرحوم آقا بزرگ حکیم و آیت‌اللَّه حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه برسی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران عزیمت نموده و در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس فلسفه و حکمت و سایر علوم پرداخته تا در ربیع‌الثانی 1393 قمری بدرود حیات گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه (ع) مدفون شده است.
استاد الهی دارای تألیفات ارزنده مرحوم استاد الهی قمشه‌ای در فلسفه و حکمت و دیوان بزرگ هزار صفحه‌ای می‌باشد که شرح حال خود را در صفحه 395 دیوانش به نظم آورده که نویسنده عین آن را با بعضی از غزلیاتش تقدیم اهل ذوق و معرفت و پژوهش می‌نمایم باشد که روح پرفتوح آن حکیم ربانی و عارف صمدانی این گنهکار را یاد و دوستانش دعا فرمایند.
آثار گرانقدر مرحوم استاد الهی قمشه‌ای.
1- ترجمه آزاد و خلاصه‌التفسیر قرآن کریم.
2- ترجمه آزاد مفاتیح‌الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی طاب ثراه.
3- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.
4- حکمت الهی جلد اول (یک دوره حکمت از امور عامه و طبیعیات و الهیات خاص و بیان نبوت و امامت عامه و خاصه و معاد).
5- حکمت الهی جلد سوم شرح خصوص حکیم فارابی و شرح خطبه توحیده مولا امیرالمؤمنین و اخلاق علمی و عرفانی صد کلمه از کلمات مولا علی علیه‌السلام.
6- کلیات دیوان الهی (نغمه الهی - نغمه حسینی- نغمه عشاق).
7- توحید هوشمندان ترجمه و شرح خصوص فارابی.
(1392 -1320 ق)، حکیم، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در شهرضا

(قمشه) متولد شد. مقدمات علوم فقه و اصول و حکمت را از شیخ‌هادی قمشه‌ای و دیگران آموخت و جهت تکمیل آن به اصفهان رفت و در خدمت آقا شیخ محمدحکیم خراسانی و پس از آن در خراسان در محضر مرحوم آقابزرگ حکیم مشهدی و آقا شیخ اسداللّٰه یزدی مشغول شد تا در حکمت و فلسفه صاحب‌نظر شد. مدتی نیز در حوزه‌ی درس آیت‌اللّٰه حاج‌آقا حسین قمی و میرزامهدی اصفهانی حاضر گشت. سپس به تهران آمد و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت. همچنین به سمت استاد زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و استاد فلسفه در دانشکده‌ی الهیات (معقول و منقول)، تدریس کرد. وی در تهران وفات یافت و در قم، در جوار حضرت معصومه (ع)، به خاک سپرده شد. از آثار منثور وی: «رساله‌ای در فلسفه‌ی کلی»؛ «شرح رساله‌ی حکیم فارابی»؛ «رساله‌ای در سیر و سلوک»؛ حاشیه‌ای بر «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ای در مراتب ادراک»؛ «رساله‌ای در مراتب عشق». و از آثار منظوم وی: «نغمه‌ی عشاق»؛ «دیوان» شعر؛ «نغمه‌ی حسینی»، که تاریخ بزرگترین شهید اسلام است؛ «نغمه‌ی الهی». و از دیگر آثار او: «ترجمه‌ی قرآن مجید»؛ «ترجمه صحیفه‌ی سجادیه»؛ «ترجمه مفاتیح الجنان»؛ و «تصحیح و تحشیه‌ی تفسیر ابوالفتوح رازی».[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه :[1] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (55 -53)، الذریعه (1135 ،92 / 9)، سخنوران نامی معاصر (339 -334 / 1)، فرهنگ سخنوران (85)، گلزار معانی (458 -451)، گنجینه‌ی دانشمندان (116 -108 / 8)، مؤلفین کتب چاپی (370 -368 / 6).

الهی، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس الهی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از اخذ دیپلم تجربی در سال 1383 وارد حوزه علمیه شهرستان بابل شدم و پس از مدت کمی تحصیل در حوزه علمیه روحیه وارد حوزه علمیه قم گردیده و در مدرسه الهادی (ع) شروع به تحصیل کردم و پس از گذراندن دوران مقدماتی و سپس در خارج از مدرسه موفق به گذراندن دوره سطوح عالی حوزه علمیه قم شدم.
حدود 6 سال در مدارس علمیه قم مانند الهادی (ع) و رضویه و علوی به تدریس ادبیات عرب، تفسیر و علوم قرآنی پرداختم و امتحانات سطوح عالی را با موفقیت گذرانده و 4 بار مصاحبه خارج فقه و اصول شرکت کردم و پایان نامه ای را تحت عنوان علوم قرآنی در تفسیر المیزان برای اخذ سطح سه یا کارشناسی ارشد نوشته و دو سال و خرده ای پیش دفاع کرده و اصلاحات آن پس از اخذ نمره 17 رو به پایان است.
و برای نوشتن دوره دکتری آماده ام البته پس از تحویل مدرک فوق لیسانس هم اکنون در مدرسه امام (ع) با سابقه سه سال تدریس و در دانشکده علوم قرآنی با سابقه دو سال تدریس و در دانشکده اصول دین و مدرسه عالی بنت الهدی در خدمت طلاب خارجی و دانشجویان ایرانی هستم. و مشغول مطالعه و تحقیق و آماده کردن مقالاتی با عناوین و موضوعات مختلف هستم.

امجد، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله شیخ محمود امجد به سال 1318 هـ.ش در خانواده ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. ، و جدّشان از عالمان ذی فنون ملقّب به «افصح المتکلّمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود 18 سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدّس قم مشرّف شد و در مدّت کوتاهی دوره مقدّمات و سطح را به پایان رسانده و به دروس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی ، بهاءالدینی و بهجت ـ قدّس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم ـ و در فلسفه و عرفان عملی از محضر پربار علاّمه طباطبایی قدّس سرّه استفاده فراوان برد. و در حدود 20 سال پایان عمر گهربار معظّم له با ایشان انس داشت و در جلسات عمومی و خصوصی ایشان شرکت می کرد ارادت علامه نیز به ایشان مشهود بوده است بطوری که می فرموده اند به او امجد کرمانشاهی نگویید بلکه امجد کربلایی بگویید. بزرگترین استاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاءالدینی است که از سال 1351 هـ.ش. با آیت الله العظمی بهاء الدینی مأنوس و استفاده فراوان برد. و نیز در حدود سال 1350 با آیت اللّه العظمی بهجت ـ دامت برکاته ـ مرتبط شد و افزون بر بهره برداری از دروس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظّم له داشت و اینک حدود یک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشجویان و جوانان از جلساتش بهره های اخلاقی می برند و علامه طباطبایی می گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهد بی نظیر ایشان باعث شده، جوانان خصوصا دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد کوی دانشگاه تهران و مراسمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شبهای قدر، همه عاشقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی اعتنایی او به دنیاست به طوری که بسیار

دیده اند که مجالس بسیار کوچک و در ظاهر کم اهمیت و افراد بی نام و نشان را بر مجالس بسیار بزرگ ترجیح داده اند. آنچه در نظر ایشان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدرانه ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه ای صمیمی داشته باشند.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبد الله امیدی فرد
محل تولد : فارمد مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/4/20
زندگینامه علمی
اینجانب عبدالله امیدی فرد در سال 1336 در یکی از روستاهای نزدیک به مشهد مقدس به نام فارمد که مردم محل آنرا پژمه هم می خوانند دیده به جهان گشودم. در همان روستا دوره ابتدائی را که آن زمان شش سال طول می کشید به پایان رساندم و به پیشنهاد پدرم که از شاگردان و دوستان نزدیک آیات حضرت آیة الله حاج آقای مروارید و حضرت آیة الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه بعثت زیر نظر آیة الله مروارید شروع کردم این زمان مهر ماه 1350 بود پس از سه سال با موافقت پدرم با مرحوم حاج شیخ عباسعلی سبزی عازم حوزه علمیه قم شدم.
در سال هزار سیصد و پنجاه و چهار به درس مکاسب حضرت آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و رسایل حضرت آیت الله اعتمادی و برخی از مباحث مکاسب را هم نزد آیت الله ستوده شرکت نموده و تلمذ نمودم. در ادامه دروس سطح توفیق یافتم کفایتین را نزد آیة الله العظمی فاضل و شرح تجرید را نزد استاد شهید خلیلی و منظومه را نزد آقایان دکتر بهشتی و آیة الله یحیی انصاری و برخی از مباحث اشارات را نزد آیت الله حسن زاده و برخی از قسمت های اسفار را نزد آیة الله جوادی آملی فرا بگیرم. در سال 58 رسماً حضور در دروس خارج را با شرکت در فقه آیة الله صانعی و آقایان دیگر شروع کردم بیشترین تاثیر را از آیات عظام فاضل، صانعی، منتظری و تا اندازه ای هم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، آیة الله حاج شیخ جواد تبریزی داشته ام.
باید یاد آور شوم که همزمان با دروس حوزه به تحصیلات جدید هم ادامه دادم نخست دوره راهنمایی را و سپس دوره دبیرستان را با اخذ دیپلم اقتصاد به پایان رساندم و در اولین دوره مدرسه عالی طلاب موفق به اخذ مدرک آن دوره که ارزش لیسانس معارف اسلامی را داشت گردیدم و در

اولین دوره تربیت مدرس هم موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از سال 1371 ضمن تدریس در دانشگاه به عنوان هیات علمی، توفیق دریافت درجه دکتری در رشته فقه و مباحث حقوق اسلامی از دانشکده الهیات تهران را پیدا کردم.
از توفیقات بزرگ که خداوند به اینجانب عطا فرموده آن است که از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی همواره در خدمت انقلاب بوده هر چند سمت های مهم و حساس را نداشته ام اما در حد توان از سویی در خدمت نظام مقدس بوده و هستم و... و از سویی از خدمت در دانشگاه به قشر جوان در راستای اهداف نظام اسلامی خدمت نموده ام و از همه بهتر در حوزه همواره با تدریس تلاش کرده ام اندوخته های اندکم را به دیگران انتقال دهم در همین راستا مدتی را به عنوان مدیر یکی از مدارس علمیه قم سپری می کرده ام غیر از تدریس در مدارس تحت برنامه مدیریت حوزه تدریس خصوصی ادبیات و دروس سطح از سال 1374 با تدریس صفات اصول شهید صدر سپس کفایه و مکاسب و... را در حجرات و سپس مدرسه حضرت آیة الله العظمی گلپایگانی را داشته ام.

امیرخانی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی امیرخانی
محل تولد : گونبان بخش دینور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی امیرخانی فرزند امام قلی در سال 1351در روستای گونبان از توابع بخش دینور استان کرمانشاه به دنیا آمده و تحصیلات مقطع ابتدائی را در همان روستا گذرانده و در سال 1363 تحصیلات دوره راهنمائی را در کرمانشاه آغاز کردم.
در سال 1367به سبب علاقه به معارف و علوم اسلامی و حوزوی وارد حوزه علمیه آیت الله بروجردی (ره) شدم و پس از یک سال به خاطر فقدان امکانات علمی و آموزشی در آزمون سراسری حوزه علمیه قم شرکت و موفق به کسب رتبه قبولی شدم.
دروس مقدمات را در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) خواندم و در سال 1371برای ادامه تحصیل و تکمیل دروس سطح وارد مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) شدم و از محضر اساتید بزرگوار و توانا بهره بردم. درسال 1380موفق شدم که دروس سطح (کفایتین و مکاسب) را به اتمام برسانم و به درس خارج راه پیدا کردم. از سال 1380 تاکنون در درس خارج فقه استاد بزرگوارم حضرت آیت الله جوادی آملی بهره می برم. از سال 1372شروع به نوشتن کردم و در سمیناری که بانی آن دانشگاه تهران بود مقاله ارائه کردم که عنوان رتبه سوم را به خود اختصاص داد. در سال 1373 همکاری خود را با چاپ مقاله به مناسبت وحدت حوزه و دانشگاه در روزنامه اطلاعا ت با روزنامه و مجلات آغاز کردم سپس با مراکز پژوهشی و تحقیقاتی همکاری خود را آغاز کردم.

امین زارع، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا امین زارع
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1346 در خانواده ای مذهبی و متوسط در سبزوار متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در همان شهر سپری کردم. در میان اساتید آن دوره استاد محمود کیانی دبیر ادبیات بیشترین تاثیر مثبت را بر من داشتند. در بحبوحه انقلاب با حضرت آیت الله سید محمد حسن علوی آشنا شدم و ارتباط خوبی با محضر ایشان پیدا کردم. ارتباط با ایشان درس تقوی، معنویت، خلوص و سادگی بود و هم اکنون نیز از این جهت بهره های وافری از ایشان می برم. همچنین ادامه فعالیت درسی ام تاکنون نتیجه سفارش، تاکید و تشویق ایشان و استادم آیت الله سبحانی می باشد.
حدود سال 1361 به واسطه استادم حجة الاسلام سید سلیمان علوی وارد حوزه علمیه شدم و تا پایه سوم را در مدرسه رسالت و امام خمینی (ره) گذراندم. بعد از آن به صورت آزاد سطح را به پایان رساندم. پس از پایان سطح حدود پنج سال در مبحث خارج نکاح استاد آیت الله شبیری زنجانی و خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت کردم. تقریرات نیم دوره اصول و بخشی از کتاب نکاح به زبان عربی مکتوبات این دوره است.
هم اکنون در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت می نمایم. سایر فعالیتهای بنده به ترتیب: در سالهای 66 و 67 دوبار افتخار حضور در جبهه داشتم و در سال 71 به عنوان نماینده سازمان تبلیغات در مقدونیه به آن کشور مسافرت کردم و در مسیر راه در کشور آلبانی توقفی داشتم. ماموریت بنده در مقدونیه با تظاهرات خیابانی و اعتراضات مسلمانان مقدونیه مصادف شد و همین امر باعث شد دولت مرکزی و مسیحی مقدونیه تقریبا همه مجموعه ها و هیئت های خارجی مسلمان را از مقدونیه اخراج کند و مجموعه بنده نیز مشمول همین قاعده شده و به ایران بازگشتیم.
گذراندن یک دوره کامل زبان انگلیسی در دانشکده باقرالعلوم علیه السلام

دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم نیز از فعالیتهای سالهای 73 و 74 اینجانب بوده است از سال 78 تاکنون در بخش های مختلف پایگاه حوزه نت (تحقیقات، پاسخ به سوالات، بخش انگلیسی و...) مشغول به همکاری هستم. همچنین در سال 79 به مناسبت پاسخگویی به چند پرسش راجع به جناب ذوالقرنین و اقوام یاجوج و ماجوج، کتابچه ای در مورد ایشان با نام «ذوالقرنین در قرآن» تحریر و چاپ نمودم که بحمدالله مورد استقبال خوبی هم قرار گرفت.

امین، نصرت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(1405 -1308 ق)، عالم و مجتهد. آمنه‌بیگم حاجیه نصرت‌خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در اصفهان متولد شد. دایی‌اش آیت‌اللّٰه شریعت اصفهانی بود. از کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام را نزد آیت‌اللّٰه آقاسید علی مجتهد نجف‌آبادی و آقاسید ابوالقاسم دهکردی تکمیل کرد و به مرتبه‌ی استنباط رسید. پس از امتحانات کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی شیرازی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّٰه حائری یزدی و آیت‌اللّٰه نجفی مرعشی؛ و اجازه‌ی روایت از آقاشیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی نائل آمد. تمام عمر را به تألیف و تدریس گذراند و مدرسه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) تأسیس کرد که در آن زنان و دختران ایرانی به تحصیل و کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آیت‌اللّٰه میرزاآقای شیرازی در اجازه‌نامه‌اش به وی، او را با این اشعار توصیف کرده است.
فلَوُ کُنّ النّساء بِمثلِ هذی
لَفضّلت النّساءِ عَلیَ الرّجال
فلا التَأنیث لاسم الشمس عار
و لا التّذکیر فخر للهِلال
وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»؛ «اخلاق و راه سعادت بشر»، که ترجمه و اقتباسی است از «طهارة الاعراق فی تصحیل الاخلاق» ابن‌مسکویه؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران»؛ «سیر و سلوک»، در روش اولیاءِاللّٰه؛ «مخزن العرفان» و «کنز العرفان»، در علوم قرآن؛ «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»؛ «النفخات الرحمانیة فی الواردات القلبیة»، حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللئالی فی فضایل مولی الموالی».[1]
1308 ق- 1362 ش، حاجیه نصرت خانم از زنان دانشمند معاصر. پدرش حاج سید محمدعلی بن حسن حسینی مشهور به امین‌التجار اصفهانی و مادرش دختر حاج سید مهدی جناب و دائی‌اش مرحوم شریعت اصفهانی بود. از اوان کودکی در اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از آموزش

مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، سالیانی دراز در فقه و اصول فرائد و فصول و کفایة و خارج صلات و طهارت، و در کلام دو جلد شوارق، و در فلسفه از ابتدا تا الهیات اسفار را در خدمت آقا میر سید علی نجف‌آبادی آموخت و هر چند که در این ضمن به عقد ازدواج پسر عم خویش حاج میرزا آقا معین‌التجار درآمده بود و تعهد وظائف خانه‌داری می‌کرد، کمال سعی در تحصیل مبذول می‌داشت.
بر اثر این گونه استقامت و بذل سعی به مراقب علمی والائی رسید و از پی امتحان کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقا میرزا آقای اصطهباناتی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی و همچنین اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی نائل آمد. خانم امین عمر خود را یکسره به تالیف و تدریس گذراند. مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه» تاسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آثار بسیاری تألیف کرد که از آن جمله‌اند، الاربعین الهاشمیة (1328 ش) که ترجمه و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران (1371 ق)؛ سیر و سلوک در روش اولیاء (1323 ش)؛ مخزن‌العرفان (1326 ش به بعد)؛ تفسیر کامل قرآن در 15 جلد؛ معاد یا آخرین سیر بشر (1326 ش)، النفحات الرحمانیة فی الواردات القلبیة (1369 ق) حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ مخزن‌اللئالی در فضل مولی‌الموالی. خانم امین آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد.[2]
مجتهد، فقیه، مدرس.
تولد: 1265، اصفهان.
درگذشت: 23 خرداد 1362، اصفهان.
حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) فرزند سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در چهار سالگی برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.
بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا اینکه در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامه تحصیل و مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضاری حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را در سطوح عالیه نیز ادامه داد تا اینکه در چهل سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت

درجه‌ی اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.
آثار ایشان عبارتند از: اربعین الهاشمیه (به زبان عربی، 1356 ق.)؛ جامع الشتات (زبان عربی) معاد یا آخرین سیر بشر (تهران، 1326، تبریز چاپ دوم، 1334)؛ نفحات الرحمانیة فی الواردات القلبیة (به زبان عربی، اصفهان، 1369)؛ اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)؛ مخزن العرفان (تفسیر قرآن در پانزده جلد)؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی (تهران، 1331، این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است)؛ مخزن اللئالی در مناقب مولی الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ سیر و سلوک؛ در روش اولیاء و طریق سیر سعداء (اصفهان 1323).
حجت‌الاسلام امین در سال 1344 با سرمایه خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.
مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :[1] تذکرة القبور (445)، الذریعه (248/24 ،229/20)، علماء معاصرین (325 -311)، گنجینه‌ی دانشمندان (116 -114 /3)، مؤلفین کتب چاپی (559 -557 /6).
[2] منبع: دایرةالمعارف تشیع، 527 /2.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله امینی پور
محل تولد : شوش دانیال
شهرت : عبدالله (امیر) امینی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/6/3
زندگینامه علمی
زندگی نامه علمی
نگارش و ترجمه:
کودکان و نوجوانان (1371- 1383)
آغاز نگارش و ترجمه از 1373 با مجله سلام بچه ها و در ادامه (1372 - 1383) با پوپک و دوچرخه و حدیث زندگی و در ده ها شماره و در حدود 100صفحه، برای کودکان و نوجوانان نوشته شد.
سردبیری(1374 – 1376)
کار با سردبیری مجله میراث شهاب (نشریه کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی) ادامه یافت . چاپ و انتشار آن در دو سال و نیمی که با کتابخانه همکاری وجود داشت، ادامه یافت، سپس در 1374 و 75 با مجله تبیان همکاری (ترجمه).
همکاری با مجلات و روزنامه ها (1375 تا کنون)
از 1375 همکاری با روزنامه ها آغاز می شود. در ابتدا روزنامه کیهان با درج مقاله « فرهنگبان بزرگ میراث اسلامی» و چاپ دوباره آن در روزنامه رسالت (خرداد 76).
نخستین معرفی و نقد کتاب (کتاب شناسی) در مجله فقه (بهار 76) سپس در مجلات زیر ادامه می یابد: حوزه ، آینه پژوهش، کتاب ماه دین، پژوهش و حوزه ، حکومت اسلامی، میقات حج، روزنامه جمهوری اسلامی (ضمیمه صحیفه) ، کوثر، پیام زن و ...
در کتاب «برگزیده مقالات» چاپ 1384شرحی درباره نهج البلاغه به چاپ رسیده است.
زن پژوهی:
از 1379 به بعد نگارش و ترجمه مقالات زن پژوهی در مجلات : پیام زن ، زنان و پگاه حوزه شروع می شود، که برآیند چاپ و انتشار مقالاتی در این

نشریه است:
پیام زن ، شماره 99 و 115 و 118 و116 و 122 و 124 و 125 و 131 و 135 و 136
و پگاه حوزه ، شماره 70 و 71 و 75 و 93 و زنان ، شماره 116
شرح حال: از 1376 به بعد کتب و مقالاتی در شرح حال نوشته شده ، از جمله در : روزنامه کیهان و رسالت،
مجلات: میراث شهاب، تبیان، کوثر، یاد ایام (شهریور 76) بینات و پیام زن.
کتابها : شکوه فقاهت (1379) فرزانه ناشناخته (1381) مزربان وحی و خرد (1381)
قرآن پژوهی : نخستین کتاب در این باره «مصحف فاطمی» است که 1382 (چاپ اول) و 1387 (چاپ دوم) توسط «دلیل ما» به چاپ رسید . نیز در کتاب «زندگی شخصی امام علی» مصحف امام علی (ع) (1380) چاپ شد. کتاب دیگر «تحقیق و حاشیه بر تفسیر سوره حمد» مرحوم محمد تقی فلسفی است که آذر 78 مرکز فرهنگ و معارف قرآن با عنوان « تفسیر بیان» بدون ذکر نام محقق چاپ کرده است.
سپس مقالاتی در نشریات:
تبیان، کوثر (ش 33) پیام زن (116 و135 و136 و87 و88) کتاب ماه دین ، روزنامه جام جم (ش 925) بینات(ش 33) و میراث شهاب (ش 14)
مهدی پژوهی:
افزون بر ترجمه کتاب چند جلدی «معجم احادیث الامام المهدی» و «غیبت امام مهدی » (چ موعود عصر، 1378) مقالاتی در مجلات: موعود و انتظار
تدریس:
از سال 1371 تا 1382 در جامعه الزهرا (بخش غیر ایرانی ها و بخش روزانه) تدریس ادبیات عرب و تاریخ اسلام به مدت ده سال .
تبلغ: در جبهه جنگ (1362) و نیز زادگاه محقق .
مدیریت: مدیریت روابط عمومی و اموربین الملل کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی، مدیر آموزش کتابخانه، (1373 – 1376)
مدیر اجرایی مجله فقه اهل بیت (1378 – 1383) نیز همکاری با مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور (1370 – 1373)
نوآوری:
تأسیس انجمن علمی مترجمان که شرح آن در مصاحبه با نشریات زیر آمده
روزنامه جام جم/ 20 اردیبهشت 83
روزنامه کیهان/ 19 خرداد 83
نشریه کتاب هفته / 23 شهریور 81 و 6 تیر 83
نشریه پگاه حوزه/ 28 فروردین 81

نشریه نصوص معاصره / کشور بحرین / محرم 1416 (مارس 2005)
نشریه پژوهش و حوزه / بهار 81
کسب نشان و جوایز علمی:
تقدیر از نگارش مقالات در کنگره بین المللی شرف الدین
تقدیر از نگارش مقاله برای همایش سیره حکومتی امام علی ، مشهد (دانشگاه فردوسی)
تقدیر از نگارش مقاله مصحف فاطمی ، همایش بانوی آفتاب ، گرگان
تقدیر از نگارش مقاله مهدی موعود از دیدگاه آیات ، تهران (دانشگاه رودهن)
تقدیر از نگارش مقاله برای دومین کنگره عاشورا پژوهشی ، قم
نیز تقدیر از همکاری با دفتر تبلیغات اسلامی ، همچنین مجله پیام زن

انصاری، کریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کریم انصاری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مراحل ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را تا سال اول دانشگاه رشته مهندسی برق در کشور عراق طی کردم. سپس در سال 1359 به جمهوری اسلامی ایران تبعید شدم.
در سال 1361 تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم. مقدمات را پیش عمده ای از اساتید مشهد خواندم. سپس دروس لمعتین را نزد استاد مهدوی و مکاسب و رسائل را نزد اساتید: تبریزیان و اعتمادی (نوار کاست) خواندم. کفایتین را نزد استاد رضا زاده و خارج فقه و اصول تا پنج سال نزد آیت الله مرحوم حاج آقای فلسفی (قدس سره) خواندم.
سال 1375 به شهر مقدس قم منتقل شدم. بلافاصله در درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقه آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی شرکت نمودم. در سال 1380 ـ 1381 دوره کامل اصول را به اتمام رسانیدم و هم اکنون درس خارج فقه شرکت می کنم. به مدت کوتاهی، اشتغال به تدریس داشتم که حدوداً سه الی چهار سال ادامه داشت. به علت اشتغال به تحقیقات علوم اسلامی و نوشته های مختلف، تدریس را رها کردم.
سال 1365 شروع به فعالیت تحقیقات اسلامی نمودم و نزدیک به تحقیق شصت جلد کتاب شرکت نمودم. از سال 1368 به عنوان مدیر تحقیقات موسسه آل البیت (ع) شعبه مشهد منصوب شدم. از سال 1375 که به شهر قم منتقل شدم، در شعبه مرکز موسسه آل البیت (ع) به عنوان مسئوول کل تحقیقات موسسه منصوب شده و عضو هیئت مدیره آن موسسه گردیدم و این سمت تا به حال ادامه دارد.

انصاری، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران استاد مسعود انصاری خوشابر ، یکی از اسلام شناسان و محققان عالی مقام و سختکوش و پرکار و صاحب نظر و صاحب اثر در اغلب زمینه ها و رشته های علوم اسلامی ، به ویژه علوم قرآنی و فقه (همراه با حقوق) و حدیث و نیز مترجمی تواناست که به شمه ای از آثار ایشان اشاره خواهد شد .
او در سال 1345 در شهرستان تالش / طالش به دنیا آمد . تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند ، و همزمان به آموزش مقدمات علوم دینی پرداخت . پس از به پایان رساندن تحصیلات دوره ی متوسطه ، برای تکمیل آموخته های دینی به حوزه ی علمیه ی دارالعلوم زاهدان رفت . پس از طی مراحل لازم ، در تهران به تحصیل در دانشکده ی حقوق (در دانشگاه شهید بهشتی) پرداخت ، و با شور و شوقی بیکران تحصیلات حوزوی را پی گرفت و نزد استاد محمد شیخ الاسلامی ، فقه ، کلام ، تفسیر ، علوم قرآنی ، نحو و علوم بلاغی را تا مدارج عالی فرا گرفت و در سال 1370 ش در محضر این استاد عالیقدر و از دست ایشان ـ در 25 سالگی ـ اجازه ی مکتوب « افتاء » به شیوه ی مرسوم در مذهب شافعی ، دریافت داشت و دو سال بعد از دانشکده ی حقوق فارغ التحصیل شد و پس از آن قرآن پژوهی و اسلام شناسی و تالیف و ترجمه و تحقیق را پیشه ی خود ساخت و تاکنون آثار معتنابهی ، هم از نظر ارزشمندی خود اثر ، و هم از نظر کیفیت عالی پژوهش ، پدید آورده که مایه ی اعجاب اهل فن و ارباب نظر است . مهم ترین و طبعاً شریف ترین اثر ایشان ترجمه ی قرآن کریم به شیوه ای شیوا در کمال صحت و دقت است که بخشهای بعدی این مقاله ، تماماً به بحث درباره ی آن و معرفی آن اختصاص دارد . بعضی از آثار دیگر ایشان عبارت است از :
ـ تالیف بیش از چهارصد مقاله برای دو اثر مرجع : دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی و فرهنگ آثار (بخش معرفی کتابهای عربی و فارسی ، به سرپرستی جناب رضا سید حسینی و سه محقق برجسته ی دیگر)
ـ ترجمه ی کتاب واقعه ی کربلا، اثر عباس محمود عقاد
ـ ترجمه ی مجموعه ای از حدوداً چهار هزار حدیث و خطبه و نامه و عهدنامه ، و وصایا و کلمات قصار ، و احادیث موضوعی ، با ذکر اسناد هر حدیث از کتب ششگانه (صحاح سته) اهل سنت و کتب اربعه ی شیعه ، با همکاری بهاء الدین خرمشاهی . نام این مجموعه که تدوین فرهنگ وار و

انواع فهارس را در بر دارد ، پیام پیامبر (ص) است .
ـ هدیه ی معراج (احکام نماز در فقه شافعی)
ـ اهمیت نماز جماعت (ترجمه)
ـ پدیده ی افراط در تکفیر (ترجمه از اثر دکتر قرضاوی)
ـ زن در اسلام و نقش زن در فعالیتهای اجتماعی (ترجمه از اثر فیصل مولوی)
ـ ترجمه ی مجموعه ای از آثار جبران خلیل جبران (از جمله اشکی و لبخندی ، تندبادها ، موسیقی ، عروسان مرغزار ، بالهای شکسته ، عیسی فرزند انسان ، تازه و طرفه ها ، و ارواح سرکش)
ـ ترجمه ی کتاب خاتم النبیین اثر سمیح عاطف الزین که ممکن است عنوان فارسی آن « حضرت محمد در مکه / حضرت محمد در مدینه » باشد .
ـ قاموس شگرفیهای قرآن (در دست تدوین)
ـ پژوهشهای تاریخی در قرآن (ترجمه ی اثر بیومی مهران ، زیر چاپ)
ـ دانشنامه ی حقوق خصوصی این اثر مرجع 3 جلدی ، در مرحله ی حروف نگاری است . و یکی از آثار و کوششهای قرآن پژوهی دیگر ایشان تصحیحی علمی و هر چه دقیق تر ترجمه ی شاه ولی الله دهلوی از مهم ترین و دقیق ترین ترجمه های قرآن مجید به زبان فارسی است ، که متاسفانه چاپ آن در حدود یک دهه به درازا کشیده و هنوز هم منتشر نشده است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

انواری، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر انواری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب جعفر انواری در سال 1350 وارد حوزه شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را به پایان رساندم و دروس سطح (رسائل، مکاسب و کفایه) را در حوزه، بصورت آزاد خواندم.
در کنار تحصیل فقه و اصول در دیگر دروس حوزه مانند نهج البلاغه، عقائد، تفسیر و... شرکت داشتم. در سال 1356 پس از پایان دروس سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم و در دوران شرکت در درس خارج که حدود بیست سال بطول انجامید از محضر حضرات آیات عظام وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره مند شدم.
در سال 1360 وارد موسسه در راه حق شدم و از دروس آن موسسه که افزون بر رشته های مختلف اقتصادی و فلسفی، در قالب اقتصاد و فلسفه شهید صدر، از دروس فلسفه (فلسفه، نهایه، برهان، شفا و اسفار) و معارف قرآن استاد مصباح یزدی کسب فیض نمودم.
در سال 1363 در گروههای تحقیقاتی تفسیر و علوم قرآن، به کاوش و پژوهش پرداختم و در همان سال ها تدریس مباحث معارف قرآن استاد مصباح یزدی را نیز عهده دار شدم. از سال 1361 تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه آغاز کردم که 18 سال تدریس این دروس در دانشگاه تهران بطول انجامید.
با تاسیس موسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره)، در رشته علوم قرآنی به پژوهش و همکاری با بخش آموزش ادامه دادم و در سال 1380 بعنوان عضو هیئت علمی آن موسسه پذیرفته شدم که هم اکنون با بخش آموزش در تدریس دروس قرآنی و با پژوهش در تحقیقات قرآنی ادامه همکاری دارم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی اورعی
محل تولد : خوانسار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
پس از پایان دوره ابتدائی در سال 51 وارد حوزه علمیه خوانسار و در سال 53 وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را در مدرسه مرحوم آیةالله گلپایگانی خواندم و درس خارج را در محضر مرحوم آیةالله فاضل و حضرت آیةالله مکارم شیرازی شرکت کردم. زبان انگلیسی را در دفتر تبلیغات فرا گرفتم. سفرهای تبلیغی به زبان انگلیسی در کشورهای یاد شده داشتم. 14 سال است که در نگارش دائرة المعارف قرآن کریم و فرهنگ قرآن در مرکز فرهنگ و معارف قرآن مشارکت دارم.

اولیایی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی اولیایی در سال 1316 ، در یکی از روستاهای ملایر به دنیا آمد. پس از آنکه تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه به پایان برد ، در سال 1344 وارد دانشگاه تهران شد و در سال 1349 موفق به اخذ لیسانس شد. پس از آن هم چنان به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه در سال 1355 ، موفق به اخذ درجه ی دکتری فرهنگ عربی و علوم قرآنی شد. او که در سال1326وارد شده بود، پس از اخذ درجه دکترا به دانشگاه تربیت معلم منتقل گردید و تا سال 1356 در دانشسرای عالی زاهدان که وابسته دانشگاه زاهدان بود به تدریس پرداخت. دکتر اولیایی سپس به دانشگاه اراک رفته و فعالیت های آموزشی خود را در این دانشگاه دنبال نمود. وی در طول خدمات آموزشی و تدریس در دانشگاه ، به کار پژوهش و تالیف نیز پرداخته است و آثاری چند به چاپ رسانده است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی اولیایی پس از آنکه تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی و متوسطه را به پایان برد ، در سال 1344 وارد دانشگاه تهران شد و در سال 1349 موفق به اخذ لیسانس شد. پس از آن همچنان به تحصیلات خود ادامه داد تا آنکه در سال 1355 ، موفق به اخذ درجه ی دکتری فرهنگ عربی و علوم قرآنی شد.فعالیتهای آموزشی : مصطفی اولیایی پس از آنکه تحصیلات متوسطه را به پایان برد ، در سال 1326 وارد آموزش و پرورش شد. او پس از اخذ مدرک دکترا در سال 1353 از آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت معلم منتقل گردید و تا سال 1356 در دانشسرای عالی زاهدان که وابسته دانشگاه زاهدان بود به تدریس پرداخت. دکتر اولیایی سپس به دانشگاه اراک رفته و فعالیت های آموزشی خود را در این دانشگاه دنبال نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مصطفی اولیای در طول خدمات آموزشی و تدریس در دانشگاه ، از کار پژوهش و تالیف نیز غافل نبوده و آثاری چند به چاپ رسانده است.آثار : آشنایی با علوم قرآنی ویژگی اثر : این کتاب به بحث پیرامون علوم قرآنی از آغاز پیدایی آن در زمینه های علوم فی القرآن و للقرآن و آن دسته از علومی که قرآن موجب گسترش آنها شده در شانزده فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

منابع زندگینامه :دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش: بهاءالدین خرمشاهی ، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ص 323

اویسی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسین اویسی فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (1336 ـ 1411 ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بود. وی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند ، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت. او آثاری چند در حوزه علوم قرآنی به تالیف رسانده است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : شیخ محمدحسین فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (1336 ـ 1411 ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ محمدحسین اویسی مقدمات علوم و فنون ادب را در زادگاه خود فراگرفت. در حدود سال 1372 ق به قم هجرت نموده و در مجلس درس بزرگان حوزه حاضر گردید.استادان و مربیان : محمدحسین اویسی دروس طلبگی همچون صرف و نحو و... را در قزوین نزد سید احمد عمادحاج سیدجوادی و شیخ مهدی قاضی فراگرفت و سپس مشغول تحصیل در فقه و اصول گردید و فلسفه را از محضر فیلسوف شهیر ، شیخ ابوالحسن رفیعی قزوینی استفاده کرد. وی پس از آنکه به قم مهاجرت نمود ، خارج فقه را از محضر آیت الله بروجردی استفاده کرد و برای یادگیری اصول درس شیخ عباس شاهرودی و سیدمحمد داماد حاضر شد. اویسی سالیان متمادی از محضر درس علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان استفاده کرد.فعالیتهای آموزشی : محمدحسین اویسی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند ، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدحسین اویسی همراه با تدریس ، به تالیف و تفسیر قرآن نیز پرداخت. او تفسیر خود را مدت سی سال در چندین مجلد جمع و تالیف نموده است.آرا و گرایشهای خاص : شیوه و روش محمدحسین اویسی در تفسیر قرآن بدین گونه است که پس از ذکر آیه با بهره گیری از روایات ، به تفسیر آن می پردازد و در ضمنِ آن اقوال دیگر مفسران ، مانند فخر رازی را بیان کرده و مورد نقد عالمانه قرار می دهد و سپس برای روشن تر شدن بحث به اشعاری از شاعران قدیم تمسک می کند.آثار : تفسیر اویسی ویژگی اثر : این تفسیر به زبان فارسی و ثمره جلسات تفسیر

قرآنی است که شبهای ماه رمضان برای مردم و طلاب در طول سی سال بیان داشته است و سپس آن را جمع آوری و به صورت کتاب مستقلی درآورده است.

منابع زندگینامه :قرآن پژوهان قزوین ، تالیف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران ، ص 148

ایازی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد علی ایازی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
استاد سیّد محمّد علی ایازی متولد 1333 شمسی یکی از قرآن پژوهان معاصر است که تحصیلات حوزوی خود را از سال 1347 از حوزه علمیه مشهد آغاز کرد. پس از گذراندن دوره ادبیات و مقداری از سطح به حوزه علمیه قم وارد شد و از استادان سطح آقایان: محقق داماد، فاضل ، ستوده، صلواتی و سلطانی از درس خارج اصول آیات عظام: وحید خراسانی ، آقا موسی زنجانی و فاضل لنکرانی یک دوره را تمام کرد. همچنین از درس فقه آیات عظام: منتظری و شیخ جواد تبریزی (به مدّت 15 سال) و نیز اندکی از درس حاج شیخ مرتضی حائری و اراکی استفاده برد. درس فلسفه را گرچه در آغاز با درس آیت الله حسن زاده آملی شروع کرد، اما مدت 10 سال در خدمت آیت الله جوادی آملی اسفار و تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم را تلمذ کرد و نیز از محضر سید جلال الدین آشتیانی در فلسفه و عرفان بهره برد. در کنار تحصیلات و از همان سال های نخست ورود به حوزه، به درس تحقیق و پژوهشهای تحقیقی در زمینه قرآن توجه بسیار داشت و مدت 3 سال در درس تفسیر آیة الله خزعلی و درس فلسفه جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن شهید مطهری و در کارهای تحقیقاتی با این شهید در سال 55 تا 57 شرکت داشت. او در کنار تحصیل و تحقیق از کارهای فرهنگی و تالیف نیز غافل نبود و به ویژه پس از دوره های متمادی تحصیل فقه و اصول و فلسفه ، بیشتر وقت خود را به تحقیقات قرآنی اختصاص داده است و در این زمینه افزون بر مقالات گوناگون در مجلات و همایش ها، کتاب های بسیاری را تالیف کرده است.

ایجی صفوی، معین‌الدین، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(906/905 -832 ق)، مفسر، محدث و عالم شافعی. وی از اهالی ایج از توابع فارس بود. از آثار وی: «جامع البیان» یا «جوامع التبیان فی تفسیر القرآن»، مشهور به «تفسیر صوفی»، یا «تفسیر ایجی»، که در سال 1789 م در لاهور چاپ شده است؛ «بیان المعاد الجسمانی والروح»؛ «شرح اربعین النووی»؛ «شعب الایمان»، در اخبار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (68/7)، ایضاح المکنون (303/1)، تاریخ ادبیات در ایران (87/4)، تاریخ نظم و نثر (272)، ریحانه (211 -210 /1)، کشف الظنون (610، 452، 60)، معجم المؤلفین (153/10).

ایمانی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین ایمانی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1

آدمی خوارزمی، ابوالفضل محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 562 /561 ق)، مفسر، نحوی، لغوی و محدث. ملقب به زین‌المشایخ. او در ادبیات از پیشگامان و در زبان عرب خحجت به حساب می‌آید. لغت و علم اِعراب را از زمخشری آموخت و پس از او بر جایش نشست. او حدیث را نیز از زمخشری و دیگران شنید. در ترسل و نقد شعر دست داشت. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الاسماء الحُسنی»؛ «مفتاح التنزیل»؛ «تقویم اللسان»، در نحو؛ «الاعجاب فی علم الاعراب»؛ «الهدایه فی المعانی والبیان»؛ «اعجاز القرآن»؛ «اسرار الادب و افتخار العرب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (227 /7)، کشف الظنون (2040 ،1829 ،1760 ،595 ،488 ،469 ،400 ،132 ،120 ،91 ،84 ،51)، معجم الادباء (5 /19)، معجم المؤلفین (138 -137 /11)، الوافی بالوفیات (340 /4)، هدیة العارفین (98 /2).

آقانجفی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1324 ق)، عالم دینی، فقیه و مفسر. در نجف اشرف به دنیا آمد. پس از پرورش در محضر پدر که از علمای همدان بود و خواندن مقدمات و سطرح به حوزه درس علمای بزرگ نجف چون آیت‌اللّٰه نایینی و آیت‌اللّٰه اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه غروی اصفهانی راه یافت و از آنان بهره‌ی کامل گرفت. پس از نیل به مقامات عالیه به همدان مهاجرت کرد و به ترویج مذهب و تألیف و تصنیف پرداخت. از آثار وی: تفسیر شریف «انوار درخشان» است که در پانزده جلد عرضه شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (2/ 244)، گنجینه‌ی دانشمندان (7/ 415- 416).

آل اسحاق، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی آل اسحاق در 25 تیر سال 1318ش. در خوئین، از توابع زنجان، خانواده مذهبی‌اش را با میلاد خود پر از شور و شادی کرد. پدرش نام علی را برای وی برگزید. علی از همان هشت سالگی که با پدر به قم آمد، شروع به تحصیل نمود و مقدمات را در محضر آیه الله سید حسن بدلا(رئیس ائمه جماعت) و استادان دیگر به پایان برد. وی در شانزده سالگی در سال 1334ش به نجف اشرف می رود و در مدرسه آیه الله بروجردی اقامت می گزیند و دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد و به گفته خانواده ایشان ، از دو عالم بزرگ: آیه الله سید محسن حکیم و آقا بزرگ تهرانی، اجازه اجتهاد گرفت. او در شب جمعه 24 خرداد سال 1380ش بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع می گوید.
گروه : علوم انسانی
رشته : الهیات و معارف اسلامی
والدین و انساب : پدر شیخ علی آل اسحاق، حاج شیخ عبدالکریم خوئینی، از عالمان بزرگ عصر خود به شمار می‌رود. وی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بود. روحیه مبارزاتی شدیدی داشت و با عمّال و وابستگان حکومت طاغوتی رضاخان، که با منافع مردم در تضاد بود، به شدت مقابله می‌کرد؛ به عنوان نمونه در مقابل دو خان، که می‌خواستند زمین‌های کشاورزی مردم را به تصرف خود درآورند، ایستادگی کرد و توانست آنان را از تصرف در اموال مردم باز دارد.مادر علی که از سلاله پاک پیامبر بود، زنی صبور در مقابل مشکلات و دوستدار علم و فضیلت بود.
خاطرات کودکی : برادر شیخ علی آل اسحاق می‌گوید: در نزدیکی‌های خانه ما تعدادی بوقلمون آورده بودند. من و بچه‌های دیگر، از جمله علی، به تماشای آن‌ها رفتیم و نزدیک غروب برای انجام فریضه مغرب به خانه برگشتیم. رسم خانه ما این بود که نمازها را در خانه به جماعت و با امامت پدر برگزار می‌کردیم و تمامی افراد خانواده، چه مردان و چه زنان، در نماز جماعت شرکت می‌کردند. هنگامی که پدر می‌خواست اقامه نماز کند، علی شروع به گریه کرد. وقتی پدر علت گریه‌اش را پرسید، گفت: «من هم بوقلمون می‌خواهم.» و به گریه خود ادامه می‌دهد. پدر بدون عصبانیت و با آرامش کامل رو به فرزند می‌کند و می‌گوید: نماز مغرب را با خلوص نیت بخوان و هر حاجتی که داری از خدا بخواه؛ خداوند است که حاجات را

برآورده می‌کند. علی همین کار را انجام می‌دهد. پس از تمام شدن نماز، در خانه به صدا در می‌آید. هنگامی که من در را باز کردم، یکی از همشهریان را که یک بوقلمون در دست داشت، دیدم. او به خانه وارد شد و علی به خواسته خود رسید.از این خاطره به خوبی می‌توان فهمید که محیط رشد علی چگونه بوده است؛ او در خانواده‌ای پرورش می‌یابد که اهل خانه مقید به نماز اول وقت بودند و تحت تربیت پدری بودند که نام و یاد خدا را گره‌گشای مشکلات و برآوردن حاجات می‌دانست و روشن است که تنها از چنین خانواده‌هایی، مردانی شایسته و الگو چون آقاشیخ علی آل اسحاق، برخواهند خاست.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : تربیت فرزندان یکی از وظایف مهم هر پدر و مادری است. مرحوم شیخ علی آل اسحاق نیز با جدیت فراوان می‌کوشید تابه این وظیفه خود عمل کند. از این رو، او هیچ گاه از سفارش به فرزندان خود دریغ نمی‌ورزید و واضح است که این سفارش‌ها، راه‌گشای افکار تمامی جوانان خواهد بود؛ چنان که گفته است:«'...اسلام رابه دقت بشناسید و آن طوری که دسته‌بندی کرده‌ام، به دقت مطالعه کنید. تاریخ زندگی پیامبر اسلام و ائمه (ع) را هر چند سال یک بار بررسی نمایید. تا می‌توانید با هم دوست و با محبت باشید و بر سر مسائل جزئی با هم اختلاف نکنید. در این انقلاب، تا وقت درس است، درس بخوانید و سپس خدمت کنید. به مادرتان که خیلی رنج کشیده است، کمک کار باشید، پس از ازدواج رابطه صمیمی خود را با مادرتان قطع نکنید. والسلام. با چشم گریان و دستی لرزان. خداحافظ».
تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ علی آل اسحاق در سال 1326 ش. از زنجان به قم مهاجرت کرد تا در آن شهر به تدریس علوم اسلامی و سایر فعالیت‌ها بپردازد؛ وی در آن سال، هشت بهار از عمرش گذشته بود. وی از همان هشت سالگی که با پدر به قم آمد، شروع به تحصیل نمود و مقدمات را در محضر آیةاللّه سید حسین بُدَلّا(رئیس ائمه جماعات) و استادان دیگر به پایان برد.وی در شانزده سالگی در سال 1334 ش. در حالی که دو سال از فوت پدر مهربانش می‌گذشت، تصمیم گرفت به عراق برود و در آن‌جا به تحصیل ادامه دهد؛ اما تیرگی روابط دو کشور ایران و عراق، باعث شد که این سفر انجام نشود. به همین سبب به حضرت معصومه (س) پناه برد و با توسل به آن حضرت، توانست مجوز اقامت در عراق را دریافت کند و به عتبات عالیات سفر نماید. او به نجف‌اشرف می‌رود و در مدرسه آیةاللّه بروجردی اقامت می‌گزیند.آقا شیخ علی آل اسحاق در نجف‌اشرف در محضر شیخ صدرای بادکوبه‌ای «مکاسب» را فرا گرفت و کتاب «رسائل» را، به همراه 3 نفر دیگر به طور خصوصی در محضر آیةاللّه آقا جواد تبریزی، آموخیت. وی جلد اول «کفایه» را نزد آیةاللّه حسین راستی

کاشانی، آیةاللّه حسین وحید خراسانی، آیةاللّه حاج شیخ علی فلسفی(که اکنون در مشهد ساکن است) و جلد دوم آن را با پیشنهاد آیةاللّه محمدباقر حکیم نزد آیةاللّه شهید محمدباقر صدر به اتمام رساند. وی که به مقام علمی شهید صدر پی برده بود، در جلسات درس دیگر او، که کتاب‌های «فلسفتنا»، «اقتصادنا» و برخی مباحث دیگر را تعلیم می‌داد، شرکت می‌کند و همان دروس را در مسجد هندیِ نجف برای عموم محصّلین تدریس می‌نماید. شیخ علی، «شرح تجرید» رادر محضر آیةاللّه شهید سیّداسداللّه مدنی و «فلسفه» را در محضر آیةاللّه شیخ عباس قوچانی و همچنین علم طب را از مرحوم سیدحسین حکیم فرا گرفت. به علاوه، دو سال در درس خارج فقه آیةاللّه سیدابوالقاسم خوئی و سیدمحمود شاهرودی شرکت جست و سپس به مدت 12 سال، دو دوره درس خارج فقه آیةاللّه میرزا محمدباقر زنجانی را گذراند.پس از تشریف فرمایی امام خمینی به نجف، در درس خارج فقه ایشان و نیز در درس «ولایت فقیه» امام شرکت کرد و تا سال 1353 ش. که حکومت بعث عراق امام را دستگیر کرد، در محضر ایشان بود. شیخ علی دروس حوزه را تا رسیدن به مرحله اجتهاد ادامه داد و به گفته خانواده ایشان، از دو عالم بزرگ: آیةاللّه سیدمحسن حکیم و آقابزرگ تهرانی، اجازه اجتهاد گرفت.
خاطرات و وقایع تحصیل : پس از رحلت آیةاللّه حکیم وی نمایندگی امام راحل در همان منطقه را بر عهده گرفت. او در بخشی از خاطراتش ارتباط نزدیک با امام را این چنین بیان می‌دارد:«آن روزها در حوزه علمیه نجف‌اشرف من موقعیت خوبی داشتم؛ داماد مرحوم آیةاللّه العظمی آقامیرزاباقر زنجانی(ره) بودم و نمایندگی از طرف مرحوم آیةاللّه العظمی حکیم(ره) در شهر سنجار استان موصل عراق را داشتم. و امام راحل با مرحوم پدرم حضرت آیةاللّه آقای شیخ عبدالکریم خویینی آشنایی کامل و علاقه داشتند و آن روز دل و جرأت می‌خواست که کسی به امام اظهار محبت کرده، در کنارش قرار گیرد. من با تمام ناملایماتی که برایم فراهم شده بود، شب و روز در کنار آن رادمرد الهی قرار گرفته، با تمام نیرو آنچه در توان داشتم، در خدمت ایشان بودم. در تمام جلسات عمومی و از اولین روز شروع درس فقه و نماز جماعت‌ها و گاه در جلسات خصوصی شرکت می‌کردم. مدتی مسئولیت پرداخت شهریه را بر عهده گرفته و مدتی در جلسه استفتائات به دستور ایشان شرکت می‌کردم و شبانه‌روز حداقل پنج بار به خدمتشان می‌رسیدم. خلاصه اخبار رادیوهای عربی و خارجی را در مسیر راه بیان می‌کردم. لذت‌بخش‌ترین خاطره یک شب زمستانی بود که امام مرا جهت تجدید کتابت صورت نمایندگی نمایندگان خود در سطح جهان خواسته بودند. آن شب تا اذان صبح مشغول نوشتن شده و از این که امام چنین اعتمادی را به من نموده و از میان دوستان مرا انتخاب فرموده،

بیش از حد خوشحال و خرسند بودم».وی درباره حساسیت امام به بیت‌المال چنین می‌گوید:«در نجف، روزی به منزل امام رفتم. برخلاف همیشه درب خانه امام بسته بود و صدای فریاد امام به گوش می‌رسید. درب خانه را زدم، خادم درب را باز کرد و گفت: امام بسیار ناراحتند. وقتی وارد شدم، فهمیدم ناراحتی امام به خاطر آن است که آقاسیدمصطفی 250 درهم(یک چهارم دینار) به گوجه‌فرنگی نوبر داده است و امام می‌فرمود: چرا هنوز که گوجه ارزان نشده، آن مقدار پول را از سهم امام به گوجه داده است؟ سپس به او فرمود: همین الآن برو گوجه‌ها را پس بده».

استادان و مربیان : ازاستادان شیخ علی آل اسحاق که دروس مختلف را در محضرشان آموخته بود می توان به افراد زیر اشاره کرد: شیخ صدرای بادکوبه ای آیه الله حسین راستی کاشانی آیه الله حسین وحید خراسانی آیه الله حاج شیخ علی فلسفی آیه الله محمدباقر حکیم آیه الله شهید محمدباقر صدر آیه الله شهید سید اسدالله مدنی آیه الله شیخ عباس قوچانی آیه الله سید ابوالقاسم خوئی مرحوم سید حسین حکیم سید محمود شاهرودی آیه الله میرزا محمدباقر زنجانی امام خمینی

همسر و فرزندان : شیخ علی آل اسحاق دارای 5 فرزند بود: سه دختر و دو پسر. یکی از پسران او در جبهه‌های جنگ به شهادت رسید که نامش «محمدجواد» بود. محمدجواد جوانی فعال، پرشور، و خداجوی بود و در مسجد اباذر(واقع در محلّه زاویه قم) در عرصه‌های مختلف به فعالیت مشغول بود؛ همانند جمع‌آوری کمک‌ها به رزمندگان، جذب جوانان برای امور فرهنگی و مذهبی و... . اکنون نیز کتابخانه آن مسجد به نام همین جوان فعال مزیّن است. پسر دیگر ایشان «رضا» نام دارد که هم اکنون در حال تحصیل است. دامادهای این عالم پرتلاش عبارتند از:1 - مهندس ابوالحسن آل اسحاق، که در جبهه جنگ به فیض شهادت نایل شد. و برادر وی به نام حسین پس از او به افتخار دامادی عموی خود یافت.2 - دکتر ساحلی است، که در محله نیروگاه قم، مطب دارد. و به درمان بیماران توفیق یافته است.3 - آقای دهقان که کاردار وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در ژاپن می‌باشد.

وقایع میانسالی : این مرد مجاهد و نستوه که تا آخرین نفس بر آرمان‌های خود پافشاری کرد و یک لحظه از خدمت به دین و نظام اسلامی غفلت نورزید، در اواخر عمرش به خاطر مرض قند و ناراحتی قلبی، کمتر موفق به فعالیت‌های اجتماعی می‌شد؛ اما دغدغه تهاجم آشکار فرهنگی و گسترش فساد در میان جوانان و... آراکش را از او ربوده بود؛ به طوری که شب جمعه 24 خرداد سال 1380 ش. در تماس تلفنی با برادرش درباره اوضاع فرهنگی گفت و گو می‌کند.

زمان و علت فوت : شیخ علی آل اسحاق ساعت 2 نیمه شب 24 خرداد 1380ش نیز بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع می‌گوید.پیکر مرحوم شیخ علی (ره) روز شنبه 26 خرداد با شرکت گسترده مردم از مسجد امام حسن عسکری (ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) تشییع شد و شرکت کنندگان در غم از دست دادن این یار دلسوز امام، اشک ماتم ریختند. پس از تشییع، بدن مطهرش در گلزار علی بن جعفر (ع) ، در قطعه مخصوص پدر شهیدان به خاک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ علی آل اسحاق نیز مانند بسیاری از روحانیون دیگر که مردم را به انقلاب فرا می‌خواندند، همیشه در سفرهای تبلیغی خود، ضمن تبیین اهداف نظام اسلامی، مردم را با انقلاب و امام آشنا می‌کرد. در همین راستا وقتی در شهر خرّم‌آباد در مسجد علوی سخنرانی نمود و مواضع انقلاب را بیان کرد، دستگیر شد.(3) در اوایل سال 1356 ش. به مدت 3 ماه در، یافت‌آباد تهران به تبلیغ و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی پرداخت. همچنین، صندوق قرض‌الحسنه‌ای تأسیس کرد تا سهمی در رفع مشکلات مادی مردم آن‌جا داشته باشد.همزمان با پیروزی انقلاب در شهر سنجان، واقع در استان مرکزی مشغول تبلیغ شد. پس از پیروزی انقلاب بر اساسِ احساسِ وظیفه و با تجربه‌ای که در مناطق سنّی‌نشین داشت، به استان سیستان و بلوچستان سفر کرد و با تشکیل بسیج مردمی و ایجاد وحدت میان شیعه و سنّی، توانست توطئه‌های ضدانقلاب را در آن سامان خنثی کند. نتیجه فعالیت‌های وی، تصرّف صدا و سیمای آن ناحیه به دست نیروهای انقلاب بود و از آن طریق خبر پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با شور و شعف خاصی به گوش هموطنان رسید.پس از آرام شدن اوضاع، به استان مرکزی بازگشت و در سمت مسئول کمیته انقلاب اسلامی همان منطقه به فعالیت خود ادامه داد.آشوب‌های کردستان موجب شد که شیخ علی چندین بار برای ایجاد آرامش در آن منطقه، با نیروهای تحت فرمان خود به آن‌جا برود. پس از آن به تهران دعوت شد و مسئولیت بخش فرهنگی کلّ کمیته‌های انقلاب اسلامی را بر عهده گرفت.با پیروزی انقلاب اسلامی، عده زیادی به دنبال فرصت بودند تا این انقلاب نوپا را تضعیف کنند و آن گونه که می‌خواهند، انقلاب را تغییر دهند. آنان برای رسیدن به همین هدف، جوانان پاکدل و ساده را فریفته، با شعارها و افکار انحرافی، آنان را گمراه می‌ساختند.شیخ علی آل اسحاق که این خطر را به خوبی حس کرده بود، به مقابله با این جریان برخاست و با پاسخ به شبهات و جذب جوانان نقشه‌های آنان را خنثی می‌ساخت.وی بعدها نیز در ارگان‌های مختلف، از جمله: سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، اداره بهداری و بهزیستی در شهرهای مختلف کلاس‌هایی را تشکیل داد. گذشته از این‌ها، شیخ علی دو سفر تبلیغی نیز به

خارج از کشور داشت؛ یک بار به آذربایجان سفر کرد و بار دیگر به لبنان رفت. همچنین مدت 10 تا 11 سال از طرف آیةاللّٰه گلپایگانی امام جماعت مسجد اباذر واقع در منطقه زاویه قم بود. او رابطه بسیار صمیمی با جوانان مخصوصاً طلاب جوان داشت؛ به طوری که حتی در اردوهای زیارتی نیز همراه آنان بود.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : وی در زمان مرجعیت آیةاللّه حکیم، نماینده ایشان در استان موصل عراق در شهرهای سنجار و طلّعفر بود و به مدت 11 سال در فصل تابستان، دهه محرم، دهه صفر و ماه رمضان به آن‌جا می‌رفت. از آن‌جا که مردم آن مناطق کرد بودند، او قبل از اعزام در طی سه ماه زبان کردی را فرامی‌گیرد. شیخ علی، در ایّام تبلیغ، در جلسات مناظره و مباحثه با اهل سنّت آن ناحیه شرکت می‌جست. این تلاش‌ها، باعث گرایش و جذب عدّه زیادی به مذهب تشیع گردید؛ به طوری که توانست مسجد و مدرسه علمیه بسازد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از فعالیت‌های شیخ علی آل اسحاق به خوبی آشکار است که وی به امور فکری، فرهنگی و دینی مردم بسیار حساس بوده است. اگر چه وی در طول عمر خود فعالیت‌های فرهنگی، مبارزاتی داشت، اما بنا بر احساس وظیفه در برابر اقشار کم درآمد و طلاب، اقدام به فعالیت‌های اقتصادی کرد. یکی از آن فعالیت‌ها، گرفتن امتیاز صادرات و واردات از طریق مرز آذربایجان بود. وی درآمد حاصله را در امور فرهنگی و حمایت از طلاب و دیگر موارد لازم صرف نمود. همچنین به منظور خدمت به طلاب، یکی از مؤسّسین تعاونی طلاب نیز بود.او که برای پیشبرد اهداف اسلام از هیچ کاری دریغ نورزیده بود، وقتی جنگ نابرابر عراق بر ایران تحمیل شد، باز هم وظیفه خود را به خوبی انجام داد و بارها و بارها در جبهه‌های حق علیه باطل شرکت جست و دوشادوش رزمندگان اسلام اسلحه به دست گرفت و به ستیز با دشمنان دین خدا برخاست.وی در تشکیل بسیج عشایر و سازماندهی نیروهای مقاوم بومی در منطقه جنوب نیز نقش خود را به خوبی ایفا نمود
شاگردان : وی شیخ علی آل اسحاق مبارز ترکیه‌ای) یکی از آنان است. وی پس از انقلاب در دانشگاه‌های مختلف از جمله: دانشگاه شهید بهشتی تهران، دانشگاه تبریز و دانشکده امام حسین (ع) به فعالیت پرداخت و به عنوان استاد دانشگاه، معارف دین اسلام را برای دانشجویان مطرح می‌کرد. همچنین در مدارس علمیه از جمله: مدرسه امام خمینی (ره) ، مدرسه حجّتیه (برای طلاب خارجی)، مدرسه الهادی و مدرسه صدوقی(برای طلاب ایرانی) درس اخلاق و دروس دیگر می‌گفت.فقه و اصول را نیز در خانه‌اش تدریس می‌نمود. همچنین برای پاسخ به شبهه‌های مطرح شده، کلاسی در مدرسه فیضیه تحت عنوان «احکام اجتماعی قرآن

و تبیین مسائل روز» تشکیل داده بود.
آرا و گرایشهای خاص : زندگی شیخ علی آل اسحاق رنگ خدایی داشت و این، در اعمال و رفتارش هویدا بود. رابطه روحی و معنوی با ائمه اطهار داشت. زهد و پارسایی او زبانزد و کاملاً به زخارف دنیا بی‌توجه بود. با وجود این که موقعیت رسیدن به پست‌ها و مقامات متعددی داشت، ترجیح می‌داد ساده زندگی کند. هرکس وارد منزلش می‌شد؛ساده‌زیستی را به خوبی در او و زندگی‌اش مشاهده می‌کرد. با اهل خانه بسیار مهربان بود. خانواده‌اش چنان با اخلاق خوش و رفتار اسلامی او انس داشتند که تحمل فقدان او، بر ایشان، بسیار دشوار بود.
چگونگی عرضه آثار : شیخ علی آل اسحاق آثار دیگری نیز دارد که به چاپ نرسیده است؛ از جمله :.1 قرائت امام خمینی (ره) از ولایت مطلقه فقیه یا حکومت جهانی فرامین الهی؛.2 تقریرات اصول فقه مرحوم آیة اللّٰه العظمی محمد باقر زنجانی؛.3 النکاح علی المذاهب الخمسه(عربی)؛.4 الفقه الاسلامی(الحلقه الاولی، عربی)؛.5 آخرین نظریات علمای اصول در محور کفایةالاصول از مرحوم آخوند تا امام؛.6 مبانی فکری امام امت یا اصول سیاسی، اجتماعی اسلام؛.7 بهترین راهنمای حج(مطابق با فتاوای امام خمینی)؛.8 معالم دین یا تنظیم مضامین عالی دعای ندبه. -------------
----
آثار :
1 آشنایی با مکتب وحی
2 اخلاق و رفتار یا اصول تزکیه و حکمت
3 اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان
4 اصول خود سازی یا اخلاق در مکتب وحی الهی
5 جبهه یا دانشگاه خود سازی
6 زمینه اسلام‌شناسی
7 کنترل زبان
8 مسئولیت امت از دیدگاه امام
9 یاد خدا عامل انقلاب

آیتی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

عبدالحسین بافقی یزدی (1288 ق ـ 13741 ق / 1332 ش) معروف به آیتی و متخلص به « ضیایی » ، « آواره » و « آیتی » ، از شعرا ، محققان ، نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر که پس از ورود و درنگ 18 ـ 20 ساله ی او در سلک بهائیت و طی مدارج تبلیغ در آن مسلک و دریافت لقب رئیس المبلغین و القاب دیگر و الواح تشویقی از عباس افندی و شوقی افندی و به سر بردن چند سالی با آنها ، با دیدن کژیها و ناراستیها ، دوباره به اسلام و تشیع بازگشت و شرح حال این دوران سرگشتگی فکری و به تعبیر خود فریب خوردگی را در کتاب کشف الحیل (3 جلد ، تهران ، 1370 ـ 1310 ش با تجدید چاپهای مکرر) نوشته و این زندگی پرتلاطم از او شخصیت پرآوازه و حقیقت جو ساخته است . او فرزند حاج ملا محمد بن محمد بن حاج بزرگ ، در خانواده ی علم و عرفان به دنیا آمد . پدرش حاج (ملا) آخوند تفتی از ائمه ی جماعت و خطبای فرهیخته ی یزد ، و در زادگاه خویش نیز امام جماعت و مرجع حل و فصل امور شرعی مردم بود . زادگاهش قصبه ی تفت از نواحی یزد بود . تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه ی زادگاهش آغاز کرد و اولین معلمش پدرش بود . در سال 1303 ق به یزد رفت و پس از فراگیری صرف و نحو و علم بلاغت و منطق در 1305 ق به قصد ادامه ی تحصیلات ، سفر به عتبات عالیات کرد ، و به فراگیری فقه و اصول پرداخت . یک سال بعد پدرش درگذشت و او به درخواست مادر به زادگاهش بازگشت و نظر به ابراز علاقه ی هم ولایتی ها مسند پدر را که امامت جماعت و وعظ و خطابه بود عهده دار شد . در سی و سه سالگی که امامت جماعت مسجد تفت و تصدی امور شرعیه را عهده دار بود ، بعضی از مبلغان بهایی کتابهای این فرقه را به ترفند ، به تعبیر خودش ، به مطالعه ی او رساندند و چون مطالعه ی این کتابها آشکار شد ، یکی از رقبای روحانی ، او را به بد دینی و انحراف عقیده متهم کرد و آزار و ایذاء و بدنامی و رنجهای روحی همراه آن ، او را به دامان بهائیت سوق داد . خود در این مورد می گوید : « ... دستار از سر برافکندم و ریش خود را از بن برکندم و به جهانگردی پرداختم . چون محرم اسرار شدم و مقام عالی یافته بودم رئیس المبلغین شدم » .
ابتدا مدتی در تهران و رشت و اردستان و کاشان به کارهای فرهنگی و

تاسیس مدارس و تبلیغ بهائیت پرداخت و سپس چند بار به عکّا (مقرّ سران بهائیت) مسافرت کرد و از طرف عباس افندی (عبدالبهاء) به « آواره » مشهورگردید و به دستور یا درخواست او و سایر روسای مرکز به تالیف کتاب مآثر البهائیه پرداخت (نام کامل آن الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه) که در تاریخ ظهور و تشکیل بهائیت است . خود در مورد این کتاب می گوید : « چون خواستم طبع کنم عباس افندی نسخه ی آن را طلبید و دستوراتی داد . ناچار بسیاری از آن را تغییر دادم و بنده سه دفعه در تحت نفوذ حضرات به تحریفات و جعلیات مبتلا شد و اینک می گویم آن کتاب که بعداً به کواکب الدریه موسوم شده ، در دو جلد ، به کلی از درجه ی اعتبار ساقط است .... » اما چون تغییرات دلخواه سران بهائیت در آن وارد شده طبیعی است چنانکه در مقاله ی دانشنامه ی ایرانیکا (به انگلیسی ، جلد سوم ، ذیل « آیتی » آمده است « این کتاب هنوز اثر عمده ای در موضوع خود به شمار می آید » .

به نوشته ی دایره المعارف تشیع : « ... پس از فوت عباس افندی (1340 ق) ، شوقی افندی جانشین او آواره را به عکا احضار نمود و آواره از طریق بادکوبه و اسلامبول به عکا و از آنجا به دستور شوقی و برای تبلیغ ، مسافرتی به انگلستان و فرانسه نمود . آواره در اواخر عمر عباس افندی و سپس در اوایل شوقی افندی به میزان زیادی از سوء اخلاق و فساد روسا و مبلغین فرقه ی بهائیت اطلاع حاصل نمود و از کرده ی خود پشیمان شد ؛ و در مسافرت به اروپا و در مراجعت هنگام اقامت در مصر ، در احوالات آنها و مخصوصاً در علل و جهات انصراف میرزا ابوالفضل گلپایگانی و میرزا نعیم و میرزا علی اکبر رفسنجانی [با ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام ، در این عصر ، اشتباه نشود] که از بهائیان اصلی و از مبلغین به نام آنها بودند ، از فرقه ی بهائیت تحقیق و تفحص بسیار نمود و یقین حاصل کرد که آن سه تن با وجود تحمل زحمات و مشقات در طریق بهائیت و انجام تبلیغات فراوان برای این فرقه اخیراً از آن تبری جسته و از عمل خود نادم گشته بودند . آواره نیز هنگام اقامت در مصر زمزمه ی مخالفت آغاز و به جمع آوری اسناد و تصاویر و تهیه ی یادداشتهای لازم علیه بهائیت مبادرت نمود و با ورود به تهران مخالفت خود را آشکار کرد و به تالیف کتاب کشف الحیل اقدام نمود . این کتاب در سه جلد [و گاه چاپ شده در یک مجلد ، چاپ تهران 1307 ـ 1310] و حاوی شرح و تفصیل کافی راجع به حیله ها و نیرنگهای بهائیان تدوین گردیده و ... سند ارزنده و گوهر گرانبهایی است ... » (داریه المعارف تشیع ، ج 1 ، ص 242)

به نوشته ی دایره المعارف بزرگ اسلامی او در سال 1348 ق / 1929 م در تهران اقامت گزید و به خدمت وزارت معارف (آموزش و پرورش)

درآمد ، و به عنوان دبیر به تدریس در دوره ی متوسطه پرداخت . با طبع و ذوق سخنوری که داشت ، به پژوهشهای ادبی روی آورد و نشریه ای ادبی / انتقادی به نام نمکدان [که بعضی منابع برآنند که مقالات مختلف اغلب یا تمامی 61 شماره ی آن را خود او با اسامی مستعار گوناگون نوشته است] در سال 1308 ش منتشر کرد که در واقع گاهنامه بود و انتشارنامنظم آن چند سالی دوام آورد . مجموعه ی آثار او مشتمل بر 17 کتاب است که عمده ترین آنها ترجمه ی تفسیر آمیز قرآن کریم است که به کتاب نبی (به ضم نون) یا قرآن فارسی [یا به قول خود آیتی ، به نقل از یکی از فضلا که در مقدمه ی ترجمه اش آورده فارسی قرآن، که دقیق تر و به ادب شرعی نزدیک تر از قرآن فارسی است] مشهور است . از دو کتاب الکوکب الدریه و کشف الحیل نیز نام بردیم . کتابی نیز به نام تکمیل کتاب کشف الحیل و بیان الحق و نیز جزوه ای به نام ضمیمه ی کشف الحیل دارد و آتشکده ی یزدان (تاریخ یزد) ، و تاریخ فلاسفه ، و فرهنگ آیتی و اثر قرآنی دیگری به نام قصیده ی قرآنیه و ترانه ی روحی (که چون تاریخ نشر آن در منابع شرح حال او نیامده نمیتوان راجع به صحت کلی آنکه در کدام مرحله ی حیاتش نوشته / سروده است ، قضاوت کرد) .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

بابا نعمت الله نخجوانی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 920 ق)، صوفی و مفسر حنفی. معروف به شیخ علوان. وی اهل نخجوان بود و در اواخر عمر به سرزمین عثمانی رفت و در آق شهر ساکن شد، به همین جهت به علوان آق شهری نیز معروف شد. او از عرفای طریقت نقشبندیه بود و در آق شهر درگذشت. آثار وی عبارتند از: «فواتح الالهیة و مفاتح الغیبیة الموضحة للکلم القرآنیة و الحکم الفرقانیة»، در تفسیر، که در سال 902 ق به پایان رسیده است؛ حاشیه بر «انوار التنزیل و اسرار التأویل»؛ شرح بر «گلشن راز»، به فارسی؛ «هدیة الاخوان»، در تصوف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (12/9)، تاریخ نظم و نثر (282)، ریحانه (217/1)، کشف الظنون (2028، 1292، 189)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا نعمة الله)، معجم المؤلفین (111/13)، هدیة العارفین (497/2).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر بابائی
محل تولد : اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
این جانب علی اکبر بابائی متولد 1333 در اراک پس از آموختن قرآن و برخی کتاب های مذهبی در مکتب خانه و تحصیلات ابتدایی در مدارس دولتی و دروس مقدماتی حوزه مانند صرف و نحو در حوزه علمیه اراک در سال 1353 ه.ش وارد حوزة علمیه قم شدم و تا سال 1359 ه.ش سایر دروس مقدماتی و سطوح عالی حوزوی را فرا گرفتم و در سال 1360 به دروس خارج اصول و فقه راه یافتم ، مدت کوتاهی از درس خارج اصول آیت الله مکارم و خارج فقه آیت الله تبریزی استفاده کردم ولی عمده تحصیلات خارج فقه و اصول این جانب از درس‌های خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی بوده است حدود 12 سال در درس خارج اصول و حدود 2 سال در درس خارج فقه معظم له شرکت کرده‌ام همزمان با تحصیلات خارج فقه اصول در برنامه‌های درسی مؤسسه در راه حق و پس از اتمام دوره عمومی تحقیقات خود را در رشتة تخصصی تفسیر علوم قرآنی در این مؤسسه آغاز کردم و تا سال 1373 ادامه یافت از سال 1373 تا کنون در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که قبلا دفتر حوزه و دانشگاه نامیده می‌شد به پژوهش در موضوع مباحث علوم قرآنی با گرایش منطق فهم قرآن اشتغال داشته‌ام و نتیجه آن تألیف کتاب‌های: روش شناسی تفسیر قرآن. مکاتب تفسیری ج 1 و 2 تاریخ تفسیر قرآن بوده است.

بازرگان، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1373 -1286 ش)، استاد دانشگاه، محقق، اسلام‌شناس و قرآن‌پژوه. مهندس بازرگان در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال 1307 ش با اولین گروه اعزامی دانشجویان به فرانسه عزیمت کرد. او در رشته‌ی ترمودینامیک فارغ‌التحصیل شد و در سال 1313 ش به ایران بازگشت. و در سال 1315 ش درس ترمودینامیک (ماشینهای حرارتی) را در دانشکده‌ی فنی بنیان نهاد و به عنوان دانشیار به تدریس این رشته پرداخت. چند سالی نیز ریاست دانشکده‌ی فنی را عهده‌دار بود وی همکاری خود را با نوشتن مقاله‌ی «مذهب در اروپا» با کانون اسلام در سال 1319 ش شروع کرد. بازرگان با سمت معاون وزارت فرهنگ در دولت دکتر مصدق انجام وظیفه کرد. سپس از سوی دکتر مصدق به ریاست هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت منصوب شد و برای مأموریت خلع ید از شرکت نفت انگلیس به آبادان رفت. بازرگان زمانی که مدیر کل سازمان آب تهران بود، اولین راه‌اندازی انشعاب آب تهران را بدون کمک مهندسین خارجی انجام داد. او به خاطر امضای نامه‌ی اعتراض‌آمیز به انتخابات غیر قانونی مجلس به دستور سپهبد زاهدی نخست‌وزیر کودتا، برکنار شد. بازرگان یکی از مهمترین پایه‌گذاران و نقش‌آفرینان نهضت مقاومت ملی بود و با کشف چاپخانه نهضت مقاومت ملی در سال 1334 ش به همراه عده‌ای دیگر از سران نهضت مقاومت دستگیر و زندانی شد. در سال 1341 ش بار دیگر به ده سال زندان محکوم شد. در سالهای 1356 و 1357 ش، مهندس از چهره‌های درخشان درجه‌ی اول جنبش انقلابی مردم ایران بود. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به طور مخفیانه به عضویت «شورای انقلاب» درآمد و آنگاه مأمور تشکیل کابینه و تأسیس دولت موقت انقلاب شد. مهندس بازرگان با حکم رهبر و پیشنهاد شورای انقلاب به نخست وزیری منصوب شد، ولی در آبان ماه 1358 ش استعفا داد. او در انتخابات نخستین دوره‌ی مجلس به نمایندگی از طرف مردم تهران به مجلس شورای اسلامی راه یافت. سرانجام در ضمن سفر طبابتی در ژنو درگذشت و بعد از انتقال پیکر او به تهران، در قم دفن شد. از آثار وی: «علمی بودن مارکسیسم»؛ «بررسی نظریه‌ی اریک فروم»؛ «بازیابی ارزشها»، در چهار جلد؛ «مطهرات در اسلام»؛ «راه طی شده»؛ «ذره‌ی بی‌انتها»؛ «بعثت و تکامل»؛ «جمله‌شناسی قرآن»؛ «آفات توحید»؛

«بازگشت به قرآن»، در چهار جلد؛ «بینهایت کوچکها»؛ «ترمودینامیک صنعتی»؛ «حکومت جهانی واحد»؛ «عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان»؛ «مرز میان دین و سیاست».[1]
محقق، نویسنده، استاد.
تولد: 1286، تهران.
درگذشت: 30 دی 1373، سوییس.
مهدی بازرگان، فرزند حاج عباسقلی آقا تبریزی بازرگان تهرانی، در سال 1307 با نخستین گروه دانشجویان ایرانی به اروپا رفت و در رشته‌های مهندسی ماشین و مهندسی نساجی از فرانسه فارغ‌التحصیل شد، پس از بازگشت به ایران، در همان رشته‌ی تخصصی خود در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در سال 1320 با پای گذاشتن در کانون اسلام به فعالیت‌های سیاسی و دینی رو آورد. از سال 1314 (تا 1330) در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران بر کرسی استادی نشست و از سال 1325 تا 1331 همزمان ریاست این دانشگاه را نیز به عهده داشت.
وی زمان دولت دکتر محمد مصدق به عنوان رییس هیئت مدیره‌ی موقت شرکت ملی نفت و سپس به عنوان مدیر عامل سازمان آب تهران به فعالیت می‌پرداخت.
مهندس مهدی بازرگان نخستین بار در سال 1334 گرفتار زندان شد و پس از آزادی، در بهمن 1341 دوباره دستگیر و به ده سال زندان محکوم شد. پس از آزادی از بند، در آبان سال 1346 به کار در شرکت‌های مهندسی روی آورد تا آن که بار دیگر در شهریور سال 1357 دستگیر شد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (ره) به عضویت شورای انقلاب درآمد و زمانی کوتاه پس از آن به عنوان نخست وزیر دولت موقت منصوب شد، اما با تسلیم استعفانامه‌ی خود در اعتراض به اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از سمت نخست وزیری کنار رفت.
وی در گذر عمر خود با گروه‌هایی چون «کانون اسلام»، «کانون مهندسی ایران»، «انجمن اسلامی مهندسین»، «جامعه‌ی تعلیمات اسلامی» و «مؤسسه‌ی دین و اخلاق» در زمینه‌های مذهبی همکاری بسیار داشت.
فهرستی از آثار وی به شرح زیر است: مطهرات در اسلام (چاپ دوم، 1333)؛ سیر تحول در قرآن، راه طی شده (1327، این کتاب به دفعات به چاپ رسیده است)؛ اسلام با کمونیسم، عشق و پرسش یا ترمودینامیک انسان (1335)؛ بررسی نظریه‌ی اریک فروم؛ بی‌نهایت کوچکها؛ مذهب در اروپا؛ یادداشت‌هایی از سفر حج؛ از خداپرستی تا خودپرستی؛ اسلام و جوانان (1341)؛ انسان و خدا (1339)؛ بازی جوانان با سیاست؛ ترمودینامیک صنعتی (2 جلد، 1333 -1331)؛ حکومت واحد جهانی

(1342)؛ خداپرستی و افکار روز؛ خودجوشی؛ ضریب و تبادل مادیات و معنویات؛ مرز میان دین و سیاست مسئله‌ی وحی.
پیکر مهندس بازرگان بنا بر وصیت خودش در قم به خاک سپرده شد.
فرزند حاج میرزا عباسقلی خان، در 1286 در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس ثروت و سلطانی پایان داد و دوره‌ی متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی که بنیانگذار آن ابوالحسن فروغی بود پایان بخشید. در سال 1307 بازرگان در کنکور اعزام محصل به اروپا شرکت کرد و با نمرات عالی جزء ده نفر اول شد و به پاریس رفت. مدت پنج سال مدرسه لیسه و مدرسه سانترال را طی کرد و مهندس معدن شد و مدت یک سال هم در کارخانجات نساجی انگلستان استاژ و کارآموزی داد و در سال 1314 به ایران بازگشت و لدی‌الورود به خدمت وظیفه اعزام شد و دوره مزبور را پایان داد. شورای عالی وزارت فرهنگ تحصیلات بازرگان را معادل درجه دکترا تشخیص داد و بلافاصله برای تدریس به دانشکده فنی دعوت به کار شد. در آن تاریخ استادان دانشگاه می‌توانستند با حفظ سمت دانشگاهی در سازمان‌های دیگر نیز استخدام شوند. مهندس بازرگان ابتدا در راه‌آهن اشتغال ورزید و سپس به اتفاق احمد علی ابتهاج، محسن فروغی، کاظم جفرودی و مهندس مشایخی به بانک ملی وارد شدند و اداره ساختمان را تحویل گرفتند. مهندس بازرگان عهده‌دار قسمت تأسیسات بانک ملی شد. در سال 1321 بازرگان به معاونت دانشکده فنی انتخاب گردید و در 1324 پس از فوت غلامحسین رهنما، برای مدت سه سال به ریاست دانشکده فنی انتخاب شد و در سال 1327 شورای استادان دانشکده فنی برای سه سال دیگر ریاست او را تمدید نمودند. مجموعاً مدت شش سال ریاست دانشکده فنی با او بود.
در سال 1330 که دکتر مصدق زمام امور را در دست گرفت و صنعت نفت را ملی نمود، سه هیئت برای خلع‌ید از شرکت نفت ایران و انگلیس تعیین شد. یک هیئت از مجلس سنا که عبارت بودند از: آقایان مرتضی قلی بیات، دکتر احمد متین دفتری، محمد سروری، ابوالقاسم نجم و دکتر شفق. از مجلس شورای ملی اعضاء هیئت مختلط برای نظارت در امر خلع ید عبارت بودند از: آقایان دکتر عبداللّٰه معظمی، دکتر علی شایگان، اللهیار صالح، حسین مکی و ناصرقلی اردلان. از طرف دولت نیز اشخاص زیر برای خلع‌ید تعیین گردیدند: محمدعلی وارسته، مهندس کاظم حسیبی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر عبدالحسین علی‌آبادی و محمد بیات.
بازرگان همزمان با انتخاب در هیئت خلع‌ید به معاونت وزارت فرهنگ منصوب گردید. قرار بر این شد که هیئت خلع‌ید برای اداره امور شرکت ملی نفت هیئت مدیره موقتی از بین خود انتخاب نمایند. نظر به آقای دکتر محمود حسابی تعلق گرفت ولی ایشان برای قبول چنین سمتی اختیاراتی

خواستند که هیئت مختلط و دکتر مصدق با آن مخالف بودند. سرانجام در اثر تلاش آقای مهندس حسیبی، آقای مهندس بازرگان برای ریاست هیئت مدیره موقت تعیین شد و نامه‌ای از طرف دکتر مصدق به دانشگاه تهران بشرح زیر نوشته شد:
دانشگاه تهران- چون لازم است آقای مهندس بازرگان رئیس و استاد دانشکده فنی تا مدتی وظیفه‌ی فعلی خود را که عضویت هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران است ادامه دهند و نخواهند توانست در اول سال تحصیلی جاری وظایفی را که در دانشگاه به عهده دارند انجام نمایند، مقتضی است موافقت فرمائید ایشان با حفظ عنوان و سمت و حقوق در دانشگاه برای مدت یکسال ریاست هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران را عهده‌دار باشند و مراتب را نیز به ایشان ابلاغ نمایید.
نخست‌وزیر- دکتر محمد مصدق
آقای مهندس بازرگان در کتاب شصت سال خدمت و مقاومت در مورد مأموریت خطیر خود چنین نوشته‌اند: اداره شرکت ملی نفت ایران، با اوضاع و شرایطی که خلع‌ید صورت گرفت کار عظیمی بود و حالت «پرش در تاریکی» داشت. ولی به خواست خداوند و همت مردم ایران، مرحله اول مدیریت که حفظ سازمان و بهره‌برداری از تأسیسات عمومی بود بخوبی انجام گرفت خلع‌ید صددرصد انجام گرفت. مدیریت سرتاسر شرکت نفت سابق به دست ایرانیان افتاد. جای هفتصد متخصص فنی و اداری و مالی را عده‌ای در حدود 70 نفر ایرانی پر کردند که تقریباً 50 نفر از کارمندان متخصص شرکت و بیست نفر از داوطلبان انتقال یافته از مرکز بودند. اما مشکل اخلاقی و فرهنگی بود که به تدریج و پس از پیروزی با آن روبرو می‌شدیم و اسم آن را باید دوران «غنائم‌گیری» گذاشت. حسادت‌ها، برتری‌جوئی‌ها، رقابت‌های ناسالم و ملاحظات غیرمسئولانه، منفعت‌طلبی‌های شخصی، میدان مساعد پیدا کرده بود.
حالا کارها براه افتاده و خطرات و مشکلات اولیه مرتفع شده بود و همه پهلوان میدان شده بودند. این مسئله منحصر به آنجا نبود، بلکه مربوط به کل مملکت و از نوع سیاسی و اداری و اقتصادی بود که علیه دولت مصدق اعمال می‌شد. اشکال عمده و گره کار هیئت مدیره این بود که همکاران حاضر نمی‌شدند یک نفر را به عنوان مدیرعامل ثابت تعیین کنند و دست او را برای پیشبرد کارها و اجرای تصمیمات باز بگذارند در حالی که به قول دکتر متین دفتری، یک دکان سبزی‌فروشی هم نمی‌تواند بدون مسئول و مدیر کار کند تا چه رسد به آن دستگاه عظیم و پیچیده شرکت نفت.
البته دکتر مصدق به ضرورت این امر توجه داشت ولی ملاحظات سیاسی- اجتماعی مرکز و علاقه او به رعایت نظرات بعضی از نمایندگان، دستش را بسته بود. او درگیر توطئه‌های داخل و خارج بود و در چند جبهه مبارزه

می‌کرد. آقای مکی که در روز عزیمت دکتر مصدق و همراهان به آمریکا جهت حضور در شورای امنیت سازمان ملل، اسم خود را در هیئت اعزامی از رادیو نشنید، از همان لحظه ناسازگاری را شروع کرد؛ چون عقیده داشت که «مصدق را من آورده‌ام و نفت را من ملی کرده‌ام». مکی در همه امور برای خود حق آمریت قائل بود. وی به عنوان یکی از اعضای هیئت مختلط، شأن خود را بالاتر از آن می‌دانست که در جلسات هیئت مدیره بطور منظم حضور و مشارکت داشته باشد. بدون مشورت با سایر اعضای هیئت با مسئولین مربوطه دستور صادر می‌کرد. به عنوان مثال دستور تغییر مسیر اتوبوسرانی یا انتقال یک کارگر شاکی، از شهری به شهر دیگر.
آقایان اعضای هیئت مختلط که برای حل و فصل مشکلات و یاری هیئت مدیره در میان احساسات پرشور مردم و کارگران به آبادان آمده بودند نسبت به یکدیگر برتری‌طلبی می‌کردند، در یک مورد یکی از اعضای هیئت مختلط که استاد دانشگاه هم بود، از اینکه مهندس حسیبی بیش از او مورد احترام و ابراز احساسات واقع شده بود در موقع ناهار با خشم زیاد او را مورد بی‌مهری و عتاب شدید قرار داد. بعد از ظهر همان روز که جلسه در منزل من تشکیل شده بود درگیری دیگری با لحن ناهنجارتری میان آقای مکی و مهندس حسیبی بر سر انتخاب یا اعتماد به بعضی از مسئولین و مشاورین شرکت روی داد در حالی که رانندگان و کارکنان از پشت پنجره با بهت و حیرت شاهد آن صحنه‌ی تأسف‌آور بودند! به هر حال، حضور و خدمت من در خوزستان حدود 9 ماه بیشتر نبود.
مأموریت مهدی بازرگان در سمت ریاست هیئت مدیره موقت صنعت ملی شده نفت قریب 9 ماه طول کشید. عدم هماهنگی و دسته‌بندی‌هائی که در داخل هیئت خلع‌ید به تبعیت از اختلافات و رقابت‌های سیاسی و اداری مرکز پدیدار شده بود. همچنین انعکاس و تأثیرات غیر مستقیم که اختلاف و کارشکنی‌های مخالفان دولت و سیاست‌های مرکز در اوضاع داشت او را وادار به کناره‌گیری نمود و مجدداً به دانشگاه بازگشت و دو سه ماهی در دانشکده فنی اشتغال به کار داشت تا اینکه دکتر مصدق تصمیم گرفت به آب لوله‌کشی تهران سر و صورتی بدهد، از این رو مهندس بازرگان برای تصدی آب لوله‌کشی تهران انتخاب شد و در مدت قلیلی کار لوله‌کشی را به ثمر رسانید و آب تصفیه شده را به قسمتی از خانه‌های شهر تهران رسانید.
کودتای 28 مرداد ماه 1332 و ساقط کردن دولت ملی مصدق، تغییراتی در شئون مملکت ایجاد کرد. این کودتا برای این انجام گرفت که مسئله نفت به صورتی که منافع دولت‌های خارجی در آن ملحوظ شود حل گردد. بنابراین قرار شد کنسرسیومی که اکثر سهام آن متعلق به انگلیس و

آمریکا باشد تشکیل شود و نفت ملی شده ایران به آن کنسرسیوم واگذار گردد. لذا لازم بود انتخابات دوره هجدهم هرچه زودتر با نمایندگانی که از طرف دولت تعیین و انتخاب می‌شوند، قرارداد بین ایران و کنسرسیوم تصویب شود. در چنین اوضاع و احوالی عده‌ای در صدد برآمدند حداقل ابراز وجود کنند و اعتراضی بنمایند. نامه‌ای به عنوان وزیر کشور یا رئیس انجمن مرکزی انتخابات نوشتند و در آن نامه درخواست شده بود دستور فرمایند شرایط آزادی انتخابات تأمین شود. از جمله امضاءکنندگان نامه مهندس مهدی بازرگان رئیس آب تهران بود. این نامه به دولت گران آمد که یکی از مدیران که با دولت همکاری دارد این نامه را امضاء کند. نتیجه‌ی مذاکرات مهندس بازرگان با دولت بر این محور قرار گرفت که ایشان از ریاست سازمان آب تهران استعفا بدهند، و استعفا دادند. دولت زاهدی و دولت‌های بعد از آن تمام مساعی خود را به کار بردند تا استقلال دانشگاه را که سنگری علیه طرح‌های سرکوب‌گرانه آنها بود بگیرند و نگذارند در مراکز کشور جزیره امنی وجود داشته باشد. بعد از کودتای 28 مرداد عده‌ای از علاقمندان به دکتر مصدق «نهضت مقاومت ملی» را تشکیل دادند. در هفتم شهریور 1332 کمیته مخفی نهضت مقاومت اعلامیه‌ای منتشر کرد و خط مشی خود را در سه اصل بشرح زیر اعلام نمود:

1- ادامه نهضت ملی و اعاده استقلال و حکومت ملی.

2- مبارزه علیه هرگونه استعمار خارجی اعم از سرخ و سیاه.

3- مبارزه علیه حکومت‌های دست‌نشانده‌ی خارجی و عمال فساد.

تدریجاً احزاب ملی نیز به نهضت ملی پیوستند. نهضت مقاومت ملی به پیروی از راه مصدق، آرمان‌های او را عامل اساسی ایجاد اتحاد و همبستگی اقشار جامعه در راستای مبارزه علیه رژیم کودتا می‌دانست.

تظاهرات روز 16 مهر به نشانه اعتراض به محاکمه مصدق، شایگان و رضوی صورت گرفت. در آن روز بازار تهران، دانشگاه و مدارس تعطیل گردید. این تظاهرات به طول انجامید و مأمورین انتظامی و چاقوکشان دولتی با دانشجویان و مردمی که به صفوف آنها پیوسته بودند به زد و خورد پرداختند. تعداد زیادی مجروح و دستگیر شدند. این تظاهرات بازتاب وسیعی در رسانه‌های خبری اروپا و آمریکا داشت. تظاهرات دیگری روز 21 آبان به وقوع پیوست. نقش اول را دانشجویان در دست داشتند. بازار تهران نیز به حمایت دانشجویان تعطیل گردید. دولت کودتا عده‌ی زیادی را دستگیر و سرانجام سقف قسمتی از بازار را خراب کرد. در روز 16 آذر 1332 در اعتراض به تجدید روابط ایران و انگلیس و ورود نیکسون به ایران، از روز شنبه 14 آذر با ایراد سخنرانی در کلاس‌ها شروع شد. عصر آن روز در دانشکده‌ها تظاهرات پرشوری انجام پذیرفت. روز دوشنبه 16 آذر عده‌ی زیادی از افراد نظامی وارد محوطه دانشگاه شدند. دانشجویان

در کلاس‌های خود تظاهرات می‌کردند و سرانجام برخورد بین دانشجویان و سربازان از دانشکده فنی که مرکز عمده فعالیت دانشگاه بود شروع شد. به همین دلیل دستگاه قصد داشت که با سرکوب دانشجویان این دانشکده زهر چشم خود را نشان دهد. بنابراین تیراندازی در دانشکده فنی شروع شد و در نتیجه سه نفر از دانشجویان به درجه شهادت نائل شدند.
کمیته دانشگاه عزای عمومی و تعطیل اعلام کرد. در مراسم برگزاری سومین روز شهادت دانشجویان چند هزار دانشجو و هزاران نفر از مردم تهران در حالی که جاده تهران- میدان شوش را سربازان محاصره کرده بودند و مانع حرکت مردم بودند، شرکت کردند. در خیابان مقابل امامزاده عبداللّه، بین مردم و سربازان زد و خورد درگرفت و عده‌ای مجروح شدند.
اعتصاب دانشگاه دو هفته ادامه یافت و حادثه 16 آذر به عنوان یک روز «مقاومت تاریخی» در تاریخ دانشگاه ثبت شد و در همان ایام انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی آغاز گردید و نهضت مقاومت ملی دوازده نفر از اعضای خود را که بیشتر آنها در زندان بودند برای نامزدی انتخابات معرفی کرد. این دوازده تن عبارت بودند از: مهندس احمد رضوی، دکتر عبداللّه معظمی، دکتر علی شایگان، محمدعلی انگجی، دکتر کریم سنجابی، اللهیار صالح، مهندس احمد زیرک‌زاده، سرهنگ احمد اخگر، جلالی موسوی، محمود نریمان، اصغر پارسا و مهندس کاظم حسیبی.
سرانجام دولت تصمیم گرفت عده‌ای از استادان دانشگاه را اخراج کند که عبارت بودند از: دکتر عبداللّه معظمی، دکتر یداللّه سحابی، دکتر قریب، دکتر عابدی، دکتر جناب، مهندس عطائی، مهندس خلیلی، مهندس انتظام، دکتر نعمت‌اللهی، دکتر بیژن، دکتر میربابائی و مهندس مهدی بازرگان.
با تمام مقاومتی که از طرف دکتر سیاسی رئیس دانشگاه برای ابطال تصمیم دولت نسبت به اخراج استادان انجام گرفت، مع‌الوصف تصمیم به تغییر او گرفته شد و احکام اساتید اخراجی را رضا جعفری وزیر فرهنگ وقت امضاء کرد. اخراج اساتید هیچگونه اثری در مبارزات دانشجویان نکرد و حملات به دولت کودتا شدیدتر شد و سرانجام دولت تصمیم به بازداشت عده‌ای گرفت که عبارت بودند از: آیت‌اللّه حاج آقا رضا زنجانی، دکتر یداللّه سحابی، مهندس عزت‌اللّه سحابی و مهندس مهدی بازرگان. در شهرستان‌ها نیز عده‌ای بازداشت شدند. زندانی شدن مهندس بازرگان و هم‌سنگران وی قریب پنج ماه به طول کشید و مجدداً به دانشگاه بازگشتند و همچنان به مبارزه خود علیه رژیم ادامه دادند.
در سال 1339 محمدرضا پهلوی طی نطقی از آزادی انتخابات سخن گفت و در نتیجه سران و کارگردانان سابق جبهه ملی و دیگر دستجات و جمعیت‌های سیاسی در صدد برآمدند فعالیت سیاسی را بطور علنی شروع کنند. بدین منظور رهبران نهضت مقاومت ملی از جمله مهندس بازرگان،

دکتر یداللّه سحابی و آیت‌اللّه سید محمود طالقانی همراه با سران فعالان جبهه ملی سابق و همکاران دکتر مصدق از قبیل سید باقرخان کاظمی، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر عبداللّه معظمی، اللهیار صالح، سید محمود نریمان، مهندس احمد زنگنه، دکتر کریم سنجابی و داریوش فروهر. پس از چند جلسه بحث و گفتگو درباره تأسیس یک سازمان سیاسی در بر گیرنده‌ی همه‌ی نیروهای ملی موافقت شد. سرانجام روز 30 تیرماه 1339 طی اعلامیه‌ای خبر تشکیل جبهه ملی دوم انتشار یافت. مهندس بازرگان در این سازمان سیاسی، عضو شورای عالی بود.
اولین برنامه جبهه ملی دوم، شرکت در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی بود که آنهم با مخالفت شدید دکتر اقبال نخست‌وزیر شروع شد و در نتیجه عده‌ای از سران جبهه ملی دوم از جمله مهندس مهدی بازرگان در مجلس سنا متحصن شدند. مدت این تحصن پنج هفته به طول انجامید و پس از انتخابات و افتتاح مجلس از طرف شاه اجازه دادند متحصنین به خانه‌های خود بروند. نتیجه انتخابات زمستانی دوره‌ی بیستم بین حزب ملیّون و حزب مردم تقسیم شد و سرسپردگان رژیم و کسانی که در کودتای مرداد ماه 1332 مشارکت فعال داشتند، به مجلس راه یافتند. از ملی‌گراها فقط اللهیار صالح از کاشان انتخاب شد. صالح هنگام طرح اعتبارنامه‌ها، انتخابات دوره‌ی بیستم را مخدوش دانست و تقاضای ابطال انتخابات را نمود. در اردیبهشت ماه 1340 دولت شریف‌امامی سقوط کرد و دکتر امینی با حمایت همه‌جانبه کندی، به ریاست دولت انتخاب گردید و سرانجام مجلس را منحل نمود. دکتر امینی در نخستین روزهای حکومت خود، آزادی اجتماعات و نطق و بیان را آزاد کرد. در نتیجه روز 28 مرداد ماه 1332 یک میتینگ بزرگ در میدان جلالیه از طرف جبهه ملی تشکیل شد که قریب یک صد هزار نفر در آن شرکت داشتند.
نهضت آزادی در 27 اردیبهشت ماه 1340 چند روز پس از معرفی کابینه دکتر امینی تشکیل شد. نهضت آزادی از عناصر ترکیب‌دهنده جبهه ملی نبود، آنها با تمام احزاب و دستجات ملی همکاری داشتند.
در اواخر دی ماه 1340 عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران از جمله دارالفنون و البرز در اعتراض به تعطیل مجلس تظاهراتی برپا کردند که منجر به خراج چند تن از دانش‌آموزان گردید و چون اقدام برای بازگشت اخراج شدگان به نتیجه نرسید. روز اول بهمن چند دانشکده دانشگاه تهران در اعتراض به تعطیل مجلس و پشتیبانی از دانش‌آموزان اخراجی کلاس‌های درس را تعطیل کردند و به تظاهرات پرداختند. شاه دستور سرکوب دانشجویان را صادر کرد. کماندوها پس از یورش به محوطه دانشجویان را تا کلاس درس دنبال کردند و عده زیادی از جمله چند تن از استادان را کتک زدند، وسایل آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و

میکروسکوپ‌ها را شکستند، کتابخانه‌ها را ویران نمودند و کتاب‌ها را پاره کردند. آمار مجروحین این حمله وحشیانه از 600 نفر تجاوز کرد. دکتر احمد فرهاد رئیس دانشگاه این یورش سبعانه را محکوم کرد و از ریاست دانشگاه استعفا داد. روزهای بعد مدارس تهران تظاهراتی در اعتراض به حمله کماندوها به دانشگاه برپا کردند که به خیابان‌ها کشیده شد. روز سوم بهمن یکی از دانش‌آموزان دبیرستان علمیه پشت بهارستان به شهادت رسید و عده‌ی زیادی مجروح شدند. سرتیپ محسن مبصر رئیس پلیس تهران و سرهنگ اکسیر معاون پلیس در این حملات عامل اصلی بودند و قتل را که توسط پلیس انجام گرفته بود به گردن دیگری انداختند.

جبهه ملی دوم در 1333 بدون توفیق در برنامه‌های خود، به انحلال انجامید و در نتیجه مهندس بازرگان و دکتر سحابی پس از بحث و مذاکره زیاد به این نتیجه رسیدند که فعالیت سیاسی و تشکیل یک حزب و جمعیت در شرایط موجود مملکت، لازم و واجب است ولی مرام و ایدئولوژی این جمعیت یا حزب باید مبنی و مأخوذ از اسلام باشد. بر همین اساس تصمیم به تأسیس نهضت آزادی ایران گرفته شد. ایدئولوژی نهضت آزادی ایران حفظ اصالت نهضت ملی در چهارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی بود و تدریجاً نهضت آزادی توانست رسالت تاریخی خود را در آن مرحله از رشد جنبش به بهترین وجهی انجام دهد به طوری که پس از 15 خرداد 1342 به مرحله متکامل‌تری ارتقاء یابد و نهضت آن مکتب مجاهدپروری بشود که از درون خود مجاهدین پرافتخاری را به ملت تقدیم نماید. بطور خلاصه مرامنامه نهضت آزادی در چهار اصل خلاصه می‌شد: 1- مسلمان بودن نه به این معنی که یگانه وظیفه‌ی خود را روزه و نماز می‌دانیم بلکه ورود ما به سیاست و فعالیت اجتماعی من باب وظیفه ملی و فریضه دینی بود. دین از سیاست جدا نیست. 2- ایرانی بودن 3- تابعیت از قانون اساسی 4- مصدقی بودن.

از نظر حزب نهضت آزادی، مصدق یگانه رئیس دولتی بود که در طول تاریخ ایران محبوب و منتخب واقعی اکثریت مردم بود و قدم در راه خواسته‌های مردم برداشت. ضمناً لازم به یادآوری است که مهندس بازرگان قبل از اعلام تشکیل نهضت آزادی، تصمیم خود را در نامه‌ای بوسیله‌ی دکتر غلامحسین مصدق به استحضار دکتر محمد مصدق رسانیده و پاسخی دریافت داشتند. متن نامه و پاسخ آن به شرح زیر است:

21 اردیبهشت 1340

جناب آقای دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی ایران

با استحضاری که از وفاداری و ایمان مداوم مردم نسبت به اصول نهضت ملی ایران دارید و علاقه و انتظاری که در دل‌های فرزندان وطن به احیای آزادی و تأمین استقلال کشور عزیز وجود دارد و با توجه به تحولات اخیر

جهانی، عده‌ای از افراد مؤمن و مبارز که در طول هشت سال اختناق از ادامه راه پیشوای محبوب و تعقیب خواسته‌های مردم آرام ننشسته بودند، در صدد برآمدند با توکل به عنایت خداوندی و به سرمایه شرف و غیرت و همت مردم آزاده ایران جمعیتی بنام «نهضت آزادی ایران» تشکیل دهند. یقین دارم از پشتیبانی و راهنمائی‌های پیشوای بزرگ خود پیوسته برخوردار خواهیم بود.
با تقدیم صمیمی‌ترین درود و سلام دوستان و ارادتمندان
از طرف مؤسسین نهضت آزادی ایران- مهندس مهدی بازرگان
پاسخ نامه بشرح زیر است:
احمدآباد- 25 اردیبهشت 1340
جناب آقای مهندس مهدی بازرگان
قربانت شوم. مرقومه محترمه مورخ 21 جمادی، مبشر تشکیل جمعیتی بنام نهضت آزادی ایران عز وصول بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. تبریکات صمیمانه خود را تقدیم می‌کنم و تردید ندارم که این جمعیت تحت رهبری شخص شخیص جنابعالی موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد و بنده توفیق جنابعالی و همکاران محترمتان را در این راه از خداوند مسئلت دارم.
دکتر محمد مصدق
استقبال مردم مخصوصاً جوانان از عضویت در نهضت آزادی بیش از انتظار شد و گروه کثیری از طبقات مختلف جامعه، دانشگاهیان، بازاریان و کسبه و کارمندان دولت به نهضت پیوستند. گروهی از فعالین نهضت آزادی در اروپا و آمریکا دوره‌های آموزش چریکی در الجزیره دیدند.
فکر مقاومت مسلحانه در برابر رژیم کودتا از اواخر 1342 پس از سرکوب آخرین مقاومت ملی مذهبی و متلاشی شدن نیروهای اپوزیسیون و شکست نهضت ملی و از بین رفتن امکانات مبارزه از طریق قانونی، شکل گرفت به طوری که در سال 1343 همه گروه‌ها و دستجات مخالف رژیم با افکار و ایدئولوژی‌های گوناگون به یک نتیجه‌ی واحد رسیدند که تنها راه مبارزه با رژیم شاه، مبارزه‌ی مسلحانه است. ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر، در مقابل در ورودی مجلس شورای ملی در اول بهمن ماه 1343 و به گلوله بستن شاه در کاخ مرمر از طرف یکی از افراد گارد محافظ دربار، اخطار آغاز مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم کودتا بود. سازمان چریکی مجاهدین خلق ایران توسط سه تن از اعضای نهضت آزادی ایران: محمد حنیف نژاد، سید محسن و علی‌اصغر بدیع‌زادگان در شهریور 1344 پایه‌گذاری شد.
سازمان فدائیان خلق ایران سابقه‌ی عضویت یا همکاری با حزب توده را داشتند ولی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی مجاهدین خلق ایران از اعضای رادیکال

نهضت آزادی بودند.
ناگفته نماند بنیانگذاران نهضت آزادی سه نفر بودند که عبارت بودند از دکتر یداللّه سحابی، آیت‌اللّه طالقانی و مهندس مهدی بازرگان. ریاست نهضت عملاً با بازرگان بود.
واکنش نهضت آزادی ایران در روز سوم بهمن ماه 1341 در برابر رفراندوم، بسیار شدید بود. شورای مرکزی نهضت آزادی اعلامیه‌ای زیر عنوان «ایران در آستانه‌ی یک انقلاب بزرگ!» منتشر کرد. فرازهائی از اعلامیه‌ی مزبور به این شرح بود:
... عامل این انقلاب، نه دهاتی‌ها هستند، نه شهریها، نه ملت، نه مجلس و نه دولت. یک نفر است، شخص پادشاه مملکت!
این انقلاب یک پدیده‌ی نوظهور تاریخ است! زیرا انقلاب دو طرف دارد و انقلاب‌کننده‌ی آن تو سری خورده، زجر کشیده، محروم شده، خشمگین و مظلوم اجتماع است. انقلاب را در برابر طبقه‌ی قاهر غاصب حاکم ظالم انجام می‌دهند اما امروز هیئت حاکمه و دستگاهی انقلاب می‌کنند که تا دیروز خود از طریق ارباب‌ها، مالک‌ها و مأمورین دولت، یگانه حامی نظام ارباب رعیتی و فئودالیته و وکیل‌ساز و برخوردار از اقتصاد اجحاف مالکیت و سرمایه‌داری بود و در مرحله‌ی نهائی عامل تمام فشارها و فسادها (...) انقلاب از این بزرگتر نمی‌شود که با یک گردش کوچک زمان، ضارب خودش مدافع مضروب بی‌زبان بشود.
اقبال‌ها و شریف‌امامی‌ها می‌آیند تا آنچه حزب و دموکراسی و انتخابات است به لجن‌مالی و رسوائی بکشند. با اشاعه فساد و تعمیم و توسعه اختلاس‌های کلان به کلیه دستگاه‌های لشکری و کشوری، پرده ننگ را آنقدر بالا می‌زنند و ارکان دولت و سلطنت را علی‌رغم ادعاهای ثبات سیاسی و اجتماعی ایران آنقدر متزلزل می‌نمایند که داخل و خارج متوحش می‌شوند. می‌ترسند مبادا ملت پرمدعای ایران کاسه صبرش لبریز شود و معجزه انقلاب و قیامی آزاد سر بزنند.
سیاست توافق به باز کردن یک سوپاپ خطر دیگر، در این دیگ زنگ خورده پوسیده است (...) دولت امینی را روی کار می‌آورند و سیاست آمریکا علاقه‌ای به شخص و طبقه ندارد. آنها برنامه می‌خواستند، طالب اصلاحات ارضی و مبارزه با فساد بودند، برای اینکه جلوی کمونیسم را بگیرند. بنابراین مسافرتی به اروپا و آمریکا به عمل آمد و وعده و قول و قراری مبادله شد. که شخص اول مملکت شخص اول و وسط و آخر مملکت و مجری ظاهر و باطن برنامه باشد. نخست‌وزیر رفت و نوکر حلقه بگوشی به جایش نشست، فقط یک مدعی در میان است، باید او را از میدان برد، اسلحه را از دست و زبانش گرفت...
هر فرد عادی از خود می‌پرسد اگر رفراندوم یا مراجعه به آرای عمومی

کار مجاز و صحیحی است، پس چرا همین دستگاه در محاکم به قول خودش قانونی ذی صلاحیت، جناب آقای دکتر مصدق را به جرم رفراندوم، محکوم و محبوس کرد و دکتر اقبال نوکر جان‌نثار، ملیّون ایران را به عنوان رفراندومچی بودن از حق نماینده شدن محروم کرد. اگر این کار بد و خلاف قانون است، پس چطور شاه مملکت رفراندومچی می‌شود؟ سبحان‌اللّٰه، این چه بام دو هوائی است؟!
انقلاب باید از درون باشد نه بیرون. کشاورزانی که با گوسفند و گرگ آشنا هستید فریب نخورید و گرگ خود را بشناسید.
همزمان با انتشار این اعلامیه، مأمورین ساواک ابتدا مهندس مهدی بازرگان و آیت‌اللّٰه طالقانی و دکتر سحابی را دستگیر کردند. چند روز بعد عده‌ای از دوستان و همکاران آنها را در نهضت آزادی به زندان انداختند و سرانجام محاکمه‌ای برای آنان ترتیب داده شد و کیفرخواستی تنظیم گردید.
کیفرخواست دادستان ارتش پس از تشریح موارد اتهام و نتیجه‌ی تحقیقات از متهمین به این شرح بود:
... نوع بزه و انطباق با قانون: عمل سه نفر متهمین ردیف‌های 3 -2 -1 (مهندس مهدی بازرگان، دکتر یداللّٰه سحابی و آیت‌اللّٰه طالقانی) جزء مؤسسین جمعیت نهضت آزادی می‌باشند و این جمعیت، مرام و رویه آنان ضدیت با سلطنت مشروطه ایران می‌باشد و همچنین متهمین ردیف 8 -7 -6 -5 -4 و 9 (مهندس عزت‌اللّٰه سحابی، دکتر عباس شیبانی، احمدعلی بابائی، ابوالفضل حکیمی، سید مهدی جعفری و پرویز عدالت‌منش که عضو نهضت آزادی نیست) از جهت عضویت مزبور، جنائی منطبق با بند 1 ماده 1 قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور و از جهت اهانت‌های مکرر و گستاخانه به مقام شامخ سلطنت از درجه جنحه و منطبق با ماده 81 قانون مجازات عمومی می‌باشد و صدور حکم مجازات آنها با رعایت ماده 2 الحاقیه به اصول محاکمات جزائی مورد تقاضاست. تاریخ و محل وقوع جرم: تهران اردیبهشت ماه 1340 از تاریخ تشکیل جمعیت نهضت آزادی. ضمناً پرونده‌ای بنام افرادی که پرونده آنها تاکنون ارجاع نشده یا دستگیر نشده‌اند مفتوح است. دادستان- سرهنگ فخر مدرس.
محاکمه سرانجام انجام گرفت و متهمین و وکلای مدافع آنها که از برجسته‌ترین حقوقدانان کشور بودند، داد سخن دادند به طوری که بعضی از اعضای دادگاه تحت تأثیر قرار گرفتند. سرانجام در روز 16 دی ماه 1342 دادگاه بدوی نظامی بدون ورود در ماهیت امر و دفاع وکلای مدافع و متهمین، پایان کار خود را اعلام و متهمین را به جرم اقدام بر ضد امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت به مجازات‌های زیر محکوم کرد:
1- مهندس مهدی بازرگان و آیت‌اللّٰه طالقانی، هر یک ده سال زندان

تأدیبی.
2- دکتر یدالله سحابی، دکتر عباس شیبانی و احمدعلی بابائی، هر یک شش سال زندان مجرد.
3- مهندس عزت‌الله سحابی، ابوالفضل حکیمی و محمد مهدی جعفری، هر یک چهار سال زندان مجرد.
4- پرویز عدالت‌منش که عضو نهضت آزادی ایران نیست، یک سال حبس تأدیبی.
دادگاه تجدید نظر سران نهضت آزادی بسیار طولانی شد و مجموعاً 76 جلسه تشکیل گردید. آراء صادره به شرح زیر بود:
متهم ردیف یک (آقای مهندس بازرگان)، متهم ردیف 3 (آیت‌الله طالقانی)، ردیف 4 آقای عزت‌الله سحابی، ردیف 5 دکتر عباس شیبانی، ردیف 6 آقای احمدعلی بابائی، ردیف 7 مهندس ابوالفضل حکیمی، ردیف 8 آقای مهدی جعفری، ردیف 9 آقای پرویز عدالت‌منش. حکم دادگاه بدوی تأیید شد. در مورد متهم ردیف 2 آقای دکتر یدالله سحابی با توجه به عدم پیشینه کیفری، 38 سال سابقه‌ی فرهنگی، کبر سن و معیل بودن متهم و نحوه‌ی دفاعیات، با رعایت ماده‌ی 5 مکرر از قانون مجازات عمومی از جهت اهانت به مقام شامخ سلطنت و عهده‌دار بودن ریاست شورای جمعیتی که رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه است، به چهار سال زندان مجرد محکوم می‌شود.
در تاریخ 25 تیرماه هشت تن محکومین طی نامه‌ای از زندان قصر تقاضای فرجام‌خواهی کردند. در 15 مرداد به آنها اطلاع داده شد که شاه با تقاضای آنها موافقت نکرده و حکم محکومیت آنها قطعی است. محاکمه مهندس مهدی بازرگان و سایر سران نهضت آزادی در یکی از بیدادگاه‌های محمدرضا پهلوی یکی از محاکمات مهم و پر سر و صدای پنجاه سال اخیر است و می‌توان گفت که بعد از محاکمه‌ی دکتر مصدق و یاران او دارای اهمیت و اعتبار خاصی است. پاسخ‌گوئی بازرگان و سایر متهمین به یاوه‌سرائی آقای دادستان بسیار جالب و حائز اهمیت بود. دفاعیات وکلای سران نهضت آزادی تماماً بدون ترس و واهمه، سستی این محاکمه را عریان ساخت.
بازرگان مخالف سلطنت مشروطه نبود و این مطلب را چندین بار در دادگاه عنوان کرد. او مخالف دخالت‌های شاه در تمام شئون مملکتی بود. بازرگان از دیکتاتوری شاه سخن گفت و بدون ترس و واهمه، آنچه را لازم تشخیص می‌داد در دادگاه بیان نمود.
پس از محاکمه‌ی سران نهضت آزادی و محکومیت آنان در دادگاه و عدم قبول فرجام‌خواهی، چهار تن از وکلای مدافع سران نهضت آزادی ایران به اتهام توهین به مقام سلطنت به شرح زیرِ بازداشت و محاکمه شدند:

سرتیپ علی‌اصغر مسعودی، سرهنگ عزیزاللّه امیر رحیمی، سرهنگ دکتر اسمعیل علمیه و سرهنگ علی‌اصغر غفاری. افسران مزبور هرکدام به مجازات‌هائی که بیش از یک سال بود محکوم گردیدند و نتیجه‌ی این محاکمه علاوه بر تحمل زندان، اخراج از ارتش بود.
بازرگان مبارزات سیاسی خود را از بعد از کودتای 28 مرداد ماه 1332 آغاز کرد. این مبارزه با مخالفت با انتخابات مجلس هیجدهم و سپس قرارداد با کنسرسیوم که نتیجه‌ی آن واگذاری صنعت نفت به آمریکا و انگلیس بود آغاز شد و سرانجام در مخالفت با انقلاب سفید شاه و مردم، بازرگان و یاران وی دستگیر و محاکمه شدند.
بازرگان پس از آزادی از زندان، مبارزات خود را ادامه داد و از نیمه‌های سال 1356 این مبارزات بصورت حادی آغاز گردید.
در سال 1357 بازرگان به محکومیت مجدد آیت‌اللّٰه طالقانی طی اعلامیه‌ای شدیداً اعتراض نمود و بازداشت شد و قریب ده روز در زندان بسر برد و روز 26 شهریور از زندان آزاد شد. روز 29 مهر ماه، مهندس بازرگان به اتفاق دکتر میناچی برای ملاقات با آیت‌اللّٰه خمینی به پاریس عزیمت نمود. در روز هشتم دی ماه، امام خمینی فرمانی برای حل و فصل مشکلات نفت برای بازرگان صادر نمودند. در این فرمان آمده بود:... جنابعالی که در اداره صنایع نفت دارای سوابق و تجارب هستید یک هیئت پنج نفری مرکب از جناب حجت‌الاسلام حاج شیخ اکبر رفسنجانی و جناب آقای مهندس کتیرائی و دو نفر را با نظر خودتان و مشورت آقایان تعیین نمائید و این هیئت تحت سرپرستی جنابعالی، مناطق نفتی را بازرسی نموده و در امر تولید نفت نظارت نمایند. پس از صدور فرمان امام، کارکنان اعتصابی صنعت نفت ایران برای تولید نفت مورد نیاز داخلی، به سر کار خود بازگشتند. روز سوم بهمن ماه بازرگان اعلام کرد بختیار باید استعفا کند، در غیر این صورت باید ارتش را بکار گیرد.
روز چهارم بهمن ماه مهندس بازرگان طی مصاحبه‌ای نحوه‌ی تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت اسلامی را تشریح کرد و گفت الگوئی که ما برای حکومت اسلامی در نظر داریم دوران رسالت و رهبری ده ساله‌ی حضرت محمد (ص) در مدینه و دوران پنج ساله‌ی امام حضرت علی (ع) در کوفه است.
روز 16 بهمن ماه 1357 امام خمینی مهندس بازرگان را بعنوان رئیس دولت موقت تعیین کردند و فرمانی در این مورد شرف صدور یافت.
در همان روز مهندس بازرگان رئیس دولت موقت در پاسخ مصاحبه‌ی شاپور بختیار که گفته بود رئیس دولت موقت را بازداشت می‌کنم، گفت از این اخطار نمی‌ترسم، اگر تهدید می‌خواهند بکنند به چیز دیگری ما را تهدید کنند، این چیز خیلی کوچکی است، اگر عملی شود بنده شخصاً خیلی

ممنون می‌شوم چون راحت می‌شوم.
در روز شانزدهم بازرگان نخست‌وزیر موقت، برنامه و وظایف دولت موقت را بیان کرد و گفت از وظایف عمده دولت موقت اینست که یک همه‌پرسی برپا کند تا نظر مردم را درباره‌ی تغییر رژیم و تحول آن به جمهوری دموکراتیک اسلامی بپرسد. سپس این وظیفه را خواهد داشت که انتخابات مجلس مؤسسان را برگزار کند، مجلسی که قانون اساسی آینده را تدوین خواهد کرد. وظیفه‌ی سوم نیز انتخابات مجلس خواهد بود که به موجب قانون اساسی جدید تشکیل می‌شود و پس از این مجلس دولت رسمی تعیین خواهد شد.
روز شانزدهم جامعه‌ی روحانیت اعلام کرد برای تأیید بازرگان راهپیمائی بزرگ روز پنجشنبه 19 بهمن در تهران و شهرستان‌ها انجام خواهد گرفت.
در همان روز شاپور بختیار به دنبال انتخاب بازرگان به ریاست دولت موقت گفت در ایران تنها یک حکومت وجود خواهد داشت. ساخت ایران تجزیه‌ناپذیر است. اگر بختیار تنها به حرف زدن اکتفا کند یک مسئله است. اگر بخواهد دست به عملی دیگر بزند مسئله‌ی دیگری مطرح می‌شود.
در اجرای خواسته‌ی امام روز نوزدهم بهمن ماه مبنی بر راهپیمائی مردم در تأیید دولت موقت، میلیون‌ها تن از مردم برای حمایت از آیت‌اللّٰه خمینی و دولت موقت اسلامی، در تهران و شهرستان‌ها به خیابان‌ها آمدند و راهپیمائی گسترده‌ای در سراسر ایران برپا نمودند. تنها در تهران متجاوز از دو میلیون نفر در این راهپیمائی مشارکت داشتند. غیر از تمام طبقات مردم روحانیون، اصناف، احزاب سیاسی و همافران در این رفراندوم شرکت داشتند. در پایان راهپیمائی تهران قطعنامه‌ای در 7 ماده قرائت شد و مردم یکپارچه آن را تأیید کردند. در بعضی از شهرستان‌ها راهپیمائی مردم به آتش و خون کشیده شد. به دنبال راهپیمائی مردم در تأیید دولت بازرگان، بختیار اعلام کرد در کشور واحدی چون ایران دو دولت را نمی‌پذیرد و دولتی را که گویا مهندس بازرگان درصدد تشکیل آن است، به رسمیت نمی‌شناسد.
روز بیستم بهمن ماه مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت انقلابی، طی یک سخنرانی که در دانشگاه تهران ایراد کرد، برنامه‌ی دولت موقت را اعلام کرد. بازرگان در نخستین سخنرانی‌اش در برابر مردم گفت مأمورتی که رهبر انقلاب به من داده است، پرمخاطره‌ترین و سنگین‌ترین مأموریت در عمر 71 ساله‌ی مشروطیت ایران است که به نخست‌وزیر ایران داده شده است. آنگاه بازرگان افزود: خطوط اصلی و وظایف دولت موقت به قرار ذیل است:
1- احراز و انتقال قدرت 2- ارائه و اثبات حقانیت (همان رفراندوم) 3- احیاء و اداره و اصلاح مملکت 4- انتخابات مجلس مؤسسان و ارجاع به

آراء عمومی برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید 5- انتخابات مجلس شورای ملی 6- استعفا و تحویل کار به رئیس‌جمهور و دولت رسمی بعدی.
روز 21 بهمن ماه، فرماندار نظامی تهران و حومه اعلامیه‌ی شماره 40 را انتشار داد و اعلام نمود ساعت منع عبور و مرور در تهران را افزایش داده و رفت و آمد را از ساعت 16/30 تا 5 بامداد ممنوع اعلام کرد. در همان روز متعاقب اعلامیه‌ی شماره 40، فرمانداری نظامی اعلامیه‌ی شماره 11 را صادر نمود. در این اعلامیه آمده بود: فرمانداری نظامی تهران و حومه به حکم وظیفه و مسئولیت سنگینی که به عهده دارد نمی‌تواند در مقابل عملیات ضد انسانی و وحشیانه عناصر اخلالگر و فریب خورده بی‌تفاوت بماند، علیهذا بدینوسیله ساعت عبور و مرور شبانه را تا ساعت 11 روز یکشنبه 22 بهمن تمدید می‌نماید. به دنبال این اعلامیه، امام خمینی پیام مهمی انتشار داد و اعلامیه‌های حکومت نظامی را خدعه و خلاف شرع دانست و مردم به هیچوجه به آن اعتنا نکردند و در نتیجه مردم به خیابان‌ها ریختند.
روزهای 21 و 22 بهمن، تهران و سایر شهرها تبدیل به میدان جنگ شد. لشکر گارد بطور ناگهانی به نیروز هوائی حمله کرد و مردم نیز به کلانتری‌ها یورش بردند و غالب کلانتری‌ها به تصرف مردم درآمد. مهندس بازرگان طی پیامی اعلامیه‌های فرمانداری نظامی را توطئه علیه انقلاب خواند.
سرانجام در ساعت 10/5 بامداد روز 22 بهمن، شورای عالی ارتش با شرکت رئیس ستاد، وزیر جنگ و غالب فرماندهان تشکیل جلسه داد و پس از بحث و مذاکره، اعلامیه صادر و متذکر شد برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی، بیطرفی خود را در مناقشات فعلی اعلام و به یگان‌های نظامی دستور داده شد که به پادگان‌های خود مراجعه نمایند. به دنبال اعلامیه شورای عالی ارتش و جمع‌آوری سربازان تمام تهران و شهرها به دست مردم انقلابی افتاد و سرانجام صدای انقلاب در روی صفحه تلویزیون نقش بست و بدین ترتیب رژیم 2500 ساله‌ی شاهنشاهی و آخرین سلسله‌ی سلطنتی ایران سقوط کرد.
بازرگان سیاستمداری مسلمان و مبارزی خستگی‌ناپذیر بود. وی در سی‌امین روز دی ماه 1373 در تهران وفات یافت.
تألیفات بازرگان بشرح زیر می‌باشد: 1- مطهرات در اسلام 2- سیر تحول در قرآن 3- ره طی شده 4- اسلام یا کمونیسم 5- عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان 6- نظریه اریک فروم 7- بی‌نهایت کوچکها 8- مذهب در اروپا 9- یادداشت‌هائی از سفر حج 10- از خداپرستی تا خودپرستی 11- اسلام و جوانان 12- انسان و خدا 13- بازی جوانان با سیاست 14- ترمودینامیک صنعتی 15- حکومت واحد جهانی 16- خداپرستی و افکار روز

17- خودجوشی 18- ضریب و تبادل مادیات و معنویات 19- مرز میان دین و سیاست 20- مسئله وحی 21- انقلاب در دو حرکت 22- شصت سال خدمت و مقاومت (خاطرات مهندس مهدی بازرگان، جلد اول).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ایران فردا (اسفند 1373، ویژه‌نامه درگذشت مهندس بازرگان)، خاطرات بازرگان (شصت سال خدمت و مقاومت)، مؤلفین کتب چاپی (373 -372 /6)، نشر دانش (س 15، ش 1 و 2، ص 82).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد باقریان ساروی
محل تولد : بهشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
در آغاز پاییز سال 42 وارد حوزه علمیه کوهستان بهشهر شدم و در سال 43-44 در قم و سپس به مدت دو سال در رستمکلای بهشهر تحصیلات مقدماتی را گذرانده و در سال (پاییز) 48 مجددا وارد قم شدم و دروس سطح را در خدمت اساتیدی همانند مرحوم فاضل هرندی و علوی گرگانی و دوزدوزانی وآیت الله فاضل لنکرانی و موسوی تبریزی (سید ابوالفضل) و مرحوم آیت الله سلطانی(کفایه ج 1) و آیت الله حائری(سید محمد کاظم) (کفایه ج 2) گذرانده و درس خارج را که از سال 50 شروع شد نزد اساتیدی همچون وحید خراسانی و مرحوم میرزا هاشم آملی و حسین نوری همدانی و فاضل لنکرانی گذراندم. یک دوره کامل خارج اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی گذرانده و درس ها را به صورت عربی نوشته ام. و در سال 70-69 برای تدریس به گرگان رفته و مدت نه سال در مدرسه علمیه امام باقر(ع) گنبد و مدرسه امام خمینی گرگان و مدرسه سعدیه رامیان به تدریس از سیوطی تا اصول فقه و شرح لمعه پپرداخته ام و مجددا وارد قم شده و دروس رسائل و مکاسب و کفایه را تدریس داشته ام. ولی اکنون نزدیک به یک سال است که به سبب بیماری توفیق تدریس عمومی را ندارم ولی کارهای تحقیقاتی را که از شش سال پیش در مرکز پژوهش های اسلامی (فرهنگ و معارف قرآن) شروع کرده ام ادامه می دهم و در نگارش و تدوین فرهنگ قرآن شرکت دارم که هم اکنون آن اثر 8 جلد به چاپ رسیده است.

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1212 -1155 ق)، فقیه، محدث، مفسر و مجتهد. وی در کربلا به دنیا آمد. هنوز به هفت سالگی نرسیده بود که خواندن و نوشتن را فراگرفت و سطوح اولیه را در مدت سه یا چهار سال تمام کرد و هنوز، به دوازده سالگی نرسیده بود که در محضر والدش به تحصیل خارج اصول پرداخت و از محضر وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی نیز استفاده کرد. بحرالعلوم به پانزده سالگی نرسیده بود که به درجه‌ی اجتهاد نائل شد و استادانش به اجتهاد او شهادت دادند. سپس به نجف رفت و در درس علماء نجف حضور یافت و مشهور شد. پس از چندی به بروجرد رفت. در اواخر سال 1193 ق مجددا به نجف اشرف مراجعت کرد. وی چنان بر احکام آن مذاهب تسلط علمی داشت که اهل سنت او را از خود می‌دانستند. درباره‌ی وی گفته‌اند که از کسانی که به آخرین مرحله‌ی ترقی رسیده و در فضایل ادبی و علوم عقلی و نقلی بر همگان فائق آمده است. او در شعر و ادب نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده، منظومه‌ی فقهی او شاهد زنده است. برخی از آثار وی: «مصابیح»، در فقه؛ «تحفة الکرام»، در تاریخ مکه و بیت الحرام؛ «رساله در عصیر عنبی»؛ «الفوائد الرجالیه»؛ «شرح باب حقیقة و مجاز»؛ «فوائد اصولیه»؛ «رساله در مناسک حج و عمره»؛ «رساله در قواعد احکام مشکوک»؛ «رساله در انفعال آب قلیل»؛ «الدرة البهیة»، در نظم بعضی مسائل اصولیه؛ «دیوان» شعر، در مدح و رثاء اهل البیت. بحرالعلوم علاوه بر آثار علمیه و تألیفات نفیسه، آثار بنایی و خدمات مذهبی و اجتماعی نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از: تعیین مشاعر حج و مواقیت احرام، بنا سور مسجد کوفه، بناء حجرات در اطراف مسجد کوفه، بناء مأذنه‌ی صحن علوی؛ تجدید ساختمان مسجد شیخ طوسی در نجف، تعیین مقام امام زمان (عج) در مسجد سهله و...
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (334/7)، ایضاح المکنون (242 ،206/2 ،461/1)، تاریخ بروجرد (250 -172 /2)، دایرةالمعارف فارسی (390/1)، الذریعه (83 -82 /21 ،127/9 ،463 -462 /3)، ریحانه (235 -234 /1)، شرح حال رجال (6/4)، الکنی و الالقاب (71 -67 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (187/3)، معجم المؤلفین (61/12)، هدیة العارفین (351/2).

بحرانی، جعفر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1091 /1088 ق)، عالم، محدث، مفسر و شاعر امامی. ساکن شیراز و حیدرآباد هند بود. وی با شیخ حر عاملی معاصر بود، و از شیخ علی بن سلیمان بحرانی و سید نورالدین عاملی برادر صاحب «مدارک»، روایت نموده است. سید نعمت الله جزایری، در شیراز، نزد وی تلمذ کرده است. سید علی خان، صاحب «السلافة»، نیز از شاگردان او است. شیخ سلیمان بن علی بن ابی‌ظبیه بحرانی نیز از وی روایت کرده است. بحرانی از دوستان نزدیک شیخ صالح بن عبدالکریم بحرانی بود که هر دو در شیراز ساکن بودند. شیخ صالح در شیراز باقی ماند اما، شیخ جعفر به حیدرآباد هند رفت و مقیم شد و در آنجا مرجعیت عام یافت و عهده‌دار امور دینی مردم شد و همان جا درگذشت. وی تصانیفی در تفسیر و حدیث و علوم عربی دارد که از آن جمله کتاب «اللباب» است. از دیگر آثار وی «دیوان» شعر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (138 -136 /4)، الذریعه (194/9)، روضات الجنات (188 -187 /2)، ریحانه (231 -230 /1)، الکنی و الالقاب (94 -93 /3)، معجم المؤلفین (143/3).

بحرانی، هاشم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1109 /1107 ق)، فقیه، مفسر، محدث و رجالی امامی. معروف به علامة البحرین. در کتکان از توابع بحرین به دنیا آمد. نسب او را به سید مرتضی علم الهدی و از او به امام موسی کاظم (ع) می‌رسانند. او محدثی متتبع بود و در کثرت تتبع او را ثانی مجلسی می‌دانند. دامنه مرجعیت او از بحرین فراتر رفت و در بیشتر شهرهای شیعه‌نشین از وی تقلید می‌کردند. صاحب «جواهر» او و مقدس اردبیلی را، به عنوان نمونه یاد می‌کند و واجد ملکه عدالت می‌داند. سید هاشم بحرانی از کسانی چون شیخ فخرالدین طریحی نجفی و سید عبدالعظیم استرآبادی نقل روایت کرده و علمایی همچون شیخ حر عاملی از وی روایت کرده‌اند. او دارای بیش از هفتاد و پنج تألیف بزرگ و کوچک دارد که صاحب «ریاض العلماء» اکثر این کتابها را در نزد فرزندش، سید محسن دیده است. از جمله آثار وی: «اثبات الوصیة»؛ «ارشاد المسترشدین»؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، در شش مجلد، گردآوری خبرهایی در زمینه تفسیر از کتابهای ناشناخته کهن؛ «معالم الزلفی فی معارف النشأة الاولی و الاخری»؛ «مدینة المعجزات» یا «مدینة المعاجز»؛ ترتیب کتاب «تهذیب» شیخ طوسی؛ «البهجة المرضیة فی اثبات الخلافة و الوصیة»؛ «نزهة الابرار و منار الافکار فی الجنة و النار»؛ «روضة العارفین»؛ «غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام»؛ «الدر النضید فی فضائل الحسین الشهید»؛ «تنبیه الاریب»، در رجال «تهذیب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (48/9)، اعیان الشیعه (250 -249 /10)، ایضاح المکنون (716 ،689 ،634 ،505 ،456 ،442 ،141 ،125 /2 ،595 ،453 ،421، 419 ،323 ،279 ،203 ،179 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (249/5)، الذریعه (48/7 ،93/3 ،398/2)، روضات الجنات (169 -166 /8)، ریاض العلماء (304 -298 /5)، ریحانه (233/1)، فوائد الرضویه (706 -705)، الکنی و الالقاب (108 -107 /3)، معجم المؤلفین (132/13).

بخارایی، ابراهیم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1004 ق)، حافظ، قاری و شاعر. وی خطیب مسجد جامع بخارا و از مریدان مولانا خواجگی کاشانی بود، پس از مرگ او مدتی از ملازمان خواجه ابواسحاق جویباری گشت. ابراهیم قرآن را از برداشت و با صدایی خوش می‌خواند و در سرودن قصیده، غزل، رباعی و قطعه نیز توانا بود. یک «مثنوی» در طریقه‌ی سلسله‌ی خواجگان و سه «دیوان» شعر سروده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (588 -587).

بخاری، عنایت‌اللّٰه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1176 ق)، مفسر، نحوی و عالم حنفی. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر سورة البقره» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح العضدیة» دوانی؛ حاشیه بر «شرح اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «شرح الکافیة» جامی، در نحو؛ حاشیه بر «شرح حکمة العین» مبارکشاه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (1/ 141)، معجم المؤلفین (14 -13 /8)، هدیة العارفین (1/ 804).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحق براری گاوزنی
محل تولد : رود بست
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
سال 1356 در عهد طاغوت دیپلم علوم تجربی (طبیعی آن زمان) را دریافت کردم (از شهرستان بابلسر). با اینکه در کنکور دانشگاه آن زمان شرکت کرده بودم اما شوق تحصیل حوزوی و دانستن زبان عربی مرا به مدرسه علمیه فریدونکنار که تازه به دست حجة السلام محمودیان نماینده آیت الله العظمی گلپایگانی در فریدونکنار (مسجد صاحب الزمان) دائر شده بود، وارد شدم و به تدریج صدای انقلاب از قم و تهران و... به مازندران هم رسیده بود که البته با حال و هوایی که داشتیم در اولین اعتراضات مردم قم خود را به قم و تهران می کشاندیم و درس و بحث‌ها تحت الشعاع فعالیت انقلاب قرار گرفته بود و بارها تهدید و تحت تعقیب بودم بالاخره با پیروزی انقلاب اسلامی به حوزه مشهد جهت تقویت ادبیات رفته بودم و در درس حجت هاشمی ادیب معروف شرکت کرده بودم. سیوطی را گذراندم. شوق حوزه قم مرا به قم کشانده بود آغاز جنگ آغاز حال و هوایی دیگر بود و چند سال جنگ به خاطر ارتباط با گردان یا رسول فریدونکنار و حاج حسین بصیر که تا جانشینی لشکر 25 کربلا پیش رفته بود و در کربلای 10 در قله‌های مائوت عراق به شهادت رسیده بود به خاطر ارتباط دامادی و برادرخانمی با ایشان و همراهی با مجاهدان شمال روزگار جنگ را با اهل جنگ محشور بودیم و البته درس و بحثم را در مدرسه گلپایگانی صفائیه می‌گذراندم.
یکی از خاطراتم اینکه هرگز بحث خبر واحد را از اصول فقه و معالم تا کفایه استاد ندیده بودم و همه‌اش در این قسمت از بحث در جبهه‌ها بودم! دوارن جنگ تمام شد و با دوستان زمان جنگ حاج آقا داود صمدی آملی و حاج آقا مسرور قائم شهری که هم مباحثه‌های اینجانب بودند به درس و بحث مشغول بودیم بعد از اتمام لمعتین از مدرسه گلپایگانی(ره) برای دروس بعدی وارد حوزه (بیرون از مدرسه) شدیم. رسائل را خدمت آیت

الله اعتمادی و قسمتی از لمعه را هم با وجدانی فخر گذراندم و در ضمن با نوار دروس فلسفه (بدایة و نهایه را) با مباحثه دوستان گذراندم. کفایه را با اساتیدی چند از آیت الله صالحی مازندرانی و احمدی یزدی و آیت الله راستی پیش بردیم و در درس خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی حفظه الله شرکت کردیم (حدود 6 سال) و با درس فقه آیت الله جوادی بحث اجاره در مدرسه سعادت و حدود و تعزیرات از آیت الله مرحوم شیخ جواد تبریزی(ره) استفاده کردیم.روزها ساعت 11 حدود 5 سال با تفسیر آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم همراه بودیم و با آغاز درس مصباح الانس ابن فناری از آیت الله حسن زاده آملی خواستیم تا ما را به حضور بپذیرد نامبرده امتناع کرد، فرموده بودند چون پایینی‌ها را نخواندید نمی‌شود (تمهید القواعد ـ فصوص الحکم و...) اما اصرار کردیم تا اجازه استفاده از نوارهای فصوص را مرحمت کردند و همراه با استفاده از درس فصوص به شکل نوار از درس مصباح الانس ایشان استفاده می‌کردیم ـ حال و هوای عجیبی و شوق زیادی را در این دوران نشان می‌دادیم.
متأسفانه درس مصباح الانس به دلیلی که اینجا مطرح نمی‌کنم تعطیل شد و مایه تاسف ما شد.سه جلد اول اسفار را با آیت الله حسن زاده آملی گذراندیم با اینکه جلد اول را با آیت الله جوادی آملی سر کرده بودیم.سال 72 در کنکور سراسری شرکت کردم و در رشته فلسفه غرب در دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول شدم، دوره کارشناسی فلسفه غرب در دانشگاه موجب ضعف ارتباط لازم با حوزه تلقی می‌شد و بالاخره سال 76 کارشناسی را تمام نمودم.در طول این سالها به اندازه یک نماینده پر حرارت مجلس برای مردم زادگاهم چه تلاش‌ها و عمران و آبادی‌ها که نکردم در طول سال تحصیلی علاوه بر تبلیغ در حوزه شهر بابلسر و فریدونکنار زادگاهم (که بین این دو شهر بوده است (رودبست)) چه وقت‌ها و سفرها که هزینه نکردم و ناله اهل خانه به آسمان بلند بود و با توجیه اینکه امروز وقت این کارها هم هست از درس و بحث گاه می‌زدم و چه کارها که نکرده بودم.بحمدالله از احداث مدرسه ابتدایی تا راهنمایی و ساختن مسجدی باشکوه در حدود هزار متر مربع (با بالکس) و به شکل جمکرانی و احداث آسفالت در حدود 3 کیلومتر در زادگاه خود و تلاش برای آوردن تلفن و آب آشامیدنی و بسیار کارهای عمرانی و محلی دیگر که همین‌ها مرا مدت‌ها معطل خود کرده بود مشغول بودم.با سخنرانی‌های زمان جنگ و بعد از جنگ از مسجد تا میدان شهر فریادگر دفاع از امام و انقلاب اسلامی بودم و بحمدالله با همان روحیه همچنان در سنگرم (الحمدالله الذی هدانا...)
در سال 1380 در کارشناسی ارشد فلسفه غرب در دانشگاه تهران مرکز قبول شدم و مقارن این قبولی همراه با حاج آقا دهقان وارد کار در دفتر

نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) همراه با تدریس دروس معارف مشغول شدم قبل از دانشگاه بین‌المللی امام(ره) در دانشگاه علوم پزشکی ارتش در تهران به تدریس دروس معارف و اخلاق پزشکی و ریشه‌های انقلاب اسلامی می‌پرداختم.الان بیش از ده سال است که به تدریس دروس معارف مشغولم و همچنان در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی در خدمت فعالیت‌های همراه با آمال رهبری می‌باشم.

برازش، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهندس علیرضا برازش در سال 1334 ش در شهر تهران به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشتهٔ «علوم قرآنی و حدیث» از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران می باشد. کتاب "المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی " تالیف علیرضا برازش ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم قرآنیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علیرضا برازش پس از طی دورهٔ ابتدائی و متوسطه به دانشگاه علم و صنعت راه یافت و موفق به اخذ درجهٔ مهندسی صنایع (تولید صنعتی) گردید و پس از آن مدرک فوق‌لیسانس را در رشتهٔ «علوم قرآنی و حدیث» از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دریافت کرد.جوائز و نشانها : کتاب "المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی " تالیف علیرضا برازش ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار : المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی ویژگی اثر : تالیف-این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است-آشنایی با کتاب: «المعجم المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی» این کتاب از بهترین معاجم لفظی است که برای کتب حدیث تدوین شده است. مؤلف سخت کوش با مبنا قرار دادن متن معتبری از اصول کافی و با اتکاء بر موازین فهرست‌نگاری موج بات سهولت و سرعت دستیابی محققین را به تمامی کلمات مهم (اسامی و افعال) با توجه به ریشهٔ آنها فراهم کرده و نیز با ارائهٔ یک جدول تطبیقی، محل هر باب را در مهمترین شرحها، تصحیحها و ترجمه‌های اصول کافی به دست داده است 2 قرآن صاعد مجمع‌الانوار

برغانی قزوینی، محمد صالح

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1283 -1270 ق)، فقیه اصولی و مفسر. وی برادر شهید ثالث بود. در برغان کرج به دنیا آمد. مقدمات علم و ادب را نزد پدرش در برغان خواند و «قرآن» و «نهج‌البلاغه» را از حفظ کرد و سپس به قزوین رفت. فقه و اصول را نزد علمای قزوین و علوم عقلی را نزد آخوند ملا آقا محمد بیدآبادی فراگرفت. آنگاه به عتبات عراق رفت و در کربلا به حوزه‌ی درس علامه وحید بهبهانی پیوست. بعد از مدتی به زادگاهش بازگشت و از محضر پدر استفاده بیشتر برد. سپس به قم رفت و از حوزه‌ی درس میرزای قمی بهره‌مند شد و پس از آن به اصفهان سفر کرد و در محضر ملاعلی نوری علوم عقلی را تکمیل کرد و بعد در مشهد از حوزه‌ی درس شهید میرزا مهدی خراسانی استفاده برد. وی مجددا به سوی عراق رهسپار شد و در نجف از شیخ جعفر کاشف الغطاء و در کربلا از سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، بهره‌ها گرفت و به درجه اجتهاد رسید. در حدود سال 1220 ق به ایران بازگشت و در تهران سکنی گزید و عهده‌دار کرسی تدریس و فتوا شد و طلاب علوم دینی گرد او جمع شدند. خاندان برغانی با جریان شیخیه و بابیه برخوردی جدی داشتند. وی در کربلا در حال دعا در بالای سر مبارک حضرت سیدالشهدا (ع) از دنیا رفت. از برغانی حدود سیصد کتاب و رساله و حاشیه باقی مانده است که از آن جمله: تفسیر «معدن الانوار و مشکاة الاسرار»، در یک مجلد؛ تفسیر «مفتاح الجنان»، در هشت مجلد؛ تفسیر «بحر العرفان و معدن الایمان»، در هفده مجلد؛ تفسیر «کنز العرفان»؛ «غنیمة المعاد فی شرح الارشاد»، در چهارده مجلد، در فقه؛ «مسالک»؛ «اعمال السنة»، به فارسی؛ «الدرة الثمینة»، در مواعظ؛ «منبع البکاء»، به عربی، مقتل؛ «معدن البکاء»، به فارسی، مقتل.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (34/7)، اعیان الشیعه (369/9)، ایضاح المکنون (148/2 -304/1)، الذریعه (325 ،220 /21 ،159 /18 ،71 /16 ،77 /13 ،96 -95 /8 ،42 -41 /3 ،245 /2)، روضات الجنات (387 -386 /4)، ریحانه (248/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 661 -660 /13)، الکنی و الالقاب (64/3)، گنجینه‌ی دانشمندان (162/6)، المآثر و الآثار (183 ،144)، معجم المؤلفین (86/10)، مینودر (845/2).

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موسی برغانی قزوینی در سال 1259 ، در قزوین به دنیا آمد. وی علوم اسلامی را نزد علمای زمان خود و همچنین بزرگان خانواده اش فراگرفت. روش تفسیری برغانی قزوینی ، کلامی و روایی است که با ذکر آیه به بیان روایات و احادیث وارد شده در پیرامون آن می پردازد و سپس نظرات و آراء مفسران پیشین و پدرش ملا صالح را متذکر شده به نقد و بررسی آنها می پردازد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : موسی برغانی قزوینی صالحی فرزند ملا صالح برغانی قزوینی (م1298ق) از علمای قرن سیزدهم هجری در دوران سلاطین قاجار بوده است.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شیخ موسی برغانی قزوینی از خانواده علم و دانشی است که هر کدام از آن خانواده به نوبه خود با تدریس ، تبلیغ و تالیف در زمینه های قرآنی و علوم اسلامی خدمتی در خور تحسین به جامعه علمی نموده و یادگارانی از خود برجای گذاشته است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ موسی برغانی قزوینی ، علوم اسلامی را نزد علمای زمان خود و همچنین بزرگان خانواده اش فراگرفت.آرا و گرایشهای خاص : روش تفسیری موسی برغانی قزوینی ، کلامی و روایی است که با ذکر آیه به بیان روایات و احادیث وارد شده در پیرامون آن می پردازد و سپس نظرات و آراء مفسران پیشین و پدرش ملا صالح را متذکر شده به نقد و بررسی آنها می پردازد.آثار : اسرارالتنزیل فی تفسیر القرآن ویژگی اثر : این کتاب تفسیری است به زبان عربی و در دو جلد تالیف شده است. نسخه اصلی این تفسیر نزد میرزا حسن صالحی در قزوین موجود است.
منابع زندگینامه :قرآن پژوهان قزوین ، مولف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران ، 1380 ، ص 104

برقانی خوارزمی، ابوبکر احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(425 -336 ق)، فقیه، محدث، قرآن‌پژوه، نحوی. معروف به حافظ کبیر. از اهالی خوارزم بود که در بغداد سکنی گزید. در خوارزم ابوالعباس حیری نیشابوری و در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در بغداد از ابوعلی صواف و محمد بن جعفر بندار و در نیشابور از ابوعمرو بن حمدان و ابواحمد حاکم و در دمشق از ابوبکر بن ابی‌الحدید و در مصر از حافظ عبدالغنی حدیث شنید. ابو عبدالله صوری و ابوبکر بیهقی و ابوبکر خطیب بغدادی و ابواسحاق شیرازی و ابوطاهر احمد کرجی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. خطیب بغدادی او را ثقه، پرهیزکار و دانای فقه و حدیث توصیف کرده است. ابوبکر تا زمان مرگ خویش از تألیف و تصنیف باز نایستاد. او در بغداد درگذشت. از آثار وی «مسند» ی است که جامع تمامی احادیث «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم است. او احادیث سفیان ثوری و شعبه و ایوب و دیگران را نیز جمع‌آوری کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (205/1)، تاریخ بغداد (376 -373 /4)، ریحانه (249 -248 /1)، سیر النبلاء (468 -464 /17)، کشف الظنون (1682)، لکنی و الالقاب (78/2)، معجم المؤلفین (74/2)، الوافی بالوفیات (331/7)، هدیة العارفین (74/1).

بركلى حنفى، تقى‌الدين محمد

قرن:10
جنسيت:مرد
مليت:ايران
(981 -929/926 ق)، صوفى، واعظ نحوى، فقيه، مفسر و محدث. وى ايرانى الاصل و از دانشمندان نامى عثمانى بود. ظاهرا چون حنفى مذهب بود، از ترس صفويه به آن سرزمين رفت. از جزئيات احوالش اطلاعى در دست نيست. وى مؤلف كتابهاى بسيارى به زبان عربى و فارسى است كه در فنون مختلف نوشته شده است و معلوم مى‌شود كه در همه‌ى علوم زمان دست داشته است. از آثار وى: تعليقه بر «اصلاح الوقاية فى فروع» ابن كمال پاشا؛ «اظهار الاسرار»، در نحو؛ «انقاذ الهالكين»، كه در سال 967 ق تأليف كرده است؛ «ايقاظ النائمين»، كه در سال 972 به پايان رسانيده؛ «رسالة فى عدم جواز اخذ الاجرة للقراءة و عدم جواز وقف النقود»؛ «جلاء القلوب»، كه در سال 971 ق به پايان رسانيده است؛ «صحاح عجميه»، به فارسى؛ «فرائض» و شرح آن؛ «كفاية المبتدى»، در صرف؛ شرح «لب الالباب فى علم الاعراب» يا شرح «مختصر الكافيه» بيضاوى، معروف به «امتحان الاذكياء»؛ حاشيه بر «شرح الوقاية» صدر الشريعه ثانى. «دامغة المبتدعين و كاشفة بطلان الملحدين»؛ «آداب البركوى»، «الاربعون»، در حديث.
برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)
منابع زندگينامه :الاعلام (287 -286 /6)، ايضاح المكنون (442/1) تاريخ نظم و نثر (395)، الذريعه (125/5)، كشف الظنون (2022 -2020 ،1500 ،1246 ،1074 ،592 ،215 -214 ،184 -183 ،117 ،109 ،54)، معجم المؤلفين (124 -123 /9)، هدية العارفين (252/2).

بروجردی، جمال‌الدین محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1302 ق)، فقیه، محدث و مفسر. مشهور به مجتهد بروجردی. وی نوه‌ی دختری میرزای قمی، صاحب «قوانین»، و خلف حاج ملا اسدالله حجة الاسلام بود که مقام فقاهت و تبحرش در حدیث و تفسیر مسلم بود. وی از پدرش حجة الاسلام اجازه‌ی اجتهاد داشت. جمال‌الدین در اواخر عمر به مشهد مشرف شد و از آنجا به تهران آمد و چندین سال به ترویج شریعت و ارشاد مردم مشغول بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (330 -327 /2)، علماء معاصرین (336 -335)، گنجینه‌ی دانشمندان (192/3)، المآثر و الآثار (143 -142).

بروجی، صبغة الله

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1015 ق)، مفسر و فقیه متصوف. اصل او از اصفهان بود. در بروج هند متولد شد، و در مدینه ساکن شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. از آثار وی: «اراءة الدقائق فی شرح مرآة الحقائق»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ «باب الوحدة»؛ «مالا یسع المرید ترکه کل یوم من سنن القوم»؛ و چند رساله دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (287/3)، ایضاح المکنون (420/2 ،161 ،53 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ بروجی)، معجم المؤلفین (17 -16 /5)، هدیة العارفین (425/1).

برهان‌الدین هروی، حیدر

قرن:9

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(780- ح 830 ق)، مفسر، متکلم و ادیب. معروف به صدر هروی. عالم به معانی و بیان بود و از شاگردان ارشد ملاسعد تفتازانی به حساب می‌آمد. در «هدیة العارفین» سال وفات وی 845 ق ذکر شده است. از آثارش: حاشیه بر «شرح کشاف» استادش، در تفسیر؛ شرح بر «ایضاح المعانی» قزوینی، در معانی و بیان؛ حاشیه بر «فرائض سراجیه» یا شرح «فرائض سجاوندی»؛ شرح «المواقف» قاضی ایجی، در علم کلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (256/1)، کشف الظنون (1894، 1479، 1247، 211،)، معجم المؤلفین (92/4)، هدیة العارفین (342 -341 /1).

بزدوی، فخر الاسلام، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(482 -400 ق)، فقیه اصولی، محدث و مفسر حنفی. مشهور به ابی العسر. نسبتش به بزده، قلعه‌ای در نزدیک نسف، می‌رسد از بزرگان سمرقند و پیشوای اصحاب ماوراءالنهر و خود صاحب طریقه‌ای در مذهب حنفی بود. سمعانی گوید که دوستش ابوالمعالی محمد بن نصر، خطیب سمرقند، تنها راوی اوست. وی در سمرقند به خاک سپرده شد. او را تصانیف بسیاری است، از آن جمله: «کنز الوصول الی معرفة الاصول» یا «اصول بزدوی»، در اصول فقه، که به همراه شرح آن به نام «کشف الاسرار» علاءالدین بخاری چاپ شده است؛ «المبسوط»، یازده مجلد؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «غناء الفقها»، در فقه؛ «کشف الاستار» یا «تفسیر القرآن»، در یک‌صد و بیست جزء.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (148/5)، ایضاح المکنون (388 ،34 /2)، سیر النبلاء (603 -602 /18)، کشف الظنون (1581 ،1485 ،1016 ،568، 563، 553، 467، 113- 112)، معجم البلدان (487 -486 /1)، معجم المؤلفین (192/7)، الوافی بالوفیات (430/21)، و هدیة العارفین (693/1).

بسطامی، ضیاءالدین، ابوشجاع عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(475- 562/ 570 ق)، مفسر، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. محدث و مسند بلخ و امام مسجد راغوم یا راعوام بود. بسطامی نزد پدرش و سپس نزد ابوالقاسم احمد خلیلی و ابراهیم بن محمد اصفهانی درس خواند، و در محضر ابوجعفر محمد بن حسین سمنجانی فقه آموخت. او حتی در کهن‌سالی نیز بر دانش‌اندوزی حریص بود و از هر کسی چیزی می‌آموخت. کلامش شیرین و در وعظ و خطابه‌ی او نکته‌ها نهفته بود. سمعانی و فرزندش، ابومظفر، و ابوالفرج ابن‌جوزی و ابوروح هروی، و بسیاری دیگر، از شاگردان وی به حساب می‌آیند. وی در بلخ درگذشت. از آثار وی: «ادب المریض و العائد»؛ «لقطات العقول»؛ «مزالیق یا مزالق العزلة» یا «من الف العزلة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (223/5)، سیر النبلاء (454 -452 /20)، کشف الظنون (1659 -1464 ،48)، معجم المؤلفین (313/7)، هدیة العارفین (784/1).

بشیر تبریزی، نجم الدین، ابونعمان

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(646 -570 ق)، مفسر. ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابونعمان و معروف به صوفی و زینبی و جعفری. در اردبیل به دنیا آمد. بشیر در بغداد فقه آموخت و از محضر یحیی ثقفی و ابن‌کلیب و ابوالفتح مندائی استفاده کرد. دمیاطی و محب طبری و ابوالعباس ابن ظاهری و دیگران از شاگردان وی بودند. او در مکه درگذشت. از آثارش: «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر نجم‌الدین»، در چند مجلد؛ «الحدیث الاربعین فی امور الدین»؛ «احاسن الکلام و محاسن الکرام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (29/2)، ایضاح المکنون (30/1)، سیر النبلاء (256 -255 /23)، کشف الظنون (644 ،460)، معجم المؤلفین (47 -46 /3)، الوافی بالوفیات (162 -161 /10).

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(516/510 -436 ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و عارف. ملقب به محیی السنه و مشهور به ابن‌فراء، یا فراء. منسوب به بغ یا بغشور، از قریه‌های میان سرخس و هرات در فقه شاگرد قاضی حسین بن محمد مروزودی و در عرفان شاگرد شبلی، ابومحمد مرتعش و عبداللّه منازل بود. بغوی چون مجلس درس آراست هیچ‌گاه بی‌طهارت به تدریس آغاز نکرد. از جمله شاگردان وی در حدیث ابوالفتوح محمد بن محمد طایی و ابومنصور محمد عطاری و ابوالمکارم فضل‌اللّه بن محمد نوقانی بوده‌اند. او با غزالی معاصر بود. وی در مرورود، درگذشت و در کنار شیخش، قاضی حسین مرورودی در مقبره‌ی طالقان دفن شد. از جمله‌ی آثار وی: «التهذیب»، در فروع فقه شافعی؛ «شرح السنه»، در حدیث؛ «معالم التنزیل»، در تفسیر؛ «مصابیح السنه»؛ «الجمع بین الصحیحین»؛ «شمائل النبی المختار»؛ «الکفایه فی فروغ الشافعیه»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (284/2)، تاریخ ادبیات در ایران (929 -928، 260 /2)، تاریخ نظم و نثر (126)، حبیب السیر (319/2)، دائره المعارف الاسلامیه (27/4)، روضات الجنات (181 -175 /3)، ریحانه (272 -271 /1)، سرآمدان فرهنگ (179/1)، سیر النبلاء (443 -439 /19)، کشف الظنون (1499)، الکنی و الالقاب (88/2)، لغت‌نامه (ذیل/ بغوی)، معجم البلدان (554 -553 /1)، معجم المؤلفین (61/4)، نامه‌ی دانشوران (259 -257 /7)، الوافی بالوفیات (63/13)، وفیات الاعیان (137 -136 /2)، هدیة العارفین (312/1).

بلاغی، شیخ حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه شیخ حسن بلاغی
در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ حسن بلاغی ، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال 1282 ق .(80) خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد.
آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب ، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند.
جرعه نوش علم و معرفت .
محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا 24 سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم ، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.
روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال 1306 ق . مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالامال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی ، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالیه اش نایل آید.
ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال 1312 ق . در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.
در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت 14 سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.
شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده

بود در سال 1326 ق . وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی ، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.
این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا 54 سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.
راهنمایان رهرو خوبیها
اندیشمندان و فرزانگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:
1. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی 1323 ق .)
2. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی 1322 ق .)
3. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی 1329 ق .)
4. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی 1354 ق .)
5. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی 1323 ق .)
6. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی 1320 ق .)
7. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی 1323 ق .)
8. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی 1338 ق .)(81)
پیوند دانش و مبارزه
این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال 1336 ق . - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست .
آینده ساز دلسوز
اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نماییم .
1. آیة الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی 1411 ق .)
2. آیة الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی 1414 ق .)
3. آیة الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی 1395 ق .)
4. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی 1380 ق .)
5. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی 1390 ق .)
6. آیة الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی 1386 ق .)
7. آیة الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی 1403 ق .)
8. آیة الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی 1395 ق .)
9. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی 1405 ق .)
10. آیة الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفق 1405 ق .)
11. میرزا محمد علی مدرس خیابانی

12. استاد ادیب علی خاقانی
13. آیة الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی 1395 ق .)
14. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی 1358 ق .)
15. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی
16. آیة الله سید صدرالدین جزایری (متوفی 1388 ق .)
17. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی
18. شیخ مرتضی مظاهری نجفی
19. آیة الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی 1383 ق .)
20. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابیت و بهائیت تدوین یافته است .

نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

1. تفسیر آلاءالرحمن 2. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند 3. الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة 4. الهدی الی یدن المصطفی 5. التوحید والتثلیث 6. اعاجیب الاکاذیب 7. انوارالهدی 8. البلاغ المبین 9. نصایح الهدی 10. المسیح و الانجیل 11. نسمات الهدی 12. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر 13. مصباح الهدی 14. مسئلة فی البداء 15. نورالهدی 16. اجویة المسائل البغدادیة 17. داعی الاسلام و داعی النصرانیة

18. تا 45. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است 46. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول 47. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب 48. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام 49. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی 50 رد بر کتاب ((حیاة المسیح)) نووشته غلام احمد قادیانی 51 رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) 52. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)

53. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) 54. داروین و اصحابه .(82)

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به

رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .
ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :
یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و ثمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیرالمرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الورید

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف (83)

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد

شدگان در سالهای خشکی و سخت .
- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .
- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی (84) را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))(85)

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصد الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .))(86): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با

این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری .))(87)
بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.
خنیاگر بیداری
حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:
((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))(88)
این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.
وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت .(89)
آخرین هجرت
آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.
باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی))(90) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.
سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان 1352 ق .(91) ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت . خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشاند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این

فقدان ، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع ، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام ، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤ لف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.
روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد.

آثار:
تفسیر آلاءالرحمن
الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة
الهدی الی یدن المصطفی
التوحید والتثلیت
اعاجیب الاکاذیب
انوارالهدی
البلاغ المبین
نصایح الهدی
المسیح و الانجیل
نسمات الهدی
المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر
مصباح الهدی
مسئلة فی البداء
نورالهدی
اجویة المسائل البغدادیة
داعی الاسلام و داعی النصرانیة
رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول
رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب
رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام
رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))
رد بر کتاب ((حیاة المسیح))
رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))
رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی
رساله ای در رد حسیون

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ حسن بلاغی ، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال 1282 ق . خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد.
آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب ، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند.
جرعه نوش علم و معرفت .
محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا 24 سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم ، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.
روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال 1306 ق . مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالامال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی ، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالیه اش نایل آید.
ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال 1312 ق . در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.
در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت 14 سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.
شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال 1326 ق . وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع

مجاهد و رهبر انقلابی ، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.
این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا 54 سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.
راهنمایان رهرو خوبیها
اندیشمندان و فرزانگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:
1. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی 1323 ق .)
2. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی 1322 ق .)
3. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی 1329 ق .)
4. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی 1354 ق .)
5. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی 1323 ق .)
6. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی 1320 ق .)
7. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی 1323 ق .)
8. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی 1338 ق .)
پیوند دانش و مبارزه
این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال 1336 ق . - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست .
آینده ساز دلسوز
اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نماییم .
1. آیة الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی 1411 ق .)
2. آیة الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی 1414 ق .)
3. آیة الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی 1395 ق .)
4. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی 1380 ق .)
5. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی 1390 ق .)
6. آیة الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی 1386 ق .)
7. آیة الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی 1403 ق .)
8. آیة الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی 1395 ق .)
9. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی 1405 ق .)
10. آیة الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفق 1405 ق .)
11. میرزا محمد علی مدرس خیابانی
12. استاد ادیب علی خاقانی

13. آیة الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی 1395 ق .)
14. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی 1358 ق .)
15. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی
16. آیة الله سید صدرالدین جزایری (متوفی 1388 ق .)
17. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی
18. شیخ مرتضی مظاهری نجفی
19. آیة الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی 1383 ق .)
20. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی
تراوش قلم
آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابیت و بهائیت تدوین یافته است .
نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:
1. تفسیر آلاءالرحمن 2. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند 3. الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة 4. الهدی الی یدن المصطفی 5. التوحید والتثلیت 6. اعاجیب الاکاذیب 7. انوارالهدی 8. البلاغ المبین 9. نصایح الهدی 10. المسیح و الانجیل 11. نسمات الهدی 12. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر 13. مصباح الهدی 14. مسئلة فی البداء 15. نورالهدی 16. اجویة المسائل البغدادیة 17. داعی الاسلام و داعی النصرانیة
18. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است . رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول . رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب . رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام . رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی رد بر کتاب ((حیاة المسیح)) نوشته غلام احمد قادیانی رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) . رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)
. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) داروین و اصحابه .
مهتاب ادب
یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :
یا تریب الخد فی رمض الطفوف
لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر
و حمی الجار اذ عزالمجیر
و شدید الباٴس والیوم العسیر
و ثمال الوفد فی العام العسوف
کیف یا خامس اصحاب الکسا
و ابن خیرالمرسلین المصطفی
و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء
و شفیع الخلق فی الیوم المخوف
یا صریعا ثاویا فوق الصعید
و خضب الشیب من فیض الورید
کیف تقضی بین اجناد یزید
ضامیا تسقی بکاسات الحتوف
- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .
- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .
- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.
چکاد تلاش
آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.
درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از

یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))
شکوه گمنامی
گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...
شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:
((انی لا اقصد الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .)): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.
اسوه زهد
درباره ساده زیستی اش گویند:
((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری .))
بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.
خنیاگر بیداری
حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:
((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))
این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق

کرد.
وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت .
آخرین هجرت
آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.
باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی)) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.
سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان 1352 ق . ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت . خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشاند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان ، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع ، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام ، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤ لف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.
روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد. آثار: 1. تفسیر آلاءالرحمن
2. الرحلة المدرسية يا المدرسة السيارة
3. الهدی الی یدن المصطفی
4. التوحيد والتثليت
5. اعاجیب الاکاذیب
6. انوارالهدی
7. البلاغ المبین
8. نصایح الهدی
9. المسیح و الانجیل
10. نسمات الهدی

11. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر
12. مصباح الهدی
13. مسئلة فی البداء
14. نورالهدی
15. اجوبة المسائل البغدادیة
16. داعی الاسلام و داعی النصرانیة
17. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول
18. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب
19. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام
20. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))
21. رد بر کتاب ((حیاة المسیح))
22. رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))
23. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی
24. رساله ای در رد حسیون

بلخی، جمال‌الدین عبداللّٰه

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(698 -611 ق)، مفسر. در قدس متولد شد و در مصر اقامت گزید و در الازهر تحصیل کرد و سرانجام به زادگاهش بازگشت و همان جا درگذشت. جمال‌الدین صاحب «تفسیر» ی بزرگ است که آن را با عنایت به پنجاه تفسیر نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (270/4)، معجم المؤلفین (121/6).

بهاءالدینی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 9 فروردین 1267 (عید غدیر خم 1327 ق.)، قم.
درگذشت: 28 تیر 1376(13 ربیع‌الاول 1418 ق.)، قم.
آیت‌الله سید رضا بهاءالدینی، فرزند صفی‌الدین خدمتگزار آستانه حضرت معصومه و حافظ بسیاری از سوره‌های قرآن مجید و معروف به «کشف‌الایات» بود. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در شش سالگی به مکتبخانه رفت و به فراگیری نصاب، گلستان، خواندن و نوشتن پرداخت و پس از آن به آموختن علوم دینی روی آورد، و توانست مغنی را نزد میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، شرح لمعه و فرائد الاصول را در محضر آخوند میرزا محمد همدانی، قوانین الاصول را نزد آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و مکاسب را در مجلس درس آیت‌الله سید صدرالدین صدر بیاموزد.
سپس در نوزده سالگی در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. پس از وفات ایشان به درس حضرات آیات عظام: سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، سید محمدتقی خوانساری و حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد و مبانی فقهی و اصولی‌اش را استوار ساخت و در بیست و پنج سالگی از آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد دریافت نمود.
ایشان در کنار تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح روی آورد و سیوطی، مغنی، حاشیه، مطول، قوانین (پنج دوره) رسایل، مکاسب و کفایه را تدریس کرد و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. سپس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در مدت بیست سال، چند کتاب فقهی و چند دوره اصول را تدریس نمود و مجموع سالهای تدریس وی، شصت سال به طول انجامید.
آیت‌الله بهاءالدینی در جنب تحصیل و تدریس به اقامه جماعت و تألیف نیز پرداخت و نوشتارهایی پیرامون قرآن مجید، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه از او به یادگار ماند و این همه خمیرمایه درسهای اخلاقی وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تشکیل داد.
در اسفند 1375 سمیناری در تحلیل از وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم برپا شد و از شخصیت وی تجلیل گردید و کتابی با نام آیت بصیرت در شرح زندگی او منتشر شد.

آیت‌الله بهاءالدینی در سن نود سالگی در روز شنبه بیست و هشتم تیر 1376 (سیزدهم ربیع‌الاول 1418 ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن در مسجد بالا سر حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهرامی، محمد حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین بهرامی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/5/3
زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسین بهرامی در سال 1354 در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهر قم گذراندم و در سال 1368 وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه شهیدین گذراندم. سطح را در حوزه و در محضر اساتیدی از جمله حجج اسلام موسوی تهرانی، اعتمادی(ره)، احمدی میانجی و دیگر اساتید طی کردم. چند سالی نیز در درس خارج اساتیدی از جمله آیات عظام شبیری زنجانی، مکارم شیرازی و وحیدتبریزی شرکت نمودم.
در کنار تحصیل در مراکز سفیران هدایت، جامعه الزهرا و مدرسه امام خمینی(ره) به تدریس پرداخته ام. هم اکنون نیز در مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه قم در رشته علوم قرآن و حدیث مشغول به تدریس می باشم. سال 1375 و همزمان با سطح، از طریق موسسه امام خمینی (ره) به کارشناسی ارشد پیوسته در رشته الهیات مشغول شده و در سال 1381 با نگارش پایان نامه "اندیشه های حدیثی علامه محمد تقی شوشتری درکتاب النجعه" فارغ التحصیل شدم.
در سال 1382 در دانشگاه تربیت مدرس قم در رشته علوم قرآن و حدیث برای گذراندن مقطع دکتری پذیرفته شدم. و هم اکنون پس از طی دوره آموزشی در آستانه نگارش پایان نامه می باشم. از سال 1377 در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در بخش شبکه اینترنت مشغول به کار شدم. از سال 1379 تا 1382 مدیر پایگاه اطلاع رسانی حوزه بودم و از سال 1382 تا کنون نیز به عنوان معاون شبکه مرکز مشغول به فعالیت می باشم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر بهرامی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ناصر بهرامی در سال 1364وارد حوزه علمیه شدم و در زادگاهم کرمانشاه در مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به فرا گرفتن متون درسی حوزوی شدم. سطح مقدمات را در همانجا به پایان رسانیدم و مشغول به سطوح بالاتر شدم .و دروس بالاتر را مانند کفایه ،رسائل ،مکاسب را در محضر حضرات آقایان آیت الله زرندی نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه ،حاج آقا مجتبی میبدی ،حاج آقا عبدالخالق عبداللهی ، فرا گرفتم .و در همان مدرسه مذکور مشغول به تدریس سیوطی ،مغنی ، مقدمات شدم و در مدرسه امام صادق (ع)کرمانشاه لمعه و سیوطی تدریس نموده ام و در سال1376وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خار ج فقه و اصول را در نزد حضرات آیات مکارم شیرازی ،فاضل لنکرانی ،نوری همدانی ،جعفر سبحانی ،جوادی آملی و به مدت دو سال هم در تفسیر حجت الاسلام سید احمد خاتمی شرکت نمودم و در حال حاضر در درس فقه آیت الله مکارم مشغول هستم . در این مدّت مشغول پژوهش بوده و هستم و بیشتر کارهایم را در خانه انجام می دهم و کاری را در دست اقدام دارم بنام خطابات قرآنی و امیدوارم خداوند متعال به ما توفیق دهد تا بتوانیم در راه علم و معرفت کوشا باشیم و برای جامعه اسلامی فردی مفید و صالح باشیم .

بهشتی، سیدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1354 ق)، عالم، ادیب، لغوی، مفسر، فقیه و محدث. معروف به مفسر. در کربلا متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. وی در تهران ساکن و از اعلام معاصر تهران بود. بهشتی در زهد و تقوی کم‌نظیر بود. او متجاوز از بیست و دو سال پی‌درپی در مسجد جامع تهران تفسیر قرآن می‌گفت. در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّٰه شهر ری دفن شد. از آثار وی تفسیر «مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر»، به عربی، در دوازده مجلد است که در تهران به طبع رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (179 -178 /4)، مقنیات الدرر (ج 1/ مقدمه مؤلف).

بهلول گنابادی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1320 ق)، شاعر. معروف به بهلول. اصل وی بجستان گناباد است. وی در سبزوار متولد شد و همان جا تحصیل علوم قدیمی کرد. سپس بیشتر به وعظ و روضه‌خوانی و مسافرت در ایران و عراق مشغول بود. وی برای مخالفت با قانون اتحاد شکل و تبدیل لباسهای مختلف و معمولی ایرانی به لباس واحد نیم‌تنه و شاپو، در مشهد سخنرانیهایی کرد که منجر به شورشی در آنجا شد که در نهایت وی را به افغانستان بازگشت و در سال 1349 ق به ایران بازگشت. بهلول حافظه‌ای نیرومند داشت. او را منظومه‌ای است در حدود هزار و دویست بیت که خود از آن تعبیر به «مجموعه‌ی دینی» کرده و در آن شرح حال خود و بعضی وقایع زمان خود را به تصویر کشیده است. مجموعه‌ی شعرش به نام «بهلول» به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (149 -148 /9)، سخنوران نامی معاصر (634 -631 /1)، صد سال شعر خراسان (157 -155)، مؤلفین کتب چاپی (262/2).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید بهمنی
محل تولد : باجیگران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال60-61وارد حوزه علمیه قم شدم . ابتدا به مدت سه سال به طور آزاد درس های حوزه را از استادان مختلف آموختم و پس از سه سال در حوزه ثبت نام کرده و قبول شدم. دروس سطح را در سال 69 به پایان رسانده و سپس دروس خارج را آغاز کردم . در سال 71-70 در دوره های تربیت محقق و مدیر و مبلغ مناطق اهل سنت شرکت کرده و به مدت دو سال دوره عمومی آن را گذراندم و پس از یک سال دوره تخصصی فقه و اصول را طی کردم . این دوره ها پس از مدتی به نام رشته های تخصصی فوق و مذاهب اسلامی از سوی حوزه علمیه قم به رسمیت شناخته شد.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود بیات
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمود بیات در حدود سال 1350 وارد حوزه شهرستان نیشابور و تقریباً بعد از 3 سال در حوزه مشهد به مدت دو سال و سپس راهی قم شده و تاکنون مشغول بوده‌ام . در سال 63 ـ 1362 به مدت یک سال تمام از طرف حوزه علمیه قم برای تدریس ادبیات به شهرستان میناب رفتم . در سال 81 ـ 82 به مدت یک سال در دانشکده علوم قرآنی تدریس قرآن و علوم مربوطه به مقدمات قرآن از قبیل ادبیات بوده‌ام و در خلال تحصیل مقداری هم تدریس داشته‌ام .
در ضمن به مدت سه سال از طرف معاونت تهذیب در مدرسه شهید صدوقی واقع در بلوار صدوق به امر تهذیب مشغول بوده‌ام و در مدارس امام صادق و بقیة الله واقع در حاجی‌آباد یک سال تحصیلی تقریباً تدریس تجوید و صرف داشته‌ام . اکنون پایان‌نامه سطح چهار را تحویل داده‌ام و مقدمات دفاع انشاء الله فراهم می‌گردد . نیز در دانشگاه علامه طباطبایی تهران مشغول تدریس تفسیر موضوعی هفته‌ای یک روز در هفته می‌باشم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر بیاری
محل تولد : جعفر آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/5/4
زندگینامه علمی
بنده تا سوم راهنمائی را در محل تولد خواندم. بعد وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان بطور غیر حضوری دیپلم را گرفتم. در مدارس علمیه امام صادق(ع)، امام باقر(ع)، رضویه و معصومیه ادامه تحصیل دادم و در دروس خارج فقه آقایان فاضل لنکرانی، هادوی، کعبی شرکت کردم. در تفسیر آیت الله جوادی آملی هم 6 سال شرکت داشتم، دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغات را گذرانده ام(شش ماه). در مرکز ادبی حوزه شرکت و دوره ادبیات را گذراندم. در سال 1376 وارد موسسه امام خمینی شدم و دوره کارشناسی و سپس ارشد را گذراندم. الان در حال تدوین پایان نامه هستم. همزمان فعالیت های تبلیغی هم دارم که عمده آن در دبیرستانهای کشور است از طریق اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان و بسیج دانش آموزی.

بیرجندی، علی اصغر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1320 -1310 ق)، مفسر و مدرس. وی از بزرگان و سرآمدان علوم دینی در سده‌ی سیزدهم و اوایل چهاردهم هجری قمری بود و همچنین از مشایخ و استادان حاج محمد باقر بیرجندی. از وی تفسیری دو جلدی به نام «التفسیر بالمأثور» به جای مانده که نظیر «تفسیر البرهان» سید هاشم بحرانی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (265/4)، ریحانه (305/1).

بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 696 -680 ق)، عالم، ادیب، محدث، مفسر و مورخ اشعری شافعی. معروف به قاضی بیضاوی. اهل بیضای فارس بود. پدرش در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی قاضی القضاة فارس بود و بعد از او این منصب به پسرش رسید. وی بعد از مدتها اقامت در شیراز، اواخر عمر را در تبریز سپری کرد. قاضی معاصر با علامه حلی امامی و خواجه نصیرالدین طوسی و صلاح‌الدین صفدی بود. او در گورستان چرنداب تبریز مدفون است. بیضاوی در عربی و فارسی تألیفاتی دارد. از جمله: کتاب تفسیر که به «تفسیر بیضاوی» یا «انوار التنزیل و اسرار التأویل» شهرت دارد و شیخ بهایی بر آن شرح نوشته است. «الایضاح»، در اصول دین؛ «تهذیب الاخلاق» در تصوف؛ «شرح التنبیه»، در فقه؛ «شرح الکافیه»، در نحو؛ «شرح المصابیح»، در فقه؛ «شرح مطالع»، در منطق؛ «منهاج الوصول الی علم الاصول»، در اصول فقه؛ «طوالع الانوار» و «مطالع الانظار»، در توحید و کلام؛ «غایة القصوی فی درایة الفتوی»، در فقه شافعی؛ «شرح منتخب الاصول»، در لغت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (248/4)، بزرگان نامی پارس (281 -274)، تاریخ ادبیات در ایران (1209، 228، 223 -222، 218 /3)، تاریخ گزیده (706)، تاریخ نظم و نثر (140 -139)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (518 -517 /1)، دایرةالمعارف فارسی (490/1)، الذریعه (192/24 ،179 -178 /23)، روضات الجنات (130 -127 /5)، ریحانه (306/1)، شیرازنامه (182)، طرائق الحقائق (666 -662 /2)، فارسنامه‌ی ناصری (118/1)، کشف الظنون (1959، 188 -186)، الکنی و الالقاب (113/2)، لغت‌نامه (ذیل/ بیضاوی)، معجم المؤلفین (400/13، 98 -97 /6)، نامه‌ی دانشوران (151 -137 /8)، هدیة الاحباب (111 -110)، هدیة العارفین (463 -462 /1)، یادداشتهای قزوینی (15 -13 /2).

بیهقی خسروجردی، ابوبکر احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(458 /454 -384 ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث، مفسر و متکلم اصولی. ملقب به فخرالزمان. در خسروجرد بیهق متولد شد، و در همان جا نشو و نما یافت. وی به بغداد و کوفه و مکه سفر کرد و در نیشابور رحل اقامت افکند، در همان جا درگذشت و در بیهق دفن شد. ابوبکر در علوم گوناگون دارای دستی توانا بود. امام الحرمین گوید که: شافعی بر گردن تمام شافعیان حق دارد جز بیهقی، و این بیهقی است که با کثرت تصنیفاتش در حمایت مذهب شافعی بر او منت دارد. ذهبی گوید که اگر بیهقی می‌خواست قادر به تأسیس مذهب جدید بود. بیهقی از شاگردان ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابوالفتح ناصر مروزی و ابن فورک و ابو علی رودباری و عبدالله بن یوسف بن نامویه است. شیخ الاسلام ابو علی انصاری و ابو عبدالله فزاری و ابوالقاسم سحامی و ابوالمعالی محمد فارسی از شاگردان وی بوده‌اند. به خاطر گستردگی دانش و معرفتش به اختلاف، در حدود یکهزار ساله تصنیف کرد. از جمله‌ی آثار او: «السنن کبیر»، ده مجلد و «السنن صغیر»، دو مجلد، در حدیث؛ «دلایل النبوة»، در سه مجلد؛ «الجامع المصنف فی شعب الایمان»؛ «المبسوط فی نصوص الشافعی»، در ده مجلد؛ «الاسماء و الصفات»؛ «المعارف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (113/1)، اعیان الشیعه (569 -568 /2)، تاریخ ادبیات در ایران (274/1)، دائرةالمعارف اسلامیة (430 -429 /4)، روضات الجنات (264 -260 /1)، ریحانه (308/1)، سرآمدان فرهنگ (93/1)، سیرالنبلاء (170 -163 /18)، الکامل (104/8)، کشف الظنون (1393، 1455، 1582، 1621، 1726، 1739، 1836 ،1957، 2051 ،1391، 1047، 1007، 760، 721، 574، 400، 261، 175، 53، 9)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن حسین)، معجم البلدان (424/2)، معجم المؤلفین (207 -206 /1)، الوافی بالوفیات (354/6)، وفیات الاعیان (76 -75 /1)، هدیة العارفین (78/1).

بیهقی، ابوجعفر احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 544 -470 ق)، محدث، فقیه، مفسر و ادیب. معروف به بوجعفرک. وی اهل نیشابور بود. گروهی از نجبا همصحبت وی بودند و جماعتی نزد وی دانش فراگرفتند. او از ابونصر احمد بن محمد بن صاعد قاضی و ابوالحسن علی بن حسن بن عباس صندلی واعظ و دیگران سماع حدیث داشت. تاج‌الدین محمود بن ابی‌المعالی خواری، در مقدمه‌ی کتاب «ضالة الادیب» می‌آورد که احمد بن علی بیهقی در ادب و قرائت امام بود و کتاب «صحاح» جوهری، در لغت را، پس از قرائت بر ابوالفضل احمد بن محمد میدانی، حفظ کرد. از جمله‌ی تألیفات او: «المحیط»، در لغات قرآن؛ «ینابیع اللغة»؛ «تاج المصادر»، در لغت عرب؛ کتاب «المحیط بعلم القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (321 -320 /2)، دایرةالمعارف فارسی (497/1)، روضات الجنات (270/1)، سیر النبلاء (208/20)، کشف الظنون (2052 -1619 ،269)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن علی)، معجم الادباء (51 -49 /4)، معجم المؤلفین (4/2)، الوافی بالوفیات (215 -214 /7)، هدیة العارفین (84/1).

پارسا، شمس‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 822 ق)، مفسر، فقیه، نویسنده و صوفی. وی اهل بخارا و از اصحاب درجه‌ی اول خواجه بهاءالدین نقشبند و از اولاد عبدالله بن جعفر طیار بود. او نسبتش به حافظ‌الدین کبیر، محمد بخاری می‌رسد. از مشاهیر عرفای سلسله‌ی نقشبندیه است. چون مردی پارسا و دانشمند بود، بهاءالدین وی را پارسا لقب داد. پارسا، کتب بسیاری در تصوف دارد که به شیوه‌ی تفکر و تحلیل ابن‌عربی از مسائل عرفانی، نزدیک است. وی همچنین در نقل حدیث نیز دست داشت و کرامات بسیاری را به او نسبت داده‌اند. در هنگام بازگشت از سفر حج، در مدینه درگذشت و او را در جوار مزار حضرت عباس (ع) به خاک سپردند. وی پسری داشت به نام خواجه حافظ‌الدین ابونصر پارسا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه به شمار می‌رود. از آثارش: «فصل الخطاب لوصل الاحباب»، در محاضرات؛ «الفصول الستة»؛ «اربعون حدیثا»؛ «تفسیر القرآن العظیم»، در یکصد مجلد؛ «رساله‌ی قدسیه»؛ «عقاید حکیم ابوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی»؛ «انیس الطالبین و عدة السالکین»؛ «تفسیر سوره‌ی فاتحة الکتاب»؛ «رساله‌ی کشفیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (273/7)، ایضاح المکنون (191/2)، تاریخ ادبیات در ایران (483 -482 /4)، تاریخ نظم و نثر (281 -280 ،221 -220)، تذکرة الشعراء (379)، حبیب السیر (5 -4 /4)، الذریعه (50 /17 ،233-232 /16)، رشحات عین الحیات (مقدمه 111 -101 ،88 ،44)، ریحانه (310/1)، طرائق الحقائق (62/3)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 823)، معجم المؤلفین (300/11)، نفحات الانس (400 -397)، هدیة العارفین (183/2).

پاشایی، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی پاشایی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
محمد تقی پاشایی در فروردین سال 1337 هجری شمسی در شهر مقدس مشهد متولد گردید. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال 57 موفق به اخذ دیپلم ریاضی گردید. ایشان در سال 58 جهت تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه اشتهارد شد و بعد از شش ماه در مدرسه علمیه برهان شهرری ادامه تحصیل داد و از سال 64 تا کنون در حوزه علمیه مقدسه قم مشغول تحصیل و تدریس و تحقیق می باشد.

پایانی اردبیلی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عمده الفضلاء الفخام و العلماء الاعلام آقای حاج شیخ احمد پایانی در سال 1346 قمری در شهرستان اردبیل متولد شده و بعد از اتمام فارسی و طی مقدمات در مدرسه ملا ابراهیم اردبیل در سال 1366 به قم آمده و سطوح عالیه را نزد اساتید معظم قم خوانده و خارج مکاسب را از مرجع عالیقدر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و یک دوره درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد محقق یزدی معروف به داماد را فراگرفته و اکنون به تدریس فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.
وی از فضلاء متین و مدرسین خلیق و باتقوای حوزه علمیه است که علم خود را با حلم و ورع قرین ساخته است.
عالم علوم دینی.
تولد: 1296(5 رمضان 1346 ق.)، اردبیل.
درگذشت: 6 اسفند 1375، قم.
آیت‌الله احمد پایانی اردبیلی در حدود پنج سالگی به مکتبخانه رفت و خواندن قرآن مجید و فنون تجوید و قرائت و متون فارسی چون گلستان و نصاب‌الصبیان را فراگرفت و پس از آن در مدارس دولتی تحصیلات ابتدایی را آموخت. در سن چهارده سالگی به مدرسه علمیه‌ی ملا ابراهیم شتافت و به خواندن ادبیات عرب پرداخت و به لباس روحانیت ملبس شد. در اوایل سال 1366 ق. به مقصد ادامه‌ی تحصیل به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و به تحصیل سطوح فقه و اصول پرداخت و مکاسب را نزد آیت‌الله مجاهدی و رسائل را در محضر آیت‌الله سلطانی طباطبایی و کفایة الاصول را هم در درس آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی فراگرفت.
آیت‌الله پایانی اردبیلی همزمان با ادامه‌ی تحصیل، به تدریس کتابهای حاشیه ملا عبدالله و معاصم الاصول پرداخت. وی در سال 1370 ق. به درس فقه آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای حاضر شد و پس از آن در درسهای فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی و سپس در درسهای فقه و اصول آیت‌الله سید محقق داماد شرکت جست و مبانی عملی خویش را استوار ساخت. استاد حدود پنجاه سال به تدریس کتابهای مهم فقه و اصول پرداخت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی از بدو شروع مبارزات مرجعیت و روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) علیه رژیم ستم شاهی، به پیکار با نظام پهلوی پرداخت. پس از انقلاب اسلامی نیز از تأیید و پشتیبانی مواضع حضرت امام دریغ نکرد. از اشتغالات دیگر ایشان شرکت مستمر در جلسه دیرین تفسیر قرآن کریم بود که با حضور جمعی از بزرگان و دانشمندان تشکیل می‌شدند.
آیت‌الله پایانی به غیر از تدریس متوالی، در ایام تعطیلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم رخت سفر برمی‌بست و برای تبلیغ شعایر دین به نقاط دیگر هجرت می‌کرد و به راهنمائی مردم و اقامه جماعت می‌پرداخت و این تا سالیان پایان عمرش ادامه داشت. او دارای اجازه‌ی نقل حدیث و امور حسبیه از استادش آیت‌الله حجت بود.
تألیفات ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای (بحث بیع)؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ فهرست جامع الشتات میرزای قمی؛ شرح مکاسب به نام «ارشاد الطالی الی حقایق المکاسب» از اول مکاسب محرمه تا اواسط خیارات؛ حاشیه کفایة الاوصل؛ حاشیه‌ی مکاسب (که حاشیه بر مکاسب محرمه (در یک جلد) و حاشیه بر بیع در دو جلد به چاپ رسیده است)؛ «رسالة فی احکام الاراضی و اقسام‌ها» که در مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی شیخ انصاری به چاپ رسیده؛ «رسالة فی بیع الفضولی» که در مجموعه مقالات کنگره‌ی محقق اردبیلی به چاپ رسید. آنچه از تقریرات ایشان به چاپ رسیده است، عبارتند از: در کلاس درس مکاسب (شرح قسمتی از مکاسب محرمه در سه جلد، نوشته آقای رضا محمودی)؛ در محضر شیخ انصاری (نوشته جواد فخار طوسی؛ در این کتاب مکاسب محرمه در نه جلد، و نیمی از بیع در هشت جلد و اکثر خیارات در نه جلد شرح گشته و همه آنها نیز به چاپ رسیده است.)
آیت‌الله پایانی اردبیلی سرانجام در تاریخ یک شنبه ششم اسفند ماه 1375 در هفتاد سالگی جان سپرد. پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله شبیری زنجانی بر آن، در جوار مرقد استادش آیت‌الله سید محقق داماد- که در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پاینده، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر پاینده
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1326/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب جعفر مشهور به پاینده فرزند حسنعلی پس از گذراندن دروس مکتبی در سال1344 به حوزه علمیه الحجه در نجف آباد وارد شدم و در مدت یک سال و نیم دروس مقدمات و سیوطی و مغنی و منطق را نزد مرحوم حاج شیخ غلام حسین منصور و مرحوم حاج آقا محمود مدرس و دیگر اساتید گذراندم . این مدرسه در آن زمان تحت نظر مرحوم حاج شیخ عباس ایزدی بود و بعضی دروس را شخص ایشان عهده دار بودند. پائیز سال 1346 به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه حاج ملا صادق در چهار مردان که تحت نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی بود، دروس معالم و مختصر و حاشیه و منطق و ... را نزد آقایان امینی و حاج حسن آقا تهرانی و آدینه وند خواندم و در سال تحصیلی 1347 به مدرسه حقانی تحت مدیریت مرحوم شهید قدوسی وارد شده و دنباله درس معالم و مختصر را نزد آیات : جنتی و خزعلی خوانده و دروس سطح عالی را به ترتیب نزد این آقایان گذراندم؛ حضرات آیات: مرحوم حرم پناهی و آیت الله محمدی گیلانی، درس لمعه آیت الله مومن قمی، درس اصول فقه آیت الله آذری قمی ،درس رسائل شیخ مرحوم آیت الله احمدی میانجی ،درس مکاسب آیت الله یوسف صانعی، درس کفایه آیت الله جوادی آملی، درس بداية الحكمه آیت الله حسن زاده آملی، درس هیئت و کلیله و دمنه آیت الله دکتر احمد بهشتی، درس انشاء و نویسندگی آیت الله شهید قدوسی ،درس اخلاق و عروة الوثقی آیت الله شهید مفتح و آیت الله انصاری شیرازی ،درس منظومه منطق آیت الله مصباح یزدی ،ضمناً دروس متفرقه دیگری هم مثل مکالمه عربی ، تجوید قرآن و معلومات عمومی تا حد دیپلم در زمینه طبیعی، زبان انگلیسی و تشریح کالبد بدن انسان وجود داشت که از دبیران فرهنگی استفاده می شد. نزدیک پنج سال دروس یاد شده در مدرسه حقانی گذرانده شد و از سال 52 که اوج اختناق در زمان شاه بود ، بنده از

مدرسه حقانی به مدرسه خان و حجتیه آمدم و سه سال تحت تعقیب ساواک شاه قرار گرفتم و همواره در مسافرت و متواری بودم .سال 55 و 56 در خارج کشور (سوریه و لبنان و کویت و ...) به سر میبردم و بیشتر اعلامیه های امام را در بین ایرانیان زائر و زوار حج پخش می کردم (با جمعی از دوستان).در این پنج سال از نظر دروس حوزه وقفه ای ایجاد شد.

اساتید دروس خارج یا عالی از سال 1360 : درس اسفار اربعه تا آخر نزد آیت الله جوادی آملی ،قسمتی از اشارات نزد آیت الله حسن زاده آملی،عرفان نظری درس فصوص قیصری نزد آیت الله حسن زاده آملی ،درس تمهید القواعد نزد آیت الله جوادی آملی،درس خارج اصول نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله صانعی ،درس خارج فقه زکات و مکاسب محرمه و ولایت فقیه نزد آیت الله منتظری ،درس خارج قسمتی از طهارت و صلوة نزد آیت الله تبریزی ،نوارهای درسی برهان شفا از استاد مصباح یزدی.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد شهریار پرهیزکار، در 25 مرداد ماه سال 1343 هـ.ش در شهر تهران دیده به جهان گشود. اشتیاق خود او به آموختن قرآن و نیز جوّ مذهبی خانواده، یکی از عوامل اصلی در گرایش قرآنی او شد. خود او می گوید: میل و اشتیاق درونی به شنیدن نغمات روحانی، اعم از دعا و قرآن که بویژه توسط مادرم در برخی مواقع به شکلی محزون تلاوت می شد مرا ترغیب می کرد. یکی از تفریحات کودکی من این بود که گوشه ای می نشستم و مسابقه ای قرانی برای خودم ترتیب می دادم و خود را قاری تجسم می نمودم و احساس می کردم که از من دعوت شده برای اجرای برنامه و در شروع مسابقه باید من بخوانم بعد هم با یک لحن و وضعیت خاصی شروع می کردم به خواندن و خانواده این را دیدند بیشتر توجه شان جلب شد و مرا به جلسات قرآن راهنمایی کردند، استاد شهریار پرهیزکار، در سال 1352 که 9 سال بیشتر نداشت، با شنیدن پخش چند تلاوت زیبا از مسابقات جهانی در مالزی که از طریق تلویزیون پخش می شد، مجذوب تلاوت قرآن شد و بخصوص تلاوت استاد محمد تقی مرّوت که رتبه نخست آن سال را در مسابقات مالزی را کسب کردند، بر او اثری ویژه گذاشت و زندگی آینده اش در مسیر قرآن رقم زد.
آقای شهریار پرهیزکار، روخوانی و روانخوانی و مباحث اجمالی در زمینه تجوید مقدماتی را در محضر استاد ادیب و تجوید و صوت و لحن قرآن کریم را همزمان در جلسات استاد مروت آغاز کرد. و سپس با راهنمایی استاد و مروت به جلسات درس استاد مولائی حضور یافت و بدین ترتیب، حفظ قرآن را نیز آغاز نمود. استاد پرهیزکار، اولین بار بصورت رسمی در مسابقات قرآنی که در سال 1356 در مسجد لاله زار و در مقابله با رژیم طاغوت برگزار شد به تلاوت پرداخت در این مراسم که بسیار با شکوه برگزار شد آیاتی از سوره مبارکه یوسف را به زیبائی تلاوت کردند.
آقای پرهیزکار پس از دریافت دیپلم در سال 1360، در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در رشته کامپیوتر و نرم افزار تحصیل خود را آغاز کرد و مدرک کارشناسی را دریافت نمود. آقای پرهیزکار در سال 1369 ازدواج کرد که ثمره این ازدواج دو فرزند بنامهای فاطمه و مهدیه است.
استاد پرهیزکار قرآن کریم را در طول سه سال در جلسات حفظ استاد مولائی از حفظ نمود او همچنین در بسیاری از مسابقات داخلی در کشور

شرکت کرده و رتبه های ممتاز کسب نموده است.
در سال 1362 در مسابقات بین المللی جمهوری سلامی ایران در حفظ 15 جزء رتبه نخست را کسب کرد همچنین در سال 1364 در حفظ 20 جزء رتبه دوم را در کشور عربستان بدست آورد در سال 66 هم استاد پرهیزکار در رشته حفظ کل قرآن در مسابقات بین المللی ایران شرکت کرد و رتبه نخست را در این مسابقات از آن خود ساخت. او علاوه بر آن، در سال 71 نیز به رتبه نخست مسابقات کشور عربستان در رشته حفظ کل دست یافت. وی شیرین ترین خاطرات فراموش نشدنی خود را دستبوسی حضرت حضرت امام خمینی (ره) و تفقد و صمیمیت ایشان را با خود دانسته و خاطره دیگر را ورودشان به داخل کعبه پس از انجام مسابقات عربستان، در سال 66 می داند.
دوره کامل تلاوت ترتیلی با صدای استاد پرهیزکار که از سالها پیش و به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ضبط شده است همه ساله از شبکه های مختلف رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش می شود. که بسیار مورد توجه دوستداران و علاقه مندان به قرآن قرار گرفته است. نوار کاست با تکرار تلاوت ترتیل با صدای استاد پرهیزکار برای علاقه مندان به حفظ قرآن کریم تدوین شده است و در دسترس علاقه مندان است. آقای پرهیزکار مانند بسیاری دیگر از اساتید و صاحبظران امر تلاوت معتقدند که قاری قرآن شایسته است در ابتدای کار از یک قاری مصری برجسته تقلید کند و در این مرحله باید از هرگونه ابداع و ابتکار سبک نوین پرهیز کند او معتقد است پس از سپری کردن این دوره می توان سبکی نو، ابداع کرد به همین دلیل خود او نیز در ابتدا از مرحوم استاد عبدالباسط سپس مرحوم منشاوی و پس از آن از مصطفی اسماعیل تقلید نموده است. آقای پرهیزکار به قاریان جوانی که در ابتدای راه هستند سفارش می کند که در شنیدن تلاوتها برای یادگیری توجه و دقت بالایی را مبذول دارند؛ یعنی بصورت تفننی به تلاوت گوش ندهند بلکه به تمام ظرایف و ریزه کاری های تلاوت قاری مورد تحقیق گوش بسپارند. استاد پرهیزکار تا کنون در جلسات مختلفی در سطح تهران و یا در دبیرستانهای مختلف در زمینه ای قرآنی تدریس کرده اند ایشان هم چنین در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دو واحد درس آوا شناسی را تدریس نموده است. آقای پرهیزکار در زمینه فعالیت های قرآنی خود در دوره های تربیت مربی قرآن، در سپاه پاسداران و تصمیم گیری جلسات برخی از نهادهای کشور حضوری فعال داشته است. او در طول 8 سال دفاع مقدس که دل و جان نیروهای رزمنده لبریز از معنویت بود، در ایامی که مجاهدان این مرز و بوم با عشق به قرآن و اهل بیت (ع) لحظات را سپری می کردند حضور قاریان برجسته کشور در جمع آنان تأثیری بسزا

داشت، از این رو استاد پرهیزکار نیز مانند بسیاری از برادران قاری در جمع رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف حاضر می شد و با تلاوت آیات وحی دل و جان آنها را از عشق حق حیاتی دوباره می بخشید.
آقای پرهیزکار از اساتید؛ رفعت، شعشاعی، مصطفی اسماعیل و شعیشع به عنوان قاریان برتر پیشکسوت در کشور مصر یاد می کند. او همچنین در میان اساتید حاضر در کشور مصر از اساتید: شحات محمد انور، اللّیثی و نعینع به عنوان قاریان برتر کشور مصر نام می برد. وی در توصیه های خود به جوانان معتقد است که فعالیت در امر قرآنی به یک اشتیاق و علاقه خاصی نیازمند است و صرف دوست داشتن را کافی نمی داند؛ باید عشق و علاقه در خود ایجاد کرد تا بتوان با این موتور محرکه که از درون ما را سوق می دهد به سمت انس هر چه بیشتر با قرآن در این عرصه موفق باشیم.

پور طباطبایی، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مجید پور طباطبائی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/6/1
زندگینامه علمی
در مورخه یکم شهریور ماه 1336 در تهران متولد شدم، سه سال اول ابتدایی را در قم خواندم از تابستان 1345 به تهران منتقل شدم.دیپلم ریاضی خود را در سال 1354 از دبیرستان محمد علی فروغی تهران دریافت کردم. از سال 1350 مشغول آموختن زبان انگلیسی در مؤسسات انگلیسی شکوه، ملی زبان، انجمن ایران و آمریکا (کانون زبان فعلی) بودم. در همان سال در کنکور سراسر در رشته زبان انگلیسی مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی پذیرفته شدم. تحصیل در دورة کارشناسی مدت سیزده سال طول کشید و در سال 1367 از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم. علاقه به ادبیات و سینما از سال 1349 به واسطه آشنایی و رفاقت با یکی از اقوام (که دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه تهران بود) در اینجانب شکل گرفت. (این علاقه منجر به تسلّط نسبی به ادبیات و سینمای قبل از انقلاب ایران و جهان شد که البته با هدایت و راهنمایی‌های مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری(ره) (مشهور به عین – صاد) شکل و سمت و سوی مناسب شد.
در سال 1357 (اردیبهشت ماه) به خاطر شرکت در فعالیت های سیاسی به مدت یک ترم از دانشگاه اخراج شدم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دانشگاه باز گشتم.از اواخر سال 59 با آشنایی با مرحوم آیت الله رحمانی خلیلی که به تازگی از نجف به تهران آمده بود علاقمند به آموختن دروس حوزوی گشتم، البته این علاقه بیشتر ریشه در آشنایی با مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری که در اواخر سال 1355 در منزل یکی از اقوام که از مکه آمده بود شروع شده بود.از مهر ماه 1360 به طور رسمی از تهران به قم منتقل شدم تا برای آموزش حوزوی خود شکل مناسب و مفیدی فراهم کنم. با توجه به سن (حدود 24 سال) و تلاش برخی از فضلای حوزه دروس ادبیات را تا پایان سال تحصیلی 1361 به

پایان بردم.تیر ماه 61 با زمزمه بازگشایی دانشگاه‌ها به تهران باز گشتم ولی دروس حوزوی را رها نکردم و به طور خصوصی از محضر حجة الاسلام و المسلمین مرحوم شیخ مجتبی عاملی زید عزه متوفای فروردین 1385 در محله سرچشمه تهران دروس معالم و کتابهای اولیه شرح لمعه استفاده کردم.
در اواخر سال 1361 با تشکیل پرونده رسمی در حوزه علمیه قم تصمیم به اقامت دائمی در قم گرفتم و از همین رو از شهریور 62 ادامهٔ دروس سطح را پی گرفتم. اصول فقه مظفر را از استاد فقیهی استفاده کردم، و کتابهای مختلف (لمعه) را از بزرگانی چون مرحوم پایانی، حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حجه الاسلام محامی (زید عزه) فرا گرفتم. پس از آن فراگیری مکاسب محرمه و رسائل را به طور همزمان از محضر اساتیدی چون حجة الاسلام اعتمادی، موسوی تهرانی(زید عزه) آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری آغاز کردم. پس از اتمام رسائل، کفایه جلد یک را از محضر آیت الله صفایی حایری و جلد دوم را از محضر حجه الاسلام موسوی تهرانی استفاده کردم. بیع و خیارات را هم از محضر مرحوم صفایی حایری بهره بردم.در سال 1369 موفق به پایان دوره سطح و گذراندن امتحانات شفاهی پایه دهم شدم. درس خارج خود را به منظور فراگیری رجال، با همراهی چند تن از فضلا با حضور در درس خارج (حج) حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی شب ها یک ساعت پس از نماز مغرب و عشاء در منزل ایشان آغاز کردم. (در آن تاریخ سال هشتم درس حج ایشان بود که با حضور حدود 12 تن ادامه می یافت). همزمان در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت می‌کردم. پس از دوسال درس خارج فقه خود را در محضر آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی و خارج اصول را در محضر آیت الله مومن ادامه دادم.
در همان سال‌ها حضرت آیت الله مومن مسائل مستحدثه را در روزهای جمعه در منزل خود با حضور 7 الی 8 نفر پی‌می‌گرفتند که اینجانب نیز در آن حلقه شرکت می‌کردم. در طول این مدت (از سال 69 تا 78) جمعی از فضلا به صورت موضوعی بر روی برخی عناوین فقهی کار دسته جمعی انجام می‌دادند و وقتی در هر موضوع جزئی به نتایجی به دست می‌یافتند، حاصل مطالعه خود را به عرض مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری می‌رساندند و ایشان نتیجه بررسی‌های آنان را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و نواقص کار آنان را گوشزد و سمت و سو می‌داد. افتخار همراهی دوستان در این محفل را نیز داشتم.از سال 1364 به دلیل آن که دروس متداول حوزوی عطش اینجانب و جمعی از دوستان که همگی دروس دانشگاهی را نیمه تمام گذارده و به حوزه آمده بودیم،را پاسخ نمی گفت با هدایت مرحوم آیت الله صفایی حایری به بررسی مطالعه عرفان و

فلسفه پرداختیم این سیر مطالعاتی حدود 3 سال طول کشید که برای اینجانب حاصلی به عنوان بررسی فلسفة افلاطونی و تأثیر آن بر عرفان و فلسفه مسیحیان و مسلمانان را داشت که به دلیل وسواس های اینجانب هنوز برای نشر به هیچ ناشری ارائه نشده است.
از سال 1367 همین جمع به دلالت و هدایت مرحوم استاد به مطالعة تاریخ اسلام رو آوردیم که برای اینجانب حاصلی تحت عنوان (ابوطالب تجلی ایمان) داشت که بعدها با تجدید نظر به چاپ رسید.از سال 1371 با آشنایی با دکتر علی لاریجانی که به واسطه حجة الاسلام مهندس مجتبی همدانی (که از زمان حضور در واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی در سال های 58 – 60 با یکدیگر آشنایی و رفاقت داشتیم) به وزارت فرهنگ و ارشال اسلامی و در پی آن صدا و سیما راه یافتم و در کنار دروس حوزوی به انجام خدماتی نائل آمدم. در سال 1375 با تشکیل دانشکده اصول دین، در اولین دوره آن دانشکده پذیرفته شدم که در سال 1378 از آن دانشکده با نگارش پایان نامه‌ای تحت عنوان جایگاه صحیح مسلم در سیر تدوین حدیث (که از نمرة 20 برخوردار شد) فارغ التحصیل گردیدم.
این پایان نامه در ششمین دوره پایان نامه برتر رتبة اول مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات را به خود اختصاص داد. این رساله بالغ بر 5 جلد و 1560 صفحه آ- چهار است که هنوز هیچ ناشری خود را برای چاپ و نشر آن به خطر نینداخته است. در پایان خاطر نشان می‌شود که در حال حاضر در حال نگارش پژوهشی تحت عنوان رویارویی خاورشناسان با قرآن در حدود 1000 صفحه برای مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم.

پوررنجبر، کوکب

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
مدرس قرآن.
تولد: 1282 شیراز.
درگذشت: 12 اسفند 1370.
کوکب پوررنجبر، فرزند محمداسماعیل که پزشکی مشهور بوده است، پس از اتمام تحصیلات خود به شغل معلمی تعلیمات دینی در وزارت فرهنگ سابق روی آورد.
از سن شانزده سالگی به جمع‌آوری مستندات در روش‌های تدریس علوم اسلامی پرداخت. در اثنای آموزش تعلیمات دینی در مدارس بود که ایشان اعراب گذاری و تصحیح نسخ قرآن چاپ کشورهای پاکستان، هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی را آغاز کرد.
کوکب پوررنجبر با تغییر روش‌های تدریس قرآن و زیباسازی صفحات این کتاب آسمانی از سویی و ویراستاری و صفحه‌آرایی متن آموزشی و درک بصری راحت لغات از سویی دیگر تلاش نمود تا آموزش قرآن را به نونهالان و نوآموزان علوم دینی ساده و آسانتر سازد.
فعالیت دیگر استاد پوررنجبر بازنویسی مفاتیح‌الجنان بود. ویژگی این نسخه اعراب گذاری کامل کلمات در زیر و بالای حروف بود و روال سنتی حاشیه‌نویسی در متن که دشواری زیادی برای خوانندگان را به همراه دارد، کنار گذاشت و حاشیه در متن صفحات قرار داده شد و از فنون زیبانگاری و هنر خطاطی نیز استفاده نمود.
استاد پوررنجبر در سن بیست و هفت سالگی نابینا شد ولی با دیدن حضرت فاطمه (س) در خواب شفا یافت، و عمر خود را وقف قرآن و علوم دینی کرد. ره‌آورد چهل و شش سال خدمت در مراکز دولتی و ملی ایشان، تأسیس مرکز آموزش ابتدایی (کوکبیه) در شهر مشهد است.
استاد از سالهای 1338 تا 1363 به منظور تدریس قرآن مجید، ساده‌ترین روش ممکن خودآموزی در شش جلد تحت عنوان خودآموز و روش تدریس قرائت مجید را تألیف نمود. این خودآموز توسط انتشارات اسلامیه به چاپ رسیده است. از آثار دیگر او تصحیح خودآموز گفتگوی حسین و حسن است.
استاد کوکب پوررنجبر سرانجام در سن هشتاد و دو سالگی روز دوازدهم

اسفند 1370 دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پهلوان، منصور

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
منصور پهلوان
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
پس از پایان موفقیت آمیز دوران متوسطه در سال 1351 هجری شمسی بخاطر عشق و علاقه فراوان وارد حوزه علمیه تهران شد. در کنار تحصیل حوزوی در سال 1372 در مقطع دکترا در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در طی مدت تحصیل سفرهای علمی و تبلیغی فراوانی به کشورهای خارجی داشته است. نامبرده در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای تهران پرداخت و در کنار تدریس به راهنما و مشاوره دانشجویان در مقطع و دکترا پرداخت و تاکنون حدود 250 مورد مشاوره و راهنمایی در این رابطه ارائه کرده است.
ایشان در طول سالهای عمر خویش خدمات علمی و فرهنگی سیاسی انجام داده است که از آن جمله می توان سرپرستی شبکه 1 و 2 سیما، سرپرستی دانشگاه بین المللی اسلامی لندن و مدیر مسئول بررسی مقالات دانشگاه تهران را نام برد.

تبریزی، موسی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1307 ق)، فقیه، مفسر و زاهد. از شاگردان شیخ انصاری و آیت‌الله کوه‌کمری بود. از آثار وی «اوثق الوسائل»، در شرح «رسائل» شیخ انصاری معروف به «حاشیه‌ی میرزا موسی» است که در 1295 ق از تألیف آن فارغ شده و این کتاب به عنوان بهترین شرح «رسائل» مورد استفاده‌ی خواص می‌باشد. از دیگر آثار وی: حاشیه‌ای بر «قوانین الاصول» که پسر خواهرش، میرزا لطفعلی بن میراز علی، آن را تدوین نمود و محتمل است که همان «غایه المأمول»، در کشف معضلات اصول فقه باشد؛ «تفسیر میرزا موسی»، به فارسی و عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (178 / 10)، الذریعه (16 / 16 ،179 / 6 ،473 / 2)، ریحانه (353 / 3،325 / 1)، شهیدان راه فضیلت (549)، مؤلفین کتب چاپی (333- 332 / 6).

تفلیسی، حسین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1197 ق)، عارف و مفسر ایرانی. در اصفهان زندگی می‌کرد. در آن شهر مجلس درسی داشت و هم در آن شهر درگذشت. وی با عارف الهی، آقا محمد بیدآبادی (وف 1197 ق) معاصر بود. اثر مشهور وی «تفسیر القرآن» است که به «تفسیر تفلیسی» شهرت یافته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (51/6)، تذکره القبور (279)، الذریعه (267/4)، معجم المولفین (317/3).

تهامی، فاطمه

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
فاطمه سادات تهامی در سال 1339 در تهران متولد شد.ایشان دارای دکترای رشته علوم قرانی از دانشگاه تربیت مدرس می باشد.وی از بهمن سال 1371 تا شهریور 1383 عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران و پس از آن، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم بود. کتاب " قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک " ترجمه فاطمه سادات تهامی ، در سال1386 از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. گروه : علوم انسانیرشته : علوم قرآنیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فاطمه سادات تهامی دوره ابتدایی و راهنمایی را در تهران گذراند و مقطع دبیرستان را در فرانسه در کالج بونل به پایان رساند. بعد از بازگشت به ایران، مدرک کارشناسی خود را در رشته الهیات و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران اخذ کرد. سپس در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس مدرک دکترای خود را گرفت.رساله وی در این دوره با عنوان «نقش ایرانیان در تدوین و نشر حدیث» چاپ و منتشر شد. خاطرات و وقایع تحصیل : فاطمه سادات تهامی از دوران تحصیل خود چنین می گوید: در دبیرستان رشته ریاضی خواندم اما به ادبیات خصوصا ادبیات کلاسیک و نویسندگان روسی علاقه‌مندم فلسفه اسلامی و فلسفه غرب را هم خوانده‌ام و در موضوع ادیان بیش از بقیه کار کرده‌ام. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فاطمه سادات تهامی از بهمن سال 1371 تا شهریور 1383 عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران و پس از آن، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم بود. جوائز و نشانها : کتاب " قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک " ترجمه فاطمه سادات تهامی ، در سال1386 از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : فاطمه سادات تهامی با زبان‌های فرانسه، انگلیسی و عربی آشنایی دارد و مقالات متعددی از این سه زبان ترجمه کرده است و نخستین اثر مستقل او که از سوی انتشارات سهروردی در سال 1385 به چاپ رسید، ترجمه‌ای است از کتاب «قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک» نوشته دنیز ماسون.

آثار : قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک ویژگی اثر : تالیف: دنیز ماسون؛ ترجمه فاطمه سادات تهامی- تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، 1024 صفحه.این کتاب در سال 1386 ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است. منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

ثعلبی، ابواسحاق، احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 437/427/426 ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلدی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (206 -205 /1)، دایره‌المعارف فارسی (713/1)، الذریعه (67 -66 /18 ،243 -242 /15)، روضات الجنات (257 -255 /1)، ریحانه (368 -367 /1)، سیرالنبلاء (437 -435 /17)، کشف الظنون (1496 ،1131)، الکنی و الالقاب (131/2)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (38 -36 /5)، الوافی بالوفیات (308 -307 /7)، وفیات الاعیان (80 -79 /1)، هدیه العارفین (75/1).

ثقفی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1405 -1313 ق)، فقیه، مفسر و شاعر امامی. وی در تهران به دنیا آمد و در آن شهر نشو و نما یافت. مقدمات علوم را در خدمت استادانی چون آقامیرزا کوچک، آقا شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجیان فراگرفت. در سال 1341 ق رهسپار قم شد و به مجلس درس شیخ عبدالکریم حایری یزدی پیوست. نزدیک هفت سال که در قم بود یک دوره معقول و منقول از سید ابوالحسن رفیعی قزوینی آموخت و چندی نیز از مباحث شیخ محمدرضای اصفهانی مسجد شاهی بهره‌مند شد. وی از دو استادش، حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و سید ابوالحسن رفیعی اجازه‌ی روایت و اجتهاد داشت. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به تهران بازگشت و تا پایان زندگی به تالیف کتاب، ارشاد مردم انجام وظایف شرعی پرداخت. چون درگذشت، پیکرش را به مشهد رضوی بردند و در آنجا به خاک سپردند. وی پدر زن امام خمینی (ره) بود. از آثار وی: «تقریرات» بحث نکاح آیت‌الله حایری؛ «غرر العوائد» در حواشی بر «درر الفوائد» آیت‌الله حایری؛ حواشی بر «تقریرات منظومه‌ی» سید ابوالحسن رفیعی؛ «دیوان» اشعار؛ «روان جاوید» در تفسیر «قرآن مجید».[1]
میرزا محمد بن العلامه المتبحر و البحاثه المتتبع صاحب شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور الحاج میرزا ابوالفضل بن العلامه الکبیر صاحب التقریرات و التألیفات الحاج میرزا ابوالقاسم الکلانتر النوری التهرانی معروف به آیت‌اللّٰه ثقفی از مفاخر علماء معاصر و افاضل فقهاء عصر حاضر و ساکن خیابان پامنار تهرانست که در همان ناحیه بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تبلیغات اشتغال دارند.
والد مرحوم ایشان علامه‌ی شهیر حاج میرزا ابوالفضل فرزند عالم محقق حاج میرزا ابوالقاسم تهرانی است که نام نامی آن دو بزرگوار زینت بخش کتب تراجم است در جمادی‌الثانیه سال 1313 ق- ه در تهران ولادت یافته و از بدو عمر اشتغال بتحصیل علوم دینیه داشته مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول را غالبا در نزد دو عالم کامل آقا میرزا کوچک و آقا شیخ آقا بزرگ اخوان ساوجیان تاب ثراهما بپایان رسانده و در سنه 1341 ق- ه برای تکمیل مدارج علم به بلده مقدسه قم هجرت نموده و قریب هفت سال در آن شهر اقامت داشته و در این مدت یکدوره معقول را در نزد سید الحکماء و المجتهدین آقای حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی

دامت افاداته فراگرفته و جنابش تصدیق کمال ایشان را در علوم عقلیه و نقلیه نموده است و دو دوره اصول خارج و عمده مباحث فقهیه را از بحث رئیس الشیعه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی رضوان اللّٰه علیه استفاده نموده و حضرتش بخط شریف تصریح بمقام اجتهاد و اعتماد او فرموده و در خلال این احوال چندی از بحث شیخ الفقهاء و المحدثین مرحوم شیخ محمد رضای اصفهانی مسجد شاهی اعلی اللّٰه مقامه مستفیض بوده و از ایشان بتحصیل اجازه عامه بلیغه مشتمل بر سه طریق متصل بامام علیه‌السلام با تصریح به اهلیت فتوی فائز گشته است.

مترجم محترم دارای تألیفات و آثار گرانقدری است که ذیلا از نظرتان میگذرد:

1- غرر العوائد در حواشی بر درر الفوائد مرحوم حایری.
2- حواشی بر تقریرات منظومه حاج سید ابوالحسن قزوینی.
3- رساله در عدم جواز رجوع بحکام جور.
4- روان جاوید در تفسیر قرآن در 5 جلد که مطبوع میباشد.
5- حواشی بر سیوطی.
6- تقریرات نکاح مرحوم آیت‌اللّٰه حائری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (4/ 412- 419)، مکارم الآثار (2045/6).

جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 746 ق)، فقیه و ادیب شافعی. وی از فضلای شاگردان قاضی بیضاوی و از داناترین دانشمندان تبریز بود و اوقات خود را بیشتر به تدریس و تالیف در زمینه علوم عقلی و نقلی صرف می‌کرد. بین جاربردی و قاضی عضدی ایجی مشاجرات بسیاری در علوم بود. وی در تبریز درگذشت. از تالیفات او: «الحواشی علی الکشاف» زمخشری؛ شرح «المنهاج» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح المفصل» ابن حاجب، در نحو؛ «شرح اصول البزدوی»؛ «شرح الحاوی الصغیر» قزوینی، و فروع فقه شافعی؛ «شرح الشافیه»، ابن‌حاجب، در صرف؛ «شرح الهدایه للمرغینانی» در فروع حنفیه؛ «المغنی»، در نحو.[1]
(منسوب به جاربرد) ابوالمکارم فخرالدین احمد ابن حسن بن یوسف، دانشمند معروف قرن هشتم (ف. تبریز 746 ه.ق.) وی پیوسته موظبت بر تحصیل علوم می‌کرد و به افاده طالبان علم ممارست داشت.
او ساکن تبریز بود و در همانجا درگذشت. جاربردی نزد قاضی بیضاوی صاحب تفسیر معروف تلمذ کرده و با قاضی عضدالدنی ایجی معارضات و مناقضات داشته. وی تألیفات بسیار دارد از جمله: شرح شافیه ابن الحاجب در علم صرف، کتاب السراج الوهاج که شرح بر کتاب منهاج استادش قاضی ناصرالدین بیضاوی است در علم اصول، تعلیقات بر کشاف. المغنی که رساله‌ایست در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (107/1)، حبیب السیر (232/3)، روضات الجنات (347 -345 /1)، ریحانه (380/1)، کشف الظنون (626 ،1021 ،1478 ،1879 ،2036 ،222)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، الکنی و الالقاب (137/2)، معجم المولفین (199 -198 /1)، هدیه العارفین (108/1).

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(366 /362 -290 ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که ثعالبی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن‌مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن‌خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاة ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری درگذشت. جنازه‌اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطة بین المتنبّی و خُصومه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفة التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»؛ «کتاب الوکالة»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 114)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 355- 644)، تاریخ الاسلام (حوادث 273 -271 /400 -381)، تاریخ نیشابور (171)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (7/ 946)، ریحانه (1/ 402)، سیر النبلاء (21 -19 /17)، الکامل (7/ 88)، کشف الظنون (1471، 782)، الکنی والالقاب (2/ 144)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (7/ 123)، معجم الادباء (14/ 14- 35)، هدیة العارفین (1/ 684)، وفیات الاعیان (3/ 278- 281).

جزائری، نعمت‌اللَّه

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(قس. نعمةاللَّه): جزائری. سید نعمت‌اللَّه بن عبداللَّه جزائری شوشتری (ف. 1112 ه.ق)، از اکابر متأخرین علمای امامیه که در فقه و حدیث و تفسیر و ادب و علوم عربی متبحر و استاد بود. وی از شاگردان علامه‌ی مجلسی و ملامحسن فیض کاشانی است و از تألیفات او: انس‌الوحید، حاشیه‌ی استبصار، حاشیه‌ی شرح جامی، شرح روضه کافی، شرح کبیر، نورالانوار و هدیةالمؤمنین است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

جعفری تبار، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجة الاسلام والمسلمین استاد مجید جعفری تبار در سال 1340 هجری شمسی در شهر مقدس قم در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود و از همان خردسالی تحت تربیت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود جعفری تبار خواندن قرآن را آموختند.
ایشان قرائت و تحقیق مصطلح قرآنی را از سن 10 سالگی آغاز نموده و انس و ممارست زیاد با آیات و کتب تفسیری باعث شد تا بتواند کل قرآن کریم را با 20 روایت ـ14 روایت مشهور و 6 روایت غیر مشهور ـحفظ نماید.
استاد جعفری‌تبار در زمینه تفسیر، علوم و معارف قرآنی، صاحب آثار متعددی می‌باشند و همین احاطه به علوم قرآنی باعث گردیده تا سبک زیبای تلاوت ایشان مبتنی بر «تطابق لحن با معنی» استوار گردد و همین امر موجب گردیده تا شنونده در هنگام شنیدن تلاوت ایشان به درک عمیق‌تری از آیات الهی نایل گردد. تأثر شدید مستمعین در جلسه تلاوت آیات آخر سوره بقره که در شب شهادت حضرت علی(ع) ـمصادف با چهلمین شب درگذشت پدر استاد جعفری تبار ـ اجرا شده تأیید کننده این مطلب است. این تلاوت و نیز تلاوت سوره توحید که به وجوه مختلف تلاوت شده است از زیباترین تلاوت‌های ایشان می‌باشد.
ایشان در شهرهای مختلف ایران به تلاوت پرداخته ولی عمدتاً جلسات تلاوت خود را در مسجد رفعت قم برگزار می‌کند. جلسات مرکزی فنون قرائت و معارف قرآنی در سال 1369 زیر نظر ایشان تأسیس شد.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجة الاسلام والمسلمین استاد مجید جعفری تبار در سال 1340 هجری شمسی در شهر مقدس قم در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود و از همان خردسالی تحت تربیت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود جعفری تبار خواندن قرآن را آموختند.
ایشان قرائت و تحقیق مصطلح قرآنی را از سن 10 سالگی آغاز نموده و انس و ممارست زیاد با آیات و کتب تفسیری باعث شد تا بتواند کل قرآن کریم را با 20 روایت ـ14 روایت مشهور و 6 روایت غیر مشهور ـحفظ نماید.
استاد جعفری‌تبار در زمینه تفسیر، علوم و معارف قرآنی، صاحب آثار متعددی می‌باشند و همین احاطه به علوم قرآنی باعث گردیده تا سبک زیبای تلاوت ایشان مبتنی بر «تطابق لحن با معنی» استوار گردد و همین امر موجب گردیده تا شنونده در هنگام شنیدن تلاوت ایشان به درک عمیق‌تری از آیات الهی نایل گردد. تأثر شدید مستمعین در جلسه تلاوت آیات آخر سوره بقره که در شب شهادت حضرت علی(ع) ـمصادف با چهلمین شب درگذشت پدر استاد جعفری تبار ـ اجرا شده تأیید کننده این مطلب است. این تلاوت و نیز تلاوت سوره توحید که به وجوه مختلف تلاوت شده است از زیباترین تلاوت‌های ایشان می‌باشد.
ایشان در شهرهای مختلف ایران به تلاوت پرداخته ولی عمدتاً جلسات تلاوت خود را در مسجد رفعت قم برگزار می‌کند. جلسات مرکزی فنون قرائت و معارف قرآنی در سال 1369 زیر نظر ایشان تأسیس شد.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

جعفری، اباذر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اباذر جعفری
محل تولد : هشترود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
متولد سال 1351 در شهرستان هشترود از توابعه تبریز .مهاجرت به شهر قم در سال 1354 آغاز تحصیلات ابتدایی از سال 1358 در قم تا سال اول دبیرستان در دبیرستان امام صادق(ع) قم. ورود به حوزه علمیه مقدسه در سال 1367 و آغاز تحصیلات در مدرسه علمیه رسالت تا سال سوم و ادامه تحصیلات در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سپس شرکت در دروس عمومی حوزه مبارکه تا اتمام سطح و تحصیل خارج.ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در سال 1375 و تحصیل در دوره کارشناسی ارشد پیوسته آن موسسه و فارغ التحصیل در سال 1380. همزمان اشتغال به فعالیت پژوهشی در دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی این موسسه به مدت 7 سال. اشتغال به فعالیت تحقیقی و مدیریتی در مرکز فرهنگ و معارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. به مدت 4 سال.همکاری با ستاد پاسخگویی به مسائل دینی در امور پژوهشی و ساماندهی اطلاعات پرسش و پاسخ مراکز پاسخگویی دینی بمدت 4 سال.تدریس دروس تفسیر، تفسیر موضوعی و روش تفسیر در دانشگاه.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قربان جمالی
محل تولد : محمود آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب بعد از اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی سال 1365 وارد حوزه علمیه روحیه بابل شدم و در عرض سه سال خوشه چینی از خرمن علم استاد حاج آقا محمدی لمعتین را تمام نموده و در سال 1368 وارد حوزه علمیه قم شدم. دوره عالی سطح حوزه را در 7 سال به اتمام رساندم و همینطور10سال درس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی ـ جوادی آملی ـ سبحانی و همینطور 12 سال در درس تفسیر استاد جوادی آملی شرکت نموده و بهره‌های علمی فراوانی بردم. در دوره چهار ساله تخصصی تفسیر علوم شرکت نموده و با دفاع از پایان‌نامه با موضوع «تعامل ایمان و عمل در قرآن و سنت» با راهنمایی مرحوم آیت الله معرفت در سال 1381 مدرک سطح 4 را گرفتم و فعلاً اشتغال به کارهای پژوهشی و نیز تدریس در دانشگاهها می‌باشم. در سطح کارشناسی دوره عمومی در گرایش‌های تفسیر موضوعی قرآن، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، اندیشه اسلامی 1 و 2 و آیین زندگی را تدریس می‌کنم و در سطح کارشناسی ارشد دروس علوم قرآن 1 و 2 و 3، علم رجال، فق الحدیث، حدیث شیعه و سنی تدریس می‌کنم که تقریباً 10 ترم تحصیلی تدریس می‌کنم. و همینطور به عنوان عضو کمیته تخصصی گروه راهنمایی و مشاوره و داوری پایان‌نامه‌های ارشد را انجام می‌دهم. و الان نیز راهنمایی و مشاوره چندین پایان نامه را در دانشگاه در دست دارم. در باب کتاب و مقالات و پاسخ به شبهات نیز کارهای مختصری انجام دادم. یک کتاب تألیف نمودم و با عنوان «تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات» که چاپ شده است. در مقاله با عنوان «تدبیر معیشت از دیدگاه اسلام 1 و 2» و مقاله برگزیده اجلاس نماز با عنوان «سیمای اخلاقی نمازگزاران».

جمالی، نصرت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصرت الله جمالی
محل تولد : گلپایگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/4/10
زندگینامه علمی
نصرت الله جمالی در خانواده ای مذهبی و اهل علم و دانش در روستای ورزنه گلپایگان پرورش یافته و هر روز با صوت دل نشین قرائت قرآن پدر از خواب بیدار می شد. خانواده او اگر چه روحانی رسمی نبودند ولی نسل اندر نسل اهل قرآن و مکتب رفته گذشتگان بوده اند و محل مراجعه مردم برای مشکلات علمی و نوشتاری. سال 1342 آغاز مرحله آموزش کلاسیک او بود. قرآن و نوشتن را پیش از آن از پدر مهربان آموخته؛ بعد از اتمام 9 سال از تحصیل ، سال 1351 وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه جانی خان (جهانگیر خان) ساکن گشت و برای تحصیل به مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی می رفت با پشتکاری که از خود نشان داد در کلاس دیپلمه های این مدرسه وارد شد چند سال را در این مدرسه و بعد در مدرسه رضویه دوران مقدماتی را سپری کرده سپس وارد دروس فقه واصول موجود در دروس عمومی حوزه شد. در کنار دروس حوزو ی دیپلم خود را نیز به طور متفرقه (ثبت نام برای امتحان) گرفت . جریان انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام حرکت تحصیلی را کند کرد و در ایام تبلیغی از سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار به سخنرانی و تبلیغ پرداخت . بعد از پیروزی انقلاب در کنار دروس حوزوی دانشگاه شد و رشته زبان و ادبیات عرب را انتخاب کرد که به درس های حوزوی لطمه نزند. بعد از اتمام سطح در درسهای خارج فقه و اصول، اخلاق و تفسیر و فلسفه شرکت کرد و از اساتیدی چون: مرحوم مدرس افغانی ، مرحوم ستوده، مرحوم مشکینی و آقایان دوزدوزانی، محقق داماد، اعتمادی، موسوی تهرانی، موسوی تبریزی ، صافی گلپایگانی، سبحانی، وحید خراسانی و ... استفاده کرد. در دانشگاه مورد توجه اساتیدی چون دکتر انوار، دکتر موسوی و دکتر جعفری قرار گرفت و برای دانشجویان همرشته اش نیز مبادی العربیه را مباحثه می کرد. او علاوه بر مدارج علمی حوزوی خارج بعد از کارشناسی ،

در رشته ی علوم قران و حدیث ، نایل به اخذ کارشناسی ارشد از دانشکده اصول الدین شد و از اساتیدی چون مرحوم معرفت و مرحوم علامه عسکری بهره گرفت و پایان نامه خود را درباره ی « انقراض امت ها در قرآن و نهج البلاغه» ارائه داد با نمره عالی پذیرفته شد. او دارای 10 اثر چاپی که اولین آن : کتاب « سرزمین های اسلامی» چاپ عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال 1368 که بین 7 نوشته در همین موضوع ، رتبه ی اول را در هیأت علمی آن نهاد به دست آورد یک سکه طلا برنده شد. این کتاب تا چند سال در ارتش تدریس می شد. بقیه آنها درباره فرهنگ اسلامی است که عبارتند از : «عوامل سقوط حکومت ها در قرآن و نهج البلاغه» ، «اعتکاف»، «اخلاق تبلیغی» ، «فرازی از سیره تبلیغی امام علی» ، « عقل و عاقل»، «زن در نهج البلاغه»، «اندرزنامه»، «روش گفتمان یا منظره» و آخرین کتاب چاپی او : «روش گفتمان یا جدل و استدلال در قرآن» است که در سال 1376 در دانشکده علوم قرآنی قم تدریس و در سال 1386 منتشر شد. نامبرده دارای چند مقاله چاپی و غیر چاپی است به اضافه چند نوشته ی منتشر نشده از دیگر آثار اوست که با توجه به شغل فرهنگی او در سازمان فرهنگ و ارتباطات برای امور کارشناسی نوشته شده است. در ضمن نام او به عنوان دین پژوهان حوزوی در کتابی به همین نام توسط معاونت پژوهش حوزه علمیه قم آمده است. دو مقاله از نامبرده به نام : «نامه ای به مادرم افغانستان » و « روش گفتمان یا مناظره» و چند شعر مذهبی در سایت ها آمده است. متن بعضی از کتابهایش نیز در کتابخانه های اینترنتی آمده است.

جوادی آملی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللّٰه جوادی آملی در سال 1312 (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال 1324 (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال 1330 (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللّٰه شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال 1335 (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللّٰه شعرانی (ره) و آیت‌اللّٰه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللّٰه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال 1335 (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللّٰه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللّٰه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللّٰه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.
از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر

کرده‌اند.
آیت الله جوادی آملی و وقف :
واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّهُ علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استنّوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه

تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. 1ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. 2ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَموُا اَنّ اللّهَ هُوَ یَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقَةً تُطهّرهُم وَ تُزکّیهِم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اِذ اَخَذتَ، ولکنّ اللّهَ اَخَذَ. 3ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی‌کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. 4ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. 5 ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّهُ لَهُم مَغفِرَةً وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف

لَهُم و لَهُم اَجرُ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الاّ ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّة هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه خواهد بود. 6 ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرُ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقةُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. 7ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموالِ جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمةَ عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّهُ له الجنة، عمد الی ماله فَجَعَله صدقةً مبتولةً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. 8 ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام

به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابة ذو مقدرةٍ الاّ وقف وقفا. 9 ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقة، بتةً بتلاً، فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیلٍ، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنة اللّٰه والملائكة والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. 10 ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمة للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهـم انّ اللّه یحبّ المقسطین، گـواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیةاللّه نجفی مرعشی) پشت مسجد آیةاللّه گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوة، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جوان آراسته، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین جوان آراسته
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
به سال 1341 در مشهد مقدس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. در سال 1356 پس از اتمام مقطع راهنمایی توفیق ورود به حوزه علمیه را پیدا نمود و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال 1358 از زادگاه خود، به قم مهاجرت کرده. ابتدا در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و سپس با بازگشایی مدرسه حقانی در آن جا به تحصیلات حوزوی ادامه داد. دروس سطح عالی حوزه را در محضر اساتیدی همچون حضرات آقایان راستی کاشانی و اعتمادی (رسائل) بنی فضل و کاشانی (مکاسب) و ستوده (کفایه) فرا گرفت. از سال 1367 در درس خارج اصول فقه از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و در درس خارج فقه از حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و حاج شیخ جواد تبریزی استفاده کرد. در فاصله سالهای 1365 تا 1370 با شرکت در مباحث تفسیر قرآن استاد فرزانه حضرت آیت الله جوادی آملی بیش از پیش با قرآن مأنوس و از این محفل معنوی بهره برد. در کنار دروس حوزوی از سال 1370 تصمیم به ادامه تحصیلات جدید گرفته، دروس دبیرستان را در سال 1374 به پایان رسانده و در همان سال موفق به ورود به دانشگاه تهران (پردیس قم) در رشته حقوق گردید. پس از اتمام سه ساله دوره کارشناسی حقوق، در سال 1377 در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته و در اردیبهشت سال 1380 فارغ التحصیل گردید.

جوانی گلوجه، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول جوانی گلوجه
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب از سال 1374وارد حوزه علمیه شدم. دوران مقدمات حوزه را در حوزه علمیه ولی عصر عج شهرستان بناب واقع در آذربایجان شرقی به پایان رساندم.بعد از ورود به قم مشغول دروس سطح حوزه گردیده از دروس اساتید معظم حوزه استفاده کردم. در همان سالهای اولیه ورود به حوزه علمیه به خاطر علاقه ای که داشتم، در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی نیز مشغول به تحصیل گردیده و موفق شدم دروس سطح 2 این رشته را نیز در تاریخ 1383به پایان رساندم.
در ضمن موفق گشتم چندین ترم جزو نفرات ممتاز باشم. و با یک سال تاخیر در تاریخ 85 نیز با قبولی در امتحانات ورودی تحصیل در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مقطع کارشناسی ارشد پی بگیرم هم اکنون نیز سه سال است در دروس خارج فقه و اصول مشغول به تحصیل می باشم که هم اکنون که در سال 86 می باشم سومین سال تحصیل در دروس خارج را می گذرانیم.در طی این دوران در ضمن تحصیل در دروس متداول و تخصصی در واحد تحقیقات و پژوهشهای فرهنگی حوزه، قسمت قرآن و تربیت و کلام و فلسفه مشغول پاسخ گوئی به سوالات بودم. که بیش از سه سال سابقه دارم.
مقاله ای با عنوان جوان و بحران هویت اینجانب در هفته نامه پرتو سخن به چاپ رسید. و مقاله ای نیز با عنوان جوان و هویت در مجله علمی تخصصی معرفت در حال انتشار می باشد.مقاله دیگری نیز با عنوان (کرامت انسان در سیره نبوی) برای موسسه نشر آثار حضرت امام ره نیز نوشته ام که در حال چاپ و انتشار می باشد.اینجانب در سایت اسلامی حضرت استاد هادوی تهرانی نیز به عنوان محقق پاسخ به سوالات اینترنتی مشغول می باشم.همینطور در پژوهشکده علمی – کاربردی باقرالعلوم مربوط به سازمان تبلیغات اسلامی هم مشغول به تحقیق می باشم.اخیرا

نیز از پژوهشکده صدا و سیمای مرکز قم جهت همکاری در پروژه ای قرآنی دعوت گردیده ام.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حاجی اسماعیلی
محل تولد : وسفو نجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
بنده دوران ابتدائی و راهنمائی را در روستای وسفونجرد از بخش خلجستان قم سپری نمودم و در ضمن تحصیل مانند دیگر بچه های روستائی به کار کشاورزی مشغول بودم و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی نیز مدتی در روستا مشغول کشاورزی نمودم و در سال شصت و هشت برای تحصیلات طلبگی به قم آمدم، شوق اصلی من برای آمدن به حوزه سید بزرگواری بودند بنام آقای تقوی که در روستا بودند و خودشان مقداری دروس حوزوی خوانده بودند و معلومات خوبی داشتند که بنده در مدتی که در روستا درس می‌خواندم بعد از تمام شدن درس با چند نفر دیگر خدمت ایشان می رسیدیم و آموزش قرآن می دیدیم و در ضمن نکات اخلاقی خوبی نیز ایشان می فرمود به جهت اینکه از شاگردان خصوصی آیت اله سید حسین فاطمی بودند و از این رو نقش موثری در تربیت بنده داشتند به هر حال با مساعدت ایشان به قم آمدم و مشغول درس طلبگی شدم و بعد از اتمام سال تحصیلی در قم در تعطیلات تابستان، با برخی از دوستان به مشهد می رفتیم و تعطیلات را مشغول مباحثه و مطالعات آزاد می شدیم. بعد از اتمام پایه پنج حوزه کم کم به امر تبلیغ نیز پرداختم ابتدا در تابستان برای دانش آموزان تدریس می نمودم و سپس در ایام ماه مبارک رمضان و محرم به تبلیغ می‌رفتیم از آنجا که به کار با کودکان علاقه مند بودم یک دوره آموزش تربیت مربی کودکان و نوجوانان را در سال هفتاد و سه گذراندم و سپس در همان مرکز در بخش تحقیقات مشغول کارهای قرآنی شدم و یک کار گروهی را مشغول شدیم که آیات قرآن از اول تا آخر به صورت سؤال و جواب طرح می کردیم برای نوجوانان که جزء اول آن به صورت کتاب منتشر شد و چند جزئی هم به صورت جزوه ولی کار ناتمام باقی ماند در سال هفتاد و هفت همزمان با درس معمول حوزه در رشته تخصصی علوم قرآنی دفتر تبلیغات دوره

محققی و نویسندگی علوم قرآنی را گذراندم در سال هفتاد و هشت پس از اتمام سطح به درس خارج مشغول شدم و اصول را با استاد احمد عابدی که با خواهش خودمان در منزلشان گذاشته بود شروع کردم و فقه را در درس آیت الله جوادی آملی در فیضیه شرکت می کردم و بعد از درس با دوستان مباحثه می نمودم سال هشتاد و یک در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شدم و مدت دو سال این دوره را گذراندم و سپس پایان نامه خود را به نام وحی و تجربه دینی به راهنمایی استاد ربانی گلپایگانی که چند سالی در درس کلام ایشان در فیضیه شرکت می کردم تدوین نموده و دفاع کردم در کنار فقه و اصول به تفسیر علاقه زیادی داشتم و چند سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی و استاد خاتمی شرکت می کردم و اکنون نیز دوره مهارت های بیان تفسیر را می گذرانم. و مشغول کارهای تحقیقاتی در زمینه قرآنی هستم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله حاجی صادقی
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
سپاس بی کران و شکر خدا را بر همه نعمت هایش به ویژه نعمت هدایت و ولایت که کاملترین مرحله آن با تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تحصیل می شود و درود وصلوات الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و علماء و مصلحان بزرگ به ویژه حضرت امام خمینی ره که با نهضت خود اسلام ناب محمدی ص را احیاء کرد و با درود به ارواح پاک شهدای عزیزی که به اسلام و مسلمین عزت و اقتدار بخشیده و کفر و نفاق را ذلیل کردند.
این بنده ناچیز و متنعم به الطاف رب العالمین از اینکه در برابر نعمت های بی شمار الهی و دولت حقه و فرصت های فراوانی که در اختیار داشتم،نتوانستم تکلیف و وظیفه خود را انجام دهم، شرمنده و در عین حال چشم امید به مغفرت و رحمت خدا دارم و آنچه دراین گزارش خواهم آورد اولا نسبت به عنایات خدا و زمینه ها و فرصت هایی که اسلام و انقلاب برای همه ما فراهم کرده است بسیار ناچیز می باشد و ثانیا اگر احتمالا در برخی موارد اندک موفقیتی هم حاصل شده باشد آن را لطف و امداد الهی می دانم نه نتیجه عملکرد خویش،چرا که به قول آن روحانی شهید بزرگوار «توان ما به میزان امکانات در دست ما نیست، بلکه توان ما به میزان اتصال ما به خداست»
اینجانب در سال 1354 وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم و دروس مقدماتی و پایه را در محضر اساتید بزرگواری مانند آیت الله سید حسن امامی و حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر فقیه گذراندم و سال 1358 به حوزه علمیه قم وارد شدم و سطوح عالیه را در محضر اساتید برجسته ای نظیر مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی و آیت الله اشتهاردی به پایان رساندم و حدود ده سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام شرکت کردم که بیشترین آن دروس آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مظاهری می باشد و این در حالی بود که بنا به اقتضاءات زمان و جنگ تحمیلی مدتی از حضور در حوزه علمیه محروم ماندم لکن از امدادهای دیگر خدا بهره مند گشتم.

درسال 1369 در کنار دروس حوزوی در کنکور کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس پذیرفته شدم و هم زمان به عنوان عضو هیات علمی دانشکده شهید محلاتی به تدریس هم اشتغال داشتم.در سال 1375 به عنوان نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه امام حسین علیه السلام منصوب شدم وهم زمان در کنکور علوم قرآن و حدیث (مقطع دکتری) پذیرفته شدم.درسال 1378 به قم بازگشته و مسئولیت گروه الهیات دانشکده شهید محلاتی را پذیرفته و در سال 1381 دوره دکتری را به پایان رساندم و از همان سال تا به حال مسئولیت پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه (ریاست) را بر عهده دارم.

بعد از جنگ مهمترین اشتغالات علمی اینجانب عبارت بودند از:

1. تدریس درمقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی، مراکز حوزوی در موضوعات مختلفی مانند علوم قرآن، روش های تفسیر، تفسیر موضوعی و تربیتی (برخی از سوره ها)، فلسفه اسلامی، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، دروس معارف و ...
2. تحقیق و تالیف در موضوعاتی که به نظر حقیر مورد نیاز جامعه می باشد که فهرست حدود سی عنوان از کتاب ها، مقالات و جزوات درسی به پیوست می باشد.
3. سرپرستی اجرایی مراکز علمی و خدمت گذاری به نخبگان و فرهیختگان علوم اسلامی و حوزوی.

بار دیگر اقرار می کنم تا به حال نتوانسته ام همچون سربازی شایسته و مقبول برای مولایم باشم امید است با توفیق الهی در آینده مقداری جبران کنم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله حاجی علی لالانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
بعد از پایان دوره ابتدایی وارد هنرستان فنی و حرفه‌ای شدم و بعد از 5 سال دوره دبیرستان (نظام قدیم) دروس جدید را رها کرده و در سال 1355 وارد حوزه علمیه قم شدم. تا سال 68 سطح حوزه را به پایان رساندم و در دروس خارج حوزه شرکت کردم. از اواسط دروس سطح حوزه وارد بحث‌های فلسفه و تفسیر (دروس آیت الله جوادی آملی و حسن‌زاده آملی) شدم. و در سال 1370 با شروع دروس تخصصی حوزه به رشته تخصصی تفسیر وارد شدم و همزمان تدریس در دانشگاهها را شروع کردم که تا به حال نیز ادامه دارد. بعد از دفاع از پایان نامه حوزه و رساله پایان نامه‌های علمی کارشناسی ارشد با دانشگاه آزاد اسلامی اراک و مرکز جهانی همکاری داشته‌ام که حدود 13 پایان نامه راهنما و 10 پایان‌نامه مشاور و حدود پنجاه پایان‌نامه را داوری کرده‌ام. از سال 1380 با نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها همکاری داشته و در بخش ارزشیابی اساتید دروس معارف فعالیت داشته‌ام. و از سال 1383در مرکز تخصصی تفسیر و مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس تفسیر و علوم آن مشغول هستم و اخیراً عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی شده‌ام.

حارثی عاملی، عزالدین حسین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(984 -918 ق)، فقیه امامی، مفسر، محدث، متکلم و محقق. پدر شیخ بهایی بود. اصلاً از جبل عامل و ساکن اصفهان و قزوین بود. نسبت او به حارث اعور هَمْدانی، از خواص امیرالمؤمنین علی (ع) می‌رسد. حارثی با خانواده خود به دعوت شاه طهماسب صفوی از موطن اصلی به اصفهان آمد و مدتی در آن شهر به تدریس و افادات علمی مشغول شد و بعد به درخواست شاه صفوی در قزوین متوطن شد. عزالدین در پایان عمر به بحرین رفت و در آنجا مسکن اختیار کرد و همان جا درگذشت و در دیه مصلی، از توابع هجر بحرین، دفن شد. وی از شاگردان برتر شهید ثانی و سید حسن بن جعفر کرکی بود و در اکثر علوم اسلامی روزگار خود توانا و یگانه دهر بود. فرزندش شیخ بهایی و شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «المعالم»، و سید حسن بن علی بن شدقم حسینی و شیخ رشیدالدین اصفهانی و بسیاری دیگر از شاگردان شیخ حسین می‌باشند. از آثار وی: شرح «الفیه» الشهید؛ «مناظرة مع بعض علماء حلب»، در امامت؛ «دیوان» شعر؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه، «درایة الحدیث» یا «وصول الاخیار الی اصول الاخبار»؛ «تحفة اهل الایمان»، در قبله؛ کتاب «الاربعین»، در اخلاق؛ رساله‌ی «الوسواسیة»؛ رساله‌ی «الرضاعیة»؛ «الغرر والدرر»؛ «جوابات الاعتراضات العشره»؛ «رساله فی الاعتقادات حقة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (260/2)، اعیان الشیعه (56/6)، ایضاح المکنون (516، 346 /1)، تکمله امل الآمل (186 -182)، الذریعه (70/15، 38/11، 249/9، 163 -162 /6، 175/5، 414/1)، روضات الجنات (336 -392 /2)، ریحانه (130 -126 /4)، فوائد الرضویه (140 -138)، الکنی والالقاب (105 -102 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین)، معجم المؤلفین (17/4)، هدیة العارفین (320/1).

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم کربلائی کاظم از اهالی ساروق فراهان (حافظ القرآن) عجیب زمان بود.
وی که مدت چند ماهی در منزل نگارنده بود در قم مردی عامی و بی‌سواد و پیرمردی سالخورده و کهن‌سال و دارای سر کوچک و پیشانی پرچین کوتاه و رنگی گندمی تیره بود و دانشمندان روانشناس می‌گفتند در مغز این مرد هیچگونه استعداد و نیروی حفظ و درکی وجود ندارد.
این مرد با این کیفیت به طوری قرآن شریف را حافظ بود که برای غیر معصوم و امام که حجت خداست میسور نیست و این بنده صدها بار او را تجربه و آزمایش نمودم نشد که تأمل و فکر کند و جواب بدهد هر آیه‌ای از آیات شریفه قرآن را که می‌پرسیدند اگر از آیات مکرره بود فوراً می‌گفت این آیه مشابه دارد.
و در فلان سوره و فلان سوره هست درسوره فتح مثلا آیه قبلش این و آیه بعدش اینست و در سوره احزاب هم هست و قبل و بعدش اینست. و اگر غیر مکرر بود فوراً می‌خواند و می‌گفت در آن سوره است و قبل و بعدش چنین است و مشابه ندارد.
آیات را بسیار تند می‌خواند و غالباً در شبانه‌روز دو مرتبه قرآن را ختم می‌نمود و بالعکس هم می‌خواند یعنی از آخر سوره شروع می‌کرد تا به اول می‌رسید.
سوره بقره بزرگترین سور قرآنیه را از آیه شریف (آمن الرسول...) می‌خواند تا به اول سوره مضافاً بر این حفظ با اینکه سواد عربی و فارسی و حتی از دو خواندن قرآن را نداشت هر آیه را که سؤال می‌کردند بدون تأمل و توقف سریعاً می‌خواند و می‌گفت در کدام سوره است.
آن آیه را نشان هم می‌داد یعنی می‌گفتند کربلائی کاظم این آیه را از قرآن نشان بده و هر قرآن کوچک و بزرگ خطی و چاپی بدست او می‌دادند با گرفتن یک قبضه از قرآن همان آیه مطلوب را ارائه می‌داد چشمش ضعیف و مانند جسمش ناتوان و کم‌دیده شده بود.
نیازمند به کمک و عصاکش بود غالباً پسر کوچکش دست او را می‌گرفت یا کس دیگر. روزی نگارنده دست او را گرفته و نزد پرفسور صدوقی چشم‌پزشک معروف بردم و پرفسور او را معاینه و گفت چشمش دو آب آورده یکی آب سفید (آب مروارید) که هنوز نرسیده و یکی آب سیاه که پر

نشده و حتماً باید عمل شود.
گفتم آقای پرفسور ایشان را می‌شناسی گفت خیر گفتم در روزنامه‌ی اطلاعات و کیهان و مجله خواندنیها او را معرفی و شرح حال او را طبع و نشر نمودند گفت در اثر گرفتاری وقت مطالعه جرائد را ندارم شما ایشان را معرفی کنید گفتم ایشان با اینکه سواد فارسی و عربی و قرآنی و غیره ندارد حافظ القرآن است.
تعجب کرد گفت اگر آیه‌ای از قرآن سؤال کنم فوراً جواب می‌دهد. گفتم امتحانش مجانی است.
گفت عمو بگو آیه خمر در کجاست فوراً گفت در سوره‌ی مائده آیه 90 (یا ایها الذین آمنوا ان الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون) و آیه قبلش لا یؤاخذکم اللّٰه باللغو فی ایمانکم... و آیه بعدش انما یرید الشیطان یوقع بینکم العداوة...
بر تعجب دکتر افزوده شد. گفتم آقای پرفسور مهمتر اینکه این آیه و هر آیه را که سؤال کردید فوراً از قرآن نشان می‌دهد دکتر گفت این عجیب‌تر است بعد گفت عمو جان می‌توانی این آیه را از قرآن نشان دهی گفت آری دکتر یک قرآن خطی مذهب (طلائی) از قفسه کتابهایش بیرون آورد و به دست وی که پشت دستگاه معاینه چشم نشسته بود داد و گفت این آیه را نشان بده.
کربلائی کاظم قرآن را گرفت فقط با یک قبضه و دفعه باز و به دست دکتر داد و گفت این آیه خمر دیدیم درست است پرفسور گفت وای بر ما چرا با داشتن مانند اینها گامی برای دین یا دنیایمان برنمی‌داریم اگر چنانچه این در کشورهای خارجه اروپا و امریکا بود همه روز او را در معرض (نمایش) گذارده و برای دیدن او هزارها بلیط می‌فروختند و بسیار عجیب و بهت‌آور بود که با چشم نابینا و آب آورده‌اش که بدون دست گیر راه رفتن برایش مشکل بود آیات را از قرآنهای مختلف بدون ورق زدن قرآن آورده و نشان می‌داد.
کلیه مراجع تقلید نجف مانند مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی و آیت‌اللّٰه العظمی شیرازی و آیت‌اللّٰه آقای آقا میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللّٰه العظمی میلانی و آیت‌اللّٰه آمیرزا هادی خراسانی در کربلا و آیات و مراجع بزرگ حوزه علمیه قم چون مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه خونساری و آیت‌اللّٰه صدر و آیت‌اللّٰه فیض و آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مدظله و دیگران و علماء بزرگ همدان و کرمانشاه و اراک و ملایر و تهران و مشهد و غیره وی را دیده و آزمایش و امتحان نموده و گفتند این امر غیر عادی و غیر طبیعی است.
اجتماع علماء کربلاء برای امتحان وی در منزل آیت‌اللّٰه آمیرزا مهدی

شیرازی
مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ هادی جلیلی کرمانشاهی در کرمانشاه پس از دیدن او وی را به عراق اعزام نمود و چون به کربلاء وارد شد علماء در منزل مرحوم آیت‌اللّه آمیرزا مهدی شیرازی اجتماع نموده و از وی سؤال کرده و پاسخ همه را داده تا یکی از آقایان سؤال می‌کند کربلاء کاظم آیه‌ی... الذی خلقکم من نفس واحدة ثم خلق منها زوجها... در کدام سوره است.
فوراً می‌گوید آیه این طور نیست گفتند پس چطور است گفت الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و این آیه اول سوره نساء است که اولش این است یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة...
گفتند ابن‌هشام در مغنی در باب (ثم) آیه را با (ثم) ذکر کرده و استشهاد و استدلال به آن نموده گفت من مغنی و ابن‌هشام نمی‌شناسم این آیه ثم ندارد. و آیه به این معنی در سه سوره از قرآنست اول سوره چهارم آیه یک که خواندم.
دوم سوره هفتم اعراف آیه 189 که این طور است هوالذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها در اینجا هم ثم ندارد و خلق هم ندارد بلکه جعل دارد.
سوم سوره سی و نهم زمر آیه هشتم خلقکم من نفس واحده ثم جعل منها زوجها... در اینجا (ثم) دارد ولی الذی یا هوالذی ندارد... آقایان علماء همه مبهوت شده وقتی مغنی آوردند دیدند حرف کربلائی کاظم درست و ابن‌هشام نحوی اشتباه کرده است.
خلاصه خبر او منتشر و در جرائد ثبت و نشر گردید و همگان گفتند این فوق‌العاده و معجزه و خارق عادت است.
حافظ شدن کربلائی کاظم
نگارنده در سال 1365 ق وی را در مدرسه فیضیه قم ملاقات وقتی دیدم طلاب و محصلین و فضلاء اطراف او جمع شده و مرتب از او سؤال و او فوراً جواب می‌دهد او را دعوت به منزلم نموده و چندی از او پذیرائی و از کیفیت حافظ شدن او پرسیدم مشروحاً توضیح داد. و من ضبط کردم و اکنون برای روشن شدن دل پیروان مکتب ولایت و کور شدن چشم منکرین ولایت تکوینی مانند (بوالفضول قمی‌ها) رو که خود را علامه معرفی و مشهور ساخته ولی عاری از علم و معرفت است. در اینجا می‌نگارم.
نگارنده: کربلائی کاظم چگونه حافظ قرآن شدی.
کربلائی کاظم گفت: ماه رمضانی یک نفر عالم از طرف آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم یزدی به قریه ما آمد و درباره احکام دین و خمس و زکوة صحبت کرد و گفت هرکس حساب سال نداشته باشد و یا زکوة مالش را

ندهد نماز و روزه‌اش درست نیست و همه عباداتش عاطل و باطل است.
من بعد از منبر آن آقا به خانه آمده و به پدرم گفتم زکوة می‌دهی. گفت زکوة چی. این حرفها را از کجا یاد گرفته‌ای گفتم: این آقا که از قم آمده می‌گوید هرکس زکوة مالش را ندهد نماز و روزه‌اش باطل و مالش حرام است. گفت آن آقا برای خودشان می‌گویند. من هیچ وقت مال خودم را به کسی نمی‌دهم. من گفتم بابا من هم پیش شما نمی‌مانم چون مال شما حرام است. و از پدرم قهر کرده به قم آمدم پدرم عقب من فرستاد و مرا برد.
به او گفتم زکوة می‌دهی می‌مانم نمی‌دهی می‌روم گفت این فضولی‌ها به تو چه مربوط تو برو کارت را بکن. گفتم من برای شما کار نمی‌کنم چون مالت حرام است فرار کردم آمدم به تهران و مدتی در دولاب تهران عملگی کردم باز پدرم کسی را فرستاد و مرا برد. باز به او گفتم: اگر مالت را حساب نکنی و زکوة آن را نمی‌دهی این بار جائی می‌روم که دیگر مرا نیابی.
بالاخره پیرمردهای آبادی جمع شده و به پدرم گفتند کاظم بزرگ شده شاید می‌خواهد خودش مستقلا برای خود کار کند. تو یک قطعه زمین و قدری بذر (گندم) به او بده تا خودش بکارد. پدرم قبول کرد یک قطعه زمین و هشت بار گندم به من داد. من فوراً آن گندم را نصف کردم چهار بارش را به فقراء دادم و چهار بارش را کاشتم خداوند برکت زیادی مرحمت کرد. و در موقع خرمن باز نصف کردم محصول خود را با بینوایان و فقراء و به همین کیفیت زکوة خود را بیش از معمول و حق زکوة می‌پرداختم و برکت زیادی هم داشت.
تا سالی گندم را درو کردم و خرمن نمودم و بعد از چند روز که خرمنم را کوبیده و باد می‌دادم نزدیک ظهر شد و باد ایستاد و هوا گرم شد. گفتم باشد عصری که هوا خنک شد می‌آیم و باد می‌دهم پس پشته‌ای علوفه برای گوسفندانم جمع کرده و به پشت گرفته و به سمت آبادی روانه شدم در وسط راه به دو سید جوان نورانی بسیار خوشگل و زیبا برخوردم. به آنها سلام کردم و گفتم امامزاده می‌روید.
گفتند آری. گفتم منهم بیایم با شما گفتند بیا و من خیال می‌کردم آنها راه امامزاده را بلد نیستند ولی دیدم خیر از من جلوتر می‌روند رفتیم تا به امامزاده‌ای که او را شاهزاده حسین می‌گویند رسیدیم من پشته را زمین گذارده با آنها به حرم آن امامزاده رفتم آنها فاتحه می‌خواندند.
و من صندوق قبر را می‌بوسیدم و دور می‌گشتم ولی آنها این کار را نمی‌کردند بعد از آنجا بیرون آمده به امامزاده دیگر که نزدیک آنجاست و او را شاهزاده جعفر می‌گویند رفتیم و من در حرم دور می‌زدم و قبر را می‌بوسیدم ولی آنها ایستاده و فاتحه می‌خواندند.

تصرف ولایتی
بعد به من گفتند آن بالا را بخوان گفتم من سواد ندارم و خواندن نمی‌دانم گفتند نگاه کن به آن کتیبه خوانا می‌شوی. نگاه کردم کتیبه‌ای دیدم که نه قبلا بود و نه بعداً و به خط سفید نورانی نوشته بود در دور حرم.
«ان ربکم اللّٰه الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک رب العالمین ادعوا ربکم تضرعاً و خفیة انه لا یحب المعتدین و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفاً و طمعاً ان رحمت اللّٰه قریب من المحسنین.
و بعد مرا نگاه داشته یکی از آنها دست به صورت من تا سینه‌ام کشیده و سوره الحمد را خوانده و به من فوت کرده و قرآن را به تمامی در سینه من هشتند (یعنی گذاشتند) و من غش کردم و افتادم وقتی به هوش آمدم که شب بود و برخاستم برای آبادی آمدم و چون بده رسیدم یکی از اهالی آبادی بنام کلبعلی مرا صدا زد و گفت کاظم کجائی چرا نمی‌روی خرمنت را جمع کنی گفتم دو نفر آقا آمده بودند به امامزاده من هم با آنها رفتم آنها تمام قرآن را هشتند تو سینه من. کلبعلی گفت پسر مگر دیوانه شده‌ای.
تمام قرآن را آقا شیخ عبدالکریم مجتهد یزدی هم از حفظ ندارد گفتم امتحان کنید مردم ده رسیده و جریان را شنیده مرا به خانه‌ی ملای ده بردند او گفت کاظم دروغ نمی‌گوید حسابش درسته از وقتی از پدرش سوا شده هر سال زکوتش را داده و می‌دانم که او تا حال هیچ سواد نداشته و درس نخوانده است. پس قرآن جلوی من گذارده گفتند بخوان گفتم از رو نمی‌خوانم از حفظ بپرسید. پس از سوره الرحمن پرسید خواندم و بعد سوره یس و بعد سوره مریم. پس از آن از سور بزرگها پرسیدند خواندم.
ملای آبادی ما قرآن را که در جلویش بود و با خواندن مطابقه و مقابله می‌کرد قرآن را بوسید و به طاقچه گذارد و گفت: بچه‌ها کاظم کارش شده است. که مردم بر سر من ریخته و لباس بدن مرا پاره پاره کردند و اگر ملا مرا از دست مردم نجات نداده و در اطاق زن و بچه خود نبرده و در را روی من نبسته بود مردم ده گوشت تن مرا هم به عنوان تبرک و نظر کرده شده می‌کندند.
و ملا مردم را به زحمت از خانه بیرون کرده و نزد من آمد و گفت کاظم اگر جان خودت را دوست داری شبانه از این محل برو و الاصبح مردم تو را به عنوان تبرک تکه تکه می‌کنند. گفتم گوسفندها و خرمنم را چکنم گفت من می‌گویم کسان تو آنها را جمع و حفظ کنند.
پس به من خرجی داده و شبانه از ده به ملایر خدمت مرحوم حجةالاسلام حاج میرزا شهاب ملایری رفته و جریان را گفتم کم کم خبر من به

تویسرکان و همدان و کرمانشاه و عراق و غیره رسید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حامد حسین، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1306 -1246 ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، مفسر، محدث، متکلم و ادیب. وی را با نسبتهای موسوی نیشابوری، کنتوری، هندی و کلهنوی نوشته‌اند. حامد حسین در لکهنو به دنیا آمد. وی از ارکان علمای امامیه بوده است. کلام را در محضر پدرش، مفتی سید محمدقلی، و فقه و اصول را نزد سید حسین بن دلدار علی نقوی، و معقول را در خدمت سید مرتضی بن سید محمد و ادب را در حوزه‌ی مفتی سید محمد عباس فراگرفت. او تصنیفات فراوانی دارد با مراجعه به کتاب «عبقات» وی معلوم می‌شود که کسی به پایه او در فن کلام بخصوص در باب امامت بدان منوال کار نکرده است. کتابخانه‌ی ارزشمند میرحامد حسین یکی از خزاین گرانبهای شرقی در دوران اخیر است. این کتابخانه حاوی هزاران جلد کتاب است که برخی از آنها از دستنویسهای قدیمی است. از آثار وی: «عبقات الانوار فی امامة الائمه الاطهار»؛ «اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار»؛ «استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی رد المنتهی الکلام»؛ «الشریعة الغراء»، در فقه: «الشعلة الجوالة»؛ «شمع المجالس»، قصاید عربی و فارسی در مراثی؛ مثنوی «شمع و دمع»، به اردو؛ «الظلل الممدود والطلح المنضود»؛ «افحام اهل الیمن فی رد ازالة الغین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (381/4)، ایضاح مکنون (92/2)، الذریعه (215 -214 /15 ،23/10 ،257 ،31 /2)، ریحانه (379 -377 /3)، فوائد الرضویه (92 -91)، لغت‌نامه (ذیل/ حامد حسین)، معجم المؤلفین (717/3).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی حائری پور
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از طی تحصیلات راهنمایی و اول دبیرستان در کاشان وارد حوزه علمیه مرحوم آیةالله العظمی یثربی ره کاشان شدم سال 1363 پس از سه سال گذراندن ادبیات عرب در سال 1366 به حوزه علمیه قم آمدم و به درس های فقه و اصول (لمعه و اصول فقه) پرداختم و همزمان دیپلم گرفتم. و تا سال 1372 سطح را به پایان بردم. در دس خارج یک دوره اصول نزد آیةالله سبحانی از شاگردان حضرت امام خمینی ره گذراندم و همزمان حدود 2 سال در بحث های خارج فقه ایشان شرکت کردم.در سال 1376 در کنار درس خارج به رشته تخصصی علوم قرآن و تفسیر روی آوردم و مدت چهار سال در این دوره بودم. از سال 1370 همزمان با پایان دوره سطح به تدریس دروس حوزوی هم می پرداختم که هنوز ادامه دارد.در سال 1380 وارد مرکز تخصصی مهدویت شدم و به عنوان اولین دوره این رشته به تحصیل پرداختم که حدود سه سال طول کشید. و فعلا با موسسه آینده روشن هم در زمینه مهدویت همکاری می کنم.در دهه هفتاد مدت دو سال در مرکز ادبی حوزه (زیر نظر اقای جواد محدثی) دوره نگارش عمومی و تخصصی را مقداری نزد اقای محدثی و بیشتر نزد سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) گذراندم.فعلا مقداری به درس خارج و بیشتر به تدریس در حوزه مشغول هستم. والحمدالله رب العالمین.

حائری، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی حائری
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب از سال 1355 در حالی که مدرک سیکل را گرفتم وارد حوزه علميّه سبزوار شدم و پس از یک سال وارد حوزه علميّه قم شده در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی پس از امتحان ورودی پذیرش شدم و تا سال 1366 در آنجا مشغول به تحصیل بودم و سپس در درس مکاسب و کفایه آیت الله ستوده شرکت کردم و خلاصه پس از اتمام دوره سطح و اتمام آن در سال 1373 و اتمام امتحانات آن دوره و شش سال شرکت در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه مثل شرح منظومه ، بداية الحكمه و نهاية الحکمه نزد آیت الله فاضل ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله انصاری شیرازی و دکتر احمد بهشتی، وارد فضای تحقیق شدم که درسال 1369 کتاب مسالک الافهام که مولف آن شهید ثانی است. این کتاب شرح کتاب شرایع الاسلام سه جلد آن با محققین آن مرکز همکاری داشتم و پس از آن کتاب قواعد الفقهیه آیت الله فاضل را برای تحقیق متون آن به دست گرفتم . و پس از آن کتابی به نام علل و عوامل ظهور و سقوط تمدنها در منابع اسلامی را شروع به نوشتن کردم ، بعد به عنوان پایان نامه هم از من پذیرفته شد و هیئت داوران نمره عالی به آن دادند . مدتی با بخش تحقیق و پژوهش ستاد اقامه نماز استان قم همکاری داشتم .

حبیبی احمد آبادی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی حبیبی احمدآبادی
محل تولد : کربلاء
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1351 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه المهدی (عج) که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) بود مشغول به تحصیل شدم . بعد از دو سال به مدرسه علمیه رسالت منتقل شدم و تا اتمام لمعتین در آن مدرسه به درس خود ادامه دادم . با پیروزی انقلاب اسلامی و نیاز شدید به دبیران دینی ، دو سال اول انقلاب را در دبیرستان ها و دانشسراهای محلات و بوشهر به تدریس کتاب های دینی و آموزش قرآن پرداختم و بعد از آن برای ادامه تحصیل به قم بازگشتم و سر درس رسائل و مکاسب حاضر شدم . در کنار تحصیل در فرصت های مناسب برای تبلیغ به جبهه ها اعزام می شدم ، ولی با توجه به مطالعات و تحقیقات جنبی که در علوم قرآنی داشتم و تجربیات و موفقیت های کسب شده در امر تدریس و کلاسداری و نیاز شدید به معلمین قرآن (با توجه به نهضت قرآنی که به برکت انقلاب اسلامی راه افتاده بود) تمامی همت و وقت خود را صرف برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم نمودم .
با تاسیس بخش قرآن سازمان تبلیغات اسلامی ، همکاری خود را با آن بخش شروع کردم و ضمن تدریس در دوره های تربیت معلم قرآن کریم ، ویژه معلمین آموزش و پرورش که از سراسر کشور در تابستان ها در تهران جمع می شدند برای برگزاری دوره های ضمن خدمت معلمین قرآن به شهرها اعزام و به تدریس مهارت های تدریس قرآن کریم می پرداختم .
با گسترش فعالیت های قرآنی بخش قرآن و تبدیل آن به دار القرآن الکریم سازمان تبلیغات اسلامی و کانون های قرآن در مراکز استان ها و شهرستان هایی که سازمان تبلیغات اسلامی در آن شهرستان ها نمایندگی داشت ، از طرف دار القرآن به آن مرکز جهت برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم اعزام می شدم تا معلمین مورد نیاز برای آموزش قرآن در تابستان ها و ماه مبارک رمضان ، آموزش لازم را دیده باشند و به

تدریس یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور بپردازند .
برای آموزش یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور ، ابتدا با همکاری دو تن از اساتید دار القرآن کریم ، جزوه آموزش قرآن کریم تهیه نمودیم .
سپس آن جزوه در دو سطح : یک برای خردسالان و دو برای بزرگسالان توسط این جانب تکمیل و برای معلمین قرآن نیز کتاب راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم تالیف نمودم که بعدها اصلاح و تکمیل شد و الحمد الله اکنون به عنوان کتاب مشهور برای آموزش قرآن در اختیار علاقمندان می باشد ، به طوری که هر سال بیش از دویست هزار جلد روخوانی قرآن کریم و ده هزار جلد راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم چاپ و منتشر می شود .
همزمان با فعالیت های قرآنی در شهرستان ها ، کانون قرآن سازمان تبلیغات اسلامی قم را تاسیس و دوره های متعدد تربیت معلم قرآن کریم در طول سال برای طلاب ایرانی و غیر ایرانی و عموم علاقمندان قرآن کریم برگزار می نمودیم که الحمد لله با استقبال بسیار طلاب مواجه می گردید .
در کنار فعالیت های قرآنی ، کار تحقیقات در زمینه های مختلف علوم قرآنی را ادامه دادم و ضمن تکمیل کتاب های قبلی ، کتاب های دیگری را تالیف که در ادامه آورده ام .
در سال 1376 واحد قرآن مرکز مدیریت حوزه علیه قم را راه اندازی و اقدام به برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم ویژه طلاب علوم دینی (ایرانی و غیر ایرانی) نمودم که دوره های مذکور در سطح عالی و به صورت استدلالی برگزار می شد .
کتاب رسم و ضبط مهارت های تدریس قرآن کریم این جانب رتبه تشویقی کتب برگزیده حوزه را در اولین سال تشکیل این نهاد به خود اختصاص داد و امسال نیز به عنوان خادم قرآن در استان قم انتخاب شدم .
خداوند را شاکرم که در حدود 25 سال فعالیت های قرآنی بیش ازپنجاه هزار نفر علاقمندان تدریس قرآن کریم ، معلمین آموزش و پرورش ، طلاب علوم دینی ایرانی و غیر ایرانی اعم از خواهر و برادر ، دوره های آشنایی با مهارت های تدریس قرآن کریم را نزد این جانب طی کرده اند ، و بیش از صد هزار نفر از کتاب های رسم و ضبط و مهارت های تدریس قرآن کریم استفاده کرده اند ، و بیش از دو میلیون نفر از کتاب های آموزش قرآن این جانب بهره مند شده اند .
اکنون به یاری خداوند در کنار حضور در درس خارج فقه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی به تدریس و تحقیق نیز مشغول می باشم .

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی حجازی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1303/1/1
زندگینامه علمی
تا به سامانی های واپسین روزهای حکومت قاجار در کام زمانه شراره می ریخت ، سال 1303 هجری بود . در کانون کهن علم و فلسفه شهر باستانی قمشه (شهرضا) و در خانه عالم بزرگ شهر «حاج سید فضل الله حجازی» لبخندها می شکفت و تولد سید مهدی حجازی را با شادی می آمیخت ، او دوران کودکی را در خانواده ای که در علم و تقوا سابقه دیرین داشت سپری کرد و از تربیت های علمی و اخلاق پدر و نیاکان خویش پرتو گرفت.در آغاز جوانی برای تحصیل علوم دینی رهسپار اصفهان گردید. سالها در اصفهان با تلاش پیگیر ، ساده زیستی ، خودسازی و باور پولادین ، رشته های ختلف فرهنگ اسلامی را فرا گرفت ، استادان او در اصفهان عبارت بودند از :آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی ، آیت الله میرزا علی آقای شیرازی ، آیت الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، آیت الله طیب ، آیت الله خادمی ، آیت الله حاج آقا صدر کوهپایه ای ، آیت الله حاج شیخ احمد فیاض .آیت الله حجازی در سال 1370 هجری برای تعالی بیشتر علمی و کسب تخصص فراتر فرهنگی و نیل به درجه عالی اجتهاد رهسپار نجف اشرف شد .وی علی رغم تنگناهای مادی در طول 17 سال سکونت در نجف اشرف به فراگیری پیگیر علوم اسلامی پرداخت و از محضر مراجعی چون:حضرت امام خمینی ، آیت الله العظمی حکیم، آیت الله العظمی خویی، آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، آیت الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، آیت الله العظمی حاج سید جواد تبریزی، آیت الله العظمی حاج سید یحیی یزدی رحمه الله علیهم اجمعین بهره کافی گرفت.دستیابی به درجه اجتهاد یکی از فرازمندترین فله های ارتقای علمی و فقهی در حوزه های علمیه رسیدن به رتبه اجتهاد و گرفتن اجازه اجتهاد از مراجع بزرگی که به ایشان اجازه اجتهاد داده اند عبارتند از :آیت الله العظمی سید یحیی حسینی یزدی نجفی، آیت الله العظمی حاج

سید محمد جواد طباطبائی تبریزی نامبرده در اول نوشته خویش آیت الله حجازی را این گونه وصف می کند:سید مهدی حجازی، دانشمند فاضل ، تقوا پیشه پیراسته، برگزیده بزرگان، پشتوانه دانشمندان اسلام، رهرو راه استوار صاحب ذوق آراسته به مرتبه اجتهاد رسیده اند.آیت الله العظمی سید ابوالمعالی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، ایشان نیز در مرقومه خویش درباره آیت الله حجازی می نویسد:حجه الاسلام حجازی با آراستگی اخلاق معارف اسلامی را فرا گرفته است، مبانی احکام را استوار ساخته و به درجه اجتهاد رسیده است.

حجت، هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی حجت
محل تولد : کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب هادی حجت در سال 1347در شهر کرمان متولد شدم . تحصیلات ابتدایی را در دبستان احمدی و صفاری و راهنمایی را در مدرسه آیت الله سعیدی کرمان پشت سر گذاشتم. پس از یکسال تحصیل در رشته علوم تجربی در سال 1362وارد حوزه علمیه کرمان شدم و در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم (مدرسه کرمانیها) گردیدم. در سال 1367 در امتحانات سراسری حوزه موفق به احراز رتبه اول پایه سوم گردیدم. در کنار دروس حوزوی در تابستان به صورت متفرقه دروس مقطع متوسطه را امتحان و در رشته علوم انسانی دیپلم گرفتم. و همراه با دروس حوزوی از سال 1370 در مقطع کارشناسی رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی را آغاز کردم. و در سال 1375 در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و در سال 1377 با معدل 92/19 فارغ التحصیل گردیدم. پایان نامه این مقطع با عنوان" بررسی و طبقه بندی فقه های مربوط به ترجمه های قرآن کریم به زبان فارسی" رتبه سوم کشوری را در رشته علوم قرآن و حدیث کسب کرد.
در همان سال در مقطع دکترای رشته علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس قم پذیرفته شده و همزمان از سال 1376 در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه نیز مشغول به تحصیل شدم. و 4 سال دوره آموزشی آن را با موفقیت به اتمام رساندم. سال 1383 موفق به اخذ دکترا از مرکز تربیت مدرس قم گریدم. از سال 11379به عنوان عضو هیأت علمی در دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس مشغول گردیده ام و هم اکنون عضو هیأت علمی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی این دانشکده ام.

حجتی، سید محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سیدمحمد باقر حجتی(متولد بیست و پنجم اسفند ماه 1311 -بابل)، نام آشنایی در میان محققان و مدرسان علوم قرآنی است که نیم قرن از عمر پرمایه خویش را صرف تعلیم و تدریس در این حوزه معنوی کرده است. او از معدود روحانیانی است که در کنار طی مدارج حوزوی نزد علمای دینی، تحصیلات عالی را نیز تا دریافت درجه دکترای حکمت و فلسفه از دانشگاه تهران (در سال 1346)ادامه داده و در هر دو حوزه تحصیل، مقام و جایگاه ویژه ای یافته است. سیدمحمدباقر در کنار این دو حوزه معرفتی، در شاخه کتابداری نیز، خدمات قابل توجهی را برای فهرست نویسی کتب دینی به ثمر رسانده و نخستین تلاشهای جدی برای تدوین نسخ خطی کتابخانه دانشکده الهیات ـ که سالها سرپرستی آن را نیز بر عهده داشته ـ توسط او انجام شده است.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : علوم قرآنی و حدیثوالدین و انساب : سید محمد باقر حجتی ،فرزند مرحوم حضرت حجه الاسلامی والمسلمین سید محمد حجتی ،فرزند مرحوم حضرت آیه العظمی سید محمد باقر حجتی مازندرانی بار فروشی ملا محلی است.جدشان حضرت الیه العظمی سید محمد باقر حجتی از مراجع تقلید در مازندران و از شاگردان آیات عظام سیدمحمدکاظم طباطبایی و محمدکاظم خراسانی و ملاعبدالله مازندرانی در حوزه علمیه نجف بوده است .پدر دکتر حجتی از علما و ائمه جماعت خوشنام شهرستان بابل بوده که هم اکنون یاد و مزار او و مقام و مزار جدش سخت مورد احترام مردم شهرستان مذکور است.خاطرات کودکی : سیدمحمدباقر حجتی در خانواده ای مذهبی به دنیا آمدو به فراخور محیط، از کودکی با مشی دینی خانواده، راه و رسم شریعت و دینداری آموخت و تحصیلات ابتدایی را در بابل آغاز کرد در مدرسه نیز شوق آموختن علوم قرآنی در او با حضور خانمی به نام صبوری که معلم قرآن مدرسه بوده ومشوق سیدمحمدباقر خردسال بیشتر می شود. «... چون تنها کسی که در کلاس درس ایشان بیش از دیگران به روخوانی قرآن آشنا بود، مرا شناسایی کرده بودند [و] همواره تشویقم می کردند. لکن این خانم شیدای قرآن ـ به علت بیماری سل ـ در جوانی دنیای فانی را وداع گفت و این بنده در همان دوران کودکی آن چنان از مرگ زودرس این آموزگار دلسوز قرآن، گرفتار افسردگی و اندوه مداوم بودم که نمی توانستم باور کنم جای

ایشان در دبستان خالی است و همواره خاطره علاقه بی حد وحصر ایشان به قرآن وتقوی و عفت ... در ذهنم تجدید می شود و مرا افسرده و متأثر می کند »تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی سید محمد باقرحجتی از زبان ایشان به قرار زیر است: من از همان اوان کودکی در کنار پدرم (پدرم امام جماعت یکی از مساجد بابل بود و مجلس تفسیر قرآن نیز داشت)بودم و عشق و علاقه به قرآن ، از همان دوره در من ایجاد شد. به همین دلیل بعد از چند سال تحصیل در حوزه بابل به قصد ادامه تحصیلات حوزوی ، به مدرسه مروی تهران رفتم. در همان زمان به دانشگاه تهران راه یافتم و بعد از اخذ مدرک لیسانس وارد مقطع دکترا شدم (در آن زمان دوره فوق لیسانس وجود نداشت). در سال 1346 با ارائه پایان نامه موفق به اخذ درجه دکترا در رشته فلسفه شدمخاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع مهم سید محمود باقر حجتی سفر وی به سوریه و انجام تحقیقات و مطالعاتی پیرامون علم حدیث و زبان عربی بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید محمدباقر حجتی در کنار تحصیل در رشته الهیات در دانشگاه تهران، به تحصیل علوم قرآنی و حدیث در حوزه علمیه مشغول بود.استادان و مربیان : سیدمحمد باقر حجتی در طی این دوران در محضر استادان بنام مدرسه مروی همچون سید صدرالدین رضوی، حاج میرزا ابوالقاسم گرجی ، علامه شعرانی ، علامه محمدتقی جعفری و علامه مرتضی مطهری ، میرزا باقر آشتیانی ، سید ابوالقاسم رفیعی قزوینی و... به تلمذ و تحصیل می پرداخت و در بیرون از مدرسه نیز سیرحکمت و فلسفه اسلامی را نزد علامه مرتضی مطهری دنبال می کند. همزمان با تحصیل در مدرسه مروی، با تشویق دوستان و آشنایان ، در آزمون ورودی دانشکده معقول و منقول ـ که اکنون با نام دانشکده الهیات و معارف شناخته می شود ـ شرکت می کند و به جمع دانشجویان رشته فقه و مبانی علوم اسلامی دانشگاه تهران می پیوندد. دوره لیسانس را در محضر استادان نامی دانشکده همچون میرجلال الدین محدث ارموی، مهدی الهی قمشه ای، سیدمهدی حمیدی، سیدمحمدباقر سبزواری، احمدناظرزاده کرمانی، سیدکمال الدین نوربخش، محمدباقر هوشیار، محمدعبده بروجردی، مجتبی مینوی، سیدحسن تقی زاده و دیگران با کسب امتیازات و نمرات عالی به پایان می برد و دوره دکترا را نیز در رشته حکمت و فلسفه اسلامی همان دانشگاه با احراز مقام اول به اتمام می رساند. در دوره دکترا نیز از محضر استادان شیخ محمدعلی حکیم، حاج حسین علی راشد، محمود شهابی وغلامحسین صدیقی و احمد فردید استفاده می کند.وقایع میانسالی : سید محمدباقر حجتی پس از اخذ دکتری در سال 1346 به عنوان استادیار به استخدام دانشگاه تهران منصوب شد، وی برخلاف رشته تحصیلی اش ، به دلیل علاقه وافر به علوم قرآنی به تدریس در رشته زبان

و ادبیات عرب و ترجمه و قرائت و تفسیر قرآن پرداخت و به تدریج پایه گذار رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه تهران بعد از انقلاب اسلامی شد و از آن زمان تاکنون علاوه بر تدریس و تألیف و ترجمه ، مدیریت دانشکده الهیات ومعارف اسلامی/گروه علوم قران وحدیث ، را بر عهده دارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید محمد باقر حجتی از سال 1339 ه.ش استاد گروه الهیات و معارف اسلامی دانشکده اللهیات دانشگاه تهران بوده است. وی مدتی مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس و عضو فرهنگستان دمشق (مجمع اللغه العربیه) و سایر مجامع و انجمن های علمی قرآنی بوده است. ریاست دایره کتابداری و راهنمایی و کتاب یابی کتابخانه دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از سال 1344-1366 ریاست کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از سال 1355 تا 1358 مدیریت گروه فرهنگ عربی و علوم قرآنی از سال 1352 تا 1355 و مدیریت علوم قرآن و حدیث از سال 1365 تا کنون در دانشگاه تهران مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث از سال 1365 تا 1380در دانشگاه تربیت مدرس معاونت پژوهشی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از سال 1369 تا 1380 عضویت هیئت گزینش کتاب از سال 1361 تا 1373 از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عضویت کمیته برنامه ریزی الهیات در شورای عالی برنامه ریزی از تاریخ 1364 تا 1382 از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی داور و عضو کمیته تخصصی علوم انسانی جشنواره خوارزمی از تاریخ 1370 تا 1383 عضویت شورای پژوهشی دانشگاه تهران از سال 1370 تا 1380 عضویت کمیته تخصصی علوم انسانی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران از سال 1370 تا 1374 مشاور سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی از تاریخ 1367 تا 1374 از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عضویت شورای پژوهشی دانشگاه امام صادق و مسئولیت پژوهشی گروه علوم قرآن و حدیث همین دانشگاه در سال 1373 عضویت فرهنگستان دمشق «مجمع الغه العربیه به دمشق» در سال 1365 رسمابه عنوان عضو این فرهنگستان از جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد.فعالیتهای آموزشی : سید محمد باقر حجتی از سال 1339 به تدریس علوم قرآنی و حدیث در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای معتبرایران از جمله دانشگاه تربیت مدرس مشغول بوده است. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط ایشان: کارشناسی ارشد علوم قرآنی 1 علوم قرآنی 2 دکتری تحقیق درباره ترجمه قران تفسیر 2 نقدمکاتب وروشهای تفسیری 1 سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه، تحقیق و تالیف کتابها و مقالات علمی بی شمار در زمینه علوم قرآنی و حدیث حاصل فعالیت های سید محمدباقر حجتی بوده است.آرا و

گرایشهای خاص : سید محمد باقر حجتی از جمله دانشمندانی است که تحصیلات دانشگاهی جدید را با تحصیلات حوزوی قدیم همراه کرده و با تلفیق این دو. آثاری بدیع آفریده است و دیدگاهی نوین به علوم قرآنی حدیث بخشیده است.جوائز و نشانها : ۰ جایزه احراز رتبه اول در مسابقه مقاله نویسی راجع به کودکان و نوجوانان از حوزه علمیه قم در سال 1356به مناسبت نگارش مقاله (کارآیی تشویق و تنبیه در تربیت کودکان و نوجوانان). ۰ جایزه و لوح تقدیر بهترین پژوهش کاربردی ادبیات و علوم انسانی ،دانشگاه تهران در سال 1354 به مناسبت نگارش مقاله تحقیق درباره ابن عباس و مقام وی در تفسیر که در شماره 17 و 18 مجله مقالات و بررسی ها در سال 1353 چاپ و منتشر شده است. ۰جایزه و لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب پژوهشی در تاریخ قرآن کریم به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال 1363 از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۰ جایزه و لوح تقدیر به مناسبت طرح و تدوین کتاب "فهرست موضوعی نسخه های خطی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران" که در سال 1370 حائز رتبه اول طرحهای علوم انسانی در پنجمین جشنواره خوارزمی شناخته شد. ۰ جایزه و لوح تقدیر کتاب فوق الذکر : علاوه بر اینکه این کتاب حائز رتبه اول طرحهای علوم انسانی را دریافت کرد،در 1371 از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کتاب سال شناخته شد. ۰جایزه و لوح تقدیر به مناسبت انتخاب ایشان به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران در سال 1369. ۰جایزه و لوح تقدیر استاد نمونه کشور در سال تصیلی 1372 -1371 از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد و آموزش عالی. ۰لوح تقدیر به مناسبت خدمتگزاری به ساحت قرآن کریم و معرفی دکتر سید محمد باقر حجتی، به عنوان یکی از خادمین قرآن کریم در سال 1373 از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۰دریافت اجازه روایت از دانشمندان برجسته مصری محمد غزالی در سال 1367 در ایام اقامت در الجزایر ضمن شرکت در بیست و دومین کنفرانس اسلامی در الجزایر. . برگزیده شده به عنوان چهره ماندگار علوم قرآن و حدیث در دومین همایش چهره های ماندگار سال 1381 ۰ دریافت جایزه و لوح تقدیر و نشان درجه یک پژوهش در سال 1384 از سوی دانشگاه تهران. . دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب "فهرست موضوعی نسخ های خطی عربی در کتابخانۀ جمهوری اسلامی ایران "تالیف سید محمد باقر حجتی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (در دوره دهم) از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چگونگی عرضه آثار : مقلات چاپ شده در نشریات معتبر علمی : - مقالات بزبان فارسی: 74 مقاله - مقلات بزبان عربی : 16 مقاله - مقالات بزبان انگلیسی و ترکی : 5 مقاله - بقیه مقالات : 21 مقاله استاد راهنما پایان نامه های کارشناسی ،کارشناسی ارشد و

دکتری : بیش از 300 پایان نامه

آثار : 1 آداب تعلیم و تعلم در اسلام (ترجمه کتاب «منیة المرید فی آداب المفید و المستفید» شهید ثانی) ویژگی اثر : تالیف- نشر بنیاد قرآن 13602- آداب تعلیم و تعلیم در اسلام ویژگی اثر : ترجمه -13593 ابلیس فی القرآن و الحدیث ویژگی اثر : تالیف- بزبان عربی-4 ابن عباس و مکانته فیا التفسیر و المعارف الاخری ویژگی اثر : ترجمه,دارالروضه ۱۳۷۸5, ابن عباس و مکانته فیا التفسیر و المعارف الاخری ویژگی اثر : تالیف,دارالروضه ,۱۳۶۹6 اسباب النزول ویژگی اثر : تالیف -دفتر نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی7 اسلام در کنار مصیبت دیدگان و افسرده دلان (ترجمه «مسکن الفؤاد عند فقد الاحبّة والاولاد» از شهید ثانی) ویژگی اثر : ترجمه -13638 اسلام و تعلیم و تربیت (بخش اول: تربیت – بخش دوم: تعلیم) در دو مجلد 9 پژوهشی در تاریخ قرآن کریم ویژگی اثر : تالیف - انتشارات نهضت زنان مسلمان -برنده جایزه کتاب سال 1363 -تاریخ قرآن» اصطلاح تازه ای است که اول بار «تئودورنولدکه» مستشرق بزرگ آلمانی آنرا بکار برد و مرحوم ابوعبدالله زنجانی در پی این نامگذاری کتابی تحت عنوان «تاریخ القرآن» به نگارش آورد و قبل از انقلاب نیز رساله ای در همین زمینه توسط استاد محمود رامیار تألیف گردید. برای تدوین کتاب «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم» سالها توسط مؤلف محترم کوشش محققانه ای بعمل آمده است. کتاب با بحث از عناوین و اسامی قرآن کریم آغاز شده و سپس به وحی الهی سخن به میان آورده است. آنگاه تحقیق فشرده ای در زمینه نزول قرآن و اولین و اخرین آیات نازله ارائه می دهد. سپس فصولی تحت عنوان «آیه»و«سوره» به تحلیل مباحث مخلف پیرامون این دو عنوان پرداخته است. بحث پیرامون فواتح سور، حروف مقطّعه و شمار حروف و کلمات و آیات و پیدایش خط وخط عربی وامّی بودن پیامبر از دیگر مباحث این کتاب است. سپس به نگارش قرآن در زمان پیامبر و بعد آن و موضوع جمع آوری آیات پرداخته و قرائت قرآن وقاریان آن را به تفصیل تشریح نموده است. جمع و ترتیب و تدوین قرآن و تاریخ آن موضوع دیگری است که مؤلف محترم به تفصیل به آن مبادرت ورزیده است. تاریخ شیوه نگارش قرآن و اعراب گذاری کلمات و ارائه نمونه هائی از قرآن قدیمی و خطوط مختلف ادامه بحث می باشد. کتاب با فهرست های ارزنده ای تکمیل گردیده است. 10 پژوهشی در تاریخ قرآن کریم ویژگی اثر : برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران11 تاریخ شیعه ویژگی اثر : ترجمه,دفتر نشر فرهنگ اسلامی ,۱۳۷۸12 تاریخ شیعه ویژگی اثر : ترجمه,دفتر نشر فرهنگ اسلامی ,۱۳۶۸13 تاریخ ادیان ویژگی اثر : ترجمه -دفتر نشر فرهنگ اسلامی در سال 137614 تعلیم و

تربیت اسلامی ویژگی اثر : تالیف -136215 تفسیر کاشف ویژگی اثر : ترجمه,دفتر نشر فرهنگ اسلامی ,۱۳۷۸،جلد 1 این کتا با با همکاری عبدالکریم بی آزار شیرازی ترجمه شده است.16 تفسیر کاشف در7 جلد ویژگی اثر : تالیف,دفتر نشر فرهنگ اسلامی ,۱۳۶۸17 تفسیر سوره واقعه ویژگی اثر : تالیف- 136118 تقدیم و تصحیح پاره ای از رسالات حکمی و عرفانی حکیم قاینی ویژگی اثر : این کتاب در دست طبع و انتشار است.19 توضیح البرهان در تجوید قرآن ویژگی اثر : ترجمه -دفتر نشر فرهنگ و اسلامی و سازمان همت در سال 138120 چهارده مقاله ویژگی اثر : این کتاب که اکثر گفتارهای آن مربوط به تفسیر و علوم قرآن است-136121 در حریم کعبه ـحاوی حکمتهای عرفانی مناسک حج ویژگی اثر : تالیف - بزان عربی-مرکز تحقیقات حج ,۱۳۷۷22 در حریم کعبه ـحاوی حکمتهای عرفانی مناسک حج ویژگی اثر : ترجمه,مرکز تحقیقات حج ,۱۳۷۸23 درآمد به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم ویژگی اثر : ترجمه,دفتر نشر فرهنگ اسلامی ,۱۳۷۸24 درآمد به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم ویژگی اثر : ترجمه,دفتر نشر فرهنگ اسلامی ,۱۳۶۹25 روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی (ترجمهٔ کتاب «الدراسات النفسیة عند المسلمین و الغزالی بوجه خاص» از دکتر عبد الکریم عثمان) در دو مجلد ویژگی اثر : ترجمه -136126 سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو تا اواخر قرن دوم هجری 27 سیری در سیره نویسی ومروری براحوال وآثارپارهای ازسیره نویسان ویژگی اثر : تالیف,مشهد کنگره جهانی حضرت رضا(ع) ,۱۳۷۱28 سیری در سیره نویسی ومروری براحوال وآثارپارهای ازسیره نویسان ویژگی اثر : ترجمه,مشهد کنگره جهانی حضرت رضا(ع) ,۱۳۷۸29 فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی در 4 جلد کتابخانه های جمهوری اسلامی ویژگی اثر : ..,تالیف,انتشارات سروش ,۱۳۷۶30 فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی در کتابخانه های جمهوری اسلامی ای ویژگی اثر : تالیف,تهران سازمان مدارک انقلاب اسلامی ,۱۳۷۶،این کتاب در دوره دهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:« فهرست موضوعی نسخ های خطی عربی در کتابخانهٔ جمهوری اسلامی ایران »: فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران و تاریخ علوم و تراجم دانشمندان اسلامی / نگارش سید محمد باقر حجتی به کوشش سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.- تهران : سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ، سروش (انتشارات صدا و سیما)، 1370.- ج. بالای عنوان : کشاف الفهارس و وصاف المخطوطات العربیه فی مکتبات فارس. مندرجات : ج 1، علوم قرآنی ، قرائت و تجوید. کتابخانه های کشور

ما هزاران نسخهٔ بسیار ارزشمندِ کتابهای عربی و اسلامی را تا کنون حفظ کرده است. ولی متأسفانه هنوز بطور شایسته معرفی نشده و جهان عرب و غیر آن از این ذخائر گرانبها اطلاعی ندارند. مسلماً فهرست کردن و معرفی آنها امری ضروری و خدمتی شایان به معارف اسلامی و نشان دهندهٔ اهتمام و عنایت ایرانیان به میراث فرهنگی اسلامی است. گرچه مستشرقان مانند سزگین و بروکلمان در این زمینه کارهایی به انجام رسانیده اند ولیکن این کتاب با شیوهٔ خاص خود در زبان فارسی حقاً اثری ابتکاری و منحصر بفرد است. و بدون تردید راه همواری را پیش روی محققان اسلام و اسلام شناسان قرار می دهد. امید است با همّت والای مؤلف محترم و به وجود آمدن امکانات، بیش از پیش شاهد تکمیل و عرضهٔ بقیهٔ مجلدات این اثر نفیس به بازار دانش وتحقیق باشیم. 31 فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ویژگی اثر : ترجمه,انتشارات سروش ,۱۳۷۸32 فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ای ویژگی اثر : ترجمه,تهران سازمان مدارک انقلاب اسلامی ,۱۳۷۸33 فهرست نسخ خطی ویژگی اثر : فهرست بسیاری از نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران توسط استاد دکتر سید محمد باقر حجتی تهیه شده است که بالغ بر دهها جلد بوده اند.34 فهرست نسخه های خطی و عکسی (کتابخانه دانشکده الهیات و معرف اسلامی دانشگاه تهران) در دو جلد ویژگی اثر : تالیف - انتشارات دانشگاه تهران در سال 134835 فهرست نسخه های خطی کتابخانه (دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران) ویژگی اثر : تالیف -انتشارات دانشگاه تهران-134536 فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک در شش جلد ویژگی اثر : تالیف - 1352 توسط انتشارات آستان قدس رضوی37 گامی فراسوی روانشناسی اسلامی ویژگی اثر : ترجمه -دفتر نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی38 گزیده کتاب آداب تعلیم و تربیت در ایلام ویژگی اثر : تالیف- چاپ توسط وزارت آموزش و پرورش -136139 مجموعه بحثهای تربیتی ویژگی اثر : تالیف-136240 مختصر تاریخ القرآن الکریم ویژگی اثر : این کتاب به اهتمام رایزنی فرهنگی ایران در دمشق با تیراژ چندین هزار.41 مدخلی بر کاوش در تاریخ ادیان ویژگی اثر : ترجمه,دفتر نشر فرهنگ اسلامی ,۱۳۷۷42 مدخلی بر کاوش در تاریخ ادیان ویژگی اثر : ترجمه,دفتر نشر فرهنگ اسلامی ,۱۳۷۸43 مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم ویژگی اثر : ترجمه,سازمان حج و اوقاف وامور خیریه ,۱۳۷۸44 مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم ویژگی اثر : ترجمه,سازمان حج و اوقاف وامور خیریه ,۱۳۶۶45 میثاق در قرآن ویژگی اثر : تالیف-با همکاری جناب آقای دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی-136446 نمی ازیم اسرار قران کریم ترجمه

«من اسرار القرآن» اثر دکتر مصطفی محمود ویژگی اثر : ترجمه - برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حر عاملی، احمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد ابن حسن بن علی مشغری، از دانشمندان شیعه عهد صفوی (و. 1040 ه.ق.- ف. پس از 1120 ه.ق.) وی برادر محمد شیخ‌الاسلام مشهور است. او پس از مرگ برادر در 1104 به مقام شیخ‌الاسلامی رسید و در 1115 به دستور شاه سلطان حسین صفوی به اصفهان رفت.
از آثار او: تاریخ صغیر، تاریخ کبیر، تفسیر قرآن، جواهر کلام، حاشیه بر مختصر نافع را باید نام برد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم حسن پور
محل تولد : گناباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
آقای ابوالقاسم حسن پور در سال 1336هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان گناباد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی وارد حوزه علمیه گناباد گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زاید الوصف او به تحصیل او را به مشهد مقدس کشاند و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله مرتضوی، آیت الله صالحی و آیت الله رضا زاده بهره ها برد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآنی در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1379از دانشگاه رضوی فارغ التحصیل گردید و پایان نامه خود را با عنوان" کمال انسان در قرآن" به اتمام رسانید. ایشان ضمن تبلیغ و تدریس، به امر تحقیق و پژوهش هم مشغول می باشد و در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات "المعجم فی لغت القرآن" و "اهل البیت فی القرآن الکریم" و... از جمله آثار ایشان است.

حسن زاده آملی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد 1307 شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.
دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و 5 جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد 15 تا جلد 19 میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که 15 مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.
مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد 15 شرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد 14 شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:
(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف‌الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.
العبد ابوالحسن الشعرانی
تألیفات و تصحیحات
آثار عرفانی و اخلاقی
لقاء الله
وحدت از دیدگاه عارف و حکیم
انه الحق
ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه
الهی نامه متن الهی نامه
انسان در عرف عرفان
کلمه علیا در توقیفیت اسماء
اصول و امّهات حکمی و عرفانی
تصحیح رساله مکاتبات
تصحیح و تعلیق تمهید القواعد
تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری
تصحیح و تحشیه رساله تحفة الملوک فی السیر و السلوک
مفاتیح المخازن
شرح فصوص الحکم
مشکاة القدس علی مصباح الأنس
شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ
نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور
باب رحمت
نامه ها برنامه ها
قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
آثار فلسفی و منطقی
اتحاد عاقل به معقول
نصوص الحکم بر فصوص الحکم
رساله جعل
صد کلمه
تصحیح اسفار اربعه
تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء
رساله ای در تضاد
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله ای در حرکت جوهری
ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم
رساله نَفس الأمر
نهج الولایه
درر القلائد علی غررِ الفَرائد
النور المتَجَلّی فی الظّهورِ الظِّلّی
مفاتیح الاَسرار لسلّاک الأسفار
سرح العیون فی شرح العیون
گشتی در حرکت
الحجج البالغة علی تجرد النفس الناطقة

گنجینه گوهر روان
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله مُثُل
تصحیح و تعلیق شرح اشارات
ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات
تصحیح و تعلیق شفا
ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرَّأیَین
رساله اعتقادات
الأصول الحکمیّة
رساله رؤیا
من کیستم
رسالة فی التضاد
دروس معرفت نفس
نثر الدراری علی نظم اللئالی
آثار فقهی
رساله ای در مسائل متفرقه فقهی
تعلیقات علی العروة الوثقی فی الفقه
وجیزه ای در مناسک حج
آثار تفسیری
تصحیح خلاصة المنهج
انسان و قرآن
آثار کلامی
خیر الأثر در رد جبر و قدر
تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار
لیلةالقدر و فاطمه علیها السلام
رسالة فی الإمامة
رساله ای در کسب کلامی
فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب
رسالة حول الرؤیا
آثار روایی
تصحیح نهج البلاغه
تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّة)
تکملة منهاج البراعة
مصادر و مآخذ نهج البلاغه
انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه
شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین
آثار ریاضی و هیوی
دروس معرفة الوقت و القبلة
رساله کلّ فی فلک یسبحون
رساله ای در تناهی ابعاد
تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعة الأصطرلاب للبیرونی
تعیین سمت قبله مدینه
الصحیفة العسجدیّة فی آلاتٍ رصدیّة
الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری
رساله سی فصل
تعلیق تحفة الأجِلّة فی معرفة القبلة
رساله قطب نما و قبله نما
تعلیقه بر رساله مولا مظفر
رساله میل کلّی
رساله ظِلّ
رساله تکسیر دایره
تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّة الابصار
رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور
رسالة فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج
رسالة فی الصّبح و الشّفق
رساله ای پیرامون فنون ریاضی
رساله ای در مطالب ریاضی
دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی
تصحیح و تعلیق شرح جغمینی
تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس
تصحیح و تعلیق اُکَرِ مانالاؤس
تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس
شرح زیج بهادری
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب
تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی
استخراج جداول تقویم
تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون
دروس معرفت اوفاق
شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی
تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه
تصحیح و اعراب اصول کافی
دیوان اشعار
قصیده یَنبوع الحیاة
مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین
تعلیقه بر باب توحید حدیقة الحقیقة
تصحیح گلستان سعدی
تعلیقه بر قسمت معانی مطوَّل
امثال طبری
آثار متفرقه
تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن
هزار و یک نکته
هزار و یک کلمه
مجموعه مقالات
ده رساله فارسی
کشیکل
مصاحبات مناجات علامه حسن زاده
- الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟
- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر
- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد
- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده
- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم
- الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد
- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو
- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار
- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی
- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
- الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!
- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی
دهان روح و تن
انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که

دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی‌که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود; و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.*
خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار
بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را دریاب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است; و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش» ; یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول حسنی اردکانی
محل تولد : اردکان فارس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1321/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب عبد الرسول حسنی اردکانی در اردکان فارس شهرستان سپیدان متولد شدم. پس از اخذ مدرک تحصیلی ششم ابتدایی، با رتبه اول در میان 36 نفر دانش آموز، در مدرسه آقا بابا خان شیراز سه سال طلبه بودم . در سال 43 به قم آمدم و با آیت الله مکارم و آیت الله ربانی شیرازی آشنا شدم دو دوره درس خارج اصول آیت الله مکارم شرکت کردم. مقداری از اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله سبحانی استفاده کردم. با تایید ستاد انقلاب فرهنگی و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مدت 12 سال در دانشگاه تهران معارف اسلامی تدریس نمودم. مدت 8 سال در دانشگاه آزاد قم و سه سال در دانشگاه قم تفسیر قرآن و نهج البلاغه تدریس نموده ام. شرح لمعه و رسائل را نیز در حوزه تدریس نموده ام . از محضر آیت الله گلپایگانی، نوری همدانی، محمدی گیلانی، انصاری شیرازی و مقداری هم از محضر استاد مطهری استفاده کرده ام.
دارای مدرک لیسانس از دانشگاه قم می باشم سال 1361، بیشتر از همه اصول و فقه و تفسیر و عقاید را از محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی بهره مند شده ام. مدت ده سال از سال 64 تا سال 74 مسئول تبلیغات اسلامی راه آهن استان مرکزی از قم تا نزدیک درود انجام وظیفه تبلیغی داشته ام.قائم مقام معاونت تهذیب و اخلاق حوزه علمیه قم مرکز مدیریت هستم. در ماه محرم 56 به جای حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله مجد الدین محلاتی شیرازی در ایرانشهر دهه عاشورا سخنرانی داشتم روز سوم بود،عصرها جلسه عقائد برای نسل جوان داشتم بعد از جلسه متوجه روحانی بزرگواری شدم که در گوشه حسینیه نشسته بودند نزدیک رفتم سلام و احترام کردم فرمود" سید علی خامنه ای "هستم به ایرانشهر تبعید شده ام. تا روز 13 محرم که در ایرانشهر بودم شبانه روز در خدمتشان بودم شب ها که سخنرانی می کردم حضور داشتند. چند بار با

اساتید دانشگاه شرفیاب محضر ایشان شدم که مورد لطف و عنایت خاص قرار دادند.

حسنی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر حسنی
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1317/12/4
زندگینامه علمی
اینجانب علی اکبر حسنی فرزند حبیب الله ، اسفند ماه 1317 در لنگرود گیلان متولد شدم و تا کلاس هفتم دبیرستان را همان جا گذراندم . در سال 1332 پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علمیه خان ، حجره ای برایم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار ، مقدمات از امثله ، صمدیه ، سیوطی ، مغنی ، مطول ، معالم ، قوانین و لمعتین را نزد علما و مدرسین آنروز خواندم ؛ رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را نیز خوانده و امتحان دادم .
در سال 1339 با اتمام کفایتین بمدت یکماه و نیم در درس خارج علمی و استدلالی آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی(ره) و نیز آیت الله اراکی(ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشویق واقع شدم که متاسفانه در حملات ساواک به فیضیه ، در دوم فروردین 1342 از بین رفت .بعد از فوت آیت الله بروجردی (ره) در درس امام خمینی (ره) شرکت کردم . بعد از سه سال که تبعید ایشان به ترکیه و عراق پیش آمد ، به درس مراجع آن زمان آیات عظام گلپایگانی(ره) ، شریعتمداری(ره) ، حائری(ره) ، محقق داماد(ره) و میرزا هاشم آملی(ره) می رفتم. برخی از کتب آیت الله حکیم(ره) و آیت الله خوئی(ره) را استفاده و مطالعه می کردیم ؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبیقی را نزد آقای مهدی حائری(ره) و برخی دروس تکمیلی را نزد مراجع فعلی خواندم .

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید یحیی حسین مقدم
محل تولد : نکاء
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1
زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره مکتب‌خانه در روستای محل ولادت (سوچلما از توابع شهرستان نکاء) وارد حوزه علمیه رستمکلأ (از توابع شهرستان بهشهر مازندران) شدم و از محضر آیت الله ابوالحسن ایازی تا سال 1349 شمسی استفاده کردم، دوره مقدمات و قسمتی از لمعین و معالم الاصول را در آن حوزه خواندم.

و در سال 1349 هجری شمسی روز شهادت امام همام موسی بن جعفر(ع) وارد حوزه علمیه قم عش آل محمد(ص) صانها الله عن الحوادث شدم و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری که قبلاً نام آنها ذکر شده تلمذ نمودم. تا اینکه از حدود سال 54 و 55 در درس خارج آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی و آیت الله مکارم و آیت الله مشکینی و اساتید دیگری که نام آنها را قبلاً ذکر کرم شرکت نمودم. و مدت سه سال بعد از پیروزی انقلاب در موسسه در راه حق از محضر آیت الله مصباح یزدی استفاده کردم.

لازم به ذکر است در ایام تابستان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن تا سال 1363 هجری شمسی در روستای بادالسبر از توابع شهرستان نکاء در محضر آیت الله سید خلیل محمدی بادالسبری مشغول تحصیل بوده و در ضمن تدریس نیز می‌نمودم.

حسینی ادیانی، مسلم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مسلم حسینی ادیانی
محل تولد : قائم شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1

حسینی ارسنجانی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمحمدحسن حسینی ارسنجانی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1
زندگینامه علمی
جمعی از اساتید سطوح عالیه ، تفسیر ، فلسفه ، منطق و کلام : آیات عظام سلطانی، فاضل لنکرانی و آیات حسینی ارسنجانی ، حاج شیخ یحیی انصاری ، سید محمد کاظم آیت الهی ، خزئلی ، مشکینی ، ستوده ، جوادی آملی ، مجد الدین محلاتی ، دوزدوزانی ، شب زنده دار ، و کریمی جهرمی ؛ اساتید خارج فقه و اصول ، آیات عظام : گلپایگانی(ره) (5 سال فقه) ، مرتضی حائری یزدی (ره) (5 سال فقه) ، حسینعلی منتظری (15 سال فقه) ، هاشم آملی (ره) (4 سال اصول) . تدریس سیوطی ، معالم و لمعتین و نهج البلاغه .

حسینی شیرازی، صادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی روز 20 ذی حجه 1360ق در کربلای معلا دیده به جهان گشود.
وی دروس دینی و حوزوی را از بزرگان علما و مراجع در حوزه ی علمیه فرا گرفت وبه درجات عالی اجتهاد نائل شد.
عالمان اسلامی ایشان را فقیهی جامع، اصولیِ مبرز وآشنا به علوم معقول ومنقول می شناسند و به پرهیزکاری و زهد و ورع و فضایل اخلاقی ایشان اعتراف دارند.
ایشان در بیت مجدد شیرازی رحمة الله علیه که خاندان علم وفضیلت و پرهیزکاری واجتهاد است رشد یافت.
نگارش آثار متعدد و گوناگون برای سطوح مختلف مردم از خصوصیات ایشان می باشد که در ادامه فهرست آنها خواهد آمد. ایشان همچنین برای فقها و مجتهدان درس ها و مباحثی را در فقه و اصول با استدلال علمی و دقیق و با روشی متین و زیبا و علمی به رشته تحریر در آورده اند.
بیش از 30 سال است که در بحث خارج فقه و اصول ایشان جمعی از علما و دانشمندان و فضلا حاضر می شوند و برخی از مدرسان خارج در حوزه علمیه قم و سوریه وشماری از مبلغان نقاط مختلف دنیا از شاگردان این عالم فرزانه می باشند.

خاندان آیت الله العظمی شیرازی
آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی از فرزندان زید بن علی بن الحسین بن علی امیرالمؤمنین سلام الله علیهم است و در خاندانی پرورش یافته که در طول یکصد و پنجاه سال اخیر در فقاهت ومرجعیت معروف وشاخص بوده اند. در زیر به نام برخی از این اختران تابناک اشاره می نماییم:
1. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید محمد حسن شیرازی قدس سره معروف به مجدد شیرازی صاحب نهضت مشهور تنباکو در ایران (وفات وی در سال 1312ق می باشد)؛
2. بزرگ مرجع آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره رهبر انقلاب 1920م در عراق (وفات وی در سال 1338ق می باشد)؛
3. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید علی شیرازی قدس سره فرزند

مجدد شیرازی از بزرگان ومراجع شیعه در نجف اشرف (وفات وی در سال 1355ق می باشد)؛
4. آیت الله العظمی آقا سید اسماعیل شیرازی قدس سره (وفات وی در سال 1305ق می باشد)؛
5. بزرگ مرجع حضرت آیت الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی (وفات وی در 11 صفر 1382ق می باشد)؛
6. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره (پدر ایشان) از بزرگان مراجع شیعه در کربلای معلا (وفات وی در 28 شعبان 1380ق می باشد)؛
7. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته (برادر معظم له) که در 2 شوال 1422ق به رحمت ایزدی پیوست؛
8. آیت الله شهید سید حسن شیرازی اعلی الله مقامه (یکی دیگر از برادران معظم له) بنیانگذار حوزه علمیه در کنار حرم مطهر حضرت زینب کبری سلام الله علیها که در 6 جمادی الثانی 1400ق در بیروت با ترور ناجوانمردانه دژخیمان بعث عراق به شهادت رسید.

استادان

ایشان مراحل مختلف دروس علمی را زیر نظر بزرگان علما و مراجع در حوزه علمیه کربلا دنبال کردند و به درجات بالای اجتهاد دست یافتند. برخی از استادان ایشان عبارتند از:
1. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی قدس سره .
2. برادر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره .
3. آیت الله العظمی آقا سید هادی میلانی قدس سره .
4. آیت الله العظمی آقا شیخ محمد رضا اصفهانی قدس سره .
5. آیت الله شیخ محمد شاهرودی قدس سره .
6. آیت الله حاج شیخ محمد صدقی مازندرانی قدس سره .
7. آیت الله حاج شیخ جعفر رشتی قدس سره .
8. آیت الله سید کاظم مدرسی قدس سره .

مؤسسات

از جمله اهتمامات خاص ایشان توجه به امر مؤسسات دینی، فرهنگی، خیریه و خدماتی است. صدها مؤسسه دینی وفرهنگی، مساجد، حسینیه ها، شبکه های تلویزیونی، شبکه های ماهواره ای، رادیو ، حوزه ها، زائرسرا، سایت های اینترنتی، مدارس، کتابخانه ها، مراکز انتشاراتی و درمانگاه ها تحت عنایات و ارشادات ایشان مشغول به فعالیت می باشند.

توجه به اخلاق وتهذیب
این بزرگ مرد علم و اخلاق نسبت به تربیت علمی و اخلاقیِ طلاب و فضلا اهمیت شایانی قائل است. دروس اخلاق ایشان که در کشورهای عراق، کویت و ایران ایراد شده است زبانزد همه علاقه مندان مکتب اخلاقی اسلام می باشد و از محضر مبارکش شمار فراوانی از فضلا و علما استفاده کرده اند. شایان ذکر است که درس های اخلاق ایشان به صورت جزوه و کتاب چندین مرحله به چاپ رسیده است. اخلاق اسلامی و نمونه ایشان زینت بخش شخصیت والای علمی معظم له می باشد وهر شخصی که با ایشان معاشرت داشته باشد خلق نیک و فضایل انسانی و خوشرویی معظم له، اولین چیزی است که توجه او را جلب خواهد کرد.
دوری از مظاهر دنیا در کنار تقوا و ورع، توکل بر خدا، تواضع فراوان در برابر مردم، اخلاق نیکو، احترام به کوچک و بزرگ، صبر، پایداری و ثبات قدم، تحمل مشکلات در راه اِعلای کلمه حق، نشر ومعرفی فرهنگ اهل بیت عصمت وطهارت سلام الله علیهم، دوستی برای خدا و در راه خدا، خدمت به مردم و مدارا با آنان و محاسبه نفس شعار این بزرگوار می باشد که خود، قبل از دیگران به این امور عمل می نماید.
تألیفات
ایشان تألیف وتصنیف را در سن جوانی آغاز کرده و تاکنون نیز آن را دنبال می کند. همچنین در موضوعات وابواب مختلف فقهی، اصولی، اعتقادی، فرهنگی و تاریخی تألیفاتی دارند که در این جا به برخی از آثار ایشان اشاره می شود: ـ بیان الفقه:
در چند مجلد که جلد اول آن در باب اجتهاد و تقلید می باشد و 72 مسأله از کتاب اجتهاد و تقلید را شامل می شود و دارای 700 صفحه می باشد. این کتاب در لبنان به چاپ رسیده و از تألیفات آن مرجع بزرگوار در کربلای معلاست. ـ بیان الأصول «10جلد»:
6 جلد آن (مجلدات مربوط به قاعده «لاضرر ولا ضرار» و استصحاب «قطع ظن» «تعادل و ترجیح») به چاپ رسیده است. این کتاب شامل مباحث علمی، دقیق، استدلالی و مفصل در علم اصول بوده، از تألیفات ایشان در شهر مقدس قم می باشد وتاکنون چندین مرتبه به چاپ رسیده است. ـ توضیح شرائع الاسلام «4 جلد»:
شرح توضیحی بر کتاب شرائع الاسلام تألیف محقق حلی قدس سره شامل هزاران تعلیق و توضیح در ابواب مختلف فقهی نظیر عبادات و معاملات و ایقاعات و غیره می باشد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا بوده و مورد توجه بسیار حوزه های علمیه ومجامع علمی ودانشگاهی قرار گرفته و حتی به عنوان کتاب درسی و مرجعی مهم تعیین گردیده است. ـ شرح تبصرة المتعلمین «2جلد»:

شرحی بر کتاب تبصرة المتعلمین فی أحکام الدین مرحوم علامه حلی رحمة الله علیه بوده و ابواب مختلف فقه از طهارت تا دیات را مورد بررسی قرار می دهد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال 1382ق می باشد وتاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده و اولین بار در نجف اشرف در سال 1382ق به چاپ رسیده است. ـ شرح بر کتاب سیوطی «2جلد»:

شرح تعلیقی است بر کتاب البهجة المرضیة فی شرح الألفیة تألیف جلال الدین سیوطی. این کتاب از کتب علمی و درسیِ حوزه های علمیه و از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال 1386ق می باشد. در پی استقبال فراوان طلاب سطوح حوزه چندین بار تجدید چاپ شده است.

ـ شرح اللمعة الدمشقیة «10جلد»:

شرح تعلیقی جامع و کامل بر کتاب شرح اللمعـة الدمشقیة تألیف شهید ثانی قدس سره که از مهم ترین کتب درسی در حوزه علمیه می باشد و ان شاء الله به زودی چاپ خواهد شد. ـ موجز در منطق:

در این اثر اصول علم منطق به روشی آسان و روشن برای نوآموزان حوزه نوشته شده و در بعضی از حوزه ها جزء برنامه درسی قرار گرفته است. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال 1384ق می باشد. ●

کتاب های اعتقادی:

از جمله کتب مهم در دفاع از مذهب اهل بیت علیهم السلام می توان به مجموعه کتاب هایی اشاره کرد که این عالم ربانی ومرجع بزرگوار تحریر نموده است. ـ علی سلام الله علیه در قرآن «2 جلد»:

در این کتاب 711 آیه شریفه از قرآن کریم که در بیان فضیلت و عظمت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه ودر شأن ایشان نازل شده مورد بررسی قرار گرفته است. تمامی این فضایل برگرفته از مصادر و کتب معتبر عامه می باشد و بر اساس ترتیب سوره های قرآنی، از سوره حمد تا سوره اخلاص می باشد. جمع آوری و تدوین آن در کربلای معلا انجام شده است. ـ فاطمه زهرا سلام الله علیها در قرآن:

شامل آیاتی است که پیرامون حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده است. این کتاب بنابر مصادر و کتب عامه و در شهر مقدس قم در سال 1408ق تألیف شده است. تعداد صفحات این کتاب 360 صفحه می باشد وچندین بار تجدید چاپ شده است. ـ اهل البیت سلام الله علیهم در قرآن:

این کتاب نیز شامل آیاتی است که در شأن و مقام باعظمت اهل بیت علیهم السلام نازل شده و از مصادر و کتب معتبر عامه جمع آوری گردیده واز سوره فاتحه تا کوثر را شامل می شود و از تألیفات ایشان در کویت است و شامل 407 صفحه می باشد. ـ شیعه در قرآن:

موضوع این اثر آیات شریفه ای از قرآن کریم است که درباره شیعیان حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما نازل شده. در این کتاب تمامی شأن نزول ها، تأویل ها و تفسیرهای آیات از کتب و مصادر عامه آورده شده است. ـ حضرت مهدی سلام الله علیه در کتب اهل سنت:
این کتاب شامل مجموعه زیادی از روایات نبوی پیرامون حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تمامی مصادر آن از کتاب های عامه می باشد. این اثر ارزشمند از تألیفات ایشان در کربلای معلاست و در 126 صفحه چندین بار چاپ شده که نخستین چاپ آن مربوط به سال 1400ق در مؤسسة الوفای لبنان می باشد. ـ حقائق عن الشیعة: (شیعه و اتهامات ناروا)
این کتاب در اثبات عقاید و رد برخی شبهاتی است که از طرف دشمنان مذهب مطرح شده و ایشان در این کتاب با بیانی روشن، زیبا و آسان به این شبهات پاسخ داده اند. کتاب مذکور از تألیفات آن بزرگوار در کربلای معلاست که در 80 صفحه چندین مرتبه به چاپ رسیده است. ● کتاب های فرهنگی:
در این بخش به معرفی آثار فکری و ارشادی معظم له می پردازیم: ـ قیاس در شریعت اسلامی:
این کتاب مسأله مهم قیاس و احکام آن را در شریعت و دین اسلام مورد بحث وبررسی قرار می دهد و از تألیفات ایشان در شهر مقدس کربلاست.
ـ منزلت نماز جماعت در اسلام:
این کتاب شامل مجموعه ای از احادیث شریفه در فضیلت نماز جماعت و بیان فلسفه و احکام آن است و ایشان در سن جوانی در کویت تألیف کرده اند. ـ روزه:
فلسفه روزه و احکام آن که به صورتی ساده و روان در کربلا تألیف شده و در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ حج
شامل احکام و مسائل مربوط به حج به صورت ساده و روان که در کربلای معلا تألیف شده است.
ـ مقدماتی در اقتصاد اسلامی:
در این کتاب که در کویت و ایران به چاپ رسیده ویژگیهای مهم اقتصاد اسلامی بررسی شده و تفاوت آن با دیگر مکاتب اقتصادی به روشنی نمایان شده است. ـ اقتصاد و مشکل ربا:
بیانگر زیان های ربا در اقتصاد جهانی و راه حل آن می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی است که در کویت و ایران به چاپ رسیده است. ـ اسلام و سیاست: (السیاسة من واقع الإسلام)
در این کتاب دیدگاه اسلام درباره سیاست وسیره رسول خدا، امیرالمؤمنین وائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین در زمینه مسائل سیاسی شرح و

توضیح داده شده است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلاست و شامل 414 صفحه می باشد و ترجمه آن به نام اسلام و سیاست در ایران به رشته چاپ در آمده است. ـ شراب و جامعه:
زیان ها و مفاسد شراب در جامعه موضوع این کتاب است که ایشان در کربلای معلا در سن جوانی تألیف کرده اند و چندین بار در نجف و قم تجدید چاپ شده است. ـ زشتی های بی حجابی:
شامل بحثی درباره ضرورت حجاب و مفاسد بی حجابی می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی در کربلای معلاست. ـ داستان های آموزنده:
شامل مجموعه ای از داستان های آموزنده و از نوشته های ایشان در سن جوانی در کربلای معلاست که در نجف اشرف در سال 1378ق به چاپ رسیده است. ـ حدود در اسلام:
این کتاب درباره فلسفه حدود در اسلام و بیان شروط و احکام آن می باشد و از تألیفات ایشان در کربلای معلاست که در بیروت به چاپ رسیده است. ـ راهی به سوی بانک اسلامی:
این کتاب دیدگاه کاملی درباره بانکداری اسلامی ارائه می دهد و مسائل و اشکالات برطرف شدن قانون ربا را در نظام بانکی بررسی می نماید و مسائل و وظایف مهم بانک های اسلامی را با توجه به آخرین نظریات موجود در قانون اقتصاد جهانی روشن و بیان می کند. این اثر 104 صفحه دارد و در سال 1392ق در کربلای معلا تألیف شده و در سال 1972م در دارالصادق لبنان به چاپ رسیده است. • رجال و شخصیت ها
ـ مالک اشتر نخعی:
شرح حال شخصیت وسردار بزرگ اسلام مالک اشتر نخعی رضوان الله تعالی علیه است که در کربلا تألیف شده و در سال 1387ق در چاپخانه الغری الحدیثة در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ شهید اول:
شرح حال و بیان زندگی مختصری از شهید اول شیخ شمس الدین ابو عبد الله محمد بن جمال الدین مکی فرزند شمس الدین محمد مطلبی دمشقی عاملی جزینی همدانی است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلای معلاست وضمن سلسله کتاب هایی تحت عنوان «بزرگان شیعه» می باشد که در نجف اشرف چاپ شده است. ـ شهید ثانی:
شرح حال مختصر شهید ثانی شیخ زین الدین علی بن احمد الجبل عاملی می باشد. این اثر از نوشته های آن بزرگ مرجع در کربلای معلا و جزء سلسله کتاب های «بزرگان شیعه» است که در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ پدر:
این کتاب شامل بخش های آموزنده ای از زندگی مرحوم آیت الله العظمی حاج سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره می باشد که به مناسبت چهلمین سالگرد رحلت آن مرجع عظیم به رشته تحریر درآمده است.

شایان ذکر است تعدادی از کتاب های یادشده به زبان های فارسی، انگلیسی، اردو، آذری، کُردی، بنگالی، سواحلی، هندی و دیگر زبان ها ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

اجازه مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شیرازی قدس سره

متن اجازه اجتهاد و ارجاع از طرف مرحوم حضرت آیت الله العمظی حاج سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته به حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله العالی در امور تقلید.

« ترجمه متن »

بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و الصلاة و السلام علی محمد و آله الطاهرین

اما بعد، همان گونه که از نزدیک مشاهده کردم، حضرت آیت الله حاج سید صادق شیرازی دامت تأییداته به مرتبه بالایی از مقام اجتهاد و همچنین مقام والایی از تقوا و عدالت رسیده است و ایشان را شایسته مقام فتوا و تقلید و هر آنچه یک فقیه عادل عهده دار می شود، می دانم.

بنابراین رجوع به ایشان در کلیه مسائل، مشروط به اجازه مرجع عادل وتقلید از ایشان جایز می باشد، و او را به تقوای بیشتر و احتیاط در کلیه احوال که راه نجات است توصیه می کنم، همان گونه که برادران ایمانی را سفارش می کنم تا به گِرد ایشان جمع شده، از وجودشان در کلیه زمینه ها استفاده کنند. خدای متعال توفیق دهنده وهدایتگر می باشد و تنها او یاری دهنده است. محمد الشیرازی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسحق حسینی کوهساری
محل تولد : نکا- ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/2/15
زندگینامه علمی
حقیر سید اسحاق حسینی کوهساری در سال 1328 در روستای کوهسار کتن از توابع شهرستان نکا متولد شدم. دوران ابتدائی تحصیل را در حوزه علمیه نکا تحت نظر آیت الله سیموندهی طاب ثراه و سپس به مدت چهار سال در حوزه علمیه امام صادق(ع) قم تحت نظر آیت الله دار ابکلائی ادامه تحصیل داده ام.
در سال تحصیلی 47-46 وارد حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه سعادت تحت نظر آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی تحت اشراف و نظر آن دو عزیز به تحصیل ادامه داده قوانین را نزد استاد دوزدوزانی، رسائل را نزد استاد اعتمادی، مکاسب را نزد استاد ستوده، کفایتین را نزد آیت الله سلطانی و اسفار را نزد حسن زاده آملی و جوادی آملی و استاد مصباح یزدی گذراندم. تقریبا دو دوره درس اصول و فقه آیت الله میرزا هاشم آملی و مقدار اندکی از محضر آیت الله گلپایگانی و مرتضی حائری و مدت 8 سال از محضر آیت الله تبریزی و مدت 6 سال از محضر آیت الله جوادی و مدت 4 سال از محضر آیت الله منتظری استفاده کرده ام.
تقریبا چند سال قبل از انقلاب وارد مدرسه در راه حق شده و دوره آموزشی دروس معارف و فلسفه و بقیه دروس موسسه را گذرانده و سپس وارد موسسه باقرالعلوم(ع) و بعد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده ام .
مدت 12 سال به عنوان مدرس دروس معرفت شناسی ، انسان شناسی، و خداشناسی با طرح ولایت بسیج دانشجویی افتخار همکاری داشته ام و پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه را دریافت نموده ام.
حقیر از سال 60-59 جز اولین گروهی بوده ام که وارد دانشگاه تهران شده ام و از آن زمان تاکنون به عنوان تدریس معارف اسلامی 1 و 2 اخلاق ، تاریخ اسلام همکاری داشته ام و اکنون عضو گروه الهیات پردیس

قم هستم و درس تفسیر تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر و درس های وانسیه را به عهده دارم.
کتب و مقالاتی هم نگاشته ام که خوشبختانه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به عنوان کتاب درس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه تحت مدیریت استاد فیاضی که حقیر افتخار تدریس متن کتاب را بر عهده دارم و مرکز جهانی اهل بیت (جامعه المصطفی کنونی) و دانشگاه معارف اسلامی قم و برخی از دانشگاهها دولتی و آزاد جز کتب درس قرار گرفت و الان تحت چاپ است.
حقیر کارشناسی ارشد فلسفه خبرگان بدون مدرک را هم گرفته ام و اخیراً تز دکتری نقد و بررسی مبانی تفسیر عرفانی را تحت نظر استاد سید محمد باقر حجتی و حبیب الله طاهری و مشاوره دکتر الهیات و دکتر سبحانی گذرانده ام.و اکنون مشغول نگارش تفسیر سوره حمد به عنوان کتاب درس دانشگاه و آماده سازی پایان نامه جهت چاپ می باشم.
در ضمن حقیر افتخار روحانی کاروان در طول بیست سال را دارم و از نظر منبر و نوکری امام حسین قم و خطابه هم موفق هستم و در استانهای مختلف افتخار نوکری را دارم و الان بواسطه عضویت هیئت علمی امکان رفتن به خارج از قم را ندارم تقریبا در لشکر 17 علی ابن ابی طالب و سپاه قم دانشگاه شهید محلاتی افتخار همکاری را در این ..... داشته و دارم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسماعیل حسینی
محل تولد : آذربایجان شرقی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/3/30
زندگینامه علمی
بنده حقیر در استان آذربایجان شرقی، شهرستان اهربخش خاروانا در روستای نچق در سال 56 بدنیا آمدم بعد از آنکه به سن هفت سالگی رسیده‌ام ، تحصیلات ابتدائی را در همان محل طی کرده و چون در محل خودمان (روستای نچق) مدرسه راهنمائی نبود لذا برای ادامه تحصیلات در مقطع راهنمائی به بخش خاروانا مراجعه کرده و در آنجا مشغول تحصیل در مقطع راهنمایی شدم .بعد از تعطیلات دوره راهنمایی به جهت این که علاقه زیادی حتی از دوران ابتدائی به درس‌های حوزه و علوم دینی داشتم تا در آینده روحانی خوبی باشم حتی در همان محل با این که معلمین اسرار می‌کردند که درس شما خوب است همین دروس را ادامه بدهید با این حال این علاقه شدید مرا از آن درس‌های دوره دبیرستانی منصرف کرد و آمدم به نزدیکترین محل که شهرستان جلفا و هادی شهر بود در آنجا به تحصیلات حوزوی مشغول شدم، بعد از یک سال تحصیل در آنجا دیدم وضعیت آنجا مرا قانع نمی‌کند و بر بنده چنان مفید واقع نمی‌شود، برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه ولیعصر(عج) تبریز انتقال گرفتم و ادامه تحصیلات مقدماتی را در آن حوزه مبارکه گذراندم و در سال 80 به قم آمدم و در خدمت استادانی چون استاد محسن فقیهی و استاد فاطمی و استاد سید حسن خمینی و استاد سیدمحمد ابن الرضا خونساری درس رسایل و مکاسب و کفایه را آموختم و الان در خدمت آیت الله سبحانی و آیةالله مکارم شیرازی و استاد محمدابن الرضا درس خارج فقه و اصول را فرامی‌گیرم.
اینجانب بعد از طی دوره مقدماتی علاقه زیادی به تبلیغ و تحقیق داشتم که این علاقه در سال 1385 که از طرف مقام معظم رهبری به سال پیامبر اعظم(ص) نام گذاری گردید مرا شدیداً وادار نمود تا در آن .سال بتوانم کتابی در مورد آن حضرت به رشته تحریر درآورم. از آن سال به بعد هم اکنون مدتی است مشغول تحقیق در عنوانهای مختلفی می‌باشم از جمله:(

کتابی به نام راهی بسوی سعادت«مواعظ و سفارشات رسول اکرم(ص) به علی (ع) و اباذر» که چاپ شده ،و آداب زندگی در سیره رسول اکرم(ص) «اخلاقی-اجتماعی- عبادی -سیاسی وچهل حدیث» که دردست چاپ است وکتابهایی در موضوعات کرامات و معجزات رسول اکرم(ص) و راههای مبارزه بافقر و پزشک خانواده)که هنوز آنها رابخاطر مشکلات مالی نتوانستم به چاپ برسانم و بنده حقیر حافظ نصف قرآن کریم می‌باشم و به رشته تفسیر و علوم قرآنی بیشتر علاقه داشته و کار می‌کنم که تا در آینده به حول قوه الهی بتوانم در عنوانهای تفسیری تحقیق و تدریس داشته باشم «انشاءالله»

حفيد تفتازانى، سيف‌الدين، احمد

قرن:9
جنسيت:مرد
مليت:ايران
(وف 916 ق)، فقيه، محدث، مفسر و متكلم شافعى. معروف به شيخ‌الاسلام. چون از نوادگان محقق تفتازانى بود، به احمد حفيد نيز شهرت داشت. وى مدت سى سال در زمان سلطان حسين بايقرا عهده‌دار قضاى هرات بود. شاه اسماعيل صفوى، او را با پنج تن از علماء هرات در مرو كشت. وى در بيشتر علوم زمان، بويژه فقه و حديث و تفسير يگانه‌ى زمان و فريد عصر بود. از آثار وى: «شرحى بر تهذيب المنطق و الكلام»؛ «تعليقه بر شرح عقايد نسفيه»؛ «حاشيه بر مختصر»؛ «حاشيه بر مطول»؛ «الفوائد و الفرائد» و «شرح فرائض السراجيه»؛ «حاشيه بر شرح الوقايه لصدر الشريعه».
برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)
منابع زندگينامه :حبيب السير (349/4)، روضات الجنات (353 -352 /1)، كشف الظنون (475، 516، 1144، 1247، 1480، 2023)، الكنى و الالقاب (122 -121 /2)، لغت نامه (ذيل/ احمد)، معجم المولفين (206 -205 /2)، هديه العارفين (138/1).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی حقی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
از سال 81 به بعد در درسهای فقهی حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم آیت الله تبریزی شرکت کردم و همزمان به تدریس درس مکاسب مرحوم شیخ در مدرسه خان و مدرسه امام عصر اشتغال دارم و از سال 83 تاکنون به همراه دوست گرامی جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای سید علی عماد بیرجندی طرحی را که در ارتباط با فقه القرآن با نگاهی متفاوت از آنچه تاکنون رایج بوده آغاز کرده ایم که احتمالا برای تکمیل آن بین 10 تا 15 سال نیاز به زمان است و می تواند آثار و نتایج علمی خوبی برای محققان حوزوی در برداشته باشد. طرح مذکور در مرحله فیش برداری و مطالعات اولیه قرآنی قرار دارد و در مراحل بعد نیاز به همکاری و یاری تعداد زیادی از محققان حوزه خواهد داشت که امید است مورد عنایت حضرت ولی عصر قرار گیرد.
تنظیم آثار علمی مرحوم والدم که شامل دست نوشته های فراوان فقهی، تفسیری، کلامی و فلسفی است از دیگر دغدغه های اینجانب است که امیدوارم بتوان سر و سامانی به آنها داده و بخشهایی از آن را به جامعه عرضه دارم، انشاء الله. از سال 77 تا 84 نیز بطور مستمر در حلقه جلسه تفسیر جمعی از بزرگان حوزه که بصورت هفته ای 2روز تشکیل می شد شرکت کرده و بهره علمی فراوانی از محضر آقایان بردم.همچنین با توجه به نیاز فراوان جوانان و نوجوانان به مفاهیم و معارف ناب قرآن و اهل بیت و کمبود کارهای علمی و بی توجهی به این سنین از سوی محققان حوزه ای، طرح چند جلد کتاب آموزشی موضوعات منتخب قرآن همراه با معانی قابل درک و ابزارهای تفهیم و انتقال این مفاهیم به گروههای سنی 4 تا 18 سال را در دست تالیف و تحقیق دارم که امیدوارم به تدریج تکمیل و به جامعه عرضه گردد. بخشهایی از این موضوعات در موسسه حفظ قرآن کوثر و مدارس تابع آن در سالهای گذشته تدریس شده و نتایج مثبت

آن مورد ارزیابی قرار گرفته است و هم اکنون آماده تکثیر و ارائه به سایر مراکز آموزشی کشور است.

حکمت، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مورخ، شاعر، مترجم.
تولد: 1271(1310 ق.)، تهران.
درگذشت: 3 شهریور 1359، تهران.
علی‌اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت‌الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوه‌ی حسن فسایی نویسنده‌ی کتاب فارسنامه ناصری بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب شرح صحیفه نام داشت.
علی‌اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسه‌ی علمیه و منصوریه) فراگرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ 1337 ق. در وزارت معارف مشغول به کار شد. در سال 1346 ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال 1309 به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سربن پاریس در رشته‌ی ادبیات فارغ‌التحصل گردید و به تهران بازگشت.
مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، 1299؛ رییس اداره‌ی کل معارف، 1307؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، 1312 -1300 (بازگشت به تهران در شهریور 1312)؛ کفیل وزارت معارف، 1312؛ وزیر فرهنگ، 1317 -1313؛ رییس دانشگاه تهران، 1317 -1314؛ وزیر کشور 1318؛ وزیر بهداری، 1320؛ وزیر دادگستری، 1322؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال 1325؛ وزیر مشاور؛ 1326 و 1332 وزیر امور خارجه، 1328 -1327؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال 1329؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در دانشگاه تهران از سال 1329؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو منعقد در فلورانس (1950) و دهلی نو (1956)؛ سفیر کبیر ایران در هند 1336 -1332؛ وزیر مختار در تایلند، 1335؛ وزیر امور خارجه، 1338 -1337؛ رییس هیئت مدیره انجمن آثار ملی، 1333 -1324؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، 1244؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجله «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شماره‌ی اول آن در فروردین 1304 منتشر

شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد 1351 کتابخانه شخصی خود را شامل پنج هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی و تعدادی مرقعات) به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود، شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)، شرکت گابیگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.
از جمله نشان‌های اوست: نشان درجه اول وزارت فرهنگ، 1299؛ نشان لژیون دونور از دولت فرانسه؛ نشان درجه اول همایون، 1325؛ نشان درجه اول نیل از دولت مصر، 1318؛ نشان درجه‌ی اول الکوکب الاردنی از دولت هاشمی اردن؛ 1328، نشان درجه‌ی اول سردار اعلا از دولت افغانستان، 1329؛ نشان رسمی درجه‌ی اول از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.
فهرست آثار او به شرح زیر است: امثال قرآن مجید (فصلی از تاریخ قرآن کریم، 1333)، حروف مقطعه‌ی قرآنیه یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن (1331، نشریه مجله «مهر»)؛ تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید؛ تصحیح و تحشیه کشف الاسرار و عدة الابرار خواجه رشیدالدین میبدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ سعدی تا جامی (ترجمه‌ی جلد سوم دوره‌ی تاریخ ادبیات ادوارد براون، در منبع دیگر به این صورت از آن یاد شده است: ترجمه‌ی جلد سوم تاریخ ادبی ایران و در منبع دیگری آمده است: چهارمین جلد از تاریخ ادبیات ایران، (1327)؛ شادباش نوروزی (مجموعه اشعار، 1326)؛ پارسی نغز (مجموعه آثار پارسی سره از نویسندگان ایران قدیم و جدید، 1323)؛ امین و مأمون (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ پنج حکایت از شکسپیر (دو جلد، لاهور، 1957 م.)؛ پنج درام از شکسپیر (دو جلد، تهرن، 1333)؛ دوستداران وطن، تقویم معارف از سال 1305 تا 1307 (تحصحیح و تحشیه)؛ جام جهان نما؛ رساله‌ی قضایای عامه در «علوم طبیعی» ترجمه از انگلیسی؛ رساله در باب علیشیر نوایی (1326)؛ ایران در فرهنگ جهان (1326)؛ شعر معاصر؛ رستاخیز (اثر لئون تولستوی، 1339)؛ راه زندگی (اثر نیکلا حداد مصری، 1346 ق.)؛ شرح حال و منتخب جامی (ظاهرا همین کتاب با نام زندگی جامی شاعر ایرانی در سال 1320 هم به چاپ رسیده است)؛ مطالعاتی در باب حافظ (با عنوان دیگری: درسی از دیوان حافظ نیز به چاپ رسیده است، 1220 -1319)؛ مطالعه تطبیقی رومئو و ژوملیت با لیلی و مجنون نظامی (1317)؛ مقدمه و تحشیه و تصحیح مجالس النفائس علیشیر نوایی؛ رساله

در احوال «اثر» پرشکفتی شاعر معروف فارسی؛ نقش فارسی بر احجار هند (کلکته، 1957 م.، چاپ دوم، تهران، 1338)؛ شکونتلا یا انگشتر گمشده (کالیداس، ترجمه، بمبئی، 1336)؛ نه گفتار در تاریخ ادیان (شیراز، نشریه دانشگاه، تهران، 1341)؛ الواح بابل (اثر ادوار شی‌یر، 1341)؛ اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب (1340، چاپ دوم)؛ اصول فن مناظره (1316)، افسانه دلپذیر (اثر ویلیام شکسپیر، 1321)، الف لیله و لیله (مقدمه کتاب به قلم حکمت، 1315)؛ گلزار حکمت جلد اول؛ مجله‌ی «تعلیم و تربیت»؛ مجله‌ی رسمی وزارت معارف از سال 1304 تا 1305. سخن حکمت شامل سه هزار و پانصد بیت از اشعار حکمت با مقدمه‌ی سید حسن سادات ناصری به خط نستعلیق ابراهیم بوذری، سرزمین هند (1337، نشریه‌ی 515 دانشگاه تهران)، تاریخ ادیان، دیوان جامی (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی‌اصغر حکمت روز دوشنبه سوم شهریور 1359 برابرچهاردهم شوال 1400 ق. در تهران وفات یافت و در شیراز در مقبره‌ی خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی » به خاک سپرده شد.

فرزند احمدعلی خان حشمت‌الممالک است که در 1272 در شیراز تولد یافت. حشمت‌الممالک از مستوفیان شیراز بود. حکمت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیراز گذرانید و در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی مطالعاتی نمود و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران وارد شد و ضمن گذراندن مدرسه‌ی آمریکائی، تحصیلات ادبی و فقه و اصول را ادامه داد و نزد حکما و فقهاء درجه اول آن روز مانند مرحوم میرزا طاهر تنکابنی تلمذ کرد.

در 1297 وارد خدمات فرهنگی گردید و با نشر مقالات محققانه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه، کسب شهرت نمود و وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با کمک عده‌ای از دوستان و همفکران خود، به زعامت علی‌اکبر داور حزب رادیکال را بنیانگذاری کردند. تا 1309 در وزارت معارف خدمت می‌نمود و مشاغلی مانند ریاست کارگزینی، بازرسی و اداره کل معارف را تصدی می‌نمود. در این سال به تشکیلات جدید داور در دادگستری وارد شد و پس از چندی برای مطالعه در امور قضائی و ثبتی به اروپا اعزام گردید.

حکمت در اروپا وارد دانشکده‌ی حقوق و ادبیات گردید و درجه‌ی لیسانس از هر دو رشته گرفت. مأموریت دیگر حکمت در اروپا، مطالعه در امر آموزش و پرورش دانشگاه بود. وی در این مدت تحقیقاتی درباره‌ی امر تعلیم و تربیت به عمل آورده و مرتباً گزارش آن را به تهران ارسال

می‌داشت.
حکمت در شهریور 1312 به تهران احضار شد و در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی ابتدا کفیل و بعد وزیر معارف و رئیس دانشگاه گردید. حکمت در کابینه‌ی جم نیز وزیر فرهنگ بود تا اینکه در شهریور ماه 1317 از خدمت معاف شد.
دوران پنج ساله‌ی وزارت فرهنگ علی‌اصغر حکمت را باید دوران تحول فرهنگی در ایران نام نهاد. تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی، تأسیس فرهنگستان ایران، بوجود آوردن پیشاهنگی و تغییر برنامه‌های مدارس به اصول تعلیماتی کشورهای خارج، ایجاد تحول در زبان و ادبیات پارسی، توجه به آثار باستانی و تشکیل موزه‌ی ایران باستان و تربیت کادر آموزشی و انتشار نشریات سودمند و توجه به امر ورزش در مدارس، توسعه و تکمیل مدارس ابتدائی و متوسطه از جمله کارهای او بود.
حکمت پس از معافیت از وزارت فرهنگ، شش ماه بلاشغل بود تا اینکه در اسفند 1317 در ترمیم کابینه‌ی محمود جم، به وزارت کشور منصوب شد. در کابینه‌ی دکتر متین دفتری نیز سمت وزارت کشور را عهده‌دار بود. در خرداد 1319 بار دیگر از خدمت معاف گردید و به کار تحقیق و مطالعه پرداخت.
در ترمیم کابینه‌ی فروغی در سی‌ام شهریور 1320، حکمت وزیر بازرگانی و پیشه و هنر شد. در ترمیم دیگر کابینه‌ی فروغی، وزارت بهداری را بر عهده گرفت. در کابینه‌ی سهیلی نیز همچنان وزیر بهداری بود.
در 1322 در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی، وزارت دادگستری بر عهده‌ی حکمت قرار گرفت. در کابینه‌ی قوام‌السلطنه در سال 1326 وزارت مشاور یافت. در کابینه‌ی ساعد در 1327 وزیر امور خارجه گردید و در دولت زاهدی وزیر مشاور بود. در 1337 در کابینه‌ی دکتر اقبال مجدداً وزیر امور خارجه شد و آنگاه به سفارت ایران در هند مأمور گردید.
علی‌اصغر حکمت گذشته از اینکه پنج سال در سه کابینه وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود، دو نوبت وزیر کشور، دو مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر دادگستری، دو بار وزیر پیشه و هنر، دو بار وزیر بهداری، سه دفعه وزیر مشاور و یک بار سفیرکبیر بوده است.
حکمت در سال 1314 که وزیر فرهنگ بود، کشف حجاب را اجرا کرد و در روز 17 دی ماه جشنی در دانشسرای عالی منعقد نمود و چادر و حجاب از سر عده‌ای از فرهنگیان برداشت و شاه نیز حجاب همسر و دختران خود را برداشته، در آن مجمع شرکت کرد. معلمین و دانش‌آموزان مجبور شدند در مدارس بدون حجاب شرکت نمایند و همین مسئله موجب اشاعه‌ی کشف حجاب گردید. اقدام حکمت در این مورد درخور سرزنش بسیار است. وی

در کتابی به نام سی خاطره از عصر پهلوی، اقدام خود را در این زمینه نوشته است و نقش خود را در آن دوران به نمایش گذاشته است. پاداش حکمت در این خوشرقصی، این بود که از کفالت وزارتخانه به وزارت منصوب شد.
حکمت در دو نوبت وزارت امور خارجه‌ی خود دست به یک اقدام فرهنگی زد و آن انتشار مجله‌ی وزارت امور خارجه بود که مقالات تحقیقی و تاریخی زیادی در آن به چاپ می‌رسید و یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران می‌باشد. حکمت در اواخر عمر ریاست یکی از مدارس عالی را بر عهده داشت. وی در جوانی با خواهر سردار فاخر حکمت ازدواج کرده و صاحب سه دختر شد.
او از روز تأسیس دانشگاه تهران، یکی از اساتید و مدرسین دانشکده‌ی ادبیات و علوم معقول و منقول بود و پیوسته با داشتن مشاغل سیاسی، دقیقه‌ای از حضور در سر کلاس غفلت نمی‌ورزید.
دارای تألیفات و تحقیقات بسیاری است که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. ترجمه و تحشیه‌ی تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفسور ادوارد براون تحت عنوان از سعدی تا جامی- پارسی نغز، سرزمین هند، نه گفتار در تاریخ ادیان، دو تفسیر یکی از ابوالفتوح رازی و دیگری از خواجه عبداللّٰه انصاری در ده مجلد است. تاریخ ادیان هم از دیگر تألیفات اوست.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکیم باشی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن حکیم باشی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

آدرس اینترنتی
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1345 در تهران به دنیا آمدم و در سال 1354 در مشهد مقدس به فراگیری علوم حوزوی مشغول گردیدیم و پس از گذراندن سطوح عالی حوزه در درس خارج فقه و اصول نزد آیت الله فلسفی و آیت الله مرتضوی طی مدت 20 سال شرکت نمودم . همچنین در درس تفسیر آیات معظم میرزا جواد آقا تهرانی ، محمد صادق سعیدی رها و آیت الله سید عز الدین زنجانی شرکت کردم . علوم قرآنی را نیز از آیت الله معرفت آموختم . از حدود 15 سال پیش به تحقیق و نگارش در رشته های فقه ، علوم قرآنی و تفسیر پرداختم . هم اینک به تدریس فقه ، علوم قرآنی و تفسیر در حوزه علمیه مشهد مقدس و دانشکده علوم قرآنی و مرکز تربیت مدرس قرآن اشتغال دارم .

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید منذر حکیم
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
بسمه تعالی تولد : 29 شوال 1372 هجری قمری (20/4/1332ش) کربلا ورود به حوزه علمیه : 1349- 1353 ش ، نجف اشرف (مقدمات ، سطوح ، خارج) 1353- 1372ش ، قم (خارج) اساتید مقدمات و سطوح : آیة الله شهید سید اسد الله مدنی ، آیة الله سید محمود شاهرودی ، آیة الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی ، آیة الله شیخ بشیرحسین نجفی ، آیة الله سید نور الدین اشکوری و حجة الإسلام شیخ محمد سعید نعمانی ، شهید حجة الإسلام شیخ ماجد بدراوی ، آیة الله سید محمد تقی طباطبائی تبریزی ، آیة الله میرزا حبیب الله اراکی ، آیة الله شیخ مرتضی اشرفی شاهرودی ، آیة الله سید حسن مرتضوی ، استاد شهید سید عبد الصاحب حکیم ، آیة الله شیخ ابوالحسن انواری زنجانی ، آیة الله شیخ مصطفی اشرفی ، آیة الله سید کاظم الحائری ، آیة الله سید محمد مفتی الشیعة ، استاد شیخ غلامرضا عرفانیان ، آیة الله شیخ علی کاتبی مرندی ، و آیة الله فرخنده تبریزی ، استاد شیخ عباس طبرسی مازندرانی آیة الله شیخ محمد امین زین الدین ، حجة الإسلام دکتر شیخ محمد باقر مقدسی . اساتید اخلاق : آیة الله شهید سید اسد الله مدنی ، استاد شهید سید عبد الصاحب الحکیم ، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، شیخ عبد الحسین واعظ خراسانی ، آیة الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی . اساتید تفسیر : استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، شیخ عباس طبرسی مازندرانی ، آیة سید حسن مرتضوی ، آیة الله شیخ بشیرحسین النجفی ، آیة الله خزعلی ، آیة الله جوادی آملی . خارج اصول در محضر آیات عظام : آیة الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی ،آیة الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر ، آیة الله العظمی شیخ حسین وحید خراسانی ، آیة الله العظمی ناصر مکارم شیرازی ، آیة الله العظمی میرزا هاشم آملی ، آیة الله العظمی سید کاظم حائری ، آیة الله العظمی سید محمد مفتی الشیعة اردبیلی . مباحث خارج

فقه در محضر محضر آیات عظام : امام خمینی (ره) ، شهید سید محمد باقر صدر ، سید علی سیستانی ، میرزا کاظم التبریزی ، شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی ، میرزا جواد آقای تبریزی ، شیخ حسین وحید خراسانی ، سید کاظم حائری را درک نمودم . تدریس : تمام دروس مقدمات ، کتب سطوح اولیه و سطوح عالیه حوزوی ، خارج تاریخ و علوم تاریخ ، علوم قرآن و تفسیر ، علوم تربیتی و اخلاق ، فلسفه و کلام ، مباحث جامعه شناسی کلیه دروس معارف در دانشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی استاد مشاور و راهنمای و داور در بسیاری از رساله های علمی در مرکز جهانی علوم اسلامی و (جامعة المصطفی العالمیة) ، حوزه علمیه قم ، جامعة الزهراء ، مرکز مدیرت خواهران ، جامعة آل البیت (ع) ، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (قدس) . برخی تحقیقات و تألیفات : - المرشد الی تعلیم قراءة القرآن الکریم - اصول عقائد (در دو سطح مقدماتی) - نگاهی به سر فصل ها و متون دروس معارف اسلامی در دانشگاهها - ترجمه ی اصول فلسفه و روش رئالیسم ج 1 - تحقیق فقه معالم الدین - تحقیق رساله لاضرر شیخ انصاری - تحقیق مقالات الأصول (محقق عراقی) - تاریخ تطور فقه و أصول در مکتب أهل بیت (ع) - حیاة الإمام شرف الدین - عصر الإمام شرف الدین - قراءة فاحصة فی تراث الإمام شرف الدین - عصر الإمام البلاغی - قبسات من حیاة شهید المحراب السید محمد باقر الحکیم - تاریخ عصر غیبت باهمکاری پور سید آقایی - درسنامه عصر غیبت - تاریخ عصر غیبت کبری - النظریة الإجتماعیة فی فکر الشهید السید محمد باقر الصدر (جامعه شناسی قرآنی) - موسوعة أعلام الهدایة (14 جلد) - فی رحاب أعلام الهدایة (5 جلد) - موسوعه " تأریخ الإسلام (4 جلد) - قبسات من سیرة القادة الهداة (2جلد) - دروس تمهیدیة فی تأریخ و سیرة قادة الهداة (2 جلد) - فی رحاب سید المرسلین الرسول المصطفی (ص) برخی طرح های علمی : - نظریه ی اخلاقی اسلام - مبانی نظریه و نظام اخلاقی اسلام - طرح تاریخ و علوم تاریخ در قرآن کریم - طرح پیشنهادی آموزش در مقطع إجتهاد - مبانی و زمینه ها و شیوه ایجاد تحول در حوزه ها ی علمیه - برنامه آموزشی پیشنهادی برای حوزه های علمیه بر محوریت قرآن کریم برخی مسؤولیت ها : مدیریت سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مدیریت حوزه های علمیه اهواز و دزفول مدیریت پژوهش در : مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (بخش عربی) مدیریت برنامه ریزی و آموزش در : سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مجمع اندیشه اسلامی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران و... مدیریت اولین دوره ی تربیت محقق در مؤسسه ی دائرة المعارف فقه اسلامی مدیریت گروه فقه خانواده در جامعة المصطفی العالمیة مدیریت گروه فقه در دانشگاه مجازی المصطفی

حکیمی - محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد حکیمی در چهاردهم فروردین 1354 (1314 ق) (استاد، تاریخ درگذشت خویش را به اصحاب سرش گفته است (و «سر اهل السر مما لا یباح»)؛ اما امید است که با دعای همان اصحاب سر، آن تاریخ به تأخیر افتد و استاد دیرتر بزید. ان ذلک علی الله یسیر.)، در مشهد زاده شد. پدرش، حاج عبدالوهاب حکیمی (م 1369 ش)، که از یزد به آستان امام رضا - ع - پناه برده بود، از محترمین بازار مشهد و متشرع و اهل مراقبه بود و از شبهات می‌گریخت. حکیمی در سال 1320 به مکتب و سپس به مدرسه رفت. پس از فرا گرفتن قرآن و صد کلمه (از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی -ع- با ترجمه‌ی منظوم)، و نیز مقداری از دیوان حافظ، درسهای دوره‌ی ابتدایی را در مدرسه فرا گرفت. درسال 1326 به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد وارد شد و بیست سال در آنجا به علم اندوزی و خود سازی پرداخت. هشت سال به درسهای مقدمات و سطح و دوازده سال به درس خارج اشتغال داشت و در جنب آن، پانزده سال به تحصیل فلسفه و کلام پرداخت.
ادبیات عرب را نخست در نزد چند تن از طلاب فاضل، و بار دیگر در نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی (م 1355 ش)، فرا گرفت و تقریرات همه‌ی دروس او را نوشت. اصول فقه و فقه را در محضر آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی (م 1350 ش)، که خویشاوندش بود، و آیت الله علی نمازی شاهرودی (م 1364 ش)، و دیگر دروس سطح و مقداری از خارج را، از جمله خارج کفایه، در محضر آیت الله شیخ هاشم قزوینی (م 1339 ش)، آموخت. همچنین دوازده سال از افاضات آیت الله شیخ مجتبی قزوینی (م 1346 ش)، بهره برد و جلدین کفایه و خارج فقه و نیز درس معارف اعتقادی و اجتهادی و فلسفه (شرح اشارات و اسفار) و نقد فلسفه را از محضر او فرا گرفت و ضمن تماشای رواق اشراق، همراه مشائیان تمشی کرد. ده سال نیز در درس خارج فقه واصول آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی (م 1354 ش)، حاضر شد و تقریرات درس اصول وی را بتفصیل و تقریرات برخی از دروس فقه را باختصار نوشت.
شرح باب حادی عشر را از بعضی از فضلا، و شرح تجرید را در محضر شیخ عبدالنبی کجوری (م 1419 ق)، و شرح منظومه را از شیخ غلامحسین

محامی بادکوبه‌ای (م 1333 ش)، آموخت، در پی آموختن علوم مرسوم حوزه، در سری هم در علوم دیگر کشید که مبادا چیزی را فروهشته باشد: نجوم و تقویم را در نزد حاج شیخ اسماعیل نجومیان (م 1356 ش)، و اوفاق و رمل را از محضر حاج سید ابوالحسن حافظیان (م 1360 ش)، و حاجی خان مخیری (م ح 1350 ش)، و شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت.
گزافه نیست اگر بگویم از کوچکی آثار بزرگی در مشی حکیمی نمایان بود و: بالای سرش ز هوشمندی می‌تافت ستاره‌ی بلندی. شاهد اینکه در نوزده سالگی، هنگامی که درسهایش در نزد ادیب ثانی پایان یافته بود، قصیده‌ای به عربی، در بیش از چهل بیت، پاس مقام استاد را، سرود و در شب نوروز 1333، به وی پیشکش کرد. آنکه که آن ادیب اریب، آن قصیده‌ی عربی را، از آن طلبه‌ی نوجوان دید، انگشت تعجب به دهان گرفت و او را، علی رؤوس الاشهاد، برکشید و «متنبی جوان» خواند. (شرح این موضوع خواهد آمد.).
نیز گفتنی است که استاد حکیمی دو جلد کفایه را در طی یک سال تحصیلی در نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. شیخ استاد چندان از ذکاوت وسرعت انتقال وی شگفت زده شده بود که گفت: «تاکنون کسی با این استعداد ندیدم که جلدین کفایه را در یک سال بخواند». (معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص 402.).
این را هم بگوییم چندی پس از آنکه حکیمی شرح منظومه را به صورت اجتهادی و انتقادی، در نزد محامی بادکوبه‌ای فرا گرفت، وی دیگر او را نه «حکیمی»، که «حکیم» می‌خواند و می‌گفت: «یا»ی نسبت را از نام حکیمی بردارید؛ او دیگر نه «حکیمی»، که «حکیم» است.
همچنین روزی آیت الله میلانی، در هنگام درس اصول، پس از اینکه بسمله گفت و خطبه خواند، چشم چرخاند و شاگرد جوانش را، که در گوشه‌ای نشسته بود و در دیدگاه استاد نبود، ندید. سکوت کرد و سکوت مجلس را فرا گرفت که مگر چه شده آقا درس را متوقف کرده است! آنگاه فرمود: آقای حکیمی نیستند. افلاطون تا ارسطو حاضر نمی‌شد درس را شروع نمی‌کرد؛ می‌گفت عقل در مجلس درس حاضر نیست.
آری، آن «متنبی جوان»، در نزد ادیب ثانی، و آن «حکیم»، در نظر محامی بادکوبه‌ای، «ارسطوی دوم» و «عقل مجلس درس»، در نزد آیت الله میلانی بود. و دانستنی است که حکیمی جوانترین فرد در درس میلانی بود و همگان از او پیشنه‌ی علمی و حوزوی دیرینه‌تری داشتند. حتی در آن جمع، فاضلانی بودند که حکیمی برخی از متون مقدمات و سطح را نزد آنان خوانده بود.
این را نیز بگویم که استاد حکیمی قدم در سی سالگی نگذاشته بود که علامه شیخ عبدالحسین امینی (م 1349 ش)، در نامه‌ای که از نجف برایش

نوشت، وی را با عنوان «العلامة الجلیل» مورد خطاب قرار داد. در این نامه، که با عبارت «با هزاران شوق دیدار» آغاز شده، استاد حکیمی به همکاری مطبوعاتی دعوت گردیده و در آن آمده است:
زیاد از حد مایلم که از قلم و قدم شما خدمات شایانی نسبت به مولا بوده باشد و شما شریک این اعمال گردید که تحقیقا موجب توفیق است. لذا این زحمت را به عهده‌ی جناب عالی می‌گذارم؛ والا رفقای زیادی در تهران هست که با جان و دل حاضرند که این خدمات را عهده‌دار شوند. و این تصدیع، رمز محبت حقیر است نسبت به شما. (این نامه‌ی بدون تاریخ در حدود 1341 نوشته شده و تصویری از آن در نزد اینجانب هست.).
در همین سالها بود که شیخ آقا بزرگ تهرانی (م 1348 ش)، در ضمن اجازه‌ی روایی به استاد حکیمی، از وی با القاب «الفاضل الکامل البارع الاریب والاستاد المحقق الماهر الادیب» یاد کرد. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص 67. تاریخ ابن اجازه رجب 1382، برابر با آذر 1342 است.) و این اجازه کتبی، پس از اجازه‌ی شفاهی‌ای بود که شیخ در حرم مطهر امام رضا -ع- در جمادی الاول 1382 به استاد حکیمی داده بود.
هیچگاه استاد حکیمی از زندگی آموزشی خود حکایت نکرده است؛ فقط در یک - دو جا، آن هم جایی که می‌خواسته است خاطر نشان کند که با علم اصول مخالف نیست، بناچار، از تحصیلاتش، آن هم فقط تحصیلات اصولی خویش، سخن گفته است:
در ایام تحصیل، کفایه و مقداری از درس خارج را نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خواندم، و مقداری خارج کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی. و هفت سال در درس خارج اصول آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (1313 ق - 1395 ق)، حاضر می‌شدم و همه‌ی درس را با دقت می‌نوشتم؛ به طوری که هیچیک از شاگردان ایشان در آن دوره به این تفصیل نمی‌نوشتند. سپس مقداری از مطالب را (از باب «اوامر»)، به عربی برگردانم و در صدد تنظیم و تألیلف تقریرات اصول ایشان بر آمدم. بخشی از مقدار عربی شده را نزد ایشان بردم، دیدند و پسندیدند و بسیار تشویق و ترغیب کردند که همه، به همان صورت، آماده شود تا به چاپ برسد. و خود اظهار می‌داشتند که اگر این تقریرات تدوین یابد و تعریب گردد و به چاپ برسد، در شمار بهترین و مهمترین کتب علم اصول جای خواهد گرفت...
باری، این امور بود، لیکن اینجانب پس از تأمل در اینکه در علم اصول فقه کتابهای بسیاری نوشته شده است، و اصول آیت الله میلانی نیز مفصل است، و همچنین پس از اینکه استاد دیگر، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی، به چاپ کتابهایی در اصول و تقریرات اصولی، افزون بر آنچه هست، رضایت خاطری ندارند، از ترجمه‌ی کامل و چاپ و عرضه‌ی آن

تقریرات منصرف گشتیم. (مکتب تفکیک، ص 369-368. همچنین استاد در همین باره مرقوم داشته‌اند: «کتاب اصولی را که از افاضات مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م 1395 ق)، با تحریراتی از خودم، شروع به نوشتن کردم و مقداری را خدمتشان بردم، پس از ملاحظه فرمودند: «اگر این کتاب را تکمیل کنید و چاپ شود کفایه را نسخ می‌کند.» معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص 403.).
استاد حکیمی سالها در لباس روحانیت بود، (حکیمی تا سال 1345، که در حوزه‌ی مشهد بود، کسوت روحانیت داشت، اما لباسش را سنگین نکرده بود. به جای قبا یک پالتوی ساده می‌پوشید و عمامه‌اش به دستار شبیه بود.) اما هرگز روحانیت را حرفه‌ی خود نکرد. زیرا پس از آنکه لباس روحانیت به تن کند، لباس زهد و اعراض به تن کرده بود. سرانجام در سال 1345، با رضایت استادش، شیخ مجتبی قزوینی، از حوزه و لباس روحانیت بیرون آمد، اما همواره نگاهش به حوزه است و مخاطبش، نسلهای جوان.
حکیمی جوان، در حوزه علمیه‌ی خراسان، در محضر استادانی زانو زد که، همه و همه، پروا پیشه بودند و از دنیا رسته و پشت کرده به جاه و مقام. هر یک، جهانی در گوشه‌ای بودند و همنشین خدا (گفته‌اند: «رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند»، اما از این برتر هم در امکان است و می‌توان گفت رسد آدمی به جایی که همنشین خدا شود. این، ادعایی از جانب انسان نیست، بلکه ارتقایی است که خداوند به آدمی ارزانی داشته و فرموده است: انا جلیس من ذکرنی.) و خدازی («خدازی»، از ساخته‌های استاد حکیمی است و آن را معادل کلمه‌ی «متأله» نهاده و در توضیح آن نوشته است: «انسانی که در شناخت خدا و توجه به خدا و عبادت خدا غرق است؛ برای خدا هست و برای خدا زندگی می‌کند...» خورشید مغرب، ص 192. به عبارت دیگر، خدازی کسی است که ترجمه‌ی این آیه باشد: قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین. سوره‌ی انعام (6)، آیه‌ی 162.) و به دور از تعلقات دنیوی و مرید بازی و آقا منشی و اشرافیگری علمی. استاد حکیمی، حکایتهایی از مشی و منش ساده و مردمی آنان نقل می‌کند که امروزه افسانه و مثل شده است و مانند آنها را در کتابهای گذشتگان می‌توان یافت. (شرح حال شماری از این استادان در کتاب مکتب تفکیک آمده است.).
از میان آن استادان، آنکه بیش از همه بر حکیمی تأثیر گذاشت و در معماری شخصیت علمیش نقش داشت، شیخ مجتبی قزوینی بود. وی، به گفته‌ی استاد حکیمی، یکی از سه رکن مکتب تفکیک (مکتب تفکیک به نظریه‌ای گفته می‌شود که قائل به تفکیک دین از فلسفه و عرفان است. شرح آن بیاید.) در قرن چهاردهم هجری بود و صاحب کشف و کرامات و مشرف شده به آستان حضرت ولی عصر - عج - و داری اخلاق باطنی و

اهل عبادات و ریاضات و مسغرق در خلسات. (برای تحقیق بیشتر درباره‌ی وی رجوع شود به: محمد علی رحیمیان، متأله قرآنی شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، مقدمه‌ی محمد رضا حکیمی (چاپ اول: قم، انتشارات دلیل ما، 1382).) حکیمی دوازده سال از محضر او درس آموخت، اما چهل سال است که به مکارم اخلای او رطب اللسان است و هنوز خود را مرید وی می‌داند.
استاد حکیمی در کتاب خورشید مغرب، از چهار تن از متقدمان و چهار تن از معاصران یاد کرده است که به محضر آن حضرت مشرف شدند. چهار فرد اخیر عبارتند از: سید موسی زر آبادی (م 1353 ق)، میرزا مهدی اصفهانی (م 1365 ق)، شیخ علی اکبر الهیان (م 1380 ق) و شیخ مجتبی قزوینی (م 1386 ق). (ر.ک: خورشید مغرب:، ص 205.) از این چهار تن، دو فرد اخیر، استاد حکیمی بودند و دو فرد نخست، استاد استادان او.
به هر رو، حکیمی در محصر استادانی زانوی ادب زد که، به یافت او، به محضر حضرت ولی عصر - عج - حضور یافته بودند. از این روست که وی، شاهکار خویش را (جلد سوم تا ششم الحیاة (کتاب مزبور، تألیف استاد حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، از دانشوران حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان، است. این کتاب همواره به استاد نسبت داده می‌شود و ما نیز در کتاب حاضر، برای رعایت اختصار، گاه چنین کرده‌ایم؛ اما به گفته‌ی استاد، الحیاة «تألیف مشترک» است.)، به این چهار چهره تقدیم و از آنان چنین یاد کرده است: «عالمان بزرگ ربانی»، «متألهان سترگ قرآنی»، «سره سازان معارف وحیانی»، «پیرایندگان بنیادهای تعقل قرآنی»، «متعقلان ژرفکاو» و «مربیان تأثیر آفرین». (ر.ک: ترجمه‌ی الحیاة، ج 3، ص 4-3. گفتنی است از آنجا که ترجمه‌ی الحیاة را استاد حکیمی، با دقت بسیار، ویراسته و با متن آن تطبیق داده، در سراسر این کتاب بدان ارجاع داده شده است. به هر حال، ترجمه‌ی الحیاة، اعتبار اصل کتاب را دارد و، مضافا اینکه، گاه مطالبی افزون بر اصل، به خامه‌ی استاد حکیمی، در آن آمده است.).
هنگامی که حکیمی مدارج عالی علمی را در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد گذراند، دو راه در پیش داشت: یا مانند دیگر همدرسان خود در حوزه بماند و به تدریس فقه و اصول بپردازد و، النهایه، سر از مرجعیت در آورد، و یا اینکه پلی از حوزه به جامعه و جوانان بزند و خوراک فکری برای آنان فراهم آورد و، النهایه، به آنجا برسد که اینک رسیده است.
گذشت که استاد حکیمی، مانند همدرسان خود، در حوزه نماند و پلی از حوزه به جامعه زد و، به عبارت خویش، «هجرت الی التکلیف» کرد. وی در خرداد 1345، هنگامی که از سی سالگی گذشته بود، از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تهران آمد، و در واقع، از همه‌ی القاب و مقامات و مزایا و عناوین

حوزه چشم پوشید.
استاد حکیمی از سال 1345 تا 1357 در چند مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی در تهران، از جمله بنیاد فرهنگ ایران، شرکت سهامی انتشار و مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، اشتغال داشت. (برخی از همکاران حکیمی در انتشارات فرانکلین عبارت بودند از: احمد آرام، احمد سمیعی گیلانی، ابوالحسن نجفی، نجف دریابندری، جهانگیر افکاری، اسماعیل سعادت، عبدالمحمد آیتی، غلامعلی حداد عادل و عبدالحسین آذرنگ. کریم امامی، از مسؤولان این انتشارات، در مصاحبه‌ای گفته است: برخی از کارکنان فرانکلین کسانی بودند که به علت فعالیتهای سیاسی به زندان رفته بودند و در سازمانهای دولتی نمی‌توانستند شاغل شوند. مؤسسه‌ی فرانکلین این افراد را می‌پذیرفت و ساواک هم تقریبا راضی بود که اینها در فرانکلین مشغول به کار شوند. زیرا می‌خواست در جایی کار کنند که آمد و رفت و روابطشان زیر نظر باشد. یکی از کسانی که تحت نظر ساواک بود، آقای محمدرضا حکیمی بود. عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی (به کوشش)، «سلسله گفت و گوها پیرامون نشر ئو فرهنگ»، بخارا (شماره‌ی 22-21، آذر ذ اسفند 1380)، ص 157.) او، بدرستی و از سر اجتهاد، تشخیص داده بود که باید در مؤسسه‌های فرهنگی داخل شد و تا آنجا که می‌توان «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.» همچنین محض احتیاط و برای اطمینان بیشتر، از دو مرجع تقلید (آیت الله خمینی و آیت الله خوئی)، اجازه گرفت. پس از چند سال فعالیت هم که می‌خواست کناره بگیرد، با استاد مطهری مشورت کرد و او نه تنها کناره‌گیری را صلاح ندانست، بلکه «حرام» شمرد. بدین ترتیب با اطمینان بیشتر به کار مشغول شد و در آن مدت با صتحیح محتوایی شماری آثار و تعلیقه نگاری بر چند کتاب مهم، ضمن کار اداری، «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.»
همکاران حکیمی در آن مؤسسه‌ها، او را یک روحانی بی عمامه می‌دانستند که بر نمی‌تابد کتابی منتشر شود و کلمه‌ای خلاف دین در آن باشد. به گفته‌ی یکی از همکاران او در انتشارات فرانکلین: «محمدرضا حکیمی همه‌ی دانش و تجربه‌ی خود را معطوف به این می‌کرد که هیچ اصلی از اصول اسلام نقض نشود و نکته‌ای خلاف واقع در نوشته نباشد.»
در خود ذکر است که تدریس استاد حکیمی در دانشگاه تهران، در دوره‌ی دکترای ادبیات، از سال 1355 تا 1357، و بنا به دعوات دکتر عبدالحسین زرین کوب بود. در آغاز در حدود سی نفر در این دوره ثبت نام کردند؛ اما دیری نگذشت که بیش از سیصد نفر در کلاسهای استاد حضور می‌یافتند. وی برای نخستین بار به جای متونی چون تاریخ ابن خلکان، که رایج بود، نهج البلاغه را متن درسی قرار داد. استقبال دانشجویان از این کلاس و مرعوبیت ساواک از این ازدحام، منجر بدان شد که با دخالت پلیس و

ساواک، تعطیل شود.
همچنین گفتنی است که استاد حکیمی، در پی هجرت تکلیفی از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، به جرم فعالیت علیه رژیم شاه، در سال 1345، چند بار در وی و مرند و سلماس و ارومیه بازداشت و زندانی شد. وی آخرین بار در سال 1357 دستگیر و در کمیته‌ی تهران زندانی گردید.
در آثار حکیمی، تا سال 1357 (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، بیشتر از قیام و پیکار سخن رفته و از موضوعات دیگری هم که سخن گفته شده، قیام و پیکار نتیجه گیری و بدان دعوت شده است. (از جمله رجوع شود به: فریاد روزها، سرود جهشها، بیدارگران اقالیم قبله و امام در عینیت جامعه.) آهنگ و جهت کلی کتابهای او، تا آن تاریخ، «قیام» است و گفته‌ها و نوشته‌های دیگر مقدمه و زمینه و برای آن است. اما از سال 1357 بدین سو، آهنگ و جهت کتابهای حکیمی تغییر کرد و به «قسط» تبدیل شد. (از جمله رجوع شود به: کلام جاودانه، قیام جاودانه، جامعه سازی قرآنی و الحیاة (بویژه جلد سوم تا ششم).) وی از آن هنگام همواره از قسط سخن گفته و سخنهای دیگر را همچون مقدمه‌ی آن قرار داده و، در واقع، قسط را ترجیع بند سخنان خود ساخته است. بنابراین چکیده‌ی همه‌ی نوشته‌های حکیمی و آهنگ و پیام آن، در یک عبارت، عبارت است از: «قیام به قسط».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

حلبی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد دکتر علی اصغر حلبی از محققان ، مولفان و مترجمان پرکار و کوشای معاصر است و در میان آثار پرشمار او چندین اثر قرآنی دیده می شود که یاد خواهد شد . علی اصغر حلبی فرزند علی اکبر در سال 1323 در اردبیل متولد شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را همراه با مقدمات عربیت و فقه و اصول و منطق و فلسفه در مدارس قدیم همان شهر پیش استادان فرا گرفت . او دارای لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران است . سپس چند سال برای ادامه ی تحصیلات عالی به دانشگاه ادینبوره [ادینبورگ] در اسکاتلند سفر کرد و در سال 1359 / 1980 از همان دانشگاه درجه ی دکترای فلسفه و فرهنگ اسلامی گرفت . آثار کتابی ایشان اعم از تالیف و ترجمه نزدیک به چهل اثر است . از آن میان این آثار قرآن پژوهانه است : آشنایی با علوم قرآنی ، تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی ، ترجمه ی تفیر کبیر فخر رازی که 4 تا 5 جلد آن تاکنون (زمستان 1383) منتشر شده است و سرانجام ترجمه ی قرآن مجید که معرفی و نقد آن موضوع این مقاله است . در حال حاضر دکتر حلبی به تدریس در دانشگاه های تهران و تحقیق و تالیف آثار ارزشمند اشتغال دارد .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

حویزی اصفهانی، قوام‌الدین جعفر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1115 ق)، فقیه امامی، مفسر اخباری و متکلم. اصلا از حویزه بود و در کمره مولد شد و در اصفهان مسکن گزید. علم حدیث و اخبار را از محمدتقی مجلس فراگرفت و در علوم معقول و منقول از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری و محقق سبزواری بود. سید صدر قمی شارح «وافیه» و محمد اکمل بهبهانی، پدر علامه وحید بهبهانی، نیز از شاگردان صاحب عنوان بودند. وی در تمامی عمر شیخ‌الاسلام و قاضی اصفهان بود به همین جهت در میان علماء به شیخ جعفر قاضی شهرت یافت. او داماد محقق خوانساری بود. از آثار وی: «اصول‌الدین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «الروضه البهیه»؛ «ذخائر العقبی»، در تعقیبات نماز؛ حاشیه بر «کفایه» محقق سبزواری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (115 -114 /4)، الذریعه (6/10 ،93 -92 /6)، روضات الجنات (192 -188 /2)، ریحانه (87 -85 /2)، معجم المولفین (141 -140 /3).

حویزی، عبدالعلی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1065 ق)، فقیه، محدث، مفسر، ادیب و شاعر امامی. معروف به عبدالعلی عروسی. در حویزه متولد شد و در شیراز ساکن. وی استاد سید نعمت‌اللّه جزایری و معاصر شیخ حر، عاملی و علامه مجلسی است. از آثار وی: شرح «لامیه العجم» طغرایی؛ «نورالثقلین»، تفسیری روایی از قرآن، در چهار مجلد؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (366 -365 /24 ،690/9)، روضات الجنات (27 -25 /5)، ریحانه (89/2، 124/4)، فوائد الرضویه (237)، معجم المولفین (265/5).

حویزی، فرج اللّٰه

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1100 -1031 ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگار خویش دست داشت و تالیفاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال‌نویسان او را به داشتن فضل ستوده‌اند. از آثار وی: «ایجاز المقال فی معرفه الرجال» درباره‌ی رجال، در دو مجلد؛ «تذکره العنوان» که به پیروی «عنوان الشرف» شرف‌الدین اسماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (341/5)، اعیان الشیعه (395/8)، ایضاح المکنون (499 ،275 /1)، الذریعه (276/22، 818/9، 487/2)، روضات الجنات (341 -399 /6)، ریاض العلماء (337/4)، ریحانه (94/2)، فوائد الرضویه (349)، لغت نامه (ذیل/ فرج اللّٰه)، معجم المولفین (59/8)،هدیه العارفین (816/1).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید حیدری نیک
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
دوره های ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را در دبستان ثقفی ، مدرسه راهنمایی مترجم الدوله و دبیرستان ابوریحان تهران گذراندم و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی درسال 57 دیپلم ریاضی فیزیک را از همان دبیرستان اخذ و در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته کامپیوتر نیز قبول شدم . با تعطیلی دانشگاه ها و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی ، در سنگر جبهه ها مشغول فعالیت شدم . در سال 1360 همزمان در دو جبهه فرهنگی (معلمی) و رزمی (جبهه ها) فعالیت می کردم . تا سال 63 در آموزش و پرورش منطقه 13 تهران به تدریس اشتغال داشته و پس از حضور یک دوره سه ماهه در جبهه و بازگشت از آنجا در پائیز 1363 وارد حوزه علمیه قم ، مدرسه رضویه شدم . از سال 63 تا 66 علاوه بر مدرسه رضویه از اساتید مدرسه امام و مدارس دیگر نیز استفاده می کردم و در نهایت دروس مقدمات ، سیوطی ، حاشیه ، مغنی ، معالم و مختصر را از اساتیدی چون حجج اسلام حسینی ، عرفان ، طالقانی ، هادوی ، کدیور ، صالحی و مدرس افغانی استفاده کردم .
از سال 66 تا 70 لمعه ، اصول فقه ، رسائل ، مکاسب و کفایتین را از اساتیدی چون حجج اسلام : صلواتی ، محمدی ، هادی زاده ، پایانی ، اعتمادی ، شب زنده دار ، محقق داماد ، استادی ، تهرانی و محسن وحیدی خراسانی بهره بردم . از سال 70 به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را از آیات عظام فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی ، تبریزی ، مکارم شیرازی و مومن تلمذ کرده ام . در ضمن درس تفسیر قرآن را هم از سال 70 تا 74 از استاد آیت الله جوادی آملی استفاده کردم . از سال 72 تا کنون به عنوان مدرس در دانشگاه های آزاد اسلامی واحد تهران و مرکز شاهد تهران مشغول تدریس معارف و متون و اخلاق و تاریخ و ریشه های انقلاب اسلامی بوده ام . همچنین از سال 80 تا 82 در مرکز تخصصی

مهدویت به عنوان اولین دوره شرکت داشتم و از سال 82 تا کنون در همان مرکز به عنوان مدرس دروس حکومت دینی و تاریخ تحلیلی اسلام مشغول تدریس هستم . به علاوه در همان مرکز با همکاری تعدادی از دوستان ، فصلنامه انتظار را انتشار دادیم و هم اکنون نیز جزء شورای نویسندگان در نشر این فصلنامه فعالیت می کنم . افزون بر این در همین مرکز در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی به خصوص در نیمه شعبان و 9 ربیع دراعزام های مختلف به تبلیغ و پاسخ به شبهات پرداخته ام .

از سال 72 تا کنون نیز در همکاری با نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها به مراکز دانشگاهی مختلف کشور از قبیل دانشگاه جامع هرمزگان ، پزشکی بندر عباس ، بین المللی و پزشکی قزوین ، میرزا کوچک خان رشت ، خواجه نصیر الدین طوسی و علامه طباطبایی ، علوم بهزیستی تهران و ... اعزام و به تبلیغ و پاسخگویی به شبهات پرداخته ام . از سال 76 تا کنون به همراه عده ای از دوستان به شکل تحقیقی و کار گروهی در زمینه تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه و اصول مشغول فعالیت هستم .

در زمینه نشر فرهنگ شیعه درزمینه نویسندگی نیز فعالیتم را از سال 70 تا کنون شروع کرده ام . ابتدا در ماهنامه آزادگان شرح حال فرزانگان و دانشمندان شیعه را نوشته و بعد در روزنامه کیهان به همین کار ادامه دادم و سپس در نشریه های دانشجویی به نشر دیدگاه های خود ادامه دادم . تا اینکه در سال 80 با همکاری عده ای از دوستان در مرکز تخصصی مهدویت به انتشار فصلنامه انتظار مشغول شدم و در بعضی از شماره های این نشریه پیرامون فرهنگ مهدوی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم . هم اکنون چند کتاب پیرامون صلح امام حسن (ع) ، پیشینه تاریخی انتظار ، تاریخ تحلیلی اسلام در دست نگارش دارم که انشاء الله بزودی کار انتشار آن ها به پایان می رسد .

حیدری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بن العابد الزاهد الورع حاج شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره‌های علم و دانش و فضیلت معاصر است در راوند کاشان.
وی در سال 1305 شمسی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و پس از تعلیمات ابتدائی دوره مقدمات و ادبیات را در کاشان نزد اساتید بزرگ آن شهر فراگرفته و سپس مهاجرت به اصفهان و با جدیت تمام تفسیر و درایه و هیئت جدید را خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی خوانده و علم کلام و فلسفه را از مرحوم آیت‌اللّٰه صدر کوپائی و علم تفسیر و اخلاق را نیز خدمت مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی فراگرفته.
ادبیات و شوارق را از مرحوم ادیب بجنوردی آموخته سپس به قم عزیمت نموده و فلسفه و حکمت و تفسیر را از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده و مکاسب و کفایه را از آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌اللّٰه آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی بهره‌مند شده و به درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی شرکت نموده بعد از آن مرحوم به درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد محقق داماد حاضر و مورد توجه مخصوص آن مرحوم واقع شده و ضمناً به تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر پرداخته تا سال 1351 قمری که بنابر اصرار مردم (راوند کاشان) احساس وظیفه شرعی نموده و به راوند عزیمت و در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال پیدا کرده و از همان اوان مورد نظر دانشمندان معاصر کاشان شده و بنابر دعوت آنان برای تدریس و تفسیر قرآن مجید همه روزه به کاشان رفت و آمد و در مدرسه علمیه یثربی کاشان تدریس متون فقه و اصول و تفسیر برای محصلین و غیره می‌نمایند.
معظم له دارای نوشتجاتی در فقه و اصول می‌باشند که هنوز به طبع نرسیده است.
وی نیز طبع روان و ذوقی سرشار دارند و اشعار عربی و فارسی بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّٰه فرجه دارند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خاتمی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد خاتمی
محل تولد : سمنان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/2/18
زندگینامه علمی
سید احمد خاتمی در هجدهم اردیبهشت 1339 در سمنان متولد شد، پدرش مرحوم سید مهدی خاتمی انسانی متعهد و متدین بوده و در میان اقوام، معروف به تقوی و غیرت دینی بود وی در سال 1364 از دنیا رفت. ما در ایشان خانم طیبه سادات خاتمی، بانویی متدین، مؤمن و مأنوس با قرآن و ادعیه است و هم اکنون (آذر 1383) در قید حیات است. خاندان خاتمی از سادات معروف سمنان‌اند و جد اعلای آنان مرحوم سید هاشم همواره مورد علاقه و محبت مردم بوده که همچنان مردم ذکر خیر او را دارند. سید احمد خاتمی در سال 1351 تحصیل علوم حوزوی را در مدرسه علمیه صادقیه سمنان آغاز کرد و به مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را نزد اساتید آن حوزه به پایان برد و در سال 1354 به حوزه علمیه قم هجرت کرد و جهت استحکام بیشتر دروس اکثر درسهایی را که در حوزه سمنان خوانده بود نزد ادیب بزرگ مرحوم مدرس افغانی که به تازگی از نجف آمده بود، مجدداً تکرار کرد و سپس دروس سطح را از اساتید بزرگ حوزه همانند مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اشتهاردی، آیت الله خزعلی، آیت الله بنی فضل و... به پایان برد و سپس در درس خارج حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، محمد فاضل لنکرانی، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی و... شرکت کرده و به مدّت هفده سال در درس خارج فقه و اصول این حضرات شرکت نمود.
در فلسفه و کلام از حضرات آیات: شیخ یحیی انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، جوادی آملی، ابراهیم امینی بهره برده است. در تفسیر از حضرت آیت الله مشکینی، آیت الله خزعلی بهره‌مند شده است و در درس نهج البلاغه از آیت الله حسین نوری همدانی بهره برده است او از درس فلسفی «شناخت» از محضر شهید آیت الله مطهری بهره‌مند شده است و در فن خطابه از محضر خطیب گرانقدر مرحوم حجة السلام و المسلمین

آقای شیخ محمد تقی فلسفی استفاده نموده است. تدریس وی از سال 1364، تدریس دروس حوزوی را به صورت عمومی شروع کرده است. اگر چه قبل از آن به طور خصوصی چند دوره کتب مقدمات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مختصر المعانی و...) را تدریس کرده بود. تا کنون 4 دوره معالم الاصول، 7 دوره اصول الفقه، 3 دوره شرح لمعه، 2 دوره مکاسب، 3 دوره رسائل و اینک (آذر 1383) مشغول پنجمین دوره تدریس کفایة الاصول است. وی مدت ده سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد، دوره اول تدریس خارج اصول را به اتمام رسانده و اینک (آذر 1383) مشغول تدریس دوره دوم خارج اصول است و از کتابهای فقهی بخشهایی از کتاب قصاص و دیات و تقریبا تمام کتاب الحج را تدریس کرده و اینک اشتغال به تدریس خارج کتاب صلوة دارد.
در این مدت صدها طلبه از محضر وی بهره‌مند شده و همچنان استفاده می‌کنند. وی در کنار تدریس علوم مصطلح حوزوی از سال 1365 به تدریس سیره پیامبر و امامان (آذر 1383) در روزهای تعطیل (پنج شنبه‌ها) رو آورد که در سال 1380 یکدوره از این دروس به پایان رسید و اینک سه سال است که پنج شنبه‌ها تفسیر زیارت جامعه را دنبال می‌کند. وی در سال 1367 به دستور برخی از بزرگان حوزه درس تفسیر شروع کرد و اینک شانزدهمین سال این درس است که هر شب پس از نماز مغرب و عشاء، در مدرس امام مدرسه فیضیه دائر است و تا کنون تفسیر 8 جزء قرآن به پایان رسیده (تفسیر جزء آخر و 7 جزء اول) و اینک مشغول تفسیر هشتمین جزء قرآن کریم (سوره انعام) می‌باشند. تا کنون 1660 جلسه تفسیری داشته‌اند، درس تفسیر نهج البلاغه نیز در ایام تعطیل داشته‌اند که حدود دو سال است بحث موضوعی «امام علی (ع) و مخالفان حکومت» را از نگاه مولی در نهج البلاغه دنبال می‌کنند.
خوشبختانه نوار کاست این درسها (گرچه نه به کیفیت عالی) موجود است. وی کار اصلی خود راتدریس دانسته و سخت علاقه‌مند به آن است به گونه‌ای که در ایام تحصیل به هیچ وجه کار دیگری را جای آن قرار نمی‌دهد. در سخنرانیهای وی هم قرآن و هم روایات و هم مسائل سیاسی در حد نیاز هست. وی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی تا کنون صدها برنامه اجراء کرده است و امت مسلمان ما استقبال خوبی از خطابه‌های وی داشته و دارند. سید احمد خاتمی به عنوان استاد راهنما و داور در رسالة سطح چهار و سطح سوّم حوزه و نیز به عنوان استاد راهنما در مؤسسه پژوهشی امام خمینی و دانشکده شهید محلاتی سپاه خدمت می‌کنند و تا کنون رساله متعددی را در عرصه معارف دینی، فعالیتهای سیاسی، راهنمایی و ساماندهی کرده است. سید احمد خاتمی قبل از پیروزی انقلاب همگام با رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی در ستیز با رژیم منحط پهلوی بود و

با ایراد خطابه‌های حماس علیه آن رژیم سیاه نقش مفیدی در روشنگری مردم ایفاء کرد و بعد از پیروزی انقلاب عمده راهی را که برای خود برگزید کار فرهنگی بود که از طریق تدریس ق، خطابه، تألیف آنرا دنبال کرد. وی موضع سیاسی خود را "موضع ولایت فقیه" قرار داده است تا زمانی که امام راحل در قید حیات بودند همراهی با آن امام بزرگوار و اینک همراهی با مقام معظم رهبری مدظله العالی وجهه همت اوست. وی در کنار کار فرهنگی در عرصه‌هایی که نیاز بوده است موضع‌گیری‌های مناسب سیاسی داشته که در روزنامه و جرائد کشور منعکس شده است. او در طول8 سال دفاع مقدس در مواقع مورد نیاز در جبهه‌های حاضر شده و به وظیفه خود عمل نموده است.سید احمد خاتمی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، عضو کمیسیون حوزه آن جامعه نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان رهبری، عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان، عضو هیأت مدیره مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، عضو شورایعالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، عضو شورای سیاستگذاری فرهنگی آن مجمع می باشد.

خادمی حسینی، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدابوالقاسم خادمی حسینی
محل تولد : --
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1360 وارد حوزه علمیه کاشان شدم و مدّت نه سال در حوزه علمیّه آیة الله مدنی (ره) و آیة الله یثربی (ره) مشغول تحصیل بودم. بعد از آن درسال 1370 وارد حوزه علمیه قم شدم و در درسهای آیات عظام اعتمادی، پایانی،آیة الله تبریزی ،آیة الله وحید خراسانی ،آیة الله سبحانی وآیة الله جوادی آملی شرکت نمودم. درسال 1376 در دوره چهار ساله تخصّصی تفسیر شرکت و در سال 79فارغ التحصیل شدم. مدت 12سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و انشاءالله تصمیم دارم پایان نامه تفسیر را بنویسم به خاطر مشکلاتی تا بحال نتوانستم موضوع پایان نامه را بگیرم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی خادمی کوشا
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/6/15
زندگینامه علمی
کلیه تحصیلات قرآنی (پیش از دبستان) و ابتدائی و ... در شهر قم بود که با تشویق پدر که خود از صنف روحانیت می باشد به حوزه وارد شد . آغاز ورود به حوزه 1365 بود که از سال دوم آغاز به تدریس در موضوعات نحو و منطق نمود و در موضوعات متفرقه به مطالعه پرداخت.در ایام تابستان به همراه دوستان برخی از موضوعات درسی را آموزش دیده و از سال 68 در درس لمعه استاد وجدانی فخر شرکت نمود و در کنار دروس حوزه اقدام به تحصیلات نیمه کاره مانده فرهنگی نموده و دیپلم را گرفت.از سال 1374 در درس خارج اساتید بزرگی چون استاد آیت الله تبریزی، سبحانی، شبیری زنجانی، مکارم، فاضل شرکت نمود که بیشتر مدت را از درس استاد تبریزی استفاده نمود.
در سال 73 و 74 به صورت رسمی در برخی مراکز حوزه شروع به تدریس نموده و از سال 76 تا کنون مشغول تدریس فقه و اصول در مدارس شهید صدوقی، معصومیه، آیت الله گلپایگانی، مدرسه خان، که از سال 79 به تدریس سطوح عالی(رسائل، مکاسب و کفایه) مشغول گردید.همزمان با درس و تدریس در حوزه مدتی نیز در مراکز آموزش عالی به تدریس مشغول گردید و در سال 79 نیز برای آموزش زبان عربی در مرکز آموزش دفتر تبلیغات شرکت نمود و پس از این ایام در موضوعات علوم قرآنی به مطالعه و تحقیق گذراند و در برخی مراکز قرآنی مانند مرکز تخصصی تفسیر، مدرسه عالی بنت الهدی، موسسه امام خمینی(ره) در رشته علوم قرآنی به تدریس پرداخت ولی همچنان در رشته فقه و اصول در حوزه علمیه به درس و تحقیق و تدریس ادامه داده و هم اکنون نیز به این مهم اشتغال دارد.با توجه به علاقه زیاد به خدمت در نشر فرهنگ اهل بیت(ع) در سال 1378 اقدام به نوشتن کتاب جوان در پرتو اهل بیت(ع) نمود که عمدتا برای روشنگری و جلوگیری از سودجویی برخی

سیاست مداران از توانایی جوانان بود این کتاب به نام مشکلات ... تا سال 1380 چاپ نشد و پس از تحویل آن به بوستان کتاب با هزینه ناشر در سال 82 از چاپ خارج گردید البته به غیر از این نوشتار برخی نوشتار دیگر همچنان چاپ نشده باقی است.

خالق پور، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید خالق پور
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مجید خالق پور در سال 1356 تحصیلات خود را در حوزه علمیه مشهد آغاز نمودم. با راهنمائی یکی از نوادگان مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه ، سال اول دروس حوزوی را شروع نمودم و در ادامه تا لمعتین در یکی از مدارس مشهور و معتبر مشهد معروف به مدرسه موسوی نژاد تحصیلات خود را ادامه دادم . دوره تحصیل ما همزمان بود با انقلاب اسلامی و حقیر نیز همچون سایر طلاب با موج خروشان مردمی چون قطره ای ناچیز همراهی داشتم ؛ با پیروزی انقلاب و اوصافی که از تفسیر مقام معظم رهبری شنیده بودم و امتیازات ویژه ای که در قم برای ادامه تحصیل وجود داشت به قصد قم درسال 1361 وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد حضرات آیت الله ستوده ، مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و بخشی از کفایه آیت الله اعتمادی، آیت الله علوی گرگانی (مکاسب) آیت الله انصاری شیرازی و آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله جوادی آملی جهت درس فلسفه و تفسیر؛ پس از آن وارد دروس خارج حوزه شدم که یک دوره کامل اصول نزد آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و بخشی از فقه نزد آیات عظام تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و علوی گرگانی داشتم.
همزمان با تحصیلات خارج فقه و اصول، بخاطر اشتیاقی که به تفسیر داشتم وارد دوره سوم رشته تخصصی تفسیر شدم که این دوره را با موفقیت طی چهار سال سپری نمودم و فارغ التحصیل گشتم اکنون نیز علاوه بر تحصیل و تحقیق با طلاب غیر ایرانی مرکز جهانی علوم اسلامی مباحثی تحت عنوان تدریس دارم.

خالقی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود خالقی
محل تولد : زرند کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
درس های حوزه را به طور معمول خوانده و به خاطر علاقه مندی به مباحث تفسیری در مهرماه سال 76 تهیه و پخش برنامه ای قرآنی تحت عنوان (مائده آسمانی) را به صدای مرکز کرمان پیشنهاد دادم که بحمدالله تعالی مورد موافقت مسئولین وقت سازمان مذکور قرار گرفت و از آن زمان روزانه تاکنون در حال پخش است که به اواسط سوره انفال رسیده ایم.
حدود نیمی از این برنامه 25 دقیقه ای به بیان مباحث تفسیر ترتیبی قرآن کریم اختصاص دارد و توسط بنده اجرا می شود.پس از گذشت دو سه سال از اجرای این برنامه با تقاضای شنوندگان مباحث پخش شده جزء سوم قرآن کریم به صورت کتاب چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت. آیات 93 تا پایان سوره آل عمران نیز جلد بعدی کتاب را به خود اختصاص داد و جلد سوم نیز مشتمل بر آیات اول تا 70 سوره نساء طی سال های 79 تا 81 منتشر شده است.
متاسفانه به خاطر کثرت اشتغالات اینجانب به امور اجرایی معاونت آموزش مرکز ، فرصت تهیه و نگارش مباحث بعدی به دست نیامده است.امیدواریم تا پایان تابستان سال جاری 2 جلد دیگر این مباحث آماده شود و در نهایت به حول و قوه الهی به انتشار یک دوره تفسیر قرآن کریم برگرفته از تفاسیر موجود با تکیه بر مباحث اجتماعی و اخلاقی و به صورت ساده و روان که قابل استفاده برای عموم مردم باشد موفق شویم. انشاءالله

خائفی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله خائفی
محل تولد : بندرانزلی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1309/11/14
زندگینامه علمی
معظم له در یک خانواده مذهبی و متدین و زاهد که با گذشت چند دهه هنوز زبانزد خاص و عام می باشد در 14 بهمن سال 1309 شمسی در شهرستان بندر انزلی دیده به جهان گشود. دوران طفولیت و کودکی را تحت تعلیم و تربیت پدر و مادری والامقام و وارسته و پرهیزگار سپری نموده و با فرا رسیدن به سن مدرسه تحصیلات ابتدائی و مقداری از دوره متوسطه را در همان شهر سپری نموده بود که بخاطر علاقه فراوان به تحصیل علوم اسلامی و تشویق پدر بزرگوارشان در سن 15 سالگی وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شد و پس از پایان رساندن دوره مقدماتی علوم حوزوی برای کسب مقامات بالاتر عازم حوزه مقدسه قم شده و با تمام کردن دوره سطح از محضر اساتید بنام وقت در درس خارج فقه و اصول مرجع عالیقدر حضرت آیة الله العظمی بروجردی (رحمةالله علیه) حاضر شده و بهره های فراوان برده ولی عطش درونی ایشان معظم له را در سال 1343 همراه با تبعید پیر و مرادش امام خمینی (ره) به نجف اشرف کشاند که از جمله اولین کسانی بود که برای استقبال امام از نجف به کاظمین آمده بودند. در نجف اشرف از محضر اساتید والامقامی همچون آیة الله العظمی خوئی (ره) به مدت 27 سال، مگر یک روز که آن هم علتی داشت. و به صورت مکاتبه ائی از حضرت آیةالله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری(قدس الله اسرارهم) بهره های فراوان نموده که در همان دوران اول به مقام اجتهاد نائل گشتند که در آذر ماه سال 1370 شمسی به وطن عزیز و اسلامی ایران برگشتند و در شهر مقدس قم رحل اقامت افکندند و در طول این سالها طلاب و فضلای زیادی از کشورهای مختلف عربی از درس خارج فقه و اصول عربی ایشان و همچنین دوستان زیادی نیز از بحث خارج فقه فارسی ایشان که هنوز هم بحث خارج بیع ایشان در مدرس امام فیضیه و بحث اجتهاد و تقلید معظم له که در دفتر

ایشان ادامه دارد و مخصوصا از سیره زاهدانه عملی ایشان بهره مند هستند. لازم به ذکر است که حضرت ایشان در تمامی دوران زندگی و طول عمر شریفشان در حال تحصیل و تدریس بوده و هستند که نتیجه آن تحقیقات گسترده ایشان خصوصا در فقه و اصول بصورت متن و حاشیه و تقریرات موجود می باشد که بخشی از آن به زیور طبع آراسته شده و بخش دیگر آماده چاپ و بسیاری بصورت دست نوشته و جزوات موجود است. کتابهای راهنمای ارث و سیستم قضائی اسلام در سال های 43 و 42 چاپ شده و کتاب ارزشمند" بحوث فی ولایة الفقیه" در سال 1378 در اختیار اهل علم قرار گرفته است. همچنین خاطراتی از استاد خود مرحوم امام (ره) به زبان عربی توسط انتشارات کوثر به زیور طبع آراسته گردیده است. جواب با ذکر ادله بر استفتا ئات مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه ایشان آماده برای چاپ گردید. "الربا و تحلیله با لحیل اشرعیه" و شرح بر رسائل ثلاث و حاشیه بر رساله مناسک حج و ... موجود است که انشاءالله جامعه علمی از آن بهره مند خواهند شد. فعالیتهای تدریسی استاد در طول تحصیل تاکنون ادامه داشته که در طی سپری شدن هر مرحله ای از درس مراحل پائین را تدریس می نمودند که از جمله آنها تدریس کتابهای سیوطی، معالم، شرح لمعه و مکاسب و کفایتین و الان درس خارج می باشد که الحمدلله طلاب و فضلائی اکنون از سفره علمی ایشان متنعم هستند.

خراسانی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی خراسانی
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال تحصیلی 68-69 پایه دهم حوزه را به پایان رساندم و سپس در دروس خارج شرکت کردم همزمان با اشتغال به دروس پایانی دوره سطح در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت می‌کردم . در همین سالها دوره عالی زبان انگلیسی موسسه باقرالعلوم دفتر تبلیغات را به پایان رساندم.در سال 70 به دعوت نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان به زاهدان رفتم و به مدت 5 سال مدیریت مدارس دینی اهل سنت بلوچستان را عهده دار بودم در این سالها به اقتضای مسوولیت با متون درسی اهل سنت آشنائی اجمالی پیدا کردم .
همچنین چند متن آموزشی از جمله «آشنائی با انقلاب اسلامی» و «آشنائی با اخلاق اسلامی» و «آشنائی با مذاهب اسلامی»را به عنوان درسهای جنبی مدارس اهل سنت تدوین و تنظیم کردم . در این سالها برخی از اشتغالات دیگر علمی همچون حضور در همایش‌های وحدت نیز وجود داشت.در اسفند 76 به قصد ادامه تحصیل و پژوهش به قم مراجعت کردم و از همان تاریخ فعالیت پژوهشی خود را با مسئولیت گزینش مدخل‌های دائره المعارف آغاز کردم و پس از مدتی در سال 77 مسئولیت بخش تدوین مقالات دائره المعارف و جانشین ریاست دائره المعارف را عهده دار شدم .
در این سالها که طرح دائره‌المعارف قرآن کریم در مرکز مطرح شده بود ، آن را سازماندهی کردم و ضمن کار مسئولیت علمی هیأت‌های تحریریه را به مدت 3 سال مستقیما عهده دار بودم از سال 80 مدیریت دائره‌المعارف قرآن کریم را عهده دار شدم قابل ذکر است که دائره‌المعارف قرآن کریم بزرگترین دائره‌المعارف قرآنی و اولین دائره‌المعارف در جهان اسلام است که پیش‌بینی می‌شود در 25 جلد

منتشر شود.در سال 83 مدیریت مرکز فرهنگ و معارف قرآن که بزرگترین مرکز قرآن پژوهی در کشور است را عهده دار شدم و همزمان مسئولیت گروه دائرالمعارف‌ها و نیز گروه تفسیر موضوعی را به عهده دارم. این مسئولیت‌ها همچنان ادامه دارد.

خرم دل، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قرآن شناس (مفسر و مترجم قرآن کریم به فارسی) صاحب نظر و سختکوش معاصر ، جناب آقای دکتر مصطفی خرم دل از استادان دانشگاه کردستان در سنندج و متولد در مهاباد در سال 1315 ش ، و از علمای اهل سنت . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر زادگاهش طی کرده ، و همزمان به آموزش علوم دینی به شیوه ی حوزوی و سنتی نیز پرداخته است . در سال 1346 از دانشگاه تهران ، در رشته ی زبان و ادبیات عرب ، مدرک کارشناسی (لیسانس) گرفته ، و همزمان با دانشجویی به خدمت در آموزش و پرورش هم اشتغال داشته است . در سال 1352 از همان رشته و همان دانشگاه ، مدرک فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) گرفته ، و در سال 1358 به دریافت درجه ی دکتری در رشته ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی از دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نایل آمده است . سپس چندی در دانشسرای عالی سنندج در دانشکده ی تربیت دبیر ، و سرانجام در دانشگاه کردستان به تدریس و پرورش دانشجویان و آموزگاران و دبیران پرداخته و سرانجام در سال 1367 ش بازنشسته شده ، و در حال حاضر ، مدتی است که به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مهاباد) اشتغال دارد . دکتر خرم دل در زمینه های گوناگون علوم اسلامی ، به ویژه قرآن ، دارای چند تالیف و ترجمه است . از جمله :
1 ـ تفسیر نور که چون ترجمه ی قرآن کریم هم به صورت قابل تمایز از مواد تفسیری در دل آن مندرج است ، توانستیم آن را جزو ترجمه های امروزین به شمار آوریم و همانند ترجمه های مستقل و به همان شیوه معرفی و ارزیابی کنیم .
2 ـ نگارش تفسیر المقتطف (به زبان عربی)
3 ـ ترجمه ی تفسیر اجتماعی و انقلابی و تحرک انگیز و بیدارگر فی ظلال القرآن ، اثر سید قطب (1906 ـ 1966 م) (از بزرگان اخوان المسلمین مصر که در راه آرمان انقلابی و اسلامی خود ، به دستور ضد بشری جمال عبدالناصر اعدام شد) از عربی ، که ترجمه ی ناقصی از آن به قلم شادروان احمد آرام انجام گرفته و به طبع رسیده است . تا کنون (فروردین 1381) ، دو ، و احتمالاً سه جلد از آن چاپ شده که دو جلد اول شامل ترجمه ی تفسیر سوره های فاتحه ، بقره ، آل عمران ، و نساء است

. (دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی ، مقاله ی « خرم دل ، دکتر مصطفی » ، نوشته ی قرآن شناس کوشا و مترجم قرآن کریم به فارسی (نشر فرزان ، 1377 ، معرفی شده در همین کتاب) و نیز (مقاله ی تفسیر نور در همین دانشنامه) . برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

خرمشاهی، بهاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهاءالدین خرمشاهی، متولد ۱۳۲۴، قزوین
- انصراف از رشته پزشکی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) ۱۳۴۲
- اخذ مدرک لیسانس ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۴۷
- دکترای کتابداری از دانشگاه تهران
- نویسنده بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله
- سردبیر نشریه فرهنگ از ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۰
- تألیف بیش از ۱۲ جلد کتاب درباره حافظ و حافظ شناسی
- ترجمه قرآن کریم با ۴ هزار یادداشت در ذیل صفحات و واژه نامه ای با ۱۲ هزار لغت
- تألیف فرهنگ شش جلدی انگلیسی - فارسی «واژه پژوهی»
- برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایرهٔ المعارف تشیع.
تعبیری را درباره بهاءالدین خرمشاهی بپذیریم که می گوید: «خرمشاهی در میان نسلی که در سالهای دهه بیست متولد شدند، در سالهای دهه چهل به دانشگاه رفتند و در دهه پنجاه به کار تألیف و تحقیق و ترجمه پرداختند، بی شک بی نظیرترین و برجسته ترین چهره شناخته شده است. کارنامه پر بار و پربرگ او شگفت انگیز است. بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله زاییده پویش و پژوهش بی وقفه و عاشقانه اوست. آن هم در زمانه ای که کار تحقیق و تألیف با ناکامی و نابسامانی بسیار همراه است. استادان دانشگاه جز به تدریس نمی پردازند و کمتر فرصت تحقیق و پژوهش دارند. محققان و نویسندگان ما هم آنچنان درگیر گرفتاریهای پیچیده مادی و گذران معاشند که امکان پژوهش ندارند. در این زمانه عسرت اگر هم نویسنده ای به پرکاری و کثرت آثار شهره شده، کارش را نازل و قدرش را ناچیز می دانند و شعار «کوچک زیباست» را سر می دهند...» بسیارند نویسندگانی که دقت و سرعت را در هم آمیخته اند و هم کمیت و هم کیفیت کارشان درخشان است. خرمشاهی در زمره همین نویسندگان

است. آثارش گسترده سرشار از تنوع است، نکته یاب و باریک بین است، کوشا و کوشنده و جستجوگر است. لطف بیان دارد و زبانش جذاب و شیرین و دلنشین است. پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است، شاعر و مترجم و مصحح و منتقد و ویراستار و دایرهٔ المعارف نویس است. و هر چند یکبار خود را «مؤلف و مترجمی پراکنده کار» نامیده، اما متفنن نیست. بی شک در دو حوزه تخصصی قرآن پژوهی و حافظ پژوهی کم نظیر است. بهاءالدین خرمشاهی متولد فروردین ۱۳۲۴ قزوین است و در آستانه ۶۰ سالگی می گوید: «من به چند روایت و اختلاف در روز دوازدهم فروردین ۱۳۲۴ دیده به جهان گشودم. سالهای ابتدایی عمر و تحصیلم را در دبستان رزبان و دو دبیرستان دیگر سپری کردم. رشته طبیعی خواندم. ولی همه عشقم به ادبیات فارسی و علوم قرآنی و علوم اسلامی معطوف بوده و هست.» پدرش اولین معلم علم و ادب و شیوه زندگانی اوست. و اگر عربیتی آموخته باشد از فضل پدر بوده است. از نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر و از ویراستاران دایرة المعارف حاضر. تفسیر مورد بحث در یک مجلد به قطع بزرگ رحلی و شیوه ادبی دایرة المعارفی شامل تمام قرآن کریم است مؤلف پس از درج هر یک صفحه از مصحف شریف، در ستون مقابل ترجمه فارسی آن را آورده سپس کلمات مشکله و متشابه و غریب هر آیه و مفاهیم کلیدی و مسائل و عبارات دشوار را ذیل آن توضیح می دهد. این ترجمه همراه با تفسیر از سوی مؤسسات انتشاراتی نیلوفر و جامی به طبع رسیده و نزدیک به انتشار است. در پـایان این تفسیر واژه نامه قرآنی - فارسی و چند مقاله در زمینه تاریخ قرآن و عدم تحریف آن و مسائل دیگر قرآن پژوهی درج گردیده است. مؤلف از جمله محققین شیعه است که چهار اثر در زمینه قرآن پژوهی و تفسیر نگاشته است که سه دیـگـر آن عـبـارتـنـد از: 1) فرهنگ موضوعی قرآن مجید در یک مجلد به زبان عربی و فارسی با همکاری استاد محقق توانا آقای کامران فانی این اثر شامل تدوین کلمات قرآن بر اساس موضوعی است. شـیـوه ساده مؤلفان در تنظیم کلمات و لغات قرآن، به ترتیب حرف اول کلمه بر اساس ابجدی یا دقـیـقـتـر بگوئیم ابتثی است - و نه بر رسم فرهنگهای کهن عربی که از روی ماده اصلی کلمات تنظیم یافته است. لـذا مبتدیان و علماء و محققین یک سان بدون زحمت، خواسته خویش را در اندک زمان به دست می آورند. این اثر نزدیک به هشت هزار مدخل از موضوعات قرآنی را با ذکر نام سوره و شماره آیه در برابر آنها دربردارد. طبع اول این اثر در 1364 ش از سوی نشر فرهنگ معاصر (تهران), و طبع دوم آن در 1369 ش از سوی انتشارات الهدی صورت گرفته است. 2) قـرآن پـژوهی : در یک مجلد به زبان فارسی، شامل هفتاد بحث و تحقیق قرآنی است که توس ط نشر مشرق در تهران در 1372 ش طبع گردیده است. 3) تـفـسیر و

تفاسیر جدید در یک مجلد به زبان فارسی (تهران، کیهان، 1364 ش) این اثر توس ط عصام حسن به عربی ترجمه گردیده و در بیروت توسط انتشارات دارالروضة طبع و نشر گردیده است (1991/1411 ق). درباره پدرش می گوید: «اولین معلم قرآنی و عربی من پدرم بود. گاهی در ایام تحصیل در دانشگاه بین من و پدرم نامه های عربی رد و بدل می شد که ایشان از این کار بسیار به وجد می آمدند. هر چند که عربی هر دوی ما عجمی بود.» خرمشاهی در سال ۱۳۴۲ ایام دبیرستان را به پایان می رساند و با شرکت در اولین دوره کنکور رد می شود. چرا؟ می گوید: «من می بایست امتحان ادبی می دادم در حالی که دانش آموز رشته طبیعی بودم. اما با خواندن کتابهای ادبی در سال بعد موفق شدم در دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز، در رشته ادبیات فارسی قبول شوم. در ضمن در حد فاصل ردی اول و قبولی دوم یک سال فاصله زمانی وجود داشت که من در همان خلال به دانشگاه ملی (آن روزگار) که در همان سال تأسیس شده بود رفتم (۱۳۴۲). وجه تسمیه ملی برای این دانشگاه بیشتر به علت پرداخت شهریه اش بود. لاجرم پدرم از یکی از نزدیکان وام گرفت تا من بتوانم وارد دانشکده پزشکی شوم و شهریه سنگین ۵ هزار تومانی اش را پرداخت نمایم. اما این رشته دانشگاهی برای من چندان دوامی نداشت چرا که من دلی درگیر ادبیات و سری در سودای عربیت داشتم و لاجرم از رشته پزشکی انصراف داده و سال بعد با قبولی در کنکور وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شدم.» او در دانشگاه تهران، نزد اساتیدی چون دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر فره وشی، استاد پورداوود، استاد عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی، دکتر سید صادق گوهرین، دکتر مهدی محقق، دکتر سید جعفر شهیدی و... تلمذ می کند. با این همه خودش دکتر عبدالحمید بدیع الزمانی را دومین معلم قرآنی خود می داند و می گوید: «هر هفته در محضر و کلاس او سؤالاتی که در حین قرائت قرآن برایم موضوعیت می یافت مطرح می کردم.» بهاءالدین خرمشاهی در سال ۱۳۴۷ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ التحصیل می شود و پس از گرفتن لیسانس ادبیات، رشته کتابداری را انتخاب می کند و پس از آن به انجمن حکمت و فلسفه می رود. از مهمترین علایق زندگی بهاءالدین خرمشاهی قرآن است و قرآن پژوهی. درباره اش می گوید «اصلاً بدین صورت نیست که هر کسی تحصیلکرده باشد بتواند قرآن را بفهمد و گاهی حتی از عهده روخوانی قرآن نیز برنمی آیند تا چه رسد به فهم عبارات و تفسیر قرآن، که در حقیقت این روند روخوانی و فهم عبارات و تفسیر مستلزم یک عمر جهد و ممارست و عشق و علاقه است که عمری پنجاه ساله می طلبد تا شخص از عهده آن برآید. بنده شاید به تقریب حدود چهل سال از عمرم را صرف این کار کرده ام و فعالیتهای مستمری در حوزه

قرآن پژوهی و حافظ پژوهی نمودم و با یک نگاه اجمالی در می یابم که حتی همین مدت طولانی نیز هنوز چندان کافی نیست و عمر بیشتری می طلبد تا به فهم دقایق و رموزات قرآن و حافظ، توأمان، پی ببریم. و با آن که ده کتاب قرآنی و پانصد مقاله قرآن پژوهانه نوشته ام هنوز فکر می کنم که از آن آب و گل اولیه بیرون نیامده ام. از خداوند بزرگ مسألت دارم تا ما قرآن را مهجور نگیریم. چرا که مهجور گرفتن قرآن چنین نیست که ما قرآن را نخوانیم یا که کم بخوانیم، بلکه مهجوریت قرآن زمانی آغاز می شود که به مفاد قرآن توجه نکنیم و در آن تدبر ننماییم.»

برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایرۀ المعارف تشیع.

خرمشاهی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی، محقق.
تولد: 1284، کرمانشاه.
درگذشت: 1 مرداد 1375، کرمانشاه.
آیت‌الله سید جواد خرمشاهی تحصیلات علوم دینی و فقهی خود را نزد آیات عظام بروجردی، گلپایگانی و مرعشی نجفی به پایان برد. وی مدت شصت سال از عمر خود را به ترویج دین اسلام سپری نمود.
از آیت‌الله خرمشاهی کتابهای یک صد گفتار در حقانیت آل محمد (ص)، مفاتیح‌القرآن (در شش جلد) و فرهنگ قرآن (به چهار زبان عربی، انگلیسی، ترکی و فارسی به جا مانده است).
آیت‌الله خرمشاهی در سن نود و پنج سالگی در کرمانشاه دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خزانه، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، موسیقیدان و خواننده. معروف به غنه. وی برادر شیخ مرتضی خزانه و از اهالی تهران بود که در علم موسیقی و خوانندگی از استادان درجه اول زمان خود محسوب می‌شد. شیخ محمود به دستگاههای موسیقی احاطه‌ی کامل داشت و خواننده‌ای مقتدر بود. اوج را به حد اعلی می‌خواند و پست را با تحریرهایی که به اصطلاح از توی دماغ می‌داد به خوبی ادا می‌کرد و از این جهت به شیخ محمود غنه معروف شده بود. وی بیش از هفتاد سال عمر کرد و در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه یا مظفرالدین‌شاه درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (2/ 660- 661)، سرگذشت موسیقی (1/ 371- 372).

خزعلی، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم خزعلی
محل تولد : بروجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1304/1/1
آیة الله ابوالقاسم خزعلی، در سال 1304 هجری شمسی در بروجرد، از توابع استان لرستان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم غلامرضا، به شغل ندافی روزگار می‌گذراند و بسیار شیفته خاندان پیامبر (ص) بود؛ به گونه‌ای که شبها فرزند خود را به روضه‌های مخفی و منبرهای استادان با سواد آن روزگار می‌برد تا بذر عشق و محبت به قرآن و اهل بیت : در دل و جان فرزندش شکوفه بزند. اوضاع اقتصادی خانوادة آیة الله خزعلی نابسامان بود تا آنجا که مادرش، مرحوم ربابه، مجبور بود محصولات غذایی خانگی، از قبیل ترشی تهیه کند و آن را بفروشد تا کمکی برای مخارج خانواده باشد. آقای خزعلی ده ساله بود که به همراه خانواده و برخی از بستگان به مشهد مقدس مهاجرت کرد و در آنجا روزگار گذرانید. دوران تحصیل آیة الله خزعلی، در 6 یا 7 سالگی به مکتب خانة محلة «سرسوزنی» در بروجرد رفت. معلّم او فردی بود به نام «سید جعفر شیرازی» که در مسجد محلّه درس می‌گفت. با هجرت به مشهد به دبستان رفت و پس از قبولی در امتحان، در کلاس چهارم ابتدایی مشغول به تحصیل شد و همواره از شاگردان نمونة کلاس بود. پس از پایان رساندن کلاس ششم ابتدایی، به دبیرستان رفت. در آن زمان در مدارس، زبان فرانسوی تدریس می‌شد؛ وی نیز به فراگیری زبان فرانسه مشغول بود که بعدها آن را رها کرد. در سن 17 سالگی ـ هم زمان با سقوط حکومت رضاشاه و اشغال ایران از سوی متفقین ـ به کار نوشتن دخل و خرج مغازه‌ای و توزیع جنسها بین کسبه سرگرم بود تا از این راه، به امرار معاش خانواده کمک کند که ناگهان، بارقه‌های اشتیاق به علوم حوزوی و تحصیل حوزة علمیة مشهد دل و جانش را شعله ور ساخت؛ به گونه‌ای که کار و کسب را وانهاد، به تحصیل علوم دینی روی آورد. مقدمات را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تحصیل سطوح به سراغ استادان ممتاز آن دیار رفت. دو سال قبل از ازدواج راهی قم شد تا از محضر بزرگان آن شهر مقدس نیز بهره گیرد و

برای نخستین بار در درس خارج فقه آیةالله بروجردی (ره) و خارج اصول امام خمینی (ره) حاضر شد که این مسأله تا سالها ادامه داشت. همچنین وی در زمینة فلسفه و تفسیر نیز از استادان بسیاری در حوزه علمیه قم بهره برد. استادان و دوستان آیة الله خزعلی در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان ممتاز و وارستة بسیاری بهره برده است. نخستین استاد وی، مرحوم سید جعفر شیرازی بود که در مکتب خانه به ایشان قرآن و مسائل مذهبی را آموخت. وی از اینکه نخستین استادش یکی از فرزندان پاک حضرت زهرا 3 بوده اظهار خرسندی می‌کند و آن را به فال نیک می‌گیرد. با شروع به تحصیل در حوزة مشهد، صرف و نحو را نزد شیخ علی اکبر دامغانی فرا گرفت و کتاب مغنی اللبیب را نزد محقق قوچانی خواند. معالم و لمعه و قوانین را نزد سید احمد یزدی آموخت. رسائل، مکاسب و کفایه را نزد مرحوم شیخ هاشم قزوینی و بخشی از کفایه را نزد شیخ مجتبی قزوینی فراگرفت. این دو، از استادان ممتاز حوزه علمیه مشهد در علم و عمل بودند که آثار علمی و معنوی ایشان، هنوز در میان شاگردانشان و در رشد و تعالی حوزه علمیه مشهد باقی است. آیة الله خزعلی در قم، در درس خارج فقه آیة الله بروجردی (ره) و درس خارج فقه حضرت امام خمینی (ره) شرکت کرد. وی همچنین مدتی در درس آیة الله بهجت حاضر شد و از محضر این مرد بزرگ نیز کسب فیض کرد. در بخش فلسفه، اشارات را نزد مرحوم حاج شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی خواند و در درس منظومه و اسفار علامه طباطبایی حاضر شد. آیة الله خزعلی در دوران تحصیل و مبارزه با طلاب و فضلای بسیاری همراه بود که از میان آنان می‌توان به شهید آیة الله مطهری، شهید آیة الله بهشتی و آیة الله ربانی شیرازی اشاره کرد.فعالیتهای علمی و فرهنگی آیة الله خزعلی در سالهای تحصیل و مبارزه خدمات فرهنگی و علمی شایانی به جامعه اسلامی ارزانی داشته است. مهم‌ترین خدمت فرهنگی ایشان در دورة طاغوت، تنویر افکار عمومی و آگاه کردن جوانان مستعدّ و انقلابی از خطرهای موجود، همچون جریانهای التقاطی و تز اسلام منهای روحانیت و مبارزه با جریان روشنفکری غیر متعهّد بود. وی در سخنرانیهای خود همواره بر اسلام ناب و اصیل پای می‌فشرد و جوانان را به اُنس با علما روحانیّت شیعه و پرهیز از فراگیری اسلام از دست دیگران دعوت می‌کرد. در زمینة فعالیتهای علمی، تنها اثری که از وی به چاپ رسیده، تفسیر سورة فاتحة الکتاب است. همچنین او بر شعرهای عینیّه ابن ابی الحدید دربارة امیرمؤمنان 7 شرحی نگاشته است و در زمینه‌های قرآنی نیز تلاشهایی انجام داده است. بیشتر مطالعات و فعالیتهای ایشان دربارة قرآن و نهج البلاغه است. بخش زیادی از زندگی آیة الله خزعلی به مبارزه با رژیم طاغوت مصروف شده است. او در فاجعه مسجد گوهرشاد در مشهد،

نوجوانی ده ساله بود که فردای حادثه، با پدرش در محل حاضر شده بود و خود می‌گوید فجایع رژیم پهلوی چنان بود که بر من تأثیر گذاشت و آن شب، تب کردم! از آغازین حرکتهای ایشان در مبارزه بر ضد رژیم شاه، تبلیغ در رفسنجان و افشای ماهیت شاه بر سر منبر بود که به دست‌گیری ایشان و تبعید به گناباد انجامید. در ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی، آیة الله خزعلی همواره در کنار امام (ره) بود و از جمله، حامل پیام ایشان برای علمای نجف آباد شد. همچنین وی در هیجدهم فروردین ماه 1343 به دیدار امام رفت. امام (ره) به تازگی آزاد شده بود و روزنامه اطلاعات در آن زمان مطلبی نوشته بود مبنی بر اینکه امام با دستگاه شاه کنار آمده و آزاد شد. این مطلب باعث تأثر امام شده بود در جلسه‌ای که چند روز بعد در فیضیه تشکیل شده بود، آیة الله خزعلی به دستور امام بر سر منبر رفت و ماهیّت کذب مطلب روزنامه اطلاعات را افشا کرد. این سخنرانی، در آن روزگار، به دلیل حماسی و مستحکم بودن، مشهور شد. آیة الله خزعلی در طول دوران رژیم شاه، یک بار در زندان قزل قلعه زندانی شد و سه بار تبعید شد. تبعید نخست ایشان به گناوه و دامغان بود که سه سال به طول انجامید. تبعید دوم به زابل بود و در تبعید سوم پنهان شد و روی نشان نداد. در این زمان بود که حضرت آیت الله خامنه‌ای در مخفیگاه به دیدار ایشان رفته و با هم از نزدیک آشنا شدند. آیة الله خزعلی در گزارشهای ساواک، روحانی افراطی، اخلال گر طرفدار خمینی نامیده شده بود. در تبعید سوم وی پنهان شده بود تا ساواک نتواند او را دستگیر کند. در این هنگام خبر شهادت فرزندش در قم به دست او می‌رسد. آیة الله خزعلی در تشییع جنازة فرزندش شرکت می‌کند. او هرگز در تشییع فرزندش، اشک نریخت و خدا را در آن مصیبت سپاس می‌گفت. امضای آیة الله خزعلی در بسیاری از بیانیه‌ها در مرجعیت امام (ره) و لزوم مبارزه با رژیم شاه به چشم می‌خورد. همچنین وی در دوره طاغوت، همکاری نزدیکی با جامعة مدرسین حوزة علمیه قم و اعضای آن داشته است و در مبارزات آن مرکز با رژیم شاه به طور جدی شرکت می‌کرده است. از دیگر فعالیتهای او در پیش از انقلاب اسلامی، حمل پیامهای امام (ره) به آیة الله سید کاظم شریعتمداری و همچنین دریافت پاسخ آیة الله شریعتمداری به امام(ره) بوده است. حضرت آیة الله خزعلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فعالیتهای گسترده‌ای برای پیشبرد انقلاب انجام داده است. وی در این سالها، همواره یار صدیق امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیة الله خامنه‌ای بوده و همواره مردم را به پیروی از ولایت مطلقة فقیه، و شناخت هوشمندانة توطئه‌های دشمن و نیز مبارزه با خط نفاق تشویق می‌کرده است. آیة الله در طول دوران جنگ

تحمیلی بارها در جبهه‌ها حضور یافت و همواره مایة دلگرمی رزمندگان اسلام بوده است.

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.
تولد: 30 شهریور 1281(20 جمادی‌الثانی 1320 ق. 24 سپتامبر 1902)، خمین.
درگذشت: 14 خرداد 1368، تهران، بیمارستان قلب.
روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.
دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبدة التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.
از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی‌محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال 1298 عازم حوزه‌ی علمیه‌ی اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.
در سال 1339 ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائی یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلای و مدرسین حوزه علمیه قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام‌آور شد. ایشان که در همان زمان با

محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.
درسال 1340 با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین 15 خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجددا در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال 1344 به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان- آیت‌الله سید مصطفی خمینی- به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در 12 بهمن 1357 با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در 22 بهمن ماه 1357 با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال 1368 در تهران درگذشت.
از آثار ایشان میتوان به این عنوان‌ها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تألیف 1348)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح‌الهدایة الی الخلافة والولایة، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح‌الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوة (صلاة العارفین و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوة)، رسالة لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی‌زاده، چاپ سوم 1363 ق.)، انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، بدایع الدرر فی قاعدة نفی الضرر، رسالة الاستصحاب، رسالة فی التعادل و التراجیع، رسالة الاجتهاد و التقلید، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رسالة فی الطلب و الارادة، رسالة فی التقیة، رسالة فی قاعدة من ملک، رسالة فی تعیین الفجر فی الیالی المقمره، کتاب الطهارة (چهار جلد)، تعلیقه علی العروة الوثقی، مکاسب محرمه (دو جلد) تعلیقة علی وسیلة النجاة، رسالة نجاةالعباد)، حاشیه بر

رساله ارث، تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیة)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات دروس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوة، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتائات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، المکاسب المحرمة (عربی، 1381 ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، 1380 -1375 ق.).
حضرت آیةاللّٰه العظمی امام سید روح‌اللّٰه موسوی خمینی 20 جمادی الثانی 1320 (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان- آیةاللّٰه سید مصطفی خمینی- در اواخر 1320 در سن 47 سالگی به وسیله فئودالها شهید شد.
امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبت‌های برادر بزرگوارش آیةاللّٰه پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در 1339 عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در 1340 در محضر آیةاللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائی به قم عزیمت کرد. او در 1345 ه.ق. سطوح عالیه را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه- آیةاللّٰه حائری حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائری در 1355، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت و از محضر آیةاللّٰه شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت- رضاخان- گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجددا در فیضیه آغاز گشت.
در سال 1364 ه.ق. همزمان با ورود آیت‌اللّٰه بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند.
در سال 1340 ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه- که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود- مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه 15 خرداد 1341 پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود

ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسوا کننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در 13 آبان 1342 به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب 15 سال اجبارا در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصت‌های مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در 1356 ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیةاللّٰه مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.

آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسیله کتاب الصلوة، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الخلل، کتاب البیع (در 5 جلد)، مصباح الهدایة (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:

خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!

(1410 -1320 ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌اللّٰه پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال 1339 ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالیه را خواند. با عزیمت آیت‌اللّٰه حائری یزدی در سال 1340 ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل 1345 ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت اللّٰه شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌اللّٰه حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یثربی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی‌اکبر حکمی‌یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّٰه بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام

خمینی از سال 1368 ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال 1340 ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه حادثه‌ی پانزده خرداد 1342 ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال 1356 ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا 14 خرداد ماه سال 1368 ش که جان به جان آفرین تسلیم کرد، خردمندانه عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم با شکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسیله»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهارة»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»، در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایة»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»، که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت.[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (187 -185)، الذریعه (52 / 22 123، / 21 ،13 / 18 ،69 / 13)، سخنوران نامی معاصر (347 -340 / 1)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 3، ص 15 -1)، گنجینه‌ی دانشمندان (29 -12 / 8)، مؤلفین کتب چاپی (232 -231 / 3).

خواجوئی، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از دانشمندان و مطّلعین از علوم قرآن بوده، رساله‌ای در تجوید بفارسی نگاشته، تاریخ تألیف 1225 هجری می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خویی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1317 ق- 1371 ش)، مجتهد، فقیه، اصولی، مفسر، مدرس و مرجع بزرگ شیعه. آیت‌اللّٰه خویی در خوی متولد شد. در سال 1330 به نجف رفت و پس از تحصیل علوم ادبی و منطق و اصول فقه و کلام و فلسفه، بحث عالی خارج را نزد مجتهدان بزرگی چون آیت‌اللّٰه شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، شیخ مهدی مازندرانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی، شیخ محمد حسین نایینی، شیخ محمد جواد بلاغی و آیت‌اللّٰه سید حسن بادکوبه‌ای، فراگرفت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. آیت‌اللّٰه خویی مدتی در مسجد الخضراء نزدیک حرم امیرالمومنین (ع) به تدریس بحث خارج «مکاسب» شیخ انصاری، کتاب «صلاه» و بحث خارج «عروه»، و همچنین تفسیر قرآن پرداخت. در حوزه‌ی درس ایشان هزاران شاگرد تربیت یافتند که هر یک به عنوان مرجعی در سراسر بلاد اسلامی منتشرند. در عراق درگذشت و در نجف دفن شد. او تالیفات متعددی دارد که برخی از آنها عبارت است از: «اجود التقریرات»؛ «الامر بین الامرین»؛ «البیان فی تفسیر القرآن»؛ «التنبیه علی حکم اللباس المشکوک علیه»؛ «التنقیح فی شرح العروه الوثقی»؛ «مدارک العروه»؛ «الدراسات فی الاصول»؛ «مصباح الفقاهه»؛ «تکمله منهاج الصالحین»؛ «مبانی تکمله‌ی منهاج الصالحین»؛ «تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین»؛ «مستحدثات المسائل»؛ «منتخب الرسائل»؛ «مناسک الحج»؛ «المسائل المنتخبه»؛ «فقه القرآن علی المذاهب الخمس»؛ «المحاضرات فی الفقه الجعفری»؛ «معجم رجال الحدیث» در بیست و سه جلد و برخی کتب دیگر که هنوز طبع نشده.[1]
فقیه مرجع مدرس.
تولد: 15(1278 رجب 1317 ق.)، خوی.
درگذشت: 17 مرداد 1371، کوفه.
آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، فرزند علی‌اکبر فرزند هاشم موسوی خویی نجفی، در شهر خوی به تحصیل برخی مقدمات پرداخت. در سال 1330 ق. به نجف اشرف رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف به فراگرفتن علوم ادبی و منطق پرداخت. پس از فراگیری کتاب‌های درسی اصولی و فقهی و از جمله نزد پدرش، به تحصیل خارج نزد استادان مختلف و از جمله آیت‌الله شیخ فتح‌الله معروف به شیخ الشریعه اصفهانی، آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی، آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمدحسین اصفهانی،

آیت‌الله محمدحسین نایینی، آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی، آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی پرداخت. بعد با اجازه آیت‌الله محمدحسین نایینی به تدریس کتب امامیه و غیر امامیه، کتب اربعه (کافی، فقه، تهذیب، استبصار) و جوامع (وسایل بحار، وافی) پرداخت.
در سال 1352 ق. بسیاری از علما مانند آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله عراقی و آیت‌الله بلاغی به مقام علمی و اجتهاد ایشان شهادت دادند. در این زمان بود که آیت‌الله العظمی خویی مجلس بحث خارج خود را در مسجدالخضراء نزدیک حرم حضرت امیر (ع) تشکیل داد و سال‌ها به تدریس بحث خارج مکاسب آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری، کتاب صلاة و بحث خارج عروة از سید محمدکاظم یزدی از کتاب طهارت وبعدها نیز به تفسیر قرآن کریم پرداخت.
از جمله آیار ایشان می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: البیان فی تفسیر القرآن؛ اجود التقریرات (دو جلد)؛ تکمله منهاج الصالحین؛ مبانی تکمله منهاج الصالحین (دو جلد) المسائل منتخبه، مستحدثات المسائل؛ تعلیقه علی العروة الوثقی؛ رسالة فی اللباس المشکوک؛ نفحات الاعجاز فی الرد علی حسن الایجاز؛ منتخب الرسائل؛ تعلیقه علی المسائل الفقیه؛ منتخب توضیح المسائل؛ تلخیص المنتخب؛ مناسک الحج (به عربی و نیز به فارسی)؛ تعلیقه المنهج الاحکام الحج؛ معجم رجال الحدیث (بیست و سه جلد).
تقریرات آیت‌الله العظمی خویی به شرح زیر هستند: تنقیح العروة الوثقی، شش جلد در علم و فقه، دروس فی فقه الشیعه چهار جلد در علم فقه، مستند العروة سه جلد در علم فقه، فقه العترة، دو جلد در علم فقه، تحریر العروة یک جلد در علم فقه، مصباح الفقاهه، سه جلد در علم فقه، محاضرات فی الفقه الجعفری، دو جلد در علم فقه، الدر الغوالی فی فروع العلم الاجمالی، یک جلد در علم فقه، محاضرات فی اصول الفقه، پنج جلد در علم اصول، مصباح الاصول، دو جلد در علم اصول؛ مبانی الاستنباط، دو جلد در علم اصول؛ دراسات فی الاصول، مصابیح الاصول یک جلد در علم اصول، جواهر الاصول، یک جلد در علم اصول؛ الامر بین الامرین، یک جلد در علم اصول؛ الرأی السدید فی الاجتهاد و التقلید، یک جلد در علم فقه؛ رسالة فی التحقیق الکر، یک جلد در علم فقه؛ رسالة فی حکم اوانی الذهب، یک جلد در علم فقه.
از کتاب‌های طبع نشده وی میتوان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: اضاةالقلوب؛ فقه القرآن علی المذاهب الخمس؛ فهرست جامع الشتات؛ ازالة المحاده عن ملک المنافع المتضادة؛ آثارة العقول؛ قاعدة التحاوز؛ تعارض.
آیت‌الله العظمی خویی در پی یک بیماری قلبی در بیمارستان ابن‌النفیس

بغداد بستری و پس از یک هفته به نجف اشرف بازگشت و پس از گذشت چند روز به علت کهولت سن در ساعت سه بعدازظهر به وقت بغداد در روز هفدهم مرداد 1371 (مطابق با هشتم صفر 1413 ق.) در کوفه چشم از جهان فروبست. پیکر ایشان صبح یک شنبه در نجف اشرف تشییع شد و در مسجد الخضراء (صحن مطهر علوی) به خاک سپرده شد.
منابع: معجم رجال الحدیث، جلد 22، ص. 17. آیت‌الله العظمی خویی به رحمت ایزدی پیوست»، کیهان فرهنگی س. 9 ش. 6 (شهریور 1371)، ص. 55. «چهره درخشان علوم مختلف اسلامی، حاج سید ابوالقاسم خویی (ره)»، کیهان، ش. 14575(25 شهریور 1371)، ص. 18 ص. گنجینه دانشمندان، جلد پنجم/ شیخ محمد شریف رازی، ص. 65 -64 مجلس نشین قدس، یادوراه پیشگام شهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبائی/ شعر دوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سدی حسین موسوی تبریزی گنجنیه دانشمندان، جلد دوم/ شیخ محمد شریف رازی، ص. 9 -3.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 9، ش 6، ص 55)، مولفین کتب چاپی (242 -240 /1).

خوئی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولدش در نیمه ماه رجب سنه هزار و سیصد و هفده در شهر خوی واقع شده و والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی در سال 1364 قمری در مشهد مقدس برای نگارنده گفت قبل از ولادتش یکی از فضلاء خوی از شاگردان من که طلبه باتقوا و متدینی بود نزد من آمد و گفت حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام را در خواب دیدم و چند پیام برای شما داده و گفت فرمودند به سید علی‌اکبر بگو نماز و روزه استیجاری را بده و آن خانه را هم مال ایتام نیست مال مدعی است به صاحبش بگذار و حملی که همسرت دارد پسر است نامش را ابوالقاسم بگذار.
آن بزرگوار پس از تولد و نشو و نما در خاندان علم و دانش در سال 1330 با مرحوم والدش به نجف مشرف شده و به ادامه تحصیل پرداخته تا در مدت کوتاهی حاضر درس مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی گردیده و گوی سبقت از همگنان ربوده و تقریرات استادش مرحوم نائینی را به نام (اجود التقریرات) به رشته تحریر و طبع آورده و شهرت علمیش مخصوص در علم اصول زبانزد همه گردیده و حوزه درس مستقلی تشکیل و فضلاء بلاد از همه جا به درسش حاضر و کسب افتخار می‌نمودند.
از مزایای درس معظم‌له عربی تدریس کردن بود زیرا با اینکه ایرانی و آذربایجانی بود درس فقه و اصول خود را در مسجد الخضراء عربی سلیس و کتابی و فصیح بدون هیچ وقفه و لکنتی بیان می‌کرد که عرب و عجم از او استفاده و کامیاب می‌شدند.
مرحوم والدش حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی که از علماء مشهد و ائمه جماعت مسجد جامع گوهرشاد بودند سیدی بسیار جلیل و بزرگوار و به خود می‌بالید و افتخار می‌کرد با داشتن چنین فرزند برومندی که از مبرزین علماء و مراجع و مجتهدین شیعه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد خیر خواه
محل تولد : روستای طوسکلاء
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب احمد خیرخواه دوره تحصیلات ابتدایی را در روستای زادگاهم طوسکلا از توابع شهرستان نکاء گذرانده ام و تحصیل در مقطع راهنمایی را درشهرستان های ساری(مرکز استان مازندران) و گرگان (مرکز استان گلستان) انجام دادم و در سال 1357 همزمان با انقلاب اسلامی به جهت علاقه زیادی که به تحصیل علوم دینی داشتم وارد حوزه علمیه رستمکلاء (حومه بهشهر) شدم که زیر نظر عارف کامل و عالم عامل حضرت آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (رضوان الله تعالی علیه) تاسیس و اداره می شد و دروس آغازین صرف و نحو (ادبیات عرب) را در آن حوزه نورانی فراگرفتم. لازم به ذکر می دانم که فضای تحصیلی در آن حوزه با دو ویژگی تعلیم و تزکیه ممتاز بود و مرحوم آیت الله ایازی با تعلیم و تربیت هزاران تن از طلاب فاضل و روحانیون ارجمند که بسیاری از آنان خود از اساتید شایسته و از محققان و پژوهشگران پرتلاش هستند در توسعه علم و فرهنگ دینی نقش بسیار مفید و ماندگاری را ایفا نمودند.اینجانب در سال 59 وارد حوزه علمیه قم شدم و کتاب مغنی اللبیب (در ادبیات) را نزد مرحوم استاد مدرس افغانی(ره) و کتاب مطول (در معانی وبیان و بدیع) را محضر آیت الله فشارکی و کتاب رسائل (در علم اصول) را نزد آیت الله اعتمادی و کتاب مکاسب (در فقه) را محضر آیت الله بنی فضل و مرحوم آیت الله پایانی و کتاب كفاية الاصول آخوند خراسانی را محضر مرحوم آیت الله ستوده تلمذ نمودم و دروس خارج اصول و فقه را محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی(ره)، صالحی مازندرانی(ره)، ناصر مکارم شیرازی، و جوادی آملی افتخار حضور یافتم. به جهت علاقه خاصی که به مطالعه و پژوهش در علوم قرآن و تفسیر داشتم و نیز به جهت اهمیت ویژه ای که خود این دانش در مقایسه با دیگر علوم دارد، وارد این رشته تخصصی شدم که با شرکت کنندگان در آن با شرایط ویژه ای و با دو

مرحله امتحان گزینش می شوند در این دوره که به مدت چهار سال به طول انجامید از محضر اساتید بزرگوار و حضرت آیت الله معرفت استفاده کردم و موضوع پایان نامه اینجانب (بررسی مترادف در قرآن کریم) است. و همزمان و به موازات حضور در دوره تخصصی تفسیر جهت عینیت بخشیدن به مطالعات و پژوهشهای قرآنی وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در قم شدم و این مرکز که از مهمترین مراکز مطالعات تحقیقی و کاربردی در محور موضوعات قرآنی است متشکل از بخش ها و واحدهای مختلفی از جمله دائرةالمعارف قرآن کریم، پاسخ به پرسش ها و شبهات قرآنی، تفسیر راهنما، قرآن و علم، واحد فرهنگ قرآن و... می باشد و اینجانب به اتفاق جمعی از همکاران گرامی در واحد فرهنگ قرآن قریب به ده سال است که به تحقیق و پژوهش در مفاهیم قرآنی مشغول هستیم که با منطق نظم الفبایی تدوین می شود و برای این منظور بیش از دو هزار مدخل که با بیشتر از صد هزار نمایه توسعه می یابد بر مبنای معارف برگرفته از قرآن کریم و تفاسیر در قالب برداشت های قرآنی و با راهکارهای کاملا تعریف شده و ضابطه مند مورد تحقیق قرار می گیرد. این پژوهش که با نام (فرهنگ قرآن) آغاز شده و ادامه دارد در حقیقت پروژه ای عظیم و در عین حال بی سابقه در حوزه علوم قرآن و تفسیر است که از سوی حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی ارائه شده است و به وسیله تلاش های مستمر و دلسوزانه جمعی از همکاران همدل و همراه این مرکز انجام می گیرد و به سامان می رسد که بنده نیز به عنوان عضوی کوچک از آن مجموعه بزرگوار محسوب می شوم. تحقیق مذکور که به مثابه یک موسوعه بزرگ از مفاهیم قرآنی است در حدود 25 جلد خواهد بود که 10 جلد آن تا کنون از چاپ خارج شده است و در دسترس علاقمندان مطالعات قرآنی قرار گرفته است و بقیه مجلدات آن نیز در شرف نهایی شدن قرار دارد. اینجانب جدای از تحقیق جمعی فوق مقالاتی را در موضوعات علوم قرآنی، کلامی، معارف دینی و اجتماعی برای دایرةالمعارف قرآن کریم و مرکز مطالعات حوزه علمیه قم و برخی از نشریات نوشته ام.

دارمی سمرقندی، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(255 -181 ق)، مفسر، فقیه و محدث. در سمرقند به دنیا آمد و در همان شهر ساکن بود. به اصرار سلطان، منصب قضاوت سمرقند را پذیرفت، اما پس از اولین مرافعه استعفا داد. در طلب حدیث سفرهای بسیاری کرد و در حجاز و شام و مصر و عراق و خراسان استماع حدیث نمود. از یحیی بن حسان و ابوعلی عبیداللّٰه بن عبدالمجید و یزید بن هارون و یعلی بن عبید و جعفر بن عون و وهب بن جریر و نضر بن شمیل و بشر زهرانی حدیث شنید. مسلم و ابوداود و ترمذی، سه تن از صاحبان «صحاح» ششگانه، و نیز ابوزرعه و ابوحاتم رازی و محمد بن بشار بندار و عیسی بن عمر سمرقندی و دیگران از او استماع حدیث کرده‌اند و همگان به فضل و کمال او اقرار داشتند. در شهر مرو درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «مسند»، در حدیث؛ «التفسر»؛ «الجامع الصحیح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (230/4)، تاریخ بغداد (32 -29/10)، تهذیب التهذیب (262 -261/5)، الجرح و التعدیل (ج 2 ق 99/2)، ریحانه (206/2)، سیر النبلاء (232 -224/12)، الکنی و الالقاب (225/2)، لغت نامه (ذیل/ ابومحمد)، معجم المولفین (71/6).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد دارینی
محل تولد : دارین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/9/1
زندگینامه علمی
آقای محمد دارینی در سال 1345هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان دارین از توابع سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1357 همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی وارد حوزه علمیه سبزوار گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1374 به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله معرفت، آیت الله حجتی، آیت الله واعظی خراسانی و... بهره ها برد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1379 از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"هدایت و مبانی آن در قرآن" دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، مشغول است. و در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

دامغانی، افتخارالدین، محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(و ف 775 ق)، علام دینی و مفسر. وی در علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. او در نزد شیخ کبیر مدفون است. از جمله آثار وی: «الکاشف»، در تفسیر، در هفت مجلد؛ شرح «العیون» عضدالدین عبدالرحمان؛ «شرح الاشارات» به نام «تنقیح العبارات فی توضیح الاشارات»؛ «المدارک»، در منطق؛ شرح «آداب البحث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (280)، تذکره ی هزار مزار (109 -107)، معجم المولفین (79/12).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید داودی لیمونی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سعید داودی لیمونی در سال 1353 شمسی وارد حوزه علمیه شهر رستم کلا (بهشهر) شدم و تا قسمتی از رسائل را در محضر مرحوم آیت الله ایازی خواندم و در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شدم و رسائل را از محضر آیت الله اعتمادی و مکاسب را از محضر حضرات آیات دوزدوزانی ، مرحوم پایانی و مرحوم ستوده بهره گرفتم. کفایتین را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده خواندم و در درسهای خارج حضرات آیات مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی و لنگرودی شرکت کردم و مدت ده سال (به طورمتناوب) از این آقایان بهره گرفتم. هر چند بیشترین بهره اینجانب از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (8 سال) بوده است.
بدایة الحکمه را از محضر استاد فیاضی و نهایة الحکمه را از محضر آیت الله مصباح یزدی بهره گرفتم و مدت دو سال در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در درسهای تفسیر آیت الله جوادی آملی به مدت 3 سال شرکت کردم دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به مدت چهار سال گذارندم و در این دوره از اساتید گرامی ، حضرات آیات : مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، مرحوم طاهر شمس، محقق داماد، شب زنده دار و توفیقی بهره مند شدم.درسال 1381 پایان نامه سطح چهار را در رشته تفسیر با عنوان «جایگاه زن در قرآن کریم» دفاع کردم و مدرک سطح چهار را گرفتم.از سال 1371 در محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین شرح نهج البلاغه پرداختیم که تا کنون (اردیبهشت 1385) هفت جلد ازآن به چاپ رسیده و همچنان ادامه دارد (به نام پیام امام امیرالمومنین علیه اسلام)در این مدت بیش از ده مقاله برای روزنامه ها، مجلات، سمینارها و ... تدوین کردم که به چاپ رسیده است.

علاوه بر تدریس ادبیات و فقه و اصول که چند سال بدان پرداختم، سه سال در دانشگاه آزاد اسلامی اراک در رشته تفسیر و نهج البلاغه تدریس می کردم و اکنون به مدت چهار سال است که در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به تدریس اشتغال دارم همچنین به مدت چهار سال است که در تدوین موسوعه فقهی مقارن زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین مقالات می پردازیم که جلد اول آن به پایان رسیده است و چند سالی است که در مرکز مدیریت حوزه علمیه بخش مدارج علمی، راهنمایی و داوری پایان نامه های سطح 3 و 4 را به عهده دارم.علاوه بر آن در تدوین کتب و مقالات دیگر به فعالیت مشغول هستم.

داوری آشتیانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1322.
درگذشت: 3 آبان 1372، تهران.
حسین داوری آشتیانی استادیار پژوهشکده‌ی زبان شناسی بود. از وی کتابی به نام ویژگیهای املاکی دست نویس تفسیر قرآن پاک در 176 صفحه (تهران، 1357) به یادگار مانده است.
حسین داوری آشتیانی روز سوم آبان 1372 در مسیر عزیمت به محل کارش درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا داوودی کهکی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/6/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا داودی، در سال 1365 وارد حوزه علمیه قم شدم که به مقدمات و سطح پرداختم. در سال 1372 وارد موسسه در راه حق-دروس عمومی- شدم. که پس از دو سال به موسسه امام خمینی(ره) منتقل شد، این دروس آشنایی با مبانی علوم انسانی بود که تا 1377 به طول انجامید. از سال 1377 کارشناسی ارشد رشته تخصصی علوم قرآنی و تفسیر در موسسه امام خمینی(ره) را آغاز کردم. همزمان با گذراندن این رشته، در دوره کارورزی تحقیق که زیر نظر یکی از اساتید برگزار می‌شد شرکت کردم که در موضوع تفسیر موضوعی به مطالعه و تشکیل پرونده می‌پرداختیم. پس از پایان دوره نوبت به نگارش پایان‌نامه رسید، که موضوع پایان نامه اینجانب «شادابی و نشاط از دیدگاه آیات و روایات تفسیری» بود و به مدت یک سال از خرداد 1381 تا 1382 به طول انجامید. پس از دفاع پایان‌نامه که با امتیاز عالی و نمره 18 پذیرفته شد در سال 1383 در دوره تربیت مربی اخلاق زیرنظر حجت الاسلام دکتر آقاتهرانی شرکت کردم و در پایان دوره یکسال، تحقیقی پایانی با عنوان «نگاهی به آثار تربیتی بینش در منابع اسلامی» به نگارش درآوردم. در سال 1384 هفته‌ای یک روز تدریس در دانشگاه آزاد گرمسار را آغاز کردم که درس‌های متون اسلامی، تفسیر موضوعی قرآن و تاریخ صدر اسلام و اخلاق اسلامی را در آنجا تدریس کردم. به جهت نبود کتاب درسی مناسب برای تفسیر قرآن جزوه‌ای را خودم تهیه کردم و تفسیر سوره حمد و آیاتی از سوره بقره و اسراء را در آن جای دادم. همزمان با آن و داشتن کار اجرایی کتابخانه علوم قرآنی، چند مقاله نیز به نگارش درآوردم که در لیست مقالات آمده است.

دقاق نیشابوری، ابوعلی حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 412/405 ق)، عالم، عارف، مفسر، واعظ و شاعر. در نیشابور به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. از اکابر عرفا و جامع اصول شریعت و فنون طریقت به شمار می‌رفت. در بیان احادیث و اخبار دستی توانا داشت و در تفسیر و تاویل آیات بصیر و بینا بود. از کثرت شوق و ذوق و درد و گریه که داشته او را شیخ نوحه‌گر می‌گفتند. کلمات معروفه‌ای نیز از وی به یادگار مانده است. گویند خواجه عبداللّٰه انصاری مناجات مشهور خود را از کلمات این عارف ربانی اقتباس نموده است. ابوالقاسم عبدالکریم قشیری داماد و شاگرد وی بود. دقاق در نیشابور وفات یافت و او در مدسه‌ی خو در سمت قبله‌ی کهن دز دفن کردند. از آثار وی: «تاویل بعضی از آیات قرآنیه»؛ «خلافت»؛ «زهد»؛ «مواعظ»، که بر سیصد و شصت مجلس مشتمل می‌باشد؛ «کتاب الضحایا».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (24)، تاریخ نیشابور (226 ،225)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (مقدمه، 29)، ریحانه (223 -222 /2)، طبقات الصوفیه هروی (631 -630)، کشف الظنون (1434)، الکنی و الالقاب (229/2)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 406)، معجم المؤلفین (261/3)، نفحات الانس (299 -297)، وفیات الاعیان (208 ،207 ،206 /3)، هدیه الاحباب (135)، هفت اقلیم (225/2).

دقی دینوری دمشقی، ابوعمر، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 360/359 ق)، عارف، حافظ قرآن، قاری و محدث. اصل وی از دینور بود، و در شام می‌زیست و به شیخ شامی‌ها معروف بود. وی از اقران ابوعلی رودباری و شاگرد زقاق کبیر بود و با جنید بغدادی و ابوبکر مصری صحبت داشته است. و از مشایخ وقت، و در میان همطبقه خود به جلالت موصوف بود. قرآن را نزد ابوبکر بن مجاهد فراگرفت و از سعید بن عبدالعزیز حلبی و ابوبکر خرائطی و ابوبکر دقاق حدیث شنید. عبدالوهاب میدانی از راویان دقی است. در صد و بیست سالگی در گذشت. این شخصیت در «تاریخ بغداد» تحت عنوان زقی آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (267 -266 /5)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (79)، ریحانه (223/2)، سیر النبلاء (139 -138 /16)، طبقات الصوفیه سلمی (448)، طبقات صوفیه هروی (507 -505)، نفحات الانس (193 -192)، الوافی بالوفیات (63/3).

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(830- ح 918/908 ق)، حیکم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباده صحابی) درآمد. دوانی مسافرتهایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به تدریس مشغول بود.بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رباطه اشعاری نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القدیم»؛ «اثبات الواجب الجدید»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون».[1]
(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان 830 ف. 908 ه.ق.). پدرش قاضی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذرانید و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از

آثار اوست: اخلاق جلالی (علم اخلاق) اثبات الواجب الجدید، اثبات الواجب القدیم، افعال اللّٰه تعالی انموذج علوم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (325 -309)، احقاق الحق (124 -122 /3)، الاعلام (257/6)، اعیان الشعیه (12/9)، تاریخ ادبیات در ایران (100 -99 /4)، تاریخ نظم و نثر (267 -265)، تذکره‌ی روز روشن (175 -167)، الذریعه (57/25، 147/15، 199/9، 82/5، 206/2)، روضات الجنات (548 -541 /2)، ریحانه (236 -232 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 222 -220 /10)، کشف الظنون (2048، 1893، 1567، 1144، 1096، 863، 847، 842، 516، 457، 449، 349، 195، 184)، لغت نامه (ذیل/ دوانی)، مجالس المومنین (229 -221 /2)، معجم المؤلفین (47/9)، هدیه الاحباب (136).

دولابی، ابوبشر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(320/310 -234/224 ق)، حافظ، محدث و مورخ. وی از دولاب ری بود و پیشه وراقی داشت. در زادگاهش به علم‌آموزی پرداخت و در شام و عراق و حجاز حدیث شنید و در مصر مسکن گزید. وی از محمد بن بشار و احمد بن ابی‌سریج رازی و احمد بن عبدالجبار عطاردی و ابواسحاق جوزجانی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوحاتم رازی و ابواحمد بن عدی و ابوالقاسم طبرانی و ابوالحسن بن حیویه و ابوحاتم ابن‌حبان بستی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. دولابی در راه زیارت خانه خدا، بین مکه و مدینه، در عرج، درگذشت. وی تصانیف سودمندی در تاریخ و موالید و وفیات علما از خود به جای گذاشت که از آن جمله کتاب «الکنی و الاسماء» است که در حیدرآباد هند به چاپ رسیده است. از دیگر آثار او: «الذریه الطاهره»؛ «اخبار الخلفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (198/6)، ری باستان (347/2)، ریحانه (239/2)، سیر النبلاء (309/14)، کشف الظنون (1419، 827)، الکنی و الالقاب (236/2)، لسان المیزان (652 -651 /5)، لغت نامه (ذیل/ ابوبشر دولابی)، معجم المؤلفین (255/8)، الوافی بالوفیات (36/2)، وفیات الاعیان (353 -352 /4)، هدیه العارفین (31/2).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر دهقان
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب اکبر دهقان در سال 1343 در مشهد مقدس به دنیا آمدم بعد از کلاس پنجم ابتدایی در سال 1357 وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به مدت پنج سال دروس ادبیات معالم معانی بیان منطق و قسمتی از لمعتین را در نزد اساتید محترم آقایان رضوانی، واعظی، صالحی، حجت هاشمی خواندم و در سال 62 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت چهار سال قسمتی از لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایتین را در نزد اساتید بزرگوار آیات عظام آقایان اشتهاردی، اعتمادی، ستوده خواندم. از سال 67 تا 81 در دروس خارج آیات عظام آقایان شیخ جواد تبریزی، شیخ جعفر سبحانی، شیخ عبدالله جوادی آملی شرکت کرده و در کنار درس خارج به مدت هشت سال از درس تفسیر استاد گرانقدر آیت الله جوادی آملی بهره مند شدم و حدود یک سال و نیم توفیق حاصل شد در جبهه های جنگ در کنار رزمندگان دلاور اسلام بودم. در سال 69 ـ 70 در دوره تربیت مدرس شرکت کرده و به مدت سه سال دروس دانشگاهی را خوانده و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس شده و بعد از آن به مدت دو سال در دانشگاه شهید باهنر کرمان تدریس کردم.
از سال 75 تا کنون 84 همکار استاد بزرگوار جناب آقای محسن قرائتی هستم به مدت 5 سال است که مسئول ستاد التفسیر حوزه علمیه قم از طرف معظم له می باشم بحمد الله در پرتو مطالعات تفسیری و قرآنی برکاتی برای اینجانب حاصل شده است. از جمله تدریس تفسیر به مدت سه سال در حوزه علمیه قم که هم اکنون ادامه دارد.بیش از 200 جلسه مباحث قرآنی و تفسیری در رادیو معارف و رادیو قرآن و رادیو جوان داشته ام که بحمد الله پخش شده است. حدود 20 کتاب در مدت 10 سال است که نوشته ام و 16 تای آن چاپ رسیده و مابقی آن در آستانه چاپ

است

دهقان، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین دهقان اشکذری
محل تولد : اشکذر یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/2
زندگینامه علمی
در سال 1356 پس از قبولی در امتحانات سال اول راهنمایی وارد حوزه علمیه یزد شدم. با شروع انقلاب اسلامی و حادثه نوزدهم دیماه همان سال حوزه های علمیه با تعطیلات مکرر و طولانی مدت مواجه گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی آغاز گردید.لذا دروس مقدمات حوزه را همزمان با مبارزات دوران انقلاب و حضور در جبهه ها ادامه دادم و همراه با دروس حوزوی سال دوم و سوم راهنمایی را به صورت شبانه به پایان رساندم و وارد دبیرستان گردیدم ولی به علل مختلف تحصیلات دبیرستان را ادامه ندادم.در سال 1364 وارد حوزه علمیه قم شدم و بخش اعظم لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و دروس عمومی حوزه را در محضر اساتید بزرگی مانند وجدانی فخر، اعتمادی، محفوظی، محامد، خاتمی و ... فرا گرفته و سپس در محضر اساتید و آیات عظام به خارج فقه و اصول مشغول شده و در سال 1370 در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، که مشروط به اتمام سطح 3 و دو سال درس خارج بود پذیرفته شدم و چهار سال همزمان با شرکت در درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید گرانقدری چون حضرات آیات مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، احمدی میانجی، شب زنده دار، طاهر شمس و ... به فراگیری تفسیر و علوم قرآن پرداختم در سال 1373 موضوع «آیات دال بر حجیت خبر واحد» را که یک موضوع اصولی قرآنی بود به واحد مدارج علمی حوزه ارائه دادم و موفق به اخذ گواهینامه سطح 3 گردیدم.پس از پایان دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن موضوع امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن را به عنوان پایان نامه سطح 4 انتخاب نموده و طرح تفصیلی آن را پس از فیش برداری و مطالعات مقدماتی به واحد مدارج علمی تحویل دادم ولی پس از تایید طرح با توجه به وجود مشکلات خاص از ادامه آن منصرف گردیدم.از سال 1374 تا

کنون ضمن پذیرش برخی از مسئولیت ها در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز جهانی علوم اسلامی به فعالیت های علمی از قبیل تدریس، ویراستاری و نگارش مقاله و ... مشغول می باشم.در طول تحصیل نیز سعی بر این بود که تقریرات دروس سطح و خارج را بنویسم و بیشتر دروس سطح را به صورت پرسش و پاسخ در آورده ام.

دهکردی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمّد باقر. عالم عارف، معروف به رحمتعلیشاه حقّانی، از اقطاب سلسله خاکساریّه، ادیب و شاعر و مفسرّ. در اصفهان در خدمت آخوند ملا محمّد حسین دهکردی - دایی خود - و آخوند کاشی، و میرزا محمّد حسن نجفی، و برادر خود سید ابوالقاسم و دیگران تحصیل نموده، به نجف اشرف رفته، نزد آخوند خراسانی و جمعی تلمّذ نموده، در علوم شریعت و طریقت صاحب نظر شده.
در حدود سال 1285 در شهر کرد متولّد، و در شب 12 جمادی الاولی سال 1339 در اصفهان وفات یافته، در محّله ی در کوشک در کوچه ی باغ حرم (خانه‌های حرم سلاطین آق قویونلو) در بقعه‌ای مخصوص مدفون گردید.
کتب زیر از اوست:
1- آغاز حقیقت 2- برهان حقیقت نامه 3- رشحات رحمت 4- دیوان فنائی 5- مثنوی در شرح آیه نور 6- مثنوی در شرح سؤال کمیل بن زیاد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در معنی حقیقت 7- منطق الطیر منظوم، در شرح هفت وادی؛ و غیره.
از اشعار اوست:
سلطنت خواهی اگر خدمت درویشان کن
حکم بر خشک و تر از همّت درویشان کن
خواهی از عارف باللّه شوی بی شبهه
طلب معرفت از صحبت درویشان کن
به جهان خواهی اگر قبله حاجات شوی
خویش را وقف ره حاجت درویشان کن
صاحب عنوان در محلّه در کوشک، خانقاه داشته، و جمعی را هدایت و ارشاد نموده [!] و قبول از وفات، مریدان را به خواهر زاده خود حاج آقا رحیم دهکردی منوّر علیشاه سپرده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دهلوی، شاه ولی الله

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم معروف به « شاه ولی الله دهلوی » و « محدث دهلوی » (1114 ـ 1176 ق / 1753 ـ 1762 م) دانشمند مسلمان (قرآن شناس ، حدیث پژوه ، فقه پژوه و متکلم) و اسلام شناس و احیاگر / اصلاحگری عرفانی مشرب بزرگ اندیشه دینی / اخلاقی و اجتماعی / سیاسی در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی در شبه قاره ی هند ، (متولد و متوفی و مدفون در دهلی) .
وی دارای آثار عدیده ، در حدود یکصد اثر به دو زبان فارسی و عربی است که از آن میان در حدود سی و پنج اثر چاپ و به انگلیسی و زبانهای دیگر ترجمه شده است . اولین معلم او پدرش شاه [کلمه ی شاه ، لقب طریقتی / عرفانی است] عبدالرحیم عمری (م 1131 / 1719 م) ، موسس و مدیر مدرسه ی علمیه ی رحیمیه در دهلی بود . معروف است که در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ کرد . در پانزده سالگی به توصیه ی پدر به طریقت صوفیانه ی نقشبندیه وارد شد . سپس استاد و مدیر مدرسه ی پدر گردید .
در سال 1143 به حج رفت و این فریضه ی دینی واجب را به جای آورد ؛ و چهارده ماه در حرمین شریفین ، به ویژه مدینه رحل اقامت افکند و نزد علمای بزرگ آنجا به تجدید و توسعه ی آموخته های خود ، به ویژه در زمینه ی حدیث پرداخت .
در سال 1145 ق / 1732 م به هند بازگشت و از آن پس عمر خود را یکسره وقف تعلیم و تالیف و ارشاد یاران طریقت خود کرد . یک دهه ی بعد ، اثر گران سنگ علمی ـ اجتماعی خود حجت الله البالغه را به عربی نوشت (چاپ قاهره ، 2 جلد ، 1952 ـ 1953) . در این کتاب صلای احیاگری و بازگشت به خلوص اولیه ی فرهنگ و علوم اسلامی ، با تاکید بر قرآن و حدیث ، و نیز چاره اندیشی های اجتماعی برای حل معضلات مسلمانان در داده است . نگرش و اندیشه ی صوفیانه ی او ته رنگی در آثارش دارد و هدفش به بار آوردن تهذیب نفس و وسعت مشرب است ، و در هر حال برجسته و موکد نیست .
تجددگرایان مسلمان نظیر علامه محمد اقبال لاهوری (م 938) و فضل الرحمن (م 1988) در او شخصیت وحدت بخش تفرقه ها و تحزب ها و فرقه گرایی های فقهی / حقوقی و ایدئولوژیک می دیدند که دعوتگر به

اجتهادی نوین است و روی آوردن به باطن کتاب و سنت .
او دارای زندگینامه ی خودنوشت کوتاهی به نام الجزء اللطیف فی ترجمه ی العبد الضعیف (به فارسی) است و در کتاب انفاس العارفین هم اشارات زندگینامه ای دارد . نهضت فرهنگی و اجتماعی ـ سیاسی ای که او ، فرزندان (به ویژه عبدالعزیز از میان پنج پسرش) و شاگردانش به بار آورند ، به تعبیر عبیدالله سندی (م 1944) « نهضت ولی الله » نام گرفت . پس از تاسیس پاکستان و استقلال آن ، شاه ولی الله به صورت قهرمان ملی و متفکر سیاسی ـ اجتماعی تلقی شد ؛ و به او همان شأنی را دادند که به عارف مسلمان هندی و مصلح دینی ـ اجتماعی قرن هفدهم میلادی یعنی شیخ احمد سرهندی داده بودند . امروزه ، چنان که اشاره شد ، نهضتهای بزرگ دینی اسلامی در گستره ی جنوب آسیا ، به ویژه گروهی به نام دیوبندی Deobandis ـ که تکثرگرایی و روحیه و پیش زمینه ی عرفانی دارند ـ خود را ملهم از آراء و آثار شاه ولی الله و فرزندش شاه عبدالعزیز می دانند . جنبش هایی که کما بیش صوفی / تصوف ستیزند ، نظیر اهل حدیث ، حتی پیروان مولانا مودودی ، در زندگی و آثار شاه ولی الله ، بازگشت به مبانی اصلی شریعت ، طرد سیاسی تاثیرات و نفوذ فرهنگی / استعماری بیگانه ، و در یک کلام ، سرچشمه ی اعتقادات اصلاح طلبانه ی خود را می یابند . در زمان حیات شاه ولی الله ، مخالفتهای فرقه های نژادی غیرمسلمان هندی نظیر « جات » و « مراتهه » ، و قهراً پس از وفاتش اشغال و استعمار انگلستان در کار بود . نواده ی او شاه اسماعیل شهید با وجود تلاش برای برانداختن رسوم خرافه آمیز محلی بعضی از توده های مسلمانان ، و نیز اعتقاد به لزوم جهاد با نیروهای غیرمسلمان و اشغالگر هند ، در عین حال ـ مانند جدش شاه ولی الله ـ دارای آثار عرفانی بر وفق مکتب بن عربی است . دسته ی دیگری از پیروان او که برجسته ترین آنها شاگرد و خویشاوند نزدیک او محمد عاشق (م 1773) بود ، در عمل ، پیگیر گرایشهای عرفانی شاه ولی الله شدند .
شاه ولی الله مردی کوشا و کثیرالتالیف بود . آثار او را تا یکصد کتاب و رساله هم برشمرده اند که در حدود سی اثر از آنها به چاپ رسیده (و بقیه یا به صورت نسخه ی خطی است یا از بین رفته است) . آثار او به دو زبان عربی ـ زبان رسمی و علمی سراسر جهان اسلام از آغاز تا امروز ـ و فارسی ـ زبان رسمی و ادبی هشتصد ساله ی هندوستان از عهد غزنویان تا استعمار بریتانیا ـ نوشته شده است .
بعضی از آثار فارسی او (که در آن زمان ، زبان ادبی و رسمی / اداری هند بود) عبارتند از :
1 ـ الطاف القدس فی معرفه لطائف النفس (چاپ هند ، 1964 م)
2 ـ الانتباه فی سلاسل اولیاء الله

3 ـ اتحاف النبیه فی ما یحتاج الیه المحدث و الفقیه (لاهور ، 1969 م) .
و مهمتر از نظر بحث و تحقیق ، آثار قرآن پژوهی اوست که برجسته ترین آنها عبارتند از :
4 ـ فتح الرحمن فی ترجمه ی القرآن که پایان ترجمه و پاکنویس آن به تصریح خود شاه ولی الله در 1151 ق / 1738 م بوده و در کراچی و بعشی شهرهای هند کراراً چاپ شده و بحث درباره ی آن موضوع اصلی این مقاله است .
5 ـ الفوز الکبیر فی اصول التفسیر که رساله ای کم حجم و پر مغز درباره ی اصول و مبانی تفسیر قرآن است که هم به مسائل زبانی / ادبی و بلاغی و هم عناصر و ارکان و اصول تفسیر نگاری در پنج مبحث و بخش اصلی پرداخته است . (کراچی ، 1964 م) ترجمه ی عربی این کتاب در جهان اسلام (عرب زبان) اشتهار و به حق اعتبار دارد و تحت عنوان ترجمه ی الفوز الکبیر ... بارها در کراچی و کشورهای عربی به طبع رسیده است . ترجمه ی انگلیسی اش به کوشش گ . هـ . جلبنی (G.H.Jalbani) با عنوان The Principle of Quran Commentary انتشار یافته است (اسلام آباد ، 1985 م)
6 ـ المقدمه فی قوانین الترجمه رساله ای کوتاه و چاپ نشده در باب اصول و روشهای درست ترجمه ی قرآن است .
7 ـ نامه های فارسی او در چندین کتابخانه از کتابخانه های هند نگهداری می شود که گزینه هایی از آنها به اردو ترجمه و چاپ شده است . برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی دیاری بیدگلی
محل تولد : بیدگل کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد تقی دیاری بیدگلی فرزند غلامرضا در سال 1338 هجری شمسی در حومه کاشان (بیدگل) چشم به جهان گشودم، تحصیلات ابتدایی و دوره راهنمایی و متوسطه را نخست در زادگاه خود و سپس در کاشان سپری نمودم، در سال 1354 قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، افتخار حضور در حوزه مقدسه علمیه را پیدا نمودم، دروس مقدمات و سطوح عالی حوزه را نزد استادان گرانقدر حوزه علمیه کاشان و قم از جمله حضرات آیات عظام اعتمادی، خراسانی، وجدانی فخر، ستوده و محقق داماد فرا گرفتم، آنگاه از سال 1366 به بعد از محضر استادان معظم و عالیقدر حضرات آیات عظام مکارم شیرازی مظاهری، فاضل لنکرانی، منتظری ، صانعی، جوادی آملی و سبحانی در زمینه های دروس خارج فقه، اصول و تفسیر قرآن کریم کسب فیض نمودم. هم زمان با تحصیلات حوزوی دوره کارشناسی ارشد را در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم و دوره دکترای تخصصی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به پایان رساندم و در سال 1377 از پایان نامه خود تحت عنوان نقد و بررسی اندیشه های وارداتی یهود (اسرائیلیات) در تفاسیر قرآن دفاع کردم.
از سال 1371 تاکنون به عنوان عضو هیأت علمی گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، اشتغال به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی دارم .از همان زمان به مدت 6 سال با گروههای معارف اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران همکاری علمی داشتم و از آن پس نیز برخی از مراکز آموزش عالی از جمله دانشکده علوم قرآنی قم، دانشکده شهید محلاتی قم و مرکز جهانی علوم اسلامی در مدرسه امام خمینی ره مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره و مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم همکاری آموزشی علمی داشته و دارم. علاوه بر تدریس و انجام

خدمت موظف خود در دانشگاه و نیز اهتمام به فعالیتهای پژوهشی و نگارش و نشر آثار علمی، تا به حال راهنمایی و مشاوره بیش از چهل پایان نامه را در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری بر عهده داشته ام.

دیلمی، ابوالفتح ناصر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 444 ق)، مفسر. با یازده واسطه نسب وی به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد. در دیلم متولد شد و همان جا تعلیم یافت. سپس به یمن رفت و در آن جا مردم را به امامت خود خواند. قبایل با او بیعت کردند و چنان پشت گرمی یافت که بر شهر صعده و صنعاء نیز حکومت راند. او سرانجام کشته شد و در قریه افیق دفن شد. از آثارش کتابی در «تفسیر»، در چهار مجلد است که به نام «تفسیر ابوالفتح دیلمی» موسوم است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (310 -309 /8)، الذریعه (255/4)، ریحانه (250/2)، کشف الظنون (1724)، لغت نامه (ذیل/ ناصر)، معجم المؤلفین (70 -69 /13).

دین پرور، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین دین پرور
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1317/1/1
زندگینامه علمی
حضرت آیت الله سید حسین دین پرور مشهور جمال الدین دین پرور در سال 1317 در خانواده ای مذهبی و متدین در تهران به دنیا آمد. نامبرده پس از مدتی عشق وافر او به علوم دینی او را به سوی حوزه علمیه رهسپار کرد و پس از سالها تلاش و مجاهدت در راه علم و تحصیل به درجه اجتهاد نایل گردید. در دوران تحصیل خویش از محضر اساتید بزرگی چون مرحوم علامه طباطبائی، مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی ، مرحوم آیت الله بروجردی، مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی و ... بهره ها برد.
نامبرده در دوران حیات علمی خویش تألیفات فراوانی به رشته تحریر درآورده است که وی هم اکنون در حوزه های علمیه تهران و دانشگاههای تهران به تدریس علوم ناب اسلامی مشغول است و در این راستا شاگردان فراوانی تربیت و تقدیم انقلاب اسلامی کرده است.

ذوالفنون عراقی، حبیب‌اللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1367 -1281/1278 ق)، منجم و شاعر. در سلطان‌آباد اراک متولد شد. مدت بیست سال به تصحیل علوم مختلف پرداخت، بدون آنکه استاد معینی داشته باشد. سپس به نجف رفت و مت ده سال به فراگیری زبان عربی و علوم دینی به خصوص تفسیر قرآن پرداخت. پس از مراجعت، مدتی را در شهرهای بوشهر و شیراز گذراند. بعد مقیم تهران شد. مدتی در دارالمعلمین مرکزی مثلثات کروی تدریس می‌کرد و همچنین در مدرسه‌ی عالی سپهسالار. وی به عربی نیز شعر می‌گفت. از آثار او «حرکت قمر» و «تقویم استخراجی ذوالفنون» است که تا چندین سال در سالنامه‌ی پارس چاپ و منتشر می‌شد.[1]
(ع. صاحب فنها) حبیب‌اللّٰه سلطان‌آبادی عراقی (و. 1278 ه.ق.- ف. 1367 ه.ق./ 1326 ه.ش.). منجم فاضل و مستخرج تقویم بود و در ادبیات و ریاضیات و تفسیر نیز دست داشت. مدتی در دارالمعلمین مرکزی مثلثات کروی و نیز در مدرسه عالی سپهسالار تدریس می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (268 -267 /3)، سرآمدان فرهنگ (368 -367 /1).

رازی، ابوالفتح جمال الدین حسین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 552 ق)، مفسر بزرگ شیعی. اصلا از نیشابور بود ولی در ری می‌زیست. نسبش به بدیل بن ورقاء خزاعی، صحابی مشهور، می‌رسد. خانواده وی همه اهل فضل و دانش بودند و خود نیز در ری از واعظان معروف بود. شیخ ابوالفتوح از پدر و عم خود و نیز از شیخ عبدالجبّار رازی و شیخ ابوعلی طوسی روایت کرده و به واسطه ایشان از شیخ طوسی روایت می‌کند. وی معاصر زمخشری و از مشایخ ابن شهرآشوب و منتجب‌الدین بن بابویه بود. در شهر ری وفات یافت. و مقبره‌اش در بقعه امامزاده حمزه در شاهزاده عبدالعظیم معروف بود. وی مؤلفاتی داشته از جمله: «رساله یوحنا»؛ «رساله‌ی حسنیه»، در امامت؛ «روح الاحباب و روح الالباب فی شرح الشهاب» یا «شرح الشهاب». معروفترین کتاب او تفسیر بزرگی است در زبان فارسی به نام «روض الجنان و روح الجنان»، مشهور به «تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی» که نخستین تفسیر فارسی شیعی و مشتمل بر بیست مجلد است. جانب فقه در این تفسیر بسیار قوی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (126 -124 /6)، ایضاح المکنون (594 585، /1)، تاریخ ادبیات در ایران (695 -964 /2)، تاریخ نظم و نثر (127 -126)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (975 -974 /7)، دایرةالمعارف فارسی (26 /1)، الذریعه (343 /13 ،275 -274 -261 /11)، روضات الجنات (309 -306 /2)، ریاض العلماء (489 -488 /5)، ری باستان (430 -429 /1)، ریحانه (229 -226 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 80 -79 /6)، فهرست منتجب الدین (8)، الکنی و الالقاب (135 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین)، معجم المؤلفین (35 /4)، هدیة الاحباب (33)، هدیه العارفین (312 /1)، یادداشتهای قزوینی (92 -90 /6 ،221 -220 /3).

رازی، ابوالفتح سلیم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 447 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب شافعی و محدث. وی در آغاز فنون ادب را به کمال آموخت و پس از چهل سالگی به تدریس پرداخت. او در فقه شاگرد ابوحامد اسفراینی بود و از احمد بن محمد بن بصیر و احمد بن فارس لغوی و محمد بن جعفر تمیمی و ابی‌حامد اسفراینی و احمد بن محمد بن صلت مجبر و ابواحمد فرضی روایت می‌کرد. وی به بغداد رفت و به فقه پرداخت و به نشر علم در سواحل شام و صور همت گماشت. ابوبکر خطبی و ابومحمد کتانی و سهل بن بشر اسفراینی و فقیه نصر بن ابراهیم مقدسی و ابوالقاسم نسیب از وی روایت کردند. گویند: وقتی که در بغداد بود نامه‌هایی را که برایش می‌آمد باز نمی‌کرد و همه را جمع می‌کرد، تا موقعی که از تحصیل علم فراغ حاصل کرد، سپس همه‌ی نامه‌ها را گشود و خواند و به اخبار دردناک مندرج در آنها- که اگر قبلا خوانده بود از کار علم باز می‌ماند همانند مرگ کسان و خویشان- وقوف یافت. سلیم در سفر مکه پس از انجام اعمال حج در ساحل جده در دریای قلزم غرق شد. از آثارش: «التقریب» در فروع؛ «روح المسائل»، در فروع؛ «ضیاء القلوب»، در تفسیر قرآن؛ «غریب الحدیث»؛ «الکافی»، در فروع؛ «المجرد»، در فروع؛ «الاشاره»، در فروع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1091، 1205، 1378، 1593، 1630، 915، 466، 98)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (128 -127)، معجم المؤلفین (243/4)، الوافی بالوفیات (334/15)، وفیات الاعیان (399 -397 /2)، هدیه العارفین (409/1).

رازی، ابوحاتم محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(277 -195 ق)، حافظ، محدث، مفسر و رجال شناس اهل سنت. معروف به حافظ شرق. چون ساکن محله‌ی درب حنظله‌ی ری بود، او را حنظلی نیز گفته‌اند. از چهارده سالگی به استماع و کتابت حدیث پرداخت و در کسب علم سرگشته‌ی شهرها شد. به عراق و شامات و مصر و حجاز سفر کرد و از علمایی چون عبیداللّٰه بن موسی و ابونعیم، در کوفه و محمد بن عبداللّٰه انصاری و اصمعی، در بصره و هوذه بن خلیفه در بغداد، و ابومسهر در دمشق و ابویمان در حمص، و سعید بن ابی‌مریم در مصر و بسیاری دیگر حدیثها شنید و در طلب آن بیش از هزار فرسنگ راه با قدم پیمود. او از کارشناسان بزرگ متن و اسناد حدیث و جرح و تعدیل راویان حدیث بود، لذا به او شیخ‌المحدثین نیز گفته‌اند. وی از اقران بخاری، مسلم، ابوزرعه رازی و ابوزرعه دمشقی بود و این دو از راویان ابوحاتم هستند. ابوداوود و نسائی، صاحبان «سنن»، به نقل حدیث از او پرداخته‌اند و نسائی از وی تعبیر به «ثقه» کرده است. از شاگردان بنام او فرزندش، عبدالرحمان بن ابی‌حاتم است. ابن ابی‌حاتم در مقدمه‌ی کتاب «الجرح و التعدیل» شرح حال زیبای برای پدر نگاشته و به نکاتی که حاکی از عظمت قدر و وسعت حفظش می‌باشد، اشاره کرده است. عبداللّٰه بن جعفر حمیری شیعی و سعد بن عبداللّٰه اشعری قمی نیز از راویان او هستند. او در هشتاد و دو سالگی در ری درگذشت. از آثر وی: «تفسیر القرآن»؛ «الجامع فی الفقه»؛ «الزینه»، در حدود چهارصد برگ؛ «طبقات التابعین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (250/6)، تاریخ بغداد (77 -73 /2)، تهذیب التهذیب (29 -27 /9)، الجرح و التعدیل (مقدمه/ 368 -349، ق 2 ج 204/3)، دایرةالمعارف فارسی (29/1)، رجال ابن‌داود (قسم 498/2)، رجال الطوسی (512)، رجال النجاشی (401/1)، ری باستان (349 -348 /2)، ریحانه (286/2)، سیر النبلاء (263 -247 /13)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (354)، الفهرست الطوسی (276)، الکنی و الالقاب (44/1)، لغت نامه (ذیل/ رازی، ابوحاتم رازی)، معجم المؤلفین (35/9)، الوافی بالوفیات (183/2)، هدیه العارفین (19/2).

رازی، زین‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 666 ق)، فقیه، مفسر، لغوی، ادیب و صوفی حنفی. اصل وی از ری است. طی سفری از مصر و شام دیدار کرد و در پایان عمر، در سال 666 ق، در قونیه بود. او در تفسیر قرآن مشهور است. صاحب «ریحانه الادب» و به تبع آن دهخدا در «لغت نامه» رازی را از علمای قرن هشتم و متوفای بعد از سال 768 ق دانسته‌اند. از آثار وی: «انموذج جلیل فی اسئله و اجوبه من غرائب آی التنزیل»؛ «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز»؛ «روضه الفصاحه»، در علم بیان؛ «کنوز البراعه فی شرح المقامات الحریریه»؛ «مختار الصحاح»، در لغت که تلخیص «صحاح» جوهری است و در 660 ق خاتمه یافته؛ «حدائق الحقائق»، در مواعظ؛ «دقائق الحقایق»، در تصوف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (279/6)، ایضاح المکنون (389/2، 475/1)، تاریخ ادبیات در ایران (287 -286 /3)، ری باستان (346/2)، ریحانه (405 288، /2)، کشف الظنون (1073 -1072، 633، 92)، لغت نامه (ذیل/ رازی، زین‌الدین)، معجم المؤلفین (112/9)، هدیه العارفین (127/2).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین راستی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1306/1/1
زندگینامه علمی
آیة الله حاج شیخ حسین راستی کاشانی در سال 1306 در شهرستان کاشان در محلّه سلطان امیر احمد (از فرزندان موسی بن جعفر (ع)) به دنیا آمد. مادرش، ربابه بود و پدر وی، علی نام داشت که از راه ابریشم بافی، روزگار می‌گذرانید و مدتی نیز کارمند دولت بود. زندگی آیة الله راستی کاشانی در خانواده‌ای ساده، امّا متدیّن و دوستدار خاندان پیامبر (ص) آغاز شد؛ شیفتگی پدر او به روحانیّت به حدّی بود که اگر در کوچه خیابان، فرد معمّمی را از دور می‌دید، صلوات می‌فرستاد و در پیشگاهش ادای احترام می‌کرد. آیة الله راستی کاشانی، تحصیلات ابتدایی را تا پایة ششم در شهر کاشان به پایان رسانید. پس از آن، به دلیل نارضایتی پدر از وضعیت دبیرستانهای آن روزگار، به دبیرستان نرفت و در بعضی از تجارت خانه‌ها و مغازه‌ها به کار مشغول شد.
پس از مدتی به سراغ نقاشی طرحها و نقشه‌های قالی رفت و آن حرفه را نزد استادان معروف و مجرّب فرا گرفت؛ امّا به سبب شوق فراوان به کسب معارف اسلامی و علوم دینی، راهی حوزه علمیه کاشان شد. دروس دورة ادبیات و بخشی از دروس سطح را نزد استادان مشهور آن دیار آموخت و سپس، عازم حوزه علمیه قم شد. در قم، نیز رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان رساند و در کنار آن به تحصیل فلسفه، کلام و تفسیر مشغول بود. پس از آن، عازم نجف اشرف شد تا ضمن باریابی به درگاه مولای متقیان، علی (ع) از محضر استادان آن دیار نیز بهره ببرد که این سفر بیش از بیست و پنج سال به طول انجامید. علت مهاجرت ایشان به نجف اشرف، علاقه فراوان ایشان به تفسیر قرآن کریم واطلاع از جلسات درس تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی آقای خویی بود. آیة الله راستی کاشانی، در طی این سالها، به تدریس درسهای آموخته نیز می‌پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت می‌نمود؛ امّا با شرفیابی حضرت امام(ره) به

شهر امیرمؤمنان علی (ع) ، آیة الله راستی درس خود را که طلاب بسیاری در آن شرکت می‌جستند، تعطیل کرد و همراه با شاگردان، در درس امام خمینی(ره) شرکت کرد. آیة الله راستی کاشانی، در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره‌مند بود.
وی در کاشان، دروس دورة ادبیات و بخشی از دروس دورة سطح را نزد استادانی همچون آیة الله العظمی سید محمد حسین رضوی، آیة الله میرزا حسین فاضل نراقی، آیة الله غروی کاشانی، آیة الله شیخ علی اکبر صمدی و آیة الله حاج شیخ جعفر صبوری قمی فرا گرفت. با ورود به قم، رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیةالله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیة الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، آیةالله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی و حضرت آیة الله العظمی حاج سید محمدباقر طباطبایی بروجردی (سلطانی) آموخت و برای آموختن تفسیر، هیئت، فلسفه نزد مرحوم علامه طباطبایی رفت.در دورة تحصیل در نجف نیز، به درس خارج اصول و فقه و تفسیر آیة الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی و آیة الله العظمی میرزا باقر زنجانی رفت. همچنین در درس حضرات آیات حاج سید محسن حکیم و حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید عبدالهادی شیرازی، میرزا حسن یزدی، شیخ حسن حلّی، حاج میرزا حسن بجنوردی و حاج سید حسین حمّامی نیز به تناوب شرکت می‌جست. وی برای فراگیری علم حدیث و درایه و بخشی از حکمت و فلسفه به نزد آیة الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری رفت.
از دیگر استادان او در فلسفه و کلام، آیة الله حاج شیخ صدرا می‌باشد. همچنین وی تفسیر را نزد عالم ربانی، آیة الله شیخ محمد علی سرابی و آیةالله العظمی آقای خویی آموخت در این مدت ایشان از جلسات خصوصی اخلاق حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید جمال گلپایگانی بهره برد. با حضور امام (ره) در حوزه علمیه نجف اشرف، آیة الله راستی به درس ایشان شتافت و از محضر وی بهره‌های بسیار برد. آیة الله راستی مدتی در جلسات فقهی شورای استفتای آیة الله خویی شرکت داشت. آیة الله راستی کاشانی در دوران تحصیل در قم با آیةالله مرحوم حاج شیخ علی حیدری، آیةالله حاج سید جلال فقیه ایمانی، آیة الله حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی، انس فراوان داشت و در جلسات مباحثه درسی آنان شرکت می‌کرد. در نجف نیز با مرحوم آیة الله حاج سید نصر الله مستنبط، آیةالله حاج سید حسن قزوینی، آیة الله حاج سید مرتضی نجومی و آیة الله حاج سید محمد نوری جلسات مباحثه علمی برقرار می‌کرد که این جلسات سالیان متمادی ادامه داشت. از دیگر دوستان نزدیک وی، آیة الله حاج سید اسدالله مدنی، مرحوم آیة الله شیخ محمد فکوریزدی و مرحوم آیةالله حاج سید مرتضی خلخالی است. آیة الله راستی کاشانی با

مرحوم آیة الله حاج سید عبدالکریم کشمیری، انس فراوانی داشته است.
آیة الله راستی کاشانی در طول عمر خود، تا کنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است که ذکر همة آنها در این مختصر نمی‌گنجد. وی حدود پنجاه سال است که به تدریس در حوزه‌های علمیه کاشان، نجف اشرف و قم می‌پردازد و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورش داده است که برخی از آنان خود، از استادان و فضلایی هستند که در حوزه‌های علمیه ایران و دیگر کشورها به خدمت به جامعة تشیع می‌پردازند. برخی نیز در پستهای مهم و حساس نظام اسلامی، خدمت می‌نمایند. آیة الله راستی، در زمان حیات امام(ره) به نمایندگی ایشان برای ساماندهی امور حوزه و ایجاد تشکیلات شورای مدیریت حوزة علمیه قم منصوب شد و مُجاز به تصرف در امور شرعیه شد. در این زمینه، وی خدمات شایانی را به سرانجام رسانده است که آثار و برکات آن تا هم اکنون نیز بر جای مانده است. آیة الله راستی به پژوهش در زمینه‌های گوناگون دینی، پرداخته که برخی از آنان در نشریات کشور به چاپ رسیده است. وی همچنین تقریرات دروس برخی از اساتید خود را نگاشته و حواشی و دستنوشته‌هایی در زمینه فقه و اصول دارد. اشتغال به درس و علوم دینی، آیة الله راستی را از مبارزه بر ضد طاغوت بازنداشت.
وی از نخستین روزهای نهضت، به جمع مبارزان پیوست و همواره با اطاعت از رهنمودهای امام خمینی (ره) به افشاگری ماهیت شوم خاندان پهلوی و تلاش برای استقرار نظامی اسلامی با بهره‌گیری از معارف اهل بیت (ع) می‌پرداخت. از جمله فعالیتهای سیاسی وی که پیش‌تر، ذکر آن آمد، تعطیل کردن درس خود در نجف و حضور در درس امام(ره) به منظور مطرح نمودن و تقویت نهضت امام خمینی(ره) بود. دیگر اینکه وی در سال 1343، مسأله تقلید از امام خمینی(ره) را به طور جدی مطرح کرد. آیة الله راستی، با عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جزء فعالان این مجموعه شد و امضای او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی که بر ضد شاه منتشر می‌شد، به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیتهای وی در زمان رژیم شاه، سفر به آبادان، به نمایندگی از طرف امام خمینی (ره)، برای حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارکنان صنعت نفت بود. وی از کسانی بود که در مسجد دانشگاه تهران متحصن شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن 1357، فعالیتهای سیاسی معظم له پایان نیافت. و تاکنون به نیز ادامه دارد.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 502 ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی/ معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را همتا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل‌بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را 565 ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «درة التاویل فی متشابه التنزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمدصالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است.[1]
(بخش 1) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. 502 ه.ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل التشأتین، الذریعة الی مکارم الشریعة (ه.م.)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (279/2)، اعیان الشیعه (162 -160 /6)، تاریخ ادبیات در ایران (266/2)، تاریخ گزیده (693)، دایرةالمعارف فارسی (1061/1)، الذریعه (364/21 -128/20، 28/10، 46 -45 /5)، روضات الجنات (216 -186 /3)، ریاض العلماء (172/2، 101/7)، ریحانه (293 -292 /2)، سرآمدان فرهنگ (371 -370 /1)، سیر النبلاء (121 -120 /18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 82 -81 /6)، فرهنگ سخنوران (363)، کشف الظنون (1773، 1729، 1609، 881، 827، 739، 462،

447، 377، 131، 36)، الكنى و الالقاب (269 -268 /2)، لغت نامه (ذيل/ راغب اصفهانى)، مؤلفين كتب چاپى (862/2)، معجم المؤلفين (59/4)، هديه الاحباب (140 -139)، هديه العارفين (311/1).

رامیار، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نویسنده، استاد.
تولد: 1301، مشهد.
درگذشت: 20 شهریور 1363، انگلستان.
محمود رامیار تحصیلات خود را تا پایان دوره‌ی متوسطه در مشهد به پایان رسانید و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران عزیمت کرد و در مدرسه‌ی سهپسالار قدیم تحصیلات خود را در فقه و اصول ادامه داد. در مدت اقامت در تهران موفق به اخذ دکترای حقوق از دانشگاه تهران شد. وی مدتی نیز در فرانسه به تحقیق و تحصیل مشغول بود. آخرین مرحله از تحقیقات ایشان نزد پروفسور مونتگمری وات در دانشگاه ادینبورگ بود که این دوره را نیز با درجه‌ی دکتری به پایان رسانید. پس از فراغت از تحصیل در سال 1349 به مشهد بازگشت و به عنوان استاد و رییس دانشکده‌ی الهیات دانشگاه مشهد به تحصیل و تحقق پرداخت. از جمله خدمات وی تأسیس چاپخانه‌ی دانشگاه مشهد بود. وی در سال 1359 بازنشسته شد.
آثار دکتر محمود رامیار عبارتند از: تاریخ قرآن، کشف الآیات قرآن مجید، در آستانه سالزاد پیامبر (ص)؛ ترجمه‌ی کتاب در آستانه‌ی قرآن (ترجمه از کتاب بالشر فرانسوی، 1358)؛ آخرین اثر استاد تفسیری از قرآن بود که به انجام نرسید.
کتاب تاریخ قرآن وی در دومین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس رجبی
محل تولد : محلات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب عباس رجبی در سال 1353 تحصیلات ابتدایی خود را در شهر نیمور از توابع شهرستان محلات آغاز کردم و تا پایان دوره راهنمایی در همانجا گذراندم. در سال 1361 به خاطر حضور در جبهه ترک تحصیل کردم و در سال 1362 در حوزه علمیه القائم محلات دروس حوزوی را آغاز نمودم و پس از گذشت یک سال به قم مهاجرت کردم و در مدرسه امام باقر(ع) (جنب پل نیروگاه) مشغول به درس شدم. با اتمام لمعتین معمم شدم و به سال 67 به مدرسه فیضیه آمدم و تا سال 1369 حجره داشتم. سال 71 در موسسه در راه حق که بعداً به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تغییر نام داد مشغول به تحصیل علوم قرآنی و فلسفه شدم و همزمان در دروس حوزوی شرکت می‌کردم. سال 72 سطح را با انجام آخرین آزمون آن به پایان رساندم در حالی که از دو سال قبل آن در دروس خارج فقه و اصول شرکت می‌کردم. اساتیدی که در درس خارج از آنها بهره بردم عبارتند از: استاد جوادی آملی و در فقه و تفسیر، استاد جعفر سبحانی در اصول، استاد فاضل لنکرانی در فقه، مرحوم استاد تبریزی در فقه و استاد کعبی در فقه، در سال 73 با یک سال مرخصی از موسسه راهی سفر تبلیغ به کرند غرب در استان کرمانشاه شدم و مدیر و استاد حوزه علمیه خواهران آنجا شدم. در سال 76 با پایان رساندن دوره دروس معارف موسسه، در دوره تخصصی روان‌شناسی شرکت کردم و تا سال 81 به تحصیل ادامه دادم. سال 1382 با نوشتن پایان‌نامه و دفاع از آن با اخذ نمره 19 موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی شدم. در سال 80 در بخش مشاوره تربیتی مرکز نهاد رهبری در دانشگاهها مشغول به فعالیت شدم که تاکنون ادامه دارد. در طول تحصیل مقالات زیادی برای مراکز مختلف و مجله‌های علمی نوشتم که عبارتند از: مجله معرفت از موسسه آموزش امام خمینی، مجله پرسمان از نهاد رهبری در

دانشگاه و موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات، مجله شمیم یاس از حوزه علمیه خواهران و مجله صبح از صدا و سیما. همچنین در برخی همایش‌های علمی و تربیتی در سطح دانشگاهها شرکت کردم و به ارائه مقاله و سخنرانی پرداختم. در سال 84 به عضویت مشاوران مرکز مشاوره و راهنمایی بلاغ و وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی درآمدم که از آن زمان تاکنون در دو مدرسه عالی فقه و معارف و مدرسه تخصصی فقه و اصول به سمت مشاوره مشغول به خدمت هستم.در سال 85 به اداره ارشاد قم بخش بررسی کتاب برای نقد و بررسی کتاب دعوت شدم که تاکنون ادامه دارد.فعالیتهای تبلیغی بنده از سال 65 برای اولین بار به عنوان مبلغ در جبهه‌های نبرد با استکبار حاضر شدم و در سال 66 رسماً معمم شدم و در ایام تبلیغی به شهرها و روستاها مهاجرت کردم. در سال 74 به عنوان روحانی کاروان‌های حج و عمره و عتبات پذیرفته شدم که از آن زمان تاکنون 15 سفر تبلیغی همراه با کاروان‌ها داشته‌ام که به ترتیب سه مرتبه حج تمتع 9 مرتبه عمره، دو مرتبه کربلا و یک مرتبه سوریه.

رجبی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود رجبی
محل تولد : جاسب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال 1330 هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاک طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال 1343 به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد.او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجستة آن روزگار به پایان برد. سپس در سال 1350 به درس خارج فقه و اصول استادان برجستة حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازنماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیةالله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته(ره)، منطق مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیةالله امینیان و حجةالاسلام و المسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیةالله مقتدایی و

معانی و بیان را نزد آیةالله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیةالله طاهری خرم آبادی و آیةالله مؤمن و در درس مکاسب آیةالله ستوده، آیةالله مصلحی اراکی و آیةالله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایةالاصول نیز به درس آیةالله سلطانی طباطبایی(ره) و آیةالله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دورة سطح، به درس خارج آیةالله حاج شیخ کاظم تبریزی(ره)، آیةالله حاج شیخ مرتضی حائری(ره)، آیةالله العظمی وحید خراسانی، آیةالله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیةالله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر رانزد آیةالله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیةالله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطة دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی(ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیتهای علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است او از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» ـ که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد ـ را نام برد او همچنین کتابهای «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و

دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) را نیز بر عهده دارد.او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در قم به تدریس می پردازد.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین رحمانی فرد
محل تولد : سبزوار
شهرت : رحمانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
از آنجا که در آبادی ما مدرسه نبود و بعد هم که آمد خانواده ما چندان اعتقادی به مدرسه علوم جدیده نداشتند. لذا از سنین کودکی به مکتب خانه رفتم و قرآن و کتاب گلستان سعدی و دیوان حافظ شیرازی را در مکتب خانه خواندم و بعد وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و در مدرسه فصیحیه مشغول به تحصیل علوم قدیمه شدم و در همان ایام شبانه تحصیلات کلاسیک را تا سیکل خواندم و در اوایل سال 1353 به قم عزیمت کردم و در دروس اساتید سطح (پایه 6و 7) شرکت کردم و همزمان با وارد شدن به حوزه علمیه قم و شرکت در محافل سیاسی و پخش بیانیه ها و نوارها و کتابهای حضرت امام خمینی ره همواره تحت تعقیب ساواک رژیم بودم و در جریان یورش بیرحمانه ماموران شاه به مدرسه فیضیه در سال 1354 دستگیر و پس از ضرب و شتم به زندان اوین منتقل شدم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کارهای تحقیقی و تبلیغی و فرهنگی مشغول میباشم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رحمتی شهرضا
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/2/10
زندگینامه علمی
اینجانب محمد رحمتی شهرضا بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی در رشته علوم تجربی مقطع دبیرستان در دبیرستان مبعث ادامه تحصیل داده و پس از اخذ مدرک دیپلم به حوزه مقدسه علمیه قم مدرسه علمیه معصومیه رفته و مشغول تحصیل علوم حوزوی شدم و پس از گذراندن مقدمات تحت برنامه آن مرکز مشغول سطح شده و فعلا مشغول درس خارج حوزه هستم. در کنار تحصیل علوم حوزوی نیز با تحصیل در رشته علوم کامپیوتر دانشگاه آزاد اصفهان فارغ التحصیل لیسانس نرم افزار و علوم کامپیوتر شدم. در کنار درسهای عمومی حوزوی علاقه وافری به مطالعه و تحقیق در زمینه های مختلف علوم اسلامی داشته و مطالعات خود را با آثار شهید مطهری ره شروع نموده و آثار مختلف علمی را مطالعه نمودم. قبل از شروع تحصیلات حوزوی نیز در دوره های مختلف آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن کریم در سازمان تبلیغات اسلامی به تدریس مشغول بودم . حدود 6 سال مستمر نیز در زمینه تحصیل علوم قرآنی مثل روخوانی و روانخوانی، تجوید، اختلاف قرائات و دیگر علوم نیز کار نموده و تحصیل نمودم. از سال چهارم طلبگی نیز مشغول به تبلیغ و منبر بوده و در ماههای مبارک رمضان و محرم نیز هر ساله برنامه ی منبر و سفرهای تبلیغی داشته ام و برای اهالی ، کلاسهای مختلف تشکیل داده ایم.

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابومحمد یعسوب‌الدین فرزند حاج میرزا احمد فرزند محمدصادق فرزند محمد مشهور به رستگار از افاضل دانشمندان و اکابر مفسرین معاصر حوزه علمیه قم می‌باشند.
ایشان اصلا اهل کلا (کوزه‌گر) محله از محلات شهرستان جویبار مازندران می‌باشند که در سال 1319 شمسی متولد شده و پس از تحصیل کلاس ششم ابتدائی و کتابت یک جلد کلام‌اللّٰه مجید با ترجمه با خط خود جهت تحصیل علوم دینیه عازم مشهد مقدس شده و ادبیات را از محضر استاد کل ادیب نیشابوری و تمام دروس سطح را با تدریس در مدت پنجسال در مدرسه خیرات خان و استفاده تفسیر و روایت و اخلاق از زاهد زمان آیت‌اللّٰه حاج میرزا حبیب‌اللّٰه گلپایگانی و شرکت درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی میلانی قدس‌اللّٰه سرهما عزیمت به قم نموده و از محضر آیات عظام قم بالاخص مرحوم شریعتمداری تبریزی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد یزدی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا هاشم آملی تا سال 1355 شمسی استفاده نموده و در تمام دوران تحصیلات سطح و خارج و تعطیلات تابستانی و اعیاد و وفیات و تعطیلی‌های دیگر به کار نوشتن تفسیر وزین و جامع البصائر و کتب دیگر که یادآور می‌شوم اشتغال داشته است پس تفسیر را در چهل جلد مسوده و به صورت شصت جلد مبیضه درآورده که در سال 1356 شمسی شروع به طبع آن نموده و تا سال 1364 شمسی بیست و یک جلد آن به طبع رسیده است. و چند سالی به علل عدم امکانات ادامه طبع آن متوقف ولی در سال 1369 شمسی جلد پنجاه و هشتم آن نیز از طبع خارج و به طبع مجلدات دیگر اشتغال دارند و انشاءاللّٰه به زودی تمام آن به طبع خواهد رسید.
آثار علمی مفسر بزرگوار آقای رستگار
1- تفسیر البصائر
2- مفتاح البصائر
3- تبصره البصائر
4- حماسه‌ای از تفسیر البصائر
5- حبل‌المتین من فقه آل یاسین
6- خلاصه الاصول
7- تبویب عناوین نهج‌البلاغه

8- روحانیت و روحانی
9- اصول پنجگانه دین مبین اسلام
10- فروع ده‌گانه دین مبین اسلام
11- ابوالفضل العباس حامی ولایت و مظهر شهامت و استقامت
12- خاطرات هزار و یکصد و شصت روزه
13- مازندران پس از طوفان نوح تاکنون
آقای رستگار دانشمندی غیور و ولایتی و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و گذشته از آثار علمی دارای فرزندان فاضل و برومندیست که در حوزه علمیه به تحصیل دروس استدلالی فقه و اصول و تدریس متون و سطوح متوسط و عالی اشتغال دارند و از فضلاء جوانان حوزه محسوب و انشاءاللّٰه در آینده نزدیک مانند والدشان از علماء خدوم بدین و ملت خواهند بود.
روزهای جمعه دوره سال را به یاد ولی‌اللّٰه اعظم حضرت بقیه‌اللّٰه عجل‌اللّٰه فرجه الشریف در منزلشان مجلس باشکوهی که مجتمع افاضل حوزه علمیه قم می‌باشد برقرار است.
نگارنده گوید: تفسیر وزین البصائر معظم‌له را مطالعه کرده‌ام انصافا زحمات بسیاری را متحمل شده و به اعتقاد قاصرم تفسیری جامع‌تر از آن نوشته نشده زیرا انسان را از بسیاری از تفاسیر عامه و خاصه (سنی و شیعه) مستغنی و بی‌نیاز می‌دارد جزاه اللّٰه عن الاسلام والقرآن و عدیله خیر الجزاه و افضل الجزاء و اکثر الجزاء.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غضنفر رستم نژاد
محل تولد : قائم شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/9/21
زندگینامه علمی
اینجانب غضنفر(مهدی) رستم نژاد در یک روز پاییزی (24، آذر 1341) در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم. برکاتی که از الطاف الهی نصیبم شده است همه از شیر طیب و دامان پاک مادر بزرگوار و روزی حلال و اخلاص پدر گرامی‌ام بوده است.در سال 1353 پس از اتمام کلاس پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه رستمکلا از توابع بهشهر مازندران شدم. آن حوزه که به ریاست و تدبیر حضرت آیةالله حاج شیخ ابوالحسن ابازی -رضوان الله تعالی علیه- اداره می‌شد گرم ترین حوزه علمیه در خطّه روحانی پرور شمال بوده است.از لحظه ورود به آن حوزه (8/8/1353) تا هفت سال تمام با شوق وافر و علاقه کامل به خواندن دوره‌ی ادبیات و قسمتی از سطح (تا مبعث استصاب رسائل) اشتغال داشتم.
پس از آن در تاریخ 11/7/1361، وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر انور آیات معظّم، جناب حاج شیخ مصطفی اعتمادی در رسائل، جناب حاج شیخ احمد پایانی (رحمةالله علیه) در مکاسب(بیع) ،جناب حاج شیخ محمدتقی ستوده(رحمةالله علیه) در رسائل و مکاسب (خیارات) و کفایه استفاده کردم. و از تاریخ 22/7/1364 در محضر حضرت آیةالله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی (دامت برکاته) به مدت شش سال تمام یک دوره خارج اصول را گذراندم و در کنار آن در درس خارج فقه (کتاب خمس، صلاة المسافر و کتاب البیع) نیز اشتغال داشتم و همچنین در دروس خارج فقه حضرات آیات جوادی آملی، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی (دامت برکاتهم) جمعاً به مدت 10 سال اشتغال داشتم.به موازات این دروس، کتب فلسفه از منظومه سبزواری و بدایةالحکمه و نهایة الحکمه و اسفار را نزد بزرگوارانی چون حضرات آیات جناب آقای انصاری شیرازی، مصباح یزدی و جوادی آملی(دامت برکاتهم) گذراندم.
کنار تحصیل علوم حوزوی، از گذراندن دروس دولتی غافل نبوده و در سال

1375 به صورت متفرقه موفق به اخذ مدرک دیپلم در رشته ادبیات شدم.در سال 1370 در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر قرآن شرکت کردم و چهار سال در این رشته در محضر اساتید تفسیر چون حضرات آیات حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی، جناب حاج شیخ علی خزعلی، جناب حاج شیخ محمد هادی معرفت، جناب حاج شیخ علی احمدی میانجی(ره)، جناب حاج شیخ شب زنده‌دار، جناب حاج شیخ طاهر شمس(ره) و جناب حاج شیخ محقق داماد، بهره‌های فراوان بردم. علاوه بر این سال‌ها در محضر تفسیر حضرت آیةالله جوادی آملی شرکت کردم.پس از پایان دوره با تدوین رساله‌ای با عنوان «التوسل فی الکتاب و السنّة» به عربی در 220 صفحه (در تاریخ 27/7/1381) موفق به اخذ مدرک سطح چهار حوزه شدم.

رشتی، میرزا حبیب الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا حبیب الله رشتی فرزند میرزا محمد علی خان فرزند جهانگیر خان قوچانی گیلانی ، دانشمند و محقق ژرف نگر، از بزرگترین فقهای جهان تشیع و یگانه ی دوران خود بود.
پدرانش در اصل اهل قوچان بودند که در سالهای آغازین قرن یازده به گیلان کوچانده شده و از آن پس در گیلان ساکن شدند.
میرزا حبیب الله سال 1234 ق . در املش چشم به جهان گشود و پدر خود را که مدتها در انتظار بود شاد کرد. آری میرزا محمد علی خان که از نیک مردان روزگار و حاکم منطقه بود خوابهایی دیده بود که این فرزند را از طلایه داران قرن نشان می داد.او در سالهای نخستین زندگی حبیب الله در تکاپوی یافتن معلمی مومن و دانا بود تا فرزندش گامهای اول ترقی را در زادگاه بپیماید. چنین بود که حبیب الله در خانه ، نخستین کلمات را از قرآن آموخت .
دوازده ساله بود که از املش به لنگرود و سپس به رشت عزیمت نمود تا بر اندوخته اش افزوده و پاسخی درخور پرسشهایش بیابد.
هیجده بهار را دیده بود که به خواست پدر در میهمانی یکی از خوانین (امین دیوان لاهیجی) منطقه حضور یافت . خان حاکم با استفاده از قدرت و نفوذش تصمیم به پایمالی حق رعیتی داشت که با مخالفت سر سخت شیخ حبیب الله جوان روبرو شد. چون نصایح روحانی جوان کارگر نیفتاد به نشانی اعتراض مجلس مهمانی را ترک کرد و از همان روز تصمیم به ترک دیار گرفت .
در حوزه قزوین
شیخ حبیب الله در پی آرمانی بلند راه هجرت پیش گرفت و عازم حوزه ی عملیه ی قزوین شد. پدرش که او را به دلیل شهامت و اراده ی شگفتش می ستود برای تهیه لوازم زندگی ، او را تا قزوین همراهی نمود.
او در قزوین استادی عالیمقام یافت که ((شیخ عبدالکریم ایروانی)) نام داشت . استادی که در فقه و اصول نامور و ممتاز بود. شیخ حبیب الله هفت سال پیاپی از محضر ایشان بهره گرفت . و در همان شهر به خواست پدر، با خانواده ی ارباب وصلت نمود.
مشی زاهدانه ی استاد تاثیر شگرفی در او نهاد به گونه ای که از آن پس خود به زندگی زاهدانه روی کرد و تا پایان عمر بر روش پسندیده ی استاد

وفادار ماند.
در 25 سالگی ، سیراب از سرچشمه ی معارف دینی به مقام عالی اجتهاد نائل آمد و با نظر شیخ عبدالکریم ایروانی خود را مهیای سفر به املش نمود.
سال 1259 ق . از قزوین به املش بازگشت و چهار سال مرجع امور دینی مردم بود. برپایی نماز جماعت ، هدایت و ارشاد مردم ، پاسخگویی به پرسشهای اعتقادی و قضاوت عادلانه او موجب شده بود مردم ارادتی عاشقانه به مجتهد جوان داشته باشند اما او دوست داشت سفری به دیار اهل بیت علیهم السلام نماید و از اساتید آن سامان بهره جوید. آری او تصمیم گرفت به نجف اشرف رفته و از حوزه ی علمیه ی آن شهر مقدس جرعه جرعه شراب معرفت نوشد.
مردم که از حضورش غرق محبت بودند، او را با عواطفی وصف ناپذیر بدرقه نمودند و او، همسر و فرزندش محمد را به خدای بی همتا سپردند.
شهر آسمانی
شیخ حبیب الله مجتهد املشی در سال 1263 ق . وارد نجف شد و در حلقه ی شاگردان فقیه کبیر شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) به کامجویی نشست . او تا سال 1266 ق . که سال وفات صاحب جواهر بود از کلاسش بهره برد و از آن فقیه نامور اجازه ی اجتهاد دریافت داشت .
پس از آن به درس شیخ اعظم انصاری دل بست و تا پایان زندگی پر افتخار شیخ اعظم از شاگردان ممتاز درس وی بود. شیخ حبیب الله فرموده بود: ((با آنکه هفت سال پیش از فوت شیخ از درس او مستغنی بودم ولی از هنگام ورود در جلسه ی شیخ تا موقع تشییع جنازه اش بحثی از ابحاث او از من فوت نشد.))
اسرار عشق
ویژگیهای اخلاقی میرزا حبیب الله رشتی او را به شخصیتی وارسته تبدیل کرد که زهدش زبانزد خاص و عام بود. در این مختصر تنها به اشاره ای اکتفا کرده تا دوستداران بخوانند و بدانند شخصیتهای روحانی تاریخ شیعه چگونه زیستند.
1. میرزا حبیب الله پس از مرگ پدرش که حاکم منطقه بود برای پاسداشت مقامش به گیلان سفر نمود اما اختلاف برادران بر میراث پدری موجب بازگشت او به نجف اشرف شد. او با اینکه زندگی بسیار فقیرانه ای داشت از سهم ارث چشم پوشید. میرزای رشتی پس از رسیدن به نجف ، برای تامین معاش ، بتدریج لوازم زندگی را یکی پس از دیگری فروخت به گونه ای که در گرمای طاقت فرسای تابستان از خرید آب نیز عاجز بود.
2. یاد خدا در جان او چنان عجین شده بود که از هر فرصتی برای ذکر و

تسبیح و قرائت قرآن کریم بهره می جست . حتی هنگامی که برای تدریس به سوی حرم مطهر می رفت وضو می گرفت و سوره ی مبارکه ی ((یس)) را در راه از حفظ می خواند تا به در قبله ی صحن امیرالمومنین علیه السلام می رسید، خواندن سوره را در کنار آرامگاه استاد خود شیخ انصاری (ره) به پایان می رسانید.
3. در دقت و احتیاط ضرب المثل بود. همین امر وی را از پاسخگویی سریع و بدون تحقیق باز می داشت .
از دیگر سو مردم را تشویق می نمود تا استفتائات خود را به میرزای شیرازی ارجاع دهند. نوشته اند پس از پایان ماه رمضان برای اثبات اولین روز شوال بیش از 40 نفر شهادت دادند و او فرمود ((نزدیک قطع شده است)) کنایه از اینکه هنوز برایم قطعی و یقین نشده است .
4. او در ادب عشق نیز ممتاز بود. آنگاه که جان به حضرت عزرائیل می سپرد، هر چه پایش را رو به قبله دراز می کردند او پای خود را جمع می کرد و چیزی نمی گفت . چون چند بار این کار تکرار شد، از او علت را پرسیدند، به زحمت فرمود: ((چون وضو ندارم پایم را رو به قبله دراز نمی کنم)).
5. هرگز وجوه شرعی را نمی پذیرفت ، با آنکه امری مرسوم و رایج بود. نقل می کنند: مردی ثروتمند از هند برای پرداخت وجوه شرعی به زیارت میرزای رشتی شتافت ، اما او چندان عصبانی شد که اطرافیان از حالتش متعجب شدند و چون از عصبانیتش پرسیدند فرمود: ((چاره ای جز عصبانیت نبود)). نیز نوشته اند علاءالدوله برای پرداخت پولی به عنوان وجوه شرعی به نجف اشرف مسافرت کرده بود ولی با بی اعتنایی میرزای رشتی مواجه شد و محقق رشتی با این رفتار به آیندگان نشان داد که مردان بزرگ خدا برای مال دنیا ارزشی قائل نیستند.
6. نوشته اند: چهار نفر از شاگردان شیخ انصاری ارکان پایدار اعلمیت و ریاست بودند ولی مقام علمی و تدریس منحصر به میرزا حبیب الله رشتی بود. او جز تدریس منظوری نداشت . ریاست نمی خواست ، از روی عمد تجاهل می ورزید و شاگردان خود را نمی شناخت برای اینکه از او اجازه ی اجتهاد نخواهند و تنها درس بخواهند... در خط مرجعیت هم نبود. کسی از مجتهدین به خوش نیتی و سلامت نفس میرزای رشتی نبود. از پرتگاه های ریاست خود را نجات داد. قناعت پیشه نمود...))
7. محقق رشتی دیانت و سیاست را به هم سرشته بود. پس از رحلت شیخ انصاری بسیاری از دانشمندان مردم را برای تقلید به میرزای رشتی ارجاع داده بودند. اما او با پیشنهادها مخالفت می کرد و نیک می دانست که دنیای اسلام به مرجعی سیاستمدار نیازمند است . او میرزای شیرازی را مجتهدی آگاه به مسائل سیاسی و چهره های سرشناس و محبوب یافته

بود.
محقق رشتی بر آن بود تا مرجعیت میرزای شیرازی را به علمای نجف پیشنهاد کرده از آن حمایت کند. این امر موجب شد تا توطئه ی دشمن برای لطمه زدن به وحدت شیعیان نقش بر آب شود.
ژرف اندیشی سیاسی میرزای رشتی را در گفتارش می جوییم . وقتی پرسیدند از چه کسی تقلید کنیم ؟ در پاسخ گفت : ((از مرجعی تقلید کنید که تقلیدش جایز باشد. امروز پرچم بر دوش عالم جلیل سید محمد حسین (شیرازی) است و همه پیرامون اویند که پرچم ساقط نشود.))
8. نظم از دیگر ویژگیهای محقق رشتی بود. او پس از ادای نماز مغرب و عشا و انجام مستحبات مربوط به آن و پس از صرف مقدار کمی شام ، آنگاه که آسمان چادر سیه شب را بروی خود می کشید و ستاره ها چشمک زنان نمایان می شدند، اندکی می خفت تا جان را آماده ی خدمت روح کند و جان خود را در چشمه ی نور بشوید و عاشقانه تر با خدای خویش راز و نیاز کند.
9. تواضع و فروتنی (از دستورات عالی اسلامی) در جای جای رفتار محقق رشتی نمایان است . او دانشمندان را به دیده ی احترام می نگریست و با بهره گیری از نظر نیک ، برترین روش را بر می گزید. در پی سفر محقق رشتی به ایران ، حوزه ی درس ایشان تعطیل شد و دانشوران از خورشید وجودش محروم شدند. آنگاه که به سفری دیگر بار بست ، دانشمندان نجف بر آن شدند تا او را از سفر باز دارند. وی به وساطت شیخ حسن مامقانی برنامه ی سفر را لغو کرد و به او فرمود: ((چون شما مجتهد عادل هستید، حکمتان را واجب الاطاعه می دانم)) این در حالی است که شیخ حسن مامقانی در ردیف شاگردان محقق رشتی بود و نسبت میان آن دو مثل استاد و شاگرد بود.
10. اعزام شاگردان برجسته برای تبلیغ ، از دیگر ویژگیهای این محقق بود. از جمله ی آنان آیت الله سید علی اکبر فال اسیری از شاگردانی بود که در پرتو اندیشه ی والای آن استاد پرورش یافت . او به تشویق محقق رشتی و میرزای شیرازی به شیراز بازگشت و با کوششی در خور به تبلیغ و هدایتگری پرداخت . همچنین در نهضت توتون و تنباکو نیز عهده دار نقشی سترگ در تثبیت فتوای میرزای شیرازی بود.
11. سپاسگزاری او در حق پدر و مادر آموختنی و بی نظیر است و نشانه ی بالندگی او در مراحل عالی شکر به درگاه حضرت ربوبی است . درخشندگی معنوی او مدیوین دعاهای پدر و مادر در روزگاران دور بود. نوشته اند او نمازهای پدر و مادر خود را سه بار خواند. یک بار به تقلید از مراجع آنان و دو بار به اجتهاد خودش و این مطلب درباره ی هیچیک از علمای تاریخ ذکر نشده است .

12. او را باید به حق از حافظان حریم روحانیت در عصر خویش خواند. شخصی در نجف بود که به هنگام سخن حرمت علما را پاس نمی داشت و بارها از او پرخاشگری و اهانت نسبت به علمای سابق و معاصر شنیده می شد.
محقق رشتی در جمعی که وی نیز حضور داشت دستور داد استکانش را آب بکشند، به گونه ای که مردم گمان بر تکفیر وی برده و او را راندند. پس از آن هرگز نتوانست جایگاه از دست رفته خود را بازیابد.
باری رفتار شدید میرزای رشتی و شیوه نهی از منکر او موجب شد تا آنانکه در پی چنین خیالی بودند از گمان خویش بازگردند.
گنج نامه
آثار میرزاحبیب الله جلوه گاه تلاش های شبانه روزی اوست . وی کاوشگری گنج یاب بود که هرگاه معدنی نوین می یافت از جواهر آن استخراج می کرد و بر دانش طلبان ارزانی می داشت .
آثار او در علم اصول عبارتند از:
رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشی ء النهی عنه و عدمه ، التعادل و التراجیح ، بدایع الافکار، اجتماع الامر و النهی ، رساله فی مقدمه الواجب ، رساله فی المشتق ، التقریرات .
در علم فقه :
کتاب الطهاره ، الحاشیه علی المکاسب ، کتاب الزکاه ، کتاب الاجاره ، الالتقاط، کتاب العضب ، کتاب القضاء و الشهادات ، الوقوف و الصدقات ، رساله فی اللباس المشکوک ، حاشیه علی منهج الرشاد، حاشیه علی نجاه العباد، حاشیه علی النخبه .
در علم تفسیر:
حواشی بر تفسیر جلالین ، و علم کلام : الامامه ، کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام است .
نسخه های خطی از آثار محقق رشتی که می رفت در غبار زمان به فراموشی سپرده شود اخیرا به کتابخانه آیت الله مرعشی سپرده شد و اکنون در کاروان نسخه های خطی آن کتابخانه ماندگار است .
تقریرات
از انبوه شاگردان کوشا و دانشمند محقق رشتی ، بسیاری تقریرات درس ایشان را نوشته اند که در گرامی داشت مقامشان نام برخی از آنان می آید:
سید حاج میرزا حسن همدانی ، سید صادق قمی ، میرزا باقر فرزند میرزا محمد علی ، شیخ حسن تویسرکانی ، شیخ محمد باقر فرزند محمد جعفر بهاری همدانی ، سید ابوالقاسم فرزند معصوم حسینی اشکوری ...
اجازات

محقق رشتی از صدور اجازه ی اجتهاد به شدت پرهیز داشت و تنها برای اندکی از شاگردان برگزیده اجازه ی اجتهاد نگاشت . نام برخی شاگردان ارجمند وی که مفتخر به اجازه ی نقل روایت و اجتهادند ذکر می شود. حاج آقا مجتهد رشت (اجتهاد)، سید عبدالکریم فرزند سید حسن اعرجی (روایت)، حاج میرزا احمد دیلارستاقی لاریجانی (اجتهاد)، سید علی آقا میری دزفولی (اجتهاد)،...

با کاروان دانش

نظر گاه همه ی اندیشمندان حوزه بر شیوه ی نقادانه ی محقق رشتی در تدریس و دیگر پهنه های علمی ، پدیدآور محفل علمی ، پدیدآور محفل علمی شکوهمندی بود که دلدادگان آن ، پس از کامجویی هر یک چون ستاره ای درخشان ، روشنگر جامعه ی خویش شدند. برخی مرجع دینی شدند و عده ای رهبر حرکتهای سیاسی و اجتماعی دیار خویش و دسته ای نیز در عرصه ی تدریس و تحقیق طلایه دار حوزه بودند.

نام مسافران این کاروان به اختصار می آید و شرح حال هر یک در کتب تاریخ آمده است که دوستداران را بدان حوالت می دهیم .

آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی ، آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی ، آیت الله العظمی حاج میرزا حسین نائینی ، آیت الله شیخ شعبان دیوشلی (لنگرودی)، آیت الله شیخ عبدالله مازاندرانی (لنگرودی)، آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری ، آیت الله شهید حاج آقا میر بحرالعلوم رشتی ، آیت الله شهید شیخ علی رشتی ، آیت الله شهید شیخ عبدالغنی بادکوبه ای ، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید ابوالقاسم اشکوری .

پرواز تا آسمانها

مردم نجف به چهره نورانی پیرمردی که سحرگاهان در بارگاه ملکوتی امیر المومنین (ع) به زیارت ، نماز و تضرع می نشست انس گرفته بودند. چهره ای که هیبت و شوکتش یادآور پیامبران و لطف و صفا در صورتش نمایان بود. اما شب پنج شنبه چهاردهم جمادی الثانی 1312 ق . فرا رسید. خبر کسالت محقق رشتی مردم را در نگرانی فرو برده بود و آنگاه که صدای ناله و فغان از منزل وی برخاست همگان یافتند که دوست خدا، پیش خدا رفته است . او آسوده در بستر خفته بود. تو گویی به خوابی نازنین آسوده که چنین چهره اش متین است . شهر را گویا با پارچه ای سیاه پوشانده بودند و همه جا صدای گریه به گوش می رسید. در تهران و مشهد و دیکر شهرها نیز مجالس عزا و سوگواری بپا شد. مردم نوحه کنان می خواندند:

باز خاکستر غم ریخت فلک بر سر ما

رفت از دار فنا نائب پیغمبر ما

و نجف آماده ی تشییع پیکر مطهر آن فرزانه پارسا بود. جنازه ی پاک او را مشایعت کردند و به بارگاه امام متقین انتقال داده و در یکی از حجره های صحن مطهر علوی دفن کردند.

بازماندگان

1. آیت الله محمد رشتی ، فرزند ارشد، که از معصومه ارباب همسر اول میرزای رشتی بود. او در علم و فضل به مراتبی درخور دست یافت و در سال 1316 ق . به دیار باقی شتافت . آرامگاهش در مقبره ی پدر ارجمندش می باشد.

2. آیت الله شیخ اسماعیل رشتی ، که از همسر دوم میرزای رشتی ولادت یافت . او در کسب دانش سخت کوشید و پله های ترقی را پیمود و در 1343 ق . به دیدار دوست شتافت .

3. آیت الله شیخ اسحاق رشتی ، او در نجف ولادت یافت . مادرش کلثوم همسر دوم میرزای رشتی بود ابتدا نزد پدرش به تحصیل پرداخت و پس از عمری تحقیق ، تالیف و تدریس در سال 1357 ق . دیده از جهان فرو بسته ، رخ در نقاب خاک کشید.

آثار:

رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشی ء النهی عنه و عدمه
التعادل و التراجیح
بدایع الافکار
اجتماع الامر و النهی
رساله فی مقدمه الواجب
رساله فی المشتق
کتاب الطهاره
الحاشیه علی المکاسب
کتاب الزکاه
کتاب الاجاره
الالتقاط، کتاب العضب
کتاب القضاء و الشهادات
الوقوف و الصدقات
حاشیه علی منهج الرشاد
رساله فی اللباس المشکوک
حاشیه علی نجاه العباد

حاشيه على النخبه
حاشيه بر تفسير جلالين
الامامه
كاشف الظلام فى حل معضلات الكلام

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن رضا رضایی زرندینی
محل تولد : زرندین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
سال 1365 وارد حوزه علمیه امام صادق نکاء (مازندران) شدم و زیر نظر حضرت آیة الله صادقی گلدوردی مشغول تحصیل شدم و از سال 1371 وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه مرعشیه ساکن شدم همزمان درس های کلاسیک را شروع نمودم. در سال 1376 وارد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآن شدم و کارشناسی ارشد آن را با پایان نامه قرآن و فرهنگ زمانه به اتمام رساندم و در سال 1379 وارد تخصصی تفسیر شدم و در سال 1382 با پایان نامه نیازهای متعالی انسان در قرآن تمام نمودم. و بیش از 5 سال در درس خارج مکام ، سبحانی و عابدی شرکت جستم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی رضایی
محل تولد : بیرجند
شهرت : رضایی بیرجندی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/3
زندگینامه علمی
در سوم فروردین سال 1339 شمسی در روستای شاخن بیرجند در خانوادهای مذ هبی چشم به جهان گشود و پس از سپری کردن دوره ابتدایی تحصیلی ، در سال 1350به حوزه علمیه شهرستان بیرجند وارد شد. سپس با گذارندن دوره مقدماتی در سال 1356وارد حوزه علمیه قم شد پس از اتمام دوره سطح توفیق شرکت در دروس خارج نصیبش شد آن گاه دوره های تخصصی فقه اصول را به مدت ده سال از محضر استادان بزرگ حوزه نظیر آیات عظام : جعفر سبحانی . فاضل لنکرانی . وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی فرا گرفت و با سپری ساختن آزمون های حوزوی به تدریس در حوزه علمیه مشغول شد . ضمناَ به علت داشتن علاقه وافر به تفسیر و معارف بی بدیل قرآن . مدت هفت سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت کرد و با توصیه معظم له به تدریس تفسیر قرآن پرداخت. همچنین از بحث های فلسفی و عرفانی معظم له و سایر دانشمندان هم بهره وافر برد و ی در سال 1373 با گذراندن دوره تخصصی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به اخذ کار شناسی ارشد در رشته الهیات و معار ف اسلامی نایل آمد و هم اکنون در حال تدوین تز دکترای خویش در مورد (تناسخ) می باشد . شایان ذکر است که با عنایت به پیش آمد معجزه قرن حاضر یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی و سپس تهاجم دشمنان به کیان جمهور یاسلامی و وقوع جنگ تحمیلی که مصادف با آغاز جوانی ایشان بود و سرمستی از خم خمخانه خمینی کبیر . علاوه بر حضور در صحنه های گوناگون انقلاب به مدب دو سال از عمر خویش را نیز به صورت مستمر و بعد هم به صورت متفرقه در جبهه های دفاع مقدس و ناطق جنگی گذراند.

رضایی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی رضایی
محل تولد : رهنان اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/2/1
زندگینامه علمی
محمدعلی رضایی اصفهانی در سال1341شمسی درخانواده ای مذهبی در رهنان اصفهان متولد شد. دوره دبستان وراهنمایی را در محل تولد ودوره متوسطه را در شهر اصفهان در دبیرستان شهید صدیقی(خوارزمی) گذراند، درسال1361وارد حوزه علمیه(مدرسه ذوالفقار) اصفهان گردید وتا یک سال درس خارج را در آن حوزه گذراند.
در سال 1369وارد حوزه علمیه قم گردید وبه مدت ده سال در درس خارج اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، معرفت، صالحی مازندرانی و وحید خراسانی حاضر شد وموفق به گذراندن پایان نامه سطح چهارم (دکتری فقه) شد و همزمان سطح چهارم (دکتری) رشته تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم ودکتری علوم قرآن و حدیث واحد تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی را به پایان رساندند.

رضوی قمی، ابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1168 ق)، شاعر، عالم، حکیم، مفسر، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از قم است، ولی در همدان متولد شد.
در همان جا نشو و نما یافت. او برادر صدرالدین رضوی قمی، شارح «الوافیه»، است ک از وی روایت کرده است. سید ابراهیم بعد از وفات برادرش به کرمانشاه رفت. وی یکی از مشایخ دوازده‌گانه سید شبر حویزی است. حاج محمدجعفر مجذوب (مجذوب علیشاه) نیز از شاگردان وی به حساب می‌آید. سال درگذشت و محل دفنش نامعلوم است. او خطی نیکو داشت. از آثار وی: «شرح مفاتیح الشرایع»؛ «شرح الوافی» فیض کاشانی.[1]
سید صدرالدین بن سید محمدباقر الرضوی القمی مجاور نجف اشرف از علماء اواخر دولت صفویه به بعد و از بزرگان محققین این طایفه علیه می‌باشد صاحب روضات در کتابش گوید: در مرحله فضیلت و تدقیق وجودت تصرف و تحقیق فردیست بلاثانی و تلمذش در بدو امر نزد آقا جمال‌الدین خونساری و شیخ جعفر قاضی و مدقق شیروانی و سایر علماء اصفهان بود و پس از فراغ از تحصیل بوطن مألوف معاودت نموده و در آن ارض شریف مشغول تدریس و ارشاد عباد گردیده.
تا زمانی که در آن جایگاه فتنه افاغنه رخ نمود بناچار به موطن برادر خود سید ابراهیم رضوی به همدان هجرت فرمود و از آنجا به نجف اشرف علی مشرفها آلاف التحیة والثناء رفت و در آن ارض مقدس نیز نزد شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزایری مشغول تحصیل شد تا فارغ‌التحصیل گردید سپس در آنجا مشغول تدریس شد.
و از شاگردان اوست سید عبداللّه بن سید نورالدین بن سید نعمت‌اللّه جزایری صاحب اجازه کبیره و از جمله چیزی که سید مذکور در آن اجازه در حق استادش گفته اینست که او اعلم علمائی است که من آنها را در عراق عرب دیده‌ام و اجمع آنها در معقول و منقول نزد اهل عراق و عظیم‌القدر بوده و زوار از هر ناحیه به ملاقات او می‌آمدند و به زیارتش تبرک می‌جستند و از وی استفاده می‌نمودند و از جمله تلامذه اوست وحید بهبهانی آقا باقر معروف رحمةاللّه علیه دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنهاست «کتاب طهارت» و کتاب «شرح وافیه ملا عبداللّه تونی» در سال 1160 وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (204/2)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (86/2)، الذریعه (165 ،74 /14 ،144- 143 /11 ،229/6)، ریاض العارفین (302)، ریحانه (431/3)، الکنی و الالقاب (415/2)، طرائق الحقائق (258/3)، معجم المؤلفین (87/1)، مکارم الآثار (642/3).

رفعت نژاد، محمدنقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد نقی رفعت نژاد
محل تولد : ارومیه
شهرت : رفیعی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
بنده سال 1360 وارد حوزه علمیه تبریز شدم. بعد از مدتی تحصیل در آن شهر به اتفاق حاج آقا بنایی مسئول حوزه علمیه ولی عصر(عج) بعد از دو سال تلمذ به شهر تهران عزیمت کردم و در آن شهر سه حوزه ومدرسه علمیه را تشکیل دادیم و طلبه های بسیاری جذب شدند که برخی از آنها بسیجیان جان برکفی بودند که به درجه شهادت نایل گشتند (خداوند همه آنان را با سالار شهیدان محشور فرماید).در سال 1364 وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه فیضیه سکونت داشتم و همزمان در درس تفسیر استاد جوادی آملی به همراه دروس رسائل و مکاسب و کفایتین از محضر اساتید وقت آقایان اعتمادی، پایانی، ستوده تلمذ می کردم، در سال 1367 بعد از اتمام کفایتین از محضر آیات عظام فاضل لنکرانی(ره) به مدت 2 سال درس خارج اصول، یک سال خارج اصول آیت الله صانعی و 15 سال ازخارج اصول حاج آقا وحید خراسانی و همچنین به مدت 17 سال از درس خارج فقه آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی(قدس سره) استفاده کردم. در سال 1370 در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن از محضر اساتیدی همچون آیت الله خزعلی، آیت الله معرفت، آیت الله میانجی(ره) و آیت الله محقق داماد، آیت الله استادی و آیات و اساتید دیگر و همچنین از محضر آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده¬های علمی تفسیری داشتم.در مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال 1367 در قسمت دایرة المعارف بزرگ قرآن در قسمت تشکیل پرونده های علمی، تشکیل مدخلهای قرآنی و تفسیری، تشکیل شناسنامه علمی مشغول امور تحقیقی و پژوهشی بودم و متجاوز از 60 پرونده علمی و بیش از 100 شناسنامه علمی و همچنین تألیف مقالات در دایرة المعارف فعالیت داشتم. برخی از مدخلها و پرونده های تشکیل داده شده عبارتند از 1.ابتکار،2.اختلاف،3.اسماعیل صادق الوعد،4.آل لوط،5.آزمایش

6.احترام،7.استثمار،8.استضعاف9.اصطفاء،10.استدراج،11. ... . در سال 1382 با دفاع از پایان نامه سطح 4 با موضوع سنت های املاء و امهال و استدراج در قرآن و احادیث، موفق به اخذ سطح 4 در رشته تفسیر و علوم قرآن شدم.در کنار تحصیل و تملذ دروس فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن از سال 1374 بنده در دانشگاههای مختلف کشور مشغول تدریس دروس معارف و الهیات بودم از جمله این دانشگاهها عبارتند از دانشگاه ارومیه،دانشکده علوم قرآنی ،دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران،دانشگاه علامه طباطبایی،دانشگاه پیام نور ارومیه و الان در دانشگاه پیام نور قم دروس الهیات را مشغول هستم و در کنار تدریس، فعالیت های علمی، پژوهشی و فرهنگی دانشگاه را در قم و تهران همکاری دارم. ضمناً بنده در سال 1367 در دانشگاه مفید قم مشغول تحصیل در رشته اقتصاد بودم و بعد از گذراندن 4 ترم به جهت مشکلاتی موفق به ادامه آن نگشتم.

رفیعی محمدی، ناصر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر رفیعی محمدی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب ناصررفیعی محمدی در سال 1344 در شهر مقدس قم درخانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در این شهر گذرانده ودر سال 1362 موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی از دبیرستان صدوق شدم .
در سالهای انقلاب شکوهمند اسلامی در جنبش دانش آموزی وجلسات مذهبی سیاسی با پخش اعلامیه وشرکت در تظاهرات در حد وسع واقتضای سن نوجوانی شرکت داشتم . بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با حزب جمهوری اسلامی شاخه دانش آموزی همکاری می نمودم . درسال 1362 با اخذ دیپلم وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی 5 سال دوره سطح را تا پایان کفایه به اتمام رسانده کلیه امتحانات ان را با موفقیت گذراندم و در پایه پنجم از امتحانات با کسب رتبه اول در آزمون شورای مدیریت حوزه یک دوره بحارالانوار از حضرت امام خمینی (ره) به عنوان جایزه دریافت نمودم.
دروس سطح را نزد اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر اعتمادی پایانی دوزدوزانی صلواتی راستی کاشانی و ستوده تلمذ نمودم. از سال 1368 تا 1373 در دروس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی مظاهری وصانعی شرکت داشتم.
همچنین ضمن گذراندن دروس اصلی حوزه دروس جنبی را نیز نزد اساتید متعددی خواندم به عنوان مثال فلسفه (نهایه الحکمه) نزد استاد آیت الله صالحی مازندرانی (ره) علوم قرآن نزد آیت الله معرفت شرح تجرید نزد آیت الله استادی تفسیر نزد آیت الله جوادی رجال نزد آیت الله سبحانی تلمذ گردید.
درسالهایی که به دروس حوزه مشغول بودم موفق به اخذ لیسانس الهیات از دانشکده باقر العلوم وفوق لیسانس از دانشگاه قم گردیده ودر سال

1373 با قبولی در آزمون دکتری در رشته علوم قرآن وحدیث در تهران مشغول تحصیل در این دوره شدم .سال 1377 بادفاع از رساله موفق به اخذ دکتری با رتبه عالی گردیدم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن رفیعی
محل تولد : شهرکرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محسن رفیعی در خانواده‌ای مذهبی و علاقمند به قرآن کریم و اهل‌بیت(ع) متولد و رشد نموده‌ام. از نوجوانی به آموزش قرآن مجید در حوزه علمیه و مساجد روی آوردم.
همزمان با ایام دفاع مقدس، درس‌های دبیرستان و حوزه را به صورت آزاد و یا استماع نوار خواندم. در دوران دفاع مقدس، توفیق سه بار مجروحیت را داشته‌ام. سپس در کنکور سراسری شرکت کرده و در رشته الهیات و معارف اسلامی موفق به اخذ مدرک لیسانس شدم. آنگاه به دلیل علاقه فراوان به مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و حدیثی، در مقطع کارشناسی ارشد به اتفاق همسرم در رشته علوم قرآن و حدیث تحصیل نمودم که هر دو پایان نامه خویش را با رتبه عالی دفاع نمودیم.
اکنون نیز به اتفاق همسرم دانشجوی مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول دین قم مشغول به تحصیل هستیم و به لطف خداوند متعال موفق به تالیف چند کتاب و مقالات علمی شده‌ایم. تاکنون درس‌های زیر را در مراکز تربیت معلم، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها تدریس نموده‌ام: علوم قرآنی، علوم الحدیث، فقه الحدیث، تاریخ حدیث، تفسیر، تاریخ قرآن، اخلاق اسلامی، مبادی العربیه (صرف و نحو)، ترجمه متون عربی، المنهج القویم، نهج‌البلاغه.

روحانی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد روحانی
محل تولد : نوشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1362ه.ش وارد حوزه علمیه قم شدم . پس از طی مراحل مقدمات وسطح به درس خارج پرداختم ود رسال 1371ه.ش دررشته تفسیر تخصصی مشغول به تحصیل شدم ومدّت 4سال زیر نظرآیت الله مکارم شیرازی دردرس های تفسیری مشغول بودم .وحدود پنج سال است که به کارهای پژوهش مشغولم وکتابهائی را هم ترجمه کردم اگر خداوند توفیق عنایت فرماید دوست دارم کارهای تحقیقی وپژوهشی وترجمه های دیگری را هم انجام دهیم .

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید شمس الدین روحانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/7/1
زندگینامه علمی

اینجانب سیدشمس الدین روحانی پس از تحصیل در دبیرستان علوی ایرانیان در نجف اشرف ، وارد حوزه علمیه نجف اشرف شدم . سطوح عالیه را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرحوم آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی و مرحوم آیت الله آقای شیخ مجتبی لنکرانی و آیت الله شهید میرزا علی غروی و شهید محراب آیت الله مدنی و آیت الله مرتضوی "حفظه الله" که هم اکنون در مشهد مقدس افاضه می فرمایند و ... گذراندم . در سال 1354 وارد حوزه علمیه قم شدم .

از آنجا که با برخی از مولفات حضرت آیت الله مکارم شیرازی " دامت برکاته " آشنا بودم و شیفته قلم روان و بیان شیوا و مقام علمی ایشان شده بودم ، توسط یکی از دوستان با معظم له آشنا شدم . حدود 25 سال در محضرایشان و در برنامه های مختلف مدرسه علمیه امام امیر المومنین (ع) همکاری داشته ام .

رودباری، ابوعبداللّٰه احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 369/367 ق)، صوفی، محدث و قاری. وی خواهرزاده ابوعلی رودباری است. در رودبار به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت. مدتی در بغداد زندگی کرد و سپس به صور منتقل شد و تا پایان عمر در شامات زیست. او از اعاظم مشایخ صوفیه و عارفان شام به حساب می‌آید. وی عالم به شریعت و حقیقت بود و معاصر ابوعبداللّٰه باکو و شیخ ابوالقاسم بوسلمه باوردی. وی از دایی خود، ابوعلی رودباری، و بغوی و قاضی محاملی و یوسف بن یعقوب بن اسحاق حدیث روایت کرد ابن‌باکویه و علی بن عیاض و محمد بن علی صوری از او حدیث شنیدند. او در حومه عکا از دنیا رفت. پیکرش به صور انتقال داده شد و در آنجا دفن گردید. رودباری صاحب کتابی در «آداب فقر» بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (337 -336 /4)، تاریخ گزیده (656)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (86 -84)، حلیه الاولیاء (384 -383 /10)، ریحانه (188/7)، سیر النبلاء (228 -227 /16)، طبقات الصوفیه سلمی (500 -497)، طبقات الصوفیه هروی (554 -553)، کشف المحجوب (410)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم البلدان (88/3)، نفحات الانس (272 -271).

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار.
تولد: 1272، نجف.
درگذشت: 12 تیر 1368، تهران.
زین‌العابدین رهنما، فرزند شیخ‌العراقین مازندرانی، در رشته‌های علوم ادبی، فلسفی و اصول فقه اسلامی تحصیل نمود. خدمت مطبوعاتی خود را قبل از سال 1299 آغاز کرد و در این مدت مدیر و سردبیر روزنامه‌ی «ایران»، مجله‌ی «راهنما»، و روزنامه‌ی «راهنما» بود. چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در دوره‌ی رضا شاه مدتی خانه نشین و بعدا به خارج از کشور تبعید گردید. پس از حوادث شهریور 1320 به ایران بازگشت. در تهران می‌زیست، تا به سفارت ایران در فرانسه و سپس به سفارت سوریه در لبنان انتخاب گردید. وی همچنین مدتی وزیر کشور و مدتی نیز معاون نخست وزیر بود. به فرانسوی و انگلیسی و عربی و ترکی آشنا بود و به دریافت نشان درجه اول «همایون» نایل آمد. به آمریکا و کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی سفر کرد و از تألیفات وی می‌توان از کتاب‌های پیامبر (داستان تاریخی- مذهبی، 1316، خلاصه‌ای از این کتاب به زبان فرانسوی ترجمه شده است)؛ امام حسین؛ داستان اجتماعی ژاله؛ ترجمه و تفسیر قرآن (چهار جلد)؛ ترجمه‌ی حقوق در اسلام (تألیف دکتر مجید خدوری) و ترجمه‌ی قانون در خاورمیانه نام برد.
(1273 ق- 1368 ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در نجف به دنیا آمد و پس از تحصیل در رشته‌های علوم ادبی، فلسفه و اصول فقه اسلامی به تهران آمد و به فعالیتهای ادبی و سیاسی پرداخت. در 1302 ش مدیریت روزنامه «ایران» را عهده‌دار شد. این روزنامه که به صورت روزانه چاپ می‌شد، سالها روزنامه‌ی درجه اول کشور به حساب می‌آمد. زمانی که رهنما به خارج از ایران تبعید شد، امتیاز روزنامه‌ی «ایران» به دیگری منتقل گردید، اما پس از وقایع شهریور 1320 ش که رهنما به ایران بازگشت، مجددا اداره‌ی روزنامه را خود بر عهده گرفت. او به زبانهای عربی و فرانسوی تسلط کامل داشت. از وی تالیفات و ترجمه‌ای چند بر جای مانده است از جمله: «پیامبر، زندگانی حضرت رسول اکرم»؛ «امام حسین»؛ «ترجمه و تفسیر قرآن»؛ «قانون در خاورمیانه»؛ «ژاله، رمان اجتماعی»؛ «حقوق در اسلام».[1]

روزنامه‌نگار، مورخ و محقق، سیاستمدار، فرزند شیخ علی شیخ‌العراقین و داماد شیخ عبدالله از بزرگان و روساء و اقطاب سلسله‌ی معروف صوفیه، در 1268 ش تولد یافت. قسمتی از تحصیلات خود را در تهران و قسمتی را در عراق در تاریخ، فقه، اصول و حکمت و ادبیات فارسی و عربی به پایان برد. پس از ورود به ایران، کار روزنامه‌نگاری را پیشه خود ساخت. چندی با مطبوعات مختلف همکاری داشت، سرانجام در سال 1299 ش مدیریت روزنامه‌ی نیمه‌رسمی ایران به او سپرده شد. روزنامه‌ی ایران به طور یومیه انتشار می‌یافت و از لحاظ کیفیت چاپ و کاغذ، ممتاز بود. پس از مدتی کوتاه، نفوذ روزنامه‌ی ایران در تمام محافل هویدا شد و تحقیقا روزنامه‌ی رسمی ایران بود. سرمقاله‌های روزنامه در خطمشی سیاسی دولت اثر داشت. رهنما تدریجا خود را منتسب به سردار سپه که قدرتی در کشور شده بود، نمود و روزنامه‌ی خود را در جهت منویات او تنظیم نمود.
در سال 1302 به زور سرنیزه سردار سپه در دوره‌ی پنجم از تبریز به وکالت مجلس انتخاب شد و به خلع سلسله‌ی قاجاریه رای داد. در مجلس موسسان هم عضویت یافت. در 1306 از طرف مخبرالسلطنه هدایت که وزیر فوائد عامه بود، به معاونت آن وازرتخانه برگزیده شد. چند ماهی در آن سمت انجام وظیفه کرد، بعد از آنکه مخبرالسلطنه به رئیس‌الوزرائی رسید، رهنما به معاونت رئیس‌الوزراء منصوب شد. دو سال در آن سمت بود که در دوره‌ی هشتم، از شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی نهم همچنان سمت نمایندگی داشت و روزنامه‌ی ایران نیز به صورت یومیه انتشار می‌یافت. در 1314 بعضی از مطالب روزنامه‌ی ایران مورد پسند رضاشاه واقع نشد. سرلشکر آیرم هم مرتبا گزارش‌های نامساعدی از رهنما و روزنامه‌اش به شاه می‌داد. سرانجام رهنما مورد غضب واقع شد. از او سلب مصونیت کردند و او را به زندان قصر بردند و امتیاز روزنامه‌ی ایران را لغو کردند و کلیه‌ی دارائی و اثاثیه و مطبعه را به مجید موقر واگذار نمودند و امتیاز روزنامه‌ی ایران نیز به نام او صادر شد. رهنما چند ماهی در زندان بود تا بالاخره موی سفید و روی سیاه مخبرالسلطنه موثر افتاد، رضاشاه شفاعت او را پذیرفت و دستور آزادیش را از زندان صادر کرد، مشروط بر اینکه خاک ایران را ترک کند. رهنما به سرعت خاک ایران را ترک کرد در عراق اقامت گزید و تا شهریور 1320 در عراق و لبنان به سر می‌برد. پس از استعفای رضاشاه، برای پس گرفتن مطبعه روزنامه‌ی خود به تهران آمد و علیه مجید موقر طرح دعوی نمود. سرانجام امتیاز روزنامه‌ی ایران مجددا به او واگذار شد و در عوض امتیاز روزنامه‌ی مهر ایران را به موقر دادند. روزنامه‌ی ایران مجددا حیات خود را از سر گرفت ولی کار اداره‌ی آن با حمید رهنما بود. زین‌العابدین رهنما بعد از شهریور 1320 به سمت وزیرمختار ایران در دولت موقت فرانسه

درویشی و سپس پاریس منصوب شد و چندی نیز سفیر ایران در کشورهای لبنان و سوریه بود. مدتی هم معاونت نخست‌وزیری و ریاست انتشارات و تبلیغات را عهده‌دار گردید.
رهنما بدون شک یکی از فضلای درجه اول ایران است. وی به ادبیات فارسی و ادبیات زبانهای عربی و فرانسه کاملا مسلط بوده است. علاوه بر دوره‌ی منظم روزنامه‌ی ایران که حاکی از ذوق و قدرت نویسندگی اوست، تالیفات زیادی عرضه نموده است. کتاب معروف او به نام پیامبر و کتاب امام حسین (ع) و تفسیر و ترجمه قرآن مجید از آثار انتشار یافته‌ی او می‌باشد. در 1368 درگذشت. حین الفوت یک قرن کامل را پشت سر گذاشته بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (316 -315/ 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (351 -347/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (266 -264/ 3)، نشر دانش (س 9، ش 4، ص 99).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ری شهری
محل تولد : شهر ری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1325/8/1
زندگینامه علمی
حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی نیک، مشهور به «ری‌شهری» در آبان سال 1325 در شهرری در خانوده‌ای متدین دیده به جهان گشود. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی، درسال 1339 وارد حوزه علمیه شهرری (مدرسه برهان) شد و در سال 1340 برای ادامه تحصیل به قم رفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی، مدارج تحصیل را تا سطوح عالی در حوزه علمیه قم طی کرد. حجت الاسلام ری شهری، سطوح عالیه را نزد اساتید بزرگی چون حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی و حاج سید محمد باقر طباطبایی تلمذ نمود و دروس خارج فقه و اصول را در سال 1347 در شرایطی آغاز کرد که حوزه علمیه قم از فیض حضور امام خمینی (ره) بی‌بهره بود، بنابراین خارج اصول را از محضر حضرات آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کرد و خارج فقه را از محضر حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ جواد تبریزی، مرحوم حاج سید محمدرضا گلپایگانی و مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری بهره برد.
حجت الاسلام ری شهری از ابتدای نهضت اسلامی، بویژه تحت تأثیر جریان 15 خرداد 1342 با اهداف و دیدگاههای حضرت امام (ره) آشنا شد و در تاریخ 20 تیر ماه 1344 توسط ساواک مشهد دستگیر و به زندان محکوم شد. وی در سال 1345 ضمن تمرد از شرکت در جلسه دادگاه تجدید نظر ساواک، به نجف اشرف رفت و پس از مدت یکسال به ایران بازگشت و حدود 18 ماه در حوزه علمیه مشهد به تحصیل پرداخت. در همین زمان مجدداً تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و در دادگاه تجدید نظر بار دیگر به زندان محکوم شد.حجت الاسلام ری شهری در سال 1356 به دلیل سخنرانی علیه رژیم شاه در حسینیه اصفهانی‌های آبادان، توسط ساواک ممنوع المنبر شد. وی به دلیل سخنرانی علیه رژیم در نهاوند آبادان، مشهد،

هرمزگان و زابل مورد تعقیب ساواک بود و تظاهرات مردم هرمزگان و زابل در رابطه با قیام سراسری مردم ایران علیه رژیم، پس از سخنرانیهای او صورت گرفت.
حجت الاسلام ری شهری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی دزفول، بهبهان، گچساران، بروجرد، رشت و گنبدکاووس خدمت کرد و سپس به اهمیت حفظ و اصلاح نیروهای مسلح، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با توطئه های ضد انقلاب دراین رکن مهم، در اواسط سال 1358 به ریاست دادگاه انقلاب ارتش منصوب شد. وی با توجه به شرایطی که قانون اساسی برای تصدی وزارت اطلاعات معین کرده بود (بویژه شرط اجتهاد)، نخستین وزیراطلاعات در جمهوری اسلامی ایران بود که با کسب آراء اکثریت قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال 1363 به این سمت منصوب گردید.حجت الاسلام ری شهری در سال 1368 به دادستانی کل کشور منصوب شد و تا اوایل سال 1370 در این سمت خدمت کرد و همزمان در تاریخ 13 دی ماه 1368 از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان دادستان ویژه روحانیت منصوب شد. حجت الاسلام ری شهری همچنین در سال 1369 به فرمان رهبر فرزانه انقلاب به تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی (علیه السلام) منصوب گردید. انتصاب وی دراین سمت، آغاز تحول اساسی درعمران و توسعه این مجموعه مهم مذهبی بوده است. وی در انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان رهبری، به عنوان داوطلب منفرد شرکت کرد و از سوی مردم استان تهران برگزیده شد، همچنین در سومین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، کاندیداتوری او از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز و سایر گروههای سیاسی مورد حمایت قرار گرفت و با رأی قاطع مردم بار دیگر به نمایندگی این مجلس انتخاب گردید.
حجت الاسلام ری شهری در سال 1370 به سمت نماینده مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج منصوب شد که این مسئولیت هنوز ادامه دارد. حجت الاسلام ری‌شهری بنیانگذار اولین و بزرگترین مجموعه فرهنگی در حدیث و علوم مربوط به آن است. وی در اواسط سال 1374 به همراه جمعی از شخصیتهای صاحب نام سیاسی و مذهبی، جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را بنیان نهاد. این جمعیت پس از طی مراحل قانونی رسمیت یافت و هیئت مؤسس آن، به اتفاق آراء، حجت الاسلام ری‌شهری را به سمت دبیرکل جمعیت انتخاب کردند. این جمعیت پس از چند سال حضور مؤثر، خیلی زود عرصه سیاسی کشور را ترک کرد. اوج فعالیت جمعیت دفاع از ارزشها به هنگام نامزد کردن دبیر کل خود برای ریاست جمهوری هفتم بود. حجت الاسلام ری‌شهری هم‌اکنون، ضمن تحقیق

و تدریس و تولیت آستان حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی حجاج ایرانی است. از وی تاکنون بیش از 30 کتاب پژوهشی در59 جلد منتشر شده است.

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1290 ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تصحیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّٰه حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام».[1]
سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمنا تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.
آقای ریحان محرم 1330 قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.
وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.
آثار قلمی ریحان از این قرار است: 1- آئینه دانشوران 2- درس انشاء یا علم بیان 3- بازرگانی محمد (ص) 4- تفسیر ریحان 5- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی 6- کتابهائی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد 7- داماد کربلا.
آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.
نگارنده در دو سفری که در سال 1389 و سال 1390 قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌اللّٰه توفیقه.
وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.
تولد: 1330، ق.، یزد.
درگذشت: 1367.
سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (263 -262 /2)، آیینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (822/2)، تذکره سخنوران یزد (545 -541)، الذریعه (19/26)، گنجینه‌ی دانشمندان (457 ،451 /7)، مؤلفین کتب چاپی (566 -565 /4).

زاغولی مروزی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(559 -472 ق)، حافظ، محدث، مفسر، لغوی و فقیه شافعی. منتسب به زاغول از قرای پنج ده مرو رود بود در انجا به دنیا آمد و در مرو سکنی گزید و اشتهار یافت. نزد ابوبکر محمد سمعانی و موفق بن عبدالکریم هروی فقه آموخت و از ابوالفتح نصر بن ابراهیم حنفی و ابومحمد بغوی و عیسی بن شعیب سجزی حدیث شنید. وی تمام عمر خویش را در طلب و گردآوری حدیث و تالیف و تصنیف به سر آورد. او در لغت صاحب نظر بود. سفری به هرات کرد و در آنجا شاگردانی تربیت کرد. ابوسعد عبدالکریم سمعانی و پسرش ابوالمظفر عبدالرحیم سمعانی از شاگردان وی می‌باشند. زاغولی بیش از چهارصد مجلد مشتمل بر تفسیر و حدیث و فقه و لغت را گردآورد و آن را «قید الاوابد» نامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (333/6)، سیر النبلاء (493 -492 /20)، کشف الظنون (1367)، معجم المؤلفین (254/9)، الوافی بالوفیات (373/2)، هدیه العارفین (94/2).

زاهد علایی بخاری، ابوعبداللّٰه، محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 546/545 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، واعظ و متکلم حنفی. معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املای حدیث می‌کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمان» یا «تفسیر علائی» است که بیش از هزار جزء می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (458 ،454)، معجم المؤلفین (133/10)، الوافی بالوفیات (232/3)، هدیه العارفین (91/2).

زاهدی گیلانی، ابوطالب

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1127 -1058 ق)، مفسر، عالم دینی، ریاضیدان، شاعر و خطاط. در لاهیجان متولد شد. علوم عربی و سطح را در همان شهر نزد شیخ‌الاسلام ملا حسن لاهیجی خواند. در بیست سالگی به اصفهان رفت و ریاضی را نزد ملا رفیع یزدی و سایر علوم متداول را از اکابر علمای آن شهر همچون آقا حسین خوانساری فراگرفت و به مراتب عالیه‌ی علمی نایل گردید. چون از فقر قادر به خرید کتاب نبود کتابهای مورد احتیاج خود را استنساخ می‌کرد و تا روزی هزار بیت که هر بیت پنجاه حرف بود می‌نوشت. خوش خط و سریع‌القلم بود. وی کتابخانه‌ای با بیش از پنج هزار جلد کتاب گردآورد که بسیاری از آنها را به خط خود تصحیح کرده و بر بیشتر آنها شرح و حاشیه نوشته است. «تفسیر بیضاوی» و «قاموس» و «تهذیب» و «شرح لمعه» را به خط خوش نوشت. در اصفهان وفات یافت و در همان شهر دفن شد. از آثار وی: «رساله الحرکه»؛ رساله در «مساله العلم»؛ رساله در «عمل المسبع و المتسع و الدائره»؛ رساله در شرح آیه‌ی «قل الروح من امر ربی»؛ شرح قول ارسطو «لم صار ماء المطر خفیفا»؛ شرح حدیث «عرفت‌اللّٰه بفسخ العزائم» که برخی از این تالیفات را پسرش شیخ محمدعلی حزین لاهیجی به فارسی ترجمه و شرح کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (367/2)، تذکره القبور (79)، تذکره المعاصرین (44 -43)، الذریعه (347 ،315 /15 ،24/14 ،202/13 ،394/6 ،328/4)، ریحانه (166/7، 357- 356 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 394 -393 /12)، الکنی و الالقاب (108 -107 /1)، لغت نامه (ذیل/ زاهدی)، نامها و نامدارهای گیلان (22).

زاهدی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1309 ق)، محدث، مفسر، فقیه و مدرس. وی در قم به دنیا آمد. پس از گذراندن مقدمات و سطوح نزد میرزا سید محمد برقعی حدود ده سال از محضر حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده نمود. مدت دو سال در اراک اقامت داشت، سپس به قم مراجعت کرد و در درس فقه و اصول آیت‌اللّٰه حایری، موسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، حاضر شد. علم حکمت و فلسفه را نزد میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی فراگرفت. پس از فوت آیت‌اللّٰه حایری دو سال در تهران در مسجد جامع به گفتن تفسیر و احادیث و مواعظ پرداخت. در 1368 ق به قم بازگشت و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه‌ی فیضیه و تدریس فقه و اصول مشغول شد. از آثار عام‌المنفعه وی، بناء و تعمیر قسمت غربی مسجد امام که در دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته شده است. از آثار علمی‌اش: «رساله الشرط و آثاره»؛ «رساله الضرر»؛ «افعل و ما افعل»؛ «منطق الحسین (ع)»؛ «مقصد الحسین (ع)»؛ «تسهیل الامر فی بحث الامر»؛ «اثبات المعلوم فی نفی المفهوم»؛ «ارغام الکفره فی سوره البقره»، ناتمام؛ «اقسام‌الدین»، ناتمام؛ حواشی بر «جواهر». [1]
آقای حاج میرزا ابوالفضل بن العلامه الناطق حاج ملا محمود الواعظ از آیات عظام و علماء اعلام و حجج اسلام شهرتسان قم و حوزه علمیه عالمی عامل و فاضلی کامل و محدثی خبیر و مفسری بصیر است و ایشان از طرف مادر منسوب به سادات رضوی و سبط مرحوم حاج سید عبدالباقی رضوی که از خدام ذوی الاحترام حضرت معصومه علیهاالسلام بوده می‌باشد.
تولدش در 16 شعبان 1309 قمری در بلده طیبه قم واقع شده و پس از بلوغ و رشد مقدمات و سطوح را خدمت مرحوم علامه میرزا سید محمد برقعی بن العلامه حاج سید عبدالله قمی خوانده و حدود ده سال از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر استفاده نموده و دوبار در سال 1336 و 1339 به اراک مسافرت کرده و دو سالی در آنجا توقف و در سال 1340 قمری مراجعت به قم و حاضر به درس فقه و اصول مرحوم آیت‌الله موسس حایری گردیده و علم حکمت و فلسفه را نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر یزدی خوانده و پس از فوت مرحوم حایری چند سال در تهران توقف نموده و به گفتن تفسیر و احادیث و مواعظ در منبر مسجد

جامع ترویج دین نموده و هم در آنجا اقامه جماعت کرده تا سال 1368 قمری که مراجعت به قم و به گفتن تفسیر قرآن در مدرسه فیضیه و درس فقه و اصول برای طلاب و فضلاء حوزه اشتغال و از تاریخ مزبور تاکنون در مسجد امام علیه‌السلام قم اقامه جماعت دارند و شبها برای مردم تفسیر گفته و از این طریق خدمت به شرع انور می‌نمایند. آثار علمی و باقیات الصالحات معظم‌له از این قرار است:

1- بناء و تعمیر قسمت غربی مسجد امام دو طبقه که به بهترین اسلوب ساخته و تکمیل نموده و برای این منظور در مقابل نادانان و حسودان ابناء نوع استقامتی عجیب کرده و در راه حق از ملامت ملامت‌کننده نهراسیده تا به مقصود که احیاء مسجد باشد رسیده است.

و اما آثار علمی از این قرار است:

1- رساله الشرط و آثاره 2- رساله الضرر 3- افعل و ما افعل 4- منطق الحسین علیه‌السلام 5- مقصد الحسین علیه‌السلام 6- تسهیل الامر فی بحث الامر 7- اثبات المعلوم فی نفی المفهوم 8- ارغام الکفره فی سوره البقره ناتمام 9- اقسام الدین ناتمام 10- بعضی حواشی بر جواهر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (166 -165 /2).

زبیده

قرن:11
جنسیت:زن
ملیت:ایران
ذوالقعده 1092 -1024 ق، از زنان عالم، فاضل، ادیب و مفسر. وی دختر ملاصدرای شیرازی (1050 ق) و خواهر بدریه و صدریه بود. زبیده نزد پدر و خواهرش بدریه درس خواند و در ادبیات و تفسیر به مقام استادی رسید و حافظ قرآن شد. او با معین‌الدین محمد فسایی ازدواج کرد و از او کمال‌الدین محمد معروف به میرزا کمالا را به دنیا آورد و به فرزندش نیز ادبیات آموخت، تا اینکه از اساتید مبرز این رشته شد.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، 83 / 3؛ معادن‌الحکمه (مقدمه)، یج.

زعفرانی اصفهانی، ابوسعید حسین

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 369 ق)، حافظ، محدث، اصولی و مفسر. وی از ابوالقاسم بغوی و ابومحمد بن صاعد و حسین بن علی بن زید و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. ابوبکر بن ابی علی و ابونعیم اصفهانی و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.ابونعیم اصفهانی گوید که زعفرانی به لحاظ شناخت استوار و دانش فراگیرش بندار اصول و حدیث شهر ما بود. او دارای تصنیفات بسیار بود. از آثارش: «السمند» یا «مسند زعفرانی»، در حدیث؛ «التفسیر زعفرانی» یا «تفسیر القرآن»؛ «الشیوخ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (277/2)، ایضاح المکنون (482 ،305 /1)، سیر النبلاء (518 -517 /16)، معجم المؤلفین (55/4)، الوافی بالوفیات (46 -45 /13)، هدیه العارفین (305/1).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد هاشم زمانی
محل تولد : مرودشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
پس از انقلاب اسلامی بنابر ضرورت درک اسلام و باورهای صحیح به حوزه علمیه قم آمدم و دروس حوزه را شروع کردم و از همین ابتدا به قرآن و مباحث تفسیری پرداختم و در کنار آن به مباحث علمی و پژوهشی می‌پرداختم و در سال 67 در جبهه به اسارت عراق درآمدم و در آنجا در حد توان به ترویج قرآن و مباحث اعتقادی پرداختم و در سال 69 پس از آزادی از اسارت در مرکز قرآنی مشغول به کار شدم و در ضمن برنامه نویسی کامپیوتر به تحقیق در مباحث قرآنی می‌پرداختم تا اینکه در سال 75 پس از طرح‌های بسیاری که برای رسیدن به اطلاعات منسجم و دقیق ریختم و هیچکدام پایدار نبود به طرحی تحت عنوان «نور فرقان و سیر اندیشه» دست پیدا کردم که جامع و بنیادی بود و توانستم برای رسیدن به آن به طرح پروژه‌هایی بپردازم و اطلاعات زیادی تهیه کنم و در سال 79 به تأسیس مؤسسه‌ای تحت عنوان «نور فرقان» اقدام کردم تا فعالیت و پژوهشها موجه و نتایج آن جهت اطلاع رسانی میسر باشد.مدتی کوتاه در معاونت پژوهشی حوزه خواهران مشغول بودم و مدتی در معاونت پژوهشی جامعة الزهرا و نیز دو ترم برای خواهران حوزوی درس قرآن و تفسیر آن و عدم تحریف قرآن را بحث داشتیم و نیز در نمایشگاههای قرآنی بسیاری شرکت کردم و اکنون هم سه سال است که در نمایشگاههای قرآن شرکت می‌کنم در نمایشگاه بین‌المللی قرآنی در مصلی تهران دو بار غرفه داشتیم و نیز در قم در دانشگاه مفید هفته پژوهش و نیز در نمایشگاه حوزه در عرصه بین‌الملل و نیز در هفته کرامت در نمایشگاه رضوی شرکت داشتیم و اکنون نیز در معاونت پژوهشی حوزه بحث توسعه علوم را دنبال می‌کنیم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن زمانی
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
پس از تحصیلات ابتدائی از سال 1349 هجری شمسی تحصیلات حوزوی را در شهرستان حیدریه آغاز کردم و 4 سال در حوزه علمیه هراتی تحصیل کردم.سال 53 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیه العظمی گلپایگانی ادامه تحصیل دادم. دروس سطح را در خدمت اساتید مانند حجج اسلام : صلواتی، حسن تهرانی، ستوده ، سید علی محقق داماد ، کریمی جهرمی، شریعتی کاشانی ، صانعی و موسوی تهرانی فراگرفتم.از سال 61 درس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار حضرات آیات : فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی ، صانعی ، منتظری ، وحید خراسانی و گلپایگانی نزدیک 15 سال گذراندم.در این دوره تحصیلی 5 جلد اصول فقه استدلالی را که مشتمل بر بیش از نیمی از علم اصول فقه است را تألیف کردم که هنوز به صورت مخطوط است وانگیره این کار سنگین آن بود که اجتهاد واقعی و اتخاذ آراء در مسائل فقهبدون اجتهاد و اتخاذ آراء در مسائل اصول فقه ممکن نیست.سپس رساله فقهی اجتهادی پیرامون (طهارت اهل کتاب و مشرکین) را بعنوان رساله کارشناسی ارشد قرار داده و تالیف کردم.فلسفه اسلامی را با خواندن کتب : منظومه سبزواری، نهایه الحکمه، اشارات بوعلی، مجلداتی از اسفار ملا صدرا، و فلسفه جامعه تاریخ نزد اساتید بزرگواری چون: شهید مطهری، آیه الله جوادی آملی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، محمدی گیلانی، نکونام و فیاضی فرا گرفتم.عرفان اسلامی را با تلمذ و تحصیل کتاب: فصوص الحکم محی الدین و مصباح الانس نزد عارف رهپیموده استاد حسن زاده آملی فرا گرفتم.جهت فرا گیری زبان انگلیسی، چون از کلاس ششم ابتدائی به حوزه علمیه منتقل شده بودم، تمام کتب درسهای زبان راهنمائی ، دبیرستان و کارشناسی دانشگاه را در طول یکسال نزد استاد محرم خانی گذراندم. سپس دوره 4 جلدی زبان را در مرکز آموزش زبان مرکز آموش

عالی باقر العلوم (علیه السلام) سپری کردم تا آمادگی حضور در کلاس های زبان دوره ارشد و دکترای دانشگاه را بیابم.سپس در کنکور ورودی کارشناسی ارشد (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و پس از قبولی و گذراندن دوره تحصیلی فارغ التحصیل شدم و رساله پایان نامه من با نمره 20 حائز بالاترین رتبه دانشگاه شد.سال 77 در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث همان (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و سال 80دوره آموزشی را با معدل 78/18 به پایان رساندم.
در آن سال عضو هیئت علمی گروه علمی قرآن و حدیث مرکز جهانی علوم اسلامی قم شده و تا کنون به تدریس برای طلاب غیر ایرانی مشغولم.در طول دوران تحصیل مشغول تدریس رشته ها ودروس ادبیات عربی، منطق، فلسفه، معارف، اقتصاد اسلامی، اخلاق، نظام تربیتی، فقه مقارن، علوم قرآن و قرآن و مشرکان در حوزه ها و مدارس و دانشگاه های مختلف بوده ام.

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(538 -467 ق)، مفسر، محدث، نحوی، متکلم، لغوی و شاعر حنفی معتزلی. ملقب به جاراللّه. نسبت وی به زمخشر، از آبادیهای خوارزم است در زمخشر به دنیا آمد. او در ادب و لغت عرب و فقه و حدیث و تفسیر استاد و متکلم معتزلی بود و شعر را بسیار نیکو می‌سرود. در ضمن مسافرتهای خود مدت مدیدی در مکه اقامت کرد و به همین مناسبت به جاراللّه (همسایه‌ی خدا) معروف شد. به بغداد نیز سفر کرد و در آنجا از نصر بن بطر و دیگران حدیث شنید. ادب را از ابومضر محمود بن جریر ضبی اصفهانی و ابوالحسن علی بن مظفر نیشابوری فراگرفت و از ابومنصور نصر حارثی و ابوسعد شقانی حدیث روایت کرد است. ابوطاهر سلفی و زینب دختر شعری از زمخشری با اجازه روایت کرده‌اند اسماعیل بن عبداللّه خوارزمی و ابوسعد احمد بن محمود و دیگران از وی اشعارش را نقل کرده‌اند. سرانجام در جرجانیه‌ی خوارزم درگذشت. از آثار متعددش: «الکشاف عن حقایق التنزیل»، در تفسیر قرآن؛ «الامالی»، در نحو؛ «الانموذج»، در نحو؛ «مقدمه الادب»، در لغت؛ «اساس البلاغه»، در لغت؛ «اعجب العجب فی شرح لامیه العرب»؛ «اطواق الذهب»، در مواعظ و خطب؛ «الجبال و الامکنه و المیاه»؛ «دیوان» خطب؛ «دیوان» شعر؛ «دیوان» رسائل؛ «دیوان» تمثیل؛ «الرائض فی علم الفرائض»؛ «روس المسائل»، در فقه؛ «ربیع الابرار»، در ادبیات؛ «سوائر الامثال»؛ شرح «ابیات الکتاب» سیبویه؛ شرح مشکلات «المفصل»؛ «ضاله الناشد»؛ «القسطاس»، در عروض؛ «المجاز و الاستعاره»؛ «متشابه اسامی الرواه»؛ «المستقصی»، در امثال عرب؛ «معجم الحدود»؛ «المفرد و الموتلف»، در نحو؛ «المقامات»، در اخلاق؛ «المنهاج»، در اصول؛ «النصائح الکبار یا کبری»؛ «النصائح الصغار»؛ «الکلم النوابغ»، در مواعظ؛ «الاحاجی النحویه»؛ «المفصل»، در نحو؛ «الفائق فی غریب الحدیث».[1] برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (55/8)، ایضاح المکنون (67/1، 86/2)، تاریخ ادبیات در ایران (320/2)، تاریخ نظم و نثر (197 ،102 ،92)، التفسیر و المفسرون (482 -429 /1)، دایرةالمعارف فارسی (2222 -2221 /2 ،1180 /1)، روضات الجنات (118/8)، ریحانه (382 -379 /2)، سفرنامه ابن‌بطوطه (571 ،436 /1)، سیر النبلاء (156 -151 /20)، الکامل (8/9)،

کشف الظنون (1978، 1955، 1890، 1877، 1837، 1798، 1791، 1774، 1734، 1675، 1674، 1607، 1584، 1539، 1475، 1427، 1407، 1396، 1326، 1217، 1206، 1085، 1082، 1056، 1022، 1009، 915، 895، 832، 831، 791، 781، 616، 185، 164، 117)، الکنی و الالقاب (2/ 298- 300)، لسان المیزان (6/ 651- 653)، لغت نامه (ذیل/ زمخشری)، مؤلفین کتب چاپی (6/ 66- 67)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 538)، معجم الادباء (19/ 126- 135)، معجم البلدان (3/ 165- 166)، معجم المؤلفین (12/ 186- 187)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (228- 229)، وفیات الاعیان (5/ 168- 174)، هدیه الاحباب (145- 146)، هدیه العارفین (2/ 402- 403).

زنجانی، ابوالمناقب محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 656 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و لغوی شافعی. وی در بغداد متوطن بود. مدتی نیز نیابت قاضی القضاتی را بر عهده داشت تا عزل شد. در نظامیه به تحصیل و تدریس پرداخت. وی درایام فتح بغداد به دست هلاکو کشته شد. از آثارش: «السحر الحلال فی غرائب المقال»، در فروع فقه شافعی؛ «ترویح الارواح فی تهذیب الصحاح» جوهری، در لغت؛ «تفسیر القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1073، 981)، معجم المؤلفین (149 -148 /12)، هدیه العارفین (405/2).

زنجیره فروش، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آقا سید محمدبن حسن بن هاشم بن میرزا محمد موسوی.
سید سند، و فاضل معتمد، از اساتید فن تجوید و قرائت بوده، نزد عاصم کاشانی قرائات دهگانه را بیاموخته، و سال‌ها تدریس «شاطبی» در اصفهان منحصر بدو بوده، و عده‌ای زیاد شاگرد تربیت نموده که هر یک استاد فن به شمار می‌رفته‌اند.
در حدود 1275 متولد، و در 1351 وفات یافته، در تکیه‌ی آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون، و سپس به اعتاب مقدسه منتقل گردید.
پدر و جدرش از علمای اصفهان بوده، و جهت امرار معاش به شغل زنجیره بافی مشغول بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

زواره‌ای، ابوالحسن علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، مفسر، فقیه، محدث و ادیب امامی. وی از عالمان بزرگ تفسیر، حدیث و فقه و ادب بود در عصر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی در اصفهان می‌زیست. وی از اکابر شاگردان محقق کرکی، شیخ علی بن عبدالعالی، سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای مفسر و سید امیر عبدالوهاب استرآبادی بود. تفسیر را از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای اخذ و از میر عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی روایت کرد. زواره‌ای استاد ملا فتح‌اللّٰه کاشانی مفسر معروف است. از آثار وی: «ترجمه الخواص» یا «تفسیر زواری»، در تفسیر قرآن، تالیف شده در سال 946 ق؛ شرح «نهج‌البلاغه» به فارسی به نام «روضه الابرار»؛ ترجمه‌ی «کشف الغمه» بهاءالدین عیسی اربلی به نام «ترجمه المناقب»؛ ترجمه‌ی «مکارم الاخلاق» رضی‌الدین طبرسی به نام «مکارم الکرائم»؛ ترجمه‌ی «عده الداعی» ابن‌فهد حلی به نام «مفتاح النجاح»؛ ترجمه «الاحتجاج» طبرسی که به نام شاه طهماسب به پایان رسانید؛ ترجمه تفسیر منسوب به امام عسگری (ع) به نام «آثار الاخیار»؛ ترجمه «الطرائف» ابن‌طاووس به نام «طراوه اللطائف»؛ «مرآت الصفا»، در زیارات؛ «مجمع الهدی»، در تاریخ پیامبران، تلخیص «احسن الکبار فی مناقب ائمه الاطهار» ورامینی به نام «لوامع الانوار الی معرفه ائمه الاطهار»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (186/8)، ایضاح المکنون (528 ،459، 436، 413 /2 ،281/1)، تاریخ ادبیات در ایران (1626 -1623 /5)، تاریخ نظم و نثر (371)، الذریعه (88/25 ،355/21، 362 -361 /18 ،159/15/285/11، 227/7 ،315/5، 140 -139 ،75 /4)، روضات الجنات (362 -361 /4)، ریاض العلماء (396 -394 /3)، ریحانه (393/2)، سبک شناسی (303 -302 /3)،طبقات اعلام الشیعه (قرن 152/10)، الکنی و الالقاب (200/2)، هدیه العارفین (745/1).

زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 370 ق)، فقیه، مفسر، محدث و ادیب. وی در نواحی خراسان و ماوراءالنهر منصب قضاوت داشت و در بخارا از دنیا رفت. تصانیفی در «تفسیر» و «حدیث» و «فقه» و «ادب» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (193/9).

سادات فخر، محمد محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد محسن سادات فخر در سال 1334در شهر مشهد به دنیا آمدم تحصیلات مقدماتی را در حوزه علمیه مشهد مقدس از سال 1349 آغاز در سال 1353 به حوزه علمیه قم هجرت نمودم. در سال‌های 1365 ـ 1368 با پژوهشکده باقرالعلوم همکاری پژوهشی در پروژه موضوع نگاری تفسیر مجمع‌البیان آغاز گردید.ثمره همکاری یاد شده نشر کتاب مفتاح مجمع البیان از انتشارات اسوره 1383 می‌باشد. نیمه دوم سال 1369 تقریباً همکاری رسمی با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آغاز گردید. پروژه موضوع نگاری تفاسیر قرآن مجید 80 دوره کامل تفسیر قرآن از مفسران بزرگ شیعه و اهل‌سنت در سه فاز، محور همکاری مستقیم با مرکز یاد شده بود در سال 1372 به مدیریت گروه معجم نگاری تفاسیر انتخاب و پژوهش ادامه یافت. طرح گروه فرهنگنامه‌ها در مدیریت جدید پیشنهاد و موضوع‌نگاری تفاسیر در فاز اول با حجم بیست دوره تفسیر کامل در دو فرم کتاب (فرهنگ موضوعی تفاسیر) و نرم‌افزار صراط آماده عرضه گردید.طرح نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال 1372 در گروه فرهنگنامه‌ها آغاز گردید او در سال 1377 بیش از دو هزار و پانصد کتاب قرآنی، نمایه سازی گردید. نمایه‌های موضوعی (چکیده‌های عنوانی) تعداد کتاب‌های یاد شده در حجم بیش از یکصد و بیست و پنج نمایه موضوعی، ترکیبی تقریباً تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های پژوهشی قرآنی، تفسیری، علوم قرآنی و معارف دینی را شامل می‌شود.اطلاعات یاد شده در بانک اطلاعات مرکز فرهنگ و معارف قرآن علی القاعده موجود می‌باشد.بعد از دوره شش ساله مدیریت علمی گروه فرهنگنامه‌ها و انجام پروژه‌های فاز اول موضوع‌نگاری تفاسیر و نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی همکاری در شورای علمی گروه فرهنگنامه‌ها ادامه دارد.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی سبحانی نیا
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد تقی سبحانی نیا از سال1366 همزمان با تحصیل در سال چهارم دانشگاه رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دروس سطح حوزه را شروع نمودم. دروس سطح را تا سال 1376 به پایان رساندم. از اساتید برجسته اینجانب در دوره سطح، اساتید معزز آقایان حجج اسلام اسحاق نیا، پرنده غیبی، عالی، مومنی، مسعودی، غرویان، دوزدوزانی و عراقچی می باشند. از سال 1376 در درس خارج آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی و استاد مکارم شیرازی و استاد مددی حاضر شده و مدت کوتاهی نیز در درس استاد آیة الله شبیری زنجانی شرکت نموده ام.
از سال 1371 با مرکز تحقیقات دارالحدیث به فعالیت های فرهنگی علمی همکاری را شروع نموده و این همکاری تا به امروز در حوزه های مختلف ادامه داشته است. مدتی در بخش تاسیس کتابخانه تخصصی حدیث تلاش کرده و مسولیت داشتم . سپس چند سال در گروه موسوعه نگاری در بخش تحقیقات با آن مرکز همکاری داشته و تحقیق و عناوین متعددی را بر عهده داشته ام. و هم اکنون نیز در دانشکده علوم حدیث ضمن مسئولیت اجرایی به تحصیل در مقطع دکتری اشتغال دارم. ضمناً در سال 1380 نیز در آزمون کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی دانشکده تربیت مدرس قم پذیرفته شده و مدرک کارشناسی ارشدخود را در سال 1383 اخذ نمودم.

سبزواری، زین العابدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن محمّد علی بن محمّد ابراهیم بن مرتضی بن میرزا عبدالمطلب. عالم فاضل محقّق مفسّر ادیب، در خدمت میرزا عبدالعلی هرندی، و میرزا محمّد مهدی نایب الصدر، و میرزا محمّد علی حسینی و جمعی دیگر تلمّذ فرموده، و از جوانی آثار نبوغ در او ظاهر بوده، چنانچه از تفریظی که مرحوم نایب الصدر بر یکی از کتب او نوشته ظاهر می‌شود.
کتب زیر از اوست:
1- اعراب ست سور من القرآن الکریم
2- تذکرة القرّاء 3- شجره طیّبه، در تجوید، دو جلد عربی و فارسی که در مقدّمه برخی از قرآنها به طبع رسیده.
در حدود سال 1250 متولّد، و در 1318 وفات یافته، جنب مسجد آقا نور در محلّی که به نام امامزاده سه تن معروف است مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا ستوده نیا
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی

در سال 1361 موفق به اخذ دیپلم گردید. از یک سال قبل از انقلاب در حوزه علمیه صدر بازار و همزمان با دبیرستان شروع به تحصیلات حوزوی نمود. پس از دیپلم به طور جدی به دروس حوزوی پرداخته و تا سال 1371 عمده دروس حوزوی شامل ادبیات عرب، فقه واصول، منطق و فلسفه را به پایان رسانید. در این دوران علاوه بر تحصیل به تدریس دروس حوزوی نیز پرداخت.شایان ذکر است که در سال‌های 1366 و 1367 در دوران دفاع مقدس با وجود امکان استفاده از معافیت تحصیلی حوزه علمیه، به طور داوطلب به خدمت سربازی اعزام گردید. با عنایت به سیاست نزدیکی و وحدت حوزه و دانشگاه، در سال 1371 در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل آکادمیک شد. بدون هیچ وقفه در سال 1375 موفق به ورود در دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث شد و پایان‌نامه را با عنوان «بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی» با نمره 20 دفاع نمود.این پایان‌نامه در زمره پایان‌نامه‌های برگزیده در سال 1378 به وسیله وزارت ارشاد به چاپ رسید. بلافاصله در همان سال در دوره دکتری پذیرفته و در سال 1381 پایان‌نامه دکتری را با عنوان «تاثیر قرائات بر تفسیر» دفاع نمود.

سجادی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران اینجانب حاج سیّد احمد سجّادی در سوّم اسفندماهِ سال یکهزار و سیصد و چهل و چهار در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان بدنیا آمدم.
پدرم از معتمدین محل و کارگر کارخانه بافناز بود و مادرم، بانوی عفیفه ای که به امور منزل و تعلیم و تربیت فرزندان اهتمامی والا داشت.
اینجانب دارای سه برادر و یک خواهرهستم که هر یک، محور زندگی و خانواده‌ای دیگر شده اند.
من تحصیلات ابتدایی، را در دبستان مشتاقْ ودوره راهنمایی را در مدرسه جمشید طی کردم و ودر همان ایام، از نزدیک شاهد وقایع انقلاب بودم و با آنکه در سنین نوجوانی به سر می بردم ، دربسیاری از راهپیمایی‌ها شرکت جسته و تمامی شعارهای مردم را در دفتری ثبت ، که تاکنون نیز آن را حفظ نموده ام
در سال 1361 وارد حوزه علميّه اصفهان گردیدم و همزمان در جبهه‌های نبرد نیز شرکت نموده و حدود 20ماه به طور متناوب در میان رزمندگان اسلام حضور داشته و در عملیات‌های مختلف و متعدّدی ایفای نقش کردم و در عملیات «محرم» و «خیبر» از ناحیه پا و صورت مجروح شدم.
حضور در حوزه علميّه اصفهان فرصتی بود تا از محضر اساتید بزرگی همچون حجت الاسلام و المسلمین حاج علی‌اکبر فقیه، حجت الاسلام و المسلمین حاج سید ابوالحسن مهدوی، آیت اللّه حاج سیّد احمد امامی، آیت اللّه حاج سیّد حسن امامی، آیت اللّه حاج حسن صافی، آیت اللّه حاج محمد ناصری، آیت اللّه حاج سید محمد علی صادقی، آیت اللّه حاج عباسعلی ادیب و آیت اللّه العظمی حاج حسین مظاهری کسب فیض کرده و علاوه بر آن، از سال 1363 به تدریس در حوزه‌های علمیه در زمینه‌های ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول مشغول گردیدم.
اینجانب در سال 1368 در جشن نیمه شعبان به دست مبارک مرحوم حضرت آیت اللّه سید محمدعلی صادقی قدس سره مفتخّر به لباس روحانیّت گشته و منسب امام جماعت را در مسجد حضرت جوادالائمّه و پس از آن در مسجد امام حسن مجتبی (واقع در اصفهان، خیابان کاوه، خیابان 15 خرداد) عهده‌دار شده و تا مهر ماه سال 1387 این افتخار قرین زندگیم بود.
از سال 1370 فعّالیّت‌های علمی خود را با ارائه مقاله به روزنامه‌ها و سپس مجلّه‌های مختلف آغاز نمودم و در حال حاضر علاوه بر مقالات

فراوانی که ازمن در زمینه‌های مختلف علمی و مذهبی در دست است، در زمینه تألیف کتاب نیز کتاب‌های متعدّدی از جمله عناوین زیر از اینجانب بچاپ رسیده است که ذیلاً به برخی از کتابهای تألیف شده توسط حقیر اشاره می‌نمایم:
1 – «فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه » (در 3 جلد) : در این کتاب با سبکی جدید به موضوع‌نگاری صحیفه مبارکه سجّادیّه پرداخته ام و اثری زیبا با بیش از 900 موضوع اصلی 000/10 زیر موضوع در سه جلد به همراه متن کامل صحیفه سجّادیه و ترجمه آن ارائه نموده‌ام.
2 - «اسرار دلبران» : این کتاب تأملی بر زیارت جامعه کبیره است که در آن برای هر یک از فرازهای این زیارت، توضیحی مختصر و شرحی کوتاه و مرتبط با آن صورت گرفته است.
3 - «پرچم‌داران سعادت» : این کتاب تدبّری در زیارت جامعه کبیره بوده که در آن با تکیه بر آیات و روایات و استدلال‌های عقلی و نظری به توضیح فرازهای زیارت پرداخته و به بیش از نهصد آیه، روایت و حدیث در 500 صفحه اشاره نموده‌ام.
4 - «نجوای عارفانه» : این کتاب شرح دعای امام زین‌العابدین علیه‌السلام در روز عرفه است که دعای چهل و هفتمِ کتاب صحیفه مبارکه سجّادیه می‌باشد. مؤلّف، این کتاب را در 180 صفحهَ به تألیف رسانده ام.
5 و6 «میراث حوزه علمیه اصفهان » (دفتر اوّل و دوّم): این کتاب ها احیاء و عرضه میراث مکتوب حوزه علمیه اصفهان است که در هر جلد به یکی از محورهای تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، فلسفه، کلام و دیگر ساحت‌هایی که تلاش علمی قلمزنانِ این خطّه در آن حیطه بوده، اختصاص می‌یابد. دفتر اوّل این اثر به اهتمام اینجانب و جناب آقای رحیم قاسمی و دفتر دوّم نیز به تلاش من و جناب آقای مجید هادیزاده به رشته تحریر درآمده است.
7 - «لغت‌نامه و ترجمه صحیفه سجّادیه» : این کتاب در 384 صفحه، ترجمه روان و سلیس و در عین حال علمی از صحیفه مبارکه سجّادیه است که اینجانب در ذیل متن دعا و ترجمه آن، اقدام به ترجمه لغات صعب و دشوار این کتاب گرانسنگ نموده ام.
8 - « صحیفه سجّادیه به روایت ابن اشکیب»در این کتاب به روایتی نادره از صحیفه پرداخته و با روایت مشهوره مقابله کرده ام که با مقدمه ای مفصل به چاپ رسید و به همراه CD منتشر شده است
هم‌اکنون نیز در زمینه صحیفه سجّادیّه تحقیقات جالب و وافری به انجام رسانیده ام که بزودی به چاپ خواهم رساند و کتاب «قرآن پژوهان اصفهان» را در حال نشر است و مراحل پایانی «کتاب شناسی وقف» را در حال انجام دارم که به زودی در چهار مجلد چاپ خواهد گشت.
علاوه بر کتاب های فوق‌الذکر، از بین مقالاتی که توسط حقیر به رشته

تحریر درآمده، به اختصار به مقالات زیر اشاره می‌نمایم:
1 - «بایسته‌های صحیفه سجادیه» : مقاله‌ایست 16 صفحه‌ای که متضمن پیشنهادات یازده‌گانه‌ای به اندیشمندان و صحیفه پژوهانِ شیعی جهت احیا و ترویج کتاب مقدّس و دعایی صحیفه مبارکه سجّادیه است.
2 - «دعا در نبردهای نامتقارن» : مقاله‌ای 17 صفحه‌ایست که از تعریف دعا و نیاز بشر امروز به آن، نیاز مبارزان به دعا و سنت ائمه علیهم السلام در نبردها و جنگ‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ام.
3 - «سبک‌شناسی صحیفه مبارکه سجادیه» : این نوشتار در 64 صفحه، پیرامون سبک و سیاقی است که در لابلای دعاهای صحیفه سجادیه به چشم می‌خورد .
شایان ذکر است علاوه بر فعالیّت علمی ، اینجانب در سال 1377 از سوی زعیم حوزه علمیه اصفهان ، حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) به سِمَت مدیر عامل «مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیّه اصفهان» منسوب شدم که تا کنون موفّق به تولیدِ سی و پنج نرم‌افزار گشته ام که در تمامی آنها، علاوه بر مدیریت پروژه ، تحقیقات و پژوهش نرم افزار به عهده ام بوده است. از جمله نرم‌افزارهایی که حقیر امر تولید، تحقیق و پژوهش آن را به عهده داشته‌اند، می‌توان به نرم‌افزارهای زیر اشاره نمود:
1 - «طنین وحی» : متن، ترجمه و صوت قرآن کریم ، یک دوره کامل قرائت قرآن به روش تحقیق ، معجم و امکان جستجو در آیات قرآن به روش های مختلف ، هفت ترجمه فارسی و انگلیسی (ترجمه های فارسی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ، دکتر عبدالمحمد آیتی، آقای محمد مهدی فولادوند و ترجمه منظوم آقای امید مجد و ترجمه های انگلیسی پیکتال، یوسف علی و شاکری) ، امکان مقایسه ترجمه ها با یکدیگر ، املای لاتین قرآن
2 - «امثال» : ارائه ترجمه و مفاهیم قرآن کریم با ابزار تصاویر ثابت و متحرک با موضوع مثل‌ها و تشبیه‌های قرآن کریم و نمایش تابلوهای نقاشی رنگ و روغن متناسب با موضوع هر یک از امثال قرآن به همراه تفسیر مربوط به آیه و نیز اشعار مرتبط با آن و بیش از 60 دقیقه انیمیشن متناسب با مفهوم آیات.
3 - «دانش‌نامه جامع نهج‌البلاغه» : حاوی متن کامل نهج البلاغه با تطبیق با یازده نسخه معتبر به همراه 250 جلد شرح و 41 عنوان ترجمه ، نمایش 16000 موضوع متنوع ، لغت نامه و توضیح لغات به فارسی و عربی به صورت فعال در متن ، نمایش مصادر خطبه ها، نامه ها و حکمت ها به صورت فعال در متن ، معرفی اعلام و شخصیت های نهج البلاغه با زندگی نامه هر یک به صورت فعال در متن ، لیست آیات قرآن به صورت فعال در

متن با امکان تلاوت آیه ، امثال نهج البلاغه به صورت فعال در متن با توضیح مفصل برای هر یک ، نمایش قدیمی ترین نسخه خطی نهج البلاغه به صورت تطبیق یافته با متن ، امکان مقابله ترجمه ها و شرح های نهج البلاغه با یکدیگر

4 - «دانش‌نامه جامع صحیفه سجادیه» : شامل 37 جلد ترجمه و 52 جلد شرح ، متن 25 جلد کتاب پیرامون دعاها و سخنان امام سجّاد (علیه السلام) و نمایش هزاران موضوع متنوع با روش ساختار درختی با قابلیت جستجو ، کتابخانه جامعی پیرامون سخنان امام سجاد علیه السلام شامل 120 جلد کتاب و مقاله ، کتابشناسی صحیفه سجّادیه ، معجم کامل الفاظ صحیفه سجادیه ، آیات و احادیث مرتبط با صحیفه سجادیه.، لیست آیات موجود در صحیفه سجادیه ، لغت نامه صحیفه سجادیه به صورت فعال در متن

5 - «مدینه العلم» : حاوی متن 330 کتاب و مقاله پیرامون حضرت محمّد (صلی الله علیه وآله) در موضوعات تاریخِ زندگانی، تاریخ اسلام، فضائل، سیره و سخنان، امکان مشاهده تمامی فهرستهای کتابها به صورت یکجا ،

6 - «باب العلم» : شامل متن 880 جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت علی علیه السلام با موضوعیّت سخنان ، سیره ، فضائل ، تاریخ ، ساختار موضوعی جامع پیرامون تمامی اطلاعات و مطالب ، معرفی 14900 کتاب، مقاله و پایان نامه

7 - «ریحانه» : متن 200 جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت زهرا (علیها السلام) و ساختار موضوعی پیرامون آن حضرت، شامل نسب، زندگانی، سیره و... .

8 - «کریمانه» : شامل متن 150 جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسن (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ و... .

9- «سفینه‌النجاه» : شامل متن 750 جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسین (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، مقاتل، شعر، عاشورا و...

10 - «شمس الشموس» : شامل متن 320 جلد کتاب و مقاله پیرامون امام رضا (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ ، بارگاه ملکوتی و ...

11 - «موعود» : شامل متن 626 جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت مهدی علیه‌السلام و نیز روایات، احادیث و دعاهای منسوب به حضرت مهدی علیه السلام ، معرفی 4000 عنوان کتاب، مقاله و پایان نامه

12 - «به سوی حقیقت» : متن 600 جلد کتاب و مقاله برای آشنا ساختن مردم با اسلام ناب و مکتب تشیع و نیز پاسخگویی به اشکال‌ها و شبهه‌های مغرضانه وهابیت.

13 - «بصائر »: ارائه ترجمه تصویری برخی از آیات شریفه قرآن کریم با استفاده از تصاویر ثابت و متحرک (فیلم و انیمیشن) با موضوع آیات و نعمتهای الهی. به همراه ترجمه، ترتیل و احادیث ائمّه اطهار (علیهم السلام) در خصوص آیه شریفه مورد نظر و شرح نکات علمی و شگفتی‌های خلقت پیرامون آیه شریفه مربوطه.
14 - «مشاهیر» : معرفی بیش از 25000 نفر از شهرگان و نامداران ایرانی در زمینه‌های علمی، هنری، سیاسی، صنعتی و... به صورت طبقه‌بندی شده بر اساس حرف الفبا، جنسیت، قرن و تخصص همراه با زندگی‌نامه مختصر و معرفی آثار آنان.
15 «فیض تمام»: متن کامل قرآن کریم همراه با ترجمه و تفسیر نمونه ، متن کامل نهج البلاغه همراه با ترجمه و شرح کامل ابن میثم ، متن کامل صحیفه سجادیه همراه با ترجمه و شرح دیار عاشقان ، امکان جستجوی دقیق در متون هر سه کتاب مقدس بصورت یکجا و جداگانه ، امکان جستجو در ترجمه ها و شرح ها ، تلاوت کامل متن نهج البلاغه و صحیفه سجادیه ، امکان چاپ و انتقال متن به دفترچه یادداشت ، معجم الفاظ به همراه لغتنامه فعال در متون
16 - «دانش‌نامه جامع وقف » شامل متن 1342 جلد کتاب و مقاله پیرامون وقف
علاوه بر نرم‌افزارهای مذکور، نرم‌افزار «امام امام صادق علیه السلام » و نیز «رد بهائیت» در این مرکز با مدیریت و پژوهش اینجانب در دست کار می‌باشد.
حقیرعلاوه برانجام فعّالیّت‌های علمی که باعث گردیده به افتخارات متعددی همچون «خادم قرآن استان اصفهان» در سال 1383 و«خادم قرآن کشور» در سال 1384 (با لوح تقدیر به امضاء ریاست جمهور و به دست ایشان)، «خادم نیایش» درسال 1385 (با لوح تقدیر به امضاء آیت الله زنجانی و آیت الله مظاهری و حجت الاسلام خاتمی و استاد گرجی و به دست حجت الاسلام خاتمی) و«خادم نمونه فرهنگ عمومی استان اصفهان» در سال 1386 (با لوح تقدیر به امضاء امام جمعه اصفهان آیت الله طباطبائی نژاد و به دست ایشان) مفتخر گردم، مدیریت برخی از نهادهای علمی و فرهنگی را نیز عهده دار بوده ام که از آن جمله می توان به مسئول نمایندگی ولی فقیه در مراکز سپاه استان اصفهان از سال 1370 تا1377 ، مسئول موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان اصفهان از سال 1381 تا پایان سال 1386، مشاور امور روحانیون استاندار اصفهان از سال 1384 تا پایان 1386 اشاره کرد.
اینجانب هماکنون علاوه بر مدیر عامل مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان ، مشاور پزوهشی سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه

بوده و مدیرموسسه فرهنگی و اطلاع رسانی راسخون می‌باشم که سایتWWW.RASEKHOON.COM یکی از فعالیت های آن موسسه است.
شایان ذکر است حقیر در کنار فعالیتهای علمی، مدیریتی و مسؤولیتهای فوق‌الذکر، به عنوان عضو هیئت علمی در همایش‌های« بزرگداشت فیض الاسلام» سال 1383 و دبیر علمی «بزرگداشت آیت اللّه العظمی سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی» سال 1388، و عضو هیئت مدیره «موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان» و عضو اصلی هیئت مدیره «شرکت چاپ و انتشارات اسوه» می‌باشم و علاوه بر سخنرانی در محافل مذهبی ، علمی وهمایش های فرهنگی ، در برنامه های مختلف رادیو اصفهان به عنوان کارشناس دینی (از جمله در اکثر اعیاد مذهبی و عزاداری ها و تمامی صبح ها قبل و بعد از اذان) به ایراد سخن می پردازم.

واخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین
سید احمد سجادی

سجاسی زنجانی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1322 ق)، مفسر، اصولی. وی از بزرگان و علمای اعلام زنجان بود. مقدمات را در زنجان فراگرفت. سپس به نجف رفت و در آن حوزه نزد علمای نجف به تکمیل تحصیلات پرداخت. آنگاه به زنجان بازگشت و منصب تدریس و قضاوت را بر عهده گرفت و به تصنیف و تالیف اشتغال ورزید و به انجام وظائف دینی و امامت پرداخت تا از دنیا رفت و در جوار امامزاده سید ابراهیم در زنجان به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «اصول کافی» به روش «شرح ملاصدرا»، در سه مجلد؛ «تفسیر سوره الزمر و الشمس و الرحمن»، در یک مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (26/6)، الذریعه (96/13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 503/14)، معجم المؤلفین (10 -9 /4).

سجاوندی غزنوی، محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 560 ق)، مفسر، قاری، فقیه حنفی، ریاضیدان و شاعر. وی از دانشمندان و عالمان بزرگ قرن ششم هجری است که با سلطان سنجر سلجوقی معاصر بود و آثار بسیار ارزشمندی در تفسیر و علوم دینی تالیف کرد. وی در سرودن شعر نیز توانا بود، اشعار چندی نیز از وی در تذکره‌ها نقل است. از جمله آثارش: «انسان عین المعانی» در تفسیر و مختصر آن «عین المعانی فی تفسیر السبع المثانی»؛ «ذخایر الثمار فی اخبار السید المختار»؛ «التفسیر»؛ «الایضاح فی الوقف و الابتداء»، در مجلدی بزرگ که دلیل تبحر سجاوندی در علم قرآن است؛ «علل القراآت»، در چند مجلد؛ «غرائب القران»، در تفسیر لغات مشکل آن؛ «السراجیه» «یا فرائض سجاوندیه»، که شرحهای بسیاری بر آن نوشته شده و مشهورترین آنها «شرح سید شریف جرجانی» است؛ «التجنیس»، در حساب و ریاضیات. در منابع مختلف، کنیه و لقب او چون نام و نام پدرش محل اختلاف است و به صورتهای مختلف ابوعبداللّٰه، ابوطاهر، مجدالدین و سراج‌الدین ذکر شده است.[1]
ابوالفضل محمد بن ابویزید طیفور عزنوی، از دانشمندان علم قرائت در قرن ششم (ف. 560 ه.ق.). از آثار معروف وی کتاب وقوف است در شرح موادر وقف در قرآن، کتاب الوقف و الابتداء در شرح انواع وقف، کتاب الموجز در شرح بعض انوع وقف، کتاب انسان عین المعانی در تفسیر سبع المثانی، نسخ همه کتابهای مذکور در دست است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (48/7)، دایرةالمعارف فارسی (1275 -1274 /1)، الذریعه (31/16)، ریاض العارفین (174)، ریحانه (443 -442 /2)، کشف الظنون (1182، 852، 353)، الکنی و الالقاب (308/2)، لباب الالباب (283 -282 /1)، لغت نامه (ذیل/ سجاوندی و احمد)، معجم المؤلفین (112/10، 233/11)، الوافی بالوفیات (178/3)، هدیه الاحباب (148)، هدیه العارفین (106/2).

سحرخوان، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد سحرخوان
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد سحرخوان در سال 1341 در خانواده ای مذهبی در کاشان به دنیا آمدم بعد از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به خاطر جو مذهبی خانواده و شرکت در جلسات مذهبی در سال 1355 وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله بشری شدم. دروس مقدمات ج اول و اصول فقه و لمعه را در کاشان نزد اساتید بزرگوار خواندم و در سال 58 وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال 60 با خانواده ای محترم از سادات ازدواج کردم که ثمره ازدواج یک پسر و دو دختر می باشد که مشغول تحصیلات حوزوی می باشند همزمان با شروع جنگ در حد توان در جبهه حضور پیدا کردم و بیشترین برنامه تبلیغی اینجانب همکاری با حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه بوده است و مدت یکسال به عنوان مسئول حوزه نمایندگی گچساران مشغول بوده ام از سال 1370 در دوره سوم تخصصی تفسیر شرکت کرده و در سال 74 به پایان رسید و در سال 76 تاکنون با مرکز فرهنگ و معارف قران در گروه دائرة المعارف ها به عنوان محقق و دبیر گروه همکاری می کنم و در سال 82 با مرکز تحقیقاتی اسراء همکاری علمی دارم. دروس فقه و اصول را از اساتید بزرگوار آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله فاضل لنکرانی ، آیت الله تبریزی، آیت الله معرفت و آیت الله سبحانی و آیت الله وحید خراسانی بهره مند شده ام. خداوند انشاء الله به ما توفیق بیشتر عنایت فرماید و اساتید بزرگوار را خیر عنایت فرماید و از ما راضی نگه دارد.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی سراقی
محل تولد : نهاوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
با اتمام تحصیلات دوره راهنمایی در زادگاهم در سال 1364 به هنرستان فنی نهاوند رفتم ولی در سال دوم تصمیم به شرکت در امتحانات حوزه علمیه گرفتم و یک سال در نهاوند به تحصیل پرداخته و سال بعد به عنوان مبتدی در امتحانات ورودی قم شرکت نموده و توفیق نصیبم شد تا در حوزه علمیه قم حضور پیدا کنم. البته سالهای بعد به صورت متفرقه دروس دبیرستانی در رشته ادبیات فارسی را گذراندم و پس از اتمام دروس سطح در امتحانات ورودی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) شرکت نموده و در رشته علوم قرآنی قبول گردیدم که مدت چهار سال دوران کارشناسی این رشته را طی نمودم. لازم به ذکر است که در این مدت در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی ، وحید خراسانی، صالحی مازندرانی و تبریزی شرکت نموده ام.

سراوندی، یاسمینه

قرن:5

جنسیت:زن

ملیت:ایران

(سراوند از روستاهای همدان)، 502 ق، از زنان عالم، فاضل و مفسر. صلاح‌الدین صفدی در عنوان النصر فی اعیان‌العصر، سلوک و علم و دانش او را ستوده و می‌نویسد که زنان را اندرز و موعظه می‌کرد و درس تفسیر می‌داد. سپس به سفر حج رفت و پس از بازگشت انزوا گزید.

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه :منابع: خیرات حسان، 151 / 3؛ عنوان النصر فی اعیان‌العصر.

سعیدی روشن، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر سعیدی روشن
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/12/19
زندگینامه علمی
محمد باقر سعیدی روشن در نوزدهم اسفند 1340 هجری شمسی در یکی از روستاهای استان قزوین بدنیا آمدم، ابتدایی را در روستا گذراندم. به خاطر علاقه به تحصیل علوم دینی، برخی از دروس مقدماتی عربی و راهنمایی تحصیلی را همزمان درمدرسه علمیه (شیخ الاسلام) شهرستان قزوین که در آن زمان با مدیریت عالم وارسته جناب حجة الاسلام والمسلمین هادی باریک بین از شاگردان امام خمینی(ره) اداره می شد گذراند، در گرماگرم انقلاب اسلامی وهجوم ماموران ساواک شاه به مدرسه که مرکز نشر اندیشه های امام خمینی(ره) در این شهربود . به حوزه علمیه قم آمد و دردروس مدرسه علمیه (رسالت) با مدیریت جناب حجه الاسلام و المسلمین دشتی شرکت کرد، پس از طی دروس مقدماتی، منطق را در محضر حجه الاسلام و المسلمین حسینی بوشهری، اصول فقه را در محضر حجه الاسلام و المسلمین موسوی تهرانی، شرح لمعه را در محضر مرحوم آیت الله وجدانی ، رسائل را در محضر آیت الله اعتمادی (دام ظله) مکاسب را در محضر مرحوم آیت الله پایانی، کفایتین را از حضرت آیت الله فاضل بهره برد ودر دروس خارج نیز همزمان از محضر درس آیات عظام؛ مکارم شیرازی، وحید خراسانی و فاضل لنکرانی استفاده برد.همچنین در کنار دروس رسمی حوزه، از سال 1358 در برنامه های آموزشی موسسه (در راه حق) با مدیریت حضرت آیت الله مصباح یزدی (دام عزه) شرکت نمود. در این مرکز به جز استفاده از دروس اصلی تفسیر، معارف، قرآن ، منطق و فلسفه از محضر استاد بزرگوار مصباح یزدی، با زبان خارجه، اقتصاد، جامعه شناسی، روان شناسی، حقوق، علوم سیاسی، و برخیدروس جدید دیگر بیشتر آشنایی یافت.در دهه هفتاد هم زمان با تدریس و پژوهش در حوزه ، علوم قرآن، تفسیر، کلام ودین پژوهی، دروس عالی دانشگاهی را نیزاستمرار بخشید و در سال 1375

کارشناسی ارشد را اخذ و در سال 1381 خورشیدی از رساله دکتری تخصصی در رشته علوم قرآن و حدیث تحت عنوان (تحلیل زبان قرآن و متدولوژی فهم آن) دفاع نمود.برخی از دروسی که در مراکز علمی حوزه ای ودانشگاهی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری توسط وی ارائه شده به قرار ذیل است:علوم قرآن، تفسیر ومعارف قرآن، هرمنوتیک ومبانی تفسیر قرآن، روش تحقیق در علوم قرآن، معجزه شناسی، کلام جدید و قدیم، نهج البلاغه، فقه الحدیث و علم الحدیث، انسان شناس و تاریخ ادیان، زبان قرآن ، زبان دین و ...همچنین در خلال این مدت راهنمایی یا مشاوره رساله های متعدد دانشگاهی و حوزوی را به عهده داشته ام.

سعیدی زاده، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول سعیدی زاده
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/7/1
زندگینامه علمی
شیخ رسول سعیدی زاده فرزند طاهر از محققان و پژوهشگران مقیم مشهد در غروب آخرین روز خرداد سال 1344 هـ.ش مصادف با سالروز تولد خاتم پیغمبران در یکی از محلات قدیمی شهر رشت به نام پلکو (جنب کوچه مهدیه فعلی) متولد گردید.
پدر و مادرش هر دو اهل رشت و اجدادش از حومه آنجا بودند. پدر او یک کارگر ساده و مادرش زنی زحمت کش بود، که در میانسالی به خاطر تحمل کار و سختی زیاد از حد زندگی جان بر کف نهاد و دار فانی را وداع گفت. سعیدی زاده متاهل و دارای دو فرزند دختر و پسر و نیز جانباز انقلاب اسلامی می باشد.
او تحصیلات خود را تا سطح دیپلم در زادگاهش خواند و سپس درسال 1362 هـ.ش، برای فراگیری دروس حوزوی وارد مدرسه علمیه جامع رشت شد. پس از طی دروس مقدماتی درسال 1366 هـ . ش، به مشهد مهاجرت و در آنجا سطح و بعد خارج فقه و اصول را به مدت شش سال متوالی خواند. هم زمان دروس مقدمات حوزوی را در مدرسه آیت الله خوئی تدریس نمود. در کنار درس های حوزه به تحصیلات دانشگاهی تمایل یافت و توانست درسال 1372 هـ . ش، در رشته کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور مشهد و در سال 1384 هـ . ش، در رشته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد فارغ التحصیل شود. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد او «خاندان های معروف سادات با تکیه بر خاندان علمی» است.
از جمله اساتیدی که حق بزرگی در تربیت او دارند می توان به آیات عظام شیخ محمد ازدی لاکانی، سید مجتبی رودباری، سید علی اکبر بنی هاشمی، سید حسن مرتضوی شاهرودی، سید جواد فقیه سبزواری و استاد رضا زاده نام برد.وی مسافرت هایی به کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و عربستان

انجام داده که حاصل آن چند سفرنامه مکتوب است.
سعیدی زاده در کنگره های داخلی چندی از جمله مشارکت در شیراز، مسکن در اصفهان، دومین و نیز سومین کنگره دیدگاه های اسلام در پزشکی در مشهد، میراث علمی و معنوی حضرت فاطمه زهرا (س) در مشهد، بزرگداشت علامه سید عبدالحسین شرف الدین در قم، بزرگداشت عالمان فرزانه نهاوندی در نهاوند همدان و بزرگداشت حکیم متاله سید جلال الدین آشتیانی در مشهد و غیره شرکت نمود.

سلطان القراء تبریزی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1297 ق)، قاری حافظ و عالم. اجداد وی همه قاری و حافظ بودند. وی قرائت عاصم را که متقن‌ترین قراآت است بواسطه پدرانش از خود عاصم روایت می‌کرد. از آثارش: «التحفه المحمدیه»، در تجوید قرآن؛ «جواهر القرآن»، به عربی، و کتابی دیگر به همان ترتیب، به فارسی، به نام «حل الجواهر»؛ «خزائن القرآن»؛ «کفایه الحفاظ» که در سال 1297 ق تالیف و طبع شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (275 -274 /5 ،468/3)، ریحانه (61/3).

سلطانعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(حاجی‌ملا) گنابادی. سلطان محمد بن حیدر محمد بن سلطان محمد بن دوست محمد بن نور محمد بن حاج محمد بن حاج قاسم علی، ملقب سلطانعلی شاه عارف و مؤسس سلسله گنابادی و از فضلای نیمه دوم قر. 13 ربیع‌الاول قر. 14 ه. (و. بیدخت (گناباد) 1251- ف. 1327 ه.ق.). وی به علت مفقودالاثر شدن پدر از کودکی در دامان مادر و تحت مراقبت برادر بزرگتر خود نشو و نما یافت و از 6 سالگی به تحصیلات مقدماتی پرداخت و سپس در مشهد به آموختن فقه، تفسیر و حدیث مشغول شد و آنگاه به سبزوار رفت. مدتی در محضر درس حاج ملاهادی سبزواری به تحصیل حکمت پرداخت.
وی چون به دیدار حاج محمدکاظم سعادت علی شاه اصفهانی شیخ سلسله نعمةاللهی نایل آمد، ترک علوم رسوم ظاهر کرد و در پی او به اصفهان شتافت و به هدایت وی وارد طریقت شد و از دست او خرقه ارشاد پوشید و پس از مراجعت به «بیدخت» به رهبری و دستگیری خلق پرداخت. سپس از راه باطوم، سفری به مکه رفت. وی با وجود مخالفت ظاهریان، گروه بسیاری را تربیت کرد که از آن جمله‌اند: میرزا محمد صادق نمازی شیرازی ملقب به فیضعلی، حاج محمد جعفر برزکی ملقب به محبوبعلی و حاج شیخ عبداللّٰه حائری مازندرانی. سلسله گنابادی (گنابادی) به دست او تأسیس شده. وی در سن 76 سالگی، هنگام سحر که برای وضو بر لب جوی آب‌سرای خود رفته بود، به تحریک دشمنان به دست چند تن از اشرار هلاک گردید و در تپه مجاور بیدخت به خاک سپرده شد. از تألیفات اوست: بیان‌السعاده در تفسیر قرآن، مجمع السعادات در شرح اصول کافی، ولایت‌نامه در سیر و سلوک، سعادت‌نامه در مراتب سلوک، تنبیه‌النائمین، بشارةالمومنین، ایضاح که شرحی است به عربی بر کلمات قصار باباطاهر، توضیح باباطاهر تهذیب المنطق تفتازانی به نام تذهیب‌التهذیب، وجیزه (نحو). سلسله فقری سلطانعلی شاه از این قرار است.
1- حاج آقا محمدکاظم سعادتعلی شاه.
2- رحمتعلی شاه.
3- حاج میرزا زین‌العابدین شیروانی، مستعلی شاه.
4- حاج محمدجعفر همدانی مجذوبعلی شاه.
5- حسینعلی شاه اصفهانی.

6- نورعلی شاه اصفهانی.
7- معصومعلی شاه (معصومعلی شاه).
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سلطانی رنانی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی سلطانی رنانی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/1/19
زندگینامه علمی
ورود به عرصه علم و تحصیل در مهرماه 1365 هجری شمسی با تحصیلات ابتدایی آغاز گردید. دوره های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را به ترتیب در دبستان پاسداران رهنان، مدرسه راهنمایی شهید دکتر حسن آیت و دبیرستان منیرخانه اصفهان و به مدت 11 سال با کسب رتبه های ممتاز و درجات عالی علمی در سطح استان و حتی کشور پشت سر گذاشتم. تحصیلات دانشگاهی را با پذیرفته شدن در آزمون سراسری سال 1378 هجری شمسی در دانشگاه تهران و در رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث) آغاز نمودم. دوره کارشناسی (لیسانس) را در مدت سه سال طی نمودم و در همه ترم ها به عنوان دانشجوی رتبه اول و ممتاز انتخاب شدم. در سال 1379 از طرف کمیته استعدادهای درخشان دانشگاه تهران به عنوان دانشجوی نخبه (استعداد درخشان) انتخاب شده و در بین همه دانشجویان دوره و رشته خویش بالاترین معدل تحصیلی را کسب نمودم. در سال 1382 در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کرده و در رشته الهیات ، علوم قرآن و حدیث دانشگاه دولتی قم پذیرفته شدم. در این دوره نیز به عنوان دانشجوی نمونه (علمی ، پژوهشی)شناخته شدم . تحصیلات حوزوی را نیز به صورت آزاد و داوطلبانه در مدارس علمیه اصفهان و قم آغاز نموده و پشت سر نهادم. ارتباط دائم خویش را نیز با حوزه همیشه حفظ نموده و می نمایم. و با این نهاد معنوی همکاری های علمی و پژوهشی بسیاری داشته و دارم . از جمله عضو انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم، عضو محققین معاونت تبلیغ و پژوهشی های کاربردی حوزه علمیه قم ، عضو محققین مرکز جهانی علوم اسلامی و محققین حوزه علمیه اصفهان می باشم . به لطف و مرحمت و توفیقات الهی فعالیت خویش را در عرصه علم و پژوهش ادامه می دهم و در صدد تدریس در دانشگاهها و عضویت هیئت علمی هستم که به زودی انشاء الله محقق خواهد شد. همچنان

تدریس خویش را نیز در حوزه های علمیه ادامه می دهم. این جانب در اولین دوره عالی تربیت مدرس تفسیر و علوم قرآن که توسط انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم و با همکاری مرکز تحقیقات قران الکریم المهدی (عج) قم و مرکز هماهنگی ، توسعه و ترویج فعالیتهای قرآنی کشور ، مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در سال 1386 برگزار گردید شرکت کرده و دوره را با موفقیت و رتبه ممتاز پشت سر گذاشته و گواهی نامه عالی آن را دریافت نمودم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(412 -325/330 ق)، صوفی، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. در نیشابور متولد شد و در آنجا به تعلیم و حفظ قرآن و روایت اشعار و تحصیل زبان عربی و سپس به درس حدیث و علم باطن پرداخت. معاصر با القادر باللّه خلیفه عباسی بود. به عراق وی و همدان و مرو و حجاز سفر کرد و شاگرد استادانی چون ابوالحسن دارقطنی، ابونصر سراج، ابوالقاسم نصرآبادی و اسماعیل بن نجید بود. وی مرید شیخ ابوالقاسم نصرآبادی و خرقه‌ی ارشاد از دست ایشان دریافت کرد و ابوسعید ابوالخیر بعد از وفات پیر ابوالفضل از سلمی خرقه گرفته است. وی شاگردانی چون ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، احمد بن علی توزی، ابومحمد جوینی، ابوالقاسم قشیری و ابوعبداللّه حاکم نیشابوری داست. وی در آخر عمر خانقاهی برای صوفیه در نیشابور بنا کرد که محل سکونت صوفیه و از مراکز تربیت کسانی بود که در علم باطن استعداد داشتند. وی کتاب «طبقات الصوفیه» را به زبان تازی تالیف کرد و آن را بر بیان احوال و اقوال پنج طبقه از مشایخ وقف نمود. او در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «آداب الصوفیه»؛ «ادب الصحبه»؛ «الاربعین»؛ «امثال القرآن»؛ «تاریخ اهل الصفوه»؛ «الحقایق التفسیر»؛ «زلل الفقراء»؛ «سنن الصوفیه»؛ «طبقات الصوفیه»؛ و در حدود بیست مجلد کتاب و رساله‌ی دیگر.[1]
محمدبن حسین بن محمد بن موسی ازدی مکنی به ابوعبدالرحمن از متصوفه بزرگ (و. 330 ه.ق./ 942 م.- ف. 412 ه.ق./ 1021 م.). او کتابی به نام «طبقات الصوفیه» تألیف کرده که اصل آن از میان رفته، و خواجه عبداللّه انصاری مضامین آن را در هرات به هنگام وعظ املاء کرده و آن به نام «طبقات انصاری» معروفست و در افغانستان به طبع رسیده. از سلمی کتاب دیگری به نام «حقائق التفسیر» در تفسیر قرآن باقی مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اسرار التوحید (تعلیقات 661 -660 /2)، الاعلام (331 -330 /6)، تاریخ ادبیات در ایران (913 -912 /2)، تاریخ بغداد (249 -248 /2)، التفسیر و المفسرون (385 -384 /2)، جستجو در تصوف (71 -70)، حلیه الاولیاء (42 -41 /10)، سیر النبلاء (255 -247 /17)، طبقات الصوفیه سلمی (مقدمه)، الکامل (311 -310 /7)، کشف

الظنون (1104، 1006، 955، 673، 286، 168، 53، 46، 42)، لسان المیزان (63 -62 /6)، مجموعه آثار عبدالرحمن سلمی، معجم المؤلفین (259 -258 /9)، نامه‌ی دانشوران (164 -73 /6)، هدیه العارفین (61/2).

سمرقندی، ناصرالدین، ابوالقاسم محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 556 ق)، فقیه حنفی، مفسر، محدث و واعظ. اهل سمرقند بود. در 542 ق به مکه رفت و در بازگشت مدتی در بغداد ماند. در سمرقند از دنیا رفت. از آثار وی: «الجامع الکبیر» یا «جامع الفتاوی»؛ «الفقه النافع»؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب»؛ «ریاضه الاخلاق»؛ «مصابیح السبل»، در دو مجلد، در فروع فقه حنفی؛ «الملتقط فی الفتاوی الحنفیه» به نام «مال الفتاوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (23 -22 /8)، ایضاح المکنون (168/2)، کشف الظنون (565، 571، 717، 1580، 1697، 1813، 1921)، معجم المؤلفین (137/12).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر منصور

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(489 -426 ق)، مفسر، محدث و واعظ. در مرو به دنیا آمد. در ابتدا نزد پدرش، که از پیشگامان مذهب حنفی بود، فقه آموخت تا این که فقیهی برجسته شد و از ارکان مذهب حنفی به شمار آمد. او از شاگردان ابوغانم کراعی و ابوبکر ترابی و عبدالصمد بن مامون و ابوصالح موذن و ابوعلی شافعی و ابوالقاسم زنجانی بود. پس از سی سال در سفر حج به مذهب شافعی گرایش پیدا کرد و ازین رو پس از مراجعت به وطن مورد طعن و آزار مردم مرو قرار گرفت و کار به کارزار کشید. اما وی بر مذهب شافعی پای فشرد و امام شافعیان گشت و موافق آن مذهب تدریس کرد و فتوی داد و تالیفات بسیاری در فقه شافعی از خود بجای گذاشت. فرزندانش و عمر بن محمد سرخسی و ابونصر محمد کاشانی و محمد سنجی و ابونصر غازی و ابوسعد بن بغدادی از شاگردان وی می‌باشند. و از وی روایت کرده‌اند. او در تفسیر، فقیه و اصول و حدیث آثاری دارد که از آن جمله‌اند: «الاصطلام»، که شهرتی عالمگیر داشت؛ «القواطع»، در اصول فقه؛ «الانتصار»، در حدیث، در رد مخالفین؛ «المنهاج اهل/ لاهل السنه»، در رد قدریه؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر السمعانی»؛ «الف حدیث عن مائه شیخ»؛ «الرهان»، حاوی هزار مساله از مسائل خلافیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (244 -243 /8)، ریحانه (76/3)، سیر النبلاء (119 -114 /19)، کشف الظنون (1870 ،1357 ،449 ،202 ،173 ،151 ،107)، لغت نامه (ذیل/ منصور)، معجم المؤلفین (20/13)، هدیه العارفین (473/2)، وفیات الاعیان (211/3).

سمعانی مروزی، قوام‌الدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(562 -506 ق)، مورخ، حافظ، محدث، فقیه، نسابه و مفسر شافعی. در مرو متولد شد. در چهار سالگی پدرش او را در محضر عبدالغفار شیرویی و عبید قشیری و سهل سبعی حاضر کرد. او به اشاره‌ی پدرش از ابومنصور محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنید. هنوز کودک بود که پدر را از دست داد و عمو و دیگر خویشان کفالت او را بر عهده گرفتند و او را از همان نوجوانی علاقه‌مند به علم و دانش نمودند. در 530 ق به نیشابور سفر کرد و برای طلب علم و استماع حدیث به شرق و غرب و شمال و جنوب عالم سفر کرد و با علما و محدثین بسیاری ملاقات نمود. شمار مشایخ او را بالغ بر چهار هزار تن دانسته‌اند که در «سیر النبلاء» و دیگر کتب رجال نام شهرهایی که وی بدان سفر کرده و مشایخ معروفی که ملاقات کرده، آمده است. از وی تصانیف نیکوی بسیاری بجای ماند که از آن جمله‌اند: «تذییل تاریخ بغداد»، در پانزده مجلد؛ «تاریخ مرو» یا «تاریخ المراوزه»، متجاوز از بیست مجلد؛ «الانساب» حدود هشت مجلد؛ «طراز الذهب فی ادب الطلب»؛ «معجم البلدان»؛ «الاسفار عن الاسفار»؛ «الاملاء و الاستملاء»؛ «التذکره و التبصره»؛ «الدعوات»؛ «سلوه الاحباب و رحمه الاصحاب»؛ «التحبیر فی المعجم الکبیر»؛ «الامالی»؛ «وفیات المتاخرین» یا «تاریخ الوفاه، للمتاخرین من الرواه»؛ «الادب و استعمال الحسب»؛ «المناسک»؛ «فضل یس»؛ «الرسائل و الوسائل»؛ «تبین معادن المعانی»، در لطائف قرآن کریم.[1]
(ع. منسوب به سمعان، بطنی از تمیم) ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی شافعی فقیه و مورخ و حافظ حدیث (و. 562 ه.ق./ 1113 م.- ف. 562 ه.ق./ 1167 م.). وی به شهرهای دور سفر و با علما و محدثان ملاقات کرد و از آنان علم آموخت و گروهی نیز از او کسب علم کردند. از اوست: کتاب الانساب، کتاب تذییل تاریخ بغداد، تاریخ مرو، فضائل الصحابة معجم المشایخ، تاریخ الاوفاة للمتأخرین من الرواة الامالی، التحبیر فی المعجم الکبیر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (179/4)، ایضاح المکنون (30/2)، ذیل تاریخ بغداد (16/ مقدمه)، روضات الجنات (96 -95 /5)، ریحانه (7/3)، سیر النبلاء (465 -456 /20)، کشف الظنون (1737 ،1735 ،1123 ،1108

162، 169، 179، 288، 303، 370، 374، 729، 756، 902، 998، 999، 161، 131، 86، 49، 35)، الکنی و الالقاب (322/2)، لغت نامه (ذیل/ ابوسعد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (173 -172 /19)، معجم المؤلفین (5 -4 /6)، وفیات الاعیان (379 -378 /1)، هدیه العارفین (609 -608 /1).

سورآبادی، ابوبکر عتیق

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 494 ق)، مفسر. از معاصران الب‌ارسلان و پسرش ملکشاه سلجوقی است. در پاره‌ای نسخ صاحب عنوان به نیشابور منتسب شده است و به جای سورآبادی، سوربانی/ سوریانی ذکر شده است. از آثار وی تفسیری بر «قرآن کریم» به فارسی است، که آن را در دهه‌ی 470 ق به تالیف درآورده است. این تفسیر تحت نامهای «تفسیر ابی‌بکر عتیق» و «تفسیر سورآبادی» نیز آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (902/2)، تاریخ گزیده (694)، تاریخ نظم و نثر (117)، سرآمدان فرهنگ (96 -95 /1)، قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری (مقدمه)، کشف الظنون (449 ،440)، هدیه العارفین (651/1).

سهل تستری، ابومحمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(283/282/273 -203/200 ق)، مفسر و صوفی. در شهر تستر «شوشتر» به دنیا آمد. وی از قران جنید و از مردان ذوالنون مصری بود و جامع علوم شریعت و طریقت و حقیقت. سهل نه فقط صوفی زاهد بلکه در عین حال سنی، از هواخواهان طریقه اهل حدیث و از مخالفان معتزله به شمار می‌رود، عقاید وی در مابحث مربوط به کلام و نقد اقوال معتزله به وسیله‌ی شاگرد وی ابن‌سالم بصری شرح و تقریر شده است. سهل حدیث و فقه را از دایی و استاد خویش محمد بن سوار، شاگرد مکتب سفیان ثوری آموخت و در تصوف به مالک بن دینار و معروف بن علی منسوب در مکه نیز یک چند به صحبت ذوالنون مصری رسید و چندی هم در عبادان به عزلت و خلوت اشتغال جست و سرانجام در بصره در حال نفی و تبعید وفات یافت. سهل بنیان‌گذار فرقه سهلیه صوفیه است که بنای آن بر اجتهاد و مجاهده‌ی نفس است. از آثار وی: «رقائق المحبین»؛ «مواعظ العارفین»؛ «جوابات اهل الیقین»؛ «تفسیر القرآن العظیم»؛ «قصص الانبیاء»؛ «الغایه لاهل النهایه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (210/3)، تاریخ الاسلام (حوادث 189 -186 /290 -281)، تاریخ گزیده (645)، تذکره الاولیاء (268 -251 /1)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (653 ،41 -39)، التفسیر و المفسرون (383 -380 /2)، جستجو در تصوف (135 -133)، حلیه الاولیا (212 -189 /10)، دایرةالمعارف فارسی (641 -640 /1)، روضات الجنات (93 -91 /4)، ریحانه (261/3)، سیر النبلاء (333 -330 /13)، شرح شطحیات (213 -206 ،38)، صفوه الصفوه (279 -278 /4)، طبقات الصوفیه سلمی (211 -206)، طرائق الحقائق (619 ،506 492 ،488 ،477 ،450 ،425 ،406 ،405 ،402 ،401 ،180 ،162)، فهرست ابن ندیم، ترجمه (347)، کشف الظنون (1328 ،1193)، کشف المحجوب (176 -175)، لغت نامه (ذیل/ سهل)، معجم البلدان (36/2)، معجم المؤلفین (284/4)، نحفات الانس (67 -66)، الوافی بالوفیات (1617/16)، وفیات الاعیان (430 -429 /2).

سیبویه ثانی، برهان‌الدین ابراهیم

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 920 -917 ق)، نحوی و ادیب، عارف، شاعر و مفسر. از عارفان و نام‌آوران عرفان و مشاهیر سلسله‌ی نقشبندیه است. که در نحو و ادبیات عرب و متون شعری یگانه‌ی روزگار خود بود. در حین مسافرت به مکه به دست خوارج کشته شد. از آثار وی: «انبیاء نامه»؛ «التائیه»، در نحو معروف است به «نهایه البهجه»، که آن را شرح کرده به نام «معیار الادب فی شرح نهایه البهجه»؛ «تائیه» در نظم «ایساغوجی» اثیرالدین ابهری به نام «موزون المیزان»؛ «تفسیر قرآن» از اول تا سوره‌ی یوسف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (128 -127 /2)، ایضاح المکنون (515/2)، دانشمندان آذربایجان (16)، الذریعه (506/9، 202 -201 /3)، ریحانه (111 -110 /3)، فرهنگ سخنوران (17)، کشف الظنون (1901، 267)، معجم المؤلفین (38/1)، یغما (س 6، ص 154 -152).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس سید کریمی
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید عباس سید کریمی مشهور به حسینی فرززند سبد افضل در سال 1338 شمسی در خرمدشت (نهاوند)از توابع قزوین دیده به جهان گشودم. بعد از پایان رساندن مقطع ابتدایی در زادگاه خود در سال 1350 شمسی برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیّه قم وارد شدم. مقطع سطح و دروس فقه و اصول را در مدّت بیست سال با جدیت کامل به پایان بردم. در کنار فقه و اصول به مدت شش سال از فلسفه و کلام نیز بهرمند شدم. علاوه بر دروس متداول حوزوی از اساتید اخلاق گوناگون به ویژه عارف وارسته حضرت آیت الله بهاء الدین- قدس سره- سالیانی چند بهرمند شدم همزمان با تحصیل توفیق تدریس دروس حوزوی به طور پیوسته نصیب اینجانب گردید که این توفیق به مدّت سی سال است ادامه دارد.
در حال حاضر در حوزه علمیّه قم مشغول به تدریس فقه در سطوح عالی هستم و نیز از اساتید تفسیر در مرکز تخصصی تفسیر می باشم. حاصل تدریس سالیان دراز وجود شاگرد فاضل در مراکز مختلف حوزه علمیّه قم و غیر آن می باشد. علاوه بر تدریس در حوزه توفیق تدریس فقه در دانشکده شهید محلاتی به مدّت هشت سال را داشته ام. بعد از گرفتن توشه سهل از علوم رائج حوزوی علاقه به قرآن موجب شد که به تفسیر قرآن رو بیاورم. از این رو در کنار تدریس فقه به فعّالیتّهای قرآنی اعم از مطالعه کتب تفسیری و تدریس و تألیف آن روی آوردم که حاصل آن کتابهای تفسیر و غیر آن است .

سیدی نیا، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیداکبر سیدی‌نیا
محل تولد : سلماس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/6/10
زندگینامه علمی

اینجانب در سال 1353 در شهرستان سلماس در خانواده مذهبی متولد شدم و تا تحصیلات دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک در این شهرستان مشغول به تحصیل بودم. در مهر سال 1370 به منظور کسب معارف عالی اسلامی وارد حوزه علمیه تبریز مدرسه ولیعصر (عج) شده و تا سال 1374 با پایان سطح یک حوزه علمیه وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال 1378 مدرک سطح دو حوزه علمیه را دریافت کردم. سال 1377 در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات اسلامی، دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر را گذرانده و سال 1378 در رشته جامعه شناسی وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم. از سال 1383 نیز عهده‌دار وظیفه دبیر تحریریه و مدیر اجرایی مجله علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی شده و در کنار تحصیلات به تألیف مقالات و پژوهش‌ها در زمینه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم قرآن و تفسیر و کلام شدم و مقالاتی از اینجانب در مجلات علمی پژوهشی، همایش‌ها و مجلات تخصصی به چاپ رسیده است. همچنین از سال 1377 در دروس خارج حوزه علمیه شرکت داشته و از محضر حضرات آیات عظام جوادی آملی (دام عزه)، مرحوم صالحی مازندارنی (ره)، فاضل گلپایگانی و عابدی اصفهانی فیض برده‌ام. در کنار دروس خارج از درس پر برکت تفسیر علامه آیت‌الله جوادی آملی (دام عزه) بهره بردم

سیفی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر سیفی
محل تولد : بابلسر
شهرت : سیفی مازندرانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1350 برای شروع تحصیل به حوزه خاتم الانبیاء بابل رفته و پس از یک سال به حوزه علمیه قم مشرف شدند. ایشان با پشتکار و جدیت فراوان دروس مقدماتی و سطح را در طول سه سال به پایان رسانده و با اینکه درگیر مسائل سیاسی کشور بودند هیچگاه از تعلیم و تعلم علوم حوزوی غفلت نورزیده و با جدیت و پشتکار بسیار زیاد دروس خارج حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی را به نوشته عربی تقریر فرموده و به نظر معظم له می رساندند و ایشان نیز پس از ملاحظه تقریرات، تشویق و ترغیب فراوانی می نمودند. از سال 1355 تا پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر راهپیمایی هایی که علیه رژیم پهلوی،در برخی از شهرهای استان مازنداران برگزار می شد به رهبری و یا پشتیبانی ایشان بود تا جائیکه، نام ایشان در لیست ساواک و اداره امنیت ملی استان بعنوان اخلالگر و مخرب، ثبت شده و همیشه تحت پیگرد بودند و حتی چندین مرتبه هم مورد حمله مسلحانه نیروهای ساواک قرار گرفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند قبل با جدیت فراوان، دروس آیت الله گلپایگانی را به عربی تقریر و هر از چند گاهی جزوات و تقریرات خود را به معظم له ارائه و مورد تشویق و ترغیب ایشان، قرار می گرفتند. در همان زمان توفیق تدریس لمعه، مکاسب و رسائل و فلسفه را نیز داشتند.
پس از آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در جبهه های حق علیه باطل داشتند و موفق به تدریس یک دوره کلام و معارف اسلامی در جبهه شدند که مورد استقبال سرداران و فرماندهان سپاه قرار گرفت.ایشان با توجه به اینکه مسئوول تبلیغات لشکر 25 کربلای مازنداران بودند ولی همواره، در طول جنگ نیز، دروس فقه و اصول را رها ننموده و جزء اصلی کارهای خود را اختصاص به پرداختن عمیق به این علوم می دادند. در سال 1360 افتخار جانبازی از ناحیه چشم را داشته و هم اکنون یک چشم ایشان،

بیناست. پس از چنگ تحمیلی نیز، در دروس خارج آیت الله اراکی و پس از آن در جلسات خصوصی فقه آیت الله تبریزی و سید محمود شاهرودی حاضر شده و خود نیز به تدریس خارج کفایه به زبان عربی مشغول بودند. از سال 1372 در مدرسه فیضیه و گلپایگانی تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرده و تالیفات خود را که از مجموعه دروس و تحقیقاتشان بود، به مرحله چاپ رسانیدند که انتشارات جامعه مدرسین و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ آنها اقدام نموده و می نمایند. هم اکنون، ایشان یکی از مدرسین دورس عالی حوزه علمیه قم بوده و شاگردانشان نیز اغلب از محققان و مدرسان دروس سطح می باشند.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شوقی شالباف
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
اینجانب در دوران جنگ دفاع مقدس در دانشگاه بغداد ، رشته ادبیات عربی تحصیل می کردم و به علت فشار بعثیان به شیعه و مومنان بنده به ایران اسلامی مهاجرت کردم(به خاطر اصلیه ایرانی). و بعد از مشرف شدن در جبهه حق علیه باطل و انتها عملیات جنگ در سال 1369ش به حوزه علمیه قم ملحق شدم و تا کنون ادامه تحصیل دادم. ازسال 1370ش در زمینه تحقیق و مطالعات و بررسی آثار و کتابهای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مشغول بودم در مراکز تحقیقاتی مختلف از جمله موسسه انتشارات جامعه مدرسین، دارالعلوم القرآن، و در سال 1375 با مرکز تحقیقات مجمع تقریب مذاهب اسلامی- قم تاکنون همکاری دارم.
در سال 1380 تاکنون به دفتر تبلیغات اسلامی ملحق شدم و در واحد فقه و حقوق و تصحیح متون و ویرایش مشغولیم.ده ها مقالات علمی، فقهی، اصولی، مذهبی و فرهنگی در مجلات مختلف منتشر شد و کتابهای عربی که تحقیق بنده است نیز منتشر شد. تاکنون به عنوان سر ویراستار و کارشناس پژوهش مرکز مطالعات و تحقیقات علمی مجمع تقریب مذاهب مشغولیم و تالیف کتاب در زمینه جهانی سازی که دو جلد خواهد شد مشغولیم.

شاه بیک، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین شاه بیک
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1

زندگینامه علمی
همزمان با دروس کلاسیک دوره دبیرستان ، دروس حوزوی را در مدرسه علمیّه اشتهارد آغاز نمودم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال 1360 در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و تحت برنامه های درسی آن مدرسه قرار گرفتم . همزمان از دروس آزاد حوزه نیز بهره می جستم و از محضر حضرات : مدرس افغانی ، طالقانی ، حسین بوشهری ، نظری ، وجدانی فخر، اشتهاردی ، اعتمادی ، صالحی مازندرانی و ستوده دروس سطح حوزه را تلمذ نمودم .
از سال 1367 درس خارج فقه را نزد حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی آغاز و سپس از دروس فقه آیات عظام تبریزی و جوادی آملی بهره مند گردیدم . یک دوره خارج اصول حضرت آیت الله تبریزی را طی 11 سال به اتمام رسانده و از سال1375 مجددا دور دوم خارج اصول را در محضر حضرت آیت الله وحید خراسانی تا کنون تلمذ می نمایم . در کنار اشتغال به دروس اصلی حوزه ، به مدت 10 سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در بخش فلسفه ، منظومه مرحوم سبزواری را نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مباحث عرفان علمی را نزد حضرت آیت الله ممدوحی سپری نمودم .
اما در بعد تعلیم علوم اسلامی ، علاوه بر تدریس دروس سطح در حوزه علمیّه قم ، از طرف مدیّریت حوزه علمیّه قم به مدّت دو سالی دروس سطح را در مدرسه علمیّه امیرالمؤمنین تدریس نموده و همچنین مباحث فلسفه (بدایه) ، مبانی حقوق بشر اسلامی و مباحث کلامی را نیز در مرکز آموزش مبلغان خارج کشور با فضلاء غیر ایرانی داشته ام .

امّا در بعد تحصیلات کلاسیک پس از پایان دوره کارشناسی حقوق قضایی از دانشگاه تهران ، دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی را نیز در این دانشگاه به اتمام رسانده و رساله ای تحت عنوان مقایسه تطبیقی آزادی عقیده از حقوق اسلام و ایران با اسناد بین المللی حقوق بشر ، تالیف و تحقیق نمودم . در کنار تألیف برخی از موضوعات علوم اسلامی که هنوز موفق به چاپ آنها نشده ام ، در تألیف 70 عنوان جزوه های آموزشی برای مبلغان اعزامی به خارج از کشور مشارکت داشته و در قالب گروه علمی بخش پژوهش های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تحقیق و تألیف موضوعات مختلف شرکت داشتم و همزمان به عنوان استاد راهنما و یا مشاور در تحقیق بیش از 30 پایان نامه فارغ التحصیلان مرکز آموزش تخصصی مبلغان خارج از کشور مشارکت نمودم . در ضمن ، دوره های مختلف زبان عمومی انگلیسی و دوره عالی زبان انگلیسی را نیز در مرکز مربوطه گذرانده ام .

شاهرودی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1293 ق)، فقیه، مفسر، عالم و زاهد. در اصفهان به تصحیل اشتغال ورزید و فلسفه کلام را در آنجا فراگرفت. پس از آن برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات رفت و در بحث صاحب «ضوابط» حاضر گشت. او نه تنها در فقه و اصول بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان نیز متبحر بود و بیشتر ایام زندگی خویش را به تکمیل نفس و ریاضت گذرانید.
از وی در حدود پنجاه اثر در فقه و اصول و حدیث و کلام و دعا و زیارت به جای مانده است که از آن جمله: «نور الانوار» که تفسیری فارسی است؛ «لمعات الانوار»؛ کتاب «القضاء»؛ کتاب «الرد علی الاخباریه»؛ کتابی بزرگ در «دعاء»؛ «عصاره الفقاهه فی المهمات الفقهیه»؛ «البوارق الحیدریه فی احوال الائمه»؛ شرح رساله‌ی «السیر و السلوک» محقق طوسی.[1]
والد عالیقدر آن مرحوم علامه محقق جامع المعقول والمنقول آیت‌اللّٰه ملا محمدعلی قدس سره معاصر شیخ انصاری بود.
این عالم جلیل ابتداء در اصفهان به تحصیل اشتغال داشت و فلسفه و کلام را در آنجا فراگرفت و پس از آن برای ادامه تحصیلات به عتبات عالیات مشرف شد و در بحث صاحب ضوابط حاضر گشت.
معظم له نه تنها در فقه و اصول متبحر بود بلکه در فلسفه و حکمت و کلام و حدیث و عرفان اطلاعات وسیعی داشت که تألیفات ایشان در هر یک از این علوم از مایه علمی این علامه بزرگوار حکایت دارد.
در دعاء و زیارت نیز تألیفات نفیسی دارد.
و نظر به ارادت کم‌نظیری که به ساحت مقدس مولا امیرالمؤمنین (ع) و زیارت آن حضرت داشت غالب از ایام عمر خود را در نجف اشرف می‌گذرانید و به عبادت و ریاضت و تکمیل نفس مشغول بود ادب و احتراماتی را که نسبت به آن حضرت انجام می‌داد از کمتر کسی مشهود شده است.
او مدتها در جوار مولایش زندگی کرد تا به استدعاء اهالی شاهرود و اصرار مراجع بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای حاج میرزا حسن شیرازی قدس سره به شاهرود مراجعت نمود.
ولی با قلبی سوزان و چشمی گریان از مفارقت مولایش و پس از ورود به شاهرود زندگی او به پایان رسید و بعد از چهل روز در سال 1293 قمری درگذشت.

از این بزرگوار سه فرزند برومند باقی ماند که هر یک به نوبه خود ستاره درخشانی در علم و عمل بودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (427/9)، الذریعه (344/18، 359/24، 137/17، 271/15، 183/10، 153/3)، گنجینه‌ی دانشمندان (356/5).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی شب‌زنده‌دار
محل تولد : داراب فارس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام‌والمسلمین مهدی شب‌زنده‌دار در سال 1332 در داراب متولد شد؛ البته او بزرگ شده شهر قم است و پدرش که در کسوت مقدس روحانیت بود، در تابستان به همراه خانواده به داراب سفر کرده بود که فرزندش در همان جا متولد شد.حجةالاسلام‌والمسلمین شب‌زنده‌دار تحصیلات دورة دبستان را به پایان رساند و یک سال نیز به دبیرستان رفت. پس از آن وارد حوزة علمیه قم شد. او که قسمتی از دروس مقدمات و دورة سطح را نزد پدر خود آیةالله شیخ حسین شب‌زنده‌دار خوانده بود، مغنی را نزد آیةالله جنتی، رسائل را نزد حضرات آیات مصلحی، طاهری و مؤمن آموخت و برای فراگیری مکاسب به نزد حضرات آیات شب‌زنده‌دار، مؤمن، مشکینی و ستوده رفت. استادان او در کفایه حضرات آیات مؤمن و سبحانی بودند. حجةالاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار کشف المراد را نزد آیةالله حسینی کاشانی، بخشی از شرح منظومه را نزد حضرات آیات مؤمن، مفتح و صالحی مازندرانی و بخش‌هایی از اسفار رانزد آیةالله سید رضا صدر، آیةالله امینی و آیةالله انصاری شیرازی فرا گرفت. قسمتی از شفا را نزد آیةالله جوادی آملی و بخشی از اشارات را نزد آیةالله حسن‌زاده آملی آموخت.حجةالاسلام‌والمسلمین شب‌زنده‌دار با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیات عظام شیخ کاظم تبریزی، شیخ مرتضی حائری، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی رفت و از محضر آنان بهره‌های بسیار برد. حجةالاسلام‌والمسلمین شب‌زنده‌دار سالها به تدریس دروس دوره سطح پرداخته و شرحی نیز بر قسمتی از تحریرالوسیله نگاشته است. او مدیر مؤسسه و مدرسه بقیةالله(عج) است. حجةالاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و علاوه بر عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نمایندگی شورای عالی در هیأت امنای مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس

خارج از کشور و نیز عضویت در مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان را به عهده دارد.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی شرعی
محل تولد : داراب فارس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1314/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله حاج شیخ محمد علی شرعی در اسفند ماه 1314 خورشیدی در داراب فارس دیده به جهان گشود. خانواده ایشان بخاطر تقوی و عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم السلام) از محبوبیت خاصی در میان اهالی داراب برخوردار بود. پدرش مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین شرعی شیرازی که از علمای بزرگ و مبارز آن نواحی محسوب می‌شد تحصیلات خود را در نجف ادامه داده بود و پس از بازگشت به ایران ابتدا در داراب و بعد از چندی در قم ساکن گردید. مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین در قم نیز از اهتمام به تحصیل باز نماند و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام مرحوم خوانساری، مرحوم صدر و مرحوم بروجردی بهره فراوان برد و تا پایان عمر به تدریس علوم حوزوی اشتغال داشت. عشق و علاقه این بزرگمرد به اهل البیت (علیهم السلام) بویژه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) زبانزد خاص و عام بود و در مصائب آن حضرت بسیار بی تابی می‌نمود بگونه‌ای که صفحات جلد دهم کتاب بحارالانوار که در باره حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است با قطرات اشک ایشان درآمیخته است.
از وی چند مرثیه و منقبت به زبان فارسی و عربی بر جای مانده است.
حضرت آیةالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در دامان چنین پدری پرورش یافت و در نخستین ماههای زندگی به همراه پدر در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و همزمان با فشار و اختناق حکومت رضاخان از داراب به قم آمدند. آیةالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در پنج سالگی شروع به آموختن قرآن نمود و پس از آن گلستان سعدی و بخشی از کلیله و دمنه را نزد مرحوم حاج شیخ علی انصاری «دشتی» فرا گرفت سپس شرح امثله و صرف میر را نزد مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید محمود یثربی آموخت.
با تشویق و ترغیب پدر دانشور خود تمام نصاب الصبیان و تهذیب المنطق

را حفظ نمود و عموم مطالب صمدیه و الفیه را نیز به خاطر سپرد سپس سیوطی را نزد حاج شیخ احمد زرندی و حاج شیخ حسین مؤمن شیرازی فرا گرفت و بخشی از مغنی را نزد آقای ربانی خراسانی که از شاگردان مبرز مرحوم ادیب نیشابوری بود و معانی و بیان را از حاج شیخ رحمةالله فشارکی آموخت. علاقة به ادبیات بویژه درک دقیق و درست از شعر و کاربرد آن در نشر مفاهیم مذهبی و اخلاقی موجب گرایش و بزرگداشت وی از هنر منظوم متعهد گردید و در این رویکرد که تا هم اکنون باقی است باید تأثیر قریحة ادبی و علاقه و توجه پدر وی ـ مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ را به شعر و فنون ادبی موثر دانست و لذا در تابستان برخی از سالها که به مشهد مقدس می‌رفت و از محضر علمی و ادبی زنده یاد مرحوم ادیب نیشابوری بهره می‌برد. آیةالله حاج شیخ محمدعلی شرعی شرح لمعه را نزد آیةالله ستوده و آیةالله شب زنده‌دار و بخشی از آن را نزد پدر خود فرا گرفت وی چندی نیز آداب و فنون مناظره را به شیوه متکلمان در معیت آیةالله طاهری خرم آبادی و حجةالاسلام شهید حق دان و حجةالاسلام مرعشی از محضر آیةالله شب زنده‌دار آموخت و پس از فراگیری شرح تجرید از آیةالله شیخ ابوالحسن شیرازی، از درس آیةالله تقدیری برای آموختن شرح منظومه استفاده نمود.
سپس قسمتی از رسائل و مکاسب را از محضر آیةالله مشکینی و بخشی از کفایه را نزد آیةالله منتظری و بیشتر آن را از آیةالله سلطانی و آیةالله حرم پناهی آموخت. با اتمام این دوره در درس خارج حضرت امام خمینی (قدس سره) حضور یافت و مسائل مستحدثه را از محضر ایشان فرا گرفت و همزمان در درس آیات عظام گلپایگانی و شریعتمداری و حاج شیخ کاظم فاروبی شرکت می‌نمود. ایشان در طی سالهای تحصیلی خود با بسیاری از شخصیت‌های علمی و سیاسی مراوده و دوستی داشتند که از آن جمله می‌توان به حضرات آیات احمدی میانجی، سیدمهدی روحانی، راستی کاشانی، مظاهری اصفهانی، عندلیب شیرازی، شیخ حسین امراللهی و مرحوم آیةالله صدرالدین حائری شیرازی و برادر ایشان آیةالله محی الدین و نیز آیةالله مجدالدین محلاتی اشاره کرد.
دامنة ارتباطات مردمی آیةالله شرعی تا اقصی نقاط کشور گسترده است. ایشان با بسیاری از تجار متدین، کارمندان شریف و جوانان فعال و حق طلب از هر قشر و طبقه‌ای ارتباط فکری و عقیدتی داشت که غالباً به صمیمیت وی و ارادت آنها منتهی می‌گردید. در این راه و روش به عنوان عالمی روحانی و مبارزی پرتلاش علیه نظام منحوس پهلوی با عده کثیری از علمای بزرگ شهرستانها ارتباط و آشنایی پیدا نمود همچنان که رشته مودّت میان وی و عموم دوستان پدرش ـ مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ برقرار ماند که از آن جمله می‌توان به دوستی و

مراودة وی با آیةالله حاج شیخ محمدرضا کاظمی در کرمانشاه و آیةالله سیداسماعیل هاشمی در اصفهان اشاره نمود.
حضرت آیةالله حاج شیخ محمدعلی شرعی از معدود دانشوران حوزوی است که عمر با برکت وی در نشر و گسترش معارف خاندان عصمت و طهارت : و ارائه خدمات گوناگون فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی و تربیتی سپری شده است که در این قسمت به برخی از تلاشهای علمی و فرهنگی این روحانی خستگی‌ناپذیر اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت. وی تدریس علوم حوزوی را از اولین سالهای طلبگی خود آغاز نمود و در این راه از تدریس هیچ درسی استنکاف نورزید. سیوطی، مغنی، حاشیه ملاعبدالله، لمعه، معالم الاصول و اصول مظفر و... را به شیوة علمای سلف صالح تدریس نمود و برای تربیت شاگردان و طلبه‌های فاضل، مبارز، با اخلاق ازانجام هیچ تلاشی رویگردان نبود. وی به خوبی می‌دانست که نیروی انسانی در هر جامعه‌ای برترین و مهمترین سرمایة ارتقا و اعتلای آن است بنابراین تمام تلاش خویش را برای فراهم نمودن شرایط مساعد تربیت بکار گرفت و پس از بازسازی مدرسة رضویه با پیشنهاد شهید آیةالله قدوسی به اداره آن همت گماشت تا گوشه‌ای از نابسامانی‌های آموزشی و درسی طلاب را سامان دهد. از جمله فعالیت‌های ایشان در مدرسه رضویه افزون بر ارائه یک سیستم منظم آموزشی، برگزاری سلسله جلسات علمی و اعتقادی بود. آیةالله شرعی پس از آشنایی با مرحوم شهید مطهری در زندان ساواک به همراه تنی چند از فضلای حوزه توانست مقدمات حضور و تدریس ایشان را در قم و در مدرسه رضویه فراهم آورد.
سلسله دروس اعتقادی و فلسفی شهید مطهری دو روز در هفته برگزار می‌گردید. این درسها که با استقبال کم نظیر طلاب قم مواجه می‌شد پاورقی‌های جلد چهارم و پنجم کتاب «روش رئالیسم» را تشکیل می‌دهد. آیةالله شرعی با توجه به لزوم ایجاد تشکیلات منسجم در حوزه‌های علمیه برای ارتقای وضعیت علمی و آموزشی طلاب و فراهم نمودن زمینه‌های لازم در مبارزه با رژیم طاغوت، مدیریت مدرسه رضویه را بر عهده گرفت و سالهای متمادی در آنجا به کار و تلاش پرداخت. در آن ایام جریانهای انحرافی وابسته به سیاستهای فرهنگی غرب و وهابیت قصد داشت با نفوذ به حوزه‌های علمیه اذهان طلاب جوان را منحرف سازد تا بتواند از آنها در مقاصد گوناگون استفاده نماید.
این جریانها توسط برخی روحانی نمایان در مدرسه رضویه رخنه کرده بود. آیةالله شرعی با هوشیاری و اشراف کامل، به مبارزه غیر علنی با آنها پرداخت و با بر پایی جلسات مناظره از فضلایی همچون آیةالله مصباح یزدی و حجج اسلام حاج شیخ محمدرضا آشتیانی و حاج شیخ جعفر امامی

استفاده نمود تا شبهات ایجاد شده را پاسخ گویند. این جلسات به قدری مفید و جذاب بود که تحسین بسیاری از اساتید حوزه را برانگیخت. آیةالله شرعی پس از رفع شبهات از اذهان طلاب جوان به طرد و تصفیه عناصر التقاطی همت گماشت و مدرسه رضویه را از این بلیّه رهایی بخشید. در بررسی خدمات گوناگون آیةالله شرعی باید مجموعة آنها را در دو دورة قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داد. اعتقاد راسخ وی به حقانیت مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و پیروزی حق بر باطل در فرجام امور، رویکردی آینده شناسانه را به وی ارزانی داشته که براساس آن به بسیج تمامی نیروها و امکانات جامعه برای اعتلای کلمة حق و امحاء باطل کوشیده است و در راه تحقق آرمانهای الهی و حفظ و گسترش ارزشهای دینی به انجام هر گونه خدمت و قبول هر رنج و مصیبتی دل می‌سپارد.

زندانی شدن در زندانهای ساواک، تلاش در هماهنگ سازی نیروهای طرفدار حق، ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای آحاد مردم، تشویق و ترغیب قشرهای گوناگون به دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی، شهادت فرزندش حجةالاسلام شهید محمدتقی شرعی در جبهه‌های جنگ تحمیلی و... مجموعه‌ای از عملکردهای باورمند وی را نشان می‌دهد. بارزترین ویژگی آیةالله شرعی را باید در امیدواری و امیدبخشی نسبت به تحقق وعده‌های الهی دانست و ظلم ستیزی وی را نیز همدوش آن دید. آیةالله حاج شیخ محمد علی شرعی را می‌توان یکی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی معاصر دانست. جمع‌آوری مجموعه‌ای از خاطرات این دانشی مردنستوه می‌تواند بسیاری از زوایای سیاسی و اجتماعی دیروز و امروز ایران اسلامی را آشکار سازد. مبارزه مداوم وی بر علیه نظام طاغوت موجب شد تا در عاشورای سال 1342 که برای تبلیغ به مشهد اردهال رفته بود توسط ژاندارمری دستگیر و برای بازجویی به نراق منتقل گردد.

پس از چندی وی را در ساواک قم مورد بازجویی قرار دادند. سپس به پادگان عشرت‌آباد فرستادند و چندی او را در زندان انفرادی نگه داشتند. پس از انتقال به بند عمومی زندان از محضر عالمان مبارزی چون آیةالله بهاءالدین محلاتی، آیةالله خادمی اصفهانی، آیةالله قاضی تبریزی و... استفاده‌های فکری و معنوی نمود. آیةالله شرعی از زندان پادگان عشرت آباد به زندان شهربانی تهران منتقل گردید. در ایام پانزدهم خرداد این زندان محل بازداشت اهل منبر و وعاظ معروفی همچون حضرات آیات شهید مطهری، شهید هاشمی نژاد، مرحوم فلسفی وآیةالله مکارم شیرازی و... بود.

آشنایی آیةالله شرعی در این زندان با شهید مطهری ثمرات بسیاری برای نهضت و مردم را در پی داشت. وی در این ایام با برخی از دوستان خود

روزنامهٔ «انتقام» و «بعثت» را چاپ و منتشر می‌نمود که ماهیتی سیاسی داشت و مسائل مهم آن روزها را تحلیل می‌کرد تا حوزه و روحانیت را از آنچه در اطرافشان رخ می‌داد آگاه نماید. در ادامه اینگونه فعالیتهای سیاسی بود که آیةالله شرعی توانست با تهیه یک دستگاه چاپ و تکثیر، سخنرانیهای مرحوم امام (قدس سره) را در میان افراد انقلابی منتشر سازد که یکی از شاخص‌ترین این موارد چاپ و نشر سخنرانی مشهور حضرت امام (قدس سره) در پانزدهم خرداد سال 42 می‌باشد. پس از موضع‌گیری صریح امام (قدس سره) در برابر کاپیتولاسیون، آیةالله شرعی با همکاری حجةالاسلام سیدمحمود دعایی اعلامیه آن مرجع نستوه را در اندک زمانی چاپ کرد و در کمترین زمان ممکن به صورت هماهنگ در سراسر کشور توزیع نمود. پی‌گیری ساواک برای جستن عاملان این حرکت انقلابی منجر به بازداشت آیةالله شرعی و جمعی از فضلا گردید.
وی را ابتدا به زندان قزل قلعه و سپس به زندان قصر منتقل نمودند. در گیرودار همین دستگیری بود که مأموران ساواک به سرکردگی جلاد معروف آن یعنی سرهنگ ازغندی به خانهٔ آیةالله شرعی یورش بردند. جلاد ساواک قصد ورود به اطاقی را داشت که زنان خانواده در آن حضور داشتند و می‌کوشیدند تا اسناد مربوط به روحانیون مبارز را برای مصون ماندن از این هجوم ناگهانی به منزل همسایگان منتقل نمایند. سرهنگ ازغندی که قصد داشت با ایجاد ارعاب وارد اطاق شود با فریاد و سیلی خشم آهنگ آیةالله شرعی روبرو شد. همین ابراز شجاعت موجب شد تا فرصت کافی برای پنهان سازی اسناد انقلابی فراهم آید. شهید حجةالاسلام محمدتقی شرعی در سالها بعد می‌گفت: من شجاعت و شهامت را از آن سیلی که پدرم در حال اسارت به جلاد ساواک نواخت، آموختم. آیةالله شرعی در ایام هجرت حضرت امام (قدس سره) به نجف اشرف به سوریه رفت تا از آنجا به عراق برود و به دیدار امام (قدس سره) نائل شود.
هدف وی از این سفر پرسش از امام (قدس سره) در باره شرکت در انتخابات و چگونگی برخورد با این موضوع در ایران بود. وی که نتوانسته بود ویزای عراق را تحصیل نماید پرسش‌های خود را در سوریه در یک نوار ضبط نموده و آن را به همراه نامه‌ای که با همفکری آیةالله سیدمنیرالدین حسینی در قم تهیه و برای انتقال به سوریه در یک دستگاه رادیو جاسازی شده بود توسط آقای علی جنتی فرزند آیةالله جنتی به دست امام (قدس سره) در عراق رسانید و پس از مدتی کوتاه پاسخ امام (قدس سره) را مبنی بر تحریم انتخابات دریافت نمود. آیةالله شرعی با شروع سلسله دروس ولایت فقیه توسط مرحوم امام (قدس سره) در نجف، مجموعهٔ نوارهای این دروس را پس از انتقال به قم با جمعی از دوستان مورد مطالعه و مباحثه قرار داده آن را منتشر ساختند. با شروع انقلاب اسلامی

ایران و هجرت امام (قدس سره) از نجف به پاریس ارتباط تلفنی وی با امام (قدس سره) برقرار گردید و ایشان مطالب و نقطه نظرات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را به وسیله یک شبکه گسترده و سرّی به کلیه علما و فضلای مبارز در سراسر کشور منتقل می‌نمودند.
وی در هماهنگ سازی علمای بزرگ شهرستانها با نهضت اسلامی تلاش مضاعفی را بکار بردند که از آن جمله می‌توان به ملاقاتهای ایشان با آیةالله ارباب در اصفهان اشاره نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام تلاش آیةالله شرعی این مبارز خستگی‌ناپذیر به حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب اسلامی معطوف گردید و در مسؤولیت‌های گوناگون تصویر روشنی از فراست و شهامت و تلاش خداجویانه روحانیت حق طلب شیعی را به منصه ظهور رساند که در پی به برخی از آن خدمات اشاره می‌شود: الف: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ستاد انقلاب اسلامی در قم ایجاد گردید که فرامین حضرت امام (قدس سره) را در رفع معضلات و مشکلات کشورابلاغ و پیگیری می‌نمود.
آیةالله شرعی با قبول ریاست این ستاد در روزهای بحرانی آغاز پیروزی، با همکاری آیةالله شیخ محمد یزدی به رفع مشکلات مردم در اقصی نقاط کشور و دفع غائله‌های سیاسی از جمله در گنبد و کردستان همت گماشت. زنده یاد شهید چمران با حمایت همین ستاد مردمی و انقلابی آشوب کردستان را سامان بخشید و نیروهای اعزامی از جوانان غیور قم نیز غائله گنبد را پایان دادند آیةالله شرعی در این ستاد نمایندگانی را برای نظارت و تقویت عملکرد قوه قضائیه گسیل داشت و با صدور بیش از 13 هزار حکم به عنوان بازوی اجرائی حضرت امام (قدس سره) در سراسر کشور عمل نمود. ب: عده‌ای از مدرسین و فضلای حوزه علمیه قم در دوران استیلای رژیم طاغوت با هدف حمایت از مواضع سیاسی حضرت امام خمینی (قدس سره) و نشر افکار و آثار آن قائد بزرگ به تأسیس جامعه مدرسین همت گماشتند. آیةالله شرعی در اولین سالهای تأسیس جامعه مدرسین به پیشنهاد و درخواست آیةالله ربانی شیرازی به عضویت آن درآمدند و در تمام فعالیت‌های سیاسی آن فعالانه شرکت داشتند. آیةالله شرعی تا هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین می‌باشند. ج: با شروع جنگ تحمیلی ایشان تمام توان و تلاش خویش را به تقویت جبهه‌های نبرد معطوف نمود و در تهیه تجهیزات انفرادی و جمعی برای رزمندگان و ارسال آنها به خطوط مقدم صمیمانه کوشید. فرزند ارشد وی حجةالاسلام محمدتقی شرعی که از چهره‌های بسیار با استعداد و موفق حوزوی محسوب می‌شدند و از اوان نوجوانی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پدر خویش شرکت مؤثر داشتند در روز میلاد حضرت امام محمدتقی (ع) به فیض شهادت نائل آمدند.

حضرت آیةالله شرعی این داغ جانگداز را تحت‌الشعاع جشن شادی میلاد با سعادت حضرت جوادالائمه (ع) قرار دادند و در آن سال و هر سال جشن میلاد نهمین پیشوای معصوم (ع) را با شکوه خاصی برگزار نمودند بی گمان یکی از برازنده‌ترین القاب برای این عالم مجاهد عنوان «ابوالشهید» است و از همین حرکت عاشقانه و عالمانه میزان ارادت و اخلاص وی را به ساحت مقدس ائمه هدی (علیهم السلام) به خوبی می‌تواند دریافت. د: حضرت آیةالله شرعی برای دو دوره به عنوان نماینده مردم قم به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. در دوره اول از اعضای کمیسیون دفاع مجلس بودند و در طی آن دوره با همکاری دیگر اعضای کمیسیون، اساسنامة ارتش و سپاه را تدارک دیدند. در این دوره است که ایشان سعی بلیغی را برای حفظ و ارتقای جایگاه ولایت فقیه در اساسنامه‌های نیروهای مسلح بکار بردند و به این مهم توفیق یافتند. در دورة دوم نمایندگی، وی به عضویت در کمیسیون اصل 90 پیوست و 23 هزار پروندة راکد و جاری را در طی این دوره به فرجام رساند.
تغییر اساسنامة کمیسیون اصل 90 و اقتدار بخشیدن به این کمیسیون همراه با ساماندهی سیستم بایگانی و اداری آن از دیگر خدمات ماندگار ایشان محسوب می‌شود. حضرت آیةالله شرعی با توجه به توانایی و استعداد زنان در کسب علوم حوزوی و لزوم آموزش علمی و دینی برای آنان و نیز ارائه الگوی عینی در این امر، در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تأسیس مدرسه‌ای جهت آموزش حوزوی دختران دست یازیدند که این تلاش به رغم کارشکنی‌های رژیم طاغوت و بی اعتنایی برخی از علمای آن عصر با مساعدت و همکاری شهید آیةالله قدوسی به نتایج موفقیت‌آمیز رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران حضرت امام (قدس سره) هیأت موسسی را برای تشکیل حوزة علمیه خواهران تعیین فرمودند که حضرات آیات و حجج اسلام مشکینی ، فاضل، موسوی اردبیلی، جنتی، شرعی ، توسلی و شیخ حسن صانعی از زمرة اعضای آن هیأت بودند. در این دوره تلاش آیةالله شرعی با پشتوانة تجارب قبل از پیروی انقلاب و همفکری دیگر اعضای هیأت موسس به ایجاد جامعةالزهرا(س) انجامید.
همچنانکه کوشش پیگیر وی موجب ایجاد وحدت رویه و نظارت کامل شورای عالی حوزه علمیه بر حوزه‌های علمیه خواهران شد. و: حضرت آیةالله شرعی برای بی نیاز کردن جامعه زنان در مراجعه به پزشکان مرد و نیز ایجاد الگوی عینی در آموزش علوم پزشکی برای بانوان به تأسیس دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم مبادرت نمودند. ایجاد این دانشگاه نتایج گوناگونی را در پی داشت که از آن جمله می‌توان با جذب تخصص‌های پزشکی در قم، فارغ التحصیل شدن بیش از پانصد پزشک زن در تخصصهای گوناگون، ایجاد دانشگاهی تخصصی ویژة بانوان به عنوان ایجاد

نمونه عینی و تحقق امکان پذیری نظام آموزشی همگن اشاره نمود. ز: با مراجعت حضرت امام (قدس سره) به قم و ازدهام هر روزة هزاران نفر از اقصی نقاط کشور، برای زیارت آن رهبر بزرگ در اطراف منزل ایشان، لزوم ایجاد مرکز و مکانی جهت پذیرایی و رفاه این زائرین، حضرت آیةالله شرعی را بر آن داشت تا به ایجاد فضایی مناسب برای اسکان و پذیرایی مردم اقدام نماید. به همین منظور با همکاری حجةالاسلام والمسلمین حاج سیدرضا برقعی «از مؤلفان کتب درسی آموزش و پرورش» به خریدن و مهیا نمودن زمین وسیعی با تأسیس امکانات رفاهی مبادرت ورزید. امکانات و اماکن فراهم آمده را که با گذشت زمان وسعت می‌یافت بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (ع) نامید و به تهیه اساسنامه و تعیین هیأت امناء برای آن اقدام نمود.

این مؤسسه آموزشی و رفاهی تا هم اکنون در تهران، قم، مشهد و تنکابن منشأ خدمات فراوانی شده است. ح: مدرسه عالی قضایی قم که پس از چند سال به دانشگاه قم تبدیل گردید و با همت و پایمردی رجل علمی و دینی ایجاد شده بود با توجه به سوابق خدمات فرهنگی و تأثیرگذاری حضرت آیةالله شرعی درگسترش مراکز علمی و دینی، ایشان از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان یکی را از اعضای هیأت امنای این دانشگاه انتخاب شده و در طی 4 سال از راهبردها و تجربه‌ها و تلاشهای مؤثر وی بهره‌مند گردیدند. ط: اوایل پیروزی انقلاب اسلامی برخی از خیرین با مساعدت و همکاری آیةالله سیدعلی محقق برای تهیه مسکن جهت طلاب علوم دینی به تأسیس شهرک مهدیه اقدام نمودند. شورایعالی مدیریت حوزه‌های علمیه هیأت امنایی را از بازاریان متدین و روحانیون دلسوخته برای ایجاد این شهرک تعیین نمود که حضرت آیةالله شرعی از آن جمله می‌باشد این شهرک هم اکنون با بیش از هزار واحد مسکونی پذیرای طلاب ایرانی و خارجی است تا در دوران تحصیل با آرامش خاطر به کسب علوم دینی بپردازند. شهرک مهدیه با همت و تلاش هیأت امناء و پیگیری مداوم حجةالاسلام والمسلمین شیخ مهدی صباحی گسترش روز افزون داشته هم اینک دو هزار و هفتصد واحد مسکونی دیگر به همراه مراکز فرهنگی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی در حال ساخت است. ی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نماز جمعة قم در مسجد امام اقامه می‌گردید و پس از پیروزی و توجه روز افزون آحاد مردم به شرکت در این عبادت سیاسی، اقامة نماز جمعه در حرم مطهر حضرت معصومه (س) و سپس در دبیرستان امام صادق(ع) انجام می‌پذیرفت.

لزوم ایجاد مصلای وسیعی برای اقامه این نماز عبادی و سیاسی حضرت آیةالله شرعی را بر آن داشت تا با همکاری و تلاش آقایان حاج حسن صبوری و حاج ابوالفضل عباسی به ایجاد مصلای بزرگ قم اقدام نماید.

ایشان هم اکنون از اعضای هیأت امنای ستاد اقامه نماز جمعه قم می‌باشند. ک: جمعیت مبارزه با فقر که با نظارت آیةالله حاج شیخ مرتضی حائری در قم تأسیس گردیده بود و آیت الله موسوی همدانی و آقای سید محمود طباطبایی از اعضای بسیار فعال آن بودند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به وضع معیشتی فقرا و ایتام کمکهای شایانی می‌نمود. حضرت آیةالله شرعی که از اوایل تأسیس این جمعیت به همکاری با آن پرداخته بود و با سخنرانی‌های پرشور خویش آحاد مردم و خیرین را به یاری رساندن این جمعیت تشویق و ترغیب می‌کردند از آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری و سید محمود طباطبائی خواستند تا برای ایتام ویژگی خاصی را قائل شوند.
این پیشنهاد مورد قبول مؤسسین واقع گردید و در اولین قدم زیر نظر مرحوم آیةالله حائری به انتشار قبض‌هایی مبادرت نمودند که به جلب حمایت‌های مردمی برای ایتام اختصاص داشت. پس از آن، جمعیت سرپرستی ایتام قم توسط آقای زاهدی به تأسیس مدرسه‌ای برای ایتام اقدام نمود حضرت آیةالله شرعی که از اعضای هیأت امنای این جمعیت می‌باشند در جلب نظر شخصیت‌های علمی و دینی و مشارکت خیرین برای ساماندهی اوضاع معیشتی و تربیتی ایتام تلاش وافری را به منصه ظهور رسانده‌اند. ل: در اوایل جنگ جمعی از جوانان پرشور قم به تأسیس هیأتی برای عزاداری سالار شهیدان با عنوان حسینیه شهدا اقدام نمودند. این گروه با برپایی چادری در فضایی باز به انجام مراسم عاشورا مبادرت کردند. این حسینیه با حضور و مشارکت آیةالله شرعی و جمعی از جوانان پرشور و انقلابی و همکاری مداح اهل بیت (ع) سید احمد شمس از رونق خاصی برخوردار شد و هر ساله بر امکانات آن افزوده گشت. شهید حجةالاسلام محمدتقی شرعی در زمرة جوانانی بود که در این حسینیه عاشقانه خدمت می‌نمود. در طی سالهای گذشته حسینیه شهدای قم موفق به ساختن بنایی مناسب در فضایی بسیار وسیع گردید و حضرت آیةالله شرعی با تعیین هیأت امنایی برای آن کوشیده‌اند تا این حسینیه نیز مرکزی برای تربیت جوانان در راه تعمیق و گسترش ارزشهای والای شیعی گردد. در سال 1370 حضرت آیةالله شرعی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را در مشهد مقدس تأسیس نمودند.
این مؤسسه که با انجام بیش از هشتاد پروژة تحقیقاتی خرد و کلان یکی از فعال‌ترین دفاتر پژوهشی کشور در حوزة علوم انسانی است در کارنامة خود کارکرد بیش از یکصد و هفتاد نفر از اساتید حوزه و دانشگاه را در طی یک دهه نشان می‌دهد. پژوهشکده‌های معارف، جغرافیا، آینده‌شناسی، ادبیات و هنر از دفاتر اقماری این مؤسسه بودند که با تلاش پژوهشگران خویش به احیاء تراث ادبی و دینی و نقد و نظر در حوزة جغرافیای انسانی

و آینده‌شناسی ایران و جهان مبادرت می‌ورزید. هزاران برگه تحقیقاتی به همراه دهها مقاله و کتاب از خروجی‌های علمی این مؤسسه محسوب می‌شود. اهتمام حضرت آیةالله شرعی به ایجاد زیرساخت‌های علمی و فرهنگی و تهیه راهبردهای اجرایی در حفظ و نشر معارف علوم موجب پدید آمدن «کانون تفکر» در مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا گردید. اعضای این کانون که بطور موازی با شورای عالی پژوهش به تشکیل جلسه می‌پردازند از مبرزترین اساتید حوزه و دانشگاه می‌باشند پایگاه اینترنتی این مؤسسه برای پاسخگویی مستدل به شبهات معاندین مکتب علوی در شرف ایجاد است. حضرت آیةالله شرعی با تأسیس انتشارات تاسوعا زمینة پشتیبانی چاپ و نشر آثار تحقیقاتی و فرهنگی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را فراهم نمودند. این انتشارات تاکنون آثاری از تراث ادبی و دینی را به جامعه علمی ارائه نموده است

شریعت اصفهانی، فتح‌اللَّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1266- 1339 ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم و ادیب امامی. معروف به شیخ الشریعه اصفهانی. نسب وی به محمدعلی نمازی شیرازی می‌رسد. اصل وی از شیراز بود که در اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان از ملا عبدالجواد خراسانی، مدرس کبیر، و ملا حیدر علی اصفهانی و ملا احمد سبزواری و ملا محمدصادق تنکابنی و حاج شیخ محمدباقر و ملا محمدتقی هروی اصفهانی درس خواند. سپسی به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمین استفاده کرد. وی از دوستان و نزدیکان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال، ضد انگلیسی، عراق در کنار آیت‌اللَّه میرزا محمدتقی شیرازی قرار داشت. در 1313 ق به حج رفت و بعد از مراجعت به درس و تالیف و فتوی پرداخت و مرجع تقلید اغلب شیعه‌ی امامیه‌ی گردید. وی از شیخ محمد طه نجف و سید مهدی قزوینی و صاحب «روضات الجنات» و برادرش میرزا محمدهاشم چهارسوقی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمی اجازه‌ی روایت داشت. محدث قمی از شاگردان وی بود. شیخ فتحعلی بن گل محمد حکیم برادگاهی لنکرانی نیز از خواص شاگردان وی بود که «تقریرات» او را در چهار مجلد نگاشته است. از آثارش: «ابانه المختار فی ارث الزوجه من ثمن العقار»؛ «صیانه الابانه عن وصمه الرطانه»؛ «اصاله الصحه»؛ «افاضه القدیر فی حل العصیر»؛ «اناره الحالک فی قرائه ملک و مالک»؛ حاشیه «فصول»؛ «قاعده‌ی صدور» یا «قاعده‌ی الواحد البسیط»؛ قاعده‌ی «ضرر»؛ قاعده‌ی «طهارت»؛ رساله‌ای در «صحاح» ششگانه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (334 -333 /5)، اعیان الشیعه (392 -391 /8)، الذریعه (6/25 ،104 -103 ،44/15 ،188/10 ،195/7 ،59/1)، ریحانه (207 -206 /3)، شرح حال رجال (175/6)، علماء معاصرین (124 -122)، فوائد الرضویه (345)، معجم المؤلفین (53 -52 /8)، مکارم الآثار (1819 -1816 /5).

شریعتی مزینانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1286 ق)، عالم دینی، استاد، محقق، مفسر و نویسنده. در مزینان متولد شد و تا هفده سالگی در زادگاهش، و در مدرسه‌ی مزینان، نزد پدر و عمویش به تحصیل پرداخت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت و در مدرسه فاضل خان سکنی گزید. نخستین استادش در این مدرسه ادیب نیشابوری اول بود که دنباله‌ی مقدماتی را که نزد پدر و عمویش آموخته بود، در محضر ایشان فراگرفت. بعد از فوت ایشان در خدمت ادیب ثانی رسید و در محضر این دو استاد توانست مقدمات و ادبیات را به پایان برساند. فقه، اصول و فلسفه را نیز نزد اساتید معروف مشهد مانند: آقا شیخ هاشم قزوینی ارتضا، میرزا ابوالقاسم الهی، حاج شیخ محمود حلبی فراگرفت. شریعتی قوانین را نزد حاج شیخ کاظم دامغانی و «شرح لمعه» را نزد ارتضا و حاج میرزا احمد مدرس یزدی معروف به حاج میرزا احمد نهنگ فراگرفت. از دیگر استادان وی آیت‌اللّٰه میرزا مهدی اصفهانی بود که فضلای مشهد همه به محضر درس وی می‌رفتند. از حدود 1310 ش فعالیت خود را در دبیرستان در سمتهای مختلف آغاز کرد و تا آخرین دم از تدریس و ارشاد دانش‌آموز و دانشجو باز نایستاد... از آثار وی: «فایده و لزوم دین»؛ «تفسیر نوین»؛ «وحی و نبوت در پرتو قرآن»؛ «خلافت و ولایت»؛ «امامت در نهج‌البلاغه»؛ «اصول عقاید و اخلاق شریعتی»؛ «تاثیر هنرهای مسلمین بویژه ایرانیان در اروپا»؛ «عباسه خواهر هارون‌الرشید». [1]
محقق، استاد.
تولد: 1286، قریه مزینان.
درگذشت: 31 فروردین 1366.
استاد محمدتقی شریعتی مزینانی، فرزند محمود روحانی، دوران طفولیت و نوجوانی را در روستای خود گذرانید و در همان جا فراگیری منطق، فلسفه و فقه و اصول پرداخت.
در مدرسه‌ی فاضل‌خان، هم حجره‌ی برادرش شیخ قربانعلی شریعتی بود و به تحصیل علوم اسلامی مشغول شد. از جمله اساتید وی باید به آیت‌الله هاشم قزوینی و آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی اشاره کرد که نزد ادیب ثانی دوره مطول و مغنی را به پایان رساند، قوانین را نزد حاج شیخ کاظم دامغانی، شرح لمعه را نزد ارتضا و حاج میرزا احمد مدرس خواند، از

اساتید دیگر آن زمان وی میرزای اصفهانی بود.
از سال 1311 به تدریس در مدارس جدید مشهد پرداخت. معلمی را از مدرسه‌ی ملی شرافت آغاز کرد و تا سال 1313 ادامه داشت. بر طبق مقررات اداری، صلاحیت علمی و شایستگی تدریس ایشان از سوی اداره فرهنگ تأیید می‌شود و از این پس (1314) در دبیرستان ابن یمین، به تعلیم می‌پردازد. چون فعالیت‌های ثمر بخش داشت، نظامت دبیرستان نیز به عهداش محول میشود و کلاسهای جدید دبیرستان را تأسیس می‌کند. طبیعی است در آن زمان یک دبیر یا مسئول دبیرستان که پای‌بند موازین شرعی بود، نمی‌توانست بعضی برنامه‌های خاص دولتی را اجرا کند و با دشواریهایی مواجه می‌شد. در همین زمان شروع به ترجمه کتاب از عربی به فارسی نمود.
پس از شهریور سال 1320 که فعالیت‌های سیاسی آزاد شده بود و حزب توده تبلیغاتی را در ترویج کمونیسم بین جوانان آغاز کرده بود، وی نیز مبارزه با آنها را از کلاس درس (در دبیرستان شاهرضا و سپس فردوسی) شروع کرد و حتی ساعاتی بدون دریافت اضافه کار به تدریس ادبیات فارسی و عربی و شرعیات می‌پرداخت. در همان سال‌ها بود که به تدریس در دانشسرا- که مرکز فعالیت آن حزب شده بود- نیز مشغول گشت.
از دیگر مراکز آموزشی دولتی که استاد شریعتی در آنجا به تدریس پرداخت، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی مشهد است که از سال 1327 تأسیس شد، و بنا به دعوتی که از وی به عمل آمد، تفسیر سوره قرآن و نهج‌البلاغه را تدریس می‌کرد و تا سه سال ادامه داشت.
سرانجام بنابر حکم اداره‌ی آموزش و پرورش خراسان، استاد محمدتقی شریعتی مزینانی در تاریخ بیست و دوم آبان 1341 پس از سی سال تدریس در دبیرستان‌های مشهد بازنشسته شد.
از دیگر فعالیت‌های ایشان مبارزه با اندیشه‌های سید احمد کسروی بود. استاد مجالسی را برگزار می‌نمود. (سخنرانی‌ها، جلسات تفسیر قرآن) ولی با افزایش برنامه‌ها، به پیشنهاد او و با توجه به نیاز موجود از سال 1323 منزلی در کوچه چهارباغ مشهد برای تشکیل جلسات اجاره کردند. با نصب تابلوی «کانون نشر حقایق اسلامی» بر سر در آن، این مرکز تبلیغی رسمیت و تمرکز یافت و برنامه آن منتشر شد. (کارنامه‌ی کانون در اسفند 1326 منتشر شد). در سال 1327 سخنرانی‌های فرهنگی در رادیو مشهد داشت که درباره‌ی «فایده و لزوم دین» بود که بعدها با همین نام منتشر شد. در سال 1330 با «جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی مشهد» همکاری داشت و در این مسیر در انتخاب وکلایی برای دوره هفدهم مجلس شورای ملی تلاش خود را نمود. در سال 1336 به اتهام همکاری با نهضت مقاومت ملی به مدت یک ماه و اندی دستگیر و بازداشت شد. به این ترتیب جلسات

کانون تشکیل شد. پس از آزادی جلسات تفسیر و سخنرانی وی در منزل آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی (1337 الی 1339) تشکیل می‌شد. از سال 1337 الی 1340 در دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد و نیز در مؤسسه وعظی و تبلیغ به تدریس تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه می‌پرداخت. در سال 1339 کانون نشر حقایق اسلامی دوباره شروع به فعالیت نمود.
در عاشورای 1381- برابر با سوم تیر 1340- برای عده‌ای از عزاداران، استاد سخنرانی نمود و اهداف قیام حسین (ع) را شرح داد. ولی سال بعد، پس از رسیدن دسته راه پیمایان به صحن عتیق، از سخنرانی استاد ممانعت به عمل آمد. و در سال 1342 قبل از محرم 1383 از شهربانی به وی تلفن زدند که سازمان امنیت با این برنامه موافق نیست. به این ترتیب کانون تعطیل شد. در سال 1342 نامه‌ای از طرف هیئت مدیره‌ی حسینیه‌ی ارشاد و مکتوب به خط استاد مرتضی مطهری فرستاده شد (و با واسطه قرار دادن آیت‌الله میلانی) که وی برای سخنرانی به تهران روند. این دعوت چنان بود که چند شب سخنرانی تبدیل به چهار سال و اندی شد.
علاوه بر حسینیه ارشاد، دو سه سال- هنگام حبس آیت‌الله سید محمود طالقانی- در ماه رمضان اداره مجلس وعظ و تفسیر مسجد هدایت به عهده وی بود و به اصرار جمعیتی به نام احباب الحسین (ع) به گفتن تفسیر قرآن و ارشاد آنان پرداخت. کتاب خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت که شامل بحث‌های تحقیقی است، ثمره سخنرانی‌های هفتگی ایشان است که طی بیست و سه جلد در حسینیه‌ی ارشاد ایراد کرده است (در این کتاب آقایان استاد مرتضی مطهری، محمدتقی شریعتمداری نیز مطالبی دارند، 1339). تجدید طبع تفسیر نوین، وحی و نبوت در قرآن و آثار قلمی دیگر نیز از ثمرات دوران اقامت در تهران است.
استاد محمدتقی شریعتی در ادبیات عرب و فارسی تبحر داشت و در گفتارش نکات فراوانی وجود داشت.
آخرین سخنرانی استاد شریعتی در حسینیه ارشاد در هفده آبان 1351 (عید فطر 1392) بود که پس از آن حسینیه توسط سازمان امنیت تعطیل شد. استاد در سال 1352 دستگیر شد و یک سال و اندی در حبس بود. فرزند وی دکتر علی شریعتی در بیست و نه خرداد 1356 در لندن درگذشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار در شانزده فروردین 1358 در حسینیه‌ی ارشاد سخنرانی نمود. بین سال‌های 1358 الی 1360 به مناسبت‌های خاص سخنرانی‌های وی از رادیو پخش می‌شد.
از آثار اوست: آغاز وحی با تفسیر سوره علق (تاریخ مقدمه 1340)؛ اصول عقاید و اخلاق شریعتی (چاپ اول 1321، چاپ هفدهم 1333) امانت در نهج‌البلاغه (1357)؛ تأثیر هنرهای مسلمین به ویژه ایرانیان در اروپا (زکی

محمدحسین، ترجمه)، تعلیمات دینی (قسمت اول، مخصوص کلاس اول دبیرستان، 1325)؛ تفسیر نوین؛ جز سی‌ام قرآن (1346)؛ چرا حسین قیام کرد؟ (نشریه کانون نشر حقایق اسلامی، 1341)؛ ز نیرو بود مرد را راستی (نشریه کمیته دبیران تعلمیات دینی مشهد، به مناسبت اولین سمینار دبیران تعلمیات دینی در مشهد، مرداد 1349؛ استاد در نشریه مقاله‌ای دارند)؛ عباسه، خواهر هارون الرشید یا خواری برمکیان (تألیف جرجی زیدان ترجمه استاد، بی. تا)؛ فایده و لزوم دین (نشریه دوم کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، آذر 1329)؛ مبانی اقتصادی در اسلام (عبدالحمید جودةالتجار؛ ترجمه استاد، ششمین نشریه کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، 1325)؛ مقدمه‌ی کتاب نیایش (دکتر آلکسیس کارل، ترجمه دکتر علی شریعتی، 1339)؛ وحی و نبوت در پرتو قرآن (1349)؛ متن دو سخنرانی استاد به نام‌های «مهدی موعود امم» و «علی شاهد رسالت» در دومین نشریه انجمن اسلامی دانشجویان مشهد در دی 1339 به چاپ رسیده است.

استاد محمدتقی شریعتی مزینانی عصر دوشنبه سی و یک فروردین 1366- برابر با بیست و یک شعبان 1407 ق. درگذشت. پیکرش در جوار امن الهی در مشهد حرم امام رضا (ع) درون غرفه‌ای از صحن آزادی به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] شریعتی در نگاه مطبوعات (75 -73)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 11، ص 9 -5)، مؤلفین کتب چاپی (223/2).

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر شریعتی در تاریخ (مقاله‌ی حاضر مفصلترین سالشمار زندگی دکتر شریعتی و اجمالی از تحقیق نویسنده درباره‌ی زندگی اوست که در سال 1365 نوشته و سپس تکمیل شد. در نگارش این مقاله، علاوه بر رجوع به همه‌ی منابع زندگینامه‌ی شریعتی، از اطلاعات شخصی دوستان نزدیک شریعتی، از اطلاعات شخصی دوستان نزدیک شریعتی استفاده شده است. از این رو پاره‌ای از اطلاعات مندرج در این مقاله در هیچیک از منابع نیامده و جدید است. گفتنی است منابع زندگینامه‌ی شریعتی خالی از کاستی و نادرستی نیست و گاه اطلاعات ارائه شده در آنها متناقض است.این گونه اطلاعات در مقاله‌ی حاضر نیامده و یا صورت درست آن آمده است. آخرین نکته اینکه در مقاله‌ی حاضر به انتشار کتابها و ایراد سخنرانیهای شریعتی اشاره نشده است.).
زندگی من، مجموعا، عبارت است از چندین برنامه‌ی پنج ساله. همیشه کاری شروع می‌کرده‌ام و به اوج می‌رسانده‌ام و آخر پنج سال درهم می‌ریخته، هر بار از سر. از اول نوجوانی تا 28 مرداد 32 و سقوط دکتر مصدق و آغاز دیکتاتوری، پنج سال.
از این دوره تا تشکیل نهضت مقاومت ملی مخفی، که از 1337 به هم خورد و دستگیر شدیم، پنج سال.
از 38 تا 43؛ در اروپا پنج سال.
از 43 تا 48؛ دوره‌ی خاص آوارگی و زندان و مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی دانشکده، پنج سال.
دوره‌ی کنفرانسهای دانشگاهها و ارشاد، پنج سال، تا 51.
پس از آن زندان و خانه‌نشینی و خفقان پنج سال.
با مخاطبهای آشنا، ص 262.
1312
پنجشنبه دوم آذر ماه، در روستای کاهک، از توابع سبزوار، و در حاشیه‌ی کویر، زاده شد. زادگاه او را مزینان نیز گفته‌اند، از آن رو که در مزینان بالید و نام‌خانوادگی او، در اصل، «مزینانی» است.
مادرش زهرا امینی و پدرش محمدتقی نام داشت. پدر و اجداد پدری او در شمار عالمان و مدرسان دینی بودند.
1319

ورود به دبستان ابن یمین در مشهد.
1325
ورود به دبیرستان فردوسی در مشهد.
1327
به عضویت در کانون نشر حقایق اسلامی، که پدرش پایه‌گذار آن بود، در آمد و از طریق آن با حقایق اسلامی آشنا شد.
1329
سیکل اول دبیرستان (کلاس نهم نظام قدیم) را به پایان رساند و به دانشسرای مقدماتی (تربیت معلم) وارد شد.
1331
دوره‌ی دانشسرا را به پایان رساند و با دریافت دیپلم آن، به عنوان معلم در مدرسه کاتب‌پور، در منطقه‌ی احمدآباد مشهد، به تدریس پرداخت.
1331
انجمن اسلامی دانش‌آموزان و دانشجویان را پایه‌گذاری کرد و به مدت هشت سال، تا هنگام خروج از کشور برای ادامه‌ی تحصیل، مسؤولیت جلسات هفتگی آن را، که سخنرانی و بحث و تحقیق درباره‌ی مسائل عقیدتی و مکتبهای فلسفی و اجتماعی بود، برعهده داشت.
1331
در حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر محمد مصدق و اعتراض به روی کار آمدن دولت قوام السلطنه، در یکی از روزهای دهه‌ی آخر تیر ماه دستگیر و سپس آزاد شد.
1332
عضویت و فعالیت در نهضت مقاومت ملی.
1332
ثبت‌نام و شرکت در کلاس ششم دبیرستان در رشته‌ی ادبی
1333
پایان تحصیلات دبیرستانی و دریافت دیپلم ادبی.
1334
هر هفته دوبار در رادیو مشهد به سخنرانی پرداخت، عصر روز سه‌شنبه و جمعه.
1334 یا 1335
ورود به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد و تحصیل در رشته‌ی ادبیات فارسی.
1335
پایه‌گذاری انجمن ادبی و تصدی مسؤولیت آن. در این انجمن بود که شعر نو برای نخستین بار در محیط راکد و بسته‌ی خراسان قامت برافراشت.

1335

ازدواج با بی‌بی فاطمه (پوران) شریعت رضوی، خواهر شهید علی‌اصغر شریعت رضوی (در مقابله با ارتش روس در سال 1320) و شهید مهدی (آذر) شریعت رضوی (در اعتراض به سفر نیکسون به ایران، در 16 آذر 1332).

1336

در پی حمایت نهضت مقاومت ملی از دکتر مصدق و اعتراض به معاملات نفتی تنی چند از اعضای نهضت در تهران و مشهد، از مجمله شریعتی و پدرش، دستگیر شدند. شریعتی به مدت دو ماه در زندان قزل قلعه‌ی تهران حبس شد.

1337

تدریس در دبیرستان دخترانه‌ی مهستی در مشهد.

1337

با کسب مقام اول از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی موفق به دریافت لیسانس شد. پایان‌نامه‌ی تحصیلی او ترجمه‌ی کتاب در نقد و ادب، تألیف محمد مندور، بود.

1338

سفر به فرانسه برای ادامه‌ی تحصیل.

1338

به جوانان نهضت ملی ایران پیوست و با کمک دوستانش در این گروه کوچک، اعلامیه‌های افشاگرانه‌ای علیه رژیم شاه منتشر ساخت.

1338

به سازمان آزادیبخش الجزایر پیوست و برای رهایی الجزایر از استعمار فرانسه به مجاهدت پرداخت. در نتیجه روزی پلیس فرانسه به وی حمله و مضروبش کرد و بدین علت سه هفته در بیمارستان بستری شد.

1338

تولد نخستین فرزندش، احسان.

1341-1339

همکاری با استادش لوئی ماسینیون، در گردآوری و ترجمه‌ی متون فارسی درباره‌ی حضرت فاطمه.

1339

به ایران بازگشت و همسر و فرزندش را به پاریس برد.

1340

در پی کشته شدن پاتریس لومومبا، رهبر آزادیخواهان کنگو، تظاهراتی از سوی سیاهپوستان در مقابل سفارت بلژیک در پاریس برگزار شد. شریعتی در این تظاهرات شرکت کرد و با حمله‌ی پلیس فرانسه دستگیر و به زندان

سیته افکنده شد. در آغاز دولت فرانسه قصد اخراج او را از آن کشور داشت، اما با حمایت قاضی دادگاه، اجرای حکم اخراج او را به حال تعلیق گذاشت.
1340
شرکت در کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور در پاریس.
1341
در پی مرگ مادرش، زهرا، برای شرکت در مجلس ترحیم او به ایران بازگشت و پس از چند روز دوباره به پاریس رفت.
1341
با انتشار مقاله‌ای به افشاگری علیه انقلاب سفید شاه پرداخت.
1341
با کمک دوستانش جبهه‌ی ملی ایران (جبهه‌ی ملی دوم) را در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد. سپس مسؤولیت انتشار مجله‌ی جبهه‌ی ملی به او واگذار شد و او مدتی مسؤول مجله‌ی ایران آزاد بود. شریعتی مقالات خود را در این مجله با نام مستعار شمع، که از سه حرف اول نام‌خانوادگی و نامش تشکیل شده بود، (شریعتی مزینانی، علی) امضا می‌کرد.
1341
با کمک دوستانش نهضت آزادی ایران در خارج از کشور پایه‌گذاری کرد.
1341
شرکت و فعالیت در دومین کنگره‌ی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور (کنگره‌ی وحدت)، در شهر لوزان سویس.
1341
تولد دومین فرزندش، سوسن.
1342
پایان تحصیلات دانشگاهی و گذراندن کلاسهای جامعه‌شناسی در مدرسه‌ی تتبعات عالی و دریافت مدرک دکترا در تاریخ. برخی از استادان او عبارت بودند از: لوئی ماسینیون، ژرژگورویچ، ژاک برک و هانری لوفور. پایان‌نامه‌ی دکترای او تصحیح کتاب فضائل بلخ بود.
1342
تولد سومین فرزندش، سارا.
1343
به ایران بازگشت و در مرز بازرگان دستگیر شد. خانواده‌ی او را در سر مرز به حال خود رها کردند و او را به اداره‌ی ساواک ماکو و سپس به زندان خوی و بعد از آن به زندان رضائیه بردند. سرانجام او را به تهران روانه کردند و مدت شش ماه در زندان قزل قلعه حبس شد.

1343

تقاضایش برای تردیس در دانشگاه رد شد. سرانجام با رتبه‌ی آموزگاری به تدریس در هنرستان کشاورزی (در روستای طرق مشهد)، دبیرستان پسرانه‌ی ملکی و دبیرستان دخترانه‌ی ایراندخت پرداخت.

1344

به عنوان کارشناس وزارت آموزش و پرورش استخدام و به تهران منتقل شد و با دکتر بهشتی، دکتر باهنر و سید رضا برقعی، که از مسؤولین بررسی کتب دینی بودند، همکاری کرد.

1344

سرانجام تقاضایش برای تدریس در دانشگاه پذیرفته شد و پس از موفقیت در امتحان استادیاری به سمت استادیار رشته‌ی تاریخ دانشکده‌ی ادبیات مشهد منصوب شد.

1345

آغاز تدریس در دانشگاه مشهد و استقبال بی‌نظیر دانشجویان از درس‌های او، این در حالی بود که شریعتی در کلاس حضور و غیاب نمی‌کرد. مهمترین درس او در دانشگاه، تاریخ تمدن و اسلام‌شناسی بود. کسی پیش از او از اصطلاح اسلام‌شناسی استفاده نکرده بود.

1347

سفر به روستای کاهه و احداث پارکی در آن منطقه با همکاری مردم و کمک به روستاییان برای خرید وسایل کشاورزی.

1347

به کمک زلزله زدگان جنوب خراسان شتافت و تا یک هفته بدین کار مهم، اهتمام کرد.

1347

ممانعت ساواک از مسافرت شریعتی به عراق با دانشجویان.

1351-1347

به ایراد سخنرانی در دانشگاه‌های مختلف کشور دعوت و با استقبال بی‌مانند دانشجویان روبرو شد.

1351-1347

به تدریس و سخنرانی در مؤسسه‌ی حسینیه‌ی ارشاد دعوت و با استقبال فوق‌العاده‌ی مردم، بویژه جوانان و دانشجویان، مواجه شد. در درس‌ها و سخنرانی‌های شریعتی حدود چهار هزار نفر شرکت می‌کردند که این تعداد جمعیت بی‌سابقه بود. بر پایه‌ی برنامه‌ریزی شریعتی، حسینیه‌ی ارشاد دارای سه بخش (تحقیق، آموزش و تبلیغ) و نه واحد سازمانی و هر بخش شامل چند گروه بود.

1348

نخستین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد. در این سفر دانشجویان خارج از کشور با شریعتی ملاقات و درباره‌ی فلسطین و نهضتهای آزادی‌بخش با او مشورت کردند. سرانجام تصمیم گرفته شد برای کمک به فلسطین پول جمع‌آوری شود.
1349
دعوت از شریعتی برای شرکت در کنگره‌ی بین‌المللی مذهب و صلح در ژاپن و عدم موافقت رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد.
1349
با همکاری و تشویق دکتر شریعتی نمایش ابوذر در تالار رازی دانشگاه فردوسی مشهد اجرا و با استقبال فراوان مردم روبرو شد. متن این نمایش اقتباس از کتاب ابوذر غفاری خداپرست سوسیالیست، ترجمه و تألیف دکتر شریعتی، بود و به قلم رضا دانشور و با همکاری ایرج صغیری فراهم شده بود. کارگردان این نمایش داریوش ارجمند وبازیگر اصلی آن (در نقش ابوذر)، ایرج صغیری بود. نمایش ابوذر نخستین مذهبی در ایران بود.
1349
دومین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد.
1350
به دستور ساواک درسهای شریعتی در دانشگاه در آستانه‌ی برگزاری جشنهای دو هزار و پانصد ساله‌ی شاهنشاهی تعطیل شد. پس از برگزاری‌ها جشن‌ها نیز از تدریس شریعتی در دانشگاه جلوگیری و او به بخش تحقیقات وزارت علوم و آموزش عالی منتقل شد. سپس حضور او در وزارت علوم نیز خطرناک دانسته شد و از او خواستند دیگر به محل کار نیاید و در خانه به تحقیق بپردازد.
1350
برای چندمین بار به ساواک احضار و از او خواسته شد شرح حالش را بنویسد.
1350
سفر به مصر برای دیدن اهرام سه‌گانه. (کتاب آری این چنین بود برادر رهاورد این سفر است.)
1350
تولد چهارمین فرزندش، مونا.
1350
سومین وآخرین سفر به حج و زیارت بیت‌الله الحرام با کاروان حسینیه‌ی ارشاد. شریعتی در این سفر به ایراد سخنرانی در کنگره‌ی اسلامی مکه دعوت شد، ولی سرانجام به اتهام شیعه‌ی غالی بودن از ایراد سخنرانی او

ممانعت گردید.
1350
در پی اعدام چند تن از جوانان انقلابی، از جمله مسعود احمدزاده و مجید احمدزاده و امیرپرویز پویان، که شریعتی آنها را از نزدیک می‌شناخت، دو سخنرانی با عنوان شهادت و پس از شهادت، در حسینیه‌ی ارشاد و مسجد جامع نارمک ایراد کرد. در سخنرانی پس از شهادت اشاراتی به در خون تپیدن مبارزان و دعوت مردم به قیام شده است. پس از این سخنرانی تظاهراتی در اطراف مسجد صورت گفت و پلیس عده‌ای را دستگیر کرد و شریعتی هم متواری شد.
1351
نمایش ابوذر، با عنوان یک بار دیگر ابوذر، در حسینیه‌ی ارشاد اجرا و مانند قبل با استقبال فراوان مردم روبرو شد. چند دقیقه پیش از اجرای این نمایش فردی ناشناس به حسینیه‌ی ارشاد تلفن زد و گفت زیر سن نمایش بمب گذاشته شده است. آنگاه دکتر شریعتی پیش از اجرای نمایش به ایراد سخنرانی پرداخت و سخنان خود را چندان طول داد که اگر بمبی در زیر سن کار گذاشته شده باشد تنها او را از پا در آورد و به دیگران صدمه‌ای نرساند. پس از اجرای این نمایش مردم به خیابان ریختند و شعار الله‌اکبر و یا حسین و دیگر شعارهای مذهبی دادند. این نمایش را دهها هزار نفر دیدند و حتی عده‌ای از رادیو و تلویزیون برای ضبط آن به حسینیه‌ی ارشاد آمدند. اما دکتر شریعتی با آن مخالفت کرد و گفت ابوذر متعلق به ایمان ماست، راهی به تلویزیون شاهنشانی نباید داشته باشد.
1351
نمایش سربداران، به اهتمام گروه هنری حسینیه‌ی ارشاد، در یک شب در حسینیه‌ی ارشاد اجرا شد و ساواک از تکرار آن جلوگیری کرد.
1352-1351
مخالفت شخصیتهای واپسگرا با افکار و آثار شریعتی، چه از طریق نگارش کتاب و چه در سخنرانی‌های عمومی، بیش از پیش شدت یافت. واپسگراها چنین می‌نمودند که شریعتی فردی منحرف، اهل بدعت، منکر امامت و ولایت است و در حسینیه‌ی ارشاد دست بسته نماز می‌خوانند و شهادت به ولایت علی - ع - را از اذان و اقامه حذف کرده‌اند.
1351
سرانجام رژیم شاه تصمیم گرفت حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل کند، بویژه این‌که از چندی پیش به مناسبت ماه رمضان در پاره‌ای از مساجد تهران تبلیغات وسیعی علیه شریعتی آغاز شده و زمینه‌ی مناسبی فراهم بود. بدین ترتیب پلیس به محاصره‌ی حسینیه‌ی ارشاد پرداخت و پس از درگیری با شاگردان و دانشجویان، عده‌ای را دستیگر و حسینیه‌ی ارشاد را تعطیل

کرد.
1351
به اهتمام پاره‌ای از روشنفکران بازار و با حضور برخی از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلامی مجلس جشنی در روز عید فطر برای بزرگداشت دکتر شریعتی تشکیل شد. در این مجلس یک جلد کتاب فاطمه، فاطمه است و سند و کلید یک دستگاه اتومبیل پیکان به او هدیه شد.
1352-1351
در پی تعطیلی حسینیه‌ی ارشاد، شریعتی از تور ساواک گریخت و از آبان 1351 تا تیر 1352 در خانه‌ی یکی از بستگانش در سر آسیاب دولاب در تهران مخفی شد.
1352
ساواک در یک روز به منزل شریعتی و پدرش در مشهد و منزل برادر همسرش در تهران، حمله کرد. در حمله به منزل شریعتی مقداری از کتابهای او را به یغما بردند و در حمله به منزل پدر و برادر همسر شریعتی آن دو را دستگیر کردند تا محل اختفای شریعتی را از طریق آن‌ها بیابند و یا آنها را گروگان بگیرند تا شریعتی خود را معرفی کند.
1352
اقامت خانواده‌اش در تهران.
1352
سرانجام دکتر شریعتی تنها چاره را در این دید که خود را معرفی کند. بدین ترتیب در مهر ماه خود را به مرکز ساواک تهران معرفی کرد و مدت هجده ماه در زندان بسر برد که پانزده ماه آن را در سلول انفرادی بود و سه ماه دیگر آن با کسی همسلول بود که رژیم او را برای کسب اطلاعات از شریعتی در سلول گماشته بود (بدین ترتیب دکتر شریعتی، روی هم رفته، پنج بار و به مدت دو سال و دو ماه بازداشت و زندانی شد. بازداشتگاه او در مشهد و ماکور، و زندان او در تهران و پاریس و خوی و رضائیه بود. همچنین وی، چنانکه گفته خواهد شد،همین مدت از عمر خود را، یعنی دوسال و دو ماه، از آغاز سال 1354 تا اردیبهشت 1356، تحت مراقبت و نظر ساواک بود. بیفزاییم که وی به مدت نه ماه، از آبان 1351 تا تیر 1352، مخفیانه زندگی می‌کرد. بنابراین شریعتی، به روی هم، پنج سال و یک ماه از عمر کوتاه خویش را در بازداشتگاه و مخفیانه و زندان و تحت مراقبت گذراند.).
1352
چند ماه پس از زندانی شدن، از دانشگاه بازنشسته شد. سابقه‌ی خدمت او بیست و یک سال بود.
1356-1353

کتابهای شریعتی از سوی رژیم شاه گمراه کننده و ممنوع دانسته شد و در پی آن از کتابخانه‌ها جمع‌آوری گردید. بعد از این (تا اواسط سال 1356)، به کتابهای او اجازه‌ی چاپ داده نمی‌شد و با نامهای مستعار علی علوی، علی سبزواری، علی سربداری، علی شریفی، علی مزینانی، علی زمانی، علی سبزواری‌زاده، شیخ علی اسلام‌دوست، محمدعلی آشنا، محمدعلی اثنی‌عشری، محمد عبدالخطیب مصری، م. رفیع‌الدین، شمع، احسان خراسانی، رضا پایدار، کمال‌الدین مصباح و...چاپ می‌شد.
1353
سرانجام استاد محمدتقی شریعتی، پس از تحمل یک سال زندان، تنها به جرم پدر دکتر شریعتی بودن! از زندان آزاد شد.
1353
در آخرین روزهای این سال از زندان آزاد شد. آزادی او به علت فعالیتهای دفاعی دوستان و شاگردانش در محافل بین‌المللی و تقاضای ژاک برک از شاه بود. ژاک برک، استاد دانشگاه سوربن، که شریعتی در پاریس شاگردش بود، با شاه در سویس، که برای گذراندن تعطیلات زمستانی رفته بود، ملاقات کرد و از او خواست که شریعتی از زندان آزاد شود.
1354
رژیم که از دستگیری و حبس شریعتی طرفی نبسته و نتیجه‌ای نگرفته بود، بر آن شد تا با او به طرز «علمی»! برخورد کند. بدین منظور کمیته‌ای به نام «شریعتی شناسی» درست کرد که در آن افرادی چون رضا عطارپور، معروف به حسین‌زاده، از مهره‌های برجسته و فعال ساواک، و تنی چند از محققان رژیم و زندانیان سیاسی بریده، عضو بودند. کار این کمیته مطالعه‌ی آثار شریعتی و شنیدن نوار سخنرانی‌های او برای جعل کتاب و نوار به نام شریعتی بود.
1354
رژیم شاه برای وانمود کردن همکاری شریعتی با رژیم و برای تحقق هدف کمیته‌ی شریعتی شناسی، که مخدوش کردن چهره‌ی او به طرز علمی! بود، یک سلسله از درسهای شریعتی را که پیشتر با عنوان انسان، اسلام و مکتبهای مغرب زمین منتشر شده بود، با عنوان مجعول «مارکسیسم، ضد اسلام» در روزنامه‌ی کیهان به چاپ رساند. در پی این توطئه، شریعتی از طریق دکتر احمد صدر حاج سید جوادی به مسؤولان روزنامه‌ی کیهان اعتراض کرد و آنها عذر آوردند که تقصیری ندارند و ساواک این مقاله را فرستاده است. سرانجام با اعتراض انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا و افشاگری دوستان و شاگردان شریعتی این توطئه‌ی رژیم افشا و خنثی شد.
1356-1354

تحت مراقبت و نظر ساواک قرار داشت و امکان فعالیت و سخن گفتن و منتشر کردن کتابهایش از وی سلب شد. خود می‌گفت: نوع زندانم تغییر کرده و از زندانی دولتی به زندان خانه منتقل شده‌ام. در این مدت چند بار به ساواک احضار شد و یا مقامات بلند مرتبه‌ی ساواک به صورت سرزده به خانه‌اش می‌رفتند.
1355
پسرش را، که از نظر امنیتی به علت ارتباط با جوانان مبارز به مخاطره افتاده بود و ممکن بود در پرونده‌ی او هم تأثیر بگذارد، برای ادامه‌ی تحصیل به خارج از کشور فرستاد.
1356
به علت هجرتی که در پیش داشت از عضویت در هیئت مدیره‌ی صندوق خیره‌ی فاطمه‌ی زهرا در روستای کاهه استعفا خواست. همچنین دو قطعه زمین را، که در آن روستا داشت، از طریق آن صندوق، به مردم آنجا واگذار کرد.
1356
بر آن شد، به هر گونه که شده است، از ایران هجرت کند. از این رو چون دانست که از کشور ممنوع الخروج است، سه راه را برای هجرت پیش‌بینی کرد: گرفتن دعوتنامه‌ای رسمی از مقامات دانشگاهی الجزایر برای تدریس در آنجا، خروج مخفیانه از مرز؛ گرفتن گذرنامه با نامی دیگر. هر سه راه به سعی دوستان شریعتی بررسی و، سرانجام، مشخص شد که همه‌ی پرونده‌های شریعتی به نام علی شریعتی یا علی شریعتی مزینانی است و نه علی مزینانی. حال آن که نام خانوادگی او، در اصل، و چنان که در شناسنامه‌اش بود، مزینانی است و نه شریعتی یا شریعتی مزینانی. بدین ترتیب شریعتی از راه سوم وارد عمل شد و با تدبیر ویژه‌ای به نام علی مزینانی گذرنامه گرفت.
1356
در 26 اردیبهشت ماه به مقصد بلژیک هجرت خود را آغاز کرد. به هنگام توقف هواپیما در آتن، بدون هیچ برنامه‌ی قبلی و باحتمال قوی برای رعایت تدابیر امنیتی، از هواپیما پیاده شد و پس از یک روز با یک شبانه‌روز توقف در آتن با هواپیمای دیگری به بلژیک رفت. سپس دو یا سه روز در بروکسل توقف کرد و از آنجا به انگستان رفت تا از همسر و فرزندانش، که قصد پیوستن به او را داشتند، استقابل کند. در این مدت چند روز به فرانسه رفت و سپس در شب 26 خرداد به انگلستان برگشت و منتظر خانواده‌اش ماند که قرار بود 28 خرداد از تهران به مقصد انگلستان هجرت کنند.
1356
سه روز پس از هجرت شریعتی از کشور ساواک از غیبت او مطلع شد و

سخت به تکاپو و تلاش افتاد تا شاید او را بیابد. سرانجام ساواک در اواسط خرداد ماه کشف کرد که شریعتی با گذرنامه‌ی علی مزینانی از کشور خارج شده است. از این رو ساواک برای وادار کردن شریعتی به بازگشت و یا امتیاز گرفتن از او، از خروج همسرش جلوگیری کرد.
در روز 28 خرداد همسر و فرزندان شریعتی به قصد خروج از کشور روانه‌ی فرودگاه شدند. در آنجا اعلام شد که خانم شریعت رضوی (همسر شریعتی)، ممنوع الخروج است. بدین ترتیب وی با فرزند خردسالش (مونا)، در ایران ماندند و دو فرزند نوجوانش (سوسن و سارا)، به مقصد انگلستان و پیوستن به شریعتی از ایران خارج شدند.
1356
در 28 خرداد دو فرزند شریعتی به لندن رسیدند و شریعتی در فرودگاه به استقبال آنها شتافت و از آنجا به محل اقامتشان رفتند. ساعت هشت صبح یکشنبه 29 خرداد پیکر دکتر شریعتی را در آستانه‌ی در ورودی اتاق، که پنجره‌اش باز شده بود، به پشت افتاده و در حالی که بینی‌اش سیاه شده و باد کرده بود افتاده و بی‌جان یافتند.
1356
سرانجام روزنامه‌های اطلاعات و کیهان پس از چند روز سکوت درباره‌ی درگذشت دکتر شریعتی، در سال 31 خرداد ماه اعلام کردند: مرحوم دکتر علی شریعتی که برای درمان ناراحتی چشم و کسالت قلبی خود به انگلستان رفته بود در آن جا بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت. همچنین در روزنامه‌ی کیهان دوم تیر ماه آمده بود: دکتر شریعتی از مدتی قبل از بیماری قلبی در رنج بود و سرانجام در 56/3/29 بر اثر آخرین حمله‌ی قلبی بدرود حیات گفت. حال آنکه شریعتی در سراسر عمر خود حتی یک بار هم به پزشک قلب رجوع نکرده بود. او نه برای «کسالت قلبی» خود به انگلستان رفته بود و نه از «مدتی قبل» بیماری قلبی داشت. شریعتی پس از آزادی از آخرین زندان، به اصرار برخی از دوستانش، که از سیگار کشیدن او نگران بودند، نواری از ضربان قلب او توسط دکتر محمود فرهودی، که اینک گواه هستند، برداشته شد. نتیجه‌ی کاردیوگرافی رفع هر گونه نگرانی کرد و نشان داد که شریعتی از ناحیه‌ی قلب کاملا سالم است.
1356
گروهی از اعضای ساواک، به سرپرستی یک افسر امنیتی، برای تصاحب پیکر شریعتی و انتقال آن به ایران، وارد لندن شدند. نقشه‌ی رژیم شاه این بود که پیکر شریعتی را در برنامه‌ای «دولتی» و با حضور مقامات رسمی کشور به ایران حمل کنند و با برگزاری مجلس بزرگداشت او و احترام صوری، خود را بی‌گناه نشان دهند. سرانجام به همت خانواده و دوستان شریعتی و دانشجویان خارج از کشور و اعضای نهضت آزادی ایران در

خارج از کشور، کلیه‌ی نقشه‌های رژیم نقش بر آب شد و وکیل احسان شریعتی از دولت انگلیس خواست پیکر پدرش به مأموران ایران تحویل داده نشود.
1356
پیکر شریعتی در بعدازظهر جمعه سوم تیر ماه، با مشارکت صادق قطب‌زاده، عبالکریم سروش و کمال خرازی، غسل داده و کفن شد. آنگاه امام جماعت مسجد هامبورگ، حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری، و تنی چند از دوستان شریعتی، بر پیکر او نماز گزاردند.
1356
خانواده و دوستان شریعتی، پس از گفتگوهای فراوان، بر آن شدند پیکر شریعتی را در زینبیه دفن کنند. بدین ترتیب در روز یکشنبه، پنجم تیر، پیکر شریعتی از لندن به دمشق منتقل شد. در آنجا امام موسی صدر، دوستان شریعتی و بزرگان سوری و لبنانی و فلسطینی بر پیکر او بار دیگر نماز گزادند و پس از طواف در حرم حضرت زینب - س - در کنار آن حضرت به خاک سپردند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

شریفی حسینی، ابوالفتح

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 976 ق)، متکلم، محدث، فقیه و مفسر امامی. معروف به امیر ابوالفتح شرقه. از خانواده‌ای شیرازالاصل و سنی مذهب در ماوراءالنهر متولد شد. وی نزد عصام‌الدین ابراهیم اسفراینی و جامی تلمذ کرد. امیر ابوالفتح چون به مذهب شیعه گروید به اردبیل رفت و در آنجا به تحقیق در فقه شیعه پرداخت و تا پایان عمر در این کار بود. از آثار وی: «آیات الاحکام» به نام «تفسیر شاهی»؛ «اصول الفقه»؛ «تاریخ الصوفیه»؛ «تحقیق معنی الاقوال الشارحه فی المنطق»؛ «حاشیه الکبری»؛ حشایه‌ی «شرح المطالع»؛ «صفوه الصفاء». استاد نفیسی در «تاریخ نظم و نثر» و دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» وی را از شاگردان موسی بن محمد قاضی‌زاده‌ی رومی دانسته و تاریخ وفاتش را 950 ذکر کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (394/2)، تاریخ ادبیات در ایران (252/5)، تاریخ نظم و نثر (374 -373)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (972/7)، الذریعه (346 -345 ،314 /21 ،49/15 ،133 ،59/6 ،277/4 ،261/3 ،202/2 ،41/1)، ریحانه (220/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 176/10).

شعار، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج یوسف شعار (1320 - 1394 ق), از مفسران و مدرسین علوم قرآن کریم معاصر.
تفسیر مورد بحث در یک مجلد به زبان فارسی و شیوه استدلالی شامل بخشی از قرآن کریم است.
مـؤلف در این اثر آیات مشکله قرآن کریم را گردآوری نموده سپس به تفسیر و تاویل آنها پرداخته است.
این کتاب در تبریز طبع گردیده است.
مـؤلـف دارای آثار دیگری بدین شرح است : 1) محکمات و متشابهات در قرآن، و آن در یک جزء به زبان فارسی و شیوه استدلالی در تفسیر و تاویل آیاتی از قرآن که مورد نظر مؤلف بوده است.
این کتاب در تبریز طبع شده است.
2) تفسیر سوره جمعه و منافقون، در یک مجلد به زبان فارسی و شیوه استدلالی و خطابی است.
مـؤلـف این اثر را به تفسیر سوره های جمعه و منافقون اختصاص داده و به تفسیر و تاویل آیات این دو سوره پرداخته است.
این تفسیر نیز در تبریز به چاپ رسیده است.
3) مقدمات تفسیر, در یک جزء به زبان فارسی است.
مـؤلـف در اثر خویش به کلیات علوم قرآن کریم پرداخته و مدخل تفسیر می باشد و در تبریز چاپ شده است.
منابع زندگینامه :تفسیر و تفاسیر جدید, 37, 200; فهرست کتابهای چاپی فارسی، 1/1385 به بعد; مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، 6/894.

شفیعی دارابی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین شفیعی دارابی
محل تولد : دارابکلاء
شهرت : شفیعی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید حسین شفیعی دارابی در حدود سال 48 وارد حوزه علمیه جعفریه زادگاه خویش روستای دارابکلاء ساری شدم سپس برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد رفتم نزدیک به سه سال در جوار حرم ملکوتی امام رضا به فراگیری علوم مختلف ادبیات منطق و فقه واصول اولیه پرداختم در سال تحصیلی 54 از مشهد الرضا به جوار کریمه اهلبیت و حوزه علمیه قم منتقل شدم از آن پس تا به حال در این شهر مقدس مشغول به تدرس ، تدریس و تحقیق می‌باشم پس از ورود به قم احساس کردم باید تقویت بنیه علمی ام بخشی از ادبیات و منطق را مرور کنم و از محضر اساتید خوش آوازه آن زمان از قبیل مرحوم مدرس افغانی ، عرفانی و ... بهره بردم سپس به فراگیری کتب مربوط به فقه و اصول شرح لمعه ، اصول فقه مظفر ، رسایل و مکاسب شیخ انصاری ، کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی و فلسفه و منطق و ... پرداختم و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات ستوده ، پایانی ، سید علی محقق داماد ، سید مصطفی محقق داماد ، سید حسن شجاعی ، شیخ یحیی انصاری شیرازی ، دکتر احمد بهشتی ، دوزدوزانی ، موسوی تهرانی ، سید ابوالفضل موسوی تبریزی بهره جستم پس از آن در کلاس درس اساتید خارج شرکت نمودم ، از سال 62 به بعد تدریس یک دوره اصول آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی را درک کردم در مباحث فقهی نیز خارج زکوه را از کلاس درس آقای منتظری که خداوند عاقبتش را به خیر کند و از اطرافیان و مشاوران ناباب نجاتش دهد استفاده نمودم خارج دو کتاب معظم فقهی یعنی خمس و حج را از محضر حضرت استاد آیت الله جوادی آملی بهره بردمدر کنار دروس رایج در حوزه یعنی فقه و اصول و ادبیات با شرکت در کلاس درس اسفار آیت الله جوادی آملی و درس هیئت آیت الله حسن زاده آملی با کلیاتی از فلسفه و نجوم اسلامی آشنا شدم همچنین از

مباحث تفسیری و اعتقادی و اخلاقی فرزانگانی همچون مرحوم آیت الله مشکینی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله جعفر سبحانی ، آیت الله ابراهیم امینی ، آیت الله اصفهانی و ... با لطف و عنایت الهی در برنامه امتحان عمومی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط شهید مطهری در حوزه علمیه برگزار شد شرکت کردم ودر قدم اول جزء 200 نفری بودم که در امتحان کتبی قبول شدم ، سپس در مصاحبه‌ایکه خود آن شهید بزرگوار به عمل آورد شرکت نمودم و جزء شصت نفری بودم که قبول شدم سرانجام در دوره آموزشی کوتاه مدت شرکت کردم تا در کنار دیگر عزیزان با دانشهای غیر حوزوی آشنا گشتم کمتر از 2 هفته از زمان تشکیل این کلاسها گذشته بود که حادثه عظیم شهادت شهید مطهری رخ داد ولی شاگردان و دست پروردگانش راه را ادامه دادند و ما را یاری رساندنددر ادامه راه با سلسله مباحث و برنامه های مفید و کلاسیک و منظم فرزانه روزگارمان حضرت استاد آیت الله مصباح یزدی آشنا گشتم پس از آزمون وارد برنامه آموزشی موسسه در راه حق ، سپس بنیاد فرهنگی باقرالعلوم و از محضر این شخصیت بزرگوار شیعه و برنامه های آموزشی مورد نظر ایشان بهره های فراوان بردم باید بگویم حیات علمی اینجانب بیش از هرکس موهون زحمات و راهنماییهای این استاد گرانمایه بوده و می‌باشد ناگفته نماند در طول سه سالی که در مشهد بودم با حضور در بحث تفسیری و نماز جماعت مسجد کرامت به امامت مقام معظم رهبری و جلسات شهید هاشمی نژاد در محل کانون بحث و انتقاد دینی و نیز کلاس تفسیری عارف صمدانی حضرت آیت الله میرزا جواد آقای تهرانی بهره ها بردم در کنار فراگیری علوم مختلف از محضر اساتید بزرگوار به تدریس دروس مربوطه علاقه وافری داشته ام بدین جهت تمام متون درسی حوزه از جامع المقدمات تا رسایل و مکاسب را در این مدت تدریس نموده ام گاه درمدارس تحت برنامه شورای مدیریت شهیدین و عترت گاه در مراکز علمی دیگر جامعه الزهرا و غیره و گاه به صورت انفرادی و سالها به صورت دروس عمومی مدرس3 و 4 دارالشفاء به تدریس علوم مختلف پرداختم سالهای پیش از پیروزی انقلاب و پس از ماجرای انقلاب فرهنگی سالها در دانشگاه صنعتی امام باقر تهران و دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد به تدریس معارف اسلامی فلسفه اخلاق و تاریخ اسلام تاریخ سیاسی ایران پرداختم در کنار تدریس با توفیق الهی توانسته ام چندین کتاب و مقاله را به چا پ برسانم پاره ای از مقالات، از مقالات ممتاز شناخته شده اند به لطف پروردگار از جمله طلاب موفق در عرصه خطابه و سخنرانی می‌باشم تا به حال در شهرهای بزرگ و کوچک حدود 20 استان کشور مسافرت تبلیغی داشته ام سالهاست که به عنوان مبلغ بعثه خطیب و سخنران در ایام عمره مفرده به مدینه و مکه اعزام می‌شوم در همین

راستا در دو ماه رمضان به روسیه و ازبکستان اعزام شدم و بارها قبل از خطبه های نمازجمعه قم دفتر مقام معظم رهبری در قم دفتر آیت الله مکارم ، حرم مطهر حضرت معصومه مدرسه فیضیه ، حرم مطهر امام رضا به ایراد خطبه و سخنرانی پرداخته ام .

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین شفیعی
محل تولد : فریدن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
سال 1337 در بوئین میاندشت از توابع شهرستان فریدن اصفهان بدنیا آمدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی در زادگاهم ، در سال 1350 به موجب انسی که با قرآن داشتم با حوزه آشنا شدم و در سال 1352 به حوزه علمیه قم راه یافتم.بخش اعظم دروس سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی(قدس سره) فرا گرفتم و از اساتیدی چون آیات عظام طالقانی ، استادی ، صلواتی ، مقتدائی و تهرانی بهره بردم . بخش دیگر دروس سطح را در خدمت اساتید بزرگوار: اعتمادی و مرحوم آیت الله ستوده بوده در محضر آیت الله امینی و جناب دکتر بهشتی با علوم عقلی آشنا شدم .در سال 1365 در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت جستم . سال 1370 نقطه عطفی در زندگی علمی من بود ، زیرا به توفیق الهی ، مفتخر شدم در جلسات خصوصی درس تفسیر حضرت استاد که برای پاسخگویی به شبهات تفسیری تشکیل می شد حضور یابم و مباحث عمیق تفسیری را از معظم له فرا بگیرم . به موازات تدرس به تدریس نیز ابتدا به صورت خصوصی و سپس در برخی مدارس می پرداختم . در تدریس به توصیه حضرت استاد بیشتر تفسیر و علوم قرآنی را مورد توجه قرار دادم . همزمان به کارهای تحقیقاتی نیز روی آوردم . تصحیح برخی متون نسخه های خطی جزو کارهای اولیه اینجانب بود . به توصیه یکی از دوستان فاضل و محقق رسما" نخستین مقاله خود را به رشته تحریر در آوردم که در یکی از مجلات قرآنی به چاپ رسید . در سال 1373 به موسسه" اسرا " راه یافتم و به تدوین ، نگارش و تنظیم کتب حضرت آیت الله جوادی آملی پرداختم . طی این مدت ، از تالیف مقاله، مشاوره دادن و فعالیتهای تبلیغی نیز غافل نبودم و در فرصتهای پیش آمده رسالت ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را با قلم و بیان به دوش می کشیدم. در همین ارتباط از سال 1363 مسئولیت امامت موقت جمعه

زادگاهم را نیز پذیرفتم و گهگاه در برنامه "بر کرانه نور" رادیو معارف پاسخگوی سوالات دروس تفسیر حضرت استاد جوادی آملی هستم. هم اکنون علاوه بر تدریس در دو موسسه قرآنی نیز مشغول انجام وظیفه هستم .

شفیعی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی شفیعی
محل تولد : قوچان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1349 در روستایی از توابع شهرستان قوچان – به نام گزکوه – متولد شدم – در خانواده ای مذهبی و کشاورز، تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل به شهرستان قوچان آمدم که تا پایان سوّم راهنمایی در مدرسه شهید بهشتی به تحصیلات خویش ادامه دادم. تقدیر و پاره ای پس زمینه های ذهنی و تربیت های خانودگی علاوه بر برخی اتفاقات در دوران تحصیلات راهنمایی ام مسیر زندگی ام را تغییر داد و در سال 1363 همراه با دو نفر از دوستان دوران تحصیل به حوزه علمیه قوچان رفتم دروس ابتدائی حوزه را نزد اساتید ی همچون حجت الاسلام : غلام محسین دلاور – حسن وطنخواه – جعفر ابراهیمی-سید احمد صفویان – محمد مروج و محمد شریعتی شروع کرده و به فرجام رساندم . در سال 1367 با شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه خراسان وارد مشهد شدم. در مشهد ابتداء به دروس اساتید گرامی چون فقیه سبزواری – صالحی – واعظی – نصراللهی – سیدان – رضازاده – اشرفی شاهرودی رفته و سطح را در محضر ایشان تلمّذ کردم و از هریک به فراخور خصوصیات اخلاقی و رفتاری بهره ها بردم.
در مشهد در مدارس علمیه امام زین العابدین(ع) – مدرسیه علمیّه سیّد خندان – مدرسه علمیه آیت الله خوئی سکونت داشتم و همزمان در مدرسه علمیه امام زین العابدین(ع) (نیشابوری ها که البته مدتی بعد از آمدنم به قم متوجه شدم تعطیل شد) به تدریس تهذیب المغنی و سیوطی پرداختم.با پایان یافتن دروس سطحی در محضر استاد گرانقدر مرحوم مهدوی دامغانی حضور یافتم و شروع درس خارج فقه را با ایشان تجربه کردم – وی از شاگردان مبرّز مرحوم آیت الله میلانی و دارای روحیات معنوی و عرفانی عجیبی بود که فرصت ذکرشان نیست – خارج نکاح را با ایشان شروع کردم و تا پایان حضورم در مشهد یعنی حدوداً سه سال این

بهره گیری ادامه داشت.
چند سال حضورم در مشهد مقدس همراه بود با آشنا شدنم با فضاهای جدید فکری و حضورم در هیئت تحریریه روزنامه توس – چاپ مشهد – که بعد از مدتی دبیر صفحه حوزه و اندیشه آن روزنامه شدم.بشتر مقالاتی که منتشر کردم مربوط به همین دوران بوده است.در سلا 1375 به قم عزیمت کردم. در ابتدای ورود به قم با حضور در درس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی – حاج شیخ جواد تبریزی(ره) – شیخ جعفر سبحانی و ناصر مکارم شیرازی در نهایت با توجه به برخی معیارهای شخصی خویش به درس آیت الله محمدعلی گرامی رفته و تا سال 1383 به مدت نزدیک 73 سال از محضر ایشان بهره بردم مکاسب محرمه و برخی مباحث جدید را که در مکاسب محرمه اشاره مرحوم شیخ نبوده و بیع را نزد ایشان تحصیل و به پایان بردم.همزمان در درس تفسیر و خارج آیت الله دکتر محمدصادق تهرانی حاضر می شدم و استفاده می کردم.
تحصیل در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی و آشنائی با اندیشه های فقهی اصولی امام خمینی(ره) – موسسه تنظیم و نشر آثار – از دیگر مراحل زندگی نامه علمی ام بود. که پایان نامه مرکز تخصصی ام آمده برای دفاع است.حضور در پژوهشکده فقه و حقوق و دبیر اجرایی گفت و گوهای پژوهشکده سبب شد در تدریس خود نظم و انضباطی مناسب با فعالیت فوق بدهم و که سبب شد درس فقه آیت الله گرامی را تکر و پی درس اصول استاد لاریجانی و درس فقه آیت الله صانعی بروم.دبیر اجریی گفت گوهای – حق و حکیم –آسیب شناسی فقه و قانون گذاری – اصول فقه حکومتی – احتیاط مبانی دگرها و ریشه ها و ... سبب شد همکاری ام با پژوهشکده فقه و حقوق تداومی تعریف یافته تر پیدا کمند و در سال 1383 به عنوان مدیر دفتر پژوهش آن پژوهشکده انتخاب شدم.مدیریت دفتر پژوهش سبب آشنایی با فضاهای علمی جدیدی شد که این همکاری نهایتاً به عضویتم در هیئت علمی پژوهشکده انجامدی که ادامه دارد.در مدت حضورم در قم به همکاری علمی و اجرایی با مراکزی همچون رادیو معارف، نمایندگی رهبری در جهاد سازندگی سابق تهران مرکز فرهنگ و معارف قرآن پرداخته ام و در مدارسی همچون معصومیه و شهید صدوقی به تدریس علوم قرآنی اشتغال داشته ام.

شکرانی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران رضا شکرانی
محل تولد : خمینی شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1340 هجری شمسی در خمینی شهر اصفهان متولّد شدم و در خرداد 1359 دیپلم خود را گرفتم. شرکت فعال در محافل مبارزه با رژیم ستمشاهی از بزرگترین توفیقات الهی بود که طی سال های قبل از انقلاب نصیب من شد. با آغاز جنگ تحمیلی و بسته شدن دانشگاهها در پاییز 1359 به امر امام (ره) به خدمت سربازی درآمدم و از آنجا داوطلبانه به جبهه های جنگ رفتم. با پایان خدمت سربازی در پاییز 1361 باز بلافاصله از طریق بسیج به جبهه های جنگ رفتم و در عملیات والفجر مقدماتی مجروح شدم. همزمان با طی دوران نقاهت، در بهار 1362 در اولین کنکور سراسری پس از انقلاب فرهنگی، شرکت کردم و در اوّلین رشته انتخاب خود یعنی دبیری الهیات دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در تابستان 1366 دوره کارشناسی را به اتمام رساندم و همزمان در آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه تهران شرکت نمودم و به عنوان نفر اول آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در پاییز 1369 با دفاع از پایان نامه خود که "استخراج مباحث تفسیر سید مرتضی (ره)" از کلیه آثار او و تحقیق و ترجمه بخشی از آن بود، فارغ التحصیل شدم. علی رغم درخواست موکد مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، جناب دکتر سید محمد باقر حجتی، مبنی بر اشتغال به تدریس در آن گروه، تدریس در دانشگاه اصفهان را انتخاب نمودم. بر این اساس در سال 1370 به عضویت هیات علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان درآمدم و در همین سال با تنی چند از دوستان دوران تحصیل، رشته الهیات را در دانشگاه اصفهان راه اندازی نمودیم و دو سال بعد به گروه الهیات رفتم. در سال 1373 با فراهم آمدن امکان تحصیل در دانشگاه لیدز انگلستان قصد ادامه تحصیل در دکترای زبان شناسی با تکیه بر زبان قرآن را داشتم که به علت ابتلاء به بیماری دیسک از عزیمت به انگلستان بازماندم. به همین دلیل در سال 1365 به تحصیل در مقطع

دکترای زبان شناسی همگانی مشغول شدم اما پس از یک سال تحصیل در این رشته، با پذیرش در آزمون دکترای علوم قرآن، به تحصیل در رشته دکترای علوم قرآن دانشگاه تهران مشغول شدم و سرانجام با دفاع از رساله دکتری خود با عنوان «تحلیل ساخت های نحوی قرآن» در مقطع دکترا فارغ التحصیل شدم. همزمان با تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به صورت جنبی دروس حوزوی را نیز تا اواخر سطح به همراه یک دوره فلسفه و کلام فرا گرفتم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدحسن شمس الدین
محل تولد : مسجد سلیمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسن شمس الدین در سال 64 پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه مقدس در اراک شدم و دو سال مقدمات را در آنجا بودم و سال سوم یعنی 67 به حوزه علمیه مقدسه قم آمدم تا بحال این توفیق را دارم در سال 68 در مقطع کارشناسی به دانشگاه شهید بهشتی تهران رفته و با رشته ادبیات عرب را در سال 1372 فارغ التحصیل شدم. در سال 1375 موفق به سطح سه حوزه شدم و همزمان سال وارد دروس تخصصی حوزه شدم که 2 سال آن در دفتر تبلیغات و چهار سال در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی سطح چهار را با پایان نمه آفرینش در قرآن و عمدین به پایان رساندم در طول این سالها در مراکزی همچون آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد و پیام نور واحد نراق و ساوه و سپاه تدیس داشته ام و در بخش تحقیق و بررسی علمی در موسسه دائرة المعارف فقه اهل بیت و پژوهش مرکز تحققاتی قضائی و مرکز تحقیقاتی امام حسن عسکری علیه السلام چند سالی مشغول بوده که حاصل آن کتب و مقالاتی بودکه نوشتم.

شمس القراء، عبدالغفور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از اساتید فن قراءت و تجوید در اصفهان، و در این اواخر استاد مسلم و وحید به شمار می‌رفت. در مسجد آقا نور جلسه‌ی قراءت منعقد نموده، و در برخی از منازل و مساجد دیگر نیز جلساتی داشت. عموم قراء کنونی اصفهان از شاگردان او می‌باشند.
در شب سه‌شنبه 18 شوال 1383 به سن قریب به نود وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حقیر در روز نیمه ذی الحجه ی سال 1365 هـ .ق، روز تولد امام دهم حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام، در شهر قوچان متولد شدم. سیر و سلوک بنده از اینجا شروع شد: حدود 13 ساله بودم که حس خداجویی در من بیدار شد، با کمال تشنگی از خود می پرسیدم راه وصال حضرت باری تعالی چیست؟ در سال 1339 شمسی بنده طلبه شدم و در مدرسه نواب مشهد مشغول تحصیل گردیدم و در کنار درس و بحث حوزوی به مطالعه کتبی که درباره ادیان و مذاهب و طرائق بود، مطالعه و تحقیق می نمودم. نخستین استاد اخلاق بنده، مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی احمدی سینائی بود که ایشان مؤکداً به تخلیه و تحلیه 1 که مقدمه تزکیه نفس است توصیه می فرمودند. طی یک مقدمه با عارف مرتاض حضرت سید ابوالحسن حافظیان آشنا شدم و در خدمت ایشان علم اعداد و علم رمل و جفر ناقص و بعض از ختومات را تعلیم گرفتم، ولی پس از چندین سال به دلائلی دفتر را پاره کردم و به رودخانه ماربره (از سرشاخه های رود دز) ریختم و بخود گفتم: یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم دولت صحبت آن مونس جان مار را بس ادبیات عرب را نزد عارف والامقام استاد حجت الاسلام هاشمی آموختم. ایشان اولین کسی بود که برای بنده درس عشق خدا را آموخت و من سخت مشتاق این راه شدم. چون حوزه قم را غنی تر از حوزه مشهد دیدم، محل تحصیلم را از مشهد به قم تبدیل کردم. روزی خدمت حضرت آیت الله بهجت مشرف شده و شرح الحال اجمالی خود را به ایشان گفتم. ایشان فرمودند: من فعلاً به شما کتابهای مفیدی 2 را معرفی می کنم. به خاطر علاقه زیادم به ایشان، بعضی نمازهای یومیه را در مسجد فاطمیه و به امامت ایشان اقامه می کردم و همیشه سعی می کردم پس از نماز مصاحبت ایشان را از مسجد تا منزل از دست ندهم و همچنین در کلاس درس خارج ایشان، قبل از شروع درس، از فرمایشات اخلاقی و معنوی معظم له استفاده می نمودم. دستورات ایشان اکثراً سفارش به انجام واجبات و ترک محرمات و انجام بعضی مستحبات و ترک مکروهات بود و در بین مستحبات دوام در طهارت و نافله شب و نماز جعفر طیار را بیشتر سفارش می فرمودند. در همین سالها از خرمن علم و عرفان آیت الله العظمی حاج سید رضا بهاءالدینی نیز بهره مند می شدم و مانند کلب اصحاب کهف اکثر روزها خدمتشان

حاضر و استفاده می نمودم. ایشان همیشه شاگردان خود را به تفکر و تعقل تشویق می فرمودند. همچنین از جلسات منوَّر و منوِّر حضرت آقای حاج سید حسین یعقوبی قائنی نیز بهره مند گشته و از کیفیت سلوک عاشقان عملاً مطلع شدم. در همین ایام به درس منظومه و اشارات حضرت علامه آیت الله حسن زاده آملی، عالم عارف، دریای بیکران علم و معرفت حاضر شده و از ایشان هم بهره ها گرفتم. ایشان شاگردان خود را به تحصیل علوم مختلف دینی تشویق می کردند. همزمان با تحصیل در قم در فرصت هایی به مشهد نیز تشرف می یافتم و خدمت بزرگ مردی سلمان گونه، حضرت آقای شیخ عبدالکریم حامد استفاده می کردم که هنر ایشان موشکافی مسائل اخلاص بود. ایشان در مقام تربیت شاگردانش بر محور اخلاص 3 بسیار سفارش می فرمود. عطش شدید من در جستجوی استاد کامل ، با پیشنهاد برخی دوستان و مکاشفه ای به یافتن حضرت آقای حاج اسماعیل دولابی انجامید و همزمان خدمت حضرت علامه طباطبایی صاحب المیزان می رسیدم که درباره ایشان فقط می گویم: یک دهن خواهم به پهنای فلک تا بگویم مدح آن والا ملک توضیحات: 1- «تخلیه» عبارت است از پاک نمودن و تطهیر قلب از بدی ها و آلودگی های گناهان و غبار غفلت و اخلاق ناپسند و اعمال بد و «تحلیه» عبارتست از آرایش قلب به اطاعت و عبادت حضرت حق و جذب صفات حسنه و کریمه. 2- آن کتابها عبارتند از: جامع السعادات ملامهدی نراقی و تذکره المتقین شیخ محمد بهاری و تفسیر شیخ حسن نجفی اصفهانی. 3- «من اخلص لله اربعین یوماً فجر الله ینابیع الحکمه من قلبه الی لسانه: هرکس چهل روز خودش را برای خدا خالص گرداند، خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری گرداند.»

شهرستانی، محمد مهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید ابوالقاسم موسوی اصفهانی.
از اکابر علمای امامیه، فقیه زاهد عالم کامل مفسر. در حدود سال 1130 در اصفهان متولد گردید، و در 12 صفر 1216 در کربلا وفات یافته. پس از تحصیل مقدمات در اصفهان با اهل و عیال و خانواده به کربلا مهاجرت نموده، و در آن ارض اقدس سکونت فرمود، و در آنجا نزد: وحید بهبهانی، و شیخ یوسف بحرانی، و ملا مهدی فتونی تحصیل نموده، و خود حوزه‌ی درس فقه و اصول و تفسیر داشته، و در بین شاگردان بهبهانی از جنبه‌ی تفسیر شهرت داشته، کمتر تألیف می‌نموده.
تألیفات او عبارت است از: 1- تفسیر برخی از سوره‌های قرآن 2- حاشیه بر مفاتیح 3- فذالک، در شرح مدارک 4- مصابیح، در فقه؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهرستانی، هبةالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1386 -1301 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، هیوی، مجتهد، مفسر و رجالی. ملقب به هبةالدین و معروف به شهرستانی. نسبش با سی واسطه به زید بن علی بن حسین (ع) می‌رسد. او از سادات شهرستانی اصفهان است. در سامرا به دنیا آمد. مقدمات را در محضر پدرش آموخت. وی علاوه بر فراگیری صرف و نحو، منطق، عروض، بدیع، معانی و بیان از تاریخ و حدیث و ریاضیات نیز بهره‌مند گشت. در 1319 ق به نجف رفت و در حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی شرکت نمود و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد و خود مستقلا به تدریس پرداخت. شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شبیبی و سید سعید کمال‌الدین از شاگردان او بودند. وی از شیخ محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و سید عبدالصمد موسوی شوشتری و امیر سید محمد آل امیر سید علی کبیر و سید حسن بن هادی شرف‌الدین کاظمی و سید صدرالدین عاملی اصفهانی و آخوند خراسانی اجازه‌ی روایت و از سید مصطفی حجت کاشانی و سید محمد مجتهد کاشانی و سید مولوی هندی و سید محمد مهدی حکیمی و سید محمد حجت فیروزآبادی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او در 1328 ق مجله‌ی «العلم» را منتشر نمود که نخسین مجله عربی در نجف است و برای پشتیبانی آن کتابخانه‌ای تأسیس کرد تا علما و ادبا و به ویژه جوانان بتوانند از آن استفاده کامل برند. وی همچنین با مجله «المرشد البغدادیة» همکاری داشت، و برای نشر معارف دینی به سوریه، لبنان، مصر، حجاز، یمن، ایران و هند مسافرت نمود. در دوره‌ی ملک فیصل، پادشاه عراق، عهده‌دار منصب وزارت معارف گردید. در 1340 ق از مقام خود استعفا نمود و به امر تألیف پرداخت. در 1342 ق مجدداً به امر حکومت عراق به ریاست دیوان عالی تمیز (مجلس تمیز جعفری) منصوب گشت. همچنین در 1352 ق از طرف مردم بغداد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و پس از انحلال مجلس در همان سال، تمامی اوقات خود را صرف تألیف نمود. در اواخر عمر در کاظمین کتابخانه‌ای به نام مکتبةالجوادین تأسیس نمود و کتابخانه شخصی خود را به آنجا منتقل کرد. او در کاظمین درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار علمی‌اش: «الامامة والامة»؛ «الجامعة الاسلامیة و العقائد القرآنیة»؛ «الجان والجن»؛ «حکمة الاحکام»؛ «الشریعة والطبیعة»؛ «فغان اسلام» یا

«دعوةنامه»؛ «ماهو نهج‌البلاغة»؛ «المعارف العالية للمدارس الراقية»؛ «ثقاة الرواة»؛ «مواقع النجوم فی تحقیق سماء الدنیا والرجوم»؛ «نقض الفرض فی اثبات حرکة الارض»؛ «نهضة الحسین (ع)»؛ «الهیة والاسلام»؛ تفسیر سوره‌ی «الواقعة»؛ «توحید اهل التوحید»؛ «المرجانیة»، در تلخیص «دلائل الخیرات»؛ «تنزیه التنزیل»، در اثبات صیانت مصحف از نسخ و نقص و تحریف؛ «التنبه فی تحریم التشبه بین الرجال والنساء» یا «التنبه فی حرمة التشبه بین النساء والرجال»؛ «المعجزة الخالدة»، در اعجاز قران؛ «رواشح الفیوض فی علم العروض»؛ «اشاعة النوادر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (261/ 10)، الذریعه (260 -259/ 25 ،430 ،290/ 24 ،243 ،230/ 23 ،302/ 20 ،32/ 19 ،278 ،277 ،106 -105 ،3/ 16 ،183/ 14 ،101 ،38 -37/ 12 ،257 ،139/ 11 ،189 ،44/ 10 ،87/ 8 ،378/ 6 ،77 ،76 ،8/ 5 ،484 ،229/ 4 ،487 -486 ،130 ،63/ 3 ،481 ،214 ،99/ 2)، ریحانه (352 -350/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 1418 -1413/ 14)، علماء معاصرین (211 -201)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (762 -761/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (285 -282/ 4).

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علم دینی.
تولد: 1305، روستای قاجر (اطراف مهاباد).
شهادت: 2 فروردین 1361، مهاباد.
ملا کریم شهریکندی مقدمات را تا سیزده سالگی از پدر آموخت. پس از فوت پدر، به منظور ادامه‌ی تحصیل همراه برادرش ملا علی از شهریکند به روستای قروچا رفت و در آنجا در محضر ملا شیخ عمر مدرس به آموختن علوم اشتغال ورزید، چندی بعد نیز درسش را در قریه قراگوز ادامه داد. استادان او عبارت بودند از: ملا سید حسن مدرس روستای باغچه له‌ر؛ ملا عبدالله محمدی امام جمعه سقز؛ ملا علی بوغده کندی (از فضلای بوغده کند)؛ ملا شیخ حسن شیخی عارف روستای شیلخر و ملا علی ولزی استاد روستای حمامیان از توابع بوکان. در سال 1318 به حوزه‌های علمی مهاباد روی آورد و مدت یک سال از محضر ملا صدیق صدقی استفاده علمی نمود و بالاخره تحصیلات عالیه خود را در خدمت ملا حسین مجدی در مسجد بازار به پایان رسانید و اجازه‌نامه‌ی خود را از او دریافت نمود. در سال 1321 به امامت و تدریس قریه خلیفه لیان از توابع سلدوز نقده انتخاب شد و به آنجا رفت. مدتی بعد از طرف اهالی نقده به امامت و خطابت اهالی سنی نقده تعیین شد و به آن شهرستان رفت. اما پس از چند ماه به اصرار و استدعای اهالی خلیفه لیان برای بار دوم به آن قریه مراجعت کرد.
در سال 1331 به مهاباد رفت و مقیم شد، بلافاصله به عنوان مدرس مدرسه علوم دینی و امام جماعت مسجد مولوی از طرف اهالی مهاباد برگزیده شد و به تدریس مشغول شد. وی مدت بیست سال به تدریس در مدرسه علوم دینی و در دبیرستان‌ها مشغول بود و دانشجویان در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی و دکترای ادبیات فارسی و عربی و حقوق و الهیات از او کمک می‌گرفتند. او با مراکز علمی دنیای اسلام مخصوصا دانشگاه الزهراء در قاهره ارتباط داشت. و حتی از طرف این دانشگاه جوایزی به او اهدا شد. وی بر زبان و ادبیات عربی و کردی و فارسی تسلط داشت، مخصوصا در تفسیر قرآن و تاریخ ایران و اسلام صاحب نظر بود.
وی سرانجام ساعت یک بعدازظهر روز دوشنبه دوم فروردین 1361

هنگامی که پس از ادای نماز ظهر از مسجد مولوی خارج می‌شد، به سبب اصابت سه گلوله به پیکرش شهید گردید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا شهیدی پور
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1337 هجری شمسی در یک خانواده روحانی در شهرستان قم دیده به دنیا گشودم تحصیلات ابتدایی را در دبستان ملی مسعود گذراندم و در بیشتر سالها شاگرد نمونه کلاس بودم پس از گذراندن ششم ابتدایی با تشویق پدرم که روحانی برجسته‌ای است در سال 1351 وارد حوزه‌ی علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل ادبیات و زبان عربی و دروس مقدماتی حوزه گردیدم.
از همان دوران تحصیلات حوزوی اشتیاق فراوانی نسبت به قرائت و حفظ قرآن کریم در خویش یافتم و در کنار تحصیل به فراگیری فنون قرائت و حفظ قرآن پرداختم و به فضل الهی موفق به حفظ کل قرآن کریم در مدت چهار سال (1352 ـ 1355) شدم و در مدارس حوزه به تدریس فنون قرائت قرآن پرداختم. ضمناً در جلسات قرائت قرآن نیز به تدریس قرائت و مفاهیم قرآن به جوانان مشغول بودم.
در سال 1356 در مسابقات حفظ و قرائت قرآن که در سطح شهرستان قم در مسجد محمدیه سه راه موزه برگزار گردید به عنوان استاد و داور قرآن، همکاری داشته‌ام. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی(ره) که احیاگر ارزشهای قرآنی در کشور ایران و جهان اسلام بود فعالیتهای قرآنی شکل تازه‌ای به خود گرفت و فراگیر شد و با استقرار دولت جمهوری اسلامی در ایران، فعالیت‌های قرآنی در نهادهای انقلابی و مؤسسات علمی و حوزه و دانشگاه آغاز و رشد و توسعه یافت اینجانب نیز در نهادهایی انقلابی از جمله سپاه پاسداران، بسیج، جهاد سازندگی اوقاف و امور خیریه سازمان تبلیغات اسلامی به تدریس فنون قرائت پرداختم. در سال 1359 به دعوت سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان داور مسابقات سراسری حفظ و قرائت قرآن و سپس در سال 1360 در مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن به داوری مشغول

شدم که تاکنون ادامه دارد و سابقه اینجانب در داوری مسابقات بین‌المللی بالغ بر 25 سال می‌باشد سابقه تدریس اینجانب در دانشگاه از سال 1363 تاکنون و افزون بر 22 سال می‌باشد و در دانشکده شهید محلاتی دانشگاه آزاد اسلامی قم و اراک دانشگاه قم پیام نور دانشکده علوم قرآنی قم و مجمع آموزش عالی پردیس قم به تدریس فنون قرائت مشغول می‌باشم.
اینجانب تاکنون در مسابقات قرآنی فراوانی به عنوان داور مسابقات شرکت داشته‌ام از جمله: دانشگاه آزاد (قرآن و عترت) سازمان تبلیغات، نیروهای مسلح، ارتش، نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، مسیح، جهاد دانشگاهی، پیام نور، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، تربیت بدنی، فهرستی و سازمان اداره زندانها می‌باشد. بیشترین فعالیت اینجانب در کنار تدریس فنون قرائت، تربیت مربی قرآن بوده که با همکاری برخی نهادها از جمله سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز پژوهشهای قرآن و عترت و جهاد دانشگاهی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها انجام شد و حاصل آن به ترتیب مربیان برجسته و متعهد در سراسر نقاط میهن اسلامی ایران می‌باشد. اینجانب موفق به تألیف چند کتاب گردیدم که هر کدام متن درسی قرائت و تجوید قرآن در حوزه علمیه و دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه آزاد اسلامی در سراسر کشور می‌باشد از جمله کتاب روان‌خوانی و تجوید قرآن، همکاری جناب آقای علی حسینی و آموزش قرائت قرآن با همکاری آقای حسین اسدی. نوشته دیگری که به سفارش مرکز جهانی علوم اسلامی انجام شده کتاب آشنایی با اصول قرائات می‌باشد که متن درسی طلاب علوم دینی غیرایرانی قرار گرفته است.
توضیحات تحلیلی وقف و ابتداء در حاشیه مصحف به سفارش شواری عالی قرآن صدا و سیما انجام شده که در مراحل چاپ و نشر می‌باشد و برای قاریان قرآن بسیار لازم و ضروری می‌باشد. با توجه به این که عنوان درس قرائت قاریان برجسته جهانی اسلام را تهیه کرده‌ام که از جمله غنی ترین آرشیو تلاوت‌هایی قرآن در کشور به شمار می‌رود که شامل ده هزار تلاوت 000/10 می‌گردد که برخی از آنها در اختیار رادیو قرآن قرار گرفته و از آن رادیو پخش شده است این مجموعه در اختیار افرادی که در زمینه قبول قرائت تلاش می‌کنند قرار می‌گیرند و نیز در کلاسها و جلسات آموزش قبول قرائات استفاده می‌شود. اینجانب عضو شورای عالی قرآن اوقاف و امور خیریه و کارشناس تلاوت‌های قرآن در شورای قرآن صدا و سیما و عضو کمیسیون تحقق مرکز طبع و نشر قرآن کریم می‌باشم. در گروه گزینش استادان قرآن در دانشگاه آزاد اسلامی عضو بوده و در سال 1384 به عنوان خادم نمونه قرآن در زمینه آموزش و ترویج فرهنگ قرآنی معرفی گردیده و توسط رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران جناب آقای

دکتر احمدی‌نژاد مورد تقدیر قرار گرفته‌ام که خداوند را بسیار شاکرم که توفیق خدمتگزاری به ساحت مقدس قرآن کریم را به اینجانب عنایت فرمود امید است لیاقت این عنوان را داشته باشم و از شفاعت قرآن و عترت در دو جهان بی‌بهره نباشم

شهیدی، میرزا ابوتراب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا ابوتراب شهیدی در سال 1239 ،در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر ، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود. پس از بازگشت به ایران و مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین ، در حرکتهای سیاسی زمان خود شرکت نمود ، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهراب ، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد. حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی سرانجام در 30 ذی القعده 1375 هجری قمری دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : میرزا ابوتراب شهیدی فرزند آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم شهیدی ، نواده حاج ملا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث ،در قزوین متولد گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا ابوتراب شهیدی پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر ، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود.استادان و مربیان : میرزا ابوتراب شهیدی ابندا نزد پدر خود علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به نجف اشرف رفته و در آن دیار در مجلس درس استادانی چون: سیدمحمدکاظم یزدی (صاحب کتاب عروه الوثقی) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الاصول) استفاده کرد. او پس از گذشت دوازده سال به ایران مراجعت کرد و در درس شیخ فض الله نوری حاضر شد.وقایع میانسالی : مهمترین رویداد به وقوع پیوسته در دوران حیات حاج میرزا ابوتراب شهیدی وقوع انقلاب مشروطه و حوادث مربوط به آن بود. وی از جمله مخالفان جریان مشروطه خواهی بود و همین عامل مدتی برای او خانه نشینی و سپس مهاجرت به تهران را در پی داشت.زمان و علت فوت : میرزا ابوتراب شهیدی در 30 ذی القعده 1375 هجری قمری دار فانی را وداع گفت.فعالیتهای آموزشی : میرزا ابوتراب شهیدی پس از اتمام تحصیلات خود در نجف اشرف ، در سال 1330ق به دیار خود قزوین بازگشت و مشغول تدریس گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره :

میرزا ابوتراب شهیدی پس از مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین ، مدتی هم در حرکتهای سیاسی شرکت نمود ، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهراب ، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد.آرا و گرایشهای خاص : شیوه تفسیری حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی ، تفسیر آیه به آیه به روایت است و در بعضی موارد بحث هایی فلسفی نیز دارد ، چنانکه جامعیت آن را بین حکمت ، فلسفه ، کلام ، روایات و تفسیری قرآن با قرآن را در آن مشاهده نمود.آثار : التوحید ،المبین و تبین فی شرح المواعظ البراهین ویژگی اثر : این کتاب تفسیر قرآن مجید به زبان فارسی است و در پنج جلد پایان یافته است. منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص 1932قرآن پژوهان قزوین ، مولف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران ، 1380 ، ص 136-137

شیبانی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد شیبانی
محل تولد : قاین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/9/1
زندگینامه علمی
آقای محمد شیبانی در سال 1336هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در خضری از توابع قائنات دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1351 که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه گناباد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1368 به حلقه دروس خارج راه یافت. در آن دیار از درس بزرگانی همچون آیت الله رضا زاده، آیت الله مرتضوی، آیت الله حجت هاشمی، آیت الله واعظی طبسی و... بهره ها برد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشددر سال 1379از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید ایشان برای تبلیغ مذهب انسان تشیع به کشوورهای متعددی از جمله غنا، مالاوی و کنیا سفر کرده است، سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه تربیت معلم سبزوار و...مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود از نگارش و تألیف غافل نبوده است و مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

شیخ الاسلامی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود شیخ الاسلامی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم شدم و در حین تحصیل دروس متوسطه را اخذ نمودم و مدتی توفیق حضور جبهه را داشتم در سال 1371 به تحصیل کفایتین و مکاسب اشتغال داشتم و به دست مقام معظم رهبری به لباس روحانیت ملبس شدم و در سال 1372 به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی،مکارم به تلمذ مشغول شدم ودر این همه سالها به تبلیغ و ارشاد هم موفق بودم در سال 1374در دروس تخصصی کلام در موسسه امام صادق تحت اشراف آیت الله سبحانی پذیرفته شدم و پس از فارغ التحصیلی به تدریس در حوزه و دانشگاه اشتغال یافتم در سال 85بعنوان عضو هیات علمی در دانشگاه پیام نور پذیرفته ودر مرکز نطنز ادای وظیفه می کنم و در خدمت دانشجویان و اساتید فرهیخته هستم .

شیخ الرئیسی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد شیخ الرئیسی
محل تولد : کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1320/1/1
زندگینامه علمی
آقای محمد شیخ الرئیسی در سال 1320 در خانواده ای متدین و کاملا آگاه به مسائل مذهبی و دوستدار خاندان پاک نبوت و امامت در کرمان دیده به جهان گشود ، دوران ابتدائی ، راهنمای و دبیرستان را با موفقیت پشت سر گذاردند و در سال 1340 وارد حوزه علمیه کرمان گردید پس از مدتی تحصیل در کرمان در سال 1355 که اوج مبارزات مردم و روحانیت علیه رژیم ستم پیشه شاهنشانی بود وارد حوزه علمیه قم گردید تا در کنار تحصلات حوزوی به جرگه معترضین به رژیم شاه بپیوندد . در قم از محضر بزرگان علم و اخلاق همچون مرحوم آیت الله مشکینی و منتظری بهره ها برد.
در کنار تحصیلات حوزوی در سال 1378 در مقطع دکترا از دانشگاه آزاد تهران فارغ التحصیل شد و از پایان نامه خویش با عنوان شعرای شیعه در اثر عباسی اول با موفقیت دفاع کرد، و در کنار تحصیل علاوه بر تدریس به امر پژوهش هم اشتغال دارد که در این زمینه آثاری را هم در مجلات و روزنامه های کشور به زیور طبع آراسته است.

شیخ‌الاسلام تبریزی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1240- 1310 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و ادیب امامی. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری کتب مقدماتی، عربی و فارسی، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و در آنجا در نزد شیخ انصاری و حاج شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء و فاضل ایروانی و شیخ محسن خنفر و شیخ مشکور و دیگران درس خواند. پس از نیل به مدارج عالی به زادگاهش بازگشت و مورد توجه خاص و عام گردید. در 1282 ق پس از وفات برادرش میرزا شفیع به منصب شیخ‌الاسلامی رسید. شیخ‌الاسلام علاوه بر مراتب علمی قریحه‌ی شعری نیکویی داشت و اشعار لطیفی از خود بجای گذاشت. وی سفری از تبریز به نجف و از آنجا به مکه کرد و در حال حج‌گزاری از دنیا رفت و در قبرستان ابوطالب (ع) دفن شد. از آثار وی: «درایه الحدیث»؛ «دکه القضاء»، در شهادت و قضاء؛ «رساله‌ی مشتقات»؛ «حقایق القوانین» که حاشیه‌ی «قوانین الاصول» است؛ «تمییز الصحیح من الجریح»، در تعادل و تراجیح؛ حواشی بر «مجمع البحرین» طریحی؛ «کاشفه الکشاف»، حاشیه بر «کشاف» زمخشری؛ «مفتاح البسمله»؛ «منتهی المقاصد»، در علم نحو؛ «مواقع النجوم فی مشکلات العلوم» یا «غایه الاملین»، در حل مشکلات آیات؛ «المنهل الصافی»، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ رساله‌ای در «عدم حجیت اصول مثبته»؛ «عجب العاجب»، در مساله اجرت بر واجب؛ «ابداء البداء»، در حقیقت قدر و قضا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (55/8)، اعیان الشیعه (107/10)، دانشمندان آذربایجان (268)، الذریعه (230/23 ،41/21 ،6/16 ،220/5 ،64/1)، ریحانه (298 -296 /3)، علماء معاصرین (44 -40)، معجم المؤلفین (181/12)، مکارم الآثار (1125 -1123 /4).

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1031/1030 -953 ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شیهد ثانی، و عبداللّٰه بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرندیب و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرتها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی- مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ‌بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعداللّٰه، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین نایینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محدصالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهائی، منتقل شده بود. شیخ‌بهایی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در

«ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «حبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثا»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زیده الاصول» یا «الزبده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره».[1]
(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک 953 ه.ق./ 1546 م.- ف. اصفهان 1031 ه.ق./ 1622 م.) پدرش عزالدین حسین در سال 966 به ایران مهاجرت کدر و بهاءالدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به 88 کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است:
دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصةالحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (بعربی)، کشکول که مجوعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله واشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (927 -926 /3)، الاعلام (334/6)، اعیان الشیعه (234/9)، تاریخ ادبیات ایران، براون (279 -277 /4)، تاریخ ادبیات در ایران (1047 -1039 /5)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (515 -502)، تذکره‌ی روز روشن (122 -121)، تذکره‌ی نصرآبادی (151 -150)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (506 -495)، دایرةالمعارف فارسی (1522/2)، دنباله جستجو در تصوف (259)، الذریعه (77/18، 983، 143، /9 88، 103، 168، 173، 195، 203، 211، 224- 225، 6/ 240- 241، /6 ،39 425، 4/ 185- 186، 200، 498، 509، 5/ 62- 63، 301- 302، ،36 -35 /3 ،42/2، 115، 117- 118، 85 /1)، روضات الجنات (80 -54 /7)، ریاض العارفین (49 -45)، ریاض العلماء (97 -88 /5)، ریحانه (320 -301 /3)، زندگینامه ریاضیدانان (172 -170)، سرآمدان فرهنگ

(232/1)، سیری در شعر فارسی (384 -383)، شخصیتهای نامی (273 -270)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 88 -85 /11)، عالم آرای عباسی (157 -155 /1)، فرهنگ ادبیات فارسی (311 -310)، فرهنگ سخنوران (147)، فقهای نامدار شیعه (228 -209)، فوائد الرضویه (521 -502)، فلاسفه‌ی شیعه (429 -415)، کارنامه بزرگان (325 -324)، الکنی و الالقاب (100/2)، مؤلفین کتب چاپی (432 -421 /5)، مجمع الخواص (41 -40)، مجمع الفصحا (15 -12 /4)، مطلع الشمس (388 -386 /2)، معجم المؤلفین (242/9)، منظومه‌های فارسی (356 -353)، نتایج الافکار (105 -103)، یغما (س 13، ص 146 -143).

شیرازی، ابومحمد، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1312 -1230 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. مشهور به میرزای مجدد، زیرا که در آغاز قرن سیزدهم قمری مجدد مذهب جعفری بوده است. در شیراز به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی دایی خویش ، سید میرزا حسین موسوی مجد الاشراف، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمدتقی رازی، صاحب «حاشیه بر معالم»، و سید حسن مدرس بیدآبادی و حاج ابراهیم کرباسی استفاده نمود و قبل از بیست سالگی از مدرس بیدآبادی به دریافت اجازه نایل آمد. او مدتی در اصفهان به تدریس پرداخت و جماعتی از مجلس درس او بهره بردند. در 1259 ق به عراق رفت و در نجف در محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ حسن آل کاشف الغطاء، صاحب «انوار الفقاهة»، و در کربلا در محضر سید ابراهیم، صاحب «ضوابط»، تلمذ نمود. پس از درگذشت استادش، صاحب «جواهر»، در درس شیخ انصاری شرکت نمود و مدتها بحثهای او را در فقه و اصول ملازمت کرد و در بین چند صد نفر از شاگردان شیخ شاخص شد. پس از درگذشت شیخ انصاری در 1281 ق، وی عهده‌دار مرجعیت دینی گردید. در 1291 ق به سامرا رفت و در آنجا تشکیل حوزه‌ی درس داد. میرزا محمدتقی شیرازی، آخوند خراسانی، علامه سید محمدکاظم یزدی، حاج سید اسماعیل صدر، سید حسن صدر، میرزا محمدحسین نایینی، حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی، حاج آقا رضا همدانی، حاج سید اسداللّٰه اصفهانی، حاج شیخ فضل‌اللّٰه نوری، حاج میرزا ابوالفضل کلانتری، حاج شیخ احمد شانه‌ساز و سید میرزا حسین علوی از شاگردان او بودند. در اواخر عمرش، زعامت شیعه در او منحصر گشت و این امر برای کمتر زعیمی در طول تاریخ شیعه اتفاق افتاده است. وقتی در رجب 1308 ق، ناصرالدین شاه امتیاز انحصار تنباکوی ایران را به تالبوت واگذار کرد و به خواسته مردم و رهبران دینی که خواستار لغو چنین امتیازی بودند وقعی ننهاد، میرزای شیرازی طی حکمی در چند کلمه استعمال دخانیات را تحریم کرد. این واقعه به نهضت تحریم تنباکو معروف گشت. میرزا در اثر بیماری سل در سامرا درگذشت و طبق وصیت او، پیکرش را به نجف منتقل و در حرم امیرالمؤمنین (ع) دفن کردند. از آثارش: حاشیه بر «نجات العباد» شیخ محمدحسن نجفی؛ حاشیه بر «النخبة» ملا محمد ابراهیم کرباسی؛ کتابی

در «طهارت»؛ رساله در «رضاع»؛ کتابی در «فقه»، از اول مکاسب تا آخر معاملات؛ تلخیص «افادات» شیخ انصاری؛ رساله «اجتماع الامر و النهی». [1]
محمدحسن بن میرزا محمود بن میرزا اسماعیل بن السید فتح‌اللّه بن سید عابد بن لطف‌اللّه بن محمد مؤمن الحسینی الشیرازی نجفی اعظم و اشهر و اعلی مرجع امامیه در تمام بلاد اسلامیه در زمان خودش در 15 جمادی‌الاولی 1230 قمری در شیراز متولد شد و در آنجا مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را خوانده در سن 17 سالگی به اصفهان آمده و به درس علامه بزرگ شیخ محمدتقی (صاحب حاشیه معالم‌الاصول) آمده و درین 20 سالگی به درس علامه ورع شیخ محمدابراهیم کلباس شرکت نموده تا یکی از مدرسین فاضل اصفهان گردیده جماعتی از فضلاء از محضرش استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف در سال 1259 ق نموده و به درس صاحب جواهر و شیخ حسن آل کاشف‌الغطاء مؤلف (انوارالفقاهه) حاضر شده و پس از آنها عمده استفاده‌اش از علامه شیخ مرتضی انصاری و در میان تلامذه شیخ موجه و مشار بالبنان بوده است و کراراً شیخ می‌فرموده من برای سه نفر مباحثه می‌کنم میرزا محمدحسن شیرازی (مترجم معظم ما) و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آقا حسن تهرانی و بعد از فوت شیخ در سال 1281 ق مردم متوجه به میرزا شده و همه شاگردان شیخ وی را بر خود مقدم داشته تا زعامت عامه و ریاست عامه به آنجناب منتهی شده و در سال 1287 ق در عصر شریف عبداللّه الحسنی مشرف به مکه گردیده و در خانه موسی بغدادی وارد شده و وقتی شریف مکه یعنی پادشاه حجاز از ورودش مطلع شد وقتی معین کرد که میرزا به ملاقات او برود. میرزا به او جواب داد: قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله. (اذا رایتم العلماء علی ابواب الملوک فقولوا بئس العلماء و بئس الملوک و اذا رأیتم الملوک علی ابواب العلماء فقولوا نعم العلماء و نعم الملوک).
وقتی که دیدید دانشمندان و علماء را که به دربار سلاطین رفت و آمد می‌کنند. بگوئید که چه بد علمائی هستند و چه بد ملوکی می‌باشند و بالعکس هنگامی که دیدید پادشاهان به منزل علماء آمد و شد می‌کنند بگوئید چه خوب علماء و چه خوب سلاطینی هستند. پس وقتی این جواب به شریف رسید فوراً به زیارت آن بزرگوار مشرف شد.
آثار و خدمات آنجناب به عالم تشیع بسیار است یکی از آنها تشکیل حوزه علمیه و بناء مدرسه در سامره بود که این شهری که مدفن دو امام معصوم و خاندان جلیلشان می‌باشد و زادگاه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف است از ناامنی و خطر نواصب و متعصبین اهل سنت مصون شود و شیعیان با اطمینان خاطر برای زیارت و بیتوته در این مقام شریف مشرف شوند.

و دیگر از خدمات ایشان تحریم تنباکو و لغو شدن امتیازاتی که استعمارگران غربی از ناصرالدین شاه قاجار گرفته بودن و اثر این مسئله که کتابها در این موضوع نوشته شده و تفصیل این مطالب مربوط بکتب مبسوطه دیگر است و علامه تهرانی صاحب الذریعه کتابی بنام (هدیة الرازی الی مجدد الشیرازی) نوشته و در آن بسط کلام داده است. آن بزرگوار در شب چهارشنبه 24 شعبان 1312 بکسالت سل از دنیا رفت و جنازه‌اش را مردم با دوش از سامره به نجف اشرف که بالغ بر چهل فرسخ است حمل کردند و در صحن شریف مقبره جنب باب طوسی دفن نمودند.

حاج میرزا محمدحسن بن میرزا محمود بن محمد اسماعیل حسینی شیرازی (ف. 1312 ه.ق)، از علمای عالیقدر شیعه. میرزا در اوایل زندگی در سال 1248 ه.ق از مولد خویش شیراز به اصفهان آمد و نزد علمای آن شهر به تحصیل علوم عقلیه و نقلیه پرداخت و از آنجا در 1259 ه.ق به عتبات رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تلمذ پرداخت. در سال 1291 ه.ق در سامره اقامت نمود و در آنجا به تدریس و تعلیم مشغول بود تا اینکه در 1312 ه.ق بدرود حیات گفت و جنازه‌اش را به نجف حمل کرده و به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (310 -304/ 5)، الذریعه (91/ 24 ،227/ 6)، ریحانه (68 -66/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 441 -436/ 14)، کارنامه‌ی بزرگان (393)، الکنی و الالقاب (223 -222/ 3)، لغت نامه (ذیل/ حسن شیرازی)، معجم المؤلفین (293 -292/ 3)، مکارم الآثار (890 -883/ 3)، میرزای شیرازی.

شیرازی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله شهید سید حسن شیرازی : سال 1345 قمری با ولادت طفلی مبارک از این نسل پاک خاندان شیرازی ها با ریگر به خود بالید و مردمان بسیاری را به دعای شکر وادار کرد .
پس از گذراندن دوران کودکی در جوار بارگاه امیرالمومنین علیه السلام عشق به مکتب اهلبیت علیهم السلام سید حسن را به تحصیل در علوم حوزوی کشانید تا با اقتدا به اجداد پاک و مطهرش آینده ای روشن را ّبرای خود رقم زند . سالها گذشت و او روح و جانش را با اشتیاق در زیر آّبشار علوم آل الله شستشو داد تا مفتخر به اجتهاد گردید آن شهید والا مقام در حیات پر افتخارش در ممالک متعددی از جمله سوریه و لبنان و عراق و مصر سعی وافر در خدمتی خالصانه به اسلام نمود و سالیانی دراز دلیرانه به مبارزه با ظلم وستم پرداخت و بارها تا مرز شهادت پیش رفت
او در عراق با انتشار مجلات و تالیف کتب مختلف به زبان عربی ضمن ایجاد تحول در نحوه فراگیری ادبیات عرب نقشی سبز در اعتلای سطح فرهنگی مردم شیعه عراق ایفا نمود در همین سالها به مخالفت با جریانهای ضد دینی که در عراق شکل میگرفت میپرداخت و مقاالالت کوبنده ای را منتشر میساخت.
در سوریه با تاسیس حوزه علمیه زینبیه خدمت بزرگی به مسلمانان این کشور نمود و در همین راستا توانست با فعالیتهای گسترده و نگرشی عالمانه در راستای اصلاح فرقه های علی اللهی و اهل حق که از عقاید منحرفی برخوردار بودند خدمت شایانی از خود به یادگار گذارد .
ایشان در لبنان با تاسیس پایگاه علمی و فرهنگی و سازمانی به ام جماعة العلما برگ زرین دیگری بر افتخارات خود افزود و همچنین تاسیس مدرسه الام المهدی از دیگر اقدامات ایشان بود در لبنان.
چندی بعد به دعوت بازرگان مهاجر لبنانب به کشور ساحل عاج رفته و در اندک زمان توقف خود در انجا اقدام به ساهت بنای مرکز اسلامی نمود
ایشان همچنین در نبرد با حزب بعث که در سوریه شکل گرفته بود به مبارزه علنی و آگاهی بخشی به توده های مردم روی آورد و در این راهم متحمل سختیهای بسیار گشت . اما سرانجام در روز جمعه 12 اردیبهشت سال 59 انگاه که تصمیم داشت در مجلس یادبود شهید محمد باقر صدر شرکت کند مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید و پیکر ایشان پس

از انتقال به قم و خواندن نماز توسط آیت الله العظمی مرعشی نجفی در صحن حرم حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد

شیرازی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزّالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی بود که در 15 جمادی الاولی سال 1230 ق در شیراز متولد گردید. وی قبل از 20 سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از جمله استادان وی صاحب جواهر و صاحب انوارُ الفِقاهَه، محمد ابراهیم کلباسی، محمدتقی اصفهانی و علی تُستَری بودند. میرزای شیرازی پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام گردید و در حدود سی سال این سمت را به عهده داشت. شاگردان زیادی در مکتب میرزا کسب علم کرده‌اند که از آن میان حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ‌فضل‌اللّه نوری، میرزا حسین نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را می‌توان نام برد. از کارهای بزرگ میرزای شیرازی، صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اولین مقاومت منفی مردمی در ایران علیه بیگانگان بود که باموفقیت انجام شده است. از آثار این مرجع بزرگ: کتابٌ فی الطّهارَه، نِجاةُ العِباد، رسالةٌ فی الرَّضاع و رسالَةٌ فی المُشْتَق می‌باشد. میرزا در سال 1312 ق در 82 سالگی در سامرا فوت نمود و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیروانی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالحسن بن سید محمدحسین شیروانی عالمی فاضل بوده تألیفی بنام مصباح المفسرین در تفسیر آیه نور نوشته و تاریخ تألیف آن 1301 ق می‌باشد و ظاهراً ایشان از شیروان خراسان بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(449 -373 ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، خطیب و واعظ. در بوشنج به دنیا آمد.نه ساله بود که به دنبال قتل پدرش، که از وعاظ بزرگ نیشابور بود، اولین مجلس وعظ را برقرار کرد. از ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوبکر بن مهران و ابومحمد مخلدی و زاهر بن احمد فقیه سرخسی و ابوحسین خفاف و ابوالعباس تابوتی و ابوسعید سمسار و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن فرات و دیگران حدیث روایت کرد. او در نیشابور و هرات و سرخس و حجاز و شام و جبال حدیث شنید و در خراسان و هند و گرگان و شام و حجاز و فلسطین حدیث گفت. صابونی در معره‌ی نعمان با ابوالعلاء معری ملاقات کرد. کتانی و علی صصری و بیهقی و محمد فراوی از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر بیهقی او را امام مسلمین تعریف می کند و دیگران قدرت او در تفسیر و حافظه‌ی سرشارش را تحسین کرده‌اند. به قول عبدالغافر، در «السیاق» هفتاد سال وعظ گفت و بزرگان زمان همچون ابوطیب صعلوکی و استاد ابواسحاق اسفراینی و استاد ابوبکر بن فورک در مجلس وعظ او حاضر می‌شدند. او بیست سال در جامع شهر خطبه خواند و اقامه‌ی نماز کرد.سرانجام در نیشابور درگذشت. وی تصانیف بسیاری از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «عقیده السلف»، «الفصول فی الاصول»، «الاربعین»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (688)، الاعلام (198 / 7)، الاعلام بوفیات الاعلام (299 / 1)، انساب سمعانی (506 / 3)، ریحانه (198 / 7)، سیر النبلاء (44 -40 / 18)، شذرات الذهب (283 -282 / 3)، العبر (294 / 2)، الکامل (81 / 8)، کشف الظنون (53)، لغت نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (19 -16 / 7)، معجم المؤلفین (276 -275 / 2)، النجوم الزاهره (63 / 5)، الوافی بالوفیات (144 -143 / 9)، هدیه العارفین (210 / 1).

صاحبی فرد، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر صاحبی فرد
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
بعد از اتمام دوره ابتدایی دوره دبیرستان (نظام قدیم) را شبانه در دبیرستان محمدیه کاشان گذراندم و درسال 1352 بعد از آشنایی با یکی از دوستان طلبه در کلاس درس دبیرستان علاقه ام به دروس حوزوی تقویت شده بالاخره در همان سال دروس مقدمات را شروع کردم ؛ تا سال 1357 در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) و مدرسه علمیه مرحوم آیت الله یثربی بوده و از محضر بزرگانی چون حضرات آقایان صبوری ، اسلامی تبار ، مناقب (قدس سرهم) و جناب آقایان حضرات خراسانی ، علم الهدی ، صراف زاده و ... بهره بردم و از تفسیر مرحوم آیت الله نجفی در کاشان استفاده نمودم . در سال 1357 به حوزه مقدسه قم مشرف شدم و در مدرسه مهدیه در خیابان 19 دی ساکن شدم و بقیه دروس سطح را نزد بزرگانی چون مرحوم آیت الله اعتمادی ، مرحوم آیت الله حرم پناهی ، مرحوم آیت الله ستوده ، و نیز حضرات آقایان حسینی کاشانی و شریفی نیاسری و عمانی و اشعری (محمد حسین) استفاده کردم .
در ضمن در سال 1359 به مدت یک سال به دعوت یکی از دوستان در مدرسه امامیه شهرکرد مشغول به تدریس مقدمات شدم .حدود سال 1361 به درس خارج فقه و اصول رفتم و یک دوره درس اصول حضرت آیت الله مظاهری و مباحثی از درس آیت الله وحید خراسانی (مباحث الفاظ) و بخشی از مباحث اجتهاد و تقلید آیت الله تبریزی را شرکت کردم و نیز از مباحث فقهی حضراتی چون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله فاضل لنکرانی بهره مند شدم و از حدود سال 1360 در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم .فلسفه (منظومه) را نزد حضرت آیت الله گرامی و بخشی از اسفار را در نزد حضرت آیت الله انصاری تلمذ کردم .از سال 1363 در فکر حفظ قرآن افتادم و بحمد الله و المنه این کار که باید حدود 1370 به پایان می رسید به علت وقوع حادثه ای به تاخیر افتاد و بحمد الله سال 1373 به انجام رسید .

از آنجا که به کارهای قرآنی علاقمند بودم اولین نکته ناب قرآنی درسال 1374 به ذهنم خطور کرد و به پیشنهاد دوستان اولین قلم زنی را شروع کرده و کتاب «اتمام حجتی دیگر یا اجر رسالت» را به لطف خداوند به رشته تحریر درآوردم .
به علت تدریس دانشگاه و تشویق حضرت حجت الاسلام حاج محسن قرائتی کار قرآنی در باب تاریخ اسلام را انجام دادم که نتیجه آن کتاب تاریخ اسلام در قرآن است که در سال 1381 از چاپ خارج شد همچنین به دنبال رهنمود مقام معظم رهبری در نام گذاری سال 1379 به نام امیر مومنان سلام الله علیه ، آیات درباره آن حضرت به صورت یک مجموعه در آمد تا اینکه در سال 1382 مزین به زینت طبع گردید و در همان سال چاپ دوم آن نیز صورت گرفت .
در سفر بیت الله الحرام با توطئه وهابیت که بدترین تبلیغات علیه تشیع صورت می گرفت بیشتر آشنا شده و با رهنمود دوستان در بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه و هدایت حضرت آیت الله سبحانی نقدی بر کتاب تهاجمی «اهلبیت از خود دفاع می کنند» به نام «اهلبیت از دین دفاع می کنند» با کمک یکی از دوستان انجام شد . این کتاب درسال 82 در شبکه اینترنت ، سایت ولی عصر (عج) قرار گرفت و مورد استقبال قرار گرفت و در تابستان 1383 به چاپ رسیده و الان در آستانه چاپ دوم قرار دارد .
و بالاخره توفیق دیگر قرآنی که خداوند به این حقیر داد بررسی آیات مربوط به حضرت زهرا سلام الله علیها و به نام مبارک آن حضرت 135 آیه درباره این بانو در یک مجموعه جمع آوری شد که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است و الان مشغول دو کار قرآنی دیگر هستم یکی مکالمات و گفتگوهای بعد از مرگ در قرآن و دیگر خیرات و مبرات از منظر قرآنی که تقریبا حدود 80% کار آنها نیز انجام شده است .
اکنون نیز برنامه های تدریس در حوزه و آموزش متوسطه و برنامه های قرآنی در شهرهایی چون کاشان و ساوه دارم .

صادق نیا، مهراب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهراب صادق نیا
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/4
زندگینامه علمی
در سال 1347 در شهرستان دزفول به دنیا آمد و در همان شهر تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود رادر رشته ریاضی فیزیک سپری کرد . در سال 64 وارد حوزه علمیه قم شد و پس از اتمام دروس مقدمات و سطح درسال 69 وارد درس خارج شد . از آن سال تا کنون از اساتید نام آشنایی چون مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی(ره) ، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی(ره) بهره برده است . علاقه دیرین او به مباحث علوم قرآنی سبب شد در سال 72 در آزمون ورودی سطح چهارم رشته های تخصصی شرکت کرده و در رشته تفسیر و علوم قرآن پذیرفته شود . در سال 76 و همزمان با اتمام این دوره به مرکز مطالعات ادیان وارد شده و به عضویت هیئت علمی مرکز یاد شده در آمد(مرکز یاد شده الان با عنوان دانشگاه فعالیت می کند). موضوع مطالعاتی وی در این مرکز، ادیان ابراهیمی است و در این خصوص آثاری از ایشان منتشر شده است . تحصیلات آکادمیک نامبرده در سال 79 با پذیرش در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم در رشته مدرسی الهیات ادامه یافت و در سال 81 با دفاع از رساله خود با موضوع جایگاه شریعت در عهدین و قرآن موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد شد . در حال حاضر نیز دانشجوی دوره دکترای جامعه شناسی فرهنگی با گرایش مذهب در دانشگاه علامه طباطبائی تهران است که دوره ی آموزشی را پشت سرگذاشته و در حال تدوین پایان نامه است. در این فراگرد علمی سپران شده ایشان توفیق داشته اند سالیانی در حوزه علمیه قم در دروس مقدماتی و سطح تدریس نمایند. در حال حاضر نیز در پاره ای ازمراکز تخصصی حوزه و دیگر مراکز وابسته، به این مهم اشتغال دارند. تدریس در دانشگاه ها نیز از فعالیتهای نامبرده در شمار است.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر صادقی فدکی
محل تولد : خواف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب از سال 1363 پس از گذراندن دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم در ابتدا یک سال در مدرسه علمیه نواب بودم و پس از آن وارد مدرسه علمیه موسی بن جعفر (ع) شدم. بعد از یک سال و نیم به مدرسه علمیه سلیمانیه منتقل شدم و حدود پنج الی شش سال در این مدرسه مشغول تحصیل علوم دینی بودم. در سال 1370 در کنکور دانشگاه رضوی شرکت کردم و پس از قبول شدن وارد این دانشگاه شدم و در دانشگاه رضوی علاوه بر دروس دانشگاه و زبان عربی و انگلیسی به خواندن دروس حوزوی نیز اشتغال داشتم زیرا یکی از وظایف دانشجویان این دانشگاه گذراندن دروس حوزوی در کنار دروس دانشگاهی است.
در سال 1375 از این دانشگاه با گرفتن مدرک کارشناسی در رشته علوم قرآن و حدیث فارغ التحصیل شدم و در همان سال در کنکور سراسری دانشگاهها ثبت نام کردم و در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته شدم از اینرو برای گذراندن این مقطع از مشهد به قم مهاجرت کردم و در قم علاوه بر اشتغال به دروس این دانشگاه در درس خارج برخی اساتید و مراجع نیز شرکت می کردم و پس از دو سال اشتغال به دروس دانشگاه وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن شدم و در روز چند ساعتی را در این مرکز به کارهای تحقیقاتی مشغول شدم و کار عمده من در این مرکز تشکیل پرونده علمی برای دائرةالمعارف قرآن کریم و سپس ارزیابی پرونده های دیگران بود که این کار تا کنون نیز ادامه دارد و بنده در حال حاضر از نیروی ساعتی به محقق رسمی تغییر وضعیت داده .
در حال حاضر به تألیف مقاله و ارزیابی مقالات دیگران اشتغال دادم و تاکنون حدود 35 مقاله برای دائرة المعارف قرآن کریم تألیف کرده ام که نیمی از این مقدار چاپ شده و بقیه برای چاپ در دست اقدام است. ضمناً در این مدت دو کتاب تحت عناوین سیمای شیعه از نگاه اهل بیت(ع) و

ارتداد در قرآن کریم تألیف کرده ام که کتاب اول در سال 1385 از سوی مجمع جهانی شیعه شناسی چاپ شده و دومی از سوی انتشارات دفتر تبلیغات برای چاپ در دست اقدام می باشد. در سال 1384 در 5 امتحان مقطع دکتری دانشکده علوم حدیث قم شرکت کردم و در رشته مدرسی معارف گرایش قرآن و متون اسلامی پذیرفته شدم و در حال حاضر در این دانشکده مشغول به تحصیل می باشم.

صادقی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد صادقی فرزند زین‌الخطباء و المبلغین مرحوم حاج شیخ محمدرضا لسان المحققین تهرانی.
در سال 1307 شمسی هجری برابر 1348 قمری در تهران دیده به جهان گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی تا متوسطه به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و قسمتی از سطوح را در تهران خوانده ودر اوائل ورود آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّٰه بروجردی و آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه العظمی نایب‌الإمام خمینی مدظله و آیات دیگر شرکت و هم معقول و فلسفه را از آیت‌اللّٰه علامه طباطبائی و آیت‌اللّٰه شاه‌آبادی و میرزا مهدی آشتیانی و امام خمینی و آقای رفیعی قزوینی و عرفان را از مرحوم میرزا مهدی اصفهانی استفاده نموده تا بعد از رحلت مرحوم بروجردی و زعامت نهضت نایب الامام بر علیه امپریالیسم شرقی و غربی وارد صحنه مبارزه شده و با سخنرانیهای آتشین خود در قم و تهران و محکوم کردن رژیم طاغوتی در سال 1384 قمری مورد تعقیب عوامل ساواک و عمال جنایتکار شاهنشاهی قرار گرفته که مجبور به بیرون رفتن از کشور شده پس به عراق رفته و در جوار امیرالمومنین علیه‌السلام رحل اقامت افکنده و از محضر آیت‌اللّٰه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی و برخی آیات عظام دیگر استفاده نموده و خود به تدریس و گفتن تفسیر پرداخته تا در سال 1392 هجری قمری که روی فشار وتهدیدهای دولت شوم بعث عراق به لبنان و بیروت عزیمت نموده و پنج سالی نیز در آنجا به فعالیت و خدمات دینی پرداخته تا در سال 1396 قمری و آشفتگی وضع لبنان مهاجرت به مکه معظمه نموده و دو سالی در جوار بیت‌اللّٰه الحرام رحل اقامت افکنده و تا سال 1398 قمری در نزدیکی مقام ابراهیم علیه‌السلام کرسی تدریس فقه جعفری گذارده و به تدریس فقه شیعه و نشر معارف حقه اثنی‌عشریه پرداخته و در ماه ذی‌قعده الحرام برای پخش اعلامیه و سخنرانی بر علیه رژیم منفور پهلوی از طرف دولت سعودی زندانی شده و بعد از چند ماه آزاد و پس از سقوط دولت طاغوتی و اعلان حکومت جمهوری اسلامی و آزادی بعد از پنجاه و هفت سال اختناق و استبداد برای دیدار امام و خویشان و دوستان پس از چهارده سال به وطن برگشته و برای ادامه

وظائف روحی و دینی رحل اقامت به قم افکنده و مشغول تدریس و گفتن تفسیر موضوعی قرآن و اقامه نماز جمعه در مسجد جمکران قم گردیده است جناب دکتر صادقی دو بار به زندان بیدادگران مبتلا گردیده است اول برای سخنرانی در مسجد اعظم قم بر علیه شاه جلاد و عمال جنایتکارش دوم در مکه معظمه از طرف دولت سعودی به اشاره دولت طاغوتی ایران و جمعا مدت هفده سال در خارج کشور به شرح زیر ده سال در نجف اشرف پنج سال در لبنان و بیروت و دو سال در مکه معظمه به سر برده و در طول این مدت شب و روز به تالیف و تصنیف اشتغال داشته و کتب سودمندی به یادگار گذارده که فهرست مطبوع مخلوط آن را تقدیم می‌دارم.

تالیفات عربی مطبوع مترجم محترم.

1- المقارنات العلميه و الكتابيه بين كتب السماويه.

2- علی والحاکمون.

3- حواربین الالهین و المادیین.

4- رسول الاسلام فی الکتب السماویه.

5- عقاید نابین کتب السماویه.

6- الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه 20 جلد چهار جلد به طبع رسیده. 7- فتیاتنا.

8- حواربین اهل الجنه و النار.

9- علی شاطئی الجمعه.

10- لماذا انتصرت اسرائیل و متی تنهزم.

11- المناظرات بین الالهین و المادبین.

12- الفقه علی ضوء القرآن.

13- تالیفات فارسی چاپ شده.

14- بشارات عهدین.

15- زمین و آسمان ستارگان از نظر قرآن.

16- آفریدگار و آفریده از نظر مادی و الهی.

17- مسیح از نظر قرآن و انجیل.

18- گفتگوئی در مسجد النبی.

19- دولت مهدی پرچم‌دار انقلاب جهانی.

20- خاتم پیغمبران از نظر قرآن.

21- حکومت قرآن.

22- اسرار ومناسک و ادله حج.

تالیفات چاپ نشده.

23- تقریرات الفقه عن الاستاد المحقق البروجردی.

24- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری.

25- حاشیه بر منظومه سبزواری.
26- حاشیه بر شرح لمعه.
27- المعاد فی نظر القرآن.
28- النبوه فی نظر القرآن.
29- حول آیه التطهیر.
30- شذرات الوسائل والوافی.
31- حاشیه تحریر الوسیله.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مجتبی صحفی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید مجتبی صحفی فرزند حجت الاسلام سید مهدی صحفی در خانواده ای مذهبی در شهر قم در تاریخ 1/1/1341 به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را به پایان رساندم و دبیرستان را سال اول آنرا به اتمام رساندم و همزمان در حوزه علمیه قم نیز مقدمات را شروع نموده بودم با آغاز جنگ تحمیلی رهسپار جبهه ها شدم همراه با سایر رزمندگان مکرر در جبهه حضور یافتم و در بعضی مواقع به همراه چهار تن از برادر هایم سیدمرتضی، سید روح الله که در فاو شهید شد، سید محمد تقی که در رمضان مرحله پنچم شهید شد، سید مصطفی و سید محمد حسین در طول جنگ در حوزه علمیه نیز به تحصیل اشتغال داشتم و پس از گذراندن سطوح حوزه به درس خارج فقه و اصول علمای یاد شده در همین جزوه حضور پیدا کردم. این بنده نیز در یک دوره ای چهار ساله رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن تحت اشراف حضرت آیت الله مکارم حضور یافتم و شرکت جستم و پس از چهارسال فارغ التحصیل شدو و مع الاسف هنوز اقدام جدی برای دریافت موضوع سطح چهار ننموده ام . حقیر بسیار مختصر در کارهای تحقیقی دخالت داشته و دارم که در برگه های ضمیمه درج گردیده است.

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 747 ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبیعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج‌الشریعه، را تنقیح کرد. ازآثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نخو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (354 / 4)، ریحانه (434 -433 / 3)، کشف الظنون (2021 ،2011،1270 ،1047 ،496 ،419)، الکنی و الالقاب (415 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ عبیدالله)، معجم المؤلفین (246 / 6)، هدیه العارفین (650 -649 / 1).

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(369 -296 ق)، فقه شافعی، مفسر، ادیب، نحوی، صوفی و شاعر. شیخ خراسان در زمان خود بود. در اصفهان به دنیا آمد. وی به بصره رفت و چندین سال در آن شهر تدریس نمود و چند سال نیز در اصفهان اقامت داشت. سرانجام در 337 ق به نیشابور آمد و سپس خانواده‌ی خود را به آنجا منتقل کرد. او بیش از سی سال کرسی درس و فتوی نیشابور را در اختیار داشت. صعلوکی از ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و احمد ماسرجسی و احمد محمدآبادی و ابن ابی‌حاتم و ابن‌انباری و محاملی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، ابوطیب، و فقهای نیشابور در محضر وی فقه آموختند. ابوسهل مصاحب ابواسحقاق مروزی بود و گفته‌اند که از وی فقه آموخت. گویند که او شبیلی را نیز درک کرده بود. نسوی وی را پیشگام علم تصوف می‌داند. ابوبکر صیرفی گوید که اهل خراسان همچون ابوسهل را هرگز نخواهند دید و صاحب بن عباد گفت که ما همچون ابوسهل ندیده‌ایم و خود او نیز مانند خودش را ندیده است. به هر حال او در شریعت و طریقت یگانه‌ی روزگار خود بود. وی در نیشابور درگذشت. ثعالبی اشعار بسیاری را به او نسبت داده است. «الفوائد» روایتهایی از اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (658)، الاعلام (207)، الاعلام بوفیات اعلام (253 / 1)، انساب سمعانی (540 -539 / 3)، ریحانه (446 -445 / 3)، سیر النبلاء (239 - 235 / 16)، شذرات الذهب (70 -69 / 3) طبقات الصوفیه هروی (585)، العبر (132 / 2)، الکنی و الالقاب (417 -416 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ صلعوکی)، النجوم الزاهره (141 -140 / 4)، نفحات الانس (318 -317)، الوافی بالوفیات (125 -124 / 3)، وفیات الاعیان (205 -204 / 4).

صفارزاده، طاهره

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.

■ طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم ،متولد ۱۳۱۵ سیرجان
■ لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران
■ ادامه تحصیل در انگلستان و سپس آمریکا در دانشگاه آیووا
■ کسب درجه MFA
■ استخدام در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در سال ۱۳۴۹
■ رئیس دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده ادبیات
■ دکترا در رشته نقد تئوری و عملی ادبیات جهان
■ برگزیده شدن در «فستیوال بین المللی داکا» در سال ۶۷ به عنوان یکی از ۵ عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا،
■ «استاد نمونه» سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی
■ «خادم القرآن» پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم »، سال ۸۰
سرپرستی و ویراستاری ۳۶ کتاب زبان تخصصی برای رشته های مختلف دانشگاهی
■ قصه ، پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱
■ شعر ، رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱
Brella the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م.= ۱۳۴۷ش.
طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، ۱۳۵۰ ، سفر پنجم، ۱۳۵۶ ، حرکت و دیروز، ۱۳۵۷ ، بیعت با بیداری، ۱۳۵۸ ، مردان منحنی ، دیدار صبح، ۱۳۶۶ ، در پیشواز صلح، ۱۳۸۵ ، گزیده ادبیات معاصر، ۱۳۷۸ ، هفت سفر، ۱۳۸۴ ، روشنگران راه، ۱۳۸۴ ، اندیشه در هدایت شعر، ۱۳۸۴
● اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه
■ اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، از ۱۳۵۸

ترجمه های نامفهوم، ۱۳۸۴
■ ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، ۱۳۷۹
■ ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۰
■ ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۲
■ ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه انگلیسی)، ۱۳۸۵
■ لوح فشرده قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۳ (نشر دوم) کامل وجزء ۳۰.
■ دعای عرفه (دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۱
■ دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۳
■ مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده ای از نهج الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی، ۱۳۸۴
دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵
طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.صفارزاده نخستین مترجم قرآن کریم به ۳ زبان زنده دنیا است. صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم به سال ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده ای متوسط چشم به جهان گشود.اجدادش از عرفای مقید به مقابله با ظلم و عدالت پروری بوده اند.پدر و خواهرش هم اهل تصوف بودند . در خانواده، برپایی مجالس ذکر و دعا بویژه در اظهار ارادت به حضرت علی علیه السلام متداول بود.خانواده اش پیشینه عرفانی داشتند وهمین امر سبب شد که او از همان آغاز نگاهی ویژه به پیرامونش داشته باشد.قبل از آنکه به مدرسه برود تجوید و قرائت و حفظ قرآن کریم را در مکتب محل آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذرانید.
از کودکی ذوق نویسندگی و عشق به مطالعه آثار ادبی داشت ودر دبستان به عنوان شاعر شناخته شده بود.در این زمینه آموزگاران و بعد دبیران او را بسیار تشویق می کردند.
نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که در روزنامه دیواری مدرسه به ثبت رسید و نخستین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.
در ششم ادبی شاگرد اول شد و با جرأت در امتحان ورودی دانشگاه در رشته های حقوق و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی که مناسب آن

دیپلم بود شرکت کرد و در هر سه قبول شدو چون تردید در انتخاب داشت خانواده اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت . مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت .در دانشگاه آیووا ، هم در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد.MFAدرجه ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام طرح های ادبی متنوع به مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می پردازند.دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه های آمریکا با پایه دکتری انجام می پذیرد.در زبان عربی استعداد خاصی داشت و چنانکه در مقدمه «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید»گفته است: «در دوره دبیرستان و به تشویق یک استاد دلسوز و دانشمند، عربی پایه را خوب فرا گرفتم و هرگز رابطه ام با آموختن آن زبان قطع نشد چه کلاس های عادی و چه درس خصوصی را در محضر استادانی تلمذ می کردم که قرآن شناس بودند .خودم بر این عقیده هستم که بروز و شکوفایی استعداد من در زبان عربی به دلیل این بود که تجوید و قرائت قرآن کریم را در کودکی در سن ۶ سالگی آموخته بودم .»
طاهره صفارزاده برای دروس اصلی «شعر امروز جهان »، «نقد ادبی» و «نقد عملی ترجمه » را انتخاب کرد و در بازگشت به ایران اگرچه به دلیل فعالیت های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و نبود استاد ترجمه برای رشته های زبان خارجی موجب گله مندی گروه های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت شد. دکتر طاهره صفارزاده پایه گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه » در دانشگاه های ایران محسوب می شود.دانشگاه آیووا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی »، نخستین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته های زبان و ادبیات اقدام کرد. صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره مندی هایی از این آموزش جدید دست یافت .صفارزاده از ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی ، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت .پس از انقلاب

اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه »اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه » مفید افتاد.
دکتر طاهره صفارزاده به عنوان کارشناس ترجمه معتقداست: «در ترجمه دانستن موضوع یا مطلب مورد ترجمه مقدم بر دانستن زبان مبدأ و مقصد است .این خطر بزرگی است که متخصص رشته علوم انسانی ، حتی رشته مهندسی متن پزشکی را و بالعکس یک پزشک متن جامعه شناسی را ترجمه کند ، چون که اصطلاحات خاص مجموعاً زبان علمی یک رشته را تشکیل می دهند. » بر اساس این فکر دو تمرین «ترجمه تخصصی »و «معادل یابی برای واژگان تخصصی» در کتابهای زبان برای رشته های دانشگاهی به پیشنهاد اوگنجانده شد.
طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی ، حکومت پسند نبود.سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه نشینی و فراغت اجباری رفت.و در ایام تنهایی و مشاهده پاره ای خیانت های سیاسی و اجتماعی، درون مذهبی او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد.
کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید. از مجموعه شعرهای او می توان به : رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱ brelld the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م. ۱۳۴۷ش.
طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان،سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز صلح،گزیده ادبیات معاصر، هفت سفر، روشنگران راه و اندیشه در هدایت شعر، اشاره کرد.
اشعار صفارزاده با نظر به مسائل سیاسی و اشاره به وقایع مهم جهان دارای خط فکری خاصی است.در همه آثارش به جریان های سیاسی ایران و جهان نظر دارد.صفارزاده با استفاده از زبان محاوره، اصطلاحات عامیانه، حتی مطرح کردن شعارها، تلاش می کند به شعر و زبان مردمی نزدیک تر شود.شاید به همین دلیل، از آوردن واژه ها و اسامی، از زبان های بیگانه خودداری می کند.
شعر صفارزاده دارای اندیشه های شکل یافته است که در قالب کلمات عرضه می شود.در شعر صفارزاده، فرصت ها گرانبهاترند و خواننده با شاعری مواجه می شود که اسلوب را در زبانی فشرده و با بار بیشتر از

لحاظ اندیشه و تفکر می بیند.او با استفاده از تعابیر مذهبی و قصص و آیات قرآن کریم به صورت تلمیح و جهان مداری و سیاست محوری، رنگ و بوی خاص به اشعارش بخشیده است.خودش می گوید: شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ وقت حکومت پسند نبوده است.

صفائی حائری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّه علی صفائی حائری در سال 1330 ه . ش (1370 ق) در بیت علم و تقوا و در مهد دانش، در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدرعلی صفائی حائری ، حضرت آیت‌اللّه آقای حاج شیخ عباس صفایی حائری (ره) از افاضل علمای زمان خود به شمار می‌رفت. پدر بزرگش مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج شیخ محمد علی صفایی حائری قمی (ره) ، از فحول علمای نجف بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی صفائی حائری پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، به فراگیری علوم اسلامی پرداخت.وی ادبیات و بخشی از سطح را نزد مرحوم حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌اللّه جلیلی آموخت. شرح لمعه را نزد شهید محراب، مرحوم آیت‌اللّه مدنی و آیت‌اللّه میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی و آیت‌اللّه موسوی اردبیلی، کتاب رسائل را نزد حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مهدی روحانی و مکاسب و کفایه را نزد آیت‌اللّه ستوده (ره) ، آیت‌اللّه میرزا حسین نوری و آیت‌اللّه فاضل لنکرانی فرا گرفت.مرحوم صفایی از استعدادی فوق العاده و هوشی سرشار برخوردار بود؛ به همین جهت در مدتی کوتاه توانست مدارج ترقی را پیموده، دروس سطح را با فراست و دقت پشت سر گذاشته و به درس خارج فقه و اصول راه پیدا کند. اساتید او در درس خارج فقه و اصول، حضرات آیات عظام آقایان: مرحوم محقق داماد؛ و حاج آقا مرتضی حائری؛ و مرحوم پدرش آیت‌اللّه حاج شیخ عباس صفایی حائری بودند. وی مراحل عالی فقه و اصول را با کنجکاوی و ذکاوت خاص خود در محضر پدر طی نمود، تا آن جا که به حلقه مباحثات علمی ایشان راه پیدا کرد. شوق زاید الوصف او در فراگیری علوم و عشق و علاقه‌اش به راهی که انتخاب کرده بود، از عواملی بودند که لحظه‌ای او را آرام نگذاشتند و هیچ مانعی باعث نشد که او از فراگیری دانش و معرفت غافل شود. او لیاقت خود را در درک عمیق و صحیح مبانی فقه و اصول به همگان نشان داد و به عنوان یکی از اساتید صاحب نام و طراز اوّل حوزه علمیه، درخشید و در عنفوان جوانی به مقام شامخ اجتهاد نایل آمد.استادان و مربیان : از استادانی که علی صفایی حائری درمحضرشان کسب فیض نموده به شرح زیر است: حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌اللّه جلیلی، مرحوم آیت‌اللّه مدنی ، آیت‌اللّه میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی ، آیت‌اللّه موسوی اردبیلی،حضرت آیت‌اللّه

آقای حاج سید مهدی روحانی ، آیت‌اللّه ستوده (ره) ، آیت‌اللّه میرزا حسین نوری ، آیت‌اللّه فاضل لنکرانی ، مرحوم محقق داماد، حاج آقا مرتضی حائری و عمده‌ترین استاد او در این مقطع، مرحوم پدرش بود.زمان و علت فوت : علی صفائی حائری سرانجام این مشعل فروزان در سحرگاه روز سه شنبه بیست و دوم تیر ماه 1378 در حالی که طبق عادت همیشگی با تنی چند از دوستان و شاگردان خود عازم زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) بود، در سانحه تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد.پیکر آن فقید سعید به قم منتقل شد و روز پنجشنبه بیست و چهارم تیرماه پس از اقامه نماز توسط حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مهدی روحانی، در میان موجی از غم و اندوه و بر روی دوش دوستان و شاگردانش با حضور جمعی از علما، فضلا، اساتید حوزه علمیه و اقشار مردم قم از حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) تا گلزار شهدای قم با شکوه تمام تشییع و در جوار قبر فرزند شهیدش محمد صفایی به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی صفایی حائری در حمایت از نظام مقدس اسلامی تا بدانجا پیش رفت که در این راه فرزندش نیز به شهادت رسید. آیت‌اللّه صفایی حائری در سال 59 طرح حمایت ازنظام را مطرح می‌کردند و در مقابل دوستانی که اعتراض می‌کردند این چه حکومت اسلامی است که در یک سو بازرگانی است که ملی گراست و دیگران به صورت دیگر؟! ایشان می‌فرمودند: وقتی اهداف مقدس است، باید کمک کرد.» و این عبارت قصار معروف ایشان است که:«تضعیف خیانت است، توجیه حماقت است و تکمیل رسالت. با کمبودها باید ساخت. اگر نیرو نیست، تربیت کن؛ اصلاً خود تو نیروی خوبی باش...»شاگردان : علی صفائی حائری در انتقال معارف کسب کرده خود هیچ بخلی به خرج نمی‌داد و آنچه را که خود آموخته بود، در کمال اخلاص همواره به دیگران نیز می‌آموخت و از این رهگذر شاگردان زیادی را تربیت کرد. روش او در تربیت شاگردان، سنّت فراموش شده علمای سلف را زنده کرد، او با اقتدا به شیوه پر بار گذشته حوزه‌های علمیه، افرادی را تربیت کرد که از ابتدایی‌ترین مراحل تحصیلی تا دروس ادبیات و سطح را به آنها آموخت و همگام با آنان و در کنارشان تا آن جا این روش را ادامه داد که درس‌های خارج حوزه را با آنها به مباحثه نشست و نه تنها در کارهای علمی که در همه امور زندگی در کنار آنها بود و به حل مشکلاتشان پرداخت.آثار : آرامش (مجموعه شعر) از زلال ولایت (بررسی چهل حدیث از سخنان امام حسین (ع)) چاپ انتشارات مسجد جمکران قم. از معرفت دینی تا جامعه و حکومت دینی (در دست چاپ) استاد و درس و روش تدریس استاد و درس، ادبیات، هنر و نقد انسان در دو فصل (اشاره به دو دوران قبل از بلوغ و بعد از بلوغ) انفاق (نگاهی به بحثِ انفاق و اثرات سازنده آن) ای قامت بلند امامت (تحلیلی ِکوتاه از

مسأله انتظار در زمان غیبت) بررسی (مباحث این کتاب عمدتاً به نقد مکتب مارکسیسم می‌پردازد و ضمن بیان مسائلی درباره تاریخ، طبیعت، آزادی، زن، حجاب و مالکیت اسلامی، پاسخ‌های لازم را در مورد این زمینه‌ها بیان می‌کند.) بشنوازنی (بحثی در مورد دعا، زیارت و شرحی بر دعای ابوحمزه ثمالی) پاسخ به پیام نهضت آزادی / انتشارات هجرت. پنج نامه بلند به فرزندانش قبل از بلوغ. پیروز (مجموعه شعر) تابوت (مجموعه شعر) تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره توحید تطهیر با جاری قرآن، جلد (4) تفسیر سوره نصر تطهیر با جاری قرآن، جلد (5) تفسیر سوره کافرون تطهیر با جاری قرآن، جلد (6) تفسیر سوره کوثر تطهیر با جاری قرآن، جلد (7) تفسیر سوره‌های همزه، فیل، قریش و ماعون تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره‌های فلق و ناس تطهیر با جاری قرآن، جلدتفسیر سوره تبت تفسیر سوره‌های بقره، انعام، آل عمران، لقمان، مدثرو علق (دنباله مباحث تطهیر با جاری قرآن که آماده چاپ است.) تقریرات درس اصول تقریرات درس فقه دفتر اول: تعریف انقلاب اسلامی و آرمان انقلاب دفتر پنجم: میزان دفتر چهارم: مسئله انتظار دفتر دهم: موارد تقیّه و احکام تقیّه دفتر دوازدهم: قیام دفتر دوم: بینات دفتر سوم: بینش و آگاهی دفتر ششم: ولایت فقیه دفتر نهم: ضرورت تقیّه دفتر هشتم: مفهوم تقیّه دفتر هفتم: عمل در ارتباط با معرفت و محبت دفتر یازدهم: ائمه و تقیّه ذهنیّت و زاویه دید (این اثر به نقد ادبیات داستانی معاصر می‌پردازد و در آن مجموعاً 11 اثر از نویسندگانی چون: حسن عابدینی، سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی، رضا براهنی، اسماعیل فصیح، شهرنوش پارسی‌پور، تقی مدرسی و گابریل گارسیامارکز مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. این کتاب از طرف انتشارات کوبه در تهران با نام علی حائری در سال 1369 و در تیراژ 5500 نسخه انتشار یافته است.) ، رشد (دیداری با سوره والعصر) ، روش برداشت از قرآن ، روش نقد، جلد (1) نقد هدف‌ها و مکتب‌ها 41 روش نقد، جلد (2) نقد مکتب‌ها، آرمان آزادی ، روش نقد، جلد (3) نقد مکتب‌ها، آرمان آگاهی و عرفان، روش نقد، جلد (4) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، مارکسیسم ، روش نقد، جلد (5) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، اگزیستانسیالیزم ، شعرهای شهادت (مجموعه شعر) ، صراط (دیداری با سوره حمد) ، طرحی در زمینه روحانیت، مسائل حوزه و تبلیغ. ، طرحی در زمینه مسائل فقه. عاشورا (نگاهی به مسأله قیام امام حسین (ع) ، غدیر (بحثی فشرده در زمینه مسأله ولایت و رهبری) ، فریاد (شعری بلند در زمینه توحید و خداشناسی) ، فقر (مباحثی در زمینه اقتصاد اسلامی) ، مسئولیت و سازندگی ، نزدیک به 300 نوارکاست و ویدیویی از سخنرانی‌های مختلف او درباره مباحث کلامی، اخلاقی، تاریخی، تفسیر و

فقه ، نوشته‌ای در 46 صفحه دست نویس که قبل از رفتن به جبهه در سال 1365 نوشته و طرح‌های کلی و آراء و عقاید خود را در آن بیان داشته است. ، وداع (مجموعه شعر) ، وصیت نامه او

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما1kz - www.hawzah.net/

صلواتی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود صلواتی
محل تولد : خمینی شهر اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1345 پس از اتمام تحصیلات ابتدایی به تحصیل علوم اسلامی پرداختم . پس از اتمام دروس مقدمات برای ادامه تحصیل از اصفهان به قم آمدم. درسهای فقه و اصول و منطق و فلسفه را در قم آموختم. در سال 1351 بازداشت و به سربازی اعزام شدم آنگاه به زندان افتادم در سربازی و زندان مطالعات و تحقیقات خود را ادامه دادم بیشترین رشد علمی من در زندان بود که یک دوره کتابهای ملاصدرا را مباحثه کردم به صورت منظم روی قران و نهج البلاغه کار کردم و آنها را برای هم زندانیان تدریس کردم. آشنایی با علوم روز مطالعه تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ جهان و ... رجعون ایام فراغت دوران زندان بود.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی مراکز تحقیقات عقیدتی سیاسی سپاه را در قم راه اندازی کردم که وظیفه آن تهیه جزوات آموزشی برای سپاه در سراسر کشور بود و در این ایام کتابها و جزوات بسیاری تدوین و منتشر شد ، کتاب روش تحلیلی مسائل سیاسی ، تداوم انقلاب بر اساس ایمان ، هجرت ، جهاد. شرح بسیاری از خطبه های نهج البلاغه ، رمضان ماه خدا، و ... در سال 1359 مدرسه رسول اکرم و آنگاه امام باقر و سپس دارالشفاء را زیر نظر آیت الله العظمی منتظری راه اندازی کردم که بیش از دو هزار طلبه در این مدارس به تحصیل مشغول شدند. در کنار کارهای اجرایی به پژوهش و تالیف پرداختم. که هشت مجله سیاسی فقهی حکومت اسلامی، تقریر و ترجمه درسهای استاد بزرگوار آیت الله منتظری نتیجه این دوره از زندگی است. ترجمه قران و صحیفه سجادیه را از زندان آغاز کردم با شیوه ای نوین (مسجع و موزون) آنگاه به ویرایش و تکمیل آن پرداختم تا به چاپ رسید.هم اکنون نیز با یاری خداوند متعال به پژوهش و تدریس مشغولم و با مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم همکاری

دارم.

صناری خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 539 ق)، فقیه، مفسر، نحوی و لغوی. ادبیات را نزد شیخ ابوعلی ضریر نیشابوری آموخت و فقه را در خوارزم نزد ابوعبدالله وبری فراگرفت. آن‌گاه به بخارا رفت و فقه خویش را در محضر فقهای آن دیار تکمیل نمود. سپس به جرجانیه (خوارزم) بازگشت و سرانجام در قریه‌ی مذانه از قرای خوارزم سکنی گزید و عهده‌دار امور مذهبی‌آنجا گشت و در مسجد جامع آنجا هر صبح جمعه وعظ می‌گفت. او لغات غریب و اشعار مشکل بسیاری را در حفظ داشت. وی در مذانه درگذشت. از آثارش کتاب «شماریخ الدرر»، در تفسیر قرآن مجید می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (128 / 5)، ریحانه (470 -469 / 3)، کشف الظنون (1019، 447)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (64 -63 / 14)، معجم المولفین (149 / 7).

صنیعی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی صنیعی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
پس از پشت سر گذاشتن دوره تحصیلات ابتدایی در مدرسه سنایی قم، مشغول تحصیل در مدرسه راهنمایی امام موسی صدر شدم.سال او تحصیلات دوره متوسطه را در دبیرستان صدر و سال دوم را در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان حکیم نظامی و سال سوم دبیرستان را در تابستان سال 1360 هجری شمسی گذراندم.پس از دریافت مدرک دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد ماه 1361، در اولین دوره آزمون ورودی دانشگاهها پس از انقلاب اسلامی شرکت کرده و همزمان در چندین مرکز آموزش عالی پذیرفته شدم و از طرف دولت، پیشنهاد تحصیل در خارج از کشور را به صورت بورسیه دریافت کردم.سرانجام در مهرماه 1362 در دانشگاه شیراز در رشته پتروشیمی با رتبه بالا پذیرفته شده و مشغول به تحصیل شدم.شوق به تحصیل در حوزه علمیه، مانع از ادامه تحصیل در دانشگاه شد و در همان ماه اول ورود به دانشگاه، درخواست انصراف دائم دادم و علی رغم ممانعت جدی از سوی مسوولان وقت دانشگاه شیراز خود را در آغوش گرم حوزه علمیه قم قرار دادم.با ورود به حوزه علمیه قم در سال 1362 دوره مقدمات علوم حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رساندم و سطوح بعدی را در خدمت اساتید بزرگواری که نام آنها در لیست اساتید آمده است تلمذ کردم.همزمان با تحصیلات حوزوی ، در سال 1366 در آزمون ورودی دانشگاهها شرکت کرده و پس از پذیرش در دانشگاه تهران در رشته الهیات و معارف اسلامی – گرایش علوم قرآن و حدیث – مشغول تحصیل شده و در تیرماه 1370 فارغ التحصیل گردیدم.(در مقطع کارشناسی)
پس از گذراندن دوران سطح در حوزه علمیه قم و همزمان با شرکت در دروس خارج فقه و اصول، از سال 1375 در رشته تخصصی علم کلام ، سطح جهار مشغول تحصیل و در سال 1379 این دوره را به پایان

رساندم.از سال 1379 تا سال 1384 به مدت پنج سال در کانون اندیشه جوان وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول ارزیابی و کارشناسی آثار بودم.تدریس در مباحث اعتقادی حوزه علمیه قم نیز از فعالیت های علمی اینجانب است.

والسلام.

ضیایی مرندی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1275 ق)، مترجم، مفسر، شاعر، متخلص به ضیایی. ملقب به ناظم الملک. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات و فراگیری فنون شعر و ادب از استادان زمان خود. وارد خدمات دولتی گردید و در وزارت خارجه به خدمت اشتغال ورزید و با زبان فرانسه آشنایی کامل یافت. ضیایی در اواخر عمر به قم مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. وی را در روضه‌ی حضرت معصومه (س) دفن کردند. از آثار وی: «حقیقت‌نامه»، شعر، ترجمه‌ی وصیت‌نامه‌ی امیرالمومنین (ع) به امام حسن (ع)؛ «دیوان»؛ «سیاست نامه»، شعر، که ترجمه‌ی عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر است؛ «قصیده‌ی مولودیه»؛ «وصیت‌نامه‌ی حضرت رسول (ص) به امیرالمومنین (ع)»، شعر؛ تفسیر «سوره العصر»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (242). الذریعه (633 / 9 .338 / 4). ریحانه (124 -123 / 6). زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (240 / 4). سخنوران نامی معاصر (2379 -2376 / 4). شرح حال رجال (285 / 1). فهرست کتابهای چاپی فارسی (3365 .2550 .2053 / 2 .1546 -1545 .1196 / 1). مؤلفین کتب چاپی (448 -447 / 2).

طالبی نیا، سعید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید طالبی نیا
محل تولد : خوی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/24
زندگینامه علمی
اینجانب هنگامی که در کلاس چهارم در رشته ریاضی فیزیک نظام قدیم درس می خواندم شیفته حوزه علمیه شدم و در سال 1372 قدم در آن نهادم مقدمات را در حوزه علمیه بناب در محضر اساتیدی همچون
استاد صدر کریمی (صرف و نحو) استاد آتش زر (منطق) استاد طباطبایی (فقه) استاد سیدی (اصول) و استاد معظم بنابی (اخلاق و شرح لمعه) به پایان رساندم. آنگاه در مهر ماه سال 1378 عازم حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر بزرگانی همچون آیت الله احمدی میانجی، آیت الله استادی، استاد حسینی بوشهری، استاد سید احمد خاتمی، استاد لطفی کاشانی، استاد علیدوست، استاد سجادی امین، استاد در گاهی تبریزی و ... به پایان رساندم و از دروس خارج حضرات آیات بهجت، وحیدخراسانی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی ،نوری همدانی و فروغی اردبیلی بهره بردم.
در کنار دروس رایج حوزه، در مقطع کارشناسی ارشد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز تحصیل کرده ام. هم اکنون یکی از مدیران رادیو معارف هستم.

طالقانی، ابوالخیر، احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(590 -512 ق)، قاری، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در قزوین متولد شد. در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. از ملکداد عمرکی و محمد بن یحیی نیشابوری و ابوعبداللّٰه فراوی و عبدالغافر فارسی و عبدالجبار خواری و زاهر شحامی و ابن‌قشیری و ابن‌بطی در قزوین و نیشابور و بغداد فقه و حدیث آموخت. مدتی ساکن بغداد بود و در نظامیه و جامع قصر تدریس می‌کرد. موفق‌الدین عبداللطیف و ابن‌القرشی و رافعی از شاگردان وی بودند. با ابن‌جوزی واعظ مشهور، به نوبت، هر کدام یک روز، مجلس وعظ منعقد می‌نمودند. خلیفه وقت در مجلس موعظه حاضر و پس پرده می‌نشست و جمع زیادی از مردم در مجلسش ازدحام می‌کردند. روز عاشورایی بر منبر بود، مردم از وی خواستند که بر یزید لعن کند و او امتناع ورزید، لذا مطرود آنان گشت و به قزوین بازگشت و در همان جا درگذشت. وی تصنیفات مختصر و مفصل بسیاری در تفسیر و حدیث و فقه دارد. از آثار وی: «التبیان فی مسائل القران»، ردی بر حلولیه و جهمیه؛ «خصائص السواک»، که در «معجم المؤلفین» «خصائص السوال» آمده است؛ «حظائر القدس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (93/1)، ریحانه (93/7)، سیر النبلاء (193 -190 /21)، کشف الظنون (705 ،341)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (48 -46 /19)، معجم المؤلفین (168 -167 /1)، نامه‌ی دانشوران (303 -287 /8)، هدیه العارفین (88/1).

طالقانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1358 -1289 ش)، عالم دینی، مفسر، فقیه، محقق و نویسنده. در قصبه گلیرد طالقان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در تهران گذراند و در 1305 ق به قم مهاجرت کرد و چندین سال از محضر اساتیدی جون آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری بهره برد. او آن‌گاه در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس پرداخت. در 1318 ش بر اثر مخالفت با دولت پهلوی به شش ماه زندان محکوم گشت. پس از درگذشت استادش، آیت‌الله حایری، و پدرش، آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی، در تهران مقیم گشت و در مسجد هدایت به تفسیر قرآن و ترویج دین و انشتار مقالات مذهبی و دیگر وظایف دینی مشغول شد. در 1320 ش اولین مقاله‌ی خود را در مجله‌ی «دانش‌آموز» پیرامون اوضاع تاریک مسلمین نوشت. پس از جنگ جهانی دوم به طور جدی و ارد فعالیتهای سیاسی شد و تا پایان عمر از زندانی به زندانی رفت و بیش از ده بار زندانی شد. او عالمی روشنفکر و مبارزی بیداردل بود. در 1334 ش با نوشتن ترجمه و شرح کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» علامه نایینی، دروان خفقان پس از کودتای 28 مرداد را پیش‌بینی و خاطرنشان کرد که، با وجود استبداد، رشد علمی و اخلاقی ممکن نیست. آیت‌الله طالقانی در 1357 ش از طرف امام خمینی به ریاست شورای انقلاب و در 1358 ش به سمت اولین امام جمعه تهران- بعد از انقلاب- منصوب و با رأی مردم به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد. آیت‌الله طالقانی در 19 شهریور از دنیا رفت و در کنار شهدای 17 شهریور در بهشت زهرا (س) اقامت جاوید گزید. از آثار وی: «اسلام و مالکیت»؛ ترجمه‌ی «الامام علی بن ابی‌طالب (ع)» عبدالفتاح عبدالمقصود؛ «بسوی خدا می‌رویم (با همه به حج می‌رویم)»؛ «پرتوی از قرآن»، تفسیر جزء سی‌ام قرآن و سوره‌ی حمد و بقره و آل‌عمران؛ ترجمه و شرحی بر «نهج‌البلاغه»؛ «مبعث، وحی، غار حرا»؛ «گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی».[1]
آقای حاج سید محمود بن العلامه الورع آیت‌اللّٰه حاج سید ابوالحسن طالقانی از افاضل علماء و مجاهدین دانشمندان عصر حاضر تهرانست تولدش حدود سال 1330 قمری در تهران واقع شده و در حجر تربیت والد ماجدش پرورش یافته و تحصیلات خود را در تهران شروع و پس از آن مهاجرت به قم و چندین سال از محضر اساتید حوزه مخصوص مرحوم

آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت کوهکمری و آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و والد خود به طهران آمده و در مسجد خیابان اسلامبول (مسجد هدایت) اقامه جماعت و تنویر افکار جوانان و غیره نموده و در راه هدف خود حوادث و بلیاتی را تحمل نموده است.
نگارنده گوید: علامه طالقانی معاصر عالمی مبارز و دانشمندی مجاهد است بسهم خود خدمات ارزنده‌ای نموده و موجب هدایت و ارشاد بسیاری از جوانان و روشن فکران گردیده و نیز آثار عددیه آموزنده‌ای بطبع رسانیده است که از آنهاست:
1- پرتوی از قرآن چهار مجلد، دو جلد از اول قرآن و دو جلد از آخر قرآن که تفسیر بسیار زیبائی است از جهت مطلب و قلم 2- ترجمه و مقدمه کتاب عبدالفتاح بنام طلوع خورشید.
محقق، عالم اسلامی، مجتهد.
تولد: 1282، یکی از روستاهای اطراف طالقان.
درگذشت: 19 شهریور 1358، تهران.
آیت‌الله سید محمود طالقانی تحصیلات خود را در قزوین شروع کرد و دوره سطح را در تهران به پایان رسانید. اساتید ایشان آیت‌الله محمدحسن اصفهانی، آیت‌الله میرزای شیرازی و آیت‌الله سید حسن صدر بودند. در قم نیز استادان وی آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری بودند. پس از سال‌ها تحصیل در قم از آیت‌الله العظمی حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم اجازه‌ی اجتهاد گرفت.
آیت‌الله طالقانی در مدرسه‌ی سپهسالار به آموزش علوم اسلامی پرداخت. در حدود سال 1318 الی 1320 به تفسیر قرآن در مسجد قنات‌آباد پرداخت. اولین بار به سبب دفاع از یک زن محجبه در سال 1318 زندانی شد. بعد از شهریور 1320 دست به تشکیل کانون اسلام در خیابان امیریه زد که در آن یک سلسله سخنرانی‌هایی ایراد می‌شد. همچنین در این کانون مجله‌ای به نام «دانش‌آموزان» منتشر می‌شد. از جله همکاران این مجله مهندس مهدی بازرگان بود که اساس دوستی آن دو و همچنین دکتر عزت‌الله سحابی از همین جا آغاز شد. در همین دوره است که انجمن اسلامی دانشجویان با همکاری مهندس بازرگان و دکتر سحابی تشکیل می‌شود. آیت‌الله طالقانی در تشکیل و تأسیس اتحادیه مسلمین هم نقش فعالی داشت.
علاوه بر این فعالیت‌ها، در ترجمه و تدوین موضوعی نهج‌البلاغه با آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای همکاری نزدیک داشت. وی بعد از واقعه آذربایجان در سال 1325، از طرف اتحادیه مسلمین و جامعه روحانیت آن روز برای سرکشی به حوادث آذربایجان به آنجا سفر می‌کند و گزارشی تهیه

می‌نماید.
در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت در مبارزات مردم شرکت داشت و در انتخابات دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملی از طرف مردم شمالی نامزد نمایندگی مجلس شد که مورد پشتیبانی مردمی قرار گرفت ولی انتخابات آن ناحیه مانند بعضی از نواحی دیگر انجام نگرفت و به دستور دولت برای جلوگیری از اخلالگری‌ها انتخابات آنجا تعطیل شد. بعد از کودتای بیست و هشت مرداد مبارزه را به صورت پنهانی در نهضت مقاومت ملی ادامه داد و همچنان در منبر و جلسات مسجد هدایت برای مردم سخن می‌گفت.
در سال 1334 فدائیان اسلام مدتی در منزل طالقانی پنهان شدند تا این که مأموران طنین می‌شوند ولی چند ساعت قبل از اینکه مأموران به خانه بریزند، نواب و دوستانش از منزل طالقانی خارج می‌شوند و بعد از آن مأموران سر می‌رسند و وی را دستگیر می‌کنند که مدتی در بازداشت بود ولی چون مدرکی علیه او وجود نداشت، آزاد می‌شود، مجددا در سال‌های 1324 و 1325 نیز بار دیگر سید مجتبی نواب‌صفوی، از اعضای فداییان اسلام را، در اطراف دهات طالقان مخفی می کند.
در سال 1336 نیز توسط ساواک دستیگر شد که بیش از یک سال در زندان به سر برد . با آیت‌الله مرتضی مطهری همکاری نزدیک داشت و در تابستان سال 1339 در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی به جبهه ملی دوم پیوست، جلسات وی در مسجد هدایت توسط حکومت تعطیل می‌شود و بعد از مدت کوتاهی آن جلسات در منزل احمد علی بابایی به مدت ده شب در دهه‌ی آخر ماه صفر ادامه پیدا می‌کند و همراه با آیت‌الله مطهری به تحلیل مسایل اجتماعی و سیاسی و روشنگری و افشاگری حقایق می‌پردازد.
در بیست و دوم خرداد 1342 دوباره دستگیر شد. پس از مدتی در شانزدهم دی 1342 او را به ده سال زندان محکوم کردند. فعالیت‌های او در زندان عبارت بود از برقراری جلسات قرآن، نهج‌البلاغه و تاریخ اسلام بود. آیت‌الله طالقانی همچنین توانست نخستین نماز جماعت در زندان را برپا نماید.
ایشان در کنفرانس‌هایی در کشورهای اسلامی به عنوان نماینده آیت‌الله کاشانی یا آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کرد.
در عید سعید فطر سال 1348 به مسئله‌ی فلسطین پرداخت و پس از خطبه‌ها مردم به پیروی از او گروه گروه به طرف محراب رفتند و فطریه خود را برای کمک به فلسطین هدیه کردند. روز عید فطر 1350 دستگیر و به زابل تبعید شد. آیت‌الله طالقانی دو سال بدون محاکمه، شکنجه‌های روحی و جسمی را در زندان تحمل کرد. در سال 1356 سه سال را در بدترین شرایط در زندان گذراند. سرانجام در پاییز 1357 همراه با دیگر

زندانیان سیاسی از زندان آزاد گردید.
در محرم سال 1357 برابر با یازده آذر پیامی برای مردم ایران فرستاد. ایشان همچنین به پیروی از امام در دهم بهمن 1357 پیامی برای ارتشی‌هایی که با ملت همدل بودند فرستاد. در تشکیل مجلس خبرگان به عنوان نماینده اول مردم تهران انتخاب شد. وی همچنین امام جماعت نخستین نماز جمعه در پنج مرداد 1358 بود. ایشان هفت نماز جمعه برگزار کرد که آخرین آن در بهشت زهرا در شانزده شهریور 1358 بود.
آیت‌الله طالقانی برای پایان یافتن درگیری‌های کردستان به همراه آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی و حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی به آنجا سفر کردند.
از جمله آثار اوست: پرتوی از قرآن (1342، تنظیم شده در زندان قصر)؛ مقدمه، توضیح و تعلیقه بر تنبیه الامة و تنزیه الملة؛ اسلام و مالکیت (1330)؛ ترجمه جلد اول کتاب امام علی بن ابیطالب (نوشته عبدالمفتاح عبدالمقصود، 1335)؛ به سوی خدا می‌رویم؛ با هم به حج می‌رویم (1332)؛ پرتوی از نهج‌البلاغه؛ آینده‌ی بشریت از نظر مکتب ما؛ آزادی و استبداد؛ آیه حجاب؛ مرجعیت و فتوا؛ مبحث وحی؛ غار حرا (1368 ق.)؛ درسی از قرآن؛ درس وحدت؛ گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی (گفتارهای رادیویی وی در سال‌های 1325 و 1327 ،1326)، روزها و خطابه‌ها، خطبه‌های نماز جمعه، مقدمه‌ای بر انجیل برنابا (ترجمه سردار کابلی)؛ مقالات منتشره در مجلات مختلف.
آیت‌الله سید محمود طالقانی در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بامداد دوشنبه نوزدهم شهریور 1358 جان سپرد و در بهشت زهرا به خاک سپره شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (269 -268 / 2)، آینه‌ی دانشوران (514 -513)، گنجینه‌ی دانشمندان (77 -57 / 8)، مستدرکات اعیان (219 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (51 -50 / 6).

طاووس یمانی، ابوعبدالرحمان طاووس

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(106 -33 ق)، مفسر، قاری، فقیه، محدث، زاهد و صوفی. اصلش ایرانی است، در یمن به دنیا آمد. ابن‌جوزی اسم او را ذکوان و لقب او را طاووس آورده و گوید از آنجا که او طاووس القراء بود به طاووس مشهور شد. او از بزرگان تابعین و از راویان ابن‌عباس و ابوهریره و فقیهی گرانمایه به شمار می‌آید. مجاهد و عمرو بن دینار از وی حدیث روایت کرده‌اند. در و عظ خلفا و سلاطین بسیار بی‌باک بود. ابن‌عیینه گوید: سه تن، از سلاطین به دور بودند: ابوذر، طاووس و ثوری. گفته‌اند که او چهل مرتبه حج کرد و چهل سال نماز صبح را با وضوی نماز عشاء خواند. شیخ طوسی او را از جمله اصحاب امام سجاد (ع) ذکر کرده، زیرا که وی راوی بعضی از ادعیه آن حضرت است. ابن‌قتیبه در «المعارف» به تشیع وی تصریح کرده و صاحب «روضات الجنات» او را در عداد فقهای شیعه شمرده، اما محدث نوری در «مستدرک الوسائل» آن را رد کرده و گوید که از هیچ یک از علما مطلبی دال بر شیعه بودن وی نقل نشده است. طاووس در مراسم حج، روز ترویه، درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (322 / 3)، اعیان الشیعه (396 -395 / 7)، التاریخ الکبیر (ج 2 ق 365 / 2)، تهذیب التهذیب (10 -9 / 5)، الجرح و التعدیل (ج 2 ق 501 -500 / 1)، حلیه الاولیاء (23 -3 / 4)، رجال طوسی (94)، روضات الجنات (139 -136 / 4)، ریحانه (23 -21 / 4)، سیر النبلاء (49 -38 / 5)، شذرات الذهب (134 -133 / 1)، طبقات ابن‌سعد (70 -66 / 6)، العبر (99 / 1)، الکنی و الالقاب (441 -439 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ طاووس)، المعارف (268)، النجوم الزاهره (331 / 1)، وفیات الاعیان (511 -509 / 2).

طاهری، احمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد علی طاهری
محل تولد : قم
شهرت : طاهری قمی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1304/1/1

زندگینامه علمی
احمد علی طاهری قمی فرزند آیه الله العظمی آخوند ملامحمد طاهر اشعری قمی اعلی الله مقامه شریف می باشم درسن ده سالگی پدرم را ازدست دادم و تحت کفالت مادرم به درس خواندن خود ادامه دادم .تحصیلات ابتدائی را درمکتبی که متعلق به مرحوم سید هاشم میر شجاعی قمی رحمته الله علیه بود به سر بردم سپس در مدرسه رشدیه چند سالی نزد پیر معارف مرحوم حاج میرزا حسن رشدیه تحصیلات کلاسیک را فرا گرفتم آنگاه اساتید بنده درتکمیل دروس مقدماتی صرف و نحو و منطق و معنی بیان و هیئت و گاهنامه عبارتند از(که درصفحه بعد به انها اشاره شده است)ازبرخی ازاین بزرگان تقریراتی درفقه و اصول نوشته ام که اگر توفیق نصیب شود آنها را تنظیم نموده و به چاپ خواهم رساند

طاهری، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین طاهری
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/2

زندگینامه علمی
آقای سید حسین طاهری شهرت طاهری وحدتی در سال 1338 در خانواده‌ای مؤمن و پای بند به مسائل دینی در مشهد به دنیا آمد. در سال 1354 به دنبال اشتیاق فراوان به تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه مشهد شد. ادبیات عرب را از محضر حجةالاسلام آقایان رضوانی و حجت هاشمی آموخت. سطح را در محضر اساتید مبرز مشهد از جمله مرحوم بنی هاشمی، مرتضوی و رضازاده سپری کرد و خارج فقه و اصول را نزد آیات علم‌الهدی، زنجانی و مرحوم فلسفی تلمذ کرد. عشق ایشان به بارگان ملکوتی امام رضا(ع) مانع از آن شد تا به حوزه‌ای علمیه و دیگر شهرها از جمله قم وارد شود و لذا در همان جا در حین تحصیل به تدریس علوم دینی و غیردینی پرداخت و در این رهگذر شاگردان بارزی جهت خدمت به انقلاب و مردم و... را تربیت کرد.

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در روزهای پایانی صفر 1292 ق . خانه حجة الاسلام حاج سید علی بن سید احمد طباطبایی با تولد نوزادی که ((حسین)) نام گرفت. غرق درذکر و سپاس پروردگار شد.
سید حسین اندک اندک بالید، جامع المقدمات ، سیوطی ، منطق و گلستان سعدی را در مکتب آموخت و سپس در مدرسه نوربخش به تکمیل اندوخته ها و تهذیب نفس پرداخت . نحو، صرف ، بدیع ، عروض ، منطق ، فقه و اصول بخشی از دستاورد سالهای مدرسه نور بخش شمرده می شد. سالهایی که سید حسین سخت کوشید و در پناه عنایتهای ویژه الهی به پیشرفتی چشمگیر دست یافت .
آنگاه عزم اصفهان سپاهان کرد و پس از جلب رضایت پدر سمت آن سرزمین دانش خیز به راه افتاد. آقا نوح الدین ، پسر عمو سید حسین ، در مدرسه صدر روزگار می گذراند؛ دانشجوی سخت کوش بروجرد یکسره نزد پسر عمویش شتافت و در حجره او اقامت گزید. رابطه پسر عموهای بروجردی بسیار نیک بود. آقا نوح الدین در روزهای آغازین به سید حسین گفت : اگر می خواهی در دانش اندوزی و تدریس کامروا شوی باید در محافل علمی سخن بگویی و در درس اشکال کنی و گرنه تا پایان عمر چون من گمنام می مانی .
زیر باران
سید حسین نخست در درس استاد گرانقدر آقا سید محمد باقر درچه ای شرکت جست .
دانشور درچه ای ، که نورالهی در دیدگان داشت ، بزودی گوهر یگانه بروجرد را باز شناخت ، او را به خود نزدیک کرد و از عنایات ویژه خویش برخوردار ساخت . حضرت آیة الله ملا محمد کاشی ، مجتهد وارسته میزار ابوالمعانی کلباسی ، دانشور گرانمایه سید محمد تقی مدرس و حکیم برجسته میرزا جهانگیر قشقایی از دیگر استادان ستاره تابناک بروجرد شمرده می شدند.
استادان گرانپایه ای که هر یک به گونه ای سید حسین را از عنایت خویش بهره مند ساختند و در شکل گیری شخصیت گوهر گرانبهای خاندان طباطبائی دخالت داشتند. سید دانش پژوهان بروجردی در بامداد یکی از روزهای ربیع الاول 1314 سرمست از باده دانش و حکمتی که استادان

نامور حوزه سپاهان در کام روانش می ریختند، در برابر حجره اش نشسته بود که پیکی نامه پدر را به وی سپرد.
هر چند نامه پدر سید حسین را در شادی فرو برد ولی این سرور دیری نپایید زیرا پدر او را به وطن فرا خوانده بود. ستاره بروجرد با این اندیشه که شاید پدر می خواهد او را به نجف گسیل دارد رنج سفر و بریدن از درس را به جان خرید و به زادگاهش برگشت ولی پدر اندیشه ای دیگر در سر داشت . او با پای فشاری بر خواسته خویش مقدمات ازدواج فرزند را فراهم آرد. بدین ترتیب دانشجوی جوان بروجردی در 22 سالگی ازدواج کرد. دو یا سه ماه در زادگاهش ماند و سپس با خانواده سمت اصفهان رهسپار شد.
نامه سرنوشت
1319 ق . برای گوهر یگانه بروجرد سال تحول بود. نامه پدر به دستش رسید و او را آماده سفر ساخت . پدر چنان نوشته بود که می خواهد وی را به نجف گسیل دارد. بنابراین پس از نه سال زندگی سراسر تلاش و پژوهش در اصفهان به زادگاهش بازگشت . اندکی در آن سامان توقف کرد و سپس همراه برادر کوچکش ، سید اسماعیل ، رهسپار نجف شد.
برادران بروجردی در 1320 به حریم پاک امیر مومنان علیه السلام گام نهادند. سید حسین ، که 28 سال داشت و مجتهدی جوان شمرده می شد، به درس حضرت آیة الله العظمی محمد کاظم خراسانی شتافت و خود را در برابر تابش مستقیم آفتاب دانش آن مرجع وارسته جای داد. بزودی نظرهای بجا و قابل تاءمل دانشو تازه وارد توجه استاد بزرگ حوزه نجف را جلب کرد و میان آنها پیوندی ناگسستنی پدید آورد. به گونه ای که اگر پس از درس آخوند خراسانی ، سخنی بر زبان نمی آورد، استاد وی را مخاطب قرار می داد و می فرمود: آقا نظری ندارید؟
اندک اندک ارج سید حسین بر شاگردان محفل آخوند نیز آشکار شد. آنها از او خواستند تا پس از خروج استاد از محفل ، درس وی را با شرح و توضیح فزونتر بازگو کند. بدین ترتیب یکی از برنامه های مجتهد بروجردی تقریر درس استاد شد.
آن بزرگمرد هشت سال در حریم حضرت علی علیه السلام اقامت گزید. علاوه بر آخوند خراسانی از بزرگانی چون حضرات آیات شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی بهره کافی برد، گروهی از دانشجویان را از درس فصول (در علم اصول) خویش کامروا ساخت ، سر انجام در اواخر 1328 به اصرار پدر راه بروجرد پیش گرفت و در 1329 با استقبال پرشور مردم به زادگاهش گام نهاد.
او بر آن بود که پس از اقامتی کوتاه در وطن دیگر بار سمت نجف بال گشاید و به آستان مقدس علوی پناهنده شود. ولی بیماری و مرگ پدر

سفرش را به تاءخیر انداخت . در این سوگ نامه صاحب کفایة الاصول سبب تسلای خاطرش شد. آخوند خراسانی ضمن تسلیت وفات حاج سید علی از اشتیاق وافر خویش برای دیدار مجتهد بروجرد پرده برداشته بود.
این نامه مهرآمیز سید دانشوران بروجرد را بر آن داشت که امور خانواده را سامان دهد و به نجف شتابد. چند ماه بعد همه چیز برای سفر آماده بود که خبر رحلت استاد گرانقدرش وی را در اندوه فرو برد. آن بزرگمرد پیوسته می گفت : مرگ دو پدر در مدت کوتاه کمتر از 6 ماه بسیار بر من سنگین و ناگوار بود.
خبر مرگ استاد اشتیاق سفر را در وجودش میراند. زندگی در نجف بی حضور استاد خراسانی برایش دشوار بود. پس اندیشه هجرت از سر بردن کرد و در بروجرد بساط تدریس و ارشاد مردم گسترد. اندک اندک مؤ منان شهر ارج ستاره خاندان طباطبایی دانستند و زمام امور معنوی خود را به وی سپردند. ارادت حضرت آیة الله حاج محمد رضا دزفولی به سید مجتهدان بروجرد بر شهرت و اعتبارش افزود. پس از رحلت فقیه دزفولی انبوه مقلدانش به آن مجتهد وارسته رجوع کردند و مرجعیت آن بزرگمرد در منطقه گسترش یافت .
در برابر شب
در این سالها تبلیغ بهایی گری از سوی برخی از مسؤ ولان شهر و اهانت آشکار آنها مقدمات دینی مردم سرور مجتهدان بروجرد را در نگرانی فرو برد. او با تهران تماس گرفت ، وضعیت نامطلوب برخی از ادارات را با پایتخت نشینان در میان نهاده ، خواستار برکناری مسؤ ولان دین ستیز شد و چون بی اعتنایی سران دولت را مشاهده کرد معترضانه شهر را ترک گفت .
پیروان پاکدل آن مرجع روشن بین در مسجاها گرد آمدند، سخنرانان بر منبرها جای گرفتند و همه یکصدا به حمایت از مرجع دلاور بروجرد پرداختند. مسؤ ولان شهر که توان رویارویی با مردم را در خویش نمی دیدند خواسته فقیه طباطبایی را اجابت کردند و آن راهبر توانا در میان ابراز احساسات پرشور مؤ منان به شهر بازگشت .
سفر سبز
از رخدادهای مهم دیگر این سالها وفات دخت گرانقدر مرجع پارسای بروجرد بود. استاد پس از این حادثه ناگوار راه خراسان پیش گرفت تا در پناه آفتاب توس دمی از رنج هستی بیاساید.
چون توقف آن فقیه فرزانه در مشهد به درازا کشید نمایندگان مردم بروجرد نزدش شتافتند و او را بدان دیار خواندند. دانشمند فروتن طباطبایی خواسته آنها را اجابت کرد، پس از سیزده ماه رهسپار زادگاهش شد و پس از توقفی کوتاه در قم و تهران در میان استقبال پر شور مؤ

منان به بروجرد گام نهاد.
او سپس راه عراق پیش گرفت ، مدتی در نجف ماند و با بزرگانی که به استقبالش شتافته بودند، دیدار کرد. آنگاه رهسپار حجاز شد، پس از به جای آوردن مراسم حج به عراق بازگشت ، چندی در حریم امیرمؤ منان توقف کرد و سپس روانه ایران شد.

در بند دژخیم

همزمان با اوج گیری اعتراضهای مؤ منان علیه رضا خان و هجرت اعتراض آمیز روحانیان کشور به قم ، سرور فقیهان بروجرد به مرز ایران گام نهاد. مزدوران دربار، که از پیوستن او به مهاجران و رساندن پیام مراجع نجف به معترضان می هراسیدند در مرز قصر شیرین وی را دستگیر کردند و به پایتخت بردند.
در تهران رضاخان به دیدارش شتافت . او که در پی یافتن فردی برای رویارویی با شیخ عبدالکریم حائری بود با سید مهربانی کرده ، گفت : چیزی از من بخواه .
فقیه بروجردی اظهار بی نیازی کرد ولی در برابر پافشاری شاه ناگریز لب گشاده ، فرمود: وقتی در ارکان حرب بودم مقدار جیره غذایی سربازان را ناکافی دیدم ، اگر می خواهید کاری کنید فرمان دهید جیره آنها فزونی یابد.
آنگاه در پاسخ رضا خان ، که مساءله نادیده گرفتن جایگاه آیة الله العظمی حائری و پیروی دولتیان از مجتهد بروجردی را مطرح کرد، فرمود: خیر، شما با ایشان تماس بگیرید، من هم اگر کاری داشتم از طریق آن جناب با شما در میان می نهم .
آنگاه وی را به همراهی با روحانیت و عمل به دستورات الهی فرا خوانده ، چون می دانست اجازه سفر به قم و بروجرد به او نمی دهند، فرمود برآنم به مشهد سفر کنم .
اندکی پس از خروج رضا خان تیمورتاش پنجاه هزار تومان نزد آن مرجع وارسته آورد. فقیه بروجردی از پذیرش هدیه درباره خودداری کرد و بامداد روز بعد راه خراسان پیش گرفت .

دیدار بزرگان

مدتی پس از بازگشت سید به زادگاهش ، ورود حاج آقا حسین قمی به تهران و پیشنهادهای وی به دولت بار دیگر آن رادمرد را به عرصه تلاشهای سیاسی آشکار کشاند. او که چون آیة الله العظمی قمی به لزوم پیروی از دستورات الهی می اندیشید بر آن شد سمت تهران رهسپار شود ولی بستگان ، وی را از این کار باز داشتند. فقیه روشن بین از رؤ سای عشایر خواست با تهران تماس گرفته ، حمایت عشایر از پیشنهادهای حاج آقا حسین قمی را به پایتخت گزارش دهند. البته آن بزرگوار خود نیز به تهران تلگراف زد که ، اگر دولت سخن آیة الله قمی را نپذیرد به پایتخت خواهد

رفت و مسؤ ولیت فرجام چنین اقدامی تنها به عهده دولت است .
در سایه تلاشهای آن راهبر سخت کوش سرانجام دربار خواستهای حاج آقا حسین را پذیرفت و آن بزرگوار سمت عراق رهسپار شد. فقیه بروجردی در ملایر به دیدار آن دانشور برجسته شتافت و یک ساعت با وی گفتگو کرد.
هجرت
بیماری استاد فقیهان بروجرد را باید در شمار دیگر رخدادهای مهم سالهای زندگی آن مرجع وارسته در زادگاهش به شمار آورد. بیماری دشواری که سرانجام با عمل جراحی و استراحت هفتاد روزه در بیمارستان فیروزآبادی تهران مهار شد.
چون او از بند بیماری رهایی یافت ، با دو پیشنهاد روبرو شد: از یک سو نمایندگان بروجردیان برای بازگرداندنش پیاپی به تهران می شتافتند و از سوی دیگر دانشوران ساکن قم او را به زندگی در حریم حضرت معصومه علیه السلام فرا می خواندند. استاد برای اقامت در قم با قرآن به رایزنی پرداخت . آیة سوره مؤ منون چراغ سبز الهی به این نیت پاک بود. پس همراه دانشمندان قم راه آن دیار پیش گرفت و در میان استقبال مردم و بزرگان حوزه بدان سرزمین آسمانی گام نهاد.
بدین ترتیب آفتاب رخشان فقاهت در چهاردهم محرم 1364 ق .از افق قم بر آمد و جهان را از نور دانش گرمای معنویت خود سرشار ساخت .
در تابش آفتاب توس
مدتی پس از اقامت در قم ستاره تابناک مرجعیت رهسپار توس شد تا در پناه خورشید ولایت جام وجودش را از امدادهای سبز پیشوای هشتم شیعه آکنده سازد. در این سفر دانشور وارسته حضرت آیة الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی جایگاه نماز خویش در مسجد گوهرشاد را به وی سپرد و از آن بزرگمرد خواست ، ماه مبارک رمضان در آن مکان نورانی اقامه جماعت کند.
استاد بزرگ حوزه پس از ماه مبارک رمضان به قم شتافت و دیگر بار به وظایف سنگین خویش روی آورد.
مرجع موید
با رحلت مرجع بزرگوار حضرت آیة الله العظمی سید الوالحسن اصفهانی مرجعیت گوهر یگانه بروجرد فراگیر شد و مؤ منان از هر سو به آن فقیه وارسته مراجعه کردند.
ناگفته پیداست که عنایات و تاءییدات الهی در رویکرد عمومی به آن فقیه وارسته نقشی سبز داشت . خاطره ها و سخنان بر جای مانده از دانشوران آن روزگار نشان می دهد که آفتاب رخشان سلسله طباطبایی زیر باران پیوسته امدادها و عنایتهای فرامادی قرار داشت . برای مثال

حضرت آیة الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی ، که خود از بزرگان روحانیت شیعه بشمار می آمد، پس از وا نهادن مجراب خویش به مرجع بروجردی به نجف شتافت .
مرجع شیعیان جهان ، حضرت آیة الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، که از بیماری رنج می برد، جناب نهاوندی را ماءمور اقامه جماعت کرد. شیخ نهاوندی دنباله این ماجرا را چنین بیان کرده است :
شب اولی که به جای ایشان برای خواندن نماز جماعت رفتم ، وقتی بر سجاده قرار گرفتم ، آوایی شنیدم که گفت ((عظمت ولدی عظمتک)) - فرزندم را بزرگ داشتی من نیز تو را بزرگ داشتم - برگشتم ، به همه سو نگاه کردم ، مردم در صفهای جماعت نشسته بودند، کسی جز من پیام غیبی را در نیافته بود.
علاوه بر گفتار دانشمند گرانمایه حضرت شیخ علی اکبر نهاوندی کردار آن مرجع وارسته بویژه در سالهای زندگی قم دلیل روشنی بر معنویت و همراهی پیوسته تایید الهی با فقیه فروتن بروجردی است . کرداری که شاگردانش از آن پرده برداشتند و برای همیشه در سینه تاریخ به یادگار نهادند:
1- همسر یکی از دانشجویان باردار بود. هنگام زایمان او را نزد پزشکی به نام اسماعیل موسوی برد. پس از زایمان ، پزشک به پدر نوزاد گفت : این پسرت را من نجات دادم ، اگر من نبودم می مرد، دوست دارم نامش را اسماعیل بگذاری .
دانشجوی جوان نیز نام کودک را اسماعیل نهاد ولی دریغ که نوزاد از نخستین روز تولد در بیماری و درد فرو رفت . تلاشهای شبانه روزی پدر و مادر و مراجعه به پزشکان گوناگون سودمند واقع نشد و کودک میان دنیا و برزخ سرگردان ماند. دانشجو، که دستش از همه جا کوتاه می نمود، نزد استاد وارسته حوزه حضرت آیة الله العظمی بروجردی سفره دل گشاد و گفت : آقا، خداوند نوزادی به من داده که از نخستین روز تولد تا کنون پیوسته بیمار است ، نمی دانم چه کنم :
استاد مهربان فرمود: نامش را عوش کنید خوب می شود.
دانشجو، که هرگز داستان سفارش پزشک و نامگذاری نوزاد را برای استاد نگفته بود، شگفت زده به خانه رفت ، نام کودک را ((امیر)) نهاد و او را برای همیشه از بیماری و رنج رهایی بخشید.
2- دانشجویی دیگر داستان دلدادگی اش به استاد را چنین باز گفته است :
وقتی تازه به قم آمده بودم ، آقا برایم شهریه فرستاد. من نپذیرفتم و گفتم : زمینی در شمال دارم که در آمدش مراکافی است .
پس از چندی خشک سالی شمال را در بر گرفت . من برای گذران زندگی به قرض روی آوردم . چون میزان بدهی ها زیاد شد، ناگزیر فرشهای خانه

را جمع کردم و یکی از بازاریان را به خانه بردم تا آن را بخرد. مرد بازار بهایی اندک برای فرش بر زبان آورده ، بهایی که برای پرداخت بدهی هایم کافی نبود. بازاری دیگری را به خانه بردم ، اما او بهایی کمتر از اولی پیشنهاد کرد.
من سرگردان و مردد بودم که ناگهان صدای در مرا به خود آورد، شتابان سمت در دویدم ؛ حاج احمد، خادم استاد، پشت در بود. او پاکتی به من سپرد و گفت : این را آقا برای شما فرستاده .
به پاکت نگریستم ، اثری از پول در آن نبود. چون گشودم چکی در آن یافتم . چکی که مبلغ آن درست به اندازه بدهی ام بود. شگفتی وجودام را فراگرفت زیرا جز من و خداوند هیچ کس از میزان کامل بدهی ام خبر نداشت .
سالهای درخشان
حضور فقیهی با چنین معنویت و تاءیید الهی حوزه مقدس قم را که ، زیر ضربات پیوسته عوامل رضاخان ناتوان شده بود، جانی تازه بخشید. اینک همه چیز برای گسترش حوزه و مستحکم ساختن بنیادهای علمی و اقتصادی آن آماده بود. پیروان مؤ من فقیه بروجردی انبوه وجوه شرعی و هدایای خویش را نزد مرجع وارسته شان گسیل می کردند و دانشجویان از گوشه و کنار کشور برای بهره گیری از دریای دانش آن بزرگمرد به قم می شتافتند.
مرجع پاکدلان با روشن بینی خاص خویش آستین همت بالا زد و در کنار تدریس روزانه به اصلاحات اساسی دست یازید.
سامان دادن به وضعیت درسی حوزه .
رسیدگی به مسایل مالی دانش پژوهان ، بر قرار ساختن ارتباط با دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه و محافل رسمی برادران اهل سنت برای ایجاد وحدت میان گروههای مسلمان ،گسیل کردن نمایندگانی به اروپا و امریکابرای شناساندن اسلام واقعی به مردم آن مناطق بخشی از اقدامات آن آفتاب فروزان به شمار می رود.
ناگفته پیداست که فقیه فرزانه ای چون وی هرگز نمی توانست در برابر رویدادهای داخلی بی تفاوت باشد. او چنان می اندیشید که ((اگر مردم عالم شوند و دین هم بطور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد، هم دانا خواهند شد و هم متدین)) پس در کنار رسیدگی به وضع دانشجویان علوم دینی و حوزه ها دبستانها و دبیرستانهای دولتی را نیز از کمکهای نقدی خویش بهره مند ساخت و در رونق آنها کوشید.
او پیوسته مراقب بود تا بیگناهی به زندان اتهام نیفتد و مؤ منی ناخواسته در دام اهریمنان جای نگیرد. بنابراین چون از مساءله متهم شدن یک مسلمان بی گناه به قتل فردی بهایی آگاه شد در نگرانی فرو رفت .

چند بهایی یکی از همکیشان خود را کشته ، با نیرنگ جوانان مؤ من را به قانون سپردند. یکی از این جوانان به اعدام محکوم شد و حکم باید درروز نیمه شعبان به اجرا در می آمد. این خبر مرجع پارسای قم را در نگرانی فرو برد. بی درنگ نامه هایی خطاب به شاه ، نخست وزیر و آیة الله بهبهانی نوشته ، به تهران گسیل داشت ، سپس به هر که سودمند می دانست تلفن زده ، قضیه را دنبال کرد تا سرانجام نیمه شب خبر لغو حکم اعدام را به وی رساندند. با شنیدن این خبر اشک از دیدگانش روان شد و پروردگار را بسیار سپاس گفت : در این لحظه یکی از نزدیکان به اتاقش آمد و پرسید: شما هنوز بیدارید؟
مرجع بزرگ شیعه پاسخ داد: خیلی مهم بود ولی به خیر گذشت . هر وقت فکر می کردم خون مسلمان بی گناهی ریخته می شود، همه بدنم می لرزید و متحیر می ماندم که فردای قیامت جواب خداوند عالم را چه بگویم .
آنچه گذشت در کنار خدمات رفاهی فقیه بروجردی به مسلمانان سراسر جهان ، که تاءسیس بیش از هزار مسجد، مدرسه ، بیمارستان ، کتابخانه ، گرمابه و دبستان در ایران ، عراق ، لبنان ، آفریقا و اروپا، نمونه کوچکی از آن شمرده می شود، مرجع شیعیان را از محدوده مرزهای کشور فراتر برد و به شخصیتی جهانی تبدیل کرد. شخصیتی که شاعران و نویسندگان اهل سنت در شعرها و مقاله های خویش وی را می ستودند. شاهان شیعه و سنی برایش هدیه فرستادند. برای مثال زمانی ملک سعود، پادشاه حجاز، یک چمدان بزرگ حاوی پانزده نسخه قرآن کریم ، قطعاتی از پرده خانه خدا و چیزهای گرانبهای دیگر نزد آن دانشمند وارسته گسیل داشت .
سرور فقیهان شیعه تنها قرآنها و پرده کعبه را پذیرفت و باقی را همراه نامه ای به ملک سعود بازگرداند و گفت چون هدیه نمی پذیرم . این را نیز نمی توانم قبول کنم ولی ناگزیر قرآن و پرده کعبه را می پذیرم و باقی را به رسم هدیه به شما باز می گردانم تا هنگام دعا به یادم باشید.
دانشور جامع
یکی از نکات مهم و قابل توجه در شخصیت آیة الله العظمی بروجردی جامعیت علمی آن بزرگوار بود. استاد فقیهان شیعه را نمی توان تنها یک فقیه به شمار آورد. او از علوم دیگر روزگار به اندازه ای آگاهی داشت که موجب شگفتی صاحبنظران می شد. دو خاطره ای که تاریخ در این باره ثبت کرده است می تواند دلیل روشنی بر درستی این سخن باشد:
1. وزیر فرهنگ وقت همراه مسعودی ، رئیس روزنامه اطلاعات ، نزد ایشان شتافت . کسی که آنها را خدمت آقا برده بود دست مبارکش را بوسید، در پی او وزیر فرهنگ نیز چنین کرد ولی مسعودی از این کار سرباز زد. پس از معرفی ، آقا درباره تاریخچه روزنامه ، نگاری ، اهداف آن ،

اولین روزنامه نگار و... سخن گفت .
آنگاه پرسشی جغرافیایی مطرح کرد و چون وزیر فرهنگ از پاسخ باز ماند خود به تبیین پاسخ و توضیح آن پرداخت .
هنگام خداحافظی مسعودی پیش از همه دست آقا را بوسید و پس از بیرون آمدن گفت : آقا چنان پیرامون روزنامه نگاری صحبت کرد که گویا یک روزنامه نگار است .
2. روزی دیگر سرتیپ رزم آرا خدمت گوهر یگانه دریای فقاهت شتافت تا قبله نمای اختراعی خویش را به وی بنمایاند. آقا درباره نجوم و ریاضی مطالبی بیان کرد. سرتیپ پس از خروج گفت : من خیال می کردم آقا تنها در فقه و اصول مجتهد است ولی معلوم می شود در هر فنی تخصص دارد چون مطالبی که امروز اظهار داشت از مسایل دقیقی است که حتی بسیاری از استادان از آن آگاهی ندارند.
میراث ماندگار
مرجع روشن بین شعیه در کنار تدریس و کارهای روزانه به تحقیق نیز می پرداخت و نتایج پژوهشهای خویش را ثبت می کرد. آن بزرگوار در پاسخ علاقه مندانی که در پی بهره گیری از نگاشته هایش بودند فرمود: زیاد چیز نوشته ام ... بعضی از آنها بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود شده است .
ذکر نام بخشی از آثار علمی آن دانشور وارسته می تواند نشانه تلاش فراوان وی در این راه باشد:
1. تجرید اسانید الکافی
2. تجرید اسانید التهذیب
3. اسانید کتاب من لایحضره الفقیه
4. اسانید رجال کشی
5. اسانید استبصار
6. اسانید کتاب خصال شیخ صدوق
7. اسانید کتاب امالی
8. اسانید کتاب علل الشرایع شیخ صدوق
9. تجرید فهرست شیخ طوسی
10. تجرید رجال نجاشی
11. حاشیه بر کفایه الاصول
12. حاشیه بر نهایه شیخ طوسی
13. حاشیه بر عروة الوثقی
14. حواشی و مستدرکات فهرست شیخ منتجب الدین رازی
15. حواشی کتاب مبسوط
16. رساله ای درباره سند صحیفه سجادیه

17. اصلاح و مستدرک رجال طوسی
18. بیوت الشیعه
19. جامع احادیث الشیعه

آن بزرگوار از سالهای زندگی در بروجرد همواره در اندیشه نگارش مجموعه ای بود که فقیهان را در استنباط احکام یاری دهد و آنها را از مراجعه به کتابهای روایی متعدد بی نیاز سازد. چون به قم گام نهاد. و شاگردانی خبره تربیت کرد این اندیشه را با آنها در میان گذاشت و به یاری گروهی از آنان در مدت هشت سال اثر بیست جلدی ((جامع احادیث الشیعه)) را آماده چاپ ساخت .

فقیه یگانه جهان اسلام در کنار تلاشهای علمی و اجتماعی فراوان به پاسداری از میراث دانشوران پیشین نیز ارج می نهاد در فرصتهای گوناگون آثار علمی مخطوط و کمیاب را به چاپ می رساند. کتابخانه های کوچک و بزرگ بنیاد می نهاد و آثار دانشمندان را از این راه در اختیار جویندگان دانش می گذاشت . کتابخانه بزرگ آن فقیه نستوه در کنار مسجد اعظم قم نشانه توجه مرجع شیعه به این امر خداپسندانه است . دربار و مرجعیت

دربار از مشکلات پیوسته فقیه پاکراءی بروجرد به شمار می آمد. تبلیغات پر حجم وزنامه ها و مجلات وابسته در راه دین زدایی و دور ساختن مردم از فرهنگ اصیل اسلامی مرجع بیدار شیعه را رنج می داد. بنابراین گاه بر می آشفت و خشمگینانه به شاه هشدار می داد. روزی به اقبال ، نخست وزیر وقت ، گفت : پدرش (رضا خان) بی سواد بود ولی یک مقدار شعور داشت . اما این شعور هم ندارد و چیزی ملتفت نمی شود.

گاهی از پذیرش او خودداری می کرد و می فرمود: حتما می خواهد همانطور که چند تا عکس با زنش در این مسافرت گرفته است بیاید با من هم عکس بگیرد.

و زمانی به شدیدترین وجه ممکن در برابر نقشه های او می ایستاد. برای مثال وقتی شاه مساءله تغییر خط ایران از فارسی به لاتین را مطرح کرد. در این راه تبلیغات فراوان انجام داد، مرجع دلاور شیعه چون سدی آهنین در برابر دربار ایستاد و گفت :... من تا زنده ام اجازه نمی دهم این کار را عملی کنند به هر جا که می خواهد منتهی شود.

منابع موجود نشان می دهد که آن پیرفرزانه در کنار کمک به انقلابیون مؤ من سیاسی بسیار دقیق داشت . او چنان می اندیشید که مردم برای تحمل دشواریها آمادگی ندارند و اگر با فشار نیروهای دولتی روبرو شوند مرجعیت را تنها می نهند. بنابراین زمان را برای رویارویی مستقیم با دربار مناسب نمی دید. از سوی دیگر رها کردن شاه و راندن کامل وی را موجب فرو غلتیدن فزونتر او در دامان بیگانگان می دانست پس گاه با وی مدارا

می کرد تا آن جوان مغرور جای پای خود را سست نبیند و برای حفظ خویش به بیگانگان پناه نبرد.

فصل سوگ

اندک اندک شوال 1380 ق . فراسید و بیماری بر پیکر مرجع نود و سه ساله جهان اسلام پنجه افکند. بیماری دشواری که با دیگر رنجوریهای استاد فقیهان تفاوت داشت . در چنین روزهایی گروهی از ارادتمندان به عیادتش شتافتند.استاد، که بسیار اندوهگین می نمود، سربلند کرد و گفت : خلاصه عمر ما گذشت ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشی انجام دهیم . یکی از حاضران گفت : آقا، شما دیگر چرا؟ بحمدالله این همه آثار نیک از خود بر جای نهاده اید شاگردان پرهیزگار تربیت کرده اید، کتابهای پرارزش به رشته نگارش کشیده اید. مسجدها و کتابخانه ها ساخته اید. ما باید چنین سخنی بر زبان رانیم .

فقیه پارسای شیعه فرمود: خلص العمل فان الناقد بصیر بصیر. (باید کردارت را خالصانه برای خدا انجام دهی زیرا او به همه چیز بیناست و از انگیزه های بشر آگاه است .)

این سخن حاضران را بسیار تحت تاءثیر قرار داد.

چند روز پس از این گفتگو پیکر استاد رنجورتر شد و سرانجام در سیزدهم شوال 1380 ه ق برابر با دهم فروردین 1340 ه ش ، برای همیشه چشم از جهان فروبست و در مسجد اعظم قم ، که خود بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالفضل طباطبائی
محل تولد : بابلسر
شهرت : طباطبائی اشکذری
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
جناب آقای سیدابوالفضل طباطبائی مشهور به طباطبائی اشکذری پس از طی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی در شهرستان بابلسر، در سال 1361 وارد حوزه علمیه شهر فریدونکفار شد و تحصیلات مقدماتی تا رتبه اول سطح را زیر نظر حضرت آیت الله باکویی از اساتید بزرگ حوزه علمیه به اتمام رسانده پس از آن جهت تکمیل تحصیلات حوزوی خویش رهسپار قم گردید. این هجرت در سال 1367 اتفاق افتاد و سپس در قم دوره سطح عالی را در محضر اساتیدی همانند آیت الله وجدانی فخر، اعتمادی، تهرانی و... در مدت 3 سال سپری نمود و در سال 1370 رسماً تحصیلات خارج را شروع کرد که به مدت 5 سال در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی و 13 سال در درس خارج آیت الله وحید خراسانی شرکت کرد. در کنار فقه و اصول برخی علوم دیگر را نزد آیت الله جوادی آملی و معرفت آموخت و در سال 1372 در رشته تخصصی تفسیر و علوم قران فارغ التحصیل گردید آغاز به کار تحقیقات و پژوهش از سال 1370 در قالب همکاری با مؤسساتی چون مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر(عج) شروع گردید، محصول این همکاری‌های تألیفات فراوانی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی می‌باشد.

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه سیدمحمدحسین طباطبایی از خاندانی دانش‌پرور برخاسته‌اند و تا چهارده پشت ایشان از دانشمندان و علمای به نام تبریز بوده‌اند. ولادت آن بزرگوار در پایان سال 1321 هجری قمری مصادف با 1282 شمسی بوده است. ایشان در زادگاه خود تحصیلات مقدماتی را به انجام رساند. در سال 1304 رهسپار نجف شدند و ده سال در آن مرکز جهانی علوم اسلامی به تکمیل معلومات خود پرداختند و نزد استادان معروفی مانند نائینی، کمپانی و بادکوبه‌ای دروس بالای فقه و اصول و فلسفه را خواندند. همچنین ریاضیات را نزد سیدابوالقاسم خوانساری و اخلاق و عرفان علمی و تفسیر قرآن کریم را از محضر حکیم و عارف وارسته، حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبایی آموختند. سپس در سال 1314 به زادگاه خود بازگشت و به سبب تنگی وضع معیشتی مجبور شدند 10 سال در تبریز بمانند. سپس به قم مهاجرت کردند و تا پایان عمر در آنجا به تدریس علوم عقلی و تفسیر قرآن مشغول بودند. علامه در نجف
در سال 1304 علامه طباطبایی، برای گذراندن مراتب عالی دروس حوزوی، به همراه همسر و فرزند نورسیده‌اش «محمد» عازم نجف اشرف شدند و منزل محقری اجاره کردند. غربت نا مأنوس بودن با محیط و گرمای هوا، شرایط ناگواری برای این خانواده کوچک بوجود آورد. تنگی منزل و نبودِ آب خود مزید بر مشکلات بود. در این اوضاع تنها دلخوشی علامه و همسرش محمد کوچک بود. ولی ناگهان بیمار شد و بساط شادمانی خانواده را به یکباره برچید. نبود پزشکان متخصص و لوازم پزشکی مورد نیاز، باعث وخیم شدن حال محمد کوچک و مرگ او شد. فقدان آن کودک در دیار غربت، علامه و همسر مهربانش را در سوگ و ماتم نشاند. مرحوم علامه بار سنگین غم را در دل خود پنهان می‌کرد و همسرش را تسکین می‌داد. مدتی بعد خداوند فرزند دیگری به آ نها عنایت فرمود، ولی این شکوفه نورسته هم پس از یک سال سر به تیره تراب گذاشت و غم این خانواده جوان را تازه کرد. فرزند سوم هم به سرنوشت برادران خود دچار شد و این وضع خاطر لطیف همسر مهربان علامه را آزرده می‌ساخت. علامه طباطبایی به پیشگاه خداوند زاری می‌کرد تا از چنین وضع پریشانی رهایی یابند. روزی آیت الله قاضی طباطبایی که استاد علامه، و از بستگان همسرش بود، به منزل ایشان آمدند و از آنها دلجویی

فرمودند. هنگام رفتن به همسر مرحوم علامه فرمودند این بار فرزندتان پسر است و باقی می‌ماند. نامش را عبدالباقی بگذار تا ان‌شاءالله برایتان بماند. علامه که تا آن زمان از بچه‌دار شدن همسرش خبر نداشت، متحیر ماند اما سرانجام پیش‌بینی این عارف وارسته درست درآمد و خداوند فرزندی به آنها عنایت فرمود. وضعیت معیشتی
علامه طباطبایی به اتفاق همسر و برادرش به مدت ده سال در نجف اشرف اقامت داشت. آن حکیم الهی ضمن کسب معارف فقهی، عرفانی و فلسفی، موفق به تدوین آثاری در حکمت و کلام شد. اما در اواخر این دوران از جهت معیشتی با مشکل روبرو شد؛ زیرا نسبت به مصرف سهم امام و بیت‌المال حساس بود و هزینه زندگی را با درآمد ملکی موروثی‌اش در تبریز اداره می‌کرد که از تبریز به نجف حواله می‌شد. در اواخر اقامت علامه، دولت از ارسال وجوه به خارج کشور جلوگیری کردو دیگر مبلغی به دست علامه بزرگوار نرسید و دچار تنگنا شد. مدتی را به صرفه جویی شدید و فروش اثاث منزل و قرض گرفتن گذراندند و در انتظار رسیدن پول بودند، تا اینکه به طور غیرمنتطره وجهی از ایران رسید و علامه پس از پرداخت بدهی‌ها عازم ایران شد. همسر علامه طباطبایی
قمرالسادات، همسر علامه، از خانواده متدین و پاک طینت طباطبایی، زنی بود که در سیر تکاملی و سلوک علامه نقش مؤثر داشت. خانمی که همه عمر را در طبق اخلاص گذاشت و در راه این عارف والامقام تقدیم کرد. دشوارترین مشقّت‌ها را در غربت شهرهای نجف و قم تحمل کرد و حتی یک بار هم گلایه نکرد. مهندس سیدعبدالباقی طباطبایی، فرزند این خانواده می‌گوید: هنگامی که خواستیم به قم عزیمت کنیم به مادرم گفتم: شب عید که وقت مسافرت نیست؛ در این هوای سرد کجا می‌خواهیم برویم؟ مادرم نگاهی به من کرد و در حالی که اشک چشمانش را پاک می‌کرد این شعر را خواند:
رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست
می‌کشد هرجا که خاطرخواه اوست
رشته برگردن نه از بی‌مهری است
رشته عشق است و بر گردن نکوست قدردانی از همسر
حضرت علامه طباطبایی درباره همسر خود چنین می‌گوید: این زن بود که مرا به اینجا رسانید؛ او شریک من در کارهای علمی است و هرچه نوشته‌ام نصفش مال این خانم است. او به حدی به من کمک می‌کرد که گاه از چگونگی تهیه قبای خود اطلاع نداشتم (به این معنا که می‌رفت پارچه‌ای انتخاب می‌کرد، می‌خرید و پس از دوخت و آماده‌سازی در اختیار ایشان قرار می‌داد) وقتی مشغول تحقیق و پژوهش بودم، با من سخن نمی‌گفت و سعی می‌کرد، شرایط آرامی برایم ایجاد کند، رشته افکارم گسسته

نشود و هر ساعت در اطاق مرا باز می‌کرد و آرام چای را می‌گذاشت و می‌رفت. مرحوم علامه به همسر باوفایش عشق می‌ورزید و برایش احترام بسیاری قائل بود. پس از مرگش تا مدتها مرحوم علامه هر روز بر سر قبرش حاضر می‌شد و در فقدان او ناباورانه اشک می‌ریخت و این مهر دوسویه همگان را به تعجب وا داشته بود. بی‌آلایشی و ساده زیستی
آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی، از شاگردان علامه طباطبایی می‌گوید: آیت الله حجت تصمیم به توسعه مدرسه حجتیه قم گرفت. زمین‌هایی را خرید و در پی آن بود که نقشه مناسبی برای مدرسه تهیّه کند تا طرح جامع‌اش را اجرا کند. مهندسان نقشه‌های متعددی کشیدند ولی ایشان نپسندید. سرانجام شنیدیم سیدی از تبریز آمده و نقشه‌ای رسم کرده که مورد پسند آیت الله حجت واقع شده است. همچنین شنیدیم این سید در ریاضیات و فلسفه استاد است و درس فلسفه‌ای شروع کرده است. بسیار مشتاق زیارت ایشان بودیم تا اینکه روزی یکی از دوستان آمد و گفت آقای قاضی از زیارت مشهد برگشته، بیاید به دیدنش برویم. چون به منزل‌شان وارد شدیم، متوجه شدیم آن مرد معروف و آن فیلسوف و ریاضی‌دان همان سیدی است که ما هر روز او را در کوچه می‌دیدیم و از بس ساده زیست و بی‌آلایش بود، حتی احتمال نمی‌دادیم اهل علم باشد، چه رسد به اینکه فیلسوف و دانشمند باشد. تواضع استاد
آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تواضع استاد خود علامه طباطبایی می‌گوید: از زمان طلبگی، ما در قم به منزل ایشان رفت و آمد داشتیم و هیچگاه نشد با ایشان به جماعت نماز بخوانیم و این غصه در دل ما مانده بود که جماعت ایشان را درک نکرده‌ایم. سالی در ماه شعبان به مشهد مقدس مشرف شدند و مهمان ما بودند. موقع نماز مغرب سجاده‌ای برای ایشان و یکی از همراهان پهن کردم و از اطاق خارج شدم؛ به امید اینکه استاد به نماز مشغول شوند و سپس من داخل شوم و نماز را به امامت حضرت علامه بخوانم. قریب یک ربع ساعت از مغرب گذشت، آن رفیق همراه، مرا صدا زد و گفت: ایشان همینطور نشسته و منتظر شماست. آمدم محضر استاد عرض کردم: چهل سال است از شما تقاضا کرده‌ام که یک نماز با شما بخوانم ولی تا به حال نشده است قبول بفرمایید ما به شما اقتدا کنیم. با تبسم ملیحی فرمودند: یک سال دیگر هم روی آن چهل سال! سرانجام بنده را مجبور به امامت جماعت کردند.
آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تفسیر گران سنگ مرحوم علامه طباطبایی، المیزان، می‌گوید: روزی به حضرت استاد عرض کردم: هنوز حوزه‌های علمیه به ارزش واقعی تفسیر شریف المیزان پی نبرده‌اند و اگر حوزه علمیه به تدریس و تحقیق این کتاب با ارزش مشغول شود و پیوسته این کار را ادامه دهد، پس از دویست سال ارزش این کتاب معلوم

خواهد شد و باز عرض کردم: وقتی به مطالعه این کتاب مشغول می‌شوم در بعضی از اوقات که آیات را به هم ربط می‌دهید و از راه موازنه و تطبیق آیات معنی را بیرون می‌کشید، جز آنکه بگویم در آن هنگام قلم وحی و الهام الهی آنرا بر زبان شما جاری ساخته است؛ تعبیر دیگری ندارم. ایشان سری تکان دادند و فرمودند: این فقط حسن نظر شما است. ما کاری نکرده‌ایم. عظمت روح و هیبت استاد
آیت الله محمدتقی مصباح یزدی پیرامون شخصیت علامه طباطبایی می‌گوید: علامه طباطبایی مظهر متانت، وقار، طمأنینه، عزت نفس، توکل، اخلاص، تواضع، عطوفت و دیگر مکارم اخلاقی بودند. آثار عظمت روح و نورانیت دل و ارتباط با ماورای طبیعت در سیمای ملکوتی ایشان هویدا بود. بر مجلس ایشان چنان هیبتی سایه می‌افکند که حضار را در سکوتی ژرف و پر تأمل فرو می‌برد و انسان را به یاد شعر فرزدق می‌انداخت که در مدح امام سجاد(ع) گفته است: او از بس حیا و شرم و ادب داشت به هیچ کس زل نمی‌زند و نگاهش به زمین بود، ولی دیگران از شدت هیبت و جذبه او نمی‌توانستند در چهره‌اش خیره شوند.
به خاطر دارم که روشندلی در محضر ایشان با چشمانی اشکبار می‌گفت: در شگفتم که چگونه زمین، سنگینی چنین مردانی را تحمل می‌کند. رابطه با مجامع علمی و دانشگاهی
علامه طباطبایی علاوه بر تشویق دانش پژوهان و تلاش در تربیت شاگردانی مانند شهید مطهری و شهید بهشتی عنایت خاصی به گسترش معارف اسلامی در خارج از حوزه علمیه داشتند و از این رو، با دانشگاه استادان دانشگاه رابطه داشتند. از ثمرات این رابطه، کتاب گرانسنگ و بی‌بدیل اصول فلسفه و روش رئالیسم است که از اولین نگارشهای شناخت‌شناسی در حوزه فلسفه اسلامی است. آن فیلسوف فرزانه عنایت خاصی به ایجاد رابطه با آن مستشرقان و روشنفکران غربی داشتند که به تحقیق درباره اسلام علاقه‌مند بودند. هانری کربن، که از متدین‌ترین مستشرقان است، چندین سال در کنار علامه بزرگوار شاگردی کرد و حتی در مجلس‌های انس عارفانه مرحوم علامه مانند تفسیر اشعار حافظ شرکت می‌جست. احیای معارف اسلامی
آیت الله مصباح یزدی درباره نقش علامه طباطبایی در احیای معارف اسلامی چنین می‌گوید: برای اینکه تأثیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی علامه بزرگوار در جامعه ایران و جوامع اسلامی و کل جهان ارزیابی شود، توجه به دو نکته ضرورت دارد. اول آنکه اهمیت کارهای فرهنگی را در جامعه بدانیم و نکته دوم شناخت کامل جامعه قبل از طلوع خورشید وجود علامه طباطبایی است؛ یعنی دانستن اینکه جامعه در چه وضعی بود و چه کمبودهایی داشت. این مسلم است که فعالیتِ فرهنگی برای یک جامعه

زنده از ضروری‌ترین فعالیت‌های اجتماعی و تأثیر آن برای رشد جامعه از هر عاملی مؤثرتر است. مرحوم علامه نیز هنگامی به حوزه علمیه قم قدم گذاشت که این نهال نورسته علمی تازه به مرحله رشد پاگذاشته بود و سخت نیازمند باغبان توانا و دلسوزی بود تا بتواند آن را بارور کند. در چنین اوضاعی آن فیلسوف و دانشمند جامع، با شناختی که از نیازهای جامعه داشت، به تربیت نیروهای کارآمد پرداخت. ایجاد تحول در حوزه علمیه
علامه طباطبایی درباره وضعیت تحصیلی حوزه علمیه چنین فرموده‌اند: وقتی به قم آمدم مطالعه‌ای در وضع تحصیلی حوزه کردم و یک فکری درباره نیاز جامعه اسلامی بین آن نیاز و آنچه در حوزه موجود بود چندان تناسبی ندیدم. جامعه ما احتیاج داشت به عنوان جامعه اسلامی قرآن را درست بشناسد و از گنجینه‌های علوم این کتاب عظیم الهی بهره‌برداری کند. ولی در حوزه‌های علمیه حتی یک درس رسمی تفسیر قرآن وجود نداشت. جامعه ما برای اینکه بتواند عقاید خودش را در مقابل عقاید دیگران عرضه و از آنها دفاع کند، به قدرت استدلال عقلی نیاز داشت. پس به درسهایی در حوزه مورد نیاز بود که قدرت تعقل و استدلال را بالا ببرد. ولی از بحث‌های عقلی و فلسفه خبری نبود و تفسیر قرآن نه تنها به عنوان یک درس مطرح نبود، مورد مذمّت هم بود. از احادیث هم احادیث عقلی و اعتقادی مورد انزوا واقع شده بود. ذهن فلسفی و روش تفسیری
شهید آیت اللّه مطهری درباره ذهن فلسفی و روش تفسیری استاد خود علامه طباطبایی چنین می‌گوید: علامه طباطبایی، چند نظریه در فلسفه دارند؛ نظریاتی در سطح جهانی که شاید 50 تا 60 سال دیگر ارزش اینها روشن بشود ولی خود ما قدر خودمان را نمی‌دانیم. ایشان در وصف تفسیر المیزان می‌گوید: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد، من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است. کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در المیزان نیابم. ذوق و قریحه شعری
عارف وارسته، سیدمحمدحسین طباطبایی، دارای روح لطیف، ذوقی عالی و لطافت خاصی بودند. در اشعار عرب به شعرهای «ابن فارض» بویژه نظم السلوک او علاقه‌مند بودند و در اشعار فارسی دیوان حافظ شیرازی را می‌ستودند و گهگاه برای دوستان غزلی آرام آرام می‌خواندند. او خود نیز دارای قریحه شعری بود و غزل‌های
مهر خوبان دل و دین از همه بی‌پروا برد
رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد
تو مپندار که مجنون سرِ خود مجنون گشت
از سَمَک تا به سمایش کَشش لیلا برد
من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذرّه‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) و استادشان آیت الله قاضی(رحمت الله علیه)
آیت الله سیدمحمدحسین طباطبایی از محضر استادان گرانقدری بهره برده است، اما آنکه مورد عنایت مرحوم علامه بود و بارها نامش را به عظمت یاد می‌کرد، آیت الله میرزا علی آقای قاضی طباطبایی است.
علامه بزرگوار می‌فرمود: ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم، چه در زمینه علوم و چه در زمینه اخلاق و معارف الهی. آن عارف وارسته و یگانه عصر ما در عرفان عملی و سیر و سلوک الی اللّه، گوهر کمال را در وجود علامه طباطبایی یافت و در همان اوایل ورود ایشان به نجف، او را تحت تربیت خود قرار داد و این شاگرد نیز چه خوش درخشید و کوشش‌های استاد را به بار نشاند. آیت الله شیخ محمدتقی آملی(ره) می‌فرماید: اگر بناست تحت تصرف انسان کاملی باشید، من بهتر از آقای طباطبایی کسی را نمی‌شناسم او از بهترین شاگردان مرحوم قاضی است و همان وقت هم کشفیاتی داشتند. آثار علامه طباطبایی(رحمت الله علیه)
علامه سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی در اواخر اسفند سال 1324 از تبریز به قم مهاجرت کردند و از همان آغاز خلأیی را در زمینه پرداختن حوزویان به قرآن کریم و علوم عقلی احساس کردند خود ایشان می فرمایند:
«هنگامی که از تبریز به قم آمدم، مطالعه‌ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه‌ای در وضع حوزه قم کردم و پس از سنجیدن آنها به این نتیجه رسیدم که این حوزه نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد، تا مفاهیم والای اصیل ترین متن اسلامی و عظیم ترین امانت الهی را بهتر بشناسد و بهتر بشناساند. ازسوی دیگر چون شبهات مادی رواج یافته بود، نیاز شدیدی به بحث های عقلی و فلسفی وجود داشت، تا حوزه بتواند مبانی فکری و عقیدتی اسلام را با براهین عقلی اثبات و از موضع حق خود، دفاع نماید. از این رو وظیفه شرعی خود دانستم که به یاری خدای متعال، در رفع این دو نیاز ضروری کوشش نمایم».
این تشخیص نیاز و تکلیف شناسی سبب گردید تا مرحوم علامه از همان آغاز رویکردی جدی به مباحث قرآنی و عقلی بیابد. ایشان از سال 1325 ش. دروس تفسیر خود را در قم آغاز کرد و آنچه را که در آن جلسات می فرمود، مکتوب می ساخت تا اینکه نخستین جلد المیزان درسال 1334 منتشر شد. و نگارش این تفسیر شگرف حدود 17 سال به طول انجامید.
تفسیر قرآن برای علامه طباطبایی نه یک کار علمی بلکه ایفای وظیفه و ادای تکلیف بود و این مفسر عارف چه حالات عرفانی و تأثرات قلبی که در هنگام مطالعه بر روی قرآن عظیم پیدا نکرده است.
آقای موسوی همدانی مترجم محترم تفسیر المیزان که برای مقابله و

اطمینان از صحت ترجمه خدمت استاد علامه طباطبایی می‌رسید می‌گوید: در تفسیر قرآن، وقتی به آیات رحمت و یا غضب و توبه برمی‌خوردیم ایشان دگرگون می‌شد و در مواقعی نیز اشک از دیدگانش جاری می‌شد، در این حالت که به شدت منقلب به نظر می‌رسید، می‌کوشید من متوجه حالتش نشوم. در یکی از روزهای زمستانی که زیر کرسی نشسته بودیم، من تفسیر فارسی می‌خواندم و ایشان تفسیر عربی، که بحث در رحمت پروردگار و آموزش گناهان بود، ناگهان معظم له به قدری متأثر شد که نتوانست به گریستن بی صدا اکتفا کند و با صدای بلند شروع به اشک ریختن کرد.

یکی از مراجع تقلید گذشته عبارت شگفتی درخصوص زحمات طاقت فرسای مرحوم علامه طباطبایی در راه نگارش تفسیر المیزان دارند و می‌فرمایند: علامه طباطبایی خود را در این راه تضحیه کرد یعنی قربانی قرآن نمود.

مرحوم شهید مطهری درباره این کار سترگ گفته است: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد. من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است.

در عین حال مرحوم علامه این کار عظیم را وظیفه و تکلیفی بیش نمی پندارد که با عنایت خداوندی آن را به انجام رسانده است.

یکی از شاگردان مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: در این تفسیر بین معانی ظاهری و باطنی قرآن و بین عقل و نقل جمع شده و هر یک حظ خود را ایفا می‌کنند. این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که آن را می توان به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد و به تمام مکتب ها و مذهب ها فرستاد و بر این اساس، آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فراخواند.

اگر این تفسیر در حوزه‌ها تدریس شود و روی محتویات و مطالب آن بحث و نقد و تجزیه و تحلیل به عمل آید و پیوسته این امر ادامه یابد، پس از دویست سال ارزش این تفسیر معلوم خواهد شد.

عنایت و توجه خاص مرحوم علامه به روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام برای فهم معانی قرآن از آن رو است که ایشان معتقدند که از اسرار و باطن قرآن کسانی آگاهند که به صفت المطهرون متصف باشند چرا که قرآن می فرماید: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا المطهرون» و از سوی دیگر در آیه تطهیر می فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»

بنابر این قرآن مطهرون را تنها کسانی می داند که می توانند رموز و ظرایف و اسرار آن را درک کنند و به استناد صریح آیه بعدی ایشان، همانا اهل بیت (ع) می باشند.

همچنین مرحوم علامه طباطبایی در خصوص آیه شریفه «قل لا اسئلکم علیه اجراً الا الموده فی القربی» بگو برای رسالتم از شما مزد و پاداشی جز محبت نزدیکانم نمی‌خواهم؛ معتقدند: مراد از القربی در این آیه، اهل بیت (ع) می‌باشند و می‌نویسند: «علاوه بر اینکه روایتهای چندی از طریق اهل سنت و روایتهای بسیاری از طریق شیعه، بر همین معنی وارد شده است، اخبار متواتری نیز از طریق هر دو طرف بر وجوب مودت و لزوم محبت اهل بیت (ع) دلالت دارد که این معنی و تفسیر را تأیید می کند».
همچنین ایشان معتقد است که «روایتهای متواتری، از طریق هر دو طرف، از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه و... که همه متضمن این است که مردم در فهم کتاب خدا و هر آنچه که در آن است؛ از اصول معارف و فروع دین گرفته تا بیان حقایق آن، باید به اهل بیت (علیهم السلام) رجوع کنند. پس از تأمل کافی در این روایتها دیگر شکی نمی‌ماند که واجب کردن محبت اهل بیت(علیهم السلام) از سوی خدا و اجر رسالت قرار دادن آن، برای این است که مردم به اهل بیت(علیهم السلام) مراجعه کنند و آنها را ملجأ و مرجع علمی خویش دانند.
مرحوم علامه (ره) همانگونه که استاد شهید مطهری گفته‌اند در تفسیر قرآن از الهامات و توجهات غیبی محروم نمانده‌اند خود ایشان معتقدند که «یک حقیقت قرآنی وجود دارد که نمی‌شود انکار کرد و آن این است که هرگاه انسان به وادی ولایت الهی گام نهاد و به ساحت قدس و کبریا نزدیک گشت، دری از ملکوت آسمانها و زمین به رویش گشوده می‌شود که از آن آیات کبری و انوار جبروت الهی را که بر دیگران مخفی است مشاهده می‌کند».
و از همین جاست که حضرت ایشان می‌فرماید:
خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود
که به یک جلوه زمن نام و نشان یکجا برد
و در جای دیگری می فرماید:
تو مپندار که مجنون سرخود مجنون گشت
از سمک تا به سمائش کشش لیلا برد
من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه
ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
همه دلباخته بودیم و هراسان، که غمت
همه را پشت سرانداخت، مرا تنها برد
واقعاً این عنایت الهی به حضرت علامه پاداش اخلاص و صبر ایشان است. آن روز که ایشان به پژوهش و تدریس پیرامون تفسیر و علوم عقلی پرداخت، در میان علما و بزرگان تدریس فقه و اصول، زمینه ساز مرجعیت عامه به شمار می‌رفت و به اصطلاح غیر از فقه و اصول، فضل محسوب

می‌شد.
تحمل مخالفتهای دوستان با تدریس فلسفه و اقناع هر یک از آنان در آن روزگار کار آسانی نبود به خصوص آنکه حربه تکفیر در دستان عده‌ای به ابزاری برای جایگزینی مباحث علمی و مباحثات طلبگی تبدیل شده بود.
علامه معتقد بود آنچه که تکلیف ساز است، نیاز جوامع بشری است و در روزگاری که دانش پژوهان با چمدانهای پر از اشکال و شبهات به مراکز علمی و آموزشی روی می آورند، راهی جز اقناع آنان با استفاده از شیوه‌های استدلالی نیست.
علامه برای نیل به این اهداف هرگز خود را بی‌نیاز از توجه و عنایت خداوند سبب ساز نمی‌دید و تأثیر اساتید بزرگ و خودساخته‌ای همچون مرحوم حاج سیدعلی آقا قاضی (1285-1365 هـ ق) بر حالات روحی و عرفانی مرحوم علامه آنچنان بود که خود ایشان می فرماید: «وقتی درسال 1304 هـ ش برای تحصیل به نجف اشرف رهسپار گردیدم، در نخستین روزها در منزل نشسته و به آینده خود فکر می کردم و برخی افکار نگران کننده از ذهنم عبور می‌کردند. ناگهان شخصی دق الباب کرد. از جا برخاسته و درب را باز کردم، یکی ازعلمای نامدار سلام کرد و داخل منزل شد و خیرمقدم گفت، وی که چهره‌ای جذاب و نورانی داشت کم کم باب گفت و گو را باز کرد و با من انسی گرفت و درضمن بیانات خود گفت: کسی که برای تحصیل به نجف می‌آید شایسته است علاوه بر فراگیری علوم گوناگون به فکر تهذیب نفس و تکمیل مکارم و کسب فضایل باشد. این جمله را گفت و منزل ما را ترک نمود. سخنان این عارف متشرع ـ آیت الله حاج سیدعلی قاضی ـ چنان مرا شیفته نمود که تا در نجف بودم از محضرش بهره می‌گرفتم».
عشق و ارادت حضرت ایشان به اهل بیت (سلام الله علیهم) و خضوع و خشوع در برابر ولایت و امامت در زندگی ایشان چیزی نبود که از دید نزدیکان و مریدان ایشان هم پنهان بماند.
وقتی از مرحوم شهید مطهری پرسیده می‌شود که دلیل این همه تجلیل شما از علامه طباطبایی برای چیست و چرا تعبیر «روحی فداه» را در مورد ایشان بکار می برید، آن فیلسوف متشرع پاسخ داد: من حکیم و عارف بسیار دیده‌ام و احترام من به ایشان به خاطر علم او نیست بلکه از این جهت است که او عاشق و دلباخته اهل بیت (سلام الله علیهم) است.
از درخت تنومند معرفت و دانش علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) به جز تفسیر المیزان آثار گران مایه ذیل به یادگار مانده است:
بدایة الحکمة: کتابی که یک دوره تدریس فشردة فلسفه برای دوستداران علوم عقلی در قم و سپس دانشگاههای کشور گردید.
نهایة الحکمة: این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزونتر و سطحی عالیتر تدوین شده است. بر کتابهای بدایة الحکمت و

نهایة الحکمت شروح مختلفی نوشته شده است و می توان گفت که از جمله بهترین کتابهایی هستند که درسده اخیر در گستره فلسفه اسلامی نوشته شده است.
اصول فلسفه و روش رئالیسم: بینش علامه پیرامون نظرات مادیون و ماتریالیستها باعث فراهم آرودن این اثر گردید . این اثر با پاورقیهای استاد شهید مرتضی مطهری همراه است.
حاشیه بر کفایه: کتابی در علم اصول فقه که پیرامون قوانین استنباط احکام به بحث می‌پردازد.
شیعه در اسلام: دوره‌ای کامل از اعتقادات و معارف شیعه در این اثر نفیس به چشم میخورد؛ این کتاب گرانبها به زبانهای مختلف دنیا ترجمه و بارها چاپ شده است.
مجموعه مذاکرات با پروفسور هانری کربن.
خلاصه تعالیم اسلام: این کتاب خلاصه‌ای از آن چه یک مسلمان متعهد باید از آن آگاهی داشته و خود را بدان زینت دهد، بیان کرده است.
روابط اجتماعی در اسلام : انسان و اجتماع و رشد اجتماعی او، پایة زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام و... مباحثی است که در این کتاب بدانها پرداخته شده است.
بررسیهای اسلامی: مجموعهای است زرّین از مقالات استاد که بسان دائرة المعارفی از معارف ناب اسلامی جمع آوری شده است.
آموزش دین: کتابی با قلم روان و مطالبی لازم و ضروری است که برای دانش آموزان نوشته شده است.
رسالة انسان قبل از دنیا: در دنیا و بعد از دنیا، این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوالم سه‌گانة ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه خاطر جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است.
رسالههایی گوناگون درباره قوه و فعل، صفات، افعال الله، وسائط، نحو، صرف،... این مجموعه 26 رساله است که بنا به ضرورت و نیاز جامعه توسط علامه نگاشته شده است.
دیوان شعر فارسی: مجموعهای از اشعار چشمگیر و عمیق علامه که طی سالیان متمادی سروده شده است.
سنن النبی: سیره و روش رسول الله ـ صلّی الله علیه و آله ـ در بین مردم و همراه خانواده در این اثر به چشم میخورد. این اثر اخیر توسط استاد حسین استاد ولی به زبان فارسی ترجمه شده است.
لُبّ اللباب: مجموعه درسهای اخلاق استاد که از سالهای 1368 تا 1369 قمری برای برخی از فضلای حوزة قم بیان فرمودهاند.
حاشیه بر اسفار: نظرات استاد فرزانه علامه طباطبایی بر اسفار در این

کتاب جمع آوری شده است. علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) از دیدگاه آیت اللّه امینی(حفظه الله)

آیت اللّه امینی(حفظه الله) در وصف استاد خود چنین می‌فرمایند:

علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) چشمه جوشانی بود که در صحنه روحانیت شیعه جاری شد و تشنگان حقیقت را سیراب کرد. او آفتاب درخشانی بود که در آسمان اسلام طلوع کرد و تیرگی‌های شُبَهات و اوهام را برطرف کرد و به حق باید ایشان را بزرگترین افتخار حوزه علمیه قم، بلکه بزرگترین شخصیت علمی جهان اسلام در این عصر شمرد که در احیای تفکر اسلامی صحیح و مبارزه با انحرافات و بدعت‌ها و شناساندن اسلام راستین که در مکتب اهل بیت(ع) تبلور یافته است، تأثیر فوق‌العاده داشت. همین بس که اغلب رجال سیاسی، علمی و روحانی امروز کشور و گردانندگان چرخ انقلاب اسلامی از شاگردان بی واسطه یا با واسطه اویند.

سیره فلسفی

روش حضرت علامه در پژوهش‌ها فلسفه چنین ویژگی‌هایی داشت 1 ـ پایه‌های‌اند یشه استاد را تنها براهین یقینی تشکیل می‌داد؛ زیرا اثبات مسائل فلسفی فقط با مقدمات یقینی میسر است. 2 ـ حفظ و تکرار بر اندیشه فلاسفه بزرگ بسنده نمی‌کرد و اندیشه‌های گذشتگان را مورد تصحیح نقد قرار می‌داد. 3 ـ امور اعتباری را با مسائل فلسفی مخلوط نمی‌کرد و محور اندیشه خود را تنها بر واقعیت‌های جهان هستی گذاشته بود 4 ـ اوج تکامل عقلی و روحی این ابرمرد حکمت تا بدانجا بود که کلیات عقلی را بدون دخالت قوه خیال و تمثّل مصداقی آن‌ها در مرحله تخیل، ادراک می‌کرد. 5 ـ روش تحلیلی آن بزرگ مرد فلسفه بررسی کامل موضوعات فلسفی بود و تا تصور کاملی از موضوع مسئله بدست نمی‌آورد وارد بحث نمی‌شد. 6 ـ در تنظیم مسائل عقلی از نحوه چینش مسائل ریاضی الهام می‌گرفت. 7 ـ از مکاتب مختلف فلسفی بهره می‌جست.

عرفان عملی علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) از منظر آیت الله حسن زاده آملی(حفظه الله)

آثار هر کس نمودار دارایی اوست‌بهترین معرف آن جناب، سیر و سلوک انسانی و آثار علمی، از تدریس و تالیف اوست. افاضل حوزه علمیه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقه جعفریه‌اند، از تلامذه اویند، و تفسیر عظیم الشان المیزان که عالم علم را مایه فخر و مباهات است، یکی از آثار نفیس قلمی وام الکتاب مؤلفات اوست. جایگاه علامه طباطبائی در عرفان عملی

موقعیت جناب علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) در عرفان عملی این بود که دریافته بود و به این باور رسیده بود که: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم». (1) راه این است و جز این نیست. و دقیقا بدین جهت، رفتار

او، گفتار او، سکوت او، قلم او و مطلقا آثار وجودی او، حکایت کننده وارستگی و عظمت ذخایر علمی و عملی او بود.
انسان وقتی حضرت علامه طباطبائی را زیارت می‌کرد، به یاد این حدیث‌شریف می‌افتاد که جناب کلینی در کتاب فضل العلم کافی به اسنادش از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و فرموده است:
من تعلم العلم و عمل به و علم لله، دعی فی ملکوت السماوات عظیما: فقیل تعلم لله و عمل لله و علم لله. (2)
آن کسی که دانش تحصیل کند و بدان عمل کند و به دیگران برای خدا تعلیم بنماید، در ملکوت سماوات و عالم اله - که خودش عالم عظیم است - او را به عظیم صدا می‌کنند: ای بزرگ، ای آقا، ای کسی که برای خدا تحصیل علم کرده‌ای، برای خدا بدان عمل کرده‌ای، برای خدا به دیگران تعلیم داده‌ای، تو آقا و بزرگ و عظیمی.
بنده هفده سال در محضر شریف او با ایشان انس داشتم و از ایشان کار لغوی ندیدم. حرف لغوی نشنیدم. بسیار مواظب کلام خود بود. علامه طباطبائی و مراقبت از نفس
به حقیقت، دل این مرد بزرگوار معدن تقوا بود; زیرا بسیار مواظب خود بود. همواره اهتمامش بر این بود و می‌گفت در شب و روز زمانی را برای حسابرسی خود قرار بدهید و ببینید که این 24 ساعت چگونه بر شما گذشته. اهل محاسبه باشید. همان طور که یک بازرگان و یک کاسب دخل و خرج خود و صادرات و وارداتش را حساب می‌کند، شما ببینید در این شب و روز که بر شما گذشت، چه چیزی اندوخته‌اید. چه گفته‌اید. یک‌یک رفتار و گفتارتان را حسابرسی کنید. از نادرستی‌ها استغفار کنید و سعی کنید تکرار نشود، و برای آنچه شایسته و صالح و به فرمان حاکم عقل بود، خدا را شاکر باشید، تا بتدریج‌برای شما تخلق به اخلاق ربوبی ملکه بشود. «و لاتکونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم». (3)
حضرت علامه همواره مراقب نفس خویش بود و از خدا غافل نمی‌شد و این امر در صورت و رفتار و حرفشان پیدا بود که ایشان در پیشگاه دیگری قرار گرفته. هر چند به صورت ظاهر، جسمش با دیگران بود، پیدا بود که در محضر دیگری نشسته است.
در این باره، مصباح الشریعة می‌فرماید که: «العارف شخصه مع الخلق و قلبه مع الله» ; عارف بدنش با خلق و دلش با خداست; «و لامونس له سوی الله، و هو فی ریاض قدسه متردد و من لطائف فضله متزود» ; توشه‌اش آن سویی است. قلبی که او دارد در پیشگاه ملکوت عالم آمد و شد دارد. مونسش ملکوت عالم است.
چنین کسی مراقبت دارد و انسان بر اثر این مراقبت، یواش یواش به صفات ملکوتی متصف می‌شود و بدان خو می‌گیرد.

از خاطرم نمی‌رود که مرحوم علامه طباطبائی وقتی به من فرمود: «آقا، من هر روز مراقبتم قوی‌تر است. شب، مشاهدات من، مکاشفات من زلالتر است». هر چه روز مراقبت‌شدیدتر باشد، شب مکاشفات زلالتر و صافی‌تر است. عصاره خوبی ها
علامه سید محمد حسین طباطبایی مردی ساده و بی آلایش بود. متواضع، مودب، متین و با وقار بود و هیچ وقت عصبانی نمی شد.
هیچ گاه بلند سخن نگفت؛ در مورد کسی بد نمی گفت و هرگز کسی از ایشان غیبت نشنید. سخن کسی را قطع نمی کرد و به صحبت های دیگران خوب گوش میداد.
برای بدخواهان خودش هرگز نمی گذاشت که دیگران اقدامی کنند و خودش هم عفو میکرد. ز بحث های جدلی دوری میکرد و در برخورد باشاگردان خود شیوه مخصوصی داشت.
در شیوه وی هیچ وقت تحکم فکر در کار نبود. همیشه درعین حالی که سعی داشت متناسب بادرک واستعداد شاگردان، مطلب را القا کند، به آن ها مجال تفکر میداد.
اساسا ایشان نسبت به تربیت شاگرد به خصوص اهل فضل و خصوصا در زمینه معارف وحقایق قرآنی و استدلالی، شیفتگی زیادی داشت.
علامه اجازه نمیداد کسی دست ایشان را ببوسد؛ در همه لحظات مراقب خویش بود و هیچ گاه از خود تعریف نمیکرد. نسبت به اهل و عیال و خانواده بسیار مهربان بود. بامناجات و دعا و راز و نیاز بسیار مانوس بود. اکثر اوقات در سکوت بود و فقط لبانش به ذکر خدا حرکت میکرد.
پیاده روی را دوست داشت. در بذل دانش حریص بود. سؤال هیچکس را بدون جواب نمی گذاشت. به زیادی و کمی شاگردان توجه نداشت؛ حتِی گاهی از اوقات برای دوسه نفر هم درس می گفت. گاهی که استاد خطاب میشد، میفرمود این تعبیر را دوست ندارم، ما اینجا دور هم جمع شده ایم تابا کمک و همفکری، معارف اسلام را دریابیم.
اخلاص کامل داشت و همیشه جلب رضایت خدا را در نظر میگرفت.
وخلاصه این بزرگمرد الهی عصاره ای از تمام اخلاقیات نیکو و ویژگیهای حسن را دارا بود. پرواز به سوی ملکوت
علامه طباطبایی، سرانجام پس از 81 سال و هجده روز عمر با برکت و زندگی پرتلاش، در 24 آبان 1360 ش از این جهان رخت بربست و جهان تشیع را در سوگ خود نشاند. با درگذشت علامه، این مفسر وارسته و حکیم عارف، دل‌های پاک اندیشمندان و بزرگان عرصه علم و ادب غرق اندوه شد. سرسلسله بیداردلان، حضرت امام خمینی(ره) با اظهار هم‌دردی و برپایی مجلس ختم برای ایشان، این ضایعه اسفناک را به جهان تشیع تسلیت گفتند.

پاینده باد حوزه‌های نور و حجره‌های کوچک که در هر زمان و مکانی خیزشگاه مردانی بزرگ و ژرف‌اندیش بوده و خواهد بود. پی نوشت: 1) سوره اسراء/9

2) اصول کافی، تعریب حضرت استاد حسن‌زاده آملی، ج 1، ص 27.

3) سوره حشر/19

طباطبائی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1282 ش)، عالم امامی، حکیم، فیلسوف، مفسر، فقیه اصولی و شاعر. مشهور به علامه طباطبائی و معروف به قاضی طباطبائی. وی در تبریز به دنیا آمد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. بعد از درگذشت پدرش به مکتب و پس از آن به مدرسه رفت و مدتی هم زیر نظر معلم خصوصی به تحصیل پرداخت و معلومات ابتدایی را کسب نمود. در 1297 ش به تحصیل علم دینی و عربی مشغول شد و مقدمات را فرا گرفت. آن‌گاه در فقه کتب «شرح لمعه» و «مکاسب»، در اصول کتاب «معالم» «قوانین»، «رسائل» و «کفایه»، در منطق کتب «کبری»، «حاشیه» و «شرح شمسیه»، در فلسفه کتاب «شرح اشارات» و در کلام کتاب «کشف المراد» را مورد مطالعه قرار داد. وی در 1304 ش برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت و در مجلس درس آیت‌الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شد و یک دوره خارج اصول و خارج فقه را در نزد وی آموخت و مدتی نیز در مجلس بحث خارج فقه و خارج اصول آیت‌الله نائینی شرکت کرد و همچنین مدتی در بحث خارج فقه آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد. کلیات علم رجال را نیز در محضر آیت‌الله حجت کوه‌کمری آموخت و معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را در نزد حاج میراز علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی فراگرفت. او چندین سال نیز در زمینه‌ی فلسفه در نزد آقا سید حسین بادکوبه‌ای «منظومه‌ی سبزواری»، «اسفار»، «مشاعر» ملاصدرا، دوره «شفا»ی بو علی سینا، کتاب «اثو لوجیا»، «تمهید» ابن‌ترکه و «اخلاق» ابن‌مسکویه را خواند. علامه طباطبائی یک دوره «حساب احتمالی»، یک دوره «هندسه مسطحه و فضایی» و «جبر استدلالی» را در محضر آقا سید ابوالقاسم خوانساری گذراند. او در 1314 ش به زادگاهش بازگشت و مدت ده سال در آنجا ماند و در 1325 ش از تبریز به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تألیف و فعالیتهای علمی پرداخت. برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از:آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله ابراهیم امینی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی. پرفسور هانری کربن، استاد شیعه‌شناس دانشگاه سربن نیز با ایشان مصاحبه‌های بسیار داشت که این

مصاحبات به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی انتشار یافت و اولین دوره آن در فارسی تحت عنوان «مکتب تشیع» منشتر شد. علامه طباطبائی در خط نستعلیق و شکسته استاد، و در علوم غریبه نیز وارد بود.او همچنین در علم اعداد و حساب جمل مهارت داشت و در شعر نیز توانا بود وی در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در قم مدفون است.
از آثار وی: «تفسیر المیزان»، که ترجمه آن در چهل مجلد آمده است؛ «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «وحی یا شعور مرموز»؛ «شیعه در اسلام»؛ «قرآن در اسلام»، با ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و اردو؛ «حکومت در اسلام»، فارسی که به عربی نیز ترجمه شده؛ «سنن النبی) (ص)»؛ و «اصول عقاید»، برای دبیرستانها پنج جلد «بدایه اللحکمه» و «نهایه الحکمه»، در فلسفه، رسائل بسیاری در «مبدا» و «معاد» و «نبوت» و «ولایت»؛ رساله‌ای در «عشق»؛ دو رساله در «ولایت و حکومت اسلامی».[1]
صدرالحکماء المتالهین آیت‌الله الاستاد حاج سید محمدحسین معروف به علامه طباطبائی از اعاظم علماء و اکابر حکماء و فلاسفه عصر حاضر بود عالمی ربانی و حکیمی سبحانی و آیتی برهانی واجد علم و کمال و جامع کمالات نفسانی و ملکات اخلاقی بود که بیش از صدها نفر از علماء قم و سایر بلاد افتخار تلمذ و شاگردی وی را دارند.
در آخر ذی‌الحجه 1321 قمری در تبریز متولد و در اصیل‌ترین خانواده‌های علمی آن سامان تربیت‌یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در سال 1344 قمری مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی در مدت ده سال استفاده کافی نموده و دروس معقولیه را از مرحوم علامه حاج سید حسین بادکوبه‌ای فراگرفته و در فن فقاهت و حکمت و فلسفه مقام اجتهاد و استادی را حایز گشته تا در سال 1354 قمری مراجعت به ایران و تبریز نموده و ده سال در آنجا توقف و به تدریس فقه و حکمت و تصنیف کتب پرداخته تا در سال 1365 قمری که مهاجرت به مرکز علم و دانش قم را اختیار و رحل اقامت افکند.
و به تدریس معقول و منقول اشتغال یافته و فضلاء حوزه را از بیانات و تحقیقات دقیقه خود در فقه و اصول و تفسیر و حکمت بهره‌مند می‌نماید آثار قلمی ایشان که هر کدام به مورد خود گرانبهاست از این قرار است.
1- حاشیه بر کفایه 2- رساله در مبدء و معاد که جمع بین کتاب و سنت و عقل است 3- تفسیرالمیزان که بیست مجلد است و تاکنون تمام آن طبع و نشر یافته است 4- اصول فلسفه 5- جلد به قلم امروز که 4 جلد آن مطبوع است 5- رساله‌ای در عشق 6- سنن‌النبی 7- شیعه در اسلام 8- قرآن در اسلام فارسی و انگلیسی وارد و ترجمه و طبع شده 9- مصاحبات

با پرفسور کربن دو جلد یک جلد آن طبع شده 10- وحی یا شعور مرموز 11- اصول عقاید برای دبیرستانها 5 جلد 12- رساله محمد در آئین اسلام به زبان فارسی و فرانسه طبع شده 13- بدایه الحکمه در فسلفه 14- نهایه الحکمه در فلسفه.
15- ترجمه تفسیرالمیزان معظم‌له در چهل مجلد که بیست و پنج مجلد آن تاکنون به طبع رسیده است و اکثر آن به قلم دانشمند معظم حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی همدانی است.
عالم.
تولد: 1319(1281 ق.)، تبریز.
درگذشت: 24 آبان 1360، قم.
علامه سید محمد حسین طباطبائی (قاضی)، فرزند سید محمد، در تبریز به دنیا آمد. در همان کودکی پدر (در نه سالگی) و مادر خود را در (پنج سالگی) از دست داد و از سن نه سالگی به مدت تقریبی شش سال به فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی مشغول شد. در سال 1297 وارد رشته‌های علوم دینیه و علوم عربیه شد و تا سال 1304 به قرائت متون سرگرم بود. در این سال عازم حوزه علمیه‌ی نجف گردید و در مدت ده سال تحصیل، به تدریس و تألیف اشتغال ورزید. وی در نجف به درجه اجتهاد در فقاهت نایل آمد.
در نجف در حوزه‌ی درس آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین نایینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول و رجال پرداخت و فلسفه را نزد آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی در مدت شش سال فراگرفت. علوم غریبه (مانند جفر) و جبر و مقابله و هندسه فضایی و مسطحه و حساب استدلالی و هیئت و علوم ریاضی را در نجف نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوانساری تملذ نمود.
در سال 1314 به زادگاه خود تبریز مراجعت کرد و علاوه بر کشاورزی، به تدریس و تصنیف کتاب پرداخت. در سال 1325 نیز متوجه حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و در آنجا جلسات بحث و درس خود را در رشته‌های مختلف دایر کرد که تا آخر عمر وی ادامه داشت.
پیکر علامه در آستانه حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
از تألیفات متعدد ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر المیزان (بیست جلد به عربی، چهل جلد به فارسی)؛ اصول فلسفه و رئالیسم (پنج جلد)؛ حاشیه کفایة الاصول؛ حاشیه بر کتاب اسفار ملا صدرا؛ وحی یا شعور مرموز؛ شیعه در اسلام (به فارسی)؛ قرآن در اسلام (به فارسی)؛ بدایة الحکه و نهایة الحکمه (کتاب بدایة الحکمه به ترجمه علی شیروانی هرندی و کتاب نهایة الحکمة به ترجمه مهدی تدین منتشر شده

است)؛ فرازهایی از اسلام (به فارسی)؛ رسالت تشیع در دنیای امروز؛ حکومت در اسلام (به فارسی)؛ پرسش‌های اسلامی؛ اسلام و انسان معاصر؛ سنن النبی؛ کتاب سلسله انساب طباطبایی آذربایجان؛ مبداء و معاد؛ رسالة الولایة؛ رسالة النبوه و الامامه؛ رساله در مغالطه؛ رساله در برهان؛ رساله در تحلیل؛ رساله در ترکیب؛ رساله در اعتباریات؛ توحید شامل سه رساله (رساله توحید؛ رساله اسماءالله سبحانه؛ رساله در افعال الله)؛ کتاب الانسان (شامل سه رساله انسان قبل الدنیا؛ انسان فی الدنیا؛ انسان بعدالدنیا)؛ رساله وسائط (مجموعه این سه رساله بالا و سه رساله انسان و وسائط در یک جلد شامل هفت رساله جمع‌آوری شده است)؛ رساله در اثبات ذات؛ دو رساله در ولایت حکومت اسلامی (فارسی و عربی)؛ مصاحبه‌های سال‌های 1340 -1338 با هانری کربن مستشرق فرانسوی، رساله در اعجاز.
علامه خطوط نستعلیق و شکسته را به خوبی می‌نوشت و اشعاری عرفانی نیز می‌سرود. نمونه اشعار ایشان در صفحه 514 و 515 و 516 جلد چهارم و 146 جلد پنجم نگین سخن تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 646 -645 / 14)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 8، ص 16 -1)، گنجینه‌ی دانشمندان (227 -226 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (863 / 2)، مهر تابان (یادنامه و مصاحبات علامه طباطبائی تبریزی).

طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 548 ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می‌باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن‌شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب‌الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبرییل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در 523 ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته‌اند که وی شهید گشته است. جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکاف الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری درتفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج الموالید»؛ «الآداب الدینیه»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه‌ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللئالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو.[1]
(ع. معر. تفرشی) 1- ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین‌الدین و امین‌الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین 480 -468 ه.ق.- ف. 548 ه. ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهق «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد

مجلسی در ریاض‌العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال 523 ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. در فقه فتاوای مخصوص دارد. مشاره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع‌البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه.م.) در تفسیر، الآداب الدینیة للخزانة المعینیة در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج الموالید در تاریخ و انساب، العمدة در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللآلی در کلمات قصار علی 4 و غیره. 2- رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. 6 ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حناط دانسته‌اند)، مکار الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرارالامامة (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).
الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.
اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند 1- مجمع‌البیان در تفسیر قرآن 2- الوسیط (تفسیر متوسط) 3- الوجیز (تفسیر مختصر) 4- جوامع الجامع 5- الاداب الدینیه للخزانة المعنیه 6- غنیة العابد 7- منیة الزاهد 8- تاج المواليد 9- کنوز النجاح 10- عدة السفر 11- عمدة الحضر 12- النور المبین 13- الفائق 14- اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.
بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم‌الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوةالانوار در ادعیه است.
بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال 523 قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال 548 قمری از دنیا رفت.
جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.
و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبداللّٰه خان ازبک افغانی قتل عام کردند
صاحب روضات گوید از صاحب ریاض‌العلماء منقولست که میان همه

طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سکته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.
نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سکته کرده بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.
پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه
پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع‌البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد
فوائد الرضویه ص 352
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (353 -352 / 5)، ایضاح المکنون (433 / 2)، اعیان الشیعه (401 -398 / 8)، تأسیس الشیعه (340)، تاریخ ادبیات در ایران (259 / 2)، الذریعه (24 / 20 ،249 -248 / 5 ،242 ،240/ 2 ،18 / 1)، روضات الجنات (349 -342 / 5)، ریحانه (36 / 4)، شهیدان راه فضیلت (91 -89)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 217 -216 / 6)، فوائد الرضویه (352 -350)، کشف الظنون (1602 ،126)، الکنی و الالقاب (444 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ طبرسی)، معجم المؤلفین (67 -66 / 8)، هدیه الاحباب (194-193)، هدیه العارفین (820 / 1)، یادداشتهای قزوینی (280 -277 / 5).

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا حسن بن العالم العلام والحجةالاسلام حاج میرزا محمدتقی مازندرانی قدس اللَّه سره.
فاضل مراغه‌ای در (المآثر والاثار) ص 155 گوید: حاج میرزا حسین طبرسی از عظماء علماء می‌باشد به جلالت قدر و علو شأن از اقران ممتاز است.
ترویج اصول مذهب جعفری و تشیید بنیان طریقه اثنی عشری و نشر اخبار و آثار اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام را از معاصرین کمتر بقدر او موفق شده‌اند.
در علم حدیث و تفسیر و معرفت احوال رواة و طبقات رجال اسناد و تراجم علماء اسلام همانا امروز نخستین دانای ایرانیان است.
پدر جلیل‌الشأنش میرزا محمدتقی مازندرانی از فحول مجتهدین و مشاهیر رؤساء عهد خاقان مبرور فتحعلیشاه رحمه‌اللّه بود تعرفه نام و اظهار مقام او تحصیل حاصل است مقام تقوی و ورع و عبادت و تقدس این فرزند هنرمندش مسلم مسلمین می‌باشد.
و هم از تبحر نام و تتبع علم در مصنفات علماء اسلام با علی مقام رسیده وصیت فضل و وثاقت و درجه استعداد و لیاقتش برای هرگونه تعظیم و اکرام و توقیر و احترام تا همه جا کشیده است.
تصنیفات سودمند دارد.
منها 1- نفس الرحمن فی ترجمه سلمان 2- دارالسلام فیما یتعلق بالمنام 3- النجم الثاقب فی احوال الامام الغالب 4- الکلمة الطیبه 5- رساله میزان السماء 6- الصحیفة الرابعه 7- جنةالمأوی 8- مستدرک الوسائل در سه مجلد تا آنجا که گوید این عالم عامل و فقیه فاضل و محدث کامل در حضرت حجةالاسلام ثقة الانام مجدد الاحکام نائب الامام (ع) حاج میرزا محمدحسن بسیار موثق و معتمد و مؤتمن است.
نگارنده گوید: مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که از شاگردان آن مرحوم بوده در قسم دوم از جزء اول طبقات از ص 543 تا ص 555 حدود 12 صفحه ترجمه آن بزرگوار نوشته و وفات او را در شب چهارشنبه 28 جمادی الثانیه 1320 ق ذکر نموده است.
(حاج) میرزا حسین بن محمد تقی نوری از ثقات علمای شیعه در اوایل قر. 14 ه. (ف. 1320 ه.ق.). وی را ثالث مجلسین دانسته‌اند، و از شاگردان

شیخ مرتضی انصاری و حاج ملا علی کنی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی است. تألیفاتش بسیار است، از آن جمله: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل در احادیث و اخبار، فصل‌الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، حاشیه منتهی المقال ابوعلی در علم رجال، النجم الثاقب و غیره (دکتر حسین کریمان).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 926 ق)، عالم و مترجم. وی از علمای اوایل قرن دهم هجری است که کتاب «الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم» را به فارسی، به خواست برخی از سروران خود، در 926 ق ترجمه کرده است و در آن یادآور شده که طبق مذهب اهل حق بسم‌الله جزئی از سوره به حساب می‌آید، مگر در سوره‌ی برائت، و در پایان متذکر شده که ملا عبدالعلی بیرجندی این کتاب را در 901 ق شرح کرده است.[1]
ملا احمد بن حاج محمد طبسی سکاکی مترجم کتاب الدر النظیم در خواص قرآن عظیم که در سال 936 هجری بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (85 / 8 ،101 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 13 / 10)، گنجینه‌ی دانشمندان (30 / 6).

طسوجی، احمد

قرن:13

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(1232 / 1229- شهادت 1258 ق)، عالم دینی، مفسر، محدث، ادیب و شاعر. نسبتش به طسوج آذربایجان می‌رسد. در کربلا به دنیا آمد. مادرش دختر علی مرادخان زن بود. نیای بزرگش ملا عبدالنبی طسوجی از نوابغ علما در دولت زندیه بود. در کربلا نشوونما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. در 1254 ق برای تحصیل، سفری به اصفهان کرد و در 1257 ق به نجف بازگشت و در محضر بحث و درس شیخ انصاری حاضر شد. وی از دانشمندان بزرگ از شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری بود. او در قضیه‌ی نجیب شاپا در کربلا شهید شد. در شهادتش مرثیه سروده شد و ماده تاریخش «شد شهید اشقیا افسوس وی» بود.از آثار وی: کتاب «کشکول»؛ حواشی متفرقه بر «ریاض»؛ «تفسیر»، ناتمام؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «الرحله الی الحجاز» یا «سفرنامه‌ی حجاز»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشعیه (39 / 3)، ریحانه (56 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 97 / 13)، مکارم الآثار (859 / 3).

طوسی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوجعفر محمد بن حسن ملقب به شیخ‌الطائفه، از بزرگترین علمای دینی شیعه (و. طوس 385- ف. نجف 460 ه.ق.). وی در 408 ه.ق. از طوس به بغداد رفت و چهل سال بعد به نجف شد. تحقیقات او در حدیث و تفسیر و فقه و رجال و کلام و ادب مرجع علمای شیعه میباشد. او صاحب تألیفات مهم در مسایل مذهبی شیعه است که از جمله آنهاست: کتاب تبیان (ه.م.)، استبصار (ه.م.)، تهذیب الاحکام، العدة فی اصول الفقه، کتاب الرجال، کتاب الغیبة، فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین، النهایة، کتاب الخلاف، کتاب الجمل والعقود، کتاب یوم دلیلة، تلخیص شافی، المفصح در امامت، مناسک الحج، مقتل الحسین، اخبار مختار و غیره.
(460 -385 ق)، فقیه، عالم، مولف دو کتاب از کتب اربعه شیعه و بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف. معروف به شیخ‌الطائفه و امام الفرقه بعد الائمه (ع). در 408 ق در بیست و سه سالگی از خراسان وارد عراق شد. پس از چهل سال از بغداد به علت ترس از فتنه‌ای که در آن زمان (448 ق) در بغداد درگرفته بود و کتابهای شیخ و خانه‌ی او را طعمه‌ی آتش خویش کرده بود، به نجف اشرف مهاجرت کرد. او بر کرسی کلام می‌نشست و جوابگوی خاص و عام در تمامی مسائل حتی در امامت بود. آن کرسی از جانب خلفاء به او عرضه شده بود و مخصوص یگانه‌ی دوران بود. شیخ طوسی بینان‌گذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف است که بیش از هزار سال از عمر آن می‌گذرد. وی شاگرد شیخ مفید و ابن‌غضائری و ابن‌عبدون و ابن ابی‌جید قمی و سید مرتضی و علی بن شبل بن راشد و حسین بن قاسم علوی و احمد بن ابراهیم قزوینی و هلال بن محمد حفار و احمد بن محمد اهوازی و جعفر بن حسین قمی و ابوعلی بن شاذان و بسیای دیگر از اساطین علم و دین است. شاگردان دانشمند و مجتهد وی متجاوز بر سیصد تن از شعیه و بی‌شماری از عامه بودند. فرزندش شیخ ابوعلی حسن بن شیخ، صاحب کتاب «المجالس»، از شاگردان و راویان او است. در میان شاگردان او آدم بن یونس نسفی، ابوصلاح حلبی، شیخ‌الاسلام حسن بن بابویه قمی، محی‌الدین حسن همدانی، ابومحمد حسن جبهانی، حسین بن فتح واعظ جرجانی، ابوصمصام حسینی، سلمان بن حسن صهرشتی، ابوالصلت محمد بن عبدالقادر، سعدالدین ابن‌براج، شیخ علی سبزواری، شیخ عبیداللّٰه بن بابویه قمی، غازی بن احمد سامانی، کردی بن

عکبری فارسی، ابوالحسن دیباجی، محمد وراق، شیخ ابوجعفر حلبی، ابوسعد منصور آبی، جمال‌الدین محمد طبری، ناصرالدین رضی حسینی، محمد بن حسن فتال و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. در هفتاد و پنج سالگی در نجف درگذشت و در منزل خویش که اکنون مزار معروفی است به خاک سپرده شد. خانه‌اش و مسجدش که یکی از معروفترین مساجد نجف است و همچنین آثار باقی مانده از او، تاکنون برجاست. از آثار علمی وی: در تفسیر: «التبیان»؛ «الجامع لعلوم القرآن»؛ در حدیث: «تهذیب الاحکام» یا «التهذیب»؛ «الاستبصار»؛ در فقه: «المبسوط»؛ «الخلاف»؛ «الایجاز»، در فرائض؛ «الجمل و العقود»، در عبادات؛ «الاقتصاد»، در عقاید و عبادات؛ «النهایه»؛ در علم اصول و رجال: «العده» که ملا خلیل آن را شرح کرده است؛ «الفهرست» که در آن «اصول» و نگارشهای اصحاب و تصانیف آنها آورده شده «و شیخ سلیمان ماحوزی آن را مرتب و شرح کرده و «معراج الکمال الی معرفه الرجال» نامیده است؛ «الابواب» که به نام «رجال شیخ» یا «رجال الطوسی» معروف است؛ «اختیار رجال الکشی» یا «اختیار معرفه الرجال». از دیگر آثار او: «التلخیص للشافی» و «المفصح»، هر دو در کلام و امامت؛ «هدایه المسترشد و بصیره المتعبد»؛ «کتاب الغیبه»؛ «مناسک حج»؛ «المجالس»، در اخبار که «امالی» اوست؛ مقتل الحسین (ع)»؛ «اخبار مختار»؛ «مصباح المتهجد»، در اعمال سال. [1]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (315/ 6)، اعیان الشیعه (167 -159/ 9)، ایضاح المکنون (722 ،573 ،454 ،424 ،335 ،286 ،276 ،266 ،212 ،95/ 2 ،604 ،314 ،318 ،223/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (258/ 2)، تاریخ برگزیدگان (26 -25)، تاسیس شیعه (313)، تاریخ علم کلام در ایران و جمان اسلام (259 -256)، خدمات متقابل اسلام و ایران (485 -483)، دایرةالمعارف الاسلامیه (378 -376/ 15)، دایرةالمعارف فارسی (1634/ 2)، الذریعه (235/ 7 ،145/ 5 ،331 -328/ 3 ،486 ،269 ،14/ 2 ،365/ 1)، رجال ابن‌داود (قسم 306/ 1)، رجال النجاشی (333 -332/ 2)، روضات الجنات (231 -201/ 6)، ریحانه (328 -325/ 3)، سیر النبلاء (335 -334/ 18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 162 -161/ 5)، طبقات خلفاء و اصحاب ائمه و علماء و شعرا (394)، فرهنگ ادبیات فارسی (329)، فقهای نامدار شیعه (79 -67)، فوائد الرضویه (473 -470)، الفهرست للطوسی (161 -159)، قرآن پژوهی (175 -173)، قصص العلماء (416 -414)، الکامل (106/ 8)، کارنامه‌ی بزرگان (122 -121)، کشف الظنون (1973 ،1581 ،452)، الکنی و الالقاب (397 -394/ 2)، لسان المیزان (52/ 6)، لغت نامه (ذیل/ ابوجعفر طوسی)، مؤلفین کتب

چاپى (406 -402/ 5)، مجالس المومنين (482 -480/ 1)، مجمل فصيحى (ذيل/ سال 460)، معجم المؤلفين (202/ 9)، معجم رجال الحديث (247 -243/ 15)، منتخب التواريخ (190 -189)، الوافى بالوفيات (394/ 2)، وقايع السنين و الاعوام (268)، هديه الاحباب (9)، هديه العارفين (72/ 2).

طیب اصفهانی، سید عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1310 ق)، مفسر، فقیه و مدرس. نسب وی به چهل واسطه به امیرالمومنین (ع) می‌رسد. در اصفهان به دنیا آمد و پس از پرورش در خانواده علم و تقوا و فراگرفتن ادبیات و متون فقه و اصول، از محضر و درس آیت‌الله سید محمد باقر درچه‌ای و آیات دیگر اصفهان استفاده‌ی کامل نمود و سپس به تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن پرداخت و در مدرسه صدر اصفهان تشکیل حوزه داد و جماعت بسیاری از فضلاء و علمای اصفهان از محضرش استفاده بردند. از آثارش: «کلیم الطیب»، در اصول دین، به فارسی، سه جلد؛ «طیب البیان فی تفسیر القرآن»، در چندین جلد؛ «العمل الصالح»، در ایمان و تقوا.[1]
حجه‌الاسلام والمسلمین و سیدالعلماء والمفسرین آقای حاج سید عبدالحسین طیب ابن العالم الجلیل آیه‌الله حاج سید محمد تقی از علماء و مدرسین ممتاز معاصر مدرسه صدر اصفهانست.
معظم‌له در حدود سال 1310 قمری هجری در اصفهان متولد گردیده و پس از پرورش در بیت علم و تقوا و فرا گرفتن ادبیات و متون فقه و اصول از محضر و درس مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد باقر درچه‌ای (استاد مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی) و آیات دیگر اصفهان استفاده کامل نموده سپس بتدریس فقه و اصول و تفسیر کلام‌الله مجید پرداخته و در مدرسه صدر تشکیل حوزه داده و جماعت بسیاری از فضلاء و علماء اصفهان از محضرش استفاده نموده و مینمایند.
آثار ارزنده علمی بسیاری دارد که بعضی از آن مطبوع و از آنها کتب زیر است.
1- کلم‌الطیب در اصول دین فارسی 3 جلد.
2- طیب البیان فی تفسیر القرآن فارسی 4 جلد بطبع رسیده و بقیه آماده‌ی طبع است.
3- العمل الصالح در ایمان و تقوا بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (106 -100 / 3).

ظاهری، خلیل

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 893 -872 ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در 840 ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک»و خلاصه آن به نام «زبده کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالک» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»، تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبیر»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضیئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر،در چندین مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (367 / 2)، ایضاح المکنون (596 / 2 ،460 / 1)، ریحانه (44 / 8)، کشف الظنون (1523 ،1496 ،953 ،305 ،97)، معجم المؤلفین (120 / 4).

ظهیر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بخش 1) حسن بن ظئر مکنی به ابوعلی فارسی، فقیه و لغوی و نحوی (ف. قاهره 598 ه.ق). مولد اودهی به نام نعمانیه بود و از آنجا به شیراز رفت و به فارسی شهرت یافت. وی در فنون علوم و قراات عشره و تفسیر قرآن عالم و در فقه و حدیث و کلام و منطق و حساب و هیئت و طب مبرز و در لغت و نحو و عروض و قوافی و روایت اشعار عرب چیره‌دست بود و در هر فنی از این فنون کتابی را از برداشت. اوراست: کتابی در شرح الصحیحین، اختلاف الصحابة و التابعین و فقهاء الانصار که به پایان نرسیده.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ظهير نيشابورى، ظهيرالدين، فخرالدين ابوجعفر، محمد

قرن:6
جنسيت:مرد
مليت:ايران
(وف 599 ق)، مفسر. پدرش محمود نيشابورى از علماى زمان خود بود صاحب تصانيف. ظيهر نيشابورى در عهد بهرام‌شاه غزنوى مى‌زيست و به عنوان سفير بهرام شاه به نزد سلطان سنجر رفت. از آثارش كتاب «البصائر» يا «تفسير البصائر» يا «البصائر فى تحقيق الوجوه و النظائر»، در معانى مختلف بارى الفاظ قرآن، در چند مجلد، به فارسى، به ترتيب حرف هجا كه به آورده‌ى «كشف الظنون» در 577 ق از تأليف آن فراغت يافته است. در تذكره‌ى «لباب الالباب»، اين كتاب تحت عنوان «تفسير بصائر يمينى» آورده شده است. همچنين در آن تذكره، كتاب «صحيفه الاقبال» كه در معارضه‌ى شمشير و قلم اوست بدو نسبت داده شده، و ذكر شده كه او را تصانيف و اشعار بسيار است.
برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)
منابع زندگينامه :الذريعه (264 / 4 ،123 -122 / 3)، ريحانه (78 -77 / 4)، كشف الظنون (1067 ،246)، لباب الالباب (282 -281 / 1)، معجم المؤلفين (7 / 12)، هديه العارفين (105/ 2).

عابدی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد عابدی
محل تولد : کندوان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
بسمه تعالی
تولد و تحصیلات
در سال 1352 ش در روستای کندوان از توابع شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی متولد شدم پدرم بنا و مادرم خانه دارو از خانواده اهل علم بود. از جمله آیت الله شیخ نصرت الله بناروانی که دایی آنان شمرده می شد. بعد از چند سالی به میانه نقل مکان کردیم و دوره ابتدایی، راهنمایی و اول دبیرستان را همان جا خواندم و وارد حوزه علمیه میانه شدم و به فاصله کمتر از چند ماه در سال 69 به حوزه علمیه مسجد الدوله تهران رفتم. در تهران در مدارس ایلچی بیک (شهید باهنر) و رضائیه و در نهایت مروی هم تحصیل کردم و تا لمعتین را در این مدارس خواندم. استادان دوره مقدمات آقایان میرحسینی، فاضل، عبدالمجید رشیدپور (استاد اخلاق) و... بودند لمعه را هم با اساتیدی چون مرحوم پاکتچی، تقوایی و ... خواندم.ظاهرا در سال 73 به حوزه علمیه قم آمدم. در مدرسه فیضیه و آنگاه دارالشفا ساکن شدم با حضرات اساتید اعتمادی، وجدانی فخر، موسوی تهرانی، دریاباری، رمضانی، و.... دروس را تا سطح خارج ادامه دادم. در سال 81 وارد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شدم. و از محضر اساتیدی چون آیت الله معرفت، بهشتی، و آقایان فاضل گلپایگانی، عبدالهی (همکار تفسیر نمونه) دکتر رضایی اصفهانی، نصیری و نعمتی پورفر و .... در دروس مختلف تفسیر استفاده بردم همزمان به درس خارج آیات مکارم و سبحانی حاضر شدم و 2 سال به درس خارج ادامه دادم. 2.5 سال هم درس خارج جناب استاد سروش محلاتی حاضر شدم و درس خارج فقه امر به معروف و نهی از منکر و بخشی از قصاص را خواندم.آنگاه به درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و درس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی هم توفیق حضور یافتم.و اینک

هم در دروس آیات مکارم، وحید و جوادی توفیق حضور دارم.در طی سالهای حضور در حوزه به امر تبلیغ هم اهتمام دانسته ام و در داخل و خارج قم به تبلیغ پرداخته ام. و همزمان فعالیتهایی در حوزه کتاب و مطبوعات هم داشته ام.

عابدینی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد عابدینی
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب احمد عابدینی فرزند یدالله متولد 1338 در نجف آباد اصفهان در خانواده ای کشاورز متولّد شدم از طرف مادرم نسبم به مرحوم آیةالله میر سیّدعلی آیت نجف آبادی می رسد. به همین جهت مادر و دایی هایم که نوادگان مرحوم میر سیّدعلی بودند به درس خواندن من اصرار داشتند، از جهت دیگر کشاورزی و رسیدگی به اموری از این قبیل مطرح بود به همین جهت معمولاً درس خواندن منحصر به مدرسه بود و بیشتر وقت خارج از مدرسه به کمک پدر در امر کشاورزی می گذشت معمولاً شبهای زمستان را در جلسات قرآن و حضور در مسجد و خواندن مقدمات صرف کردم. در سال 1356 دیپلم گرفتم و در کنکور شرکت کردم و پس از قبولی در دانشگاه در رشته فیزیک به تحصیل پرداختم. در همان تابستان اولین کلاس آموزش قرآن را تشکیل دادم و تمامی دوستانی که با هم درس می خواندیم و دیپلم گرفتیم در آن کلاس شرکت کردند و روخوانی قرآن را فرا گرفتند. پس از ورود به دانشگاه نیز بنده خود را به دفاع از قرآن و اسلام می دانستم. جو خاص آن زمان و وجود جوانان فراوانی که کمونیست شده بودند و بنده و دوستانم با آنان بحث می کردیم و نا توانی از پاسخ به شبهات آنان، نیاز به خواندن فلسفه را برایمان یقینی ساخت ولی مبارزه با شاه به شکلهای گوناگون از جمله تشکیل نمایشگاه های کتاب در شهرهای مختلف از جمله شهرهای استان چهارمحال و تدارک تظاهرات و نیز درسهای دانشگاه فرصت پرداختن به فلسفه را از ما گرفت با پیروزی انقلاب و افتادن بیشتر دانشگاه ها به دست کمونیستها و التقاتیها به منظور انقلاب فرهنگی، دانشگاه تعطیل شد و بنده فرصت را برای فلسفه خواندن غنیمت شمردم با چند تن از دوستان خدمت مرحوم آیةالله ایزدی امام جمعه نجف آباد که از شاگردان خاص مرحوم آیةالله علامه طباطبائی و از هم دوره ای های مرحوم شهید مطهری بود رسیدیم و تقاضای فلسفه

کردیم و ایشان نپذیرفت و فهم فلسفه را منوط به خواندن منطق دانست.
از روی ناچاری به قم رفتیم که روز ورود به قم مصادف شد با حمله عراق به ایران. در درسهای فلسفه نظیر منظومه شرکت می کردیم ولی کامل نمی فهمیدیم، یکی از استادان حاضر شد تنها پنجشنبه ها چهار ساعت برایمان فلسفه بگوید که باز مناسب نبود و ذهنمان کشش نداشت. شروع جنگ و بی برنامگی ما و تعطیل شدن هر روزی درسهای حوزه و بی پولی و ... دوباره ما را به نجف آباد کشاند این بار استاد حاضر شد برای ما بدایة الحکمه بگوید و ما نیز تصمیم به خواندن منطق گرفتیم و منطق مظفر را شروع کردیم. کم کم برای فهمیدن درست عربی به خواندن کتابهای مقدماتی صرف و نحو مشتاق شدیم و کم کم دروس حوزوی را به سبکی که طلاب می خواندند شروع کردیم، ولی بنده با سرعت بیشتر و اشتیاق فراوان آنها را بسیار زودتر از دیگران به پایان بردم. برخی کتابها را با استاد خواندم و برخی را خودم مطالعه کردم، برخی را با مباحثه و برخی را ضمن تدریس فرا گرفتم.
از جمله اساتیدمان مرحوم شیخ محمّدعلی صفر نورالله بود که هدایه، عوامل ملامحسن، مقداری سیوطی و مغنی و مقداری تحریرالوسیله را نزد او خواندم. در عرض این دروس، بدایةالحکمه، منطق مظفر، مقداری اصول فلسفه و روش رئالیسم با مقداری نهایةالحکمه را نزد مرحوم آیةالله ایزدی فرا گرفتم. نجف آباد برایم بسیار مناسب و خوب بود زیرا برخی درسها را که نمی توانستم شرکت کنم دوستانم برایم نوار می گرفتند و آن را گوش می دادم هرگاه خبردار می شدیم که عملیات است و جبهه رفتن لازم است با توافق یکدیگر درس را تعطیل می کردیم و پس از بازگشت از جبهه از همانجا شروع می کردیم.
در سال 1361 دوباره به قم وارد شدم و در ایام تحصیل با عشق و علاقه به درس خواندن پرداختم. بقیه اصول و لمعه را نزد آقایان کوه کمره ای، احمدی میانجی، محامی، و مرحوم وجدانی فخر خواندم و در همان زمان سیوطی و هدایه را تدریس کردم و بعد به رسائل و مکاسب مشغول شدم و از درسهای آقایان اعتمادی تهرانی و مرحوم پایانی و مرحوم ستوده استفاده کردم و کفایتین را تنها نزد مرحوم آیةالله ستوده خواندم. در طی این مدت تلاش کردم در درس منظومه آیةالله انصاری شیرازی و صبح های زود در درس اسفار جلد 9 آیةالله جوادی شرکت کنم.
زمانی که در نجف آباد بودم گاهی در درس تفسیر آیةالله ایزدی شرکت می کردم ولی این شرکت مرتب نبود اما در قم پس از اینکه حضرت آیةالله جوادی آملی تفسیر قرآن را در مسجد محمدیه شروع کردند در آن شرکت کردم، کم کم جمعیّت زیاد شد و درس به مسجد اعظم انتقال یافت و بنده همچنان در آن شرکت می کردم. بالاخره در خرداد 1365 دروس

سطح کاملاً تمام شد و در امتحان کفایه شرکت کردم در واقع شروع رسمی طلبگی بنده اواخر شهریور 1359 بود که تا خرداد 1365 که حدود 6 سال میباشد طول کشید. بنده علاوه بر درسهای رسمی حوزه که امروزه طی 10 سال می خوانند مقدار زیادی فلسفه و تفسیر نیز اندوخته داشتم و با طلاب مباحثه کرده بودم.
از خاطرات به یاد ماندنی آن دوران یکی آنکه شبی هنگام مباحثه کفایه به دوستان گفتم هرجا مطلب مشکل است و خود صاحب کفایه نمی فهمد می گوید خالی از دقت نیست، دقت کن و ... در اثر همین توهین به ایشان یک مرتبه تیز فهمیم از بین رفت و فردای آن روز هرچه کردم متن کفایه را نمی فهمیدم. فردا شب در سر مباحثه پیش دوستان خود به گناه خود اعتراف کردم و در حرم حضرت معصومه (س)نیز توبه و انابه کردم تا مقداری از آن فهم و حافظه برگشت ولی خوب روشن است که پارچه کثیفِ شسته شده هیچ گاه مثل پارچه نظیف نیست. از آن زمان تصمیم گرفتم به علما و بزرگان اهانت نکنم و به جای اتهام به آنان فهم خود را مورد اتهام قرار دهم.
از خاطرات آن دوران اینکه گروهی بودیم که در تمام درسها تلاش می کردیم قبل از درسها پیش مطالعه کنیم و به همین جهت تنها خارج درس را گوش میدادیم و نیازی نمی دیدیم که تطبیق مطالب با متن را گوش دهیم و به همین جهت از درس خارج می شدیم، روزی مرحوم آیةالله پایانی در ضمن توضیح خارج مکاسب به برخی غلطهای چاپی کتاب اشاره کرد و فرمود می خواهم کسانی که تطبیق با متن را نمی نشینند به درد سر نیفتند از اینکه استاد کار مارا به رسمیت شمرده بود خوشحال بودیم. در تابستانها و ایام تعطیل دروس، برنامه های دیگری داشتیم. تابستان 1356 قبلاً بیان شد. تابستان 1357 را در شهر کرد صرف کردیم. در آن وقت و در ایام تعطیل دانشگاه در جاهای مختلف نمایشگاه کتاب می زدیم. تابستان 1358 را در جهاد سازندگی استان چهارمحال و بختیاری شهرستان جونقان و روستاهای اطراف آن به سر بردم و به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. تابستان سال 1359 در بخش اردل و نوقان و روستاهای آن به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. پس از شروع جنگ بیشتر تابستانها یا ایام تعطیل یا ایّام عملیات در جبهه می گذشت.
تابستان سال 1360 به سر پل ذهاب رفتیم ، خوب به یاد دارم که صبح زود هوا هنوز تاریک بود و ما سه نفر طلبه در کوچه های کرمانشاه قدم می زدیم تا به ستاد اعزام نیرو برسیم که خبر شهادت 72 تن را از رادیو شنیدیم و خبر شهادت رجائی و باهنر را نیز در سر پل ذهاب و قبل از عملیّات معروف بازی دراز شنیدیم. تلاش می شد اوقاتمان در جبهه به بطالت نگذرد ، مباحثه تحریر الوسیله، حفظ قرآن، خواندن کتابهایی نظیر

پرواز در ملکوت از امام امت محصول تلاش آن دوره است. اگرچه اکنون که به گذشته ها می نگرم باز بسیار وقت تلف کرده ام که امکان بهره برداری بهتر از آنها وجود داشت.
در تابستان 1364 کلاسهایی از سوی شورای سرپرستی طلاب خارجی گذاشته شد و بنده در آن کلاسها شرکت کردم و در امتحان نمره خوبی آوردم و روزی در حظور استادهای عربی و محضر مرحوم استاد آیةالله ایزدی به عربی سخن گفتم که اثر شادابی آن به خوبی در چهره استادانم ظاهر بود. به همین جهت و برای کامل شدن تکلم به عربی در تابستان 1365 و اتمام دروس سطح، چهار نفر از آن کلاس به لبنان فرستاده شدیم، ورود ما به لبنان مصادف بود با شروع درگیری های حرکت امل و فلسطینیان. مدرسه رسول اکرم در حومه جنوبی بیروت و در سر راه فرودگاه که محل استقرار ما بود درست در منطقه وسط درگیری بود و خمپاره های طرفین از بالای مدرسه عبور می کرد و چندین مرتبه به مدرسه اصابت کرد.
همه فکر آن جمع چهار نفری این بود که در ضمن کار و فعالیت، تمرین زبان کنیم. از جمله آن کارها ایجاد نمایشگاه کتاب بود که یکی از آنها در جلوی مسجد امام رضا(ع)(محل اقامه نماز توسط آیةالله سید محمدحسین فضل الله) به مدت 10 روز برگذار شد.
هرهفته بنده جدا از دوستان به جنوب لبنان، حوزه صدیقین می رفتم و با طلاب آنجا جلسه داشتم و گاهی به روستاهای اطراف نیز می رفتم، در ضمن برخی دروس را برای طلاب تدریس می کردم.پس از پایان تابستان مسئولان مدرسه از بنده و یکی از دوستان خواستند که برای تدریس آنجا بمانیم و خودشان با ایران هماهنگ کردند و زن و فرزندانمان را به لبنان آوردند و یک سال تحصیلی در آنجا ماندیم.
در آنجا صبح ها خدمت آیةالله سید محمدحسین فضل الله درس خارج فرا می گرفتم و بقیه روز را به تدریس مشغول بودم روزهایی که درگیری شدید بود و یا روزهای یکشنبه که تعطیلی رسمی لبنان بود و اساتید در دروس خود حاضر نمی شدند من خودم را موظف می دانستم درس آنان و یا درسی جایگزین را تدریس کنم، گاهی اوقات تدریسها به 11 عدد می رسید که 2 تا 3 تا از آنها در مدرسه خواهران بود که همسرم مسئولیتش را بر عهده داشت و یکی از آنها درس عدل الهی بود که پس از نماز مغرب و عشا برای دانشجویان می گفتم.
بله از امور بسیار جالب در لبنان این بود که یک کلاس برای دانشجویان هفته ای سه شب گذاشته بودم و کتاب عدل الهی استاد مطهری را توضیح می دادم. حدود 30 تا 40 دانشجو در آن کلاس شرکت می کردند این مقدار دانشجو در آن شرایط بد امنیتی و استمرار آن، چشم همه افراد را

خیره کرده بود و می گفتند این گونه کلاسها با این تعداد دانشجو بی سابقه است.
در بین تمامی این برنامه ها از برنامه برای ایرانیان قافل نشدیم و محرم در آنجا منبری گذاشتیم و جلسه ای به زبان فارسی، سخنرانی و مداحی به سبک ایرانی برای مجموع ایرانیهای موجود در بیروت اعم از سفارتی ها یا غیر از آنها داشتیم که بسیار جالب بود و مورد استقبال واقع شد. شب شام غریبان دسته عزاداری به سبک ایرانی با شمع و ... به راه انداختیم و با نوحه سرائی به زبان فارسی به پشت درهای مسجد امام رضا(ع) و سپس مسجدی که مرحوم شمس الدین در آن اقامه جماعت می کرد رفتیم. هر دو مسجد بسته بود و کسی در آنجا نبود، اما جالب اینکه بنده در طول راه زنان بی حجاب زیادی را دیدم که می آمدند روسری از یکی از خانم ها قرض می گرفتند و به سر می کردند و مقداری دسته عزاداری را همراهی می کردند و سپس روسری را تحویل می دادند و می رفتند. این نشان می داد که بی حجابها ضد دین نیستند بلکه علاقه زیادی به دین دارند و شرایط زندگی، آنان را به این وضع در آورده است.
اوایل تابستان 66 لبنان را به قصد ایران ترک کردیم تا دوباره اوایل مهر به آنجا بر گردیم ولی دیگر توفیق یار اینجانب نشد. پس از چند ماهی از ورود به ایران با گروه تفسیر دفتر تبلیغات آشنا شدم و به کار تحقیق در قرآن پرداختم و یکی از پژوهشگران تفسیر راهنما گشتم که بحمدالله در 20 جلد به چاپ رسیده است. از آن زمان تا سال 77 به مدت 12 سال در تفسیر راهنما بودم و گاهی اوقات بخصوص تابستانها روزها یا هفته ها می گذشت که تنها قرآن و تفسیر مطالعه می کردم و خداوند را بر این نعمت بزرگ شاکرم. در این مدت درسهای خارج زیادی از مراجع معظم قم را شرکت کردم.نوارهای درسهای اصول و رجال را گوش دادم و مباحثه کردم نوارهای جلدهای 6و 7و 8 اسفار را گوش دادم و مباحثه کردم،دو دوره رسائل و زیادی از مکاسب را تدریس کردم و ... .
در سال 70 با باز شدن دوباره راه خانه خدا و شروع مجدد حج در امتحان زبان دانها شرکت کردم و پس از قبولی ، در همان سال به حج مشرف شدم _البته پول حج را خودم پرداخت کردم و در واقع امتحان، اولین سفر را بی نوبت کرد_در مسیر بین مکه و مدینه اتومبیل حامل ما به سختی تصادف کرد و چند نفر از زبان دانان شهید و بنده نیز به شدت از ناحیه پاها ضربه دیدم. پس از مراجعه به ایران و بدتر شدن روز به روز کوفتگی پا، مجبورم کرد که چند ماهی در خانه بمانم و هیچ راه نروم این زمان فرصت خوبی بود برای شروع به نوشتن که اولین مقاله عربی در مورد طهارت اهل کتاب نوشته شد. پس از خوب شدن و فعالیتهای دوباره بیرون از خانه، دیگر نوشتن رها نشد و در هر فرصتی قلم بر کاغذ رفت و مقاله های

متعدد نوشته شد که از سال 74 یکی پس از دیگری در مجله کاوشی نو در فقه و سایر مجلات به چاپ رسید که لیست ناقصی از آنها تهیه شده است.
در دوره چهارم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت کردم و مدرک کارشناسی ارشد دریافت کردم و در همان زمانها و شروع اعطای مدارج علمی از سوی مدیریت حوزه قم در آنجا نیز امتحان دادم و مدرک سطح چهار گرفتم. در سال 77 با به پایان رسیدن تقریبی کار تفسیر راهنما از رفتن به آنجا خود داری کردم و پس از چند ماهی توفیق راه اندازی «مرکز تحقیقات طب اسلامی امام صادق(ع)» نصیب این جانب شد و توفیق یار شد تا یک دور کتب اربعه حدیثی شیعه را با دقت بخوانم که برایم بسیار مفید بود و نزدیک است که مسیر آینده تحقیقات و تألیفاتم را رقم بزنند.
در تابستان 81 و تقریباً تمام شدن دور فیش برداری از کتب اربعه و اصرار خوانواده برای ترک قم و هجرت به اصفهان و بسیار خوب بودن استخاره های فراوان در این رابطه علی رغم میل باطنی، راهی اصفهان شدم و از اوّل مهر 81 در اصفهان به تدریس در حوزه پرداختم تا خداوند چه بخواهد.
برخی از مراجع معظم تقلید بنده را با ورقه اجتهاد، وکالت و امثال آن مورد لطف قرار دادند. تا کنون شش جلد کتاب از این جانب به چاپ رسیده است و امیدوارم بتوانم مقاله های چاپ شده ام را با اصلاح و اکمال برای چاپ آماده سازم، زیرا اکثر مقالات از نوآوری بهره مند است، بویژه مقالات فقهی که شرطش نوآوری همراه با استدلالهای محکم است و به همین جهت برخی از آنها در جشنواره ها برنده شده و جایزه ای نظیر عمره برایم به ارمغان آورده است. برخی مکرر در جاهای مختلف چاپ شده و برخی دستمایه محققان برای طرح های تحقیقاتی گشته است. و خداوند را برای همه این نعمتها شاکرم. و اکنون نیز به طرحی پیرامون احادیث اهل بیت می اندیشم.
شاید بتوان روحیه نو آوی این جانب را - اگر واقعاً موجود باشد- ناشی از دانشجو بودن قبل از انقلاب و برخورد با افکار مختلف در دانشگاه و نیز سفر به لبنان در سخت ترین شرایط و برخورد و تضارب آرا با اکثر گروه های موجود در صحنه و بودن در حوادث گوناگون دانست. از ناکامی های این جانب نداشتن هم مباحثه دائم است، در دوران جنگ با هرکسی هماهنگ و هم طراز شدم تا با هم پرواز کنیم به جبهه رفت و به پروازی دیگر مبادرت ورزید. پس از آن نیز هم مباحثه ها، تدریس در دانشگاه ها،ورود به ارگانها و ...را بر طلبگی صرف و کمی امکانات ترجیح دادند و به همین جهت کارهای تحقیقاتی این جانب به تنهایی انجام می پذیرد و به همین جهت از نظر کیفیت و کمیت روند مطلوبی که خودم آن را می پسندم ندارد و به ویژه که گاهی ویراستاران نیز به ویرانگری می پردازند و غلط گیران نیز بی دقتی می کنند و ناگهان مقاله ای منتشر می شود که ...

.
از خداوند منان عاجزانه تقاضا دارم که توفیقی عنایت کند که مجموعه حدیثی مورد نظر بدون هر اشکالی به پایان رسد. از مهر ماه 83 شروع به تدریس ترتیبی قرآن مجید و نوشتن آن به عربی کردم که الحمدلله اکنون یک جزء از قرآن به اتمام رسیده و بیش از دو جلد دست نویس تفسیر موجود است که امید است با توفیق خداوند بتوانم یک دوره تفسیر را به آخر برسانم و در معرض نظر علاقه مندان قرار دهم.

عارف کشفی، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر عارف کشفی
محل تولد : استهبان فارس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/3/15
زندگینامه علمی
آقای سید جعفر عارف کشفی در سال 1334هجری شمسی در خانواده ای پاک، باصفا، متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان استهبان استان فارس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1356 که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود وارد حوزه علمیه شیراز گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1364 به حلقه دروس خارج راه یافت و از محضر درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله صالحی ، آیت الله حسن آیت اللهی و... بهره ها برد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1369از دانشگاه فردسی مشهد تهران فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان" مقایسه آراء شیخ طوسی و ابن ادریس در احکام قضاة " دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ تدریس در دانشگاه فردوسی، دانشگاه امام صادق تهران ، دانشگاه پیام نور تهران ، دانشگاه آزاد قسمت جنوب ، دانشگاه علامه طباطبائی تهران ، دانشگاه آزاد مشهد ، دانشگاه پیام نور مشهد ، دانشگاه شیراز و.... را در کارنامه خود دارد.
ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های " پیرامون سیره رسول خدا و اهل کتاب " ، " اولیاء بنی اسرائیل " ،" آثار اهل کتاب در آثار اسلامی " و... از جمله آثار ایشان است.

عاصم کوفی

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابی‌النجود بهدله‌ی کوفی شیعی، به اتفاق اهل صنعت، قرائت عاصم، اصوب و اجمل قراء سبعه می‌باشد، و سیاهی قرآن (کتابت با خط سیاه) مطابق قرائت عاصم می‌باشد. در 127 - 8 در کوفه یا سماوه وفات یافته.
راویان او عبارتند از:
1- ابوبکر بن عیاش معروف به شعبه (95 -193).
2- حفص بن سلیمان (90 - 180).
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلیل عالمی
محل تولد : اهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1372 وارد حوزه علمیه قم شده ام و دو سال در مدرسه امام مهدی موعود(عج) واقع در میدان توحید، سه سال در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سه سال در مدرسه حسینه گذراندم. دروس سطح را در سال 1380 در مدت 8 سال به پایان رساندم همزمان در سال 1377 (ع) وارد مؤسسه امام خمینی(ره) شدم و در رشته حقوق کارشناسی گرفتم و در ادامه در سال 1383 وارد تحصیلات تکمیلی در رشته حقوق عمومی ادامه تحصیل می دهم. الان در حال گذراندن ترم آخر کارشناسی ارشد این رشته هستم از سال 1380 در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی و اصول فقه حاج شیخ صادق لاریجانی شرکت نمودم. و از همان سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نموده ام که همه اینها جز درس آیت الله تبریزی ادامه دارد.
تقریباً از سال 1379 در واحد حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهش فرهنگی حوزه همکاری مستمر داشته ام و در پاسخ به سئوالات محاله به این واحد شرکت کرده دستورات دیگری را پاسخ داده ام. و این همکاری هنوز هم ادامه دارد.که تاکنون سه مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است.

عاليشاهى، احمد

قرن:15
جنسيت:مرد
مليت:ايران
احمد عاليشاهى
محل تولد : بهشهر
شهرت
تابعيت : ايران
تاريخ تولد : 1388/8/1
زندگينامه علمى
اينجانب در سال1353وارد حوزه علميه مشهد شدم و دروس سطح مانند ادبيات عرب و بخشى از تفسير قرآن و كلام و فقه و اصول را در آنجا ادامه دادم و بعد از پيروزى انقلاب اسلامى در سال 1358وارد حوزه علميه قم شده ام تا الان در اين حوزه مقدسه مشغول درس و تدريس و تحقيق مى باشم.
مراحل فراگيرى علوم حوزوى را از ابتداء با دروس خارج فقه و اصول در صفحه مخصوص اين مطالب ياد آور شدم
اما تدريس بنده عبارتند از: بخشى از ادبيات عرب در حوزه علميه مشهد و يكسال تدريس دروس سطح در حوزه علميه دامغان (1364تا1365)و سه سال تدريس در حوزه علميه مسجد سليمان (1369تا1370)از ادبيات عرب با دروس رسائل و مكاسب مشغول بوده ام و حدود سه سال در بخش حوزه علميه خواهران مربوط به دفتر تبليغات در قم دروس فقه و اصول را تدريس نمودم (1377تا1380)و از سال 1372تا1380در مركز جهانى بخشى از دروس فقه و تفسير و علوم قرآن طلاب خارجى را به عهده داشتم .
البته خداوند عنايت نمود كه از سال 1372تا اوائل سال 1375قرآن كريم را هم حفظ نمودم و مباحثه حفظ ما همچنان ادامه دارد.در ايام تبليغى هم بنده از سال 1357كه ملبس به لباس مقدس روحانيت شده ام تا الان براى تبليغ معارف دينى به جاهاى مختلف كشور اعم از ارگانها وغير آن حضور پيدا كردم و مى كنم و از سال 1375به اين طرف غالبا به دانشگاههاى مختلف كشور از طريق دفتر اعزام مبلغ رهبرى در دانشگاهها اعزام شده ام و در سالهاى 1364و1370در تبليغات خارجى حج هم به مكه و مدينه اعزام شدم ،جهت تبليغ حجاج خارجى از سا ل1376به اين طرف در شبكه حج به عنوان روحانى كاروان در خدمت زا ئران حج وعمره

بوده ام .

عالیشوندی، مسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسعود عالیشوندی
محل تولد : فراشبند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/4/1
زندگینامه علمی
اینجانب درسال 1357در اوایل پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) برای تحصیل علوم دینی به قم عزیمت نمودم و در امتحانات ورودی مدارس حقانی و رسالت که در آن زمان از بهترین و منظم ترین و مطابق نیازهای جامعه برنامه ریزی شده بودند، شرکت نمودم و در هر دو مدرسه با رتبه خوب(19 و 16) قبول گردیدم. ولی چون مدرسه رسالت زودتر نتایج خود را اعلام نمود در آن مدرسه ثبت نام نمودم و تا پایان سال تحصیلی 61-1360 به مدت سه سال در آن مدرسه حضور داشتم و دوره مقدمات را که مطابق برنامه جدید حوزه پایه 4 محسوب می شود به پایان رساندم. از تاریخ اول مهرماه 1361 در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی که عصرها برنامه های فوق برنامه همچون کشف المراد (شرح تجرید) علامه، درس تفسیر قرآن، نهج البلاغه، اصول فلسفه و روش رئالیسم که توسط اساتید مجرب از جمله حضرت آیت الله مکارم تدریس می گردید، شرکت میکردم.
در حوزه نیز به صورت آزاد دروسی همچون شرح لمعه و اصول فقه مظفر و باب هادی عشر و... را به مدت دو سال نزد اساتیدی همچون مرحوم وجدانی فخر، صالحی افغانی و سید مرتضی مهری تحصیل نمودم. سپس به مدت سه سال دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتید معروف حوزه از جمله آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی و... خواندم. سپس به مدت دو سال کفایتین آیت الله آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله ستوده تحصیل نمودم. در این مدت در دروس جنبی نیز شرکت می نمودم، از جمله اصول عقاید را نزد آیت الله مصباح یزدی، نهج البلاغه را نزد آیت الله مکارم شیرازی، رجال را نزد آیه الله سبحانی تبریزی خواندم و همه این دروس را امتحان داده و تا سال تحصیلی 68-1367 به پایان رساندم و

دوره سطح به مدت 10 سال به اتمام رسید. از سال 1368-69 در درس خارج فقه و اصول آیات، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی تبریزی و... به مدت 14-15 سال شرکت نموده ام.
در سال 1376 در کنار درس خارج فقه و اصول در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی حوزه علمیه شرکت نمودم و به مدت 4 سال دوره سطح 4 تفسیر و علوم قرآنی را در سال تحصیلی 1379-80 به پایان رساندم. پس از اتمام سطح 4 حوزه در رشته فوق، در رشته تخصصی تازه تاسیس کلام، گرایش مهدویت شرکت نمودم و پس از 3-4 سال این دوره را به عنوان اولین گروه در سال 1383 به پایان رساندم. از آن پس تا شهریور 1384 در مرکز تخصصی مهدویت و پژوهشکده مهدویت در موضوعات و مباحث مهدوی به تحقیق و مطالعه مشغول بودم و در فصل نامه انتظار موعود وابسته به مرکز تخصصی مهدویت از شماره 4 تا 8 در موضوع (کلام جدید و مهدویت) مباحثی را تنظیم نمودم که به چاپ رسید، همچنین در واحد پاسخ گویی به پرسشها در پژوهشکده مهدویت مشغول بودم. همچنین از سال 1379 تا تابستان1384 در بخش تحقیقات و تهیه جزوات در مرکز مشاوره حوزه علمیه قم ساعاتی به امر تحقیق مشغول بودم که حاصل آن تهیه جزوات متعددی بود که توسط آن مرکز به چاپ رسیدند. از سال تحصیلی 1384-85 تاکنون نیز در دانشکده علوم قرآنی به تدریس دروس تفسیر و علوم قرآنی مشغول بوده ام. همچنین در سال1385 در دانشگاه آزاد زاهدان و دانشگاه دولتی سیستان و بلوچستان به تدریس دروس مختلف از جمله متون عرفان عربی، تاریخ قرآن و نظامهای اقتصادی صدر اسلام مشغول بوده و هستم.

عباسی، فرج الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرج الله عباسی
محل تولد : هشترود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب فرج الله عباسی فرزند اسلام در سال 1350 در روستایی به نام داش بلاغ از توابع شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی به دنیا آمده ام پدرم در خانه افتخار معلمی قرآن کریم را بر بچه های تحصیل نکرده و نیز ابتدائی تمام کرده ها داشت و خود نیز تا به امروز از افرادی است که همیشه قرآن می خواند هرچند به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و اهمیت دادن به قرآن کریم، دیگر دانش آموزان نیاز چندانی به گذراندن روخوانی قرآن را ندارند. بنابراین تولدم در یک خانواده مذهبی و خانه ی قرآنی بود که روحانیتم را مدیون دعاهای مادری و صوت دلربای قرآنی پدری می دانم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و راهنمایی را در روستای همجوار به نام آق زیارت به پایان رساندم و با صلاحدید پدر قرآنیم در سال 1366 وارد حوزه علمیه امامزاده شهرستان مراغه شده و ادبیات را نزد اساتید بزرگوار حج اسلام آقایان قدسی و نجفی گذراندم و در سال 1369 به حوزه علمیه قم وارد شده و منزلی در مدرسه مومنیه مرحوم آیةالله العظمی نجفی مرعشی تهیه کرده و در نزد اساتید حوزه علمیه مرحوم آیه الله وجدانی فخر و نیز آیه الله اشتهاردی به تحصیل شرح لمعه و معالم الاصول را نزد حجه الاسلام مومنی و اصول فقه را در محضر حجةالاسلام شفیعی به پایان رساندم و در سال 72 با به پایان رساندن سطح یک حوزه و در سن 22 سالگی تشکیل خانواده دادم و به ادامه درس مشغول شدم.سطح دو را نزد اساتیدی چون حج السلام صالحی مازندرانی و طاهری خرم آبادی و علیدوست به تحصیل پرداخته و کفایه را از محضر استاد نکونام استفاده نمودم. و در سال 78 درس های سطح 3 را تمام کرده ولی امتحان پایه دهم به 79 ماند و با توجه به اینکه در آن سال در فلسفه قبول نشدم در نتیجه قبولی امتحانات کتبی و شفاهی پایه دهم در سال 81 به پایان رسید.با توجه به تمام شدن تحصیل سطح سه در سال

77-78 برای شرکت در درس خارج فقه در درس نکاح حضرت استاد آیه الله مکارم شیرازی تابه امروز و نیز سه سال در فقه حضرت استاد آیه الله نوری همدانی که پس از درس حضرت مکارم شروع می شد و در مسائل روز، قضا و ... از سال 80 تا 82 شرکت نمودم.برای خارج اصول اول در محضر حضرت استاد آیه الله سبحانی بهره بردم ولی از سال بعد یعنی 79 با صلاحدید برخی از اساتید به درس خارج حضرت استاد آیه الله وحید خراسانی رفته و تا سال 83 استفاده نمودم.در کنار دروس حوزوی و در سال 71 به روش تدریس و تجوید قرآن دوره تربیت معلم که سازمان تبلیغات اسلامی قم برگزار می کرد شرکت نمودم و کارنامه دوره مقدماتی را در سال 72 اخذ کردم. ازسال 78 در مقطع کارشناسی ارشد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآنی دفتر تبلیغات به مدت دو سال و نیم به تحصیل پرداخته ولی متاسفانه موفق به نوشتن پایان نامه نشدم. و با توجه به رشته قرآنی به مطالعه درباره موضوعات قرآنی علاقه مند گشته و موضوعاتی به عنوان تحقیق در کلاس و بعد از پایان دوره نیز جمع آوری کردم از جمله: 1. بررسی ترجمه سوره مد در ترجمه های موجود و نگاهی به روش های ترجمه؛2. سیمای دانشمندان در قرآن و بررسی آیات اولوالالباب و موضوعات مطرح شده در ذیل این آیات؛ 3. آیات مربوط به صراط مستقیم و جمع آوری آیاتی که به مشخصات صراط مستقیم مرتبط بودند؛ 4 . رمز عشق و زنگ نفرت: آیاتی که می رساند خداوند به افرادی محبت ورزیده و از عده ای به خاطر کارهای ناشایست نفرت دارد. در سال 85 ازسوی معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم در یک دوره کوتاه مدت آشنائی با تصوف شرکت کردم و از سال 84 در رشته کلام و دین شناسی در سطح کارشناسی ارشد در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی مشغول به تحصیل شده و در اسفند 86 به پایان رسید که مقاله تحت عنوان اجمالی از تاریخ تحول علم کلام برای تحقیق در کلاس و نیز مقاله ای 26 صفحه با عنوان کرامت در نظام حقوقی اسلام در ارتباط با غیر مسلمانان برای همایش کرامت نوشته ام که در روزنامه قدس چاپ می شود.در کنار اینها به تحقیقات دیگری نیز پرداخته و در سال 83 به دفتر تبلیغات قسمت نشر رسانه دو مقاله 10 صفحه ای نوشتم تحت عنوان: 1. اقتدار جامعه اسلامی و راه کارهای قرآنی ؛ 2. راه کارهای فقرزدایی که در سال 84 در روز نامه کیهان به چاپ رسید.همچنین از سال 83 تاکنون در مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه مشغول پاسخ گویی کتبی به پرسشها در دو گروه ادیان و مذاهب، قرآن و حدیث می باشم که بیش از 280 مقاله سه و چهار صفحه ای به این مرکز ارائه داده و حدود 11 نمونه نیز در سایت اندیشه قم وابسته به این مرکز آمده است که در موضوعات مختلفی همچون بهائیت، اهل حق، ماتریدیه، قادیانیه،

اسماعیلیه، و ... می باشند. علاوه بر مقاله های مزبور کتابی نیز با یکی از محققین برجسته در نقد مبانی و اندیشه های یکی از فرقه ها را آماده کرده ایم که در آینده نزدیک چاپ خواهد شد.از دی ماه 85 نیز به عنوان همکار گروه قرآن و حدیث در همین مرکز فعالیت کرده و به مقالات محققان که در پاسخ پرسش ها آماده می کنند؛ نظارت دارم. برای سطح 3 حوزه علمیه نیز پایان نامه ی آسیب شناسی جامعه منتظر در آئینه روایات نوشته ام که در حال نظارت استاد راهنما برای تایید به دفاع می باشد که در همین جا لازم می دانم از اساتید راهنما و مشاور کمال تشکر را بنمایم. در کنار تحصیل و تحقیق برای بیان معارف و احکام در ایام دهه محرم و ماه رمضان به مناطق دیگر هجرت نموده و از سال 1372 به تبلیغ و انجام وظیفه در مناطق مختلف مشغول انجام وظیفه بوده ام و دو سال نیز در طرح هجرت تابستانی به شهرستان مراغه رفته و در قم نیز با پایگاه مسجد و بسیجیان فعالیت های دینی و تبلیغی دارم. و به خاطر اشتغال در تحقیقات و درس کلام و دین شناسی در سال 85 و 86 در درس خارج نکردم ولی از سال 87 در درس اصول آیه الله العظمی سبحانی و فقه آیه الله العظمی مکارم موفق به اشتغال شده ام . باشد که خداوند خدمت در سنگر پاسخ گویی به شبهات را مورد قبول و لطف خویش قرار دهد و از زحمات پدر و مادرم خود تشکر نماید که ما عاجز از انجام وظیفه کامل در این مسیریم و کوتاهی ما را به کرم خویش ببخشد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

عباسی، مراد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مراد عباسی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
سال ورود به حوزه سال 1360 ه- ش، اتمام سطح در سال 1368 و از سال 1369 در دروس خارج حوزه شرکت نمودم در سال 1371 در رشته حقوق وارد دانشگاه قم شدم و بعد از اتمام دوره کارشناسی به لحاظ علاقه به رشته تفسیر به مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی وارد و بعد از چهار سال در مقطع سطح چهار از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.همچنین جهت ادامه تحصیل در رشته حقوق در سال 1384 در دانشگاه مازندران در رشته حقوق خصوصی پذیرفته شدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه در رشته مورد نظر می‌باشم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود عبداللهی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1326/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سال 1326 در اصفهان در خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر اسلام(ص) چشم به جهان گشود. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی پس از طی کردن دورة دبستان، برای کسب علوم دینی به قم آمد. مشوق اصلی او در این راه، مادر وی بود و نیز برادران وی در کسوت روحانیت به سر میبردند. او با ورود به قم، به مدرسه علمیه علوی رفت. آن مدرسه متعلق به بیت‌آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) و با سرپرستی و اشراف آیةالله شهید بهشتی و مرحوم آیةالله ربانی شیرازی اداره می‌شد. وی در آنجا به تحصیل دروس دورة مقدمات پرداخت و پس از آن برای آموختن دروس دورة سطح در درس استادان مشهور دورة خود حاضر شد.
با اتمام دورة سطح نیز به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم راه یافت. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای تحصیل خود از استادان برجسته‌ای بهره‌مند شد. او که سیوطی و مغنی را نزد آیةالله شیخ حسن تهرانی و حجةالاسلام والمسلمین یثربی فراگرفته بود در درس منطق استاد نحوی حاضر می‌شد و مختصر را نزد آیةالله دوزدوزانی آموخت. شرح لمعه را نزد آیةالله صلواتی فرا گرفت. رسائل را نزد آیةالله شاه‌آبادی، آیةالله اعتمادی و آیةالله العظمی نوری همدانی و نیز مکاسب را نزد آیةالله ستوده آموخت و در درس کفایة الاصول آیةالله العظمی فاضل لنکرانی حاضر شد. همچنین او در بخش علوم عقلی، فلسفه را نزد آیةالله شهید مفتح، شهید استاد مطهری و اسفار را نزد آیةالله جوادی آملی و کلام را از محضر آیةالله شیخ محمد شاه آبادی فرا گرفت. با پایان یافتن دروس دورة سطح، به درس خارج آیات عظام شیخ مرتضی حائری، شریعتمداری، منتظری، اراکی و میرزاهاشم آملی رفت اما بطور عمده در حدود دوازده سال از محضر آیةالله شیخ مرتضی حائری بهره برد.

در طی این سالها از شرکت در درسهای تفسیر نیز غافل نماند و در درس تفسیر حضرت آیةالله خزعلی شرکت جدی داشت. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی دارای فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری است. او ضمن تدریس کتب دوره سطح، سالها به تدریس تفسیر برای دوره‌های عمومی حوزه اشتغال داشته و نیز در مرکز تخصصی تفسیر و تبلیغ، به آموزش تفسیر موضوعی پرداخته است. همچنین وی در دانشگاهها فعالیتهای علمی بسیاری از خود برجا نهاده که از جمله آنها تدریس او در دانشکده‌های شهید بهشتی و شهید محلاتی (سپاه پاسداران) را می‌تواند نام برد. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی از کسانی است که در تدوین تفسیر نمونه همکاری داشته است. تفسیر نمونه تفسیری است که در طول سالیان دراز و با اشراف علمی آیةالله مکارم شیرازی و با همکاری بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم تدوین و نگاشته شده است و امروزه در اختیار بسیاری از مردم و جوانان کشور قرار دارد.
همچنین وی تاکنون کتابهای بسیاری نگاشته که از جمله آنها می‌توان به «توحید و توسل» «اخلاق برای همه»، «25 داستان»، در سالهای پیش از انقلاب و نیز کتاب «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی» که از جمله تألیفات وی در سالهای اخیر به شمار می‌رود، اشاره کرد. از وی مقالات بسیاری در زمینه‌های گوناگون در مجله نور علم به چاپ رسیده است. همچنین مباحث متعددی در موضوعات عقیدتی که به صورت تفسیر موضوعی در قالب جزوه‌های درسی تهیه و در اختیار دانش پژوهان قرار گرفته است. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای پیش از انقلاب و پس از آن همواره از فعالیتهای سیاسی غافل نمانده است. از فعالیتهای سیاسی وی در پیش ازانقلاب می‌توان به همکاری او با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد. او در شهرهای مختلف ایراد سخنرانی کرد.با حضور در فعالیتها و حرکتهای سیاسی به اطلاع رسانی و توزیع رساله و بیانیه‌های حضرت امام پرداخته که از این رو در یکی از سفرهای تبلیغی دستگیر و بازداشت گردید.

عتابی بخاری، زین‌الدین، أبونصر، أبوالقاسم احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 586 ق)، مفسر و فقیه حنفی. اهل عتاب بخارا بود و در همان جا نیز وفات یافت. عتابی از بزرگان حنفیه بود که دارای تصنیفات و آثار چندی است. از آثارش: «جوامع الفقه»، معروف به «الفتاوی العتابیه»، در چهار مجلد؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر العتابی»؛ شرح «الجامع الکبیر» و شرح «الجامع الصغیر» و شرح «الزیادات» شیبانی، همگی در فروع فقه حنفی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (209 / 1)، کشف الظنون (964، 963، 611، 568، 567، 563، 453)، معجم المؤلفین (140 / 2)، الوافی بالوفیات (74 / 8)، هدیه العارفین (87 / 1).

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد هادی عتیقی ،صحاف و تذهیب کارقرآن کریم است . او درزمینه صحافی و جلد سازی سنتی فعالیت می کند . وی هنر صحافی و مرمت آثار هنری را هنر صیانت و حفظ و نگهداری حرمت و ارزش کتاب قدیمی می داند. آثار وی ازنمایشگاههای گوناگون کریم فراروی پیروان این کتاب قرار گرفته است .گروه : هنررشته : هنرهای سنتیوالدین و انساب : پدر محمد هادی عتیقی ، محمد حسین عتیقی مقدم از استادان زبر دست درامر صحافی وتذهیب کاری قرآن بود.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : موسسه صحافی سنتی عتیقی ، مرکزی است که توسط ملا حسین صحاف باشی و پسرش محمد حسین عتیقی مقدم (پدر محمد هادی عتیقی) بنیان نهاده شده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهمترین فعالیت محمد هادی عتیقی ، صحافی و تذهیب کاری است . اوبراین باور است که «لذتی که از نجات یک کتاب کهنه و بویژه یک قرآن قدیمی را نابودی به انسان دست می دهد به هیچ وجه نمی توان وصف کرد . تنها باید عاشق باشی تا بتوانی ساعتها برای نجات یک ورق پاره تلاش کنی. »آرا و گرایشهای خاص : محمد هادی عتیقی درباره اهمیت هنر صحافی بیان می دارد که هنر صحافی و مرمت آثار هنری در واقع هنر ضیافت وحفظ و نگهداری مرمت و ارزش کتاب قدیمی است . کسی که به این هنر روی می آورد باید شیفته و دلباخته همه هنرهای ایرانی باشد .
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

عرفان، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در سال 1336 در خانواده ای مذهبی در شهرضا چشم به دنیا گشودم پدرم یک خیاط مذهبی و مادرم سیده ای از تبار سادات طبائیان(طباطبائی)بود.
شش کلاس ابتدایی را در مدرسه خیام به پایان بردم و سپس به حسینیه سادات رفتم تا دروس دینی را بیاموزم در محضر حجج اسلام حاج سید محمد علی طبائیان (طباطبائی)زارعان، محمدحسین رهایی، حاج شیخ علی تاکی و ... زانو زدم.
سپس به اصفهان رفتم و از استادانی چون حاج آقا حسن امامی و آقای ابراهیمی و آقای فقیهی بهره گرفتم، آنگاه به قم آمدم از فروغ علم گسترانی چونان حضرات اعلام: طالقانی، تهرانی، مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، ابطحی، زاهدی، اعتمادی، خسرو شاهی، پیشوایی تهرانی و آیت الله اسماعیلپور و آیت الله شیخ جواد تبریزی پرتوهایی نه در خور آنان که همساز با فانوس کورسوز خویش برگرفتم.
سالیانی چند ادبیات فارسی، حاشیه، مغنی، معالم، مختصر، مطول، لمعه، مکاسب، و کاربرد علوم بلاغی در قرآن را با سروران مدارس رسالت، کرمانی ها، رضویه، حقانی و موسسه امام خمینی رحمة الله علیه باز گفته ام.
چندین پایان نامه را به مشورت و یا به اصطلاح راهنمایی نشسته ام .
تاکنون به عربستان،عراق،سوریه، سوئد، امارات سفر زیارتی و تحقیقی و تبلیغی داشته ام و تحقیقاتی در دست سامان بخشی دارم
از همسر سیده ام پنج فرزند دارم دو پسر و سه دختر، علیرضا در مدرسه کرمانی ها درس می خواندو امیر محسن در مدرسه شهیدین.
کتب:
کرانه ها / سه مجلد
شرح جواهر البلاغه / دو مجلد
شرح و ترجمه تهذیب البلاغه
فرهنگ غلط های رایج
پژوهشی در اعجاز قرآن
خاطر و خاطره
آفت ها و لطافت های جنسی
زبان آگاهی

پدر و مادر در فرهنگ اسلامی
درمان نازائی. مقالات:
ازلابلای متون / حدیث زندگی 3
رمز و راز شادابی و نشاط در جوانی/ گفت و گو /دیدار آشنا 23
موفقیت و شانس / حدیث زندگی 3
زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان(ع)/علوم حدیث 12
عفت در اندیشه، گفتار و رفتار /حدیث زندگی 6
اعتماد به نفس / حدیث زندگی 3
زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)/علوم حدیث 6
زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)/علوم حدیث 5

عزیری سجستانی، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 330 ق)، مفسر و مصنف. او به کتابش «غریب القرآن» که بر اساس حروف معجم در مدت پانزده سال تصنیف کرده، مشهور است. عزیری کتابش را بر ابن‌انباری خواند و او اصلاحاتی در آن نمود. ابوعبدالله بن بطن و عثمان بن احمد بن سمعان و عبدالله بن حسین سامری مقری از وی این کتاب را روایت کرده‌اند. دارقطنی حافظ عبدالغنی و خطیب و ابن‌ماکولا اسم پدر وی را عزیز آورده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (150 -149 / 7)، سیر النبلاء (217 -216 / 15)، الوافی بالوفیات (95 / 4).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامعلی عزیزکیا
محل تولد : بندر آباد یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/4/23
زندگینامه علمی
تحصیلات ابتدایی را در دبستان همام روستای بندر آباد در 30 کیلومتری یزد گذراندم سپس در مدرسه راهنمایی طراز یزد و یکسال نیز در دبیرستان 17 شهریور یزد تحصیل نمودم. در مهر 1357 به حوزه علمیه یزد وارد شده و مدت دو سال دروس مقدمات ادبیات و منطق را نزد استادان حوزه از جمله مفیدی فر، حجة الاسلام علاقه بند، میر حسینی، مفیدی، معالی، عجمین فرا گرفتم. در مهر 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم و باقیمانده دروس مقدماتی و سطح عالی را گذراندم. در این دوران از اساتیدی چون آقایان اشتهاردی، عبایی، صالحی افغانی، اعتمادی، موسوی تهرانی، ستوده، علوی گرگانی محقق، طاهری حسن آبادی بهره بردم. از سال 1361 هم زمان با دروس حوزوی از برنامه های علمی موسسه در راه حق نیز بهره بردم و از درس های آیة الله مصباح مدظله و دیگر استادان آنجا از جمله آقایان فیاضی، رجبی، میرسپاه استفاده کردم در این سال ها به طور متناوب در درس اخلاق جناب آیة الله مظاهری نیز شرکت می کردم.
در سال 1367 در درس خارج فقه آیة الله میرزا جواد آقا تبریزی(ره) حاضر شده و بیش از هفت یا هشت سال از محضر ایشان بهره بردم. هم زمان طی 6 سال یک دوره خارج اصول جناب آیة الله مکارم مدظله را درک نمودم، در همین ایام(از 1367- 1373) در دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) شرکت کردم و با معدل 33/18 از پایان نامه حوزه با موضوع آثار اجتماعی دین از دیدگاه قرآن دفاع نمودم.
پس از آن در مؤسسه پژوهشی حوزه دانشگاه طرح پژوهش روش شناسی تفسیر قرآن را با همکاری استادان آن مؤسسه اجرا نموده (در سال 1379 این کتاب منتشر شد.) سپس طرح مکاسب تفسیر را ارائه که

با همکاری جناب استاد بابایی اجرا شد(بنده در این طرح حدود پنج مقاله کوتاه و بلند ارائه کردم که در جلد اول مکاسب تقریر در مقاله کوتاه آن منتشر شد و بقیه در آینده منتشر خواهد شد.در سال 1378 در مؤسسه امام خمینی(ره) طرح پژوهشی زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی را اجرا نمودیم که حاصل آن یک جلد کتاب جستاری درهستی شناسی زن در سال 1382 منشر شد. در سال 1379 در آزمون ورودی دوره دکترای علوم و قرآن و تفسیر موسسه، شرکت و به این دوره راه یافتم و اکنون در حال تدوین رساله پایان نامه این مقطع به عنوان نقش حدیث در تفسیر قرآن هستم. در طی سال های گذشته آثار ناچیزی در زمینه تفسیر و علوم قرآنی به صورت مقاله نگاشته ام. هم چنین دو اثر از مباحث جناب آیة الله مصباح یزدی دام ظله را تحقیق و تدوین نمودم و در زمینه اعجاز قرآن/ مبانی و قواعد تفسیری/روایات تفسیری/متون تفسیری در مؤسسه، مرکز جهانی، جامعة الزهرا، مرکز تحقیق تفسیر،مرکز سید الشهداء در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین نمودم. نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم متحیرم که دهقان به چه کار کشت ما را

عسال اصفهانی، ابواحمد محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(349 -269 ق)، قاضی، حافظ، محدث، قاری، مفسر، فقیه و مورخ. از شیوخ خود: پدرش و ابومسلم کجی و محمد بن ایوب بن ضریس رازی و ابوبکر بن ابی‌عاصم و محمد بن اسد مدینی و حسن سری و ابراهیم حلوانی و بکر بن سهل دمیاطی و همچنین از شیوخ شهرهای اصفهان و همدان و بغداد و کوفه و بصره و حرمین و واسط و ری و خوزستان حدیث شنید. قرآن را بر استاد ابوعبدالله محمد بن علی اصفهانی تلاوت کرد. پسرش ابوعامر عبدالوهاب که از بزرگان اصفهان بود بر پدر خود ابواحمد عسال تلاوت نمود. عسال سفری به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. فرزندان محدثش به نامهای: ابوجعفر احمد و ابواسحاق ابراهیم و ابوالحسین عامر و ابوبکر عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌عدی و ابن‌مردویه و ابن‌منده و ابن‌مقری نیز از راویان او هستند. او را یکی از پیشگامان حدیث توصیف کرده‌اند. خودش گفته که در قراآت قرآن پنچاه هزار حدیث در حفظ داشته است. گفته‌اند که او «تفسیر» بزرگی را از حفظ املا کرد، و همچنین در اردستان چهل هزار حدیث را از حفظ املا کرد و چون به شهر خویش بازگشت و مقابله کرد املای خویش را صحیح یافت. ابن‌منده گوید که دوبار دور دنیا را گشته اما مانند عسال ندیده است. او مدتی عهده‌دار منصب قضای اصفهان بود. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «التاریخ»؛ «المعرفه فی السنه»؛ «الامثال»؛ «مسند الابواب»؛ «الابواب»، در «غریب الحدیث»؛ «احادیث مالک»؛ «الرقائق»؛ «کرامات الاولیاء»؛«معجم الشیوخ»؛ «غسل الجمعه»؛ «القراآت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (201 / 6)، انساب سمعانی (190 -189 / 4)، تاریخ بغداد (270 / 1)، سیر النبلاء (15 -6 / 16)، شذرات الذهب (381 -380 / 2)، طبقات الحفاظ (363 -362)، العبر (82 / 2)، معجم المؤلفین (226 / 8)، الوافی بالوفیات (41 / 2)، هدیه العارفین (43 / 2).

عسکرآبادی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی عسکرآبادی
محل تولد : حسن‌آباد نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/7/3

زندگینامه علمی
در سپیده دم روز مبارک جمعه سوم مهر ماه 1358 خورشیدی در روستای حسن‌آباد سرتپه ازدهات خاک پاک نیشابور (متبرک و مزیی به وجود مبارک و قدوم نازنین ثامن الحجج مولا امام علی بن موسی الرضا المرتضی علیه السلام) در خانواده‌ای متدین و زحمتکش با چشمی گریان و قلبی شادمان پا به عرصه‌ی فانی و دنیای دانی نهادم.
طفولیت را در آب و هوای فرحبخش و دلنواز روستا با فعالیت‌های جانکاه پدر و مادر عزیزم در قالیبافی، کشاورزی، شبانی، بنایی و کار در کوره‌های آجرپزی و... به پایان رسانده و پایه‌های ابتدایی درس و مدرسه را در شهر مقدس مشهد الرضاعلیه‌السلام فراگرفتم. دوران نوجوانی و جوانی حقیر با شرکت در جلسات قرآنی منازل و مساجد و مدارس (تعلیم و تعلم و اداره جلسات) و فعالیت در انتظامات و انجمن اسلامی مدارس و نیروی مقاومت بسیج و نیروهای امر به معروف و امور فرهنگی (کتابخانه‌ای، مسجدی،...) و... مزین بود.
در سن هفده سالگی بعد از گذراندن مقداری از دروس مقطع متوسطه، به توفیق الهی و عنایات ائمه معصومین علیهم السلام و به امید تهذیب نفس وارد حوزه مقدسه علمیه شدم. مدت سه سال در مدرسه مبارکه امام محمدباقر علیه‌السلام (به مدیریت حجةالاسلام والمسلمین دیانی حفظه‌الله) و همان جا در امتحان شهریه شرکت نموده و سپس جهت کلاسهای رسائل و مکاسب و کفایه دو سال در مدرسه علمیه حضرت آیةالله العظمی خویی رحمة الله علیه و مفتخر به تعممم به لباس مقدس قطب عالم امکان حضرت مهدی موعود ارواح العالمین(عج) لباس مقدس روحانیت در نیمه شعبان 1378 شمسی شدم. به برکت ورود به مدرسه

مبارک حضرت آیت الله العظمی خویی رحمة الله علیه با برنامه‌های آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان آشنا شدم و همزمان دو رشته تخصصی مکالمه و ترجمه عربی و رشته تخصصی علوم و معارف قرآنی (که سه سال طول کشید) را آغاز نمودم. و پایان‌نامه علوم قرآنی را با موضوع «تقدیم و تأخیر در قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و جلال الدین سیوطی» ارائه دادم. در سال 1381 توفیق ورود به حوزه مبارکه قم مقدسه و همجواری کریمه اهلبیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها نصیبم شد و علاوه بر شرکت در دروس خارج فقه و اصول علماء عظام (همچون حضرت آیةالله العظمی وحید خراسانی، حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی، حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله العظمی میرزا محمدحسین احمدی فقیه یزدی، حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی، حضرت حجةالاسلام حاج احمد عابدی مدظلهم) در دوره یکماهه تربیت مربی قرآن کریم (تحت نظر واحد تهذیب حوزه)،مدیریت مسجد، (با مسئولیت حجةالاسلام تقی قرائتی) دوره شش ماهه اندیشه‌های امام خمینی رضوان الله علیه (واحد آموزش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) ، دوره دو ماهه آشنایی با فرقه‌ی تصوف (سفیران هدایت)، دوره تخصصی سه ساله تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نمودم. و هم اکنون مشغول به نگارش پایان نامه تخصصی تفسیر با عنوان «تحلیل شبهات تفسیر المنار رشید رضا در تفسیر شریف المیزان علامه طباطبایی رحمةالله) می‌باشم.
ناگفته نماند در مشهد مقدس از محضر علماء اعلام و فضلاء کرام همچون حضرت آیةالله العظمی مرحوم میرزا حسنعلی مروارید، حضرت آیت الله العظمی مرحوم سید صادق فقیه سبزواری، حضرت آیةالله العظمی سید مهدی عبادی رضوان الله علیهم، حضرت آیت الله العظمی سید محمد موسوی شاهرودی، حضرت آیةالله العظمی جوهری، حضرت آیةالله العظمی دهشت، حضرت آیةالله العظمی سید جعفر سیدان، حضرت حجةالاسلام والمسلمین میرزا جواد مروارید، حضرت حجةالاسلام و المسلمین نوقانی، حضرت حجةالاسلام و المسلمین سید مرتضی حسینی شاهرودی، حضرت حجةالاسلام والمسلمین علی سائلی حفظهم الله تعالی مستفیض گردیدم. ضرورت می‌دانم نهایت تشکر و سپاسگزاری خویش را نسبت به والدین عزیزم اداء کنم که با بذل جان خویش امکانات تحصیل حقیر را فراهم آوردند و نیز از همسر محترم خویش قدردانی می‌نمایم که محیط خانه را فضای مساعد برای مطالعه حقیر قرار داده است.

عصار لواسانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1356 / 1355 -1264 ق)، فقیه اصولی، مفسر، حکیم و شاعر، متخلص به عصار. در ابتدا آشفته تخلص می‌کرد و سپس عصار را برگزید و لقب شعری او نظام بود. اصل وی از مازندران و ساکن لواسان تهران بود. پس از فراگیری سطوح و خارج فقه، در تهران، در 1289 ق، به عراق رفت و از آن جا سفری به مکه نمود و در بازگشت،در 1296 ق، به سامراء مهاجرت کرد و تا 1301 ق در آن جا ماند و در این سال به تهران بازگشت. در اواخر عمر، در 1340 ق، به مشهد مهاجرت کرد و در همان جا ساکن شد. او با کهولت سن و از دست دادن یک چشم و کمی دید چشم دیگر، غالبا به تألیف اشتغال داشت. عصار در مشهد درگذشت و در ایوان صحن رضوی دفن شد. از آثار وی: «التأملیات»، در بیان وجه تأملات «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه‌ی «القواعد الکلیه الاصولیه و الفرعیه»، شهید اول؛ حاشیه‌ی «کشف الریبه فی احکام الغیبه» شهید ثانی؛ «فقاهه الرضویه»، فقه استدلالی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «کشف الفوائذ» علامه حلی، در شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «ناسخ التفاسیر»، در تفسیر فارسی، در سه مجلد که قمستی از آن به خط شاگردش میرزا احمد بن صالح بادکوبه‌ای است؛ «رساله‌ی رجالیه»؛ «توحید کمالی»؛ «اخلاق کمالی»؛ «الحجج الرضویه فی تأیید الهدایه المهدویه و الرد علی البابیه»، به فارسی؛ «المواهب الرضویه فی رفیع الشبهات المقوله و المنویه»، در نبوت خصاه و در جواب تشکیکات مسیحیان، بابیان، بهائیان و قادیانیان، به فارسی؛ «آداب السلوک للرعیه و الملوک»، منظوم، به فارسی؛ «التحفه المدنیه»، در عروض جامع بین عربی و فارسی و قافیه عربی و قافیه فارسی، که در 1290 ق در مدینه تألیف کرد؛ «بیان الغیب»، دیوان شعر، در استقبال از «دیوان» خواجه حافظ»؛ «لسان الغیب»؛ «نیاح الغیب»؛ «دیوان عصار»؛ «منظومه‌ی خیر الرسائل» یا شرح «دیوان گلشن راز».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (312 / 7)، اعیان الشیعه (55 / 10)، الذریعه (5 / 186، 9 / 724، 1000، 13 / 270، 18 / 309، 23 / 115، 239، 24 / 173، 1 / 20، 376- 377، 3 / 183، 302، 468، 4 / 485، 6 / 1)، ریحانه

(140 / 4)، فرهنگ سخنوران (637)، معجم المؤلفين (318 / 11)، مكارم الآثار (1766 -1765 / 5)، مؤلفين كتب چاپى (598 -596 / 5).

عطاء خراسانی، ابوایوب، عطاء

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(135 -50 ق)، مفسر، محدث و واعظ. اصل وی از خراسان بود، اما در دمشق و بیت‌المقدس زندگی می‌کرد. از صحابیانی چون ابن‌عباس و ابوهریره و ابودرداء و انس و معاذ بن جبل به طریق ارسال روایت کرده است. او از ابن‌بریده و بسیاری از تابعین چون سعید بن مسیب و سعید بن جبیر و عروه و عطاء بن ابی‌رباح و نافع و عکرمه حدیث شنید. معمر و شعبه و سفیان و مالک و حماد بن سلمه و حتی شیخش، عطاء بن ابی‌رباح، نیز از وی روایت کرده‌اند. گفته‌اند که وی در حدیث مردی مورد اعتماد بود و معروف به فتوا و جهاد. اما بخاری و عقیلی و ابن‌حبان او را از جمله ضعفاء محدثین ذکر کرده‌اند. در اریحا درگذشت و در بیت‌المقدس دفن شد. از آثار وی: «الناسخ و المنسوخ» که بخشی از آن باقی مانده است؛ «التفسیر»، که تنها چند برگ از آن بر جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :التاریخ الکبیر (475 -474 / 6)، تهذیب التهذیب (186 -184 / 7)، الجرح و التعدیل (ج 3 ق 335 -334 / 1)، سیر النبلاء (143 -140 / 6)، شذرات الذهب (193 -192 / 1)، طبقات ابن‌سعد (261 / 7)، العبر (140 / 1)، کشف الظنون (453)، معجم المؤلفین (283 / 6).

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحیم عقیقی بخشایشی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1322/1/1
زندگینامه علمی
عبدالرحیم فرزند حاتم، معروف به «عقیقی بخشایشی»، در سال 1361 ه.ق (مطابق با 1320 ه.ش) در قصبه «بخشایش» (زادگاه مادر پروین اعتصامی، شاعره نامدار) در 65 کیلومتری شرق تبریز، در یک خانواده کشاورز پا به عرصه حیات نهاد. با داشتن علاقه وافر به تحصیل، زادگاه خویش را به عزم تبریز ترک گفته و در مدرسه طالبیه دروس ادبی و مقدماتی را فرا گرفت؛ تا اینکه درسال 1378 ه .ق به قصد ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم گردید. در آن حوزه مبارکه، از محضر اساتید معروف روز، بهره مند شد. دروس سطح را از اساتید هم زبان خویش، آقایان حجج اسلام: شیخ احمد پایانی، حاج میرزا یدالله دوز دوزانی، و استاد جعفر سبحانی و دروس عالیه فلسفه و حکمت و فقه را از محضر اساتید بزرگوار، شادروان علامه طباطبایی و معلم شهید مرتضی مطهری و آیت الله سلطانی، اصول فقه را از محضر امام خمینی (ره) و خارج فقه را از محضر آیت الله العظمی گلپایگانی و برخی دیگر از مراجع معروف و دروس اخلاق و معارف عالیه را، ازمحضر آیت الله العظمی آخوند ملا علی معصومی همدانی، کسب نمود، و از محضر ایشان موفق به اجازه روایتی در مسیر اجازات حاج آقا بزرگ تهرانی گردید.
هم زمان با تحصیلات حوزوی، در دروس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، شاخه فقه و مبانی حقوق اسلامی، و دروس دارالتبلیغ اسلامی قم شرکت جست، تا درسال 1391 ه.ق (1349 ه.ش) موفق به دریافت لیسانس از دانشگاه تهران و پایان نامه تحصیلی از این موسسه اسلامی گردید. پس از کسب تحصیلات عالیه حوزه و دانشگاه، زندگی او در دو کلمه خلاصه میشود: قلم و قدم،با توجه به شوق و علاقه خاصی که در خود میدید، رشته نویسندگی و خلق آثار قلمی را تعقیب نمود و تاکنون لحظه ای قلم را ترک نگفته است. این رشته را رسما از سال 1340 ه .

ش با جراید معروف آن روز، مانند هفته نامه ندای حق، وظیفه، مجله نور دانش و ... آغاز کرده و نخستین تالیفات خود، «نظری به انجیل و تعلیمات مسیحیت» و «همسران رسول خدا (ص) » را در سال 1340 و 1341 نگاشت و در جلسات اسلام شناسی زیر نظر دکتر مفتح به چاپ رسید تا اینکه در سال 1350 ه. ش به عضویت هیات تحریریه نخستین مجله اسلامی حوزه علمیه قم، «درسهایی از مکتب اسلام» برگزیده شد و مقالات مختلفی در زمینه های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی منتشر ساخت.
محصول این همکاری، پدید آمدن خمیر مایه آثار چاپی متحددی است که تعداد آنها، هم اکنون به 110 جلد بالغ می شود.که برخی از این آثار به زبانهای زنده جهان، مانند انگلیسی، عربی، فرانسه و اردو و ترکی نیز ترجمه و منتشر شده اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود 12 سال، در دانشکده های مختلف کشور، به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی، در مرحله کارشناسی ارشد تدریس داشته و هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدرس دروس معارف اسلامی می باشد. اخیرا در پی نگارش کتاب «دیداری با مسلمانان جمهوری آذربایجان»، موفق به دریافت درجه «دکترا» از آکادمی علوم آن جمهوری گردیده که از طریق سفارت ایران به صورت رسمی به ایشان اعطا شده است. او در تعدادی از کنگره های بزرگ علمی و ادبی شرکت جسته و مقالاتی را ارائه داده است. ازآن میان کنگره عاشورا، کنگره اوحد الدین مراغه ای و کنگره شیخ شهاب الدین اهری را می توان نام برد. نویسنده کتاب، بر این اعتقاد است که فلسفه وجودی افراد و زکات حیات و بقای آنان، آثار خیر و باقیات صالحاتی است که ازآنان به یادگار می ماند، و اگر جامعه بشری چنین انگیزه ای را در خود حس ننماید، زندگی او بهره روحی و نشاط معنوی نخواهد داشت.
از این رو، به برکت انقلاب اسلامی و خونهای گرانبهای شهیدان، و با همکاری مردم خوب و متدین و فداکار، چند اقدام عملی و قدم خیر فرهنگی و عمرانی را با فضل الهی به مرحله عمل درآورده است، که محض تشویق دیگر عزیزان، در این وجیزه مبادرت به درج آنها می گردد:
1. احداث دو باب دبیرستان 12 کلاسه به نام دبیرستان امام امیرالمومنین (ع) با همکاری مردم، در سال 1366 ه. ش، در زادگاه خویش، بخشایش که اکنون با فضل الهی جمعی از فارغ التحصیلان آن به دانشگاه راه یافته اند. 2. احداث یک دستگاه پل بزرگ، به طول صد متر (10 دهنه)، به نام «پل عباسیه» در سال 1370 ه. ش بر روی رودخانه «اوجان چای» در زادگاه خویش، با هزینه بالغ بر یکصد میلیون ریال آن روز، که مسیر عبور بخش نو، جانقور، شیخ رجب تا جاده اهر را تامین می نماید. 3. احداث و مرمت جاده شوسه 14 کیلومتری در مسیر بخشایش به جاده اهر، در سال 1367 که هم اکنون مورد بهره برداری می باشد. 4. فراهم آوردن

مقدمات جاده کشی 12 کیلومتری راه کردکندی، اشتلق علیا و سفلی و تازه کند، به بخشایش، در محور جاده سراب و اردبیل که در عبور و مرور مردم آن منطقه تاثیر بسزایی دارد. 5. خرید زمین، به مساحت 4000 متر و پی ریزی دبیرستان 8 کلاسه به نام «دبیرستان صدیقه طاهره ع» در بخشایش جهت تحصیل دختران، که هم اکنون از سوی اداره کل نوسازی آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، مشغول تکمیل آن می باشند. 6. ایجاد و احداث یک باب مسجد به نام مسجد عباسیه (ع) در آذربایجان غربی، در محوطه نیروی انتظامی پادگان جلدیان در حومه نقده، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی. 7. اداره انتشارات «نوید اسلام» در قم که تا کنون حدود 250 عنوان کتاب در عرصه های تاریخی، اجتماعی،آموزشی فرهنگی، تربیتی و دروس حوزوی، چاپ و نشر داده است و اخیرا مجهز به چاپخانه ای با همان نام (نوید اسلام) گردیده است. 8. مفروش نمودن حرم مطهر و نوبنیاد حضرت رقیه (س) در سوریه، به عنوان روحانی کاروان، از طریق جلب کمکهای زایران، در سفرهایی که به آن کشور داشته است. 9. توجه دادن جمعی از مردم شریف جمهوری آذربایجان، به احکام دینی و وظایف الهی و فرایض مذهبی، در سفرهای متعددی که به آن کشور آزاد شده از چنگال کمونیسم داشته است. و چاپ بیش از 15 عنوان کتاب تربیتی و معرفی ائمه اطهار(ع) به زبان کریل نیز داشته ام.

علامی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علامی
محل تولد : هشترود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1309/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مقدمات را تا مغنی و مطول پیش آقای انصاری که مدرس برجسته مقدمات در حوزه تبریز بود خواندم. مغنی و مطول را از محضر آقای شیخ علی اکبر ادیب معروف و متخصص فن و لمعتین را از محضر آیت الله آقای حاج سید مهدی انگجی فرا گرفتم و مکاسب را از محضر حضرت آیت الله آقای حاج میرزا فتاح شهیدی (ره) صاحب کتاب «هدایه الطالب الی اسرار المکاسب» که مجتهد معروف حوزه علمیه تبریز بود و فرائد را محضر حضرت آیت الله مرحوم آقایی حاج میرزا محمود آقا دوزدوزانی خواندم و آن زمان از اساتید معروف مطول و مغنی بودم جمع کثیری در درس مطولم حاضر می شدند چون عبارات را صحیح و با دقت می خواندم الان هم تدریسم در حوزه علمیه قم از نظر خوب عبارت خواندن مورد تحسین فضلای حوزه است و فضلا بارها گفته اند عبارت خواندن شما در مقام تدریس بی نظیر است.
کفایتین را از محضر حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی (ره) استفاده کردم ، منظومه حکمت و اسفار را از محضر حضرت آیت الله علامه طباطبایی (ره) فرا گرفتم دوازده سال حکمت خوانده ام به منظومه حکمت شرح نوشته ام درعلم حکمت خیلی کار کرده ام فضلای حوزه می گویند درس حکمت در حوزه شروع کنید بی میلی نیستم اگر توفیق رفیق شد درس حکمت در حوزه شروع کنم انشاء الله در درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت الله آقای حجت کبیر پانزده سال شرکت و استفاده کامل نموده ام بعد از وفات این دو بزرگوار باقی دوره درس خارج را از محضر مبارک امام رضوان الله تعالی علیه و آیت الله گلپایگانی و آیت الله داماد تکمیل نموده ام بیش از بیست سال درس خارج فقه خوانده ام.

علوی مهر، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین علوی مهر
محل تولد : اهواز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
آقای حسین علوی مهر در تیرماه سال 1342 در شهرستان اهواز در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد و در سنین کودکی به بوشهر مهاجرت می کند تحصیلات خود را تا دیپلم در همان شهر گذرانده، سپس با وجود این که در سالهای 61 و 62 در کنکور امتحان داده و پذیرفته می شود اما ترجیح می دهد دروس حوزه را بخواند. وی جهت ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه اصفهان شده و ادبیات عرب را در مدت یک سال و نیم در آن حوزه تمام می کند. سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت میکند. از سال 1363 به ادامه دروس پرداخته و سطوح عالیه را نزد اساتید بارز آن زمان، از جمله آیات وجدانی فخر، اعتمادی، موسوی تهرانی، احمد پایانی، جعفر سبحانی و جوادی آملی به اتمام می رساند. از سال 1368 در درس خارج آیات عظام مکارم شیرازی، وحید خراسانی، و میرزای تبریزی شرکت نموده و در سال 1371 در آزمون ورودی رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته می شوند و در سال 76-75رتبه ممتاز را کسب می نماید. و با یک سال مرخصی در سال 1377 سطح چهار را به پایان می رساند. ایشان دروس تفسیر را نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت،شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذرانده است. پس از اتمام دوره در سال 1384 پایان نامه سطح چهار خود را با نام بررسی تفسیری و کلام آیات وحی با نمره عالی دفاع نموده و موفق به اخذ مدرک سطح 4 = دکترا شده است. تاکنون دو کتاب از ایشان با نام روش ها و گرایش های تفسیری و تاریخ تفسیر و مفسران چاپ شده که دو کتاب نیز با نام قرآن و دفاع(مبارزه) و بررسی حقیقت و ارکان وحی آماده چاپ دارند افزون بر آن بیش از بیست مقاله از ایشان در مجلات کشور منتشر شده است.

علی بابایی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد علی بابایی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/8/21
زندگینامه علمی
اینجانب احمد علی بابائی در تاریخ 21/8/1344 در تهران به دنیا آمدم. پس از گذراندن تحصیلات جدید در سال 1361 به عنوان بسیجی به جبهه اعزام شدم. فضای آنجا مملو از معنویت و از خود گذشتگی و ایثار بود، مرا وارد مرحله جدیدی در زندگیم نمود. از این رو پس از بازگشت از جبهه در شهریور همان سال وارد حوزه علمیه حاج ملا محمد جعفر(مجتهدی) شدم و تا سال 1364 دروس مقدمات را فرا گرفتم. روزهای پنج شنبه و جمعه نیز با چند تن از دوستان در درسهای باب حادی عشر و تبصره المتعلمین مرحوم علامه شرکت می کردم. در این سالها از محضر استاد اخلاق حضرت آیت الله مجتهدی بهره های فراوانی بردم.
از ابتدای ماه رمضان سال 1364 ش به مدت چهل روز در کنار بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا(ع) اقامت گزیدم و از محضر آیت الله میرزا علی آقا تنکابنی(فلسفی) بهره های اخلاقی فراوانی بردم. همچنین از محضر آیت الله میرزا جوادآقا تهرانی و آیت الله حاج شیخ حسنعلی مروارید استفاده نمودم.
از ابتدای سال تحصیلی 1364 وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر استاد طالقانی در ادبیات و استاد احمد امین شیرازی در فن معانی و بیان و استاد هادوی تهرانی در درس" معالم الاصول " بهره جستم. همچنین در بعضی دروس از محضر استاد ادیب، مدرس افغانی استفاده بردم. جلدین " اصول فقه" را نزد آیت الله هادوی تهرانی و " شرح لمعتین" را در محضر مرحوم آیت الله وجدانی فخر آموختم.در این سالها سعی من بر این بود که درسها را بنویسم و به عنوان شرح و توضیح آن کتاب برای چاپ و نشر آماده نمایم.
از سوی دیگر، علاقه به مطالعه و تحقیق در یک موضوع خاص مرا بر آن داشت تا از کتابهای موجود در کتابخانه شخصی ام فهرست موضوعی

مبسوطی تهیه کنم. از آنجا که قرآن، کتاب آسمانی ما مسلمانان، تمام نیازهای امروز و فردای بشر را بیان کرده است و خود کتاب بسیار جامعی در موضوعات مختلف است، تفسیر قرآن را انتخاب کردم و برای سهولت و سرعت کار از " تفسیر نمونه" آغاز کردم. در میان راه به فکر افتادم تا این فهرست را به طور مستقل برای این تفسیر به چاپ برسانم. از این رو با نویسنده آن آیت الله مکارم شیرازی موضوع را در میان گذاردم که با استقبال ایشان روبرو شدم.
این کتاب زیر عنوان" فهرست موضوعی تفسیر نمونه" در سال 1367 به چاپ رسید و تاکنون پانزده بار تجدید چاپ شده است.بهترین دوران زندگی جوانی من همان روزهایی بود که تفسیر قرآن را برای تهیه فهرست موضوعات آن می خواندم. این توفیقی بود که یک دوره کامل تفسیر قرآن را مطالعه نمایم. همین موضوع سبب شد که آیات روحبخش قرآن آرامش خاصی به من می بخشید.کتاب " رسائل" را نزد آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی، کتاب" مکاسب" وجلد اول" کفایه الاصول" را نزد آیت الله حاج شیخ احمد پایانی و جلد دوم" کفایه الاصول" را نزد آیت الله سید رسول موسوی تهرانی خواندم.در نیمه شعبان سال 1369 ش با صبیه استاد معظم آقای حاج شیخ محمد حسن رئوفی ازدواج نمودم و اکنون چهار فرزند دارم.پس از چاپ " فهرست موضوعی تفسیر نمونه" این انگیزه در من بسیار قوی شد که درسهایی را که در آن شرکت می کنم به طور مبسوط نوشته و سپس به عنوان شرح آن کتاب برای چاپ آماده نمایم. از این رو هنگامیکه در درس " مکاسب" شرکت می کردم، همه مطالب بیان شده توسط استاد را از توضیحات خارج درس تا تطبیق عبارات می نوشتم. با پیشنهاد یکی از دوستان نوشته های " مکاسب محرمه" را در اختیار وی قرار دادم تا برای چاپ آماده نماید. وی تنها سه جلد از آن را زیر عنوان " در کلاس درس مکاسب" به چاپ رساند. سپس اطلاع یافتم یکی از هم درسی های سابق قصد دارد شرح خیارات مکاسب را به چاپ برساند. در محضر استاد پایانی با وی قرار گذاشتیم شرح مکاسب محرمه و بیع را به طور مشترک منتشر سازیم به این صورت که نوشته ها از من باشد و او با متن اصلی مطابقت دهد. و آنها را برای چاپ آماده نماید. متاسفانه او پس از آنکه دفاتر را از من گرفت، مطالب را به سرقت برد و با فروش آن به یکی از ناشران کار را به نام خود و زیر عنوان " در محضر شیخ انصاری" چاپ و منتشر نمود و حقوق مرا پرداخت نکرد.از سال 1370 در درس خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و با تجربه ای که در تهیه " فهرست موضوعی تفسیر نمونه" داشتم، به ایشان پیشنهاد کردم"تفسیر نمونه" را خلاصه نمایم. این کار زیر نظر ایشان به دست چهل تن از طلاب رشته تخصصی تفسیر در حال انجام بود

و به من فرمودند شما مسئولیت جمع آوری مطالب را به عهده بگیرید.نوشته ها را تحویل گرفتم ولی بیشتر آنها ناقص بودند و بعضی مجلدات اصلا کار نشده بود و متاسفانه در میان نوشته ها اغلاط املایی فراوانی یافت می شد. از این رو به هیچ عنوان قابل استفاده نبود و من پیشنهاد کردم این کار را از ابتدا خودم انجام دهم. همان روز شروع کردم و سوره حمد و چهل آیه از سوره بقره را خلاصه نمودم.
بدین ترتیب که آیات قرآن سپس ترجمه و بعد شرح مختصری از آیه را می آوردم و از میان تفاسیر، یک تفسیر که نویسنده آن را از میان اقوال مختلف پذیرفته بود درج می کردم.سرانجام پس از سه سال کار شبانه روزی این کتاب زیر عنوان" برگزیده تفسیر نمونه" به جمع کتب قرآنی و تفسیر پیوست و بحمدلله از سوی تمام اقشار جامعه مورد استقبال قرار گرفت. این کتاب شانزدهمین چاپ خود را پشت سر گذاشت. و از آنجا که در بسیاری از کلاسها که تفسیر قرآن جزء مواد درسی آنهاست، به عنوان کتاب و متن درسی انتخاب گردید، ترجمه این کتاب به زبانهای دیگر نیز مورد توجه قرار گرفت.این کتاب توسط آقای فائق ولی اوغلی به زبان ترکی آذری ترجمه و تا کنون دو جلد از آن چاپ و منتشر شده است. ترجمه انگلیسی توسط آقای مهندس منصور امینی و در پنج جلد چاپ و منتشر شده است.
ترجمه عربی توسط اینجانب با بهره گیری از کتاب" الامثل" که ترجمه تفسیر نمونه است تهیه شده و به زودی در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.این رویکرد و استقبال مرا بر آن داشت تا در سال 1380 بار دیگر آن را مورد مداقه و تجدید نظر قرار دادم و روش اعراب گذاری آیات آن را تغییر دادم، همچنین ترجمه آیات را طبق آنچه به عنوان ترجمه قرآن از آیت الله العظمی مکارم منتشر شده اصلاح کردم و نیز در مقدمه تفسیر آیات، ترجمه و شرح واژه ها را افزودم و اصلاحات فراوانی در متن اصلی نمودم.از سال 1377 در درس خارج فقه آیت الله العظمی تبریزی شرکت کردم و تا کنون ده ها کتاب را تصحیح و ویرایش نمودم که همگی به چاپ رسیده است.امیدوارم تا زنده ام خداوند این توفیق را نصیبم گرداند که به مکتب اهل بیت عصمت و طهارت(ع) خدمت نمایم و شفاعت آن بزرگواران شامل حال من گردد.

علی بن محمد باقر

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حضرت اباالحسن علی ابن امام محمد باقر (ع) در سال 113 هجری قمری جهت امر تبلیغ دین مبین اسلام و پاسخگویی به احساسات مذهبی مومنان وارد کاشان شدند و به مدت 3 سال در میان عاشقان و دلباختگان اهل البیت به ارشاد مردم ولایتمدار پرداختند از ویژگیهای بارز این امامزاده لازم التعظیم می توان به فرزند بلافصل بودن و هچنین نایب الامامین یعنی امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) اشاره نمود درخصوص مقام والای آنحضرت روایتهای متعددی نقل شده است که از جمله آن می توان به حدیث حضرت امام صادق (ع) اشاره نمود که می فرماید :هرکس برادرم حضرت علی ابن باقر (ع) را در اردهال زیارت کند مانند کسی است که قبر جدم حسین (ع) را در کربلا زیارت کرده باشد و هچنین حضرت امام رضا (ع) می فرماید نعم الموضع الاردهال فلزم و تمسک به ، چه خوب مکانی است اردهال پس به آن التزام و تمسک پیدا کنید حضرت علی ابن امام محمد باقر (ع) در سال 116 هجری قمری با یاران و اعوانش به جنگ با کفر زمانه می پردازد و پس از رشادتهای فراوان سرانجام در 27 جمادی الثانی در دره ازناوه با یاران باوفایش به شهادت رسید و سر مبارکش را از تن جدا نموده و برای حاکم جور وقت در شهر قزون ارسال نمودند و بدن مطهرش را در مشهد اردهال به خاک سپردند

علی پور، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین علی پور
محل تولد : فردوس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب حسین علی پور فرزند علی اکبر در سال 1331 در شهرستان فردوس متولد شدم و در سال 1349 پس از دوران تحصیلات ابتدایی در محل تولد به قصد زیارت بارگاه رضوی (علیه السلام) به مشهد مقدس شرفیاب شدم و تحصیلات حوزوی را در جوار ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام آغاز نمودم. در سال 1352 برای تکمیل دروس حوزوی به حوزه علمیه قم در جوار کریمه اهل بیت (علیهم السلام) آمده و تا سال تحصیلی 1355 سطح را با تلاش شبانه روزی به اتمام رساندم و از سال 1355 تا سال1380 توفیق حضور در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی را داشته ام.

علی محمدی، کریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کریم علی محمدی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/2/25

زندگینامه علمی
آقای کریم علی محمدی در سال 1340 در خانواده ای با نشاط ، دوستدار خاندان امامت و نبوت در تبریز دیده به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال 1360 وارد حوزه علمیه تبریز شد تا ازمعارف ناب الهی سیراب شود و عطش چندین ساله خود را برطرف سازد غافل از اینکه این عطش او را به دیار قم کشاند پس از ورود به قم ضمن انس با بارگاه ملکوتی کریم اهل بیت حضرت معصومه به جدیت در امر تحصیل حوزوی پرداخت و در سال 1368 به پای درس خارج بزرگان آن زمان نشست و از محضر اساتید معزز حضرات آیات جوادی آملی، مکارم شیرازی و خرازی بهره های علمی ، اخلاقی فراوان برد. در کنار تحصیل از تدریس و پژوهش غافل نماند و آثاری از قبیل شرح خطبه دوم حضرت زهرا سلام الله علیها و پیامبر و عکس العمل مردم در برابر آن را به زیور طبع آراست.

علی نقی پور، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد علی نقی پور
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
این جانب احمد علی نقی پور نجف آبادی فرزند محمد حسین ش ش 465 ت ت 1341 نجف آباد. در سال 1385 وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و پس از گذراندن بعضی کتاب های مقدماتی در سال 1359 به حوزه علمیه قم راه یافتم و دروس سطح را نزد اساتیدی چون حضرت آیت اله ستوده، وجدانی فر، نظری میانجی و... به پایان رساندم و همراه با درس رسمی حوزوی در درس تفسیر آیت اله جوادی آملی شرکت نمودم و در زمینه فلسفه نیز کتاب های بدایة الحکمه ونهایة الحکمه را نزد آیت اله گرامی و فیاضی خوانده و سپس در درس شرح منظومه حضرت آیت اله انصاری شیرازی وارد شدم و تا پایان آن نزد ایشان شرح اسفار را نیز شاگردی کردم.
پس گذارندن دوره سطح به درس خارج حضرات آیات منتظری، وحید، تبریزی و فاضل وارد شدم و از آنان استفاده کردم در کنار درس های حوزه به خاطر عشق و علاقه ای که به نویسندگی و ادبیات فارسی داشتم دوره هایی در حوزه از طرف دفتر تبلیغات و غیره گذاشته می شد شرکت می کردم و تا حدودی اصول و روش نوسیدگی را آموختم و همواره از هنگام شروع درس خارج به تحقیق در مسائل قرآنی و علوم قرآنی پرداختم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ضیاءالدین علیانسب
محل تولد : آذربایجان شرقی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

زندگینامه علمی
آقای سیدضیاءالدین علیانسب در سال 1345 در خانواده ای پاک، با صفا، مخلص و متعهد در سراب دیده به جهان گشود. پس از پایان موفقیت آمیز تحصیلات متوسطه، به خاطر شوق وافر و تشویق خانواده در سال 1362 وارد حوزه علمیه تبریز شد. پس از مدتی تحصیل در آنجا به حوزه علمیه تهران رفت و در نهایت در حوزه علمیه قم سکنی گزید و در سال 1373 به حلقه درس خارج راه یافت. وی در مدت تحصیل در حوزه علمیه از آسمان پرفیض و برکت حوزه علمیه از ستارگانی همچون مرحوم آیت الله معرفت، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله سبحانی استاد احمد عابدی کسب فیض علمی و اخلاقی نمود و پس از مدتی تحصیل در قم به زادگاه خویش برگشت و در آن دیاربه تدریس دانشگاهها پرداخت تا مصداق حدیث زیبای «زکات‌العلم نشرها» گردد.و هیچ وقت از امر پژوهش هم غافل نماند و در این راستا آثاری به چاپ رسانده است که کتابهای «صحابه در قرآن» و «جریان شناسی انجمن حجتیه» از جمله این آثار است.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسین علیزاده
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد

زندگینامه علمی
اینجانب غلامحسین علیزاده فرزند حجّت بعد از اتمام دوره راهنمایی در سال 1355 وارد حوزه بابل مدرسه خاتم الانبیاء مشغول به درس شدم و بعد از اتمام ادبیّات عرب و منطق و معالم و قسمتی از کتاب مختصر المعانی در سال 1358 وارد حوزه علمیّه قم مدرسه المهدی زیر نظر آیه الله العظمی گلپایگانی (قده) به مدت سه سال مشغول به درس بودم بعد از اتمام دو جلد لمعه و اصول فقه در درس رسائل حضرت آیت الله اعتمادی شرکت و در فقه مکاسب حضرت آیت الله بنی فضل و کفایه را از محضر آیت الله فاضل و علوی گرگانی استفاده کردم و درس شرح منظومه از محضر حضرت آیت الله گرامی و فلسفه جلد اول اسفار را از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و شرح اشارات را از حضرت علّامه حسن زاده آملی استفاده کردم . در درس خارج از اساتید معظم حوزه همچون حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی در دوره اصول و در درس خارج فقه در بحث طهاره حضرت آیت الله العظمی تبریزی و همچنین حدود و قصاص و شهادت را از معظم له بهره مند شدم در رجال از محضر حضرت آیت الله زنجانی استفاده کردم.
در بخشی از الفاظ اصول (خارج) از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی بهره مند شدم . در دوره تخصصی تفسیر زیر نظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت کردم و بعد از اتمام و ارائه پایان نامه ، مشغول تحقیق در حوره تفسیر هستم. در ضمن تحصیل و تحقیق همکاری با مؤسسه ولی عصر و مرکز دائره المعارف اسلامی و جامعه الزهراء و دانشگاه آزاد اسلامی برای تحقیق و تدریس داشتم و مقالاتی برای کنگره تمدن دانشگاه علّامه طباطبائی و طرحی برای کنگره اخلاق و

عرفان حضرت امام (ره) ارسال نمودم

عمادالدین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. تکیه‌گاه کیش و آیین) ابوالمظفر شاهپور (شاهپور- شهود) (امام) از علمای شافعی و از نویسندگان (ف. 471 ه.ق.). اوراست: تفسیری به نام «تاج التراجم».
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عمادزاده‌ی اصفهانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1284 ش)،مورخ، مدرس و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. از همان طفولیت با علم و علما آشنا شد و در حوزه‌ی اصفهان به کسب علم و تلمذ از علمای بزگوار آن روز، چون آیات عظام سیدعلی نجف‌آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا علی شیرازی، شیخ محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای و حاج‌میرزا رضا کلباسی پرداخته و به کسب اجازات روایتی از علمای بزرگ آن زمان همچون آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمری، شیخ محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی و نیز شیخ آقا بزرگ تهرانی و شخصیتهای علمی دیگر نایل آمد. عمادزاده به تدریس در محیطهای آموزشی و دانشگاه رغبت فراوان نشان می‌داد او از ابتدای تحصیلات خود علاقه فراوانی به تألیف و تحقیق و نشر فرهنگ و معارف اسلامی و خدمت به اهل‌بیت (ع) داشت و همواره به دنبال هدف خویش بود. ثمر و حاصل تلاش وی بیش از صد و بیست تألیف درباره‌ی موضوعات مختلف است. از آن جمله: ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه، زبور آل محمد»؛ «تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم»؛ «زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام»؛ «تاریخ مفصل اسلام»؛ «معراج»؛ «زندگانی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «فاطمه الزاهراء (ع)»؛ «شرح خطبه‌ی غدیر»؛ «شرح زندگانی هر یک از حجج معصومین (ع)» یا «مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (ع)»؛ «زندگانی حضرت مجتبی (ع)»؛ «زندگانی حضرت خامس آل‌عبا ابی‌عبدالله سیدالشهداء (ع)»؛ «تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزیست»؛ «زندگانی حضرت ابوالفضل، قمر بنی‌هاشم (ع)»؛ «زندگانی حضرت علی‌اکبر و علی‌اصغر »؛ «زندگانی زینب کبری»، ترجمه؛ «تاریخ جغرافیایی مکه»؛ «تاریخ جغرافیایی کربلا»؛ «بستان الادب»؛ «جهان اسلام، اسلام در جهان»؛ «مکتب اسلام»؛ «زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)»؛ «منتقم حقیقی، مهدی قائم صاحب العصر و الزمان (عج)»؛ مقالات متعدد در روزنامه‌ها و مجلات.[1]
مؤلف، محقق.
تولد: 1284 (8 ذی الحجه 1325 ق.)؛ اصفهان.
درگذشت: 12 فروردین 1369، تهران.
حسین عمادزاده‌ی اصفهانی، فرزند حجت‌الاسلام احمد عمادالواعظین، در حوزه‌ی اصفهان از علمای آن روز چون آیات عظام سید علی نجف‌آبادی،

محمود مفید، علی واعظ شیرازی، محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای، محمدرضا کلباسی کسب فیض کرد. وی دارای اجازه‌ی روایتی از علمای آن زمان همچون آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی بود.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی دارای آثار بسیاری است که برخی از آنها به شرح زیر است: بستان الاداب (برای سال پنجم و ششم متوسط، 1309)؛ جهان اسلام و اسلام در جهان، ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم (1334)؛ تاریخ مفصل اسلام (جلد اول، 1337)؛ شرح خطبه‌ی غدیر؛ زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام (1328)؛ تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزی است (زندگانی حضرت سیدالشهداء، 1321)؛ زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع)؛ قمر بنی‌هاشم (1321)؛ زندگانی حضرت علی‌اکبر و علی‌اصغر (1356 ق.)؛ زندگانی زینب کبری (شیخ جعفر نقدی، ترجمه، 1323)؛ زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی‌عبدالله- سیدالشهداء (1374 ق.)؛ زندگی حضرت سجاد (1338)؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب (1331)؛ زندگانی حضرت مجتبی (1337)؛ زندگانی حضرت علی بن موسی‌الرضا (1335)؛ رجال اسلام (شامل شرح حال قریب بیست هزار نفر از رجال علمی و ادبی اسلام)؛ تاریخ جغرافیایی کربلا (1326)؛ راهنمای حاج، تاریخ جغرافیایی مکه (1327)؛ صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه زبور آل محمد (1334)؛ فاطمةالزهراء (1336)؛ مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (دو جلد، 1331 -1330) دوره‌های مجله‌ی «خرد».

وی علاوه بر تحقیق و تألیف و نیز تدریس در دانشگاه مقالاتی نیز برای روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌نوشت.

وی در سال 1315 در تهران ساکن شد و در پنجم ماه رمضان (دوازدهم فروردین سال 1369) درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (252)، کیهان فرهنگی (س 7، ش 3، ص 50)، مؤلفین کتب چاپی (831 -829 / 2).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید کمال الدین عمادی چاچکامی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
سال 1340 در روستای چایکام از توابع شهرستان ساری متولد شدم دوران ابتدایی در روستای خود و روستاهای همجوار طی کردم، برای ادامه تحصیل به ساری هجرت کردم بعد از اخذ دیپلم در سال 1361 وارد دانشکده تربیت معلم در رشته زبان شدم. بعد از مدت 5 ماه به دلیل علاقه شدید از آن انصراف داده به حوزه علمیه امامیه ساری نزد آیت الله صدوقی مشغول به تحصیل شدم. سال دوم تحصیلی 1362 به قم هجرت نمودم تا سال 1370 مقدمات و سطح را به پایان رساندم از سال 1370 به درس خارج راه یافتم در این مقطع از افاضات آیات عظام صالحی مازندرانی و جوادی آملی و دیگر اساتید بهره بردم به مدت ده سال از خرمن پرفیض اساتید خارج استفاده کردم در این مدت تحقیقات مهم فقهی زیر نظر استادم انجام دادم که مورد عنایت استادم قرار گرفت.در رشته فلسفه ابتدا بدایة الحکمة را نزد آیت الله ممدوحی کرمانشاهی خواندم. سپس منظومه منطق و حکمت را نزد آیت الله طاهری مازندرانی خوانده و در پایان در درس اسفار حکیم عالی‌قدر جوادی آملی شرکت نمودم که بیش از 2 سال موفق به ادامه آن نشدم.
درس عرفان را با اشاره حکیم متاله عارف بزرگ حسن‌زاده آملی آغاز نمودم با آنکه مقدمات را نخوانده بودم به تشخیص استاد در درس مصباح الانس ایشان شرکت نمودم که به مدت دو سال فیض برده‌ام. سپس به دلیل بیماری استاد به امر ایشان نوار درس فصوص را پیگیری نمودم.از ابتدای ورود به حوزه مقدس قم علاقه به تحقیق و نوشن داشتم. لذا در موضوعات گوناگون تحقیقاتی انجام داده‌ام که برخی از آنها چاپ و برخی به صورت مقاله در همایش‌های علمی ارائه گردیده است که لیست

تفصیلی آن در ص 8 ارائه گردیده است.به دلیل شرکت فعال در درس خارج حضرت استاد آیت الله صالحی مازندرانی و تالیف مقالات علمی متعدد زیر نظر آن استاد به دریافت گواهی اجتهاد در سال 1374 نائل شده‌ام.اکنون بیشتر اوقات سرگرم تحقیقات قرآنی و فقهی و کلامی هستم در ضمن تحصیل به تدریس دانشگاهی و همچنین علوم حوزوی پرداختم. کتاب بدایه الحکمه برای جمعی از طلاب دو دوره تدریس نمودم و همچنین کتاب اصول الفقه و مکاسب محرمه شیخ انصاری برای برخی از طلاب تدریس کرده‌ام.

عمرانی خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 560 ق)، مفسر، عالم، ادیب، لغوی و شاعر معتزلی. ملقب به حجه‌الافاضل و فخرالمشایخ و، به آورده‌ی «هدیه العارفین»، معروف به ابن‌عراق و از خاندان بزرگی در سرخس بود. ادب را نزد محمود بن عمر زمخشری فراگرفت و از نزدیکترین شاگردان و اصحاب وی شد. عمرانی از عمر ترجمانی و حسن بن سلیمان خجندی و قاضی عبدالواحد باقرحی حدیث آموخت. او اشتیاق کامل به کسب علم داشت. در اواخر عمر آنچنان سرآمد شد که علمای بزرگ به محضرش می‌آمدند و دانش خود را بر او قرائت می‌کردند و حل مشکلات خویش را از او می‌خواستند. از وی اشعار زیبایی به جای مانده است. از آثارش: «تفسیر القرآن» یا «شماریخ الدرر فی التفسیر الآی و السور»؛ «الاشقاق اسماء»؛ «المواضع و البلدان»، که به نوشته‌ی «کشف الظنون» این دو کتاب یکی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (150 / 5)، روضات الجنات (243 -242 / 5)، ریحانه (206 -205 / 4)، کشف الظنون (446، 102)، لغت‌نامه (ذیل/ علی و ابوالحسن)، معجم الادباء (65 -61 / 15)، معجم المؤلفین (215 / 7)، الوافی بالوفیات (95 -94 / 22)، هدیه العارفین (698 / 1).

عنبری نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 344 ق)، محدث، مفسر، فقیه، لغوی و ادیب. اهل نیشابور بود از ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بوشنجی و محمد بن عمرو قشمرد و حسین بن محمد قبانی و ابراهیم بن ابی‌طالب و ابن‌خزیمه و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن عبدش/ عبدوس مفسر و ابوعلی حسین بن علی حافظ و ابوحسین حجاجی و حاکم و ابن‌منده و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابوعلی حافظ قدرت حافظه وی و وسعت آن را ستوده و حاکم گوید که ابوزکریا متجاوز از ده سال گوشه‌گیری کرد، او می‌گفت: عالم برگزیننده باید که به بهترین حالت خویش بازگشت نماید، پاکیزه و حلال بخورد. علم را وسیله‌ای برای مال‌اندوزی قرار ندهد و علم برایش زیبایی آورد. مال خود را فضل‌الهی محسوب کند و سپاسگزار خداوندگار خویش باشد. در «معجم الادباء» سال وفات وی 444 ق ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (534 -533 / 15)، شذرات الذهب (369 / 2)، العبر (69 / 2)، معجم الادباء (34 / 20)، النجوم الزاهره (358 / 3).

عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 630 ق)، شاعر و تذکره‌نویس. از اعقاب عبدالرحمان بن عوف از صحابه‌ی رسول بود. ولادتش در بخارا بود و تحصیلات وی در همان شهر صورت گرفت و آن‌گاه به سفر پرداخت و بسیاری از بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان را دید. در بخارا خدمت امام برهان‌الاسلام تاج‌الدین عمر بن مسعود از ائمه آل‌برهان و امام رکن‌الدین مسعود بن محمد امام‌زاده تحصیل کرد. وی مدتی در قندهار در دربار قلج طمغاج‌خان ابراهیم راه داشت و به خدمت پسرش قلج ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود و مدتی سمت صاحب دیوانی و انشاء آن شاهزاده را داشت. تا اواخر قدرت سلطان محمد خوارزمشاه وی در خراسان و ماوراءالنهر بسر می‌برد و به جمع‌آوری اطلاعات ذی‌قیمت خود که در کتابهای خویش ثبت کرده است، مشغول بود و در اوان حمله‌ی مغول به بلاد سند رفت و خدمت ناصرالدین قباجه از ممالیک غوریه را اختیار کرد. بعد از شکست ناصرالدین قباجه به خدمت شمس‌الدین التتمش درآمد و به هندوستان رفت و بعد از این تاریخ از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. از آثار مشهور او: «لباب الالباب»، قدیم‌ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانی؛ «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، شامل مطالب تاریخی مهم، که در 630 ق به پایان رسیده است.[1]
(منسوب به عوف) سدیدالدین محمد بن محمد بخاری، نویسنده و دانشمند معروف ایرانی در اواخر قر. 6 و اوایل قر. 7 (بین 572 ه.ق./ 1176 م.- 635 ه.ق/ 3 -1232 م.). وی از اعقاب عبدالرحمن بن عوص صحابی معروف است. جد عوفی امام ابوطاهر یحیی بن طاهر ابن عثمان از علمای حدیث و معرف انساب عرب بود و خال او شرف‌الزمان مجدالدین محمد بن ضیاءالدین عدنان سرخکتی دانشمند و مؤلف تاریخ ملوک ترکستان (خاقانیان) است. عوفی در نیمه دوم قر. 6 در بخارا به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در همان شهر به انجام رسانید. پس از آن مدتها در بلاد ماوراءالنهر و سیستان و خراسان به سیر و سیاحت و دیدار فضلا پرداخت و تا سقوط خوارزمشاهیان در خراسان به سر می‌برد و گاه به وعظ و تذکیر اشتغال می‌ورزید. مدتی هم صاحب دیوان قلج ارسلان خاقان نصرةالدین عثمان بن ابراهیم بود. مقارن حمله مغول عوفی به سند گریخت و به خدمت ملک ناصرالدین قباجه از ممالیک غوری درآمد، و کتاب لباب‌الالباب

(ه.م.) را به نام عین‌الملک وزیر این پادشاه تألیف کرد و سپس تألیف جوامع‌الحکایات (ه.م.) را به نام ناصرالدین قباجه آغاز نمود. ناصرالدین در سال 625 ه.ق. از شمس‌الدین التتمش شکست خورد و خود را به رود سند انداخت و غرق شد. جمیع خدم و حشم وی به التتمش پیوستند، از آن جمله عوفی بود که به خدمت وزیر التتمش ابوسعد جنیدی مخصوص گردید و جوامع الحکایات را که نخست می‌خوست به نام ناصرالدین قباجه تألیف کند- به نام این وزیر به رشته تحریر درآورد. عوفی «فرج بعد از شدت» (ه.م.) تألیف تنوخی را هم از عربی به فارسی ترجمه کرده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (1030 -1026 / 2)، تاریخ تذکره‌های فارسی (80 -77 / 2)،تاریخ نظم و نثر (98 -97)، دایره‌المعارف فارسی (1785 / 2)، الذریعه (1001 ،775 / 9 ،50 / 5 ،45 / 4)، ریحانه (219 / 4)، سبک‌شناسی (38 -36 / 3)، فرهنگ سخنوران (660)، لباب الالباب (ترجمه مصنف/ یب- که)، لغت‌نامه (ذیل/ عوفی)، مجله‌ی دانشکده‌ی مشهد (س 3، ص 93 -89)، مجمع الفصحا (1168 / 3)، مؤلفین کتب چاپی (777 -776 / 5).

عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 320 ق)، مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی. وی اهل سمرقند از فقهای بزرگ فرقه‌ی اثنی‌عشری در زمان کلینی می‌باشد که در ابتدا مذهب عامه داشت و احادیث آنا را استماع می‌کرد ولی بعد به مذهب شیعه گروید. او از شاگردان شیخ کلینی بود. او از علی بن حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن محمد خالد طیالسی و جماعتی از شیوخ کوفه و بغداد حدیث شنید. شیخ کشی صاحب «رجال» از شاگردان عیاشی است. از دیگر شاگردان عیاشی پسرش جعفر بن محمد است که خود از مشایخ ابومفضل شیبانی است. شاگرد دیگر او حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی است که راوی جمیع مصنفات عیاشی است. گفته‌اند که وی محدثی مورد اعتماد و یگانه‌ی زمان خویش بود و از نظر علمی و ادبی و اندیشه و ذکاوت در مشرق نظیر نداشت. او مجلسی برای خواص و مجلسی برای عامه مردم برپا می‌کرد. خانه‌اش همانند مسجد،مملو از افرادی چون قاری و کاتب و نیز محدثین و علما بود که در آن عده‌ای به تألیف و مقابله و گروهی به استنساخ و گروهی نیز به تعلیقه و حاشیه‌نویسی مشغول بودند. در طب و نجوم و رویا تبحر داشت و در زمینه‌ی ابواب فقهی و متجاوز از دویست کتاب تألیف کرد که در نواحی خراسان به اشتهار کامل رسید. در فهرست ابن‌الندیم صد و پنجاه و هفت جلد از آثار او ذکر شده است. از آثار وی: «تفسیر علی بن ابراهیم» است؛ «التوحید الصفه»؛ «الصلاه»؛ «الزکوه»؛ «الصوم»؛ «المناسک»؛ «العالم و المتعلم»؛ «الطب»؛ «التجاره و الکسب»؛ «الضقاء و آداب الحکم»؛ «الملاهی»؛ «الجزیه و الخراج»؛ «الطاعه»؛ «حقوق الاخوان»؛ «محاسن الاخلاق»؛ «دلائل الائمه»؛ «الملاحم»؛ «القول بین القولین»؛ «فضائل القرآن»؛ «الانبیاء الائمه»؛ «النجوم»؛ «الرؤیا»؛ «معاریض الشعر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (316 / 7)، اعیان الشیعه (56 / 10)، الذریعه (77 / 60، 133، 139، 207، 17 / 140، 209، 20 / 125، 21 / 195، 24 / 3 / 348، 4 / 5،295 / 105، 7 / 42، 8 / 239، 11 / 307، 12 / 44، 15 356، / 2)، رجال الطوسی (497)، رجال النجاشی (250 -247 / 2)، روضات الجنات (123 -121 / 6)، ریحانه (221 -220 / 4)، سفینه البحار (301 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 306 -305 / 4)، فوائد الرضویه

(642)، الفهرست ابن‌نديم، ترجمه (263 -361)، الفهرست للطوسى (371 ،320 -317 ،309 ،120)، الكنى و الالقاب (491 -490 / 2)، لغت‌نامه (ذيل/ ابوالنضر)، معجم المؤلفين (20 / 12)، هديه الاحباب (205 -204)، هديه العارفين (33 -32 / 2).

عیسی زاده، ولی الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ولی الله عیسی زاده
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1352 ه . ش وارد دبستان دولتی روستای رزکه از توابع بخش مرکزی شهرستان آمل شدم، و تا پایان دوره ابتدایی که مدرسان و معلمان سپاه دانش مربی ما بودند در همان مدرسه اشتغال به تحصیل داشته و از امتیازات بالایی برخوردار بودم.دوره راهنمایی را همزمان با مبارزات انقلابی مردم آمل در این شهر آغاز کردم و سال سوم راهنمایی را در مدرسه معتمدی (شهید سقاعلیزاده) با موفقیت به پایان رساندم.
دوره متوسطه را در دبیرستان امام خمینی(ره) آمل شروع کردم که با درگیری منافقان در این شهر همزمان بود، سپس در سال 1364 با اخذ مدرک دیپلم در رشته اقتصاد راهی جبهه شدم و در سال 1365 وارد حوزه علمیه مسجد هاشمی آمل شدم.آن‌گاه در سال 1366 وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و همزمان با تحصیل در حوزه وارد موسسه امام خمینی(ره) شده و دوره عمومی آن را در سال 1378 به پایان رسانده و مدت 2 سال برای خدمت به طلاب و آشنایانی با اهل سنت به حوزه علمیه منتظریه گنبد کاووسی مهاجرت کردم و در این مدت ضمن مدیریت و تدریس در فعالیت‌های فرهنگی و علمی منطقه فعال بودم و در دانشگاه آزاد شهرستان آزاد شهر تدریس می‌کردم.سپس در سال 1381 به قم مهاجرت کردم و در موسسه اسراء که تحت اشراف حضرت آیت الله جوادی آملی است به تحقیق مشغول شدم و در ضمن فعالیت‌های علمی در موسسه به تالیف کتاب و مقاله و تدوین پایان‌نامه مشغول شدم که همچنان به فضل الهی ادامه دارد.در ضمن در تمامی این مدت (از زمانی که ملبس به لباس مقدس روحانیت شدم 1370) تا به حال در سه مقطع تبلیغی رمضان، محرم و صفر به این امر مهم مشغول هستم. از سال 1375 نیز در خدمت‌گذاری خدمت زائران محترم حرمین شریفین و عتبات

عالیات فعال هستم.

غروی علیاری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 12 رمضان 1319 ق.
درگذشت: 1 اردیبهشت 1367، تبریز.
آیت‌الله العظمی علی غروی علیاری تبریزی، فرزند آیت‌الله میرزا محسن از شاگردان آخوند خراسانی و صاحب رساله‌های متعدد اصولی و فقهی بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فراگیری خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد جدش آیت‌الله شیخ محمدحسن به فراگیری مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول و عقاید و کلام پرداخت. پس از تکمیل سطوح عالیه، در بیست و دو سالگی عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شد و در مدرسه بخارایی سکونت ورزید و سالیان بسیار در محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نایینی، شیخ اسدالله زنجانی، آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، سید محمد حجت، سید ابوتراب خوانساری، حاج میرزا علی ایروانی، شیخ ابوالحسن مشکینی، میرزا احمد آشتیانی و جمال السالکین آقا سید علی قاضی به تحصیل فنون، اخلاق، فقه، اصول، کلام، رجال، عرفان، حکمت و فلسفه تا سال 1350 ق. پرداخت. وی در جوانی به دریافت اجازات متعدد روایی و اجتهادی از اساتید معظمش نایل آمد. ایشان در سال 1350 ق. به درخواست جدش آیت‌الله شیخ محمد حسن علیاری به تبریز بازگشت و به تحقیق، تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و پرورش شاگردان اشتغال ورزید.
از آیت‌الله العظمی غرویی علیاری تبریزی نوشتارهای فراوانی به جای مانده است که عبارتند از: چهارده جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی در منجزات مریض (چاپ شده)، رهن، وصیت، وقف، رضاع، نکاح، صلح، خیارات، اجاره، قضاء، شروط، مسقطات خیار، غضب، زکات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی میرزای نایینی در صلات، بیع، خیارات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در طهارت و صلات؛ دو جلد تقریرات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای در صلات و بیع؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله میرزا علی ایروانی؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله شیخ اسدالله زنجانی در خلل صلاة و منجزات مریض؛ توضیح المسائل؛ شرتح

عروة الوثقی (از طهارت تا وصیت) در پنج جلد؛ شرح استدلالی ملحقات عروةالوثقی؛ ده جلد رساله‌های فقهی در صلح، عدم شرطیت رجوع در مسافر؛ محاذاةالرجل و المرأة فی الصلاة، جواز نقل المیت بعد الدفن، ربا، نماز جمعه، منجسیة المتنجس، لباس مشکوک، حرمان زوجه از عقار، الفروع السنیة، فروع تقلید؛ شرح وسیلة النجاة (سه جلد)؛ کتاب الطهارة؛ کتاب الصوم؛ کتاب الحج؛ مناسک حج (دو جلد)؛ شرح تبصرد المتعلمین؛ شرح مبسوط مکاسب؛ علل الشرایع و الاحکام؛ شرح فوائد الاصول؛ شرح کفایة الاصول؛ رساله در ترتب رساله در وضع؛ رساله در ملازمه حکم عقل و شرع؛ قاعده من ملک (و قواعد دیگر)؛ هفت جلد کتاب تقریرات درس اصول آیات عظام: میرزای نائینی (مباحث الفاظ)، آقا ضیاءالدین عراقی (دوره کامل و قاعده لاضرر)، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای (مباحث عقیله و تعادل و تراجیح)؛ شیخ اسدالله زنجانی میرزا علی ایروانی (اجتماع امر و نهی)؛ اصول عقاید؛ رسالة فی الرجعة؛ تفسیر قرآن (دوازده جلد)؛ مفردات قرآن؛ شرح دعای صباح؛ شرح دعای کمیل؛ شرح دعای سمات؛ شرح دعای افتتاح؛ شرح دعای ابوحمزه ثمالی؛ شرح دعای زیارت جامعه کبیره؛ حل مشکلات الاخبار؛ شرح اربعین حدیث؛ شرح احادیث پیامبر اکرم (ص)؛ شرح احادیث امیرالمومنین در نهج‌البلاغه؛ منهاج الرشاد؛ المواعظ؛ النهجة فی احوال الحجة (ع)؛ الکواکب الحسینیة؛ تقریرات درس آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری؛ حاشیه بر رجال وحید بهبهانی.
آیت‌الله العظمی غروی علیاری تبریزی در تاریخ دوشنبه اول اردیبهشت 1367(13 ذیحجة 1417 ق.) در نود و هشت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در تبریز، به قم انتقال داده شد و پس از تشییع مجدد و نماز حضرت آیت‌الله بهجت بر آن، در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) (بقعه آیت‌الله داماد) به خاک سپرده شد.
علی بن العلامه الحجه المیرزا محسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبیر آیه الله العظمی الحاج ملا علی علیاری صاحب کتاب مستطاب (بهجه المقال فی تنقیح الرجال) الغروی العلی یاری از علماء اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز است. وی در صبح جمعه 12 ماه مبارک رمضان سال 1319 قمری هجری در تبریز متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم در خدمت جد امجدش مرحوم آیه الله میرزا محمد حسن سطوح را خوانده و بعد از تکمیل آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام چون زعیم الشیعه آیه الله العظمی اصفهانی و مرحوم آیه الله نائینی و آیه الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا سید ابوتراب خونساری و آیه الله میرزا

ابوالحسن مشگینی و آیه الله حاج میرزا علی آقا ایروانی و آیه الله اصطهباناتی استفاده کامل نموده و دروس عقلی را از محضر آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و از آنان به دریافت اجازات اجتهادی و روایتی نائل شده آنگاه به تبریز مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.
دارای تألیفات ارزنده عدیده‌ای می‌باشند که بشرح آنها می‌پردازم:
1- دوره اصول و نصف تقریر بحث آیه الله محقق عراقی
2- دوره اصول آیه الله میرزا حسین نائینی
3- اغلب ابواب فقه از تقریرات آیه الله عراقی
4- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی اصفهانی
5- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی حجت کوه کمری
6- تقریرات ابحاث آیه الله ایروانی (قده)
7- تقریرات ابحاث آیه الله مشگینی (قده)
8- شرح دعاء سمات 9- شرح دعاء صباح 10- شرح اربعین حدیث 11- اصول دین مبسوط فارسی 12- رسائل متفرقه در اصول و فقه 13- رساله در ملازمت 14- رساله در جریان استصحاب در اعدام ازلیه 15- رساله در غیبه 16- رساله در خلل، تقریر بحث آیه الله محقق زنجانی 17- رساله در بعض فروع عروه الوثقی 18- رساله در مواکب الحسینیه 19- رساله در رضاع 20- رساله در منجزات مریض 21- رساله در قاعده من ملک و در قواعد دیگر 22- رساله در قاعده لا ضرر 23- رساله در نجاسه متنجس 24- رساله‌ای در لباس مشکوک و چندین رسائل دیگر.
از باقیات الصالحات دیگر معظم له فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام آقا شیخ محمد جواد غروی علی یاری است که اکنون از علماء و دانشمندان مقیم تهران است. وی در نجف متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح و استفاده از محاضر آیات عظام خوئی و حکیم و دیگران به مشهد رضوی مسافرت و چندین سال اقامت و از محضر آیه الله العظمی میلانی مدظله استفاده نموده آنگاه به قم منتقل و چند سالی از ابحاث و محاضر آیات عظام نجفی مرعشی و شریعتمداری و گلپایگانی استفاده نموده و دو سالی بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و در مسجد امام زاده زید بازار و مسجد دیگر به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند. آن جناب ترجمه مفصلی از اسره و خاندان علیاری مرقوم داشته‌اند ولی چون در کتب رجالی دیگر مانند علماء معاصر و غیره مذکور بود از ذکر آن خودداری نمودم.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد غروی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1
زندگینامه علمی
سید محمد غروی در سال 1329 در تهران در خانواده‌ای از سلسلة جلیله سادات و اهل علم به دنیا آمد، اجداد او همه از اهل علم و فضل بوده‌اند، و پدر او آیت الله سید محمد رضا غروی از علمای تهران و وکیل مورد اعتماد حضرت امام(ره) و دیگر مراجع بزرگ تقلید بود و هم اکنون در تهران امام جماعت می‌باشد و به تدریس و رتق و فتق امور مردم می‌پردازند. غروی تحصیلات حوزوی خود را در تهران در مدرسة حاج ملا محمد جعفر که به مدرسة آقای مجتهدی معروف است در سال 1341 آغاز کرد او پس از طی دروس مقدمات، دروس سطح را آغاز کرد و تا اواخر رسائل و مکاسب را در تهران خواند و سپس در سال 1348 به قم عزیمت نمود در قم نیز دروس سطح عالی را پشت سر گذاشت، و به درس خارج استادان برجستة حوزة علمیه قم راه یافت، او سالها در درس خارج استادان بزرگ بطور فعّال شرکت می‌جست و هم اکنون خود از اساتید و محققان برجستة حوزه بشمار می‌رود. غروی در دوران تحصیل خود به محضر عالمان و فرهیختگان بسیاری راه یافت، او در تهران دروس مقدماتی از قبیل صرف و نحو و منطق و معانی بیان و بدیع را از اساتیدی چون حضرات حجج اسلام و المسلمین و آیات: حاج شیخ محمدرضا ناصری (امام جمعه فعلی شهرکرد)، حاج شیخ محسن حبیبی، و حاج آقا موسوی تهرانی و حاج آقای طبرستانی، و اخوان حاج سید حسن مصطفوی وحاج سید حسین مصطفوی آموخت، و معالم و شرح لمعه را خدمت حضرات آیات: حاج میرزا علی سعیدیان و حاج شیخ ابوالقاسم تنکابنی و حاج سید هاشم حسینی تهرانی، و دروس رسائل و مکاسب را عمدتا خدمت حضرات آیات: حاج شیخ حسین کنی و حاج آقا مرتضی تهرانی، و حاج آقا تقی قمی، فرا گرفت، با ورود به حوزة علمیه قم در سال 48 باقیمانده رسائل را نزد مرحوم آیت الله حرم پناهی(ره)، و خیارات مکاسب را نزد آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

آموخت، و پس از آن در درس کفایه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله سلطانی و آیت الله سبحانی شرکت کرد.
با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی(ره)، حاج شیخ مرتضی تهرانی، حاج شیخ کاظم تبریزی، حاج شیخ محمد شاه آبادی و حاج سید محمد روحانی، و حاج شیخ حسین وحید خراسانی، و حاج شیخ جواد تبریزی رفت و سالها (حدود سی سال) از محضر آنان بهره‌مند گردید.او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه را نزد حضرات آیات: انصاری شیرازی و محمدی گیلانی، شرح اشارات را نزد آیت الله حسن زاده آملی و نهایة الحکمه و فلسفتنا و نقد فلسفة غرب را نزد آیت الله مصباح و شرح تجرید را نزد آیت‌الله حاج سید حسین قاضی طباطبایی و اسفار را نزد حضرات آیات: جوادی آملی و شاه آبادی آموخت. ضمناً دو دوره عرفان (تمهید و شرح الفصوص) و تفسیر را از آیت الله جوادی آملی آموخت،و چند سالی نیز از تفسیر موضوعی و درس اخلاق آیت الله مصباح استفاده نمود. ایشان در خلال چند سالی که در تهران بود (1348 ـ 1341) ضمن استفاده از اساتید مختلف مقدمات و سطوح، به تدریس صرف و نحو و منطق در سطوح مختلف مشغول بود و پس از هجرت به قم در کنار استفاده از دروس اساتید برجسته همواره به تدریس سطح و سطح عالی اصول ، فقه، فلسفه و تفسیر اشتغال داشته است و هم اکنون نیز دارای تدریس خارج فقه می‌باشد، ضمن آنکه چندین سال در مؤسسه امام خمینی(ره) و مرکز تخصصی کلام و تفسیر تدریس می‌نمود، و هم اکنون در مؤسسه امام خمینی(ره) دارای تدریس است.
ایشان در سال 54 ضمن ادامه درس و تدریس در حوزه در اوّلین دوره آموزشی مؤسسه در راه حق شرکت جست و برخی از دروس تفسیر و فلسفة و دیگر دروسی که در حوزه ارائه نمی‌شد، در آنجا گذراند، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در سالهای 58 و 59 و 60 مدتهای زیادی را در شمال و خرمشهر و آبادان و بوشهر به تبلیغ و تدریس معارف در مراکز علمی و نظامی سپری کرد و در خرمشهر و آبادان و بوشهر به عنوان نمایندگی ولی فقیه فعالیّت می‌نمود و پس از آن نیز دو بار دیگر به مناطق جنگی غرب کشور و جنوب کشور برای تبلیغ عزیمت نمود و از آن زمان تا کنون در قم بطور متمرکز مشغول تحقیق و تدریس می‌باشد. در سال 1361 که به امر حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر لزوم بازنگری در علوم انسانی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد (که امروزه با ارتقائی که یافته تبدیل به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گردیده است) و در کنار همه کارهای علمی حوزوی با گروه روانشناسی آن مرکز همکاری داشته و دارد که حاصل آن جزواتی است که در آن زمینه تهیه شده و همچنین تدوین دو جلد کتاب مکتبهای روانشناسی و نقد آن که تمامی

نقدهای آن که بیشترین قسمت کتاب را تشکیل می‌دهد از ایشان است و ارائه مشاوره و نظارت جدی علمی بر حدود ده (10) اثر ارزشمند در زمینة روانشناسی، جامعه‌شناسی، تفسیر و... از قبیل دو جلد روانشناسی سلامت انسان از دیدگاه اسلام، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی رشد (دو جلد) مکاتب تفسیری و کتاب نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، روانشناسی تبلیغ تبلیغ، روانشناسی باورهای دینی، خانواده از دیدگاه اسلام با رویکردی روانشناختی و... همچنین نامبرده در مجموعه محققان مؤسسه اسراء در گروه تفسیر جایگاه خاصی دارد و عضو عالی آن مجموعه تلقی می‌شود و تا کنون بازنگری محتوایی حدود بیست (20) جلد اثر تفسیری حضرت آیت الله جوادی (اعم از تفسیر تربیتی تسنیم و دو جلد توحید در قرآن و یک جلد وحی و نبوت و یک جلد تفسیر انسان به انسان) را عهده دار بوده است و نظرات ایشان مورد توجه حضرات استاد قرار گرفته و هم اکنون نیز ادامه دارد. لازم به ذکر است ایشان پس از بازگشایی دانشگاهها از سال 60 تا 79 یک روز در هفته وقت خود را به تدریس در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و... اختصاص داد و در آن مراکز علمی دروس تخصصی اسلامی از قبیل فقه، اصول، فلسفه، کلام و دیگر معارف اسلامی و انسانی را ارائه می‌نمود. در خلال سالهای اخیر اضافه به تدریس و تحقیق و تألیف و نظارت و مشاوره دادن به کارهای علمی، استاد راهنما یا مشاور و یا داور دهها رساله کارشناسی ارشد و سطح 3 و 4 بود، ضمن آنکه مقالاتی در مجله نور علم، حوزه و دانشگاه و معرفت و یا مصاحبه‌های علمی در مجلات حوزوی ارائه نموده است، و اکنون نیز در خلال کارهای علمی و تدریس مدیریت گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی(ره) را بعهده دارد. از مسؤولیتهای ایشان عضویت در دو دوره شورای عالی سیاستگزاری حوزه علمیه و عضویت در جامعه مدرسین، عضویت در شورای مدارک علمی حوزه علمیه، و عضو هیأت علمی در گروه تفسیر پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ می‌باشد.

غزنوی، ناصرالدین تاج الشریعه، ابوعلی عالی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 582 / 581 ق)، فقیه و مفسر حنفی. وی در حلب ساکن بود. از آثارش: «تقشیر التفسیر»، در دو جلد؛ «مشارع الشارع» یا «مشارع الشرائع»، در فروع فقه حنفی،این کتاب به عمر نسفی نیز منسوب است که در صورت صحت، شرحش به غزنوی مربوط است؛ «المنابع» در شرح «الشمارع»؛ شرح «مقدمه فی النحو» ابن‌بابشاد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (15 / 4)، کشف الظنون (1804، 1687، 466)، معجم المؤلفین (53 -52 / 5)،هدیه العارفین (435 / 1).

غفاری ساروی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین غفاری ساروی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسین ساروی فرزند حسین در سال 1333 در ساری متولد شدم. درسال 1348به دلیل علاقه فراوانی که دروس حوزوی داشتم وارد حوزه علمیه شدم و در آنجا به تحصیل و تحقیق پرداختم ولی کار تحقیقات را به طور جد از سال 1366 آغاز و تاکنون ادامه دارد. هم اکنون ننیز در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول می باشم و در رشته تفسیر قرآن همچنان مشغول فعالیت هستم.

غفوری، حبیب الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب الله غفوری بارجینی
محل تولد : میبد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حبیب الله غفوری بارجینی فرزند محمد علی به شماره شناسنامه 487 و متولد سال 1341 دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای بارجین و فیروز آباد میبد به انجام رساندم و از مهرماه 1356 ش در مدرسه قدیری قم که شعبه شماره 2 مدرسه کرمانیها محسوب می شد شروع به تحصیل علوم دینی نمودم در حالیکه نوجوانی بیش نبودم دروس حوزه را به همراه جریانات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس گذراندم که شرح آن مفصل است تا سال 71 به درس و بحث در حوزه علمیه قم مشغول بودم که در ضمن آن آموزش نظامی ، زبانهای عربی و انگلیسی و دوره دبیرستان را نیز به انجام رساندم. از سال 71 تاکنون توفیق داشته ام مراکز متعدد و مهم علمی را تاسیس و اداره نمواه ام که بحمدالله ثمره آن دهها طلبه فاضل و توانمند است.
در این مدت کتب حوزوی را تا سائل و مکاسب تدریس نموده ام و دروس اعتقادات و اخلاق دانشگاه را نیز بارها تدریس کرده ام و زبان انگلیسی دبیرستان را نیز در این دوره تدریس نموده ام. با توجه به اصرار رهبر معظم انقلاب مبنی بر ضرورت تحول در نظام آموزشی حوزه های علمیه کشور نمظام آموزشی خاص حوزه ها بر اساس دیدگاهها و نظرات مقام معظم رهبری را با همکاری جمعی از دوستان فاضل و دلسوز طراحی و در مدرسه علمیه علوی قم اجرا نمودیم که بحمدالله ثمره آن تربیت دهها نفر طلبه فاضل و پژوهشگر شده است که امید آینده حوزه علمیه قم می باشند.علیرغم عنایت الهی در داشتن قلمی روان که اساتید معظم همواره مشوق اینجانب بوده اند به علت اشتغال زیاد در امور مدیریتی و اجرایی متاسفانه تاکنون نتوانسته ام از آن بهره مطلوبی ببرم و حاصل کارهای پژوهشی متفرقه اینجانب تعدادی مقاله ، جزوه و 2 کتاب در دست تالیف است که به صورت نیمه کاره مانده است.

غلام جمشیدی، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق غلام جمشیدی
محل تولد : دماوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب محمد صادق غلام جمشیدی در سال 1340 درخانواده ای متدین، دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دیده به جهان گشودم. تحصیلات ابتدائی، راهنمائی و متوسطه را در زادگاهم شهرستان دماوند با موفقیت سپری کردم. پس از آن به خاطر عشق فراوان به ذی طلبگی، تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه تهران و مدرسه آیت الله مجتهدی شدم. در محضر اساتید تهران، مخصوصاً آیت الله مجتهدی بهره های علمی و اخلاقی فراوان بردم، شوق زیارت آستان ملکوتی بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه سلام الله از یک سو و کسب تحصیلات بالاتر از سوی دیگر مرا به قم کشاند.
البته ذکر این نکته لازم است که سال ورودم به حوزه علمیه سال 54 بود سالی که استبداد رژیم شاهنشاهی بیداد می‌کرد، حوزه های علمیه در فشار و اختناق شدید از سوی حکومت بودند اما تنها چیزی که مرا به این سمت کشاند شوق فراوان به دروس دینی بود. مدتی که در قم بودم از محضر بزرگان حوزه علمیه قم آیت الله وحید خراسانی، میزرای تبریزی و فاضل لنکرانی بهره های فراوان بردم. و هم اکنون در تهران مشغول به پژوهش و تدریس در دانشگاههای مختلف تهران هستم که حاصل این زحمات پرورش دانشجویان فراوانی می‌باشد.

فارسیجانی، پرویز

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز فارسیجانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

زندگینامه علمی
آقای پرویز فارسیجانی در سال 1343 در خانواده ای دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت در تهران دیده به جهان گشود، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب گردید تا در سال 1360 وارد حوزه علمیه گردد.
در روزهای نخستین ورود به حوزه با جدیت تمام به تحصیل پرداخت و از آسمان آستان حوزه علمیه ستاره ها چید. در درس اخلاق مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی حاضر گردید. شرح تجرید را نزد آیت الله مکارم شیرازی آموخت، از محضر آیت الله صالحی مازندرانی به تحصیل رسائل و مکاسب پرداخت.
در کنار درس، تدریس را نیز فراموش نکرد و در حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی، دانشگاه آزاد تهران و دانشگاه علوم قرآنی تهران دروس مختلفی را تدریس کرد. وی هیچ وقت از امر پژوهش نیز غافل نبوده است و کتابهایی نیز به چاپ رسانده که برخی از آنها عبارتند از: میزان حکمت، نگین هستی

فاضل استرآبادی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بن علی بن ابراهیم معروف به فاضل استرآبادی استاد علماء کربلا صاحب منهج‌المقال (رجال کبیر) و رجال صغیر که وحید بهبهانی تعلیقاتی بر آن نوشته و معروف است که در رجال کتابی بهتر از آن نوشته نشده و هم از تصنیفات اوست شرح آیات الاحکام و حاشیه تهذیب و رسائل مفیده دیگر وفات آن بزرگوار در سیزدهم ذی‌قعده 1028 ق در مکه معظمه واقع و در قبرستان معلی نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری مدفون گردید و در نخبه ماده تاریخش را چنین گفته.
والاسترآبادی فاضل سنی
له الرجال فوئه رضی
و این بزرگوار از افرادی است که به فیض تشرف و زیارت حضرت ولی عصر روحی له الفداء رسیده چنانکه مجلسی ره در سیزدهم بحار نقل نموده از جماعتی از آن بزرگوار که فرمود شبی در مسجدالحرام طواف می‌کردم بر دور خانه کعبه که جوان خوشروئی را دیدم که مشغول به طواف بوده چون به من رسید دسته گل سرخی به من عطا کرد و این در غیر فصل گل بود پس من از او گرفتم و بوئیدم و پرسیدم که ای سید من این گل از کجاست. فرمود از خرابات این بفرمود و پنهان شد و دیگر او را ندیدم سمعانی در انساب گفته خرابات جزیره‌ای در مغرب است در دریای محیط که از آنست جزیره خضراء.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فاضل بخشایش، جواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد فاضل بخشایش
محل تولد : بستان آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب جواد فاضل بخشایش در سال 1345 در شهر بخشایش از توابع شهرستان بستان آباد واقع در آذربایجان شرقی در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشودم تا مقطع سیکل در زادگاه خودم تحصیل کردم پس از اتمام سیکل در سال 1363 وارد حوزه علمیه مدرسه طالبیه تبریز شدم و مقدمات ادبیات عرب و مقداری از فقه و اصول را در آن جا فراگرفتم. سپس در سال 1367 وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل فقه و اصول و فراگیری کلام و فلسفه و عرفان از اساتید بزرگواری همچون مرحوم آیة الله پایانی قدس سره، حاج آقا اعتمادی، حاج آقا موسوی تهرانی و استاد اسحاق نیا حفظهم الله تعالی مشغول بوده و هستم.
الان بیشتر فعالیتم آموختن فلسفه و عرفان و تحقیق در نهج البلاغه و تفسیر می باشد. در هر هفته یک روز مدت 8 سال است که مشغول تدریس تفسیر قرآن برای جوانان هستم. در طول این مدت با دفتر تبلیغات و موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث در تحقیق موضوعات و آثار مختلف اسلامی همکاری داشته و دارم.

فاضل هندی، بهاءالدین محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1137 / 1135 -1062 ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و مفسر. معروف به بها و تاج الفقها و فاضل اصفهانی. گاهی به جهت تألیف کتاب «کشف اللثام» به او کاشف اللثام گفته‌اند. با این که اصفهانی است، اما چون در اوایل زندگانی با پدرش، ملا تاج‌الدین حسن، به هندوستان رفت و مدتی در آنجا اقامت کرد، بعد از مراجعت به اصفهان به فاضل هندی مشهور شد. در دوازده سالگی از فراگیری علوم عقلی فارغ شد. او از شاگردان ملا محمدباقر مجلسی است. وی به واسطه‌ی پدرش، ملا تاجا، از ملا حسنعلی بن ملا عبدالله از مشایخ علامه‌ی مجلسی است، روایت حدیث کرد. شیخ احمد حلی و محمدعلی کشمیری از شاگران او هستند که از وی دارای اجازه بودند. به هنگام فتنه‌ی افغان در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. بعدها حاج ملا محمد نایینی در کنارش به خاک سپرده شد و قبور این دو تن به فاضلان مشهور گشت. از آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «تلخیص الشفا»، در حکمت که ملخص «شفا»ی ابن‌سینا است؛ «کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام»، در فقه، که شرح «قواعد» علامه حلی و از مهمترین تألیفات فاضل هندی است که صاحب «جواهر» و صاحب «ریاض» به آن اعتماد بسیار داشتند و از مدارک کتب ایشان است؛«المناهج السویه النبویه»، در شرح «روضه البهیه»؛ «مناسک الحج»؛ «کلید بهشت»، به فارسی، در اصول دین؛ «النجاه»؛ «احاله النظر»، در قضاء و قدر؛ «التمحیص» یا «ملخص التلخیص»، خلاصه‌ای از «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی دمشقی،در علم بلاغت؛ «چهار آئینه»، به فارسی، در اثبات امور چهارگانه که آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف کرده است؛ «جوابات المسائل الفقهیه»، که بیشتر آن در عبادات است؛ حاشیه بر «شرح المواقف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر شرح «الهدایه الاثیریه» میبدی؛ شرح؛ العقائد النفسیه»؛ «رساله فی الاحتیاطات اللازمه العمل»، که شاگردش شیخ عبدالحسین بن عبدالرحمان بغدادی آن را از املائات او نوشته است؛ «اللالی العبقریه فی شرح العینیه الحمیریه»؛«الخور البریعه فی اصول الشریعه» و شرح آن؛ «الزبده»، در اصول دین.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (138 / 9)، ایضاح المکنون (596 ،564 ،366، 2 / 309، 440، 583، 1)، تذکره القبور (457 -456)، الذریعه (57

18 / 56- 57، 132، 259- 260، 22 / 204، 272، 345، 361، 24 / 233، / 17 ،361/ 15 ،370 / 13 ،168، 35 -34/ 11 ،257 / 10 ،277 -276 / 7 ،139 ،137 / 6 ،311 ،229 / 5 ،431 ،423 ،296 ،265 / 4 280، / 1)،روضات الجنات (112 -106 / 7)، ريحانه (285 -284 / 4)، طبقات اعلام الشيعه (قرن 577 -575 / 12)، فوائد الرضويه (482 -477)، الكنى و الالقاب (11 / 3)، لغت‌نامه (ذيل/ فاضل هندى)، معجم المؤلفين (212 / 9)، هديه العارفين (318 / 2).

فاطمی ابهری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد فاطمی ابهری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1358 با معدل بالایی اخذ دیپلم کردم و در چندین مرکز آموزشی پذیرفته شدم. در نهایت در رشته دکترای دامپزشکی دانشگاه تهران مشغول شدم ولی بعد از حدود دو سال جذابیت علوم حوزوی مرا بر آن داشت که دانشگاه را به طلب حوزه ترک کرده و دروس حوزه را با جدیت دنبال کردم. دروس سطح و ادبیات عرب را در مدرسه امام خمینی (ره) با موفقیت در عرض سه سال به پایان رساندم وسپس دروس خارج فقه و اصول را مشغول شدم، از اساتید بسیار والا مقامی چون استادی، محفوظی، محقق داماد، وجدانی فخر و اعتمادی در سطح استفاده بسیار بردم و در درس خارج از آیت الله وحید و آیت الله تبریزی بهره های وافری بردم. تدریس در دانشگاه را در سال 1375 در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد تهران مرکزی آغاز کردم و در سال 1376 نیزدروس حوزوی را تدریس کردم و تا کنون مشغول به تدریس تفسیر قرآن کریم بر مبنای المیزان و مکاسب و اصول شیخ انصاری می باشم. بیش از 11 سال در زمینه قرآن پژوهش خوبی داشتم و چهار سال در دوره تخصصی تفسیر قرآن کریم شرکت داشتم.

فتال نیشابوری، ابوعلی، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، فقیه، حافظ، مفسر، محدث و واعظ. معروف به فتال و فارسی و ابن‌الفارسی. نام و نسب او را گاهی به جهت انتساب به پدرش، محمد بن حسن، و گاهی به مناسبت جدش، محمد بن علی، و گاهی به ملاحظه‌ی جد عالی‌اش، محمد بن احمد، ذکر کرده‌اند. او از مشایخ ابن شهرآشوب است. فتال از شیخ طوسی و به واسطه‌ی پدرش از سید مرتضی حدیث روایت کرده است. با زمخشری صاحب «کشاف» از علمای عامه و ابوالفتوح رازی و فضل بن حسن طبرسی از مفسران خاصه معاصر و هم طبقه بود. در فقه و حدیث استادی توانا بود. دانش و زهد و پارسایی را با هم داشت. سخنرانی با منطق رسا و کوبنده بود و واعظی که با سخن و عمل پند می‌داد. گویش زیبای او باعث شد که به او فتال یا بلبل گویند. ابن‌داوود در کتاب «رجال» گوید که: فتال عقیده‌شناسی جلیل‌القدر و فقیهی دانشمند و زاهدی پارسا بود، که عاقبت به دست عبدالرزاق ملقب به شهاب الاسلام، رئیس نیشابور به جرم شیعه بودند شهید شد. از آثارش: «روضه الواعظین و بصیره المتعظین»؛ «التنویر فی معانی التفسیر». ابن شهرآشوب راوی هر دو می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (305 / 11 ،470 -469 ،297 -296 / 4)، رجال ابن‌داود (قسم 295 / 1)، روضات الجحنات (243 -234 / 6)، ریحانه (294 -291 / 4)، شهیدان راه فضیلت (79 -78)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 275 / 6)، فوائد الرضویه (469)، فهرست منتجب‌الدین (191 ،166)، الکنی و الالقاب (13 -12 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی، فتال)، معجم المؤلفین (200 / 9).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی فتحی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/12/2
زندگینامه علمی
سال (1365-1359) دوره ابتدایی را در زادگاه خود، روستای قلابرسفلی از توابع زنجان، روستایی با قدمت بیش از هزار سال گذراندم به علت محرومیت روستا، یک سال سال سوم ابتدایی معلم نداشتیم لذا در زمستان همان سال، به مکتب‌خانه رفتم و در مدت 2 یا سه هفته روخوانی قرآن را یاد گرفته و موفق به ختم قرآن شدم و یک هفته هم به کلاس «تنبیه الغافلین» رفتم بعد استاد گفت شما دیگر لازم نیست به کلاس بیایید.
سال (68-1365) روستای ما، مدرسه راهنمایی نداشت. من با 4 نفر دیگر به روستای دیگر (نیکه کند ضیائی) در حدود 20 کیلومتر روستای خود رفتیم و آن چهارنفر بعد از مدتی فرار کردند و تنها من ماندم و در این مرحله نفر اول یا دوم مدرسه شبانه روزی بودم.
با اصرار و رایزنیهای جدی یکی از دوستان دوره راهنمایی که یکسال قبل از من به قم آمده بود، جناب برادر ارجمند جناب حجة الاسلام عبدالله بهرامی علیرغم میل باطنی، به حوزه علمیه قم آمدم، با آن که برای اولین بار بود که قم و فضای حوزه و مدارس علمیه را میدیدم، مدرسه شهیدین را که با شرایط خاصی، گزینش می‌کرد، برای تحصیل انتخاب کردم. مقدمات و سطح را درمدرسه شهیدن(ره) پایه ششم مدرسه معصومیه با حفظ خوابگاه و موقعیت در شهیدین در این مرحله نیز به لطف الهی نفر اول یا دوم در برخی از پایه‌ها از نظر معدل بودم.
همزمان دوره‌ی دبیرستان را به صورت متفرقه گذراندم. در سطح دو و سه حوزه را نیز به توفیق الهی جزو ممتازین شدم. (در لیست ممتازان شناسایی شده مرکز خدمات) توفیق شرکت در دوره‌ی عالی فقه و اصول تخصصی با اشراف و نظارت، مدرسه‌ی شهیدین(ره) که مباحث به طور تفصیلی نوشته می‌شد و در محضر استاد ارائه می‌گردید؛ اصول: استاد

ارجمند حاج آقای علی عندلیب از اساتید یاد شده دروس فقه آیةالله شبیری زنجانی نیز به مدت یک سال و نیم شرکت داشته‌ام و اخیراً نیز در درس اصول حاج آقای لاریجانی شرکت می‌کنم.
کارشناسی: رشته معارف اسلامی و علوم قرآنی؛ نفر ممتاز گردیده، توفیق تدریس همزمان با تحصیل در سطح کارشناسی تدریس دروس چون حلقات شهید صدر، درایة و علم الحدیث، علوم قرآن و... در جامعةالزهرا و مرکز جهانی علوم اسلامی و در سطح کارشناسی ارشد، تدریس متون عربی (کهن و معاصر)؛ اصول و روش ترجمه قرآن، فن ترجمه، زبان قرآن، علوم قرآن و... در جامعةالزهرا و دانشکده علوم قرآنی و...
کارشناسی ارشد: نفر اول گروه با معدل 86/18، موضوع پایان‌نامه: معیارشناسی ارتباط الفبایی آیات قرآن کریم، که با عنوان مبانی و معیارهای تفسیر قرآن به قرآن درموسسه امام خمینی با تکمیل و اصلاحات برای چاپ پذیرفته شده است. از جمله اساتید این دوره‌ها، آیة الله معرفت (ره)، حاج آقای محمود رجبی، حاج آقای یوسفی غروی، دکتر نجارزادگان دکتر رفیعی، دکتر جباری، حاج آقای حسن عرفان، دکتر شمالی و...
(ج) دکتری 87 – 86: همزمان با نگارش پایان نامه به توفیق الهی در آزمون دکترای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رشته علوم قرآن و حدیث پذیرفته شدم. و در حال حاضر مشغول ترم دوم و از محضر اساتیدی چون دکتر معیدی روشن، حاج آقای رجبی، حاج آقای احمد واعظی، حاج آقای بابائی و جاج آقای مهدوی‌راد، استفاده می‌کنیم. خدا عاقبت ما را به خیر گرداند.

فتونی عاملی نباطی اصفهانی، ابوالحسن علی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1070- ح 1139 ق)، فقیه، اصولی، مفسر و شاعر. معروف به شریف، چون مادرش خواهر میرمحمد صالح خاتون‌آبادی بود. پدرانش همگی از علما بودند. وی در محله‌ی درب امام اصفهان به دنیا آمد. بدین دلیل به او امامی نیز می‌گفتند. در نجف ساکن بود. او شاگرد علامه مجلسی ثانی و از ایشان و از علمای دیگری از جمله احمد بن محمد بن یوسف بحرینی و قاسم بن محمد کاظمی و محمد حسین بن حسن میسی و صفی‌الدین بن فخرالدین طریحی و عبدالواحد بن محمد بن احمد بورانی و محمد صالح خاتون‌آبادی و محمود میبدی صاحب اجازه بود. فرزندش، ملا ابوطالب فتونی، و محمد بن علی بن حیدر عاملی و احمد بن اسماعیل جزائری از شاگردان وی بودند و از او اجازه داشتند. عبدالله ابن کرم‌الله حویزاوی و نصرالله شهید حائری نیز از جانب وی به دریافت اجازه نائل شدند. فتونی جد مادری شیخ باقر، پدر صاحب «جواهر»، است. از آثار وی: شرح «الکفایه» سبزواری؛ «شرح الصحیفه»؛ «شریعه الشیعه و دلائل الشریعه»؛ «الفوائد الغرویه و الدرر النجفیه»، در اصول دین و اصول فقه؛ «مرآه الانوار و مشکاه الاسرار فی تفسیر القرآن» یا «مشکاه الانوار فی تفسیر القرآن»؛ «الرساله الرضاعیه»؛ «الانساب»؛ رساله در «حقیقه مذهب الامامیه»؛ «نصایح الملوک و آداب السلوک»، در شرح «عهدنامه مالک اشتر»؛ «ضیاء العالمین»، در امامت؛ «تنزیه القمیین»؛ «معراج الکمال»؛ «الکشکول»؛ «دیوان» شعر، در مراثی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (487 ،48 / 2)، اعیان الشیعه (343 -342 / 7)، تلامذه العلامه المجلسی (13 -12)، خاتمه مستدرک الوسائل (56 -54 / 2)، الذریعه (171 / 24 ،233 -232 ،53 / 21 ،265 -264 / 20 ،70 / 18 ،354 -353 / 16 ،124 / 15 ،187 ،36 -35 / 14 ،346 / 13 ،189 -188 / 11 ،50 -49 / 7 ،457 / 4 ،372 -371 / 2 ،249 ،227 -226 ،199، 208 ،182 / 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 175 -174 / 12)، معجم المؤلفین (205 -204 / 7)، هدیه العارفین (766 / 1).

فخر رازی، فخرالدین ابوعبدالله، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 606 -544 ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ‌الاسلام و ابن‌خطیب و ابن‌خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را،از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرند در مدرسه‌ای که قاضی مرند، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف‌بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و به گفته‌ی ابن‌حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد،پس به ماورالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ‌الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات درگذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، تفسیر قرآن در هشت مجلد؛«تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛ «اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لوامع البینات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن‌سینا، در طب؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ دائره‌المعارف «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در 574 ق به نام علاءالدین تکش‌خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی،

در هشت باب در توحید و نبوت و معاد و امامت و اصول فقه؛ «رساله‌ی روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخررازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السماویه»، به فارسی، در اختیارات نجومی، که به نام سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی.[1]
رازی، ابوعبداللّٰه محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری 543 یا 544- ف. هرات 606 ه.ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاءالدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سرآمد عصر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسفه‌ی مقدم ایراداتی وارد آورده و حکیمانی نظیر نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی و میرداماد و صدرالدین شیرازی مدتها سرگرم جواب دادن به شبهات او بوده‌اند. به سبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌اند. از آثار اوست: نهایةالعقول، کتاب الاربعین، المطالب العالیة، محصل افکارالمتقدمین والمتأخرین (ه.م)، البیان والبرهان فی الرد علی اهل الزیغ والطغیان، المباحث العمادیة فی المطالب المعادیة، تهذیب الدلائل و عیون‌المسائل، ارشاد النظار الی لطائف الاسرار، تحصیل الحق، الزبدة، المعالم، مفاتیح الغیب (ه.م)، نهایةالاعجاز (ه.م)، المسائل الخمسون (ه.م)، شرح کلیات قانون ابن سینا، ستینی (ه.م)، الملخص (ه.م)، شرح الاشارات (در این کتاب ایراداتی بر ابن‌سینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، شرح عیون‌الحکمة، مباحث المشرقیه (ه.م).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (203 / 7)، تاریخ ادبیات در ایران (1017 -1016 / 2)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (413 -382)، دایره‌المعارف فارسی (1848 -1847 / 2)، روضات الجنات (44 -36 / 8)، ریحانه (301 -297 / 4)، ری باستان (377 -374 / 2)، سیر النبلاء (501 -500 / 21)، شخصیت‌های نامی (364 -363)، شذرات الذهب (22 -21 / 5)، فرهنگ ادبیات فارسی (368 -367)، الکامل (302 / 9)، کشف الظنون (2002 ،1988 ،1986 ،1973 ،1905 ،1864 ،1840 ،1819 ،1774 ،1756 ،1727 ،1726 ،1714 ،1697 ،1616 ،1615 ،1614 ،1578 -1577 ،1561 ،1467 ،1445 ،1312 ،1186 ،1141 ،1113 ،1035 ،993 ،989

954، 760، 739، 730، 725، 633، 605، 565، 515، 454، 449، 359، 354، 333، 262، 224، 204، 120، 94، 83، 67، 61)، الکنی و الالقاب (16 -13 / 3)، لسان المیزان (435 -430 / 5)، لغت‌نامه (ذیل/ فخر رازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 606)، معجم المؤلفین (80 -79 / 11)، منتخب التواریخ (409)، مؤلفین کتب چاپی (644 -642 / 5)، النجوم الزاهره (176 -175 / 6)، الوافی بالوفیات (252 -248/ 4)، وفیات الاعیان (252 -248 / 4)، وقایع السنین و الاعوام (335)، یادداشتهای قزوینی (95 / 6).

فراء، ابومحمد حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بخش 1) بغوی (منسوب به بغ یا بغشور)، ابومحمد حسین بن مسعود، فقیه و عالم مذهب شافعیه و مفسر و محدث. (و. 436 ه.ق/ 1044 م.- ف. 510 ه.ق/ 1117 م). وی در علوم تبحر داشت و فقه را از قاضی حسین بن محمد که یکی از شاگردان قفال مروزی بود آموخت. در تفصیل کلام‌اللّه تصنیفی کرده و پاره‌ای از مشکلات را از قول پیامبر اکرم توضیح داده است. وی از راویان حدیث می‌باشد و کتب بسیار به او منسوب است. وجه تسمیه‌ی فراء به مناسبت فروش فراء (بخش 1) است. از آثار او دو کتاب مصابیح‌السنة در حدیث و معالم‌التنزیل در تفسیر معروف است. فراء در مرو درگذشت و در کنار استادش قاضی حسین به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فرجی سلطان آبادی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اینجانب علی اکبر فرجی سلطان آباد هشترودی درسال 1326هجری شمسی درقریه گنجینه کتاب ازتوابه هشترود آذربایجان شرقی دریک خانواده اهل علم به دنیا آمدم. تمام تحصیلات علوم دینی من تا لمعتین نزد مرحوم پدرم بود (که ازعلما و وعاظآن منطقه به شمار می رفت) ودرسال 1349به قم منتقل شده وپس ازآشنائی با وضع دروس حوزه همزمان با تحصل مکاسب وکفایه دردارالتبلیغ اسلامی نیز مشغول تحصیل شدم که درسال 1354سطح راتمام کرده واز دارالتبلیغات اسلامی فارغ التحصیل شدم. مدت 2سال در دارالزهراء مشغول تدریس دررشته های تفسیر قرآن، تاریخ اسلام وادبیات فارسی بودم. بعدا چون به تحقیق علاقه مند بودم باچند نفر ازرفقا لجنه تحقیقی تشکیل دادیم وکتاب نفیس وبسیار ارزشمند مرحوم سید هاشم بحرانی بنام (غایه المرام وحجه الخصام) را زیر نظر مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر شروع به تحقیق وپاورقی نمودیم ونزدیک به 4 سال این کار بطول انجامید که الحمد لله الآن 3جلد چاپ شده وبقیه زیر چاپ است (چاپ اول 1425ق 1383ش نشر دانش حوزه) مقاله ای ازاینجانب درباره اصلاحات ارضی که پاسخی به یک نویسنده بود درروزنامه اطلاعات شنبه 30 فروردین 1359به چاپ رسیده ضمنا چون اینجانب طبع شعر هم دارم اشعار زیادی به آذری وفارسی سروده ام که یکی ازاشعارم بعنوان (البلاءللولاء) درآخرین شماره مجله مکتب اسلام چاپ شده است البته چون اینجانب واعظ ومنبری هستم فعلا اغلب فعالیتم دراین زمینه است
اللهم وفقنا لما تحب و ترضی علی اکبر فرجی هشترودی
22/2/86

فرخ، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی فرخ
محل تولد : رودسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/7/3

زندگینامه علمی
بعد از گرفتن دیپلم طبیعی در سال 1356 شمسی به مدت شش ماه در شروع انقلاب اسلامی در رشته حسابداری صنعتی وارد انستیتو تبریز شدم و در واقعه 29 بهمن 1356 که در چهلم شهدای قم اتفاق افتاد در میان تظاهرات بودم بعد از جریان انقلاب یک سال قبل از طلبگی در دو اردویی که در تهران و قم شرکت نمودم با تاریخ عمومی و تاریخ صد ساله اخیر و اساطیر و .... آشنا شدم. بعد در سال 1360 وارد حوزه شدم . در سال 1365 در دایره درسی استاد بزرگوار حسن زاده آملی در مسجد معصومیه وارد شدم و با ایشان تا سالهای 1370 همراهی داشتم. و درسهایی را از قبیل اشارات و هیئت و مصباح همراه بودم بعداً از نوار درسی فصوص الحکم ایشان استفاده نمودم و همچنانکه به درسهای حوزوی مشغول بودم علاقه شدید به درسهای معارف از جمله تفسیر و عرفان و ... داشتم به این خاطر بعد از چند سالی درس فقه و اصول وارد حلقه درسی استاد عالیقدر جوادی آملی در درس تفسیر شدم که اکنون که در تاریخ دفتر درسی دارم از سال 1376مستمراً با ایشان همراهی نموده ام و احساس می کنم که اگر چیزی از حوزه گرفته ام از پای استاد حسن زاده آملی و جوادی آملی بوده است و تبلیغ را هم البته از جمله وظایف و واجب عینی برای خود و هر طلبه ای می دانم و در سالهای 1374 که دیوان طلوعی گیلانی را تنظیم و چاپ نمودم همراه عده ای از دوستان وارد تصحیح بعضی از کتب و مقالات دارالحدیث شدم که تا چند سال پیش ادامه داشت که نهایتاً به تحقیق درباره زندگی خاندان ملا محمد جعفر شریعتمدار (استر آلادی) تهرانی کشید که تحقیق وسیعی از زندگانی وی و خانواده اش که دارای مجتهدین و فضلای بزرگانی از 200 سال پیش تا روزگار ما بوده اند و اکنون هم خانواده اش در تهران معروفند تحقیق کاملی نمودم که حاصل

آن تحقیقات اکنون در دست چاپ است که این تحقیق به کمک و یاری خانواده اش صورت گرفت و علاوه بر اینها می توانم تاکید کنم که در علومی همچون ریاضی و فیزیک، برق و الکترونیک و علوم طب قدیم و ... آشنایی نسبی دارم یعنی نسبتاً با علوم جدید آشنایی داریم چون یکی از چیزهایی که در حوزه به آن برخورد می شود این است که طلاب علوم دینی بخاطر اقتضای طلبگی نسبت به علوم متداول روز بیگانه هستند و آشنایی چندانی ندارند.

فروغی نژاد، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله فروغی نژاد
محل تولد : گلپایگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب عبداله فروغی نژاد به ش ش 61 صادره از گلپایگان متولد سال 1350، پس از اخذ مدرک سیکل در سال تحصیلی 1365 وارد حوزه عملیه گلپایگان شدم. پس از گذراندن بخشی از سطح حوزه در سال تحصیلی 1370 وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج) شهرستان خوانسار شدم و دروس لمعه و اصول، رسائل و مکاسب و کفایتین را تا سال 1376 به اتمام رساندم. سال 1376 وارد حوزه علمیه قم شدم و در درس خارج فقه حضرت آیة الله العظمی مکارم شیرازی شرکت نمودم و تا هم اکنون توفیق حضور محضر ایشان را دارم. در سال تحصیلی 1383-1382 در درس خارج فقه آیة الله جوادی آملی و آیة الله نوری همدانی نیز شرکت داشتم. و همچنین درس خارج اصول را در محضر آیة الله جعفر سبحانی از سال 1376 تا سال 1383 شرکت نمودم. در سال تحصیلی 1379 با قبولی در سطح 2 مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن اشتغال به این رشته تحصیلی پیدا نمودم تا در سال 1382 مقطع کارشناسی آن به پایان رسید. و هم اکنون در مقطع کارشناسی ارشد مشغول تحصیل هستم که در ترم پایانی آن هستم. در باب تدریس، در سالهای 1368و1369 که مشغول خواندن سیوطی و معالم بودم. درسهای ادبیات عرب، عوامل فی النحو و هدایه و صمدیه را در حوزه علمیه گلپایگان تدریس داشتم. و در حوزه علمیه خوانسار نیز سالهای 1376-1375 به مدت دو سال. ادبیات عرب: هدایه، صمدیه، صرف ساده و مبادی تدریس داشتم. در زمینه تبلیغ نیز خداوند توفیق مرحمت نمود تا از سال 1370 به تبلیغ معارف دین بپردازم و بحمداله تاکنون این توفیق را داشتم تا در فصلهای تبلیغی، ماه مبارک رمضان، دهه محرم، دهه صفر و ایام فاطمیه را در اقصی نقاط میهن

عزیزمان به تبلیغ و بیان معارف دین پرداخته که امیدوارم این توفیق از طرف حضرت حق جل جلاله و عنایت خاص ولی عصر(عج) ادامه داشته باشد. از سال 1379 تا اکنون توفیق تحقیق و پژوهش در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی داشتم کاری که در سالهای 1380 الی 1383 با کمک برادران بزرگوار دیگر مخصوصاً مسئول محترم پروژه حضرت حجةالاسلام ابن الرضا صورت گرفت کار تقطیع و فایل سازی و نمایه موضوعی پیرامون کتاب شریف الغدیر یادگار علامه امینی رحمة الله علیه بود و هم اکنون در حال تنظیم و تدوین درختواره الغدیر هستم که امید است به زودی جامعه بزرگ اسلام از این کار نو و جدید بهره مند شوند.

فرید گلپایگانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1280.
درگذشت: 1366.
از آثار اوست: اثبات صانع و مراتب توحید (تهران، 1363)؛ تفسیر سور، اسرا، مؤمنون و ملک (1366)؛ تفسیر سور: حدید، صف، تغابن و رساله‌ای در ولایت (تهران، 1364)؛ تفسیر سوره مبارکه جمعه و تفسیر سوره کریمه منافقون (تهران، 1364)؛ رساله فی صلاة الجمعه و ساله فی التقیه (1364)؛ متمم قانون اساسی اسلام (تهران، 1364)؛ مناسک عمره مفرده (تهران، 1364).
حاج شیخ حسن بن العالم الجلیل و التقی الزکی حاج ملا محمد مهدی گلپایگانی از علماء معاصر تهرانست که در جنوب غربی تهران در مسجد علوی واقع در خیابان رباط کریم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشت.
وی در ماه صفر 1319 ق متولد شده و دوره مقدمات را در گلپایگان خوانده و در سال 1336 ق به شهرستان اراک رفته و دوره سطح را در حوزه علمیه آن شهرستان به پایان رسانیده و در سال 1340 ق که آن حوزه ببلده طیبه قم انتقال یافت جزو مهاجرین آن حوزه به قم مهاجرت نموده و معقول را در نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خوانده و تا پایان سال 1345 ق از محضر مبارک و درس فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی طاب ثراه بهره‌مند شده آنگاه برای اطلاع بر مبانی اساتید بزرگ نجف اشرف به آن مرکز علمی مهاجرت نموده و سه سال از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ چون آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّٰه استاد محقق آقا ضیاءالدین عراقی و فقیه اهل البیت آیت‌اللّٰه آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللّٰه اسرارهم استفاده کرده سپس به حوزه علمیه بازگشت نموده تا سال 1365 ق که برای نشر معارف و احکام اسلام باین مرکز تبلیغی تهران انتقال یافته و تا این تاریخ بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
دارای آثار و تألیفات ارزنده و آموزنده‌ای می‌باشد که از نظر اهل ادب و دانش می‌گذرانم:
1- ترجمه مفتاح الابواب یا تاریخ باب و بهاء که در سال 1334 بطبع رسیده و تاکنون مکرر چاپ شده است.

2- راه بزرگواری که در سال 1336 بچاپ رسیده و برای دومین بار هم بنام روش بزرگواری منتشر شده است.
3- قانون اساسی اسلام که چاپ اول آن در تاریخ 1349/5/27 منتشر شد و در تاریخ 1350/5/10 تجدید طبع شده و مورد توجه دانشمندان و محصلین واقع شده است.
4- ارمغان فرید که در سال 1350 ق منتشر گردیده است.
5- دشمنی خویشاوندان یا عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید علیه‌السلام.
6- رساله استدلالی در خمس که هنوز بطبع نرسیده است.
7- ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید.
(تو 1319 ق)، عالم دینی و فقیه. دوره‌ی مقدمات را در گلپایگان خواند و در 1336 ق به شهرستان اراک رفت و دوره سطح را در حوزه‌ی علمیه آنجا به پایان رسانید. در 1340 ق به قم رفت و معقول را نزد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خواند و تا پایان 1345 ق از محضر درس فقه و اصول آیت‌الله حایری یزدی بهره‌مند شد. آن‌گاه به نجف رفت و سه سال از محضر آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. سپس به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت. وی در 1365 ق برای نشر معارف و احکام اسلامی به تهران آمد. از آثارش: ترجمه «مفتاح الابواب» یا «تاریخ باب و بهاء»؛ «راه بزرگواری» یا «روش بزرگواری»؛ «قانون اساسی اسلام»؛ «ارمغان فرید»؛ «دشمنی خویشاوندان» یا «عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید (ع)»؛ رساله‌ی استدلالی در «خمس»؛ «ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (426 / 6 ،522 -521 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (654 -653 / 2).

فسایی، حسن حسینی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1316 -1237 ق)، مقحق، مفسر، ادیب، صوفی، شاعر و طبیب. از سادات دشتکی شیراز بود. در فسا به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خویش را از دست داد و تحت سرپرستی مادربزرگ و برادر به کسب علم و ادب پرداخت. در خدمت میرزا ابوالحسن مجتهد فسایی ابتدا علوم را و بعدها «شرح هدایه»، «شرح تجرید» و «معالم الاصول» و «مطول» را فرا گرفت. سپس نزد میرزا محمد علی واحدالعین «مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی را، در فقه، خواند. بعد از آن سفری به اصفهان داشت. پس از بازگشت به شیراز مدتی نزد شیخ مهدی کجوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ریاضی را فراگرفت. میرزا حسن علم طب را نیز در خدمت میرزا سید علی نیاز و حاجی میرزا بابا حکیم‌باشی اصفهانی آموخت. وی در 1279 ق سفری به تهران و یزد کرد و پس از بازگشت به شیراز به معالجه‌ی بیماران پرداخت و شهرتی کسب کرد. چنان که پزشک مخصوص سلطان اویس میرزا احتشام‌الدوله پسر فرهاد میرزا معتمدالدوله شد. از آثار وی: «فارسنامه ناصری»؛ «تفسیر حسن»؛ «تحفه احتشامی»، دراندرز و نصایح، به نظم؛ «نقشه مملکت فارس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (257 -251 / 2)، سبک‌شناسی (365 / 3)، سرآمدان فرهنک و تاریخ (289 / 1)، شرح حال رجال (342 / 1)، فارسنامه ناصری (42 -13 / 1)، فرهنگ سخنوران (258)، المآثر و الآثار (204)، مؤلفین کتب چاپی (541 -540 / 2)، یادگار (س 3، ش 4، ص 71 -68).

فقیهی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد رضا فقیهی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد رضا فقیهی در سال 1334در شهر اصفهان متولد شدم و در سال 1349طلبگی را درهمین شهر شروع کردم. پس از دو سال به قم آمده و دروس حوزوی را در قم دنبال کردم در سال 57 در اوج مبارزات مردمی دستگیر و زندانی شدم در پایان بهمن ماه آزاد درس خارج را پس از انقلاب شروع کردم علاقه شدیدی به مباحث قرآنی داشتم سعی کردم قرآن را مباحثه کنم در محضر آیت الله جوادی بیش از ده سال تفسیر را آموختم سپس کار تفسیر گروهی را با متد جدیدی در دفتر تبلیغات شروع کردیم که نتیجه آن20 جلد تفسیر راهنما می باشد خمیر مایه اصلی این کار تلاش جناب هاشمی رفسنجانی در زندان بود که گروهی کار را بازنگری کردند و نهایتا" پس از ده سال کار به اتمام رسید در کنار آن به درس اخلاق فقه و اصول نیز مشغول بودم وسپس به فعالیت اجرائی فرهنگی مشغول شدم حدود 14سال فعالیت فرهنگی را در دانشگاهها شروع کردم .

فلسفی، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1327- 1419 ق)، عالم دینی، خطیب، واعظ، متکلم، مفسر و محدث. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیدی همچون پدرش، آیت‌الله تنکابنی، و آقا شیخ یونس قزوینی و آقا شیخ علی رشتی، و معقول و فلسفه را از میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفت. وی حدود دو سال در زمان آیت‌الله حایری یزدی در قم اقامت داشت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه بهره‌مند شد.سپس به تهران آمد و به ادامه تحصیل و مطالعه‌ی کتب مختلف و متنوع پرداخت. وی در منبر و خطبه روش نوینی را پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی در فن سخنوری بوجود آورد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. خدمات دینی و اجتماعی او بسیار و مسافرتهای تبلیغی او به کشورهای عربستان، عراق، پاکستان و همچنین به شهرهای مختلف ایران قابل توجه است. در تهران، در پایان جلسه درس، درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسین در کنار عمو و پدر همسرش، آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین تنکابنی، دفن شد. آثار علمی و قلمی و منشوری آموزنده با نثری جذاب است. عمده آثار وی که تحت عنوان کلی «گفتار فلسفی» انتشار یافته عبارتند از: «کودک»، از نظر وراثت و تربیت، دو مجلد؛ «جوان»، از نظرعقل و احساسات، دو مجلد؛ «بزرگسال و جوان» از نظر افکار و تمایلات، دو مجلد؛ «آیه‌الکرسی»، پیام آسمانی توحید؛ «اخلاق»،از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، دو مجلد؛ «معاد»، از نظر روح و جسم، سه مجلد؛ «سخن و سخنوری»، از نظر بیان و فن خطابه؛ «شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق»، از صحیفه‌ی سجادیه، سه مجلد.[1]
حاج شیخ محمدتقی فلسفی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام حجه‌المسلمین والاسلام المرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی تهران اعرف خطباء عصر و اشهر وعاظ زمان مایند که خود چندی افتخار توقف حوزه علمیه را داشته و حوزه علمیه هم فخر بر این ثمره مفید و اثر ارزنده خود می‌کند.
این رادمرد بزرگ و این نابغ سترک که صیت و صوتش عالم‌گیر شده و شهرت و ملاحت سخن‌وری و سخنرانیش مستغنی از تعریف ما و جهانی گردیده بخصوص در تحقیقات علمی و دخول و خروجش به مطالب و از مطالب و اداء سخن و حق مطلب دادنش در این زمان بی‌قرین و در قرون

گذشته کم‌نظیر بوده و مبالغه نیست اگر بگویم.
انصاف می‌دهم که دلیران و دلیران
بسیار دیده‌ام نه بدین حسن و دلبری
عالمی است محقق و ناطقیست مدقق مفسریست خبیر و محدثیست بصیر متکلمی است فاضل و واعظی است کامل جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بسیار خوش محاوره و خوش مجلس منزلش مهبط اهل فضل و محفلش مجمع اهل کمال سینه‌اش باز و دستانش گشاده در قضاء حوائج مومنین و بالاخص روحانیین ساعی و در امور خیر مساعی جمیله دارد و از خدمات دینی و اجتماعی فرونمی‌گذارد.
در سال 1327 قمری هجری در تهران متولد شده و در خاندان علم و فضیلت و مجد و شرافت تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتید بزرگ چون والد معظم خود و آشیخ یونس قزوینی و آشیخ علی رشتی و معقول و فلسفه را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی استفاده نموده و حدود دو سال هم در زمان مرحوم آیت‌الله حایری یزدی در قم توقف و از محضر اساتید حوزه علمیه بهره‌مند شده و بعد به تهران مراجعت و به ادامه تحصیل و مطالعه کتب مختلفه و متنوعه عصری و قدماء گردیده و از هر خرمنی خوشه‌ها چیده و از هر گلستانی گلها به دست آورده و با آن فکر سرشار و ذوق فراوان و استعدادی که تنها موهبت خداوندیست (و ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء) خریت ادب و تحریر سخنوری گردیده و خاص و عام و جاهل متقدم و متجدد را مجذوب بیان سحرآمیز خود به مضمون (و ان من البیان السحر) نموده است.
من نمی‌گویم که آن شمع جهان
هست پیغمبر ولی دارد بیان
حدود 6 سال در ماه رمضان و ده شب اول محرم از مسجد سلطانی با دنیای امروز از اسلام و غیره صحبت کرده و حقایق اسلام را با بیانی بس رسا و ملیح خود به زبان عصری به وسیله دستگاه فرستنده به مردم جهان رسانیده و این به خدا فخر اسلام و مسلمین و به ویژه شیعیان اثنی‌عشر روی زمین است.
چندین سال متمادی ظهرهای ماه رمضان در مسجد حاج سید عزیزالله تهران صحبت می‌کردند ده‌ها هزار نفر از طبقات مختلف، روحانیین و اساتید دانشگاه و دبیران و آموزگاران و محصلین جدید و قدیم و تجار و اصناف برای استماع سخنرانیهای معظم‌له حاضر می‌شدند و چون صحن مسجد و شبستانها و ایوانها و راهروهای مسجد گنجایش آن همه جمعیت را نداشت.
قسمت مهمی از مستمعین در بازار و سراهای اطراف مسجد اجتماع

می‌کردند و متجاوز از سی بلندگو که در نقاط مختلف نصب می‌شد صدا را به همه آنها می‌رسانید.
خاطرات آن مجلس باشکوه فراموش نشدنی است بسیاری از مشکلات دینی در آن مجلس مورد بحث قرار می‌گرفت و حل می‌شد و بسیاری از افراد منحرف با استماع آن سخنان نافذ به راه می‌آمدند و از سقوط و تباهی رهائی می‌افتند.
علامه فلسفی روش نوینی را در منبر پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی را در فن سخنرانی به وجود آورد روایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیه‌السلام را که گوهرهای گرانقدر اسلامی است با منطق علمی روز تشریح و توضیح نموده و در نسل تحصیل کرده اثر بسیار عمیق گذارده و کتابهای ایشان نمونه‌ای از این روش نوین است.
در زمان حیات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره سالهای متمادی به دعوت آن مرجع بزرگ و عالیقدر در دهه آخر صفر به قم می‌رفتند صبح‌ها در منزل معظم‌له و شبها در صحن بزرگ قم به دعوت تولیت آستانه برای جمعیت زیادی که در صحن بزرگ و صحن کوچک و صحن موزه و خیابان مجاور صحن و شیخان گرد آمده بودند سخنرانی می‌کردند سخنان ایشان علاوه بر آثار مفیدی که در افکار تمام مردم می‌گذارد برای فضلاء طلاب حوزه علمیه که به منبر علاقه داشتند آموزنده و سرمشق بود و از روش ایشان استفاده بسیار می‌کردند، کلیه مراجع بزرگ تقلید نجف اشرف و قم و مشهد مقدس از گذشته و معاصر عنایت مخصوص و توجه خاصی به معظم‌له داشته و دارند.
خلاصه استاد و علامه فلسفی از نوابغ زمان و از افرادی است که می‌توان درباره شخصیت علمی و اخلاقی او و مسافرتهایش به کشورهای اسلامی حجاز و اعتاب عالیات و پاکستان و شهرهای مهم ایران که برای تبلیغ رفته و منبرهای مهیج و منابر معجزه‌آسا و خدمات دینی و اجتماعی و مبارزاتش با منحرفین و گروه‌های ضد اسلامی کتاب مستقلی نوشت.
از آثار علمی و قلمی این استاد که به طبع رسیده و جهانی را به خود متوجه نموده کتب زیر است که برای تربیت کودکان و راهنمائی نسل جوان بهترین کتاب و آموزنده‌ترین منشوریست که منتشر شده است.
1- گفتار فلسفی راجع به کودک از نظر وراثت و تربیت در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.
2- گفتار فلسفی راجع به جوان از نظر عقل و احساسات در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.
3- گفتار فلسفی آیه‌الکرسی یا پیام آسمانی توحید در چهارصد صفحه.
یکی از شعراء معاصر درباره معظم‌له سروده است
او ستاد اوستادان بلاغت (فلسفی)

آنکه نامش زی فلک از عرشه منبر گذشت
ابن‌جوزی گرچه در یک آیه سالی حرف زد
بودی از امروز گفتی وی زمن برتر گذشت
(فلسفی) تنها نه در نطق و بیان باشد فرید
کلک وی از تیغ مردان دلاور در گذشت
در کتاب کودکش بنگر که خودپیرانه گفت
از یونسکو خود کتاب وی مهین دفتر گذشت
ویژه از بهر جوانان این کتاب تازه‌اش
انقلابی کرده خوش برپا که از اختر گذشت
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه دانشوران (65 -64)، بزرگان رامسر (178)، گنجینه‌ی دانشمندان (390 -387 / 2).

فندرسکی، ابوطالب

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(منسوب به فندرسک) میرزا ابوطالب فرزند ابوالقاسم فندرسکی. شاعرِ و منشی قر. 12 ه. وی از شاگردان علامه مجلسی است و با میرزا عبداللّه افندی صاحب ریاض‌العلماء و نظایر وی معاصر و در یک حلقه‌ی تدریس با آنان به کسب علم مشغول بود. تألیفات او عبارتند از: ترجمه‌ی فارسی شرح لمعه‌ی شهید، حاشیه‌ی تفسیر بیضاوی، حاشیه‌ی خفری بر شرح تجرید قوشچی سامی که منظومه است، غزوات حیدری که نیز منظومه است، المنتهی در نجوم، نگارخانه‌ی چین که حاوی تمامی مکتوبات و منشات عربی و فارسی اوست.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فولادوند، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد محمد مهدی فولادوند فرزند شادروان محمد حسین بختیاری ، در اول دی ماه 1299 در اراک متولد شد . او از سوی مادر ، نوه ی حجت السلام حاجی آقا محسن ادراکی و نبیره ی دختری مرحوم سید محمد علی تهرانی است . پس از طی تحصیلات اولیه و رایج به سبک جدید ، در شهریور 1329 برای ادامه ی تحصیل به ویژه در رشته های شعر و ادب و هنر و زیبایی شناسی ، به پاریس رفت و چهارده سال در آن شهر اقامت و در رشته های دلخواه دانشگاهی و تکمیل زبان و ادب فرانسوی خود تلاش کرد . جناب فولادوند در آبان ماه 1343 (1964 م) به تهران بازگشت و تاکنون که بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکتش می گذرد ، در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، مواد مختلف فلسفه ، زیباشناسی ، زبان فرانسه ، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس کرده است . او عضو انجمن فلسفه ی ایران و علوم انسانی یونسکو و عضو انجمن شعرای فرانسه و نویسندگان فرانسه زبان است . مجموعه ی آثار فرانسه و فارسی وی قریب به سی جلد است که در حدود پانزده جلد آن به چاپ رسیده است . برخی از آثار چاپ شده ی ایشان از این قرار است :
ـ ترجمه ی [رباعیات] عمر خیام ، پاریس ، مزون نو ، 1960 ، طبع جدید آن با مقدمه و حواشی و « سخنان تازه درباره ی عمر خیام و رباعیات او » به پیوست آن . تهران ، فروغی .
ـ هیدا (در جستجوی زیبایی) ، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
ـ سنفونیها ،چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
ـ زن در اندیشه ی خدا (به فرانسه)
ـ دیوان اشعار و نوشته ها (آثار فارسی ـ بخش یکم)
ـ ترجمه ی کتاب المنقذ من الضلال (= زندگینامه ی خود نوشت فکری و فرهنگی غزالی ، عنوان ترجمه ی فارسی اش رهنمای گمراهان ، نشریات محمدی)
ـ نخستین درس زیبایی شناسی . انتشارات دهخدا .
ـ پاسکال ـ ونسی ـ بلندل . مجموعه کتابهای جیبی .
ـ زیباترین اشعار فرانسه (متن فرانسه و فارسی) . انتشارات کندی . در سالهای اولیه ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، که بنیاد قرآن تاسیس شد ، استاد فولادوند چند اثر قرآنی از نویسندگان برجسته ی معاصر عرب ،

نظیر سید قطب ، به فارسی شیوایی ترجمه کرد که از سوی همان بنیاد منتشر شده است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

فیاضی، غلامرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا فیاضی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی در سال 1328 در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار روحانیت و علمای شیعه به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج اسدالله، به بنایی اشتغال داشت و از همان راه روزگار می‌گذراند. حجةالاسلام والمسلمین فیاضی پس از اینکه قرآن و بخشی از دروس فارسی را نزد مادر خود و مکتب خانه فرا گرفت، با پدر خود به بنایی ساختمان میرفت. در یکی از روزها که با پدر خود به منزل روحانی جلیل القدری برای تعمیر ساختمان رفته بود، مورد عنایت آن روحانی جلیل‌القدر قرار گرفت و با عنایت او و رخصت پدر به امر اشتغال در حوزه علمیه قم رو آورد. پس از طی مقدمات، به دروس سطح در نزد استادان مشهور آن روزگار راه یافت و سپس به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم رفت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد. او همزمان با تحصیل فقه و اصول، علوم عقلی را نیز در نزد استادان خبره فرا گرفت، به گونه‌ای که بعدها خود به تدریس آن دروس رو آورد و درس او در زمره بهترین دروس حوزه در علوم عقلی به شمار رفت. حجةالاسلام والمسلمین فیاضی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان برجستة بسیاری شرفیاب شد. او جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ محمد حسن قاضی‌زاده که همانا مشوق اصلی او برای رو آوردن به تحصیل در حوزه بود، فرا گرفت. سیوطی را نزد حجةالاسلام والمسلمین باکویی امام جمعه فریدون کنار و مغنی را هم نزد او و نیز در محضر آیةالله شیخ حسن تهرانی و آقای جلیلی آموخت. حاشیه را نزد حجةالاسلام‌والمسلمین باکویی و مختصر را نزد آیةالله دوزدوزانی و معالم را نزد حجةالاسلام والمسلمین فاضل هرندی خواند و سپس به دروس لمعه آقای سید ابوالفضل موسوی تبریزی و آقای تقدیری رفت. استاد او در رسائل آیةالله العظمی نوری همدانی و آیةالله مؤمن، در مکاسب آیةالله شیخ علی پناه اشتهاردی و

آیةاللهالعظمی فاضل لنکرانی و در کفایه آیةالله العظمی نوری همدانی و آیةالله العظمی فاضل لنکرانی بود. وی از سال 51 به مدت چهارده سال در دروس خارج حضرات آیات آقایان گلپایگانی، اراکی، حائری، شاه آبادی، شیخ کاظم تبریزی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت کرد. او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه سبزواری را نزد آیةالله گرامی، بدایه را نزد آیةالله جوادی آملی، نهایه را نزد آیةالله مصباح یزدی و اسفار را نزد آیةالله جوادی آملی فرا گرفت. همچنین او تمهیدالقواعد و شرح فصوص الحکم را نزد آیةالله جوادی آملی آموخت. از دوستان او در سالهای تحصیل، حجةالاسلام والمسلمین غروی را می‌توان نام برد.
حجةالاسلاموالمسلمین فیاضی در سالهای متمادی و ازسالهای آغازین تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه‌ای داشت. او در دروس مختلف دورة مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سپس به تدریس بدایه، نهایه و شرح اشارات رو آورده است و هم اکنون نیز به تدریس اسفار اشتغال دارد. تبیین زیبا و استوار علوم عقلی از ویژگیهای اوست و دروس و حتی نوارهای تدریس او همواره مورد استفاده طلاب بوده است. از حجةالاسلاموالمسلمین فیاضی تعلیقه‌ای بر نهایة الحکمه علامه طباطبایی به چاپ رسیده است. او از اعضای جامعه مدرسین است و هم اکنون در قم ضمن اشتغال به تدریس، به پژوهش در مؤسسه امام خمینی (ره) می پردازد.

فیروزآبادی، مجدالدین، ابوطاهر محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(817 / 816 -729 ق)، عالم لغوی، ادیب، مفسر، قاضی و فقیه شافعی. نسبش به شیخ ابواسحاق شیرازی و به روایتی به ابوبکر صدیق می‌رسید و لذا او خود را صدیقی معرفی می‌کرد. اصل وی از فیروزآباد شیراز است، که در کازرون به دنیا آمد و در آن جا در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. در هشت سالگی به شیراز رفت و از محضر علمای آنجا استفاده نمود، سپس به بغداد، مصر، شام، روم، حجاز، یمن و اغلب سرزمینهای شرقی مانند هند مسافرت کرد. فقه و تفسیر و حدیث و علوم مختلف را از اساتید مکانهای مختلف فراگرفت. در دمشق در محضر درس ابن‌قیم و تقی‌الدین سبکی و فرضی و شیخ خلیل مالکی حضور یافت. وی مورد عنایت شاه شجاع مظفری، حکمران آذربایجان، و امیر تیمور گورکانی و سلطان بایزیدخان عثمانی بود، بیشتر از همه در دربار ملک اشرف اسماعیل حکمران یمن تقرب یافت و داماد وی شد. مدت بیست سال قاضی شهر زبید یمن بود، تا به مقام قاضی‌القضاتی یمن و درجه‌ی شیخ‌الاسلامی رسید. و وی در زبید یمن درگذشت و در تربت شیخ اسماعیل جبروتی دفن شد. شیخ رمضان عطیفی کتابی در شرح حال فیروزآبادی نگاشته است. از فیروزآبادی حدود چهل تصنیف ذکر کرده‌اند. از آثارش: «قاموس المحیط و القابوس الوسیط الجامع لماذهب من کلاما لعرب شماطیط»، که به «قاموس اللغه» نیز معروف است، در چهار جزء، که مهمترین اثر وی می‌باشد؛ «اللامع المعلم العجاب الجامع بین المحکم و العباب»، در شصت مجلد که پس از آن آنها را در دو مجلد خلاصه کرد؛ «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز»، در دو مجلد؛ «الجلیس الانیس فی اسماء الخندریس»؛ «المرقاه الوفیه فی طبقات الحنفیه»؛ «البلغه فی تراجم ائمه النحو و اللغه» یا «البلغه فی تاریخ ائمه اللغه»؛ «سفر السعاده»، در حدیث و سیره نبوی؛ «نغبه الرشاف من خطبه الکشاف»؛«نزهه الاذهان فی تاریخ اصفهان»؛ «تحبیر الموشین فی مایقال بالسین و الشین»؛«الاسعاد بالاصعاد الی درجه الاجتهاد»؛ «الدرر الغالی/ الدرر الغوالی فی الاحادیث العوالی»؛ «الدرر النظیم المرشد الی مقاصد القرآن العظیم»، در تفسیر؛ «النفحه العنبریه فی مولد خیر البریه (ص)»؛ «زاد المعاد فی وزن بانت سعاد»؛ شرح «صحیح» بخاری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (19 / 8)، ایضاح المکنون (106 ،85 ،80 / 1)، دایره‌المعارف فارسی (1961 / 2)، روضات الجنات (97 -92 / 8)، ریحانه (368 -365 / 4)، کشف الظنون (2048 ،1939 ،1657 ،1480 ،253 -252 ،149 ،90 ،87 ،85)، الکنی و الالقاب (39 -37 / 3)، قاموس المحیط (مقدمه/ 48 -47)، لغت‌نامه (ذیل/ فیروزآبادی)، معجم المؤلفین (119 -118 / 12)، هدیه الاحباب (213)، هدیه العارفین (181 -180 / 2).

فیروزمهر، محمد مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی فیروز مهر
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
سال 62 وارد حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) در رستمکلای بهشهر شدم تا سال 64 مقدمات دروس حوزوی را به اتمام رساندم و سال تحصیلی 65 روانه مشهد شدم و تا سال 69 در حوزه مشهد اشتغال به تحصیل داشتم؛ زمستان 69 وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح حوزوی را ادامه دادم. سال 72 سطح را به اتمام رساندم و به دنبال آن در درس خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی و خارج اصول آیت الله صالحی مازندرانی حضور پیدا کردم و همزمان با آن در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شرکت کردم که سال 77 دوره چهار ساله این رشته علمی را به پایان رساندم و همزمان با تحصیل در این رشته، سال 76 دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم را آغاز کردم که در سال 79 از پایان نامه این دوره دفاع کرده و مدرک این رشته را اخذ کردم. همزمان با تحصیل در تخصصی تفسیر و علوم قرآن و تحصیل در دانشگاه با مرکز فرهنگ و معارف قرآن به عنوان محقق علوم قرآنی همکاری می کردم که تا الآن کم و بیش ادامه دارد.

فیض الاسلام، علینقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1364 -1284 ش)، عالم دینی، شارح و مصحح. در سال 1284، در چنین خانواده‌ای که به صفای معنوی آراسته بود، کودکی دیده به جهان گشود که سید علی نقی نامیده شد و بعدها به سید علی نقی سدهی اصفهانی آل دیباج مشهور و به فیض الاسلام موسوم گشت. لفظ سده در پسوند نامش، به زادگاهش اشاره دارد که در دوازده کیلومتری شمال غربی اصفهان است و اکنون خمینی شهر نامیده می‌شود. وی دانشمندی پرکار و پرثمر بود، و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ محمد کاظم شیرزای اجازه‌ی اجتهاد داشت و نیز صاحب اجازه‌ی روایتی از آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی و حاج شیخ عباس محدث قمی بود. وی بیش از چهل سال پیش «نهج‌البلاغه» را به فارسی روان ترجمه و شرح کرد که این کتاب به «نهج‌البلاغه» فیض‌الاسلام مشهور است. از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه»، که در 1375 ق منتشر شده؛ «قرآن عظیم»، ترجمه و خلاصه تفسیر، در سه مجلد که مؤلف حدود چهارده سال وقت خود را صرف تألیف این کتاب نموده؛ «اشارات الرضویه»؛ «افاضات الغرویه فی اصول الفقهیه»، عربی؛ «چراغ راه»؛ «رهبر گمشدگان در رجعت»، ردی بر عبدالوهاب فرید.[1]
سید علینقی مشهور به (فیض‌الاسلام) صاحب ترجمه نهج‌البلاغه که در سده از حیات سلطان دختر شیخ فاضل آقا ملا محمدصادق سدهی به دنیا آمده و تحصیلات خود را در سده و اصفهان و قم و نجف اشرف نموده و بعد رحل اقامت به تهران افکنده و تا حال تحریر در کسوت روحانیت به کار تجارت و تبلیغ دین و تألیف اشتغال و آثار گرانقدری که ذیلا می‌نگارم از خود به یادگار گذارده است.
1- ترجمه نهج‌البلاغه در 6 جزء که در دو مجللد مکرر به طبع رسیده.
2- ترجمه صحیفه سجادیه. 3- تفسیر کلام‌اللّٰه مجید 4- ترجمه صحیفه علویه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 2، ش 2، ص 31)، مؤلفین کتب چاپی (610 -609 / 4)، نهج‌البلاغه (مقدمه).

فیض کاشانی، محسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1091 -1007 ق)، عالم، عارف، محقق، فقیه، محدث، مفسر، حکیم متأله، متکلم، ادیب و شاعر. فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی، و فرزندش، محمد علم‌الهدی، و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی، و فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور، و برادر دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملا محمدهادی یک خانواده علمی جلیل را تشکیل داده‌اند. فیض در قم نشوونما یافت. آن‌گاه به شیراز رفت و در محضر سید ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فلیسوف بزرگ ملاصدرا، صدرالمتألهین، علوم عقلی را فراگرفت و با دختر وی ازدواج کرد. فیض از دو استادش و همچنین از شیخ بهائی و ملا محمد صالح مازندرانی و ملا محمد طاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و شیخ محمد فرزند صاحب «معالم» حدیث روایت کرده است. علامه مجلسی و سید نعمت‌الله جزایری از وی اجازه‌ی حدیث گرفتند. گستردگی و احاطه‌ی علمی او تا بدانجاست که عده‌ای نسبت به وی، له و علیه، تعصب ورزیدند و مدح و ذمش نمودند. گرچه عده‌ای از مخالفان آن‌گاه که بر حقیقت مطلع شدند به سویش رفتند و در مقام اعتذار خطاب به او (یا محسن! قد اتاک المسیء) گفتند. فیض در تمام فنون شعری مهارت داشت و اشعار زیبایی از خود به جای گذاشت. او در کاشان درگذشت و قبر و قبه او در آنجا مشهور است. فیض در حدود یکصد و بیست اثر در فنون مختلف دارد، که از آن جملفه: «الصافی»، تفسیر قرآن کریم با احادیث، و ملخص آن به نام «الصفی»، و خلاصه‌ی «الاصفی» به نام «المصفی»؛ «الوافی»، در حمع و ترتیب احادیث کتب اربعه، با توضیح و بیان مشلکات آنها؛ «الشافی»، که خلاصه و لباب «وافی» است؛ «مفاتیح الشرایع»، تمامی مهمات احکام و مسائل دوره‌ی فقه؛ «عم الیقین فی اصول‌الدین»، و ملخص آن «المعارف»؛ «عین الیقین فی اصول الدین»؛ «الحق الیقین»؛ «خلاصه الاذکار»؛ «بشاره الشیعه»؛ «المحجه البیضاء فی احیاء الاحیاء»، در علم اخلاق، که در آن «احیاء العلوم» غزالی را مهذب کرد و مطالب حقی آن را با اخبار و احادیث معصومین (ع) تایید نمود؛ «الحقائق»، که لباب و ملخص «محجه» است؛ «نقد الاصول»؛ «نوادر الاخبار»؛ «سفینه النجاه»؛ شرح مختصر «صحیفه سجادیه»؛ «من لا یحضره التقویم»؛ «تشریح العالم»، در هئیت؛ «دیوان» شعر؛ «مثنویات»؛ «گلزار قدس»، در مراثی و قصائد و رباعیات و غزلیات.

[1]
(فیض) ملا محسن محمد بن شاه ملقب به محسن و معروف به ملا محسن فیض کاشانی از اجله‌ی علمای امامیه‌ی قرن یازدهم هجری قمری و عهد شاه عباس دوم صفوی است که در فقه و حدیث و تفسیر و حکمت و ادب و علوم عقلی و نقلی متبحر و استاد بوده است. وی در قم اقامت داشت لیکن برای تحصیل به شیراز مسافرت نموده علوم شرعی را از سید ماجد و علوم عقلی را از ملاصدرا و میرداماد دریافته و با دختر ملاصدرا نیز ازدواج کرد. آثارش متجاوز از 120 می‌باشد و از میان آنها میتوان: مثنوی آب زلال، ابواب‌الجنان، الاستقلالیه، اصول‌العقاید، اصول‌المعارف، الامالی، انوارالحکمه، الشافی، حاشیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، شراب طهور، من لا یحضره التقویم، الوافی، نقدالاصول الفقهیه، نوادرالاخبار، والصافی را نام برد. وفاتش در سال 1091 ه.ق در کاشان اتفاق افتاد و همانجا مدفون است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ایضاح المکنون (701 ،679 ،674 ،613 ،589 ،521 ،508 ،456 ،442 ،400 ،398 ،379 ،378 ،225،226 ،212 ،148 ،132 ،119 ،75 ،63 ،60 ،39 ،19 / 2 ،606 ،559 ،543 ،433 ،408،410 ،363 ،335 ،290 ،287 ،183 ،143 ،93 ،91 ،90 ،54 ،32 / 1)، بحارالانوار (124 / 107)، تاریخ ادبیات ایران، براون (260 / 4)، تاریخ ادبیات در ایران (336 -328 / 5)، تاریخ برگزیدگان(38 -37)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (201 -198)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (555 -551)، تاریخ کاشان (278 -277)، تذکره‌ی روز روشن (641)، تذکره‌ی نصرآبادی (155)، خاته مستدرک الوسایل (236 -235 / 2)، دایره‌المعارف فارسی (1971 / 2)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (258 -254)، دویست سخنور (313 -311)، الذریعه (205 ،99 -98 ،74 ،14 -13 / 25 ،348 ،344 ،273 ،103 ،98 -97 / 24 ،317 -316 / 23 ،431 ،418 ،406 ،376 ،322 ،232231 / 22 ،303 ،280 -279 ،210 ،187 / 130 ،68 -67 / 21 ،260 -259 ،146 -145 / 20 ،210 ،143 / 19 ،286 ،282 -281 ،257 ،218 ،120 -119 ،119 ،116 / 18 ،75 / 17 ،393 ،385 ،66، -65 / 16 ،374 ،326 ،127 ،5 / 15 ،252 ،247 / 14 ،359 ،45 ،44، 10 -9 / 13 ،203 -202 ،124 ،3 -2 / 12 ،245 / 11 ،854 -853 ،699، / 9 ،282 / 8 ،211 ،38 ،28 / 7 ،146 ،90 / 6 ،193 ،172 ،126،125، ،85 ،82 ،17 -16 / 5 ،481 ،471 ،459 ،403 -400 ،234 ،201، ،189 -188 ،182 ،117 ،115 ،114 ،110 -109 ،106 ،96 / 4 ،116، -115 / 3 ،485 -484 ،425 ،403 ،398 ،349 ،312 ،293 ،261 ،244، ،223 ،212 -211 ،198 ،179 -178 ،124 ،33 / 2 ،424 ،406

284، 77، 53، 24، 2 / 1)، روضات الجنات (97 -73 / 6)، رياض العارفين (226 -225)، رياض العلماء (182 -180 / 5)، ريحانه (379 -369 / 4)، شخصيت‌هاى نامى (383 -382)، شرح حال رجال و مشاهير نامى (404 -400)، طبقات اعلام الشيعه (قرن 492 -491 / 11)، فرهنگ ادبيات فارسى (386 -385)، فرهنگ سخنوران (724)، فلاسفه‌ى شيعه (560 -556)، فوائد الرضويه (642 -633)، الكنى و الالقاب (42 -39 / 3)، لغت‌نامه (ذيل/ فيض)، مجمع الفصحا (49 -48 / 4)، مراقد المعارف (405 -404 / 1)، مستدرک اعيان (309 -308 / 2)، مؤلفين كتب چاپى (808 -799 / 5)، نتايج الافكار (541)، وقايع السنين و الاعوام (536 -535)، هديه الاحباب (233).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا فیض
محل تولد : مشکین شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب علی رضا فیض پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در ملایر و تهران در سال 1355 در رشته مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شدم و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی حدود 70 واحد از این دوره را پشت سر گذاشتم. با پیروزی انقلاب و لزوم فعّالیّت در مؤسسات و نهادهای انقلاب اسلامی در نهاد مقدّس جهاد سازندگی مشغول به کار شدم و تا سال 1361 در این نهاد و نیز ستاد مردمی هیئت های هفت نفره واگذاری و احیاء اراضی کشاورزی فعّالیّت نمودم. تلاش برای به تصویب رساندن قانون و آیین نامه واگذاری و احیاء در اراضی از جمله فعّالیّتهای من در این دو نهاد است. در این زمان به علت علاقه مندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیّه قم شده و تا سال 1372 به سطح و پنج سال خارج و یک سال تخصصی تفسیر و علوم قرآنی مشغول بودم. در این سال از طرف سازمان تبلیغات اسلامی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) تا سال 1375 به بلغارستان اعزام و به عنوان نماینده فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مشغول تبلیغ و تدریس بودم. پس از بازگشت به عنوان مدیر مدرسه الهادی (ع) مشغول کار شدم و تا سال 1379 در این مدرسه و نیز برنامه ریزی تحصیلی و نیز ارزیابی تحصیلی مرکز مدیریّت حوزه علمیّه قم مشغول به کار شدم. در این مدت دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (سطح 4) را نیز پشت سر گذاشتم. در سال 1379 پس از طی دوره یک ساله کارآموزی قضایی وارد قوه قضائیه شدم و اکنون به عنوان دادیار در دادسرای عمومی و انقلاب قم مشغول فعالیت می باشم.
از سال 1366 تا 1379 روزانه یک یا دو درس ادبیات و فقه و اصول و

اخلاق نیز تدریس نموده ام.

قابل، هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی قابل
محل تولد : تربت جام
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/4/5

زندگینامه علمی
مختصر از زندگی علمی و سیاسی آقای هادی قابل (جامی) در پنچم تیرماه 1334 شمسی در خانواده مذهبی و روحانی متولد شد. پدر ایشان از علمای مشهد مقدس و امام جمعه شهرستان فریمان بود. در سال 1349 پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی وارد حوزه علمیه مشهد شد. دروس مقدماتی تا شرح لمعه را در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی میلانی گذراند. سپس با هجرت به قم تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. اساتید ایشان در ادبیات، حضرات آیات و حجج اسلام حجت هاشمی، رضوانی، ذاکری، اسلامی (در مشهد مقدس) و منطق، شرح نظام و منظومه، واعظی، آقا شیخ یحیی انصاری، نعیم آبادی و در اصول، شهید حاج شیخ عباس شیرازی، احمد بهشتی، دوزدوزانی، ستوده، موسوی تهرانی، سید علی محقق و در فقه، فاضل هرندی، علوی گرگانی، ستوده، دوزدوزانی، طاهری خرم آبادی و در خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: منتظری، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، موسوی اردبیلی و یوسف صانعی بوده اند. همچنین از محضر اساتید بزرگوار، مشکینی، جوادی آملی، شهید حقانی و... دروس تفسیر قرآن، اخلاق و فلسفه را فرا گرفت. از آغاز طلبگی با مبارزات روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) آشنا شد. از سال 1353 که منبر و تبلیغ را آغاز کرد به بیان اندیشه های امام و مبارزانی همچون مرحوم طاقانی، آیت الله منتظری، بازرگان و شریعتی پرداخت. در خرداد سال 1354 در مدرسه فیضیه پس از مضروب شدن، توسط مأموران گارد دستگیر و روانه زندان اوین شد. سپس به سربازی اعزام گردید که تا سال 1365 ادامه یافت. پس از مراجعه مجدد به حوزه علمیه و ادامه تحصیل، مبارزات خود را با جدیت بیشتری پیگیری کرد. در زمان اوج گیری مبارزات ملت ایران در

سالهای 56 و 57 در شهرهای قم، نایین، تربت جام، فریمان و مشهد، هم پای ملت بزرگ ایران در تمامی صحنه ها حاضر بود.

قادری، عاصم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدبن محمد باقر شریف کاشانی اصفهانی، استاد فن و تجوید و قرائت در اواخر قرن 13 هجری در اصفهان بوده، و در نزد اساتیدش فن در کاشان و اصفهان قراءات را آموخته، و قریب چهل سال در اصفهان استاد قراء این شهر بوده، و عده‌ای کثیر شاگرد تربیت نموده.
از آثارش کتاب «وجیزة التجوید» به چاپ رسیده.
کتاب مزبور را شاگرد ایشان: مرحوم میرزا عبدالغفور شمس القراء استنساخ و تصحیح نموده، و پس از قریب چهل سال از فوت او به طبع رسانیده است، و در مقدمه‌ی آن عالم جلیل مرحوم آقا شیخ محمد حسین مشکینی تقریظ نوشته‌اند.
فوت عاصم در حدود سال 1320 روی داده است.
در کتاب نامبرده (: 189) گوید: سند روایت خود را از طریق «منهاج النشر فی قراءات العشر» به عاصم می‌رسانم.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاری، محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌لطف‌الله معروف به ملا شاه و ملا حافظ. ظاهرا از شاگردان محقق کرکی، و خود و پدرش از علما و دانایان به علوم تجوید و قراءت می‌باشند. در سال 963 نسخه‌ای از رساله‌ی رضاعیه‌ی استاد را استنساخ نموده ضمن مجموعه‌ی از رسائل استاد، همچنین حواشی محقق کرکی را در این سال بر کتاب شریع نوشته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قاری، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن حاج میرزا محمّد مهدی قاری اصفهانی از دانایان به علم تجوید و قرائت و از خطّاطین معروف اواخر قرن سیزدهم است. یک نسخه از کتاب «تحفه حکیم مؤمن» به خطّ زیبای او در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است. در اصفهان در محلّه مسجد حکیم سکونت داشته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یعقوب قاسملو خویی
محل تولد : خوی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
حقیر در شهرستان خوی از توابع آذربایجان غربی متولد شدم وپس از دوران کودکی در مدرسه بابالو شهانق تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را به اتمام رساندم با توجه به اینکه در سوم راهنمایی شاگرد ممتاز شده بودم برادرانم پشنهاد دادند که در رشته ریاضی فیزیک مشغول تحصیل شوم ولی برادر بزرگم چون فنی بود و در رشته برق استاد بود به من گفت که در هنرستان شهید رجایی خوی مشغول تحصیل شوم بنده نیز حرف او را گوش دادیم و در رشته برق در هنرستان مشغول شدم و در سال 1374 موفق به اخذ دیپلم فنی شدم با توجه به اینکه برادرم در سال 1364 به فیض شهادت نایل شده بود و مادر مرحومه ام همیشه به من می گفت که تو باید راه برادرت را ادامه بدهی این فرمایش او همیش در ذهنم بود وهنوز هم هست. باعث شد که ما جذب حوزه علمیه بشویم ابتدا تا پایه ششم در حوزه علمیه تبریز مشغول تحصیل شدیم از اساتید بنده در تبریز می توانم حجه الاسلام والمسلمین پور محمدی و حجه الاسلام وثوقی را نام ببرم که هردو آدمهای اخلاقی و ملایی بودند. سپس در سال 1377 وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان در دانشگاه مفید مشغول تحصیل در رشته فلسفه محض شدم و دانشگاه از محضر اساتیدی همچون حجج الاسلام دیوانی، انتظام، کاملان و ادیب بهره های فراوانی بردم و در رسائل و مکاسب از محضر استاد بزرگوار حجه الاسلام ولمسلمین محمد باقری شاهرودی بهره بردم و کفایه را نیز از محضر آیت الله اعتمادی بهره بردم سپس در سال 1385 به قصد تبلیغ در وزارت دفاع مشغول شدم همزمان در درس خارج فقه حضرت آیت الله خامنه ای و در خارج اصول حضرت آیت الله شاهرودی به مدت دو سال استفاده های معنوی و علمی بردیم و با توجه به اتمام ماموریت در وزارت دفاع به قم باز گشتم و به امر تبلیغ و تالیف و تحصیل مشغول هستم اینجانب دارای تالیفات زیر می باشم. 1.

دین و آزادی 2. طبیب عاشقان (خاطرات و اشعار علامه طباطبایی) 3. فروغ دانایی (خاطرات علامه جعفری) 4. خلاصه الغدیر 5. گامی به سوی تدوین منشور وحدت اسلامی 6. مقاله در زمینه اشعار علامه طباطبایی در کتاب مرزبان وحی چاپ د فتر تبلیغات اسلامی.

قاسمی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین قاسمی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب حسین قاسمی متولد شهرستان کاشان، پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک در سال 1363 وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله یثربی در کاشان شدم و پس از طی مقدمات و سطوح ابتدائی حوزه در سال 1367 وارد حوزه علمیه قم شدم و از آن زمان تاکنون سطوح مختلف حوزوی را گذرانده و اکنون در مقطع خارجی سطح مشغول به تحصیل هستم. البته در کنار دروس حوزوی در زمینه‌های فلسفی و کلامی مطالعاتی در رشته و دارم و در ضمن تألیفاتی نیز در هر دو حوزه فقهی و فلسفی داشته‌ام.

قاسمی، علی محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی محمد قاسمی
محل تولد : نیک آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1

زندگینامه علمی
حدود سال 1350 وارد حوزه علمیه قم شدم قستمی از دوره سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی و قسمتی دیگر را بطور آزاد در محضر اساتید بزرگواری همچون آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی، آیت الله پایانی و آیت الله فاضل گذارندم پس از پیروزی انقلاب و اتمام تقریبی سطح از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام، وحید خراسانی و تبریزی بیشترین استفاده را کردم و قبل از آن از محضر آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی نیز بهره مند شدم، کنار درسهای فقه و اصول و همزمان با شروع درس خارج دوره آموزشی مؤسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقر العلوم را با موفقیت گذراندم (بین سالهای 68-61) و در بنیاد باقر العلوم، در کنار برنامه آموزشی شروع به کارهای تحقیقاتی بطور دسته جمعی نمودیم. در کنار کارهای تحقیقاتی و همزمان با گذراندن دوره آموزشی کارشناسی ارشد موفق به اخذ کارشناسی ارشد از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. خدای متعال توفیق داد که بیش از 15 سال در مدرسه عترت (ع) مشغول تدریس اصول و کلام شدم که هم اکنون نیز ادامه دارد و از سال 77 تا کنون نیز در مؤسسه امام خمینی (ره) قبل از آن در مؤسسه در راه حق و گاهی در برخی مؤسسات همانند جامعة الزهرا، مرکز جهانی علوم اسلامی و... اشتغال به تدریس دروس معارف و تفسیر موضوعی قرآن دارم. حدود پنج سال است که عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) مشغول تدریسم. و در ساعاتی که فراغتی باشد مشغول تهیه معجم موضوعی معاد و توحید هستم.

قاضی القضاه همدانی اسدآبادی، ابوالحسن، ابوالحسین عبدالجبار

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 415 / 414 ق)، عالم امامی، قاضی، متکلم، مفسر، فقیه شافعی و اصولی معتزلی. وی شیخ معتزلیان در روزگار خود بود و آنان وی را به لقب قاضی القضات ملقب ساخته بودند. از علی بن ابراهیم بن سلمه قطان قزوینی و از عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی در اصفهان استماع حدیث کرد و همچنین از زبیر بن عبدالواحد اسدآبادی حفاظ و عبدالرحمن بن حمدان حدیث شنید. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آن جا حدیث گفت. ابوالقاسم تنوخی و حسن بن علی صیمری فقیه و ابویوسف عبدالسلام قزوینی مفسر و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. او از استادان سیدرضی و با یک واسطه از مشایخ روایت خطیب بغدادی است. مناظره‌ی شیخ مفید با او در موضوع حدیث غدیر و اصحاب جمل مشهور است که در پایان مفید را به جای خود بر مسند نشاند و گفت حقا که تو مفیدی. او به دعوت صاحب بن عباد و وزیر از بغداد به ری آمد و به تدریس مشغول شد و همچنین عهده‌دار مقام قضاوت ری و تمام توابع آن بود و در همان جا نیز درگذشت. مصنفات بسیاری در مذهب اعتزال بدو منسوب است و گویند که هزاران ورق بوده است. از آثار وی: «تنزیه القرآن عن المطاعن»؛ «علم الکیمیا»؛ «العمده فی اصول الفقه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «دلائل النبوه»؛ «امال» یا «الامالی»، در حدیث؛«طبقات المعتزله»؛ «المجتبی فی القراآت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (47 / 4)، انساب سمعانی (137 -136 / 1)، ایضاح المکنون (430 / 2 ،478 ،329 / 1)، تاریخ ادبیات در ایران (349 ،279 / 1)، تاریخ بغداد (115 -113 / 11)،روضات الجنات (18 -16 / 5)، ریحانه (416 -415 / 4)، سیر النبلاء (245 -244 / 17)، شذرات الذهب (203 -202 / 3)، العبر (229 / 2)، الکامل (315 / 7)، کشف الظنون (1107)، الکنی و الالقاب (53 / 3)، لسان المیزان (213 -211 / 4)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالجبار)، معجم المؤلفین (79 -78 / 5)، الوافی بالوفیات (34 -31/ 18)، هدیه العارفین (499 -498 / 1).

قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو، ابوعمر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(478 -378 ق)، قاضی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، مفتی، ادیب و شاعر. در نسای خراسان به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت، و از قاضی حسن دامانی نسوی فقه آموخت. سپس به عراق و مصر و شام و مکه مسافرت کرد و تحصیل علم نمود و از ابو بکر حیری و ابواسحاق اسفراینی در نیشابور و ابوذر هروی در مکه و ابن‌نظیف در مصر و ابوالحسن علی بن موسی سمسار در دمشق و ابومعمر اسماعیلی در گرکان حدیث شنید.او مجالس املای حدیث برپا کرد و درباره‌ی احادیث سخن گفت.ابوعبدالله فراوی و عبدالمنعم قشیری و دیگران از وی روایت کردند. وی مورد اعتماد سلجوقیان بود و در رسالت‌های مهم از وی استفاده می‌کردند. امیر طغرل بیگ او را به دارالخلافه‌ی بغداد فرستاد و وی از جانب ملک‌شاه سلجوقی مأموریت یافت تا دختر خلیفه را خواستگاری کند. القائم بامرالله او را عهده‌دار امر قضاوت خوارزم کرد و به وی لقب أقضی القضات بخشید. اهل خوارزم از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای آثاری در زمینه‌ی «فقه» و «تفسیر» بود. وی در ادبیات نیز مهارت داشت و شعر می‌گفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (64 / 7)، سیر النبلاء (478 -477 / 18)، طبقات المفسرین الداوودی (181 -178 / 2).

قاضی زاده، کاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کاظم قاضی زاده
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات دبستان و دبیرستان را به سرعت طی کرد و در سال 1356 (16 سالگی) به دانشگاه و در رشته فیزیک مشغول تحصیل شد. همراه با انقلاب فرهنگی به حوزه علمیه قم آمد دروس سطح را نیز در حدود شش سال فرا گرفت و ازسال 1366 به درس خارج اساتید حوزه حاضر شد. وی تا سال 1380 (به مدت 15 سال) از دروس خارج حوزه بهره برد. اهم اساتید وی به ترتیب استفاده زمانی بیشتر عبارتند از: آیت الله تبریزی، آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله منتظری، آیت الله سید محمود هاشمی، آیت الله جوادی آملی (در تفسیر)، آیت الله سید موسی شبیری، آیت الله محمد فاضل لنکرانی و آیت الله وحید خراسانی. گرچه وی اقدامی جهت اخذ مدرک رسمی از حوزه علمیه نکرده است اما در امتحان کتبی و شفاهی مجلس خبرگان در سال 1377 که در سطح تایید تجربی در اجتهاد داوطلبان شرکت و در نامزدی مجلس خبرگان رهبری برگزار می شد شرکت کرده و با درجه عالی موفق به قبولی در امتحانات مربوطه شد. وی درسال 1371 همزمان با تحصیلات فردی در دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم تحصیل کرد و با ادامه آن در مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث در این رشته نیز موفق به اتمام شد. اهم فعالیتهای علمی وی تدریس در حوزه و دانشگاه بوده است. از سال 1360 تدریس حوزوی را با تدریس ادبیات و منطق شروع کرد و در ادامه با تدریس فقه و اصول ادامه داد. در آغاز مدارس رضویه و رسالت محل تدریس وی بود ولی در سطوح عالی حوزه در مدرسه آیت الله گلپایگانی، مسجد امام زین العابدین و مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به تدریس بوده و هست. هم اکنون پنج سال است که به تدریس خارج فقه اشتغال دارد. از سال 1380 نیز تدریس در دانشگاه را آغاز کرد و هم اکنون در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد به تدریس تفسیر و علوم قرآن، حدیث و رجال نیز

اشتغال دارد.

قاضی سعید، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1103 -1049 ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضی و عالم امامی. معروف به قاضی سعید و ملا سعید قمی و ملقب به حکیم کوچک. از دانشمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی و ملا رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تجلیل شاه‌عباس دوم و درباریانش بود. مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از تبحر وی در شرعیات می‌باشد. در قم درگذشت. از آثار وی: شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چند مجلد؛ «اسرار الصنایع»، در صناعات خمسه‌ی قیاسیه منطقیه: شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صناعیه» میرفندرسکی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساط»، که در 1099 ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله‌ی «کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماءالله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیا»ی ارسطو؛ حاشیه «شرح اشارات خواجه»؛ «الاربعون حدیثا»، شرح چهل حدیث در معارف که سراسر تحقیقات علمی است؛ رساله‌ی «الاربعونیات لکشف الأنوار القدسیات»، چهل رساله، در چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسمی خاص نامیده است، رساله اول «روح الصلاه»، که آن را به استادش ملا محسن فیض کاشانی اهداء نموده و دیگری «حقیقه الصلاه» و دیگری «فوائد رضویه» و دیگری «الحدیقه الوردیه و السوانح المعراجیه» و...
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (344 / 9)، تاریخ ادبیات در ایران (340 -336 / 5)، الذریعه (132 / 18 ،340- 341، 16 / 153- 154، 13 / 49، 7 / 1 / 417- 418، 436- 437، 2 / 51، 4 / 479، 6 / 12، 111، 391، 7)، روضات الجنات (12 -10 / 4)، ریاض العلماء (285 -284 / 2)، ریحانه (413 -412 / 4 ،59 / 2)، الکنی و الالقاب (52 / 3)، معجم المؤلفین (38 / 10).

قاضی یزدی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، عالم امامی و مفسر. احتمالا وی از سادات و به هر حال از بزرگان علمای امامیه قرن یازدهم هجری است. لقب اصلی او قاضی است. از آثار وی: شرح «آیات الاحکام»، به فارسی موسوم به «تفسیر قطب شاهی» که تفسیر پانصد آیه احکام قرآنی است که به نام سلطان محمد قطب شاه تالیف شده است؛ تفسیر آیه «و جزاء سیئه سیئه مثلفها»؛ شح حدیث «ان اللّٰه لا یجمع امتی علی ضلاله»؛ رساله‌ای در «الجمع بین قول النبی (ص): ما عرفناک حق معرفتک، و قول امیرالمومنین (ع): ما شککت فی الحق منذ رایته، و لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (330/7)، الذریعه (134/5، 302 -301 /4)، ریحانه (174- 173 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 255/11).

قاضی، علی آقا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید علی آقا قاضی فرزند حاج سید حسین قاضی است. ایشان در سیزدهم ماه ذی الحجة الحرام سال 1282هـ.ق. از بطن دختر حاج میرزا محسن قاضی، در تبریز متولد شد و او را علی نام نهادند، بعد از بلوغ و رشد به تحصیل علوم ادبیه و دینیه مشغول گردید و مدتی در نزد پدر بزرگوار خود و میرزا موسی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی درس خواند.
در ایشان، سید حسین قاضی، انسانی بزرگ و وارسته بود که از شاگردان برجسته آیت الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی بود و از ایشان اجازه اجتهاد داشت.
درباره ایشان گفته اند زمانی که قصد داشت سامرا را ترک کند و به زادگاه خویش تبریز باز گردد استادش میرزای شیرازی به وی فرمود در شبانه روز یک ساعت را برای خودت بگذار.
یک سال بعد چند نفر از تجار تبریز به سامرا مشرف می شوند و با آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی ملاقات می کنند؛ وقتی ایشان احوال شاگرد خویش را جویا می شود، می گویند:
« یک ساعتی که شما نصیحت فرموده اید، تمام اوقات ایشان را گرفته، و در شب و روز با خدای خود مراوده دارند. » تحصیلات
سید علی قاضی از همان ابتدای جوانی تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار سید حسین قاضی و میرزا موسوی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی آغاز کرد.
پدرش به علم تفسیر علاقه و رغبت خاص و ید طولایی داشته است، چنانکه سید علی آقا خودش تصریح کرده که تفسیر کشاف را خدمت پدرش خوانده است. همچنین ایشان ادبیات عربی و فارسی را پیش شاعر نامی و دانشمند معروف میرزا محمد تقی تبریزی معروف به «حجة الاسلام» و متخلص به « نیر» خوانده و از ایشان اشعار زیادی به فارسی و عربی نقل می کرد و شعر طنز ایشان را که هزار بیت بود از بر کرده بود و می خواند.
ایشان در سال 1308هـ.ق. در سن 26 سالگی به نجف اشرف مشرف شد و تا آخر عمر آن جا را موطن اصلی خویش قرار داد.
آیت الله سید علی آقا قاضی از زمانی که وارد نجف اشرف شد، دیگر از

آنجا به هیچ عنوان خارج نشد مگر یک بار برای زیارت مشهد مقدس حدود سال 1330هـ ق به ایران سفر کرد و بعد از زیارت به طهران بازگشت و مدت کوتاهی در شهرری در جوار شاه عبدالعظیم اقامت گزید. اساتید
ایشان در نجف نزد مرحوم فاضل شرابیانی، شیخ محمد حسن مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی، عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی و حاجی میرزا حسین خلیلی درس خواند و مخصوصاً از بهترین شاگردان این استاد اخیر به شمار می آمد که در خدمت وی تهذیب اخلاق را تحصیل کرد.
آقازاده سید علی آقا قاضی نقل می کند:
« ... میرزا علی آقا قاضی بسیار از استادش میرزا حسین خلیلی یاد می کرد و او را به نیکی نام می برد و من ندیدم کسی مثل این استادش او را در شگفتی اندازد و هر وقت نام این استاد نزدش برده می شد به او حالت بهت و سکوت دست می داد و غرق تأملات و تفکرات می شد! »
ایشان از سن نوجوانی تحت تربیت والد گرامی، آقا سید حسین قاضی بود و جوهره حرکت و سلوک ایشان از پدر بزرگوارشان می باشد و بعد از آن که به نجف اشرف مشرف شدند، نزد آیت الله شیخ محمد بهاری و آیت الله سید احمد کربلایی معروف به واحد العین و به کسب مکارم اخلاقی و عرفانی پرداخت و این دو نیز از مبرزترین شاگردان ملاحسینقلی همدانی(ره) بودند.
درباره ملاحسینقلی همدانی حکایات های بس شگفت آوری نقل شده، که گویای عظمت، روح بلند و نفوذ معنوی ایشان می باشد. او با عشق و همت بی نظیر زمان زیادی از عمرش را به تربیت مستعدین سپری کرد تا این که توانست 300 نفر را تربیت کند که هر یک از آنها یکی از اولیای الهی شدند، مانند شیخ محمد بهاری، مرحوم سید احمد کربلایی، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و ... .
سلسه اساتید ملاحسینقلی همدانی به حاج سید علی شوشتری و سپس به شخصی به نام ملاقلی جولا می رسد.
آقا سید علی قاضی در عراق به خدمت جمعی از اکابر اولیاء رسید و از آن جمله سالهایی چند در تحت تربیت مرحوم آقا سید احمد کربلایی معروف به واحدالعین، قرار گرفت و از صحبت آن بزرگوار به درجات اولیاء أبرار ارتقاء گزید، چندان که در تهذیب اخلاق شاگردان و مریدان و ملازمان چندی را تربیت کرد.
آقا سید علی آقای قاضی درباره این استادش می فرماید:
« شبی از شبها را به مسجد سهله می گذارنیدم- زاده الله شرفاً- به تنهایی به نیمه شب یکی در آمد و به مقام ابراهیم علیه السلام مقام کرد و از پی فریضه صبح در سجده شد تا طلوع خورشید. آنگاه برفتم و دیدم عین

الانسان و الانسان العین آقا سید احمد کربلایی بکاء است، و از شدت گریه، خاک سجده گاه گل کرده است! و صبح برفت و در حجره نشست و چنان می خندید که صدای او به بیرون مسجد می رسید. »
آیت الله شیخ علی سعادت پرور نقل می کند:
« وقتی مرحوم آقا سید علی قاضی جوانی بیش نبود، پدر مرحومش آقا سید حسین قاضی که خود از دست پروردگان مرحوم عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی بود به آقای قاضی سفارش کرده بود که هر روز به محضر استاد مشرف شده و چند ساعتی در محضرش بنشیند، اگر صحبت و کلامی شد که بهره گیرد و گرنه به صورت و هیئت استاد نظاره نماید. در آن روزها، مرض وبا در نجف غوغا می کرد، فرزندان مرحوم آقا امامقلی نخجوانی یکی پس از دیگری در اثر مرض وبا رحلت می کردند و ایشان بدون هیچ ناراحتی و انزجار قلبی به شکرگزاری مشغول بود. وقتی از وی علت این عمل را جویا شدند فرمود:
قباله های زمین را دیده اید که وقتی کسی صاحب یکی از آنها شد، هر کاری که دلش خواست با زمین اش انجام می دهد؛ حالا هم خدای سبحان صاحب و مالک اصلی این فرزندان و همه چیز من است و هر کاری که بخواهد با آنان انجام می دهد و کسی را حق سوال و اعتراض نیست! »
درجه اجتهاد
پس از اقامت در نجف اشرف، تحصیلات حوزوی خود را نزد اساتیدی از جمله فاضل شربیانی، شیخ محمد مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی و... ادامه دادند و سرانجام کوشش های خستگی ناپذیر مرحوم آیت الله قاضی در راه کسب علم، کمال و دانش، در سن 27 سالگی به ثمر نشست و این جوان بلند همت در عنفوان جوانی به درجه اجتهاد رسید.
جامعیت علمی
آقا سید هاشم حداد از شاگردان ایشان می فرمود:
« مرحوم آقا (قاضی) یک عالمی بود که از جهت فقاهت بی نظیر بود. از جهت فهم روایت و حدیث بی نظیر بود. از جهت تفسیر و علوم قرآنی بی نظیر بود. از جهت ادبیات عرب و لغت و فصاحت بی نظیر بود، حتی از جهت تجوید و قرائت قرآن. و در مجالس فاتحه ای که احیاناً حضور پیدا می نمود، کمتر قاری قرآن بود که جرأت خواندن در حضور وی را داشته باشد، چرا که اشکالهای تجویدی و نحوه قرائتشان را می گفت... »
آیت الله خسروشاهی از علامه طباطبائی نقل می کردند که:
کتابهای معقول را خواندم ولی وقتی خدمت سید علی آقا قاضی رسیدم فهمیدم که یک کلمه هم نفهمیدم!
مرحوم قاضی در لغت عرب بی نظیر بود، گویند: چهل هزار لغت از حفظ داشت. و شعر عربی را چنان می سرود که اعراب تشخیص نمی دادند

سراینده این شعر عجمی(غیر عرب) است. روزی در بین مذاکرات، مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی(ره) به ایشان می گوید:
من آن قدر در لغت و شعر عرب تسلط دارم که اگر شخص غیر عرب، شعری عربی بسراید من می فهمم که سراینده عجم است، اگرچه آن شعر در اعلی درجه از فصاحت و بلاغت باشد. مرحوم قاضی یکی از قصائد عربی را که سراینده اش عرب بود شروع به خواندن می کند و در بین آن قصیده، از خود چند شعر بالبداهه اضافه می کند و سپس به ایشان می گوید: کدام یک از اینها را غیر عرب سروده است؟ و ایشان نتوانستند تشخیص دهند.
مرحوم قاضی در تفسیر قرآن کریم و معانی آن ید طولائی داشت و علامه طهرانی از قول مرحوم استاد علامه طباطبائی می فرمودند:
« این سبک تفسیر آیه به آیه را مرحوم قاضی به ما تعلیم دادند و ما در تفسیر {المیزان}، از مسیر و روش ایشان پیروی می کنیم. ایشان در فهم معانی روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام ذهن بسیار باز و روشنی داشتند و ما طریقه فهم احادیث را که « فقه الحدیث» گویند از ایشان آموخته ایم. » شاگردان
آیت الله قاضی طی سه دوره، اخلاق و عرفان اسلامی را با کلام نافذ و عمل صالح خویش تدریس فرمودند و در هر دوره شاگردانی پرورش دادند که هر کدام از بزرگان وادی عرفان و اخلاق محسوب می شوند؛ و البته فقط نام تعدادی از آن ها بر ما معلوم است و این که ایشان در حقیقت چه کسانی را تا قله های بلند عرفان و معنویت بالا کشیده و از شراب گوارای معرفت بر کامشان ریختند، برای ما بصورت کامل و دقیق آشکار نیست. اما به تعدادی از آن ها که مبرز و شناخته شده هستند، اشاره می کنیم:
آیت الله شیخ محمد تقی آملی(ره)
آیت الله سید محمد حسین طباطبائی(ره)
آیت الله سید محمد حسن طباطبایی(ره)
آیت الله محمد تقی بهجت فومنی(حفظه الله)
آیت الله سید عباس کاشانی(حفظه الله)
آیت الله سید عبد الکریم کشمیری(ره)
آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب(ره)
آیت الله علی اکبر مرندی(ره)
آیت الله سید حسن مصطفوی تبریزی
آیت الله علی محمد بروجردی(ره)
آیت الله نجابت شیرازی(ره)
آیت الله سید محمد حسینی همدانی
آیت الله سید حسن مسقطی(ره)

آیت الله سید هاشم رضوی کشمیری(ره)
حاج سید هاشم حداد(ره)
و ... در پی محبوب
ایشان از جوانی به دنبال تزکیه و تهذیب نفس و کسب معنویت و معارف بلند اسلام بود و در این راه چهل سال صبر و مجاهده کرد و چهل سال درد طلب و عشق، آرام و قرار و خواب و خوراک را از وی ربوده بود.
ضمیر الهی اش او را به عالم قدس می خواند و او که قصد کوی جانان را در سر دارد، می خواهد به هر نحو شده از این خاکدان طبیعت به عالم نور و ملکوت پا گذارد.
می داند که جانب عشق عظیم است و نباید به راحتی از دستش بدهد و فرو بگذاردش، برای همین چهل سال است که مشغول مجاهده است.
چهل سال است که آداب عبودیت می آموزد و هنوز معشوق به حضور خود راهش نداده است!
خود ایشان می گوید:
« نزد هر کس احتمال می دادم از او چیزی بفهمم، می نشستم اگر مطلبی را می فهمیدم، که خود خدا نعمت داده بود و اگر نمی فهمیدم دیگر به آن شخص مراجعه نمی کردم. » تقیّد تام به آداب شرع
برای همین آن قدر خود را به ضوابط و آداب شرع و رعایت مستحبات و ترک مکروهات ملزم ساخته بود تا امری از محبوب فرو نماند و آن قدر بر آن اصرار می کند که به حسب طاقت بشری هیچ مستحبی از او فوت نمی شود تا آن جا که بعضی از مخالفان و معاندان می گویند:
« قاضی که این قدر خود را مقیّد به آداب کرده شخصی ریایی و خودنماست. »
و عده ای دیگر هم با وجود مخالفت باز نمی توانند تحسینش نکنند.
یکی از مخالفین ایشان می گوید:
« من سفر بسیار کردم، با بزرگان عالم اسلام محشور بوده ام و از احوال بسیاری از آنان بالمشاهده آگاهم اما حقیقتاً هیچ کس را همانند قاضی تا بدین حد مقید به آداب شرع ندیده ام. »
خود ایشان می گوید:
« چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من منت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته بود. »
و ایشان نا امید نمی شود، می داند که طلب حقیقی جدا از مطلوب نیست زیرا که شنیده است:
« اذا تقرب الیّ شبراً تقربت الیه ذراعاً:

و هرگاه به اندازه یک وجب به من نزدیک شود به اندازه زراعی به او نزدیک شوم.»
این قدم ها باید برداشته شود و آن نزدیکی باید حاصل گردد تا زمانی که عاشق به معشوق برسد و پرده ها کامل برداشته شود و وصال صورت گیرد و البته معلوم است که معشوق خود در همه جا پیشقدم و مشتاق تر است.
« او نیز اطمینان دارد که باز نشدن در روحانیت، نه از ناحیه بی التفاتی معشوق است بلکه اگر در، بی موقع باز شود صد در صد خام از کار در آید! »
و بعدها آیت الله قاضی که خود چهل سال پشت در مانده، و صادق بودن خود را در آن عشق و محبت به محبوب و معبود ازل ثابت کرده، درس استقامت و صبوری را به شاگردانش هم می آموزد و چنین می گوید:
« اگر به جستجوی آب زمین را کندی، نباید خسته و نااميد شوی، اگر وقتش باشد به آب می رسی، وگرنه نااميد مشو که بالاخره به آب می رسی و حتی آ برایت فوران می کند. »
آیت الله نجابت از قول ایشان می گوید:
« چهل سال است دم از پروردگار عالم زدم. چند مرتبه خواستند مرا بکشند، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی نگذاشت و خدا هم کمکم کرد! در این مدت نه خوابی دیدم، نه مکاشفه ای، نه رفیقی، نه همدردی، چهل سال است که در را می کوبم و خبری نیست. » صبر و استقامت چهل ساله
بیت زیر از اشعار ایشان می باشد:
و لا تکن کمثل من ان فتح الباب خرج
والزم و کن کمثل من ان فتح الباب ولج
اگر دری باز شد، تو بیشتر استقامت به خرج بده؛ بگو خدایا! افزونش کن؛ باید در عبودیت استقامت ورزید، یعنی صبور شد؛ اگر خواستند بکشندش، بگوید من از خدا دست بر نمی دارم؛ اگر نان و آبش را قطع کردند، استقامت کند، و حتی اگر دنیا جمع شود و بگویند بیا صرفنظر کن بگوید صرفنظر نمی کنم.
و آیت الله قاضی به این زودی ها خسته نمی شود.
و می گوید:
« هر چه بادا باد، در بحر جنون پا می زنم، امشب کشفی نصیبم شد شد، نشد نشد، امشب خوابی دیدم دیدم، ندیدم ندیدم، من کشف نمی خواهم تمام این مدت چهل سال آن هم برای زرق و برق و کشف و کرامتی چند، نه! من معرفت خودش را می خواهم، من خودش را می خواهم. »
اسم اعظم را استقامت بر وحدانیت خدای جل و علا می داند و می گوید:

« اگر شخص در طلب، استقامت پیدا کرد، اسم اعظم در روح او جا پیدا می کند و آن وقت لایق اسرار ربوبی می گردد. »
و خود چون استقامت دارد، سرانجام صدای فرشتگان را می شنود که:
« ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه التی کنتم توعدون:
آنان که گفتند پروردگار ما الله است و بر این ایمان پایدار ماندند، فرشتگان بر آن ها نازل شوند که دیگر هیچ ترسی و حزن و اندوهی نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که وعده دادند بشارت باد. سوره فصلت آیه 30 ». فتح باب
آیت الله قاضی همیشه نماز مغرب و عشاء را، در حرمین شرفین امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام به جا می آورد، و چون به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رسد، با خود می اندیشد که تا به حال در مدت این چهل سال هیچ چیز از عالم معنا برایم ظهور نکرده، هر چه دارم به عنایت خدا و به برکت ثبات است.
در راه سیّد ترک زبانی که دیوانه است، به طرف او می دود و می گوید؛ سیّد علی، سیّد علی، امروز مرجع اولیاء در تمام دنیا حضرت ابوالفضل علیه السلام هستند، و او آن قدر سر در گریبان است که متوجه نمی شود آن سید چه می گوید! به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رود. اذن دخول و زیارت و نماز زیارت می خواند و می خواهد که مشغول نماز مغرب شود.
آیت الله نجابت می گوید:
« تکبیره الاحرام را که می گوید، می بیند که وضع در اطراف حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام به طور کلی عوض می شود، آن گونه که نه چشمی تا به حال دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده است. قرائت را کمی نگه می دارد تا وضع تخفیف یابد و بعد دوباره نماز را ادامه می دهد، مستحبات را کم می کند و نماز را سریع تر از همیشه به پایان می رساند. به حرم امام حسین علیه السلام نمی رود و به دنبال جایی خلوت به خانه رفته و برای این که با اهل منزل هم برخورد نکند به پشت بام می رود. آن جا دراز می کشد و دوباره آن حال می آید و بیشتر می ماند. تا اهل منزل سینی چای را می آورد، آن حال می رود. نماز عشاء را می خواند و دوباره آن وضع بر می گردد؛ چیزی که تا به حال حتی به گفته خودش یک ذره اش را هم ندیده است و حالا که دیده نه می تواند در بدن بماند و نه می تواند بیرون بیاید. دوباره که شام را می آوردند، آن حال قطع می شود و نیمه شب دوباره بر می گردد و مدت بیشتری طول می کشد. »
آری و بالاخره درهای آسمان برایش گشوده و فتح باب می شود.

می گوید:
« آن چه را می خواستم، تماماً بدست آوردم و امام حسین علیه السلام در را به رویم گشود. ابن فارض یک قصیده تائیه برای استادش گفته؛ من هم یک قصیده تائیه برای امام حسین علیه السلام گفته ام نمره یک! که کار مرا ایشان درست کرد و در غیب را به نحو اتم برایم باز کرد. »
« او در اثر طلب حقیقی و استقامت به خانه که نه، به خود صاحبخانه رسیده است و یار او را به درون خانه راه داده؛ او از حصار تنگ دنیا که خیال و سرابی بیش نبوده و حقیقی ندارد، گذشته و به عالم روح و مجردات پیوسته است و چون فهمیده که از عالم خیال چیزی نصیبش نمی شود، باب خیال برایش بسته می شود. »
آیت الله نجابت نقل می کند:
دفعه اولی که ما آیت الله قاضی را دیدیم، خیلی با ما گرم گرفتند و ما را تحویل گرفتند. در اثر این التفات زیاد، من زبانم باز شد و گفتم: آقا این وضع اهل معرفت به خیال است یا به حقیقت؟ ناگهان ایشان چشمهایش درشت شد و گفت:
« ای فرزندم من چهل سال است با حضرت حق هستم و دم از او می زنم این پندار و خیال است؟! » رحلت
به هر حال، میرزا علی آقا قاضی پس از سالها تدریس معارف بلند اسلامی و تربیت شاگردان الهی، در روز دوشنبه چهارم ماه ربیع المولود سال 1366 مطابق هفتم بهمن ماه در نجف اشرف وفات کرد و در وادی الاسلام نزد پدر خود دفن شد.
مدت عمر شریف ایشان هشتاد و سه سال و دو ماه و بیست و یک روز بوده است.
ایشان در سال های آخر عمر عطش و بی تابی، جسم و روحش را با هم می سوزاند و او مرتب آب می خواهد و می گوید:
« در سینه ام آتش است ساکت نمی شود. »
و دائم با خود تکرار می کند:
گفت من مستسقی ام آبم کشد
گر چه می دانم که هم آبم کشد
طبیبش به وی می گوید:
« آقا من طبیب شما هستم، به شما می گویم در این ماه رمضان روزی 3-2 لیوان آب بخورید. »
و او که می داند این آب آن آتش را خاموش نمی کند تا آخر روزه هایش را کامل می گیرد و می گوید:
« رها کن تا که چون ماهی گدازان غمش باشم »
لحظات احتضار سخت ترین لحظات برای زمین و زیباترین لحظات برای

عارف است.
آیت الله کشمیری می فرمودند:
هنگام احتضار، خودش با اشاره به بدن خود می فرمود:
« این دارد می رود. »
و هنگام غسل مشاهده شد که صورتش باز و لبانش خندان بود.
باز آیت الله کشمیری فرمودند:
« بعد از وفاتش خواستم بفهمم مقام ایشان چقدر است، در رؤیا دیدم از قبر آقای قاضی تا به آسمان نور کشیده شده است، فهمیدم خیلی مقام والایی دارد. »
سید عبدالحسین قاضی نوه ایشان جریان شب رحلت آقای قاضی را این طور بیان می کند:
« ایشان مدتی بیمار بودند. یک شب به پدرم که در آن زمان 20 ساله بودند می گویند که امشب نخواب و بیدار باش. پدرم هم متوجه نمی شود که جریان چیست.
ایشان نقل می کند که ساعتی از نیمه شب آقای قاضی او را صدا می زنند و رو به قبله دراز می کشند و می گویند من در حال مرگ هستم و به او سفارش می کنند که همسر و بچه های دیگرشان را بیدار نکند و تا صبح بالای سرشان بنشیند و قرآن بخواند.
پدرم می گوید علی رغم این که اگر کسی بداند که پدش در حال مرگ است و هیچ نگوید، سخت است، اما من این موضوع را با کمال آرامش پذیرفتم و به کسی هیچ نگفتم و پیش او نشستم.
آقای قاضی به من فرمودند که دارم راحت می شوم و این راحتی از طرف پاهایم شروع شده و به طرف بالا می آید. سپس فرمودند فقط قلبم درد می کند بعد فرمودند که رویم را بپوشان، من هم روی صورتشان را پوشاندم و ایشان از دنیا رفتند.
من بدون هیچ دغدغه و اضطراب تا صبح پیش ایشان نشستم و قرآن خواندم تا آن که هنگام اذان صبح شد و خانواده آمدند و پرسیدند که جریان چیست و من هم گفتم که پدر فوت شده است و فریاد و سر و صدا از اهل خانه بلند شد و در آن لحظه تازه متوجه تصرف او شدم و فهمیدم چه اتفاقی افتاده است و از مرگ پدرم بسیار متأثر شدم. »
او که عمری با عشق و سر سپردگی به مولایش امام حسین علیه السلام سر کرده، غریب نیست اگر حضرتش، کریمانه، خود کسی را سراغش بفرستد تا کارهای دفن و کفن او را بجا آورد. آقا یحیی هرگز آقای قاضی را نمی شناخته ولی از طرف امام حسین علیه السلام در حالت خواب یا مکاشفه برای این امر مأموریت پیدا می کند و تمام کارهای کفن و دفن ایشان را انجام می دهد.

آیت الله بهجت می فرمودند:
« شب قبل از وفات آقای قاضی، کسی خواب دیده بود که تابوتی را می برند که رویش نوشته شده بود « توفی ولیّ الله » فردا دیدند آقای قاضی وفات کرده است. » تناثر نجوم در رحلت ایشان
مرحوم علامه آقا سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی نقل نمود که از استادم مرحوم آیت الله العظمی خوئی شنیدم که فرمود:
« در ایام وفات استاد اخلاق آقا سید علی قاضی تبریزی تناثر نجوم رخ داد و این به جهت رفعت مقام آن مرحوم بود.
مرحوم طباطبائی یزدی نقل کرد که ما گفتیم: این اصلاً محال است که ستاره ها به خاطر کسی ریزش کنند و سقوط نمایند ولی استادمان آقای خوئی تأکید نمود، شما انکار کنید من که خودم این واقعه شگفت انگیز را با چشمان خود دیدم و نمی توانم چیزی را که در پیش من یقینی است، انکار نمایم. »

قاینی، ابوشریف محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1139 ق)، عالم امامی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، متکلم، فیلسوف و خوشنویس.چون در مناظرات علمی کسی را یارای سخن گفتن با او نبود به سلطان‌العلماء مشهور شد. در چهارده سالگی به تحصیل روی آورد. دوران تحصیلات عالیه خود را در اصفهان به پایان رساند. در حوزه‌ی علمیه‌ی قاین، به تدریس فقه و فلسفه می‌پرداخت و گاه به نقاط دیگر جهت مباحثات علمی سفر می‌کرد، که سفر 1115 ق او به هرات و مباحثه او با علمای اهل سنت از آن جمله است. سرانجام در ماه رمضان درگذشت و (بماه رمضان) ماده تاریخش گشت. سلطان محمد پدر قطب‌الدین قاینی عالم ریاضی است. از آثارش: «تهذیب الامه»، تفسیر مفصلی بر قرآن؛ «تطهیر الائمه (ع)»؛ «الامامه»؛ «رساله فی الوجود»، شامل مباحث و فوائد فلسفی درباره‌ی وجود؛ «ام الوسائل فی ام المسائل»، تفسیر سوره‌ی حمد و برگرفته از تفسیر مفصل، به زبان عربی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجرید»؛ کتابت «ضیاء القلوب»، در حدیث، به خط نستعلیق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزگان قائن (537 -531)، الذریعه (36 / 25 ،116 -115 / 6 ،327 -326 / 2)، ریحانه (60 -59 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 12 / 316- 317).

قربانی، علی اصغر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اصغر قربانی ده برزوئی
محل تولد : ده برزو
شهرت : قربانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
در تاریخ اوّل فروردین سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار هجری شمسی با سواد قرآنی و خواندن و نوشتن وارد حوزه علمیّه شدم؛ مدرسه فولاد در تربت حیدریه، صرف میر و شرح المثله را در محضر استاد شیخ حسن کلّه (قده) فرا گرفتم. کتابهای: ملامحسن، هدایه، قطرالندی و نحو را از محضر مرحوم آقای بحر آموختم. خط را از هنر شیخ محمود هروی بهره بردم. سیوطی، مغنی، مختصر، منطق (حاشیه ملاعبدالله) و اندکی از اصول فقه مظهر و لمعه را از محضر استاد فرزانه مرحوم صدر الدین ربانی فرا گرفتم. در ضمن، کلاس پنجم ابتدایی را به صورت شبانه آزاد همزمان خواندم. در سال 57 حدود پنج ماهی زندان وکیل اندر مشهد زندانی شده و در آنجا از محضر برخی اساتید، مانند جناب آقای جواد منصوری مقداری از مسایل سیاسی و اقتصادی را آموختم. در سال پنجاه وهشت که به قم آمدم ادامه اصول مظفر را از محضر استاد مصطفی محقق داماد (جلد اول را)و استاد مرحوم عمّانی (جلد دوم) را فرا گرفته و ادامه درس لمعه را هم از محضر سرورانی، چون شمّاعی همدانی، نظری و وجدانی فخر و مقدار اندکی از آن را هم در محضر آیت الله اشتهاردی فرا گرفتم. بخشی از کتابهای اصول فقه و لمعه و تفسیر را هم از محضر مرحوم استاد محامی و عرفانی کسب فیض کردم. هم زمان با درسهای فقه و اصول برای تکمیل مباحث ادبیات و منطق چند صباحی پای دروس منطق استاد انصاری شیرازی و مطون استاد مرحوم مدرس افغانی حاضر شدم. استاد محمد رضا حکیمی که از دیر باز مورد علاقه من بود، درسی از کتاب الحیات را در حوزه آغاز فرمودند که بنده متأسفانه در آن شرکت می کردم و مطالب ارزنده ای تصمیم می شد. درسهای اخلاق استاد و بزرگوار آیت الله مشکینی هم حال و هوای خاص خود داشت. که بنده از پای بندان به شرکت در آن بودم. بخشی از درسهای تفسیر ایشان را هم شرکت کردم.

درس اخلاق حضرت آیت الله بهاءالدینی روزهای پنجشنبه در مدرس زیر کتابخانه فیضیه زمزمه محبتی بود که تا پنجشنبه دیگر جانم را سرشار از طراوت می کرد. از حدود سال 60 رسایل را در محضر اعتمادی تبریزی در شبستان آیت الله گلپایگانی مسجد اعظم قم هر روز ساعت هفت صبح شرکت کردم؛ اما این درس مصادف با جنگ تحمیلی و ماجرای جانبازی بنده شد به همین دلیل مقداری طولانی شد و تا سال حدودا 64 طول کشید همزمان با این درس، درس مکاسب را در محضر استاد گرانقدر سید حسن طاهری خرم آبادی حاضر می شدم تا بیع و خیارات را به پایان بردم، امّا مکاسب درس کفایتین را در محضر استاد صالحی مازندارانی رحمة الله آموختم. پس از اتمام دروس سطح عالی خارج اصول را با شرکت در درس حضرت آیت الله فاضل آغاز کردم. بخشی از خارج اصول را هم پای درس استاد فرزانه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نشستم، در مدرسه امام امیر المؤمنین، عصرها یک ساعت به غروب، درس خارج فقه؛ کتاب الظهاره و بخشی از کتاب الصلاة و کتاب القضا را(البته کتاب القضاء روزهای چهارشنبه هر هفته) در مسجد اعظم در شبستان آیت الله بروجردی(ره)از محضر حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی (ره) به مدت هشت سال کسب فیض کردم. درس خارج فقه حضرت آیت الله نوری همدانی مدظله را هم حدود دو سال شرکت می کردم و بهره فراوانی بردم، به ویژه که موظف بودیم آن را با جمعی از دوستان به عربی بنویسیم و نوشته ها مان ارزیابی و نقد و بررسی می شد؛ علاوه بر آن رجال سند هم به دقت تمام بررسی و جرح و تعدیل می شد. این درس در مدرسه آیت العظمی گلپایگانی خیابان ارم (در مدرس بزرگ یا مسجد مدرسه) برگزار می شد و موضوع بحث کتاب الصلاة بود. و سرانجام؛ درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی که از اواخر جلد اول کفایه، مباحث قطع و علم رجال و مباحث اصول عملیه و تاکنون که بحث تعادل و تراجیح است و هنوز مشغول به آن هستم.

قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1300 -1222 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مفسر، رجالی و شاعر. اصلش از قزوین بود. نسب این خاندان به محمد بن زید شهید فرزند امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد و در حله ساکن شد. او را قزوینی کبیر نیز نامیده‌اند، تا در مقابل یکی از فرزندزادگانش به نام مهدی بن هادی بن میرزا صالح بن محمد مهدی، قزوینی صغیر صاحب «دیوان»، مشخص باشد. سید مهدی در نجف از محضر شیخ موسی و شیخ علی و شیخ حسن، فرزندان شیخ جعفر صاحب «کاشف الغطاء»، و سید باقر قزوینی و سید علی قزوینی و سید محمد تقی قزوینی استفاده کرد و از آنها اجازه‌ی روایت گرفت. او نزد شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی تلمذ کرد و در بیست سالگی به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از مشایخ اجازه‌ی علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل» بود. او علاوه بر تبحری که در فقه و اصول و کلام و حکمت و توحید و امامت و تفسیر و حدیث داشت در کمالات نفسانی نیز کم‌نظیر بود. در بازگشت از حج درگذشت و در نجف، در مقبره‌ی آل قزوین دفن شد. از وی متجاوز از سی اثر باقی مانده است. از آن جمله: «اسماء قبائل العرب» یا «اسماء القبائل والعشائر»؛ «البحر الزاخر فی اصول الاوائل و الاواخر»؛ «تفسیر سوره الاخلاص، الفاتحه و القدر»؛ «فلک النجاه فی احکام الهداه»؛ «التقیه»؛ «آیات الوصول الی علم الاصول»، در مباحث الفاظ از مسائل اصول فقه، به عربی؛ «فرائد الاصول» یا «الفرائد »، در اصول؛ «بصائر المجتهدین»، در شرح «تبصره المتعلمین» علامه حلی؛ «الاقفال»، در نحو و شرح آن به نام «المفاتیح» یا «مفاتیح الاقفال»؛ «مواهب الافهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ «الصوارم الماضیه لرد الفرقه الهاویه و تحقیق الفرقه الناجیه»، در امامت؛ «آیات المتوسمین»، در حکمت الهی؛ «منظومه تامه» در اصول؛ منظومه در تمام عبادات، متجاوز از پانزده هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (335 / 7)، اعیان الشیعه (146 -145 / 10)، خاتمه مستدرک الوسائل (136 -127 / 2)، الذریعه (62 / 25 ،239 / 24 ،292 ،238 ،122 / 23 ،299 ،134 -133 ،33 / 21 ،161 / 17 ،314 -313 ،133 -132 / 16 ،317 ،93 / 15 ،329 / 13 ،83 / 7 ،210 / 6 ،405 ،342 ،341 ،336 / 4 ،125 ،40 / 3 ،389 ،274 ،68 ،34 ،6 / 2

485، 462، 449، 49، 48 / 1)، ريحانه (457 -456 / 4)، علماء معاصرين (11 -6)، لغت‌نامه (ذيل/ قزوينى)، معجم المؤلفين (56 / 12)، مينو در (974، 963، 951، 950، 921 -920، 918، 860 -859 847،851، 840، 821، 804، 776، 311 -310، 292، 239، 232، 231 135، 114 -113، 94، 84، 81، 68، 63، 10 -8 / 2).

قزوینی، فاطمه

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
حدود 1172- حدود 1260 ق، از زنان عالم، فاضل، محدث و مفسر، وی دختر سید حسین قزوینی (1208 ق) بود و در قزوین به دنیا آمد. او نزد پدرش و سید محمد مهدی بحرالعلوم و عمویش سید حسن قزوینی (1198 ق) درس خواند و هنگامی که به سن رشد رسید با شیخ محمدعلی فرزند شیخ عبدالکریم قزوینی ازدواج کرد. سپس در درس فقه و اصول و حدیث همسرش حضور یافت تا اینکه در اغلب علوم معقول و منقول نابغه شد. علاوه بر این او حافظ قرآن و خطیب و سخنور ماهری بود، منبر می‌رفت و صدای بلند و رسایی داشت و در وعظ و خطابه توانا بود. فاطمه سخنرانی می‌کرد و درس می‌داد و زنان از مجلس درس، وعظ و سخنرانی او استفاده می‌کردند. وی بسیار پارسا و باتقوا بود و مجلس درس داشت. وی سه پسر داشت که همه از علمای زمان خود بودند. دخترش آمنه خانم قزوینی نیز همانند مادر از زنان عالم، فاضل، ادیب و شاعر بود.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، 159 / 3.

قشیری نیشابوری، ابوالقاسم، زین الاسلام، عبدالکریم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(465 -386 ق)، صوفی، فقیه، محدث و مفسر. مشهور به امام و استاد امام. از نظر اصول اشعری و از نظر فروع شافعی بود. نسبت وی از جانب پدر به قبیله قشیرین کعب می‌رسید، و از طرف مادر به سلمی منسوب بود. در ناحیه استواء نیشابور (قوچان کنونی) متولد شد. خاندان او از بزرگان دهقانان این ناحیه بودند. خود او نیز از محدثان بنام اهل تصوف بود. در کودکی پدر خود را از دست داد و در محضر درس ابوالقاسم یمانی، پرورش یافت و مقدمات ادب فارسی و عربی را نزد او فراگرفت، بعدها در نیشابور ساکن شد و از ابوحسین خفّاف و ابونعیم اسفراینی و حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمن سلمی و دیگر ارباب حدیث و بزرگان صوفیه حدیث شنید و فقه را از ابوبکر محمد بن بکر طسی و علم کلام را از استاد ابوبکر بن فورک فراگرفت و تصوف را از ابوعلی دقاق نیشابوری آموخت و پس از وفات وی با ابوعبدالرحمن سلمی معاشرت کرد و عاقبت استاد خراسان گردید. از شاگردان وی می‌توان به احمد بن اسماعیل جوهری که «رساله‌ی قشیریه» را بر قشیری خوانده و سمعانی از وی اجازه گرفته، و سید اسماعیل جرجانی صاحب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» و ابوعبداللّه حسین بن احمد بیهقی، ابوالقاسم فضل بن محمد عطار ابیوردی، ابوالمظفر محمد بن احمد هروی و شعیب بن نوح رازی صوفی اشاره کرد. قشیری از معاصرین و منکران ابوسعید ابوالخیر بود که در نهایت به او گروید. آثار بسیاری از خود به جای گذاشته و در سرودن شعر به زبان عربی دست داشته است. طریقه‌ی او در تصوف به واسطه‌ی ابوعلی دقاق به جنید و معروف کرخی می‌رسد. وی در نیشابور درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الرسالة القشیریه»، درعلم تصوف و بیان روؤس مسائل علم باطن که مورد مراجعه و استناد بزرگان صوفیه و اهل ذوق است؛ «لطائف الاشارات»؛ «التحبیر فی علم التذکیر»؛ «آداب الصوفیه»؛ «عیون الاجوبة فی فنون الاسئلة»؛ «الاربعین»؛ «فصل الخطاب فی فضل النطق المستطاب»؛ «حیاة الارواح و الدلیل الی طریق الصلاح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (180 /4)، ایضاح المکنون (194 /2 ،424 ،194 1/)، تاریخ ادبیات در ایران (257 ،218 /2)، تاریخ بغداد (83 /11)، تاریخ گزیده (659)، تاریخ نیشابور (226 ،225)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه

(مقدمه)، جستجو در تصوف (67 -64)، روضات الجنات (94 -89 /5)، ريحانه (461 -460 /4)، سير النبلاء (232 -230 /18)، الكامل (118 /8)، كشف الظنون (1935، 1920، 1858، 1640، 1551، 1460، 1260، 1183، 882، 520، 457، 354، 58)، كشف المحجوب (209)، الكنى و الالقاب (67 -65 /3)، لغت‌نامه (ذيل/ عبدالكريم)، مجمل فصيحى (ذيل/ سال 465)، معجم المؤلفين (6 /6)، نفحات الانس (138)، وفيات الاعيان (208 -205 /3)، هدية الاحباب (217)، هدية العارفين (608 -607 /1).

قصری زاده، منصور

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران استاد "منصور قصری زاده " دارنده ی رتبه نخست مسابقات قرآنی دانشجویان سراسر کشور در سال های 65 و 67 و مقام اول مسابقات بین المللی قران کریم در مالزی در سال 70 و نیز حفظ کل قرآن کریم و از افتخارهای ایران زمین است .
او متولد 1346 در شهر تهران و در خانواده ی متدین و مذهبی به دنیا آمد . پدر و مادر او با فراهم کردن فضای مناسبی در خانه و همراهی صمیمانه و نیز تشویق های سازنده موجبات موفقیت او را فراهم کردند از جمله مشوقین اصلی او، دایی شان آقای اکبر شریعتمداری بود که خود قاری قرآن بود .استاد موفقیتش را مدیون خانواده و دایی خود می داند و می گوید همین قضیه باعث شده که آنها از من راضی باشند و از اینکه آنها از من راضی اند خیالم راحت است . او مدرک فوق لیسانس رشته ی الهیات و علوم حدیث از دانشگاه تهران دارد و صاحب سه فرزند صالح و دوست داشتنی است که در راه پدر گام بر می دارند . دخترشان کلاس اول راهنمایی و از قاریان ممتاز مدرسه است و محمد حسین ، پسر 7 ساله ایشان نیز در جلسات قرآنی شرکت می کند و محمد مهدی 2 ساله هم فعلاً ادای قرآن خوانها را در می آورد .
پدر این خانواده قرآنی ،استاد قصری زاده از 9 سالگی کار قرائت قرآن را به سبک استاد عبدالباسط شروع کرد 15 ساله بود که انقلاب جمهوری اسلامی اریان پیروز شد و پس از آن رادیو جمهوری اسلامی با اعلان عمومی از همه قراء دعوت کرد که در تست و گزینش شرکت کنند او هم در گزینش حاضر شد ، قرائت زیبای او را برگزیدند و از او خواستند در کلاسهای فراگیری نغمه ها و دستگاههای استاد سید محسن موسوی بلده شرکت کند و پس از اتمام دوره در رادیو پذیرفته شد . در سال 65 قرائت ایشان را از مسجد شیخ فضل الله نوری ضبط و در تلویزیون پخش کردند و بعد از آن ایشان به صورت کلاسیک کار تجوید و قرائت را ادامه داد و از محضر اساتیدی چون مرحوم اربابی استفاده و در مسابقات بسیاری شرکت کرد که از شاخص ترین آنها در سال 66 مسابقات دانشجویی بود که امتیاز نفر اول را کسب کرد و همچنین مسابقات حج بود که درهمان سال برگزار شد و باز نفر نخست مسابقات شد و در سال 68 در مسابقات استان تهران نفر اول شد و در مسابقات کشوری سال 69 نفر دوم و برای شرکت در مسابقات جهانی مالزی انتخاب و به همراه داور

مسابقه استاد عبایی به مالزی رفت و آن سال مصادف بود با جنگ عراق و آمریکا و جنگ خلیج فارس و به همین خاطر ایران را از شرکت در مسابقات محروم کرده بودند و آنها اطلاع نداشتند و تا مالزی رفتند و بدون شرکت در مسابقه برگشتند . سال 70 بار دیگر برای شرکت در مسابقات جهانی مالزی انتخاب و به یاری خداوند نفر اول شد .

خاطره از دوران جوانی :

سال 71 بعد از اینکه از مسابقات مالزی برگشته بودم همراه پدرم خدمت رهبر عزیز " آیت الله خامنه ای " رسیدیم و هدیه ای را که آنجا به من داده بودند که قرآنی در یک کاپ نقره ای بود ، خدمت ایشان تقدیم کردیم .ایشان سؤالاتی از من کردند در رابطه با آن قرآن و چاپ آن و وضعیت مسابقات و بسیار تشویقم کردند برای ادامه ی راه و آن دیدار برای من بسیار شیرین و به یاد ماندنی بود .

مسافرتهای خارج از کشور او قریب به 40 کشور است ؛از جمله سوریه ، چین ، پاکستان ، انگلیس ، اتریش ، تایلند ، ماداگاسکار ، اتیوپی ، عراق ، سریلانکا و ...درخاطراتی از سفرهایش می گوید :اخیراً در سفری که به انگلیس رفتیم آنجا قاریان مصری هم دعوت شده بودند .حقیقتاً وقتی بچه های ایرانی قرائت می کردند قرائتشان چیزی کمتر از قراء مصری نبود حداقل اینکه شانه به شانه مصریان بودند و این نظر من از باب استقبال مردمی بود که در مقابل قراء ایرانی نشان می دادند و با شوق فراوان به قرائت ایرانیان گوش می سپردند . و این نشان می دهد که به رغم آنکه ایرانیان فارسی زبان اند و تقلیدشان بیشتر از استماع است تا بحث های علمی و نقلهای سینه به سینه ولی در بسیاری از موارد از مصریان جلوتر هستند .من در سال 70 که در مسابقات مالزی شرکت کردم یکی از رقبای من مصری بود .بنده به کمک خداوند مقام اول را آوردم و او نفر پنجم شد . یک غلط اعرابی هم داشت و غلط قرائت کرد .

ولی قراء مصری شهرت جهانی دارند چرا ؟ استاد در پاسخ می گوید : در کل می توان گفت مصریان صاحب سبک اند و سبک و سیاق قرائت قرآن را مصریان ابداع کردند و مصر یکی از کشورهای صاحب تمدن و فرهنگ است و ذوق خواندن در مدایح و ابتهالات دینی در مردمش وجود دارد قشرهای مذهبی در قرائت و قشرهای غیرمذهبی در زمینه های دیگر و احساس می شود که قرائت قرآن به سبک مصری با فطرت انسان منطبق است این یکی از ریشه های شهرت قراء مصری می باشد .

در مورد جذابیت و گیرایی قرائت می گوید :

جذابیتهای صوت و لحن در قرائت بسیار دارد . اگر شما نیم ساعت ترتیل گوش کنید شاید گوشتان از نظر موسیقیایی خسته شود اما در قرائت اختیارات انسان در صوت و لحن بیشتر است و قاری قدرت مانور دارد ؛ در

آیات عذاب می تواند حزین و اندوهگین بخواند و در آیات بهشتی مهیج و شاد بخواند . مثلاً در قرائت تحقیق استاد عبدالباسط " اذا الشمس " و ... جذابیت و زیبایی و اثرگذاری قرائت متجلی است .خدا رحمت کند کسانی مانند عبدالباسط زمینه را فراهم کردند و دنیا را با این قرائت ها هدایت کردند و الان حدود 99 % قراء جهان از سبک آنها پیروی می کنند .
استاد قصری زاده اگر چه الان در جلسات قرآنی زیادی حضور ندارد .اما از قرآن جدا نشده و همواره قرآن چراغ روشن گر راه زندگی او در زندگی شخصی و اجتماعی اش است ایشان همچنین در مسابقات خارج از کشور و در مراسمات حج تمتع دعوت می شود و حضور دارد .
در حال حاضر جلسات هفتگی قرائت قرآن کریم در مسجد شهدا واقع در خیابان 17 شهریور ، اتوبان شهید محلاتی ، شبهای جمعه ، قبل از نماز مغرب و عشاء با حضور استاد منصور قصری زاده برگزار می شود . این جلسات بیست سال است که با کمک هیئت امناء ، امام جماعت و بسیج مسجد دایر است . منابع زندگینامه :مجله راه قرآن ش21

قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(776 / 766 -694 ق)، عالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الدین و قطب المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمد و چون در آنجا نشوونما پیدا کرد به رازی شهرت یافت. بدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلی بود. او کتاب «قواعد الاحکام» علامه را به خط خود نوشته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشته و با عبارات بلندی او را ستوده است. قطب رازی از مشایخ شهید اول محمد بن مکی است. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، و قاضی شوشتری و شیخ حر عاملی او را شیعه دانسته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شافعی به حساب آمده است. قطب رازی مدتی در خدمت سلطان ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود و دو کتاب «شرح شمسیه» و «شرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثار وی: «المحاکمات بین شرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصیر طوسی است او این کتاب را به خواست استادش، قطب شیرازی، به تحریر کشید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شحر الشمسیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشراف» و «بحر الاصداف» دو حاشیه بزرگ و کوچک بر «الکشاف»؛ «تحقیق معنی التصور و التصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قوعد الاحکام»علامه حلی؛ رساله در «تحقیق الکلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی.[1]
رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سلطان المحققین دانشمند معروف ایرانی (ف. 776 ه.ق). وی از شاگردان مبرز علامه حلی است و قواعد علامه را به خط خود استنساخ کرده و علامه در پشت همان نسخه به سال 713 ه.ق در قصبه‌ی

ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردند. او راست: بحرالاصداف حاشیه و شرح تفسیر کشاف، تحریرالقواعد المنطقیة در شرح شمسیة، تحفةالاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحرالاصداف، تحقیق معنی التصور والتصدیق، تقسیم‌العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، شرح‌الاشارات، شرح مطالع که شرحی است بر مطالع‌الانوار قاضی سراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (268 / 7)، اعیان الشیعه (413 / 9)، ایضاح المکنون (403، 56 / 2 ،233 / 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1089، 256، 254، -253، 246، 244- 237، 147، 47 / 3)، تأسیس الشیعه (401 -400)، حبیب السیر (221 / 3)، دایره‌المعارف فارسی (2059 / 2)، الذریعه (107 / 20 ،359 / 18 ،156 / 17 ،69 / 14 ،337 / 13 ،199 -198 / 4 ،388 / 3)، روضات ا لجنات (47 -37 / 6)، ریاض العلماء (172 -168 ،156 / 5)، ریحانه (467 -465 / 4)، ری باستان (381 -380 / 2)، شذرات الذهب (207 / 6)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی، طبقات اعلام الشیعه (قرن 202 -200 / 8)، فرهنگ ادبیات فارسی (399 -398)، فوائد الرضویه (618 -616)، کارنامه بزرگان (245)، کشف الظنون (1715-1716 ،886 ،626 ،95)، الکنی و الالقاب (71 -70 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (213 -12 / 2)، معجم المؤلفین (216 -215 / 11)، مؤلفین کتب چاپی (719 -716 / 5)، النجوم الزاهره (70 / 11)، هدیه الاحباب (218 -217)، هدیه العارفین (163 / 2).

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 573 ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، متکلم، محدث، مفسر و شاعر. خانواده‌ی وی از جد و پدر و برادر و دو فرزندش عمادالدین علی بن سعید و ظهیرالدین محمد بن سعید همه از علمای بزرگ شیعه بودند. وی از شیخ ابوعلی طبرسی، صاحب «مجمع البیان»، و عمادالدین طبری و سید مرتضی رازی و برادرش، سید مجتبی رازی،و ابن‌الشجری بغدادی و الآمدی و سید ناصح‌الدین ابوالبرکات مشهدی و پدر خواجه نصیر طوسی و گروهی دیگر روایت کرده است. او از طریق شیخ عبدالرحیم بغدادی، معرف به ابن الاخوه، از دختر سید مرتضی علم‌الهدی از عموی او سید رضی روایت می‌کند. ابن شهرآشوب و شیخ منتجب‌الدین رازی از شاگردان وی بودند. در قم وفات یافت و در صحن مطهر حضرت معصومه (س) دفن شد و قبرش امروزه مزاری معروف است. از آثار وی: «آیات الاحکام» یا «فقه القرآن»، اولین اثر در شرح و تفسیر آیات لااحکام؛ «احکام الاحام»؛ «اسباب النزول»؛ «الاعراب/ الاغراب فی الاعراب»؛ «الانجاز فی شرح الایجاز»، در شرح «الایجاز» شیخ طوسی؛ «بیان الانفرادات»؛ «تحفه العلیل»، در ادعیه، احراز و آداب؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «تفسیر قطب»؛ «الدعوات» یا «دعوات راوندی» یا «سلوه الحزین»؛ «تهافت الفلاسفه»؛ «جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام»؛ «الخرایج و الجرایح»،در معجزات معصومین (ع)؛ «خلاصه التفاسیر»، در ده مجلد؛ «ضیاء الشهاب»، در شرح «شهاب الاخبار»؛ «المغنی»، در شرح «النهایه» شیخ طوسی، در ده مجلد؛ «منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه»؛ «الرایع فی الشرایع»؛ «المستقصی»، در شرح «الذریعه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «لب اللباب».[1]
راوندی، سعید بن هبةاللّٰه بن حسن مکنی به ابومحسن یا ابوالحسین، محدث و مفسر معروف شیعه (ف. قم. 573 ه.ق). وی از شیخ طبرسی و عمادالدین طبری و سید مرتضی سید مجتبی رازی و پدر نصیرالدین طوسی و جمعی دیگر روایت کرده و خود از مشایخ ابن شهرآشوب و شیخ منتخب‌الدین است. او راست: آیات‌الاحکام، احکام‌الاحکام، الاختلافات الواقعة بین الشیخ المفید والسید المرتضی فی بعض المسائل الکلامیة، اسباب النزول، ام‌القرآن، الانجاز فی شرح الایجاز، تفسیر القرآن معروف به تفسیر قطب، خلاصة التفاسیر، المغنی فی شرح النهایة، منهاج‌البراعة

فی شرح نهج‌البلاغة و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] خاتمه مستدرک الوسائل (90 -79 / 3)، الذریعه (431 ،244 ،14 / 24 ،158 -157 / 23 ،296 ،66 ،13 / 289،21 ،280 / 18 ،105 / 17 ،295 / 16 ،124 -123 / 15 ،126 ،110 ،41 / 14 ،372 ،344، 277 ،116 ،56 -55 / 13 ،223 ،72 -71 / 12 ،66 / 10 ،201 / 8 ،220، 146 -145 / 7 ،277 / 5 ،502 ،302 -301 ،228 / 4 ،456 ،176 29، / 3 ،364 ،303 ،251 ،234 ،12 / 2 ،362 -361 ،291 ،42 / 1)، روضات الجنات (10 -7 / 4)، ریحانه (469 -467 / 4)، فوائد الرضویه (202 -200)، الکنی و الالقاب (73-72 / 3)، هدیه الاحباب (219 -218).

قطب‌الدین شیرازی، ابوالثناء محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(710 -634 ق)، طبیب، ریاضیدان، منجم، فیزیک‌دان، فیلسوف، عالم اشعری شافعی و مفسر. معروف به قطب شیرازی و ملقب به علامه. در شیراز به دنیا آمد. پدرش ضیاءالدین مسعود پزشک و مدرس طب در بیمارستان مظفری شیراز و در همان حال از بزرگان فرقه سهروردیه بود. قطب‌الدین محمود علم طب را نزد پدر و عموی خود فراگرفت. خرقه‌ی تصوف را در ده سالگی از دست پدر خود پوشید و از نجیب‌الدین علی بن بزغش شیرازی نیز خرقه گرفت. در چهارده سالگی پدرش فوت کرد و او به جای پدر به عنوان چشم‌پزشک در بیمارستان شروع به کار نمود. وی قرائت و شروح «قانون» را نزد استادان شیراز فراگرفت. چندی نیز شاگرد نجم‌الدین کاتبی قزوینی بود. سپس به مراغه رفت و در آنجا علم هئیت و «اشارات» ابن‌سینا را در خدمت خواجه نصیرالدین‌طوسی آموخت و نزد آن استاد و به یاری او به حل مشکلات «قانون» توفیق یافت. او همچنین سفرهایی به خراسان، عراق عجم، بغداد و روم داشت. در قونیه به خدمت صدرالدین قونیوی رسید و علم شریعت و طریقت را نزد او فراگرفت. قطب‌الدین شیرازی از دانشمندان جامع و بزرگ، و در معقول یگانه زمان خود بود. او در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و موسیقی دست داشت و در نظم و نثر پارسی و عربی دارای مهارت کامل بود. عده‌ای از رجال علم و دانش در محضر او شاگردی کرده‌اند. از جمله شاگردان وی: قطب‌الدین رازی، کمال‌الدین فارسی و نظام‌الدین اعرج بودند. قطب‌الدین در اواخر عمر در تبریز سکنی گزید و در همان جا درگذشت و در مقبره‌ی چرنداب تبریز در کنار قاضی بیضاوی دفن شد. از آثارش: «دره التاج لغره الدیباج/ الدباج»، معروف به «انموذج العلوم»، به فارسی؛ که به خواهش امیر دباج، پادشاه اسحاق‌وند گیلان، تألیف کرد؛ «تحفه‌ی شاهی»، در علم هئیت، به فارسی؛ «نهایه الادراک فی درایه الافلاک»، در علم هئیت، به فارسی؛ «اختیارات مظفری»، در هیئت و نجوم؛ «شرح حکمه الاشراق»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی، قسمت سوم؛ شرح «مختصر الاصول» حاجبی؛ «فتح المنان فی تفسیر القرآن»، در حدود 40 مجلد؛ «مشکلات التفاسیر».[1]
شیرازی، محمود بن مسعود بن مصلح فارسی کازرونی اشعری شافعی مکنی به ابوالثناء، دانشمند معروف (ف. تبریز 710 یا 716 ه.ق). وی نزد

نصیرالدین طوسی علم آموخت و سپس به روم (آسیای صغیر) رفت و نزد صدرالدین قونوی تلمذ کرد و قاضی سیواس، ملطیه و زارالشام گردید و سپس در تبریز ساکن شد و در امر رصدخانه با خواجه نصیر همکاری داشت. وی در اغلب علوم عصر مانند طب و نجوم و حکمت و موسیقی تبحر و نیز ذوق ادبی و قریحه‌ی شعری داشت. او راست: شرح قانون ابن‌سینا، شرح حکمةالاشراق، درةالتاج شامل علوم حکمی به فارسی، التحفةالشاهية، ترجمه‌ی تحریر اقلیدس، شرح مفتاح العلوم سکاکی، نهایةالادراک فی درایةالافلاک.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (328)، الاعلام (66 -65 / 8)، تاریخ ادبیات در ایران (1230 -1227 / 3)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (476 -460)، تاریخ گزیده (702 -701)، تاریخ نجوم اسلامی (53 -52)، تاریخ مغول (507 -506)، تاریخ نظم و نثر (148 -147)، تذکره‌ی روز روشن (662 -661)، حبیب السیر (117 -116 / 3)، دائره‌المعارف فارسی (2059 / 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (214 -205 / 4)، الذریعه (884 / 9)، روضات الجنات (129 / 8)، ریحانه (472 -470 / 4)، زندگینامه‌ی ریاضی‌دانان (354 -351)، شخصیت‌های نامی (395 -394)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی (96 -94)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 214 -212 / 8)، العبر (25 / 4)، فرهنگ سخنوران (472)، کشف الظنون (1695،1985، 1235، 738، 367، 35)، الکنی و الالقاب (73 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین شیرازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 710)، مرآت الفصاحه (504 -501)، معجم المؤلفین (203 -202 / 12)، مؤلفین کتب چاپی (91 -89 / 6)، هدیه الاحباب (219)، هدیه العارفین (407 -406 / 2)، هفت اقلیم (209 -208 / 1).

قطب‌الدین طریثیثی نیشابوری، ابوالمعالی مسعود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(578 -505 ق)، محدث، مدرس، مفسر، ادیب، واعظ و فقیه شافعی. اصل وی از طریثیث نیشابور است. وی یگانه پیشوای شافعیان زمان خود بود. نزد پدرش و محمد بن یحیی، شاگرد غزالی، و عمر بن علی، معروف به سلطان، و در مرو نزد ابواسحاق ابراهیم بن محمد فقه آموخت و از هبه‌الله بن سهل سیدی و عبدالجبار خواری حدیث شیند. قطب‌الدین از پدرش ادبیات را نیز فراگرفت و برآمد و در روزگار اساتیدش وعظ گفت و فتوا داد. وی مدتی نیز در نظامیه‌ی نیشابور به نیابت از جوینی تدریس کرد. در 538 ق به بغداد رفت و وعظ گفت و مورد توجه قرار گرفت. وی برای سلطان صلاح‌الدین ایوبی کتاب «عقیده» را تألیف کرد و در آن جمیع مسائل دینی مورد نیاز را گردآوری نمود. سپس در دمشق ساکن شد و با ابونصر قشیری ملاقات کرد. در روزگار فقیه ابوالفتح مصیصی در دشمق مورد توجه قرار گرفت و در مجاهدیه درس گفت و پس از مرگ ابوالفتح تدریس در غزالیه را عهده‌دار شد، سپس راهی حلب شد و در آن جا در دو مدرسه‌ای که نورالدین و اسدالدین بنا نهاده بودند درس گفت. سپس به همدان رفت. مدتی در آنجا تدریس کرد. سرانجام به دمشق بازگشت و درس در غزالیه را از سر گرفت و به شاگردانش فقه آموخت. او هچنین در جاروخیه‌ی دمشق درس گفت، سپس به نمایندگی به بغداد رفت و داماد ابوالفتوح اسفرانیی شد. حافظ ضیاء از وی اجازه حدیث داشت. ابوالمواهب ابن صصری و برادرش حسین و تاج ابن حمویه و دیگران از وی روایت کردند. در دمشق درگذشت. در مقبره‌ای در نزدیکی مقبره‌ی صوفیه‌ی غربی دفن شد. از دیگر آثار وی کتاب «الهادی» در فقه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (115 / 8)، سیر النبلاء (109 -106 / 21)، شذرات الذهب (263 / 4)، النجوم الزاهره (86 / 6)، وفیات الاعیان (197 -196 / 5).

قلی زاده مشکول، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجتبی قلی زاده مشکول
محل تولد : خلخال
شهرت : قلی زاده
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/3/7

زندگینامه علمی
اینجانب مجتبی قلی زاده در تاریخ 7/3/1353 در یکی از توابع شهرستان خلخال در یک خانواده کشاورز و معنوی به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را درآن محل پشت سر گذاشتم و در سال 1370 وارد حوزه علمیه خلخال شدم که چون حوزه علمیه در حال ساخت و توسعه بود نتوانستم خوب بهره علمی بگیرم لذا هجرت کردیم و به حوزه علمیه کاشان وارد شدیم. و پس از پایان مقدمات در سال 1379 وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از سپری کردن پایه‌های تحصیلی در سال 1384 از محضر مراجع گرانقدر درس خارج فقه اصول بهره می‌گیرم. «و من الله التوفیق» و اکنون مشغول تحقیق و یادداشت برداری هستم. امیدوارم توفیق الهی همراه من و شما عزیزان باشد.

قمی لاهوری، ابوالقاسم بن حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1324 ق)، عالم امامی، مفسر و مصنف. در کشمیر به دنیا آمد. نواب ناصر علی‌خان، مروج مذهب جعفری در لاهور، از وی خواست تا به لاهور رود و او به لاهور رفت و به کمک و تایید نواب ناصر علی‌خان توانست کتابهای خود را تألیف کند و به همت نواب نوازش علی‌خان کابلی تصانیفش به چاپ رسید. وی در لاهور درگذشت. از آثار وی: «عصمه الانبیاء و الملائکه»، به فارسی؛ کتاب «برهان شق القمر و رد النیر الاکبر»، به عربی، که آن را برای نواب ناصر علی‌خان در 1296 ق نوشته است؛ تفسیر «لوامع التنزیل و سواطع التاویل»، در شرح رساله‌ی «موده القربی» سید علی بن شهاب‌الدین همدانی؛ «الاجوبه الزاهره»؛ «ابطال التناسخ» یا «بطلان النسخ و المسخ»؛ «ارض العتاق»، به فارسی؛ «ازاله الغین فی رویه العین»، به فارسی؛ «برهان البیان»، در خلافت و امامت و تفسیر آیه استخلاف، به اردو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (16 / 24 ،194 / 21 ،366 -365/ 18 ،274 / 15 ،128 ،118 ،97 -96 ،94 / 3 ،529 ،524 ،277 -276 ،67 / 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 66 / 14)، علماء معاصرین (86 -85)، الکنی و الالقاب (141 -140 / 1).

قمی مشهدی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1107 ق)، فقیه، مفسر، محدث، ادیب و عالم. وی با علامه محقق سبزواری و علامه مجلسی صاحب «بحارالانوار» و فیض کاشانی معاصر بود او از شاگردان علامه مجلسی و از ایشان، در 1107 ق، به دریافت اجازه نایل آمد. شیخ حر عاملی در «امل الامل» او را از فضلای معاصر خود می‌شمارد. از آثار وی: «کنز الدقائق و بحر الغرائب» یا «کنز الحقائق و بحر الدقائق»، در تفسیر قرآن که در حدود یکصد و بیست هزار بیت است و استادش علامه مجلسی در پشت این تفسیر تقریظی، در 1102 ق، نگاشته و در آن او را ستوده است؛ «شرح المنظومه» موسوم به «نجاح المطالب» یا «ارجوزه»، منظومه‌ای در صد بیت، در معانی و بیان، و شرح آن موسوم به «انجاح المطالب فی الفوز بالمارب»؛ رساله در «احکام صید و ذباحه»، به عربی؛ «التحفه الحسینیه»، در ادعیه؛ «سلم درجات الجنه»؛ «شرح الزیاره الرجبیه»؛ «شرح الصحیفه السجادیه»؛ «شرح الترصیف فی علم التصریف»، به نظم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تلامذه العلامه المجلسی (72 -71)، الذریعه (64/ 24 ،154 -153 ،152 -151 / 18 ،92 / 14 ،356 ،307 -306 ،145 / 13 ،220 / 12 ،430 -429 / 3 ،364 -363 / 2 ،496 / 1)، روضات الجنات (106 -105 / 7)، فوائد الرضویه (618 ،534)، گنجینه‌ی دانشمندان (117 / 1).

قمی، ابوالقاسم سعد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 301 / 300 / 299 / 297 ق)، محدث و فقیه امامی. اهل قم بود. در طلب حدیث سفرها نمود و از احادیث عامه بسیار شنید، و محدثین سرشناس آنها چون حسن بن عرفه و محمد بن عبدالملک دقیقی و ابوحاتم رازی و عباس ترقفی را ملاقات کرد. برخی گفته‌اند که او امام حسن عسکری (ع) را نیز ملاقات کرده است. سعد کتب بسیاری تصنیف نمود. از آثارش: کتاب «الرحمه»؛ «فضل النبی (ص)»؛ «فضل ابی‌طالب و عبدالمطلب و عبدالله»؛ «مقالات الامامیه»؛ «مناقب رواه الحدیث»؛ «مثالب رواه الحدیث»؛ «بصائر الدرجات»، در چهار جزء؛ «فضل قم و الکوفه»؛ «المنتخبات»، در حدود یک هزار برگ؛ «مناقب الشیعه»؛ «فضل العرب»؛ «ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه»؛ «الرد علی الغلاه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (136 -135 / 3)، الذریعه (362 ،328 ،327 / 22 ،76 ،75 / 19 ،275 ،272 ،270 ،267 / 16 ،121 / 15 ،222 ،214 ،212 -211 / 10 ،283 / 1)، رجال الطوسی (431)، رجال نجاشی (404 -401 / 1)، الفهرست للطوسی (153 -152)، معجم رجال الحدیث (87 -74 / 8).

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ عباس قمی در سال 1294 هجری قمری در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود . وی تحصیل علوم اسلامی را در زادگاه خود شروع کرد و در سال 1316 ه .ق راهی نجف اشرف شد و در آنجا به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت ؛ او اندوخته های علمی خود را در اختیار فضلا و طلاب دیگر نیز قرار داد و توانست شاگردان زیادی را تربیت نماید . محدث قمی سرانجام در سال 1359 ه. ق دار فانی را وداع گفت .گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ عباس قمی تحصیل علوم اسلامی را نزد علمای سرشناس قم آغاز کرد سپس در سال 1316 ه.ق راهی نجف اشرف شد و در جوار با عظمت و پرشکوه مولا ی متقیان امیرمومنان حضرت علی به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت.استادان و مربیان : شیخ عباس قمی به خاطر علاقه بسیار زیادی که با احادیث و اخبار اهل بیت داشت،همساز محدث نوری شد و رابطه این دو بزرگوار از استاد و شاگردی گذشت و به مرید و مرادی تبدیل شد و لذا این دوتن بسیاری از کتابهای محدث نوری را با هم استنساخ و مقابله و تصحیح می کر دند.وقایع میانسالی : شیخ عباس قمی در سال 1341 ق ، به درخواست جمعی از فضلا و طلاب شهر مشهد، در مدرسة میرزا جعفر شروع به تدریس نمود . اما حوادث خونین مسجد گوهر شا د که توسط رضا خان پهلوی صورت گرفت ، او را وادار نمود مجددا به نجف مهاجرت نماید . محدث قمی انسانی زاهدو پارسا بو د ساده زیست لباس وی عبارت بود از یک قبای کرباس بسیار نظیف و تمییز و فرش خانه اش نیز گلیم و غذایش هم بسیار ساده .او از سهم امام استفاده نمی کرد ، مردی از بازرگانان خیر تهران تا آخر عمر تبرعا وجه مختصری به ایشان می داد و وی در کمال قناعت زندگی می کرد : « روزی در نجف اشرف دو زن محترم که در بمبئی سکونت داشتند و از بستگان آقا کوچک - از محترمان نجف بودند، به حضور آن مرحوم رسیدند و تقاضا کردند هرماه مبلغ 75 روپیه برایشان تقدیم کنند ، تا از لحاظ زندگی در رفاه باشد حاج شیخ عباس از پذیرفتن آن خودداری می کند . میرزا محسن محدث زاده فرزند کوچک آن مرحوم اصرار نمود تا قبول نماید ، ولی ایشان نپذیرفت تا اینکه زنان محترم نا امیدشد ، او را ترک کردند . پس از رفتن آنها فرزند به پدر گرفت من هم دیگر از کسبه بازار برای

مخارج روزانه قرض نمی کنم .حاج شیخ عباس میگوید ساکت باش این همین مقدار هم که الان خرج می کنم ،نمیدانم فردای قیامت چگونه جواب خدا وامام زمان (عج) را بدهم در جواب این مقدار معطل هستم . و نیز در اواخر عمرش شخصی همدانی به دیدن او درنجف می زود و از و ضع داخلی ایشان جویا میشود ،مرحوم محدث قمی هر چه اصرار کرد ایشا ن نپذیرفت پس از رفتن فرد مذکور فرزند بزرگش پرسید ،پدر چرا نپذیرفتند. جواب می دهد :نازک و بدنم ضعیف است طاقت جواب خدا را در قیامت ندارم و سپس داستان امیرالمومنین در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان را نقل می کرد . آنگاه می گرید و به موعظه اهل خانه می پرداخت . در یکی از سالها مرد نیکوکاری از محدث قمی خواهش می کند که در مجلس او سخنرانی و موعظه بنماید و او را متعهدکرد که مبلغ پنجاه دینار و عراقی به ایشان بدهد اما محدث قمی گفت : من برای امام حسین به منبر می روم نه برای دیگری و ومبلغ را نگرفت .زمان و علت فوت : شیخ عباس قمی در مدت اقامت در عراق همواره به کشورها ی خوش آب و هوا سفرمیکرد لیکن در سال 1359 ه.ق به خاطر تیرگی روابط عراق و سوریه نتوانست به سوریه و لبنان مسافرت کند و در نتیجه در همان هوای بسیار گرم نجف بسر برد ، لذا این امر موجب شدت بیماری و کسالت دائمی وی شد تا ینکه نهایتا در سن 65 سالگی شب سه شنبه 23 ذی الحجه الحرام سال 1359 ه.ق فوت کرد.فعالیتهای آموزشی : شیخ عباس قمی در سال 1341 ه.ق بنا به درخواست عده ای از فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد ، آموزش درس اخلاقی را درشبهای پنج شنبه وجمعه در مدرسة میرزا جعفر شروع کرد .می گویند :قریب هزار نفر از طلاب و علمای در شهر مجالس درس وی حاضر می شد ند .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی ، از دوستان و همنشینان شیخ عباس قمی ، از وی چنین یا د می کند :محدث قمی پیوسته سرگرم کار بود ،عشقی شدید به نوشتن و تالیف و بحث و تحقیق داشت ،هیچ امری اور ا از این شوق و عشق منصرف نمی کرد ،و مانعی در این راه نمی شناخت . محدث قمی در زمان ا قامت درعراق تابستانها برای زیارت و تجدیدقوا به کشورهای خوش آب و هوای لبنان و سوریه سفرکرد.آثار : الدار النظیم فی لغات القرآن العظیم ویژگی اثر : کتاب در عین حالی که لغات قرآن را کاملا شرح داده و معانی آنها را روشن ساخته مختصر و موجز است لذا استفاده از آن بسیار آسان است در مورد همین ویژگی مولف چنین نگاشته است .هذا مختصر منیف و سفر لطیف ،عملیه فی توضیح لغات القرآن الشریف فی غایه الایجاز و الاختصار ،لیسهل علی الطا لبین تحصیله و لا تفسیر علیهم مصاحبه و تحویله این کتاب مختصر است و لطیف و بسیار نیکو ،آن را در شرح و توضیح لغات قرآن شریف در نهایت ایجاز و اختصار نگاشتن با اینکه استفاده از آن

برای خوانندگان آسان باشد وهمراه بردن و نقل و انتقالش مشکل نباشد ب:منابع و ماخذ کتاب آثار کهن و گران سنج و در نتیجه مورد اطمینان است لذا کتاب از اعتبار خاصی برخوردار است . ج:مولف صرفا بشرح لغات بسنده نکرده بلکه به مسائل صرف ونحو نیز پرداخته و میتوا ن گفت کتاب سرشار از بحثهای ادبی است . د:در لابلای مطالب به منا سبتهای گوناگون،روایات جالب وروشنگرمطلب وارد شده است .که این امرراهگشای بسیاری ازمسا یل است.[کیهان فرهنگی ، شماره 5 ، مرداد1366 ،ص 37و 38]

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی ، شماره 5 ، مرداد1366 ،ص 36

قمی، محمد بن رضا

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل گوید: آنجناب از فضلاء معاصرین بوده و گوید او راست شرح منظومه در معانی و بیان که یکصد بیت است و آن را «انجاح المطالب» نامیده و صاحب روضات گوید المولی میرزا محمد بن المولی محمد بن رضا بن المولی اسماعیل ابن جمال‌الدین المشهدی القمی مردی فاضل و عالمی عامل و جامع و ادیب و محدث و فقیه و منسر و نبیه و موثق و وجیه و از علماء زمان علامه سبزواری (جناب مولی محمدباقر ابن‌محمد مؤمن سبزواری اصفهانی) و علامه مجلسی (صاحب بحار) و مرحوم فیض کاشانی است او راست کتاب تفسیر کبیر موسوم به «کنزالدقایق و بحرالغرائب» که تقریباً یکصد و بیست هزار بیت است و سبقت نگرفته است او را به این طرز تفسیر احدی از علماء قدیماً و جدیداً و از برای اوست ایضاً کتاب کبیری در اعمال سال به فارسی که خوش طرز و پرفایده است و رساله‌ای به عربی در احکام صید و ذباحه با نهایت استدلال و غیر اینها از کتب دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از علماء و وعاظ درجه اول قم بود که در ترتیب مطالب منبری و حسن ابتکار آن ربطی عظیم داشت و منبرش برای عموم خصوصاً طبقه عوام زیاد نافع بود. در سال 1266 در قم متولد شده و در اوائل جوانی تحصیل فقه و اصول نموده و چندی هم در قم امامت جماعت داشت دارای ذوقی سلیم و طبعی سرشار بود و در مراثی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و خاندان مظلوم پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم اشعاری داشت که اکنون نزد فرزند ارجمندش حجةالاسلام آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی موجود می‌باشد.
در دوره اول مشروطی از طرف اهالی قم به وکالت مجلس شورا و پارلمان انتخاب گردید و می‌فرمود من در کتابخانه خود بدون اطلاع و خبری نشسته بودم که خبر دادند اهالی شما را به وکالت مجلس انتخاب نموده‌اند. پس در همان دوره اول به تهران عزیمت نمود و در مجلس شرکت کرد.
از آثار آن مرحوم است چهار جلد کتاب که در مواعظ و مجالس منبری ترتیب و تألیف نموده که خیلی با سلیقه و مفید و خوب نوشته‌اند. دیگر در اواخر عمر کتابی هم در فضیلت صلوات مرقوم نموده‌اند در سن 87 سالگی در سال 1351 هجری وفات نموده و در صحن کهنه مقابل بقعه محمد شاه مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قنادی، صالح

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صالح قنادی
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب صالح قنادی پس از اخذ دیپلم در رشته الکترونیک و قبولی در دانش سرای تربیت معلم و دانشگاه تهران، دروس طلبگی را در مدرسه حاج آقای مجتهدی تهران شروع کردم. از سال حدود 63 تا 67 دروس مقدماتی تا اوایل رسایل و مکاسب را گذراندم و برای ادامه تحصیل به قم عزیمت کردم و از محضر اساتید محقق داماد و استادی و اعتمادی جهت رسایل و مکاسب استفاده کردم و کفایه را نزد آیت الله قدیری گذراندم و حدود هشت سال درس فقه آیت الله میرزا جواد تبریزی و اصول آیت الله وحید خراسانی گذراندم و هم زمان رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را گذراندم و در این زمان پایان نامه سطح 3 مدارج علمی را با موضوع اجتماعی امر و نهی دفاع کردم و پایان نامه سطح 4 با عنوان صفات جمالیه و جلالیه خداوند با رویکرد تجلی صفات در نظام تکوین و تشریع و نظام آخرت. حظ عبد از این صفات به پایان رساندم و در سال 79 با موفقیت دفاع کردم. هم زمان و در ادامه سه جلد تفسیر موضوعی با عنوان مفاهیم اعتقادی در قرآن، اخلاق در قرآن و مفاهیم اخلاقی در قرآن جهت مدارس علمیه خارج از کشور تالیف کردم و با همکاری آقایان حمید محمدی و غلام علی همایی شش جلد تفسیر تربیتی بشری تدوین شده است که اکنون کتاب درسی حوزه های خواهران می باشد. هم چنین کتاب قرآن شناسی با همکاری جمعی از محققان با جمع آوری پرسش و پاسخهای دانشجویان تدوین شده است. و حدود بیست جلد کتاب پرسش و پاسخهای دانشجویی را به عنوان مسئول اداره مشاوره و پاسخ نهاد رهبری در دانشگاهها تنظیم و به چاپ رسانیدم. هم زمان به تدریس در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در موضوعات تفسیر تربیتی و تفسیر موضوعی داشته ام و به عنوان استاد راهنما و مشاور و داور حدود 10

پایان نامه را عهده دار بودم.

قوام السنه اصفهانی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(535 -457 ق)، مفسر، حافظ، محدث و لغوی شافعی. معروف به جوزی و قوام‌السنه جوزی. از ابوعمرو عبدالوهاب بن منده و عائشه بنت حسن و ابراهیم بن طیان و قاضی ابومنصور شکرویه و محمد بن احمد سمسار و احمد ذکوانی و رئیس ابوعبدالله ثقفی و عاصم بن حسن و محمد زینبی و ابوبکر بن خلف شیرازی و ابونصر سراج و عبدالرحمان واحدی در اصفهان و بغداد و نیشابور حدیث شنید. او همچنین سالی را در مجاورت مکه گذرانید و املاء و تصنیف نمود. ابوسعد سمعانی و ابوالعلاء همدانی و ابوطاهر سلفی و ابوالقاسم بن عساکر و ابوموسی مدینی و ابوسعد صائغ و عبدالله بن محمد خباز و ابوالمجد زاهر بن احمد ثقفی و محمود عبدکوی از شاگردان وی در حدیث می‌باشند. ابوموسی مدینی او را پیشگام و استاد علمای زمانش می‌داند. یحیی بن منده گوید که در عصر او مثل او نبود. او در تفسیر، معانی، اعراب و فقه سرآمد اقران بود. فتاوای او در شهر و روستا شهرت داشت. وی کتاب بسیاری به عربی و فارسی نگاشت. از آثارش: «الجامع»، در تفسیر،سی مجلد؛ «المعتمد»، تفسیری در ده مجلد؛ «الایضاح»، در تفسیر، در چهار مجلد ؛ «الموضح»، تفسیری به فارسی در چندین مجلد؛ «دلائل النبوه»؛ «التذکره»، حدود سی جزء؛ «سیر السلف»، در شرح حال صحابه و تابعین؛ «الترغیب و الترهیب»؛«شرح الصحیحین»؛ «المغازی»؛ «اعراب القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (323 -322 / 1)، الاعلام بوفیات الاعلام (356 / 1)، سیر النبلاء (88 -80 / 20)، شذرات الذهب (106 -105 / 4)، طبقات الحفاظ (464 -463)، العبر (447 -446 / 2)، الکامل (369 / 8)، کشف الظنون (1904، 1732، 1404، 760، 631، 575، 571، 558، 554، 442، 400، 211، 123)، النجوم الزاهره (261 / 5)، الوافی بالوفیات (211 / 9)، هدیه العارفین (211 / 1).

قوامی، تقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تقی قوامی
محل تولد : شهرری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1308/1/1
زندگینامه علمی
در شهر ری در خانواده روحانی چشم باز کردم؛ پدرم حضرت آیت الله میرزا محمد حسن قوام الشریعه. (که این لقب را مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله شوانی و مرحوم آیت الله دکتر مشکاة به ایشان داده اند). سطح را در محضر بزرگانی چون آیت الله علامه شوانی و همچنین آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی که شاگرد مرحوم آخوند بودند گذراندم؛ همچنین از حضرت آیت الله العظمی سلطانی طباطبایی، بروجردی وآیات عظام: خوانساری، گلپایگانی و مرعشی نجفی استفاده کرده و تا زمان این بزرگواران به مباحثه بحث خارج فقه و اصول جمعی اشتغال و پس از درگذشت این عزیزان درس خارج فقه و اصول و تفسیر می گویم و چند سالی است که برای تبلیغ داخل و خارج کشور به تربیت مبلغ مشغول هستم. منظومه هایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بصورت فکاهی و در ذم طاغوت به چاپ رسیده است.

قوشچی سمرقندی، علاءالدین علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 879 ق)، عالم، منجم، مفسر، محقق، متکلم، مدرس و ریاضیدان. معروف به ملا علی قوشچی و فاضل قوشچی. چون در نوجوانی مرغ‌بان سلطان الغبیگ و موظف به حفظ مرغان شکاری او بود به قوشچی مشهور شد. اصل و زادگاهش سمرقند بود. در آنجا اغلب علوم متداول از جمله هئیت و ریاضیات را از قاضی‌زاده‌ی رومی و الغبیگ بن شاهرخ گورکانی فراگرفت. سپس به کرمان رفت و بعد از تکمیل تحصیلات علمی‌اش به سمرقند بازگشت و به ارائه «رساله فی حل اشکال القمر» مشتمل بر حل بعض جهات اشکال قمری که از زمانهای قدیم مبهم و حل نشده باقی مانده بود دوباره به الغبیگ نزدیک شد. وی از تقرب بسیاری که در نزد سلطان الغبیگ داشت به فرزندی وی مخاطب بود. سلطان الغبیگ وی را به تکمیل رصدخانه‌ای که در سمرقند تأسیس کرده بود واداشت، و «زیج الغبیگی»، یا «زیج جدید» را که غیاث‌الدین جمشید و قاضی‌زاده‌ی رومی قبل از وی متصدی این امر بودند و قبل از مرگ نتوانستند به اتمام برسانند، با نام «سلم السماء» که شرح «زیج الغبیگ» است به اتمام رسانید. بعد از مرگ میرزا الغبیگ عازم حج شد و در تبریز مورد توجه اوزون حسن، از حکمرانان آق قویونلو، قرار گرفت و باری عقد مصالحه اوزون حسن و سلطان محمدخان ثانی عثمانی به استانبول رفت و پس از انجام وظیفه به تبریز بازگشت و به درخواست سلطان محمد فاتح به استانبول رفت و در آن جا ساکن شد و «الرساله محمدیه»، در علم حساب، به عربی، را به نام همین پادشاه نوشت و بعدها به مدرسی مدرسه‌ی ایاصوفیا منسوب شد. در استانبول درگذشت و در جوار قبر ابوایوب انصاری دفن شد.از دیگر آثار وی: حاشیه بر «شرح کشاف تفتازانی»، در تفسیر؛ شرح «تجرید الکلام» خواجه نصیر طوسی، که به «شرح جدید» نیز معروف است؛ «العنقود الزواهر فی نظم الجواهر»، در علم صرف؛ «محبوب الحمائل فی کشف المسائل»؛ «الرساله الفتحیه»، در علم هئیت، به عربی، که آن را به نام فتح‌السلطان نامگذاری کرد؛ «رساله فی علم الهیئه»، به فارسی، معروف به «هیئت فارسی»، از کتب درسی علم هئیت؛ «تفسر الزهراوین»، سوره بقره و آل‌عمران؛ «رساله فی الحمد»؛ «میزان الحساب»، در علم حساب، فارسی.[1]
(قوشچی؛ تر. بخش 1، وی باز مخصوص الغبیگ را در شکارگاه نگاه

می‌داشته) (ملا) علی علاءالدین علی بن محمد سمرقندی، عالم و ریاضی و متکلم ایرانی (ف. استانبول 879 ه.ق). وی به فرمان سلطان الغ‌بیگ مأمور تشکیل رصدخانه‌ی سمرقند گردید و زیج الغ‌بیگی را به پایان رسانید. پس از مرگ سلطان به سفر حج رفت و مورد توجه اوزون حسن آق‌قویونلو شد و از جانب وی به سفارت و عقد مصالحه به دربار سلطان محمدخان ثانی به استانبول رفت. پس از عقد صلح بار دیگر به استانبول بازگشت و مدرس مدرسه‌ی ایاصوفیا شد. از تألیفات اوست: حاشیه‌ی شرح کشاف تفتازانی، شرح تجرید خواجه، رساله‌ی محمدیه، هیئت فارسی، العقود الزواهر، محبوب الحمایل.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (162 / 5)، تاریخ ادبیات در ایران (106 -105 / 4)، تاریخ نظم و نثر 270 -269)، دایره‌المعارف (2093 -2092 / 2)، الذریعه (258 ،247 / 25 ،113 / 6)، ریحانه (496 -495 / 4)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (364 -361)، کشف الظنون (1676 ،1611 ،1479 ،1236 ،1174 ،966 ،952 ،894 ،889 ،884 ،862 ،497 ،448 ،348)، الکنی و الالقاب (96 -94 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ علاءالدین قوشچی، قوشچی سمرقندی)، معجم المؤلفین (227 / 7)، هدیه الاحباب (222 -221)، هدیه العارفین (736 / 1).

کازرونی، ابوبکر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم و پنجم ق)، حافظ و محدث. معروف به ده زور. اهل کازرون بود. به عراق و مکه رفت. در مکه از ابوالحسن احمد بن ابراهیم بن فراس عبقسی و در بصره از ابوبکر احمد بن یعقوب طائی و دیگران حدیث شنید. وی شیخی ثقه و مورد اعتماد بود. ابومحمد عبدالعزیز بن محمد بن محمد نخشبی (م 457 ق) از وی روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (14/ 5).

کازرونی، منصور

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 860 ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث و متکلم. در 858 ق مجاور مکه شد و در همان جا تا پایان عمر در حال گوشه‌گیری از مردم باقی ماند. او در مکه درگذشت. تصانیف وی را در حدود صد اثر ذکر کرده‌اند که از آن جمله: «لطائف الالطاف فی تحقیق التفسیر و نقد الکشاف»؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «حجة السفرة البررة علی المبتدعة الفجرة»، در نقد «الفصوص» ابن عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (236/ 8)، ایضاح المکنون (403/ 2)، شذرات الذهب (297/ 7)، معجم المؤلفین (12 -11 / 13).

كاشانى نجفى، مصطفى

قرن:13
جنسيت:مرد
مليت:ايران
(1337 /1336 -1268 /1266 ق)، عالم دينى، فقيه اصولى، مجتهد، مفسر، رياضيدان، اديب و شاعر. در كاشان به دنيا آمد. بعد از گذراندن مقدمات، فقه و اصول و معقول و منقول و رياضيات را در حوزه‌ى درس پدرش فراگرفت. سپس به اصفهان رفت و از محضر شيخ محمد تقى، صاحب حاشيه «معالم»، بهره گرفت، تا به درجه‌ى اجتهاد رسيد. در 1292 ق در حالى كه جامع جميع علوم و ماهر در فقه و اصول و تفسير و حكمت و رياضى بود به تهران آمد. در 1296 ق پس از فوت پدرش قائم مقام منصب او گشت و چندين سال رياست علمى و مرجعيت مذهبى مردم را عهده‌دار بود. در 1313 ق حج گزارد و در بازگشت در نجف سكنى گزيد و از علماى آنجا بهره برد و خود حوزه‌ى درس و بحث مستقل تشكيل داد و يكى از علماى بزرگ نجف به شمار آمد. در 1333 ق به همراه علماى مجاهد قيام مردمى ضد انگليس را اداره و رهبرى كرد. او سپس تا پايان عمر در كاظمين ماند و در آنجا درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «التجرى»، پيرامون مسائل اصول فقه؛ «الاجزاء»؛ «رسالة فى منجزات المريض»؛ «الاستصحاب»؛ حاشيه بر «رياض المسائل»؛ «ديوان» شعر، به عربى و فارسى.[1]
(حاج سيد) مصطفى بن (حاج سيد) حسين كاشانى‌الاصل تهرانى المسكن، از بزرگان علماى امامى (ف. 1337 ه.ق). وى سالها در تهران رياست علمى و مرجعيت عمومى داشت. او بعد از تحصيل مقدمات متداول، فقه و اصول و معقول و منقول و اخلاق و كلام و رياضيات و رجال را در جوزه‌ى درس پدر خود تكميل كرد و بعد از وفات او به اصفهان رفت ولى حوزه‌ى علمى آنجا را فراخور استعداد خود نديد. پس عزيمت نجف كرد و در آنجا يكى از مراجع علمى گرديد و حوزه‌ى دينى او مرجع استفاده‌ى افاضل بود. وى قريحه‌ى شعر نيز داشت و ديوانى هم در مناقب و مراثى معصومين دارد. او در استصحاب و تجزى و تفسير مختصر قرآن و حاشيه‌ى ارشاد علامه و حاشيه‌ى شرايع و علامت ظن و قاعده‌ى لاضرر و منجزات مريض، تأليفاتى داشته ولى اكثر آنها تلف شده (ريحانةالادب، لغ.).
برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)
منابع زندگينامه :[1] الاعلام (133 -132/ 8)، اعيان الشيعه (128 -127/ 10)، الذريعه (19/ 23 ،1055/ 9 ،102/ 6 ،25/ 2 ،350/ 3 ،275 -274/

1)، ريحانه (21/ 5)، طبقات اعلام الشيعه (413/ 13)، علماء معاصرين (112 -111)، لغت‌نامه (ذيل/ مصطفى)، المآثر و الآثار (160)، معجم رجال الفكر و الادب فى النجف (1031 -1030/ 3)، معجم المؤلفين (248/ 12).

کاشانی، عبدالرزاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرزاق کاشانی در قرن سیزدهم در کاشان متولد شد.وی چنان‌که در نامه خود به علاءالدوله سمنانی اظهار می‌دارد «در اوایل جوانی از بحث فضلیات و شرعیات فارغ شده بود و از بحث اصول فقه و اصول کلام هیچ تحقیقی نگشود». و درادامه در «بحث معقولات و علم الهی» جست‌وجو کرد و در این زمینه به درجه‌ای از کمال رسید. بر اثر این حیرت و انقلاب درونی، همچون غزالی به تصوف روی آورد از محضر اساتید برجسته آن دوران بهره گرفت.در حیطه راهنمانگاری کاشانی بدون شک یگانه است و هیچ یک از نامبرداران اندیشه خانقاهی در سرتاسر حوزه تمدن اسلامی – حتی خود شیخ اکبر هم – درخشش او را ندارد. در این زمینه می‌توان به اثر عظیم وی به نام «لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الالهام» اشاره کرد که آن را می‌توان«بزرگترین اصطلاحات‌نامه همه حوزه‌های صوفیان» نام برد. جامعیت این اثر که تلخیصی از آن با عنوان اصطلاحات‌الصوفیه نیز یکی از منابع مهم صوفیه در این زمینه است ثابت می‌کند که به حق «عبدالرزاق یکه‌تاز میدان اصطلاحات نگاری است». گروه : علوم انسانیرشته : علوم قرآنیتحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالرزاق کاشانی چنان‌که در نامه خود به علاءالدوله سمنانی اظهار می‌دارد «در اوایل جوانی از بحث فضلیات و شرعیات فارغ شده بود و از بحث اصول فقه و اصول کلام هیچ تحقیقی نگشود». پس از این دوران، روح پرتلاطم وی از جست‌وجوی آرامش و سکون بازنماند و آن را در وادی دیگر یعنی در «بحث معقولات و علم الهی» جست‌وجو کرد و در این زمینه به درجه‌ای از کمال رسید که «بهتر از آن صورت نبندد». ولی این مایه تحصیل علوم نیز نه تنها وی را از قید و سرگردانی نجات نداد بلکه «چندان وحشت و اضطراب و احتجاب از آن پیدا شد که قرار نماند و معلوم شد که معرفت مطلوب از طور عقل برتر است». بر اثر این حیرت و انقلاب درونی، همچون غزالی به تصوف روی آورد و به صحبت نورالدین عبدالصمد نطنزی، از مشایخ سهروردیه، رسید و پس از او نیز از محضر اساتید و مشایخ دیگری نظیر صدرالدین روزبهان ثانی، شمس‌الدین کیشی و اصل الدین عبدا... بهره گرفت. کاشانی با مطالعه فصوص‌الحکم با عقاید ابن‌عربی آشنا شد و این آشنایی، سرفصل مهمی در زندگی عبدالرزاق بود؛ چرا که وی با اینکه از مشایخ سهروردیه ارشاد یافته بود به یکی از بزرگترین شارحان و مروجان مکتب وحدت

وجودی پس از صدرالدین قونوی تبدیل شد، به طوری که با وجود چهره‌های برجسته‌ای در میان شاگردان و مروجان عقاید شیخ اکبر، نظیر عفیف‌الدین تلمسانی، مؤیدالدین جندی، سعید فرغانی، فخرالدین عراقی، شاه نعمت‌الله ولی و ...، کاشانی از جایگاهی والا و منحصر به‌فرد برخوردار است؛ زیرا وی با بیان ساده، روشن و محققانه به نظام‌مندی نظریات شیخ اکبر پرداخت و برخی از آثارش مثل شرح فصوص‌الحکم، تاویلات‌القرآن، لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الالهام در نوع خود بی‌بدیل است و بیش از هر اثر دیگری مورد رجوع و استفاده طالبان بوده‌است. استادان و مربیان : بر اثر حیرت و انقلاب درونی، همچون غزالی کاشانی به تصوف روی آورد و به صحبت نورالدین عبدالصمد نطنزی، از مشایخ سهروردیه، رسید و پس از او نیز از محضر اساتید و مشایخ دیگری نظیر صدرالدین روزبهان ثانی، شمس‌الدین کیشی و اصل الدین عبدا... بهره گرفت. در میان شاگردان و مروجان عقاید شیخ اکبر، کاشانی از جایگاهی والا و منحصر به‌فرد برخوردار است.چگونگی عرضه آثار : در حیطه راهنمانگاری کاشانی بدون شک یگانه است و هیچ یک از نامبرداران اندیشه خانقاهی در سرتاسر حوزه تمدن اسلامی – حتی خود شیخ اکبر هم – درخشش او را ندارد. در این زمینه می‌توان به اثر عظیم وی به نام «لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الالهام» اشاره کرد که آن را می‌توان«بزرگترین اصطلاحات‌نامه همه حوزه‌های صوفیان» نام برد. جامعیت این اثر که تلخیصی از آن با عنوان اصطلاحات‌الصوفیه نیز یکی از منابع مهم صوفیه در این زمینه است ثابت می‌کند که به حق «عبدالرزاق یکه‌تاز میدان اصطلاحات نگاری است». یکی دیگر از ویژگی‌های کاشانی تلاش وی در جهت تحکیم مبانی علمی مکتب وحدت وجودی از طریق تقریب آن با شریعت و قرآن کریم است و نامه وی به علاءالدوله سمنانی در جهت دفاع از عقاید شیخ اکبر و اثبات نبودمغایرت آن با شریعت و نیز تدوین تاویلات‌القرآن را می‌توان در این راستا برشمرد که در آن کاشانی آیات قرآنی را منطبق با مشرب وحدت وجودی تاویل کرده است. از امتیازات دیگر کاشانی، گرایش‌های شیعی وی است. عبدالرزاق به گرامیداشت اهل‌بیت و ائمه اطهار(ع)، به‌خصوص حضرت علی (ع) و امام جعفر صادق(ع)، می‌پردازد.عبدالرزاق کاشانی یکی از نام‌آوران عرصه ترویج و انتظام بنای فکری و مکتب محی‌الدین ابن‌عربی است. از وی آثار گرانسنگ متعددی بر جای مانده که برخی از آنها در نوع خود در تاریخ تصوف بی‌بدیل است. در واقع، کاشانی در شمار پرکارترین نویسندگان تمام حوزه‌های تصوف اسلامی است، چه در دوران تکامل و رواج عرفان – دورانی که با حضور شیخ اکبر و ابن‌فارض آغاز شد- کمتر نویسنده‌ای بسان کاشانی به تدوین نظرگاه‌های خانقاهیان پرداخته است، به گونه‌ای که در این دوران نه تنها دست‌نوشته‌های بزرگانی همچون

تلمسانی، جندی و فرغانی به تنوع و حجم آثار کاشانی نیست، بلکه حتی شیخ کبیر در این وادی همسان عبدالرزاق کاشانی نیست.

آثار : تاویلات‌القرآن ویژگی اثر : تاویلات‌القرآن بی‌تردید گرانسنگ‌ترین اثر کاشانی است. به جرات می‌توان آن را در میدان تفسیر باطنی قرآن اثری منحصر به‌فرد دانست، چنانکه امام خمینی (ره) در تفسیر سوره حمد خویش از آن یاد می‌کنند. در این اثر، عبدالرزاق تفسیر قرآن را به شیوه تاویلی- مبتنی بر کشف و شهود- به اختصار در 2 مجلد فراهم آورده است. مجلد اول دربرگیرنده مقدمه مؤلف و تاویل سوره‌های آغازین قرآن تا پایان سوره کهف است و مجلد دوم مشتمل بر تاویل سوره مریم تا انتهای قرآن است.تاویلات‌القرآن به عقیده «لوری» پژوهشگر آثار کاشانی اثری منحصر به فرد در زمینه تفسیر باطنی قرآن است که نه تنها در میان متشرعه، بلکه در میان تفاسیر متصوفه نیز نمی‌توان برای آن نظیری یافت. در هر صورت در میان مسلمین، صوفیه، باطنیان و اخوان‌الصفا در بسیاری از موارد به تاویل تمسک جسته‌اند و حتی از قدمای متصوفه نیز چون واسطی، شبلی، نوری و حلاج تاویل‌هایی در باب برخی از آیات قرآن نقل شده‌است. در تاریخ متصوفه، از قرن سوم به بعد، تفاسیری از بخشی از یک سوره یا قسمتی از قرآن یا تمام قرآن به دست رسیده‌است که در آنها نشانه‌هایی از ذوق و تاویل باطنی را می‌توان سراغ گرفت. «تاویلات‌القرآن» در حدود یک قرن پس از دوران شیخ اکبر و در زمانی به رشته تحریر درآمد که اندیشه متصوفه با طرح نظریات ابن‌عربی و رواج آن در محافل صوفی توسط قونوی، فرغانی، جندی و... به اوج خود رسیده بود. به‌علاوه، کاشانی که با حکمت و فلسفه نیز آشنایی داشته و از طرفی در طریقت پیرو سهروردیه بوده‌است، در تاویلات، بر پرداخته‌هایش که غالباً رنگ محی‌الدینی دارند چاشنی فلسفه و ادراک ذوقی سهروردیه را نیز افزوده است. به‌علاوه، شیوه ساده، روان، آموزشی و به دور از طمطراق‌های ادبی، آن را به اثری قابل فهم و منبعی مهم برای رجوع طالبان تبدیل کرده است. از ویژگی‌های دیگر تاویلات، ارائه کلیدها و رهنمودهایی به سالک در جهت فهم معنی باطنی آیات قرآنی است. کاشانی خود در مقدمه اثرش از این نکته به عنوان یکی از انگیزه‌های اصلی تدوین تاویلات یادمی‌کند. کاشانی در بخشی از این کتاب به تبیین مفاهیم تاویل و تفسیر و تفاوت این‌دو و نیز به مختصری از تاریخچه سیر تاویل باطنی متصوفه در اسلام می‌پردازد . او چند نوع تفسیر را از هم متمایز می‌کند: 1 - تفسیر قرآن بر اساس شواهدی از دستور زبان، علم‌اللغه، احادیث و روایات است. این رویکرد، که تفسیر ظاهری نام دارد، به برداشت ظاهری از بیانات قرآنی اکتفاکرده و به‌شدت از دخالت رای و

نظر شخصی پرهیز می‌کند. غالب تفاسیر به‌خصوص در نزد متشرعه رسمی سنی از این نوع است. 2 - تاویل، که مبتنی بر دخالت نظر و تفکر مفسّر است و خود دارای2 گرایش تاویل عقلی و تاویل کشفی است. تاویل عقلی، که جسورانه‌ترین نمونه‌های آن در مذهب معتزله نگاشته شده‌است، علاوه بر به کارگیری تمام امکانات تفسیر ظاهری، نتیجه تفکرات شخصی مفسّر را نیز در خود دخیل می‌کند. تاویل کشفی یا تاویل باطنی عبارت است از راه کشف درونی از طریق درک مستقیم و شهودی مفهوم باطنی کلمات و آیات قرآنی. تاویلات عبدالرزاق کاشانی در این گروه جای دارد. وی نیز به جست وجوی «هسته‌های تاویل باطنی» در خود قرآن کریم می‌پردازد و آیات نور، میثاق الست و آیات مربوط به معراج پیامبر(ع) را در زمره این «هسته‌ها» برمی‌شمارد. همچنین عبدالرزاق مسئله انتساب تاویلات‌القرآن به ابن عربی را مورد کنکاش قرار داده است. وی با بحثی دقیق اشتباه بودن انتساب آن به ابن‌عربی را اثبات و براهینی بر آن اقامه می‌کند: اولاً غالب نسخ خطی تاویلات به عبدالرزاق منسوب است. شیخ حیدر آملی به کرات در جامع‌الاسرار از آن یاد کرده و مؤلف آن را «ولی‌الاعظم کمال‌الحق و المله‌والدین عبدالرزاق قدس‌ا...سره» نامیده‌است. جامی و شمس‌الدین محمدابن‌حمزه‌فناری نیز در آثار خود تاویلات را تالیف عبدالرزاق کاشانی دانسته‌اند. شیخ بهایی نیز در کشکول ضمن بیان حدیثی از امام جعفرصادق (علیه‌السلام) که عیناً در مقدمه تاویلات نیز آمده‌است، می‌نویسد: «روی‌العارف الربانی مولانا عبدالرزاق‌القاسانی فی تاویلاته». به‌هرروی، هدف عبدالرزاق تفسیر مسلسل و آیه به آیه تمام آیات قرآن یا تفسیر موضوعی قرآن نیست. وی که از سویی به وجود معانی باطنی در ورای ظاهر آیات قرآنی معتقد است و از سوی دیگر اهل کشف و شهود است و از جهتی نیز دغدغه ارائه کلیدها و رهنمون‌هایی به سالکان جهت تسهیل درک معنوی قرآن را دارد، شروع به تدوین تاویل قرآن، بر اساس ادراک شهودی و با بیانی ساده و آموزشی، کرد. بنابراین، تاویلات باطنی عبدالرزاق حاصل تجربه شخصی او است. از آنجا که کاشانی، به اختصارنویسی گرایش دارد، از این رو، آیاتی با مضمون2 شرح فصوص‌الحکم لطایف‌الاعلام فی اشارات اهل‌الالهام منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

کاشانی، عبدالمطلب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، مفسر، طبیب، مورخ و شاعر. مشهور به ادیب کاشانی. سلسله نسب وی به طایفه غفاری و بنا به قول صاحب «گنج شایگان» به ابوذر غفاری می‌رسد. وی در عصر ناصرالدین شاه (1313 -1264 ق) می‌زیست. میرزا عبدالمطلب، خواهرزاده‌ی میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی صنیع الملک بود. وی در قواعد عربی، علوم ادبی، تفسیر و علم طب بی‌نظیر بود و همگان او را در فنون مزبور به استادی قبول داشتند. ادیب کاشانی تاریخی نیز تألیف کرده که گویا از بین رفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (1180 -1179/ 2)، شرح حال رجال (150/ 6)، گنج شایگان (348 -345).

کاشانی، علم الهدی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1107 ق)، فقیه، محدث، مفسر و ریاضیدان. از نوادگان صاحب «معالم» بود که در کاشان می‌زیست. از آثارش کتابی در «فقه استدلالی» است که در 1107 ق از تألیف آن فراغت یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (149 / 8)، الذریعه (288 / 16)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 488 / 12)، معجم المؤلفین (294 / 6).

کاشانی، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1292 -1365 ق)، فقیه، مفسر و زاهد. در کاشان به دنیا آمد. نسب وی به سی و چهار واسطه به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. خانواده‌ی او از خاندان‌های اصیل کاشان است. از اوایل جوانی به تحصیل نزد علمای بزرگ کاشان همچون آیت‌اللّٰه ملا محمد حسین نطنزی و آیت‌اللّٰه ملا حبیب‌اللّٰه کاشانی پرداخت. او از بسیاری از بزرگان روایت کرد و عده‌ای بسیار همچون فرزندش، آیت‌اللّٰه سید عباس کاشانی، از وی روایت کرده‌اند. در 1340 ق به عتبات رفت و در کربلا مقیم شد و مشغول به تدریس و تألیف گردید و کتابخانه‌ی نفیسی را گردآوری کرد. وی داماد آیت‌اللّٰه آقا سید محمد صادق اصفهانی، از مجتهدین و مراجع زمان خود، بود. در کربلا از دنیا رفت و در صحن مطهر امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. در سوک او شعرای بزرگ فارسی گوی و عرب اشعاری سرودند و ماده تاریخ تنظیم کردند. از آثارش: تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ تفسیر «سوره‌ی جمعه»؛ تفسیر «سوره‌ی عم»؛ تفسیر «سوره‌ی یس»؛ «ریاض الانس»، در پنج جلد؛ «کشکول کاشانی»؛ «مکارم الآثار»؛ «التحفة العلویة»؛ «مناقب آل محمد (ع)»؛ «الرحلة الحجازیة»؛ «النصیحة العالیة»؛ «حلیة المرتلین»؛ «پرتو نور»، در امامت، به فارسی.[1]
حجه‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی محقق مدقق و عابد زاهد مرحوم حاج سید علی‌اکبر حسینی کاشانی حایری والد معظم مترجم گرامی ما از اجلاء علماء و اعاظم اتقیاء عالمی جلیل‌القدر و متعبدی زاهد و منبع فیوضات ربانی بوده تولدش در سال 1292 قمری در کاشان واقع شده و در خاندان فضیلت و شرف چشم به جهان گشوده و از اوائل جوانی شخصیتی برجسته و مورد توجه و عنایت خاص و عام و منزلش ماوای فقراء و مستمندان و مرجع تهیدستان بوده است بیشتر مشکلات اجتماعی و گرفتاریهای عجیب به دستش حل می‌گشته لیاقت عجیب در قضاء و رفع خصومات داشته مدتها نزد اعاظم علماء کاشان مانند مرحوم آیت‌الله ملامحمد حسین نطنزی و آیت‌الله ملا حبیب‌الله کاشانی و غیر ایشان تلمذ نموده و از جمع کثیری از بزرگان روایت می‌کند و عده‌ای از بزرگان و علماء که از آنهاست نجل جلیل مذکورش آیت‌الله حاج سید عباس کاشانی از وی روایت می‌نمایند.
در سال 1340 قمری با یک دنیا شخصیت و عظمت که داشته مقام ارجمند

را زیرپا گذارده و به قصد عتبات عالیات مهاجرت و در شهر کربلا اقامت و مشغول به تدریس و تالیف گردیده و مولفات عدیده از خود به یادگار گذارده است که از آن جمله است:
1- تفسیر سوره یوسف 2- تفسیر سوره عم 3- تفسیر سوره جمعه 4- تفسیر سوره یس 5- ریاض الانس 5 مجلد 6- کشکول کاشانی 7- مکارم الاثار 8- التحفه العلویه 9- مناقب آل محمد 10- الرحله الحجازیه 11- النصیحه العالیه 12- حلیه المرتلین و ده‌ها کتب دیگر که تمامی آنها نزد نجل زکیش آیت‌الله حاج سید عباس موجود و به طبع خواهد رسید انشاءالله.
جمعی از بزرگان مانند حاج شیخ آقابزرگ تهرانی ترجمه آن مرحوم را در کتب الذریعه و اعلام الشیعه ذکر نموده است.
معظم‌له عالمی عابد و زاهدی بی‌بدیل و ورعی بی‌مثیل بوده و در ترویج احکام و نشر احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام سعی بلیغ داشته است وی بسی و چهار واسطه به حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌رسد و خاندان او از اجل خاندان و بیوتات اصیله کاشان بوده است مضافا بر این اصالت و نبالت داماد معظم آیت‌الله العظمی حاج سید محمدصادق اصفهانی اعلی‌الله مقامه که یکی از مجتهدین و مراجع زمان خود بودند می‌باشند. وی در روز یکشنبه 24 محرم 1365 قمری بدرود حیات گفته و روز وفاتش شورش عجیبی در کربلا برپا و تجلیل وافری از تشییع او به عمل آمده و در مقبره شخصی خود در صحن مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام مدفون گردید.
از شدت زهد و ورعی که داشت پیوسته به فرزند جلیلش توصیه می‌فرمود که (ایاک و التصدی بامر القضاء و المرجعیه و حتی الامامه) و می‌فرمود تا می‌توانی انزوا را اختیار و از شهرت‌طلبی و جاه‌پرستی پرهیز کن و علیک بتقوی الله فی السر و العلانیه وادع الی الله و روج دین اجدادک الطاهرین و لا تقصر عن نصره الدین و اهله.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (1608/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (240 -238/ 2).

کاشانی، فتح‌اللَّه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 988 ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علمای بزرگ اواخر قرن دهم قمری و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن علی بن حسن زواری، بود که به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت کرده است. او همچنین از ضیاءالدین محمد بن محمود، از مقدس اردبیلی، روایت می‌کند. در «مشیخه» سید حسین کرکی سال وفاتش 997 ق ذکر شده اما ماده تاریخ وفات وی (ملاذ الفقهاء) برابر با 988 ق می‌باشد. از آثار وی: ترجمه قرآن به فارسی؛ «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین»، به فارسی، در یکصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصة المنهج»، به فارسی، که ملخص «تفسیر منهج» است، در سه مجلد؛ «زبدة التفاسیر»، تفسیری به عربی، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج‌البلاغه»، به نام «تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین»، به فارسی؛ «کشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ی «احتجاج» طبرسی، به فارسی، که آن را برای شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است.[1]
(ملا) فتح‌اللَّه بن شکراللّه، فقیه و محقق و متکلم و مفسر امامی (ف. 988 ه.ق). وی شاگرد علی بن حسن زواری بود و به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت دارد. او در همه‌ی علوم دینی متداول متبحر بود خصوصاً در تفسیر، وی راست: ترجمه‌ی احتجاج طبرسی که به نام کشف‌الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبیه الغافلین و تذکرةالعارفین (شرح فارسی نهج‌البلاغه)، خلاصةالنهج (ملخص تفسیر منهج‌الصادقین مذکور در ذیل)، زبدةالتفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف‌الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج‌الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانةالادب، لغ.)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (392/ 8)، ایضاح المکنون (592/ 2)، تاریخ کاشان (280 -279)، الذریعه (194 -193/ 23 ،8 -7 / 18 ،23/ 12 ،234 -233/ 7 ،447/ 4)، روضات الجنات (331 -330/ 5)، ریاض العلماء (319 -318/ 4)، ریحانه (20/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 178 -177/

10)، فوائد الرضويه (346 -345)، لغت‌نامه (ذيل/ كاشانى)، معجم المؤلفين (51/ 8)، هدية العارفين (815/ 1).

کاشف‌الغطاء

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. برطرف‌کننده‌ی پرده) لقب (شیخ) جعفر بن (شیخ) خضر بن (شیخ) یحیی حلی جناحی‌الاصل و نجفی‌المسکن والمدفن معروف به شیخ اکبر و شیخ نجفی، از بزرگان علمای امامیه و فقیه و مجتهد (ف. نجف 1227 یا 1228 ه.ق) وی شاگرد آقای بهبهانی و سید مهدی بحرالعلوم و سید صادق فخام و جز ایشان بود؛ و صاحب جواهر و حجةالاسلام رشتی و شیخ محمدتقی صاحب هدایة المسترشدین و سید صدرالدین موسوی عاملی و سید جواد صاحب مفتاح‌الکرامة و شیخ عبدالحسین اعسم و حاجی کلباسی و گروهی دیگر از شاگردان اویند و از او روایت دارند. او راست: اثبات الفرقة الناجیة من بین الفرق الاسلامیة، احکام الاموات، بغیةالطالب فی معرفة المفروض والواجب (رساله‌ای است عملیه و مطلب اول آن در اصول عقاید و مطلب دوم در احکام طهارت و نماز است)، الحق المبین فیتصویب المجتهدین و تخطئة جهال الاخباریین (که در آن حقیقت مذهب طرفین را نگاشته و گوید که هر دو در اصول دین متحد و در فروع نیز مرجع هر دو فرقه، روایات ایمه 4 است و در حقیقت مجتهد اخباری و اخباری نیز مجتهد و فضلای طرفین ناجی و طعن‌کنندگان در هلاکتند)، شرح قواعد علامه (که در آن بعضی از ابواب مکاسب را تا مبحث خیارات شرح کرده)، العقائد الجعفریة، کشف‌الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (این کتاب حاکی از کثرت اطلاع و فهم و جودت فکر و حسن سلیقه‌ی او و حاوی اصول و فروع دینی است. شهرت شیخ جعفر به کاشف‌الغطاء به مناسبت نام همین کتاب است). وی نزد بزرگان عصر محترم بود و ریاست علمی داشت و بسیار حلیم و متواضع بود. مدفن او در نجف در محله‌ی عماره در مقبره‌ی مخصوص خانواده‌ی اوست. خاندان او را به نام آل کاشف‌الغطاء می‌نامند و هر یک از آنان را نیز به لقب کاشف‌الغطاء می‌خوانند، از آن جمله کسان ذیل از آن نامبردارند:
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کاشفی سبزواری هروی، معین‌الدین، حسین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 910 ق)، فقیه، محدث، حافظ، مفسر، واعظ، صوفی، ادیب و شاعر. مشهور به ملا حسین کاشفی یا ملاحسین واعظ. در سبزوار به دنیا آمد. دوره‌ی جوانی را در آن شهر گذراند و در آنجا و نیشابور و هرات نشو و نما یافت. در زمان سلطان حسین میرزای بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و با صوتی خوش آیات قرآن و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب بیان می‌کرد. وی از ملازمان امیر علی شیرنوایی بود. پس از ملاقات مولانا جامی و معاشرت با وی طریقت نقشبندیه را پذیرفت. درباره‌ی‌ی مذهب وی اختلاف است، وی را به جهت گرایش به تصوف ملازمت با امیر علیشیر نوایی و نسبت خانوادگی نزدیک به ملا عبدالرحمان جامی سنی مذهب و به جهت نگارش کتاب «روضة الشهداء» و محل رشد و تربیتش سبزوار که از شهرهای اهل تشیع بوده، شیعه مذهب دانسته‌اند. به هر حال وی در هرات به شیعه بودن و در سبزوار به تسنن اشتهار داشت. کاشفی در هرات درگذشت. از آثار وی: «جواهر التفسیر لتحفة الامیر»، به نام امیر علیشیر نوایی؛ «مختصر الجواهر»، تفسیری دیگر در حدود بیست هزار سطر؛ «جامع الستین»، در تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ «المواهب العلیة»، معروف به «تفسیر حسینی»، به نام سلطان حسین بایقرا؛ «روضة الشهداء»، در مقاتل و ذکر مصیبت اهل‌بیت (ع) و واقعه‌ی کربلا، که چون اهل منبر از روی این کتاب می‌خواندند به روضه‌خوان مشهور شدند؛ «الاربعین»، در احادیث موعظه؛ «المرصد الاسنی»، در شرح اسماء اللّٰه الحسنی؛ «اخلاق محسنی»؛ «مخزن الانشاء»، در فن ترسل که برای سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی، در 907 ق، تألیف نموده؛ «انوار سهیلی»، در تدابیر حکم و آداب از زبان حیوانات، بازنویسی از «کلیله و دمنه» نصراللّٰه منشی، که آن را برای امیر شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان حسین بایقرا نوشت؛ «اسرار قاسمی»، در سحر و طلسمات و کیمیا؛ «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، در ذکر صناعات ادبی؛ شرح «مثنوی» مولوی؛ «لب المثنوی»؛ «لب اللب مثنوی»؛ «اختیارات النجوم»، به نام «الواح القمر»؛ «السبعة الکاشفیة»، شامل هفت وسیله در علم نجوم.[1]
(بخش 1: کاشف) حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ ملقب به کمال‌الدین، دانشمند و واعظ معروف (ف. 906 یا 910 ه.ق) وی در علوم

دینی و معارف الهی و فنون غریبه و ریاضیات و نجوم دست داشت. او در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد مشغول بود و با صوتی خوش و آهنگی دلکش آیات قرآنی و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب ایراد می‌کرد. او راست: آیینه‌ی اسکندری به فارسی (در استخراج مطلوب و حاوی 8 جدول و 20 دایره) و آن را جام جم نیز گویند، الاختیارات یا اختیارات النجوم (حاوی یک مقدمه و یک خاتمه و دو مقاله)، اخلاق محسنی (ذیل فرهنگ حاضر)، الاربعون حدیثاً در مواعظ بنام الرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة (این کتاب به فارسی و حاول 40 حدیث است)، اسرار قاسمی (ذیل فرهنگ حاضر)، انوار سهیلی (ذیل فرهنگ حاضر)، بدائع‌الافکار فی صناعةالاشعار، تحفةالصلوات (به پارسی)، جامع الستین (تفسیر فارسی عرفانی و ادبی و اخلاقی و تاریخی سوره‌ی یوسف)، روضةالشهداء (ه.م) سبعه‌ی کاشفیه (7 رساله در علم نجوم)، شرح مثنوی، جواهرالتفسیر لتحفةالامیر یا عروس (عروس)، اللباب المعنوی فی انتخاب المثنوی، مختصر الجواهر (مختصر جواهر التفسیر یا عروس مذکور)، مخزن‌الانشاء به پارسی، المرصد الاسنی فی شرح اسماءاللّه الحسنی، مطلع‌الانوار، المواهب العلیة (مواهب العیله) (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] از سعدی تا جامی (681 ،647 ،646 ،645 ،644 -643 ،641 -639 ،636 ،628 ،329)، اعیان الشیعه (124 -121/ 6)، ایضاح المکنون (674 ،416/ 2 ،76/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (526 -523/ 4)، تاریخ نظم و نثر (248 -245)، حبیب السیر (346 -345/ 4)، الذریعه (194 -193/ 20 ،291 -190/ 18 ،1252 ،899/ 9 ،58 -57/ 5 ،455/ 3 ،430/ 2 ،50/ 1)، روضات الجنات (223 -217/ 3)، ریاض العارفین (231 -230)، ریحانه (32 -29/ 5)، طرائق الحقائق (114/ 3)، کشف الظنون (1916 ،1896 ،1648 ،1574 ،1305 ،398)، الکنی و الالقاب (105/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشفی)، مجالس المؤمنین (548 -547/ 1)، مجالس النفائس (93)، معجم المؤلفین (35 -34/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (816 -810/ 2).

کاشی، کمال‌الدین، ابوالغنائم عبدالرزاق

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 735/ 730 ق)، حکیم، مفسر، عارف و صوفی. از مشاهیر عرفا و متصوفه علمای امامیه بود. وی معاصر با علامه حلی و شیخ علاءالدوله سمنانی می‌باشد. مابین وی و شیخ علاءالدوله سمنانی مباحثات و مکاتباتی برقرار بوده است. کاشانی در عرفان عملی و سلوک شاگرد نورالدین عبدالصمد نطنزی اصفهانی و خلیفه او در طریقه‌ی سهروردیه بد. در «ریحانة الادب» پدر صاحب عنوان، جمال‌الدین اسحاق کاشانی سمرقندی ذکر شده است. از آثارش: «اصطلاحات الصوفیة»؛ «تأویلات القرآن» یا «تأویل الآیات»؛ «تحفة الاخوان فی خصائص الفتیان»، در آیین فتوت؛ شرح «فصوص الحکم» ابن عربی؛ «خلاصة التدبیر»؛ «رشح الزلال»، در شرح «الالفاظ المتداولة بین ارباب الاذواق و الاحوال»؛ «القضا و القدر»؛ «السراج الوهاج»، در تفسیر قرآن؛ شرح «منازل السائرین» خواجه عبداللّٰه انصاری هروی؛ «فتوت نامه»؛ «کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر»، در شرح «التائیة» ابن فارض، در تصوف؛ «لطائف الاعلام فی اشارات اهل الافهام»، در اصطلاحات صوفیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (573/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1264 ،809 ،808 ،172 ،171/ 3)، تاریخ نظم و نثر (758)، الذریعه (174/ 20 ،51/ 19 ،313 ،67/ 18 ،148/ 17 ،320 ،115/ 16 ،88/ 14 ،382/ 13 ،234- 233/ 12 ،219- 218/ 7 ،330/ 4 ،416- 415 ،303/ 3 ،122/ 2)، ریحانه (34/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 113- 112/ 8)، کشف الظنون (107، 266، 336، 984- 985، 1263، 1496، 1552، 1828)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشی)، مجالس المؤمنین (70- 69/ 2)، معجم المؤلفین (215/ 5)، نفحات الانس (484- 483، 482- 481)، هدیة العارفین (567/ 1).

کامجری مروزی، ابویعقوب اسحاق

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(246 / 245 -150 ق)، حافظ و محدث. اصل وی از خراسان و ساکن بغداد بود. از عبدالقدوس بن حبیب شامی و حماد بن زید و محمد بن جابر یمامی و عبدالوارث بن سعید و هشام بن یوسف صنعانی و کثیر بن عبداللّه ابلی، از راویان انس بن مالک، و جعفر بن سلیمان و سفیان بن عیینه و عبدالواحد بن زید و عبدالرحمان بن ابی‌زناد حدیث شنید. وی زائدة بن قدامه را ملاقات کرد. ابوداوود و، به واسطه‌ای، نسایی و عبداللّه بن احمد بن حنبل و یعقوب بن شیبه و محمد بن اسماعیل بخاری، در کتاب «الادب»، و ابوبکر احمد بن علی مروزی و عبداللّه بن محمد بن ناجیه و ابویحیی صاعقه و فضل بن سهل اعرج و ابوالقاسم بغوی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (22/ 5)، تاریخ بغداد (362 -356/ 6)، التاریخ الکبیر (380/ 1)، تذکرة الحفاظ (486 -484/ 2)، تهذیب التهذیب (203 -202/ 1)، سیر النبلاء (478 -476/ 11)، طبقات ابن‌سعد (252/ 7)، العبر (349/ 1)، میزان الاعتدال (207 -206/ 1).

کجی بصری، ابومسلم ابراهیم

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(292 -200 ق)، حافظ، محدث و مفسر. معروف به کجی و کشی. نسبتش به کج خوزستان می‌رسد. مسند زمان خود و ساکن بغداد بود. از محمد بن عبداللّٰه انصاری و عبدالرحمان بن حماد و ابوعاصم نبیل و عبدالملک بن قریب اصمعی و عبداللّٰه بن رجاء و سلیمان بن حرب و ابوولید طیالسی و عبداللّٰه بن مسلم قعنبی و عمرو بن مرزوق و سعید بن سلام عطار و سعید بن اوس انصاری و حجاج بن منهال انماطی و عثمان بن هیثم موذن و مسلم بن ابراهیم و عفان بن مسلم و عمرو بن حکام و محمد بن کثیر عبدی و جماعتی دیگر حدیث شنید. او در بغداد در رحبه‌ی غسان املای حدیث می‌کرد. در مجلس او حدود چهل هزار نفر دوات به دست برای ثبت حدیث شرکت می‌کردند و هفت نفر مستملی به ترتیب سخن او را به مستمعین دوردست می‌رساندند. ابوالقاسم بغوی و ابوالقاسم طبرانی و اسماعیل بن محمد صفار و ابوبکر نجاد و ابوبکر شافعی و حبیب قزاز و ابوبکر قطیعی و قاضی ابواحمد عسال اصفهانی و احمد بن طاهر میانجی و ابوبکر آجری و ابوسهل بن زیاد و محمد بن جعفر آدمی و عبدالباقی بن قانع و ابومحمد بن ماسی و دیگران از وی روایت کردند. در بغداد درگذشت و پیکرش به بصره منتقل و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: کتاب «السنن»؛ کتاب «المسند»؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (42/ 1)، انساب سمعانی (36/ 5)، تاریخ بغداد (124 -120/ 6)، تذکرة الحفاظ (621 -620/ 2)، سیر النبلاء (425 -423/ 13)، شذرات الذهب (210/ 2)، طبقات الحفاظ (296 -295)، طبقات المفسرین داودی (11/ 1)، العبر (422/ 1)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (422)، معجم البلدان (497/ 4)، المنتظم (363 -362/ 7)، الوافی بالوفیات (30 -29/ 6).

کرمانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(786 -717 ق)، فقیه شافعی، اصولی، محدث، مفسر، متکلم و نحوی. اصل وی از کرمان است. مدت سی سال در بغداد به نشر دانش مشغول بود و در آنجا صاحب نام و آوازه گشت. مدتی نیز در مکه اقامت کرد. در راه بازگشت از مکه به بغداد درگذشت. جنازه‌اش به بغداد منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «الکواکب الدراری»، در شرح «الجامع الصحیح» بخاری، بیست و پنج مجلد کوچک و یا چهار مجلد بزرگ؛ «ضمائر القرآن»، و مختصر آن؛ «النقود و الردود فی الاصول»؛ شرح «مختصر» ابن‌حاجب، به نام «السبعة السیارة»، که در آن هفت شرح جمع‌آوری شده است؛ شرح «اخلاق» قاضی عضدالدین ایجی؛ در معانی و بیان، که آن را «تحقیق الفوائد» نامید؛ شرح «المواقف» قاضی عضدالدین ایجی، در علم کلام؛ حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر، در چهار مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (28 -27/ 8)، کشف الظنون (1891، 1662، 1299، 546، 189، 37)، معجم المؤلفین (130 -129/ 12)، هدیة العارفین (172/ 2).

كرمانى، على اصغر

قرن:12
جنسيت:مرد
مليت:ايران
(1140 -1051 ق)، عالم دينى، مفسر و صوفى. اصل وى از مدينه بود. چون يكى از اجدادش به كرمان مهاجرت كرد به كرمانى شهرت يافتند. وى در قنوج به دنيا آمد و در همان شهر نيز از دنيا رفت. از آثارش: «اللطائف العلية فى المعارف الالهية» به شيوه‌ى «فصوص الحكم» ابن عربى؛ «تبصرة المدارج»، در علم سلوك؛ «ثواقب التنزيل»، در تفسير قرآن، همانند «تفسير الجلالين»، كه در «ايضاح المكنون» به نام «ثوابت التنزيل» آمده است.
برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)
منابع زندگينامه :الاعلام (71 -70/ 5)، ايضاح المكنون (348/ 1)، معجم المؤلفين (38/ 7)، هدية العارفين (766/ 1).

كرمانى، نورالدين، ابوالقاسم محمود

قرن:5
جنسيت:مرد
مليت:ايران
(وف بعد از 500 ق)، مقرى، مفسر، فقيه شافعى و نحوى. معروف به تاج القراء. او عالم در قراآت بود. از آثارش: «لباب التأويل و عجائب التاويل»، در دو مجلد؛ «البرهان فى توجيه متشابه القرآن لما فيه من الحجة و البيان»؛ «عجائب القرآن» يا «الغرائب و العجائب فى تفسير القرآن الكريم» يا «العجائب و الغرائب» كه تحت عنوان «لباب التفاسير» مى‌باشند؛ «الافادة»، در نحو؛ «الايجاز»، مختصر «الايضاح» ابوعلى فارسى نحوى، در نحو؛ شرح «اللمع» ابن جنى ابوالفتح عثمان موصلى، در نحو؛ «العنوان»، در نحو.
برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)
منابع زندگينامه :الاعلام (44/ 8)، كشف الظنون (1562، 1541، 1197، 1177، 1126، 241، 213، 131)، معجم الادباء (125/ 19)، معجم المؤلفين (161/ 12)، هدية العارفين (402/ 2).

کریمی والا، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا کریمی والا
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1

زندگینامه علمی
حقیر در سال 1370 افتخار ورود به حوزه را کسب نمودم. ابتدا در حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان بناب مشغول تحصیل شدم و تا سال 1374، پایه ششم را تمام نمودم. سال 1374 عازم قم شدم و دروس سطح را آغاز کردم و از محضر اساتید فیض بردم. در سال 1375 وارد دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شده و در سال 1380 پایان نامه این دوره را دفاع نمودم سپس به مدت دو سال به حوزه علیمه بناب برگشتم و دروس مقدمات را در این حوزه تدریس کردم.
بعد از بازگشت به قم شروع به تدوین پایان نامه سطح چهار نمودم و در سال 1385 پایان نامه را دفاع کردم. ضمنا از سال 77 الی 81 در درس خارج شرکت می کردم. همچنین از 83 الی 86 در دروس خارج شرکت می کردم. حقیر به مدت 8 ترم در دانشگاه آزاد تهران جنوب، به مدت 4 ترم در دانشگاه تربیت معلم تهران، به مدت 2 ترم در دانشگاه قم، همچنین امسال یعنی (87 - 86) مشغول تدریس بدایة المعارف و شرح لمعه در حوزه علمیه مدرسه معصومیه بودم و مشغول تدریس دروس معارف بودم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر کریمی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1308/1/1
زندگینامه علمی
آیت الله سید جعفر کریمی در سال 1309 هجری شمسی در روستای دیوکلا از توابع بابل و در میان خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم سید رضا کریمی، که به درخواست والده فاضله‌اش و تشویق دایی خود مرحوم آیةالله العظمی حاج سید احمد استاد مصمم بود به تحصیل علوم دینی مشغول شود. در اثر فوت والده و نیز پیش آمد مشکلات دیگر ناگزیر به پیشینه کشاورزی روی آورده و از تحصیل بازماند. مادرش نیز زنی پاکدامن و روحانی زاده بود که نقش بسزایی در تربیت فرزند خود ایفا می‌کرد.
اقوام آیت الله کریمی بیشتر از طبقهٔ برجسته و بنام روحانیان بودند و برای اشتغال به تحصیل علوم دینی ارزش فراوان قائل می‌شدند. دوران کودکی آیت الله کریمی با اوج ستم رضا خانی همراه بود. او تا پایان شهریور 1320 تنها به فراگیری قرآن در مکتب خانه بسنده کرده بود و از سال 1321 برای فراگیری مقدمات، به نزد ثقة الاسلام سید محمود موحدی رفت و بخشی از جامع المقدمات را فرا گرفت. از مهرماه 1323 به حوزه علمیه بابل رفت و تا مهر 1326 در محضر استادان و عالمان آن حوزه به فراگیری ادبیات عرب اشتغال داشت. در مهرماه 1326 عازم قم شد تا در حوزه علمیه قم و در محضر استادان و عالمان آن دیار، پله‌های پیشرفت علمی و عملی را بپیماید. دروس دوره سطح را تا سال 1332 در محضر استادان برجسته قم به پایان برد و سپس به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم مشرف شد.
در دی ماه سال 1333 به سفارش پدر، به نجف اشرف، مشرف شد تا به محضر استادان آن حوزه عظیم نیز شرفیاب شود. حضور او در نجف تا سال 1357 ادامه پیدا کرد. در طی سالهایی که امام (ره) در نجف اشرف حضور داشت، همواره به درس ایشان می‌رفت و هنگامی که دولت عراق

به محاصره بیت ایشان پرداخته و آن مرجع بزرگ را به خروج از عراق وادار کرده بود، او با گروهی، امام (ره) را تا مرز صفوان بدرقه کرد. او در طی این سالها، خود نیز به تدریس دروسی که آموخته بود پرداخت و نیز از محضر دروس اخلاق استادان خود بهره‌مند بود. آیت الله سید جعفر کریمی در سالهای تحصیل خود، به محضر استادان گرانقدر بسیاری شرفیاب شد.
او که بخشی از جامع المقدمات را نزد ثقة الاسلام سید محمود موحدی در زادگاه خود آموخته بود، در حوزه علمیه بابل، دروس مقدمات را نزد حجج اسلام حاج سید حسن استادزاده، حاج شیخ علی موحد، حاج سید محمد محقق، حاج شیخ محمد علی طبرستانی و آیت الله حاج شیخ ولی اللّه مدرس آموخت. در قم نیز دروس سطح را نزد حضرات آیات: صدوقی، شیخ محمد فکور یزدی، طباطبایی و ... به پایان رساند. سپس حدود یک سال در درس خارج آیت الله العظمی حاج شیخ مهدی امامی امیری (ره) و مدتی در درس خارج فقه آیت الله العظمی بروجردی (ره) شرکت کرد.
وی در حوزه علمیه نجف نیز، از محضر استادان بسیاری بهره برد.
او مدت هشت سال در دروس خاج فقه و اصول آیت الله العظمی آملی (ره) شرکت کرد. او مدت 24 سال در درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی خویی (ره) حضور داشت و مدت 12 سال نیز در درس خارج فقه آیت الله العظمی شاهرودی (ره) شرکت جست. در میان سالهای یاد شده، مدت چهار ماه به بحث خارج فقه آیت الله العظمی اصطهباناتی (ره) و مدت شش ماه به درس خارج اصول آیت الله العظمی یزدی (ره) رفت. او از مهر 1340 تا 1343 در درس خارج فقه آیت الله حلی شرکت کرد و مدت 3 سال در درس خارج فقه آیت الله العظمی حکیم (ره) حاضر شد.
آیت الله سید جعفر کریمی، با ورود حضرت امام خمینی (ره) به نجف اشرف، از سال 1344 تا تیرماه 1357 یعنی آخرین سال حضور امام (ره) در نجف، در درس خارج فقه ایشان، حضور مستمر داشت. آیت الله سید جعفر کریمی، در سالهای تحصیل و پس از آن با بسیاری از طلاب و فضلای آن روز رابطه دوستی و رفاقت داشت که از میان آنها می‌توان از مرحوم آیت الله سید عباس خاتم یزدی نام برد.
زندگی آیت الله کریمی، تاکنون از خدمات علمی و فرهنگی بسیار سرشار بوده است. او در سالهای تحصیل خود تقریرات درس استادان خود را نگاشته است که از میان آنها می‌توان به تقریرات درس خارج فقه حضرات آیات عظام: (حلّی و حکیم) و تقریرات درس اصول آیت الله العظمی خویی اشاره کرد. جلد چهارم تقریرات درس فقه آیت الله العظمی آملی نیز با عنوان «کشف الحقائق عن الفقه الجعفری» به چاپ رسیده است. آیت الله سید جعفر کریمی تا به حال دروس منطق، ادبیات عرب، فقه و اصول تا سطوح عالی را چندین بار تدریس فرموده است و به مدت یک سال در

مدرسه عالی قضایی و تربیتی قم و دو سال در مدرسه عالی شهید مطهری و مدرسه علوم قضایی تهران (دانشکدهٔ علوم قضایی) تدریس داشته است. آیت الله کریمی از سال 1370 در حوزه علمیه قم به تدریس خارج فقه قضا اشتغال ورزید و هم اکنون نیز چندین سال است به تدریس خارج فقه عبادات و معاملات می‌پردازد.
امام خمینی (ره) پس از ورود به نجف و ملاحظه نابسامانیهای موجود در آن حوزهٔ شریف، به آیت الله کریمی و دو تن از فضلای حوزه دستور دادند که با مذاکره با بیت آیت الله العظمی خویی (ره)، هیأت مشترکی برای تنظیم برنامه و امتحانات تشکیل دهند که این امر، با کارشکنی برخی از آقایان روبرو شد. از این رو امام (ره) تصمیم گرفت خود، به این امر اقدام نماید و مسئولیت برگزاری امتحانات طلاب و نظارت بر دفتر شهریه را به آیت الله کریمی واگذاشت. در سال 1345، تحقیق و بازنگری و تصحیح رساله عملیهٔ عربی زبدة الاحکام و رسالهٔ فارسی توضیح المسائل را امام (ره) به آیت الله کریمی واگذار کرد و در سال 1346، آیت الله کریمی با همکاری آیت الله خاتم یزدی (ره) کتاب البیع امام (ره) را تحت نظارت و اشراف ایشان، در بهترین اسلوب و در پنج جلد در نجف اشرف به چاپ رسانید. او کتاب خلل صلات امام را نیز به امر معظم له در نجف اشرف تحقیق و تصحیح کرد که بعدها در ایران به چاپ رسید.
آیت الله کریمی از سال 1347 تا پایان مدت حضور امام (ره) در نجف، نوشتن پاسخ استفتائات تحت نظارت امام (ره) را در بیت ایشان به عهده داشت. این مسئولیت در ایران نیز از سال 1358 تا پایان عمر آن مرجع بزرگ، در قم به عهدهٔ ایشان بود. او بارها برای استعلام نظر مبارک امام (ره) در زمینه‌های گوناگون به تهران سفر می‌کرد و با استاد و مراد خود دیدار می‌نمود. با انتخاب آیت الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب در 14 خرداد 1368، و در مرداد همان سال، آیت الله کریمی عهده دار پاسخ دادن به استفتائات ایشان شد که پاسخها با نظارت ایشان، هم اکنون نیز ادامه دارد. از مهر ماه 1368 تاکنون شورای افتای رهبری، غالباً هفته‌ای یک بار با حضور رهبر انقلاب تشکیل می‌شود که آیت الله کریمی همواره در آن حضور دارند. مباحث فقهی و مسائل مستحدثه به صورت استدلالی مورد بحث قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری تنظیم استفتائات در قالب کتاب را نیز بر عهدهٔ آیت الله کریمی نهادند که تاکنون دو جلد آن به چاپ رسیده است. او از زمان حضور امام خمینی (ره) تاکنون در جلسات استفتای بعثهٔ او و بعثهٔ مقام معظم رهبری حضور دارد و همواره به زائران بیت الله الحرام در مدینه و مکه خدمت می‌رساند. آیت الله کریمی از سال 1358 تا سال 1369 در شورای عالی حوزه علمیه قم حضور داشت و به برنامه ریزی درسی و اخلاقی برای طلاب و نیز برقراری جلسات امتحان نهایی

طلاب می‌پرداخت.
آیت الله سید جعفر کریمی، از سنین نوجوانی تا به امروز در عرصه‌های گوناگون سیاسی، به انجام دادن وظیفه می‌پرداخته است. او که در سنین کودکی و نوجوانی طعم تلخ استبداد رضاخانی را چشیده بود و حس مبارزه و انگیزه برچینی بساط ظلم در وجودش جوانه زده بود، در سال 1327 به جمع فدائیان اسلام به رهبری شهید مجتبی نواب صفوی پیوست و در صحنه‌های گوناگون مبارزه حضور فعال داشت. پس از کودتای 28 مرداد و اقدام جدّی حکومت ستم‌شاهی بر تعقیب و دستگیری اعضای جمعیت فدائیان اسلام به سفارش پدر برای ادامهٔ تحصیل به نجف اشرف رفت. در سال 1348 رژیم بعثی عراق، قصد انحلال حوزه علمیه نجف را در سر می‌پروراند و امام (ره) تصمیم گرفت با ازدیاد شهریه، طلاب را به درس خواندن و پایداری در برابر رژیم بعثی، تشویق کند؛ اما در حوزه علمیه نجف، افراد مشکوک و ناصالحی وجود داشتند که گاه وابسته به حزب بعث بودند و امام (ره) خوش نمی‌داشت که سهم امام را نصیب آنان کند. از این رو به آیت الله سید جعفر کریمی دستور داد که به پاک سازی حوزه از عناصر وابسته به رژیم بپردازد. این امر باعث شد که آیت الله کریمی با سازمان امنیت عراق درگیر شود و مورد احضار قرار گیرد.
از دیگر فعالیتهای وی در نجف اشرف، ورود به جمع حامیان آیت الله العظمی حکیم (ره) در مبارزه با حزب توده بود. او در کنار بارگاه مقدس علوی همواره یار و مدافع امام (ره) بود و پس از تبعید امام به ترکیه، همواره در معیت دوست دیرین حضرت امام مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ نصرالله خلخالی با برقراری جلسات توجیهی در نجف اشرف به حمایت از اهداف امام (ره) در تشکیل حکومت اسلامی می‌پرداخت. و با تنظیم تلگراف و ارسال آن به سفارتخانه‌های دولتهای اسلامی در بغداد آنان را از حوادث دنیای اسلام آگاه می‌ساخت. در سال 1356 اخبار جسته گریخته‌ای مبنی بر سوء قصد به جان امام (ره) به گوش می‌رسید. این اخبار را بیشتر عمال رژیم شاه پخش می‌کردند. امام در تاریخ 27 ذی حجه 1397 هجری قمری، آقایان سید جعفر کریمی، شیخ حبیب الله اراکی، سید عباس خاتم یزدی و رضوانی خمینی را وصی خود قرار داد و وصیت نامه را در پاکتی سر بسته تحویل آنان داد و پشت پاکت نوشته بود: این پاکت نزد جناب آقای سید جعفر کریمی محفوظ باشد و پس از فوت این جانب آن را باز کنند و مطالعه کنند.
آیت الله کریمی، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، در مسؤولیتهای گوناگونی به انجام وظیفه پرداخت. او در مرداد سال 1358 با فرمان امام (ره)، داوطلب نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی شد که با رأی مردم مازندران به آن مجلس راه یافت و در پاره‌ای از موضوعات

رابط مجلس و امام (ره) بود. در سال 1360، آیت الله کریمی به نمایندگی از سوی امام (ره) به همراه آیت الله احمدی میانجی (ره) در شورای عالی اقتصاد، بر لوایح قانونی و تنظیم برنامۀ متناسب با نظام در زمان دولت آقای میر حسین موسوی حضور داشت و در همان سال، با عضویت در دادگاه عالی انقلاب، به بازنگری پرونده‌های محاکم می‌پرداخت. آیت الله کریمی از سال 1358 به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در آمد و در طی این سالها، نقش مهم و مثبتی در احیای حوزه‌های علمیه و اعتلای اسلام ناب محمدی ایفا کرده است. او هم اکنون در قم به تدریس بحث خارج فقه معاملات اشتغال دارد و در دفتر مقام معظم رهبری به پاسخ استفتائات و خدمت‌رسانی به مردم انقلابی می پردازد.

كريمى، جلال

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلال کریمی مهرجردی
محل تولد : مهرجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب جلال کریمی مهرجردی فرزند «حبیب»، دروس ابتدایی را در مدرسه ابتدایی «فارابی» در مهرجرد و دروس راهنمایی را در مدرسه راهنمایی «ابن سینا» گذراندم. در سال 1356 وارد حوزه علمیّه میبد شدم. هر چند در دوران نوجوانی به سر می بردم ولی در راه پیمائی ها و پخش اعلامیه ها و حتی تکثیر آنها بوسیله کاربن، نقش داشتم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک سال در حوزه علمیه «مصلای یزد» و مدرسه «خان یزد» تحصیل کردم. در سال 1364 به حوزه علمیّه قم وارد شدم و پایه چهارم را ادامه دادم (از سال 1359 در منطقه محروم سیستان، بلوچستان و منطقه سوسنگرد و ... بودم).
در سال 1373 وارد مرکز تفسیر و علوم قرآن شدم که در سال 1376 در سطح چهار فارغ التحصیل شدم. از سال 1364 شروع به حفظ قرآن نمودم که پس از سه سال، بیش از 20 جزء را همزمان با تحصیل حفظ کردم. از اساتید جامعة القرآن جهت حفظ یک ساله بودم. کارشناس شبکه قرآن سیما و برنامه «آیه های زندگی» در شبکه رادیویی معارف بودم. نشریه پیام و راهنما را تهیه و ویراستاری می کردم (این نشریه مختص روحانیون سپاه می باشد). تحقیقات دوران مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز دارم.
کتاب روش حفظ قرآن در 5 مرحله را نوشتم که در دو مرحله چاپ شده است. در آزمون تفسیر قرآن کریم توسط ستاد قرآن کریم، جزء ممتازین بودم که به عمره مفرده اعزام شدم. در چندین مرحله مسابقات حفظ شرکت کردم و رتبه اول را کسب کردم. از طرف سازمان مدارس علمیّه خارج از کشور، عازم «ساحل عاج» شدم که در معهد اهل البیت (علیهم

السلام) تدریس می کردم که برای همه موضوعات تدریسی ام جزوه به زبان عربی نوشته ام.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیجان کریمی
محل تولد : محلات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از پایان تحصیلات ابتدایی با تشویق والد بزرگوارم راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل مقدمات علوم حوزوی پرداختم و از اساتید نامی چون: (حاج حسن آقا تهرانی، صلواتی، کریمی جهرمی، تقوی اشتهاردی و ...) بهره وافر بردم. در سال 1356 با شروع انقلاب اسلامی به حوزه آزاد وارد شده و در دروس فقه و اصول: «آیت الله بنی فضل» و «وجدانی فخر» شرکت جستم.
در سال 1359 در اولین دوره مدرسه «عالی تربیتی و قضایی طلاب قم» که به منظور تربیت مربی و دبیر بینش دینی از سوی شورای انقلاب تأسیس گردید؛ شرکت کرده و پس از فارغ التحصیلی در دوره کوتاه مدّت، برای تدریس در دبیرستان‌ها راهی شهرستان ایلام شده و به مدّت سه سال در دبیرستانهای این شهر به تدریس پرداختم. در کنار آن به تدریس دروس حوزوی نیز تا حدودی می‌پرداختم.
از سال 1364 مجدداً به حوزه علمیه قم مراجعت نموده و بخشی از دروس حوزه را مجدداً بازخوانی کردم. در سال 1367 در اولین دوره مرکز تربیت مدرس که به منظور تربیت استاد معارف برای دانشگاهها تاسیس گردید شرکت نمودم. پس از فارغ التحصیلی به مدّت پنج ترم در دانشگاه اصفهان و نیز در دانشگاه آزاد اراک، پیام نور ساوه و دانشگاه آزاد محلات به تدریس (معارف، تاریخ اسلام و متون ادبی) پرداختم. ناگفته نماند که در خلال سالهای 1364 ـ 1368 از دروس فقه «آیت الله ستوده» و «علوی گرگانی» بهره می‌بردم.
در سال 1368 در درس خارج فقه «آیت الله منتظری» حاضر شدم و به مدّت هفت سال از محضر ایشان استفاده کردم، از سال 1371 ـ 1373 در درس خارج اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» شرکت جستم و از سال 1371 تاکنون در مرکز (فرهنگ و معارف قرآن) به پژوهشهای قرآنی

اشتغال دارم، حاصل کار تحقیقات این دوره که به صورت کار جمعی صورت می‌پذیرد عبارتند از:
1. فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد.
2. فرهگ موضوعی قرآن (10 جلد آن تاکنون چاپ شده) که پیش‌بینی می‌شود به 30 جلد برسد.
در همین سالها مقالاتی نیز تدوین نموده‌ام از جمله: مقاله «مبانی تفسیر عرفانی امام خمینی (ره)» که در سلسله مقالات کنگره اخلاقی عرفانی امام خمینی به چاپ رسید. و در مقاله با عنوان «ویژگیهای جامعه الهی» به ستاد نشر رسانه‌ای مرکز فرهنگ و معارف قرآن ارائه گردید تا در رسانه‌های مکتوب به چاپ رسد. مقاله‌ای نیز با عنوان «حقوق خانواده در قرآن» به بنیاد پژوهشهای مشهد مقدس ارائه شد تا در مجموعه‌ای به چاپ رسد. ناگفته نماند که در خلال سالهای 1364 ـ 1370 از دروس تفسیر «آیت الله جوادی»، درس اسفار «مصباح یزدی» (از طریق نوار)، شفای «بوعلی» (تدریس مصباح یزدی و از طریق نوار)، استفاده بردم و چندی نیز در درس اسفار «انصاری شیرازی» شرکت جسته‌ام.
اینجانب در سال 1367 با وجود مأموریت‌هایی که برای تبلیغ در جبهه داشتم و با توجه به فاصله چند ساله‌ای که با دروس حوزه داشتم مجدداً در امتحانات حوزه از پایه چهارم تا نهم شرکت کردم و در سال 1367 رتبه سوم را کسب نموده و از جانب امام خمینی و آیت الله گلپایگانی (همه ممتازین و از جمله اینجانب) مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی به اینجانب اهدا شد و در روزنامه جمهوری آن زمان نیز لیست ممتازین منتشر شد. چند بار در امتحان تفسیر که از سوی ستاد تفسیر قرآن برگزار شده، شرکت کرده و هر بار جز ممتازین بوده و جوایزی دریافت کرده‌ام.
در سال 1382 جهت آماده کردن پرونده خود در شورای مدیریت، جهت نوشتن پایان‌نامه سطح چهارم حوزه در مصاحبه درس خارج شرکت کردم و پس از آن به عنوان کسب رتبه ممتاز از این حین، فوق‌العاده و نیز افزایش شهریه مقام رهبری به مدت یک سال بهره‌مند شدم. اکنون نیز در مرکز (فرهنگ و معارف قرآن) به عنوان عضو شورای علمی گروه به تحقیق در علوم و تفسیر قرآن اشتغال دارم و امیدوارم که خداوند متعال در ظل عنایات خود و حضرت ولی عصر این توفیق را از اینجانب سلب نکرده که تا آخر عمر در خدمت قرآن کریم بوده باشم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی کریمی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
مصطفی کریمی در سال 1348 در روستای «دستجرد» از استان همدان متولد شد. دوره ابتدایی را در روستای خود و دوره راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان گذراند. در سال 1367 وارد حوزه علمیه قم شد. حدود هفت سال در دروس خارج فقه و اصول از محضر: «آیت الله سبحانی»، «آیت الله مکارم شیرازی» و «حجت الاسلام و المسلمین لاریجانی» و در تفسیر از محضر: «آیت الله جوادی آملی» و در علوم قرآنی از محضر: «آیت الله معرفت» (حفظهم الله) بهره برد و در کنار دروس حوزه از سال 1369 دوره عمومی پنج ساله موسسه امام خمینی (قدس سره) را گذراند و از سال 1374 تا 1380، دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (کارشناسی ارشد) را به پایان رساند. در مراکز حوزوی و دانشگاهی فعالیتهای علمی وی در سه بخش: مدیریت علمی - آموزشی، پژوهش و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی بوده است.

کریمیان میقلان، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی کریمیان میقلان
محل تولد : فومن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/7/1
زندگینامه علمی
آقای علی کریمیان در سال 1346 هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان «فومن» دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها)، وی را رهسپار قم و در سال 1367 وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود، ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع)، با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1376 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله جوادی آملی»، «استاد فیاضی»، «آیت الله مصباح»، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «مبانی نظری» در مقطع دکترا در سال 1387 از موسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی فارغ التحصیل گردید. وی پس از طی تحصیلات، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون در دانشگاه گیلان علاوه بر تدریس، «مسئول نهاد رهبری» در این دانشگاه نیز می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل: «اسوه حسنه» و «سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه» را به رشته تحریر در آورده است.

كسائی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی کسائی
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
آقای سید علی کسائی در سال 1341 هجری شمسی در خانواده ای پاک، با صفا، متدین و کاملا آگاه به مسائل مذهبی در رشت دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون: «آیت الله باقری کنی»، «آیت الله سید حسن مصطفوی» و دیگر اساتید بهره ها برد.
وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال 1369 فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان «جنگ تحمیلی» دفاع کرد و سالهای متمادی است که در مدرسه عالی سوره، و دیگر دانشگاهها به تدریس مشغول می باشد.
ایشان در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و در کتابخانه ملی تهران مشغول تحقیق و پژوهش می باشد و آثار متعددی از جمله: «کتابخانه های ملی جهان»، «نسخه های خطی و اسلامی در جهان»، «تاریخ اوقاف در جهان» و ... را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

کسروی اصفهانی، ابوحسین علی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، حافظ، فقیه شافعی، ادیب، نحوی و شاعر. اصل وی از اصفهان و ساکن بغداد بود. معلم هارون، فرزند ابوالحسن علی بن یحیی بن ندیم، بود. او سپس به ابی النجم بدر معتضدی والی اصفهان، در زمان معتضد عباسی، پیوست. وی راوی شعر و تاریخ و سیر، و بر کتاب «العین» خلیل بن احمد مسلط بود. بین کسروی و ابن المعتز عبداللّٰه نامه‌نگاری و مراجعات بسیار بوده است و اشعار زیادی را سروده به هم ارسال می‌کردند. کسروی در عهد خلافت معتضد (289 -279 ق) از دنیا رفت. سال مرگ وی در «کشف الظنون» و «هدیة العارفین»، 330 ق ذکر شده است. از آثارش: «الخصال»، مجموعه‌ای از اشعار و حکم و امثال؛ «الاعیاد و النواریز»؛ «تأویل الاحادیث المشکلات الواردة فی الصفات»؛ «مراسلات الاخوان و محاورات الخلان»، که در «هدیة العارفین»، «مجاوبات الخلان» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (463/ 2 ،220/ 1)، ریحانه (58/ 5)، الفهرست لابن الندیم (214)، کشف الظنون (705، 1394)، لغت نامه (ذیل/ علی کسروی)، معجم الادباء (96-88/ 15)، معجم المؤلفین (247/ 7)، هدیة العارفین (678/ 1).

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1267 -1189 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، مفسر، متکلم، نحوی، عارف، ادیب و شاعر. نسب وی با سی و چهار واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. چون اهل عرفان و ریاضت‌های شاق و کشف و شهود بود به سید کشفی معروف شد. اصل وی از داراب شیراز بود. تحصیلات مقدماتی را در اصطهبانات گذراند. در 1208 ق به نجف رفت و از محضر اساتید وقت استفاده نمود و در فقه و حدیث برآمد. به تدریس و تصنیف پرداخت و مدت‌ها از مدرسین حوزه‌ی نجف بود. وی به اصرار محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، حاکم بروجرد به بروجرد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. وی همچنین در شهرهای اصفهان، یزد و اصطهبانات نیز چند سالی تدریس کرده است. او با صاحب «جواهر» و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی معاصر بود. سید حسین بروجردی، صاحب «نخبة المقال» و حاج میرزا صالح لرستانی و اورنگ زیب میرزا، فرزند حسام السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرد، و ملا عبداللّٰه بروجردی از شاگردان وی بودند. در بروجرد درگذشت. از آثار وی: «اجابة المضطرین»، در اصول دین، حاوی تحقیقات عرفانی؛ «البلد الامین»، منظومه‌ای به عربی، در علم کلام و اصول دین؛ «تحفة الملوک»، در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوا؛ «جمع الشتات»؛ «الرطب الیابس»؛ «الرق المنشور»؛ «الشریفیة»، در منطق؛ «الشموس و العکوس»؛ «صید البحر»؛ «کفایة الایتام»، در فقه، در سه جلد؛ «میزان الملوک»، در عدالت سلطان؛ «نخبة العقول فی علم الاصول»؛ «سنابرق فی شرح البارق من الشرق»، در شرح دعای رجب؛ «برق و شرق» که به آن «شرق و غرب» نیز گفته‌اند، در شرح بعضی از احادیث عرفانی؛ «دیوان» شعر.[1]
مرحوم سیّد جعفر کشفی دارابی از اعاظم علماء قرن 13 سیزدهم (1191-1267 هجری قمری) و دارای تألیفات متعدد و بسیار مشهور است که یکی از آنها کتاب معروف «میزان الملوک و الطوایف و صراط المستقیم فی سلوک الخلایف» در اندیشه سیاسی اسلام و از نشریات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی قم در سال 1357 می‌باشد. که یکی از آثار بی بدیل در روند تحولات اندیشه سیاسی در حوزه تفکر اسلامی‌بوده و از میراث گرانبهای سیاسی دانشوران سلف و به عنوان گنجینه‌ای پر ارج از دانشوران دوره قاجار تلقی می‌گردد.

باید دانست که مرحوم علامه سیّد جعفر کشفی تحصیلات مقدماتی را نزد مادر فاضل خویش آموخته و مدتی در یزد به تحصیل مقدمات مشغول و بعداً رهسپار نجف اشرف و در آنجا از محضر اساتیدی نظیر مرحوم سیّد محمّدمهدی بحرالعلوم استفاده کرده و رفته رفته به عنوان فقیه اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان، شهره آفاق گردید. از علمای جامعین مابین علم و ایقان و ذوق و عرفان شناخته شده و در اجتهاد و فتاوی شهیر و در علم تفسیر و حدیث بی‌نظیر و در ردیف اعاظم علمای امامیه در قرن 13 هجری محسوب می‌گردد و تا آنجا که آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه او را «هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر» خوانده است.
در اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار در بروجرد مقیم بوده و در سال 1267 در همان جا وفات و مدفون گردیده است. از سایر بزرگان این سلسله سیّد علی عارف کشفی و سیّد موسی نجل مرحوم سیّد جعفر کشفی و حجت الاسلام و المسلمین سیّد حجت کشفی از فقیهان حوزه علمیه قم و استاد خط ثلث در قید حیات می‌باشند. از بزرگان دیگر این خانواده، مرحوم محمّد صالح کشفی خوشنویس قرن 11 هجری که در صفحه 71 کتاب خوشنویسان اصفهان به قلم مرحوم منوچهر قدسی از او نام برده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (103)، اعیان الشیعه (85/ 4)، ایضاح المکنون (631، 58، 48/ 2 ،259/ 1)، تاریخ بروجرد (306 -303 ،296 -280 ،273 -272/ 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (90 -88/ 2)، الذریعه (97/ 24 ،327 -326 ،49/ 23 ،225/ 21 ،89 -88/ 18 ،105/ 121، 3 /87، 471، 9 /911، 10 /176- 177، 12 /232، 14 /259، 15 -120/ 1)، ریحانه (61 -60/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 242 -241/ 13)، طرائق الحقائق (455/ 3)، فارسنامه (1260/ 2)، لغت‌نامه (ذیل/ دارابی)، المآثر و الآثار (156)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1079 -1078/ 3)، مکارم الآثار (1858 -1855/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (333 -332/ 2)، هدیة العارفین (256/ 1).

کشی جرجانی، ابوزرعه محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 390 ق)، حافظ، محدث و نسابه. اصل وی از کش جرجان است. از ابوالعباس دغولی و مکی بن عبدان نیشابوری و ابونعیم عبدالملک بن محمد بن عدی جرجانی و محمد بن عبدک شعرانی و عبدالرحمان بن ابوحاتم رازی و موسی بن عباس آزاد یاری و همطبقه‌ی آنها در خراسان و عراق و حجاز حدیث شنید. قاضی ابوالعلاء واسطی و ابوالقاسم ازهری و عبدالعزیز ازجی و حمزة بن یوسف سهمی از وی حدیث شنیدند. کشی در مسجد جامع بصره املای حدیث می‌کرد. در پایان عمر در مکه مجاور شد و سالها در آنجا حدیث گفت و در همان جا درگذشت. از او گردآوریها و مصنفاتی در «ابواب» و «مشایخ» به جا ماند. صاحب «کشف الظنون» به نقل از ابن‌عبدالبر در «الاستیعاب»، کتاب «الموثق فی الانساب» را به او نسبت می‌دهد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (78 -77/ 5)، تاریخ بغداد (409 -408/ 3)، تذکرة الحفاظ (998-997/ 3)، توضیح المشتبه (336/ 7)، سیر النبلاء (45 -44/ 17)، شذرات الذهب (134/ 3)، طبقات الحفاظ (413)، العبر (180 -179/ 2)، معجم البلدان (525/ 4)، معجم المؤلفین (124/ 12)، المنتظم (66/ 9)، هدیة العارفین (56/ 2).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس کعبی
محل تولد : اهواز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام و المسلمین کعبی در سال 1341 هجری شمسی در منطقه «لشکرآباد اهواز» و در میان خانواده‌ای متدین و معتقد به مبانی مستحکم اسلام به دنیا آمد. عشق به اهل بیت (ع) و روحانیت شیعه از وی انسانی متدین و مجاهد ساخته و در همان دوران نوجوانی او را به خدمت در راه تعالی اسلام و تشیع علاقه‌مند ساخته بود. حجةالاسلام و المسلمین کعبی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مدارس اهواز سپری نمود. شرکت وی در مجالس و محافل مذهبی و حضور علمایی همچون: «حاج شیخ صالح طرفی» و «مرحوم حاج سید عبدالمطلب جزایری» در مسجد جامع لشکرآباد سبب شد تا در سن سیزده سالگی و بنا به توصیه پدر، همزمان با تحصیل در مقطع دبیرستان به مدرسه علمیه «آیةالله کرمی» رفته، دروس حوزوی را فرا گیرد.
وی در سال 1355 به حوزه علمیه اهواز رفته به صورت رسمی تحصیلات حوزوی خود را پی می‌گیرد. با اوج‌گیری انقلاب و حضور جدی در مبارزات پیش از انقلاب و نیز فعالیتهای پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی وقفه‌ای چند ساله در سیر درسی ایشان ایجاد می‌شود اما در سال 1360 مجدداً تحصیلات حوزوی را پی گرفته برای استحکام بنیهٔ علمی خود، دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی اهواز بازآموزی می‌کند.
در سال 1364 به قم مهاجرت کرده و پس از اتمام دوره سطح در درس خارج حضرات آیات: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «صافی گلپایگانی»، «جعفر سبحانی»، «سید کاظم حائری» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شرکت کرد.
حجةالاسلام و المسلمین کعبی با اهتمام ویژه‌ای که به مباحث تفسیری و معارف اسلامی داشت از محضر حضرات آیات: «مشکینی»، «جوادی آملی»، «مصباح یزدی» و «مظاهری» کسب فیض نمود. وی در طول

سالهای تحصیل خود در درسهای اخلاق شرکت می‌جست و به تهذیب نفس (به عنوان مهمترین دغدغه درسی خود) اهمیت بسیار می‌داد. حجةالاسلام و المسلمین کعبی همزمان به تحصیل در دانشگاه نیز پرداخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مجتمع آموزش عالی قم و مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را به پایان رساند.
حجةالاسلام و المسلمین کعبی فعالیتهای بسیاری را در زمینه تدریس و تألیف به انجام رسانده است. او تدریس علوم دینی را از آغازین سالهای طلبگی شروع کرده و تاکنون به تدریس دروس بسیاری از جمله تدریس کتابهای: (لمعه، رسائل، مکاسب، حلقات اصول شهید صدر و نیز شش سال خارج فقه و اصول) توفیق یافته است. همچنین مباحثی نظیر: (علوم حدیث، درایه، نهج البلاغه، تاریخ اسلام، ولایت فقیه، فلسفه و فقه روابط بین‌الملل) را بارها تدریس فرموده‌اند. استاد کعبی در دانشگاه نیز دروسی همچون: (فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، نظام حقوقی در اسلام، دولت و نظام سیاسی در اسلام، حقوق کار و ...) را بارها تدریس کرده است. وی همچنین بیش از پنجاه دوره حقوق اساسی را تدریس کرده است.
او در زمینه مباحث فقهی و حقوقی دارای تألیفات بسیاری است که از آن جمله می‌توان به کتاب: «الحصیله فی حکم الجهاد الابتدائی فی عصر الغیبة»، «احکام المیت»، «النظام القانونی فی الاسلام مقارناً بالنظم الوضعیة المعاصرة»، «فلسفه سیاست» و ... اشاره کرد. بسیاری از جزوات و دست نوشته‌های ایشان به عنوان کتب درسی در مراکز حوزوی و دانشگاهی در حال تدریس است. جزواتی نظیر: «علوم الحدیث و الدرایة»، «مصادر الحدیث»، «مجموعه درسهایی از نهج البلاغه»، «ضمانت اجرائی قانون اساسی»، «تبیین ولایت فقیه از منظر فقهی، حقوقی و سیاسی». ارائه مقالات علمی در همایشها، ضمن طرح راهکارهای مناسب در حل برخی معضلات و پرسشهای فقهی و حقوقی از ویژگیهای بارز استاد کعبی است. بیشترین این مقالات در زمینه‌های فقهی و حقوقی بوده که از جمله آنها می‌توان به «نوآوریهای فقهی آیةالله نائینی و آیةالله شیخ فضل الله نوری»، «کنکاشی در اختیارات رهبری»، «شیوه مجازات اسلامی و اجرای علنی حدود» و «دبیر علمی همایش مردم سالاری دینی» که مجموعه مقالات آن در دو مجلد منتشر گردید، اشاره کرد.
او در کارنامه خود، سفرها و مصاحبه‌های علمی بسیاری را به ثبت رسانده که «حضور در کنفرانس دین و توسعه دانشگاه بیروت» و «انجام مصاحبه و مناظره با آقای تیموتی ویلیام واترز استاد دانشگاه هاروارد در کنفرانس حقوق بشر» از آن جمله‌اند. فعالیتهای علمی و فرهنگی، استاد کعبی را از فعالیتهای گوناگون در عرصه سیاست باز نداشته است. او که همواره

پایبندی خود را به امام (ره)، نظام و ارزشهای انقلاب اعلام داشته از سنین نوجوانی در فعالیتهای مبارزاتی پیش از انقلاب حضوری جدی داشته است.
پس از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی در زمینه محرومیت زدایی و توزیع زمین برای خانه سازی محرومان و نیز مبارزه با گرانفروشی حضوری جدی داشت.
با شروع جنگ تحمیلی وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و فعالیت‌های فرهنگی و نظامی خود را در بخش عربی سپاه آغاز کرد. در سال 1360 به لبنان رفت و همراه با شهید سید عباس موسوی دبیرکل سابق حزب الله لبنان و سیدحسن نصرا... به سازماندهی تشکیلات حزب الله پرداخت. او مدت 46 ماه از عمر خود را در جبهه‌های دفاع مقدس گذرانده و دو بار نیز در مناطق عملیاتی مجروح شده است. از جمله فعالیتهای حجةالاسلام و المسلمین کعبی در این عرصه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، مخبری کمیسیون سیاسی ـ اجتماعی، نائب رئیسی کمیسیون حراست و پاسداری از ولایت فقیه و نیز عضویت در کمیسیون تحقیق است. استاد کعبی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از حقوقدانان شورای نگهبان است.

کلابادی بخاری، شمس‌الدین، ابوالعلاء محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(644 -700 ق)، فقیه حنفی، حافظ و محدث. نسبت وی به کلاباد بخارا می‌رسد. در خراسان و بغداد و شام و مصر به فراگیری علم و دانش پرداخت، تا از عالمان دین و از مفتیان آگاه به حدیث شد و تصانیفی در فرائض نگاشت و حلقه درس و اشتغال برقرار کرد. او در ماردین، شمال عراق، درگذشت. از آثار وی: «ضوء السراج» در شرح «الفرائض السراجیة»، و مختصر آن «المنهاج المنتخب من ضوء السراج»؛ کتابی در «مشتبه النسبة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8 /42)، شذرات الذهب (5 /457- 458)، کشف الظنون (1249).

کلابادی، ابونصر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(398 / 378 -323 ق)، فقیه حنفی، حافظ و محدث. از کلاباد بخارا بود. از هیثم بن کلیب شاشی و عبدالمؤمن بن خلف نسفی و ابوجعفر محمد بن محمد بغدادی الجمال و عبداللّٰه بن محمد بن یعقوب استاد و علی بن محتاج کشانی و محمد بن محمود بن عنبر نسفی و محمد بن احمد بن خنب و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. ابوالحسن دار قطنی در کتاب خود «المدبج» و حاکم نیشابوری و جعفر بن محمد مستغفری و دیگران از وی روایت کرده‌اند. دار قطنی وی را در حدیث ثقه دانسته است و حاکم او را دارای فهم و شناخت عالی معرفی کرده و مستغفری گوید که او پرحافظه‌ترین فرد زمان خود در ماوراء النهر بوده است. ابوسعید خلیل بن احمد سجزی نیز از وی حدیثی روایت کرده است. کلابادی در بخارا درگذشت. از آثار وی: تصنیفی در شناخت رجال «صحیح» بخاری به نام «الارشاد فی معرفة رجال البخاری» یا «الهدایة و الارشاد فی معرفة اهل الثقة و السداد» یا «اسماء رجال صحیح بخاری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (114/ 5)، ایضاح المکنون (724/ 2)، تاریخ بغداد (435 -434/ 4)، تاریخ نیشابور (152)، تذکرة الحفاظ (1027/ 3)، سیر النبلاء (96 -94/ 17)، شذرات الذهب (151/ 3)، طبقات الحفاظ (423)، العبر (193/ 2)، کشف الظنون (555 ،88)، معجم المؤلفین (95/ 2)، وفیات الاعیان (211 -210/ 4)، هدیة العارفین (69/ 1).

کلانتری، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم کلانتری
محل تولد : مرودشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ابراهیم کلانتری پس از اتمام دوره ابتدایی در روستای محل تولد (شوراب) برای فراگیری علوم اسلامی به مدرسه علمیه «حضرت امام صادق (علیه السلام)» شهرستان «مرودشت» آمدم. پس از یکسال با اوج گیری انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) مدتی حوزه تعطیل گردید که بنده در این مدت به فعالیتهای انقلابی مشغول بودم تا اینکه مجدداً دروس حوزه دایر گردید و بنده نیز به تحصیل ادامه دادم. در سال 1360 هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه «آقا باباخان شیراز» عزیمت نمودم و تحصیلات حوزوی را در این مدرسه تا سال 1364 ادامه دادم. همزمان با تحصیل در شیراز و بازگشایی دانشگاهها پس از انقلاب فرهنگی، چند نیم سال تحصیلی در دانشگاه شیراز به تدریس دروس عمومی از قبیل: (صرف و نحو عرب، منطق و متدولوژی) مشغول بودم. تابستان 1364 برای ادامه تحصیل علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم و به صورت ممحض به تحصیل مشغول بودم.
از محضر ارجمند حجج اسلام: (خدایی، موسوی نژاد و موحد شیرازی) در شهرستان و در قم از محضر بزرگان حوزه حضرات آیات: (اعتمادی، پایانی و ستوده) و دروس خارج را از محضر حضرات آیات: (جعفر سبحانی، وحید خراسانی و فاضل لنکرانی) بهرهمند شدم. تحصیلات در حوزه قم تا تابستان سال 1373 ادامه داشت. همزمان با تحصیل در حوزه قم، دروس متوسطه را ادامه دادم و سال تحصیلی 71 - 70 پس از قبولی در مرکز تربیت مدرس، کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را آغاز و در تابستان 1374 از رساله کارشناسی ارشد تحت عنوان: «تکامل زیستی موجودات زنده و پیامدهای کلامی آن» دفاع و با درجه عالی و نمره 19 به پایان رساندم.
از بهمن ماه 1375 در مقطع دکتری الهیات گرایش (علوم قرآن و حدیث)

تحصیل خود را آغاز و پس از اتمام واحدهای نظری به تحقیق در موضوع «قرآن و چگونگی پاسخگویی به نیازهای زمان» پرداختم. در دی ماه 1381 از رساله دکتری خود تحت همان موضوع دفاع کردم و با نمره 23/17 و درجه خوب فارغ التحصیل شدم. از سال 1373 (مهرماه) به دانشگاه اصفهان عزیمت نمودم و همزمان با فعالیتهای دینی، فرهنگی در مسئولیت «نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه مذکور»، به تدریس دروس الهیات و معارف اسلامی مشغول شدم. در طول سالهای تدریس در دانشگاه، علی رغم گرفتاریهای بسیار کاری در موضوعات مختلفی نیز به تحقیق و پژوهش پرداختهام. نتایج برخی از پژوهش ها تا کنون منتشر گردیده اما نتایج برخی نیز هنوز به مرحله انتشار نرسیده است. در حال حاضر عضو هیأت علمی دانشگاه هستم و با مرتبه استادیاری به تدریس در دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها) مشغول میباشم.

کمره‌ای، خلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1317 -1405 ق)، فقیه، اصولی و استاد. در کمره، از توابع خمین، به دنیا آمد. پس از کسب علوم مقدماتی در جاپلق، به خوانسار رفت و در محضر آخوند ملا محمد بیدهندی و سید علی اکبر بید هندی و آقا سید احمد جاده‌ای تلمذ کرد. در 1337 ق به سلطان‌آباد (اراک) رفت و از شاگردان نخست آیت‌اللّٰه حایری گشت و علم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی آموخت، و نزد سایر اساتید علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را فراگرفت. در 1340 ق ساکن قم شد. و به افاده و استفاده مشغول گشت، و از درس میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره گرفت و «اسفار» را نزد آیت‌اللّٰه رفیعی قزوینی و حدیث را از محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّٰه شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و آیت‌اللّٰه سید محسن جبل عاملی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌اللّٰه حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تکمیل کرد و اجازه‌ی اجتهاد و نقل حدیث از استادان خود گرفت. از این زمان به حاج میرزا خلیل مجتهد معرف شد و خود به تدریس «کفایه» و «مکاسب» و اصول فقه و معقول و هیئت و هندسه پرداخت. او از مدرسین معقول و منقول حوزه و دانشگاه بود و مدت‌ها به تدریس «تفسیر» ی که بر قرآن نوشته بود اشتغال داشت. دکتر خزائلی، آیت‌اللّٰه طالقانی، آیت‌اللّٰه کاظم گلپایگانی، حجةالاسلام انصاری قمی و حجه‌الاسلام تربتی از شاگردان وی بودند. در 1354 ق در رابطه با مسأله کشف حجاب دستگیر و زندانی و پس از یک ماه آزاد شد. آیت‌اللّٰه کمره‌ای در 1371 ق، به همراه آیت‌اللّٰه سید محمود طالقانی و آیت‌اللّٰه سید رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی به پاکستان دعوت و در کراچی، به ریاست مؤتمر عالم اسلامی انتخاب شد. در 1379 ق با همین سمت به بیت‌المقدس رفت و به دستور آیت‌اللّٰه بروجردی با شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، درباره‌ی اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در 1395 ق، پاپ پل ششم، پیشوای کاتولیکهای جهان، توسط سفارت واتیکان در تهران، دوازده مشکل کلامی را از وی استعلام نمود و پاسخ ایشان به فرانسه ترجمه و ارسال شد. از آیت‌اللّٰه کمره‌ای در حدود هفتاد اثر به جای مانده است از جمله: شرح «نهج‌البلاغه»، در بیست و سه جلد؛ «عنصر شجاعت»، در هفت مجلد؛ «افق وحی»؛ «افق اعلی»؛ «ملکه اسلام»؛ «علی و الزهراء»؛ «قبله اسلام»؛ تفسیر «سوره‌ی نور»؛ «آثار

مقدس، احادیث و اخبار اسلام»؛ «علم الحدیث و طبقة الکبری»؛ «اسرار حج»؛ «بیت‌المقدس و تحول قبله»؛ «مادر، وظائف زن در اسلام».[1]
حاج میرزا خلیل کمره‌ای دامت برکاته از علماء و حکماء و دانشمندان و نویسندگان طراز اول تهرانست که در خیابان زرین نعل ساکن و در مسجد معروف فخرالدوله واقع در دروازه شمیران اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین نموده و تنویر افکار و قلوب ارادتمندان و دانش جویان و حقیقت طلبان را می‌نمایند.
در سال 1317 قمری برابر 1276 شمسی در جنوب جلگه کمره که بسیار حاصلخیز و پر برکت و از قدیم مسکن شیعیان خالص بوده در بلد کوهستانی و سرچشمه رودخانه‌ها چشم بجهان باز کرده و پس از پرورش در آن هوای آزاد و تحصیل علوم ابتدائی و مقدماتی برای کسب علوم عالیتر مجبور به هجرت از وطن شده و برای ادامه تحصیلات خونسار را که یکی از زیباترین مناطق کوهساری بشمار می‌رود انتخاب نموده و در آنجا از محضر یکی از اوتاد زمان بنام آخوند ملا محمد بید هندی علاوه بر تحصیل مقدمات و فنون علم و قرائت قرآن از پارسائی و وارستگی محضر آن مرد روحانی بیش از پیش استفاده نموده و در سال 1337 قمری با فوت مرحوم آخوند بید هندی برای ادامه تحصیلات نزد مجتهد بزرگوار حاج سید علی اکبر بیدهندی و آسید احمد جاده‌ای رهسپار شده و از محضر آن دو عالم ربانی استفاده شایان نموده و در نوروز همان سال بکمره برگشته و در سن بیست سالگی تأهل اختیار کرده و برای تحصیلات بیشتری به شهرستان اراک که مرکز علم و دانش بوده آمده و مشغول ادامه تحصیل شده و سه سال تمام در اراک علوم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد آقای سید محمد بروجردی و هم چنین درس خارج را در سال 1340 قمری از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی تلمذ نموده و در نوروز آنسال که آن مرحوم به قم مهاجرت و تشکیل حوزه دادند بنا بر دعوت آن مرحوم با قافله‌ای از طلاب کاروانی تشکیل و با وسائل آن روز به قم رهسپار شده و اقامت نمودند.
در آن موقع استاد فسلفه و حکمت قم مرحوم حاج میرزا علی اکبر یزدی مدرس و همدرس مرحوم فیلسوف شهیر میرزا جهانگیر خان قشقائی که در عصر خود بی نظیر بوده، دوره فلسفه و حکمت حاجی سبزواری و فلسفه عالی صدر المتألهین و دوره ریاضیات را نزد حکیم مزبور فراگرفته و نیز دو دوره درس اصول و یکدوره درس خارج فقه را در حوزه مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی تلمذ نموده و این دروس بالغ بر چهارده سال که در قم اقامت داشتند ادامه داشت و طرز اصول اصحاب سامرا را بوسیله آیت‌اللّٰه حایری و اصول اصحاب نجف را بوسیله دیگران مانند آیت‌اللّٰه

میرزا سید علی یثربی کاشانی فراگرفته و از مقایسه بین دو طرز اصول و تکمیل فلسفه و معقول و غور در مباحث عقلی که پیش آمده بود لذت وافری می‌بردند.
متعاقب آن بتدریس کفایه و مکاسب و اصول فقه و معقول و همچنین بتدریس هیئت و هندسه مشغول بودند.
در سال 1354 ق که غائله تغییر لباس پیش آمد ایشان تبعید به تهران شده و حدود یک ماه زندانی شده آنگاه بقید توقف در تهران آزاد گردیده و تاکنون چهل سال است که در عاصمه تشیع بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
در سال 1367 ق بمکه معظمه مشرف شده و در سال 1371 ق بدعوت شعوب المسلمین پاکستان بکراچی رفته و در آن حفله و کنفرانس بزرگ اسلامی بیاناتی ایراد نموده که موجب اعجاب همگی گردیده و نیز سفری به بیت المقدس نموده و در مؤتمره اسلامی آنجا شرکت کرده و هم در کنگره اسلامی حجاز و مکه معظه دعوت شده در تمام این مراحل نداء شیعه را که مغز و لب و حقیقت اسلام است ظاهر نموده و اثرات عمیقی در روح دانشمندان مسلمین گذارده است.
نگارنده گوید: علامه کمره‌ای از دانشمندان بزرگواریست که بسهم خود خدمات بسیار ارزنده از راه بیان و قلم بعالم اسلام نموده است. تألیفات و تصنیفات آموزنده‌ای شاهد این گفتار و گواه این مدعا است و فهرست آن در رساله‌ی جداگانه‌ای بطبع رسیده با شرحی از کتب مفیده آنجناب که اسامی آنها را می‌نگارم:
1- کتاب افق وحی 2- کتاب افق اعلی نگاهی بچهره محمد و علی علیهماالسلام 3- علی و الزهراء- سرچمشه آب حیات 4- ملکه اسلام فاطمه زهراء علیهاسلام 5- ترجمه قصیده النبی محمد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم 6- نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان 7- نهج‌البلاغه و جنگ 8- پیام میلاد امیرالمومنین علیه‌السلام بسلاطین اهل قبله 9- کتابی بقلم امیرالمؤمنین علیه‌السلام 10- نامه کودک در مسجد 11- محنت اسلام 12- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن جلد اول 13- جلد دوم عنصر شجاعت 14- جلد سوم عنصر شجاعت 15- جلد چهارم عنصر شجاعت (مسلم بن عقیل) 16- چند مرحله از زندگانی امام حسین 17- تاج مأمون‌الرشید 18- مجلس مباحثه امام رضا علیه‌السلام با عمران صابی 19- فلسفه غیبت امام زمان عجل اللّٰه فرجه 20- امامزاده عبداللّٰه علیه‌السلام در ری 21- شرح حال محمد بن ابی‌بکر 22- پیام ایران بنجد و حجاز و مصر 23- امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری 24- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم‌السلام 25- قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام 26 - بیت المقدس و تحول قپله 27- آفاق کعبه 28- پنج رساله در حج و

قبله 29- نهیب پیغمبر صلی اللّه علیه و آله بملوک و امراء و فقهاء علماء از خیف منی 30- کلید امن جهان 31- کلید امن دنیا 32- رساله مناسک و مسائل حج و عمره 33- ندائی از سرزمین بیت المقدس 34- اجتماع پیرامون خانه تقدیس 35- اسرار حج 36- تفسیر سوره نور 37- ندای اذان و ثواب آن بفارسی 38- دروس متون احادیث 39- الحدیث عند الشیعه تا تاریخ تدوین حدیث 40- تصحیح تفسیر دانشگاه (بفارسی) 41- غروب آفتاب در اندلس 42- کتاب مادر 43- مقدمه مواقع النجوم 44- تحشیه رساله لقاء اللّٰه 45- تصحیح و تحشیه مراقبات السنه 46- من روح الفرج بعد الشده (بعربی) 47- مقاله در سالنامه نور دانش سال 1326 تحت عنوان اسرار موت و حیات 48- آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام 49- علی علیه السلام و آل‌محمد صلی اللّٰه علیه و آله 50- آل رسول‌اللّٰه 51- رابطه عالم اسلامی بزبان فارسی در جواب علماء کردستان 52- رابطه عالم اسلامی قبس من ولاء علی علیه‌السلام بزبان عربی 53- آراء ائمه الشعیه الامامیه فی الغلاه.

آثاری که آماده طبع است

1- جلد پنجم عنصر شجاعت 2- جلد دوم قبله اسلام 3- جلد دوم افق اعلی 4- تفسیر تعدادی از سور قرآن 5- جلد دوم سرچشمه آب حیات 6- جلد دوم افق وحی 7- جلد دوم دروس متون احادیث 8- پیام بلال حبشی مولای رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم از با کعبه بسیاهان جهان 9- ترجمه کتاب الاسلام علی مفترق الطرق.

معظم له دارای فرزندان برومندی می‌باشند که در میان آنان دانشمند معظم و فاضل برومند جناب آقای حاج میرزا محمدحسن ناصر آقای کمره‌ای بفضل و تقوا و اطلاعات عمیقی موصوف و بیشتر امور والد ماجدش بدست با کفایت و نظر صائب او انجام می‌گیرد.

علم ربانی.

تولد: 1317(1276 ق.)، کمره از توابع اراک.

درگذشت: 19 مهر 1363، تهران.

آیت‌الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قرائت قرآن را فراگرفت. با فوت ملا محمد بیدهندی به نزد سید علی‌اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال 1337 ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی اراک (مدرسه‌ی سپهدار) که توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اولین شاگردان حوزه‌ی علمیه‌ی وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد

سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال 1340 ق. نزد آیت‌الله حائری یزدی تلمذ نمود.
در سال 1339 ق. از حوزه‌ی علمیه‌ی اراک به همراه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به قم منتقل شد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت در درس خارج آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی نیز حاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی معروف به «حکیم» تلمذ می نمود پس از وفات آقا میرزا علی‌اکبر حکیم الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکره‌ی بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با حضرت امام (ره) و آیت‌الله میرزا عبدالله تبریزی مذاکره می نمود.
اساتید دیگر وی عبارتند از: آیت‌الله ملکی تبریزی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله محدث قمی و علامه عاملی. آیت‌الله کمره‌ای سپس در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فسلفه پرداخت.
آیت‌الله کمره‌ای در سال 1341 ق.، به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضاشاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال 1371 ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال 1379 ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشاره‌ی آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رییس جامع‌الازهر، درباره‌ی فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تششیع، به قاهره رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال 1385 ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.
آیت‌الله کمره‌ای در سال 1349 در هزاره‌ی شیخ طوسی درباره مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.
آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهپیمایی تاسوعای 1375 به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حمله عراق به ایران با نوشتن مقاله «عرب این ننگ را به کجا می بری؟»، در روزنامه‌ی، «اطلاعات» به حمایت از موضع به حق ایران برخاست.
آیت‌الله کمره‌ای در دوره‌ی دکترای دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.
از آثار وی می توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر سوره‌ی نور (در دو مجلد)؛ عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (در تراجم شهدای کربلا، چهار جلد)؛ شرح نهج‌البلاغه؛ نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان؛ نهج‌البلاغه و جنگ؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا؛ نوید اسلام؛ ندای اذان و احادیث استحباب آن؛ مادر و وظیفه زن در اسلام؛ فتح مکه غروب آفتاب

در اندلس؛ اسرار حج؛ قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام؛ یک دوره کامل تفسیر قرآن؛ افق وحی؛ افق اعلی؛ نگاهی به چهره محمد (ص) و علی (ع)؛ علی و الزهزاء سرچشمه‌ی آب حیات؛ ترجمه قصیدةالنبی (ص) پیام امیرالمؤمنین به سلطان اهل قبله؛ کتابی به قلم امیرالمومنین (ع) نامه‌ی کودک در مسجد، محنت اسلام؛ چند مرحله اسلام؛ چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)؛ تاج مأمون‌الرشید؛ مجلس مباحثه‌ی امام رضا (ع) با عمران صایی؛ فلسفه غیبت امام زمان (ع) (عج) امامزاده عبدالله (ع) در ری؛ شرح حال محمد بن بکر؛ پیام ایران به نجد و حجاز و مصر؛ امناءالهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری؛ خواب دیدن ائمه اطهار (ع)؛ بیت‌المقدس و تحول قبله؛ پنج رساله در حج و قبله؛ کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ رساله مناسک و مسائل و حج و عمره؛ ندایی از سرزمین بیت‌المقدس؛ اجتماع پیرامون خانه مقدس دروس متون احادیث؛ الحدیث؛ تصحیح تفسیر دانشگاه (به فارسی)؛ کتاب مادر؛ مقدمه مواقع النجوم؛ تحشیه رساله لقاءالله؛ تصحیح و تحشیه مراقبات السنه، من روح الفرج بعد الشدة (به عربی)؛ آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام؛ علی (ع) و آل محمد؛ آل محمد رسول‌الله؛ رابطه اسلامی (به زبان فارسی)؛ در جواب علمای کردستان؛ رابطه‌ی عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع) به زبان عربی؛ آراء ائمه الشیعه فی الغلاة نهیب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی. آثاری که آماده طبع است: جلد پنجم عنصر شجاع؛ جلد دوم قبله اسلام؛ جلد دوم افق اعلی؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم سرچشمه آب حیات؛ جلد دوم افق وحی جلد دوم دروس متون احادیث؛ پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان؛ ترجمه کتاب علی مفترق‌الطرق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینه دانشوران (493 -491، 188 -187)، الذریعه (219/ 22 ،44/ 17 ،352/ 15 ،126 -125/ 14)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 705 -704/ 13)، عنصر تلاش و کوشش، گلزار معانی (582 -566)، گنجینه‌ی دانشمندان (43/ 5 ،540 -535/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (35 -32/ 3).

کوتاه اصفهانی، ابوحامد محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 583 ق)، حافظ و محدث. از حفاظ حدیث بود که به شناخت آن شهرت داشت. در نوجوانی و جوانی احادیث بسیار شنید و تمای آنها را به خط خویش نگاشت. از آثار وی کتاب «اسباب الحدیث» به سبک «اسباب النزول» واحدی است. او همچنین کتابی بزرگ در «تاریخ اصفهان» جمع‌آوری کرد که موفق به تدوین آن نگشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (56/ 7)، الوافی بالوفیات (218/ 3).

کوتاه جویباری اصفهانی، ابومسعود عبدالجلیل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(553 -476 ق)، حافظ و محدث. از رزق اللّٰه تمیمی و ابوبکر بن ماجه ابهری و قاسم بن فضل ثقفی و احمد بن عبدالرحمان ذکوانی و ابن‌اشته و عده‌ای از یاران ابوسعید نقاش و ابونعیم و ابوطاهر بن عبدالرحیم حدیث شنید. او در علم و اخلاق یگانه دورانش بود و در حدیث از شناخت کافی برخوردار بود. مدتی که در اصفهان بود با پدر سمعانی مصاحبت داشت. کوتاه سفری به نیشابور نمود و از عبدالغفار شیروی حدیث شنید. ابوالقاسم بن عساکر و یوسف بن احمد شیرازی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعان (107/ 2)، تذکرة الحفاظ (1315 -1314/ 4)، سیر النبلاء (331 -329/ 20)، شذرات الذهب (167/ 4)، طبقات الحفاظ (473 -472)، العبر (20/ 3)، معجم البلدان (204/ 2)، المنتظم (182/ 10)، النجوم الزاهرة (314/ 5).

کوثری، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس کوثری
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1

زندگینامه علمی
پس از پایان تحصیلات ابتدائی در سال 1348 وارد حوزه علمیه هراتی شهرستان «تربت حیدریه» شدم و جامع المقدمات، سیوطی، بخشی از مغنی اللبیب (که در ادبیات عرب است) را نزد اساتید آن حوزه فراگرفتم. سپس جهت ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه مشهد شدم و ادبیات تکمیلی، منطق، معانی بیان و بدیع را در محضر اساتید بزرگوار آن سامان به ویژه آقای: «واعظی» و آقای «حجت هاشمی» به پایان رساندم. پس از اتمام معالم الاصول و شرح لمعه، کتاب مکاسب شیخ انصاری را (که در معاملات نگاشته شده) در نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» شروع نمودم و در سال 1354 به قم آمدم. جهت ادامه مکاسب در درس «آیت الله ستوده» حاضر شدم، کفایة الاصول مرحوم آخوند خراسانی را نزد اساتید معروف قم از آن جمله: «آیت الله فاضل لنکرانی» و «آیت الله سلطانی» خواندم و سال 1356 برای خارج فقه و اصول در درس «آیت الله وحید خراسانی» حاضر شدم و حدود بیست سال، آن را ادامه دادم و مدت حدود دو سال نیز از درس خارج فقه و اصول «آیت الله تبریزی» نیز استفاده بردم.
در کنار درس های فقهی و اصولی، کتابهای فلسفی را از محضر اساتید فلسفه آموختم: (شرح منظومه) را نزد «آیت الله انصاری شیرازی»، (نهایة الحکمه) را نزد «آیت الله مصباح» و (اسفار ملاصدرا) را از محضر «آیت الله جوادی» بهره مند شدم. این در حالی است که در کنار تحصیل، همواره به تدریس، اشتغال داشته ام که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد: (مکاسب، کفایة الاصول، تدریس ادبیات، فقه و اصول). همچنین در زمینه های مختلف به ویژه موضوعات قرآنی دارای تالیفاتی که در قبل ذکر

شده می‌باشم.

کوسج مروزی، ابویعقوب اسحاق

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 251 ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در مرو به دنیا آمد و در نیشابور نشو و نما یافت. برای فراگیری فقه و حدیث به عراق و حجاز و شام سفر کرد و از سفیان بن عیینه و یحیی بن سعید قطان و عبدالرحمان بن مهدی و وکیع بن جراح و محمد بن یوسف فریابی و ابواسامه و نضر بن شمیل و ابویمان حکم بن نافع حدیث شنید. او از احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه و یحیی بن معین مسائل فقهی آموخت و آموخته‌های خود را مدون ساخت و در خراسان آنها را روایت کرد و چون در آن مسائل تشکیک کردند به بغداد رفت و صحت آنها را از احمد اعتراف گرفت. اسحاق بن منصور در بغداد حدیث گفت. بخاری و مسلم و نسائی و ترمذی و ابن‌ماجه قزوینی و ابوزرعه رازی و ابوبکر بن خزیمه و ابوالعباس سراج و مؤمل بن حسن ماسرجسی و احمد بن حمدون اعمشی و محمد بن احمد بن زهیر و ابراهیم بن اسحاق حربی و عبداللّٰه بن احمد بن حنبل و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. سرانجام در نیشابور سکنی گزید و همان جا از دنیا رفت و در کنار اسحاق بن راهویه و محمد بن رافع به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (364 -362/ 6)، التاریخ الکبیر (404/ 1)، تذکرة الحفاظ (525 -524/ 2)، تهذیب التهذیب (227 -226/ 1)، تهذیب الکمال (77 -74/ 2)، الثقات (118/ 8)، الجرح و التعدیل (ج 1 ق 234/ 1)، سیر النبلاء (260 -258/ 12)، شذرات الذهب (123/ 2)، طبقات الحنابله (115 -113/ 1)، طبقات الحفاظ (253)، العبر (360/ 1)، الکامل (330/ 5)، معجم المؤلفین (239/ 2)، النجوم الزاهرة (398/ 2)، الوافی بالوفیات (426/ 8).

کوملادی همدانی، ابوالفضل صالح

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(384 -303 ق)، حافظ، محدث و عارف. او از دانشمندان و محدثان مشهور همدان بود. از پدرش و ابوالعباس فضل بن سهل بن سری قزوینی و محمد ابن حمویه و علی بن حسن بن سعد بزاز و احمد بن حسن بن عزون و قاسم بن ابراهیم و محمد بن عبداللّٰه بن نبیل و قاسم بن ابوصالح و عبدالرحمان بن ابوحاتم رازی و محمد بن قارن رازی و علی بن محمد بن مهرویه قزوینی و عبدالسلام بن عبدیل و احمد بن محمد بن اویس و جماعتی دیگر حدیث شنید. طاهر بن عبداللّٰه بن ماهله و حمد زجاج و احمد بن زنجویه عمری و طاهر بن احمد امام و ابوالفتح بن ابی‌الفوارس و احمد بن حسین بن زنبیل نهاوندی و دیگران از وی حدیث شنیدند. در «انساب» سمعانی و «سیر النبلاء» صاحب عنوان تحت نام کوملابادی ذکر شده است. از آثارش: «سنن الحدیث» یا «سنن التحدیث»؛ «طبقات العلماء لاهل همذان» یا «طبقات الهمذانیین»، که در برخی از مآخذ به جای آن، کتاب «تاریخ همدان» برای وی ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (112/ 5)، ایضاح المکنون (28/ 2 ،219/ 1)، تاریخ بغداد (331/ 9)، تذکرة الحفاظ (986 -985/ 3)، طبقات الحفاظ (409)، سیر النبلاء (519 -518/ 16)، شذرات الذهب (110/ 3)، العبر (164/ 2)، کشف الظنون (310)، معجم البلدان (563 -562/ 4)، معجم المؤلفین (320/ 4)، الوافی بالوفیات (247/ 16)، هدیة العارفین (422/ 1).

کیاهراسی طبری، شمس الاسلام عمادالدین، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(504 -450 ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر و مدرس. مشهور به عماد طبری یا عمادالدین طبری یا عمادکیا یا عمادالدین کیا و معروف به کیاهراسی. اهل طبرستان بود و در آنجا به دنیا آمد. وی را تالی و ثانی ابوحامد غزالی بلکه شایسته‌تر از وی می‌دانند. در نیشابور از امام الحرمین، ابوالمعالی جوینی، فقه آموخت و در مذهب و اصول برآمد. او در نظامیه نیشابور پس از اتمام درس توسط استاد، درس او را برای شاگردان حوزه تقریر و اعاده می‌نمود. سپس در بیهق به تدریس اشتغال یافت. آن گاه به بغداد رفت و تا پایان عمر در نظامیه تدریس کرد. وی شیخ الشافعیه بغداد بود. او از زید بن صالح آملی و جماعتی دیگر حدیث روایت کرد. سعد الخیر و عبداللّٰه بن محمد بن غالب و ابوطاهر سلفی از وی روایت کرده‌اند. او لعن به یزید بن معاویه را به صراحت جایز می‌دانست. ابن‌اثیر گوید که جهال به او اتهام عقیده و مذهب باطنی (اسماعیلیه) بستند و سلطان محمد او را دستگیر و زندانی کرد و آن گاه که جمعی از علما بر برائتش گواهی دادند آزاد شد. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب ابرز در کنار ابواسحاق شیرازی به خاک سپرده شد. از او آثار نیکویی بجا ماند. از آثارش: «احکام القرآن»، در چهار مجلد؛ «شفاء المسترشدین فی مباحث المجتهدین»، در خلافیات؛ «لوامع الدلائل فی زوایا المسائل»؛ «تعلیق فی اصول الفقه»؛ نقض و ردی بر «مفردات الامم احمد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (149/ 5)، التفسیر و المفسرون (447 -444/ 2)، ریحانه (359/ 6 -107 -106/ 5)، سیر النبلاء (352 -350/ 19)، شذرات الذهب (10 -8 / 4)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (294 -292/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی ابن‌قاضی شهبه (288/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (234 -231/ 7)، العبر (386/ 2)، الکامل (262/ 8)، کشف الظنون (1569 ،1056 ،423 ،20)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (197/ 19)، معجم المؤلفین (220/ 7)، المنتظم (111 -110/ 10)، النجوم الزاهرة (199 -198/ 5)، الوافی بالوفیات (84 -82/ 22)، وفیات الاعیان (290 -286/ 3)، هدیة العارفین (694/ 1).

کیوان قزوینی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1357 -1277 ق)، مفسر، واعظ، صوفی و شاعر، متخلص به کیوان. ملقب به منصور علیشاه. در قزوین به دنیا آمد. برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و از محضر شیخ حبیب‌اللّٰه رشتی استفاده کرد تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت در 1313 ق به گناباد و خراسان رفت و به فرقه‌ی دراویش گنابادی پیوست. آن گاه به تهران آمد و به وعظ و ارشاد پرداخت و به شهرت فراوانی دست یافت اما به دلایلی به فقط از سلسله‌ی گنابادیه برید بلکه بر ضد آنها به تبلیغ پرداخت. وی در رشت درگذشت و در سلیمان داراب به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنوز الفوائد»؛ «رازگشا»؛ «تفسیر کیوان»؛ «استوارنامه»؛ «بهین سخن»؛ «دیوان» شعر.[1]
عباس ابن اسماعیل بن علی بن معصوم قزوینی مشهور به حاج ملا عباسعلی کیوان، از علمای دینی و عارف و واعظ (و. قزوین 1277- ف. 1377 ه.ش). وی پس از تحصیل در نجف و کربلا و سامره اجازه‌ی اجتهاد گرفت و به خراسان رفت. در آنجا نزد حاج ملا سلطانعلی به تحصیل عرفان و تصوف پرداخت. در اواخر عمر از تصوف بیزار گردید و کتابهایی در رد آن نوشت. وی مفسر قرآن به عربی و فارسی است که چند مجلد آن بطبع رسیده، اشعار خیام را شرح کرده و از جمله تألیفات وی از: «کیوان‌نامه»، «استوار»، «راز گشا»، «حج‌نامه»، «عرفان»، «میوه‌ی زندگانی»، «فریاد بشر» را باید نام برد. کیوان معتقد است که بزرگترین عارف و صوفی خیام و بزرگترین حکیم بوعلی سیناست. وی عرفان را به عرفان علمی و عرفان عملی تقسیم نمود و سلوک و درویشی را عرفان عملی می‌داند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (174/ 18 ،58/ 10 ،928/ 9)، شرح حال رجال (130/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1618/ 2 ،934 ،546/ 1)، کیهان فرهنگی (س 3، ش 8، ص 5 -4)، لغت‌نامه (ذیل/ کیوان قزوینی)، مولفین کتب چاپی (694 -693/ 3)، یادداشتهای قزوینی (227/ 8).

گرگانی، ابوالمحاسن حسین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم و دهم ق)، عالم، محدث و مفسّر. از مشاهیر علمای امامیه بود و مؤلف تفسیری به نام «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان فی تفسیر القرآن»، که حاوی اخبار ائمه (ع) و روایات امامیه و یکی از معروفترین کتابهای تفسیر فارسی است. تفسیر «جلاء الاذهان» همان تفسیری است که به «تفسیر گازر» مشهور است. قدیمی‌ترین نسخه‌هایی که از این تفسیر، چه در ایران و چه در خارج از ایران، باقی مانده است تاریخ قرن دهم را دارد؛ لذا به گفته‌ی آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی تألیف کتاب در همان قرن یا قرن قبل از آن بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (5/ 472)، تاریخ نظم و نثر (272)، تفسیر گازر (1/ مقدمه)، الذریعه (5/ 123، 310- 309 /4)، ریاض العلماء (86 -85 /2)، ریحانه (1/ 400)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 62 -61 /10)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین جرجانی).

گنجی، ابوعبداللَّه محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 658 ق)، حافظ، عالم، محدث شافعی و شاعر. معروف به فخر گنجی. ساکن دمشق بود. به دنبال حدیث بسیار سفر کرد و دستاورد نیکویی داشت. او که از محدثان پیشگام بود، گرایشی به مکتب شیعه داشت و کتبی در زمینه تشیع گردآوری کرد. از آثارش: «کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «البیان فی اخبار صاحب الزمان (ع)»، که در تبریز به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (117 -116/ 5)، کشف الظنون (1844 ،1497 ،263)، الکنی و الالقاب (123/ 3)، معجم المؤلفین (134/ 12)، الوافی بالوفیات (254/ 5).

گیلانی استرآبادی، عبدالوحید

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، فقیه، مفسر، متکلم و عارف. معاصر شیخ بهائی (م ح 1030 ق) و از شاگردان وی به حساب می‌آمد. در «ریاض العلماء» نزدیک به شصت اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: «الآیات البینات فی خلق اللّه الارض و السماوات»؛ «اسرار القرآن فی تفسیر الفرقان»؛ «الحبل المتین فی آداب الدعاء و الداعی»؛ «اثبات الشوق»؛ رساله «اعلی علیین»، در معنی عبادت؛ «آینه‌ی غیب نما»، در اسرار و احوال قلب، به فارسی؛ «اسرار التوحید»، در شرح اسم اعظم؛ «انیس الواعظین» صغیر و وسیط و کبیر؛ «طب القلوب»، در معالجه امراض روحی؛ «کشف الغطاء فی اسباب الضلال و الغرور»؛ «میزان العدالة»، در فقه؛ «تهذیب الاخلاق فی تزکیة النفس»؛ «نثار السماع»، در تصوف؛ «البرزخ الجامع»؛ «الجنة النعیم»؛ «معراج السماء»، در وصف علم و علماء؛ «معیار الصلاة»، در اسرار نماز.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (131/ 8)، الذریعه (315/ 23 ،46/ 18 ،143/ 15 ،239/ 6 ،243 ،54 43/ 2 ،96 ،54 -53 ،47 -46/ 1)، ریاض العلماء (286 -284/ 3)، ریحانه (117/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 11/ 361- 363)، فوائد الرضویه (260).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن گیوه چی مفرد
محل تولد : مشهد
شهرت : پویا
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/2
زندگینامه علمی
اینجانب پس از اخذ سیکل نظام قدیم (قبل از نظام راهنمایی) سال اول دبیرستان را در رشته طبیعی نیز خواندم. پس از آن در مکتب امام صادق (ع) در مشهد شبها به دروس حوزوی مشغول بودم. سپس در سال 55 ـ 56 به صورت نیمه روزه در مدرسه معروف به مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول به تحصیل شدم و سپس در مدرسه آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی حجره گرفتم و به صورت خصوصی به دروس حوزه به صورت تمام وقت ادامه دادم و در تمام ایام سال جز جمعه ها و یا تعطیلات مهم به درس مشغول بودم به صورتی که در سال 59 که به قم آمدم به درس مکاسب مرحوم آیت الله ستوده و کفایه مرحوم آیت الله پایانی رحمهما الله رفتم و یک جلد از کفایة را نیز نزد آیت الله دوزدوزانی خواندم و بخشی از آن را با نوار، در این اثنا نوارهای دروس بدایه و نهایة آیت الله مصباح را نیز گوش می کردم عمدتا در مشهد به صورت خصوصی درس خواندم و تنها به درس تفسیر مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی حاضر می شدم. و بخشهائی از کتاب شرح لمعه را نیز در دروس حوزه مشهد شرکت می کردم. پس از اتمام سطح به درس خارج اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی که از ابتدای اصول شروع شده بود شرکت کردم و جز ایامی که در دوران دفاع مقدس به جبهه می رفتم تقریبا یک دوره اصول کامل درس ایشان را شرکت کردم و همزمان به درس فقه ایشان که آن زمان کتاب البیع بود و چهارشنبه ها بحث کتاب القضاء بود شرکت می کردم. ضمنا از ابتدایی که آیت الله منتظری به قم آمدند و در منزلشان درس فقه را شروع کردند تقریبا تا آخرین روزهای درس ایشان شرکت کردم. در این اثنا کتاب اشارات را به صورت کامل در آخرین دوره درس آیت الله حسن زاده آملی خواندم که بسیار از نظر معنوی پر بهره بود. تا اینکه در سال 1364 با تاسیس موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) که اینجانب از

هسته های اولیه و اصلی آن بودم ابتداء کلاسهای آموزشی که تا آن روز درحوزه متداول نبود و به اعتقاد ما نیاز حوزویان بود برگزار شد و بنده ضمن برنامه ریزی و برگزاری اجرایی آنها در همه آنها شرکت کردم که آنها عبارتند از: دوره مدیریت منابع انسانی، تشریح انسان، اقتصاد، تاریخ معاصر ایران و جهان، کلام جدید، علوم قرآن و تفسیر، اخلاق، روان شناسی عمومی، روان شناسی کودک، جامعه شناسی، تند خوانی و ... برخی از این کلاسها به صورت اردوهای آموزشی در مشهد و تهران برگزار شد و حتی به صورت عملی مثل شرکت در سالن تشریح، شرکت در برخی ادارات وابسته به بنیاد مستضعفان در حین درس مدیریت و... عمدتا از اساتید برجسته و طراز اول آن زمان از دانشگاه مثل استاد شعاری نژاد، زرگر نژاد، ابطحی، سروش، آیت الله معرفت، حسن پور، حائری و ... استفاده می شد. با پایان یافتن این دوره ها و نیز تاسیس مراکز مختلف آموزشی در قم و شروع به کار اولین فصلنامه تخصصی قرآن و تفسیر با نام بینات در سال1373، اینجانب ضمن شرکت در یک درس خارج، تمام وقت و همت خود را مصروف مباحث قرآنی کردم و به لطف خداوند تا کنون که سال دوازدهم نشر این نشریه است همچنان در سطح بسیار بالایی می درخشد. (ضمنا قبل از نشریه بینات از آغاز تاسیس و نشر مجله حوزه اینجانب در گروه اخلاق آن نشریه فعالیت داشتم تا اینکه در سال حدودا 75 ـ 76 از مجله خارج شدم.) اینجانب همزمان با برخی از دورس به تدریس نیز اشتغال داشتم بویژه ادبیات، علوم قرآن و ... که به لحاظ موقعیت آن زمان به صورت غیر آکادمیک و مباحثه های طلبه ای بوده است. همزمان با سردبیری نشریه بینات، معاونت پژوهشی موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام را پس از دوران مسوولیت آموزشی به عهده داشتم و سپس جزو هیات تحریریه دو نشریه قرآنی دیگر یعنی بشارت و آفاق نور بوده و هستم. در ضمن مدتی در معاونت بین الملل وزارت ارشاد به عنوان کارشناس جهت اعزام به رایزنی ایران در لاهور بوده ام و سفری به آنجا رفتم. سپس در سال 1379 معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) را پذیرفتم و در سال 83 مدیریت طرح و برنامه و اکنون نیز معاونت پژوهشی موسسه می باشم که به لطف خداوند تا کنون دهها جلد از آثار حضرت امام (ره) و یا درباره امام خمینی (ره) از آن سال تا کنون منتشر شده است.

لالکائی، ابوالقاسم هبة اللّٰه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 418 ق)، فقیه شافعی، محدث، مفتی و حافظ. اصل وی از طبرستان بود. به بغداد رفت و از شیخ ابوحامد اسفراینی فقه آموخت. از ابوالقاسم عیسی بن علی وزیر و ابوطاهر مخلص و ابوالحسن بن جندی و جعفر بن عبداللّٰه فناکی رازی و علی بن محمد قصار و علاء بن محمد رویانی و ابواحمد فرضی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. ابوبکر خطیب و پسر او محمد بن هبة اللّٰه و ابوبکر احمد بن علی طریثیثی و مکی کرجی سلار و دیگران از وی روایت کردند. در دینور درگذشت. از وی تصنیفاتی بر جای مانده است، از جمله: «السنن»، شرح اصول اعتقادی اهل تسنن بر اساس کتاب (قرآن)، سنت و اجماع صحابه؛ شرح «السنة» بغوی؛ «معرفة اسماء من فی الصحیحین» یا «رجال الصحیحین» یا «اسماء رجال الصحیحین» بخاری و مسلم؛ «المسائل المنثورة»، در نحو و تفسیر و غیره؛ «کرامات اولیاء اللّٰه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (57/ 9)، انساب سمعانی (669/ 5)، تاریخ بغداد (71 -70/ 14)، تذکرة الحفاظ (1085 -1083/ 3)، سیر النبلاء (420 -419/ 17)، شذرات الذهب (211/ 3)، طبقات الحفاظ (438)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (191/ 2)، العبر (236/ 2)، الکامل (330/ 7)، کشف الظنون (1040، 835، 88)، معجم المولفین (136/ 13)، المنتظم (214/ 9)، هدیة العارفین (504/ 2).

لاهیجی، محمدباقر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر بن محمد بن محمد لاهیجی مشهور به (نواب) از بزرگان حکمای قرن سیزدهم و معاصر با فتحعلیشاه قاجار بوده و در حکمت ید طولانی و در نجوم نیز مهارت بسزائی داشته و در تفسیر قرآن اوحد زمان خود بوده و از زایجه طالع ولادت جعفرخان زند استخراج کرد که جعفرخان پس از فوت کریم‌خان زند به سلطنت خواهد رسید.
و پس از آنکه صدق قضیه به وقوع پیوست جعفرخان نیز نواب را به وزارت منصوب داشت و بعد از وفات جعفرخان در اصفهان مشغول تدریس معقول گردید و بسیار محترم زندگی کرد تا در تهران از دنیا رفت و در ری مدفون گردید.
از تالیفات اوست. 1- تحفة الخاقان فی تفسیر القرآن که به خواهش فتحعلی‌شاه در پنج مجلد تالیف نموده است.
2- شرح نهج‌البلاغه که باز به اشاره فتحعلی شاه تألیف نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لطیفی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود لطیفی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1

زندگینامه علمی
سال 1343سال ورود اینجانب به حوزه علمیه قم است. اوائل سال تحصیلی 46-47 به حوزه علمیه نجف اشرف منتقل شدم و ادامه تحصیل تا پایان سطح در محضر استاد بزگوارم مرحوم سید ابوالقاسم حصاری ارومی بوده ام. هم چنین یک دوره تفسیر قرآن، تفسیر صافی، نیمی از نهج البلاغه، یک دوره ریاضیات، هیئت، خلاصه الحساب، شرح چفمینی، شرح منظومه منطق و نیمی از فلسفه در محضر ایشان بوده ام. سال تحصیلی 51-52 به خاطر برخی از مشکلات خانوادگی به ایران آمدم و در آن سال تنها به تکمیل باقی مانده کفایه در محضر آیة الله فاضل موفق شدم. از سال 52-53 نخست برای مدتی در درس آیة الله میرزا هاشم آملی و مکارم شیرازی رفته و سپس بصورت منظم در درس فقه و اصول آیة الله ملکوتی تا پیروزی انقلاب اسلامی بودم. پس از پیروزی انقلاب و مدتی ترک تحصیل در سال 60-61 در محضر آیة الله وحید خراسانی شرکت نموده و پس از آن با اشتغال درحوزه تبریز عملا موفق به بهرمندی از اساتید نشدم. ضمنا ادامه حکمت منظومه را در محضر آیة الله انصاری شیرازی و مجلدات اسناد را از محضر شهید بزرگوار مطهری و حاج آقا رضا صدر و آیة الله یزدی و صالحی مازندرانی خوانده ام. تمهید القواعد رااز محضر آیة الله جوادی و شرح فصوص قیصری را در محضر آیة الله حسن زاده بوده ام.

لؤلؤی بخلی، یحیی زکریا

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 232/ 230 ق)، فقیه، محدث و حافظ. از ابومطیع حکم بن عبداللّٰه بلخی، مفتی بلخ، و عبداللّٰه بن نمیر و وکیع و حکم بن مبارک و ابواسامه و قاسم بن حکم عرنی و همطبقه‌ی آنها روایت کرد. بخاری و ترمذی و ابوسعد یحیی بن منصور هروی زاهد و جعفر فریابی و احمد بن سیار مروزی و اسماعیل بن محمد بن ابی‌کثیر قاضی و عبدالصمد بن سلیمان بلخی از وی روایت کردند. از آثارش کتاب «الایمان» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (277/ 2)، تذکرة الحفاظ (518 -517/ 2)، تهذیب التهذیب (298 -297/ 3)، تهذیب الکمال (321 -320/ 6)، الثقات (254/ 8)، معجم المؤلفین (184/ 4).

متفکر، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین متفکر
محل تولد : مرند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
حسین متفکر متولد ۱۳۴۱، در روستای کشکسرای مرند آی در یک خانواده کاملا مذهبی به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در دبستان رازی و مقطع راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شیخ هلال روستای کشکسرای با رتبه اول به پایان رساند. در کنار تحصیل به دامداری و کشاورزی نیز مشغول بود. در سال ۵۷-۵۶ وارد دبیرستان شد، سال اول را با رتبه اول به پایان رساند. علاوه بر شرکت در تمامی راهپیماییها، اولین راهپیمایی کشکسرای را سازماندهی کرده و اقدام به سخنرانی علیه شاه نمود که با این فعالیتها تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. در این دوران به آموزش نیروهای جوان و انقلابی پرداخته و حدود هزار نفر از افراد کشکسرای و حومه را تحت آموزش قرار داد. در اوایل سال ۵۸ به عضویت رسمی سپاه درآمد. در این زمان و بعد از پیروزی انقلاب در مبارزه با منافقین و حزب توده، چریکهای فدایی خلق، روشنفکرمأبان، متحجرین و مقدس مآبان، شرکت نمود. با شروع مبارزات حزب خلق مسلمان علیه انقلاب متفکر که در تبریز برای مقابله با آنها در اکثر صحنه ها از جمله باز پس گیری صدا و سیما، بخشهایی از دانشگاه تبریز و تصرف مقر حزب خلق مسلمان و برخوردهای خیابانی حضور فعال داشت. در سال ۶۱ عازم جبهه شد و به عنوان مسئول آموزش پیرانشهر مشغول فعالیت شد و به صورت غیر متوالی حدود ۴۵ ماه در جبهه ها حاضر شد.

مجتهد بروجردی، جمال‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مآثر و آثار گوید: وی خلف حاج مولی اسدالله مشهور بحجه‌الاسلام مقام فقاهت و تبحرش در حدیث و تفسیر و درجه فضل و تتبعش در جمیع علوم شرعیه و فنون اسلامیه مسلم بود و در اواخر بمشهد رضوی مشرف شد و از آنجا بدارالخلافه آمد و چندین سال بترویج شریعت و ارشاد عباد اشتغال داشت نظیر لسان او را در منبر کمتر نشان داده‌اند و سرعت قبول عامه که برای او در تهران افتاد در حق کسی شنیده نشده است فوتش در سال 1312 ق بوقوع پیوست چنانکه در جریده ایران نگاشته‌ایم و تمام مناصب و مراتب وی حسب‌الارث والاستحقاق بفرزند دانشمندش شریعتمدار زین‌الائمه نجم‌الدین آقا علی اکبر انتقال یافت و اختصاص یافت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1310 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، متکلم، مفسر، عروضی و زاهد. اصلش از قره‌داغ تبریز (ارسباران فعلی) بود. به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری اصول و در محضر شیخ مهدی کاشف الغطاء فقه را تلمذ نمود و به درجه‌ای عالی در اجتهاد رسید و با اجازه از استادش شیخ مهدی کاشف الغطاء، روایت کرد. سپس به تبریز بازگشت و متصدی بحث و تألیف و تدریس و افتاء گردید. او در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم عربی و فنون ادبی متبحر بود و تألیفاتش گویای مراتب علمی اوست. از آثارش: «اللمعة البیضاء»، در شرح «خطبة الزهراء (ع)»، و این شرح گستردگی اطلاعات و مهارت وی را در علوم عربی می‌رساند؛ «الاربعین»؛ «اسرار الحج»؛ «الاصول المهمة»، در اصول دین؛ «الامر بین الامرین»؛ «البداء»؛ تفسیر «سوره‌ی یس» یا «تفسیر قراچه‌داغی»؛ «تفسیر الکبیر»؛ «التنقیحات الاصولیة»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه بر «الفصول»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»، به نام «حدیقة البساتین فی شرح القوانین»؛ حاشیه بر «الروضة البهیة»، به نام «حدیقة الروضة»، که حاشیه‌ی «شرح لمعه» است؛ شرح «اخبار الطینة»؛ «صیغ العقود و الایقاعات»؛ «الفتوحات الرضویة»، در احکام فقهی؛ رساله‌ای در علم «العروض و القافیة»؛ «التحفة المحمدیة»، در عربیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (5/ 10)، الذریعه (350/ 18 ،273/ 16 ،259 ،197 ،36/ 15 ،363/ 13 ،382 ،177 ،166 ،159 ،101 ،95 ،61/ 6 ،468 ،344 ،301/ 4 ،213/ 2 ،422/ 1)، ریحانه (439 -438/ 4)، علماء معاصرین (345 -343)، المآثر و الآثار (176 -175)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (286/ 1)، معجم المؤلفین (35/ 11).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صاحب علی محبّی پروشی
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/3/2

زندگینامه علمی
در سال 1343، در روستایی به نام : «پروش» از توابع شهرستان «لنگرود» استان «گیلان» در خانوادهای که در دوران خفقان، از خانوادههای مذهبی محسوب میشد، به دنیا آمد. و از وجود دو نعمت پدر و مادر در دوران کودکی و دبستان تا چهارم ابتدائی در همان روستا بهرهمند بود. در بین خانواده که همگی مذهبی و متدّین بودند، یکی از دو برادرهای ایشان به نام مرحوم «قربان»، بسیار مشتاق آموختن مسایل دینی و مذهبی بود، ولی از این‌که به دلیل مشکلات زندگی، نتوانست به خواسته‌اش دست یابد، سخت ناراحت بود؛ ازاین رو با توجّه به علاقه و زمینه بسیار مساعدی که در ایشان ملاحظه می‌کرد، به اهل خانواده، پیشنهاد کرد که حدّاقل، من که این توفیق را نیافتم، «صاحب» را برای آموختن دروس طلبگی، به حوزه بفرستیم، که در اصل آن (طلبگی)، جملگی، اعم از پدر، مادر و برادر بزرگ که اکنون نیز در قید حیات هستند، موافقت کردند، تنها یک نظر هم این بود که پس از اخذ دیپلم برای این رشته بروند که این نظر نیز از سوی همان برادر «قربان»، به این دلیل که چون محیط امروز بسیار نامساعد است و اگر ایشان تحصیلات جدید را تا سطح دیپلم ادامه دهد، ممکن است ذوق و علاقه فعلی مورد تهدید قرار گیرد، ردّ شد. در اینکه چه کسانی در تشویق ایشان یا خانواده برای رویآوردن ایشان به دروس علمی و مذهبی نقش داشتند، باید گفت که این بیت در آن روستا، پاتوق علماء، فضلا و روحانیون معزّزی بود که برای امر تبلیغ به آنجا میآمدند؛ لذا رفتار عملی و انس آنان با خانواده از نزدیک و نیز ارتباط ایشان با آنها، نه فقط این شوق را در ایشان، بلکه در مجموع خانواده، به ویژه در برادر بزرگتر از خودش (قربان) ایجاد کرد، تا جایی که بحمدالله این تشویقها و این انسها، منجر به یک تصمیم جدّی شد که مایه

خیر و برکت الهی در دنیا و آخرت شد. البته ناگفته نماند، از بین روحانیونی که به این بیت رفت و آمد داشتند، یکی از آنها به نام حاج آقای رضائی (که اکنون پدر عیال ایشان میباشند)، نقش فوقالعادهای داشت؛ زیرا ایشان نه تنها در ایّام تبلیغ، بلکه به‌طور مستمر با خانواده، در ارتباط بودند، تا جائی که در آن زمان، ایشان هر هفته از راه دور، برای ذکر مصایب اهل‌بیت در شبهای جمعه، به آن بیت دعوت می‌شدند؛ ازاین‌رو این ارتباط مستمر ایشان، و نیز تشویقهای پیدرپی ایشان نسبت به نماز و عبادت و روی آوردن به دروس علمی و حوزوی، در بین نقش سایر عزیزان برجستهتر و بهتر و بیشتر بوده است. آغاز دروس حوزوی
ایشان پس از اخذ مدرک چهارم ابتدایی، به حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) لنگرود برای شروع دروس دینی در سال 1353، رفتند و تا چهار سال تمام در این مدرسه مشغول درس و همزمان تدریس در سطحی که خوانده بودند مشغول بودند و در 17شهریور سال 1357، همزمان با جنایت رژیم پهلوی در جمعه سیاه در میدان ژاله سابق تهران و میدان شهدای فعلی، با نهایت سختی، وارد «حوزه علمیه قم» شدند. اساتید
در لنگرود، نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علیرضا ممجّد، حدود چهار سال دروس پایه و بعداً پس از مراجعه به قم، در ایّام تعطیلی و مأموریتهای تبلیغی در آن دیار، دروس سطح را نزد ایشان خواندند؛ وی استاد برجسته و متبّحری بودند و نسبت به ایشان نیز، با توجّه به ویژگیهایی که ملاحظه کرده بودند، علاقه خاصی داشت. تلاش این استاد نیز، نسبت به ایشان، تلاش ویژهای بود. که بعدها، در مورد این استاد، ایشان، مصاحبهای با رادیو گیلان در سالهای گذشته انجام دادند که اکنون در برخی از سایتها، موجود است. همچنین در قم نزد آقایان: صلواتی، نیکونام، عالمی، شوشتری، استادی، جلال طاهر شمس، مرحوم آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله منتظری، مرحوم آیت‌الله ستوده، مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیتالله شب‌زنده‌دار، آیتالله مصباح یزدی، آقای فیاض، آیتالله وحید خراسانی، آقای سیّدی، مرحوم آیتالله تهرانی، مقام معظم رهبری حضرت آیتالله خامنهای، آیتالله مظاهری، آیتالله شاهرودی (رئیس قوه قضائیه)، آیتالله مرحوم سید محمد شیرازی، مرحوم آیتالله وجدانی، آقای شمّاعی و... سالهاست که تلمّذ کرده‌اند و دروسی که نزد مجموع این بزرگواران طی شده عبارتند از: فقه و اصول سطح و خارج و تفسیر، اخلاق، فلسفه، اقتصاد، کلام، ادیان و... .

محقق، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی محقق در سال 1308 شمسی در مشهد به دنیا آمد، و پس از تحصیلات مقدماتی ، علوم حوزه ای را در مشهد و تهران تا حد اجتهاد طی کرد. پس از اخذ لیسانس از سال 1330 تا سال 1339 به دبیری دبیرستانها و اداره بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرهنگ پرداخت. در سال 1337 دکترای الهیات و معارف اسلامی را به پایان رسانیدو درسال 1338 دکترای زبان و ادبیات فارسی اخذ نمود. در سال 1339 به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزیده شد و درسال 1346 به درجه استادی ارتقا یافت. استاد از سال 1348 تا 1357 مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و بعد از انقلاب نیز به مدت یک سال عهده دار ریاست دانشکده دماوند گردید. او به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشگاه لندن و مدت هشت سال به تناوب در دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس پرداخت و در سال 1347 شعبه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را در تهران تاسیس کرد. ایشان عضو و رییس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. استاد همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر می باشد و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. استاد محقق در سال 1361 از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهراء و شهید مطهری تدریس کرده است.ایشان برگزیده همایش طرح سپاس بهمن 85 در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : مهدی محقق فرزند حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی و نوه مرحوم آخوند ملا بمانعلی دامغانی می باشد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهمترین حادثه بوقوع پیوسته در دوران کودکی مهدی محقق ، واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد بود. استاد از

این واقعه چنین تعریف می کند: « هنوز صدای صفیر گلوله هایی که در شب واقعه شلیک می شد در گوش من طنین انداز است خصوصاً که این واقعه مصادف شد با پنهان زیستن پدرم زیرا او از کسانی بود که در شب واقعه منبر رفته بود و در ضمن در سخنانش گفته بود: « گویی ما در زیر پرچم انگلیس هستیم که هرچه آنان بخواهند باید اطاعت شود . » سرانجام پدرم پس از مدتها زندگی مخفی خود را به شهربانی مشهد معرفی نمود و از آنجا به زندان قصر منتقل شد وبیش از سه سال را در آنجا گذراند.» در سال 1317 با آزادی پدر از زندان ، به اتفاق خانواده به تهران رهسپار شده که این مهاجرت با ممنوع المنبر شدن پدر و اوضاع بد اقتصادی خانواده توام گشت،ناچار پدر و دو برادربزرگترش به حجره ای در مدرسه سپهسالار رفتند و بقیه خانواده نیز در اتاقی کوچک که در بازارچه نایب السلطنه قرار داشت مقیم شدند. اوضاع نابسامان مادی و بی اطلاعی پدر باعث به تعویق افتادن تحصیل دکترمحقق شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مهدی محقق در دبستان فرهنگ آغاز گردید و در سال 1321 وارد دبیرستان گردید ، اما به دلیل شرایط سخت مادی برای مدتی از تحصیل فاصله گرفت و جهت کسب درآمد وارد بازار شد، طولی نکشید استاد محقق وارد مدرسه خان مروی شد و تحصیلات خود را پی گرفت. در مدت 4 ماه صرف میر و عوامل ملا محسن و انموذج و صمدیه را نزد حاج سید هادی ورامینی فراگرفت. محقق جهت فراگیری درس سیوطی و حاشیه وارد مدرسه سپهسالار قدیم شد. پس از گذراندن این دوران و استفاده از استادان مدارس تهران ، به مشهد رفته و در حوزه علمیه این شهر به کسب علم نزد علمای بزرگ پرداخت ، او از این دوران به دلیل بهره مند شدن از « استادان فاضل و دانشمند » به نیکی یاد می کند. استاد در شهریور سال 1327 در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول به عنوان نفر سوم برگزیده شد ؛ او در سال های 1327 و 1330 همزمان با تحصیل در این دانشکده در درس مدرسان بزرگ تهران شرکت می کرد. در سال 1330 برای اخذ لیسانس دوم که منتهی به دکترا هم شد وارد دانشکده ادبیات شده و در سال 1333 لیسانس زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود و بلافاصله در دوره دکتری شرکت نمود. در سال 1334 با افتتاح دوره دکتری علوم معقول و منقول ، در دوره دکتری معقول ثبت نام کرد. او توانست در سال 1336 دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را و در سال 1337 دوره دکتری علوم معقول و منقول را به پایان برد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی محقق مدتی اداره ی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده دار بود و با شروع فعالیت های آموزشی از سال 1348 تا 1357 مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

را به عهده گرفت و پس از انقلاب به مدت یک سال ریاست دانشکده دماوند به وی سپرده شد. از دیگر مشاغل دکتر محقق ، عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضویت هیئت امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیئت امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است . وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد.
فعالیتهای آموزشی : شروع کار تدریس مهدی محقق به تشویق آیت الله کاشانی بود ، استاد می گوید: « مرحوم آیت الله کاشانی معتقد بود که در من فصاحتی وجود دارد که در معلمی باید از آن استفاده کنم و وقتی تعلل مرا در امر استخدام دید گفت « شما بیسوادا خودتونو کنار می کشین که همه جاها را کافرا گرفتن » کلمه « بیسواد» تکیه کلام آن مرحوم بود لذا نامه ای در صلاحیت من به وزارت فرهنگ نوشت و من به تشویق آن مرحوم ازآن سال کار تدریس را شروع کردم . » پس از اخذ لیسانس از سال 1330 تا 1339 به دبیری دبیرستان ها برگزیده شد و از سال 1339 به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، سپس به درجه ی استادی ارتقاء یافت. او در سال 1340 به مدت دوسال به عنوان استاد مهمان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و از سال 1344 به مدت هشت سال به تناوب در مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس زبان و ادبیات فارسی ، تاریخ تمدن ایران و فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. در بازگشت ، مدتی در حوزه علمیه قم عهده دار تدریس « روش تصحیح انتقادی و نشر متون اسلامی » بود. استاد محقق در سال 1361 از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهرا و شهید مطهری تدریس کرده است.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهدی محقق در سال 1347 شعبه ی مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا را در تهران تأسیس کرد. وی همچنین در بنیان گذاری « دائره المعارف تشیع » و « دائره المعارف اسلامی » هم سهمی داشته است. او در کانادا پیشنهاد تأسیس کرسی « فکر شیعه » را ارائه نمود و خود وی نیز عهده دار آن گردید و فلسفه و کلام و اصول فقه شیعه تدریس نمود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی محقق در چندین کنگره بین اللملی و ملی شرکت نموده و در همه ی آنها خطابه ایراد کرده است ، که از آن جمله عبارتند از: کنگره مؤتمر اسلامی (قاهره - 1334) ، انجمن

شعر لندن (1340) ، سمینار مقایسه ی گرامر زبان های سامی (دانشگاه لندن - 1341) ، سمینار میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان و ترکیه (تهران - 1343) ، انجمن آمریکایی خاورشناسی (فیلادلفیا - 1345 ، نیوهاون - 1346 و دانشگاه برکلی کالیفرنیا - 1347) ، کنگره بین المللی مستشرقین (میشیگان - 1346) و هفته ی فرهنگی ایران (دانشگاه مک گیل مونترال - 1346). وی علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مجموعه مقالاتی را نیز به زبان های فارسی ، عربی و انگلیسی در ایران و کشورهایی همچون لبنان ، سوریه ، هند ، پاکستان ، به رشته ی تحریر درآورده است که از آن جمله ، انتشار مقالات متعدد در مجلات دانشکده ادبیات ، یغما ، راهنمای کتاب ، فرهنگ ایران زمین ، آستان قدس رضوی ، وحید ، مهر ، الاخاء و نشریه ی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه می باشد.
آرا و گرایشهای خاص : مهدی محقق ممیزه و مشخصه فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگها را این می داند که هیچوقت دروازه های فرهنگ اسلامی بسته نبوده و همیشه ازخاصیت تسامح برای پذیرفتن فکر تازه و جدید برخوردار بوده است . بدان علت آنچه از علوم و معارف و دانستنی هاو دانش ها که مفید تشخیص داده شده بود ،از ملت های مختلف گرفته شده است ،این علوم و معارف را از یونانی ،سریانی ،سانسکریت ترجمه کردند و در حقیقت تکامل و ترقی فرهنگ اسلامی را دراین دانستند که آن را به موضوع خاصی منحصر نکنند .
جوائز و نشانها : مهدی محقق برگزیده همایش طرح سپاس درسال 85 در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.
چگونگی عرضه آثار : مهدی محقق، درباره اولین کتاب خود وجوه قرآن این چنین میگوید: \ اولین کتاب من «وجوه قرآن» ازحبیش بن ابراهیم تفلیسی، پزشک، لغت شناس و قرآن شناس درسال ???? منتشرشد. من این کتاب را تصحیح کردم، مقدمه نوشتم و «وجوه قرآن» را توضیح دادم. دراین کتاب لغات قرآن یک به یک ذکرمی شود که به چه معنایی آمده و بعد آیه اش هم ذکرمی شود. کسانی که در حوزه قرآن مطالعه می کنند و درزمینه تفسیر کارمی کنند، این کتاب مورد نیازشان خواهدبود. «وجوه قرآن» از علومی است که همیشه موردتوجه مفسران و دانشمندان قرآن شناس بود. «وجوه قرآن» درقرن هفتم نوشته شده و از نسخه های خطی نادر و منحصر به فردی بود که مرحوم مجتبی مینوی، زمانی که رایزن فرهنگی ایران درترکیه بود، میکروفیلم این کتاب و حدود پنج هزارکتاب دیگر را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه آورد. این اثر درهمان دوره با سرمایه دکتر یحیی مهدوی چاپ شد که حقوق دانشگاهی اش را وقف چاپ آثار علمی و خطی کرده بود و تفسیر سورآبادی و وجوه قرآن به این صورت چاپ شد. کتاب «تأثیرقرآن دراشعار ِناصرخسرو» نیز از آثار وی

است که درباره این اثر این چنین میگوید: \تأثیرقرآن در آثار ناصرخسرو خیلی بیشتر و آشکارتر است. هم ناصرخسرو و هم حافظ هردو قرآن را ازحفظ بودند. حافظ می سراید «قرآن زبربخوانم با چهارده روایت» و یا «به قرآنی که اندرسینه داری» و... ازآن طرف هم ناصرخسرو می گوید «کتابت زبردارم اندرضمیر» و... تأثیر قرآن در آثار ناصرخسرو به شکل استفاده از مضامین قرآنی، استفاده از لغات قرآنی است. وی درباره کتاب شرح و تفصی پانزده قصیده ناصرخسرو نیز میگوید: \ این کتاب بعدها تبدیل به شرح و تفسیر سی قصیده شد و جزو کتاب های درسی دانشگاهی است. ناصرخسرو عالم به علوم زمان خودش بود. آثارش تجسمی از فرهنگ غنی اسلامی است و از قرآن، از حدیث، از اوستا و عهدعتیق استفاده کرده است. از فلسفه یونان هم بهره می گیرد. ناصرخسرو شاعر جامع الاطرافی بود که تربیت شده فرهنگ غنی اسلامی بود. ---

آثار :

1 بستان الاطباء

2 بیست گفتار در مباحث فلسفی و کلامی

3 تأثیرقرآن در اشعار ناصرخسرو

4 تحلیل اشعار ناصر خسرو

5 ترجمه ی شرح منظومه ی غررالفرائد سبزواری

ویژگی اثر : به انضمام مقدمه ی فارسی و انگلیسی و اصطلاحات.

6 تصحیح کتاب « مفتاح الطب و منهاج الطلاب »

ویژگی اثر : با همکاری محمد تقی دانش پژوه (کتاب برگزیده سال)

7 تعلیقات ، مقدمه و تصحیح اشترنامه عطار

8 تعلیقات ، مقدمه و تصحیح وجوه قرآن تفلیسی

9 شرح الهیات شفا ملا مهدی نراقی

10 شرح باب حادی عشر علامه حلی

11 شرح مشکلات و مقدمه بر پانزده قصیده از ناصرخسرو

12 شیعه درحدیث دیگران

13 فیلسوف ری

14 فیلسوف ری محمدبن زکریای رازی

15 مقدمه در شرح احوال و آثار و افکار السیره الفلسفیه رازی

16 مقدمه و فرهنگ لغات لسان التنزیل

17 وجوه قرآن

18 یادنامه ادیب نیشابوری

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه : بانک رسانه ها- روزنامه ایران- 25-12-1381 "امروز با دکترمهدی محقق"2برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور ، دفتر شورای جذب نخبگان ، 255 ـ3کیهان فرهنگی ،شماره 3 ، خرداد 13664مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال شانزدهم ، شماره ی 1و 2 ، آذر 13475میز گرد /فرهنگ و تمدن اسلامی ، نامه فرهنگ . سال سوم ، شماره چهارم . شماره مسلسل 12 ، زمستان 1372 ، ص13

محققان گورتانی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا محققیان گورتانی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/4/10
زندگینامه علمی
اینجانب شیخ رضا محققیان گورتانی فرزند حاج اسماعیل در تاریخ 10/4/1348 در اصفهان متولد شده و پس از سپری کردن دوران دبستان و راهنمایی به سال 1362 وارد حوزه علمیه اصفهان شده و دروس مقدمات و مقداری از سطح را در حوزه علمیه اصفهان در مدرسه ذوالفقار فرا گرفته و در اصفهان در دروس حضرات آیات مرحوم سید احمد امامی و حاج سید حسن امامی و حاج آقا حجت ابطحی و شیخ علی اکبر فقیه و... شرکت نمودم.
در سال 1368 به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و دروس خارج را در محضر آیات عظام آیت الله میرزا جوادآقای تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و... فرا گرفتم و در این مدت رشته تخصصی تفسیر سطح چهار را سپری نموده و موفق به حفظ کامل قرآن کریم شدم و قریب به 10 سال است که به تدریس علوم حوزوی و تدریس مکاسب و رسائل و... اشتغال دارم.
هم اکنون در مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه مشغول به باز نویسی و باز نگری قانون مجازات اسلامی قصاص و دیات می باشم.

محلاتی شیرازی، صدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1359 -1283 ش)، عالم دینی، فقیه، مفسر، نویسنده، استاد و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. پدرش آیت‌اللّه میرزا ابوالفضل محلاتی از علما و روحانیون بنام و دانشمند فارس بود. صدرالدین پس از تحصیل مقدمات به عتبات عالیات رفت و مدتی از محضر استادن آنجا بهره گرفت و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهانی و قم تحصیلات علوم دینی خود را ادامه داد تا موفق به کسب درجه‌ی اجتهاد شد و سپس به شیراز بازگشت و در شیراز حوزه‌ی تدریس بنیان نهاد و حلقه‌ی تفسیر قرآنی ترتیب داد. از بدو تأسیس دانشکده‌ی ادبیات در شیراز به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید. او علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم می‌سرود و چون به طریقه‌ی ذهبیه مایل بود اشعارش مضامین عرفانی داشت. از 1334 ش صبحهای جمعه انجمن ادبی صدر را در خانه خود تشکیل داد. وی از اعضای مؤسس کانون دانش پارس نیز بود. این کانون مجالس دبی داشت و تألیفات گوناگون اعضای کانون را به چاپ می‌رساند و دارای نشریه بود. آثار علمی و ادبی محلاتی در این نشریه به چاپ می‌رسید. از آثار وی: تفسیر «سوره‌ی والعصر»؛ «شأن نزول آیات قرآن»؛ «مناسک حج»؛ «اسرار حج»؛ «دار العلم شیراز»؛ «ولایت فارس در زمان خلفاء»؛ «مکتب عرفان سعدی»؛ «مقدمه تاریخ ادب عرب».[1]
مؤلف، محقق، شاعر.
تولد: 1284، شیراز.
درگذشت: 7 اسفند 1359، شیراز.
صدرالدین محلاتی، متخلص به «صدر» فرزند آیت‌الله میرزا ابوالفضل محلاتی پس از تحصیل مقدمات، به عتبات رفت و مدتی در آنجا از محضر استادان استفاده نمود و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهان و قم به ادامه‌ی تحصیلات علوم دینیه پرداخت و موفق به کسب جواز اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعه کرد و سال‌ها رییس دفترخانه‌ی اسناد رسمی شماره‌ی یک بود. از بدو تأسیس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه شیراز به دعوت دکتر لطفعلی صورتگر به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید و تا اواخر عمر، استاد آن دانشکده بود. صدرالدین علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم می‌گفت و چون اهل عرفان بود، اشعارش مضامین عرفانی داشت. طبع او بیشتر به غزل‌سرایی مایل بود.

از سال 1324 صبح‌های جمعه در خانه‌ی خود انجمن ادب تشکیل می‌داد و عده‌ای از شاعران و نویسندگان و شعر دوستان در آن شرکت می‌کردند. مباحث اعضای انجمن درباره‌ی مسائل ادبی، تفسیر، شعرخوانی و تصحیح اشعار بود. وی یکی از مؤسسان کانون دانش پارس است.
همیشه مقالات علمی و ادبی وی در جراید «پارس» منتشر می‌شد. از وی آثاری به چاپ رسید که از آن جمله است: دارالعلم شیراز (1333)؛ تفسیر سوره والعصر (1338)؛ شأن نزول آیات قرآن (1334)؛ مناسک حج، اسرار حج، مکتب عرفان سعدی، مقدمه‌ی تاریخ ادب عرب، ولایت فارس در زمان خلفاء (1334). تألیفاتی که از او باقی مانده ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح است: مبانی عرفان قرآن، تصوف و عرفان سعدی، تاریخ مکه، تاریخ اسلام یا محمد (در دو جلد)؛ تاریخ ادب (در دو جلد)؛ شأن نزول آیات قرآن (جلد دوم)؛ اثبات وجود خدا.
او در هفتم اسفند 1359 در سن هفتاد سالگی در شیراز درگذشت و در جوار آرامگاه حضرت علی بن حمزه در مقبره‌ی خانوادگی در کنار مزار پدرش، به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 1 و 2، ص 157 -156)، انجمن‌های ادبی شیراز (478 -475 ،405)، الذریعه (143/ 25)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3374 ،2075/ 2 ،1320 ،929/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (323)، مؤلفین کتب چاپی (540/ 3).

محمدی عراقی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن محمدی عراقی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد

زندگینامه علمی
اینجانب محسن محمدی عراقی حدود سال 1348 تحصیلات حوزوی خود را در حوزه مقدسه نجف اشرف زیر نظر مرحوم آیت الله والد آغاز کردم . مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد مرحوم والد (مرحوم آیت الله العظمی میرزا حبیب الله اراکی) گذراندم . قسمتی دیگر از سطوح را نزد آیات : خاتم یزدی ، سید کاظم حائری ، سید محمود هاشمی شاهرودی ، مرتضوی ، روشنی ، رضوانی ، شیخ محمد تقی جواهری به پایان رساندم . در تفسیر از محضر آیات : سید محمد باقر حکیم ، محمد هادی معرفت و حاج آقا مصطفی خمینی استفاده بردم . در فلسفه و عرفان از محضر آیت عظمی مرحوم آقای شیخ عباس قوچانی استفاده کردم . پس از پایان دوره سطح در خارج فقه از مرحوم آیت الله العظمی خویی و نیز از خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر استفاده کردم .
در آغاز سال 1354 پس از تحت تعقیب قرار گرفتن از سوی رژیم بعثی صدام به ایران آمدم و از همان آغاز در درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی میرزا کاظم تبریزی شرکت کردم و حدود 4 سال از فقه ایشان بهره بردم (کتاب الطهاره) . قریب یک دوره خارج اصول از محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی استفاده کردم و قریب یک دوره خارج اصول نیز از محضر آیت الله حائری استفاده کردم . در خارج فقه نیز صلاه ، مکاسب محرمه ، احیاء میراث را از محضر آیت الله وحید خراسانی ، کتاب الاجاره ، کتاب الخمس ، فقه العقود ، کتاب القضاء ، اجتهاد و تقلید ، حکومت اسلامی ، را از محضر آیت الله سید کاظم حائری بهره بردم . در فلسفه بخشی از اسفار را از محضر آیت الله جوادی آملی و بخشی دیگر را از محضر آیت الله شهید مطهری بهره بردم . نهایه الحکمه را خدمت استاد

آیت الله مصباح یزدی گذراندم . و از محضر ایشان بهره های فراوان بردم . در فلسفه غرب از محضر آیت الله شهید بهشتی استفاده کردم . در مجموع از 1348 تا سال 1374 از محضر اساتید در فنون مختلف بهره بردم .
در تمام این مدت از آغاز آنچه می خواندم تدریس می کردم . از سال 1349 تدریس مقدمات را آغاز نمودم . از سال 1351 به تدریس لمعه و سپس رسائل و مکاسب و کفایه پرداختم و در کنار تدریس فقه و اصول سال ها به تدریس فلسفه و تفسیر نیز اشتغال داشتم . از ابتدای حضور در حوزه قم در مدارس : حقانی ، آیت الله گلپایگانی ، رضویه و سپس در مدارس شهیدین ، باقرالعلوم(ع) ، الهادی و غیر آنها تدریس کردم . سال 1358 حوزه علمیه ای در خرمشهر تاسیس کردم که با شروع جنگ متوقف شد . از سال 1360 در حوزه علمیه امام خمینی (ره) تدریس کردم . در سال 1365 که به دزفول رفتم در حوزه آنجا تدریس کردم و حوزه دزفول را راه اندازی نمودم .
در حوزه قم به طور آزاد موارد متعددی نظیر لمعه ، رسائل ، مکاسب ، کفایه ، اشارات شیخ ، شرح منظومه ، شرح تجرید ، خارج فقه و اصول ، تفسیر و حدیث تدریس کرده ام و هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و نیز تفسیر و حدیث اشتغال دارم . در سال 1366مجمع الفکر الاسلامی را تاسیس کردم و در سال 1373 کنگره شیخ انصاری را بر پا کردم و به عنوان دبیر کلی آن فعالیت می کردم، و از سال 1374 تا سال 1383 در لندن به سمت نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله) حضور داشتم که در آنجا موسسات زیادی تاسیس نمودم . از جمله : مرکز اسلامی انگلیس ، کالج اسلامی لندن ، اکسفورد و اکادمی که بعد به دانشگاه آزاد اسلامی واگذار شد و هم اکنون به عنوان Azad univercity فعالیت می کند ، موسسه بوک اکسترا و ... در سال 1376 دانشکده اصول دین دزفول را تاسیس کردم که هم اکنون مشغول فعالیت است .

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود محمدی عراقی
محل تولد : کنگاور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
حجت‌الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی در سال 1331 در خانواده ای روحانی ، با تقوا و اهل علم در کرمانشاه دیده به جهان گشود؛ جد بزرگ وی مرحوم حاج آقا بزرگ محمدی عراقی که از حوزه علمیه اراک برخاسته و بدین لحاظ به محمدی عراقی شهرت پیدا کرده بود، از بزرگان علم و معرفت بود که به دستور مرجع تقلید بزرگ زمان، مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) به کرمانشاه عزیم پدر وی، حجت الاسلام والمسلمین بهاء الدین محمدی عراقی نیز پس از سالها خدمت به ساحت علم و معرفت و مردم خطه کرمانشاه در سال 1360 به شهادت رسید.محمدی عراقی، پس از طی تحصیلات عمومی در کرمانشاه جهت تکمیل تحصیلات علوم دینی به شهر قم عزیمت کرد و همزمان با تحصیلات جدید، در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب تلاش های قابل توجهی کرد.وی در دوران تحصیل از محضر اندیشمندانی نظیر شهید آیت الله دکتر بهشتی، شهید آیت الله قدوسی و جمعی دیگر از بزرگان علم و ادب بهره‌ای وافر برد و علاوه بر علوم متداول در حوزه های علمیه، به صورت تخصصی در حوزه فلسفه و علوم قرآنی مدارج علمی را طی کرد.محمدی عراقی پس از پیروزی انقلاب و سازماندهی فعالیتهای اجتماعی و قبول مسئولیت های مختلف در نهادهای انقلاب اسلامی، به فعالیتهای علمی و پژوهشی روی آورد.وی در شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشارکت داشته و چندین سال مسئولیت این دفتر و سرپرستی گروه جامعه شناسی را بر عهده داشت. نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران و عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما از دیگر سوابق او است.محمدی عراقی همچنین برای سالها ریاست سازمان تبلیغات اسلامی را بر عهده داشت و پس از آن، برای دو دوره و به مدت شش سال رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد. او در حال حاضر با حکم مقام

معظم رهبری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز، عضو شورای عالی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها است.

محمدی مظفر، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن محمدی مظفر
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1363 به حوزه علمیه رشت وارد شدم و تا سال 1370 به تحصیل دروس مقدماتی و سطح در آنجا اشتغال داشتم و همزمان دروس مقدماتی را نیز تدریس می کردم(عمدتاً معانی و بیان) و از سال 1370 تا 1372 به مدّت دو سال برای ادامه تحصیلات حوزوی، به حوزه علمیه مشهد رفتم و پس از آن از سال 1372 به حوزه علمیه قم آمدم و همزمان با تحصیلات حوزوی، به تحصیل در رشته فلسفه در دانشگاه مفید قم پرداختم و با پایان یافتن این دوره در سال 1376 به مرحله بعد یعنی کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم راه یافتم و این دوره را نیز با اتمام پایان نامه که موضوعش تصحیح الفرقة الناجیه شیخ ابراهیم قطینعی بود، در سال 1379 به پایان رساندم و در سال 1384 در رشته علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و هم اکنون در این دوره به تحصیل اشتغال دارم. همچنین از ابتدای سال 1376 که مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به طور رسمی و عمومی کار خود را آغاز کرد، در این مرکز به آموزش و پژوهش مجله هفت آسمان نیز به بنده سپرده شده است. علاوه بر اینها تاکنون سعی کرده ام که با دروس حوزوی قطع رابطه نکنم و تا حد امکان سعی می کنم در درس خارج حوزه شرکت کنم.همچنین از سال 1382 تا سال 1384 به مدت سه ترم در مدرسه امام خمینی(ره) برای رشته مذاهب به تدریس زبان تخصصی در رشته مذاهب اسلامی اشتغال دارم. در سالهای اخیر آثاری نیز اعم از کتاب یا مقاله در قالب تصحیح، تألیف و ترجمه داشته ام که برخی از آنها چاپ شده و برخی چاپ نشده است و فهرستی از آنها را در صفحه مربوط به آنها عرضه کرده ام.

محمدی، اردشیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اردشیر محمدی
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب اردشیر محمدی متولد 1351 در شهرستان دزفول به دنیا آمدم .دوران ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را در اهواز سپری کردم و بعد از اتمام دبیرستان وارد حوزه علمیه مسجد سلیمان شده و بعد از اتمام مقدمات عازم قم شدم و هم اکنون 8 سال است مشغول به تحصیل در درس خارج می باشم .از سال 1378تا 1382 دوره تخصصی کلام اسلامی را گذراندم (سطح چهارم) و پایان نامه سطح چهار اینجانب با عنوان نقش دین در بهداشت روان از منظر قرآن می باشد .در ضمن حدود 5 سال است که در دانشگاههای مختلف مشغول تبلیغ وتدریس بوده ام و هم اکنون جزء هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان خوزستان می باشم و همچنین جزء هیئت منتخب گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور می باشم .

محمدی، صادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید صادق محمدی
محل تولد : خرمشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سال 1362 تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم، دروس مقدماتی و دوره سطح را در مدرسه علمیه ملامحمد جعفر مشهور به مدرسه علمیه مجتهدی تهرانی و سپس در مدرسه علمیه مروی تهران گذراندم و در طول این مدت نیز قسمتی از منظومه ملاهادی سبزواری را در محضر آیت الله سید رضی شیرازی تلمذ نمودم و پس از آن در سال 1370 وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را نزد آیت الله العظمی تبریزی و وحید خراسانی آغاز نمودم و حدود ده سال از نظرات فقهی و اصولی این دو فقیه عالی قدر استفاده نمودم و همچنین حدود شش سال در موسسه بقیة الله الاعظم دوره تخصصی فقه و اصول را گذراندم.اینجانب از همان اوائل طلبگی مشغول تدریس بوده و تاکنون در حدود 20 سال مشغول تدریس کتب حوزوی بوده و هم اکنون مشغول تدریس دروس سطح می‌باشم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین محمدی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/6/2
زندگینامه علمی
اینجانب در شهریور ماه سال 1339 در شهرستان مقدس قم در خانواده ای مذهبی و روحانی به دنیا آمدم و بعد از گذراندن دوره ابتدایی و دوران راهنمایی در سال 1357 با ذوق و علاقه شخصی و راهنمایی پدرم وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه علمیه رسالت مشغول به تحصیل گردیدم.
با توجه به شروع انقلاب اسلامی در راهپیمایی ها و تظاهراتی که برگزار می گردید به طور جدی شرکت نموده و اطلاعیه های حضرت امام خمینی(ره) را در سطح شهر قم پخش کرده و به دست مردم و جوانان می رساندم تا این که در سال 1358 در شهر قم توسط عوامل مزدور شاه دستگیر شدم و مدتی را در زندان به سر بردم و به یاری خداوند بعد از مدتی آزاد گردیدم، سپس بعد از آزادی به ادامه تحصیل در شهر مقدس قم ادامه داده و درس مقدمات را نزد اساتیدی چون حسینی بوشهری و استاد مرحوم طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و ... سپری کردم.دروس لمعه را نزد استاد وجدانی فخر و فقیه شیرازی و استاد ابوالفضل احمدی و استاد گنجی و ... تمام نمودم و سپس در سال 1361 به علت نیاز منطقه در شهر هرسین کرمانشاه در حوزه علمیه امام صادق(ع) مشغول تدریس ادبیات و منطق به مدت یک سال گردیدم. سپس بعد از مراجعت از هرسین دروس حوزه را ادامه دادم و درس مکاسب را نیز در محضر استاد احمدی و مرحوم استاد ستوده و مرحوم استاد پایانی تلمذ نمودم و در درس کفایه نیز در محضر استاد ستوده بودم و بعد از اتمام دروس سطح، در درس خارج آیت الله وحید خراسانی و مدتی محضر حضرت آیت الله ملکی تبریزی ولی اکثر درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده نمودم.
سپس بعد از اعلام شروع رشته های تخصصی توسط حوزه در سال 1377 وارد اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شدم و به مدت چهار سال دوره

آموزشی نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت، شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذراندم و همزمان با دروس مرکز به درس خارج نیز ادامه دادم و در ضمن مشغول به تدریس مباحث تفسیری و علوم قرآنی در مراکز دانشگاهی و حوزوی شدم که سوابق تدریس این جانب پیوست می باشد.

محمودی، امیرملک

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر ملک محمودی
محل تولد : الیگودرز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب امیر ملک محمودی فرزند جواد شماره شناسنامه: 1347 متولد 1351 صادره از الیگودرز لرستان پس از تحصیلات دوره راهنمایی در روستای «مغانک سفلی» از توابع شهرستان الیگودرز در سال 1368 وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی به درس‌های کلاسیک نیز ادامه دادم و نیز کلاسهای کامپیوتر، ورزش، نویسندگی، روش تحقیق و نگارش، دوره‌های تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره تربیتی مربی قرآن و مهارتهای تبلیغ و تخصصی تبلیغ را نیز با موفقیت طی نمودم.
در کنار تحصیل با جدیّت و در حدّ توان به تبلیغ علوم اسلامی در سطح شهرستانها مساجد، روستاها، مدارس، دبیرستان‌ها، دانشگاهها، زندانهای مختلف در سراسر کشور پرداخته و سپس به عشق و علاقه‌ای که به نوشتن داشتم از سال 1360 تاکنون به کارهای مقاله نویسی و نوشتن ادامه داده که در سال 1374 با جدیت به کار چاپ و نشر روی آوردم که تاکنون به لطف الهی توفیق داشته‌ام بیش از پنجاه اثر در زمینه‌های مختلف: دینی، اجتماعی، خانوادگی، روان شناسی، جوانان تألیف نمایم.
اکثر کتب اینجانب به بیش از بیست بار تجدید چاپ شده‌اند و بعضی از تألیفات اینجانب در سطح کشور در وزارت خانه های مختلف و سایر مراکز به صورت کتاب مسابقه انتخاب شده است و فعلاً نیز با عنایت باری تعالی و عشق و علاقه‌ای که به کار علمی، پژوهشی و تألیف دارم با تمام توان مشغول به کار نوشتن و تألیف هستم.

محمودی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن محمودی
محل تولد : کرج
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1
زندگینامه علمی
. اینجانب حسن محمودی متولد1356درمحمدشهر کرج می باشم درسال 1376بواسطه اشنایی بااقای محسن عباسی راهی حوزه علمیه اصفهان شدم ودرانجا از محضر اساتید بزرگوارچون ایت الله مظاهری وایت الله ناصری دولت ابادی وایت الله مهدوی وحجج اسلام اقایان عبودیت وکشکولی ومعمارمنتظرین ودیگربزرگان بهرهها بردم

محمودی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محسن محمودی
محل تولد : محلات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1360 توفیق تشرف به حوزه علمیه قم یافتم. در مدرسه مرحوم آیةالله العظمی گلپایگانی قدس سره مشغول تحصیل شدم، سپس در درس شرح لمعه مرحوم آیةالله وجدانی فخر(ره) حضور یافم، مکاسب را در محضر مرحوم آیةالله پایانی (ره) و بالاخره کفایه را در محضر آیةالله اعتمادی مدظله خواندم. خارج فقه و اصول را در محضر آیةالله العظمی مکارم شیرازی مدظله آغاز کردم. بالاخره فقه ایشان را بیش از 10 سال ادامه داده و نظر به تعطیل شدن اصول ایشان، یک دوره اصول را در محضر حضرت آیةالله سبحانی مدظله خواندم در درس فقه حضرت آیات عظام فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی مدظله و تبریزی (ره) حضور یافتم. از محضر حضرت آیةالله جوادی آملی در تفسیر و حضرت آیةالله مظاهری در اخلاق بهره‌مند شدم. فلسفه را در محضر آیةالله ممدوحی آموختم.
سپس در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی دوره چهار ساله را گذراندم.هم اکنون نیز در دانشگاه آزاد اسلامی، حوزه علمیه و دانشگاه شهید محلاتی تدریس داشته و توفیق همکاری با رادیو معارف را به عنوان کارشناس داشته‌ام.بیش از 10 سال است که با انتشار مقالات و مطالب در زمینه‌های گوناگون در دو هفته‌نامه فرهنگ اسلام در عرصه مطبوعات حضور دارم.آنچه که نوشتم امتثال امر بود وگرنه هرگز خود را لایق ندانسته و آنچه نصیبم گردیده به برکت دعای خیر والدین و فضل الهی بود که امیدوارم توفیق شکرگذاری آن را داشته باشم.

محمودی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد محمودی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
سال 1354 وارد حوزه علمیه شیراز شدم و در مدرسه حکیم که زیر نظر شهید محراب آیة الله دستغیب قدس سره اداره می شد مشغول تحصیل شدم. ادبیات را نزد اساتید بزرگوار آقایان سید محمود آیة اللهی و سید هاشم دستغیب خواندم. منطق را نیز نزد مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید احمد آیة اللهی تلمذ نمودم. سال 1356 وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه حجتیه ساکن شدم اصول فقه را نزد مرحوم حجة الاسلام و المسلمین سلطانی (امام جمعه اردستان) خواندم و شرح لمعه را از حجج اسلام آقایان باکوئی (زین العابدین) و وجدانی فخر قدس سره آموختم. رسائل را نزد جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اصغر حجتی زاده خواندم. مکاسب محرمه را نزد حجة الاسلام والمسلمین سید علی محقق داماد خواندم و بیع را از مرحوم آیة الله شیخ نقی ستوده آموختم. خیارات مکاسب را نزد آیة الله علوی گرگانی خواندم. استاد کفایه مرحوم آیة الله ستوده می باشند که عمده آن را نزد وی خواندم و بخشی از آن را نزد آیة الله محسن دوزدوزانی و اندکی نیز نزد مرحوم آقای عبایی خراسانی خواندم. شرح منظومه سبزواری را نزد آیة الله ممدوحی خواندم و در درس بدایة الحکمه آقای جلیلی تبریزی شرکت کردم.
از سال1363پس از پایان سطح، نزد حضرات آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، مرحوم میرزا جواد تبریزی قدس سره دروس خارج فقه و اصول را خواندم که البته دوره کامل اصول را نزد آیة الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته، همزمان در درس فقه معظم له نیز شرکت می کردم کتاب الحج و حدود و دیات را نزد آیة الله العظمی فاضل لنکرانی دامت برکاته تلمذ نمودم و کتاب الصلاة را نزد مرحوم میرزا جواد تبریزی

قدس سره خواندم. در کنار دروس اصلی حوزه هم زمان در محضر عموی پدرم مرحوم آیة الله علامه محمد باقر محمودی قدس سره به تحقیق و تصحیح در متون حدیث و تفسیر به ویژه مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پرداختم.
اولین اثری که منتشر شد فهرست جامع و کامل شواهد التنزیل حاکم حسکانی نیشابوری بود که به عنوان جلد سوم این کتاب ارزشمند در سال 1411هجری قمری به چاپ رسید. اکنون در جاهای مختلف علمی و چند مرکز تحقیقاتی به پژوهش ،تالیف و تصحیح متون حدیثی اشتغال دارم که بیشترین آنها در مجمع احیاء فرهنگ اسلامی قم می باشد که عضو هیئت علمی و هیئت امناء آن نیز می باشم ، همچنین در بخش تحقیقات کتابخانه بزرگ آیة الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره با جمعی از دوستان به تالیف مجموعه ارزشمند در موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه مشغولم که تا کنون پنج جلد آن منتشر شده است که درسال 1385 به عنوان ممتاز کتاب سال حوزه دست یافته است. با دار الحدیث نیز همکاری علمی دارم. همچنین با میراث قرآنی شیعه که زیر نظر کتابخانه تخصصی قرآن و وابسته به دفتر آیة الله العظمی سیستانی منتشر میشود همکاری دارم.

مختاری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی مختاری
محل تولد : تیران کرون اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/9/2
زندگینامه علمی
از سال 1351 وارد حوزه علمیه قم، مدرسه المهدی زیر نظر آیت الله گلپایگانی شدم و از اساتید آنجا مثل حضرات آیات مرحوم آیت الله تقوی اشتهاردی، حسن امینیان، و... و اساتید حسین مظاهری ، مرتضی مقتدایی، حسن تهرانی، رضا استادی، نجفی شهرضایی، عالمی، غلامرضا صلواتی ، و ... بهره بردم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر استفاده از اساتید نامبرده، از اساتیدی چون آیات مصباح یزدی، خزعلی، جوادی آملی، جعفر سبحانی ، یحیی انصاری شیرازی، مرحوم سید رضا صدر، طاهرشمس، سید مصطفی محقق و سید علی محقق، آیت الله العظمی گلپایگانی و بسیاری از مراجع حاضر بهره برده، و درسهای رایج حوزه، نظیر، فقه، اصول،رجال، تفسیر، منطق، فلسفه و ... را بسان سایر طلاب خواندم. در فصل تابستان و تعطیلی حوزه قم، اکثرا به حوزه های علمیه سایر شهرستانها می رفتم و به درس یا تدریس می پرداختم مثل حوزه علمیه فیروز آباد فارس حدود 4 سال، خوانسار، حدود 5 سال، و دو سال 1356 و 1357 فصل تابستان در مدرسه نیم آور اصفهان تحت نظر و اشراف آیت الله ناصری اصفهانی بودم. و از اساتید حوزه اصفهان از جمله آیت الله ناصری (درس لمعه) بهره می بردم.با شروع دوره های تخصصی تفسیر و علوم قرآن، کلام و... در حوزه علمیه قم، حقیر در اولین دوره تفسیر علوم قرآن شرکت کردم و تاکنون بخش عمده تلاش هایم در خدمت قرآن کریم و تفسیر است. در اولین دوره دانشگاه قم (آن زمان به نام مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب) و نیز اولین دوره دانشگاه تربیت مدرس شعبه قم مقطع فوق لیسانس که آن زمان در دارالشفاء تاسیس شد شرکت کردم و قبول شدم ولی حوزه علمیه را ترجیح دادم. ضمن تحصیل هرگاه موقعیتی مناسب بوده است به تدریس ادبیات، فقه، عقاید، علوم قرآن، علوم حدیث و تفسیر پرداخته ام. بیش از ده سال است از طرف چند مرکز علمی و

فرهنگی به کتابشناسی و داوری و ارزیابی کتاب ، مقاله و ... اشتغال دارم. و یکی از تخصصهای حقیر، همین داوری کتاب است. اکنون عمدتاً به تالیف و تصحیح و یا مسافرتهای تبلیغی اشتغال دارم. موضوع مقالاتم به اقتضای زمان و نیاز، و یا سفارش دهندگان در تفسیر، ترجمه از عربی، اخلاق، مسائل فرهنگی و اجتماعی، فقه، تاریخ، حدیث، نقد و بررسی، کتابشناسی و ... بوده است.

مدیر شانه‌چی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1306، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
گذراندن تحصیلات حوزوی نزد اساتید عظام مشهد حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی، حاج میرزا احمد خراسانی، حاج سید محمدهادی میلانی و اخذ درجه اجتهاد در سال 1336.
مرتبه علمی:
استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1337 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
مطالعات و پژوهشهای فقهی و مذهبی، تألیف کتاب <مسندالنبی> شامل هزاران حدیث نبویه فقهی در پاسخ به اهل سنت که احادیث امامیه را فتاوای شخصی ائمه تلقی می‌کنند. تألیف کتاب تاریخ فقه شیعه و فقهای بزرگ آن مذهب، عضویت در مجمع تقریب بین‌المذاهب و بنیاد نهج‌البلاغه، سفرهای تحقیقاتی به کشورهای اسلامی، حضور در بیش از 20 سمینار و کنگره داخلی و خارجی و ارائه مقالات در زمینه علوم اسلامی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 34 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 25
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 4
زمینه علمی تألیفات:
علم‌الحدیث، فقه و مبانی اسلامی، کتابشناسی، تاریخ اسلام.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 42، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
تاریخ مشاهیر اسلام، کتابخانه‌های اسلامی، کلام و اعتقادات، مزارات خراسان، مبانی حقوق اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مراغی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا احمد بن علی‌اکبر مراغی ساکن تبریز عالمی جلیل از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بوده و تقریرات فقه او را نوشته است دارای تالیفاتی مانند حاشیه بر رسائل و تفسیر مشکلات القرآن و شرح نهج‌البلاغه و تحفه المظفریه در رد حاج کریم‌خان شیخی و حاشیه بر قوانین و حاشیه بر شرح الشمسیه و حاشیه صمدیه و حاشیه مطول و حاشیه تنقیدات المصابیح نظام العلماء تبریزی و غیره بوده و در پنجم محرم 1310 قمری به مرض وبا از دنیا رفته و نعش او را به وادی‌السلام نجف حمل نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرتضوی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد مرتضوی
محل تولد : شاهرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1

زندگینامه علمی
سال ورود به حوزه علمیه جناب آقای سید محمد مرتضوی شاهرودی 1352 می‌باشد ایشان پس از سیر تحصیلات ابتدائی و راهنمایی شاهرود زمانی که خفقان شدید بر کشور حاکم بود و روحانیت از هر جهت در ترس صدمات رژیم منحوس پهلوی بود وارد حوزه علمیه مشهد گردید. تحصیلات مقدماتی را در همان بدو ورود به حوزه علمیه نزد آیت الله حجت هاشمی سپری کرد و شرح لمعه را از محضر آیت الله صالحی 1354 کسب فیض کرد. تحصیلات سطوح عالی را در محضر آیت الله رضازاده و فلسفی گذراند و در سال 1359 با ورود به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت الله مرحوم فلسفی تلمذ کرد در کنار تحصیلات حوزوی، به تحصیل در دروس دانشگاهی هم سوی آورد و در مقطع دکترا رشته علوم قرآنی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گشت و در مدتی که در قم بود سمت مدیر گروهی مرکز تحقیقات سپاه را بر عهده داشت. ایشان هیچ وقت از علم آموزی هم غافل نماند و در حوزه‌ای مشهد و قم به تدریس علوم دینی برای طلاب جوان پرداخت.

مردانی ولندانی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی مردانی ولندانی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1

زندگینامه علمی
اول ابتدایی 1345 و سال 1356-1357 دیپلم ادبی از دبیرستان ادب اصفهان گرفتم . 1359 جامع المقدمات را شروع نمودم و 1371 در حوزه اصفهان مشغول بودم و با شروع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس تا سال 1371 با سپاه به عنوان مربی عقیدتی همکاری کامل داشتم و 1371 شهریور ماه مشرف به شهر مقدس قم گردیدم و با تشکیل پرونده علوم حوزوی را ادامه دادم.
در طول دفاع مقدس در سال 1371 موفق به اخذ لیسانس کارشناسی ارشد با گرایش علوم اجتماعی پژوهشگری شدم. از سال 1372 به استخدام رسمی آموزش و پرورش در آمدم و فعلا 1387 فعالیت هایم با آموزش و پرورش ادامه دارد. سال 1385 مشغول کارشناسی ارشد در دارالحدیث قم با گرایش کلام – علوم قرآن و حدیث گردیدم – همواره تبلیغ و منبر در شهر مخصوصاً اصفهان داشته ام. و مدت سه سال در دانشگاه هنر تهران ، خ ولی عصر ، و شعبه کرج به تدریس معارف 1 و معارف 2 و اخلاق و متون و مدت یک سال در دانشکده سوره وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی تهران تدریس معارف داشته ام. همچنین از سال 1385 تا 1387 در دانشگاه آزاد قم به تدریس معارف و اخلاق مشغول بوده ام.

مرعشی خراسانی، ابوالفضل احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1235 ق)، عالم دینی، متکلم، مفسر، محدث و حکیم. وی از شاگردان وحید بهبهانی بود و از او و شیخ یوسف بحرانی، صاحب «الحدائق الناظرة»، روایت کرده است. او در سفر و حضر با فتحعلی‌شاه قاجار بود. گفته‌اند وی را با خوراندن سم شهید کردند. بر پاره‌ای از آثار وی اجازات و تقاریضی از استادان و علمای معاصرش وجود دارد. از آثارش: «اغاثة اللهفان من ورطات النیران»، در مواعظ؛ «التهذیب»، در اخلاق؛ شرح «الفوائد الجدیدة» بهبهانی؛ شرح «کفایه» سبزواری؛ «غنیة المصلی»، در تعقیبات؛ «منهج السداد»، در شرح «الارشاد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (220/ 3)، ریحانه (288/ 5)، معجم المؤلفین (136/ 2).

مرعشی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1280 -1198 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب و شاعر. از فرزندزادگان علامه سید حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بود. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»؛ شرح «زبدة الاصول»؛ شرح «تشریح الافلاک»؛ «سفرنامه‌ی هندوستان»؛ کتاب «اجازات»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (382/ 9)، تذکرة القبور (488)، معجم المؤلفین (188/ 10).

مرغینانی، برهان‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(617/ 593 -530 ق)، فقیه حنفی، محدث و مفسر. مشهور به شیخ‌الاسلام. نسبتش به مرغینان، از توابع فرغانه می‌رسد. او جامع تمام علوم متداول زمان خود و از مشاهیر علمای عامه بود. به آورده‌ی «ریحانة الادب»، به هنگام فتنه‌ی چنگیزی ساکن مرغینان بود و از طرف اهالی به عنوان سفیر صلح انتخاب و برای مذاکرات و عقد مصالحه به سوی چنگیزخان فرستاده شد. اما عاقبت چون با مفاد پیمان مخالفت کرد، شهر مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفت و مرغینانی در آن غائله از میان رفت، در این صورت وفات وی در 617 ق صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از آثارش: «بدایة المبتدی»، در فقه حنیفی؛ «الهدایة فی شرح البدایة»؛ «کفایة المنتهی»؛ «التجنیس و المزید»؛ «الفرائض»؛ «مختارات مجموع النوازل»؛ «نشر المذاهب»؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (73/ 5)، تاریخ ادبیات در ایران (263/ 2)، ریحانه (293/ 5 ،256/ 1)، سیر النبلاء (232/ 21)، کشف الظنون (2032 -352 353، 569، 1250 -1251، 1501، 1624، 1852، 1953، 2031- 228، -227)، معجم المؤلفین (46 -45/ 7)، هدیة العارفین (702/ 1).

مرورودی، ابوالحارث سریج

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 235 ق)، حافظ، محدث، مفسر، فقیه و عابد. او ساکن بغداد بود. از سفیان بن عیینه و هشیم بن بشیر و عباد بن عباد مهلبی و عبداللّٰه بن ادریس و حمید بن عبدالرحمان رؤاسی و اسماعیل بن علیه و یوسف بن یعقوب ماجشون و اسماعیل بن مجالد و ابواسماعیل ابراهیم بن سلیمان مودب و یحیی بن زکریا بن ابی‌زائده و مروان بن شجاع و سلم بن سالم بلخی و خالد بن نافع اشعری و اسماعیل بن جعفر و ابراهیم بن خثیم بن عراک حدیث شنید. مسلم بن حجاج نیشابوری و بقی بن مخلد اندلسی و ابوزرعه‌ی رازی و موسی بن هارون و ابوالقاسم بغوی و احمد بن حسن صوفی و ابوحاتم محمد بن ادریس رازی و عبداللّٰه بن احمد بن حنبل و ابوبکر احمد بن علی مروزی و حامد بن محمد بن شعیب بلخی و محمد بن عبداللّٰه حضرمی و عبداللّٰه بن محمد بن ابی‌دنیا از وی روایت کرده‌اند. بخاری و نسایی نیز به واسطه‌ی ابویحیی محمد بن عبدالرحیم صاعقه از او روایت نموده‌اند. از آثارش: «التفسیر»؛ «التاریخ»؛ «الناسخ و المنسوخ»؛ «القراآت»؛ «السنن»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (221 -219/ 9)، التاریخ الکبیر (205/ 4)، تهذیب التهذیب (400 -399/ 3)، تهذیب الکمال (62 -59/ 7)، الثقات (307/ 8)، الجرح و التعدیل (ج 2، ق 305/ 1)، سیر النبلاء (147 -146/ 11)، شذرات الذهب (85 -84/ 2)، العبر (331/ 1)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (420)، معجم المؤلفین (209/ 4)، النجوم الزاهرة (338/ 2).

مروزی، ابوبکر ابراهیم

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 211/ 210 ق)، فقیه حنفی و محدث. اهل کرمان و ساکن مرو بود. وی در حدیث ثقه بود. چندین بار به بغداد رفت و در آنجا حدیث روایت کرد. از محمد بن حسن شیبانی فقه آموخت. از منصور بن عبدالحمید و مالک بن انس و محمد بن عبدالرحمان بن ابی‌ذئب و سفیان ثوری و شعبة بن حجاج و لیث بن سعد و قیس بن ربیع و یعقوب قمی و حماد بن سلمه و ابوحمزه سکری و اسماعیل بن عیاش و نوح بن ابی‌مریم و خارجة بن مصعب و بقیة بن ولید حدیث شنید. سعید بن سلیمان سعدویه و احمد بن حنبل و زهیر بن حرب و ایوب بن حسن و علی بن حسن هلالی و حسین بن حسن مروزی و محمد بن عبدالرحمان سعدی از او حدیث شنیدند. مأمون او را به خویش نزدیک و به وی پیشنهاد منصب قضا کرد اما وی نپذیرفت. در نیشابور درگذشت و در باب معمر دفن شد. از آثارش: «نوادر»، در فروع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ الاسلام (حوادث 40 -39/ 210 -201)، تاریخ بغداد (74 -72/ 6)، الثقات (70/ 8)، طبقات ابن سعد (265/ 7)، کشف الظنون (1981)، لسان المیزان (84 -82/ 1)، معجم المؤلفین (31/ 1)، المنتظم (218/ 6)، میزان الاعتدال (56 -55/ 1).

مروزی، ابوعثمان سعید

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 227 ق)، حافظ، مفسر و محدث. به وی طالقانی نیز گفته‌اند. در جوزجان به دنیا آمد و در بلخ نشو و نما یافت و در مکه مجاور گردید. در خراسان و حجاز و عراق و مصر و شام و جزیره و سایر نقاط از مالک بن انس و حماد بن زید و ابی‌قدامه حارث بن عبید ایادی و داوود بن عبدالرحمان عطار و مهدی بن میمون و ابوعوانه وضاح بن عبداللّٰه و حسان بن ابراهیم کرمانی و اسماعیل بن عیاش و لیث بن سعد و فضیل بن عیاض و جریر بن عبدالحمید و اسماعیل بن زکریا و دیگران حدیث شنید. احمد بن حنبل و مسلم و ابوداوود و احمد بن سهل اهوازی و احمد بن نجده هروی و اسماعیل بن عبداللّٰه سمویه اصفهانی و حرب بن اسماعیل کرمانی و حسن بن محمد زعفرانی و حسین بن اسحاق شوشتری و ابوزرعه‌ی رازی و عمرو بن منصور نسایی و ابوحاتم رازی و محمد بن ایوب رازی و یحیی بن موسی بلخی و یحیی بن یونس شیرازی و یعقوب بن سفیان فارسی و ابوالموجه محمد بن عمرو مروزی و جماعتی از وی روایت کردند. در مکه درگذشت. سال وفات وی به اختلاف از 226 تا 229 ق ذکر شده است. از آثارش: «السنن»، در حدیث، که در « طبقات الحفاظ» تحت عنوان «السنن و الزهد» آمده است؛ «تفسیر قرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :التاریخ الکبیر (516/ 3)، تذکرة الحفاظ (417 -416/ 2)، تهذیب التهذیب (80 -79/ 4)، تهذیب الکمال (308 -305/ 7)، الثقات (269 -268/ 8)، الجرح و التعدیل (ج 2، ق 68/ 1)، سیر النبلاء (590 -586/ 10)، شذرات الذهب (62/ 2)، کشف الظنون (1007 -449)، طبقات ابن سعد (44/ 6)، طبقات الحفاظ (201)، العبر (314/ 1)، معجم المؤلفین (232/ 4)، میزان الاعتدال (127/ 2)، الوافی بالوفیات (263/ 15)، هدیة العارفین (388/ 1).

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا محمدحسین بن العلم العلام و الحجه الاسلام المرحوم حاج میرزا محمود مسجد جامعی تهرانی از علماء مبرز و فضلاء برجسته حوزه علمیه قم است.
در سال 1336 قمری در تهران متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم آمده و چند سالی توقف و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین و علماء حوزه علمیه آموخته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف و چندین سال از محضر آیات عظام و مراجع کرام نجف چون آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده سپس در سال 1378 قمری مراجعت به ایران و در (قم حرم آل‌محمد علیهم‌السلام) رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آن جناب استفاده نموده و پس از رحلت آن مرحوم منحصرا به درس فقه و اصلو حضرت آیت‌الله العظمی اراکی شرکت و ضمنا به تدریس سطوح عالیه اشتغال دارند.
و از خصایص آنجنابست که متون علوم ادبیه و فقه و اصول و فلسفه و بالاخص تمام کلام‌الله مجید رامن البدوالی الختم از حفظ دارند و این از نوادر روحانیت و افتخارات جامعه تشیع است.
نگارنده گوید علامه مسجد جامعی از دانشمندان بسیار آراسته و دارای ملکات فاضله اخلاقی و واجد محاسن آداب و مکارم اخلاق و معرض از شئونات روحی از امامت و غیره می‌باشند و غالبا هم در منزل خود به مطالعات و مباحثات علمی اشتغال دارند و کمتر در اجتماعات شرکت می‌نمایند.
از آثار ایشانست تقریرات و در اسات دروس فقه و اصول استادش آیت‌الله العظمی اراکی که به رشته تحریر درآورده است.
برادر ارجمند ایشان جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا مصطفی مسجد جامعی از علماء فعال و خدمتگذار تهران است که در مسجد المصطفی (همت‌آباد سابق) اقامه جماعت نموده و تبلیغ دین و احکام مبین اسلامی را می‌نمایند.
و مخفی نماند که این دو برادر از بیوتات اصیل و ریشه‌دار روحانیت تهران است که از چند قرن قبل تاکنون ریاست علمی و روحانی مرکز را داشته و

دارند. مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالله سعید تهرانی عموی معظم آنان و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالعلی تهرانی دائی گرامی ایشان می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مسعودزاده، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا مسعودزاده
محل تولد : باب انار - جهرم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/6/5 زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا مسعود زاده متولد 1338 در قریه باب انار از توابع شهرستان جهرم (استان فارس) تحصیلات خود را بعد از اخذ دیپلم فنی رشته برق در سال 1355 کاردانی رشته مزبور الکتروتکنیک از انستیتو شیراز در سال 1358 پس از مدت کوتاهی در سپاه پاسداران (6ماه) در سال 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس حوزوی را شروع کردم در سال 1367 پس از اتمام سطح وارد دروس خارج گردیدم در سال 1374 وارد دروس تخصصی رشته تفسیر و علوم قرآنی گردیدم و هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه آن می باشم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالهادی مسعودی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1350 هجری شمسی به مدرسه رفتم و در 1362 هجری شمسی دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم و پس از یکسال درس مهندسی صنایع در دانشگاه صنعتی شریف، کلیه درس های جدید را رها کرده و به درس حوزه که از دبیرستان آغاز کرده بودم به صورت تمام وقت پرداختم و از محضر اساتیدی همچون پدرم ، مرحوم روشنی ، آیت الله قدیری ، مرحوم پایانی ، آقای نیری همدانی و مرحوم آیت الله زاده اراکی سود بردم پس از اتمام تحصیلات سطح در سال 1369هجری شمسی به درس خارج آیت الله شیخ جواد تبریزی حاضر شدم و دو سال اصول فقه و 5 سال فقه طهارت و حدود را نزد ایشان تلمذ کردم و سپس به مدت 8 سال درس اصول آیه الله وحید خراسانی و 5 سال فقه استاد آیت الله شبیری زنجانی شرکت جستم. از سال 1369 هجری شمسی کار بر روی حدیث را به صورت جدی و رسمی آغاز کردم و تاکنون به صورت مطالعه و فیش برداری موضوعی کتب حدیث، تبویب و دسته بندی احادیث شیعه و اهل سنت، ترجمه، تلخیص و ... تدوین رساله ها، مقاله ها و کتاب های مربوط به حدیث ، کارهایی ارائه داده ام. همچنین با مراکز مختلف علمی و پژوهشی ارتباط مشورتی داشته و سالهاست در دو حوزه فقه و حدیث، در حوزه و دانشگاه تدریس می کنم . اینجانب در کنار دروس اصلی فقه و اصول اندکی فلسفه و منطق نیز خوانده ام و با کلام نیز به گونه ای مختصر آشنا هستم. همچنین سالهاست که به دلیل ارتباط کاری از قرآن و تفاسیر آن نیز استفاده می برم و به همین دلیل و به دلیل مطالعه احادیث اخلاقی و نه عمل به آن، مطالبی را در رادیو معارف و رادیو قرآن و نیز سیمای جمهوری اسلامی ارائه داده ام. زندگی علمی من در مطالعه حدیث و علوم جانبی آن ، نشر مقالات حدیثی و تدریس فقه و حدیث و سخنرانی و نیز

ترجمه احادیث و تلخیص بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی مسعودی
محل تولد : اقلید
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1357/3/10

زندگینامه علمی
اینجانب محمد مهدی مسعودی در سال 1357 در اقلید فارس متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در زادگاهم گذراندم. در سال 1376 در دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس پذیرفته شدم و در سال 1380 از این دانشگاه با احراز رتبه اول در میان فارغ التحصیلان سال مذکور فارغ التحصیل گردیدم. در همین سال در دوره کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته واز این دانشگاه نیز در سال 1382 با احراز رتبه اول فارغ التحصیل شدم. سپس به خدمت سربازی رفته و بخشی از آن را در دانشگاه امام حسین(ع) با اشتغال به فعالیتهای پژوهشی و بخش دیگر را در پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه با اشتغال به فعالیتهای اجرایی و پژوهشی گروه الهیات پشت سر گذاشتم. پس از آن مدتی با موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث- دانشکده علوم حدیث قم همکاری نمودم و بالاخره در دوره دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم پذیرفته شدم و هم اکنون در این دانشگاه مشغول به تحصیل می باشم. اینجانب مدتی با دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و هم اکنون نیز با دانشگاه آزاد واحد اقلید همکاری علمی دارم.

مشکی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مشکی
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1

زندگینامه علمی
از سال 1353 وارد حوزه علمیه شدم و در حقیقت کارهیا علمی نوشتاری از سال 1372 شروع شد کتب و مقالات و تحقیقات زیادی دارم که بعضی چاپ و بعضی در دست اقدام می باشد. همراه با تحصیلات حوزوی موفق به اخذ دکتری در رشته حقوق خصوصی شدم و تحصیلات حوزوی هم اجتهاد می باشد. و فعلا به عنوان عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه آزاد مشغول به تدریس هستم.

مشکینی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیة الله علی اکبر فیض معروف به مشکینی در سال 1300 هجری شمسی در روستایی از توابع بلوک مشکین شهر و در میان خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلنّی زندگی ساده ای داشت. او در کسوت روحانیت به تحصیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیة الله مشکینی هنگامی که همراه با پدر در نجف اشرف مقیم بود، به مکتب خانه رفت. هنوز بیش از دو سال از اقامت خانواده آیة الله مشکینی در نجف نگذشته بود که مادرش چشم از جهان فروبست. آیة الله مشکینی به همراه پدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مدتی پدر را نیز از دست داد. خود می گوید: " پس از فوت پدرم ما یتیم بودیم و هیچ چیز نداشتیم." ایشان با وجود سختی و مرارت و فقر، عزم سفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شد و پس از اندکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان درباره سال های سخت دوران یتیمی خویش می گوید: "با وجود همه سختی ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بود که در آن پای نهاده بودیم. هر چند در این غربت و تنهایی سایه پدر و مادر نبوده لکن همواره خدا بود و باور این حضور، ما را از یاس و ناامیدی نجات می داد." وی برای تحصیل علوم دینی به شهرستان اردبیل سفر کرد و مقداری از صرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سپس در معیّت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسجد گوهرشاد مشهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمد و در آن دیار به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان درباره سفارش پدرش برای تحصیل علم می گوید: "پدرم در آخرین لحظات عمرش تنها سفارشی که برای من کرد این بود که فرمود: پسرم! در روز قیامت به پیش من رو سیاه می آیی اگر احکام و عقاید و تفسیر را فرا نگرفته باشی." این بود که آیة الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشید و در این علوم نیز تبحر خاصی به دست آورد. او در حضور اساتید بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مستولی و تحصیل در حوزه‌های علمیه بسیار دشوار بود. دروس

دوره سطح را به خوبی به پایان رساند و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دوره خود، حاضر شد. وی نزدیک به هفت ماه نیز در نجف اشرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی(ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و ضعف مزاجی مجبور به بازگشت به ایران شد. آیة الله علی اکبر مشکینی در سال‌های تحصیل خود، به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. وی در دروس خارج فقه و اصول آیة الله العظمی بروجردی (ره) و آیة الله العظمی محقق داماد(ره) شرکت می‌کرد. در نجف نیز به محضر عالمان و استادان آن دیار شرفیاب می‌شد و در درس خارج امام خمینی(ره) شرکت جدی داشت. آیـة الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیة الله جوادی آملی و آیة الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیة الله مشکینی در سال‌های عمر با برکت خود منشأ خدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بود. او طی سال‌ها تدریس مقدمات، سطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین درس تفسیر آیة الله مشکینی از دروس مشهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌های مهم وی در این عرصه، تأسیس مؤسسه الهادی است که به چاپ کتب مفید و اسلامی برای سطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسلامی آشنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: 1ـ اصطلاح الاصول 2ـ مصطلحات الفقه 3ـ الفقه الماثور (دوره فقه به طرزی نوین) 4ـ دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) 5ـ ازدواج در اسلام 6ـ المنافع العامه (شرح کتاب احیاءالموات شرایع) 7ـ مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصباح المنیر) 8ـ المواعظ العددیه 9ـ واجب و حرام احکام الزامی (دوره فقه) 10ـ قصار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) 11ـ ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی 12ـ الهدی الی موضوعات نهج البلاغه 13ـ المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) 14ـ واجبات و محرمات (استقصاء آنچه در شرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) 15ـ تفسیر سوره (ص) 16ـ بحث تکامل از نظر قرآن 17ـ مسلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل 18ـ زمین و آنچه در آن است 19ـ تقلید چیست؟ 20ـ رساله خمس 21ـ حاشیه توضیحی بر کتاب مضاربه، عروةالوثقی 22ـ نهج البلاغه موضوعی 23ـ تحریرالمواعظ

24ـ تحریرالمعالم 25ـ الرسائل الجدیده 26ـ تلخیص المکاسب (در دست چاپ) 27ـ تفسیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) 28ـ ترجمه و شرح فارسی سه کتاب مضاربه، مزارعه و شرکت در عروة الوثقی (در دست چاپ) همچنین از وی مقالات بسیاری در نشریات نور علم، پاسدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است.

فعالیت‌های سیاسی :

زندگی آیة الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امام خمینی(ره) پیوست. مشکینی در جلسات مخفی مبارزان شرکت می‌کرد از این رو حدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دستگیر شد و ساواک از او خواسته بود تا 48 ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و 15 ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه 27 نفر از اساتید و فضلای حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه ماه ساواک وی را دستگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعید کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشمر تبعید شد و در طول دوره تبعید نیز دست از مبارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که ساواک او را به مکان دیگری منتقل می‌کرد. وی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیة الله مشکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام(ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری در هر سه دوره، امامت جمعه قم با حکم امام(ره) و رهبر انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی. آیت الله مشکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه‌الله بستری شدند. سرانجام عصر روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مشهدی، هدایةاللَّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1248 -1178 ق)، عالم امامی، فقیه، مفسر و نحوی. در محضر پدرش تلمذ نمود. پس از رسیدن به درجات عالی علمی عهده‌دار ریاست دینی مردم گردید. زمانی که شاهزاده شجاع السلطنه از خراسان رفت و آن منطقه مورد تجاوز سید محمد خان کلاتی قرار گرفت، میرزا هدایت‌اللّٰه مشهدی شاگرد خویش، ملا قربان نیشابوری، را به همراه نامه‌ای به کلات فرستد و خان متجاوز را از ظلم و تعدی برحذر داشت و خان مزبور فرمان او را اطاعت کرد. او در مشهد درگذشت و در صفه‌ی طهماسبی دفن شد.
از آثارش: تفسیر قرآن مجید معروف به «تفسیر میرزا هدایة اللّٰه»، ده جزء اول قرآن و ده جزء آخر آن می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (69/ 9)، اعیان الشیعه (263/ 10)، الذریعه (321/ 4)، هدیة العارفین (507/ 2).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی مصدرالامور
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب مرتضی مصدرالامور در سال 1356 هجری شمسی وارد حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی قم شدم و دوره‌ی سطح را در مدت دوازده سال سپری کردم و در سال 1368 به درس خارج راه یافتم، مدت 8 سال در درس خارج فقه حضرت آیةالله العظمی آقای مکارم شیرازی دامت برکاته العالیه در موضوعات صلوةالمسافر، خمس و حدود و تعزیرات شرکت کردم و همزمان در درس خارج اصول ایشان حضور یافتم و در سال 1376 وارد درس خارج فقه و اصول حضرت آیةالله العظمی آقای وحید خراسانی شدم و همزمان در درس خارج فقه (صلاة) مرحوم آیةالله العظمی حاج میرزا جواد آقا تبریزی نیز شرکت می‌جستم و در مجموع 18 سال است که در دروس خارج حوزه شرکت می‌کنم که اگر ضمیمه شود به دوره‌ی سطح قریب به 30 سال می‌شود. در سال 1374 وارد رشته‌ی تخصصی تفسیر قرآن کریم شدم و در سال 1378 فارغ‌التحصیل شدم. از سال 1360 تاکنون به مدت 25 سال است که در سنگر منبر به تبلیغ معارف دینی و قرآنی می‌پردازم.

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی، محقق، استاد.
تولد: 1299، قریه فریمان (مشهد).
شهادت: 12 اردیبهشت 1358، تهران.
آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های 1322 و 1323 به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازده سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملا هادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کافیه مشغول بود.
در پانزده خرداد 1342 آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.
پس از اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال 1357 برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از

پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلای اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.
از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادیگری؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهاد جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (1)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.
آیت‌الله مطهری در تاریخ 12 اردیبهشت 1358 در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.
1- حجةالاسلام و استاد عالیمقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.
وی در حدود 1338 قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فراگرفته و در سال 1356 ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه العظمي موسوی و دیگران

آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد. دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

1- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)

2- انسان و سرنوشت 3- خدمات متقابل اسلام و ایران 4- خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند.

5- داستان راستان 6- عدل الهی 7- علل گرایش به مادی‌گری 8- مسئله حجاب 9- نظام حقوق زن در اسلام 10- سیری در نهج‌البلاغه

و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح 1298- شهادت 1358 ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در 1316 ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت‌اللّه محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را زا محضر آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه صدر فراگرفت. در 1320 ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج‌البلاغه آشنا شد. از 1325 ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در 1329 ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از 1331 ش به موازات تدریس و

تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در 1334 ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن‌سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیة» ملا صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد 1342 ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»؛ «آشنایی با قرآن»؛ «اسلام و مقتضیات زمان»؛ شرح و توضیح «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسهای اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی» سبزواری؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام».[1]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجةالاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّٰه استاد علامه طباطبائی می‌باشند.

وی در ماه جمادی الثانی 1338 ق برابر با 1299 هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال 1356 هجری قمری برابر با 1316 ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی و آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال 1371 برابر با 1331 شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دلباختگان فلسفه و تفسیر تدریس می‌کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشگان

را اداره می‌کرد.
موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.
مرحوم حجةالاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت‌اللّٰه حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌اللّٰه العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.
حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی‌الثانی 99 چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشسته و صدها هزار نفر د رتشیع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.
مرحوم مطهری شهید رئیس شوراء انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است.
مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.
آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق درحوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرجع عالیقدر و قائد عظیم‌الشأن آیت‌اللّٰه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.
در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به

وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانقدر برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است.

متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم.

انا لله و انا الیه راجعون.

این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصا ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس‌سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم.

تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.

من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیتهائی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.

در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.

و تبریک در داشتن این شخصیتهای فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.

من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد.

مطهری که د رطهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.

اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توام با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.

(و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین من الرجال و النساء و

الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.
شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول‌گری سودی ندارد.
ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.
اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت 58 را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.
سلام بر شهدای راه حق و آزادی.
روح‌اللّٰه الموسوی الخمینی.
شهادت مطهری.
این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب 60 سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (58) برابر پنجم جمادی الثانی 1399 غروب کرد اتفاقا در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] پاره‌ای از خورشید (43 -17)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (24 -19)، سرگذشتهای ویژه از زندگی استاد مطهری (51 -11)، گنجینه‌ی دانشمندان (118/ 6)، مصلح بیدار (42 -23)، یادنامه (26 -9).

مظاهری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از این عالمان بزرگ و سالکان مسلک دوست، معلم اخلاق و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری مد ظله العالی است که از محضر عالمانی بزرگوار بهره برده و از نفس گرم پیران طریقت، گرمای حیات‌بخش معنوی گرفته‌اند.
تولد جسمانی و روحانی:
آیة الله مظاهری در سال 1312 هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی، وارسته و مذهبی پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارند. معظم له پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی در سال 1326 شمسی بمنظور تحصیل علوم دینی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شده و پس از اتمام دروس مقدمات، مقداری از دروس سطح حوزوی در بخشهای فقه، اصول و فلسفه را در محضر حضرات آیات خادمی، فیاض، طیب، ادیب و مفید «رحمة الله علیهم» تلمذ می‌نمایند.
ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم، محضر استادان علم و عمل:
در سال 1331 شمسی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان را به قصد حوزه‌ی علمیه‌ی قم ترک گفته و در جوار مرقد کریمه‌ی اهل بیت حضرت فاطمه معصومه «سلام الله علیها» رحل اقامت می‌افکنند و باقیمانده‌ی دروس سطح را از محضر حضرت آیات مرعشی نجفی، حاج شیخ مرتضی حائری، و حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی «رحمة الله علیهم» استفاده کرده و سپس در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: امام خمینی، بروجردی و محقق داماد «قدس سرهم» حاضر می‌شوند. استفاده‌ی بیش از هشت سال از محضر علمی و معنوی آیت الله العظمی بروجردی، مرجع علی الاطلاق شیعه در آن عصر و نیز بهره‌برداری از محفل دانش و تقوای حضرت امام خمینی در طول نزدیک به ده سال و همچنین خوشه‌چینی از خرمن علم و عمل مرحوم آیة الله العظمی سید محمد محقق داماد و نیز استفاده‌ی سالیان متمادی از دروس فلسفه و عرفان حجة الحق، حضرت استاد علامه‌ی طباطبایی «قدس سرهم»، همه و همه موجب استحکام و اتقان پایه‌های علمی و توان عملی و اخلاقی آیة الله العظمی مظاهری شده است. ثمرات این استفاده‌های ارجمند، صدها صفحه تقریرات فقهی و اصولی دروس و افادات و افاضات این اساتید عالی مقام است که در 15 عنوان گرد آوری شده است.

ثمره‌ی دانش اندوزی، آثار و تألیفات:
افزون بر اینها، تألیفات معظم له می‌باشد که بویژه در زمینه‌های اخلاقی مورد استقبال گسترده علاقمندان به علم اخلاق و خصوصا نسل جوان واقع شده است.
فهرست کلی تألیفات منتشر شده‌ی ایشان عبارت است از:
3 جلد در زمینه‌ی علم فقه، 25 جلد در زمینه‌ی علم اخلاق، 5 جلد در زمینه‌ی علم اقتصاد، 3 جلد در زمینه‌ی اعتقادات، 2 جلد در زمینه‌ی تاریخ و حدیث.
همچنین فهرست کلی آثار غیرمطبوع ایشان بدین شرح است:
17 عنوان در زمینه‌ی فقه، 3 عنوان در زمینه‌ی علم اصول، 24 عنوان در زمینه‌ی علم اخلاق و عرفان، 8 عنوان در زمینه‌ی علم کلام و اعتقادات، 5 عنوان در زمینه‌ی تفسیر قرآن شریف، 4 عنوان در زمینه‌ی علم اقتصاد، 7 عنوان در زمینه‌ی تاریخ و متفرقات.
استاد در کرسی تدریس:
آیة الله العظمی مظاهری یکی از اساتید با سابقه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند که از سال 1356 شمسی حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول داشته و دهها تن از شاگردان و تلامیذ ایشان اینک در مناصب مختلف حوزوی، دانشگاهی،فرهنگی، قضایی و سیاسی در خدمت نظام مقدس اسلامی قرار دارند.
هم اکنون نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، دروس خارج فقه و اصول ایشان، بزرگترین حوزه‌ی درسی خارج و محفل تعلیم افاضل و روحانیون محترم است و به تعبیر مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین «از لحاظ شکوه و عظمت خود درس و اجتماع طلاب، در اصفهان سابقه ندارد».
افزون بر اینها، معظم له یکی از معلمان بزرگ اخلاق در عصر حاضر بوده و اینک متجاوز از سی سال است که بر بلندای منبر اخلاق، سالکان مسلک سلوک را با دروس شیوا و دلنشین اخلاقی خود، رهنمون می‌شوند. دروس اخلاق ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، یکی از دروس باعظمت و شکوهمندی بود که در زمان حیات مبارک حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» مورد توجه و تقدیر ایشان واقع گردید و اینک نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، مشتاقان معارف اخلاقی اسلام از دروس معظم له بهره‌ی معنوی و اخلاقی می‌گیرند.
پیش از پیروزی انقلاب، دو جبهه فرهنگی و سیاسی:
همچنین معظم له به همراهی حضرات آیت مصباح یزدی و سید محسن خرازی و حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی دام عزهم، پیش از پیروی انقلاب اسلامی با تأسیس «مؤسسه‌ی در راه حق» گام نوینی را در ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی بین حوزه و دانشگاه برداشته و صدها تن از

مشتاقان معارف اسلامی در حوزه‌های علمیه را با یک سلسله از علوم جدید و معارف مورد نیاز جامعه اسلامی آشنا کرده که ثمرات بسیار عظیم آن نهاد علمی و دینی و کارنامه‌ی درخشان آن بر آگاهان پوشیده نیست.
آیة الله العظمی مظاهری یکی از اعضاء باسابقه و عالیرتبه‌ی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند و در زمان نهضت اسلامی و دوران مبارزات ملت عظیم‌الشأن ایران علیه رژیم ستم‌شاهی، بسیاری از اعلامیه‌های مهم اساتید و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به امضاء ایشان نیز رسیده است.
پس از پیروزی انقلاب، استمرار تلاش در هر دو جبهه:
پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، معظم له با استمرار مشاغل و فعالیت‌های علمی و حوزوی، در راستای تلاش برای ارتقاء سطح فرهنگی و فرهنگ دینی جامعه اسلامی، با ارائه‌ی سلسله دروس اخلاق برای نسل جوان و بویژه بسیجیان و رزم‌آوران هشت سال دفاع مقدس، به اداء مسئولیت سنگین حوزوی و دینی پرداخته و همیشه در صف مقدم یاران و پیروان قائد راحل عظیم‌الشأن حضرت امام خمینی «سلام الله علیه» بوده‌اند.
در سال‌های اول انقلاب، معظم له به همراه استاد اندیشمند و فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی«دام ظله» براساس تفکرات نوینی که برای ساماندهی وضعیت تشکیلاتی حوزه‌های علمیه داشتند، پیگیری‌هایی را در این خصوص از محضر امام خمینی «قدس سره الشریف» و مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی «رضوان الله علیه» انجام دادند که نتیجه‌ی آن پیگیری‌ها، تشکیل شورای مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم و ایجاد یک ساختار جدید تشکیلاتی برای این حوزه‌ی مقدسه بود.
هجرت، آغاز مرحله‌ای نوین و تحولی مبارک:
یکی از نقاط عطف تاریخ زندگی پربرکت آیة الله العظمی مظاهری، هجرت تاریخی و شکوهمند ایشان از حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی قم به حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود که در اوایل زمستان سال 1374 شمسی مطابق با شعبان 1416 قمری واقع شد.
این هجرت مبارک علاوه بر آن که در نوع خود در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ایران بی‌نظیر بود، همچنین سرآغاز تحولی خجسته و مبارک در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و نمونه‌ای بارز از این فرمایش بلند حضرت امام خمینی «اعلی الله کلمته» در «منشور روحانیت» شد که فرمودند: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهاء بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدت علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذاریم، آنان در هر عصری از

اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتها و تلخی‌هایی را متحمل شده‌اند».
باری حوزه‌ی شکوهمند اصفهان با سابقه‌ای دیرینه و برابر با چندین قرن، همواره پشتوانه‌ای عظیم برای فقه و فقاهت و حراست از کیان معرفت دینی و معارف اسلامی بشمار می‌رفته است. عالمان بزرگ، فقیهان سترگ و فیلسوفان بلندپایه و عارفان روشن ضمیری که نامشان قرین اصفهان و تاریخ باعظمت این سامان است، خبر از این واقعیت بلند می‌دهند که حوزه‌ی این دیار در زمانی نه چندان دور، جایگاه رفیع علم و دانش و معرفت دین را در قبضه‌ی اختیار و اقتدار خود داشته و وجود فرزانگانی چون شیخ بهایی، علامه‌ی مجلسی، میرداماد، سید شفتی، جهانگیرخان قشقایی و دهها و صدها تن دیگر از نام‌آوران تاریخ اسلامی ایران، در این حوزه‌ی باعظمت که آراء علمی و مقامات برجسته‌ی معنوی و فرهنگی و سیاسی‌اشان، آنان را شهره‌ی آفاق ساخته است، همه و همه نشان از شکوه دیرین این نهاد بلند مرتبه‌ی دینی و فرهنگی تشیع دارد و به تعبیر زیبای ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» این حوزه‌ی کهن و ریشه‌دار، سلف حوزه‌ی عظیم‌الشأن قم محسوب می‌گردد.
اما این حوزه‌ی باسابقه در دهه‌های اخیر به دلیل افول ستارگان درخشان آسمان علم و به دلایل متعدد دیگری که مجال بسط آن در این فرصت کوتاه نیست به تدریج دچار رکود گردیده بود. بر این اساس مدتها بود که علماء بزرگ و فضلاء و طلاب عزیز حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به دنبال راهکاری برای جبران و اصلاح نظام تشکیلاتی و علمی این حوزه‌ی مقدسه بودند، اما این حرکت به یک «محوریت کارآمد» و یک «مرکزیت استوار» نیازمند بود تا این که با افزایش این احساس نیاز، از بین شخصیتهای برجسته و مردان الهی، نظرها به سوی فقیهی وارسته و مجاهدی تلاشگر و معلمی بزرگ معطوف شد. این شخصیت کسی نبود جز آیة الله العظمی مظاهری.
علماء بزرگ و فضلاء ارجمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پیش از آن تاریخ، بارها از محضر آیة الله العظمی مظاهری خواسته بودند که ایشان از قم هجرت کرده و در اصفهان رحل اقامت افکند اما آن بزرگوار به دلایل مختلف از پذیرش این درخواست امتناع می‌کردند تا آن که پس از رحلت مرحوم حضرت آیة الله آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی «قدس سره»، اساطین و علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، در آبان ماه سال 1374، طی نامه‌ی بسیار مهمی که یکی از اسناد افتخار تاریخ شکوهمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان است، به حضور ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی»، با اشاره به مشکلات روزافزون این حوزه‌ی مقدسه، چنین مرقوم داشتند: «... با توجه به استنباط از فحاوی

كلام حضرتعالی نسبت به فاضل معاصر، معلم اخلاق، فقیه متبحر و اصولی کارآمد، مجتهد عالم به زمان و مکان حضرت آیة الله مظاهری دامت برکاته که یکی از برجستگان درس مرحوم امام خمینی «رحمة الله علیه» بوده‌اند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان آمادگی خود را جهت استقبال شایان از ایشان اعلام می‌نماید...».
در فاصله‌ای که نامه‌ی اساتید و علماء حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به محضر مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» تقدیم شد و پاسخ معظم له، تلاشهای گسترده‌ای برای جلب رضایت آیة الله العظمی مظاهری در جهت اجابت این درخواست از سوی حوزویان و دیگر اقشار مختلف صورت پذیرفت.
بالاخره، آیة الله العظمی مظاهری با توجه به اهمیت شایان عنایت درخواست علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و نیز استقبال و علاقمندی‌بسیار زیاد همراه با تواضع و صفای باطن مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» در این زمینه، متقاعد شده و با نشان دادن مراتب تبعیت عملی خود از ولایت فقیه، و آماده شدن برای هجرت به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پس از متجاوز از چهل سال تحقیق و تتبع و دانش‌اندوزی و تدریس، یکی از زیباترین صحنه‌های تاریخی التزام عالمان دین به اعتقادات علمی خود را به منصه‌ی ظهور وبروز درآورند.
پس از آن رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ 9 آذر 1374 طی پیام بسیار مهمی خطاب به آیة الله العظمی مظاهری، با یادآوری سابقه‌ی باعظمت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان نقش علماء اعلام آن در انقلاب اسلامی که مظهر اطاعت از امام راحل عظیم‌الشأن بوده است، چنین فرمودند:
«بحمدالله و المنة خود آن جناب نیز از حسنات اصفهان و هدیه‌ای ارزشمند از آن شهر فضیلت پرور به حوزه‌ی والامقام قم و به طلاب و جویندگان علم و معرفت و اخلاق می‌باشید، و سال‌های متمادی پس از آنکه حظ عظیمی از آن سرچشمه‌ی جوشان فقه و علم و معرفت به دست آورده‌اید، خود در مسند استادی فقه و اخلاق، جمع کثیری از فضلاء و مستعدان را از فیوضات بهره‌مند ساخته‌اید. اینک اصفهان، حوزه‌ی علمیه و مردم آن، جنابعالی را به اصفهان فرامی‌خوانند، قاطبه‌ی علمای محترم و عزیز اصفهان که در میان آنان شخصیتهای برجسته‌ی علمی و دینی نیز حضور دارند و همواره مایه‌ی اعتلای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان بوده‌اند، در نامه‌ای این را از اینجانب درخواست کرده و شوق خود و مردم را منعکس ساخته‌اند. لذا اینجانب مقتضی می‌دانم که جنابعالی به اصفهان نقل مکان فرموده و پایگاه رفیعی از درس و تعلیم و تحقیق بنا نهید و تربیت طلاب و فضلاء و ارشاد و هدایت عموم مردم و پاسخ‌گویی به مراجعات دینی و شرعی آنان را وجهه‌ی همت سازید. بی‌شک مردم مؤمن و فرهنگ دوست

و هوشمند استان و شهر اصفهان که به روحانیت معظم عشق می‌ورزند، مقدم جنابعالی را گرامی می‌دارند، و با قدردانی از برکات وجود شریف بهره‌ای وافر از حضور علمی و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی آن جناب خواهند برد. ان شاء الله».
پیام عدیم النظیر ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» و تجلیل معظم له از مرتبت بلند مردم مجاهد و غیور و مؤمن اصفهان و نیز تمجید از مقام شامخ آیة الله العظمی مظاهری با آن عبارات زیبا و دلنشین، همگان را به تحسین و شگفتی واداشت.
دو روز پس از صدور این پیام مهم، آیة الله العظمی مظاهری در روز یکشنبه 74/9/12 مصادف با 10 رجب 1416 میلاد پربرکت حضرت جوادالائمه علیه السلام در میان استقبال عظیم علماء، طلاب و اقشار مختلف مردم بزرگوار اصفهان وارد این شهر شده و در این سامان رحل اقامت افکندند.
تبیین حوادث مبارک و باشکوهی که پس از ورود معظم له به اصفهان رخ داد مجالی واسع می‌طلبد. آنچه شایان گفتن است آن است که امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از آن هجرت مبارک، آرزوی بلند علماء و اساطین حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان در شکوفایی و بالندگی دوباره‌ی این حوزه‌ی مقدسه و همچنین آرمان ارجمند رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین «مد ظله العالی» به مرحله‌ی بروز و ظهور رسیده است و امید است با استمرار برکات این هجرت شکوهمند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، سابقه‌ی عظیم‌الشأن تاریخی خود را به دست آورد.
حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، برکات نعمت حضور:
حرکت عظیمی که با این هجرت تحت حمایتهای مقام معظم رهبری آغاز شد، در ذات و ماهیت خود یک حرکت به تمام معنی فرهنگی بود گر چه برکات دیگری نیز از زوایای مختلف آن جاری شده است.
این حرکت شکوهمند از ابتدای آغاز در دو بعد مهم «حوزوی» و «فراحوزوی» جریان یافته و با عنایات الهی همچنان ادامه دارد:
در «بعد حوزوی» سه محور اساسی «ایجاد نظم و تشکیلات منجسم مدیریتی»؛ «تقویت بنیه‌ی علمی و ارتقاء سطح آموزشی» و «ایجاد خدمات و تسهیلات رفاهی»، مورد توجه و امعان نظر ویژه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان قرار گرفته است.
در این راستا به فهرستواره‌ای از برخی از اقدامات انجام شده اشاره می‌شود:
1- تشکیل شورای طرح و برنامه حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور سیاستگذاری برنامه‌های کلان.
2- تأسیس مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور ایجاد نظام

تشکیلاتی این حوزه.
3- تأسیس مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان که دارای واحدهای بیمه درمانی طلاب، صندوق قرض الحسنه طلاب، دفتر پشتیبانی و رفاه مسکن طلاب، دفتر فنی و عمرانی می‌باشد.
4- تأسیس مرکز آموزش و تحقیقات رایانه‌ای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.
5- تصویب و ثبت رسمی اساسنامه‌های حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.
6- تأسیس مرکز آموزشهای تخصصی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و ایجاد سه رشته‌ی تخصصی در گرایش‌های فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ.
7- پذیرش نزدیک به یک هزار نفر طلاب جدید الورود در سال‌های تحصیلی 76-77 و 77-78.
8- استقلال امور مشمولیت طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان براساس اخذ فرمان فرماندهی معظم کل قوا.
9- بناء درسی منظم و محققانه در بخش خارج فقه و اصول توسط شخص آیة الله العظمی مظاهری.
10- برگزاری دروس جنبی حوزوی در زمینه‌های رجال، تفسیر، اعتقادات، فلسفه و...
11- آغاز طرح بزرگ انبوه‌سازی مسکن سازمانی طلاب به استعداد نزدیک به 400 واحد مسکونی.
هجرت در بعد فراحوزوی:
در «بعد فراحوزوی» نیز در سه محور «رسیدگی به امور مساجد»؛ «توجه به مراکز فرهنگی، اجتماعی، نظامی» و «ارتباط نزدیک با توده‌ی مردم و اقشار مؤمنین» فعالیتهای مهمی صورت گرفته که گوشه‌هایی از آن بدین شرح است:
1- تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان اصفهان و تنظیم اساسنامه و ثبت رسمی این مرکز.
2- ارتباط مستمر و برگزاری سلسله دروس اخلاقی توسط ریاست معظم حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان برای دانشگاهیان، قضات عالیرتبه و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و زنان و بانوان.
3- برگزاری جلسات دروس اخلاق برای اقشار مؤمنین در مسجد حکیم اصفهان که پس از حضور آیة الله العظمی مظاهری در اصفهان، اینک به یک پایگاه رفیع برای اعتلاء معارف اسلام و انقلاب شکوهمند اسلامی تبدیل شده است.
این همه از دولت لطف خداست:
بدون تردید وجود این همه برکات که بر این هجرت تاریخی مترتب شده است اثر عنایات لایزال الهی و الطاف حضرت ولی الله الاعظم «ارواحنا و

ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» و توجهات ویژه‌ی ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی» و همچنین مجاهدت و تلاش پیگیر زعیم عالقدر حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان «دامت برکاته» است و اگر نبود آن عنایات و الطاف و توجهات و این مجاهدتها، بدون تردید نیل به مقاصد عالیه‌ای که گوشه‌هایی از آن بصورت فهرست گونه بیان شد، به هیچ روی ممکن نبود.
از خداوند منان و رحمان استمرار و استدامه‌ی این برکات را در سایه‌ی نظام بلند پایه‌ی جمهوری اسلامی طلب می‌کنیم.
انه ولی النعم و التوفیق.
آذر ماه 1377
شعبان المعظم 1419
بسم الله الرحمن الرحیم
مصاحبه‌ی مجله‌ی حوزه با
مرجع عالیقدر
حضرت آیة الله العظمی مظاهری
«مد ظله العالی»
منتشر شده در:
مجله‌ی حوزه (ویژه‌ی حوزه‌های علوم دینی).
شماره‌ی 68-69 (خرداد، تیر، مرداد و شهریور 74)
ما، مسافریم و روزهای عمر، به منزله‌ی منزلهای سفر.
در این منزلها، برای عاقبت‌اندیشان، بهره‌هاست. بهره برای فردا. فردایی که آنچه کشته شده باشد، درویده خواهد شد.
حال، برای فردا، چه کشت شود، تا به کار آید و خریدار داشته باشد، چگونه از آفات دورشان داشت، تا بمانند برای روز درو، مسأله‌ای است مهم که باید از راهیان راه معرفت و سالکان مسلک سعادت، جویا شد.
به فرمان آنان، گردن نهاد و دوره سخت اصلاح نفس و پیرایش و پرورش باطن خویش را آغاز کرد، تا به مرحله‌ای رسید که بتوان از منزلها بهره برد و آن بذر که افشانده می‌شود حاصلی نیکو دهد و در روز واپسین، درخور عرضه به پیشگاه حق باشد. برای این مهم، به محضر معلم اخلاق، فقیه بزرگوار، حضرت آیة الله حاج شیخ حسین مظاهری، که از محضر معلمان بزرگ اخلاق بهره برده و الگوهای نیک در این سیر روحانی داشته و خود در این راه ریاضتها کشیده، شرفیاب شدیم، تا برای گذر از این راه پرخطر راهنمایی بخواهیم و از نفس گرمش، گرما بگیریم.
امید آن که آنچه از این مجلس روحانی برگرفته‌ایم و اینک تقدیم می‌داریم، همگان، بویژه علاقه‌مندان به سیر سلوک را مفید افتد.
حوزه: با تشکر از حضرت عالی که مصاحبه‌ی با مجله‌ی حوزه را پذیرفتید،

لطفا، در ابتدا، شمه‌ای از زندگی تحصیلی و علمی خود را بیان بفرمایید.
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم
رب اشرح لی صدری و یسرلی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی.
خدا را شکر می‌کنم که توانستم خدمت شما عزیزان باشم. امیدوارم که آنچه می‌گویم، برای خود و شما و خوانندگان، مفید باشد.
البته، تمایل قلبی من این است که در این مصاحبه، از مطالب کلی صحبت کنم؛ اما از باب «فاما بنعمة ربک فحدث» و به لحاظ انتقال تجربیات دیرینه به نسل حاضر و طلاب جوان و از باب این که یادی و ذکری از اساتید و بزرگان و حقداران خود کرده باشم و نیز در جهت اجابت درخواست مجله‌ی وزین حوزه، عرض می‌کنم:
در سال 1312 شمسی در خانواده‌ای وارسته و مذهبی متولد شده‌ام. پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی، در سال 1326 شمسی، برای تحصیل علوم دینی، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شدم.
حوزه‌ی اصفهان، چنان که می‌دانید، سابقه‌ی کهن و درخشانی دارد و حیف که آن سابقه‌ی ارجمند با این لاحقه فعلی، هماهنگ نیست. در سال 1326، وضع حوزه‌ی علمیه اصفهان، گر چه همانند صد سال پیش نبود، ولی با وضع فعلی هم، تفاوت جدی داشت.
تقریبا، از لحاظ درس و بحث، حوزه‌ی گرمی بود.
من، در مدرسه مسجد سید اصفهان، که مقبره مرحوم حجة الاسلام علی الاطلاق، یعنی سید شفتی هم در آن جاست و مسجد، منتسب به ایشان است، حجره گرفتم و مشغول تحصیل شدم.
ادبیات را خدمت دو ادیب بزرگوار، مرحوم حاج آقا جمال خوانساری و حاج آقا احمد مقدس، فراگرفتم.
سطح را خدمت حضرات آیات: خادمی، فیاض، و طیب و ادیب خواندم.
منظومه‌ی حاجی سبزواری را در محضر مرحوم آیت الله مفید، خواندم.
این اساتید، مردان بزرگی بودند و حق بسیاری هم بر ذمه من دارند. خداوند، همه آنان را غریق رحمت خود فرماید.
در سال 1331 شمسی به قم آمدم. مقداری از کتاب شریف مکاسب و کتاب ارزشمند کفایه را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری تدرس کردم و بعد، بیش از هشت سال در خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی و بیش از ده سال، در خدمت حضرت امام و بیش از دوازده سال در خدمت آیت الله العظمی مرحوم داماد، خارج فقه و اصول را استفاده بردم.

اسفار ملاصدرا و شفای بوعلی را هم از محضر استاد بزرگوار، علامه طباطبایی فراگرفتم.
از آغاز تحصیل، مقید بودم، تدریس هم داشته باشم. به یاد دارم که سیوطی می‌خواندم، صمدیه را تدریس می‌کردم از این روی، در اصفهان که بودم، ادبیات تدریس می‌کردم. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم که وارد شدم، تدریس سطح را شروع کردم اکنون هم، قریب به بیست سال است که به تدریس خارج فقه و اصول، مشغول هستم.
منظومه، نهایه و قسمتهایی از اسفار را نیز، چندین مرتبه تدریس کرده‌ام.
و توصیه‌ام هم به طلاب این است که تا می‌توانند تدریس را فراموش نکنند. تدریس، افزون بر این که ادای زکات علم است، باعث تقویت پایه‌های علمی نیز هست.
حوزه: اگر خاطره‌ای از اساتید خود دارید، بفرمایید، بویژه از مرحوم آیة الله مفید که قدری ناشناخته‌اند.
-: دوران تحصیل، آن هم در محضر این بزرگان، همه‌اش خاطره است. ولی گفتید از مرحوم آیة الله مفید بگویم، چند جمله‌ای راجع به ایشان، عرض می‌کنم:
مرحوم آیت الله مفید، از فقها و فلاسفه‌ی اصفهان بود. انسان فوق‌العاده وارسته‌ای بود، شاگرد دوست و شاگرد پرور بود. افزون بر فلسفه، خارج فقه و اصول نیز، تدریس می‌کرد.
ایشان، در بیدآباد اصفهان منزل داشتند، ما نیز همسایه‌ی ایشان بودیم. از آن جا، تا مدرسه‌ی صدر اصفهان، مسافت زیادی، راه بود، هر روز در خدمت ایشان، پیاده می‌آمدیم تا مدرسه، این، توفیقی بود برای من که بیشتر از محضر آن بزرگوار، بهره ببرم.
بارها از بی‌اعتباری دنیا برایم سخن می‌گفت. نسبت به اهتمام به درس، بسیار سفارش می‌فرمود.
می‌فرمود:
«طلبه، اگر نامش در دفتر امام زمان، ثبت شود، هم دنیا دارد و هم آخرت.
طلبه، نباید از مشکلات هراسی به دل راه بدهد. با مشکلات باید دست و پنجه نرم کند، تا به جایی برسد».
گاه، این روایت مشهور را برایم می‌خواند:
أوحی الله تعالی الی داود (ع) یا داود انی وضعت خمسة فی خمسة، و الناس یطلبونها فی خمسة غیرها فلا یجدونها: وضعت العلم فی الجوع و الجهد و هم یطلبونه فی الشبع و الراحة فلا یجدونه،...
بحار، ج 453/78
خداوند به داوود (ع) وحی کرد ای داوود من پنج چیز را در پنج چیز نهادم مردم آن را در غیر آن پنج چیز می‌جویند و نخواهند یافت: علم را در

گرسنگی و تلاش نهادم آنان آن را در سیری و راحتی می‌جویند نخواهند یافت...
می‌فرمود:
«من، در ایام تحصیل، مشکلات فراوان دیده‌ام. بسیاری از اوقات، لباس، به قدر نیاز نداشتم. بارها، با دست خالی به منزل رفته‌ام، ولی به لطف الهی همه را پشت سر گذاشتم و همسرم، با فداکاری این وضعیت را تحمل می‌کرد و مرا نگران نمی‌ساخت».
ایشان، مقید بود، از سهم مبارک امام، استفاده نبرد، از این روی، به همان اندازه‌ای که خویشان و بستگان وی، به ایشان هدیه می‌کردند اکتفا می‌کرد. دنیای ایشان، ختم به خیر شد و آخرت ایشان هم معلوم است. آن بزرگوار، در سال 1382 ه.ق رحلت کرد و در قبرستان شریف تخت فولاد اصفهان، در بقعه‌ی مرحوم آقا محمد بیدآبادی «قده» دفن شد.
چنین انسانهایی بیقین، مصداق این آیه شریفه‌اند:
«یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی».
ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد و در زمره‌ی بندگان من داخل شو. و به بهشت من درآی.
حوزه: هر یک از اساتید، شیوه‌ای خاص در تدریس دارند، لطفا بفرمایید اساتید شما چه شیوه‌هایی داشتند و مزایای هر کدام، در چه بود.
عرض کردم از جمله اساتید ما، حضرت آیت الله العظمی بروجردی بود. شیوه‌ی ایشان، شیوه‌ی مجتهد پرور بود. ایشان در تدریس فقه، به چند نکته اهمیت می‌دادند:
1. بیان تاریخ تشریعی یک مسأله و ذکر اجمالی تطورات آن، از آغاز، تا پایان، در ادوار فقه شیعی و سنی.
این مطلب، نگاه فقیه را به مسأله، باز می کند و می‌تواند تغییرات صورت گرفته در یک مسأله و علل آن را بفهمد.
2. اهمیت به اقوال قدماء. ایشان، معتقد بودند که فقه ما، مسائل متفرقه‌ای دارد که فقها، به متون فقه، افزوده‌اند و مسائلی هم دارد که از معصومین اخذ شده و تعبیر خودشان: «اصول متلقاة» است. ایشان این دو دسته را در بحثها از هم، جدا می‌کرد و برای متون قدماء به لحاظ نزدیکی به زمان معصومین (که ویژگی مهمی بود)، اصالت خاصی قائل می‌شد خصوصا به اقوال مرحوم شیخ الطائفه، اهمیت زیادی می‌داد و از آن فقیه بزرگوار، با احترام خاصی یاد می‌فرمود.
3. در جمع بین روایات، بسیار محققانه عمل می‌کرد و بحق، فقیه ممتاز، زبردست و عالی قدری بود.
4. اگر چه، همیشه دِر درس می‌فرمود: «احتیاط، در ترک احتیاط است»،

اما در مقام فتوا، جرأت بی‌جهت و بی‌دلیل نداشت و به لحاظ مقام عملی و تقدس خاصی که داشت جانب احتیاط را از دست نمی‌داد.
اما شیوه‌ی درس امام خمینی: امتیاز درسی ایشان در چند چیز بود که به عرض می‌رسانم:
1. فهم عرفی. این امتیاز را از استاد بزرگوارش، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری گرفته بود. اهمیت این امتیاز در استنباط و اجتهاد برای اهل فن روشن است، مخصوصا در مورد کسی مثل حضرت امام که یک فیلسوف و حکیم متأله بودند.
2. بیان شیوا و سلیس، روان و گویا، که در میان همه‌ی مدرسین آن زمان، بی‌نظیر و ممتاز بود.
3. شاگرد پروری: آن بزرگوار، به شاگرد، میدان بحث و ارائه‌ی نظر می‌داد. شاگرد را تشویق می‌کرد.
این خصوصیت، خصوصیت کوچکی نیست. بزرگان ما، اگر در درسهایشان میدانی برای ارائه نظرات خود نمی‌داشتند، چگونه رشد می‌کردند؟
4. ایشان، از سر تحقیق، تابع دلیل بود. از این روی، از بیان قولی که احتمالا خلاف مشهور باشد، در صورتی که مستندش به نظر ایشان قوی باشد، باکی نداشت.
5. به اقوال شیخ انصاری اهمیت بسیار می‌داد و برای نظرات آن فقیه عالی مقام، احترام خاصی قائل می‌شد.
خلاصه، چه درس فقه ایشان و چه درس اصول ایشان، درس ارزشمند و ممتعی بود. خداوند، درجات این مرد عالی مقدار را متعالی کند.
اما شیوه درس آیة الله العظمی داماد:
1. مرحوم آقای داماد، حقیقتا، محقق بود و برای تدریس، زحمت بسیاری می‌کشید، مکرر از ایشان شنیدم که فرمود: «من، دیشب برای این بحث، هفت ساعت، هشت ساعت، زحمت کشیدم».
2. موشکافیهای عالمانه‌ای در بحث‌های ایشان وجود داشت. نظریات خود را با دقتهای ظریفی از روایات، استخراج می‌کرد.
اگر چه درس ایشان، به شلوغی برخی از درسهای دیگر نبود، ولی حقا درس ارزشمند و قابل استفاده‌ای بود.
حق ایشان بر گردن من و حق دیگر اساتید، جز با لطف خداوند، ادا نمی‌شود.
حوزه: از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود بفرمایید.
-: از الطاف الهی نسبت به بنده این بود که از همان آغاز ورود به قم، در محضر حضرت امام بودم. ایشان، ما را به شاگردی پذیرفتند. بودن ما در خدمت حضرت امام، خواه ناخواه ما را در مسیر حرکت سیاسی-انقلابی امام قرار می‌داد.

بنده و جمعی از دوستان، از همان سال 41 ،40 در خدمت این انقلاب بوده‌ایم و تاکنون هم، به لطف الهی توانسته‌ایم به اندازه وضع خود، از این انقلاب و نظام حمایت کنیم.
این را از امام عزیزمان آموخته‌ایم: «خدمت به این نظام، واجب عینی است.»
تذکر این نکته را لازم می‌دانم: همان طوری که امام بزرگوار، فرمودند: حفظ این نعمت و امانت الهی از اصل به دست آوردن آن، بسیار مشکل‌تر است. از این روی، باید با نهایت دقت، و احتیاط، از این نظام ارزشمند حفاظت کرد هر کسی به اندازه‌ی وظیفه خود و به اندازه‌ی وسع خود، باید در خدمت انقلاب و آرمانهای اسلامی آن قرار گیرد و سپاسگزار و قدردان این نعمت بزرگ باشد.
حوزه: شکر خدا حضرت عالی در کسب دانش دین موفق بوده‌اید، لطفا عوامل موفقیت خود را بیان کنید.
-: اگر لطف خداوند متعال و توجهات صاحب حوزه‌ی علمیه نبود، هیچ کس توفیقی نمی‌داشت. اگر ما هم توفیقی کسب کرده‌ایم، به لطف خدا بوده است.
در عین حال، من سعی کرده‌ام که اموری را در درس و تحصیل رعایت کنم که آن هم اگر انجام پذیرفته، به لطف خداوند متعال و عنایت اهل بیت، علیهم‌السلام، بوده است. از جمله آن امور:
1. انتخاب اساتید خوب که نام آن بزرگان را بردم. استاد، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انسان دارد، مرحوم علامه طباطبایی، از استادشان مرحوم حضرت آقای قاضی، نقل می‌فرمودند که: «اگر نصف عمر در طلب استاد بگذرد جا دارد».
2. انتخاب هم مباحثه‌ی خوب.
3. سعی کرده‌ام که امور دنیوی، مانع تحصیل نشود. از این روی، به لطف خدا و اعتقادی که به این راه داشته‌ام، روزانه، بیش از ده دوازده ساعت، مشغول تحصیل بوده‌ام.
4. نظم.
استاد بزرگوار ما، حضرت امام، افزون بر این که خود منظم بود، از این که شاگردی بی‌نظم به درس حاضر می‌شد، به شدت ناراحت می‌گردید و می‌فرمود:
«من نمی‌گویم به درس من بیایید، ولی اگر می‌خواهید بیایید، منظم بیایید.»
نظم، بسیار خوب است، به عمر انسان، برکت می‌دهد. یک طلبه بانظم، بازدهی‌اش، چند برابر طلبه بی‌نظم است.
5. خوب خواندن. این که بعضی از طلبه‌ها ده سال، بیست سال درس خارج می‌روند، ولی به جایی نمی‌رسند، به خاطر این است که دروس پایه را

خوب و دقیق، نخوانده‌اند، بویژه ادبیات. طلبه، باید ادیب باشد. به این معنی که وقتی عبارت عربی را می بیند، ناخودآگاه، آن را صحیح بخواند. همچنین سطح را باید خوب بخواند.
حوزه: آیا در مسائل اخلاقی، استاد خاصی داشته‌اید.
-: استاد خاص به معنای مصطلح، خیر موافق آن هم نیستم. زیرا،
اولا، استاد خصوصی، خیلی کم است، مخصوصا در حوزه‌ی فعلی ما، که حدود سی هزار طلبه دارد، اگر بخواهیم به نسبت این تعداد، استاد خصوصی اخلاق داشته باشیم، باید تعداد زیادی استاد اخلاق داشته باشیم که چنین چیزی در حوزه‌ی فعلی ما، ممکن نیست.
این که حضرت امام، بارها نسبت به مرحوم شاه‌آبادی، اظهار ارادت می‌کرد و از ایشان، باعظمت یاد می‌کرد، بدین خاطر بود که امام، پس از تلاشهای بسیار، موفق شده بود، استادی در اخلاق، آن گونه که می‌خواهد، بیابد.
ثانیا، استاد خصوصی به این معنی که انسان خود را در اختیار او بگذارد و فقه و اصول ودیگر مباحث را در حاشیه‌ی کار قرار دهد، این نیز، افراط است و نادرست. به عقیده‌ی من، نه تنها سودی نخواهد داشت، که ممکن است ضرر نیز داشته باشد. علم و تزکیه باید همراه هم باشند.
افرادی را سراغ دارم که با ولع بسیار مسائل اخلاقی را این گونه دنبال می‌کردند، استاد خصوصی داشتند و... ولی در نهایت، راه به جایی نبردند و منحرف شدند و با حوزه‌ی علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی به معارضه برخاستند.
بنابراین، با این گونه استاد خصوصی داشتن در اخلاق، موافق نیستم و خود نیز، استاد خصوصی نداشته‌ام.
البته، از محضر حضرت امام و علامه طباطبایی، استفاده‌های اخلاقی و معنوی فراوان برده‌ام و خدا را همواره، بر این جهت شاکرم که در زمانی وارد حوزه‌ی قم شدم که دو استاد برجسته مانند امام و علامه، در آن، حضور داشتند و من توانستم در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق از خدمت آن دو بزرگوار، بهره ببرم.
حوزه: لطفا شمه‌ای از ویژگیهای اخلاقی امام خمینی را بیان فرمایید:
- حضرت امام مجسمه‌ی اخلاق اسلامی بود و حقیقتا باید گفت که جنبه‌ی سیاسی ایشان بعد از نهضت، جنبه‌های دیگر آن مرد بزرگ، بویژه جنبه‌ی علمی و جنبه‌ی اخلاقی ایشان را تا قدری تحت‌الشعاع قرار داد.
1. از امتیازهای بارز ایشان، احتراز از محرمات بود. سالهای متمادی که در خدمت ایشان بودم، یک عمل مکروه از آن مرد ملاحظه نشد، حتی اگر شبهه‌ی گناه پیش می‌آمد، حالت نگرانی از ایشان نمایان می‌شد و لذا در مقابل انجام محرمات مخصوصا از قشر طلبه عکس‌العمل شدید نشان

می‌داد.
2. ویژگی اخلاقی دیگر امام، احترام ایشان به علماء اسلام بود.
از وحید بهبهانی، آن محقق جلیل، نقل شده است:
«اگر به جایی رسیده‌ام مرهون احترامی است که برای فقهاء و علمای اسلام قائل شده‌ام».
و این خصلت در امام، همیشه جلوه‌گر بود، نه تنها به مثل شیخ طوسی و صاحب جواهر و شیخ انصاری احترام ویژه می‌نهاد و با تجلیل از آن یاد می‌کردند، بلکه درباره‌ی امثال آیة الله مؤسس یا آیة الله بروجردی نیز، بارها می‌فرمود: «در سر حد کرامت است که یک پیرمرد، به این خوبی حوزه علمیه و بلکه عالم تشیع را اداره می‌کند.»
3. از دیگر خصائص اخلاقی ایشان، تواضع بود و همان طور که مقام و ریاست در شخصیت رسول اکرم و ائمه طاهرین، علیهم‌السلام، نتوانست اثری بگذارد، در مورد این فرزند عالی مقدار آنان هم این گونه بود. همان تواضعی که در دوران پیش از مرجعیت داشتند، تا آخر عمر پربرکت خود حفظ فرمودند و ما می‌دیدیم که ایشان چگونه در مقابل مردم و یا جوانان بسیجی و یا خانواده‌ی معظم شهدا و فرزندان آنان و یا جانبازان، کوچکی و تواضع و خفض جناح می‌فرمودند.
4. امتیاز اخلاقی دیگر امام، زهد آن مرد بزرگ بود. زهد، یعنی دل نبستن به دنیا و همدل نشدن با مادیات. ساده زیستی امام همیشه زبانزد بود. از تشریفات و تجملات، حقیقات رنج می‌برد و همیشه دیگران و بالاخص طلاب را به زهد و ساده زیستی و حفظ زی طلبگی نصیحت و توصیه می‌فرمود و شما دیدید که در همان دورانی که در رأس قدرت بودند، همان زندگی بی‌آلایش روحانی را حفظ فرمودند و اجازه ذره‌ای تجاوز از آن را به اطرافیان ندادند.
5.خصیصه‌ی مهم دیگر شخصیت دادن به افراد بود. چنان که از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است ایشان چنان با اصحاب خود رفتار می‌کردند که هر فردی گمان می‌کرد که اعز افراد نزد پیامبر اکرم (ص) است استاد بزرگوار ما در برخورد با شاگردان و بویژه در درسهای حوزوی خود، این گونه عمل می‌کردند و با این حرکت خود، استعداد شاگردان را شکوفا می‌کردند.
6. ویژگی دیگر ایشان که برای خود من اعجاب‌انگیز و پند بزرگی بود، این مسأله است که در مجالس غیردرسی، وقتی فرعی از فروع علمی مطرح می‌شد و هر کس به فراخور خود مطلبی را ارائه می‌کرد، تنها اگر از ایشان اظهارنظری می‌خواستند، صحبت می‌فرمود، آن هم در حد اختصار. این روش از نظر اهل علم، جدا فضیلت بزرگی به شمار می‌آید. هنیئا لارباب النعیم نعیمهم.

7. از ویژگیهای دیگر ایشان که به نظر من تناسب تام با خصائص اخلاقی ایشان دارد، درک ایشان از مقام امامت و ولایت بود؛ چرا که چنان درکی را جز به متخلقان اخلاق الهی نمی‌دهند. شما اگر به کتب عرفانی امام و شروحی که بر ادعیه و روایات مرقوم فرموده‌اند، مراجعه کنید، به خوبی درمی‌یابید که ایشان مقام امامت و ولایت کبری را یافته است، نظیر آدم تشنه‌ای که تشنگی را با سراسر وجود خود دریافته. هنیئا له و رزقنا الله و ایاکم. و متأسفانه حق این کتاب‌های ارزشمند و دیگر کتب ایشان در حوزه رعایت نشده است، این کتابها مورد تدریس و تدرس و مراجعه‌ی اهل تحقیق باشد.
به هر صورت مجموعه‌ی این خصائل و صفات بارز دیگر موجب شد که آن بزرگوار حاکمیت بر قلوب پیدا کند. این مطلب در قرآن شریف و روایات معصصومین (ع) به صراحت وجود دارد که محبت افراد متقی در قلوب ریخته می‌شود و ابهت آنان نیز در دلها رسوخ می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:
«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا».
مریم، 96
و امام حسن (ع) نیز در توصیه‌های پایان عمر شریف خود، به جنادة بن ابی امیه می‌فرماید:
«و اذا اردت عزا بلا عشیرة و هیبة بلا سلطان، فاخرج من ذل معصیة الله الی عز طاعة الله عزوجل».
بحارالانوار، ج 139/44
امام حقا مصداق این آیه و روایت بود.
حوزه: حضرت عالی از اساتید درس اخلاق در حوزه‌ی عملیه قم هستید، لطفا بفرمایید که چه عاملی سبب شد که به تدریس اخلاق بپردازید.
- مسأله تهذیب نفس، موضوع مهمی است. قرآن شریف، به این مسأله، بسیار اهمیت داده است. تا آن جا که بعثت همه‌ی انبیاء و رسول گرامی اسلام و نزول قرآن را برای تحقق همین مهم می‌داند.
«هو الذی بعث فی الامیین رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین.»
جمعه؛ 2
اوست خدایی که به میان مردمی بی‌کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت، تا آیاتش بر آنان بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.
تهذیب نفس برای طلبه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. طلبه، همان وقتی که می‌گوید:
«بدان ایدک الله تعالی فی الدارین»، باید بگوید:«هو الذی بعث فی الامیین

رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم...» دو بال علم و تهذیب، باید با هم باشند. اگر بال علم باشد، بدون تهذیب، افزون بر این که علم، برای شخص، حجاب اکبر می‌شود، وزر وبالش نیز، دامنگیر افراد جامعه می‌شود. امام خمینی، رضوان الله علیه، به مسأله تهذیب نفس، بسیار اهمیت می‌داد. هم خود مرد عمل بود و هم دیگران را، بویژه طلاب علوم دینی را هشدار می‌داد. حتی در آخرین سخن به جای مانده از ایشان؛ یعنی در وصیت نامه سیاسی-الهی مرقوم فرموده است:

«از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد. علوم معنوی اسلامی، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله، رزقنا الله و ایاکم، که جهاد اکبر می‌باشد.»

امام، در عین این که به فراگیری فقه جواهری و تمسک به روش سنتی تاکید می‌ورزید، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس را هم سفارش می‌فرمود.

بنده، پیش از آن که به حوزه بیایم، به مسائل اخلاقی و مجالس موعظه، علاقه‌مند بودم. یادم هست بچه بودم در ایام محرم، در مجالس روضه می‌نشستم و از منبرهای اخلاقی و مفید، بهره می‌بردم.

پس از طلبگی، این ذوق نسبت به مسائل اخلاقی،در من تشدید شد.

حضرت امام، روزهای شروع درس و پایان درس، مطالب اخلاقی می‌فرمود. این روزها، برای من، شادی‌آفرین بود. خیلی به وجد می‌آمدم.

اما این که چه شد درس اخلاق شروع کردم؟ پس از تبعید حضرت امام به ترکیه، گروهی از آقایان طلاب، به بنده اصرار کردند که درس اخلاق شروع کنم. من نپذیرفتم، زیرا خود را شایسته آن نمی‌دانستم.

تا این که یک روز، برای خواندن نماز ظهر به مدرسه فیضیه رفته بودم، آقایی آمد استخاره‌ای خواست. استخاره گرفتم، خیلی خوب آمد. فردای آن روز، که روز پنج شنبه بود، تعدادی از طلاب آمدند که اعلامیه‌ای پخش شده که شما شب جمعه، درس اخلاق می‌گویید! معلوم شد، آن استخاره روز گذشته، برای همین بوده است. گفتند: ما هر چه اصرار کردیم، شما نپذیرفتید، استخاره کردیم، خوب آمد، اعلامیه را پخش کردیم.

دیدم، در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته‌ام. ناچار شب آمدم فیضیه، در مدرس زیر کتابخانه، که محل درس اعلام کرده بودند، درس اخلاق را شروع کردم. مدتی درس ادامه یافت. جمعیت زیادی شرکت می‌کردند و استقبال، خیلی خوب بود. تا این که ساواک، ما را از مدرسه‌ی فیضیه بیرون کرد. به مدرسه‌ی حجتیه رفتیم، از آن جا هم ما را بیرون کردند. حسینیه اراک رفتیم. چون افراد شرکت کننده زیاد بودند، بسیاری از افراد، بیرون حسینیه، در کوچه می‌ایستادند و راه مردم مسدود می‌شد، تصمیم گرفتیم به جای وسیع‌تری درس را انتقال دهیم. تا این که پس از تلاش بسیار برخی از طلاب، توانستیم به مسجد اعظم برویم.

پس از انقلاب هم، این درس ادامه یافت و بحمد الله جمعیت خوبی شرکت می‌کرد.
یک وقتی، یکی از علمای بزرگ می‌فرماید:
«به امام عرض کردم، فلانی درس اخلاق می‌گوید. جمعیت زیادی شرکت می‌کند.
امام، آن قدر خوشحال شد که سه مرتبه فرمود: الحمد لله رب العالمین».
این، نشاندهنده‌ی اهتمام ایشان، به علم اخلاق است و لزوم برگزاری جلسات درس اخلاق.
بنابراین، درس اخلاق من، خود به خود پیش آمد و تمایل ذاتی و ذوق اخلاقی من هم، کمک کار شد، که بتوانم آن را ادامه دهم.
به لطف الهی، تلاش فراوان کرده‌ام که این درسها برای خود و شنوندگان، مفید باشد. البته درس اخلاق، درس انسان‌سازی است و کاری بسیار مشکل. به تعبیر حضرت امام که می‌فرمود:
«می‌گویند: ملا شدن چه آسان، آدم شدن، چه مشکل، اما شیخ ما می‌فرمود: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن، محال است».
واقعیت هم، همین است. کار بسیار طاقت‌فرسایی است.
حوزه: حضرت عالی وضع کنونی اخلاق و دیگر علوم را در حوزه‌ها، چگونه می‌بینید.
- در حال حاضر، حوزه را، نه تنها از نظر اخلاق، که از نظر توجه به فقه و اصول نیز آن چنان که شایسته است، در مخاطره می‌بینم. گر چه می‌دانم، با لطف خداوند و تلاش مدرسان و طلاب، آسیبی به آن نخواهد رسید.
فراموش نمی‌کنم راجع به تشکیل شورای مدیریت، با چند نفر از بزرگان، رفته بودیم خدمت حضرت امام.
بنده به ایشان عرض کردم: آقا! حوزه را از نظر علمی در مخاطره می‌بینیم.
ایشان، با خونسردی فرمود:
«غم این که حوزه در مخاطره است، نخورید. در زمان رضا شاه، وضع به قدری بد بود که طلبه‌ها، روزها می‌رفتند بیرون از حوزه و به باغهای اطراف شهر پناه می‌بردند و شب به حوزه برمی‌گشتند. در عین حال، حوزه حفظ شد و از خطر، نجات یافت». بعد راجع به تشکیلات مدیریت فرمود:
«فکر کنید که چه باید کرد. اگر چیزی به من مربوط شد، اقدام می‌کنم.»
به بنده فرمود:
«برو خدمت آقای گلپاییگانی، از ایشان نظرخواهی بکن.»
شب، با آیة الله مصباح یزدی، خدمت آیة الله العظمی گلپایگانی رفتیم. در محضر ایشان هم، من از وضعیت علمی حوزه، اظهار نگرانی کردم. از قضا، ایشان هم فرمود:

«نگران نباشید، حوزه صاحب دارد.»
ایشان هم مانند امام، به سختی‌ها و رنج‌های دوران رضا شاه اشاره کرد.
این که بنده عرض می‌کنم، حوزه در مخاطره است، نه این که آسیب‌پذیر باشد. بنده، با توجه به انتظارات فراوانی که امروز هست، عرض می‌کنم: توجه به اخلاق و فقه و اصول، کم رنگ شده است و گرنه کارهای جنبی که اکنون در حوزه برای حفظ نظام و عالم تشیع می‌شود، بسیار است. امروز، در حوزه‌های علمیه، کارهای مفید فراوانی انجام می‌شود که جای تشکر آن باقی است. ولی توصیه حضرت امام، به تهذیب و اخلاق و تأکید ایشان بر فقه و اصول را نبایداز یاد ببریم لذا توصیه می‌کنم به طلاب عزیز که به اخلاق، اهمیت بدهند. فقه و اصول را جدی بگیرند. فقه، فقه جواهری و اصول هم، اصول سنتی. مقصودم از اصول سنتی، اصول، به روش بزرگان و اساتید گذشته است، نه فرو رفتن در مسائل اصول و مطرح کردن نظریه‌ای و اقوال گوناگون را درباره‌ی آن نقل کردن و به نقد و بررسی گذاردن و آن گاه، نظریه‌ای را پذیرفتن و چندین روز برای آن استدلال آوردن و...
مقصودم از اهمیت دادن به اصول، این نیست، هر چند، کار علمی است. ولی بزرگان ما، مرحوم حضرات آیات: حکیم، بروجردی، حائری، داماد، امام و... یک دوره اصول را پنج - شش سال به پایان می‌رساندند، بدون این که مطلبی را کم بگذارند و به مباحث لازم و ضروری توجه کنند.
امام بزرگوار، از این جهت بسیار خوب عمل می‌کردند. بعضی از این مباحث، نظیر بحث طلب و اراده، بحث‌های مهم و ارزشمندی هستند، اما در جای خود. اینها به علم اصول ربطی ندارند.
به قول مرحوم آیة الله العظمی بروجردی:
«اصول ما، به واسطه‌ی همین زوائد، آماس شد و باید برای زوائد آن، فکر اساسی بشود.»
امام، در بحث خارج اصول خود، وقتی به بحث انسداد رسیدند، فرمودند:
«ما چون حجیت خبر واحد را اثبات کردیم، احتیاجی به این بحث نداریم.»
در تقریراتی که از اصول ایشان نوشته‌ام، در جمادی الاولی 1374، این مطلب را این گونه تقریر کرده‌ام:
«هذا، تمام الکلام فی حجیة الخبر الواحد و حیث اثبتناه فدلیل الانسداد باطل بداهة اذ فی مقدماته عدم الدلیل، و الخبر الواحد، دلیل واف بمعظم الفقه، بل بتمامه مع ضم الاجماعات و المشهورات و حیث ان العمر قصیر و لکل شی آفات و البحث عن دلیل الانسداد تطویل بلا طائل، بل یمکن ان یقال، ان بحثه لا یخلو عن الاشکال، فالاعرض عنه أحسن، بل واجب.»
نظر همین مطلب را در حواشی بر کفایه، که اخیرا از ایشان منتشر شده، آورده‌اند.

(انوار الهدایة، ج 317/1).
بنابراین، به جای چندین سال معطل ماندن در اصول و طرح مباحث صرفا علمی، به قرآن و دیگر معارف اسلامی بالاخص علم اخلاق بپردازیم. امروز، نیاز فراوان به این گونه بحثهاست. حوزه، چشم و چراغ تشیع و جهان اسلام است.
من دو سال پیش، در جواب درخواستی از مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چهل و پنج موضوع لازم به بحث را معرفی کردم و گفتم روی این موضوعات، که بعضی فقهی و بعضی اصولی و بعضی اقتصادی بود، کار تفصیلی که نیاز امروز مردم و حکومت اسلامی را برآورده کند، نشده و این، وظیفه‌ی حوزه‌هاست که به این امور لازم بپردازند.
حوزه: اگر ممکن است، فهرست آن موضوعات را برای استفاده خوانندگان مجله بفرمایید.
- موضوعات، چنانکه گفتم، در سه بخش: فقهی، اصولی و اقتصادی بود، بدین شرح:
فقهی:
1. بررسی تحلیلی «تغریرات» و اختیارات دولت اسلامی در این رابطه.
2. نگرش فقهی به مسأله «حفظ و سلامت محیط زیست».
3. بررسی فقهی مسأله «کنترل جمعیت و موالید» و حدود و اختیارات دولت اسلامی.
4. حدود اختیارات ولی فقیه.
5. برسی تحلیلی«قوانین مدنی» - عام و خاص - در فقه اسلامی.
6. بررسی مسائل مستحدثه حج.
7. بررسی مسائل مستحدثه‌ی قضا.
8. بررسی تحلیلی آراء و انظار امام خمینی و سیر تحولات این دیدگاهها. (به عنوان اولین ولی فقیه که موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند».
9. هنرهای تجسمی: مجسمه‌سازی، معماری و...
10. هنرهای تصویری: فیلم، عکس و...
11. بررسی فقهی مسأله «حجاب». (با عنایت به ضرورت احیای چادر که از ارزشهای اسلامی و ملی در کشور ماست).
12. بررسی فقهی معضلات و تنگناهای پزشکی: پیوند اعضاء خرید و فروش اعضاء و خون، تلقیح مصنوعی، جلوگیری از بارداری و...
13. فقه سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی.
14. فقه دفاع و امور نظامی.
15. بررسی تحلیلی «موسیقی و غنا». (با عنایت به آراء سهل‌انگارانه‌ایکه بعضا در این باب ارائه می‌شود).
موضوعات اقتصادی:

1. بررسی معاملات ارزی.
2. بررسی و تحلیل بورس اوراق بهادار.
3. کنترل و نظارت بر قیمتها و حدود اختیارات نظام اسلامی.
4. بررسی مالیات و خودیاری‌ها و اختیارات نظام اسلامی.
5. تحلیل محدوده‌ی نظام مالکیت فردی و حل تعارضات آن با مالکیت دولت.
6. بررسی معضلات و اشکالات وارده بر بانکداری اسلامی.
7. نگرش فقهی به مسأله زمین.
8. تجارت خارجی و جایگاه آن در فقه اسلامی.
9. بررسی انفال و ثروت‌های عمومی ملی و شؤون و اختیارات دولت اسلامی در رابطه با آن.
10. بازنگری فقهی باب مزارعه.
11. بازنگری فقهی باب مضاربه.
12. بازنگری فقهی باب اجاره.
13. بازنگری فقهی باب رهن.
14. قواعد اصولی و کلی در باب معاملات.
15. بررسی روابط کارگر و کارفرما.
موضوعات اصولی:
1. تکلیف مدرکات حقیقی و اعتباری «حقایق و اعتباریات» در علم اصول و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه استنباط فقهی.
2.جایگاه «عرف» در علم اصول و ارزش آن در دستیابی به قوانین فقهی.
3. تنقیح مناط و محدوده‌ی ارزشی آن در فقه.
4. بررسی تحلیلی عناصر مکان و زمان در اجتهاد.
5. کاربرد و تأثیرات فلسفه در علم اصول.
6. کاربرد و تأثیرات منطق در علم اصول.
7. کاربرد و تأثیرات نحو در علم اصول.
8. بررسی تحلیلی سیره‌ی مسلمانان و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی.
9. تفکیک اوامر ولایی و تبلیغی معصومین و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه‌ی استنباط فقهی.
10. نگرش روش شناسانه «حجیت ظهور» و بررسی شیوه‌های استظهار و ارزش این شیوه‌ها در استنباط.
11. سیر تاریخی علم اصول و بررسی بالندگی و رکود آن در بستر تاریخ.
12. بررسی و شناخت مذاق شریعت و روح فقه و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی. (روح فقه، عبارت است از نظریه‌های عملی و اصولی که ساختار زیربنایی قوانین فقهی را شکل می‌دهد و به تعبیر دیگر

زیربناهای فقهی، که منشاء احکام فقهی می‌شود و فقیه در موارد سکوت ادله، یا تناقض و یا ابهام و تنافی آن، به آنها استناد می‌کند.)
13. جایگاه بنای عقلاء و ارزش آن، در دستیابی به قوانین فقهی.
14. میزان کاربرد عملی علم اصول در فقه (این که در کتابهای فقهی، حقیقتا، به چه میزان از علم اصول بهره‌برداری می‌شود.)
15. تفکیک و تعیین مباحث کم فایده و بی‌ثمر در علم اصول.
حوزه: در جهت اصلاح وضعیت اخلاقی حوزه، چه پیشنهادی دارید.
- پیشنهادی به مدرسان و گردانندگان حوزه دارم و توصیه‌ای به طلاب عزیز.
پیشنهادم این است که درس اخلاق را در حوزه زیاد کنند. یکی از بزرگان می‌گفت:
«در زمان مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی در حوزه‌ی نجف، سی درس اخلاق بود.» در حوزه ما، حداقل، اکنون باید سی درس اخلاق باشد. البته کسانی که می‌خواهند درس اخلاق بگویند، باید افراد مهذبی باشند که بحمدالله چنین افرادی هستند در حوزه.
مدرسانی که درس فقه و اصول و ادبیات می‌گویند، می‌توانند در ضمن بحث‌ها، نکات اخلاقی را یادآور شوند و حداقل، یک روز در هفته را به تذکرات اخلاقی اختصاص بدهند، چنانکه روش برخی از بزرگان ما بوده است.
سفارشی هم به طلبه‌ها دارم. از اینان می‌خواهم که به اخلاق و تهذیب نفس، اهمیت بدهند. کتابهای اخلاقی را زیاد بخوانند. قرآن را، با این نگاه، زیاد بخوانند. اصول کافی، بخصوص جلد دوم آن، روایات مفیدی را مرحوم کلینی دسته‌بندی کرده است.
این را بدانید که علم بدون تهذیب نفس، ضررش، بیش از نفعش است. حجابی می‌شود که خدای نکرده، انسان را به انحراف می‌کشاند.
حوزه: از حضرت عالی، اخیرا اثری منتشر شده به نام «دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمة العملیة» لطفا بفرمایید به چه انگیزه‌ای دست به نگارش آن زدید و چه خلأی احساس می‌کردید.
- برخی از مباحث اخلاقی که پس از انقلاب اسلامی، در نهادها و ارگانها داشته‌ام، به صورت موضوعی و مجموعه‌ای چاپ شده است که به بیش از بیست جلد می‌رسد. با اینکه گفتار بوده و تبدیل گفتار به نوشتار، نواقصی را، خواه ناخواه، در پی دارد، ولی مورد استقبال واقع شده، به گونه‌ای که برخی از آنها، تیراژ بسیار بالایی دارد. از این روی احساس کردم، جامعه به این گونه آثار نیاز دارد. از سویی، آثار مکتوب در اخلاق، کم داریم و آنها هم، کمبودهایی دارند. مثلا، «احیاءالعلوم» نوشته غزالی، ام‌الکتب در اخلاق است. این اثر، با اینکه اثری است ارزشمند، ولی نواقصی دارد، هم در

محتوا و هم در روش.
مرحوم فیض، زحمت کشید و این کتاب را خلاصه کرد و روایات اهل بیت را بدان افزود، با این حال «محجة البیضاء» نیز، خالی از اشکال نیست. زیرا هر چه باشد، تهذیب و تصحیح همان «احیاءالعلوم» است.
من، تعجب می‌کنم که چرا مرحوم فیض، با آن همه توانایی علمی، اثری مستقل در اخلاق، ننگاشت.
بعدها مرحوم نراقی، جامع السعادات را نگاشت. این اثر هم، متأثر از احیاءالعلوم غزالی است. از این روی، وقتی به بحثهای سنگین و ظریف اخلاقی می‌رسد، از آنچه در «احیاءالعلوم» تجاوز نمی‌کند. و ضمنا متأثر از اخلاق ارسطویی و یونانی هم هست.
معراج السعادة هم، تلخیص و ترجمه جامع السعادات است به اضافه‌ی برخی از اشعار فارسی.
دیدم کتاب اخلاقی متکی بر ثقلین (کتاب و عترت) که از متن دین استخراج شده باشد، کم است. به این نکته توجه اساسی کرده‌ام که علم اخلاق باید دلربا و دل‌انگیز باشد و اگر قرار شد علم اخلاق را با مصطلحات و انقسامات فلسفی مخطوط کنیم و همان شیوه‌ی یونانی و ارسطویی را در این علم دنبال کنیم، همان طوری که ابن‌مسکویه در «طهارة الاعراق» و خواجه نصیر در بعض کتابهایش و نراقی در «جامع السعادات» و دیگران کرده‌اند، کام هیچ خواننده‌ای شیرین نخواهد شد و اثر لازم را در دل سالکان نخواهد گذارد و به عکس اگر اخلاق از متن دین، یعنی از دل کتاب و سنت که سرشار از معارف عمیق اخلاقی هستند، استخراج شود، بی‌هیچ تردید آن طراوت و حلاوت لازم را پیدا خواهد کرد و عقیم نخواهد ماند. از خداوند متعال، خواستم توفیق دهد، تا بتوانم، اثری در اخلاق، با تکیه بر قرآن و عترت، بنویسم.
ابتدا تصمیم داشتم، گروهی تشکیل بدهم و چندین جلد اخلاق به زبان فارسی، با استفاده از دیگر علوم وابسته، بنویسم، ولی مقدر نشد. از این روی تصمیم گرفتم، به زبان عربی بنویسم، اگر مورد قبول افتاد، دیگران آن را ترجمه کنند، تعلیقه بزنند و اشکالاتش را برطرف سازند.
تاکنون، یک جلد آن چاپ شده، مجلدات دیگر نیز، در دست اقدام است. به نظر خودم، آن چه می‌خواستم، موفق شده‌ام، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.
حوزه: حضرت عالی تألیفات دیگری هم دارید، درباره‌ی آنها توضیح بفرمایید.
- در فقه و اصول، هم تألیف دارم و هم تقریر. از حضرت امام، آیة الله العظمی بروجردی و آیة الله العظمی داماد تقریرات بسیاری در فقه و اصول نوشته‌ام.-

حوزه: در پایان، تقاضا داریم، توصیه‌ای برای ما و خوانندگان مجله بفرمایید.
- به جای این که خود توصیه کنم، در توصیه، از دو استاد بزرگوار خود، حضرت امام و علامه طباطبایی، برای شما نقل می‌کنم:
اوایل پیروزی انقلاب، روزی خدمت امام بودیم. گروهی از شرکت نفت، برای ملاقات و بیعت با رهبری، خدمت امام آمده بودند. سخنگوی آنان، خیلی خوب، صحبت کرد. از جمله گفت:
«آقا! نیامده‌ایم بگوییم از انقلاب، چه می‌خواهیم آمده‌ایم بگوییم انقلاب، از ما چه می‌خواهد».
امام، از این سخن، بسیار خوشش آمد و برافروخته شد. آن گاه در پاسخ این عزیزان فرمود:
«انقلاب، از شما، دو چیز می‌خواهد:
یکی تهذیب نفس. چون اگر انسان، مهذب نباشد، نمی‌تواند برای انسانیت و جامعه‌اش، مفید باشد. خودگرا و خودمحور می‌شود آن گاه، هم خود بیچاره می‌شود و هم دیگران را بیچاره می‌کند. هر چه پست و مقام، بالاتر باشد، ضررش بیشتر خواهد شد. دومین چیزی که انقلاب از شما می‌خواهد، عمل به وظیفه است. هر کس، هر جا که هست آن چه را که وظیفه‌ی اوست، خوب انجام دهد.»
راستی اگر، همه‌ی ما، این دو توصیه حضرت امام را عمل می‌کردیم، خیلی پیشرفت ما بیشتر بود.
متأسفانه، این چند ساله، هر ضربه‌ای که خورده‌ایم، یا به خاطر این بوده است که خودساخته نبوده‌ایم، یا این که در عمل به وظیفه، کوتاهی کرده‌ایم.
من، این توصیه امام را تکرار می‌کنم که ما در این نظام مقدس و این نعمت بزرگ الهی، دو وظیفه داریم:
1. تهذیب نفس.
2. عمل به وظیفه.
اما توصیه‌ای از مرحوم علامه طباطبائی: آخرین جلسه‌ای بود که با گروهی از بزرگان، خدمت ایشان رفتیم. حال ایشان، خوب نبود. به احترام جمع، نشست، ولی حرف نمی‌زد. جلسه، طول کشید. بنده به ایشان عرض کردم، توصیه‌ای بفرمایید، تا مرخص شویم. ایشان فرمود: «چیزی یادم نیست» بعد، بلافاصله فرمود:
«این آیه، یادم آمد: اذکرونی، اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون».
بعد از آن جلسه، حال ایشان بد می‌شود و ایشان را به بیمارستان می‌برند. لحظات آخر عمر شریف بود که به ملاقات ایشان رفتیم. ما که از اتاق آمدیم بیرون، از قول خانم ایشان نقل کردند:
«لحظه‌ی مرگ، ایشان چشمها را باز کردند و به گوشه‌ای خیر شدند. آن

گاه، سه مرتبه فرمودند: توجه! توجه! توجه و از دنیا رفتند.»
این آخرین جمله ایشان، با آن آخرین، توصیه‌ی ایشان، هر دو، برای ما، یک پیام دارد که به یاد خدا باشید، همه ما، در محضر خداییم. توجه به نعمتهای خدا، توجه به این که ما در این دنیا، باید به کمال برسیم. توجه به این که قبری هست، برزخی هست، معادی هست.
مرحوم شهید، در دستورالعمل اخلاقی خود، توصیه می‌فرماید:
«انسان، در هر روز، حداقل، باید دو مرتبه به یاد مرگ باشد.»
توجه به این که ما ساخته شده‌ایم که در رفاه مطلق و لذت مطلق باشیم. هر کسی به اندازه‌ی سعه وجودی خود.
یکی لذت مطلقش، در «جنات تجری من تحت الانهار» است.
و یکی در صحبت کردن خدا با او «سلام قولا من رب رحیم». مباد که این لذتها را از یاد ببریم و فرو رویم در لذت‌های زودگذر دنیا اگر لذت باشند و بشود اسم لذت روی آنها گذارد.
این جمله علامه، خیلی مهم است: توجه.
از خداوند می‌خواهم، این حال توجه را به همه‌ی ما عطا کند.
حوزه: از این که مزاحم وقت شریف حضرت عالی شدیم، پوزش می‌طلبیم و از حضرت عالی، به خاطر این لطف، سپاسگزاریم.
- من هم از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم آنچه گفتم، مورد رضایت حضرت ولی عصر (عج) و مورد توجه شما واقع شود و اگر وقت شما را گرفتم، گفته‌هایم مفید باشند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

مظفر، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1215 ق)، حکیم، طبیب، صوفی و شاعر، متخلص به مظفر. ملقب به مظفر علیشاه. برخی از تذکره‌ها تخلص وی را طریقتی ذکر کرده‌اند. در کرمان به دنیا آمد. در ابتدای جوانی تحصیل علوم عقلی و نقلی کرد. در کربلا نزد شریف العلماء فقه و اصول خواند. در حکمت الهی و طبیعی و علوم ادبی و عربی مرتبه‌ای عالی یافت. در نظم و نثر تحقیقات جامعی کرد. وی از مریدان و شیفتگان مشتاق علیشاه بود که پس از کشته شدن مراد، «دیوان» شعری به نام وی سرود، به همین دلیل مظفرعلیشاه را مولوی ثانی یا مولوی کرمانی خوانده‌اند، چرا که همچون ملای رومی در فراق مراد خود دیوانی سروده است. به قول صاحب «عرفای کرمان» وی پس از مشتاق علیشاه به خدمت نورعلیشاه و رونق علیشاه رسید و به دستور نور علیشاه از رونق علیشاه ارشاد و تلقین گرفت تا اجازه‌ی ارشاد یافت و از خلفای او شد. وی سرانجام در کرمانشاه درگذشت. در چگونگی مرگ او نیز اقوال متفاوتی وجود دارد. از آثار وی: «بحر الاسرار»، شعر؛ « مجمع البحار» یا «جامع البحار»، تفسیر «سوره‌ی فاتحه»، در شرح «بحر الاسرار»؛ «دیوان مشتاقیه»، شعر؛ «کبریت احمر»؛ «خلاصة العلوم».[1]
محمدتقی بن محمدکاظم از عارفان بنام سلسله نعمةاللهیه (ف. کرمانشاه 1315 ه.ق). وی در علوم طبیعی، ریاضی و علوم نقلی از اصول و فروع بهره کافی داشت و گروهی از محضر درس او استفاده می‌کردند. در آغاز مجذوب مشتاق علیشاه کرمانی شد و به خدمت نور علیشاه رسید و از نور علیشاه تلقین ذکر یافت. پس از قتل مشتاق‌علی شاه، مظفرعلی به انشاء غزلیات و قصاید و قطعات و ترجیعات و رباعیات دیوان مشتاقیه پرداخت. فتحعلی‌شاه به اصرار آقا محمدعلی کرمانشاهی او را به تهران احضار کرد و به صوابدید حاجی ابراهیم‌خان او را به کرمانشاه فرستاد و در همان شهر درگذشت. از اوست تفسیر منظوم به نام بحرالاسرار، تفسیر منثور بنام مجمع‌البحار، رساله کبریت احمر (مشتمل بر اوراد و اذکار طریقت نعمت‌اللهیه)، دیوان مشتاقیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (233)، تذکره‌ی مشاعران کرمان (477 -471)، حدیقة الشعراء (1681 -1671/ 3)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (322)، الذریعه (21/ 20 ،260/ 17 ،1061/ 9

230،/ 7 ،29/ 3)، رياض العارفين (302 -281)، ستارگان كرمان (361 -353)، طبقات اعلام الشيعه (قرن 225/ 13)، طرائق الحقائق (208 -207/ 3)، عرفاى كرمان (108 -107)، فرهنگ سخنوران (854)، لغت نامه (ذيل/ مظفر كرمانى)، مجمع الفصحا (943 -934/ 5)، معجم المؤلفين (81/ 12)، مكارم الآثار (560 -556/ 2)، مؤلفين كتب چاپى (239 -238/ 2)، يادگار (س 3، ش 4، ص 54).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین مظفر
محل تولد : بصره عراق
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسین مظفر فرزند یحیی در سال 1973 میلادی مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم، سپس وارد دانشکده «اداره و اقتصاد» دانشگاه مستنصریه بغداد و پس از آن به دانشگاه بصره منتقل شدم، و در سال 1977میلادی مدرک لیسانس مدیریت و حسابداری دریافت کردم و در همین سال در مرحله کارشناسی ارشد بیمه به عنوان نفر اول در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه بغداد و در حدود سال 1980 میلادی کامل کردم مرحله کارشناسی ارشد.و ممانعت حزب بعث از معرفی اینجانب به عنوان فارغ التحصیل سپس وارد حوزه علمیه نجف به ارشاد مرحوم شهید صدر و پایان نامه بیمه نزد ایشان ماند. در مدرسه دارالحکمه مرحوم حکیم زیر نظر شهید محمد حسین حکیم مقدمات را خواندم و نیز درس اخلاق را نزد مرحوم شهید سید صاحب حکیم و بعد از شهادت مرحوم صدر به ایران پناهنده شدم و وارد حوزه علمیه قم و به خاطر شرایط منفی سال های سال ترک درس کردم و سپس به دروس حوزوی بازگشتم. در سال 1377 در کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه رضوی قبول شدم و در سال 1382 ش فارغ التحصیل شدم و در این مدت مشغول به پژوهش و تحقیق در پژوهشگاه دانشگاه رضوی و قبل از اینکه فارغ التحصیل بشوم پیشنهاد به راه افتادن درس صحیفه سجادیه در مرحله کارشناسی را دادم و جواب از وزارت علوم مثبت آمد و صحیفه سجادیه را تدریس کردم. در همان دانشگاه به مدت چهار ترم همچنین تدریس اصول فقه و فقه اللغه و صرف ساده به حوزه علمیه قم سپس باز گشتم و وارد درس خارج شیخ وحید در اصول و فقه و در سال دوم ادامه درس اصول وحید و در فقه خدمت استاد مکارم شیرازی.

مظهری، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن مظهری
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1

زندگینامه علمی
تحصیلات کلاسیک از دبستان تا دبیرستان در رشته علوم تجربی تا سال 1365 را در شهرستان دامغان گذراندم. تحصیلات حوزوی را از سال 1365در حوزه علمیه قم شروع کرده و پس از اتمام سطح هم اکنون حدود 6 سال دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده ام . در درس تفسیر حضرت آیة الله جوادی آملی حدود 8 سال شرکت کردم. 5 سال نیز در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در قم در رشته کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی تحصیل نموده و پس از تدوین پایان نامه به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی موفق گردیدم . از سال 1381تا 1385 تاکنون در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما ایران به ارزیابی، بررسی طرح و مشاوره پژوهش مشغول می باشم و تاکنون ده ها کتاب و جزوات پژوهشی با نظارت اینجانب به چاپ رسیده است.

معرفت، محمدهادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدهادی معرفت در سال1309 هـ.ش در شهر کربلا فرزندی دیده به جهان گشود که نام وی را «محمدهادی» گذاشتند.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر محمدهادی شیخ علی،فرزند میرزا محمدعلی از نوادگان شیخ عبدالعالی میسی اصفهانی بود که به اتفاق والدین و دیگر اعضای خانواده در سال1290 هـ.ش از سده اصفهان به کربلای معلّی مهاجرت کرد. شیخ علی دانشمند وخطیبی توانا و مورد احترام مردم کربلا بود که پدرانش تا سه قرن همگی از سلسله جلیله روحانیت بودند.مادرِ استاد «سید زهرا» دختر سیدهاشم تاجر رشتی و متوطن در کربلا بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : «محمدهادی» از سن پنج سالگی برای کسب سواد به مکتب خانه شیخ باقر اصفهانی فرستاده شد. آنگاه مقدمات علوم اسلامی را نزد پدر فرزانه خود و تنی چند از اساتید معروف نظیر حاج شیخ اکبر نائینی، سید سعید تنکابنی، شیخ محمد حسین مازندرانی، سیدمرتضی قزوینی و سید محمد شیرازی فراگرفت.مبادی فلسفه و دورههای فقه و اصول تا سطوح عالیه را در کربلا و نزد پدر بزرگوار و برخی از اساتید بزرگ بهره گرفت و خوشهچین معارف الهیه شد.استاد معرفت در آغاز سال1340 هـ.ش و پس از فوت پدر بزرگوارشان ـرحمه اللّه علیهـ به منظور تکمیل تحصیلات و رفعت هر چه بیشتر بنای دانش خویش همراه با خانواده به نجف اشرف مهاجرت کردند.در این سالها نجف اشرف منزلگاه اساتید فرهیخته و آیات عظامی همچون سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، سیدعلی فانی اصفهانی و اخیراً حضرت امام خمینی ـ قدسسره ـ هم بود؛ استاد فرصت بهرهگیری از این گلستان معرفت را قدر دانسته از هر گلی شهدی نوشید و مجمع فضائل خوبان شد.خاطرات و وقایع تحصیل : انگیزه حضرت استاد در روآوردن به پژوهشهای قرآنی را از قلم معظمله استفاده میکنیم:هنگام مراجعه و مطالعه برای آمادگی تدریس تفسیر به حقیقت تلخی برخورد کردم و آن، فقدان بحث زنده پیرامون مسائل قرآنی، در کتابخانه های فعلی تشیع بود.این برخورد تلخ از آنجا بود که برای تهیه مقاله ای پیرامون مسأله «ترجمه قرآن»، به کتابخانه تخصصی قرآن مراجعه میکردم و در این زمینه کتابهای زیادی که برخی در دو مجلد و نیز رساله ها و مقالات بسیاری از

مصر و غیره در اختیار بود که دانشمندان معاصر آن دیار نوشته بودند، ولی در حوزه نجف جز یک برگ اعلامیه حضرت آیت اللّه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء چیز دیگری نیافتم.این امر بر من گران آمد و مرا بر آن داشت که در زمینه مسائل قرآنی به طور گسترده، دیدگاههای دانشمندان گذشته و حال مکتب را روشن و عرضه کنم، نتیجه آن تلاش پیگیر هفت مجلد «التمهید» و دو مجلد «التفسیر و المفسرون» گردید. در نوشته اخیر تکمیل«مافاتِ» نوشته«محمدحسین ذهبی» مصری را انجام دادم که به ناحق جایگاه تشیع را در حیطه قرآنی نادیده گرفته بودم.فعالیتهای ضمن تحصیل : سال1351 ش حکمت الهی اقتضا کرد تا عدو سبب خیر شود و استاد از عراق به ایران مهاجرت نماید حکومت بعث عراق دستور بازگرداندن ایرانیان مهاجر را از عراق صادر کرد و استاد فرزانه حاج شیخ محمدهادی معرفت با کولهباری از فضل و دانش به اتفاق خانواده رهسپار ایران و ساکن قم شد.این فاضل جوان در بهار42 سالگی، فرصت حضور در درس اصول میرزا هاشم آملیـ رحمه اللّه علیه ـ را که از شاگردان مبرز آغا ضیاء عراقی بود، غنیمت شمرد و از خرمن دانش آن پیر فرزانه خوشه های معرفت چید.و به این ترتیب شخصیت علمی محقق فرهیخته، استاد معرفت شکل گرفت و دوران طولانی بهره گیری علمی از اساتید برجسته و ممتاز حوزه های علمیه کربلا، نجف اشرف و قم، از او مجتهدی مسلط بر مبانی فقهی، اصولی ساخت که روح دانشاندوزی را با جدیت، تلاش، نوآوری، شجاعت در ابراز عقیده، توجه به آرای سلف در کنار نقد و بررسی آنها، نخبه گویی و حذف زوائد و تأمل در مسائل مهم، همراه کرد و با این سرمایه عظیم در سه حوزه تدریس، پژوهش و تألیف و به خصوص ورود به عرصه های نو و راه های طی نشده دست به کار شد. در عنفوان جوانی و همزمان با تحصیل دروس فقه و اصول، با همکاری جمعی از فضلای مشهور کربلا از جمله سیدمحمد شیرازی، سیدعبدالرضا شهرستانی، سیدمحمدعلی بحرانی، شیخ محمدباقر بهبودی و... دست به تأسیس و نشر ماهنامهای با نام «اجوبه المسائل الدینیه» زدند.این گروه در اطلاعیهای آمادگی خود را برای پاسخگویی به سؤالهای دینی مردم اعلام کردند و در مدت سالیان متمادی با جدیت تمام به پاسخ سؤالهای رسیده، پرداختند. این ماهنامه با استقبال فراوان مردم از جمله دانشگاههای عراق و حتی خارج از کشور روبرو شد. و حاصل پاسخها که گاه در شکل مقالات علمی ـ تحقیقی تحریر میشد بعضاً صورت مستقل چاپ و منتشر گردید.استادان و مربیان : از استادان محمدهادی معرفت می توان به موارد زیراشاره کرد: شیخ محمد کلباسی شیخ محمد حسین مازندرانی شیخ محمد خطیب سید حسن آغامیر قزوینی حاج شیخ اکبر نائینی سید سعید تنکابنی شیخ محمد حسین مازندرانی سیدمرتضی قزوینی سید محمد

شیرازی شیخ یوسف بی ارجمندی خراسانیهم دوره ای ها و همکاران : محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، سیدعلی فانی اصفهانی و اخیراً حضرت امام خمینی (قدس سره) ازهمدوره ایهای شیخ محمدهادی معرفت بوده اند.زمان و علت فوت : شیخ محمدهادی معرفت در سال 1385 دار فانی را وداع گفتند.فعالیتهای آموزشی : حضرت آیت اللّه معرفت از آغازین سالهای تحصیل علوم اسلامی به امر تدریس و تحقیق پرداختند.علوم ادبی و علمی را متناسب با میزان رشد علمی تدریس کردند و در هفته یکبار برای جوانان کربلا، جلسات پرشور علمی اسلامی برپا کردند.با هجرت استاد معرفت به قم فعالیتهای تدریسی، تحقیقی و تألیفی ایشان گسترش یافت. وی عمده وقت خود را به تدریس رسائل ، مکاسب، کفایه و سپس خارج فقه و اصول اختصاص داد و از جمله در مدرسه عالی حقانی و به دعوت شهید قدوسی مدیر محترم مدرسه، به تدریس مسائل قرآنی و به ویژه علوم قرآن پرداختند. محصول تلاش استاد در سنگر تدریس تربیت صدها شاگرد در موضوعات فقهی، اصولی و قرآنی است و سپس برای جمعی از طلاب جوان و با علاقه، مباحث علوم قرآنی را در مؤسسه آموزشی ـ تحقیقاتی معارف اسلامی امام رضا(ع) تدریس میکردند.این محقق برجسته به دنبال سکونت در قم، تحقیقات انجام شده در نجف اشرف را به طور گسترده مورد بازبینی و تعمیق و توسعه قرار دادمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله کارهایی که شیخ معرفت انجام داده اند، تاسیس و نشر ماهنامه ای به نام اجوبه المسائل الدینیه بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد معرفت در نجف اشرف بخش عمدهای از وقت خود را مصروف تدریس و تحقیق نمودند؛ صبحها علاوه بر تحصیل، به تدریس میپرداختند و عصرها را به امر تحقیق و تدوین اختصاص دادند.در این زمان بود که با گروهی از فضلای مشهور نجف اشرف از جمله «سیدجمال خوئیـ فرزند برومند آیت اللّه العظمی خوئی سید محمد نوری، سیدعبدالعزیز طباطبائی، شیخ محمد رضا جعفری اشکوری، دکتر محمد صادقی و در سالهای اخیر استاد عمید زنجانی جلسات هفتگی تشکیل و پیرامون مباحث و موضوعات مختلف به بحث و تحقیق همت گماردند.هر یک از این فضلا رشتهای از علوم اسلامی را موضوع تحقیق خود قرار دادند. در اینجا بود که حضرت استاد معرفت پژوهشهای خود را در رشته«علوم قرآنی» پایه گذاری کردند.چگونگی عرضه آثار : از جمله مقاله های استاد معرفت که به زبان عربی تألیف و برخی از آنها به فارسی ترجمه و منتشر شد، میتوان به این موارد اشاره کرد: «حقوق زن در اسلام»، «ترجمه قرآن، امکان، ضرورت»، «دو فرقه شیخیه، اسکویی، کریمخانی»، «اهمیت نماز و تاثیر آن در صیانت فردی و اجتماعی».آثار : آموزش علوم قرآنی ، احکام شرعی

، التفسیر الاثری الجامع ، التفسیر و المفسّرون فی ثوبه القشیب ، التمهید فی علوم القرآن ویژگی اثر : جزوات «التمهید» یکی پس از دیگری به زیور طبع آراسته شد و به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی چاپ «التمهید» که به سه جلد رسیده بود، به همت انتشارات جامعه مدرسین تجدید چاپ و مابقی مجلدات آن تا شش مجلد انتشار یافت.6 تاریخ قرآن ، تفسیر و مفسّران ویژگی اثر : جدید چاپ کتاب تفسیر و مفسّران در دو جلد و ترجمه آن به زبان فارسی، جلوهای دیگر از مراحل کمال تحقیق و پژوهش استاد میباشد.8 تلخیص التمهید ، تمهید القواعد ، تناسخ الارواح (بازگشت روح) ، جامعه مدنی (مجموعه مقالات) ، حدیث لاتعاد، حدیث من زاد فی صلاته ، شبهات وردود حول القرآن ویژگی اثر : حضرت استاد در پاسخ شبهات وارده بر قرآن که بهطور عمده از سوی شرقشناسان و برخی روشنفکران دنیای عرب و ایران مطرح میشد دست به تألیف کتاب «شبهات وردود» زدند که در سال1382 به زیور طبع آراسته شد.این حدیثشناس، مفسر و فقیه مکتب اهلبیت(ع) که معتقد به ضرورت استفاده از تراث سلف و نگران کوتاهی در نقادی روایات تفسیری هستند، از سال1379ش محصول تجارب ارزنده خود را به خدمت تألیف تفسیری جامع از آثار گذشتگان درآورد و به جمعآوری و تنسیق روایات تفسیری فریقین پرداخت. ایشان در این کارِ گروهی که با مساعدت دو گروه ده نفره از شاگردان و نخبگان حوزوی و تربیت یافتگان مدرسه قرآنی صورت گرفته است، روایات تفسیری را که جملگی به صورت خام در کتابها عرضه شده، به محک نقد و بررسی گذاشته و برای جدا سازی سلیم و سقیم این روایات و قیمتگذاری و تعیین ارزش هر یک از آنها اهتمام نمودهاند.تاکنون یک مجلد از این اثر ارزنده با نام «التفسیر الاثری الجامع» به زیور طبع آراسته شده است.14 صیانه القرآن من التحریف ویژگی اثر : ایشان با توجه به مهمترین سؤالها یا شبههای مخالف با کرامت قرآن و یا مذهب تشیع دست بهکار تألیف شدند، از جمله کتاب «صیانه القرآن من التحریف» را در دفاع از حریم قرآن و حراست از کرامت آن نوشتند. «احسان الهی ظهیر»، نویسنده متعصب پاکستانی، شیعیان را متهم ساخت که قائل به تحریف قرآن میباشند؛ استاد مجاهد و پاسدار ارزشهای اسلامی در مدت شش ماه کتاب «صیانه القرآن...» را در جواب وی به رشته تحریر درآورد و در تاریخ2/8/66 ش، به چاپ رساند.15 علوم قرآنی ، مالکیه الارض ، ولایت فقیه ، ولایه الفقیه ابعادها و حدودها

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما www.hawzah.net/ - 1k

معزی، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قرآن شناس معروف معاصر ، استاد حاج سید علی کمالی دزفولی ، صاحب آثار عدیده ی قرآنی ، درباره ی مرحوم معزی که با ایشان خویشاوندی هم داشته چنین فرموده اند : شیخ محمد کاظم فرزند شیخ محمد و او فرزند حاج شیخ محمد رضا فقیه به نام ، از اولاد معزالدین ، عالم معروف دوران صفویه ، در سال 1298 ش در دزفول به دنیا آمد و در سال 1348 ش در تهران وفات یافت و در مقبره ی شیخان قم مدفون گردید . تحصیلات بعد از مکتب خانه ی او در خدمت جدش حاج شیخ محمدرضا شروع شد و زیر توجه و علاقه ی خاص او مدارج علمی را به طور مضاعف طی کرد . استادانش در دزفول ، جد مادری اش آقا شیخ محمد باقر و عموزاده اش آقا میرزا محمد علی ، و چند سالی در قم ، آیت الله بروجردی تا نیل به درجه ی اجتهاد بود . علاوه بر عربی ، به زبان انگلیسی هم آشنا بود . چند سالی در دانشکده ی الهیات دانشگاه تهران تدریس کرد . معلومات او از محدوده ی تحصیلات متداول بسیار فراتر بود . اثر مهمش ترجمه ی قرآن مجید به فارسی است ، که اشتباهاتی ناچیز و اندک از قبیل کاربرد ماضی و مضارع به جای همدیگر در آن یافت می شود و ترجمه اش هنوز در میان ترجمه های امروز می درخشد . نمونه ی اخلاق و فروتنی اسلامی بود . رحمه الله علیه . (برگرفته از بیانات استاد حاج سید علی کمالی دزفولی) .

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدهادی مفتح
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/20
زندگینامه علمی
از سال 1352 تحصیلات ابتدایی را در دبستان نیکان تهران آغاز نموده و تمامی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه دبستان راهنمایی و دبیرستان نیکان به اتمام رساندم. در سال 1364 مدرک دیپلم در رشته ریاضی فیزیک با معدل 19.5 اخذ کردم.
ورود من به دانشگاه در سال 1364 و در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه تهران می باشد که با توجه به حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل و بروز مشکلاتی همچون تعطیل ترم دانشگاه ها بر اثر موشک باران در آبان ماه سال 1370 مدرک مهندسی برق و الکترونیک را از دانشکده فنی دانشگاه تهران اخذ نمودم.
در کنار تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به طی مدارج علمی حوزوی و حضور در دروس حوزه های علمی تهران پرداختم به نحوی که در سال 1370 همزمان با اخذ مدرک دانشگاهی لیسانس، دروس حوزوی را نیز تا مکاسب محرمه و قطع و ظن رسائل به انتها رسانده بودم.
پاره ای از اساتید دروس حوزوی اینجانب تا این مرحله عبارتند از: آیت الله سید علی هاشمی گلپایگانی اصول فقه (مظفر) ؛ پاره ای از کتب شرح لمعه
آیت الله سید حسین مصطفوی عمده کتابهای شرح لمعه
آیت الله سید حسن مصطفوی شرح تجرید
دکتر ابوالقاسم گرجی مکاسب محرمه
آیت الله سید رضی شیرازی قطع و ظن (رسائل) ؛ شرح منظومه سبزواری (حکمت)
پس از حضور در حوزه علمیه قم دروس سطح عالی را تکمیل نمودم که اساتید این دوره تخصصی عبارتند از: استاد علی محمدی: برائت (رسائل)
استاد اعتمادی: استصحاب (رسائل)

آیت الله رضا استادی: بیع (مکاسب)
آیت الله سید علی محقق داماد: خیارات (مکاسب)
آیت الله قدیری: کفایه
با اتمام دروس سطح عالی و بجهت گذراندن دوره خدمت سربازی به تهران بازگشته و با حکم مأموریّت از سپاه پاسداران به عنوان کارشناس کامپیوتر در وزارت صنایع و شرکت شیشه قزوین مشغول گشتم. و نیز مسئولیت گروه معارف صدای جمهوری اسلامی را به مدت قریب دو سال عهده دار بودم. در این دو سال از دروس خارج فقه و اصول تهران استفاده می نمودم که اساتید این دروس عبارتند از:
آیت الله خامنه ای: خارج فقه (جهاد)
آیت الله مجتبی تهرانی: خارج اصول، خارج فقه (ولایت فقیه ومکاسب محرمه)
آیت الله محمدی گیلانی: خارج فقه (صلاه مسافر)
پس از بازگشت به قم در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه شرکت نمودم که اساتید این دوره عبارتند از:
آیت الله فاضل لنکرانی: خارج اصول
آیت الله شبیری زنجانی: خارج فقه (خمس، نکاح)
آیت الله مومن: خارج اصول
آیت الله جوادی آملی: خارج اسفار (فلسفه تخصّصی)
از سال 1375 و پس از شرکت در آزمون مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) رشته علوم قرآن و حدیث به تحصیل در این رشته در دانشکده اصول الدین پرداختم که این دوره تحصیلی با ارائه پایان نامه و کسب نمره نهایی 19 در سال 1378 پایان یافت.
سال 1383 پس از قبولی در کنکور سراسری مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول الدین به تحصیل اشتغال یافتم، که با دفاع از رسالْ دکتری در 22 خردادماه 1387، و با کسب درجه عالی و نمره 19 بابت این رساله، دوره تحصیل دکتری را به پایان رساندم.
در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و اشتغال به مسئولیت های اجرائی و علمی مختلفی همچون تاسیس و راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف طراحی و ادامه تولید سیستم جامع مکانیزه مدیریت حوزه علمیه قم و ... به تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی پرداختم، که در این زمینه تا کنون دروس بدایه الحکمه؛ اصول فقه (مظفر) ، مکاسب (محرمه، بیع، خیارات) هرکدام یک دوره، کفایه (اوامر، نواهی، اصول عملیه) دو دوره ، و رسائل (قطع و ظن، برائت، استصحاب) سه دوره تدریس شده اند.
و نیز دروس دانشگاهی تحریف قرآن، رابطه قرآن وسنت، تفسیر

موضوعی ، اعجاز قرآن ، روش شناسی استنباط از متون دینی ، تفسیر فقهی ، تفسیر عقلی ، تفسیر روائی ، قرائت و درک متون عرفانی ، منطق ، علوم قرآنی1 ، علوم قرآنی2 ، علوم قرآنی3 ، و ... تدریس شده اند.

مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1243 -1176 ق)، ادیب، مورخ، عالم، مفسر، نویسنده، عارف و شاعر، متخلص به مفتون. در خوی آذربایجان به دنیا آمد. هنگامی که کریم خان زند برای اطمینان خاطر از جانب امرای آذربایجان، اولاد آنان را به گروگان گرفت، پدر مفتون، او را به جای برادرش، در ده سالگی، به شیراز فرستاد. وی چهارده سال در شیراز بود و در این مدت به تحصیل علم و معرفت و کسب فضل و دانش پرداخت. بعد از فوت کریم خان و تسخیر شیراز به دست علیمراد خان زند، گروگانها از آنجا به اصفهان برده شدند و پس از فوت علیمرادخان، در 1199 ق، آقا محمد خان، آنان را آزاد نمود و اجازه داد تا به آذربایجان بازگردند. وی به نظم و نثر فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. در انواع شعر نیز به قصیده و مثنوی بیشتر تمایل داشت. او در 1241 ق به زیارت عتبات عالیات و بیت‌اللّه الحرام رفت و پس از بازگشت در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «مآثر خاقانی»، در تاریخ قاجاریه؛ «مآثر سلطانیه» یا «مآثر سلطانی»، مبنی بر مآثر سلطنت فتحعلی‌شاه، از زمان جلوس تا 1241 ق؛ «حدائق الجنان»، در سرگذشت خودش در شیراز و شرح حال شعرا و فضلای آن شهر، همراه شمه‌ای از احوالات کریم خان زند؛ «نگارستان دارا»، در شرح حال شعرای دوره‌ی فتحعلی‌شاه؛ «تجربة الاحرار و تسلیة الابرار»، در شرح حال عده‌ای از علما و معاریف و شعرای معاصر خود؛ شرح «مشاعر» ملا صدرا؛ ترجمه «عبرت نامه» (بصیرت نامه) از ترکی به فارسی؛ «حقایق الانوار»، در شرح حال شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدائق الادباء»، شامل منشآت و مطارحات شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدیقه»، در شرح حال شعرای عرب و معانی بعضی از اشعار آنها، به فارسی؛ مثنوی «ناز و نیاز»؛ مثنوی «همایون نامه»، در احوال مختار ثقفی؛ مثنوی دیگری در بحر رمل؛ «ریاض الجنة»، در تاریخ سلسله‌ی دنابله؛ «روضة الآداب و جنة الالباب»، در شرح حال شعرای عرب، به عربی؛ «دیوان» شعر. گویند مفتون در تألیف تاریخ «زینة التواریخ» با میرزا رضی، متخلص به بنده، مشارکت داشته است.[1]
(شاعر) عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به «مفتون» (و. 1176 ه.ق- ف. تبریز 1243 ه.ق) یکی از دانشمندان و سخنوران بزرگ آذربایجان در دوره‌ی قاجاریه بود. وی در سال 1276 ه.ق در شهر خوی متولد شد، از

سن ده سالگی تا 24 سالگی (چهارده سال) به عنوان گروگان در شیراز بازداشت بود و در این مدت به تحصیل علم و ادب پرداخت، در زمان آغا محمدخان قاجار مرخص شده و به آذربایجان برگشت. در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفا و نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید. وی تألیفات گرانبهائی از خود به یادگار گذاشت از جمله: حدائق‌الجنان، روضة‌الاداب و جنة‌الالباب. حدائق‌الادباء، ماثر سلطانی، کلیات دیوان و غزلیات، مثنوی ناز و نیاز، منظومه‌ای بنام مختارنامه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (470/ 7)، تاریخ تذکره‌های فارسی (401 -399/ 2 ،690 -689/ 1)، تجربة الاحرار و تسلیة الابرار (مقدمه، 464 -455 ،137 -121)، حدیقة الشعراء (1693 -1690/ 3)، دانشمندان آذربایجان (357 -353)، الذریعه (343 ،317 ،288 ،5/ 19 ،92 -91/ 12 ،323، 11 /284 ،1083/ 9)، ریحانه (356 -355/ 5)، سبک شناسی (331 -319/ 3)، سفینة المحمود (670 -669/ 2)، شرح حال رجال (264/ 2)، فرهنگ سخنوران (866 -865)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2285/ 2)، لغت نامه (ذیل/ مفتون دنبلی)، مجمع الفصحا (1008 -1007/ 6)، مکارم الآثار (1204 -1203/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (847 -846/ 3)، نگارستان دارا (مقدمه/ و- ی، 297 -282).

مفسر تهرانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مفسر تهرانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و مانند مرحوم حمام گلشنی سلمان زمان خود و در زهد و ورع ابی‌ذر اوان و دارای مقامات معنوی و صفاء باطنی بوده بسیاری از افاضل دانشمندان و اخیار بازرگانان و اصناف تهران در مسجد جامع از تفسیر او استفاده نموده‌اند. از علماء مرحوم حجةالاسلام حاج آقا حسین اثنی عشری شاه عبدالعظیمی صاحب تفسیر مطبوع اثنا عشری و مرحوم ثقةالاسلام آقای آشیخ محمد حسین زاهد و از تجار جناب عمدةالتجار و الاخیار حاج میرزا عبدالحسین محسنی از شاگردان وی بوده‌اند.
از آثار آن بزرگوار تفسیر شریف مقتنیات است در ده جلد که به سعی حاج میرزا عبدالحسین محسنی مذکور به طبع رسیده است. آن مرحوم در حدود 1362 قمری از دنیا رفته و در مقبره خصوصی واقع در قسمت شمالی صحن امام‌زاده عبداللّٰه شهر ری مدفون گردید و در جلالت آن بزرگوار کافیست که بعضی از ثقات و مردم با معنویت حضرت ولی عصر عجل اللّٰه فرجه الشریف را در سر قبر او دیده‌اند چنانچه به آن اشاره گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مفسر نیشابوری، ابونصر منصور

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(422 -337 ق)، مفسر و محدث. از خاندان علم و فضیلت بود. از ابوالعباس اصم و ابوالحسن فارسی و ابوعلی نیشابوری حافظ حدیث شنید. شیخ‌الاسلام ابواسماعیل خواجه عبداللّٰه انصاری و عبدالواحد قشیری و گروهی دیگر از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (442 -441/ 17)، طبقات المفسرین داودی (338/ 2)، العبر (249/ 2).

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوعبداللّٰه محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید است در جلالت و کرامتش کافی است توقیع شریف از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل اللّٰه فرجه الشریف برای او ورثائی که در مرگش فرمودند.
لاصوت الناعی لفقدک انه
یوم علی آل الرسول عظیم
ولادتش در سال 336 قمری و وفاتش در ماه رمضان سال 413 در سن 76 سالگی در بغداد واقع شد و هشتاد نفر از شیعیان در تشییع او شرکت نموده و او را در کاظمین در پائین پای قبر حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام دفن نمودند و بیش از دویست تصنیف و تألیف برای او نوشته‌اند که از آنهاست ارشاد و اختصاص والمقنعه در فقه و مسار الشیعه والمجالس والعیون والمحاسن و...
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 486 ق)، فقیه حنبلی، اصولی، واعظ و مفسر. در عراق به مقدسی معروف بود. اصلش از شیراز است. در حران به دنیا آمد. وی به بغداد رفت و ملازم ابویعلی بن فراء قاضی شد و از او فقه آموخت و خود به تدریس و وعظ پرداخت. آنگاه به شام رفت و در بیت‌المقدس سکنی گزید و در همان جا به ترویج مذهب امام احمد حنبل پرداخت و تصانیفی در فقه و اصول نگاشت. از ابوالحسن بن سمسار و شیخ‌الاسلام ابوعثمان صابونی و عبدالرزاق بن فضل کلاعی و جماعتی دیگر در دمشق حدیث شنید. او شیخ شام و شیخ‌الاسلام زمان خویش بود. در دمشق درگذشت و در مقبره‌ی باب الصغیر دفن شد و قبرش مزاری مشهور گردید. از آثارش: «الجواهر»، در تفسیر قرآن؛ «المبهج» و «الایضاح»، در فروع فقه حنفی؛ «التبصرة»، در اصول دین؛ «مختصر فی الحدود»؛ «مختصر فی اصول الفقه»؛ «مسائل الامتحان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (425 ،287/ 2 ،155/ 1)، تذکرة الحفاظ (1199/ 3)، ذیل طبقات الحنابله ابن رجب (73 -68/ 3)، سیر النبلاء (53 -51/ 19)، شذرات الذهب (378/ 3)، طبقات الفقهاء الحنابلة (334 -33/ 2)، طبقات المفسرین داودی (362 -360/ 1)، العبر (352/ 2)، الکامل (169/ 8)، معجم المؤلفین (212/ 6)، هدیة العارفین (634/ 1).

مقصودی، فریبا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فریبا مقصودی کرمانشاهی در سال 1340 ، در کرمانشاه متولد گردید. وی از دانش آموزان ممتاز در دوران ابتدایی و متوسطه بود که از دبیرستان وابسته به دانشگاه رازی کرمانشاه در رشته ی ریاضی با معدل برتر و احراز رتبه ی ممتاز فارغ التحصیل شد ؛ همزمان با تعطیلی دانشگاه ها در ابتدای انقلاب به هنر خوشنویسی روی آورد و پس از استفاده از استادان صاحب نام ، در سال 1364 به دریافت گواهینامه ی ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران نائل گردید. مقصودی پس از آنکه هنر خوشنویسی را با درجه ممتاز به پایان رساند به تدریس و تعلیم هنر خوشنویسی در انجمن خوشنویسان ایران و دانشگاه تهران و مراکز هنری و علمی دیگر اشتغال یافت.گروه : هنررشته : خوشنویسیوالدین و انساب : فریبا مقصودی کرمانشاهی ، فرزند کریم و طوبی از ایل گوران ، در سوم اسفند 1340 در کرمانشاه دیده به جهان گشود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریبا مقصودی کرمانشاهی از دانش آموزان ممتاز در دوران ابتدایی و متوسطه بود که از دبیرستان وابسته به دانشگاه رازی کرمانشاه در رشته ی ریاضی با معدل برتر و احراز رتبه ی ممتاز فارغ التحصیل شد ؛ همزمان با تعطیلی دانشگاه ها در ابتدای انقلاب به هنر خوشنویسی روی آورد و پس از استفاده از استادان صاحب نام ، در سال 1364 به دریافت گواهینامه ی ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران نائل گردید.استادان و مربیان : فریبا مقصودی کرمانشاهی در زمینه ی خوشنویسی از استادانی چون ابوالفضل عطوفی کرمانشاهی ، عبدالله جواری کرمانشاهی ، رضا منوری یزدی ، معین الکتاب اصفهانی ، یدالله کابلی خوانساری ،کرمعلی شیرازی ، غلامحسین امیرخانی و آیت الله حاج سیدمرتضی نجومی استفاده های فراوان برد.فعالیتهای آموزشی : فریبا مقصودی کرمانشاهی پس از آنکه هنر خوشنویسی را با درجه ممتاز به پایان رساند به تدریس و تعلیم هنر خوشنویسی در انجمن خوشنویسان ایران و دانشگاه تهران و مراکز هنری و علمی دیگر اشتغال یافت.آرا و گرایشهای خاص : از آنجا که تحصیل هنری فریبا مقصودی کرمانشاهی در خوشنویسی ، در زمینه نستعلیق بوده و از آغاز کتابت ، نستعلیق را رشته اصلی خود قرار داده است ، زیرا معتقد می باشد که در طی قریب پانزده سال تلمذ و تعلیم به اعتلاء و جاودانگی و تاثیر فرهنگی و هنری کتابت ، بیش از گونه های دیگر

خوشنویسی پی برده است.جوائز و نشانها : خوشنویسی مصحف شریف به خط نستعلیق براساس نسخه عقمان طه از جمله کارهای برجسته ی هنری خانم مقصودی می باشد که بعد از تایید استادان و کارشناسان هنری و با نظارت مصحیحن دارالقرآن ، به در مراسم اختتامیه مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن در پنچشنبه سیزدهم آذرماه 1376 ، به محضر مقام معظم رهبری اهداء و مورد تقدیر قرار گرفت. فریبا مقصودی کرمانشاهی در پنجمین نمایشگاه قرآن مجید ـ 25 دی ماه 1376 ـ و مراسم تجلیل از خادمان قرآن معرفی و به دریافت لوح تقدیر از ریاست محترم جمهوری ایران ، نایل شد.

آثار : تاریخ شعر وادبیان محلی کرمانشاهان ویژگی اثر : این کتاب یک دوره ی پنج جلدی است.2 دیوان پروین اعتصامی دیوان سید یعقوب ماهیدشتی کرمانشاهی شرح زیارت عاشورا کنز العرفان ویژگی اثر : دیوان میر محمد صالحی الحسنی نعمه اللهی ماهیدشتی ، معروف به حیران کرمانشاهی .6 کوچه باغی ها مناسک حج یادنامه علامه طباطبایی یادنامه ی استاد شهید مرتضی مطهری

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین مقیسه
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1

زندگینامه علمی
پس از پایان تحصیلات ابتدائی، حدود سال 1350 وارد حوزه علمیه شدم، دو سال در حوزه مشهد و بقیه را در قم بوده ام. حدود چهار سال پس از شروع تحصیلات حوزوی، سفرهای حوزوی - تبلیغی و کلاسهای قرآن داشته ام، حدود سال 1365مدتی در جامعه الزهرا (س) تدریس اعتقادات و در حوزه تدریس دروس حوزوی داشته ام. سال 66 درآزمون تربیت مدرس دارالشفاء شرکت و پذیرفته شدم و پس از گذراندن دوره سه ساله آن در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در گروه معارف اسلامی عضو هیئت علمی شدم و تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. علاوه بردانشگاه شهید بهشتی در دانشگاههای تهران، علامه، بهزیستی، آزاد علمی کاربردی و علوم پزشکی شهید بهشتی و تهران هم تدریس وهمکاری علمی داشته ام.
تاکنون بیش از 11مقاله در موضوعات مختلف معارفی و قرآنی در مجلات مختلف و مجموعه مقالات همایشها و نیز کتاب نظم هستی که پایان نامه دوره تربیت مدرس قم بود با اضافات و اصلاحاتی توسط بوستان کتاب چاپ و منتشر شده در تهیه و تنظیم کتاب مفتاح مجمع البیان نیز همراه و همکار نویسندگان آن بوده ام که به اهتمام پژوهشکده باقرالعلوم(ع) و انتشارات اسوه چاپ شد. حدود ده سال هم هست که توفیق همراهی با حجاج خانه خدا و تشرف به حرمین شریفین و عتبات عالیات را به عنوان روحانی کاروان دارم . نوشته های چاپ نشده متعددی هم دارم که احتمالاً در آینده اگر خدا بخواهد منتشر خواهد شد.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین مقیسه
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1

زندگینامه علمی
پس از پایان تحصیلات ابتدائی، حدود سال 1350 وارد حوزه علمیه شدم، دو سال در حوزه مشهد و بقیه را در قم بوده ام. حدود چهار سال پس از شروع تحصیلات حوزوی، سفرهای حوزوی - تبلیغی و کلاسهای قرآن داشته ام، حدود سال 1365مدتی در جامعه الزهرا (س) تدریس اعتقادات و در حوزه تدریس دروس حوزوی داشته ام. سال 66 درآزمون تربیت مدرس دارالشفاء شرکت و پذیرفته شدم و پس از گذراندن دوره سه ساله آن در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در گروه معارف اسلامی عضو هیئت علمی شدم و تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد. علاوه بردانشگاه شهید بهشتی در دانشگاههای تهران، علامه، بهزیستی، آزاد علمی کاربردی و علوم پزشکی شهید بهشتی و تهران هم تدریس وهمکاری علمی داشته ام.
تاکنون بیش از 11مقاله در موضوعات مختلف معارفی و قرآنی در مجلات مختلف و مجموعه مقالات همایشها و نیز کتاب نظم هستی که پایان نامه دوره تربیت مدرس قم بود با اضافات و اصلاحاتی توسط بوستان کتاب چاپ و منتشر شده در تهیه و تنظیم کتاب مفتاح مجمع البیان نیز همراه و همکار نویسندگان آن بوده ام که به اهتمام پژوهشکده باقرالعلوم(ع) و انتشارات اسوه چاپ شد. حدود ده سال هم هست که توفیق همراهی با حجاج خانه خدا و تشرف به حرمین شریفین و عتبات عالیات را به عنوان روحانی کاروان دارم . نوشته های چاپ نشده متعددی هم دارم که احتمالاً در آینده اگر خدا بخواهد منتشر خواهد شد.

مکارم شیرازی، ناصر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والفاضل العلام آقای علامه ناصر مکارم، از اساتید بنام و مدرسین والامقام و علماء کرام و نویسندگان فخام و گویندگان عظام حوزه علمیه قم و افتخار استان فارس و بلکه ایران و جهان تشیع است در 22 ماه شعبان 1347 قمری در شیراز در یک خانواده اصیل به دنیا آمده و تحصیلات جدید خود را در مدارس جدید شیراز خوانده و در مدت کوتاهی به واسطه استعداد و حافظه فوق‌العاده مقدمات و ادبیات را در مدرسه آقاباباخان فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را از مدرسین شیراز خوانده و ضمنا از تدریس خود عده‌ای را بهره‌مند می‌نمود تا در سال 1324 شمسی که از وطن خود مهاجرت به قم و دانشگاه جعفری شیعه یعنی حوزه علمیه نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراهما حاضر شده و کاملا با صحبت کردن در بحث آن آیات عظام جلب توجه آنها و کلیه شرکاء درس را می‌نمودند و خاطر این نویسنده است که در آن اوقات مترجم معظم ما سنین عمرش از بیست سال نگذشته بود که در درس علمین مذکورین اشکال می‌کرد و جواب می‌گرفت.
مسافرتی در سال 1369 قمری به نجف اشرف نموده و حدود یکسال توقف و از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ حوزه نجف استفاده کرده و مورد توجه مخصوص آنان قرار گرفته که نائل به دریافت اجازه اجتهاد از آنها گشته و در اثر گرمی هوا و نبودن وسائل آن روز در ماه شعبان 1370 قمری به قم مراجعت و از درس آیت‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات بهره‌مند گردیده و دروس معقول را از استاد علامه طباطبائی فراگرفته و به تدریس دروس عالیه پرداخته است.
استاد مکارم حوزه درس تحلیل فقه و اصول دارند که عده کثیری از فضلاء و محصلین فهمیده و با استعداد از نظریاتشان استفاده می‌کنند و غالب آنها را یادداشت می‌نمایند که امید است روزی به عنوان یک اثر ارزنده در فقه و اصول به طبع برسد.
جلسات درس عقاید و مذاهب وی نیز با سبک جدید و متد خاصی انجام می‌گیرد که صدها نفر را به طرز نوینی با این مسائل آشنا نموده و کتابهائی که حاوی فشرده آن جلسات علمی است تالیف نموده و در بررسی‌های خود از اصول علمی که مورد پذیرش محیطهای علمی امروز است کمک

گرفته است.
آثار علمی ایشان که نتیجه همان جلسات درس و همچنین کتابهای ارزنده دیگر ایشان اشاره می‌کنم.
1 و 2 و 3- کتاب القواعد الفقهیه که جلد اول آن در سال 1343 شمسی و دوم و سوم آن در سالهای بعد به طبع رسیده است.
4- فیلسوف نماها که برنده جایزه بهترین کتاب سال گردید این کتاب درباره عقاید مادیها بحث می‌کند.
5- آفریدگار جهان در اثبات صانع و پاسخ به شبهات مادیها.
6- چگونه خدا را بشناسیم.
7- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر در پیرامون نبوت عامه.
8- قرآن و آخرین پیامبر در پیرامون نبوت خاصه.
9- داروینیسم یا آخرین فرضیه‌های تکامل. 10- بحثی درباره ماتریالیسم و کومینسم. بحث در اصول فلسفه (مادیها) که مکرر چاپ شده است.
11- و 12- ترجمه جلد اول المیزان در دو جزء که چاپ شده است.
13- شرح و ترجمه اصل الشیعه 14- در جستجوی خدا 15- همه می‌خواهند بدانند 16- جلوه حق.
17- اسرار عقب‌ماندگی 18- مشکلات جنسی جوانان 19- آنچه از اسلام باید بدانیم .
20- مقدمه بر کتاب وحی 21- این مسائل مطرح است
22- سرکوبیهای خطرناک 23- نماز مکتب عالی تربیت 24- فرآورده‌های دینی.
25- عود ارواح 26- جوانان را دریابید 27- تربیت و نمونه‌های آن
یکی از آثار و خدمات استاد علامه مکارم تاسیس مجله درسهائی از مکتب اسلام است که از سال 1340 شمسی تاکنون با نشر این مجله که ارگان حوزه علمیه قم است خدمات ارزنده‌ای انجام داده است و این مجله از بهترین مجله‌ها و منشورات اسلامی شیعه است که به تمام کشور و خارج کشور منتشر و مقالات بسیار جالب و بحثهای ارزنده‌ای را به قلم اساتید و مدرسین بزرگ حوزه مطرح و پخش می‌نماید و این مجله که در زیر نظر هیئت تحریریه که همه از افاضل برجسته‌اند از ابتکارات فکر بکر ایشانست.
مراتب ولاء و علاقه او به اهل‌بیت عصمت و طهارت و بالاخص به پیشوای بزرگ جهان حضرت امیر مومنان علیه‌السلام از اشعار و سرودهای نغز او در توحید و در مراثی و مدایح آن متجلی است.
(مکارم شیرازی) در حال حاضر از مراجع تقلید و مدرسین بزرگ و آیات عظام حوزه علمیه قم می‌باشند.
رساله علمیه و توضیح المسائل ایشان در سال 1369 شمسی و 1410

قمری به طبع رسیده و منتشر گردیده و اکنون درس خارج فقه و اصول ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس استدلالی قم می‌باشد. و چون آثار ایشان از تألیفات و مدارس علمیه و غیره بسیار شده لازم دیده در اینجا استدارک نمایم.

1- تفسیر نمونه 27 جلد، مطبوع.
2- تعلیقات بر عروه‌الوثقی، مطبوع.
3- قرآن و آخرین پیامبر، مطبوع.
4- معاد در جهان پس از مرگ، مطبوع.
5- مهدی علیه‌السلام انقلابی بزرگ، مطبوع.
6- عقیده یک مسلمان، مطبوع.
7- اقتصاد اسلامی، مطبوع.
8- انگیزه پیدایش مذهب، مطبوع.
9- روش تطبیقی در شناخت، مطبوع.
10- پایان عمر مارکسیسم، مطبوع.
11- ارزشهای فراموش شده، مطبوع.
12- پرسشها و پاسخها، مطبوع.
13- این است آئین ما، مطبوع.
14- آخرین فرضیه‌های تکامل، مطبوع.
15- همه می‌خواهند بدانند، مطبوع.
16- ده درس خداشناسی، مطبوع.
17- ده درس پیامبرشناسی، مطبوع.
18- ده درس معادشناسی، مطبوع.
19- ده درس عدل شناسی، مطبوع.
20- جوانان را دریابید، مطبوع.
21- زندگی در پرتو اخلاق، مطبوع.
22- جلوه حق، مطبوع.
23- معمای هستی، مطبوع.
24- اسرار عقب ماندگی، مطبوع.
25- در یک بررسی کوتاه، مطبوع.
26- در جستجوی خدا، مطبوع.
27- مشکلات جنسی جوانان، مطبوع.
28- آنچه از اسلام باید بدانیم، مطبوع.
29- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم، مطبوع.
30- تقلید یا تحقیق، مطبوع.
31- خمس پشتوانه بیت‌المال، مطبوع.
32- مساله انتظار، مطبوع.

33- تفسیر به رای، مطبوع.
34- تفسیر سپری برای مبارزه عمیقتر، مطبوع.
35- این مسائل برای همه جوانان مطرح است، مطبوع.
36- یکصد و پنجاه درس زندگی، مطبوع.
37- طرح حکومت اسلامی، مطبوع.
38- رساله مقدمه وحی، مطبوع.
39- مکتبهای التقاطی، مطبوع.
40- فلسفه روزه، مطبوع.
41- فلسفه شهادت، مطبوع.
42- با شخصیت‌ترین زن جهان، مطبوع.
43- به یاد مهدی، مطبوع.
44- مناظرات تاریخی امام رضا (ع)، مطبوع.
45- تفسیر موضوعی پیام قرآن، مطبوع.
46- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مطبوع.
47- آفریدگار جهان، مطبوع.
48- توضیح المسائل- رساله علمیه، مطبوع.
49- انوار الفقاهه، مطبوع.

سخنی کوتاه از:

مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع) و مدارس و موسسات وابسته به آن

قم- حوزه علمیه

مدرسه امام، امیرالمؤمنین (ع) (مرکز مطالعات اسلامی) در سال 1350 شمسی در زمینی به مساحت ششصد متر، به وسیله حضرت آیت‌اللّٰه مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نیکوکاران تأسیس گردید و تحت عنوان «جمعیت خیریه خدمات اسلامی» رسما به ثبت رسید.

این مدرسه یکی از فعالترین مدارس حوزه علمیه قم می‌باشد و دارای چاپخانه که در طبقه زیرین قرار دارد و سه طبقه دیگر شامل هیجده حجره و یک سالن که گنجایش هزار نفر را دارد که جهت جلسات درس منظور گردیده و یک کتابخانه که حدود چهار هزار جلد کتاب خوب دارد، می‌باشد.

این مدرسه یک موسسه تحقیقاتی و تبلیغی است که تاکنون در زمینه عقائد، تفسیر و فقه و اصول و حدیث و اقتصاد اسلامی و احیاء تراث و تبلیغات اسلامی توسط مؤسس محترم آن و یا زیر نظر معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان و فضلای حوزه علمیه فعالیتها و تحقیقات ارزنده‌ای به طلاب و فضلای محترم حوزه علمیه و جامعه مسلمان از راه تشکیل جلسات درس و نشر آثار سودمند و جزوات مختلف ارائه داده و می‌دهد.

و تاکنون فضلای بی‌شماری را تقدیم جامعه مسلمان کرده است که بعضا

بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران در پستهای حساسی مشغول انجام وظیفه می‌باشند.
منابع مالی: آن عبارت است از سهم مبارک امام (ع) و کمک مردان خیر
انتشارات نسل جوان که بخش دیگری از این موسسه است تاکنون متجاوز از 54 کتاب برای قشر جوان از نویسندگان مختلف نشر داده است که بعضا دهها بار به چاپ رسیده است.
دائره پاسخ به سئوالات: نیز یکی از بخشهای مهم و فعال این موسسه می‌باشد و از طریق پاسخ به سئوالات دینی، اجتماعی، اخلاقی و ارسال کتب و جزوات برای کتابخانه‌ها و در پاسخ سئوالات، فعالیت چشمگیری داشته و دارد.
و به خاطر این ارتباط مستمر، مخصوصا با قشر جوان و اطلاع از مشکلات آنها غالب انتشارات نسل جوان که بر این محور تنظیم گردیده، در میان قشر جوان مورد استقبال کم‌نظیری قرار گرفته و دهها بار به چاپ رسیده است.
مطبوعاتی هدف:
این مطبوعاتی از راه نشر و طبع آثار ارزنده اسلامی خود تاکنون خدمات موثری به جامعه مسلمان ارائه داده و می‌دهد.
مدارس وابسته به مدرسه امام امیرالمؤمنین (مرکز مطالعات اسلامی)
1- مدرسه علمیه امام مجتبی (ع)- که در زمینی به مساحت هشتصد متر در سال 1361 نیز توسط حضرت آیت‌اللّٰه مکارم شیرازی و با همت جمعی از مردان خیر و نیکوکار برای سکونت طلاب محترم تأسیس گردید.
این مدرسه از سه طبقه تشکیل گردیده و دارای 41 حجره می‌باشد و هم اکنون تعداد 80 طلبه از داخل و خارج در آن سکونت دارد.
امتیازات این مدرسه:
این مدرسه دارای یک سالن درس (مدرس) است که در طبقه زیرین آن قرار دارد و تمام اطاقها مجهز به دستگاه تهویه و شوفاژ می‌باشد و همچنین دارای تعداد پنج دستگاه یخچال بزرگ حمامهای مجهز و آبسرد کن و نیز برای طلایی که شهریه کمتری از حوزه می‌گیرند و کفاف مخارجشان را نمی‌کند شهریه‌ای مقرر می‌گردد.
2- مدرسه امام حسین (ع)- که هم اکنون زمینی به مساحت پانصد و پنجاه و هفت متر برای آن توسط یکی از نیکوکاران تهیه گردیده و جمعی از مهندسین معروف کشور هم اکنون به تهیه نقشه آن اشتغال دارند و امید است به خواست خداوند متعال در آینده نه چندان دور به صورت یک مدرسه مدرن و مجهز در اختیار طلاب عزیز قرار گیرد.
این مدرسه نیز توسط حضرت آیت‌اللّٰه مکارم شیرازی و با مشارکت مالی جمعی از مردان خیر و نیکوکار ساخته می‌شود.

آدرس مدارس فوق:
مدرسه الامام امیرالمؤمنین، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا.
مدرسه امام مجتبی (ع)، حوزه علمیه قم، خیابان شهدا، کوچه آمار، پشت مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
مدرسه امام حسین (ع)، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا، کوچه آمار، مقابل مدرسه امام مجتبی (ع).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملاحسنی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا ملا حسنی
محل تولد : کرج- اشتهارد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
از سال 57 همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه شدم. با علاقه ای که به امور فرهنگی داشتم ابتداء به کارهای فرهنگی خاصه جوانان در عرصه های فرهنگی فعالیت داشتم. پس از گذاراندن مقدمات حزوه.در مدرسه علمیه امیر المؤمنین در سال 1360 وارد حوزه علمیه قم شدم.و در سال 1369 جهت کار تفسیری با مرکز فرهنگ و معارف قرآن و دفتر تبلغات همکاری را آغاز کردم. واز آن زمان تا کنون در گرایش تفسیر (علوم قرآنی، تا حدودی با روانشناسی و جامعه شناسی، حقوق به مقتضای نیاز کار آشنا شدم) و کار گروهی تفسیر که 23 دفتر دست نوشته حضرت آیة هاشمی رفسنجانی بود جهت تصحیحات و ساماندهی اطلاعات آغاز کردم. در کنار این پروژه و کارهای دیگر تفسیر که نام فرهنگ موضوعی تفاسیر که 2 دوره تفسیر از شیعه و اهل سنت بر این مورد مطالعه و در دستور کار گروه قرار گرفت.تفسیر راهنما در 20 جلد به چاپ رسید و فاز اوّل فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد به چاپ رسید و هر دو به عنوان کتاب سال معرفی شدند. و فاز دوّم فرهنگ موضوعی تفاسیر در 14 دوره با 178 جلد تفسیر مراحل چاپ را می گذراند. با فرصتی که در خدمت قرآن دارم.بسیار علاقمند مقاله و نوشتار شخصی خویش را بیشتر ادامه دهم و لی متاسفانه وقتی نیست و تاکنون قریب به دو مقاله ارائه شده که هر دو بر گزیده بودند امیدوارم خداوند توقیق دهد تا بتوانم بیشتر در این راستا قدم بردارم والسلام

ملاصدرای شیرازی، صدرالدین محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1050 -979 ق)، فیلسوف، حکیم، مفسر و مدرس. ملقب به صدرالدین و مشهور به صدرالمتالهین و ملا صدرا. در شیراز به دنیا آمد و پس از درگذشت پدرش برای تحصیل به اصفهان رفت. استاد او در علوم نقلی شیخ بهائی است. همچنین او در معقول نزد میرداماد از اکابر فیلسوفان و عرفای عصر صفوی تحصیل حکمت و معرفت نمود. وی حکمت الهی را وارد مرحله جدیدی کرد. استاد مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» آورده است که فلسفه ملا صدرا از یک نظر به منزله‌ی چهار راهی است که در آن چهار جریان یعنی حکمت مشایی ارسطویی و سینایی و حکمت اشراقی سهروردی و عرفان نظری محیی‌الدینی، و معانی و مفاهیم کلامی با یکدیگر تلاقی کرده و مانند چهار نهر سر به هم برآورده، رودخانه‌ای خروشان به وجود آورده‌اند. از نظر دیگر به منزله‌ی صورتی است که بر چهار عنصر مختلف پس از یک سلسله فعل و انفعال‌ها اضافه شود و به آنها ماهیت و واقعیت نوین بخشد، که با ماهیت هر یک از مواد آن صورت متغایر است. فلسفه خاص ملا صدرا را اصطلاحا حکمت متعالیه می‌گویند. حکمت متعالیه نوعی جهش است که پس از یک سلسله حرکتهای مداوم و تدریجی در معارف عقلی اسلامی رخ داده است. وی در برهه‌ای از سالهای زندگانی خویش در روستای کهک قم در حالت انزوا زیست و در این دوره به تصوف و عرفان اسلامی گرایش یافت. خود او در این زمینه می‌نویسد که نفس خویش را با طول مجاهده مشغول کردم و دل من با کثرت ریاضتهای سخت افروخته گشت، تا انوار ملکوت بر آن سرازیر شد... بلکه آنچه پیش از این به برهان فراگرفته بودم با فزونی‌های بیشتری از راه شهود و بالعیان دیدم. وی در اواخر عمر به خواهش اللّه وردی خان حاکم فارس به شیراز رفت و در مدرسه‌ی خان به تدریس پرداخت. ملا صدرا در راه هفتمین سفر حج خویش در بصره درگذشت و همان جا دفن گردید. از شاگردان معروف او، دو دامادش، ملا محسن فیض کاشانی و شیخ عبد الرزاق فیاض لاهیجی می‌باشند که از جانب استاد ملقب به فیض و فیاض گردیدند. از دیگر شاگردان او شیخ حسین تنکابنی، ملا محمد ایروانی، ابوالولی شیرازی و قوام‌الدین احمد پسر صدرا می‌باشند. از آثارش: «الحكمة المتعالية» یا «الاسفار الاربعة»، که معروف به «اسفار» است؛ «الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية»؛ «الحكمة

العرشية»؛ «المشاعر»؛ «المبدأ و المعاد»، شرح «الهداية الاثيرية»؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ شرح «اصول کافی»؛ «مفاتیح الغیب»؛ تفسیر «آیت‌الکرسی»؛ تفسیر «آیه‌ی نور»؛ تفسیر سوره‌های: «اعلی»، «حدید»، «جمعه»، «فاتحه»، «طلاق»، «ضحی»، «زلزال»، «واقعه»، «یس»، «طارق» و قسمتی از سوره‌ی «بقره»؛ «الواردات القلبیة»؛ «القواعد الملکوتیه»؛ «کسر اصنام الجاهلیة»؛ «جوابات المسائل العویصة»، در حکمت.[1]

شیرازی محمد بن ابراهیم معروف به «ملاصدرا» و «صدرالمتألهین» فیلسوف بزرگ ایرانی (و. شیراز اواخر قر. 10 ه.- ف. بصره 1050 ه.ق.) وی در جوانی به اصفهان رفت و نزد میرمحمد باقر مشهور به میرداماد حکمت آموخت و علوم شرعی را نزد شیخ بهاءالدین عاملی فراگرفت و در ریاضی نیز مهارت یافت. مدتی در قم به افاضه مشغول گردید و سپس به امر شاه عباس دوم به شیراز بازگشت و در موطن خود به تدریس و افاده مشغول شد. او هفت سفر به حج رفت و در آخرین سفر در بصره درگذشت و همانجا مدفون شد. او شاگردان بسیار داشت که از آن جمله باید ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی را که به دامادی او مفتخر گشتند- نام برد. از آثار اوست در فلسفه: «اسفار اربعه» (اسفار)، شواهد الربوبیة، مبدأ و معاد، مشاعر، عرشیه، شرح «هدایة اثیریه» حاشیه بر «الهیات شفا»، تعلیقه بر «حکمة الاشراق »، شرح «کافی». صدرالدین حکمت اشراق و حکمت مشاء و فسلفه عرفانی محیی‌الدین بن عربی را درهم آمیخته و حقایق ذوقی را با براهین فلسفی مزج کرده است. خود گوید: «نحن قد جعلنا مکاشفاتهم الذوقیة مطابقة للقوانین البرهاینة» (اسفارج 3). صدرالدین بر «حمکة الاشراق» سهروردی تعلیقه‌ای سودمند نوشته که در حاشیه شرح حکمة الاشراق قطب‌الدین شیرازی چاپ شده (حکمت اشراق و فرهنگ ایران م. معین 48) ملاصدرا با اینکه حکیم اشراقی است، طریقه مشائین را نیز می‌پسندد و ضمن بیان آراء حکمای سلف، هر جا که نظر انتقادی دارد به توضیح آن می‌پردازد، چنانکه برخلاف نظر مشائین که موجودات را حقایق متباین می پندارند، او وجود را که اصل و حقیقت هر چیز است هیئت واحد می‌داند و برای آن مراتب متعددی که از حیث ضعف و شدت و نقص و کمال با هم فرق دارند. قایل است. این نظر ملاصدرا با نظر شیخ اشراق هم متفاوت است، چه سهروردی، شدت و ضعف و نقص و کمال را در ماهیت قایل است نه در وجود. موضوع دیگری که ملاصدرا در آن ابتکار نشان داده است، فرضیه مشهور به «حرکت جوهری» است. پیش از او اکثریت حکما از آن جمله ابن سینا حرکت را در اعراض جسم طبیعی میدانسته. ملاصدرا جوهر را نیز متحرک اعلام کرد، ولی تصریح نمود که تغییری که بر اثر این حرکت در جوهر پدید

می‌آید، تغییریست اشتدادی و استکمالی، و به حقیقت جوهر جسم خدشه وارد نمی‌سازد، و آن را دگرگون نمی‌کند. چنانکه تغییراتی که انسان را در ادوار مختلف زندگی عارض می‌گردد از حیث شدت و ضعف انسانیت است نه از حیث حقیقت انسان، یعنی جوهر جسم و هسته اصلی وجود او. ملاصدرا از فرضیه حرکت جوهری نتایجی چند میگیرد از آن جمله اثبات معاد جسمانی است. قبل از او حکما درباره بقای نفس و معاد روحانی به تفصیل بحث کرده و دلایلی آورده بودند، لیکن درباره معاد جسمانی معمولا به سکوت برگزار می‌کردند یا منکر آن می‌شدند. بیان ملاصدرا در اثبات معاد جسمانی مفصل است و حاصل کلام او این است که در روز رستاخیز روح انسان به همان هسته اصلی و جوهر ثابت که ماده جسم است (نه به صورت جسم که محسوس است و در مدت جیات دستخوش تغییرات و تحولات) می‌پیوندد و آدمی به این کیفیت برای پس دادن حساب دوباره زنده می‌شود. صدرالدین برای اینکه از سب و شتم و تکفیر مصون ماند می کوشید تا مطالب فلسفی را با احادیث و اخبار وفق دهد و مدلل دارد که شرع و حکمت معارض یکدیگر نیستند و تألیف شرح کافی روی همین نظر بوده است (دکتر سیاسی. مبانی فلسفه. 1342 ص 561 -559)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (194 -193/ 6)، اعیان الشیعه (330 -321/ 9)، ایضاح المکنون (699 ،353 ،332 ،59/ 2 ،558 ،414 ،302 ،115 ،79 ،74 ،14/ 1)، بزرگان فلسفه (385 -383)، تاریخ ادبیات در ایران (325 -319/ 5)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (547 -524)، تذکرة العلماء (206 -205)، الذریعه (10/ 25 ،30538 -37/ 21 ،52/ 19 ،294 -293 ،191/ 17 ،244/ 15 ،243 ،175/ 14 ،100 -99/ 13 ،59 -58/ 7 ،143 ،43/ 6 ،228/ 5 ،344 ،343 ،340 ،338 ،337 ،336 ،334 ،331/ 4 ،60/ 2)، ریحانه (420 -417/ 3)، سیر فلسفه در ایران (108 -107)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (386 -373)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 292 -291/ 11)، فوائد الرضویه (381 -378)، قصص العلماء (333 -329)، کارنامه‌ی بزرگان (304)، الکنی و الالقاب (411 -410/ 2)، لغت نامه (ذیل/ ملا صدرا)، لوامع العارفین فی احوال صدر المتالهین (30 -15)، معجم المؤلفین (204 -203/ 8)، منتخبی از تاریخ فلاسفه جهان اسلام (216 -203)، هدیة الاحباب (186 -185)، هدیة العارفین (279/ 2).

ملامحمدی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ملامحمدی
محل تولد : اشتهارد کرج
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد ملا محمدی مشهور به محمد محمدی اشتهاردی در سال 1323 هجری شمسی در اشتهارد (واقع در 59 کیلومتری غرب کرج) در یک خانواده متوسط مذهبی متولد شدم و پس از دوره ابتدائی، در حوزه علمیه اشتهارد - که در آن موقع از چند نفر محدود تشکیل می شد- به تحصیل علوم حوزوی و ادبیات پرداختم و پس از خواندن کتاب سیوطی، در سال 1338 شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم.
درس سطح را بیشتر در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار آقایان: آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار، آیت الله حاج شیخ غلامرضا صلواتی، آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، آیت الله علی مشکینی و آیت الله ناصر مکارم شیرازی خواندم و چند سال در درس خارج آیت الله حاج شیخ هاشم آملی، و آیت الله ناصر مکارم شیرازی و چندی در درس خارج آیت الله العظمی گلپایگانی شرکت نمودم.
و مقداری از منظومه سبزواری و فلسفه را در محضر استاد آیت الله جعفر سبحانی و استاد حاج آقا مهدی حائری آموختم. و بخشی از علوم روز را از محضر درس دانشمند گرانمایه، شیخ محمد محققی لاهیجی(نماینده آیت الله بروجردی در هامبورگ آلمان) یاد گرفتم.از خاطرات من در این دوره اینکه از نظر وضع معیشتی بسیار در سختی به سر می بردم. در مدرسه حجتیه قم در حجره ای با دو طلبه دیگر سکونت داشتیم، ظاهرا سال 1340 شمسی بود. یک شب در حجره را زدند، در را گشودم دیدم دو نفر از فضلا وارد حجره شدند، دفتری در دستشان بود، پرسیدند: در این حجره چند نفر هستید؟ گفتم: سه نفر. فرمودند: ما از جانب آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی(ره) آمده ایم، ایشان مبلغی به عنوان فوق العاده (نه شهریه) به طلاب مرحمت فرموده اند. نام ما را نوشتند و به هر نفر پانزده تومان دادند و رفتند که در آن وقت مبلغ قابل ملاحظه ای

بود و برکت و نورانیت خاصی داشت و این نخستین باری بود که از طرف حضرت امام(ره) به طلبه ها پول دادند

ملک پور، محمدجعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جعفر ملک پور
محل تولد : آذر شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1354 پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی از دبیرستان آذر شهر (تبریز) جهت ادامه تحصیل در مجتمع آموزشی عالی قم در رشته مدیریت به قم مقدس رفته و در دروس ادبیات عربی حوزه در مدرسه خان قم به موازات تحصیلات دانشگاهی را ادامه دادم و همزمان ضمن آشنایی با هیئت تحریریه تنها مجله اسلامی آن زمان (مکتب اسلام) از آموزشهای مختلف آنها استفاده کرده و در تنظیم و اجرای چاپ آن مجله همکاری داشتم.
در سال 1358 با فراغت از تحصیل دانشگاهی به جهت انقلاب اسلامی در ایران پس از گذراندن یک دوره کوتاه 2 ماهه بعنوان موسس و سرپرست دائره عقیدتی و سیاسی پایگاه دریایی جزیره خارک مشغول تدریس و امور فرهنگی و اجرائی در منطقه شده و پس از سال 1361 به قم عزیمت نموده ضمن پیگیری ادامه تحصیلات حوزوی در محیطهای علمی حضور پیدا کرده از آن جمله از سال 63 بهمراه تعداد محدودی از طلاب در جلسه تفسیر قرآن استاد جوادی آملی در مسجد محمدیه سه راه موزه شرکت نموده و هنوز هم ادامه دارد.
در سال 71 در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران قبول شده و در سال 73موفق به اتمام کارشناسی ارشد در رشته مذکور شدم و به موازات ادامه تحصیل در حوزه در دانشگاههای پیام نور و آزاد اسلامی قم و دانشگاه قم به تدریس پرداختم که هنوز هم ادامه دارد .
درسال 82 به درخواست سازمان مدارس حوزه های علمیه خارج از کشور قم به کشور آذربایجان شوروی بعنوان مدیر و مدرس اعزام شدم که بجهت مشکلات سیاسی آنجا و تعطیلی فعالیت های علمی و آموزشی

ایران در آنجا محل ماموریت به کشور گرجستان (تفلیس) عوض شد که پس از دو سال مدیریت و تدریس در مدارس علمیه گرجستان[۱] مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت را در تفلیس تشکیل داده و به ایران مراجعت نمودم . در شرکت امتحان متون نهاد رهبری مقام معظم رهبری در دانشگاهها مجوز تدریس متون را علاوه بر دروس فقه و حقوق دریافت نمودم که واحدهایی از معارف و متون نیز در دانشگاهها تدریس نمودم که ادامه دارد . به مدت 2 سال از سال 80 تا 82 با واحد برنامه و ساختار نویسی مرکز جهانی علوم اسلامی در زمان مدیریت حاج آقا مهدویان شرکت نموده و در تدوین اساسنامه مراکز مختلف مرکز جهانی فعالیت موثری داشتم.

ملک زاده، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین ملک زاده
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/6/14
زندگینامه علمی
تولد و خانواده در سال 1358 در خانوادهای اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد.نامش را «محمد حسین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیةالله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیةالله حاج سید محمد علمالهدی میباشد. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسّمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیۀ قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجستهترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد. آغاز تدریس از 8 سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سنّ خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از 10 سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سنین با جدّیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفههایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید. مطالعه جدّی کتاب در کودکی عمدهترین سرگرمیاش در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب

اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب مختلف فکری دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوههای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتابهای اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری –با صرف نظر از عنوان و موضوعشان- کتابهای محبوب و مورد علاقه این دوران او بود. شروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سرودن شعر، سبب شد تا بتواند به سرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشریات متناسب با سنّ خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پدر ایشان به شدّت مقیّد بود که در تمامی ایّام تبلیغی برای رساندن معارف اسلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور –به ویژه شهرها و روستاهای دور افتاده- سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سفرها فقط پدر نبود که فعالیّتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سنّ و سال او نیز فعّالانه وارد عرصه میشد و برای کودکان و نوجوانان آن منطقه برنامههای زیادی را ترتیب میداد که از جمله این فعالیتها تأسیس چندین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهارم ابتدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهاندازی کرد که عمده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامههایی به مناسبتهای مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مذهبی –سیاسی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در 12 سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد. در 13 سالگی اقدام به تشکیل مرکزی به نام «نور القرآن» کرد که کارش برگزاری جلسات آموزشی و مسابقات قرائت و حفظ قرآن بود. تدریس در مراکز مختلف (تدریس در دانشگاه در 14 سالگی) از این سن به بعد فعالیت علمی – تدریسی وی در زمینه قرآن در برخی ادارات، سازمانها، مراکز و نهادهای گوناگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجد، کانون قرآن دانشگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و تربیتی شکل گستردهتری به خود گرفت. تا آنجا که در سنّ 14 سالگی (در هنگام تحصیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسمی در دانشکده علوم قرآنی به تدریس پرداخت و بر این اساس شاید بتوان گفت وی جوانترین مدرّس علوم قرآنی در دانشگاه و یا به صورت مطلق، جوانترین مدرسی بود که تا آن زمان به تدریس در دانشگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامهنگار قرآنی کشور در زمینه فعالیتهای مطبوعاتی افزون بر انتشار گاهنامه و نیز مکاتبه با برخی مجلات

در دوره کودکی و نوجوانی، از سال 1372 (در سنّ 14 سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیةالله گلپایگانی) به عنوان جوانترین روزنامهنگار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شد و تا به حال صدها نوشتار مختلف از وی در نشریات معتبر و کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیتهای مطبوعاتی ایشان تأسیس صفحۀ قرآنیِ «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان 1375 و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راهاندازی شد، نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان به شمار میآمد. آغاز تألیف کتاب حدود 14- 15 سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اوّل، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردید. نخستین دارالقرآن در مدارس کشور آقای ملکزاده در سالهای آغازین دهه هفتاد شمسی (سالهای 1372 تا 1375) در چندین دبیرستان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآنها اولین دارالقرآنهای مدارس کشور بودند. نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعة الکعبه») در سال 1375 موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانان (طلّاب جوان، دانشجویان و دانشآموزان) بود تا سال 1381 به فعالیتهای پژوهشی و آموزشی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلند، لبنان، انگلستان و...) ادامه داد. از سال 1381 و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشی و پژوهشی «جامعة الکعبه» فعالیتهای قرآنیِ این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروههای علمیِ جامعة الکعبه میباشد، ادامه یافته است. و امّا جامعة الکعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال 1381 تاکنون مشغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنامه درسی وی به هیچ وجه تعطیل نمی شد و علاوه بر ایام عادی تحصیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه ها، تابستان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کمنظیر خدادادی، دروس مقدماتی و سطح حوزه را که معمولاً در طول 10 سال خوانده میشود، به توفیق الهی در

ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شکل و کیفیت به پایان رساند. دروس خارج و اساتید از زمستان سال 1379 با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضرت آیةاللّه شیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضر شد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام : مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصلاة، سه سال و نیم) و سید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاة، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضرت آیةاللّٰه شیخ حسن شریعتی نیاسر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صدقه، هبه، زکاة، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال 81 تاکنون. البته این درسها در تابستانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضرت آیةاللّٰه شیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین 1384 تا 1386) شرکت کرد . البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسفی (در مشهد) و درس اصول آیةالله شیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حدود یک سال از درس تفسیر آیةاللّٰه شیخ عبداللّٰه جوادی آملی نیز بهرهمند شده بود. اگر چه بعداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضرات آیات شیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت هم حاضر شده، بهرههای فراوانی برد. فلسفه، اخلاق و عرفان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسفار آیةاللّٰه شیخ یحیی انصاری شیرازی نیز استفاده نمود. مدت کوتاهی هم در درس اشارات شرکت کرد.علاوه بر اینها در برخی دوره ها و درس و بحث های فلسفی که به موضوعاتی خاص در فلسفه می پرداختند نیز مشارکت داشته است. همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تا کنون محضر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضرات آیات شیخ محمد تقی مصباح یزدی ، شیخ جواد کربلایی ، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی ، مرحوم حاج آقای مجتهدی و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است . البته استفاده وی از آیةالله مصباح یزدی منحصر به شرکت در درس های اخلاق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسیاری از مباحث فلسفی و کلامی و سایر بحث های ایشان در زمینه اندیشه و معارف اسلامی – به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر – بهره های قابل توجهی برده است. از دیگر اساتید وی میتوان به پدر بزرگوار ایشان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی میباشند و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان –از مقدمات تا خارج- به تدریس و راهنمایی فرزند خویش پرداختهاند. اجازات وی تا به حال موفق به اخذ چندین اجازه مختلف

–و از جمله اجازه اجتهاد- از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشهد شده است. جوانترین طلبه نویسنده در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه داد و در اولین دوره انتخاب کتاب سال حوزه علمیه (سال 1377) به عنوان جوانترین طلبه نویسنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقدیر گردید. زبانهای دیگر و فعالیت در خارج از کشور با تسلط بر زبانهای عربی و انگلیسی و اندکی آشنایی با زبان فرانسوی و چند زبان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سفر کند و در سطح بینالمللی به فعالیتهای علمی، فرهنگی و اسلامی و تبلیغ دین مبین اسلام و معرفی مکتب اهلبیت(ع) بپردازد. حضور در دانشگاهها طیّ این سالها به دانشگاههای بزرگ و معتبری در داخل و خارج از ایران دعوت شده و در این دانشگاهها به تدریس، سخنرانی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و یا برگزاری کارگاههای علمی و آموزشی پرداخته است. مطالعات تاریخی افزون بر تحصیل و تدریس علوم مختلف اسلامی، از زمستان 1381 به مدت 3 سال در رشته تخصصی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسیس شده بود شرکت نمود و مطالعات زیادی را در زمینه تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن به انجام رساند. مسائل جدید به مدّت یک سال در دوره «شبههشناسی و پاسخگویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحبنظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغالتحصیل شد. مسائل و شبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتند در دو زمینه «کلام قدیم» (با توجه ویژه به عقاید وهّابیّت) و «کلام جدید، فلسفه دین و معرفتشناسی» بودند. البته آشنایی وی با بعضی از مکاتب فلسفی غرب، کلام جدید، معرفت شناسی، برخی از فلسفههای مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دینپژوهی مطرح شده است به سالهایی پیشتر از شرکت در این دوره بازمیگردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشته و علاوه بر مطالعات منظمی که به صورت شخصی در این زمینهها داشته است، همایشها، جلسات بحث، سخنرانیها و یا مناظرههایی درباره این مسائل را هم پیگیری کرده و در برخی از کلاسها یا دورههایی که با موضوع علوم جدید از منظر اسلام – همچون دروس جامعه شناسی اسلامی - یا معرفتشناسی و کلام جدید برگزار میشده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مباحث فکری و فرهنگی جدید یکی از مهمترین عوامل موفقیت وی در پاسخگویی به پرسشهای نسل جوانِ تحصیلکرده و دانشگاهی در داخل و خارج از کشور بوده است. تدریس مباحث حوزوی در زمینه تدریس دروس حوزوی برنامه وی بدین صورت بوده است که تا پیش از ورود به درس خارج به تدریس ادبیات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات

اصول شهید صدر)، پرداخته و از هنگام ورود به درس خارج تاکنون به تدریس شرح لمعه، اصولالفقه، حلقات اصول، رسائل، مکاسب و کفایة الاصول اشتغال داشته است. بحث خارج از مهر سال 1384 (شعبان 1426ق) ضمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقد نظریه «حق الطاعة» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلابیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغاز نموده است. همکاری تحقیقی با مؤسسات و نگارش دانشنامه از دیگر کارهای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعة الکعبه) میتوان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای 75 تا 83): از سال 1375 تا اوائل سال 1381 در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردید و سپس در ادامهٔ سال 81 و همچنین سال 82 و 83 در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوبهای اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیهٔ جامعةالکعبه برگزار میشد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهمّ مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد. آثار و تألیفات جناب آقای ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه های مطالعاتی و پژوهش هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در مطبوعات و یا ارائه شده به همایش های متعدد، تا سال 1387 شمسی یعنی تا پیش از 30 سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانیها یا تدریسهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شده و نرمافزارهایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اِشرافِ علمی وی، طرّاحی و به بازار عرضه شده است.

ملکی متهور، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید ملکی متهور
محل تولد : کبوتر آهنگ همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
سال 1361 موفّق به اخذ دیپلم تجربی از دبیرستان امام خمینی (ره) همدان شدم. در همان سال وارد حوزه علمیّه «آیت الله مجتهدی تهران» شدم. و پایه اوّل را در آنجا خواندم. سال 1362 وارد حوزه علمیّه قم شدم و دروس مقدّمات و ادبیّات عرب را از محضر اساتیدی چون: «طالقانی»، «موسوی گرگانی»، «فتوحی»، «مدرس افغانی» و ... بهره بردم.
دروس لمعه و اصول را از محضر اساتیدی چون: «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله استادی»، «آیت الله وجدانی فخر» و «صالحی افغانی» و ... استفاده کردم. دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتیدی چون: «آیت الله پایانی»، «آیت الله طاهری خرم آبادی» و «آیت الله اعتمادی» زانو زدم. درس کفایتین را از محضر «آیت الله ستوده» خوشه چینی کردم. سال 1368 دروس سطح را به پایان رساندم و وارد مقطع خارج شدم.
قابل ذکر است که حقیر از سال دوم طلبگی مشغول تدریس به صورت آزاد نیز بودم که تا کنون نیز ادامه دارد. علاوه بر تدریس مشغول تبلیغ و سخنرانی در مناسبت های تبلیغی در جوامع مختلف می باشم. حدود 10 سال در درس خارج آیات عظام: «تبریزی»، «مکارم»، «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «سبحانی» شرکت کردم. حدود 7 سال است که در درس خارج خصوصی «آیت الله معرفت» شرکت می کنم. در کنار دورس فقه و اصول حوزه در رشته تخصصی تفسیر نیز شرکت کردم و بحمد الله با موفّقیّت آن را به اتمام رساندم که موضوع پایان نامه «عصمت انبیاء در قرآن» می باشد.

ملکی میانجی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر ملکی میانجی فرزند عبدالعظیم فرزند حاج علیمرادی از علماء متقی معاصر در میانج آذربایجان می‌باشند، که در سال 1324 قمری در قصبه ترک (بفتح تاء و سکون راء و کاف) از محال گرمرود شهرستان میانه به دنیا آمده و بعد از تحصیلات فارسی ادبیات و قسمتی از قوانین و ریاض را در زادگاهش خدمت آقا سید واسع کاظمی ترکی (ره) که از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده فراگرفته است.
سپس در سال 1349 قمری به مشهد رضوی عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشهد اشتغال به تحصیل رسائل و کفایه از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و فلسفه و کلام را در حضور مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مجتبی قزوینی و قسمتی از خارج فقه را از مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و همچنین قسمتی از خارج فقه و اصول و یک دوره کامل معارف اسلامی را از محضر عالم ربانی و علامه سبحانی آیت‌اللّٰه میرزا مهدی غروی اصفهانی فراگرفته و در سال 1363 قمری از آن مرحوم دریافت اجازه اجتهاد و روایتی نموده و سپس به سوی آذربایجان و قصبه ترک زادگاهش که مرکز محال گرمرود میانه است عزیمت و در آنجا سکونت نموده و به خدمات دینی از امامت و تفسیر قرآن و معارف اسلام و ترویج دین و درس اخلاق پرداخته و خدمات شایانی نموده و در اواخر 1378 قمری به قم آمده و در حوزه به تدریس خارج اصول و تفسیر و معارف اسلامی اشتغال یافته است.
آثار علمی ایشان از این قرار است
1- تفسیر آیات الاحکام
2- بدایع الکلام به طبع رسیده است.
3- یکدوره معارف اسلامی تا آخر معاد (مخطوط).
4- تفسیر قرآن از اول تا سوره نساء و از سوره مزمل تا آخر قرآن.
5- یکدوره تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی (مخطوط).
(تو ح 1324 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مفسر. در ترک از توابع میانه آذربایجان به دنیا آمد. در همان جا ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه را در محضر سید واسع کاظمی ترکی، که از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود، فراگرفت. در 1349 ق به مشهد رفت و در سطوح عالی نزد آیت‌اللّٰه شیخ هاشم قزوینی و در فلسفه و کلام نزد آیت‌اللّٰه شیخ

مجتبی قزوینی و در درس خارج نزد زعیم حوزه‌ی علمیه مشهد، آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده‌ی خراسانی، تلمذ کرد. او همچنین یک دوره اصول فقه و یک دوره‌ی کامل اصول عقاید و معارف اسلامی را از محضر آیت‌اللَّه میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نمود و از ایشان به دریافت اجازه اجتهاد و نقل حدیث نایل آمد، اجازه‌ای که آیت‌اللَّه حجت کوه کمری نیز آن را تأیید کرد. او از معتقدان به مکتب تفکیک محسوب می‌شد. بعدها در قم مورد توجه آیت‌اللَّه بروجردی قرار گرفت و پس از سکونت در آنجا عهده‌دار تدریس خارج اصول و تعلیم تفسیر و معارف اسلامی گردید. او در طول عمر خویش تلاش بسیاری برای کمک به محرومان و اقدامات زیادی در امور عام المنفعه نمود. از آثارش: «بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام»؛ تفسیر «فاتحة الکتاب»؛ «مناهج البیان»، در تفسیر قرآن؛ «تفسیر القرآن الکریم»؛ «الرشاد»، در توحید و معاد؛ دوره‌ی کامل درس «اصول» آیت‌اللَّه آقا میرزا مهدی اصفهانی؛ رساله در «حبط و تکفیر»؛ رساله در «خمس».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 9، ش 12، ص 41 -40).

ملکی، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا باقر ترکی ملکی میانجی عالمی عامل و فاضلی کامل و مفسری بصیر و محدثی خبیر و از اوتاد و اخیار علماء حوزه علمیه قم است تولدش در میانه واقع شده و به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سالها در حوزه علمیه خراسان به تحصیل و تکمیل مبانی علوم پرداخته آنگاه در حیات مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه به قم آمده و رحل اقامت افکنده و چندین سال از محضر آن علامه بزرگوار و بعد آیت‌الله العظمی شریعتمداری ایده‌الله استفاده نموده و به تدریس فقه و تفسیر پرداخته و عده‌ای از فضلاء و محصلین قم را از بیانات دقیقه و اخلاق حمیده بهره‌مند می‌سازد.
از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندشان جناب ثقه‌الاسلام و مصباح الظلام آقای آقا میرزا صادق ملکی داماد آیت‌الله حاج شیخ راضی نجفی تبریزی از فضلاء آراسته موصوف به فضل و تقوا است سالها در مشهد و قم از محضر بزرگان و آیات عظام استفاده کرده و برای تبلیغ به خارج کشور بحرین و قطر و غیره مسافرت و انجام وظیفه نموده و اکنون رحل اقامت به تهران افکنده و به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن ممدوحی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت : ممدوحی کرمانشاهی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1318/1/1
زندگینامه علمی
تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال 1318 هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدماتِ پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجستهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لمعه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله

مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دورهٔ سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشأن سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح كفاية الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بداية الحكمة و نهاية الحكمة علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شرح رسالة الولاية علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رسالة الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره

با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است.
فعالیتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.
ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن 14 الی 15 سال درس خارج فقه و حدود 7 سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.
در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.
از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را

مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالة الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.
حسن ممدوحی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت : ممدوحی کرمانشاهی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1318/1/1
تصویر بزرگتر

آدرس اینترنتی
پست الکترونیکی : myname@site.com
بستن[X]زندگینامه علمی
تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال 1318 هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروسِ دورۀ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورۀ مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجرۀ او در قم در مدرسه علمیۀ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورۀ سطح، به درس خارج استادان برجستۀ دورۀ خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار

می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لمعه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دورهٔ سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشأن سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.
با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت اللّٰه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.
فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایة الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایة الحکمة و نهایة الحکمة علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب

شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شرح رسالة الولایة علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رسالة الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است.
فعالیتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.
ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن 14 الی 15 سال درس خارج فقه و حدود 7 سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.
از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالة الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

منصوری، کریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کریم منصوری
حافظ و قاری قرآن کریم
متولد 1347 _ آبادان
تحصیلات : دیپلم
شغل : کارمند وزارت امور خارجه
نام اساتید : سید صالح ، گروسی ، رکابی ، منصوری ، عبدالله زاده ، موسوی ، اربابی و خدام حسینی .
شروع فعالیت : وی از 59 با شرکت در جلسات قرآنی آموزش قرآن کریم را به صورت فنی دنبال کرد و موفق شد در مدت زمان کوتاهی به فنون قرائت در حد مطلوبی تسلط یابد و با استفاده از نوار قرائت قاریان مشهور مصری سطح قرائت خود را ارتقا بخشد و توفیق یافت کل قرآن کریم را نیز حفظ کند.
مقام های داخلی :
نفر دوم مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه (سالهای 67 و 72).
نفر اول مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه (سال 69 و 76).
نفر اول مسابقات قرآن کریم اوقاف و امور خیریه استان تهران در رشته حفظ کل .
مقام های بین المللی :
نفر دوم مسابقات بین المللی قرآن کریم مالزی (سال 69).
نفر دوم مسابقات بین المللی قرآن کریم عرستان سعودی (سال 71).
نفر اول مسابقات بین المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران (سال 76).
مأموریت های قرآنی در داخل کشور :
تلاوت قرآن کریم در محافل انس با قرآن و برنامه های متعدد قرآنی در سراسر کشور.
تلاوت قرآن کریم در مراسم افتتاحیه اجلاس سران کشورهای اسلامی در سال 76.
مأموریت های قرآنی در خارج از کشور :

سفر به حدود بیست کشور جهان از جمله کشورهای مغرب ، سوریه و عمان .
سفر به عربستان سعودی جهت تلاوت قرآن کریم در مراسم سیاسی عبادی حج تمتع .

منصوری، مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1323 ق)، عالم دینی و مفسر. در قریه‌ی منصورآباد جهرود قم به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در 1343 ق به قم رفت و سطوح اولیه را از میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و «مکاسب» و «کفایه» را از آیت‌اللّٰه آخوند ملا علی همدانی و حجت‌الاسلام میرزا محمد همدانی و فلسفه و معقول را از آیت‌اللّٰه شاه‌آبادی و آیت‌اللّٰه میرزا خلیل کمره‌ای فراگرفت و همچنین از محضر آیت‌اللّٰه فیض و آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی و آیت‌اللّٰه گلپایگانی بهره‌مند شد. او به مدت چهار سال در درس آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی شرکت کرد و پس از ایشان از محضر آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّٰه بروجردی استفاده نمود. پس از درگذشت آیت‌اللّٰه بروجردی، به امر آیت‌اللّٰه شریعتمداری به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت و انجام امور دینی پرداخت. از آثارش: «حیوة الست»؛ تفسیر «سوره‌ی انعام»؛ تفسیر «سوره‌ی عم یتسائلون»؛ رساله‌ای در «غناء»؛ رساله‌ی «چرا لازم است خدا را شناخته و معتقد به وجود او شد»؛ جزواتی در «تقریرات» فقه و اصول اساتید خود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (372 -371)، گنجینه‌ی دانشمندان (69 -68/ 6)، مؤلفین کتب چاپی (449/ 6).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله موحدی محب
محل تولد : بیدگل کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/2/3
زندگینامه علمی

ورود به حوزه علمیه قم 1/7/1347، شروع به تدریس متون حوزوی 1354: سیوطی، مغنی، معالم، مختصر، شرح لمعه، اصول فقه و ...، بازگشت به کاشان پس از تعطیلات تحمیلی بر حوزه متعاقب شهادت شهید غفاری (ره) و شروع به تدریس و تبلیغ و امامت جماعت در کاشان 1355 (مواد تدریس در حوزه کاشان همان درسهای یاد شده)، نماینده ولی فقیه در اوقاف کاشان 1358، قاضی در دادگستری کاشان و عضو کمیسیون 5 نفری حل اختلافات 1358، تدریس در دبیرستانهای کاشان در 1358، فعالیتهای سیاسی اجتماعی، عضویت در کمیسیونهای مختلف در فرمانداری کاشان 1358.

بازگشت به قم و شروع فعالیت تحصیلی و تدریس 1359 (مواد درسی همان درسهای یاد شده در بالا)، شروع به تدریس در دانشگاه کاشان (مدرسه عالی علوم) نیمسال اول تحصیلی 1362، هم زمان تدریس در دانشگاه علوم پزشکی کاشان 67 - 1366 (مواد درسی دروس معارف اسلامی)، راهیابی به دوره فوق لیسانس «مدرسه عالی دارالشفای قم» 1367، دفاع از رساله کارشناسی ارشد 1371 فروردین با درجه عالی نمره 20 و استاد راهنما جناب استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دنیانی - استاد مشاور جناب حجةالاسلام حسین توفیقی - استاد داور حضرت آیت الله انصاری شیرازی (دامت توفیقاتهم)، استخدام در دانشگاه کاشان 1371 اردیبهشت، تدریس در دانشگاه قم از سال 71 تا 75 (موارد درسی علوم بلاغت، عربی، بدیع فارسی، علم کلام اسلامی).

راهیابی به دوره دکترای «علوم قرآن و حدیث» بهمن ماه 1375، دفاع از رساله دکترای با درجه عالی و نمره 20 (13/6/1381) استاد راهنما جناب حجةالاسلام دکتر سید محمد باقر حجتی - استاد مشاور حجةالاسلام دکتر احمد بهشتی و حجه الاسلام محمد علی مهدوی راد - اساتید داور حضرت

آیت الله داوری اصفهانی و حضرت آیت الله فاضل گلپایگانی (دامت برکاتهم).
اساتید: صرف و نحو حجةالاسلام «حاج آقا رضا رضوی» در حوزه علمیه کاشان سال 45 و 46، معانی و بیان: استاد «احمد امین شیرازی» سال 47 در قم، فقه: لمعهٔ «آیت الله موسوی تبریزی»، مکاسب: «مرحوم آیت الله ستوده»، اصول قوانین: «حضرت آیت الله دوزدوزانی» رسائل: آیات بزرگوار «مرحوم حرم پناهی (ره)»، «استاد آیت الله اعتمادی ، آیت الله خزعلی (دامت برکاتهم) کفایه مرحوم آیت الله ستوده و حضرت آیت الله مظاهری درس خارج اصول: حضرت آیت الله مظاهری «تقریبا یک دوره کامل اصول» فقه: حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاتهم)»، هم اکنون هم عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان استادیار پایه 15 و در قم: مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهرا، مرکز تخصصی نهج البلاغه قم، فی الجمله فعالیت آموزشی و ... دارد، مقالات چاپ نشده از قبیل تحقیقات دانشگاهی و تقریرات دروس حضرات آیات: «فاضل لنکرانی» و «مظاهری» (دامت برکاتهم) مقداری نوشته چاپ نشده.

مودب، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید رضا مودب
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
از سال 1354 به شهر مقدس قم برای تحصیل به حوزه علمیه مسافرت نمودم و تا دو سال در مدرسه علمیه «حضرت آیت الله گلپایگانی» به مقدمات پرداختم. در سال 1356 به مدرسه رسالت جهت تحصیل منتقل شدم و دروس سطح یک و دو حوزه را در آنجا سپری نمودم و از سال 1360 تا 1370 در حوزه علمیه به ادامه تحصیل پرداختم. درس مکاسب و کفایه را از محضر استادان گرانقدر: «حضرت آیة الله علوی گرگانی» و حضرات آیات: «وجدانی فخر»، «پایانی» و «ستوده» استفاده کردم و در درس خارج حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «علوی گرگانی» شرکت نمودم و یک دوره فقه و اصول را سپری کردم.
از سال 69 در مرکز تربیت مدرس قم مشغول به تحصیل شدم و همزمان در دانشگاه تهران تدریس دروس معارف را آغاز نمودم که تا سال 1378 در دانشکده های فنی و مهندسی، علوم، ادبیات، حقوق و ... ادامه داشته است و همزمان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از سال 1372 در مقطع دکتری ادامه تحصیل داده در سال 1376 فارغ التحصیل در گرایش «علوم قرآن و حدیث» شدم و از 1376 عضو هیئت علمی دانشگاه قم در آمدم و تاکنون عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه هستم.
در دانشگاه اصفهان تدریس معارف و در دانشکده علوم قرآنی و حدیث و دانشکده شهید محلاتی سپاه تدریس داشته ام. در دانشگاه قم در موضوعات علوم قرآن و حدیث چندین جزوه علمی تهیه نموده ام. در دانشگاه و دیگر محافل علمی چندین کنفرانس علمی در موضوعات قرآنی ارائه کرده ام. در مرکز تفسیر برای طلاب حوزه و در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب خارجی تدریس داشته و دارم. پایان نامه های متعددی در دانشگاه قم و مؤسسه امام خمینی سرپرستی نموده ام. چندین کتاب و

اثر پژوهشی فراهم آورده ام که در آثار پژوهشی آمده و اکنون نیر در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، عضو حلقه کارشناسی مقاله های آن مرکز هستم. در رادیو معارف و ... مباحثی علمی در موضوعات قرآنی داشته ام.

موذن زاده، رحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رحیم موذن زاده :
پدرش، مرحوم شیخ عبدالکریم اردبیلی، مؤذن بود و زمانی که در مسجد امام تهران اذان می خواند، صدایش به طور زنده از رادیو پخش می شد. شیخ عبدالکریم اردبیلی، تا سال 1322 در منطقه اردبیل به وعظ و اذان گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود، شهرت پیدا کرد و سپس تا سال 1326 برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام (مسجد شاه سابق) اجرا می کرد و در سال 1329 از دنیا رفت. در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت های مذهبی و اذان گویی پرداخته اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم است، راه پدر را با جدیت بیشتر پی گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش به جای او قرائت اذان را ادامه داد. اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه روح الارواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال 1334 در میدان 15 خرداد در استودیوی 6 خوانده است. به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه‌دار بوده می‌خواسته است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه‌های مختلفی را می‌آزماید، اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی‌شود، تا این که مناسب ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح‌الارواح می‌بیند. ایشان بارها گفته است: "از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور معنوی در طول سال‌های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است".
استاد موذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی‌اش را اینگونه توصیف کرده بود:
«من سال 1304 در اردبیل به دنبال آمدم، در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می‌رفتیم. همه هم متدین بودند. خانواده‌ها در دوره‌ی ما در ابتدای امر بچه‌ها را با قرآن مانوس می‌کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدیم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می‌خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد. او عادت داشت هرکجا که میهمانی هم

برود صبح پشت بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روزی که پدرم اذان گفت: امام جمعه‌ی اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می‌شنوم، ببینید این صدا از کجا می‌آید. آن‌ها همه خانه‌ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه‌ی ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما 2 تا اتاق دادند. مرحوم پدرم سال 1322 برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا 1326 که برنامه‌ی سحری را به صورت زنده اجرا می‌کرد. او در سال 1329 سکته کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الآن که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام ومملکتم کاری کرده‌ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکنت و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است. هر روز تلفن می‌زنند و می‌گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است، می‌دانید چرا؟ من جوابتان را می‌دهم برای این که باطن - اشاره به قلب- خوشگل است، برای این که این اذان را با دهن روزه پر کردم تا قربه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود نتیجه‌اش را هم می‌بینید. واعظ تهرانی درجایی گفته بود اذان همه قبول باشد اذان است اما این اذان موذن‌زاده آدم را وادار می‌کند که به مسجد بیاید.
البته این اذان گفتن در خانواده‌ی ما موروثی است. 150 سال است که خانواده‌ی ما اذان می‌گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع‌ها شناسنامه می‌دادند به تناسب شغل و حرفه نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره‌ای؟ گفته بود موذن. گفته بودند نام خانوادگی شما موذن است. زمانی که سال 1329 پدرم فوت کرد و من جای او رفتم. گوینده‌ها می‌گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد موذن، " زاده اردبیلی" گفته شده است. لذا این "زاده اردبیلی" از آن موقع به اسم ما اضافه شد. یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگاری را بگویم. در استودیوی 6 صدا و سیما هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از 50 سال پخش می‌شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که تقلید می‌کنند از عربستان و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الآن 50 سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این خواست خداست. همان خدایی که می‌گوید اگر با من یک‌صدایی کنید، محبت شما را به قلوب همه می‌اندازم. البته 20 سال پیش می‌خواستم یک اذان دیگر به مدت 15 دقیقه که در وسط آن دعا است را پر کنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان 6 دقیقه بیشتر نمی‌شود. ولی در کل می‌خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی

خواهد داشت.»
مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد. این اذان گوی سرشناس ایرانی، در سن هشتاد سالگی بر اثر بیماری روز پنجشنبه 5 خرداد ۸۴ در تهران دعوت حق را لبیک گفت.
روحش شاد...

موذن زداه، رحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رحیم موذن زاده اردبیلی :
پدرش، مرحوم شیخ عبدالکریم اردبیلی، مؤذن بود و زمانی که در مسجد امام تهران اذان می خواند، صدایش به طور زنده از رادیو پخش می شد. شیخ عبدالکریم اردبیلی، تا سال 1322 در منطقه اردبیل به وعظ و اذان گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود، شهرت پیدا کرد و سپس تا سال 1326 برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام (مسجد شاه سابق) اجرا می کرد و در سال 1329 از دنیا رفت. در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت های مذهبی و اذان گویی پرداخته اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم است، راه پدر را با جدیت بیشتر پی گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش به جای او قرائت اذان را ادامه داد. اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه روح الارواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال 1334 در میدان 15 خرداد در استودیوی 6 خوانده است. به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه‌دار بوده می‌خواسته است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه‌های مختلفی را می‌آزماید، اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی‌شود، تا این که مناسب ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح‌الارواح می‌بیند. ایشان بارها گفته است: "از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور معنوی در طول سال‌های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است".
استاد موذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی‌اش را اینگونه توصیف کرده بود:
«من سال 1304 در اردبیل به دنبال آمدم، در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می‌رفتیم. همه هم متدین بودند. خانواده‌ها در دوره‌ی ما در ابتدای امر بچه‌ها را با قرآن مانوس می‌کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدیم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می‌خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد. او عادت داشت هرکجا که میهمانی هم

برود صبح پشت بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روزی که پدرم اذان گفت: امام جمعه‌ی اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می‌شنوم، ببینید این صدا از کجا می‌آید. آن‌ها همه خانه‌ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه‌ی ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما 2 تا اتاق دادند. مرحوم پدرم سال 1322 برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا 1326 که برنامه‌ی سحری را به صورت زنده اجرا می‌کرد. او در سال 1329 سکته کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الآن که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام ومملکتم کاری کرده‌ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکنت و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است. هر روز تلفن می‌زنند و می‌گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است، می‌دانید چرا؟ من جوابتان را می‌دهم برای این که باطن - اشاره به قلب- خوشگل است، برای این که این اذان را با دهن روزه پر کردم تا قربه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود نتیجه‌اش را هم می‌بینید. واعظ تهرانی درجایی گفته بود اذان همه قبول باشد اذان است اما این اذان موذن‌زاده آدم را وادار می‌کند که به مسجد بیاید.
البته این اذان گفتن در خانواده‌ی ما موروثی است. 150 سال است که خانواده‌ی ما اذان می‌گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع‌ها شناسنامه می‌دادند به تناسب شغل و حرفه نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره‌ای؟ گفته بود موذن. گفته بودند نام خانوادگی شما موذن است. زمانی که سال 1329 پدرم فوت کرد و من جای او رفتم. گوینده‌ها می‌گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد موذن، " زاده اردبیلی" گفته شده است. لذا این "زاده اردبیلی" از آن موقع به اسم ما اضافه شد. یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگاری را بگویم. در استودیوی 6 صدا و سیما هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از 50 سال پخش می‌شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که تقلید می‌کنند از عربستان و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الآن 50 سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این خواست خداست. همان خدایی که می‌گوید اگر با من یک‌صدایی کنید، محبت شما را به قلوب همه می‌اندازم. البته 20 سال پیش می‌خواستم یک اذان دیگر به مدت 15 دقیقه که در وسط آن دعا است را پر کنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان 6 دقیقه بیشتر نمی‌شود. ولی در کل می‌خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی

خواهد داشت.»
مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد. این اذان گوی سرشناس ایرانی، در سن هشتاد سالگی بر اثر بیماری روز پنجشنبه 5 خرداد ۸۴ در تهران دعوت حق را لبیک گفت.

موسوی احمد آبادی، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مجتبی موسوی احمد آبادی
محل تولد : اردکان یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1338 در یکی از روستاهای استان یزد «احمد آباد» متولد شدم. دوران ابتدایی و راهنمایی را در آنجا به پایان رساندم. در سال 1356 جهت ادامه تحصیل به سفارش پدرم راهی قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. دروس مقدمات تا شرح لمعه را در آن مدرسه به پایان رساندم و سپس به صورت آزاد در درس های حوزه شرکت نمودم.
شرح لمعه را نزد اساتید محترم: «مرحوم وجدانی فخر» و «آقای پاکویی»، اصول الفقه را نزد «آیت الله طهرانی» و «عرفانیان»، مکاسب را نزد «استاد پایانی» و مقداری از آن نزد «آقای دوزدوزانی» و «بنی فضل» و رسایل و کفایتن را نزد استاد محترم «آقای اعتمادی» به پایان رساندم.
پس از اتمام دوره سطح، به مدت هفت سال در درس خارج فقه و اصول حضرت «آیت الله مکارم» شرکت نمودم و حدود سه سال در درس خارج فقه «آیت الله العظمی آقای تبریزی (ره)» کسب فیض نمودم.
در سال 1373 در گروه تخصصی تفسیر پذیرفته شدم. دوره چهار ساله را در سال 1377 با موفقیت به پایان رساندم. بعد از اتمام دوره تخصصی تفسیر از سال 1377 تاکنون به مدت هشت سال در گروه فرهنگ و معارف قرآن بخش دایرة المعارف قرآن در دفتر تبلیغات به عنوان محقق به تحقیقات و بررسی موضوعات قرآنی مشغول هستم.

موسوی برزکی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد موسوی برزکی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1361 در مدرسه رسالت قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. پس از اتمام مقدمات در فیضیه و مسجد اعظم و ... تحصیلات خود را ادامه دادم. کتاب شرح لمعه را در محضر «آیت الله استادی» و «وجدانی‌فخر» و رسائل و کفایه را در محضر «آیت الله اعتمادی» و مکاسب را در محضر «آیت الله پایانی» بوده‌ام.
دروس خارج فقه و اصول را از خرمن علم آیات عظام: «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی» و «شیخ جواد تبریزی» خوشه‌چینینی نمودم و تفسیر و فلسفه را از محضر «آیت الله جوادی آملی» پس از ده سال حضور در دروس خارج و احساس با نیازی از حضور در سر کلاس آیات عظام به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه مشغول شدم.
همچنین در دانشگاه آزاد تدریس دروس عمومی را مثل معارف اخلاق وصیت نامه امام (ره) تفسیر به عهده گرفتم. همچنین در کنار تدریس، پژوهش و تحقیق در موضوعات مختلف را آغاز نمودم و هم‌اکنون امامت جمعه شهرستان اردستان را داشته و در کنار آن تدریس کفایة الاصول (حوزه) و دروس عمومی دانشگاه، تالیف مقالات، کتاب و اداره مدرسه علمیه زینبه را به عهده دارم.

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله سیدعبدالاعلی موسوی سبزواری، فقیه، مفسر و قرآن‌پژوه بزرگ جهان تشیع و از مفاخر علمی و برجسته اسلام در دوره معاصر است که عمر شریف خویش را در نشر و گسترش معارف اسلام و قرآن مصروف داشت. وی در 18 ذی‌الحجه 1328 هـ.ق، مصادف با عید غدیر خم، در سبزوار دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی پدر بزرگوارش طی کرد و مقدمات ادبیات عرب، فقه، اصول و ... را از پدر و عمویش، آیت‌الله «سیدعبدالله برهان» (م 1384 هـ.ق) فراگرفت و تا سن چهارده سالگی در زادگاه خود به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و عربی پرداخت. در سال 1342 هـ.ق به مشهد مقدس رفت و در آن‌جا از محضر بزرگانی چون علامه میرزا «عبدالجواد ادیب نیشابوری» (م 1344 هـ.ق)، میرزا عسکر شهیدی، معروف به آقا بزرگ حکیم (م 1354 هـ.ق)، آیت‌الله سیدمحمد عصار لواسانی (م 1356 هـ.ق) و شیخ علی‌اکبر نهاوندی (م 1369 هـ.ق) بهره برد. مرحوم آیت‌الله سبزواری پس از حدود هشت سال اقامت در مشهد، برای تکمیل دروس سطح فقه و اصول و نیز فلسفه و تفسیر و دیگر علوم اسلامی عزم سفر نجف اشرف کرد و در آن شهر در درس آیات عظام مرحوم نائینی (م 1355 هـ.ق)، آقا ضیاءالدین عراقی (م 1361 هـ.ق)، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (م 1361 هـ.ق)، سیدابوالحسن اصفهانی و سیدحسین بادکوبه‌ای (م 1358 هـ.ق) شرکت و آموخته‌های فقهی و فلسفی خویش را تکمیل کرد. وی تفسیر قرآن و مناظره و کلام را با حضور در جلسات تفسیری علامه «محمدجواد بلاغی» فراگرفت. او هم‌چنین از علامه مامقانی (م 1351 هـ.ق) و شیخ عباس قمی (م 1359 هـ.ق) و دیگر مشایخ و استادان خود اجازات روایتی و اجتهادی کسب کرد و در حالی که 36 سال داشت، در سال 1365 هـ.ق خود عهده‌دار تدریس خارج فقه و اصول شد و به تربیت شاگردان و دانشوران پرداخت. آیت‌الله سبزواری در کنار فقیه برجسته اهل بیت(ع)، آیت‌الله سیدابوالقاسم خوئی (م 1413 هـ.ق) خدمات شایانی به حوزه نجف اشرف کرد و چراغ فقاهت را در آن حوزه نورانی نگه داشت و خود چیزی کمتر از یک سال ـ بعد از آیت‌الله خوئی ـ عهده‌دار ریاست آن حوزه علمی شد. سرانجام این فقیه فرزانه و مفسر عالی‌قدر تشیع و عالم وارسته، بعد از عمری تدریس و تحقیق و تألیف و مجاهدت در روز دوشنبه

25 مرداد 1372 هـ.ش (27 صفر 1414 هـ.ق)، مصادف با شب رحلت رسول خدا(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) در نجف اشرف درگذشت و به دیدار حق شتافت که البته برخی معتقدند که وی توسط رژیم بعث عراق مسموم و شهید شده است.

برگرفته از کتاب :راسخون

موسوی نسب، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر موسوی نسب
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1362 وارد حوزه علمیه و در مشهد مقدس سطح را به پایان رساندم. در محضر اساتیدی همچون: «آیت الله صالحی»، «آیت الله مرحوم سبزواری»، «آیت الله رضا زاده»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «سبحانی» و «فاضل لنکرانی» تلمذ نموده ام.
گذراندن دوره مرکز ادیان و مذهب اسلامی و دوره مهدویت در مرکز تخصصی مهدویت و دارای تالیفات، تدریس، مقالات متعدد، تحقیق و تدوین در حوزه و دانشگاه از دیگر فعالیتهای بنده بوده است. در حال حاضر نیز مسئول مرکز تخصصی امامت و مهدویت خراسان رضوی هستم.

موسوی، محمداسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد اسماعیل موسوی
محل تولد : کوهدشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/5/10

زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1373 با یاری خداوند به حوزه علمیه قم رفتم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره) مشغول به یادگیری درس های حوزه شدم. با یاری خداوند سطح یک را به پایان رساندم و وارد سطح دوم حوزه شدم. مشغول سطح دوم حوزه بودم که در آزمون پذیرش سطح دوم رشته تخصصی «تفسیر و علوم قرآن» شرکت کردم و به لطف خداوند پذیرش شدم و پس از سه سال در سطح سوم رشته تخصصی «تفسیر و علوم قرآن» پذیرش شدم و الحمدلله امسال به پایان رساندم و هم اکنون در حال ارائه موضوع هستم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالفضل موسویان
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیّد ابوالفضل موسویان فرزند حسن در سال 1334 در شهر مقدّس مشهد دیده به جهان گشودم. پس از دوران ابتدائی، وارد حوزه شده و مقدّمات را از برخی از فضلای مشهد و عمدتا از مرحوم ابوی آموختم. مختصر المعانی را از استاد «حجت هاشمی»، معالم را از استاد «بنی هاشمی» و لمعتین را در محضر والد به پایان رساندم. سپس راهی قم شدم و رسائل را از محضر اساتید: «اعتمادی» و «دوزدوزانی»، مکاسب را از مرحوم استاد «ستوده» و کفایه را از استاد «سبحانی» استفاده کردم.
از اوائل سال 1352 درس خارج اصول و فقه را شروع کردم و از آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، و عمدتاً از «آیة الله منتظری» بهره بردم. در کنار فقه و اصول، به فراگیری فلسفه نیز مشغول شدم و از اساتید بزرگوار «انصاری» و «جوادی آملی» استفاده کردم. منظومه و برخی از جلدهای اسفار را خواندم. سپس التمهید قیصری و فصوص الحکم را با استفاده از آیة الله معرفت، اخلاق را از آیة الله حسن زاده آملی فرا گرفتم.
اینجانب بعد از چند سال تحصیل، همانند دیگر حوزویان، درسهای پائین تر را به دیگران می آموختم. لذا از حوزه علمیّه مشهد تاکنون به تدریس اشتغال داشته ام. و دروس عمومی را در دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مفید تدریس کرده و می کنم. و اکنون عضو هیئت عملی دانشگاه مفید هستم. در کنار تدریس و تبلیغ، مکتوباتی نیز داشته ام ومقالاتی را در مجلات و روزنامه ها به چاپ رسانده ام.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس موسویان
محل تولد : عجب‌شیر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/3/2
زندگینامه علمی
اینجانب سید عباس موسویان فرزند سید علی در تاریخ دوم خرداد سال 1339 در یکی از بخشهای استان آذربایجان شرقی به نام «عجب‌شیر» متولد شدم و تا سال 1354 در آن شهر زندگی می‌کردم. از سال 1354 برای ادامه تحصیل به شهرستان تبریز آمده و در هنرستان صنعتی تبریز در رشته برق ثبت نام کردم. سال آخر دبیرستان که مواجه با انقلاب بود و مدرسه ما در جریانات انقلاب نقش فعالی داشت؛ باعث شد گرایش زیادی به مسائل دینی و اسلامی پیدا کنم و همین امر موجب شد بعد از دوره دبیرستان در کنار درس دانشگاهی (که باز در رشته برق قبول شده بودم) به فعالیت در مراکز انقلابی و اسلامی چون جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روی آورم و با آغاز جنگ تحمیلی و تعطیلی دانشگاهها (به خاطر انقلاب فرهنگی) به صورت تمام وقت به سپاه تبریز رفته مشغول خدمت در سپاه شدم و از آن طریق چند مرتبه در جبهه شرکت کردم.
تابستان سال 1360 از طرف سپاه به خانه شهید آیت الله مدنی و به عنوان محافظ خدمت ایشان بودم، ایمان و اعتقاد خالص، صفا و صمیمیت ایشان موجب شد که علاقه زیادی به درس حوزوی و صنف روحانیت پیدا کنم و بر همین اساس چند روز قبل از شهادت ایشان به همراه چند نفر از دوستان از سپاه استعفا کرده و برای ثبت نام به حوزه علمیه قم آمدیم. از مهرماه 1360 در مدرسه رسول اکرم (ص) مشغول به تحصیل شدم و در سال 1367 دوره سطح را به اتمام رساندم.
از آن سال در کنار درس خارج فقه و اصول در رشته اقتصاد دانشگاه مفید شرکت کردم و در سال 1373 در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی تهران در رشته اقتصاد قبول شدم و در سال 1375 فارغ التحصیل شدم. از سال 1373 در کنار تحصیل، در بخش تحقیقات جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم، کار پژوهش و تحقیق را شروع کردم و از سال 1375 به عنوان مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال 1377 به عنوان رئیس پژوهشکده نظامهای اسلامی، علاوه بر انجام تحقیقات شخصی به مدیریت امور پژوهشی نیز اشتغال دارم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی مهدوی راد
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
«محمد علی مهدوی راد (غلامی اسخارزوگاران)» به سال 1334 در روستایی به نام (ینگجه) از بخش سر ولایت نیشابور دیده به جهان گشود. مدرسه ابتدایی را در همان دیار گذراند پس از آنکه با مقدماتی از ادب عربی نیز در همان دیار آشنا شد. آنگاه به سال 1348 وارد حوزه علمیه مشهد شد و در مدرسه «آیت الله العظمی میلانی» که به شیوه ای نو و با برنامه ای منظم اداره می شد؛ تحصیل علوم دینی را آغاز کرد.
وی در 7 سال اقامت در حوزه علمیه مشهد، دروس: مقدمات، ادبیات عرب، و سطوح عالی حوزوی را در محضر استادان آن دیار بیاموخت. از استادان آن روز می توان: «حجت هاشمی خراسانی، امینی نیشابوری، صالحی نیشابوری و روانشاد سید علی اکبر بنی هاشمی و محقق ذاکری اختری (عباس علی)» را برشمرد. وی در جنب درس های حوزوی سه سال به درس تفسیر روانشاد «آیت الله حاج میرزا جواد تهرانی» و جلساتی بسیار نیز «حضرت آیت الله سید عزالدین زنجانی» و روشنگر و مهم مقام معظم رهبری «آیت الله خامنه ای» که پنجشنبه و جمعه تشکیل می شد و نیز دیگر بحثهای فکری و ایدوئولوژی وی حاضر شد و این دروس اولین بذرهای علاقه و کشش به معارف قرآنی را در جان وی پاشید.
مهدوی راد پس از 7 سال اقامت در مشهد به لحاظ تلاشهای سیاسی و تعقیب ساواک خراسان با صلاحدید خطیب بلند آوازه روزگار و مجاهد نستوه و شجاع «شهید هاشمی نژاد»، مشهد را ترک نمود و به قم هجرت کرد و در قم بود که برای ایمنی از جستجوی ساواک، نام خانوادگی اش را از غلامی به مهدوی راد تغییر داد. در قم درسهای حوزوی را پی گرفت. در قم: رسائل، مکاسب، کفایه و آنگاه دوره عالی اجتهادی فقه و اصول را از محضر استادان ارجمند آن حوزه ارجمند فرا گرفت. برخی از استادان وی در این حوزه عبارتند از حضرات آیات: «اعتمادی»، «موسوی»، «تبریزی

(سید ابوالفضل)»، «پایانی»، «فاضل لنکرانی»، «ستوده»،« بهشتی»، «احمد فاضل هرندی»، «صانعی»، «حاج شیخ جواد تبریزی»، «وحید خراسانی» و «منتظری» که بیشترین بهره را در فقه از محضر آیت الله منتظری برد که به طور مستمر بیش از ده سال در درس وی شرکت کرد و بیشتر این بهره در اصول از درس آیت الله فاضل لنکرانی که تقریبا تمام اصول دوره اول خارج وی را شرکت کرد. مهدوی راد فلسفه را در محضر حضرات آیات: «انصاری شیرازی»، «محمدی گیلانی» و «مصباح» فرا گرفت.
اولین اثر قلمی وی به سال 1355 با عنوان: «اسلام و شعر» در قالب مقاله ای بلند در مجله نسل نو نشر یافت. وی پس از انقلاب اسلامی ایران مدتی را در مسئولیتهای اجرایی گذراند از جمله: مسئولیت عقیدتی و سیاسی پایگاه نهم شکاری و آنگاه به حوزه بازگشت و به سال 62 و پس از مقدماتی با جمعی از دوستان و همراهان، مجله حوزه را بنیاد نهاد و از شماره 16 تا 36 سردبیری آن را بر عهده داشت و مقالات بسیاری در نقد و معرفی کتابهای درسی حوزه، مسائل معرفتی دین و نقد و معرفی تفاسیر شیعه و سنی و تحلیل گرایشهای تفسیری در آن مجله نگاشت.
پس از آن با همکاری برخی از همراهانش مجله بینات را بنیاد نهادند که از آغازین شماره آن مدیر مسئولی مجله را به عهده گرفت. این مجله نخستین مجله قرآنی است که مهدوی راد تا شماره 12 مدیر مسئول آن بوده است و پس از آن در جایگاه عضویت هیئت تحریریه آن ماند اما از مدیر مسئولی آن کناره گرفت. در راه اندازی مجله های میقات و علوم حدیث مورد مشورت بود که در هیئت تحریریه های آنها نیز حضور می یافت و مقالات بسیاری در هر دو مجله یاد شده رقم زد.
وی به سال 1369 پیشنهاد مجله ای را در نقد کتابهای حوزه دین به انگیزه بهسازی آثار مکتوب دینی به دفتر تبلیغات اسلامی داد و خود سردبیری آن را به عهده گرفت که اکنون 17 سال است نشر می یابد و ادامه دارد و مهمترین مجله «نقد کتاب در حوزه دین» است که در این مجله نیز مقالات بسیاری نگاشته است.
مهدوی راد به سال 1369 وارد دانشگاه شد و از همان آغاز، تدریس مقاطع تحصیلات تکمیلی را در علوم قرآن و حدیث به عهده گرفت، اکنون بیش از 15 سال حضور در دانشگاه تربیت مدرس حضور دارد و چهار سال مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث را به عهده داشت.

مهدوی نیا، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی مهدوی نیا
محل تولد : زرین شهر اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1

زندگینامه علمی
بعد از گذراندن دوره ابتدائی و دبیرستان در «زرین شهر اصفهان» وارد حوزه علمیه زرین شهر شدم و تا سال 1350 بخشی از مقدمات را گذراندم. سپس برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال 1357 دروس سطح را گذراندم. سپس به خارج فقه و اصول مشغول شدم و به مدت 15 سال دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید مختلفی مانند: «آقای فاضل لنکرانی»، «مرحوم آقای شیخ جواد تبریزی»، «آقای وحید خراسانی» و ... فرا گرفتم.
همزمان با تحصیل در حوزه، در موسسه امام خمینی (ره) از سال 1360 تا 1378 دوره عمومی و تخصصی را گذرانده و در رشته «علوم قرآنی» فارغ التحصیل شدم. ضمنا در این مدت به تحقیق و پژوهش در موضوعات گوناگون «تفسیری و علوم قرآنی» پرداختم و مقالات گوناگونی در زمینه «مصونیت قرآن از تحریف»، «مصاحف منسوب به اصحاب»، «روش تفسیر اهل بیت ع»، «معیارهای تمدن» و «وجوه اعجاز قرآن» به صورت فردی یا گروهی نوشتم. تدریس در حوزه های علمیه، ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی و دانشگاه، همچنین مدیریت حوزه علمیه جزء برنامه هایی از این سنوات بوده است. از سال 1354 تاکنون در مناسبت های گوناگون در شهرهای مختلف و روستاها به تبلیغ دین اسلام نیز اشتغال داشتم.

مهدی زاده، مسلم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسلم مهدی زاده چافی
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/5/2

زندگینامه علمی
به تاریخ دوم تیرماه 1355 در روستای «چاف» بالاتر از شهرستان لنگرود، استان گیلان به دنیا آمده و دروس دوره ابتدائی را در همان روستا گذراندم. دوره راهنمایی را در روستای مجاور با فاصله دو کیلومتری در سرما و گرما با موفقیت طی نموده و بعد از آن در سال 1369 جهت کسب علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به مدت دو سال در مدرسه علمیه «حقانی» و بعد از آن یک سال هم در مدرسه «الهادی (ع)» دوره مقدمات (ادبیات عرب) را پشت سر گذاشتم. در مدرسه «رضویه» از محضر اساتید بزرگواری سود برده تا از لمعه و کتب مربوطه به پایه های چهارم، پنجم و ششم خوشه چینی نمایم.
اندوخته های علمی سالهای 69 به بعد کمک کرد تا دوره سطح را با موفقیت از محضر اساتید بزرگواری در مدرسه های علمیه «گلپایگانی» و «فیضیه» به پایان برسانم. در کنار مطالعه و درس، تحقیق علوم حدیث و تفسیر سبب شد تا در سال 79 در گروه تفسیر در موسسه علوم حدیث مشغول به همکاری شدم. بعد از دو سال و اندی به گروه احیاء پیوسته و تاکنون در گروه احیاء، جهت کار بر کتاب شریف الکافی با گروه احیاء مشغول همکاری هستم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرستار مهدی زاده
محل تولد : مرند – روستای النق
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1353 در آذربایجان شرقی، شهرستان مرند، روستای «اَلِنجَق» به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه یاسر و راهنمائی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد همان روستا تحصیل کردم و در کنار تحصیل، به کشاورزی و دامپروری مشغول بودیم. بعد از اتمام راهنمائی به حوزه علمیه شهر مرند «صاحب الزمان (عج)» وارد شده و بعد از سه ماه به حوزه علمیه «ولی عصر(عج)» شهر تبریز رفتم و دوباره از اول شروع به تحصیل علوم دینی کردم و تا مقداری از سیوطی را در طول دو سال خواندم.
در سال 71 - 72 به قم آمده و در امتحانات ورودی حوزه شرکت کرده و در مدرسه «معصومیه (س)» پذیرش شدم و دوباره دروس را از ابتدا شروع کردم، چون مدارس به این شرط قبول می کردند و انتقالی نمی پذیرفتند. مدت سه سال در مدرسه معصومیه (س) و یک سال در مدرسه امام صادق (ع) درس خواندم که در سال آخر تحصیل در مدرسه معصومیه(س) نامزد شده و در سال 73 عروسی کردیم. در مدرسه امام صادق (ع) «1 سال» و در مدرسه امام باقر(ع) «4 سال» در درسها شرکت کردم و مقدمات را به پایان رسانده و در سطح مشغول شدیم.
در مدرسه «آیة الله گلپایگانی» مشغول به درس رسائل و در مدرسه فیضیه مشغول درس مکاسب شدم امّا همزمان با این، در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما (از سال 78) به عنوان نقد و ارزیابی کننده و پژوهشگر مشغول فعالیت شدم و این کارهای پژوهشی به اضافه برخی کارهای پژوهشی مستقل مثل تالیف کتاب «سفرهای شگفت انگیز ائمه (ع)» و «چرا زلزله» باعث شد که از درس فاصله حدود 5 - 6 سال از تدریس در حوزه فاصله بگیرم اگرچه در این سال در همه امتحانات حوزه

شرکت می کردم امّا در هیچ کلاسی شرکت نمی کردم و تا پایه 8 نیز درس را ادامه دادم.
در آکادمی فرهنگستان علوم اسلامی نیز برای آموزش در دوره آموزشی 5 و در گروه ششم شرکت کردم و با این مرکز و اندیشه هایش تا حدودی آشنا شدم که برایم بسیار جالب و مطلوب بود چرا که به برخی از این نتایج فکری آنان دست یافته بودم و آنجا را به عنوان افقی دریائی از اندیشه های مطلوب خود می دیدم. برای کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه (س) نیز دو مقاله ارائه کردم که در کتاب مجموعه مقالات جلد اول مجموعاً در 150 صفحه چاپ شد. در این مدت طرح ها، اشعار زیادی نوشتم که اثراً موجود است.
مبانی تفسیر قرآن در 37 مبنا، طرحهای گوناگون در مورد ولایت اهل بیت (ع)، مسائل تربیتی و اخلاقی و عرفانی، مسائل هنری و فلسفه هنر از جمله موضوعاتی است در مورد آنها طرحهائی دارم که مضبوط است. طبع و قلمی روان، استعداد فهم در گرو بیان مطلوب معارف روانی و به روز نویسی مطالب از جمله الطاف و نعمت های الهی است که به این گنهکار بی لیاقت ارزانی داشته است. امیدوارم با بازگشت به تحصیل عمیق و استدلال علوم حوزوی و ادامه کار پژوهش و تربیت عمر اخلاقی، خداوند نعمتهای خود را در حق ما به اتمام رساند، و ما را به هدف غایی که از خلقت ما داشته به لطف خود برساند.

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیة الله مهری در سال 1333 هجری قمری در شهر مهر واقع در جنوب استان فارس، و در خانواده‌ای روحانی از سلاله رسول الله (ص) قدم به عرصه وجود گذاشت. او را عباس نامیدند شاید تقدیر الهی چنین بود زیرا که او در همان اوان کودکی روحیه ظلم ستیزی در نهادش نهفته بود و بعدها خود الگویی برای مبارزان طریق حقیقت و مراد پویندگان راه رفع ظلم و ستم شد.

دوران کودکی

هنوز دوازده سال از عمر مبارکش نگذشته بود که سایه پر مهر پدراز او گرفته شد و برای همیشه از پدر محرم گردید. پس از آن تحت تکفل برادر ارجمندش عالم عاضل حاج سید هاشم مهری قرار گرفت و براستی چون پدری مهربان و دلسوز به تعلیم و تربیت او پرداخت با اینکه سالهای سخت تنگدستی را می‌گذارندند. هرگز نگذاشتت برادر عزیزش احساس فقر سختی کند. از همین ور بود که ایشان همیشه از برادرش به خیر و خوبی یاد می‌کرد و می‌گفت: من نمی‌توانم آن همه محبت و مهربانی را پاسخگو باشم.(1)

نسب شریف

نام مبارکش سید عباس حسینی و مشهور به مهری فرزند سید حسن حسینی از سادات بزرگ و معروف مهر موسوم به سید هاشمی(منسوب به جد اعلای ایشان مرحوم سید هاشم) است. و از طریق مارد نسب وی به محدث و مفسر عالیقدر، علامه سید هاشم بحرانی(مؤف تفسیر برهان) می‌رسد. نام مارد دانشمندش خدیجه، دختر سید حسن علامه مهری از سادات جلیل القدر مهر و از نوادگان علامه بزرگوار بحرانی می‌باشد.(2)

یادکردی از مهر

مهر از شهرهای مرکزی و حنوبی استان فارس و دارای تاریخی عمیق و درخشان است. تاریخ مهر همواره با نام دانشمندان و سادات و الامقام آن دیار گره خورده است. این شهر با همه کوچکی آن زادگاه بسیاری از علامان، نویسندگان، و صاحب منصبان سیاسی و احتماعی بوده و هست. این شهر علاوه بر موقعیت علمی که همچون گوهر تابناک می‌درخششیده، به لحاظ حضور مبارک سادات که جمعیت غالب شهر را تشکیل می‌داده‌اند و نیز به داشتن مردمی خوب دارای موقعیت اجتماعی ویژه‌ای در منطقه

بوده است که ملجأ مهاجران زیادی شده که به این شهر پناهنده گردیده‌اند. اجداد آیة الله مهری از نخستین گروه سادات این ناحیه هستند که از منطقه احصاء به این محل هجرت نموده‌اند.(3) نوشی از جام نور
ایشان پس از گذراندن دوره مقدمات در زادگاهش مهر برای تحصیل علوم و معارف دینی و استفاده از انوار قدسی بارگاه ملکوتی جد بزرگوارش با مشقتی فراوان و عشقی زایدالوصف راهی نجف اشرف گردید با جدیت به کسب معارف مشغول گردید، به گونه‌ای که خود می‌گوید: به قدری درسهایم فشرده بود که بعضی از روزها سه درس می‌گرفتم و دو درس می‌دادم و سه درس را نیز به مباحثه می‌گذراندم، غذایم معمولا نان و ماست و هنوانه بود.(4) وی با آنکه مدت زیادی نتوانست در نجف اشرف بماند و به درخواست جمعی از مؤمنان برای امر تبلیغ به کویت عظیمت کرد منتهی در همین مدت کم توانست با جدیت تمام مدارج علمی را پشت سر بگذارد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیة الله سید محمود شاهرودی(ره) و آیة الله سید باقر محلاتی (ره) و آیة الله سید محمد تقی بحرالعلوم (ره) بهره کافی ببرد.(5)
هجرت به کویت
در نجف اشرف، پس از چند سال بحث و درس فشرده، مردم مسلمان کویت با اصرار و تقاضای فراوان از برخی عالمان آن زمان از ایشان می‌خواهند که برای راهنمایی و ارشاد آنها به کویت بروند.(6) آقای مهری در آغاز رازی نمی‌شود، زیرا می‌خواسته است درس خود را ادامه دهد ولی، به درخواست بیش‌تر از حد مردم و اصرار برخی از علماء ناچار به آن دیار مهاجرت می‌نماید. او در این باره می‌گوید: وقتی به کویت آمدم مردم حتی نمی‌توانستند درست وضو یا تیمم کنند و از مسائل معمول شرعی خود بی خبر بودند.(7) استاد عالیقدر حضرت آیة الله وحید خراسانی که بهترین گواه بر زحمات و فعالیتهای آن مهری می‌باشد چنین تعبیر آورده‌اند:چ مرحوم آقای مهری احیای موات کردند.(8) فعالیتهای علمی و اجتماعی در کویت
در کویت ضمن هدایت و ارشاد و پرداخن به مسائل شرعی و حل مشکلات اجتماعی مردم،به‌مباحثه کتابهی علمی با برخی از علما ادامه می‌دهد و هر چند یکبار که به نجف اشرف مشرف می‌شود در آنجا برای همان چند روز نیز دست از درس و بحث نمی‌کشد. آن بزرگوار افزون بر انجام تکلیف نسبت به اسلام و مسلمین که - به بهترین وجه ادا می‌شد- به تدریس علوم دینی می‌پرداخت و از همه اقشار مردم میخواست که اوقات فراغت خود را به درس و بحث بپردازد و عمر خود بیهوده صرف نکنند و خود مجالس درس را اداره می‌کرد. همه شب پس از اداء نماز جماعت در مسجد شعبان - که اکنون به صورت بارزترین پایگاه انقلاب اسلامی در کویت در

آمده است- به منبر می‌رفت و پس از گفتن چند مسئله، به موعظه می‌پرداخت و مشکلات اجتماعی مردم را گوش زد می‌نمود و هر چند برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود که فردی روحانی پیرامون مسائل سیاسی با مردم سخن گوید، او از گفتن آنها باکی نداشت و اوضاع جهان اسلام را تا آنجا که برایش ممکن بود بیان می‌کرد و مردم را از خطر استعمار و استعمار زدگی بر حذر می‌داشت.(9) گفتار امام راحل(ره) خطاب به آن بزرگوار تا اندکی از این امر پرده بر میدارد. ایشان در ضمن نامه به آیة الله مهری می‌نویسد: مساعی جمیله جنابعالی در ترویج شریعت مقدس اسلام در آن حدود مورد کمال، تقدیر و تشکر و امید است ان شاء الله مورد توجه خاصه حضرت ولی عصر- عجل الله تعالی فرجه الشریف- واقع گردیده و مأجور باشید. دوام توفیقات آن جناب را در اعلاء کلمه طیبة الاسلام از خدای متعال خواستارم.(10) مبارزات سیاسی
آنچه بیشتر از هر خصوصیت دیگر، آیة الله مهری را ممتاز کرده بود، روح ظلم ستیزی و مبارزه همیشگی او بر ضد ستم در شکلهای گوناگونش بوده در این باره می‌فرمود: هنوز بالغ نبودم و عمرم از سیزده سال تجاوز نکرده بود ولی نسبت به شاه احساس دیگری - جدای از مردم آن زمان - داشتند. من او را ظالم و غاصب حق می‌دانستنم و از اینکه برخی از روحانیون از او تجلیل می‌کردند سخت منزجر می‌شدم. من معتقد بودم باید قدرت در دست مرجع تقلید باشد و اگر کسی را او تعیین کند واجب الاطاعه است و الا فلا.(11) ناگفته نماند که همواره ظلم ستیزی وی مشکلات زیادی برایش به وجود می‌آورد. خود در این باره طی مصاحبه‌ای می‌گوید بنده قبل از اینکه به نجف بروم و سپس در کویت اقامت گزینم در ایران حبس رفتم، شکنجه شدم، پای برهنه مرا در پشت اسبها می‌دواندند و برادرم نیز در این مصائب با من شریک بود. ما هرگز ساکت نبوده‌ایم و فکر کردیم وقتی به کویت می‌رویم آقایان مراجع پشتیبان ما خواهند بود و با حمایت آنان بنده می‌توانم علیه ظلم مبارزه کنم. ولی هیچ کس در آن زمان حاضر نشد علیه ظلم حرفی بزند تا اینکه آقای خمینی(ره)، این بزرگوار سر بلندکرده و از ابتدایی که امام شروع به مبارزه علیه ظلم نمود امیدی خاص در من ظاهر شد، زیرا یک راهنما و پیشوا پیدا شده بود، پس می‌توانستیم به احکام و نظریات این بزرگوار عمل کنیم.(12) در راه مبارزه مستمر و بی امان با دستگاه طاغوت در آغاز نهضت حرکت همه جانبه را علیه دستگاه ظلم پهلوی شروع کرد و با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبتهای گوناگون و با ارسال تلگراف و نامه به محضر علماء و مراجع و با اجتماع با شخصیتهای گوناگون مذهبی و سیاسی و با پخش اعلامیه‌ها و پیام‌ها و نوارهای حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاده و در مقابل، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه او

شروع کرد و مردم را با تهدید و تخویف و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود، از سوی دیگر کمتر روزی بود که تلفنهای تهدیدآمیز و اینکه اگر ساکت نشوی تو را می‌کشیم و در امشب پس از نماز در وسط سخنرانی تو را ترور می‌کینم و خانه ات را آتش می‌زنیم و بچه هایت را از بین می‌بریم و ... به او زده نمی‌شد، ولی او همچنان پابرجا و استوار و بی اعتنا به آن همه تهدیدات، پیش می‌رفت و وظیفه خود را قاطعانه دنبال می‌کرد و هرگز اهمیت نمی‌داد که روزانه از عدد نمازگزاران مسجد یا ملاقات کنندگانش در منزل - بر اثر تهدیدهای دشمنان - کاسته می‌شود.(13)

در خواست قیام علی طاقوت

فرزند با اخلاص سرزمین مهر - همانگونه که اشاره شد- همواره با ارسال نامه و تلگراف از علماء و مراجع دعوت به مبارزه علیه طاغوت و پشتیبانی از حرکت امام می‌کرد، منتهی هیچ وقت منتظر پاسخ آقایان نمی‌نشست و فقط به وظیفه عمل می‌کرد. در آغاز نهضت تلگراف شدید لحنی به مراجع وقت در نجف اشرف و قم مخابره کرد و آنان را به قیام دعوت نمود. در آن تلگراف چنین آمده است: مصیبتهایی که این روزها بر سر مسلمین در ایران فرود می‌آید دل هر آزاده‌ای را آزرده ساخته است و سکوت شما در برابر این فجایع، بر این درد افزوده است ما منتظر اقدام سریع شما برای تسکین دردها و جلب رضایت حضرت ولی عصر(عج) می‌باشیم. سه نفر از مراجع وقت نجف آیة الله حکیم رحمة الله، آیة الله شاهرودی رحمة الله و آیة الله خویی رحمة الله پاسخ‌هایی دادند و ایشان دستور داد همان پاسخ‌ها را تکثیر و در دسترس عموم مردم قرار دادند و به همین پاسخ برای تأیید نهضت اکتفا می‌کرد و می‌فرمود! ما در حد توانمان به قیام دست زدیم. ما مردم را هدایت می‌کردیم تا کمک به ظلم و جور نکنند و با اشخاصی که علیه دین اسلام قدم بر می‌داشتند، هم قدم نشوند. در آن زمان حضرت امام به همه نماینده هایش دستور داده بودند که به این گونه مسائل توجه گردد و بنده یکی از نمایندگان ایشان بودم که به این امر عمل نمودم. حتی از دیگران نیز درخواست دعوت کردم تا همزمان با ما، در دیگر بلاد اسلامی، جلوی ظلم ظالمین را بگیرند و در این خصوص بعضی از آقایان متأسفانه با بنده هم زبان نشدند و بعضی‌ها نیز بنده را سرزنش و توبیخ می‌نمودند که چرا علیه حکومت شاه به پا خواسته‌ام. و بنده تمام جوانب را تحمل نمودم. و به اعمال و رفتار آن آقایان نیز اعتنا نکردم و مطالبمان را هرچه بود بر زبان آوردیم ... . تلگرام آتشین

به جرأت می‌توان گفت که اولین مرید و مؤید امام از علماء خارج از کشور آقای مهری بود. و اولین حرکتش تلگرام تند و آتشینی در سال 1342 هجری شمسی پس از سخنرانی سرنوشت ساز امام به شخص محمد

رضای خائن بود. و به این ترتیب او لب به سخنی گشود که می‌بایست در نهایت گفته می‌شد(زیرا که انقلاب اسلامی سخن آخرش را اول می‌گوید) (14) و پس از این تلگرام، از ورود ایشان به ایران جلوگیری شد تا اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. کانون اندیشه ها
منزل آیة الله مهری در دوران نهضت همواره کانون اندیشه‌های انقلابیون و مبارزان مسلمان به ویژه روحانیون بود که در آنجا جلسات زیادی پیرامون شیوه‌های مبارزه از سوی مبارزانی همچون شهید آیة الله سعیدی، آیة الله خزعلی و شهید حجة الاسلام محمد منتظری و سایر عزیزان پیرو امام از ابتدا شروع نهضت تا پیروزی انقلاب برپا می‌شد و برای پیش برد نهضت در داخل و خارج کشور، تبادل نظر صورت می‌گرفت و آن بزرگوار واسطه‌ای بین حضرت امام در نجف اشرف و پیروان و ادامه دهندگان راهشان در ایران، اروپا، آمریکا و سایرکشورها بود. او در این را نه تنها از مال دنیا و جان خود و فرزندانش مایه می‌گذاشت که از عزت و آبروی خویش نیز می‌گذشت و در راه مرادش از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کرد به گونه‌ای که منزل ایشان خانه دوم امام شده بود و انقلابیون به طور دایم در آن خانه به نشر انقلاب اسلامی و فرامین امام، می‌پرداختند، به طور مثال همه کتابهای امام و اعلامیه‌ها و فتاوی ایشان در کویت با همت و نظارت مستقیم ایشان چاپ و نشر و به طور رایگان در اختیار مردم مسلمان مخصوصا ملت ایران قرار می‌گرفت.(15) یک خاطره
روزی یکی از مراجع می‌خواست به کویت بیاید تا از آنجا به مکه مشرف شود. چون در اتاق پذیرایی آقا فقط عکس حضرت امام بود، به او عرض کردیم یا موقتا این عکس را برداریم یا اجازه دهید چند روزی عکس آن آقا را نیز در این جا نصب کنیم! ایشان با ناراحتی پاسخ داد مگر من عکس پرست هستم یا با عکس می‌خواهم خودشیرینی کنم؟ عکس امام برای من یک شعار است. من با نصب کردن این عکس، راه و روش خود را به مردم نشان می‌دهم، و می‌خواهم از راه امام تبلیغ کنم و گرنه خوب بود عکس دهها مرجع تقلید، که طی چندین سال همه با من ارتباط داشته‌اند و بدون درخواست من، مرا نماینده خویش در کویت قرار داده بودند، بر در و دیوار بیرونی من نصب شده باشد!(16)
عشق مرید به مراد
آیة الله مهری با تمام اخلاص عاشق امام خیمنی بود. از روزی که توسط آیة الله ابوالقاسم خز علی و شهید آیة الله سید محمد رضا سعیدی با امام آشنا گشته و به هنگام سفر به ایران در قم به جلسه‌ای در درس ایشان مشرف شده بود(17) تا پسین دم حیات دست از امام و راه او برنداشت. علاقه او به امام برای کسب شهرت و مقام نبود بلکه امام را واجد جمیع شرایط دیده و مرید او شده بود. هر وقت از او درخواست می‌کردم عکس

از او با امام برای یادگاری بگیرم ممانعت می‌کرد و می‌گفت: من نیاز به عکس ندارم، من اگر با خمینی از روز اول پیمان بسته‌ام برای خدا بوده است نه برای کسب شخصیت.(18) آری، او به خوبی از عهده این پیمان بر آمد و همه هستی اش را فدای امام کرد ولی دست از او برنداشت. مرید و مراد
همانگونه که مهری امام را خوب درک کرده و به او عشق می‌ورزید امام نیز در مقابل به او محبت و علاقه خاصی داشت. وقتی که امام از عراق به طرف کویت هجرت کرده و با همراهان قصد منزل ایشان را داشت، خفاشان زمان به محض شناخت امام وحشت زده از ورود امام به کویت ممانعت کردند، آقای مهری می‌خواست با رئیس آنها صحبت کند تا شاید در قلب سخت آنها اثری کند، امام فرمود:ابدا! حیف نیست وجه خود را پیش این ناکس بفروشی؟! ما بر می‌گردیم، ما با خدا هستیم.(19) امام که ناراحتی آقای مهری را می‌دانست بعد از برگشت به عراق و هجرت به فرانسه به محض رسیدن به آقای فردوسی پور امر کرده بود که: به فلانی تلفن بکنید که او خیلی ناراحت است. (20) ایشان هم امتثال امر کرده و برای رفع ناراحتی ایشان به کویت تلفن زده بودند. آری، امام نیز مرید خود را خوب شناخته بود. انتصاب به امامت جمعه
پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به بار نشستن آرزوی دیرینه امام و یاران باوفایش برای ارتقاع رشد فکری جامعه اسلامی و بیداری هرچه بیشتر مسلمانان جهان و صدور انقلاب و جامه عمل پوشاندن و به یکی از آرزوهای شیعیان کویت یعنی برپایی نماز دشمن‌شکن عبادی، سیاسی جمعه حضرت امام - رضوان الله تعالی علیه - حضرت آیة الله مهری را طی حکمی در مورخ 58/7/2 به امامت جمعه در کشور کویت منصوب نمودند(21) ولیکن با تبعید ایشان از طرف حکام کویت همراه با تمامی اعضای خانواده به ایران اسلامی نماز جمعه در این کشور برگزار نگردید. تبعید به ایران
با پیروزی انقلاب اسلامی و به ثمر رسیدن زحمات چندین ساله امام و یارانش آیة الله مهری نه تنها از حرکت نایستاد بلکه برای استحکام بخشیدن به پایه‌های حکومت اسلامی بر شدت تلاشهایش افزود. و او سربلند و مفتخر از اینکه توانسته است، در راه حاکمیت الله قدمهای بردارد سر از پا نشناخته، لذا تمام وقت خود را صرف سامان بخشیدن به مسائل انقلاب و پاکسازی محیط جامعه اسلامی از تفاله‌های طاغوت نمود که از آن جمله پاکسازی سفارت ایران در کویت می‌باشد و باز به این حد بسنده ننمود و فعالیتهای زیادی متکفل شد، تا آنجایی که شیخ دستنشانده کویت به الهام از اربابان انگلیسی و آمریکایی اش تاب تحمل وجود او را ننمود و بر خلاف تمام موازین و مقررات بین المللی تابعیت مسلم درجه

یک وی را از اعتبار ساقط و بی درنگ وی و تمام اعضاء خانواده‌اش را از خانه و کاشانه خود اخراج و به ایران تبعید نمود.(22)
مبارزه بزرگ
آن بزرگوار نه تنها با طاغوتهای خارجی مبارزه‌ای بی امان داشت ولی بیش از هر چیز با طاغوت نفس مبارزه می‌کرد و برای کوبیدن طاغوت سرکش نفس آنقدر نسبت به مؤمنین تواضع و محبت ورزید که در کمتر کس چنین روحیه‌ای می‌توان یافت. او نه تنها خود را از همه علماء و خدمتگزاران دین کوچک‌تر می‌دانست که در برابر مردم عادی نیز متواضع بود. هر کس بر او وارد می‌شد، حتی اگر نوجوان کم سن و سالی بود، تمام قد از جا برمی خواست و به او احترام می‌گذاشت و احوالپرسی می‌کرد. یکی از روزهای بیماری، سائلی وارد شد، ما اعتنایی چندانی نکردیم ولی او با آن حال بد، از جا برخواست و مانند دیگران احترام کرد. پس از رفتن با ناراحتی به او عرض کردم: شما با این کار خودتان را اذیت می‌کنید. تازه او کسی نبود که برایش تا این حد احترام قائل شوید! با نگرانی به من پاسخ داد: تو از کجا علم داری که مقام من نزد خدا، از او بالاتر باشد؟! او در تواضع و تجلیل از مؤمنان به قدری افراط می‌کرد که ما ناراحت می‌شدیم و گاهی به او اعتراض می‌کردیم. در پاسخ می‌گفت: من هنوز نتوانسته‌ام به این فراز از آیه ... اذلة علی المؤمنین(23) عمل کرده باشیم.(24) آقا با رفتار خود به اطرافیان درس می‌داد که مؤمن واقعی به همان مقدار که در برابر دشمنان خدا و ظالمان ستمگر، با خشونت رفتار می‌کند و حاضر نیست کوچکترین نرمش از خود نشان بدهد، در برابر یاران خدا و مؤمنان متواضع و فروتن است اشداء علی الکفار رحماء بینهم(25). برخی از ویژگی‌های اخلاقی
همیشه با وضو بود، به مستحبات با دقت عمل می‌کرد و از مکروهات مانند حرامها گریزان بود. نماز با طمأنینه کامل و مستحبات و تعقیبات انجام می‌داد و مقید بود که هرگز نوافل را ترک نکند. دو ساعت قبل از طلوع فجر از خواب بیدار و مشغول نماز شب و تهجد و دعا خواندن و استغفار می‌شد، و هیچ گاه نماز شبش ترک نمی‌شد. شبها قبل از خواب درست در همان لحظه‌ای که همه اهل منزل به خواب رفته بودند، زیر آسمان می‌رفت و دستها را به آسمان بلند می‌کرد و با گریه و زاری، استغفار می‌نمود. هرگز سؤال کننده را محروم نمی‌کرد، حتی اگر به مقداری غذا یا لباس باشد. اگر روزی لباس نو یا عمامه نویی می‌پوشید و کسی از آن لباس تعریف می‌کرد، فوری آن را به او می‌بخشید و خودش به لباس کهنه اکتفا می‌کرد. گاهی که همسرشان به ایشان اعتراض می‌کرد که چرا نمی‌توانی لباس نو را لااقل برای چند ماه نگهداری، بالبخند می‌گفت: مگر آن لباسها چه عیبی دارد؟ با اینکه خود سید بود نسبت به سادات احترام

شدید و تجلیل کامل می‌نمود. بسیار مهمان نواز بود و حتی اگر بعضی روزها مهمان نداشت یک نفر از مسجدیان را با خود می‌آورد تا بی مهمان غذإ؛ نخورد. علاقه عجیبی به اهل بیت(ع) داشت. هرگاه نام مبارک امام حسین(ع) را می‌شنید بی اختیار اشکش جاری می‌شد و روزهای عاشورا مانند کسی که تازه پدرش را از دست داده، با صدای بلند گریه می‌کرد تا جایی که بی حال می‌شد از این رو همه ساله دو ماه محرم و سفر و هر شب دوشنبه جلسه روضه و عزاداری برگزار می‌شد و بعد از اینکه به ایران تبعید شدند در طول نه سال زندگی در ایران صبحهای جمعه همان مجلس، با شکوه تمام برگزار می‌شد. و در مراسم مولودی یا اعیاد اسلامی ضمن برقراری مجالس جشن و سرور، با شیرینی و شربت و گاهی هم با پول از حاضرین پذیرایی می‌کرد. کارهای منزل را تا حد توان خودش انجام میداد حتی بعضی از کارهای بنایی خانه. و با این کارش به فرزندانش می‌فهماند که نباید در همه کارها به دیگران متکی بود. از اسراف و زیاده روی خیلی متنفر بود و اگر می‌دید چراغی بدون سبب در اطاقی روشن مانده است با عصبانیت بازخواست می‌کرد و این کار را نکوهش می‌نمود. با اینکه انواع کاغذ و دفترها در منزل یافت می‌شد از یک کاغذ پاره هم استفاده می‌کرد و کمتر روزی بود که در مذمت اسراف با افراد خانواده سخن نگوید. از افراد سخن چین بیش از همه کس متنفر بود. و کمتر سخنرانی ای داشت که در آن، نمام را نکوهش نکند. در روحیه‌اش ذره‌ای خود خواهی یافت نمی‌شد و برای اینکه با این روحیه مبارزه کند ریاضتهای عجیبی داشت گاهی در گاری سه چرخ سوار می‌شد و به مسجد می‌رفت. محال بود هر کسی بگذرد و به او سلام نکند، حتی اگر بچه خردسالی بود در مجلسی که وارد می‌شد هر جا که خالی بود می‌نشست و هیچ گاه مقید نبود که در صدر مجلس یا اطراف آن بنشیند، اگر در بحث با بعضی از روحانیون، احساس می‌کرد طرف از ادامه بحث یا پاسخ به سؤال درمانده شده است، خود بحث را عوض می‌کرد و نمی‌گذاشت حاضران متوجه ضعف طرف مقابل شوند. همیشه در کارهای اساسی با دیگران مشورت می‌کرد و برای اینکه به فرزندانش احترام بگذارد چه در جمع و چه خصوصی با آنها به مشورت می‌پرداخت و اگر رأی آنها مورد قبول قرار نمی‌گرفت با استدلال آنها را قانع می‌نمود. همیشه در پی استدلال و برهان بود لذا به فرزندانش توصیه می‌فرمود: شما فکر نکنید که چون پدر و مادرتان شیعه‌اند، باید شیعه باشید. بروید کتاب بخوانید و خود تان با دلیل و برهان، حق را دریابید ... . به مظاهر اسلامی خیلی اهمیت می‌داد، حتی در لباس، مسکن و غذا مسائل اسلامی را مراعات می‌نمود. فعالیتهای اجتماعی

ایشان در امر بازسازی و تجدید بنای مدارس علمیه از جمله مدرسه

قزوینی و مدرسه بخارایی در نجف اشرف سعی و تلاش فراوان کرد. برای شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس (از جمله کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده) مساجدی را تأسیس کرد و تأسیس و تعمیر مساجد زیادی در گوشه و کنار ایران اسلامی را بر عهده گرفت. در کویت اولین مدرسه دخترانه به نام مدرسه جعفری برای دوران ابتدایی تا دبیرستان به همت عالی او تأسیس شد. جذب مبلغان از حوزه‌های علمیه نجف اشرف و قم و مشهد برای تبلیغ در مناطق کویت و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس از دیگر تلاشهای آیة اخلاص آیة الله مهری بود که این امر تا قبل از رحلت ایشان ادامه داشت. چاپ و نشر و ترجمه کتب امام و غیر آن در سطح بسیار وسیع و توزیع رایگان در میان مردم. تشکیل جلسات شورای فقهی و سیاسی با روحانیان مقیم کویت به منظور حل معضلات و مشکلات، از فعالیتهای ارزشمند او محسوب می‌شود. بسیج عده‌ای از اهالی منطقه فارس و شهرستان لامرد(26)، برای توزیع مواد غذایی مورد نیاز مردم در زمان قحطی پس از جنگ جهانی دوم. تأسیس و راه اندزی اولین درمانگاه در شهرستان لامرد. تأسیس بیمارستان و زایشگاه مجهز و گسترده در شهر مهر. رهبری مدبرانه نهضت اسلامی ملت کویت پس از اخراج از کویت و حمایت حرکتهای اسلامی و انقلابی جوانان مسلمان. کمکهای مستمر به مراکز مذهبی، فرهنگی (مدارس، مساجد، حسینیه‌ها) در قم و سایر نقاط. بازسازی مراکز خدماتی (آب انبارها و راهها و ...) مناطقی از ایران. تأسیس بنیاد معارف اسلامی قم به منظور تحقیق و تدوین تاریخ جامعی برای تشیع از آغاز تاکنون، که این یکی از ارزنده‌ترین آثار جاودانه آن بزرگمرد است.

سفر به کوی دوست

سر انجام پس از عمری کوشش، مبارزه و تلاش همه جانبه، و نیل به اهداف عالیش که رفع ظلم ستم شاهی و استقرار نظام عدل الهی بود در جوار مشوق واقعی اش که همه دوران زندگی را بر آستانش چهره ساییده بود آرمید، آیة الله حاج سید عباس مهری پس از 75 سال زندگی پرخیر در تاریخ 1366/11/26 هجری شمسی، در تهران، ستاره درخشان وجودش از آسمان علم و فضیلت برخاک فروغلتید و در جوار حضرت فاطمه معصومه(س) در خاک نهان شد. وتمام خویشان و دوستداران و ارادتمندان را به سوگ نشانید.(27)

در سنگر علم

مرحوم آیة الله مهری با همه اشتغالات سیاسی و اجتماعی در بیان معارف اسلامی و دفاع از کیان اسلام و تشیع نیز غافل نماند و در این زمینه آثاری به یاد ماندنی از خویش به جای گذاشت که برخی از آن آثار چاپ شده بدین قرار است:

1- شعاع من التاريخ این کتاب ارزشمند در پاسخ به هتاکی‌های ابراهیم جبهان در مجله رأیة الاسلام چاپ ریاض به مذهب تشیع و ائمه اطهار(ع) در سال 1381 هجری / 1961 میلادی به رشته تحریر در آورده است. مرحوم مهری علاوه بر مبارزه با این فرد که منجر به تبعید شبانه وی از سوی دولت کویت به عربستان صعودی گردید به مبارزه علمی نیز با وی پرداخته و در ضمن کتابی به گفته‌های سرا پا کذب وی پاسخ می‌گفت. این کتاب را به موجب نامساعد بودن جو سیاسی آن زمان کویت به نام برادر ارجمندشان عالم فاضل سید هاشم مهری به طبع رسانده‌اند و اکنون در کتابخانه عمومی مرحوم آیة الله نجفی به شماره 7530 ردیف 5 و قفسه 23 موجود می‌باشد. 2- شعاع من سیرتنا سنتنا این کتاب اگر چه در بعضی نوشته‌ها از جمله آثار قلمی مرحوم آقای مهری شمرده شده است ولی از مقدمه کتاب چنین استفاده می‌گردد که شخصی از ایشان در موضوع صحت سجده بر خاک مطالبی طلب می‌کند و ایشان پس از پاسخ به خواسته ایشان به پیشنهاد یکی از مؤمنان اهل اطلاع به سخنرانی علامه امینی پیرامون موضوع سجده و آنچه سجده بر آن صحیح است که در سال 1384 هجری در سوریه ایراد فرموده‌اند دست می‌یابد و با تمام خلوص به جای چاپ مقاله خود به انتشار سخنرانی علامه امینی مبادرت می‌ورزند. این کتاب به شماره 54478 در کتابخانه عمومی مرحوم آیة الله نجفی مرعشی موجود می‌باشد. 3- تفسیر سوره والعصر. 4- اهل الکتاب. 5- دروس فی الدین. 6- رساله‌ای در بیان حرمت گوشت خوک. از دیگر آثار قلمی این دانشور پرتلاش است. یادش گرامی و راهش جاوید پاورقی:

1- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. 2- برای آشنایی بیشتر با حیات علامه بحرانی به کتابهای زیر مراجعه فرمایید: علامه بحرینی، سید محمد براتی، العلامه السید هاشم البحرانی، فارسی تبریزیان، علامه بحرانی آیینه ابرار، تألیف نگارنده. 3- برای آشنایی بیشتر با این شهر و عالمان آن می‌تونید به کتاب سیمای مهر تألیف نگارنده مراجعه نمایید. 4- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 5- خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص2. 6- شایان ذکر است که در آن زمان هنوز نفت در کویت کشف نشده بود و مردم با سادگی، زندگی متواضعانه‌ای می‌گذراندند. 7- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 8- کنایه از اینکه کویت مانند یک زمین مرده‌ای بود که وی با زحمات خویش آن را زنده و آباد کرد. 9- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 10- 11- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 12- روزنامه ابرار 1366/3/31. 13- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 14- خلاصه‌ای از زندگینامه آیت الله سید عباس مهری، ص3. 15- با استفاده از خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص3 و 4. 16- از

خاطرات فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. 17- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج6، ص157 و 158. 18- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 19- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج6، ص164 و 165. 20- همان. 21- صحیفه نور، ج9، ص197. 22- خلاصه زندگینامه آیت الله مهری، ص4. 23- مائده/ آیه 54. 24- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 25- فتح/ آیه 29. 26- از شهرهای جنوبی استان فارس می‌باشد. 27- از آیت الله مهری 11 فرزند (7 پسر و 4 دختر) به یادگار ماند. 1- حجة الاسلام و المسلمین حاج سید محمد مهری. 2- حجة الاسلام و المسلمین حاج سید مرتضی مهری، از محققان و اساتید حوزه علمیه قم. 3- جناب آقای سید احمد مهری. 4- جناب آقای سید علی اصغر مهری. 5- دانشمند محترم جناب آقای سید محمد جواد مهری. 6- سید محسن مهری. 7- سید محمد رضا مهری.

میبدی، رشیدالدین ابوالفضل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 530 ق)، عالم، صوفی و مفسر. او یکی از صوفیان بنام قرن ششم قمری است. از آثار وی «کشف الاسرار و عده الابرار»، تفسیر عرفانی قرآن به فارسی است که در 520 ق تألیف نموده است. وی در تألیف این تفسیر به «تفسیر» خواجه عبداللّٰه انصاری نظر داشته و در واقع تفسیر خواجه را شرح و بسط نموده و از کلمات خواجه استشهاد نموده است، لذا «کشف الاسرار» به «تفسیر خواجه عبداللّٰه انصاری» نیز معروف گردیده است. میبدی در تفسیر خود به دو موضوع نظر داشته: نخست بیان همه‌ی اقوال مفسران عامه در وجوه قراآت و تفسیر آیات و احکام، و دوم تفسیر آیات بنابر نظر عرفا و تأویلات غریب. مؤلف «کشف الظنون» به اشتباه این تفسیر را به سعدالدین تفتازانی نسبت داده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (475)، تاریخ ادبیات در ایران (932 -930 ،257/ 2)، تاریخ نظم و نثر (729 -728)، دایرةالمعارف فارسی (2944 ،2224/ 2)، الذریعه (19/ 18)، فرهنگ ادبیات فارسی (410 -409)، کشف الاسرار و عدة الابرار (1/ مقدمه)، کشف الظنون (1487)، لغت نامه (ذیل/ میبدی)، مؤلفین کتب چاپی (217 -216/ 1).

میبدی، محمدفاکر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فاکر میبدی
محل تولد : میبد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/10/20
زندگینامه علمی
محمد فاکر میبدی، فرزند علی اکبر در تاریخ 20/10/ 1338 خورشیدی، برابر با 13 رجب 1379 قمری، در شهرستان میبد دیده به جهان گشود، در سه سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادر مؤمن و متدین خویش قرار گرفت. وی دوران کودکی خود را به دلیل محرومیت از نعمت پدر، با سختی و مشکلات پشت سر گذاشت. و دوران تحصیلات کلاسیک را با کار و فعالیت سپری نمود. سالهای 1356 و 1357 شمسی که مقارن بود با مبارزات ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و منتهی به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران شد. وی در این زمان همراه با دیگر اقشار مختلف مردم میبد در راهپیماییها و تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت داشت و به پخش عکس، اطلاعیه و قرائت آن مبادرت می کرد، به همین دلیل یک بار توسط عوامل رژیم احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. به دلیل علاقه زیاد نامبرده به مسائل انقلاب نسخه ای از اعلامیه ها و بیانیه های انقلابیون کشور و به ویژه پیشگامان انقلاب در استان یزد و به خصوص شهید محراب حضرت آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، آیت الله حاج سید روح الله خاتمی، و آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم اعرافی، « قدس الله انفاسهم الزکیه» که از ارکان انقلاب در منطقه بودند در کتابخانه وی نگه داری می شود. نامبرده تحصیلات کلاسیک خود را تا ششم در مدرسه امام میبد به انجام رسانید و در سال 1355 جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه میبد شد و مقدمات، ادبیات، منطق و بخشی از دروس سطح را در آن حوزه فرا گرفت. لازم به یاد آوری است که در رشته فقه و اصول بیشترین بهره را از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن بیشترین استفاده را از حضرت آیت الله معرفت برده است.

میر داماد نجف آبادی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی میر داماد نجف آبادی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب سید علی میرداماد نجف آبادی در سال 1349 متولد شدم. دوره ابتدائی تا سوم ابتدائی را در اهواز گذراندم و سال چهارم و پنجم ابتدائی در مشهد. دوره راهنمائی و دبیرستان در قم. سال 1368 وارد حوزه شدم (همزمان دیپلم گرفتم سال 1368). شش سال در مدرسه «معصومیه» دوره مقدمات را گذراندم. اساتیدم در دوره مقدمات: آقایان نائینی، مسعودی کاشانی، ترابی، اسلامی، حیاتی.
دوره سطح را در مدرسه آیت الله گلپایگانی گذراندم. اساتید این دوره: موسوی تهرانی، اعتمادی، هادوی تهرانی. سه سال درس خارج فقه و اصول آیت الله هادوی تهرانی. یک سال درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی». از سال 1371 تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی را آغاز کردم و تاکنون ادامه دارد. مدت 5 الی 6 سال هم در مدارس مرکز مدیریت حوزه تدریس داشتم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمود میر عبداللهی
محل تولد : چادگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1325/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب سید محمود میرعبداللهی شهرت حسینی به شماره شناسنامه 11 صادره از چادگان متولد 1325 از منطقه فریدن هستم. اینجانب در سال 1337 در سن 12 سالگی در اصفهان مشغول تحصیل علوم دینی شدم و بعد از گذراندن دو سال در سال 1339 وارد حوزه علمیه قم شدم. مدت پنج سال در مدرسه «جانی خان» واقع در خیابان آذر میدان کهنه روبروی مسجد جامع قم، ادبیات را خدمت آقای نحوی و مختصر المعانی را خدمت آیت الله دوزدوزانی و معالم و قوانین الاصول را خدمت آقای اعتمادی و فرائد الاصول را خدمت آقای نوری و مکاسب را خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و جلدین کفایة الاصول را خدمت آیت الله سلطانی خواندم.
مدت 15 سال درس خارج فقه «حضرت آیت الله العظمی مرحوم آقای گلپایگانی» شرکت می‌کردم و مدت 15 سال درس خارج فقه و اصول «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری» شرکت داشتم و لمعتین را خدمت آقای ستوده خواندم و در سال 1360 از طرف دفتر حضرت امام خمینی (ره) به امامت جمعهٔ شاهین شهر منصوب شدم و قبل از پیروزی انقلاب مدتی را در پیروزآباد شیراز تبعید بودم.
در سال 1362 در شاهین شهر به وسیله یک نفر منافق به نام «کریم» اهل شهرضا مورد ترور قرار گرفتم. نام برده دستگیر و اعدام شد. چون شخص نام برده در اصفهان شخص به نام آقای بهشتی نژاد را با فرزندش جلو درب خانه‌اش ترور کرده بود. در سال 1365 از شاهین شهر به شهرستان لُردگان که از توابع شهر کرد است؛ منتقل شدم. بعد از سه سال آنجا به ابوان غرب از توابع ایلام است؛ منتقل شدم. بعد از سه سال از آنجا به میمه اصفهان منتقل شدم. در این مدت که امام جمعه بودم؛ تدریس هم

داشتم. دروس حوزوی و هم در دانشگاه‌ها: معارف اخلاق و تفسیر تدریس می‌کردم و فعلاً هم در قم مشغول تدریس هستم.
این بود خلاصه از زندگی اینجانب و ضمناً کتاب‌های حقیر چاپ نشده. «تبیین منابع فلسفه»، «سعادت و شقاوت از دیدگاه فلاسفه»، «تلخیص اخلاق فرانکنا»، «سؤال و جواب از علوم قرآنی»، «سوال و جواب درباره مهدویت و اسلام». ضمناً اضافه می‌کنم که در سال 1362 که مورد ترور منافق قرار گرفتم؛ چند روز که گذشت یک شب ساعت 2 بعد از نصف شب منزل بنده را به رگبار بستند از طرفداران سید مهدی هاشمی. و همینطور قبل از اینکه مورد ترور قرار بگیرم در سال 1361 درب منزل اینجانب مواد منفجره گذاشته بودند که در این چند جا خداوند نجاتم داد. در تمام این جریانات حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای نمازی که در آن وقت فرمانده سپاه اصفهان بودند به من کمک کردند و آقای نمازی فعلاً امام جمعه کاشان می‌باشند.

میرجلیلی، علی محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی محمد میر جلیلی
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/3/10

زندگینامه علمی
اینجانب علی محمد میرجلیلی فرزند حاج میرزا یدالله در تاریخ 10/3/1344 ه.ش در شهر یزد ـ شاهدیه متولد گشتم. پدرم از مؤمنین و عاشقان خاندان رسالت بود و همواره در مجالسی که به نام اهل بیت تشکیل می شد؛ شرکت می کرد. او در سنین نوجوانی به بیماری سختی مبتلا شده بود. و با توسل به اهل بیت (ع) شفا یافته بود. از این رو با شنیدن نام آن بزرگواران اشکش جاری می شد. و چون دو فرزند پسرش را از دست داده بود. نذر کرد چنانچه خداوند به او پسری دیگری عنایت کند او را به حوزه علمیّه، برای فراگیری علوم اسلامی بفرستد. او به نذر خود عمل و مرا رهسپار حوزه کرد. پدرم از نظر مالی در مضیقه بود و زندگی خود را از درآمد ناچیز کارگری تامین می کرد و بسیار قانع و زاهد بود.
مادرم مرحومه حاجیه بی بی مرضیه حاج امام از سادات و خاندان حاج امامی ابرند آباد بود که به تقوی معروف بودند. جد سوم ایشان مرحوم امیر اکبر از سادات دارای کرامت بود. همچنین پدر بزرگ ایشان مرحوم حاج سیّد محمّد باقر حاج امام از روحانیون دارای فضل و تقوی در یزد بود که به سال 1336 ه.ش از دنیا رحلت کرده است و آرامگاه این بزرگواران در یزد «شاهدیه» ابرند آباد زیارتگاه می باشد که بسیاری از مردم منطقه با توسل به ارواح پاکشان از خداوند طلب حاجت می کنند.
پدرم مرا در کودکی با خود به مجالس وعظ و خطابه می برد و دوست داشت من را ذاکر حضرت سیّد الشهداء (ع) تربیت نماید. در شش سالگی به دبستان عنصری در شاهدیه رفتم. در سال چهارم دبستان بر اثر تشویق استاد بزرگوارم جناب آقای سید علی بمان میرجلیلی تمام سعی خود را در راه تحصیل به کار گرفتم و از آن به بعد همواره از دانش آموزان ممتاز استان یزد شمرده شدم. در مقطع اول راهنمایی به عنوان ممتازترین

دانش آموز استان یزد انتخاب شدم و مورد تشویق قرار گرفتم.
پس از گذراندن اول دبیرستان با توجه به علاقه شخصی خود و تشویق های مرحوم پدرم و حضرت آیت الله حاج سیّد جواد مدرسی و استاد دکتر عباس برهانی در مهرماه 1359 ه.ش وارد حوزه علمیّه یزد شدم و از محضر اساتید بزرگواری چون حجج اسلام آقایان: شیخ کمالی زارچی، شیخ محمّد رضا فلاح تفتی و شیخ علی مفیدی فر به فراگیری ادبیّات عرب پرداختم و با شرکت در کلاس منطق آیت الله علاقه بند یزدی، خوشه چین کمالات علمی وی گشتم. از خاطرات جالب آن دوره حفظ اشعار الفیة بن مالک در حوزه یزد بود که از طرف حضرت آیت الله حاج محمود علومی مسئول حوزه خان یزد، مورد تشویق قرار گرفتم و مفتخر به اخذ دوره تفسیر منهج الصادقین از محضر مبارک ایشان شدم.
در سال 1361 ه.ش جهت استفاده از محضر اساتید حوزه علمیه قم به این شهر رفتم. شرط ورود به حوزه علمیّه قم، اتمام لمعتین بود ولی من آن را نخوانده بودم. طی نامه ای به محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی از ایشان درخواست کردم مرا در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) که تازه شروع به کار می کرد؛ بپذیرد. در آن نامه خود را حافظ الفیة بن مالک معرفی کردم. ایشان حقیر را به حضور طلبید و پس از امتحان و سئوال از سوابق خانوادگی و تحصیلیم، با ورود اینجانب به حوزه قم موافقت کرد. برای تکمیل ادبیات عرب به درس استاد بزرگ ادب مرحوم مدرس افغانی که در نحو و سایر علوم ادبی تسلط داشت؛ رفتم. او دارای بیانی شیوا بود و سخت ترین مباحث علمی را با مثال هایی ساده تفهیم می کرد و دارای تالیفاتی از قبیل المدرس الافضل (شرح مطول تفتازانی) و مکررات (شرح کتاب سیوطی در نحو) بود. نزد ایشان مغنی اللبیب از ابن هشام و مطول تفتازانی را فرا گرفتم.
همچنین کشف المراد علامه حلی را نزد آیت الله مکارم شیرازی، بخشی از تفسیر مجمع البیان را نزد آقای امامی از نویسندگان تفسیر نمونه؛ فرا گرفتم. آنگاه برای فراگیری فقه نزد استاد آیت الله وجدانی فخر (ره) شتافتم. ایشان دارای زبانی گویا، تسلط کامل بر مباحث فقهی و اخلاصی کم نظیر بود. فراموش نمی کنم که همواره قبل از نشستن بر کرسی تدریس، دعا می کرد. هم زمان اصول مظفر را نزد استاد صالحی افغانی فرا گرفتم. در این دوره بود که به جهت الطاف الهی و تلاش فراوان، رتبه اول حوزه قم را در پایه ششم بدست آوردم و به دریافت یک دوره کامل بحارالانوار از مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (ره) مفتخر گشتم.
آنگاه برای فراگیری بهتر اصول به نزد استاد بزرگ حوزه قم، حضرت آیت الله مصطفی اعتمادی شتافتم. زبان گویا و تسلط والای او در تبیین مباحث اصول، از او استاد زبردستی ساخته بود که حدود هزار نفر در کلاس

درسش حاضر می شدند. رسائل شیخ انصاری را از ایشان فرا گرفتم. مکاسب را نزد استاد بزرگ مرحوم حاج شیخ احمد پایانی آموختم و باز برای آموزش بیشتر اصول، در درس کفایۀ استاد اعتمادی حاضر شدم.

همزمان با فراگیری مکاسب و کفایه به حفظ قرآن همت گماردم و نزدیک به نصف قرآن را حفظ کردم. از الطاف الهی بر اینجانب در این دوره توفیق حضور در کلاس تفسیر مفسر بزرگ، عارف ربانی و فقیه صمدانی حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی (روحی فداه) بود، استادی بی نظیر در قدرت کلام، جامع علوم مختلف و از همه مهمتر دارای منش اخلاقی بسیار والا. درطی حدود ده سال که از حضور پرفیض تفسیر ثلث اول قرآن را فرا گرفتم؛ هرگز ندیدم به شاگردی توهین نماید. سوال های طلاب را با حوصله پاسخ می داد و همواره برای پاسخ دهی به اشکال های حاضرالذهن بود. اکنون پس از بازگشت به وطن از اینکه نمی توانم از محضر پرفیضش استفاده کنم؛ همواره تاسف می خورم.

از سال 1371 ه.ش همزمان با شرکت در کلاس تفسیر استاد جوادی، به فراگیری خارج فقه و اصول پرداختم و از محضر بزرگانی چون آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، آمیرزا جواد تبریزی بهره بردم. در سال 1374 از دانشگاه قم، مرکز تربیت مدرس در رشته الهیات و معارف اسلامی (کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل شدم و در سال بعد در آزمون دکتری علوم قرآن و حدیث شرکت کردم که سرانجام در سال 1381ه.ش از دانشگاه فارغ التحصیل شدم. حضرت آیت الله هادی معرفت، آیت الله مسلم داوری، استاد محمّد علی مهدوی راد و دکتر غلامعلی حداد عادل و دکتر سیّد محمّد رضا حجتی از اساتید برجسته دوره دانشگاهیم می باشند.

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1290(1335 ق.)، تهران.
درگذشت: 2 آبان 1372(9 جمادی‌الاولی 1414 ق.).
آیت‌الله حاج سید احمد میرخانی پس از طی دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن به شوق تحصیل علوم دینی، به یادگیری ادبیات و سطح پرداخت. پس از آن به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و از محضر آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مکاسب و کافیه را فراگرفت و سپس به درس خارج آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری حاضر شد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم، تنها به درس ایشان رفت و تا پایان عمر آن استاد از بحث‌های فقهی و اصولی او استفاده نمود و پس از وفات وی، به تهران آمد و به خدمات دینی، از جمله اقامه‌ی جماعت در مسجد ولی‌عصر، اعزام مبلغ به اطراف تهران، تألیف و نشر کتب دینی (که زندگانی برخی امامان و ترجمه برخی از مجلات بحارالانوار از جمله آنهاست)، ساخت مساجد و حوزه‌ی علمیه، اقامه‌ی مجالس دینی در عصرهای جمعه و راهنمایی و ارشاد جوانان و تشکیل مجالس دعای ندبه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) اشتغال ورزید. از آثار قلمی ایشان یا کتابهایی که خوشنویسی کرده‌اند می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: آیات الاحکام (در دو جلد)؛ سیر حدیث در اسلام؛ شرح زیارت عاشورا (تألیف با خط فریبا مقصودی کرمانشاهی)؛ تاریخ اجتهاد و تقلید (تهران، 1372)؛ قرآن کریم با ترجمه فارسی (مهدی الهی قمشه‌ای، با خط احمد میرخانی، تهران، 1374)؛ کلیات مفاتیح الجنان (به خط احمد میرخانی)؛ سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض (مترجم مهدی الهی قمشه‌ی با خط احمد میرخانی).
حاج میر سید احمد میرخانی از علماء مبرز و مروج معاصر تهرانست.
وی در حدود سال 1335 قمری در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به قم مهاجرت نموده و سطح کفایه و مکاسب را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن از درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه خونساری و بالاخص آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی قدس اللّٰه اسرارهم بهره‌مند گردیده آنگاه مراجعت به تهران و بخدمات دینی از اقامه

جماعت و ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی در مسجد (حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه) واقع در خیابان (حشمت‌الدوله) پرداخته است.
نگارنده گوید: آقای میرخانی از علماء خدوم و مروجین متین و مورد توجه مردم تهرانست. خدمات بسیاری در تهران و حومه آن نموده که از آنها اعزام مبلغ بقراء و دهات اطراف تهران میباشد.
چند سالی در شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء و دعاء کمیل و غیره داشتند و صدها نفر را بدین وسیله بسوی خدا و استغفار رهبری می‌نمودند. و اکنون در عصرهای جمعه در مسجد خود مجلس باشکوهی دارند و جمع کثیری از جوانان و غیره را بوسیله دعاء ندبه و سمات و غیره بخداوند متعال جلت عظمته و ولی اللّه اعظم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء هدایت و ارشاد می‌نمایند.
از آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان تعمیر و بناء مساجد و غیره در حومه تهران می‌باشد که بوسیله گویندگان و فضلاء و مبلغینی که به آنجاها فرستاده انجام داده است.
(ح 1414 -1335 ق)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به قم رفت و سطوح «کفایه» و «مکاسب» را از محضر آیت‌اللّه مرعشی فراگرفت. سپس در درس خارج آیت‌اللّه حجت کوه کمری و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از ورود آیت‌اللّه بروجردی به قم، وی از درس و بحثهای فقهی و اصولی ایشان بهره برد. پس از درگذشت استادش، آیت‌اللّه بروجردی، به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و نشر کتب دینی، ترویج احکام، اقامه مجالس وعظ و ارشاد و سایر امور دینی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثارش: «آیات الاحکام»، در دو مجلد؛ «سیر حدیث در اسلام».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] کلک (س 4، ش 45 و 46، ص 314)، گنجینه‌ی دانشمندان (576 -575/ 4).

میرداماد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میر محمدباقر بن محمد استرآبادی مشهور به «میرداماد» (ف. 1040 یا 1041 ه.ق) از فلاسفه و دانشمندان معروف عصر صفویه که مورد توجه مخصوص شاه عباس بوده است. منشأش استرآباد و محل تحصیلش مشهد بود و بیشتر عمر خود را در اصفهان بسر برد. وی از تلامذه‌ی شیخ حسین عاملی و شیخ عبدالعالی و بعضی از اکابر دیگر بود. ملاصدرای شیرازی از شاگردان وی بود. میرداماد در فقه و حکمت تألیفات متعدد دارد. و از آن جمله است: «الصراط المستقیم»، «قبسات»، «انموذج العلوم»، «التقدیسات» و غیره. میرداماد شاعر نیز بوده و در شعر «اشراق» تخلص می‌کرده است. یک مثنوی به نام «مشرق‌الانوار» سروده است.
(وف 1041 ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، عارف، ریاضیدان و شاعر، متخلص به اشراق. اصلش از استرآباد و ساکن اصفهان بود. پدرش داماد شیخ علی محقق ثانی است. میرداماد از دوستان بسیار نزدیک شیخ‌بهائی و از علما و فلاسفه بزرگ عصر صفوی و از مقربان درگاه شاه عباس اول و شاه صفی محسوب می‌شد. وی در علوم نقلی از شاگردان سید نورالدین علی بن ابی الحسن الموسوی و شیخ حسین عاملی، پدر شیخ‌بهائی، و دایی خود، شیخ عبدالعالی بن محقق ثانی، بود و از دایی خود به دریافت اجازه نایل آمد. او همچنین در علوم عقلی، مدتی در محضر امیر فخرالدین سماکی، شاگرد امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی، به مباحثات فلسفی اشتغال ورزید. وی در جمیع علوم غریبه نیز دست داشت. از شاگردان مشهورش می‌توان به قطب‌الدین اشکوری عارف، صدرالدین شیرازی معروف به ملا صدرا، ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی اشاره نمود. میر داماد حکیمی اشراقی است وی را نمودار کامل از یک فیلسوف شیعی دانسته‌اند علو مرتبه او در حکمت از لقب معلم ثالث که به او داده‌اند پیداست. وی فلسفه مشاء و آثار ابن‌سینا را به طور کامل مطالعه کرده و تعالیم اشراقی سهروردی و معارف صوفیه را نیز درک نموده و بر روی هم تأثیرات اشراقی و عرفانی در افکار فلسفی وی مجالی وسیع یافته است. میرداماد در سفری، به همراه شاه صفی، به عتبات عالیات، در بین راه کربلا و نجف، درگذشت. از آثارش: «قبسات حق القین فی حدوث العالم»، که به اختصار به «القبسات» معروف است؛ «حدوث العالم ذاتا و قدمه زمانا» یا «الجمع و التوفیق بین رأیی الحکیمین

فی حدوث العالم»؛ «الافق المبین»، در حکمت الهی؛ «تأویل المقطعات»، در اوایل سوره‌های قرآن؛ تفسیر «سوره‌ی اخلاص»؛ «تقویم الایمان» و مقدمه آن و شرح مقدمه؛ «الایقاضات»، در خلق اعمال و افعال بندگان؛ «التقدسیات»، در حکمت الهی و رد شبهه‌ی ابن‌کمونه؛ «الرواشح السماویه فی شرح احادیث الامامیه»؛ «شارع النجاة»، رساله فتوائیه‌ی فارسی، در اصول و فروع دین؛ «نبراس الضیاء فی معنی البداء»؛ «انموذج العلوم»، حل بیست اشکال ریاضی و کلام و فقه؛ «السبع الشداد»؛ «الصراط المستقیم»، در حکمت؛ «نفی الجبر و التفویض»؛ حاشیه «شرح مختصر عضدی»؛ حاشیه «مختلف» علامه حلی؛ حاشیه «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه «استبصار»؛ حاشیه «رجال» کشی؛ «مرآة الزمان»؛ «حبل المتین»، در حکمت؛ «دیوان» شعر.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (272/ 6)، اعیان الشیعه (189/ 9)، بزرگان فلسفه (401 -400)، صبح گلشن (306/ 5)، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی (467 -461)، تذکرة العلماء (179 -177)، الذریعه (38/ 24 ،32/ 17 ،35/ 15 ،4/ 13 ،257/ 11 ،294 ،239 ،223 ،194 ،145 ،142 ،129 ،88/ 87 ،18 -17/ 6 ،134/ 5 ،396 ،364 ،335/ 4 ،307/ 3 ،507 ،405 -404 ،261/ 2)، ریحانه (62 -56/ 6)، سفینة البحار (462/ 1)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (368 -365)، طبقات اعلام الشیعه (70 -67/ 11)، فرهنگ سخنوران (64)، فوائد الرضویه (425 -418)، القبسات (مقدمه)، عالم آرای عباسی (147 -146/ 1)، کارنامه‌ی بزرگان (297 -296)، لغت نامه (ذیل/ داماد)، معجم المؤلفین (93/ 9).

میردامادی، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مجتبی میر دامادی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/2/13
زندگینامه علمی
اینجانب متولد 14/2/1347 در مشهد مقدّس در خانواده مذهبی و روحانی می باشم. پدرم و جدم (سیّد حسن، سیّد هاشم) میردامادی معروف به «نجف آبادی» از علماء مشهور مشهد بودند، در مسجد جامع گوهرشاد سالیان متمادی تفسیر قرآن داشتند و مردم مشهد و خصوصاً اقشار تحصیل کرده از جلسات تفسیر آن دو استفاده می نمودند. نسل اینجانب به میرداماد فیلسوف بزرگ اسلامی می رسد (به 9 واسطه).
همراه اتمام دوره متوسطه در رشته علوم تجربی در سال 1366 و چندی قبل از آن، مقدمات ادبیّات عرب را نیز شروع نمودم. ابتداء نزد برادر بزرگتر و گاهی نزد فضلاء حوزه و چندی بعد در حوزه درس ادبیّات مشهد، ادیب نامور جناب آقای «حجت هاشمی خراسانی» (حفظه الله): سیوطی، مغنی، مطول، حاشیه ملاعبدالله و معالم را فرا گرفتم. در همان زمان در امتحانات حوزه علمیه مشهد با نمره خوب پذیرفته گردیدم.
اصول فقه و رسائل را نزد «آیت الله شیخ مصطفی شاهرودی» و لمعتین را نزد آیات عظام: «سبزواری» و «صالحی» از اساتید به نام مشهد آموختم. مکاسب را نزد «آیت الله مرتضوی» و «سید محمد شاهرودی» فرا گرفتم. کفایتین را از استاد رضا زاده و بعد از ده سال، درس خارج (فقه و اصول) را نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» (حفظه الله) و «آیت الله شیخ مصطفی اشرفی شاهرودی» تلمذ نمودم و بعد از حدود 5 سال در مهر ماه 1378 به قم مهاجرت کردم.
در ابتداء ورود دروس فقه «آیت الله سبحانی» و بعد فقه «آیت الله شیخ جواد تبریزی» به مدت 2 سال (ایشان بحث اذان و اقامه و بعداً صلاة را شروع کردند). همزمان دروس فقه و اصول استاد «آیت الله وحید خراسانی» شرکت کردم. بحث برائت و استصحاب از اصول و بیع و خیاراتشان تاکنون مورد استفاده اینجانب می باشد. در علوم عقلی در

مشهد ابتداء بدایه را نزد یکی از اساتید و بعد منطق و بخشی از فلسفه منظومه و نهایه را نزد استاد صالحی و مدّتی هم در درس اسفار ج 8 مرحوم علامه سیّد جلال الدین آشتیانی بهره بردم. شرح تجرید و مقداری از کلام به صورت محاضرات را نزد «آیت الله شیخ عبد النبی کجوری» بهره بردم.

تفسیر قرآن را که هنوز زمزمه دلنواز آن در گوش طنین انداز است را از نوجوانی شروع نمودم. مرحوم پدر همه شب سال در مسجد جامع گوهر شاد تفسیر قرآن بیان می نمود. تدریس کتب حوزوی از اوائل طلبگی شروع شد و تقریباً کتب سطح را از مقدّمات تا سطوح عالیه یک دوره تدریس نموده ام و بعضی از آنها را چند دوره و فعلاً در مدرسه آیت الله گلپایگانی رسائل تدریس می نمایم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالفضل میر محمدی
محل تولد : ساوه
شهرت : میر محمدی زرندی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1302/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله سید ابوالفضل میرمحمدی زرندی در سال 1302 هجری شمسی در بخش «زاویه زرند» از توابع شهرستان ساوه در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید. در سال 1320 ایامی که کیان حوزه‌های علمیه در خطر بود و کمتر کسی رغبت به تحصیل علوم حوزوی داشت، روحیه و علاقهٔ وافرش به تحصیل علوم دینی او را به حوزه مقدس علمیهٔ قم رهنمون ساخت.
وی پس از فراگیری علوم اولیه صرف، نحو، معانی بیان و منطق در سال 1325 جهت زیارت عتبات عالیات و ادامهٔ تحصیل عازم عراق شده و توسط دایی مرحوم والدش «آیةالله آقای حاج میرزا یحیی زرندی (ره)» که از مجتهدین مقیم آن دیار بود؛ در شهر کربلا حجره‌ای اختیار کرد ولی با اصرار پدر بازگشت، بواسطهٔ وابستگی عاطفی که به ایشان داشت، به ناچار امر ادامهٔ تحصیل را در قم پیگیری نمود.
از همان ابتدای تحصیل به حداقل امکانات معیشتی فراهم شده توسط پدرش که به امر کشاورزی و کسب اشتغال داشت؛ بسنده کرده و از دریافت شهریه و وجوه شرعی امتناع نمود و تا به حال نیز بدین امر مقید بوده است. ایشان داماد فقیه وارسته «آیةالله العظمی مرحوم آقای حاج سید احمد زنجانی (ره)» می‌باشند که همواره این وصلت را از جمله توفیقات خود می‌دانند.
پس از گذراندن دروس مقدماتی در سطوح عالیهٔ حوزه، رسائل را از محضر مرحوم «آیةالله حاج شیخ موسی زنجانی (ره)»، مکاسب را از محضر مرحوم «آیةالله سید حسین قاضی (ره)»، کفایه را از محضر حضرات آیات: «سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی» و «علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» و شرح تجرید را از محضر مرحوم «آیةالله حاج میرزا اسحاق آستارایی (ره)» تلمذ نمود.

حدود سال 1328 از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «حجت کوه کمره‌ای» و «بروجردی (رضوان الله علیهما)» حدود دو سال بهره برد. سپس حضرت «آیةالله العظمی آقای حاج سید محمد محقق داماد (ره)» را به عنوان استاد درس خارج به نحو مستمر اختیار نموده و طی 15 سال یک دورۀ کامل اصول و چندین کتاب فقهی را از محضرشان استفاده نمود.
ایشان در مقاطع مختلف تحصیل حوزوی، تدریس مقطع پایین‌تر را به عهده گرفته و بیش از 20 سال به تدریس دروس سطح عالیه حوزه از قبیل رسائل، مکاسب و کفایتین پرداخته است. بیش از 10 سال نیز در دانشگاه اقدام به تدریس فقه و علوم قرآنی در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد نموده و پیوسته نیز استاد راهنمای رساله‌های مختلف دوره دکتری در دانشگاه و حوزه بوده است. شایان ذکر است رتبۀ دانشگاهی ایشان در بدو ورود به فعالیت‌های دانشگاهی دانشیار اعلام شده و سپس به جهت تألیف، تدریس، مدیریت و سایر خدمات دانشگاهی رتبۀ استادی که بالاترین رتبۀ علمی دانشگاهی است به وی اعطا شده است.
مباحثه تفسیر قرآن را از حدود سال 1326 در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته با دوستان صمیمی و هم دوره‌ای خود همچون حضرات آیات: (مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی، مرحوم حاج شیخ محمد حقی، حاج شیخ احمد پایانی، مرحوم حاج میرزا محمد امین رضوی و ...) آغاز نمود که به مرور مورد توجه واقع شده و بر اعضای آن افزوده گردید. این جلسۀ وزین که بیش از پنجاه سال سابقه دارد با نوساناتی در ترکیب اعضا کماکان به قوت خود باقی است.
ایشان از همان ایام حضور در درس خارج فقه و اصول در جلسه بحث فقهی که حضرات آیات: «آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی، مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی، آقای حاج شیخ عبدالرحیم جودی» داشتند، حضور پیدا می‌کرد. این جلسه نیز اکنون با تغییر برخی اعضای آن ادامه دارد.
آقای میر محمدی به همراه سایر فضلا و روحانیون از مدافعین نهضت اسلامی بوده و در امضاء برخی از اعلامیه‌ها علیه رژیم ستم شاهی و حمایت از حضرت امام نقش داشته است که از جمله آن می‌توان به ارسال نامه‌ای سرگشاده با عنوان «نامه جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم به هویدا نخست وزیر وقت در خصوص اعتراض به اقدامات خلاف قوانین اسلام و قانون اساسی، جو خفقان و سانسور، دستگیری حضرت امام خمینی و ...» اشاره نمود.

در سال 1364 با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که پس از شهادت آیةالله دکتر مفتح توسط سرپرست اداره می‌شد، منصوب گشت. وی در مدت یازده سال مسؤولیت ضمن تلاش مؤثر جهت راه‌اندازی مجدد دوره دکتری و کارشناسی ارشد و نیز افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان مقاطع مذکور، از آنجایی که اهتمام جدی به وحدت حوزه و دانشگاه داشته و خود نیز با ورود به فعالیت‌های مستمر دانشگاهی از قبیل: (مدیریت، تدریس و تألیف) از مصادیق این وحدت به شمار می‌رفت از فضلاء شاخص حوزه با هدف ارتقاء کیفی سطح تحصیلات دانشجویان جهت تدریس دعوت می‌نمود.

شایان ذکر است این توسعه دانشکده که به همت ایشان و با عنایت بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب حضرت آیةالله خامنه‌ای و مساعدت رئیس جمهور وقت جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و ... در مساحتی حدود 7000 متر صورت گرفت، دانشکده را از تنگنای شدید فضای آموزشی و رفاهی خارج ساخت.

میرمحمدی، کمال الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید کمال الدین میر محمدی
محل تولد : جلفا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب سیّد کمال الدین میر محمّدی در سال 51 در شهرستان جلفا متولّد شدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به خاطر علاقه وافر به علوم دینی وارد حوزه علمیّه «هادی شهر» شدم. به مدّت دو سال تحصیل در آن حوزه و کسب نمرات ممتاز جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیّه «حضرت عبدالعظیم شهر ری» رفتم و با جدیت تمام و نمرات عالی سطح یک را به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل در سال 75 وارد حوزه علمیّه قم شدم و با گذراندن سطح عالی مشغول به درس خارج شدم که از سال 79 به صورت مستمر در درس خارج فقه و اصول استاد «احمد عابدی» (دامت برکاته) شرکت کرده ام. در کنار تحصیل به کارهای پژوهشی رو آوردم که از سال 79 در مرکز فرهنگ و معارف و قرآن با عنوان محقق ارزیاب مشغول به تحقیق و پژوهش هستم.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی میر مسیب
محل تولد : شهرضا
شهرت : میر مسیب
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/25
زندگینامه علمی
بسم الله الرحمن الرحیم حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) در بزرگداشت قلم فرموده است «...و القلم من الله نعمة عظیمة و لولا القلم لم یستقم الملک و الدین و لم یکن عیش صالح» (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج13، ص258، ح2، باب12استحباب تعلم الکتابه).
سال 1343 در شهرضا به دنیا آمدم. پس از گذراندن دوره راهنمایی نزد معلمانی نوعاً ارزشمند چون سردار رشید سپاه اسلام شهید همت، جهت تحصیل علوم حوزوی به مدرسه علمیه صاحب الزمان (علیه السلام) شهرضا رفتم و پس از چهار سال تحصیل در این مدرسه به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم و پس از یکسال استفاده آزاد از دروس حوزه علمیه قم، خدمت حجج اسلام و المسلمین سید هاشم حسینی بوشهری و سید عبدالعظیم حسینی به مدرسه مرحوم آیةالله العظمی گلپایگانی رفتم و به تحصیل ادامه دادم و پس از دو سال تلمذ در محضر مبارک اساتید آن مدرسه، محضر برخی از اساتید دوره سطح و عالی از جمله حجج اسلام و المسلمین: «موسوی تهرانی»، «طاهری خرم آبادی» و آیات عظام: «صالحی مازندرانی»، «مظاهری»، و ... را درک نمودم که اکنون نیز ادامه دارد.
تقریبا از سال 1370 دست به قلم شده و تألیف و تحقیق را آغاز نمودم ولی بیشتر آنها به دلیلهای مختلفی به چاپ نرسیده است ازجمله آنهاست:
1. سعادةالطالبین (توضیحی برآداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی)
2. طریق العیش (نکاتی از زندگانی یکی از اصدقاء)
3. الحجرات (گذری برسوره مبارکه حجرات)
4. تحقیق و تصحیح کتاب داستان فکاهی، علامه فقید آیةالله میرجهانی)
5. آیین عشق (جمع و توضیح اشعار حکیم اسدالله قمشه ای همراه مطالبی سودمند): در همان هنگام از کلیه شعرای شهرضا نمونه شعرهایی

گرفتم و آماده سازی کردم ولی در ترتیب قرار دادن نام آنها با مشکل روبرو شدم لذا به چاپ نرسید البته چکیده ای از این اشعار را در کتاب آئین عشق به کار برده ام.
6. تحقیق، تصحیح، آماده سازی و چاپ مطالبی دست نویس در موضوع عقیدتی، اخلاقی و سیر و سلوک از دانشمند متأله شهرمان «حضرت آیة الله نجفی قمشه ای» که با عنوان: «با سالکان وادی نور» به چاپ رسید.
کتابهای دیگری نیز از معظم له آماده سازی نموده ام که از آن جمله است:
الف- اخلاق نظری (ویژه طلاب علوم دینی پایه های 1تا 3).
ب- مرد فریاد و سکوت (زندگینامه معظم له).
ج- رهیافتهای ویژه (درسهایی ازمعظم له در سیر و سلوک).
د- قطره ای ازدریای معارف که در حال آماده سازی است و امیدوارم به لطف الهی به زودی به زیور طبع آراسته گردد انشاء الله.
7. تحقیق و تصحیح کتاب: «جذبه حقیقت یا ایدئولوژی ولایت» از دانشمند معظم و خطیب توانای شهرمان آقای حاج شیخ قدرت الله صالحپورکه به نام: «خورشید امامت و ولایت» به چاپ رسیده است.
8. مرغ باغ ملکوت (1): یادنامه استاد فقید حجت الاسلام و المسلمین سید رضا محسنی همزمان با ارتحال آن مرحوم (خرداد 1372).
9. مرغ باغ ملکوت (2): گذری به زندگانی و وصیتنامه استاد معظم، خدوم و فقید، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مرتضی عظیمی به مناسبت ارتحال آن بزرگوار (خرداد 1387) و ...
کتابهای دیگری نیز تحقیق و تصحیح نموده ام که برخی از آنها آماده چاپ و برخی در دست آماده سازی است. ضمنا برخی از دوستان اهل قلم در تدوین کتابهای خویش از اینجانب کمک گرفته‌اند که در ابتدا یا انتهای کتابشان به این مسئله اشاره کرده‌اند مثل کتاب: «سیمای شهرضا» و کتاب: «مجالس توحید فطری». ویرایش و مقابله مطالب برخی از نشریات مثل نشریه اطلاع رسانی معارف ویژه اساتید دروس معارف اسلامی دانشگاههای کشور و ره توشه تبلیغ، ویژه ماه مبارک رمضان سال 1427 که توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر گردیده است را عهده دار بوده‌ام.
در برخی مساجد شهرضا امامت جماعت و وعظ و سخنرانی داشته ام مثل مسجد امیرالمؤمنین (ع)، مسجد الرسول (ص)، مسجد نو و ... . در سعادت آباد جرقویه و عباس آباد پاکدشت نیز فعالیت تبلیغی و در جبهه های جنگ به عنوان نیروی رزمی تبلیغی حضورداشته ام. امیدوارم خداوند رحمان و رحیم از همگی قبول بفرماید آمین رب العالمین. در پایان، موفقیت و سرافرازی همه عزیزان و بزرگواران علم و قلم را از خداوند قلم به دستان، همان خدائی که به قلم ارزش داده و به آن سوگند یاد کرده

است خواهان و خواستارم. و السلام

میقانی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا میقانی
محل تولد : شاهرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/5/1
زندگینامه علمی
اینجانب رضا میقانی از سال 1350 وارد حوزه مقدسه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی که در آن دوران اولین مدرسه به سبک روز و استاندارد بود مشغول تحصیل گردیدم و در سال 56 به مدت شش ماه در درس مرحوم استاد مطهری ره شرکت کردم ایشان در حوزه امتحان از سطح برای طلاب گذاشتند و در آن موفق شدم و ممتاز گردیدم بنا داشتند گروه های تحقیق در حوزه ایجاد نمایند که انقلاب اسلامی شروع و دیگر به قم تشریف نیاوردند و در همان سال ها از محضر دکتر مفتح در فلسفه و سید کاظم حائری که کتب شهید صدر را تدریس می کردند بهره ها بردم و از سال 58 دردرس خارج استاد وحید خراسانی و تبریزی و لنکرانی شرکت کردم و حدود 20 سال از خرمن پر فیض فقهای بزرگ استفاده کردم و در ضمن تحصیل در سال 54 به حوزه تبلیغ وارد شدم و تا کنون به اکثر استان های کشور برای ترویج مکتب اهل بیت سفر داشته ام و در سال 59 وارد موسسه در راه حق وارد شدم و پس از سه سال آموزش به کارهای پژوهشی پرداختم و در خدمت استاد مصباح سالیان طولانی استفاده کردم از جمله کارهای پژوهشی معجم موضوعی قرآن بود که چند صد هزار فیش برداری گردید . و از آن تحقیقات اکنون یکی دو جلد در زمینه اسماء و صفات و معاد و برزخ به زیور چاپ آراسته شده است و مقالات فراوان در زمینه قرآن پژوهی در اطراف کتاب فصل الخطاب حاجی نوری انجام دادیم .
و در همان سال ها چند سال در کنفرانس های دار القرآن مرحوم آیت الله گلپایگانی در محضر استاد سبحانی بوده و نتیجه آن کتاب روش اهل بیت در تفسیر قرآن است که دار القرآن چاپ کرده و در مدارس علمیه حجتیه و مومنیه و معصومیه تدریس داشته ام . حدود 15 سال هم به زائران خانه معبود به عنوان روحانی کاروان اداء وظیفه می کنم . و در جهت خدمت به

طلاب وظیفه نمایندگی طلاب شهرستان شاهرود را به عهده داردم .

ناصری دولت آبادی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حضرت آیت الله حاج شیخ محمّد ناصری دولت آبادی، به سال هزار و سیصد و نُه هجری شمسی، در شهر دولت‌آباد برخوار واقع در ده کیلومتری شهر اصفهان، در خانواده‌ای که سهمی بسزا از زهد و تقوا و دانش دینی تحصیل کرده بود؛ به دنیاآمد. پدر ایشان، زاهد متّقی حجّةالإسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد باقر ناصری نام داشت، که خود در شمار عالمان فرهیخته آن دوران بود؛ و محضر دانشیان گرانسنگی همچون علامه آخوند کاشی و نیز جهانگیرخان قشقائی را به خوبی دریافته بود، و در شمار یاران و تلامیذ مورد عنایت خاصّ علامه مرحوم حاج آقارحیم ارباب نیز قرار داشت ایشان به هنگام بدنیا آمدن این فرزند، او را «محمّدعلی» خواند، و او بعدها به نام «محمّد» شهره شد. محمّد هنوز در دوران خردی به سر می‌برد، که پدر به اشاره مرحوم علامه ارباب راهی نجف اشرف شد؛ تا خدمت فقیهان و عارفان بزرگ آن دیار همچون آیت‌الله آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیة الله آقا سیّد جمال‌الدین گلپایگانی را دریابد. بعد از مهاجرت پدر به نجفاشرف، حضرت آیة الله ناصری تحصیل را در همان دوران خردی آغازید. این دوران با حضور در مکتب خانه‌ای در دولت آباد آغاز، وبعد از یکی دوسال با ورود به حوزه علمیّه اصفهان و تحصیل علوم ادبیِ رائج در آن‌حوزه، ادامه یافت. در این دوران که ایشان هنوز در دوران نوجوانی به سرمی‌بردند، لطف امیرمؤمنان شامل حالشان می‌شود، و استاد به همراه پدر و خانواده به نجف‌اشرف کوچ می‌کند. ایشان در این زمان چهارده سالی بیشتر نداشته‌اند. اگر چه در نجفاشرف مشکلات و فقر و کمبود امکانات اوّلیه این خانواده پنج نفره را در سختی بسیار قرار می‌دهد، امّا خاطرات شیرین استاد از آن دوران، نشان دهنده روحیّه علم و معرفتجوی ایشان در همان آغازین دوران ورود ایشان به نجفاشرف می‌باشد. این دوران دوسالی بیشتر به طول نمی‌انجامد؛ چه در این هنگام مادر رخت از این دنیای گذران به دار دیگر می‌کشد؛ و سعادت او را، که علیرغم غربتی که در آن شهرمقدّس داشت، در قبری در صحن مطهّر علوی که فاصله چندانی تا روضه منوّره نداشت، برای همیشه آرام می‌گیرد. یک سالی پس از آن، خانواده پدر به ایران باز می‌گردد، و ایشان را در سن هفده سالگی برای ادامه تحصیل در نجف‌اشرف تنها می‌گذارد. این دوران، با رخت

کشیدن‌ایشان به مدرسه صدر نجف آغاز؛ و فصلی جدید در زندگیِ ایشان آغاز می‌شود. پدر پیش از جدائی از فرزند، او را نخست به امیرمؤمنان و زان پس به مرحوم آیت‌الله شیخ محمّد حسین دهاقانی که در شمار اعلام و اوتاد آن شهر مقدّس بود، میسپارد؛ والحق که آن فقیه عارف فرزانه نیز در تربیت این جوان از هیچ دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کند. در این دوران، ایشان گذشته از شرکت در دروس علمیِ نجف اشرف، با شماری ازاهل معانی این شهر مقدّس همچون مرحوم حضرت حاج شیخ محمّد کوفی نیزآشنا، و در طریق معرفت ائمّه هدی دست به دامن آنان می‌زند. ایشان در این دوران، بخشی از علوم ادبی، حاشیه ملاعبدالله، معالم‌الأصول و قسمتی از شرح لمعه را، نزد مرحوم علامه آیت‌الله مدرس افغانی فرا می‌گیرد. ادامه شرح لمعه را از محضر آیت‌الله شیخ مجتبی لنکرانی، مکاسب را از محضر آیت‌الله حاج سیّد عبدالأعلی سبزواری، رسائل را ازمحضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم کرونی اصفهانی که بعدها به دامادی ایشان نیز سرافراز می‌شود، کفایه را از محضر آیت‌الله حاج شیخ محمّد حسین دهاقانی، و برای دوّمین مرتبه باز در محضر آیت‌الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای، خارج مکاسب محرّمه را از محضر آیت‌الله میرزا هاشم آملی، بحث خارج صلاة آیات را از محضر آیت‌الله سیّد عبدالهادی شیرازی، و خارج بیع و خیارات را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده می‌کند. گذشته از این، در شماری دیگر از دروس همچون بحث خارج کتاب الحج آیت‌الله حاج سیّد محمود شاهرودی نیز شرکت، و یک دوره کامل اصول فقه را ازمحضر آیت‌الله العظمی حاج سیّد ابوالقاسم خوئی فرا می‌گیرد. در این دوران، با مرحوم آیت‌الله حاج سیّد جواد آل‌علی که در شمار علمای کشور کویت قرار داشتند، مجالس علمی مرتبی برقرار می‌نمودند، و بخش عمده این دروس را با هم مباحثه می‌کردند. ایشان در سراسر این دوران، محضر اخلاقی/عرفانیِ زاهد و عارف نامدار مرحوم آیت‌الله آقا سیّد محمّد کشمیری فرزند عارف بزرگ آیت‌الله سیّد مرتضی کشمیری را سخت غنیمت شمردند، و بسیار از محضر او آموختند و به عمل درآوردند. گذشته از ایشان، با بزرگان دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبّاس قوچانی وصیِّ مرحوم علامه قاضی نیز آشنا و به درک محضر آنان میپرداختند. دراین شماراست مرحوم حضرت آقا سیّد هاشم حدّاد، که حضرت آیت‌الله ناصری گذشته از استفاده از تعالیم ایشان، با شماری از یاران ایشان همچون مرحوم علامه طباطبائی و حاج عبدالزهراء گرعاوی نیز بواسطه همین مجالس آشنا میشوند. درهمین دوران با مرحوم عارف بزرگ جناب حاج آقا اسماعیل دولابی نیز آشنا می‌شوند، و این آشنائی تا پایان عمر آن فقید سعید ادامه داشت. ایشان، هر از چندی که به اصفهان می‌آمدند به دیدار این دوست قدیمی نیز

می‌شتافتند و در منزل از ایشان دیدار می‌کردند. عارف گمنام مولوی قندهاری که الحق سراسر عمر را به توجّه و مراقبه گذرانید نیز در شمار یاران ایشان قرار داشت. میان این دو بزرگمرد، عقد اخوّتی بسته شده بود، و از همین رو تا پایان عمر جناب مولوی، این دو هرگز یکدیگر را فراموش نکردند. حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی نیز در همین شمار قرار داشت، که دوستیِ دیرینی میان این دو' از دوران اقامت در نجف اشرف برقرار بود. حضرت آیت‌الله ناصری پس از آنکه به امر استادشان مرحوم آیت‌الله کشمیری به اصفهان بازگشت، گذشته از مجالس تدریس فقه و اصول و تفسیری که سالیانی دراز در حوزه علمیّه این شهر اقامه نمود و تا کنون نیز ادامه دارد، به تربیت نفوس مستعدّ و طالب معارف الهی نیز همّت گماشت. گذشته از جلسات درس اخلاق ایشان که در شماری از مدارس علمیّه این شهر برگزار می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ و تذکیر ایشان که در مسجد کمرزرّین اصفهان برپاست، در میان عاشقان اهل‌بیت و طالبان معرفت الله از شهرتی بسزا برخوردار است. امید می‌بریم که خداوند وجود مبارک و شریف آن استاد فرزانه را پایدار دارد، و از تمامیِ مکروهات مصون نماید.

ناصری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی ناصری
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/7/1

زندگینامه علمی
ایشان در سال 1344 هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال 1361 از مدرسه علمیه امام صادق (ع) رشت آغاز و تا سال 1376 در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال 1377 وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میزرا جواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.
وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث و ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال 1378 در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال 1382 در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان «بررسی مکتب تفسیری صدرالمتألهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش، ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است. در ادامه نمایهٔ فعالیت‌های ایشان در زمینه‌های فوق منعکس شده است.

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلام حسین ناطقی
محل تولد : بامیان
شهرت
تابعیت : افغانستان
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب غلام حسین ناطقی تبعه افغانستان در سال 1354 شمسی در خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم و پس از دوران کودکی به دلیل تعطیل بودن مدارس دولتی به خاطر انقلاب به مکتب خانه رفتم و در مدت 4 - 5 ماه حضور در آن، افزون بر آموزش روخوانی قرآن کریم، بر خواندن متون فارسی نیز تسلط پیدا کردم به گونه ای که به راحتی می توانستم هر متن فارسی را بخوانم به همین دلیل مورد تشویق معلم و بستگان به ویژه خانواده ام قرار گرفتم و آنان تشویق نمودند که طلبه بشوم ولی به خاطر تعطیل بودن مدرسه علمیه ای که در محل سکونت ما بود و نیز کم بودن سنم که مانع رفتنم در جای دیگر می شد؛ چند سالی نتوانستم به مدرسه علمیه بروم.
در سال 68 شمسی مدرسه علمیه «محمدیه» در نزدیک محل منطقه سکونت ما احیاء شد و من از فرصت استفاده نموده و به این مدرسه رفتم و به آموزش صرف و برخی از کتابهای جامع المقدمات مثل: (عوامل فی النحو و ملامحسن) مشغول شدم ولی به دلیل نبود امکانات به ویژه در دسترس نبودن استاد، اکثر ایام این مدرسه تعطیل بود. لذا در سال 1369 تصمیم گرفتم که به مدرسه علمیه «بلخاب» بروم و در آنجا ادامه تحصیل بدهم. پس از مسافرت به این مدرسه و مدتی تحصیل دریافتم که متاسفانه وضعیت این مدرسه نیز بهتر از مدرسه محل سکونت من نیست لذا بر آن شدم که به جمهوری اسلامی ایران بروم و در حوزه علمیه قم به فراگیری علوم اسلامی بپردازم .
به همین منظور در اواخر پاییز 1370 شمسی عازم جمهوری اسلامی ایران شده و پس از ورود به جمهوری اسلامی ایران و حضور در مرقد مطهر ثامن الائمه حضرت امام رضا به قم آمده و در حوزه علمیه مشغول تحصیل شدم. مدت دو سال به صورت آزاد درس خواندم و در سال 1373

در آزمون پذیرشی مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از قبولی دراین مرکز، مدت دو سال به همان شیوه سنتی (یعنی تمرکز دوره فقه و اصول) تنها و غافل از سایر علوم مورد نیاز یک روحانی و مبلغ تعالیم عالیه اسلام، ادامه تحصیل دادم ولی به این نتیجه رسیدم که این شیوه کارآیی کمتری دارد و نمی تواند پاسخگوی تمام نیازهای جامعه امروزی مسلمانان بوده باشد.
لذا در سال 1375 با توجه به سامان یابی آموزشی مرکز جهانی علوم اسلامی و هدایت بخشی از طلاب به مدارس علمیه، به مدرسه علمیه مومنیه رفته و سطح دوم حوزه را تا سال 1378 به پایان رساندم. در همین سال آزمون کارشناسی ارشد در رشته «علوم قرآن و حدیث» از سوی مرکز جهانی برگذار شد و در آن شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از این، به مدرسه عالی امام خمینی انتقال یافتم و در آنجا ادامه تحصیل دادم و سطح سه را در این مدرسه به پایان رسانده و در سال 1384 از پایان نامه خود تحت عنوان: «بررسی آرای شرق شناسان پیرامون گزارشات تاریخی قرآن» با درجه عالی دفاع نمودم و اکنون در سطح چهار حوزه مشغول به تحصیل می باشم.
ضمن اشتغال در دروس حوزه، در امتحانات دروس کلاسیک شرکت و به صورت جهشی امتحان داده و دیپلم خود را در رشته معارف اسلامی گرفتم. مدتی است که دست به قلم نیز هستم و در برخی از همایش های علمی پژوهشی شرکت کرده ام از جمله: اولین همایش ملی پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه که مقاله «واقع نمایی زبان قرآن در گزاره ها تاریخی» را ارائه دادم و از مقالات برتر شناخته شد و حق ارائه یافتم و آن را در کمیسیون تخصصی «قرآن و جامعه شناسی» ارائه و به سوالات اساتید پیرامون آن پاسخ دادم.

نبوی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله آقای حاج سید ابوالفضل بن العالم الجلیل السید علی نبوی حسینی قمی از علماء اعلام و مجتهدین کرام و مصنفین عظام و ناطقین و گویندکان عالی مقام حوزه علمیه و شهرستان قم است که در 24 رجب سال 1344 قمری هجری در قم متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدیده در شهریور 1320 شمسی وارد تحصیل علوم دینی گردیده و پس از طی دوره مقدمات به آموختن سطوح پرداخته و به ترتیب در محاضر اساتید معظم مرحوم آقا شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌الله فاضل لنکرانی و مرحوم آیت‌الله شیخ عباسعلی شاهرودی و حاج شیخ محمدعلی کرمانی و آیت‌الله داماد به تحصیل فقه و اصول پرداخته هیئت و نجوم را در محضر مرحوم آقای شیخ علی حکمی و آیت‌الله معاصر علامه طباطبائی و علم درایه و رجال را در محضر علامه معاصر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله آموخته آنگاه به تحصیل خارج پرداخته چندین سال به درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری حاضر گردیده و از ناحیه اخیر موفق به تصدیق اجتهاد شده که همین تصدیق اجتهاد را بعدا که مدتی در نجف اشرف در محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالهادی شیرازی بودند معظم‌له با حاشیه خود تایید و تصویب فرمودند.
پس از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مرتبا بدون وقفه تمام مباحث فقهی و اصولی آن مرحوم را استفاده کرده و مجموع آنها را در هفت مجلد از فقه و اصول تقریر فرموده و آن مرحوم اکثر آنها را شخصا مطالعه کرده و ایشان را با اعطاء جایزه مفتخر فرمودند.
ده سال مرتبا در محضر درس مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی حاضر شده و چهار جلد اصول ایشان را تقریر نموده و همه آماده طبع می‌باشد. در تمام این اوقات مباحث فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید را تدریس می نمودند که برخی از همان مباحث را به طبع رسانیده‌اند.
تالیفات ایشان: فهرست مجموع تالیفات معظم‌له 70 عدد می‌باشد که در آخر کتاب (غالیه الدرر فی مصب قاعده الضرر) مطبوع سنه 1385 قمری درج گردیده است.
و تالیفات مطبوعه ایشان از این قرار است:
1- کمونیزم از نظر عقل و اسلام مطبوع 1332 شمسی.

2- لالی منثور در تفسیر سوره طور مطبوع 1335 شمسی 3- غالیه الدرر مطبوع سنه 1385 قمری.
4- امراء هستی مطبوع 1345 شمسی 5- درس سخنوری در ماه رمضان 6- درس سخنوری در ماه محرم 7- درس سخنوری در ماه صفر مجموعا در سنه 1350 شمسی طبع شده 8- کشف الارتیاب فی ادله الحجاب.
9- اشعه‌ای از سوره نجم 10- جلاء القران در رد کتاب اعجاز القرآن تالیف یدالله نیازمند شیرازی.
این سه کتاب اخیر مجموعه مقالاتی است که در مجلات و جرائد: آئین اسلام، مجله مسلمین، روح آزادی، ندای حق، قبلا به چاپ رسیده است.
و آنچه آماده طبع است به قرار زیر است:
1- حواشی بر عروه از کتاب طهارت تا آخر صوم.
2- حواشی بر مکاسب شیخ 3 -9 هفت مجلد در تقریر محاضرات علامه بروجردی 10 -13 چهار جلد در تقریر محاضرات آیت‌الله شیخ عبدالنبی اراکی 14- حواشی بر منظومه سبزواری در حکمت 15- حواشی بر رساله عسر و حرج آشتیانی 16- حلیه‌الوسمه در حقیقت عصمت 17- حقوق زن و مرد در اسلام 18- بدرالدجی در شرایط الدعاء 19- اضائه السراج در اثبات معراج. 20- ارغام المبارز در اثبات المعاجز 21- رساله در عدم توقف حجیه خبر الواحد بر حصول الظن 22- نورالافاق در مباحث اخلاق 23- شرع موبد در خاتمیه محمد صلی الله علیه و آله و سلم 24- اسرار العوالم مصاحبه موسی علیه‌السلام مع العالم 25- رساله در اعتراف اعداء بعظمه الاسالم 26- رساله در اعتراف مخالفین بفضائل علی علیه‌السلام 27- فیض الرحمن فی علوم المکتسبه من القرآن 28- جامع الانوار اثبات توحید 29- مقصد الابرار در اثبات الامامه 30- مخزن الاسرار در اثبات النبوه 31- مرتع الافکار در تفسیر انا انزلنا. 32- معدن الاثار در ضبط حکم والاخبار 33- حواشی بر بعضی کتب سنگلجی 34- حیاة الفواد در اثبات المعاد 35- تفسیر سوره فجر 36- تفسیر سوره والضحی 37- تفسیر سوره لا اقسم بهذا البلد 38- تفسیر سوره والعصر 39- تفسیر سوره والتین 40- تفسیر سوره یوسف 41-47 در فلسفه احکام عبادات و معاملات 48- دیوان اشعار عربی و فارسی 49- صحو المعلوم در رد کتاب محو الموهوم سنگلجی 50- کمال الایمان در اثبات وجود صاحب الزمان (عج) 50 -57 در 7 جلد ضبط مجالس تبلیغی که در نقاط مختلف ایراد نموده‌اند.
58- لب‌اللباب در حکم معاشره اهل الکتاب 59- مقالات النبویه در رد بعضی شبهات الدینیه 60- معراج پیغمبر اسلام از جنبه عقل و نقل که آماده طبع می‌باشد.
استاد نبوی اکنون در حوزه علمیه تدریس خارج فقه و اصول دارند و در ایام تعطیل محرم و صفر و ماه رمضان در مسجد حسین‌آباد شمیران تهران

اقامه جماعت نموده و از بیانات خود در منبر افاضات تبلیغی و مواعظ سودمند و نکات جذاب، منابرشان همواره برای طلاب و سخنران درس سخنوری بوده و می‌باشد.

خداوند امثال ایشان را برای حوزه‌های علمی و مسلمین باقی داشته و موید بدارد .

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نجار زادگان، فتح الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فتح الله نجار زادگان
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1337 در شهر اصفهان به دنیا آمد و در سال 1356 موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد. در سال 1358 به حوزه علمیه اصفهان رفت و تا سال 1364 دروس مقدمات، اصول، شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزه علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال 1372 موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته «الهیات و معارف اسلامی» شد.
در سال 1373 در دانشگاه تهران در رشته «علوم قرآن و حدیث»، مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در رشته «فقه و اصول» در همان مقطع، پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشته علوم قرآن به دانشگاه تهران رفت و در سال 1378 رساله خود را دفاع کرد. در طی این مدت به دروس حوزوی نیز کم و بیش مشغول بود. آنگاه در سال 1379 در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی ازگروههای دانشکده الهیات است، به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که هم اکنون نیز ادامه دارد.
تدریس در موضوعات: اصول، فلسفه، علوم قرآن، حدیث، تفسیر (به ویژه تفسیر تطبیقی) در حوزه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکده اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس اخلاق، متون اسلامی، معارف در دانشگاهها بخشی از فعالیتهای علمی ایشان محسوب می شود که هم اکنون نیز ادامه دارد. مدتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه و نیز شورای برنامه ریزی مرکز جهانی همکاری داشته و هم اکنون نیز در رتبه دانشیاری با پایه 12 عضو گروه معارف اسلامی

دانشگاه تهران می باشد.

نجار شوشتری، محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1141/ 1140 ق)، عالم دینی، محدث، مفسر، واعظ و خطیب. بنا به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از «تذکره‌ی عبداللّٰه جزایری» او از شاگردان جد صاحب تذکره، سید نعمةاللّٰه جزایری است و از وی روایت نموده است. نجار در طلب علم به اصفهان و مشهد مسافرت کرد و نزد ملا عبدالرحیم جامی و دیگران تلمذ نمود. و آثارش: «مجمع التفاسیر»، مشهور به «تفسیر ابن النجار» که از تفاسیر بزرگ قرآن است، رساله‌ای در «سیرالملوک»، به فارسی؛ جمع بین متن «الاستبصار» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «کشف‌الاسرار»، و همچنین جمع بین متن «التهذیب» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «غایةالمرام»؛ تدوین «عقود المرجان فی حواشی القرآن» استادش، سید نعمت‌اللّٰه جزایری، در سه مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (9/ 10)، الذریعه (24/ 20، 17/ 18، 19، 18/ 16، 305/ 15، 249/ 4)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 707 -706/ 12)، معجم‌المؤلفین (67 -66/ 11).

نجارزادگان، فتح الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجة الاسلام دکتر فتح الله نجار زادگان در سال 1337 ش. در شهر اصفهان به دنیا آمد .وی تحصیلات خود را در رشته علوم قرآن و حدیث مقطع تا مقطع دکتری ادامه داد و تؤام با تحصیل در رشته مذبور تحصیلات حوزوی را نیز کم بیش ادامه داد.فتح الله نجار زادگان در سال 1379 در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروه‌های دانشکدة الهیات است به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که این همکاری هم اکنون نیز ادامه دارد. کتاب " سلامه القرآن من التحریف " تالیف فتح الله نجار زادگان ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم قرآنیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فتح الله نجار زادگان در سال 1356 موفق به اخذ دیپلم در رشتة ریاضی شد. در سال 1358 به حوزة علمیه اصفهان رفت و تا سال 1364 دروس مقدمات و اصول و شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزة علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال 1372 موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشتة الهیات و معارف اسلامی شد. در سال 1373 در دانشگاه تهران در رشته علوم قرآن و حدیث مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (ع) در رشتة فقه و اصول در همان مقطع پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشتة علوم قرآنی به دانشگاه تهران رفت و در سال 1378 رسالة خود را دفاع کرد و در طی این مدت دروس حوزوی را نیز کم و بیش ادامه داد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فتح الله نجار زادگان در سال 1379 در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروه‌های دانشکدة الهیات است به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که این همکاری هم اکنون نیز ادامه دارد.فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی فتح الله نجار زادگان به قرار زیر است: تدریس در موضوعات اصول، فقه، فلسفه، و حدیث در حوزة علمیه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکدة اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی بخشی از فعالیت‌های ایشان محسوب می‌شود. 1. تدریس و پژوهش / مرکز جهانی

علوم اسلامی/ 1377 تا 1383 2. عضو شورای علمی گروه علوم قرآن / پژوهشکده حوزه ودانشگاه / 1379 – 1382 3. تدریس و پژوهش / دانشگاه تهران / 1378 ادامه دارد 4. عضو هیئت مدیره مجمع احیاء فرهنگ اسلامی / پژوهش و برنامه ریزی / 1380 ادامه دارد. جوائز و نشانها : کتاب " سلامه القرآن من التحریف " تالیف فتح الله نجار زادگان ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : فتح الله نجار زادگان بیش از 21 مقاله در زمینه رشته تخصصی خود دارد.

آثار : 1 التوسل و التبرک و الصلح مع العدو الصهیونی فی رسالتین بین واعظ زاده و بن باز ویژگی اثر : نشر مشعر/ 1383 2 پژوهش نامه در س اخلاق و تربیت اسلامی دانشگاهها ویژگی اثر : مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی/ 1383 3 تحریف ناپذیری قرآن ویژگی اثر : مرکزتحقیقات حج با همکاری مرکز مطالعات فرهنگی حوزه علمیه قم/ 1384 4 تراث الشیعه القرآن ج 1 ویژگی اثر : یکی از مدیران علمی طرح / 13845 تراث الشیعه القرآن ج 2 ویژگی اثر : یکی از مدیران علمی طرح / 13856 تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی و معارفی از آیات در دیدگاه فریقین) ویژگی اثر : مرکز جهانی علوم اسلامی/ 1383 7 درسنامه متون اسلامی ویژگی اثر : مجمع احیای فرهنگ اسلامی/ 1383 8 سلامه القرآن من التحریف ویژگی اثر : تهران ، چاپ اول 1378 ، چاپ دوم با اضافات فراوان/ 1382 / کتاب سال جمهوری اسلامی در سال 1383 و رتبه نخست دوازدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن 1383 . آشنایی با کتاب: سلامة القرآن من التحریف و تفنید الافترأات علی الشیعة الامامیة سلامة القرآن من التحریف و تفنید الافترأات علی الشیعة الامامیة/ فتح الله المحمدی (نجارزادگان). - تهران: مشعر، 1382. 758 ص. کتابنامه 1. قرآن - تحریف 2. قرآن - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها 3. شیعه - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها اهمیت قرآن کریم به عنوان یکی از دو ثقل اکبر بازمانده از آورندة عظیم الشأن آن و نقش بارز و محوری این کتاب کریم الهی در ایجاد و ابقأ اتحاد امت مسلمان از مسائل بارز و قابل توجه در خصوص این متن و حیانی الهی است. به اعتقاد عموم مسلمانان قرآن از هرگونه تحریف و تغییر مصون بوده، دست تحولات و تغییران زمان را به دامن مطهر آن راهی نیست و این تحقق وعدة الهی است، چنان که به صراحت در متن قرآن کریم ذکر شده است. یکی از اتهاماتی که به ناروا بر شیعه وارد شده و گاه بر آن اصرار شده است، اتهام اعتقاد به تعریف قرآن است که این امر بویژه در کتابی با عنوان اصول مذهب الشیعة الامامیة الاثنی عشریة تألیف

ناصر علی قفاری بتفصیل مورد بحث قرار گرفته است. مؤلف با عنایت به این کتاب و برخی کتب دیگر که قبل از آن تألیف شده و در آنها این اتهام به شیعه مطرح گردیده است، اقدام به تألیف کتاب سلامة القرآن من التحریف نموده است. کتاب در دو بخش اصلی تنظیم شده است: بخش اول به مسألة سلامت قرآن از تحریف در نظر فریقین، با قطع نظر از آرأ و افترأات برخی افراد، پرادخته است. در بخش دوم به مسألة اتهاماتی که در خصوص تحریف قرآن بر شیعه وارد شده پرداخته شده است. بررسی ادلة مصونیت قرآن از تحریف از نظر شیعة امامیه، بررسی روایات تحریف قرآن در کتب شیعه، بررسی کتاب فصل الخطاب محدث نوری، شهادت علمای امامیه به مصونیت قرآن از تحریف، بررسی احادیث تحریف قرآن در کتب اهل سنت، و پاسخگویی به شبهات دکتر ناصر بن علی قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعة، احسان الهی ظهیر در کتاب الشیعة والقرآن و محمد مال الله در کتاب الشیعة و تحریف القرآن، از مهم‌ترین مباحث کتاب است. 9 مصاف بی پایان با شیطان ویژگی اثر : قم بوستان کتاب/ چاپ اول 79 – چاپ دوم 138210 معانی بیان الفاظ القرآن ویژگی اثر : تحقیق نسخه خطی/1384 11 ویژگی های امام علی ترجمه خصائص امام علی(ع) ویژگی اثر : ترجمه/ بوستان کتاب / 1382 /کتاب سال حوزه علمیه در سال 1383 در بخش ترجمه منابع زندگینامه http://www.iranologyfo.com:/

نجفی اصفهانی مجدالدین، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1286.
درگذشت: 1361.
از آثار اوست: الیواقیت الحسان فی تفسیر سوره الرحمن، المختار من القصائد و الاشعار (تفسیر سوره رحمان همراه با اشعار عربی؛ 1367).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نجفی کاشانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، عالم دینی.
تولد: 1300(11 شعبان 1339 ق.)، محله محتشم کاشان.
درگذشت: 23 مرداد 2356، کاشان.
آیت‌الله علی نجفی کاشانی، فرزند آیت‌الله مهدی نجفی از علمای کاشان، در بیست و دو سالگی برای کسب علم به نجف اشرف رفت. تمام دوره‌ی سطح و خارج خود را در مدت ده سال گذراند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. اندکی از ورودش به نجف نگذشته بود که در کنار کسب علم و تحصیل، به تدریس علوم حوزوی نیز مشغول شد. پس از آن که مکاسب و کفایه را نزد آیت‌الله حسن یزدی به پایان رسانید، و در درس خارج مراجع نجف به ویژه از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خویی بهره‌ها گرفت، پس از ده سال اقامت در نجف عازم ایران شد. پس از توقف کوتاهی در کاشان و مسافرتی به مشهد و اصفهان و بازگشت به کاشان، بار دیگر دو سالی راهی نجف شد و سپس به واسطه‌ی کسالت مزاج و حوادث دیگر به ایران بازگشت. بعد از ورود به ایران سه سالی در قم مشغول تدریس شد. وی در قم از مدرسین بلندپایه‌ی سطوح عالی حوزه بود و در «مدرسه‌ی بزرگ آخوند» حجره داشت و همان جا تدریس می‌کرد. اما به دلایلی به شهر خود بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس پرداخت. از همان آغاز ورودش به کاشان، علاوه بر تدریس خصوصی درس‌های حوزوی، تفسیر قرآن را به عنوان وظیفه اصلی خود قرار داد. در ابتدا، این جلسه‌ها به تفسیر موضوعی و بحث‌های پراکنده اخلاقی می‌گذشت اما بعد از چند مسافرت به مشهد مقدس، تصمیم گرفت که قرآن را از آغاز تا انجام تفسیر کند و در ضمن آن برای مردم به بحث‌های اخلاقی و اجتماعی و تفسیر موضوعی نیز بپردازد. این نوع تفسیر تا یک سال قبل از درگذشتن (یعنی تا سال 1364) ادامه داشت. در حدود این سی و چند سال دو مرتبه قرآن را از ابتدا تا انتها تفسیر کرد. دوره‌ی دوم تفسیری وی هیجده سال طول کشید. ایشان نه تنها در فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، ادبیات، معانی بیان و تجدید و تفسیر متبحر بود، بلکه در علم هیئت و نجوم قدیم هم ید طولانی داشت و آنها را تدریس می‌کرد.
تألیفات و آثار آیت‌الله نجفی کاشانی به این شرح هستند: برداشتی از نماز؛ پیرامون شراب؛ لنگرهای زمین مولودی اندر خانه کعبه؛ بعثت محمد

(ص) و قرآن در بحران جاهلیت؛ زمان چیست و چگونه می‌گذرد؛ صدق؛ بزرگترین فضیلت؛ سرانجام کافر؛ یک خرق عادت شگفت یا معجزه‌ای بزرگ؛ اشتباه عمدی؛ افسانه ها یا کرامت‌های خیالی (سه جلد). اما نوشته‌هایی که از ایشان به طبع نرسیده است: فضایل ثلثه (سه رساله آماده چاپ در مورد سلمان، ابوذر، مقداد)؛ ملتقطات (یادداشت‌های پراکنده ایشان در نحو، عروض، نجوم، فقه، اخلاق و عرفان و نیز نقد چند کتاب از نویسندگان معاصر و جواب سئوال‌هایی که از ایشان پیرامون مسائل مختلف مطرح می‌شده است)؛ رساله‌ای در فضیلت نماز؛ رساله‌ای در فضیلت علم؛ رساله‌ای در فضل قرآن (قرآن چه کتابی است)؛ رساله‌ای در مورد امام زمان (ع)؛ رساله‌ای تحت عنوان حق کاوی؛ رساله‌ای تحت عنوان اینجا و آنجا؛ رساله‌ای تحت عنوان دین راست؛ آسان؛ هموار؛ تفسیر سوره کهف (به عربی)؛ تفسیر سوره مریم (به عربی)؛ تفسیر سوره طه (به عربی)؛ تفسیر سوره انبیاء (به عربی)؛ تفسیر سوره حج (به عربی)؛ تفسیر سوره عم (ناقص است)؛ دفتری مفصل مشتمل بر مجموعه‌ای از احادیث موضوع‌بندی شده که به ترتیب الفبا تنظیم شده است؛ حواشی و تعلیقات ایشان بر کتب روایی، کلامی، تفسیر، فقه و اصول و...، از استاد همچنین نوارهای بسیاری در تفسیر سوره‌های قرآن به جا مانده است.
آیت‌الله نجفی کاشانی عصر روز پنجشنبه بیست و سوم مرداد 1356 مصادف با شب عرفه در کاشان فوت کرد.
(1407 -1339) ق)، عالم دینی، مدرس و مفسر. در کاشان به دنیا آمد و تحت نظر پدرش، که از علمای کاشان بود، نشو و نما یافت. در 1361 ق به نجف رفت. «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌اللّٰه میرزا حسن یزدی و خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌اللّٰه خوئی آموخت و نیز از درس فقه آیت‌اللّٰه حکیم و آیت‌اللّٰه سید عبدالهادی شیرازی بهره گرفت و به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به ایران بازگشت و مدت سه سال در قم ساکن گردید و از محضر آیت‌اللّٰه بروجردی استفاده نمود و خود به تدریس پرداخت. سرانجام به خواهش مردم کاشان و به علت بیماری پدرش به کاشان رفت و در همان جا ساکن گردید و به تدریس و امامت جماعت و انجام امور دینی پرداخت و در آن شهر درگذشت. از آثارش: «لنگرهای زمین»؛ «برداشتی از نماز»؛ «مولودی اندرخانه‌ی کعبه»؛ «بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت»؛ «صدق بزرگترین فضیلت»؛ «افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی»؛ «ملتقطات»؛ تفسیر سوره‌های «کهف»، «مریم»، «طه»، «انبیاء»، «حج» و «عم یتسألون»؛ رساله‌ای در «فضیلت قرآن».[1]
شیخ مهدی نجفی کاشانی از افاضل دانشمندان معاصر کاشانست. وی در تاریخ یازدهم شعبان 1339 ق در دارالمؤمنین کاشان محله محتشم متولد

شده و در دامن مادر عفیفه و صالحه خود که نمونه‌ای از عفت و تقوا بود و ظل توجهات والد ماجدشان که عالم ربانی و آیت سبحانی بود پرورش یافته و در سال 1361 قمری برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف عزیمت نموده و علوم مقدماتی را نزد عده‌ای از فضلاء نجف که همه از اوتاد و ابرار و اخیار حوزه علمیه نجف بودند خوانده و سطوح عالی مانند مکاسب مرحوم شیخ و کفایه مرحوم آخوند را پیش مرحوم آیت‌اللّٰه آقا میرزا حسن یزدی به پایان رسانیده و سپس به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله حاضر شده و مقداری از اصول و فقه معظم له استفاده نموده و نیز از محضر درس فقه مرحوم آیت‌اللّٰه حکیم و آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالهادی شیرازی بهره‌مند شده و تا مدت ده سال با پشت کار فراوان و کوشش عجیب به درس و بحث و تدریس اشتغال داشته و به قول بعضی به اندازه سی سال در این ده سال زحمت کشیده و در تمام ایام حتی پنجشنبه و جمعه و روزهای تعطیلی دیگر مسامحه در کار درس و بحث ننموده تا پس از این مدت بر اثر خستگی زیاد و کسالت مزاج مجبور به مراجعت به ایران شده و به کاشان آمده و سفری به مشهد مقدس و بعد به اصفهان و آنگاه در کاشان تأمل و باز به نجف اشرف مسافرت و مدت دو سال توقف و از محضر بزرگان مراجع استفاده نموده تا اینکه به واسطه کسالت مزاج و حوادث دیگری به ایران آمده و مدت سه سال در قم مانده و از محضر آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی استفاده و در آن هنگام بر اثر ضعف فراوان و بیحالی و کسالت والدش با اصرار مردم کاشان به وطن برگشته و تا حال حاضر که سال 1395 قمریست به وظائف شرعی از اقامه جماعت و تدریس و جلسه‌های مختلف اشتغال دارند.
و ضمناً جزوه‌هائی در موضوعات متنوع نگاشته و به طبع رسانیده که ذیلا می‌نگارم.
1- پیروان شراب 2- لنگرهای زمین 3- علی بن ابیطالب در خانه خدا بدنیا آمد.
5- بعثت محمد و قرآن در بحران جاهلیت 5- زمان چیست و چگونه می‌گذرد.
6- اشتباه عمدی 7- صدق بزرگترین فضیلت 8- سرانجام کافر 9 و 10 و 11- یک سلسله افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی 12- یک خرق عادت شگفت یا فضیلت و منقبتی بزرگ و تألیفات دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.
معظم له از همان اول ورود به کاشان شروع به بحث و تفسیر قرآن نموده که تاکنون ادامه دارد و هر شب گروهی از مؤمنین و بالاخص عده‌ای از جوانان استفاده می‌کنند و نیز در جمعه‌ها جلسه تبلیغی وعظ و ارشاد منظم دارند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 3، ش 6، ص 56، س 4، ش 6، ص 34 -33)، گنجینه‌ی دانشمندان (276 -275/ 6).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد نجفی یزدی
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب در خانواده ای مؤمن و متوسط متولد شده و پدرم از روحانیون و علماء نجف اشرف بوده و خانوادۀ ما (عموها، دو برادر و ...) از اهل علم می باشند. در همان سال های اولیه دوران دبیرستان برای مطالب دینی، عقاید و فقه بسیار حساس بودم و همواره به دنبال ادلۀ تحقیقی مطالب بوده و کتاب های متعددی را مطالعه می کردم. همین نکته (به همراه عنایت و شوق الهی) مرا به حوزه علمیه و دروس دینی کشاند و در تهران مدرسه «آیت الله مجتهدی» (حفظه الله) مشغول شدم. حدود سه سال به فراگیری ادبیات و منطق پرداختم و سپس راهی حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد اساتید بزرگوار آنجا خواندم از جمله: «آیت الله استادی»، «اشتهاردی»، «محقق»، «خرازی»، «موسوی» و ...
سپس در سال 60 یا 61 به درس خارج «آیت الله وحید» و «آیت الله تبریزی» رفتم؛ پس از مدتی به عللی منحصرا درس «آیت الله تبریزی» را برگزیدم و فقه و اصول را نزد ایشان بیش از 12 سال گذراندم. از همان سالهای شروع بحث و درس در حوزه، به تدریس پرداختم و تا کنون نیز روزی چهار ساعت بحث دارم، حتی ایام تعطیل نیز برای عده ای از دوستان بحث های مختلفی دارم. عمده مباحث اینجانب در فقه و اصول است که عمده به بحث خارج فقه، مکاسب محرمه اختصاص دارد. البته چون اینجانب به عنوان هیئت علمی در مدرسه امام خمینی (قدس سره) به تدریس مشغول هستم و مقداری از وقت اینجانب آنجا صرف می شود.

نجفی، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق نجفی
محل تولد : شبستر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1315/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب محمد صادق نجمی به سال 1315 شمسی در روستای هریس از توابع شبستر به دنیا آمدم. پدرم ثقة الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند.مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی حاج میری آقا عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجانب تا حدود 15 سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقة طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره) و سید علی آقا پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند . دوران کودکی ام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد.
دوران تحصیل:
هشت نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان، گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ وصاف، ابواب الجنان و تنبیه الغافلین و... آموزش داده می شد.در تدریس برخی از این کتابها علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود. پس از این دوره، در نزد پدرم جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی را فرا گرفتم. تقریبا در پانزده سالگی پدرم مرا به

مدرسه طالبیه تبریز برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم.پس از یک سال و چند ماه توقّف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال 1332 شمسی- با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم- ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیّه سکونت گزیدم. ورود اینجانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال 1372 قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجّت رحلت کرد.

دوران تحصیل این جانب از این تاریخ تا سال 1359 شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدّت علاوه بر تحصیل و تدریس دروس متداول حوزه علمیّه به تألیف و ترجمه کتاب های متعدّدی موفّق شدم و هذا من فضل ربّی. بیش ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیّه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدّس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقّفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره های مدرسه خیرات خان از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه های ورود آیت الله العظمی میلانی از عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب سیری در صحیحین از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا(ع) می باشد.

در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه آیت الله العظمی آقای بروجردی (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی درمدرسه خیرات خان و گاهی در مدرسه میرزا جعفر- داخل صحن مطهر- اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اوّل کتاب سیری در صحیحین چند ماه با اجازه آیت الله العظمی میلانی در مدرسه وی ودر حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی گیری می کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اوّل همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می داد.

تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان دین و دانش قم تشکیل می شد و عده ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم- با وجود

محدودیت و عدم استقبال از این درس- در آن شرکت می نمودیم.
اساتید:
در دوران تحصیل از اساتید متعدّدی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهره مند شدم که معروف ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته ام، عبارتند از:
1- قسمتی از مغنی را از شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی در تبریز فراگرفته ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می فهماند.
2- قسمتی از مطوّل را از درس شیخ ابوالفضل علمایی سرابی در قم و بخش دیگر آن را از شیخ عبد الله نورانی در مشهد مقدّس استفاده کرده ام.شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای صائینی زنجانی و شرح منظومه سبزواری را از مرحوم استاد شهید مفتح فرا گرفتم.از درس فلسفه مرحوم شهید مطهری که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و همچنین از درس فلسفه مرحوم آقای الهی برادر علامه طباطبائی نیز بهره گرفته ام.بخش مهم جلدین لمعه را از سید جواد خطیبی که در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای جاج شیخ محمد حقی سرابی فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.
3- بخش مهم مکاسب را از آیت الله مشکینی و بعضی از ابواب آن را از استاتید دیگر مانند آیة الله سبحانی فرا گرفتم. قوانین را از آیة الله موسوی اردبیلی و بخشی از رسائل را از آیة الله مشکینی و قمستی دیگر را از آقای سبحانی و باب تعادل و تراجیح را از آیة الله احمدی میانجی آموختم. بخشی مهم کفایة الاصول را از آیة الله سلطانی و بخش دیگرش را از آقای مجاهدی فرا گرفتم.
در تفسیر ابتدا از آیة الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی، آیة الله مشکینی و آیة الله خزعلی بهره بردم. از حسن اتفاق استاد علامه حسن زاده آملی در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجّتیّه اقامت گزید. در این فرصت به ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس با مباحثه هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدّی آشنا شوم. در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند میلانی، شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، داماد و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتا کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام(ره) خیلی کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم

طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود.
دوستان و معاشران:
در طی دوران طولانی تحصیل طبعا دوستان و هم دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم:
برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجانی، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجانی، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی(ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و... گفتنی است با آقای هریسی علاوه برهم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثررا به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم.
عوامل موثر بر شخصیت علمی و اخلاقی: من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب و أمّا بنعمة ربّک فحدث اشاره می کنم که در روی آوری اینجانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است.
1- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه ندای حق و مجله مکتب اسلام نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت.وی مدّتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجّه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود.همان گونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اوّلین مقاله حقیر تحت عنوان صبر از نظر اسلام هم درهمان هفته نامه منتشر شد.
2- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همتت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق(ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید. به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه آیة الله حاج شیخ عباس تهرانی آشنا شدم. این درس در سالن کتاب خانه مدرسه حجّتیّه و به دستور آیة الله العظمی حجت تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانی ادامه داشت.

در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سیّد حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می جستم.او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی. فوق العاده بود. در ایامی که هوا مساعد بود شب های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می شدیم و از معنویت این مسجد بهره می گرفتیم.
عوامل موثر بر شخصیت سیاسی و اجتماعی:تقریبا درهمان سال های اول ورودم به قم دو سید بزرگوار(شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند.آنان با سخنرانیهای شور انگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند. حضور شهید نواب صفوی درنماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر اندز می کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی دینی و حرکتش در اعدام انقلابی کسروی، هژیر و رزم آرا آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی- عامل مستقیم اعدام رزم آرا- از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره ای جالب و فراموش نشدنی و برای من شور انگیز وحرکت آفرین بود.
این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست وزیر وقت به وقوع پیوست،تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهامت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت.عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروة الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره انگیز است. این جریانات موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت الله کاشانی اردات بیش تری پیدا کنم.
گرچه درزمان حیات آیت الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می ورزیدم و گاهی به زیارتش می شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت الله بروجردی علاقه ام به او بیش تر شد، حرکت متواظعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه- در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و سخن رانی ها و اعلامیه های صریح وی- موجب ارادت و علاقه بیش تر این جانب

به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون تر شد تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظّف دانستیم تا آن جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می کردند، حرکت کنیم.
فعالیت های علمی:
اینجانب به فضل پرودگار علاوه بر تحصیل علوم حوزوی بر بعضی از کتاب های درسی مانند رسائل، شرح نوشته ام و تقریرات دروس خارج را تدوین کرده ام. هم چنین به مطالعه و تحقیق در حدیث و تاریخ پرداختم که نتیجه آن تألیف و ترجمه بیش از سی جلد کتاب است که برخی را با همکاری آقای هریسی تألیف کرده ام، اینجانب بر اثر علاقه فراوانی که به مطالعه و دیدار از کتاب خانه دارم در سال 1354 شمسی به دمشق مسافرت کرده، ضمن دیدار از کتاب خانه ها به ویژه کتاب خانه ظاهریه- که قدیمی ترین و غنی ترین کتاب خانه موجود آن روز پیش از تأسیس کتاب خانه الاسد بود- بهره وافر بردم. در بهار سال 1356 شمسی نیز به همین منظور سفری به ترکیه نمودم و از شهرهای مختلف این کشور دیدن کردم و بیش ترین مدت اقامت من در استانبول بوده که در این مدت از کتاب خانه سلیمانیه که از جامع ترین و غنی ترین کتاب خانه ها در خاورمیانه است، استفاده نمودم. درزمستان سال 1360 شمسی به دعوت علمای شیعه هند به این کشور سفر کردم و در مدت اقامت بیش از یک ماه از شهرهای بمبئی، لکهنو، بناری، جانپور و.... دیدار و از کتاب خانه مرحوم صاحب عبقات و مدرسه الواعظین در لکهنو بهره مند شدم.
فعالیت های و مبارزات سیاسی:
پس از پانزدهم خرداد و دستگیری امام (ره) تصور من از روحانیت آذربایجان این بود که اکثر آنان شناختی از امام و حرکت او ندارند و این تصور و برداشت موجب شد تا به شهرهای مختلف مسافرت کنم و روحانیون آذربایجان را از اوضاع روز آگاه نمایم. از این رو، به شهرهای مختلف،مانند سلماس، خوی و ماکو- از شهرهای آذربایجان غربی- مسافرت کرده، با بعضی از آنان تماس گرفتم که متأسفانه با بی مهری و عدم پذیریش بعضی از آنان روبه رو شدم که یکی از علل آن، جوانی و بی تجربگی بنده از نظر آنان بود.
در 25 محرم در مسجد جامع ماکو پس از یک سخنرانی تند و بیان صریح مواضع امام،دستگیر شدم و به زندان ساواک شهرستان خوی منتقل گردیدم. پس از چند روز- طبق سیاست کلی طاغوت درباره آزادی روحانیون – به جای اعزام به تهران به ظاهر آزاد شدم؛ اما تحت مراقبت و نظارت پاسگاه محل قرار گرفتم. این مزاحمت ها و محدودیت ها به

صورت مختلف در قم ادامه داشت.
فعالیت های اجتماعی:
از فعالیت های اجتماعی اینجانب تکمیل و راه اندازی مدرسه نمازی خوی بود که پس از انقلاب به دستور امام(ره) تجدید بنا شد و پس از ورود این جانب به خوی،کار ساختمانی آن با کمک اهالی وروحانیت محترم ادامه یافت ومورد بهره برداری قرار گرفت .تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی خوی در خرداد ماه 1364 از دیگر فعالیت های این جانب است. فعالیت این دانشگاه با چهار هزار دانش جو در دو بخش جداگانه پسرانه و دخترانه الگویی برای دانشگاه ها می باشد.
مسولیت ها:
مسئولیت علمی انتشارات جامعه مدرسین، اولین مسئولیت اینجانب بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تأسیس انتشارات جامعه مدرسین، مسئولیت علمی این مؤسسه به عهده این جانب گذاشته شد. از اواسط سال 1359 تا اواسط سال 1360 شمسی به طور موقت عهده دار امامت جمعه سلماس بودم و پس از آن برای تکمیل تألیفات و ادامه تحقیق و بررسی های قبلی به قم مراجعت نمودم.در تاریخ 19/1/1361 شمسی از سوی امام امت(ره) به سمت امامت جمعه خوی منصوب گردیدم.در سال 1369 شمسی از سوی جامعه مدرسین و جامعه روحانیت مبارز تهران برای نمایندگی دوره دوم مجلس خبرگان از آذربایجان غربی داوطلب شدم و از سوی مردم این استان به نمایندگی برگزیده شدم.در مدت اقامتم در سلماس و خوی در دوران دفاع مقدس تا آنجا که امکانات اجازه می داد، در خدمت دفاع مقدس بودم. علاوه بر تشویق برای تأمین نیروی انسانی و کمک های مردمی، در مقاطع مختلف به ویژه د رهنگام عملیات رزمندگان اسلام در جبهه غرب یا جنوب کشور توفیق حضور در کنار این عزیزان شامل حال ما می گردید و در داخل سنگرها و در زیر چادرها از معنویات این عزیزان و از روحیه والای آنان نیرو می گرفتم و درس ها می آموختم.

نسفی، برهان‌الدین، ابوالفضایل

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 600- وف 688 -684/ 679 ق)، فقیه حنفی، مفسر، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و شاعر. معروف به برهان. وی از علمای بزرگ حنفی بود. در علم تفسیر و اصول فقه و علم کلام صاحب تألیف می‌باشد. ساکن بغداد بود. در همان جا درگذشت و جنب مقبره‌ی ابوحنیفه دفن شد. «العقائد النسفیة» که ملا سعد تفتازانی آن را شرح کرده، به وی نسبت داده شده است. در «کشف‌الظنون» فقط یک عنوان کتاب تحت نام «عقائدالنسفی» مربوط به نجم‌الدین عمر بن حمد نسفی ذکر شده است. از دیگر آثارش: «المقدمة فی علم الخلاف» یا «المقدمة البرهانیة» یا «فصول النسفی فی علم الجدل» یا «مقدمة فی الجدل والخلاف والنظر»؛ «منشأ النظر»، در علم خلاف و شرح آن؛ «الواضح»، که مختصر «تفسیر کبیر» فخر رازی است؛ رساله‌ای در «دور و تسلسل»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ شرح «الاشارات والتنبیهات» ابن‌سینا؛ شرح «الرسالة القدسیة» غزالی؛ «مطلع السعادة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (194/ 2)، ریحانه (174 -173/ 6)، شذرات الذهب (385/ 5)، کشف‌الظنون (1861 ،1803 ،1799 -1798 ،1756 ،1720 1296 ،1272 ،1032 ،882 ،865 ،95)، معجم‌المؤلفین (297/ 11)، هدیةالعارفین (136 -135/ 2).

نسفی، حافظ الدین، ابوالبرکات عبداللّٰه

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 710/ 701 ق)، فقیه حنفی، محدث، اصولی، مفسر و متکلم. اصل وی از نسف و اهل ایذه‌ی اصفهان بود. او از مشاهیر فقها و اصولیین و محدثین حنفی و در علم کلام متبحر و بر معاصرین خود مقدم بود. به آورده‌ی بعضی از مآخذ وی در ایذه درگذشت. اما در «ریحانةالادب» مکان وفات وی بغداد ذکر شده است. از آثارش: «الوافی»، در فقه و شرح آن به نام «الکافی»؛ «کنزالدقائق»، در تلخیص «الوافی»؛ «عمدة العقائد» یا «عمدة عقیدة اهل السنة والجماعة»، در کلام و شرح آن به نام «اعتماد الاعتقاد»؛ «منار الانوار» و شرح آن به نام «کشف‌الاسرار»؛ «مدارک التنزیل و حقائق التأویل»، در تفسیر که به «تفسیر نسفی» معروف می‌باشد؛ «المستصفی»، در شرح کتاب «نافع» شیخ ابوالقاسم محمد حسینی (م 656 ق).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (192/ 4)، ایضاح المکنون (98/ 1)، ریحانه (171/ 6)، کشف‌الظنون (2034 ،1997 ،1922 ،1867 ،1849 ،1823 ،1675 ،1641- 1640 ،1515 ،1274 ،1168 ،119)، معجم‌المؤلفین (32/ 6)، هدیةالعارفین

نسفی، نجم‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 537 -461 ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی‌الثقلین، به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در زمینه‌ی فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود. در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن محمد علوی و عبداللّٰه بن علی نسفی و ابوالیسر محمد نسفی و حسین کاشغری و ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و علی بن حسن ماتریدی روایت کرد. فرزندش، ابواللیث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهیم تورپشتی از وی روایت کرده‌اند. حدود صد اثر را به وی نسبت می‌دهند. کتاب «العقائد» یا «عقاید النسفی» که بر آن شروح بسیاری، از جمله شرح سعدالدین تفتازانی نگاشته شده، به وی منسوب است. البته در صحت انتساب این کتاب به وی تردید می‌باشد، چنان که بعضی آن را به برهان‌الدین محمد بن محمد نسفی منسوب کرده‌اند. در سمرقند درگذشت. از دیگر آثارش: «الاکمل الاطول»، در تفسیر؛ «التیسیر فی التفسیر»؛ «قید الاوابد»؛ «تاریخ بخارا»؛ «القند فی تاریخ علماء سمرقند»؛ «یواقیت المواقیت»؛ «طلبة الطلبة»؛ «تطویل الاسفار لتحصیل الاخبار»؛ «مشارع الشارع»؛ «منهاج الدرایة»، در فروع؛ «النجاح فی شرح اخبار کتاب الصحاح»؛ «الخصائل فی الفروع»؛ «دعوات المستغفرین»؛ «الاشعار بالمختار من الاشعار» یا «المختار من الاشعار»، در بیست مجلد؛ «منظومة الخلافیات» یا «منظومة فی الخلاف»؛ نظم «الجامع الصغیر» امام محمد شیبانی، در فروع.[1]
عمر بن محمد ابن احمد نسفی سمرقندی حنفی (461 ه.ق- ف. 537 ه.ق) ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابی‌حفص عالمی متکلم، اصولی، فقیه، مفسر و محدث بود. قریب یکصد رساله در مباحث فقهی و جز آن تصنیف کرده است. از اوست: «اکمل الاطول» (ه.م) «والتیسیر فی التفسیر» و «العقائد النسفیه» و «طلبة الطلبه» و «تاریخ سمرقند» و جز آن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (222/ 5)، ایضاح‌المکنون (117 ،25/ 1)، ریحانه (173 -172/ 6)، سیرالنبلاء (127 -126/ 20)، شذرات الذهب (115/ 4)، طبقات المفسرین داودی (7 -5 / 2)، العبر (453 -452/ 2)،

كشف‌الظنون (2054، 2048، 1929، 1871، 1867، 1731، 1686، 1602، 1356، 1230، 1145، 1125، 1114، 756، 706، 668، 602، 564، 553، 519، 418، 415، 296، 247)، لسان‌الميزان (230 -229/ 5)، معجم‌الادباء (71 -70/ 16)، معجم‌المؤلفين (306 -305/ 7)، هدية‌الاحباب (255)، هدية‌العارفين (783/ 1).

نصیری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نصیری
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
ایشان در سال 1344 هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال 1361 از مدرسه علمیه «امام صادق (ع) رشت» آغاز و تا سال 1376 در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال 1377 وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میزراجواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.
وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث» و «ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال 1378 در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال 1382 در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان: «بررسی مکتب تفسیری صدرالمتألهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش و ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است.

نظری منفرد، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نظری منفرد
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1326/1/1
زندگینامه علمی
سال 1326 در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن (ادبیات، دروس مقدماتی، فقه و اصول) به نجف اشرف در سال 1346 و 1347 رفتم و سپس به ایران و شهر قم بازگشتم و سطح را به پایان بردم. سپس در آزمون دارالفنون تهران در رشته (معقول و منقول) شرکت نمودم و قبول شدم و پس از اتمام دروس سطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شرکت کردم و فلسفه و حکمت را از محضر «شهید مفتح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.
در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و منجر به تعطیل آن مجالس گردید تا پیروزی انقلاب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آباده فارس) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و پس از اتمام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تالیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نعیمی جرجانی، ابومنصور، احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 415 ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل جرجان بود. از ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد غطریفی و ابواحمد بن عدی و ابواحمد نیشابوری حافظ و ابوعمرو حیری و نصر بن عبدالملک اندلسی و دیگران روایت کرد. از آثارش «اخبار الجبل» است. این کتاب در «الانساب» سمعانی تحت نام «اخبار الجیل» و در «الاعلام» زرکلی به نام «اخبار الحیل» آمده است. از دیگر آثارش: «المجتبی»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (186/ 1)، انساب سمعانی (512/ 5)، سیرالنبلاء (340/ 17)، معجم‌المؤلفین (46/ 2).

نقاش اصفهانی، ابوسعید محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 414 ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در طلب حدیث به جاهای مختلف سفر کرد و در اصفهان از جد مادرش‌اش، احمد بن حسن بن ایوب تمیمی، و عبداللّه بن عیسی خشاب و عبداللّه بن جعفر بن فارس اصفهانی و احمد سمسار اصفهانی و ابواحمد عسال اصفهانی و همطبقه‌ی آنها و در بغداد از ابوبکر شافعی و ابن‌مقسم و ابوعلی بن صواف و در بصره از ابواسحاق هجیمی و فاروق خطایی و حبیب قزاز و در کوفه از قاضی نذیر محاربی و صباح بن محمد نهدی و در مرو از حاضر بن محمد فقیه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در هرات از ابوحامد حسنویه و ابومنصور ازهری و در دینور از ابن السنی و از جماعتی دیگر در حرمین و نیشابور و همدان و نهاوند حدیث شنید و شنیده‌های خود را جمع‌آوری کرد و تصنیفاتی به وجود آورد. او همچنین املای حدیث نمود. فضل بن علی حنفی و ابوالعباس ابن اشته و ابومطیع صحاف و سلیمان حافظ و ابوالفتح سوذرجانی اصفهانی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: کتاب «القضاء» یا «القضاة والشهود»؛ کتاب «طبقات الصوفية»؛ «مالی»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (161 -160/ 7)، تذکرة الحفاظ (1061 -1059/ 3)، سیرالنبلاء (308 -307/ 17)، شذرات الذهب (201/ 3)، طبقات الحفاظ (431)، العبر (228/ 2)، کشف‌الظنون (1104)، الوافی بالوفیات (119/ 4)، هدیةالعارفین (62/ 2).

نکبونی، ابوزکریا یحیی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 243 ق)، حافظ، محدث و مفسر. اصلش از بیند ماوراءالنهر و ساکن قریه نکبون، از قرای بخارا بود. در طلب حدیث به عراق و حجاز سفر کرد. از فرزندش، حسین بن یحیی بیکندی، و اسحاق بن سلیمان رازی و عبدالرزاق بن همام و محمد بن عبداللّٰه انصاری و مروان بن معاویه فزاری و معاذ بن هشام دستوایی و یزید بن هارون و سفیان بن عیینه و محمد بن فضیل بن غزوان و وکیع بن جراح و ابومعاویه محمد بن حازم ضریر و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. فرزندش، حسین بن یحیی بیکندی، و محمد بن اسماعیل بخاری و عبیداللّٰه بن واصل و خلف بن عامر و ابوجعفر احمد بن یونس بن جنید و ابومعشر حمدویه مستملی بخاری و سریج بن موسی مؤذن و سهل بن بشر کندی و سهیل بن سهل مؤذن و عبداللّٰه شیبانی و عبیداللّٰه بن واصل بیکندی و علی بن حسن نجاد و ابوجعفر بن ابی‌حاتم وراق بخاری و محمد بن عبداللّٰه سعدی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «تفسیر القرآن». سمعانی در «الانساب» تصنیفاتی، در «صوم» و «صلاة»، و «مناسک» و «معاملات»، برای وی ذکر کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (522/ 5)، تذکرة الحفاظ (487/ 2)، تهذیب التهذیب (170/ 11)، تهذیب الکمال (49 -48/ 20)، الثقات (268/ 9)، سیرالنبلاء (101 -100/ 12)، طبقات الحفاظ (235)، هدیةالعارفین (515/ 2).

نمازی اصفهانی، ملا فتح الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملافتح الله اصفهانی
در زمستان سال 1228 ش . (12 ربیع الاول 1266 ق)(1427)باز شدن غنچه ای در خانه محمد جواد نمازی اصفهانی ، بهار را نوید داد. آن غنچه خوشبو را فتح الله نامیدند.
فتح الله در دامان پر مهر مادری مومن که هیچ گاه او را بدون وضو شیر نمی داد و پدری دلسوز که لحظه ای از تربیت فرزندش غافل نمی شد، رشد کرد و پس از سپری کردن دوران بازیهای کودکانه راهی کلاس قرآن و دیگر کتابهای مذهبی شد.
در حوزه های نور
او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. استعداد و پشتکار فتح الله موجب شد که بتواند با سرعت ، مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته ، در درس فقه و اصول بزرگان مدارس علمیه زانوی ادب به زمین بزند. با این حال حضور در درس بهترین اساتید حوزه علمیه اصفهان نتوانست تشنگی دانش اندوزی او را فرو نشاند. از این رو راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد.
در آن شهر از محضر اساتید برجسته ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس ، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تا در ردیف اساتید آن دیار شناخته شد. سپس به سوی اصفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت .(1428)
او در سال 1295 ق . راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می کردند.
شیخ الشریعه در سال 1313 ق . به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل وی به کتابهای اهل سنت در شگفت شدند.(1429)
پس از بازگشت از حج پروانه های فضیلت پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان درس او از مهم ترین درسهای نجف به شمار می رفت

که صدها نفر در آن شرکت می کردند. این درسها عبارت بودند از:
1. دروس عالی فقه و اصول
2. رجال و درآیه
3. تفسیر و علوم قرآن
4. فلسفه و کلام
5. درس خلافیات که در این درس علت اختلاف نظریات و فتواهای فقیه بررسی می شد. او بعلاوه خطیبی توانا بود که جمعه ها منبر می رفت و به موعظه پرداخت . از دیگر امتیازات ایشان اینکه وی به تحصیل طب و ریاضیات همت گماشته و علاوه بر فرمولها و معادلات ریاضی مطالب زیادی درباره علم پزشکی آموخته بود.
گویند روزی ایشان بیمار شد و وقتی پزشک برای معالجه بر بالین او آمد شیخ الشریعه در مورد بیماری اش از کتاب قانون بوعلی سینا مطلبی گفت . پزشک تصور کرد چون شیخ نوع بیماری خود را می دانسته تنها همان قسمت کتاب را به خاطر سپرده است ولی در گفتگوهای بعدی مشخص شد او بیشتر مطالب قانون را آماده در ذهن دارد.
اساتید
شیخ الشریعه در محضر شریعتمداران زیادی درس شریعت آموخت تا شیخ شریعت شد به پاس احترامشان نام آنان در ذیل می آید:
1. ملا حیدر علی اصفهانی
2. آیه الله نصر الله مدرس
3. شیخ محمد صادق تنکابنی
4. ملا احمد سبزواری
5. شیخ عبدالجواد خراسانی
6. آیه الله ملا محمد باقر اصفهانی
7. شیخ حسین علی تویسرکانی ملایری
8. آیه الله شیخ محمد تقی هروی
9. آیه الله شیخ محمد رحیم بروجردی
10. آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی
11. آیه الله میرزا حبیب الله رشتی
شاگردان
صدها نفر از طلاب علوم دینی در جلسات درس ایشان شرکت می کردند که بسیاری از آنان بعدها در زمره مراجع تقلید در آمدند و نامی ترین آنان عبارتند از:
آیات عظام : 1. شیخ عبدالکریم حائری
2. سید محمد حسین بروجردی
3. سید ضیاء الدین عراقی

4. سید ضیاء الدین عراقی
5. سید شهاب الدین مرعشی نجفی
6. سید عبدالهادی حسینی شیرازی
7. سید محسن طباطبایی حکیم
8. سید محمد کوه کمره ای (حجت)
9. سید محمد تقی خوانساری
10. محمد علی شاه آبادی .

قلم نور

از آنجا که شریعت در علوم گوناگون اسلامی مهارت داشت در بسیاری از رشته ها نوشته هایی پر بها از خود به یادگار گذاشت که هر یک در علوم مختلف حاکی از فزونی دانش اوست . از آن همه ، پاره ای رساله در موضوعات فقهی و اصولی است . در علم تفسیر، فلسفه ، کلام و ادبیات عرب نیز دارای آثاری نیکوست .

مرجعیت

پس از وفات آیه الله میرزا حبیب الله رشتی و آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی شماری از مردم از شیخ الشریعه تقلید می کردند ولی پس از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی ، شیخ الشریعه یگانه مرجع جهان تشیع شد. با این حال وی رهبری دینی را چون باری سنگین بر دوش خود احساس می کرد. او در خلوت دیده شده بود که اشک ریزان با خدای خود چنین مناجات می کرد:

((خدایا، در آخرین روزها زندگیم در دنیا به ریاست مبتلا(!) شده ام و باید سنگینی این بار امانت را به دوش کشم ! بار الها، من طاقت تحمل این امر بزرگ را ندارم ... و حال آنکه تو فردای قیامت از من سوال خواهی کرد...))

شبیخون

شیخ الشریعه در پی مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه های فراوان بود که پرده از چره استعمار می زدود در قسمتهائی از یکی از این اعلامیه ها آمده است .

((خدمت علمای بزرگ ... و عموم مردم روستاها و شهرها و کوچ نشینان ...

بر آقایان و هوشیاران ... پوشیده نیست که بیگانگان از سده های پیشین و مدتها قبل کوشیده اند دارایی مسلمانان را برزدند و شهر و کشورشان را تصاحب کنند... قرآن سراسر حکمت را از میان آنان بردارند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود سازند، بیگانگان همواره برای دستیابی به این هدفها نقشه هایی ترتیب داده اند، آنگاه آیه الله شریعت

چندین نمونه از نقشه ها و هدفهای دشمن را در 10 مورد بازگو کرده ، در پایان دردمندانه از مسلمانان و ایرانیان می خواهد که در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند.(1430)
دزدان فرهنگ
در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده ، به کتابخانه لندن بفرستند!
در این میان روحانیون آگاهی که نمی خواستند فرهنگ اسلامی به دست کفار غارت شود در مقابل آنان می ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ شریعت به کمک طلاب آمده ، آنها را از بند نجات می داد. برای نمونه می توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.
تقسیم ایران
یک سال پس از انقلاب مشروطه (در سال 1907 م) دو کشور استعمارگر روسیه و انگلستان در یک توافق سری ایران را به 3 منطقه تقسیم کردند؛ مناطق جنوبی سهمیه انگلستان و شمال ایران از آن روسیه شد و برای آنکه با هم اختلافی پیدا نکنند قسمتهای مرکزی را به عنوان منطقه بی طرف سهم ایران قرار دادند. در این هنگام که تمامیت ارضی و استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار داشت ، شیخ الشریعه و دیگر علما درسهای حوزه علمیه را تعطیل و خود را برای جهاد آماده کردند؛ چنانکه در تلگرافی که بدین مناسبت انتشار دادند می خوانیم :
((اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیه خصوصا به اشتهار معاهده میشومه جدیده با دولتین موجب وحشت عموم علمای اعلام ... (شده است .) قاطبه علمای این مشاهد مشرفه وظایف مقامیه را تعطیل و در حفظ اسلام به ادای آخرین تکلیف (جهاد) حاضر...))
ایران در آتش
در سال 1330 ق با حمله روسیه به ایران شهرهای تبریز، گیلان ، رشت ، مشهد مقدس و چندین شهر و روستای ایران اشغال شد. در این زمان که ایران در سراشیبی سقوط قرار گرفته بود مراجع تقلید شیعه که در آن ایام در عراق بودند تصمیم گرفتند با مقاومتی قهرمانانه جلو متجاوزان را بگیرند.
در یازدهم محرم 1330 هیات علمیه نجف به همراه صدها نفر از طلاب حوزه علمیه و دویست هزار تن از عشایر مسلح به طرف ایران حرکت کردند. آنان تصمیم گرفتند در سر راه خود به ایران چند روزی در کاظمین توقف کرده ، پس از آماده کردن مقدمات لازم به طرف ایران حرکت کنند.

از جمله اقدامات آنان در کاظمین می توان به ارسال هیات هایی به کشورهای مختلف برای مذاکره با سران آن کشورها و ارسال اطلاعیه های فراوان به مسلمانان جهان اشاره کرد.
و دیگر آماده کردن عشایر ایران برای جهاد بود که با ارسال تلگرافهای متعدد آنان را به جهاد دعوت کردند. در یکی از این برگهای زرین چنین می خوانیم :
به عموم حجج اسلام ، سرداران عظام و روسای عشایر.... از قدیم زمان الی کنون به واسطه مردانگی عشایر... هرگز به خیال اجانب نمی رسید که دست اندازی به خاک ایران نمایند چه رسد به سوق عساکر و جسارت ... در ممالک اسلامیه . مگر در این عصر مردانگی ایرانیان محو و نابود و عقاید اسلام پشت گوشها افتاده .. یاللمسلمین یک مشهد مقدس ... در مملکت شماست ، آیا رواست که با وجود امثال شماها به تصرف کفار درآید و ننگ تاریخی برای شما، باقی بماند!...))(1431)
وقتی مردم مسلمان و عشایر غیور ایران خود را برای دفاعی جانانه آماده کردند وثوق الدوله که در آن زمان ریاست هیات وزرا را به عهده داشت با نیرنگ اولا از حرکت علما به طرف ایران ممانعت کرد. وانگهی از عشایر و دیگر امت مسلمان ایران خواست از هر گونه اقدامی که مخالف سیاسیتهای روسیه و انگلستان باشد خودداری کنند و به آنها هشدار داد که اگر با نیروهای در حال پیشروی انگلستان مقابله کنند دولت آنها را مواخذه خواهد کرد. و از طرف دیگر مصرانه از علما خواست که از کاظمین متفرق شوند.
عقب نشینی نیروهای روسیه و اقدامات وثوق الدوله کارگر افتاد و تندری که می رفت خصم را بسوزد توسط دولت ایران خاموش شد و علما که نمی خواستند جنگ داخلی مشکلات ایران را دو چندان کنند از حرکت به طرف ایران منصرف شدند.
نبرد اقتصادی
شیخ شریعت در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن دو اقدام مهم انجام داد.
1 - تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی
2. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان .
البته در این جبهه نیز زمانی که می رفت این مبارزه منفی شکوفه دهد سفارت انگلیس با یک نامه فدایت شوم به وثوق الدوله نوشت که از علما بخواهد فتواهای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق هم همین کار را کرد.
مجتهد مجاهد
عراق در جنگ جهانی اول به تصرف انگلستان درآمد و شیخ الشریعه ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را به عهده

گرفت .
یکبار که مجتهد مجاهد با کشتی کوچکی به طرف یکی از جبهه ها در حرکت بود. کشتی آنها شکست و نزدیک بود ایشان غرق شود که دیگر مجاهدان وی را نجات دادند.
نیروهای مردمی به فرماندهی علما به مدت هیجده ماه در برابر نیروهای عظیم انگلستان مقاومت کردند و اگر پیروزی نهایی متفقین و ضعف شکست عثمانی و دیگر متحدانش نبود اشغالگران هیچ گاه موفق به اشغال عراق نمی شدند.(1432)
در بستر انقلاب
نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شعار که هدف ما رهایی کامل ملتهاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند با برگزاری رفراندم فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان درخواست استقلال کردند آنها را تبعید و زندانی کردند و متعاقب این اوضاع شیخ الشریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسی و فرماندهان ارشد نظامی آنان از این درخواست سرباز زدند و سعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند.
در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسیان از دادن حقوق آنها سرباز زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.
در هنگامی که تمامی شهرهای عراق در آتش انقلاب می سوخت ناگهان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را به عهده داشت به طور مرموزانه ای درگذشت ولی در آن لحظات حساس آیه الله شریعت اصفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شیرازی را برداشت و با صدور بیانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاب ادامه دهند و سپس در اجتماعی که در صحن حضرت علی علیه السلام برگزار شده بود حاضر شد و در حالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چند نفر از اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد.
در همین ایام ویلسون ، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریبد اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت .(1433)
متعاقب این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به

طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاحهای پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روز افزون نیروهای انگلستان ، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره اقتصادی و نظامی ، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغیر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آورد. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند.

پس از اشغال نجف 17 تن از علما و از جمله حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.

خاندان

آیه الله شریعت با یکی از نوادگان آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی مولف کتاب فصول ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج 3 فرزند پسر بود:

1. شیخ حسن : وی فرزند بزرگ شیخ الشریعه بود و در انقلاب نقش بسزایی داشت .

2. شیخ مهدی ، او تقریرات درس پدرش را به رشته تحریر کشید و کتاب ((اعلام الاعلام بمولد خیر الانام)) از اوست .

3. شیخ محمد شریعت (1283 - 1357 ق .): وی در نجف به تکمیل علوم خود پرداخت . در سال 1331 ش . آیه الله بروجردی او را به عنوان نماینده خود راهی اصفهان کرد. شیخ محمد پس از رحلت آیه الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که عده ای از علمای پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردند.(1434)

صبح تیره

سرانجام روح پر فتوح آیه الله شریعت اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن در شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی سال 1339 ق . قفس تن را درید و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پر کشید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیرمؤ منان علیه السلام به خاک سپرده شد.

در سال 1366 ق . که آیه الله حاج آقا حسین قمی دار فانی را وداع کرد و می خواستند او را کنار شیخ الشریعه دفن کنند در هنگام حفر قبر مقداری از قبر شیخ شریعت خراب شد و حاضران با تعجب دیدند جسد آن فقیه

فرزانه هنوز کاملا تازه است چنانکه گویا روز پیش به خاک سپرده شده است .

نمازی شاهرودی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نمازی شاهرودی فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج شیخ محمد نمازی شاهرودی از علماء مبرز و متقی و دانشمندان متتبع و نویسندگان متبحر حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.
در سال 1332 قمری در شهرستان شاهرود متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود نزد والدشان و سایر اساتید فراگرفته و آنگاه برای تکمیل مبانی فقه و اصول مهاجرت به مشهد مقدس نموده و و از محضر آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان به ویژه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی که در معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت نادره زمان واغلوطه اوان بوده و شاگردان مکتبش چون حاج شیخ مجتبی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد آقای تهرانی و صدها نفر دیگر امثالهم از آیات بزرگ و دانشمندان بنام معاصر بودند استفاده فقه و معارف الهی نموده و به نجف اشرف مشرف و چندی هم در آنجا اقامت و از مبانی مدرسین و مجتهدین حوزه نجف مطلع و استفاده نموده و به مشهد مراجعت و به تألیف کتب مفیده و تدریس پرداخته و مهارتی عجیب در مناظره با پیروان ادیان دیگر و مذاهب باطله داشت و نیز در احتجاج و مباحثه با اهل سنت و جماعتی و در سفرهای عدیده‌اش به حجاز و کشور سعودی مباحثاتی با حضرات داشته که موجب استبصار عده‌ای از مردم پاکستان و هندوستان شده است.
آن مرحوم در علوم غریبه و علم طلب قدیم و گیاه‌شناسی و ریاضی هم اطلاع عمیق داشته و با زبان فرانسه هم آشنائی داشته حدود سه دوره بحارالانوار را از اول تا آخر مطالعه و در اثر این مطالعات موفق به تألیف مستدرک البحار در ده مجلد شده که پنج جلد آن در زمان حیات خودش به طبع رسیده و پنج مجلد آن پس از رحلتش فرزند یاد شده‌اش اقدام به طبع و نشر آن نموده و حافظ تمام قرآن و یا اکثر آن بوده زیرا از هر آیه که می‌پرسیدند فورا آدرس درس آن را می‌داد و به گفته برخی از مرحوم آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی قدس‌اللّٰه سره از ایشان پرسیده بودند فرموده بود که آقای نمازی مجلسی زمان ما بوده است.
نگارنده این کتاب چون مدتی در مدرسه نواب مشهد با ایشان همسایه و مرواده داشتم ایشان را از جهاتی کم‌نظیر یافتم. تألیفات بسیاری دارد که

از دیدگان عزیزان می‌گذرانم.
1- اثبات ولایت که 6 مرتبه به چاپ رسیده.
2- ابواب رحمت 2 مرتبه چاپ شده.
3- تاریخ فلسفه و تصوف 2 مرتبه چاپ شده.
4- مقام قرآن و عترت 3 مرتبه چاپ شده.
5- ارکان دین 2 مرتبه چاپ شده در خداشناسی و پیغمبر و امام‌شناسی و فروع دین و نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت. و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری تدوین شده است.
6- الهدی الی صراط مستقیم.
7- دوره مستدرک سفینه‌البحار در ده جلد به طبع رسیده.
8- رساله تفویض
9- تاریخ مجالس روضه‌خوانی
10- زندگانی حبیب بن مظاهر
11- اصول دین
12- الاسلام الهادیه فی الاعتبار الکتب الاربعه
13- رساله نور الابصار
14- مناسک حج- مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن.
تألیفات طبع نشده علامه نمازی
1- روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده جلد.
2- مستدرکات علم رجال، ده جلد.
3- مستطرفات المعالی در احوال راویان احادیث.
4- دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزو.
5- رساله‌ای در طب.
6- معرفه‌الاشیاء- گیاه‌ها- درختها حیوانات و جمادات.
7- مباحث اصول.
متاسفانه این دانشمند متتبع و محدث متبحر و مؤلف مکثر در شب دوشنبه دوم ماه ذیحجه سال 1405 هجری قمری برابر 28 مرداد ماه 1364 شمسی از دنیا رفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه الصلوه والسلام مدفون گردید عاش سعیدا و مات سعیدا حشره اللّه مع الشهداء والسعداء آمین یااللّه.
محقق، عالم دینی.
تولد: 1294 ق.، شاهرود.
درگذشت: 28 مرداد 1364، (دوم ذیحجه سال 1405 ق.).
آیت‌الله علی نمازی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فراگرفت.

سپس رهپسار مشهد شد . در آنجا مدارج عالیه فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت به گونه‌ای که در بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.
مدتی نیز به حوزه‌ی نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت‌الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست، ضمنا به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.
آثار ایشان عبارتند از: مستدرک سفینه البحار (در ده جلد)؛ الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج (الهادی)؛ الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه؛ ابواب رحمت (جلد اول، مشهد، 1337، ق.، قم، 1362)؛ تاریخ فلسلفه و تصوف (یا مناظره دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، 1377 ق.)؛ مناسک حج؛ رساله تفویض؛ رساله علم غیب (ع)؛ اصول دین؛ رساله نورالانوار؛ ارکان دین؛ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی؛ تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع) قرآن و عترت در اسلام.
آثار علمی خطی چاپ نشده وی به این شرح هستند: مستطرفات المعالی؛ مستدرکات علم رجال (پانزده جلد)؛ روضات النظرات؛ مجموعه نفیسه در طب؛ معرفة الاشیاء (گیاه‌شناسی)؛ مطرف الهیه؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر تفسیر برهان، حاشیه بر رجال ممقانی، حاشیه بر رجال آیت‌الله خویی؛ حاشیه بر رجال شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب جواهر در فقه تألیف محمدحسن نجفی، حاشیه بر کتاب وقایع المشهور، حاشیه بر کتاب بحارالانوار آیت‌الله غروری، حاشیه بر رساله‌ی شریف رجبیه محدث بیرجندی و حواشی دیگر.
(تو ح 1332 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه‌ی مشهد به پایان رسانید. آنگاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت‌اللّٰه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینةالبحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقی الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ تذییلات کتاب «مجموعة الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه‌ی مجالس

روضه‌خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت آن»؛ «نورالانوار»، به فارسی و عربی؛ رساله‌ای در «علم غیب امام (ع)».[1]
علی ابن العالم الکامل و العابد الزاهد آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد معروف به (نمازی) شاهرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.
وی در حدود سال 1332 قمری متولد شده و در بیت علم و ورع و تحت تربیت پدر دانشمند و زاهدش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه مشهدبه پایان رسانیده سپس از محضر مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللَّه سبحانی مربی نفوس و مهذب اخلاق آیت‌اللّٰه الملک العلام آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی سالهای متمادی استفاده نموده و با هم از محضر آیات دیگر مشهد بهره‌مند گردیده و در مسجدی از مساجد بالا خیابان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام تا حال تحریر اشتغال دارند
نگارنده گوید از سال 1364 ق که در مشهد اقامت داشتم و در مدرسه نواب از محضر مرحوم آیت‌اللَّه میرزا مهدی اصفهانی خارج مبحث حج را استفاده مینمودم با معظم‌له آشنا شده و بعد از درس مذاکره بحث را می نمودیم وی را دانشمندی متقی و پارسا و مشغول به مطالعه و تألیف شناخته‌ام خداوند امثال ایشان را همواره موفق بدارد.
تألیفات مطبوع ایشان از اینقرار است.
1- ابواب رحمت دو مرتبه به طبع رسیده 2- تاریخ فلسفه تصوف 3- متدرسک سفینه البحار ج 1 و 2 بطبع رسیده 4- کتاب ارکان دین در آن شرح اصول دین (خداشناسی و فروع دین نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری (رجعت) و قیامت کبری) 5- مقام قرآن و عترت در اسلام 6- فهرست منتقی‌الجمان 7- تذییلات کتاب مجموعه الاخیار 8- شرح زندگانی حبیب ابن مظاهر 9- تاریخچه مجالس روضه‌خوانی 10- مناسک حج و وجوب و فضیلت آن 11- کتاب اثبات ولایت 13 -12- نورالانوار فارسی و عربی 14- رساله‌ای در علم غیب امام (ع)
تألیفات مخلوط ایشان
1- تتمه مستدرک سفینه‌البحار ده جلد 11- مستدرکات علم رجال شیخ 5 جلد 16- کتاب اصول دین 17- کتاب مستطرفات المعالی در احوال رجال و راویان اخبار 18- روضات النضرات در فقه استدلالی ده مجلد 19- معارف الهیه 20- مجموعه نفیسه در طب 21- معرفه الاشیاء و غیره
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (184 -183/ 7 ،374/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (437/ 4).

نواب اصفهانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1240 ق)، عالم دینی، مفسر، حکیم و منجم. مشهور به نواب و میرزا باقر نواب. اصلش از لاهیجان و ساکن اصفهان بود. وی از حکما و علمای عهد فتحعلی شاه قاجار است. در حکمت، فلسفه، منطق و نجوم متبحر و چندی نیز عهده‌دار سمت وزارت جعفرخان زند بود. با مرگ جعفر خان، میرزا باقر به کار تألیف و تدریس در اصفهان مشغول شد و از عالم سیاست کناره گرفت. وی در تهران درگذشت و در شهر ری به خاک سپرده شد. از آثارش «تحفة الخاقان»، در تفسیر قرآن به اسلوبی جدید، در چهار مجلد: اولی در «قصص»، دومی در «ذکری»، سومی در «احکام» و چهارمی در «وقایع یوم‌القیام». در «الذریعة» و «طبقات اعلام‌الشیعة» این کتاب در پنج بخش شامل: «آیات القصص»، «آیات الاحکام»، «آیات المعارف»، «آیات المواعظ» و «آیات الوعید» معرفی شده که آن را به خواهش فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (407/ 9)، تذکرةالقبور (189 -188)، الذریعه (145 -144/ 4 ،432 -431/ 3)، روضات‌الجنات (147 -146/ 7)، ریحانه (123/ 5)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 189 -188/ 13)، فوائد الرضویه (621)، کتاب گیلان (676 -675/ 2)، مکارم‌الآثار (1234 -1229/ 4)، نامها و نامدارهای گیلان (508).

نوروزی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد نوروزی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1

زندگینامه علمی
جناب آقای محمد نوروزی در سال 1349 در شهر مقدس مشهد و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت «علیه‌السلام» به دنیا آمد، پدر او علی نام داشت. ایشان در سال 1364 وارد حوزه علمیه مشهد گردید، مقدمات را از محضر «آقای ملکی» فرا گرفت. سپس دروس سطح را از محضر بزرگانی چون: «آیت الله رضازاده»، «آیت الله مهدی مروارید» و «فیاض صابری» به پایان رساند.
با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه حضرت «آیت الله مرتضوی» و خارج اصول «حضرت آیت الله فلسفی» راه یافت و از محضر علماء بهره‌ای فراوان برد، ایشان علاوه بر تدریس، به تدریس خود آموخته ای خویش پرداخت تا در این زمینه نیز دَین خویش را نسبت به علوم فرا گرفته ادا نماید. البته ایشان از امر پژوهش نیز غافل نبود و در این راستا نیز زحمات فراوانی کشیده است.

نوری فرد، نورعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نورعلی نوری فرد
محل تولد : روستای طرزم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1311/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب نور علی نوری فر فرزند لطف الله در سال 1311 در یکی از روستاهای اهر متولد شدم. سال 1328 وارد حوزه تبریز شده ام و از شهریور 33 وارد حوزه علمیه قم شده و شروع به ادامه تحصیل نموده ام و هم اکنون نیز در حال تالیفات کتاب هستم و در همه مواردی که موسسه علوم آل محمد در زمینه های مختلف داشته است؛ فعالیت موثر داشته ام.

نوری همدانی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه
حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی دامت برکاته:
ولادت :
ایشان در سال 1304 شمسی در یک خانواده مذهبی در شهر همدان دیده به جهان گشودند . پدر ایشان مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابراهیم نوری همدانی از علمای وارسته همدان ، معاصر با حضرت آیت ا... العظمی آخوند ملاعلی همدانی و هم حجره ایشان بود . تحصیلات :
معظم له در سن هفت سالگی آموختن را آغاز نموده ، ادبیات فارسی ، گلستان سعدی ، انشاء ، ترسل نصاب و ... تا معالم الاصول را پیش والد مکرم خویش فرا گرفتند . سپس در سال 1321 شمسی وارد مدرسه مرحوم آخوند همدانی شده و حدود یک سال و نیم در آنجا به فراگیری علوم پرداختند . ولی اشتیاق و عطش ایشان به آموختن و استعداد مثال زدنی فراگیری در وجود معظم له ، وادارشان ساخت تا بعد از اقامت مدت کوتاهی در همدان ، به شهر مقدس قم عزیمت نموده و در آشیانه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) اقامت افکنده ، با به جان خریدن همه مشقتهای جان فرسای آن روز ، به بهره گیری از دروس اساتید برجسته حوزه علمیه قم بپردازند . اساتید :
همانگونه که بیان شد ایشان دروس ابتدایی را در خدمت پدر بزرگوارشان آموخته ،سپس در محضر بزرگان حوزه علمیه همدان به ویژه مرحوم آیت ا... العظمی آخوند ملاعلی همدانی زانوی شاگردی زدند. بعد از ورود به حوزه علمیه قم ، بیشترین استفاده علمی را از خدمت آیات عظام : داماد ،حجت کوهکمره ای ،علامه طباطبایی ، بروجردی و حضرت امام خمینی (علیهم الرحمه) داشته اند که این قسمت را از زبان خود حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی می خوانیم : یکی دیگر از اساتید مهم ما مرحوم آیت الله العظمی سید محمد داماد می باشد که حدود 12 سال در درس فقه و اصول معظم له شرکت نمودم . چند نفر بودیم در حوزه که به شاگردان داماد معروف بودیم . ایشان مرد بسیار دقیقی بود و دقت نظر ایشان انصافاً خیلی خوب بود . در تربیت شاگرد و عنایت به شاگرد هم ممتاز بود . نوشته هایی از درس آن مرحوم را بنده دارم . من درسهای ایشان را می نوشتم و بعداً خدمت ایشان میدادم . مطالعه می کردند و با

دقت در حاشیه اش چیزهایی می نوشتند که اکنون وقتی نگاه میکنم برای من یک یادگار آموزنده و مهمی است . در تواضع ، اخلاص و ساده زیستی کم نظیر بود . این را فراموش نمی کنم یک روز درس میگفتند ، در مسئله وضو به اینجا رسیدند که در موقع گرفتن وضو باید انسان خودش آب بریزد و خودش وضو بگیرد و کسی کمک نکند . البته کمک هم مراتب دارد . بعضی مراتبش باطل میکند و بعضی مراتبش مکروه است . روایتی خواندند از « وسائل» که حضرت امام رضا (ع) زمانی که به مجلس مأمون وارد شدند و مأمون در حال وضو گرفتن بود ، بدین نحو که یک نفر آب میریخت در مشت او و او وضو میگرفت. حضرت امام رضا (ع) به مأمون فرمودند : «لا تشرک بالله یا امیرالمؤمنین » . این کلمه را که ایشان خواندند، که حضرت رضا به مأمون ، امیر المؤمنین گفته باشد. در اثنای بحث این کلمه (امیرالمؤمنین) ایشان را منقلب کرد به طوری که به شدت گریه کرد و نتوانست آنروز درس بگوید . متأسف شد که وضع طوری باشد که امام رضا (ع) به مأمون بگوید امیر المؤمنین ! اخلاصش را دارم ، میگویم که آنروز با گریه اش همه را منقلب کرد و نتوانست درس بگوید . عبایش را بر سرش گرفت و جلسه را ترک کرد . از جمله کسانی که باز پیش آنها درس خواندم آیت الله آقای علامه طباطبایی بود که پنج سال بنده به درس اسفار ایشان رفتم . البته عظمت و بزرگواری آیت الله علامه طباطبایی از لحاظ اخلاق ، کمال و معلومات و تربیت شاگرد ، معلوم است و نیاز به توضیح ندارد . یکی دیگر از اساتید بزرگ ما حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد حجت کوهکمری بود . من در درس ایشان مدتی شرکت می کردم . درس معظم له ، در آن زمان در قم ممتاز بود . استادی بسیار بزرگ و خیلی خوش بیان بودند . در درس گفتن سلیقه خوبی داشتند . مطالب را دسته بندی می کردند . دسته بندی مطالب بگونه ای بود که نوشتنش خیلی را حت بود . روش آن مرحوم باید برای ما درس باشد که مطالب را تنظیم کنیم . مثلاً بیع فضولی که می گفت ، در بیع فضولی چند تا مبناست : مبنای مرحوم شیخ انصاری ، مبنای مرحوم آخوند خراسانی که از حاشیه آخوند بر مکاسب استفاده می شود _ مبنای مرحوم سید محمد کاظم یزدی ، مبنای مرحوم شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی و مبنای خودش ، پنج شش تا مبنا بود.از اول بیع فضولی تا آخر ، هر روز مطلب هرکس را روی مبنای خودش ، بطوری تنظیم می کرد که انسان از این بیان و دسته بندی تعجب می کرد . درس را به این ترتیب می گفت و مقتضای مبنای هر کس را در مسأله ، بیان می کرد ، یا در صحت و نفوذ بیع فضولی و در بحث اجازه مثلا در نقل و اقسام کشف و ... تقسیم بندی بسیار جالبی داشت . نکته دیگری که در رابطه با ایشان بنظرم رسید ، آن است که روزی که در آستانه احتضار قرار گرفته بود رفتم منزل ایشان ،

نزدیک مدرسه حجتیه . من توی حیاط بودم و اشخاص دیگری هم بودند . همه ناراحت و متأثر بودیم . یک نفر آمد و گفت : برای ایشان ، مقداری تربت سید الشهدا (ع) آوردند ، تربت را با آب قاطی کردند . تا ایشان بخورند . ایشان هم برداشت و نزدیک لبش آورد و گفت : (آخر زادی من الدنیا تربة الحسین).و آنگاه نوشید و اشهد ان لا اله الا الله را گفت و روبه قبله ، به جوار حق پیوست . یکی دیگر از اساتید بنده حضرت آیت الله العضمی بروجردی بودند ، بنده از روزی که ایشان به قم تشریف آوردند تا روزی که از دنیا رحلت کردند ، یعنی : در حدود 15 سال در تمام درسهای ایشان افتخار شرکت کردن راد اشتم و مقدار زیادی از درسهای فقه و اصول آن استاد بزرگ (اعلی الله مقامه) رانوشته ام و در ضمن شرکت در درس گاهی مطالبی در رابطه با درس می نوشتم و در درس به محضر مبارکشان تقدیم می کردم ، معظم له آن را می خواندند و گاهی هم با بزرگواری خاصی که داشتند مودر تشویق قرار می دادند . آیت الله بروجردی ، از لحاظ سخاوت و کرم دارای امتیاز خاصی بودند . برای نمونه ، یک وقت ایشان در بیرونی نشسته بودند ، زنی وارد شد و آقا آن زن راد ید . به پیش خدمت خود فرمودند : ببینید این زن چه میخواهد . پیشخدمت گفت : این زن علویه است ، پول یک چادری می خواست ، پنجاه تومان به ایشان داده شد . آقا تا اسم علویه را شنیدند ، فرمودند : علویه و پنجاه تومان ؟ گویی ایشان ، پنجاه تومان را برای علویه توهین دانستند . در حالی که در آن زمان ، پنجاه تومان کم پولی نبود . فرمودند : اقلاً چهارصد ـ پانصد تومان به آن زن بدهید . به طور کلی ، همیشه اشخاصی که نزدایشان می آمدند،ایشان بیش از آن مقداری که اشخاص توقع داشتند به آنان عنایت می کردند . یکی از اساتید بزرگ ما ، حضرت امام خمینی (رحمه الله) بودند . راجع به حضرت امام ، باید عرض کنم ، اولین وسیله آشنایی من با ایشان ، در ابتدای ورودم به قم ، سال هزار و سیصد و شصت و دو قمری ،در درس اخلاق ایشان بود ،که روزهای جمعه عصرها تقریبا یک ساعت به مغرب مانده در مدرسه فیضیه ،زیر کتابخانه درس اخلاق می فرمودند . بعد توسط حضرت آیت الله العضمی خوانساری ، نماز جماعت اقامه می شد . بنده هم در درس اخلاقی ، عرفانی و علمی ایشان ، شرکت می کردم . این درس ،بسیار سازنده و کامل بود . آیات و احادیث آمیخته با برداشت علمی ، اخلاقی با بیان بسیار رسا و کافی از دل برمیخاست و بر دل می نشست . تحولی عمیق در شنونده ایجاد می کرد . مدرس مملو از جمعیت میشد . صفا و معنویت اعضای مجلس را فرا میگرفت.در همان موقع هم ایشان یکی از علمای بزرگ و مشهور بودند و در تیز بینی و ژرف اندیشی و واقع نگری و وسعت نظر ممتاز بودند . یکی از چیزهایی که در معرفی فکر ایشان ، خیلی مؤثر بود کتاب (کشف

الاسرار) ایشان بود . که آن موقع این کتاب چاپ شده بود و در دسترس بود . البته هنوز هم این کتاب بسیار ارزشمند و عالی است . شخصیت ایشان ، دارای ابعاد مختلفی است . یکی از جهت بعد فلسفی که شاید الآن مثل ایشان ، کسی را سراغ نداریم. اگر چه در آن زمان در تهران مرحوم آشتیانی را داشتیم ، علامه طباطبائی آن موقع در نجف بودند . همچنین ، استاد معقول حضرت امام ، مرحوم آیة اللّٰه العظمی آقا سید ابو الحسن قزوینی ، معروف به علامه رفیعی بودند که چند ماهی قم تشریف آوردند و درس معقول می‌فرمودند و بنده هم درس ایشان می‌رفتم . درباره شخصیت ایشان از جهات مختلفی می‌شود صحبت کرد ، که از نظر بنده ، آنچه مهم است ، مسأله شناخت زمان است . در متون دینی ما هست که عالم ، باید عارف به زمان باشد . ایشان ، از لحاظ شناخت جریانات و مقتضیات زمان ، دارای امتیاز خاصی بودند و در میان علماء بزرگ ، هر یک از آنان که فکر و فعالیتشان ، با زمان هماهنگ بوده است ، توانسته است تحولی ایجاد کند . تکریم از اساتید :
معظم له با الهام از آیات قرآنی و روایات اسلامی و با تأسی بر سلف صالح خویش در مورد تعظیم و تکریم اساتید خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده ، پیوسته یکی از توصیه های ایشان به شاگردان و مخاطبان خود تکریم و تجلیل از اساتید خود می باشد تا جایی که بارها فرموده اند : «من اسامی همه اساتید خود را یاد داشت نموده ، در نماز شب خود برای آنان دعا می کنم ،چرا که این عمل دارای برکات فراوانی بوده ، باعث توفیق روز افزون انسان می گردد » . تدریس :
حضرت آیت الله نوری از بدو ورود به حوزه علمیه قم همزمان با تحصیل ، تدریس را نیز آغاز نموده و در موضوعات مختلف فقهی ، اصولی ، کلامی ، اخلاقی و ... حوزه درسی شلوغی داشته و شاگردان زیادی از محضر پرفیض ایشان بهره می گرفتند . تا جایی که درس نهج البلاغه معظم له در مسجد اعظم در زمان طاغوت از درسهای پر محتوای حوزه علمیه آن روز به حساب آمده ، مباحث مطروحه در آن از حیث منطق و استدلال چنان عرصه را بر کارگزاران رژیم طاغوت تنگ کرد که چاره ای جر تعطیلی آن ندیده و با تعطیل کردن آن صدها تن از فضلای حوزه علمیه را ـ که اینک هریک از بزرگان حوزه و خدمت گزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی محسوب می شوند ـ از آن نعمت محروم کردند . و اینک نیز قریب به سی سال است که به تدریس درس خارج مشغولند که حدود یکهزار نفر از فضلاء و علمای برجسته از محضر ایشان کسب فیض می نمایند . تألیفات :
حضرت آیت ا... العظمی نوری همدانی از حیث نوشتن مطالب علمی تقید خاصی دارند و یکی از سفارشات جدی ایشان به طلاب این است که باید اهل قلم باشند و در زمینه های گوناگون بتوانند قلم فرسایی کنند . روی

این اصل معظم له نوشته های فراوانی در زمینه موضوعات مختلف دارند که بالغ بر 50 جلد می شود . برخی از آن نوشته ها چاپ شده و بعضی دیگر در آستانه چاپ قرار دارد و برخی از آنها در حال آماده سازی جهت چاپ می باشد . کتابهایی که تاکنون به زیور چاپ آراسته شده اند ، عبارت است از : 1_ الخمس 2_ مسائل من اجتهاد و تقلید 3_ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام- عربی 4_ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام- فارسی 5_ اسلام مجسم – شرح حال علمای بزرگ اسلام 6_ جایگاه بانوان در اسلام 7_ جهاد - فارسی 8_ ربا 9_ دانش عصر فضا 10_ شگفتی های آفرینش 11_ جهان آفرینش 12_ انسان و جهان 13_ خوارج از دیدگاه نهج البلاغه 14_ یک حرکت انقلابی در مصر 15_ داستان باستان 16_ ما و مسائل روز 17_ بیت المال از دیدگاه نهج البلاغه 18_ اقتصاد اسلامی 19_ منطق خدا شناسی 20_ جمهوری اسلامی 21_ رساله توضیح المسائل 22_ آمادگی رزمی و مرزداری در اسلام 23_ هزار و یک مسئله فقهی – استفتائات ج 1 و 2 24_ مناسک حج - عربی 25_ مناسک حج - فارسی 26_ منتخب المسائل – عربی که هریک از نوشته های فوق مخاطبان خاصی داشته و مورد استفاده اقشار مختلف قرار می گیرد .
فعالیتهای سیاسی و اجتماعی :
ایشان به لحاظ اینک شاگرد حضرت امام خمینی (ره) بوده و در حد عشق به ایشان دلبسته بودند ، از هر حیث به ویژه از جهت سیاسی به شدت تحت تأثیر آموزه های بنیانگزار جمهوری اسلامی قرار داشتند ، لذا در کنار فعالیتهای علمی عمیق ، از ورود در عرصه سیاسی و اجتماعی غفلت نورزیده ، پیوسته در صفوف مقدم مبارزه علیه رژیم ستم شاهی حرکت می کردند و در این راه از زندان و تبعید و ... نهراسیده و همه خطرها را به جان خریده و با توکل بر خدا در مسیر انجام رسالت انقلابی با تمام وجود تلاش فرمودند که بخشی از این فعالیتها را از زبان معظم له می شنویم : من از جمله کسانی هستم که توفیق داشتم چند سالی در مکتب پرفیض حضرت آیت اللّه العظمی امام خمینی، درس بخوانم و علاوه بر مطالب علمی ، از سجایای اخلاقی ایشان نیز، بهره ببرم. در طول این سالیان با توجه به متون و موازین اسلامی در یافته بودم که مسؤلیت روحانیت ، خلاصه در درس خواندن و درس گفتن نمی‌شود . به این جهت از آن روز که حضرت ایشان انقلاب و تحول را آغاز کردند . من سعی کردم که پشت سر ایشان بقدر توانم گام بردارم . در آن زمان ، جلسات مرتبی با رفقای همفکر خود داشتیم که در آن نسبت به مسائل جاری گفتگو میشد و برای پیشبرد امور تصمیماتی اتخاذ می‌گردید . گاهی اعلامیه‌هائی علیه رژیم و شاه امضاء می‌کردیم . البته متن بعضی از آن اعلامیه‌ها را نیز گاهی من تنظیم می‌کردم. در نشر و توزیع آنها نیز ، همکاری نزدیک داشتم .

افرادی را به این منظور به نقاط مختلف کشور می‌فرستادیم .
زندان قزل قلعه: بعد از این که حضرت امام را به ترکیه تبعید کردند ؛ اعلامیه‌هایی که علیه رژیم از قم صادر می‌شد امضای من را نیز داشت . به همین جهت در آن زمان چند نفر مأمور از طرف ساواک به منزل ما ریختند بطور دقیق همه جا را گشتند . حتی یادم هست که کتابها را نیز، ورق می‌زدند . مقدای از کتابها را برداشتند بردند و مرا نیز ، دستگیر کردند و به ساواک قم ، که در خیابان راه آهن بود ، بردند . شبی را آنجا بسر بردیم ؛ بعد منتقل شدم به تهران ، زندان قرل قلعه . قزل قلعه یکی از زندانهای رژیم شاه بود که افراد را در آن زمان به آنجا می‌بردند ، در زندان ، متوجه شدم که آقایان دیگری نیز آنجا هستند ؛ البته همگی ما در سلولهای انفرادی بودیم و فقط روزی سه مرتبه صبح ، ظهر و شام درب سلول را باز می‌کردند و ما حق داشتیم برای تجدید وضو از آن خارج بشویم . هنگامی که مرا برای دستشویی می‌بردند از دور این آقایان را دیدم و فهمیدم که این آقایان هم آنجا هستند . داخل سلول لامپ نبود ؛ تنها از روزنه کوچکی که بالای درها وجود داشت شعاع کم و سوئی از روشنائی داخل سالن به درون سلول می‌تابید . این سلولها به اندازه‌ای کوچک بود که اگر دست‌هایمان را باز می‌کردیم به دیوارهای دو طرف می‌رسید . کف سلولها را با آجرهای ناهموار فرش کرده بودند به گونه‌ای که موقع خوابیدن پشت و کمر انسان را به سختی می‌آزرد . حدود سه ماه بدون محاکمه و ممنوع الملاقات با این وضع ، در این سلولها بودم و بجز هنگام تجدید وضو از آن نمی‌توانستم خارج شوم . بعد از محاکمه ، روزی فقط ده دقیقه ما را به عنوان هواخوری داخل حیاط زندان می‌بردند که قدم بزنیم . هنگامی که مرا برای بازجویی بردند ، مهم‌ترین حرف آنان این بود که شما طرفدار حضرت امام هستید و به پشتیبانی از ایشان اعلامیه می‌نویسید و امضاء می‌کنید . نزدیک دو ماه که از تاریخ محاکمه گذشت من آزاد شدم . چند ماه از آزادی من نگذشته بود که مسافرتی به همدان داشتم . در همدان علماء و غیرعلماء به دیدن بنده آمدند . تابستان بود ، من در مدرسه همدان ، درسی شروع کردم که مورد استقبال واقع شد . ساواک همدان از این موضع که جوانهای شهر و مردم با من رابطه داشتند و به درس و بحث می‌آمدند نگران بود ؛ به این جهت مرا به بهانه‌ای گرفتند وبه تهران فرستادند . دوباره روانه زندان قزل قلعه شدم و چندین ماه دیگر در آنجا زندانی گشتم . بعد از آزادی از زندان ، مدت زیادی به اصطلاح ممنوع المنبر بودم و حق نداشتم به وعظ و خطابه بپردازم به رفسنجان رفتم . بعد از دو سه منبر ، ساواک کرمان مطلع شد و از ادامه جلسات سخرانی ، جلوگیری کرد . روز تاریخی 19 دی 56: از آن تاریخ به قم برگشتم و مشغول درس بحث شدم و در فرصت‌های مناسب و موقعیت‌های گوناگون

هدف خود را تعقیب می‌کردم تا این که جریان 19 دی 56 بوجود آمد ، و آن به این شرح است : در روزنامه اطلاعات 17 دی 56 مقاله توهین‌آمیز و تندی علیه حضرت امام ، که آن زمان در نجف تشریف داشتند ، چاپ شد . انتشار این مقاله ، خشم آقایان اساتید و فضلای حوزه قم را برانگیخت . به همین مناسبت جلسه‌ای در منزل این جانب برگزار شد که در آن آقایان : مشکینی ، وحید خراسانی نیز حضور یافتند . در آن جلسه تصمیم گرفته شد که به عنوان اعتراض به انتشار چنین مقاله‌ای در اولین گام حوزه و بازار قم تعطیل شود . حوزه قم و بازار تعطیل شد. فضلای حوزه و آقایان بازاریها به منزل مراجع و اساتید بزرگ می‌رفتند که در آنجا جلسات سخنرانی در اعتراض به رژیم برگزار می‌شد. روز 19 دی ، که قبل از ظهر آقایان به منزل بعضی از اساتید رفته بودند ، قرار گذاشته بودند که بعد از ظهر در منزل ما اجتماع کنند . این قرار در نماز جماعات هم اعلام گردیده بود . از حدود ساعت یک بعد از ظهر عده‌ای آمدند و چندین بلندگو داخل منزل و کوچه نصب کردند . رفته رفته جمعیت می‌آمد داخل حیاط و پشت بامها ؛ و کوچه از جمعیت متراکم شده بود به گونه‌ای که جمعیت به خیابان رسیده بود . نخست داماد اینجانب آقای سید حسین موسوی تبریزی سخنرانی کردند ، سپس بنده وظیفه خود دانستم که صحبت کنم و جنایات رژیم ستمشاهی را به صراحت بیان کنم ، لذا سخنرانی جامع و تندی علیه جنایتهای رژیم شاه ، انجام دادم . در آن سخنرانی من لازم دانستم که انگشت روی مرکز و منبع اصلی جنایتها بگذارم ؛ از این رو مرکزیت را هدف قرار داده و در مقایسه حرکت نجات بخش حضرت امام که از اسلام و قرآن و روش اهل بیت عصمت نشأت می‌گرفت با عکس العملی که از استکبار جهانی و دست نشاندگان آن صادر شد این اشعار را خواندم : مه فشاند نور و سگ عو عو کند هر کسی بر طینت خود می‌تند چون تو خفاشان بسی بینند خواب کاین جهان ماند یتیم از آفتاب کی شود دریا زپوز سگ نجس کی شود خورشید از پف منطمس در شب مهتاب مه را بر سماک از سگان و عوعو ایشان چه باک کارک خود می‌گذارد هر کسی آب نگدارد صفا بهر خسی ای بریده آن لب و حلق و دهان که کند تف سوی ماه آسمان خس ، خسانه می‌رود بر روی آب آب صافی می‌رود بی‌اضطراب مصطفی مه می‌شکافد نیمه شب ژاژ میخاید ز کینه بو لهب آن مسیحا مرده زنده می‌کند آن جهود از خشم سبلت می‌کند مردم از این صحبت جامع و منطقی و کوبنده شارژ شدند و با شعارهای تند از منزل حرکت کردند . من خود نیز ، لازم دانستم که با مردم حرت کنم . آمدیم بیرون ، از کوچه که گذشتیم وارد خیابان شدیم . ابتدای جمعیت به چهاراه مقابل کلانتری رسیده بود . در اینجامزدوران رژیم ، مردم را به گلوله بستند و با سلاح گرم به مردمی که هیچگونه وسیله دفاعی نداشتند حمله کردند .

عده‌ای از مردم شهید شدند ؛ عده‌ای مجروح و زخمی و عده‌ای هم توانستند جان سالم بدر برند . همین جریان ، موجب حرکت وقیان مردم در دیگر شهرهای مختلف ایران شد . به مناسبت بزرگداشت شهدای این روز ، قیام فراگیر ملت ایران از تبریز آغاز و رفته رفته تمام ایران را فرار گرفت . به همین مناسب کوچه ما کوچه قیام نام گذاری شد . و وقتی حضرت امام (رحمه الله) به قم مشرف شدند به منزل ما نیز تشریف آوردند ، و به محضر ایشان عرض شد که انقلاب اسلامی از این خانه آغاز شده است . بعد از جریان این سخنرانی در روز 19 دی ، در انتظار این بودم که ساواک دنبالم بیاید و دستگیرم کند ؛ به این جهت در تهران کاری داشتم رفتم که آن را انجام دهم . وقتی به تهران رفته بودم . شبانه به منزل ما ریخته و همه جا را گشته بودند . وقتی از تهران برگشتم و جریان را به من گفتند . خودم را بیشتر آماده کردم و بعد از خداحافظی و آماده شدن ، به ساواک تلفن زدم و گفتم : اگر با من کاری دارید از تهران برگشته‌ام . حدود نیم ساعت بعد آمدند و مرا به شهربانی قم بردند ، و از آنجا مرا به خلخال تبعید کردند . تبعیدی من در خلخال چندین ماه به طول انجامید . در این مدت نسبت به من سخت‌گیری فراوان میشد . هر روز لازم بود به شهربانی رفته و دفتری را امضا کنم . منزل ما را شدیدا کنترل می‌کردند ؛ حتی رفت و آمدهای عادی را زیر نظر داشتند . تهیه ارزاق عمومی را برای ما مشکل کرده بودند و به کسبه سفارش می‌کردند که از فروش اجناس مورد لزوم به ما خودداری کنند . یک روز صبح که برای امضا دفتر رفته بودم ؛ به من گفته شد که دیگر به منزل برنگردم ؛ چون می‌خواستند مرا به سقز ببرند . هر چه اصرار کردم که بروم و حداقل خبر بدهم پذیرفته نشد . مرا به همراه چند مأمور به سقز منتقل کردند . در سقز چند نفر دیگر از آقایان نیز تبعید بودند . دوران تبعید را با مشکلات فراوان سپری می‌کردیم . دولت شریف امامی که روی کار آمد برای کسب و جاهت - به اصطلاح - زندانی‌های سیاسی را آزاد می‌کرد و تبعیدیها را برمی‌گرداند . در این زمان نیز من از تبعید گاه آزاد شدم . از آخرین تبعیدگاه خود یعنی سقز کردستان که آزاد شدم امام خمینی »رضوان اللّٰه علیه« در پاریس »نوفل لوشاتو« بودند، پس از چند روز در قم به پاریس رفته ، در نوفل لوشاتو به محضر مقدس امام »رضوان اللّٰه علیه« شرفیاب و چند روز در جلساتی که در محضر آن پرچمدار نهضت اسلامی و استاد بزرگ تشکیل می‌شد شرکت می‌نمودم و چند دفعه با معظم له ملاقات خصوصی داشتم . و در هنگامحرت برای ایران به بنده ورقه‌ای که با خط مبارک خود نوشته و مطالبی که درباره حکومت اسلامی بعد از سقوط رژیم ستم شاهی در آن مرقوم داشته بودند دادند که بنده آنرا با آقایان دکتر بهشتی و استاد مطهری مورد مذاکره قرار بدهم و نتیجه را به نوفل

لوشاتو گزارش بدهم که انجام دادم . تلاش برای اعلام مرجعیت حضرت امام خمینی (رحمه الله):
از جمله جریانهایی که در آن دوران پیش آمد ، جریان در گذشت آیة اللّٰه العظمی حکیم (ره) بود . ما به لحاظ خصوصیات علمی و دیگر خصائص روشن و بارزی که در حضرت امام ، سراغ داشتیم ، تصمیم گرفتیم کاری کنیم که چهره ایشان ، خارج از حوزه‌های علمیه نیز برای مردم بهتر و کاملتر شناخته شود . از این جهت تصمیم گرفتیم اعلامیه‌ای بدهیم که : بعد از مرحوم آقای حکیم ، مردم به حضرت امام مراجعه کنند . دوازده نفر از مدرسین حوزه علمیه قم ، که اینجانب نیز جزء ایشان بودم این اعلامیه را در تأیید مرجعیت حضرت امام بعد از مرحوم آقای حکیم امضاء کرده و پخش کردیم . علمای شهرستانها از این اعلامیه استقبال خوبی کردند و در بعضی از مراکز ، آقایان اعلامیه را روی منبر برای مردم خوانده بودند که تأثیری گذاشته بود . بعد از صدور این اعلامیه ، منتظر بودم که دنبالم بیایند ؛ چرا که می‌دانستم صدور چنین اعلامیه‌ای بی‌عاقبت نیست . همین طور هم شد ، یک روز ظهر مأمورین ساواک به منزل ما ریختند ، و ما در این جریانات نیز به وظیفه خود عمل کردیم . مسافرتهای علمی ـ فرهنگی :
آیت ا... العظمی نوری همدانی با الهام از توصیه قرآنی مبنی بر « سیروافی الارض » سفرهای زیادی به اقصا نقاط جهان داشته و در این سفرها ضمن انجام مباحثات علمی با برخورد با افکار و فرهنگهای گوناگون بر تجارب خویش می افزودند . ایشان در مورد مسافرتهای خارج از ایران خود چنین می فرمایند : من در سال 58 و 59 که نماینده حضرت امام در اروپا بودم و به آن دیار رفت و آمد داشتم در ظرف این دو سال در موقع تحصیل در قم اشتغال به تدریس داشتم ولی در موقع تعطیلی حوزه به کشورهای اروپا از قبیل : انگلستان ، فرانسه ، آلمان ، اطریش ، ایتالیا ، سوئد ، بلژیک ، هلند ، دانمارک ، سوئیس ، نروژ ، فنلاند ، اسپانیا ، یونان ، و ترکیه مسافرت می‌کردم ، و در طی ملاقاتها و مصاحبه و تشکیل مجالس حقایق اسلام و عظمت انقلاب اسلامی را بیان می‌کردم ، و به سؤالات علمی و مذهبی با توفیق خداوند پاسخ می دادم ، و سفرهائی به پاکستان و یک سفر هم به تایلند ، پاکستان ، بنگلادش و هندوستان رفته‌ام و در این سفرها علاوه بر معاشرت با فرقه های گوناگون و بیان معارف و مبانی اسلام ، توجه بیشتر به بیان مزایای انقلاب اسلامی ایران و نشان دادن چهره استکبار جهانی بود .

نوغانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1305، مشهد.
درگذشت: 15 آبان 1371، مشهد.
آیت‌الله مهدی نوغانی، فرزند میرزا علی‌اکبر نوغانی مؤلف «سه مقاله‌ی نوغانی» و «دو مقاله‌ی نوغانی»، پس از تحصیل دوره‌ی ابتدایی، به حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان پیوست و در مدرسه نواب به تحصیل اشتغال یافت. استادان آیت‌الله نوغانی به شرح زیر بودند: آیت‌الله علی‌اکبر نوغانی، آیت‌الله عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول)، آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی، آیت‌الله احمد مدرس، آیت‌الله هاشم قزوینی، آیت‌الله مهدی اصفهانی خراسانی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی.
در تابستان سال 1333 آیت‌الله میلانی به مشهد رفت و ابتدا حدود یک سال در منزل آیت‌الله مهدی نوغانی اقامت گزید و از ایشان مدت چهارده سال از دروس آیت‌الله میلانی بهره برد و مراتب علمی‌اش مورد تأیید آیت‌الله میلانی قرار گرفت. همچنین به دستور وی امامت جماعت مسجد فاضل را پذیرفت. آیت‌الله نوغانی خود نیز به تدریس و تربیت طلاب اشغال ورزید و کتاب‌های المعالم الاصول و مکاسب شیخ مرتضی انصاری را درس می‌داد و در کار تدریس جدیت داشت. وی مدت بیست و دو سال تفسیر تدریس می‌کرد و در این مدت یک بار تفسیر تمام قرآن تدریس شد و بار دوم تا آیه‌ی دهم از سوره «انبیاء» تفسیر شد، از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تدریس نهج‌البلاغه، اقامه‌ی مجالس عزاداری و ذکر مصیبت و قرائت دعای کمیل، تصدی مدیریت چند مدرسه علمیه و از جمله مدرسه‌ی باقریه، ایجاد صندوق قرض‌الحسنه «جاوید» و مشارکت در تأسیس مؤسسه‌ی خیریه‌ی حضرت ولی‌عصر (ع) (انصار الحجة) بود. آیت‌الله نوغانی در مبارزات علیه نظام پهلوی نیز مشارکت فعال داشت و اعلامیه‌هایی که صادر می‌شد، امضاء می‌کرد. از نهضت پانزده خرداد 1342 وارد این مبارزات شد و در حرکت انقلاب خراسان سهم مؤثری داشت. وی همچنین سفرهایی به کشورهای خارجی (و از جمله کویت) برای تبلیغ اسلام داشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوقاتی سجستانی، ابوعمر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 382 ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. اصل وی از نوقات، از توابع سیستان است. در طلب حدیث به خراسان مسافرت کرد و در هرات، مرو، بلخ و ماوراءالنهر حدیث شنید. وی از ابوعبداللّٰه محمد بن اسحاق قرشی و حاکم ابوعبداللّٰه نیشابوری و ابوحاتم ابن حبان بستی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی و محمد بن خیو بن حامد ترمذی و ابی‌حامد احمد بن محمد بن حسین بوشنجی و عبدالرحمان بن محمد بن علویه ابهری و ابوسلیمان خطابی و دیگران حدیث شنید. دو فرزندش، عمر و عثمان، و نیز علی بن بشری لیثی و علی بن طاهر شروطی و حسین بن محمد کرابیسی و قاسم بن عباس صلحی و احمد بن سعید تونی و جماعتی دیگر از وی روایت نموده‌اند. از آثارش: «آداب المسافرین»؛ «العتاب» یا «العتاب و الاعتاب»؛ کتاب «التعظة»؛ کتاب «الشیب»؛ کتاب «صون المشیب»؛ «الریاحین» یا «فضل الریاحین»؛ کتاب «العلم» یا «العلم والعلماء»؛ «محنة الظراف فی اخبار العشاق»؛ «معاشرةالاهلین»؛ المسلسلات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (145 -144/ 17)، لغت‌نامه (ذیل/ نوقاتی)، معجم‌الادباء (208 -205/ 17)، معجم‌البلدان (360/ 5)، معجم‌المؤلفین (7/ 9 ،266 -265/ 8)، الوافی بالوفیات (91 -90/ 2)، هدیةالعارفین (53/ 2).

نیریزی، ارشدالدین، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 604 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، مفسر و ادیب. در «مجمل فصیحی» و «فارسنامه‌ی ناصری» نام وی محمد بن علی ذکر شده است. او جامع علوم شرعیه و در علم تفسیر و حدیث متبحر بود. مدتها در مسجد جامع عتیق شیراز امامت نمود و نوشته‌اند که به مدت هفتاد سال عهده‌دار منصب افتاء بود. او را عالمی خیرخواه و دارای اخلاق نیکو و اوصاف مرضیه دانسته‌اند. در طلب علم به حجاز و عراق مسافرت نمود و مشایخ و علمای بزرگی چون: شیخ توران کبیر، زاهد ابومنصور، ابوالوفا احمد بن ابراهیم فیروزآبادی، ابومقاتل مناور بن فرکوه دیلمی را درک نمود. شیخ روزبهان بقلی شیرازی و سراج‌الدین مکرم قاضی‌القضاة فارس و عارف معروف عزالدین مودود زرکوب و فرزندش، عمادالدین ابوالفضل محمد بن مودود زرکوب، و ملک معین‌الدین ابوذر کتکی مفتی از شاگردان او بودند. در شیراز درگذشت و در رباطی که خود در نزدیکی مصلای شیراز بنا کرده بود، دفن شد. از آثارش: «مجمع‌البحرین»، در تفسیر و تأویل، در ده مجلد؛ «تنویر المصابیح»، در شرح «المصابیح»، در حدیث؛ «باکورة الطلب لاهل الادب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شد الازار (376 -372)، شیرازنامه (170 -169)، فارسنامه ناصری (1567/ 2)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 604)، معجم‌المؤلفین (224/ 7).

نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 491 ق)، مفسر، عالم دینی و زاهد. اهل نیشابور بود. مراتب علم و فضل، همچنین زهد و اخلاق او را ستوده‌اند و وی را دانای به تفسیر و عالم در این فن دانسته‌اند. وی از شاگردان ابوالحسن واحدی مفسر بود. از ابوعثمان صابونی و ابوعثمان بحیری و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و عبدالغفار فارسی و جمعی دیگر حدیث شنید. از آثارش: کتاب «التفسیر»؛ «زاد الحاضر والبادی»؛ کتاب «مکارم‌الاخلاق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (223/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (259 -258/ 5)، معجم‌المؤلفین (106/ 7)، الوافی بالوفیات (150/ 21).

نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 355 ق)، حافظ و محدث. از محمد بن ایوب بجلی رازی و محمد بن ابراهیم بوشنجی و یوسف بن یعقوب قاضی و ابوعمر قتات و محمد بن عمرو قشمرد و همطبقه‌ی آنها در خراسان و جبال و عراق حدیث شنید. عبداللّٰه بن سعد حافظ گوید بیش از هزار حدیث از ابوالحسن نیشابوری نوشتم. پدرش و عمویش، عبدوس بن حسین، از وی روایت کرده‌اند. در اواخر عمر بینایی خود را از دست داد و در نیشابور درگذشت. از آثارش: کتاب «الحدیث»، که آن را به شیوه‌ی ابن‌خزیمه تألیف نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة الحفاظ (886 -885/ 3)، سیرالنبلاء (67 -66/ 16)، شذرات‌الذهب (17/ 3)، طبقات الحفاظ (379)، معجم‌المؤلفین (188/ 9)، هدیةالعارفین (46/ 2).

نیشابوری، ابوالفضل احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 280 ق)، حافظ و محدث. حاکم نیشابوری گوید که وی یکی از ارکان حدیث بود. از هدبة بن خالد و شیبان بن فروخ و سهل بن عثمان عسکری و ابامصعب زهری و اسحاق بن راهویه و عبیداللّٰه بن معاذ عنبری و عمرو بن زراره نیشابوری و احمد بن یحیی بلخی و حسن بن عمر بلخی و سلیمان بن داوود زهرانی و محمد بن رافع قشیری و محمد بن مهران رازی و جماعتی دیگر حدیث شنید. بخاری در «صحیح» خود و ابوحامد بن شرقی و ابن‌اخرم ابوعبداللّٰه شیبانی و احمد بن اسحاق صیدلانی و محمد بن صالح بن هانی و ابوالفضل محمد بن ابراهیم هاشمی و علی بن عیسی حیری و ابوزکریا یحیی بن محمد عنبری از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (112)، تذکرة الحفاظ (646 -645/ 2)، تهذیب التهذیب (80 -79/ 1)، تهذیب الکمال (288 -287/ 1)، سیرالنبلاء (565 -564/ 13)، شذرات‌الذهب (205/ 2)، طبقات الحفاظ (304)، معجم‌المؤلفین (196/ 2).

نیشابوری، ابوالقاسم سلمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 512/ 511 ق)، فقیه شافعی، مفسر، متکلم، زاهد و صوفی. ملقب به امام المتکلمین. اصل وی از ارغیان، از قرای نیشابور بود. در نیشابور به دنیا آمد. علم حدیث و تصوف را در نزد ابوالقاسم قشیری تحصیل کرد. سپس به حجاز و بغداد و شام مسافرت کرد و مشایخ آن روزگار را درک نمود. آنگاه به نیشابور بازگشت و ملازم امام‌الحرمین جوینی گردید. وی در فقه از شاگردان امام‌الحرمین و در علم طریقت و فن تصوف صاحب قدم و اهل عمل بود. از فضل‌اللّه میهنی و ابوحسین عبدالغافر فارسی و ابوحسین بن مکی و کریمه مروزیه و ابوصالح مؤذن و ابوالقاسم قشیری و جماعتی دیگر روایت کرد. ابن‌سمعانی از وی اجازه روایت داشت. در نیشابور درگذشت. از آثارش: شرح «الارشاد» امام‌الحرمین جوینی، در علم کلام؛ «الغنیة»، در فقه شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (171 -170/ 3)، سیرالنبلاء (412/ 19)، شذرات‌الذهب (34/ 4)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (284 -283/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (43 -42/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (99 -96/ 7)، طبقات المفسرین داودی (194 -193/ 1)، کشف‌الظنون (68، 1212، 1434)، معجم‌المؤلفین (240/ 4)، الوافی بالوفیات (314/ 15).

نیشابوری، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(319/ 318 -242 ق)، فقیه شافعی، محدث، حافظ، مجتهد و مفسر. اصلش از نیشابور و ساکن مکه و شیخ‌الحرم و شیخ‌الاسلام شافعیه بود. از محمد بن عبداللّٰه بن عبدالحکم مصری و ربیع بن سلیمان مرادی و محمد بن اسماعیل صائغ و محمد بن میمون و علی بن عبدالعزیز روایت کرد. ابوبکر بن مقری و محمد بن یحیی بن عمار دمیاطی و حسن بن علی بن شعبان و برادرش، حسین بن علی بن شعبان و ابوطاهر محمد بن ابراهیم اصفهانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی در علم خلاف متبحر بود. در مکه درگذشت. در بعضی از مآخذ سال وفات وی 309 یا 310 ق ذکر شده است. اما ذهبی گوید که این تاریخ درست نیست چرا که ابن‌عمار دمیاطی در 316 ق او را ملاقات کرده است. از آثار او: «المبسوط»، در اختلاف آرای فقهی علمای مذاهب؛ «الاشراف فی معرفة الخلاف» یا «الاشراف فی اختلاف العلماء»؛ «الاوسط» که در واقع اصل کتاب «الاشراف» است؛ «التفسیر» یا «تفسیر القرآن»، در چندین مجلد؛ «جامع الاذکار»؛ کتاب «الاجماع»؛ «الاقناع»؛ کتاب «السنن والاجماع والاختلاف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (184/ 6)، ایضاح‌المکنون (350 -349/ 1)، تذکرة الحفاظ (783 -782/ 3)، سیرالنبلاء (492 -490/ 14)، شذرات الذهب (280/ 2)، طبقات الحفاظ (347)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (99 -98/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (108 -102/ 3)، طبقات المفسرین داودی (51 -50/ 2)، کشف‌الظنون (1385 ،460 ،440 ،202 -201 ،103)، لسان‌المیزان (628 -626/ 5)، معجم‌المؤلفین (220/ 8 ،115/ 1)، میزان الاعتدال (436/ 3)، الوافی بالوفیات (336/ 1)، وفیات الاعیان (207/ 4)، هدیةالعارفین (31/ 2).

نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(226 -142 ق)، فقیه، حافظ و محدث. شیخ‌الاسلام و عالم خراسان بود. اصل وی از مرو است. محدثین اهل سنت مراتب فضل و کمال زهد و ورع او را ستوده‌اند و از قول احمد بن حنبل نقل شده که از خراسان، پس از ابن‌مبارک، کسی همانند یحیی بن یحیی برنخاسته است. در خراسان، حجاز، عراق، شام و مصر به طلب حدیث پرداخت. او از تابعین، کثیر بن سلیم را ملاقات کرد و از او حدیث آموخت. همچنین از عبداللّٰه بن جعفر مخرمی و یزید بن مقدام و مالک و سلیمان بن بلال و شریک قاضی و لیث بن سعد و ابراهیم بن سعد و داوود بن عبدالرحمان عطار و مسلم بن خالد و اسماعیل بن علیه و جعفر بن سلیمان ضبعی و حماد بن سلمه و حمید بن عبدالرحمان رواسی و ابن الاحوص وابوقدامه حارث بن عبید ایادی و جریر بن عبدالحمید و اسماعیل بن جعفر مدنی و اسماعیل بن عیاش و حفص بن غیاث نخعی و معاویة بن عمار دهنی و معاویة بن سلام حبشی و محمد بن مسلم طائفی و یوسف بن یعقوب ماجشون و عبدالرحمان بن ابی‌الزناد و ابن‌فضیل و سفیان بن عیینه و عبداللّٰه بن مبارک و عبدالعزیز بن محمد دراوردی و محمد بن ثابت عبدی و معتمر بن سلیمان و مغیرة بن عبدالرحمان حزامی و هیثم بن بشیر و وکیع بن جراح و یزید بن هارون و ابوبکر بن عیاش و جماعتی دیگر روایت کرد. مسلم و بخاری و ترمذی و نسایی و حمید بن زنجویه و محمد بن نصر مروزی و محمد بن یحیی ذهلی و فرزندش، یحیی بن محمد بن یحیی ذهلی، و ابوازهر احمد بن ازهر و اسحاق بن راهویه و عبداللّٰه بن عبدالرحمان دارمی و احمد بن یوسف سلمی و احمد بن سلمه نیشابوری و فضل بن یعقوب رخامی و محمد بن اسلم طوسی و ابواحمد فراء و یعقوب بن سفیان فارسی و احمد بن سیار و عثمان بن سعید دارمی و زکریا بن داوود خفاف و ابراهیم بن علی ذهلی و داوود بن حسین بیهقی و علی بن حسین صفار و محمد بن عبدالسلام بن بشار وراق و حسین بن منصور سلمی و عبیداللّٰه بن فضاله نسائی و عصمة بن ابراهیم نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در نیشابور درگذشت و در این شهر به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (223/ 9)، التاریخ الکبیر (301/ 8)، تذکرة الحفاظ (416 -416/ 2)، تهذیب التهذیب (260 -257/ 11)، تهذیب الکمال (257

-253/ 20)، الجرح والتعديل (ج 4، ق 197/ 2)، سيرالنبلاء (519 -512/ 10)، شذرات الذهب (59/ 2)، طبقات الحفاظ (201 -200)، العبر (312/ 1)، الكامل (264/ 5)، المنتظم (350 -348/ 6)، النجوم الزاهرة (302/ 2).

نیشابوری، ابوسعد، ابوسعید عبدالملک

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 407/ 406 ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر، وعظ و زاهد. معروف به ابوسعد یا ابوسعید خرگوشی. نزد ابوالحسن ماسرجسی فقه آموخت. در طلب حدیث به عراق سفر کرد. پس از آن به سوی حجاز رهسپار گشت. و در مکه مجاور شد. سپس به خراسان مراجعت نمود و طریق زهد و خدمت به خلق پیشه کرد. وی از حامد بن محمد رفاء و یحیی بن منصور قاضی و اسماعیل بن نجید و محمد بن حسن سراج و ابواحمد شیبانی نیشابوری و محمد بن عبدالملک نسوی و بشر بن احمد اسفراپینی و علی بن بندار صوفی و ابواسحاق مزکی و ابوعمرو بن مطر و ابوسهل صعلوکی روایت کرد. حاکم نیشابوری و حسن بن محمد خلال و ابوالقاسم تنوخی و علی بن محمد حنایی و ابوعلی اهوازی و حافظ ابوبکر بیهقی و عبدالعزیز ازجی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و ابوبکر ابن خلف شیرازی و ابوالقاسم ازهری و جمعی دیگر از وی روایت نموده‌اند. مرتبه‌ی وی را در فقاهت و زهد ستوده‌اند. و او را از دانشمندانی دانسته‌اند که علاوه بر مقام علمی و زهد به حوائج عامه مردم و فقرا رسیدگی می‌کرده و ابنیه‌ی خیریه‌ای تأسیس می‌نموده است. از جمله بنای بیمارستانی را به وی نسبت می‌دهند. او در نیشابور درگذشت و در خرکوش نیشابور دفن شد. از آثارش: «تهذیب الاسرار فی طبقات الاخیار»؛ «شرف المصطفی (ص)»، در هشت مجلد؛ اللوامع»؛ «سیر العباد والزهاد»؛ «شعائر الصالحین» یا «شعار الصالحین»؛ «دلائل النبوة»؛ کتاب «التفسیر»؛ کتاب «الزهد»؛ «البشارة والنذارة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (351 -350/ 2)، تاریخ بغداد (432/ 10)، تاریخ نیشابور (169)، تذکرة الحفاظ (1067 -1066/ 3)، سیرالنبلاء (257 -256/ 17)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (229 -228/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (223 -222/ 5)، العبر (214/ 2)، کشف‌الظنون (1569 ،1047 ،1045 ،514 ،245)، لب‌اللباب (281/ 1)، معجم‌البلدان (413 -412/ 2)، معجم‌المؤلفین (189 -188 ،108/ 6)، المنتظم (146/ 9)، هدیةالعارفین (625/ 1).

نیشابوری، ابوسعید احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 353 -288 ق)، حافظ و محدث. وی از مرزداران بلاد اسلامی در سرحدات روم بود. در خراسان، عراق و جبال از ابوعمرو خفاف و عبداللّٰه بن شیرویه و حسن بن سفیان و هیثم بن خلف دوری و حامد بن شعیب و قاسم بن فضل رازی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری از او روایت کرده است. وی در طرسوس به شهادت رسید. از آثارش: «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر النیشابوری القدیم»؛ «الصحیح المخرج علی کتاب مسلم»؛ «الابواب» یا «الابواب والشیوخ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة الحفاظ (920/ 3)، سیرالنبلاء (258/ 15)، شذرات الذهب (12/ 3)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (271 -270/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (43/ 3)، کشف‌الظنون (460)، معجم‌المؤلفین (105/ 2)، هدیةالعارفین (64/ 1).

نیشابوری، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 245 ق)، حافظ، محدث و زاهد. اهل نیشابور بود. حاکم نیشابوری او را شیخ عصر خویش در خراسان می‌داند وی از ابن‌عیینه و سلیمان بن داوود طیالسی و حسین بن علی جعفی و عبداللّٰه بن ابراهیم صنعانی و ابراهیم بن عمر صنعانی و اسماعیل بن عبدالکریم صنعانی و سریج بن نعمان و هشام بن سعید طالقانی و اسحاق بن سلیمان رازی و حسین بن محمد مروزی و حفص بن عبدالرحمان بلخی و ابوقتیبه و شبابة بن سوار و عبداللّٰه بن نمیر و عبدالرزاق بن همام و علی بن حسین مروزی و محمد بن بشر عبدی و معن بن عیسی قزاز و وکیع بن جراح و یونس بن بکیر شیبانی و ولید بن عقبه شیبانی و یحیی بن یحیی نیشابوری و وهب بن جریر و یحیی بن اسحاق و عبداللّٰه بن ادریس و دیگران حدیث شنید. بخاری و مسلم و ابوداوود و نسائی و ترمذی در «صحاح» خود و نیز ابوزرعه رازی و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن ابی‌طالب و محمد بن یحیی ذهلی و ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و حاجب بن احمد طوسی و احمد بن سلمه و اسحاق بن ابراهیم نیشابوری و تمیم بن محمد طوسی و جعفر بن محمد بن سوار و زنجویة بن محمد و ابن‌شاذان و محمد بن عقیل خزاعی و محمد بن نعیم نیشابوری و ابواللیث انصاری و یحیی بن زکریا نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (359/ 6)، التاریخ الکبیر (82 -81/ 1)، تاریخ نیشابور (97)، تذکرة الحفاظ (510 -509/ 2)، تهذیب التهذیب (138 -136/ 9)، تهذیب الکمال (270 -267/ 16)، الثقات (102/ 9)، الجرح والتعدیل (ج 3، ق 254/ 2)، سیرالنبلاء (218 -214/ 12)، شذرات الذهب (109/ 2)، طبقات الحفاظ (246 -245)، العبر (350/ 1)، النجوم الزاهرة (385/ 2)، الوافی بالوفیات (68/ 3).

نیشابوری، ابوعلی حسین

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(349 -277 ق)، حافظ، محدث و فقیه. در نیشابور به دنیا آمد. او از مشایخ حاکم نیشابوری است. در نیشابور از ابراهیم بن ابی‌طالب و علی بن حسن صفار و عبداللّٰه بن شیرویه و ابن‌خزیمه و احمد بن محمد ماسرجسی و جعفر بن احمد حافظ و در هرات از حسین بن ادریس و محمد بن عبدالرحمان سامی و در نسا از حسن بن سفیان و در جرجان از عمران بن موسی بن مجاشع و در مرو از عبداللّٰه بن محمود و در ری از ابراهیم بن یوسف هسنجانی و در بغداد از عبداللّٰه بن ناجیه و محمد بن حبان و قاسم مطرز و در کوفه از محمد بن جعفر قتات و در بصره از ابوخلیفه جمحی و زکریا ساجی و در واسط از جعفر بن احمد بن سنان و در اهواز از عبدان اهوازی و در اصفهان از محمد بن نصیر و در موصل از ابویعلی بن مثنی و در مصر از ابوعبدالرحمان نسائی و در غزه از حسن بن فرج عزی و در مکه از مفضل جندی و در شام از اصحاب ابراهیم بن علا و معافی بن سلیمان حدیث شنید. ابوبکر احمد بن اسحاق صبغی و ابوولید فقیه و ابن‌منده و حاکم و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوطاهر بن محمش و دیگران از وی روایت کرده‌اند. صاحب عنوان را به قوت حافظه و کثرت احادیثی که از حفظ داشته است ستوده‌اند. به ویژه شاگردش حاکم نیشابوری او را یگانه عصر خود در حفظ حدیث، زهد و ورع می‌داند. او در نیشابور درگذشت و در مقبره‌ی باب معمر دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (266/ 2)، تاریخ بغداد (72 -71/ 8)، تاریخ نیشابور (224 ،160)، تذکرة الحفاظ (905 -902/ 3)، سیرالنبلاء (59 -51/ 16)، شذرات‌الذهب (380/ 2)، طبقات الحفاظ (385 -384)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (128/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (270/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (280 -276/ 3)، العبر (81/ 2)، معجم‌البلدان (384 -383/ 5)، المنتظم (300/ 8)، النجوم الزاهرة (370/ 3).

نیشابوری، ابوعمرو محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 396 ق)، حافظ و محدث. او را از حفاظ حدیث و ثقه دانسته‌اند. در طلب علم به عراق و حجاز سفر کرد. از پدرش و یحیی بن منصور قاضی و عبداللّٰه بن محمد کعبی و محمد بن مومل بن حسن و ابابکر قطیعی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. فرزندش، ابوعثمان سعید بن محمد بحیری، و ابوعبداللّٰه حاکم نیشابوری و ابوالعلاء واسطی و محمد بن شعیب رویانی از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت و در مقبره‌ی ملقاباد دفن گردید.
از آثارش: «الاربعون المرویة» یا «اربعون حدیثاً».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (291/ 1)، ایضاح‌المکنون (53/ 1)، تاریخ نیشابور (175)، تذکرة الحفاظ (1083 -1082/ 3)، سیرالنبلاء (90/ 17)، شذرات‌الذهب (148/ 3)، طبقات الحفاظ (438)، معجم‌المؤلفین (3/ 9)، المنتظم (92/ 9)، هدیةالعارفین (57/ 2).

نیشابوری، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 550 ق)، فقیه، مفسر، ادیب، لغوی و شاعر. ملقب به بیان الحق. مؤلف «معجم‌الادباء» وی را عالمی بارع و مفسری دانشمند توصیف کرده است. او در علم لغت و فقه متبحر بود. همچنین وی را متفنن در علوم و تصانیف او را کم‌نظیر دانسته‌اند. از آثارش: «ایجاز البیان فی معانی القرآن»؛ «خلق الانسان»؛ «جمل الغرائب»، در تفسیر حدیث؛ «التذکرة والتبصرة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (43/ 8)، کشف‌الظنون (1205 ،722 ،602 -601 ،393 ،205)، معجم‌الادباء (125 -124/ 19)، معجم‌المؤلفین (158 -157/ 12).

واثقی نیا، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین واثقی نیا
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
بنده در سال 1336 شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال 1352 ش)
مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی» خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرائ بزرگان را به ما می آموخت.
خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «یقول التلمیذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزدم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم .
در سالهای 54 تا 57 همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در

مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای 58 تا 60 دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (1376) تا اول تابستان 1383 «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: (تاسیس کتابخانه تخصصی فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 468 ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث، نحوی، لغوی و مدرس. اصل وی از ساوه بود. در نیشابور به دنیا آمد و برخلاف پیشه‌ی اجدادش که تجارت بود، او و برادرش عبدالرحمان، به کسب علم پرداختند و در سلک محدثین و علما درآمدند. وی را از نویسندگان بزرگ و امام و استاد بی‌نظیر عصر خود در ادبیات، تفسیر، حدیث، فقه و نحو دانسته‌اند. او نزد خواجه نظام‌الملک، وزیر مقتدر سلجوقیان، تقربی تمام داشت. ادبیات و لغت را نزد ابوالفضل عروضی ادیب و نحو را نزد ابوالحسن ضریر قهندزی و ابوعمران مغربی مالکی فراگرفت و برای تکمیل معلومات خویش به مسافرت پرداخت. وی در علم تفسیر از محضر ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی استفاده نمود. از ابوطاهر بن محمش و قاضی ابوبکر حیری و ابوابراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ و محمد بن ابراهیم مزکی و عبدالرحمان بن حمدان نصروی و احمد بن ابراهیم نجار و دیگران حدیث شنید. احمد بن عمر ارغیانی و عبدالجبار بن محمد خواری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت. در «النجوم الزاهرة» سال وفات وی 469 ق ذکر شده است. از آثارش: تفاسیر سه‌گانه: «البسیط»، «الوسیط» و «الوجیز» که به «الحاوی لجمیع المعانی» موسوم و به «تفسیر واحدی» معروف است؛ «اسباب النزول» یا «اسباب التنزیل»؛ «الدعوات والمحصول»؛ «المغازی»؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «الاغراب فی الاعراب» یا «الاعراب فی علم الاعراب»، در نحو؛ «تفسیر النبی (ص)»؛ «نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «التحبیر فی شرح الاسماء الحسنی» یا «التنجیز فی شرح اسماء اللّٰه الحسنی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (60 -59/ 5)، ایضاح‌المکنون (674 -673/ 2)، تاریخ ادبیات در ایران (260/ 2)، دمیة القصر (1020 -1017/ 2)، الذریعه (42/ 25 ،188/ 20 ،319/ 4)، روضات‌الجنات (236 -234/ 5)، ریحانه (286 -285/ 6)، سیرالنبلاء (342 -339/ 18)، شذرات‌الذهب (330/ 3)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 118/ 5)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (258 -256/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (243 -240/ 5)، طبقات المفسرین داودی (390 -387/ 1)، العبر (324/ 2)، الکامل (123/ 8)، کشف‌الظنون (2002 ،1747 ،1460 ،1417 ،1277 ،809 ،355 ،245

125، 76)، الكنى والالقاب (277/ 3)، معجم‌الادباء (270 -257/ 12)، معجم‌المؤلفين (27 -26/ 7)، النجوم الزاهرة (105/ 5)، وفيات الاعيان (304 -303/ 3)، هدية‌الاحباب (260)، هدية‌العارفين (692/ 1).

واعظ یزدی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا بن حاج ابراهیم یزدی خراسانی عالمی کامل و فاضلی بارع از مفاخر دانشمندان و گویندگان و معاصر شهرستان یزد بوده‌اند.
تولد آن جناب در سال 1295 قمری در خراسان واقع شده و بعد از آموختن اولیات در سال 1314 مهاجرت به اصفهان نموده و مقدمات علوم را از بعض از افاضل آنجا آموخته و در سال 1319 به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر مرحوم حاج میرزا حسین خلیلی و مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی صاحب عروه و حاج شیخ هادی تهرانی و بعد به علامه میرزا محمدباقر اصطهباناتی پیوسته و در معیت آن مرحوم به شیراز مسافرت و در سال 1325 قمری به یزد برگشته و به وظائف شرعی از اقامه جماعت و ارشاد مردم از طریق منبر و غیره پرداخته و مسافرتهای عدیده‌ای به طبس و مشهد مقدس نموده و در همه جا مردم را از مواعظ حسنه خود بهره‌مند ساخته تا در روز 26 ذی‌الحجة سال 1378 قمری در قریه طزرجان یزد بدرود حیات گفته و مردم علاقمند یزد و حومه آن جنازه وی را از طزرجان که در پنجاه کیلومتری یزد است با دوش خود به شهر یزد آورده و در امامزاده جعفر در مقبره شخصی دفن نمودند.
دارای آثار خالده‌ای مانند کتاب (مفتاح علوم القرآن) که در سال 1361 شروع و در سال 1365 ق تکمیل نموده و در آن تاریخ ولادت و بعضی حالات و اسفار خود را ذکر کرده است می‌باشد.
نگارنده گوید: به خاطر دارم که آن مرحوم در اوائل سال 1363 قمری با فرزند فاضل و برومندش از مکه مراجعت و در قم مورد استقبال گرم و توجه مخصوص مراجع بزرگ و فضلا عالیقدر فراگرفته.
و بنابر اصرار آیات عظام و دانشمندان حوزه چند ماهی اقامت و در مدرسه فیضیه اقامه جماعت و درس تفسیر گذارده و اکابر وقت مانند مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد و غیره شرکت می‌نمودند.
و در همان سال فرزند مذکورش مریض و بدرود حیات گفتند و آقایان دروس را با احترام آن پدر تعطیل و برای تشییع حاضر ولی آن مرحوم درس خود را تعطیل نکرد و فرمود ما برای مرگ فرزندمان درس را تعطیل نمی‌کنیم و بعد از اتمام درس تشییع باشکوهی نمودند و خود آن مرحوم با دلی قرص و بدون اضطراب بر جنازه فرزندش نماز خوانده و پیوسته شکر و ذکر خدا بر زبانش جاری بود و تمام بزرگان از صبر و طاقت او تعجب

می‌کردند رحمه‌اللّه علیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ حسین خراسانی معروف به وحید عالمی محقق و فقیهی مدقق و مدرسی علامه و استادی فرزانه مجتهدی کامل و مصنفی فاضل جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول می‌باشد. تولدش در سال 1300 شمسی در مشهد واقع شده و پس از گذرانیدن دوران صباوت و خواندن ادبیات و سطوح اولی و نهائی را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد نهاوندی صاحب تفسیر فراگرفته و به درس خارج مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی و آیت‌الله آشتیانی حاضر شده و استفاده‌ها نموده و به واسطه داشتن استعداد و نبوغ فکری به مدارج عالیه
علم و اجتهاد ارتقا یافته و علوم عقلیه فلسفه و حکمت را از مرحوم به میرزا ابوالقاسم الهی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفته و در سال 1327 خورشیدی در شهر ری به دیدن مرحوم سیدنا الاستاد آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری رضوان‌الله علیه شرفیاب شده و پس از مذاکرات علمی مفتخر به دریافت اجاره اجتهاد مطلق گردیده و به قصد تکمیل مبانی و دیدن نظریات آیات و مراجع عظام عراق مجتهدا در سن 27 سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و بالاخص آیت‌الله العظمی خوئی شرکت کرده و از سال 1378 قمری شروع به گفتن درس خارج فقه و اصول نموده است.
معظم‌له حدود دوازده سال در نجف تدریس خارج داشت تا در سال 1390 که به ایران برگشته و بنا بر اسرار فضلاء محصلین مشهد و علماء خراسان و امر بعضی از مراجع یکسالی در مشهد توقف و به تدریس پرداخته و بعد از آن مهاجرت به قم نموده و اکنون در حوزه علمیه اشتغال به تدریس خارج فقه و اصول دارد و حوزه درسش بسیار جالب و بیش از صد نفر از فضلا و محصلین خوش فهم شرکت دارند که اغلب آنها دراسات و تقریرات معظم‌له را به رشته تحریر آورده و بعضی برای طبع آماده نموده‌اند.
علامه وحید بیانی جامع و زیبا دارد و از فکر شاگرد و تلمیذ خود رفع هر گونه ابهام و اشتباه می‌کند. جزوات در فقه و اصول از دراسات و تقریرات آیت‌الله خوئی و دیگران دارد و آثار علمی دیگر او که دیدم از این قرار است 1- شرح بر شرایع الاسلام 2- حاشیه‌ای بر کفایه 3- حاشیه‌ای بر

مکاسب.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(471 -385 ق)، حافظ، محدث، زاهد و ادیب. اصل وی از وخش، قریه‌ای در حوالی بلخ است. در طلب حدیث به عراق، جبال، شام و مصر سفرهای طولانی نمود و در بلخ، نشابور، بغداد، اصفهان، دمشق، بصره، مصر، عسقلان، تنیس، رمله، قدس، عکا، حلب و همدان از ابوالقاسم خزاعی و ابوسعید صیرفی و یحیی بن ابراهیم مزکی و ابوعمر بن مهدی فارسی و ابونعیم حافظ و ابوحسین بن بشران و ابومحمد نحاس و تمام بن محمد رازی و محمد بن احمد بن محمد بن مزدین و ابوسعید بن حسنویه و ابوالحسن علی بن قاسم نجاد و عقیل بن عبدان و قاضی ابوبکر حیری و عبدالواحد بن محمد بن مهدی و محمد بن حسین بن فضل قطان و محمد بن احمد بن ابوالفوارس و از جماعتی دیگر حدیث شنید. خطیب بغدادی و عمر بن محمد سرخسی و عمر بن علی محمودی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. خواجه نظام‌الملک در بلخ از وی حدیث شنید. در بغداد خلیفه عباسی به اتهام قدری بودن دستور به غرق کردن او داد. پس به مصر گریخت و بعد از چندی دوباره مخفیانه به بغداد آمد و از آنجا به بلخ بازگشت، در بلخ به امر خواجه نظام‌الملک برای وی مدرسه‌ای بنا نمودند تا در آن حدیث گوید. او در بلخ درگذشت. وی برگزیده‌ای از احادیثی را که از ابونعیم حافظ شنیده بود، در پنج جزء تحت نام «وخشیات» نگاشت. در «کشف‌الظنون» و به تبع آن در «هدیةالعارفین»، «الامالی»، در حدیث و کتاب «التوقیر» از آثار وی شمرده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (312/ 1)، انساب سمعانی (579/ 5)، ایضاح‌المکنون (340/ 1)، تذکرةالحفاظ (1174 -1171/ 3)، توضیح المشتبه (176/ 9)، سیرالنبلاء (367 -365/ 18)، شذرات‌الذهب (339/ 3)، طبقات الحفاظ (459)، العبر (329/ 2)، کشف‌الظنون (508 ،163)، لسان‌المیزان (446 -445/ 2)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (103 -102/ 19)، معجم‌البلدان (419/ 5)، معجم‌المؤلفین (260/ 3)، الوافی بالوفیات (163/ 12)، هدیةالعارفین (277/ 1).

ورنو سفادرانی سدهی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمّد کاظم ورنوسفادرانی. عالم فاضل متبحّر، مؤلّف تفسیر مختصری است بر قرآن کریم، و در اوّل آن گوید: تفسیر بعضی از کلمات قرآن است و قرائت و صیغه و عدد آیات و حروف آن، تاریخ فراغت: سلخ ذی قعده 1241.

فرزندش محمّد مهدی نام داشته، و او این تفسیر را وقف نموده است در سال 1263.

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر وفا
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/4/9
زندگینامه علمی
جعفر وفا در سال 1334 در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با تشویق والدین خود ، به سال 1348 در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال 1352 راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب ، فلسفه ، تفسیر و علم کلام ، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم ، نائل آمد . در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی ، قائمی ، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی ، پایانی ، اعتمادی ، حیدری زنجانی ، ناصر مکارم شیرازی ، میرزا جواد تبریزی ، وحید خراسانی ، نوری همدانی و ... استفاده نمود .
او از سال 1362 با درک ضرورت زمان ، کارهای قلمی ، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن ، تاریخ اسلام ، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی ، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها ، از کتاب های درسی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد ؛ همانند : ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم) ، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم) ، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم
ایشان درسال 1383 از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم ، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه پاسداران و وزارت ارشاد ، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید .وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی ، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند . وی در سال 1360 با همفکری

برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت . کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد . او از سال 69 تا سال 82 عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مربیان بوده است .

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی وفایی شوشتری مولف عالم و بزرگواری بود . او پیشوای با فضیلت و دارای مکارم اخلاقی بود . نام وی محمد مهدی ، مشهور به شرف الدین فرزند شیخ محمد شرف الدین است . او مقدمات و علوم ادبی را از صرف و نحو ، منطق ، معانی بیان ، حساب و هندسه ، فقه و اصول ، علم کلام و تفسیر را آموخته بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مهدی وفایی شوشتری ازخاندانی علمی و روحانی به نا م خاندان شرف الدین می باشد . خاندانی که همواره یا درمیان آن افرادی ممتاز و برجسته به پا خاسته و رهبری مذهبی مردم را بعهده داشته اند .همین امر احترام و توجه قاطبه اهالی خوزستان به ویژه شوشتر را در پی آورده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مهدی وفایی شوشتری مقدمات و علوم ادبی رااز صرف و نحو ، منطق ، معانی و بیان و سپس حساب هندسه ، هئیت ، فقه و اصول ، علم کلام وتفسیر را نزد فضلا و بزرگان مردم زادگاه خود شوشتر فرا گرفت پس از آن درسال 1304 شمسی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت نموده و از حوزه درس اساتید بزرگ آن سامان بهره مند شد.استادان و مربیان : مهمترین اساتید محمد مهدی وفایی شوشتری در دوران تحصیل درنجف و اماکن دیگر عبارتند از : آیت الله حاج میرزا حسین نایینی ، آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی ، آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید میرزا ابراهیم خراسانی ، آقا سید هبه الدین شهرستانی ، آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی،آیت الله آقا میرزا محمد سامرایی ، آیت الله میرزا محمود شیرازی ،آقا سید امام شوشتری ، شیخ شعبان گیلانی ،آیت الله آقا سید هادی میلانی ، آقا شیخ محمد علی غروی اردوبادی ، مرحوم حاج شیخ عباس قمی ،سید مهدی کاظمی اصفهانی ، سید ابراهیم راوی شافعی ، سید خلیل راوی شافعی و سید محمد راوی شافعی .فعالیتهای آموزشی : محمد مهدی وفایی شوشتری درمیان مردم محبوبیتی به سزا داشت و با خوشرویی و محبتی خاص مراجعین رامی پذیرفت. آورده اند که مواعظ وی که مهمترین فعالیتش بود ، مانند مواعظ جد والا و تبارش علامه حاج ملا جعفر شرف الدین تاثیری بس شگرف و درقلوب مردم می نهاده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مهدی وفایی شوشتری بطور کلی اوقات خود راصرف امور مذهبی

وهدایت مردم از تدریس اقامه نماز جماعت ، تالیف و نگارش و موعظه و سخنرانی مذهبی می کرد.آرا و گرایشهای خاص : محمد وفایی وفایی شوشتری علاقه وافری به تحقیقات تاریخی و آثار باستانی داشت و در مطالب تاریخی صاحبنظر و بیان کننده نکات جالبی است و بر همین اصل و مدتی را صرف مطالعه آثار مشکوفه سومرو بابل درموزه بغداد نموده و از کتابخانه مشهور بغداد مطالعات ارزشمندی داشته است.آثار : تاریخ شوشتری ویژگی اثر : این کتاب چاپ نشده است ولی درباره احوال دانشمندان شوشتری می باشد .2 ترجمه جلد اول تفسیر فخر رازی، ترجمه کتاب «فضائل»شاذان 4 رساله شرفیات ویژگی اثر : این کتاب سوالاتی است که شوشتری از علامه آقا سید هبت الدین شهرستانی نموده و ایشان جواب داده اند.5 عقاید اسلامیه ویژگی اثر : این کتاب ترجمه کتاب نکت الاعتقاد تالیف شیخ مفید است .6 مطالعات و مشاهدات
منابع زندگینامه :شرف الدین شوشتری ، شرح حال علامه ادیب فقید وفایی شوشتری ، تهران : انتشارات کتابخانه صدر ، بی تا ، ص 1

وهب

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(34- مقول 116/ 114/ 113/ 110 ق)، حافظ، محدث، مورخ، اخباری، زاهد و عابد. اصل او از هرات بود. پدرش، منبه، در دوره‌ی پادشاهی کسری انوشیروان از هرات خارج شد و به جزیرةالعرب رفت، سپس در زمان پیامبر (ص) اسلام آورد و در یمن سکنی گزید. وهب در زمان خلافت عثمان در یمن به دنیا آمد. اصحاب تراجم مراتب علم، زهد و جهد او را در عبادت ستوده‌اند. در زمان عمر بن عبدالعزیز وی عهده‌دار منصب قضاوت صنعا در یمن بود. روایات سنددار (مسند) کمی را نقل کرده، عمده‌ی دانش وی درباره‌ی اسرائیلیات و صحائف اهل کتاب بوده است. به آورده‌ی صاحب «کشف‌الظنون» وی اولین کسی است که در موضوع قصص انبیاء کتاب نوشته است. احمد بن حنبل گوید که او قدری بود، سپس از این عقیده بازگشت. از برادرش، همام بن منبه، و ابن‌عباس و ابوهریره و ابوسعید و نعمان بن بشیر و جابر بن عبداللّه و عبداللّه بن عمرو بن عاص و عبداللّه بن عمر خطاب و طاووس بن کیسان و انس بن مالک و عمرو بن شعیب و فنج یمانی حدیث شنید. فرزندانش، عبداللّه و عبدالرحمان، و برادرزاده‌هایش عقیل بن معقل و عبدالصمد بن معقل، و نواده‌اش، ادریس بن سنان، و عمرو بن دینار و سماک بن فضل و عوف اعرابی و عاصم بن رجاء و یزید بن مسلم و یزید بن یزید بن جابر و عبداللّه بن عثمان بن خثیم و اسرائیل ابوموسی و همام بن نافع و عیسی بن سنان و مغیرة بن حکیم و منذر بن نعمان و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در پایان عمر توسط یوسف بن عمر ثقفی حاکم یمن محبوس و توسط عمال وی به قتل رسید. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ کتابی در «ذکر الملوک المتوجه من حمیر و اخبارهم و قصصهم و قبورهم و اشعارهم»؛ «قصص الانبیاء»؛ «قصص الاخیار»؛ «فتوح البلاد»؛ «الاسرائیلیات»؛ کتاب «القدر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (150/ 9)، تاریخ الاسلام (حوادث 500 -497/ 120 -101)، تذکرة الحفاظ (101 -100/ 1)، تهذیب‌التهذیب (148 -147/ 11)، تهذیب الکمال (502 -487/ 19)، الثقات (488 -487/ 5)، الجرح والتعدیل (ج 4، ق 24/ 2)، حلیةالاولیاء (81 -23/ 4)، سیرالنبلاء (557 -544/ 4)، شذرات‌الذهب (150/ 1)، طبقات ابن‌سعد (71 -70/ 6)، طبقات الحفاظ (52)، العبر (109/ 1)، کشف‌الظنون (1328)، معجم‌الادباء

(260 -259/ 19)، معجمالمؤلفين (174/ 13)، ميزان الاعتدال (324 -323/ 4)، وفيات الاعيان (36 -35/ 6)، هديةالعارفين (501/ 2).

هادوی، اصغر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اصغر هادوی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1

زندگینامه علمی
جناب آقای اصغر هادوی در سال 1339 در شهر کاشان در خانواده ای متدین و مذهبی متولد شد. ایشان پس از پایان موفقیت آمیز تحصیلات دوران متوسطه و به دنبال شور و علاقه فراوان به معارف ناب اسلامی، وارد حوزه علمیه کاشان گردید که پس از طی دوره مقدماتی و برای ادامه تحصیلات عالی، وارد حوزه علمیه قم گردید و در حلقه درس خارج «آیت الله العظمی وحید» و «مرحوم شیخ جواد تبریزی» حاضر و به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت.
در کنار دروس حوزوی، به تحصیل در دانشگاه هم روی آورد و در مقطع ارشد رشته «اقتصاد» از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل گردید.
ایشان که پژوهشگری تواناست علاوه بر تدریس در دانشگاههای مختلف، مقالات فراوانی به کنگره های علمی کشور ارائه داده است که از جمله می توان به «مراتب انس با قرآن»، «عبادت در قرآن» و «جامعیت قرآن از نگاه حدیث» اشاره کرد.

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد
به سال 313 هجری شمسی، در جلگه‌ی نوق - از جلگه‌های رفسنجان - در خانواده‌ای متدین، پسری چشم بر جهان گشود؛ با نام اکبر هاشمی، فرزند حاج میرزا علی و ماه بی‌بی.
روزگار کودکی
کسی نمی‌دانست که نوزاد امروز شخصیت سیاسی - فرهنگی پر آوازه‌ی فردای کشور خواهد بود، تا همه‌ی جزئیات زندگی‌اش را ثبت کند. از بایگانی خاطره‌ها نیز چندان نکته‌ای نمی‌توان برکشید؛ جز این که او در کودکی نیز - در مقایسه با هم سالانش - ویژگی‌های برجسته داشت، چنان که مدرسه را از پنج سالگی همراه برادری که از او دو سال بزرگ‌تر بود آغاز کرد.
دو راهی مکتب و مدرسه
در دو راهی مکتب و مدرسه، دست سرنوشت او را به مکتب خانه سپرد. پدر مکتب خانه را انتخاب کرد؛ چرا که مدرسه از روستا چندان دور بود که دشواری‌های آن را کمتر خانواده‌ای پذیرا می‌شد. گذشته از این برای خانواده‌های مذهبی - به دلایلی که شرح آن در این فرصت نمی‌گنجد - مدرسه چندان جاذبه‌ای نداشت.
شکل‌گیری شخصیت
شرایط دشوار زندگی، از هفت تا چهارده سالگی تأثیر تعیین کننده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت مقاوم، صبور و چند بعدی او داشت. مشارکت و کمک به خانواده در امور باغ و دام و طیور و کوشش در حفظ دستمایه‌ی معیشت روستایی، معاشرت و تفریح و ورزش‌های سالم و تحمل مشقات زندگی در روستای دورافتاده‌ی نیم قرن پیش برای او زمینه‌ی آشنایی با واقعیت‌های زندگی بود و از این همه تلاش و تقلا تجربه‌های گران اندوخت. از پدری متدین و آگاه، اخلاق و معرفت آموخت، و در چند مکتب خانه از چند معلم مقدمات علم را فراگرفت.
وسوسه‌ی هجرت و دل کندن از زادگاه
روستای بهرمان روح پرتکاپوی نوجوانی مانند او را گنجا نبود. ناگزیر باید فضایی دیگر و میدانی پنهاور او را آغوش می‌گشود. آن روزها، آوازه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را در خانواده‌های مذهبی طنینی پرجاذبه بود که

رفته‌رفته چنان او و پسرعمویش را اثرپذیر ساخت که هجرت به شهر مقدس قم آن هر دو را وسوسه‌ای روزافزون شد. از سویی، دل کندن از خاک زادگاه هم چندان آسان نبود، چنان که یک بار گفت و گو با پدر برای گرفتن رضایت و رخصت هجرت، با انفجار غم در گلو و فرو غلتیدن دانه‌های اشک بر گونه‌ها، همراه بود. با این همه، سرانجام پدر رضایت داد و زمینه‌ی سفر فراهم شد.

با کاروان عشق

هر چند اکنون نیز، چون همیشه، عشق زیارت کربلا عشقی است زنده و چنگ انداخته بر دل‌های بی‌شمار، اما زیارت قدیم را حکایت دیگری است. از همان روز که مشتاقان برای ماه‌ها بعد تدارک سفر می‌دیدند، خدا می‌داند که چند و چندین بار با زمزمه و یاد سفر، چشمان‌شان در اشک شوق غوطه می‌خورد. تا فرا رسیدن روز موعود و حرکت کاروان، که طنین صدای چاووشی خوان آه از نهاد همه برمی‌آورد؛ گریه‌ی شوق بدرقه شوندگان و اشک حسرت بدرقه کنندگان، خاطره‌ای بر جای می‌نهاد که با یاد آن بارها و بارها دل‌ها می‌شکست و دیده‌ها تر می‌شد.

این بار سخن از کاروانیانی است که بر آن شده‌اند تا دو فرزند دلبندشان را در میان راه به شهر قم بسپارند؛ شهری که خود زیارتگاه است و هم در آن روزگار، گذرگاهی بر سر راه زایرانی بسیار که مشهد رضوی، یا کربلای حسینی را آهنگ زیارت داشتند، با ویژگی و امتیازی که تأسیس حوزه‌ی علمیه در آن روزها به این شهر داده بود.

تجربه‌های تلخ و شیرین

از همان روز که سفر آغاز شد، تجربه‌هایی تلخ و شیرین به بار آورد که هر یک را به نوبه‌ی خود در سازندگی و زمینه‌سازی بالندگی‌اش، بیش یا کم، نقش و اثری بود که در این فرصت باید از آن یادی کرد:

تجربه‌ی سفر

بی‌تردید، سفر برای نوجوانی که برای نخستین بار پا از روستا بیرون می‌گذارد تجربه‌ای است یگانه، شیرین و به یاد ماندنی. در این تجربه‌ی تاریخی، به فراوانی فرصت تجربه‌ی پدیده‌هایی نو فراهم می‌شود که همه از مقوله‌ی اولین‌هاست: دیدن و سوار شدن اتوبوس، برای اولین بار؛ حضور در شهر و رویارویی با همه‌ی آنچه ویژگی شهر است، برای اولین بار...؛

بی‌شک دشواری و رنج در سفرهای دور آن روزگار نیز بسیار بوده است؛ هر چند لذتی که از آن همه مشاهدات نو به نو، نوجوانی رسته از قفس روستا را پیش می‌آید، تلخی‌ها و سختی‌ها را نیز شیرین می‌کند.

تجربه‌ی غربت

با این همه، رنج غربت چنان تلخ و جانکاه است که به هر حال فرصتی برای

خودنمایی می‌یابد؛ هر چند که از نخستین روز شرایط بهتری - در مقایسه با همگنانی که در حجره‌ی مدرسه‌ها زندگی می‌کردند - برای او فراهم است و حضرات اخوان مرعشی، که آن روز از فضلای حوزه به شمار بوده‌اند، بر حسب پیوند خویشاوندی و با قراردادی مسؤولیتی را در این زمینه می‌پذیرند؛ مسؤولیتی که بی‌اجر هم نبوده است. بدین‌سان زندگی در قم از خانه‌ی اخوان
مرعشی آغاز می‌شود؛ در سوز سرمای زمستان. هر چند سرمای کویر کرمان نیز بی‌سوز نبوده است، اما سوز سرمای قم را در آن ایام حکایتی دیگر است!
تجربه‌ی آشنایی
از دست‌آوردهای ارزشمند روزگار طلبگی، آشنایی‌هاست. بهانه‌ی این آشنایی‌ها، پیش از هر چیز، نیاز طلبه به کسی است که درس را با او مباحثه کند. رفته رفته، دامنه‌ی این آشنایی گسترده و گسترده‌تر می‌شود: بحث مشترک، گرایش مشترک، اندیشه و آرمان مشترک.... آشنایی‌هایی از این دست احساس غربت را چندان مجال نمی‌دهد که طلبه‌ای مصمم را از پا در آورد. چنین است که پدر و مادرش در بازگشت از زیارت - حدود سه ماه بعد از مهاجرت فرزند - جای نگرانی نمی‌بینند؛ پس از چند روز، آسوده خاطر، آهنگ دیار می‌کنند و او آموختن را پی می‌گیرد، با اندوخته‌ای ناشناخته و عزیز: نیایش مادری دل سوخته در حایر حسینی!
تجربه‌ی ارادت
در حوزه‌های علوم اسلامی، تحصیل، تهذیب، تعلم و تزکیه را پیوندی تنگاتنگ بوده است. نقش تعیین کننده در سیر و سلوک معنوی، دل بستن است و دل سپردن به مرادی که چونان اسوه‌ای، در تسخیر قله‌ی کمال معنوی، در باور و دل ارادتمند، جایگاهی بیابد؛ در این نگاه، بسا میان امروز و دیروز تفاوتی باشد. به هر حال، در آن روز، حضور آیت‌الله العظمی بروجردی در قم نه تنها برای او، که برای خیل طلاب، چنین نقشی داشت؛ چنان، که دیدنش برای‌شان راستی را که آرزو بود. هر روز می‌کوشیدند یک یا چند بار زیارتش کنند. او نیز چونان پدری مهربان طلبه‌ها را دوست می‌داشت و برای تشویق افرادی که بتوانند استواری و درخشندگی را به نمایش بگذارند بخشی از وقت خویش را آزاد می‌گذاشت: طلبه‌ای که شعرهای الفیه‌ی ابن مالک را - که یک دوره‌ی کامل نحو است - و متن منطق تفتازانی یا بخشی از قرآن را حفظ می‌کرد با دریافت جایزه‌ای از دست مرجع تقلید شیعیان نواخته می‌شد و برایش دلگرمی و امتیازی بود. برای او چنین فرصتی دست داد و خاطره‌ای شیرین به یادگار گذاشت؛ هر چند شیرینی‌های این زندگی فروردین همیشه با تلخی‌هایی آمیخته است و در این مورد نیز چنین بود.

تجربه‌ی تبلیغ

آمیختگی تحصیل و تبلیغ، ویژگی مهمی است و تفاوتی عمده و اساسی میان حوزه‌ی قم و نجف. ریشه‌یابی این تفاوت در فرصت کنونی نمی‌گنجد؛ تنها به اشاره‌ای بسنده می‌شود: در حالی که حوزه‌ی نجف وعظ و خطابه را برای کسی که جایگاهی معتبر و مقامی عالی در فقاهت را آهنگ کند کاستی می‌شمرده است، در حوزه‌ی قم، آشایی با فن خطابه را چونان هنری ارزشمند - برای هر کس و در هر مقام - ارج می‌نهاده‌اند. فرزندان این حوزه بر آن بوده‌اند که از همه‌ی فرصت‌ها و مناسبت‌های دینی برای تبلیغ سود برند. افزون بر این، سفر تبلیغی برای طلاب قم راه گذران معاش هم بوده است. چنین بود که او نیز در فاصله‌ای کوتاه سفر تبلیغی را بال گشود، نخست به زادگاه و سپس به دیگر جاها، در سرتاسر ایران.

تجربه‌ی شکست

اگر نیازهای زندگی نبود، بسا زندگی از فراز و فرود خالی بود. نیاز را با انگیزه‌ی جدی پیوندی است تنگاتنگ، چنان که بی‌آن مشکل بتوان از انگیزه تصور روشنی داشت. بی‌تردید انگیزه‌هایی که ما می‌شناسیم بی‌پیوند با نیازی نیستند. در این میان، نیازهای مادی را نقشی است بسیار مهم و سودمند.

چنین است که تن دادن به سفرهای تبلیغی سخت از آن زمان آغاز می‌شود که زندگی مستقل، دشواری‌هایی را - که بهای آزادی و استقلال است - در نگاه می‌نشاند، یا از آن نیز فراتر می‌رود! به ویژه که رفته‌رفته دیگر برادرها را نیز وسوسه‌ی هجرت برانگیخته است و در منزل برادر اطراق کرده‌اند. درآمدی در کار نیست، جز آنچه پدر حواله می‌کند که نسبت به هزینه‌ی زندگی ناچیز است. ناگزیر باید چون دیگران سفرهای تبلیغی را - در تعطیلی‌های حوزه -باربرست، هم فال است و هم تماشا، هم انجام وظیفه است و هم ادای مسؤولیت تبلیغ، و هم امداد غیر غیبی زندگی. اما نخستین تجربه در این راه شکستی است تلخ که غرور این فرزند کویر را جریحه‌دار می‌کند. از این پس، هر چند مسؤولیت تبلیغ فراموش نمی‌شود، ولی این اندیشه قوت می‌گیرد که باید حساب تبلیغ و امرار معاش را از یکدیگر جدا کرد. در این راه نیز تجربه‌های نخست موفقیت‌آمیز نیست، هر چند سرانجام تلاش و همت به بار می‌نشیند. در راه همین تلاش، از حجره‌ای در مدرسه‌ی حاج ملاصادق، پایگاهی پدید می‌آید که چون یک مرکز تجمع، جمعی هم‌اندیش، هم دل و هم باور را در عرصه‌ی تلاش فرهنگی فراهم می‌آورد و رفته‌رفته مکتب تشیع با هم کاری شهید دکتر باهنر پایه‌گذاری می‌شود، با پی‌آمدهایی ارزشمند و زمینه‌ساز آشنایی گسترده و گسترده‌تر با افراد و جمعیت‌های تلاشگر و خواستار گسترش اندیشه‌ی اسلامی و هواداران آرمان‌های مترقی، در سراسر کشور. به تعبیری دیگر

می‌توان گفت: انتشار مکتب تشیع سرمایه‌ی ارتباطی گسترده در اختیار او گذاشت تا ببینیم که در حفظ و بهره‌برداری از این ارتباط ارزشمند چه خواهد کرد. در این میان، زمینه‌ی ازدواج و پایه‌گذاری زندگی مشترک فراهم می‌شود که در آن روزها خالی از دشواری‌هایی نبوده است، به ویژه فراهم کردن هزینه‌ها؛ به هر حال، گردنه‌ای است در روند زندگی که باید آن را پشت سر گذاشت. در این میان، آنچه ماندگار است خاطراتی است روشنگر چگونگی برخورد با سختی‌ها که در آن تجربه‌هایی آموزنده و سازنده موج می‌زند.

آشنایی با حضرت امام قدس سره

در بازی سرنوشت، او را از نخستین روزهای هجرت به قم فرصت طلایی فراهم شد که زمینه‌ساز آشنایی با شخصیتی بود که در شکوفایی استعداهایش بهترین و بیشترین نقش را داشت. منزل اخوان مرعشی در نزدیکی بیت حضرت امام بود، چنان که او را هر روز فرصت چشم دوختن به چهره‌ی جذاب و پرابهت او دست می‌داد؛ چهره‌ای که با نخستین نگاه دل او را با عشقی روزافزون تسخیر کرد. گاه می‌کوشید که بهانه‌ی پرسشی، مسافتی را با امام هم‌گام شود، بی‌خبر که در سرنوشتش هم گامی دیگری رقم خورده است تاریخی و تاریخ ساز....

تجربه‌های سیاسی

از منظری دیگر، حوزه‌ی قم در آن روزها دستخوش التهاب‌های سیاسی تکان دهنده‌ای بود. هر چند موضع مرجع تقلید وقت، کناره‌گیری از سیاسیت - از موضع تقیه - بود؛ با این همه پی‌آمدهای آزادی‌های پس از شهویور 20 افراد و گروه‌هایی را فرصت تحرک فراهم کرد و پیدایش حرکت‌هایی را زمینه‌ساز شد. جبهه‌ی ملی، حزب توده و از همه نزدیک‌تر به حوزه، جمعیت فداییان اسلام و هواداران آیت‌الله کاشانی، که در قم نیز بی‌پایگاه نبودند و از پشتیبانی یکی از علمای برجسته‌ی قم که زهد و تقوای او نیز زبانزد همگان بود، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، برخوردار بودند. چنین بود که پیش از اختلاف دکتر مصدق با آیت‌الله کاشانی، نهضت ملی نیز - به خصوص در جریان مبارزه با استعمار انگلیس - از حمایت جدی آیت‌الله خوانساری برخوردار بود. اگر موضع‌گیری الحادی حزب توده، تنش میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و پاره‌ای حرکت‌های تند و ناپخته نبود، به عوامل دربار کمتر فرصت جوسازی و بهره‌برداری داده می‌شد و در نتیجه، حرکت‌های ملی -مذهبی از حمایت آیت‌الله العظمی بروجردی نیز نصیب می‌بردند.

به هر حال، در آن روزگار، در آماده‌سازی و رشد سیاسی نسل جوان حوزه موج این حرکت‌ها بی‌تردید اثرگذار بود؛ به ویژه که در مواردی مانند آوردن جنازه‌ی رضاشاه به قم و تظاهرات در مخالفت با آن، ماجرای سید

علی‌اکبر برقعی، سفر آیت‌الله کاشانی به قم و جلوس در بیت آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، این نسل به صحنه می‌آمد و به رغم تعبدی که در برابر مرجع تقلید خود داشت، در عمل نسبت به حرکت سیاسی احساسی مثبت نشان می‌داد.
برآیند این همه، محبوبیت ممتاز حضرت امام بود در دل نسل جوان و بالنده‌ی حوزه، که رفته‌رفته او، در شمار یکی از نمایندگان برجسته‌اش، جایگاه معتبری یافت او با شماری از هم فکران، بیت ایشان را - پیش از آغاز نهضت - پایگاه خود ساختند؛ گویی در جهان آرمان‌ها، جانشین آیت‌الله العظمی بروجردی را در مقام مرجعیت شیعه انتخاب کرده بودند. هر چند در ارزیابی‌های ظاهری - با توجه به مشی حضرت امام و پرهیز جدی از شائبه هرگونه حضور در میدان رقابت‌ها - چنین آرزویی را زمینه‌ی تحقق نبود.
رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی
ناگهان انتشار خبر درگذشت مرجع تقلید شیعیان جهان مانند زلزله سهمگین، ایران را به لرزه در افکند و انبوه مردم را فرصت حضوری پرهیجان فراهم کرد. حضور گسترده‌ی مردم در جریان تشییع جنازه و مراسم بی‌شمار یادبود در سراسر کشور، نمایشی بود از قدرت مردمی روحانیت و مرجعیت. هر چند که دربار نیز خود را مصیبت‌زده وانمود کرد و فراتر از آن، در گرفتن ژست صاحب عزا بازی‌ها در آورد. هر چند ساده‌اندیشانی در هر کسوت بودند که به ریاکاری‌های دربار فریفته می‌شدند. اما واقعیت این بود که چنین نمایشی با شکوه، دربار و درباریان را سخت نگران می‌کرد؛ بگذریم که برای شخص شاه این نمایش مفهومی دیگر داشت، اگر فراموش نکرده باشیم که چندی پیش با جنازه‌ی پدرش در همین شهر قم چگونه برخورد شد!
چنین بود که در بطون سیاست دربار پیش گیری از تمرکز مرجعیت اصلی بود خدشه‌ناپذیر؛ با اندکی ژرف‌بینی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تلگراف تسلیت به نجف ترفندی بود برای تجزیه‌ی مرجعیت و انتقال آن به نجف. نگاهی گذرا به مطبوعات آن روزها روشنگر دوگانگی کامل سیاست دربار است که به ظاهر در جهت انتقال مرجعیت به نجف تلاش کرد، در حالی که مطبوعات می‌کوشند تا هر شخصیتی که بیش یا کم هوادارنی دارد، مطرح شود. در چنین فضایی بود که او و دیگر شاگردان ارادتمند حضرت امام فرصت یافتند که از یک سو نامزد مورد قبول خود برای مقام مرجعیت را در مطبوعات مطرح کنند و از سوی دیگر، از فرصت مراسم یادبود آیت‌الله بروجردی در روشنگری و در میان گذاشتن آرمان‌ها و ایده‌های خود با توده‌ی مردم و روحانیت بهره‌برداری کنند. سخنرانی او در مسجد اعظم مانند سخنرانی شماری از هم فکرانش نموداری است از چنان تکاپویی؛ با

این همه، همه‌ی شواهد بیانگر ناکامی آنان در این تلاش بود، چنان که پس از فرونشستن موج سوگواری در نگاه سطحی، همه با افسوس باور کردند که حضرت امام همچنان منزوی خواهند ماند.
طنین فریادی در سکوت
ناگهان با طنین فریادی در سکوت، خطای دوست و دشمن در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری افشا شد: در میان تلگراف‌هایی که به نخست‌وزیر وقت - در اعتراض به تصویبنامه‌ی دولت -در نگاه‌ها نشست، تلگراف حضرت امام را آهنگی دیگر بود؛ آهنگی که دل دوستان را با خیزآبی از شادی نواخت، و دربار و درباریان را با موجی از وحشت هراسان ساخت. شاید بیش و پیش از همه، شخص شاه پریشان شد. هر چند حجاب قدرت مانع ژرف‌بینی بود و ساده‌اندیشانه چنین پنداشتند که با بی‌پاسخ گذاشتن تلگراف حضرت امام، او حذف خواهد شد؛ بی‌خبر که پیام این سکوت برای نسل جوان و هوشیار حوزه از هر روشنگری روشنی بخش‌تر بود. نسل بالنده، و هوشیار حوزه پیش از همه دریافت که در انتخاب خود به خطا نرفته است، و او نماینده‌ی همین نسل بود.
چنین بود که او و همه‌ی هم باورانش در این باور بیش از پیش هم داستان شدند که اگر مرجعیت دچار تجزیه شد، رهبری را دریابند، با آن که باید در مورد مرجعیت حضرت امام نیز تلاش کنند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.
با آن که در نهضت ده ماهه‌ی روحانیت و درگیری با دولت علم به بهانه‌ی تصویبنامه‌ای در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی، همه‌ی مراجع قم -با بهره‌مندی از حمایت مراجع نجف - هم گام بودند، ولی رهبری حرکت با حضرت امام بود و با همین رهبری مبارزه در گام نخست به پیروزی رسید؛ پیروزی امیدآفرینی که می‌توان آن را از جهاتی با پیروزی مسلمانان در بدر مقایسه کرد: روحانیت، مراجع و مردم به رهبری حضرت امام بی‌هیچ تلفاتی به پیروزی بزرگی دست یافتند؛ دولت علم رسما عقب‌نشینی کرد و با فشار و اصرار حضرت امام مطبوعات لغو تصویبنامه را اعلام کردند. شرح این بخش از داستان مبارزه و انقلاب را فرصتی دیگر باید؛ پس به اشاره‌ای باید بسنده کرد که حضور او و هم کوشان و هم باورانش در این عرصه‌ی تاریخی چنان بود که گویی ماهیانی تشنه‌اند که اینک خود را به برکه‌ای لبریز از آب زلال رسانده‌اند.
شکستی پس از پیروزی
با آن که حماسه‌ی 15 خرداد را، با پی‌آمدهای سیاسی و فرهنگی آن، نباید شکست ارزیابی کرد، چرا که رمز و راز پیروزی انقلاب در همین حماسه‌ی تاریخی نهفته است؛ با این همه، بر حسب مفهوم متعارف پیروزی و شکست - در فراز و فرود راه مبارزه - می‌توان چونان شکستی از آن یاد

کرد، شکستی بس همانند با شکست مسلمانان در احد! دشمن در پی شکستی که ناگزیر بدان تن داده بود نیروهای خود را بسیج کرد و این بار شخص شاه به میدان آمد، با شعار انقلاب سفید و با حربه‌ی رفراندم؛ شعاری دنیاپسند و حربه‌ای کارآمد که مخالفان را - که در مبارزه‌ی گذشته با استناد به اصولی از متمم قانون اساسی پایگاهی قانونی داشتند - در نخستین برخورد خلع سلاح کند. در برابر، دلگرمی پیروزی گذشته - که هیچ کامی شیرینی آن را از یاد نبرده بود - مراجع، علما، روحانیت و انبوهی از مردم را به صحنه آورد و بدین‌سان صف‌آرایی جدی‌تری از گذشته شکل گرفت. اگر پاره‌ای خواص چونان نسل جوان و بالنده‌ی حوزه و انبوه مردم رهبری حضرت امام را گردن می‌نهادند، بسا درگیری این دو صف به گونه‌ای دیگر رخ می‌داد. به هر حال، درگیری خیلی زود پیش آمد، در آستانه‌ی رفراندم 6 بهمن 41، یک روز پیش از آمدن شاه به قم؛ در قم با بهانه‌ای و در تهران با بهانه‌ای دیگر. بدین‌سان نهضت زمستان سرد و سوزانی را پشت سر گذاشت؛ زمستانی که در آن، اختناق رژیم بر همه‌ی پایگاه‌های روحانیت و مردم سایه‌ای سنگین گسترده بود، چنان که در رمضان نیز فریادها در گلو - مگر در پاره‌ای موارد استثنایی - حبس می‌نمود.
در طلیعه‌ی بهار طبیعت، با پیام تحریم مراجع، جنبش جان گرفت. به ویژه پیام امام در تحریم عید و نیز پاسخ به درخواست حضرت آیت‌الله سید محسن حکیم مبنی بر مهاجرت مراجع به نجف، جهت اتخاذ تصمیمی مشترک، و از همه اثر گذارتر، سخنرانی امام در عصر چهارشنبه‌ی پایان سال 41، که روح قیام را در قم دمید. زایرانی که از جای جای ایران - برای حضور در حرم حضرت معصومه (ع) در لحظات تحویل سال نو - همه ساله به قم مشرف می‌شدند، در نوروز 42، قم را دگرگون یافتند و از نهضت روحانیت در برابر رژیم آگاه شدند و از نزدیک یورش نیروهای سرکوبگر شاه به فیضیه را یا تماشاگر بودند یا آثار آن را همان روز و روزهای بعد به چشم دیدند. موج این خبر سراسر ایران را فراگرفت و زمینه را برای آنچه حضرت امام و یاران آگاهش سال‌ها آرزو داشتند فراهم کرد.
هر چند حضرت امام، یورش عمال رژیم به فیضیه را بی‌پاسخ نگذاشت و از همان روز رویداد هرازگاه به بهانه‌ای سوگ فیضیه را فریاد زد؛ اما در واقع فریاد را در گلو بیش از هفتاد روز حبس کرد، تا به هنگام، در واپسین ساعت عاشورا، در حضور ده‌ها هزار عزادار آماده‌ی شهادت آن را بر سر شخص شاه فرود آورد و شکوه دروغینش را در هم بشکند. گویی فریاد عصر عاشورای حضرت امام فریاد مظلومان تاریخ اسلام و ایران است که قرن‌ها در گلوی زمان زندانی زورگویی و اختناق بوده است و اینک به

هنگام، با زمینه‌سازی بسیار خردپذیر و سنجیده، آزاد می‌شود و موج می‌افکند و مردمی قرن‌ها چشم به راه، هم اکنون عزیز زندانی خویش را پذیرا می‌شوند و به گرمی آغوش می‌گشایند.
محرم و عاشورای 42، محرم و عاشورایی بود پرشور، که در زمینه‌سازی آن کمتر شهری یافت می‌شد که پیک و پیام حضرت امام را دریافت نکرده باشد. پیامی که دستور زنده کردن عاشورا و تجدید عهد با پیام عاشورا بود. پی‌آمد آن فریاد تاریخی و پرطنین، دستگیری فریادگر بود، با فاصله‌ای اندک، و در پی آن، حماسه‌ی 15 خرداد، با قربانیان بسیار.
خورشید روز دوازدهم محرم سال 1342، بر انبوه پیکرهای به خون خفته تابید و غروب آن، نه تنها سیاهی شب را در پی داشت که گویی حاکمیت ظلم و ظلمت را در برهه‌ای دیگر از زمان، همراه خشونت و خفقان، مهر تأیید می‌نهاد.
هر چند با دستگیری حضرت امام و تنی چند از عالمان و سخنوران، دیگر مراجع، علما و به ویژه نسل بالنده و جوان حوزه‌ها از پای ننشتند، ولی به هر حال چندی آهنگ نهضت شتاب گذشته را از دست داد.
حضور نهضت در پادگان‌های نظامی!
گویی سرنوشت در حماسه‌ی 15 خرداد سهم او را انجام مأموریتی در فضایی دیگر رقم زده بود: فضای پادگان‌های نظامی که در حصار دژی آهنین با مردم بیگانه بود. داستان سربازگیری از حوزه‌ی قم -در پی یورش به فیضیه - را در تاریخ انقلاب جایگاهی است با اهمیت که در این فرصت، ناگزیر باید به اشاره‌ای بسنده کرد و از آن گذشت، با یادآوری این نکته که حضور او را در جمع طلبه‌هایی که در فروردین سال 42 - از حوزه‌ی قم - به سربازخانه اعزام شدند، در مجموع می‌توان بسیار مثبت ارزیابی کرد، با آثاری از این دست: تقویت روحیه‌ی جمع، رسیدن پیام نهضت به اختناق زده‌ترین قشر جامعه؛ چنان که در عاشورای سال 42 شعار مبارزه در جای جای پادگان نظامی عشرت‌آباد نیز در نگاه می‌نشست از این همه ارزشمندتر، اندوخته شدن یکی از نیروهای فعال نهضت برای روزگار غربت انقلاب که در نخستین غیبت رهبری بتواند اثرگذار باشد. نمی‌دانیم، شاید اگر او در نیمه‌ی فروردین تا نیمه‌ی خرداد سال 42 در در سربازخانه نبود، از دستگیرشدگان آن روزها بود و در این صورت، بسا مسائل که دستخوش تغییراتی می‌شد که پس گویی آن بسیار دشوار است. به هر حال، تا نیمه‌ی خرداد در پادگان حضور داشت و بیم آن می‌رفت که برایش پرونده‌سازی سنگینی شود که به هنگام، از سربازخانه گریخت و به جمع علمای مهاجر در تهران پیوست و با شماری از هم‌اندیشان به بهره‌برداری هر چه بیشتر از آن هجرت تاریخی پرداخت. در همین احوال حساس و در حالی که همراه و هم‌گام به شهید دکتر محمدجواد باهنر می‌کوشید تا از

حضور و نفوذ مهاجرین بیشترین بهره‌برداری - در جهت اهداف نهضت شود، ناگهان گام در دامی نهاد که در راهش گسترده شده بود و می‌رفت که با عنوان سرباز فراری، متهم به فعالیت‌هایی در بیرون و درون پادگان، به مراجع قضایی نیروهای مسلح سپرده شود و در آن فضای آکنده از خشونت، احیانا محکومیت سنگینی پیدا کند، که با چابکی و هوشیاری از این دام نیز گریخت و از این پس، چندی به صورت سربازی فراری روزگار را کرانه کرد.
بدین‌سان فرصتی پیش آمد که کار ترجمه‌ی کتاب سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار را به انجام رساند، کاری کارستان و کارساز و اثرگذار بر بینش سیاسی حوزه از یک سو، و بر برداشت دیگران از فرزندان فیضیه از سویی دیگر. پرونده‌ی او با انتشار این کتاب - پس از چندی که از روزگار تألیف می‌گذشت - شکل گرفت و نخستین احضار و بازجویی به آن راجع است. (سندهای شماره 0001 تا 15/2)
به هر حال، در اختناق سال 42، او به عنوان سربازی گریخته از پادگان که دارای پرونده‌ی سیاسی نیز بود، فرصت خوبی برای اندیشه‌ی بیشتر یافت و اوقات فراغت را با تلاش فرهنگی و سیاسی ثمربخشی پر کرد.
حضوری دوباره در قم
رفته‌رفته، جو اختناق شکسته شد و رژیم - که اعدام حضرت امام را در مقام مرجعی مقتدر، محبوب و بهره‌مند از پشتیبانی بی‌دریغ اقشار میلیونی مردم، با مصالح سیاسی خود ناسازگار ارزیابی کرده بود - پی‌آمدهای زندانی نگه داشتن، محاکمه و محکومیت وی را نیز ناصواب شناخت و بر آن شد که در جست و جوی راهی برای تحمل و کنار آمدن بکوشد. از آنجا که آزادی ناگهانی نیز چنان موجی از احساسات مردم را می‌توانست برانگیزد که مهار آن بیرون از توان نیروهای رژیم ارزیابی می‌شد، ناگزیر برنامه‌ریزی به گونه‌ای انجام شد که نخست حضرت امام از حبس به حصر منتقل شدند و پس از چندی، شهر قم دیگر بار حضورش را آغوش گشود.
در این میان، کابینه‌ی علم نیز سقوط کرد و حسنعلی منصور تشکیل کابینه را مأموریت یافت. در نرمشی که در سیاست رژیم ضمن اجرای این برنامه پیش آمد، فضای سیاسی دیگری پدید آمد که او با احساس امنیت، در قم حضور یافت و در چنین فضایی مقدمات انتشار سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار فراهم شد. در همین فضای جدید، هم‌اندیشان را فرصتی پیش آمد تا به بحث‌های جدی‌تری بپردازند. چنین بود که زمینه‌ای برای شکل‌گیری تشکلی با نام «جمعیت اصلاح حوزه» فراهم شد که هدف اصلی آن بررسی اصلاح جامعه از طریق ایجاد حکومت اسلامی بود.
جشن‌های آزادی امام
ناگهان موج خبر آزادی حضرت امام همه را غافلگیر و هیجان‌زده کرد.

رهبری فرزندان فیضیه را در ابراز عواطف و برگزاری جشن‌های آزادی در راستای هدف‌های نهضت، جمعی از بهترین یاران و شاگردان حضرت امام عهده‌دار بودند که او، چونان شمع جمع، روشنی می‌بخشید، هر چند که در آن جمع کوچک، شخصیت‌های برجسته‌ی بزرگ‌تری نیز حضور داشتند.
می‌توان گفت که در پی آزادی حضرت امام، در شیفتگان و هواداران برگزیده‌اش، دو گرایش و دو خط سیاسی و فکری پدید آمد:
1- گروهی به شخص حضرت امام می‌اندیشیدند و استقرارش را در مقام مرجعیت شیعه هدف اصلی می‌پنداشتند، تا آنجا که ناخودآگاه گرایشی به سازش داشتند.
2. گروهی دیگر، که نهضت اسلامی را اصالت می‌دادند و مسائلی چونان مرجعیت را در جنب آن ارجی - قیاس‌پذیر با نهضت - نمی‌شناختند. در جشن فیضیه، نمودی از این دوگانگی نمودار شد، هر چند که جز شماری اندک از خواص کمتر توجهی به آن داشتند. ابتکار عمل در برگزاری جشن‌ها، به ویژه جشن فیضیه - که از آن به مثابه تمرین تلاش جمعی طلاب و فعالیت تشکیلاتی آنان می‌توان یاد کرد - با گروه دوم بود.
در این میان، ساواک او و شماری از عناصر فعال را شناسایی کرده بود و می‌کوشید اطلاعات خود را درباره‌ی آنان کامل و کامل‌تر کند. (سند شماره 0007)
شور و هیجان و نشاط تاریخی حوزه‌ی قم
سال 43، در تاریخ حوزه‌ی قم، سالی استثنایی است. در فروردین این سال، حوزه با شوری وصف‌ناپذیر حضرت امام را آغوش گشود و جشن‌هایی پرشکوه را در سرتاسر شاهد بود. با فاصله‌ای بسیار کوتاه، درس آغاز شد، با سخنرانی تاریخی و طولانی پر نکته‌ای که در آن، ضمن جمع‌بندی مسائل مبارزه، خط مشی آینده نیز ترسیم گردید. هر چند آن درس پرشکوه را در نگاه دل‌باختگان حضرت امام ارجی فراوان بود، اما هر نضهت، انقلابی در ارزش‌هاست و با نهضت اسلامی نیز ارزش‌هایی نمایش یافت که در برابر آن ارزش‌های گذشته رنگ می‌باخت؛ چنین بود که برای عناصری چونان او ارزش‌های نوین را جاذبه‌ای دیگر بود: نشست‌های خصوصی و ضمن آن، آشنایی‌ها، پیوندها و شناخت‌هایی کارساز برای آینده‌ی نهضت، در هشت ماه اول سال 43 و در نشست‌های خصوصی بیت حضرت امام، چنین پیوندها و آشنایی‌ها را ارزشی کارساز بود، به ویژه پیوند قم با تهران و شناخت‌های بیشتر و بیشتر یاران از همدیگر.
با فرا رسیدن تابستان، درس تعطیل شد، امام حضرت امام که گویی احساس می‌کرد اقامتش در قم چندان نمی‌یابد، از فرصت تابستان نیز بهره‌ای دیگر گرفت و درسی را در منزل عهده‌دار شد، با عنوان «مسائل مستحدثه» که هرچند محتوای آن را با درس‌های متعارف حوزه فاصله‌ی

چندان زیادی نبود. اما عنوان آن را پیامی دیگر بود. در این میان تاریخ انقلاب اسلامی، رمضانی خاطره‌انگیز در گذرگاه خود داشت؛ بگذریم که در سراسر ایامی که حضرت امام در قم اقامت داشتند، مسجد امام به صورت پایگاه تبلیغی نهضت، همه شب آکنده از انبوه شنوندگانی بود که گویی نمادی بودند از نیازهای نو جامعه و تحول در تبلیغ. سالگرد 15 خرداد نیز فرصتی پیش آورد برای تلاش و تکاپویی دیگر.

مبارزه با آهنگی دیگر

ناگهان موج خبری تازه همه چیز را دگرگون کرد؛ خبر سخنرانی حضرت امام بر ضد لایحه‌ای که موضوع آن را اعطای امتیازی بود به مستشاران آمریکا در ایران. پیش از هرگونه موضع‌گیری، تحقیقات در این زمینه به او واگذار شده بود که در انجام این مهم بعضی از شخصیت‌های سیاسی روز هم‌کاری‌هایی کردند.

پی‌آمد این سخنرانی که هم زمان با آن مفصل‌ترین اعلامیه‌ی حضرت امام در گسترده‌ترین سطح در همه جای کشور پخش شد، دستگیری بود و تبعید به ترکیه و استقرار حکومت نظامی و فرورفتن کشور در اختناقی بسیار سنگین.

عملکرد رژیم این بار چنان بود که هیچ واکنش فراگیری را فرصت نداد. خشم مردم امکان بروز نیافت و هر فریاد اعتراضی در سینه‌ها حبس شد. از سویی دیگر، در مدت اقامت حضرت امام در قم، برای پاره‌ای بیوت، رنجش‌هایی پیش‌آمد که پی‌آمد آن عدم حضور متحد آنان در صحنه‌ی مبارزه بود. در نتیجه، مسؤولیت رهبری حرکت بر دوش جمعی از عالمان جوان‌تر و فضلای حوزه سنگینی می‌کرد که او را در میان جمع آنان درخششی چشمگیر بود. چنین بود که کانون‌های مقاومت در قم، تهران و شماری شهرهای دیگر - به گونه‌ای متفاوت با گذشته - شکل گرفت. در قم، شماری از فضلای برجسته و مدرسان سطح عالی گرد می‌آمدند و نیروهای جوان و بالنده‌ی هوادار و شیفته‌ی حضرت امام را رهبری می‌کردند. نمودی از این جنبش هدایت شده به صورت سخنرانی‌های پی‌درپی، درس‌ها، تشکیل جلسه‌ی دعای توسل در مسجد بالاسر - در حرم حضرت معصومه (ع) - و سر دادن شعار صلوات در مجالس پرجمعیتی که به هر بهانه تشکیل می شد، در خاطره‌ها ثبت است. در نیمه‌ی شعبان سال 43 هجری شمسی نیز مجلسی با شکوه در مسجد اعظم قم برگزار شد که نمایشی از حضور نسل جوان و انقلابی حوزه‌ی قم در صحنه‌ی مبارزه بود. از این همه با اهمیت‌تر، بهره‌برداری گسترده‌ی تبلیغاتی از نخستین ماه رمضان پس از تبعید حضرت امام را باید به شمار آورد، به ویژه در تهران و مسجد جامع بازار که به وضوح از فعالیت متشکل گروهی حکایت داشت که با برخورداری از پایگاه مردمی رهبری نهضت را در غیبت رهبر تبعیدی

خود توانا بودند. او به رغم نقشی که در پشت پرده عهده‌دار آن بود، در جلساتی نیز حضور آشکار داشت و در سخنرانی‌های نه چندان عمومی به روشنگری می‌پرداخت. (سندهای شماره‌ی 0017 تا 0026/2)

صفیر گلوله‌ی بخارایی

در این میان، موج خبر قتل نخست‌وزیر رژیم، حسنعلی منصور، فضای سیاسی کشور را دگرگون ساخت و جوی تازه پدید آورد که گویی آمیزه‌ای بود از شادی، غرور، بهت، نگرانی، ابهام و نیز خشم و خشونتی جنون‌آسا؛ در همین فضای نوین، بر حسب تصادفی، نیروهای وفادار نهضت را فرصت نمایشی باشکوه فراهم شد، با بهانه‌ی تجلیل از عالمی کهن‌سال و شیفته‌ی نهضت و حضرت امام. خیل عظیم هواداران نهضت در تهران، در حالی که به مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله فومنی شتافتند که زخم نخست‌وزیر تیرخورده‌ی رژیم، دل‌های جریحه‌دارشان را مرهمی شده بود و در جرقه‌ای آشنا روزنه‌ای را چشم دوخته بودند که آینده‌ای روشن را در نگاه می‌نشاند. پی‌آمد قتل منصور، تهاجمی گسترده بود به نیروهای نهضت و موجی فزاینده از دستیگری؛ در همین شرایط او که خطرهایی تهدیدش می‌کرد - با همکاری شماری از هم‌رزمان - در تدارک فراهم کردن نامه‌ای سرگشاده به هویدا (نخست‌وزیر جدید که از سوی رژیم هدایت کشور در بحران به او سپرده شده بود) بودند و برگزاری سالگرد یورش به مدرسه‌ی فیضیه، با چنان شور و هیجانی که حساسیت مأموران اطلاعاتی رژیم را بیش از پیش جلب می‌کرد (سندهای شماره‌ی 0027/1 تا 0037) و هر روز برگی به پرونده‌اش می‌افزود.

دستگیری نگران کننده!

خبر دستگیری او - به تاریخ 43/12/11 - موجی از نگرانی هواداران نهضت را در شعاعی گسترده در پی داشت. هیچ کس باور نداشت که به فرض رهیدن او از خطر اعدام، به این زودی‌ها، حضورش در صحنه‌ی مبارزه و بیرون از زندان تجدید شود. همه بر این باور بودند که - در خوشبینانه‌ترین فرض - سالیانی دراز، جای هاشمی رفسنجانی را در محافل خود خالی ببینند. پی‌آمد دستگیری او، آمیزه‌ای بود از نگرانی، اندوه و نیایش، همراه با هرگونه تلاش که از آن امید نتیجه‌ای می‌رفت. در همین حال، بازجویی با سخت‌ترین شکنجه‌های رایج آن روزگار آغاز شده بود و جلسات آن پی‌درپی ادامه داشت.

هر چند تلاشی گسترده برای فشار بر رژیم - با بهره‌گیری از اهرم‌هایی که هواداران نهضت در اختیار داشتند - برای رهایی او انجام می‌شد، اما اگر دو عامل اساسی نبود، اثرگذاری این تلاش‌ها بسیار اندک بود:

1. هوشیاری او در همه‌ی مراحل بازجویی.
2. فشار شخصیت‌های ذی نفوذ بر رژیم.

این دو عامل بیش از هر چیز در رهایی او نقش داشتند. (سندهای شماره‌ی 0038 تا 0077) به ویژه شادروان آیت‌الله حکیم را نباید در تسریع آزادی او بدون محکومیت نادیده گرفت. با این همه، دو عامل پیش گفته نقش اصلی و درجه‌ی اول داشتند. (سندهای شماره‌ی 0069/1 و 0069/2)
آزادی از زندان
خبر آزادی او از زندان -به تاریخ 44/4/14 موجی از شادی برای هواداران نهضت، به ویژه در قم و تهران، به ارمغان آورد و حضور مجددش در صحنه‌ی مبارزه - در مقطعی بسیار حساس چنان نشاط‌آور و دلگرم کننده بود که قلم از تصویر آن ناتوان است.
پس از آزادی
گزارش‌های گزارشگران ساواک، به وضوح بیانگر واقعیت است که دستگیری، شکنجه و زندان، او را جز تجربه، هوشیاری و پایمردی نیفزود. از همان دم که گام از زندان بیرون نهاد، چونان پولادی آبدیده، با عزمی استوارتر از گذشته، راه مبارزه را پی گرفت. (سندهای شماره‌ی 0077 تا 0086) نه تنها در محافل خصوصی، که در مجامع عمومی نیز -در سخت‌ترین شرایط اختناق - با گفتار و رفتار، ضربه‌هایی بس کوبنده بر هیولای بیم فرود می‌آورد و به هواداران نهضت روحیه و نشاط می‌داد. (سند شماره‌ی 0084)
نگاهی به فضای جامعه در سال 45
اینک فرصتی است مناسب برای بررسی فضای سیاسی ایران، در سال 45. رژیم در سیاست خارجی، بیش و کم از مشکلاتی رنج می‌برد، هر چند که چندان انعکاسی نداشت:
از یک سو، به نظر می‌رسید که هویدا در برقراری موازنه و جلب رضایت شوروی - با خریدهایی تسلیحاتی - اندکی زیاده‌روی کرده است. از سوی دیگر، در جریان جنگ اعراب و اسرائیل، موضع آمریکا پسند رژیم عواطف مذهبی مردم را سخت جریحه‌دار کرده بود. در همین حال، تشنج در روابط سیاسی ایران و عراق به اوج رسیده بود، که نمودی روشن از امداهای غیبی برای نهضت ارزیابی می‌شد. چه، با نبودن چنین تشنجی فشارهای بیشتری بر حضرت امام و حواریونش در نجف سنگینی می‌کرد. کودتاها و ضد کودتاهای عراق را نیز اگر با چنین دیدگاهی بررسی کنیم، خالی از لطف نیست.
در همین حال، سرکوبی نهضت آهنگ بسیار تندی داشت و در همان روزهای اول سال، قم شاهد یورشی سخت و دستگیری‌هایی گسترده بود که پی‌آمد پاره‌ای واکنش‌ها تشکیل کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی بود، در ساعت 9 صبح روز 45/2/3 و امضای حکم تبعید
شماری از عناصر پی‌گیر و فعال، و دستور مراقبت بیشتر، بر اعمال

شماری دیگر. (سند 0089/1 و 0089/2)
کشف جمعیت سری اصلاح حوزه
در چنین فضایی اساسنامه‌ی جمعیتی در قم به دست رژیم افتاد که حساسیت دستگاه اطلاعاتی و امنیتی را بیش از پیش برانگیخت و متواری شدن او را در پی داشت.
(برای آشنایی با جزییات بیشتری در این زمینه، ر.ک به نشریه‌ی یاد، شماره‌ی 20، صفحات 10 تا 19) شگفتا که در همان شرایط نیز از هر فرصتی برای روشنگری به سود نهضت بهره‌برداری می‌کرده است. (سند شماره 0098)
به هر حال، بخش عمده‌ای از سال 45 را به دلیل کشف اساسنامه‌ی جمعیت سری - که از پایگاه‌های مهم نهضت به شمار می‌رفت - متواری بود، که سرانجام بر آن شد رحل اقامت از قم به تهران افکند. (سندهای شماره‌ی 0087 تا 0103). تألیف کتاب امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار ثمره‌ی درخشانی است از نخستین ماه‌های اقامت در تهران با یک زندگی نیمه مخفی.
ارزشمندترین دست‌آورد این زمان تحکیم بیش از پیش دوستی و صمیمیت اوست با مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ هرچند که این دوستی بر سابقه‌ای دور استوار بود، با این همه زندگی مشترک چند ماهه، به صورت نیمه مخفی، در تحکیم پایه‌هایش نقشی ماندگار داشت.
نیمه‌ی اول سال 46
رفته‌رفته، تداوم زندگی نیمه مخفی در تهران کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر و تبدیل به زندگی عادی می‌شد. چنان که از 46/4/10، سخنرانی‌های هفتگی او در مسجد موسی بن جعفر - که از پایگاه‌های پرآوازه و مهم نهضت در جنوب تهران بود - موجی گسترده پدید آورد و آن پایگاه را بیش از پیش رونق بخشید. مکبت حسین نیز از نخستین محافلی است که سخنرانی‌هایش را - در این احوال - آغوش گشود. (سند شماره‌ی 106/1 تا 117). گویی ساواک نیز در دستگیری مجدد او در آن روزها از شتاب‌زدگی پرهیز داشت؛ نمی‌دانیم، چه بسا ساواک امید داشت که با تعقیب و مراقب به سر نخ‌هایی دست یابد. این در شرایطی بود که نهضت به حضور او در تهران سخت نیازمند بود، هم از نظر فرهنگی و هم فراتر از آن، از نظر سیاسی. چنان که می‌توان پیدایش کانون‌ها و پایگاه‌هایی مانند مدرسه‌ی رفاه و جلسات متشکل روحانیت مبارز را از ثمرات آن برشمرد. ساواک نیز با حساسیت در تعقیب و مراقبت از او فعال بود و هرازگاه برگی به پرونده‌اش افزوده می‌شد. (سند شماره‌ی 0118 تا 0128) بگذریم که در شرایط پنهان کاری گامجای تلاش‌ها بیشتر گم می‌شود و کمتر سرنخی از آن به دست رژیم می‌افتاد.

جشن‌های تاجگذاری
در نیمه‌ی دوم سال 46، برگزاری جشن‌ها تاجگذاری بهانه‌ی دیگری شد برای سرکوبی و خشونت بیشتر، هم در واکنش نسبت به تحرکات تازه‌ی نهضت و موضع‌گیریهای حضرت امام در نجف، و هم به عنوان پیش یری از فعالیت‌های قابل پیش‌بینی. چنین بود که نمایندگان حضرت امام در قم تبعید شدند و کتابخانه‌ی معظم له نیز غارت شد.
در چنین فضایی، اعلامیه‌ای با عنوان عزایی به نام جشن منتشر شد که در پی‌گیری آن گامجایی از او کشف شد و به دستگیری مجددش به تاریخ 46/8/20 انجامید و بار دیگر بازجویی‌ها آغاز شد، هر چند نه به خشونت بازجویی‌های گذشته. این بار نیز پایداری و هوشیاری او کارسازی بسیار داشت، گرچه محکومیتی نه چندان زیاد پی‌آمد این دستگیری بود. (سند شماره‌ی 0129 تا 0163).
اینک فرصتی است مناسب تا از نقش شخصیتی چون شادروان آیت‌الله سید احمد خوانساری در چنین رویدادهایی یاد شود. (سند شماره 0139) تا فراموش نکنیم که هر چند خط مشی سیاسی چهره‌هایی چون او با مشی سیاسی روحانیت مبارز متفاوت بوده است، اما پیوندی مشترک و مستحکم را در این میان، باید مانع گسستگی این مجموعه ارزیابی کرد.
سال 1347، در یک نگاه
فشار روزافزون رژیم، هر چند نیروهای مبارز را در تنگنایی سخت قرار می‌داد، با این همه، در همین تنگنا نیروها پالایش می‌شدند. در این پالایش طبیعی، همچنان تنها عناصری به نهضت وفادار می‌ماندند که شخصیتی استوار داشتند. چه جای تردید که باید یک مبارز را با چنین ویژگی، از هزاران تماشاچی متزلزل ارزشمندتر داشت. چنین بود که در سخت‌ترین شرایط اختناق که نمایندگان حضرت امام در قم، چونان دیگر استوانه‌های نهضت، تبعید و زندانی بودند و مدارس علوم دینی - از جمله مدرسه‌ی حاج ابوالفتح تهران - با دسیسه‌ی سازمان اوقاف آلت دست ساواک به حال تعطیل در آمده بود، آری در فضایی چنین، عناصر وفادار به نهضت، هیچ فرصتی را در تعقیب هدف‌های مبارزه نادیده نمی‌گرفتند. از درج آگهی تسلیت و برگزاری مراسم یادبود، تا مجالس سوگ و سرور اهل بیت (سندهای شماره‌ی 180، 0175، 0165، و نیز سند 0164) از ورزشگاه امجدیه (دو سال بعد مسابقه‌ی فوتبال بین ایران و اسرائیل بهانه‌ای برای ابراز احساسات شدید بر ضد اسرائیل شد.)، تا مراسم مذهبی باشکوه و جهان شمول حج (همه سال پیام حضرت امام در حج پخش می شد. سال 47 با توجه به سفر شاه و حضورش در مراسم حج، این اقدام مفهوم دیگری داشت.)، از کمک به زلزله‌زدگان خراسان، تا امداد مبارزان فلسطین - که بدین منظور حسابی با امضای حضرات آیات علامه‌ی

طباطبایی، شهید مطهری و سید ابوالفضل موسوی زنجانی افتتاح و رسما اعلام شده بود. در همین زمان، کودتای حزب بعث را در عراق که طی آن حسن البکر رییس جمهور شد، در مجموع باید - در آن شرایط - به سود نهضت ارزیابی کرد.

تبدیل جلسات مذهبی به پایگاه مبارزه

هر چند که سیاسی شدن مساجد و حسینیه‌ها را از پی‌آمدهای حماسه‌ی 15 خرداد - در همه جای کشور - باید به حساب آورد، اما حضور او در تهران فصل دیگری است از این داستان:

از مسجد قائمیه در پل سیمان و جلسه‌ی قرائت قرآن در حسین‌آباد بی‌بی زبیده - جنوبی‌ترین نقطه‌ی تهران - تا جلسات پی‌درپی و پرشور هیئت انصار الحسین (سندهای شماره 0167 تا 0260/1، 0255/2 تا 0353.) و مسجد هدایت (سند 0305/1 تا 0317) - در مرکز شهر - تا حسینه‌ی ارشاد در شمال تهران، (سندهای شماره‌ی 0257/1 تا 0258 و 0295/1 تا 0295/2،

0331/1 تا 0331/2)، همه جا مردم با عشق و عطش از سخنرانی‌هایش استقبال می‌کردند و امید می‌گرفتند. این جلسات لبریز از شور و نشاط تا چندی، به رغم ممنوع المنبر بودن او پی‌گیری‌های ساواک (سند شماره 0333-0338)، ادامه داشت.

گفتنی است این سخنرانی‌ها از دو نظر - در آن سال - مهم و ارزشمند بود:

1. از نظر سیاسی، که نقش آن در فروزان داشتن آتش مبارزه، بی‌نیاز از هر توضیح است.

2. از نظر فرهنگی، با توجه به حضور جدی‌تر سازمان‌های مخفی و متشکل وابسته به مارکسیست‌ها و جریان کمونیستی در صحنه، و ترویج ایدئولوژی الحادی در میان نسل جوان.

پیوند با دانشجویان مبارز خارج کشور

تلاش در تحکیم و تعمیق پیوند با نهادها و نیروهای مبارز در فراسوی مرزها - که فراهم شدن زمینه‌ی آن از ارزشمندترین دست‌آوردهای حماسه‌ی 15 خرداد است - فصلی دیگر از کارنامه‌ی اوست، هر چند انعکاس آن در گزارش‌های ساواک بسیار کم‌رنگ است (سندهای شماره‌ی 0320 تا 0321/5 و نیز 0343 تا 0344)، و از آن کم‌رنگ‌تر - که بسا ردیابی آن جز در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نباشد - پیوند اوست با نهادها و سازمان‌هایی که در آن روزگار پرچمدار مبارزه با اسرائیل بودند.

جمع‌بندی مسائل عمده‌ی نهضت در سال 48

با هوشیاری و متانت حضرت امام از یک سو، و روند تحولات ایران و عراق از دیگر سو، پیش‌بینی‌های کارشناسان ساواک تحقق نیافت و سرنوشت، رهبر نهضت اسلامی را بر بلندای مرجعیت جای داد. آنچه در این سال بر

ابهت و شکوه حضرت امام می‌افزود، موضع‌گیری‌های بهت‌آورش در دفاع از آیت‌الله حکیم و ایرانیان مقیم عراق بود که از سوی حزب بعث مورد اهانت و آزار بودند. آتش‌سوزی مسجدالاقصی در این سال احساسات هواداران نهضت اسلامی را شعله‌ور ساخت. در همین حال، جدایی روحانیت سنتی از نهضت و راه امام، که هر روز نمایان و نمایان‌تر می‌شد، به جریاناتی دیگر فرصت حضور بیشتر و بیشتر در صحنه‌ی مبارزه می‌داد؛ جریاناتی که در براندازی رژیم با نهضت اسلامی هم سویی داشتند، در حالی که برای آینده‌ی کشور خواب و خیال‌هایی دیگر می‌پروراندند. در این میان، عالم نمایانی که ترس خود را از رژیم با توجیهاتی چونان دفاع از ولایت سرپوش می‌نهادند، روحانیت مبارز را تخطئه و تضعیف می‌کردند؛ این همه در حالی بود که نشانه‌های ظاهری بیانگر استواری رژیم بود، با موقعیت بسیار مطلوبی از نظر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل.

طرح شعار حکومت اسلامی

در جمع‌بندی آنچه اشارتی رفت، تصویری از مسائل سال 48 در نگاه می‌نشیند که مواضع و عملکرد حضرت امام را جلوه و درخششی ویژه می‌دهد:

حضرت امام از یک سو با فرود آوردن نهیب فریاد بر سر عالم نمایان مخالف مبارزه - با عنوان روحانیون درباری - به تقویت روحانیت مبارز می‌پردازند، از سوی دیگر، با طرح شعار حکومت اسلامی - با عنوان ولایت فقیه - بر سینه‌ی خیل نامحرمانی که بیم آن می‌رفت که در صفوف مبارزان رخنه کنند دست رد می‌زنند و همچنان با طرح بحث‌های اخلاقی، معنویت مبارزه را مورد تأکید قرار می‌دهند و در تضعیف گرایش به مادیگری - که در آن روزها آفت نهضت بود - می‌کوشند. و او سخت می‌کوشید که با آنچه در آن روزها بر ایران می‌گذشت، کاستی‌ها را جبران کند، جای خالی رفیق‌های نیمه راه را پر کند، نسل جوان را یاری دهد و آتش مبارزه را با کمک در پخش پیام‌های رهبر، فروزان نگه دارد. این همه، در شرایطی بود که عوامل اطلاعاتی رژیم با همه‌ی امکانات، او را در منظر خود داشتند و می‌کوشیدند هر گامجایش را با صد نگاه پی گیرند. (سند شماره‌ی 0353 تا 0377).

او نیز از یک سو در هدایت نیروها و پیش‌گیری از سوءاستفاده‌ها، به هر بهانه و با هر شعار، می‌کوشید (سند شماره 0378/1 تا 0381/2)، و از سوی دیگر با حضور در جلسه‌های تشکل یافته‌ی روحانیت مبارز در جهت گسترش و تقویت جبهه‌ی هوادار نهضت و امام تلاش می‌کرد. (سند شماره‌ی 0382 تا 0426/2) هم زمان با سخنرانی‌های پی‌درپی در مسجد هدایت، هیئت انصارالحسین، جلسه‌های خصوصی و مسجد همت تجریش - که رفته‌رفته، به صورت پایگاه دیگری برای نهضت در آمده بود - حضور

نسلی نو و بالنده را در فرازی حساس از تاریخ پاسداری می‌کرد. (سندهای شماره‌ی 0428/1 تا 0490) به این همه، باید تلاش‌های ظریف‌تری را افزود که نیازهای نو به نو مبارزه زمینه‌سازشان بود و می‌بایست چنان انجام شود که نه تنها از چشم و گوش دشمن و عناصر مشکوک، که حتی از چشم و گوش بسیاری از دوستان، پنهان باشند؛ در این مورد به نمونه‌ای بسنده می‌شود که از آن انعکاسی کم‌رنگ در اسناد به جای مانده است، و بیش از این را تنها باید از بایگانی خاطره‌ها فرا کشید:
در پی طرح بحث ولایت فقیه در نجف، نخستین گامی که برای تکثیر جزوه‌های آن برداشته شد، با اطلاع و حمایت بی‌دریغ او بود. با این همه، واکنش او در جلسه‌ی دوستان صمیمی چنان بود که گویی کمترین اطلاعی در این زمینه ندارد. (سندهای 0472/1 و 0472/2).
نگاهی به فضای سیاسی کشور در سال 49
سال 1349 هجری شمسی، شاهد رویدادهایی است که هر یک بیش یا کم، بر روند و سرنوشت نهضت اسلامی در کشورمان اثر گذاشته‌اند. اهم این رویدادها را می‌توان چنین برشمرد:
1. درگذشت جمال عبدالناصر و انتخاب انور سادات به ریاست جمهوری مصر.
2. برقراری مجدد روابط سیاسی مصر با ایران، اندکی پیش از درگذشت ناصر.
3. زمامداری حافظ اسد در سوریه، در پی کودتای بی‌خونریزی.
4. حضور گسترده‌ی سرمایه‌گذاران آمریکایی در ایران که شهادت آیت‌الله سعیدی را به دنبال داشت.
5. رحلت آیت‌الله العظمی حکیم در عراق که هواداران حضرت امام را بر آن داشت تا بی‌پرواتر از گذشته، در جهت ترویج مرجعیت حضرت امام تلاش کنند و واکنش رژیم و تبعید تنی چند از مدرسین قم را در پی داشت و حساسیت بیشتر نسبت به پایگاه‌های نهضت در تهران و تبعید و دستگیری شماری از چهره‌های برجسته‌ی روحانیت مبارز.
نقش مهم جلسه‌ی روحانیت مبارز
از اولین سال‌های حضور او در تهران تشکلی در میان شماری از روحانیون هوادار نهضت شکل گرفت که کانون مقاومتی بود در بدترین روزهای اختناق، با جلسه‌های هفتگی. می‌توان گفت که نقش این جلسه‌ها در بهره‌برداری از مجالس یادبود آیت‌العظمی حکیم و رودررویی با جبهه‌ای از روحانیت سنتی که خواهان انزوای حضرت امام بودند، بر روند و سرنوشت نهضت بسیار مهم و اثرگذار بوده است. (سندهای شماره‌ی 0498/1 تا 0504/2) از این پس رژیم با حساسیت بیشتری، حضور او را در پایگاه‌های چونان هیئت انصارالحسین پی‌گیری می‌کرد. (سندهای شماره 0507 و

0509) با این همه، نه تنها او فعالیت گذشته را ادامه می‌داد، حتی در سنگرها و پایگاه‌هایی جدید حضور می‌یافت که در این میان، نقش وی را در محال دانشگاهی و نیز حسینیه‌ی ارشاد، با دقت بیشتری باید بررسی و تحلیل کرد. (سندهای شماره‌ی 0524/1 تا 0572/2).

موج مبارزه‌ی مسلحانه

سال 1350، نقطه‌ی عطفی است در تاریخ انقلاب اسلامی ایران. با نگاه به گذشته و بر پایه‌ی جمع‌بندی پی‌آمدهای حماسه‌ی 15 خرداد، اینک می‌توان گفت:

گروه‌های مسلح و متشکل، با محوریت دو سازمان نیرومند به نام سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، و - در غیاب حضرت امام - با داعیه‌هایی، ناگهان در صحنه حضور یافتند، با گزینش سنجیده‌ی زمانی مناسب؛ زمانی که رژیم، برگزاری جشن‌های 2500 ساله را در سطحی گسترده تدارک می‌دید. هر چند که این حرکت در روند انقلاب به سرنوشتی اسف‌بار دچار شد؛ اما در تلحیل آن باید پژوهشی گسترده صورت گیرد که در حوصله‌ی این دفتر نیست؛ با این همه، جنبش مسلحانه در آن جو خشونت و اختناق، چنان جاذبه‌ی نیرومندی داشت که از نسل جوان دل می‌ربود و چشم و گوشش را بر هر نغمه‌ی مخالف فرومی‌بست.

به ویژه که در غیاب حضرت امام و با فشارهای رژیم، میدان برای مقابله‌ی با آن خالی مانده بود. شمار شخصیت‌های روحانی که به مبارزه وفادار مانده بودند اندک می‌نمود، هر چند که خیل فرزندان فیضیه را دل در گرو عشق امام بود. بگذریم که کسانی هم از پشت یاران را خنجر می‌زدند. اگر بخواهیم تصویر روشن‌تری از فضای آن روزها ارائه کنیم، می‌توان اشاره‌ای کرد به داستان بازگشت آیت‌الله شهید دکتر بهشتی و جوسازی وحشتناکی که به بهانه‌ی برخی اظهارنظرهای وی - هم سو با کتاب مسأله‌ی حجاب آیت‌الله شهید مطهری - در حسینه‌ی ارشاد، ترتیب یافت. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. مثال دیگری که فضای آن روزها را تا حدودی در نگاه می‌نشاند، دشوارهایی است که در برگزاری مراسم یادبود مهندس پسندیده - فرزند آیت‌الله پسندیده - برای هواداران نهضت پیش آمد.

اما و اگرهای تاریخ

واقعیت این است که در تاریخ، پس‌بینی آسان‌تر از پیش‌بینی نیست. به راستی اگر در آن روزها پایگاه‌هایی چونان هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجدالجواد، حسینیه‌ی ارشاد...نسل جوان و شیفته‌ی انقلاب را پذیرا نمی‌بودند، یا شماری انگشت‌شمار چونان او به نهضت وفادار نمی‌ماندند، چه پیش می‌آمد؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، بسیار دشوار است.

به هر حال او می‌بایست بار سنگینی را - که بسیاری از برداشتن آن شانه

خالی کرده بودند - به دوش می کشید. چنین بود که هم زمان، دو گونه تلاش ناسازگار را تن می‌داد.
1. تلاش‌های پشت پرده که ردیابی آن جز در لابلای اسناد و - بیش از آن - در پرده‌ی خاطرات، امکان‌پذیر نیست. (سندهای شماره‌ی 0575/1 تا 0603/1، 0597، 0581، 0576 و 0607/1، 0306/2 و 0610/1، 0607/2 و 0627/1، 0620، 0613، 0610/2 و 0635/1، 0627/2 و 0637/1، 0635/2 و 0647/1: 0637/2 و 0652، 0647/2).
2. تلاش‌های آشکار که در این سال بیش از پیش در اوج بود، چنان که بهار این سال با سخنرانی در رفسنجان - با بهره‌گیری از فرصت تعطیلات عید - آغاز می‌شود. (سندهای شماره‌ی 0574/1 و 0574/2) و به رغم حساسیت رژیم - به خاطر برگزاری جشن‌های 2500 ساله و پیش‌بینی کارشکنی‌هایی از سوی انگشت‌شمار عناصری چونان او، (سندهای شماره‌ی 0630/1، 0622، 0616 و 0630/2). و به رغم، ممنوع المنبر شدن وی (سندهای شماره‌ی 0594 و 0595 و 0602) همچنان در مجالسی چون هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجد الجواد و غیره حضور می‌یابد و علاوه بر آن به شهرهای همدان (سندهای شماره‌ی 0600/1 و 0600/2)، قزوین (سندهای شماره‌ی 0631/1 تا
0634/2) و اصفهان (سندهای شماره‌ی 0614 تا 0615 و 0619) نیز سفر می‌کند و خشم رژیم را بیش از پیش برمی‌انگیزد. هر یک از این سخنرانی‌ها را مزاحت‌هایی چون احضار و بازداشت پی‌آمد بود. هر چند به زندان نینجامید. در این میان، تنها در اصفهان با خشونت بیشتری برخورد شد، که چند روزی زندان آن شهر را هم تجربه کرده است.
دستگیری مجدد
سرانجام، بار دیگر به تاریخ 50/7/14 دستگیر و به زندان قزل قلعه سپرده می‌شود که دیگر بار، موجی از نگرانی دوستان را در پی دارد و هر هفته، خیل هواداران نهضت در پایگاهی چند - به ویژه هیئت انصارالحسین - جای او را با حسرت و تأسف خالی می‌دیدند.
برای، بازجویی، شکنجه و تهدید، به هیچ وجه تازگی ندارد، و با هوشیاری این مرحله را نیز می‌گذراند. (سندهایشماره 0653 تا 0685/2).
روند مبارزه در سال 51
در سال 51 که رژیم شاه به ظاهر موقعیت مطلوبی از نظر سیاست خارجی داشت، چنان که می‌توان گفت - صرف‌نظر از تشنج در روابط ایران و عراق و برخی کشورهای عربی هم جوار - مشکل عمده‌ای دیده نمی‌شد، در همین حال، مشکلات حادی در کشور نمودار بود. در این سال، 130 مورد انفجار مهم، 12 زد و خورد خیابانی، 8 مورد اعدام فردی و گروهی و صدها مورد دستگیری سیاسی، فضای سیاسی کشور را دگرگون

کرده بود. دانشگاه‌ها ناآرام بود، به ویژه شورش در دانشگاه تبریز، رژیم را با موجی از نگرانی در تنگنا گذاشته بود. فیضیه نیز صحنه‌ی تظاهرات مکرر و چشمگیرتر از گذشته بود که در پی‌آمد آن - گذشته از دستگیری شماری از فضلا و طلاب - می‌توان به سربازگیری طلاب اشاره کرد. ترور سرتیپ طاهری و مرگ سرهنگ مولوی در ساحنه‌ی هوایی، موجی از شادی - به ویژه در تهران - به دنبال داشت انفجارهای پی‌درپی در جریان سفر نیکسون به تهران خشم رژیم را برانگیخته بود.
برای کسانی مانند او که مبارزه با رژیم را جدی گرفته بودند، چنین تحولی، بسیار مهم ارزیابی می‌شد و طبیعی بود که از پاره‌ای کاستی‌ها - در سازمانی که در این تحول نقش عمده را داشت، هر چند که زمینه‌ی اصلی آن را حماسه‌ی 15 خرداد فراهم کرده بود - با اغماض بگذرند و به حل و جبران آن بکوشند و امیدوار باشند. از سوی دیگر، انحراف‌های فکری سازمان، در آغاز چندان آشکار نبود و شماری از سران، در ظاهرسازی و ریاکاری، بسیار چیره‌دست بودند. چنین بود که با پیش زمینه‌هایی از گذشته، زندان قزل قلعه در واپسین ماه‌های سال 50 و نخستین ماه‌های سال 51، زمینه‌ای برای ارزیابی او از موج نوین و مبارزه‌ی مسلحانه شد، با نگاهی در مجموع مثبت که حمایت مشروط وی از این جریان را در پی داشت؛ هر چند که از این حمایت سوءاستفاده‌های ناجوانمردانه‌ای شد، ولی نمی‌توان این واقعیت آشکار را منکر شد که در تقویت نهضت اسلامی نیز، این جریان بی‌تأثیر نبوده است که ارزیابی آن، موضوع پژوهش و تحلیلی است پیچیده و ظریف، به دور از تنگ‌نظری و تعصب.
او بار دیگر به زندان افتاد، مدت این زندان، چیزی کمتر از یک سال بود: دو ماه در اوین قدیم، دو ماه در قزل قلعه و چند ماه در زندان عشرت‌آباد. هر یک از این مراحل دست‌آوردی داشت، در اولین و در سلول انفرادی که فرصت هیچ کاری نبود، حدود نیمی از قرآن را حفظ کرد.
ماه‌های نخستین از سال 51 را در زندان قزل قلعه پشت سر گذاشت و پس از آزادی، از همان لحظه‌ی نخست (سندهای شماره 0686 تا 0687) با احساس مسئولیت سنگین در شرایط حساس جدید - بی‌پروا به تلاشی جدی‌تر از گذشته پرداخت، چنان که حساسیت رژیم را بیش از پیش برانگیخت. و بار دیگر دستگیری او را آهنگ کردند. (سندهای شماره‌ی 0688 تا 0738/2) و چند هفته پس از آزادی در رفسنجان بازداشت و پس از چند روز تحمل زندان در کرمان به قزل قلعه در تهران منتقل شد و چهل و پنج روز دیگر در زندان انفرادی ماند. در همین دوره‌ی کوتاه زندان، یادداشت‌های ارزشمندی در موضوع «اشرافیت در قرآن» با استفاده از قرآن که تنها مونس او در زندان بود تهیه می‌کرد. پس از رهایی، در حالی که نامش در ردیف اول لیس ممنوع المنبرها بود، (سند شماره 0740)،

تلاش می‌کرد تا از فرصت رمضان به سود مبارزه بهره‌برداری شود (سند شماره‌ی 0748)، و خود نیز از مجامعی برای سخنرانی استفاده می‌کرد (سندهای شماره‌ی 0757 و 0764/1 تا 0797/2)، علاوه بر حضور مستمر در جلسه‌های هم‌اندیشان، پس از تعطیل جلسه‌ی گذشته، به دلیل اطلاع از رخنه کردن عوامل ساواک در آن. (سندهای شماره‌ی 0765/1 و 0765/2).سرانجام، ناگزیر سخنرانی در مجامع عمومی - به ویژه هیئت انصار الحسین -را به دیگران وانهاد (سند شماره‌ی 0798/1 و 0798/2)، و خود تلاش‌های اساسی‌تری را عهده‌دار شد.
موج گسترده‌ی تبعید مدرسین قم، در پی تعطیل پایگاه‌های نهضت در تهران هرچند موقعیت رژیم در سیاست بین‌المللی بیش از پیش تثبیت شده ارزیابی می‌شد و تلاش وزارت خارجه در ایجاد موازنه در سیاست خارجی موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسید، با این همه، موج فزاینده‌ی نارضایتی در نسل جوان دانشگاهی و پیوند معنوی نسل نو حوزه با دانشگاه و اتحادشان در گرایش به براندازی رژیم، به صورت مشکلی سیاسی و اساسی نمایان شد. در این میان، جنگ اعراب و اسرائیل و پی‌آمدهای آن، این مشکل را بغرنج‌تر و پیچیده‌تر کرد؛ چرا که، با همه‌ی تلاش تبلیغاتی رژیم در جهت القای این باور که شاه را نقشی است میانجی‌گرانه و اصلاح‌گرایانه، تبلیغات نهضت، شاه و اسرائیل را در یک جبهه قلمداد می‌کرد و موج عواطف اسلامی را بر ضد آن برمی‌انگیخت. در همین شرایط، موضع‌گیری مردم در حمایت از مبارزان فلسطین، موجی شکننده را به سوی رژیم گسیل می‌کرد. افزون بر این همه، آنچه در این سال افغانستان پیش آمد و پی‌آمدهای قابل پیش‌بینی آن نیز برای رژیم خالی از نگرانی نبود. افزایش نرخ نفت هم در این سال واکنش‌ها و پی‌آمدهای داشت که در تحلیل سیاست خارجی و داخلی ایران در آن زمان نباید نادیده گرفت.
شاید بتوان با جمع‌بندی نکته‌های بالا و ترسیم فضای سیاسی کشور در سال 52، تا حدودی ریشه‌یابی و زمینه‌شناسی خشونت رژیم را در سرکوبی نهضت، توفیق یافت. به هر حال ساواک با خشونت به قلع و قمع هواداران نهضت پرداخت و علاوه بر دستگیری گسترده‌ی دانشجویان و طلاب، و در پی تهاجم به مسجد هدایت، مسجد الجواد و حسینه‌ی ارشاد و پایگاه‌های نهضت در تهران در سال 51، حوزه‌ی قم را در این سال مورد یورش قرار داد و شماری در خور ملاحظه از فضلا و مدرسین را به سرتاسر کشور تبعید کرد. اینگونه تلاش‌های رژیم، هر چند که موجی از ترس و وحشت را در کوتاه مدت در پی داشت، در بلند مدت به سود نهضت انجامید. حضور هر تبعیدی در هر منطقه، شعاع مبارزه را گسترده و گسترده‌تر می‌کرد، چنان که تعطیل شماری از پایگاه‌های نهضت، پیدایش پایگاهی جدید را به دنبال داشت. در مثل، اگر مسجد هدایت، مسجد الجواد

و حسینیه‌ی ارشاد بسته می‌شد، نام پایگاهی دیگر چون مسجد جاوید بر سر زبان‌ها می‌افتاد...

در فضایی با این ویژگی‌ها، و در حالی که ساواک از همه سو در مراقبت او نیروهایش را بسیج کرده بود (سندهای شماره‌ی 0806 تا 0814) او از یک سو در جهت هدایت موج عواطف ضد صهیونیستی تلاش می‌کرد، (سندهای شماره‌ی 0827 تا 0851)، و از دیگر سو با پیوندهای ناشی از امدادرسانی به فلسطینی‌ها از رهگذر سفارتخانه‌های کشورهای عربی، در جهت دامن زدن به موج مبارزه بر ضد رژیم و گسترش دامنه‌ی آن به فراسوی مرزها می‌کوشید. نمونه‌ای از این تلاش، سبب سازی ظریفی است در وادار کردن سفارت مصر، تا عراق را تحت فشار قرار دهد و از همکاری با رژیم، در انتقال حضرت امام از نجف، که آن روزها شایعه‌های نگران کننده‌ای در این زمینه پخش شده بود. (سندهای شماره‌ی 0818/1 و 0818/2)، باز دارد.

سال 51-53

خشونت روز افزون رژیم او را در این مقطع به پنهان کاری هر چه بیشتر کشاند؛ چنان که هر چه عوامل اطلاعاتی رژیم بیشتر می‌کوشیدند، کمتر سرنخی نصیب می‌بردند. (سندهای شماره‌ی 0828/1 تا 0847) پاره‌ای اسناد بیانگر این واقعیت است که اگر در رویدادی - چونان دستگیری بعضی دوستان - نیاز به خبرگیری از سرنوشت آنان بود، از روابط خانم‌ها - که به هر حال انعکاسی طبیعی‌تر داشت -استفاده می‌شد. (سند شماره‌ی 0844).

یکبار هم حضور همسر او در جمع بانوان متحصن در قم براپیش پی‌آمدی داشت، چنانچه دیگر بار، در سفری به نوق، در رفسنجان دستگیر و پس از حدود پنجاه روز آزاد شد. هوشیاری‌اش در این دستگیری، ساواک را به موضع انفعال کشانید که زمینه‌ای شد برای فراهم کردن ملاقاتی با مقدم. او کوشید که از این ملاقات در جهت حل مشکلی اساسی و برداشتن سدی از راه مبارزه سود جوید و مقدم را قانع کند که شکنجه‌ها و اهانت‌های بی‌حساب نه تنها مجاهدان را از میدان به در نمی‌کند که مصمم‌تر نیز می‌کند.

در ترسیم فضای سال 53 یادآوری نکته‌هایی سودمند است:

با درگذشت آیت‌الله شاهرودی که - به ویژه در استان خراسان - مقلدان فراوانی داشت، زمینه‌ی دیگری در ترویج مرجعیت حضرت امام فراهم شد. شاید به همین دلیل، مشهد شاهد خشونت سخت‌تری بود که دستگیری مقام معظم رهبری را که - در آن استان محور اصلی نهضت بود - در پی داشت. درگذشت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین غفاری در زندان قصر نیز در قم بازتابی بسیار گسترده داشت، با شایعاتی فراگیر به

عنوان شکنجه و شهادت وی. موضع‌گیری حزب مردم در مجلس نیز در این سال پرسش برانگیز و زمینه‌ی پژوهشی جدی است.
از مسائل داخلی که بگذریم، در سیاست خارجی نیز رویدادهایی مهم اثرگذار بود که عمده‌ی آن، حل اختلاف ایران و عراق است و انعقاد قراردادی میان دو کشور در الجزایر به عنوان کشور میزبان، که پیروزی قابل توجهی برای ایران ثبت کرد. شرکت در عرفات به عنوان نماینده‌ی فلسطین در سازمان ملل نیز آغاز حرکتی بود در جهت حل یکی از مشکلاتی که همواره برای رژیم شاه نیز مسئله آفرین بود. بدین‌سان می‌توان گفت که رژیم به چشم‌انداز روشن‌تری در موقعیت جهانی خود چشم دوخته بود. در همین حال در پیوند با افزایش نرخ نفت، امکانات مالی بیشتری در اختیار رژیم قرار گرفت.

سال 53-54

با تنگ شدن عرصه بر مبارزان، هر جریانی می‌کوشید ضلعی از میدان مبارزه را به فراسوی مرزها بکشاند و بیرون از کشور، هسته‌ها و پایگاه‌هایی ایجاد کند. با حضور امام در عراق، زمینه‌سازی مطلوبی در این میدان برای نهضت اسلامی شده بود که نیاز به تقویت، بهره‌برداری و رسیدگی داشت.
چنین بود که سفرهایی بیرون از مرزها و در دو نوبت، بخشی عمده از کارنامه‌ی مبارزاتی او را در این مقطع به خود اختصاص داد، با دست آوردهایی فراوان و ارزشمند، به ویژه دیدار و گفت و گو با امام پس از سال‌های سنگین فراق و نیز بازدید اردوگاه‌های فلسطین، همراه امام موسی صدر، و ایجاد هماهنگی بین نیروهای مبارز اسلامی ایرانی با امکانات مطلوب شیعیان لبنانی و مجاهدان فلسطین.
سوریه و لبنان، عراق، فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند و ایالت‌هایی از آمریکا را با این انگیزه در نوردید. ژاپن، ترکیه، پاکستان، ایتالیا، یوگسلاوی و کشورهای اسکاندیناوی - هر یک به دلیلی - به این مجموعه اضافه شدند. کمک به نیروهای همراه در خارج و تلاش برای رفع اختلافات و ابهامات‌شان بخشی از ثمرات آشکار این سفرهاست.
از سوی دیگر، آشنایی با دو رویه‌ی تمدن غرب از ضرورت‌هایی بود که هر کس انگیزه و فکری اصلاحی داشت نیاز به آن را احساس می‌کرد. در این سفرها برای او هم فرصتی پیش آمد که چنین نیازی را پاسخگو باشد. از دیوار برلن تا موزه‌ی بمباران هیروشیما، از آسمان خراش‌های شیکاگو تا موزه‌ها و مراکز فرهنگی لندن و از جنگل‌های ردوود تا محله‌های هالیوود... همه در این قلمرو قرار گرفتند.

سال 54-55

گویی تقدیر الهی چنین است که رژیم‌های خودکامه، در اوج موفقیت، با

بازی هنرمندانه‌ی سرنوشت به روند واژگونی کشانده شوند. در داستان انقلاب اسلامی ایران نیز یک بار دیگر ایران و جهان تماشای چنین هنری را در بازی سرنوشت فرصت یافتند:
سال 54 - در پی قرارداد الجزایر - هویدا به عراق سفر کرد. گویی رژیم در ایجاد موازنه در سیاست خارجی به جایگاه دلخواه رسیده است؛ چنان که این جایگاه، ستایش مقامات رسمی چین کمونیست را - که در آن روزها قبله‌ی جریانات چپ در این مرز و بوم بود - نیز برانگیخت. اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونیست مشکلی جز با فیدل کاسترو اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونسیت مشکلی جز با فیدل کاسترو برجای نمانده است. پیوند تنگاتنگ ایران و غرب به ویژه آمریکا نیز بیش از پیش مستحکم می‌نمود، چنان که خشم و حسادت شیوخ جنوب خلیج‌فارس به ویژه عربستان را برانگیخته بود.
در سیاست داخلی نیز، اعلام مواضع مارکسیستی سازمان مجاهدین خلق - به رغم اندرزهای عالمان مبارز - موجی از شادی رژیم و نومیدی قشرهای مبارز را در پی داشت، و در پی آن دستگیری حضرات آیات طالقانی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی و.... هرچند که با فاصله‌ای کوتاه موج تندی از ترور و انفجار در تهران و سرتاسر کشور گزارش می‌شد، ولی برای ساواک بیش از دیگران روشن بود که این، نه از قدرت سازمان، که از متلاشی شدن آن حکایت می‌کند، چیزی همانند انتحار.
اعلام تأسیس حزب فراگیر رستاخیز، تبدیل تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی و پاره‌ای الدرم بلدرهم‌های شاه در برابر غرب - در پیوند با افزایش نرخ نفت - همه ناشی از غرور و شاه و رژیم بود....
ناگهان گویی ورق برگشته است و نشانه‌هایی از دوگانگی مهمی در سیاست آمریکا نسبت به شاه و رژیمش نمایان شد که ملاقات شاه و راکفلر در جزیره‌ی خارک را می‌توان از واکنش‌های مربوط به این دوگانگی دانست. در همین حال، در پاره‌ای مصاحبه‌های شاه، اشاره به وصیتنامه‌ای شد که شایعه‌ی بیماری وی را دامن می‌زد. نمی‌دانیم، شاید همین بیماری، در دوگانگی سیاست آمریکا بی‌اثر نبود. به هر حال، پیروزی کارتر در انتخاب آمریکا، شاه و رژیم را نگران کرد. کارتر نیز که ارزیابی درستی از قدرت مذهبیون و حضرت امام در ایران نداشت، با فشار بر شاه برای باز کردن فضای سیاسی کشور، دست به اقداماتی زد که به زودی پشیمانی او و حزبش را در پی داشت، هر چند که دیگر دیر شده بود.
سال 56-57
شگفتا: او که در اوج اختناق رژیم و غربت انقلاب، همیشه در صحنه حضور داشت و عشق به مبارزه در راه آزادی و عدالت، لحظه‌ای آرامش

نمی‌گذاشت و با همه‌ی هوشیاری و فطانت و به رغم نیازی که همگان در حراست از وی احساس می‌کردند، هرازگاه دل به دریا می‌زد و در استقبال خطر آغوش می‌گشود، آری، با این همه، بازی سرنوشت چنین پیش آورد که در پرهیجان‌ترین شرایط از مبارزه و مردم دور باشد! در محرم و عاشورای 42 و در آستانه‌ی حماسه‌ی 15 خرداد، دست سرنوشت او را به بندان پادگان‌های نظامی کشانید. اینک نیز که به هر حال، فضای باز سیاسی پیش آمده است و هر روز خبری هیجان‌انگیز موج می‌افکند، خبرهایی چونان لغو محکامه‌ی سری نظامی، عفو پی در پی زندانیان سیاسی، برداشته شدن شکنجه، بهبود وضع زندان‌ها، برداشته شدن گارد دانشگاه، بیانیه‌های پی‌درپی احزاب، نامه‌های سر گشاده از چپ و راست، درج خبرهای تظاهرات در روزنامه‌ها، بازدید نمایندگان صلیب سرخ از زندان‌ها، استعفای مهره‌های پرآوازه‌ی رژیم، تغییر کابینه، تظاهرات فراگیر دانشگاه‌ها، اعلام موجودیت جمعیت‌های سیاسی، برپایی مجالس پرشکوه سیاسی، موج فزاینده‌ی تظاهرات در خارج از کشور، در گذشت دکتر شریعتی و پی‌آمدهای آن، و از همه مهم‌تر، رحلت آیت‌الله سید مصطفی خمینی - که در آن فضا مشکوک تلقی می‌شد - ناگهان چونان زلزله‌ای سیاسی کشور را تکان داد و همه‌ی محاسبات و معادلات را در هم ریخت....

اینک که آتش انقلاب شعله‌ور شده است، سرنوشت، به او مجال جوشیدن در این آتش شعله‌ور را نمی‌دهد! با شماری هم‌اندیشان در گوشه‌ی زندان اوین از دور دستی بر آتش دارند. هرچند که او و هم بندانش، زندان اوین را نیز به کانونی فعال بدل کرده بودند و در پاسخ به یکی از نیازهای حساس و مبرم انقلاب نقشی بسیار مؤثر داشتند. (سند شماره‌ی 0879) او، با آن که پرونده‌ای بسیار سنگین داشت، به ویژه با تک‌نویسی کینه‌توزانه‌ی وحید افراخته که کوشیده بود بدترین ذهنیت را در مورد وی شکل دهد، (سندهای شماره‌ی 0890/1 و
0890/2 و نیز سند شماره 0906/1 و 0906/2)، با این همه، قبل از آنکه به سرنوشت خویش بیندیشد، به سرنوشت انقلاب می‌اندیشد. هر چند هوشیاری و زیرکی وی در پنبه کردن رشته‌های عناصری ناجوانمرد و چند چهره، در نگاه انقلاب آشنایان برگ‌هایی است زرین در کارنامه‌ی سیاسی او، اما از آن زرین‌تر و افتخار آفرین‌تر، برگ‌هایی است نانبشته که از نگاه دشمن پنهان مانده و در اسناد از آن انعکاسی نمی‌توان یافت و ردیابی این همه جز با جست و جو در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نیست.

افزون بر این همه، تلاش فرهنگی اوست، بیرون و درون زندان که این فرصت می‌توان به دو کار اساسی اشاره کرد:

1. تلاش در نگارش زندگی نامه‌ی امامان معصوم که در سال‌های 53-54

آغاز شد و ناتمام ماند و اینک شماری از فضلای حوزه‌ی قم در تلاش تکمیل و پرداش آن هستند. 2. فراهم کردن بانک اطلاعات قرآنی که کارهای زیربنایی آن در زندان اوین به انجام رسید و اینک در جهت تکمیل و پردازش آن نهادی در قم پدید آمده است و مجلداتی از آن آثار منتشر شده است.

آزادی از زندان

سرانجام در پاییز سال 57، در طلیعه‌ی بهار آزادی، با انقلاب مردم به پاخاسته درهای زندان گشوده شد و مردم انقلابی ایران، حضرات آیات طالقانی، منتظری، هاشمی رفسنجانی و دیگران را در آغوش گرفتند و در پیوند با رهبری اسلامی در نوفل لوشاتو، کانونی نیرومند در ایران هدایت انقلاب را عهده‌دار شد. از این پس، هر روز رویداد و رویدادهایی عظیم را شاهد بود که در روز شمارهای انقلاب اسلامی به بسیاری از آن رویدادها اشاره شده است. در میان این رویدادهای بی‌شمار، دو مورد ویژگی خاصی دارد:

1. پیدایش شورای انقلاب در ایران که او از محورهای تعیین کننده در آن بود.

2. نخستین اقدام رسمی حضرت امام و اعزام هیئتی به خوزستان با مأموریت رسیدگی به مسایل نفت با عضویت و نقش تعیین کننده‌ی او در آن هیئت (کیهان، شماره‌ی 16، 10605 دی ماه 1357).

بدین سان موج توفنده‌ی انقلاب اسلامی به سوی پیروزی تاریخی ایران و اسلام راه می‌پیمود و در واپسین روزهای نابودی رژیم خودکامه‌ی پهلوی، در محضر حضرت امام، او بود که فرمان نخست‌وزیری انقلاب را قرائت کرد. (کیهان، شماره‌ی 17، 10631 بهمن ماه 1357.) ما را در سر فصلی مهم و در روزهایی سراسر هیجان گویی این آیه در گوش‌ها طنین می‌افکند که: عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون. (قرآن کریم، سوره‌ی اعراف آیه‌ی 126).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

هاشمی نژاد، عبدالکریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهید حجه اسلام و المسلمین سید عبدالکریم هاشمی نژاد در سال ۱۳۱۱ شمسی (۱۳۵۱ ق) در خانواده ای متدّین در « بهشهر» مازندران دیده به جهان گشود و از ۱۴ سالگی در محضر آیت الله کوهستانی و سپس در قم به مدت چهارده سال نزد آیات عظام: سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی در دوران مبارزات اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) با خطبه ها و سخنرانی های حماسی و آتشین خویش، در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیّت رژیم پهلوی، تمامی توان خود را به کار برد و در این راه متحمّل سختی ها و شکنجه های ایادی رژیم گردید. وی از ابتدای مبارزه تا پیروزی انقلاب اسلامی، چندین بار دستگیر و به زندان های طولانی مدت محکوم گردید. این مجاهد انقلابی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده استان مازندران در مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد، در تدوین قانون اساسی و به خصوص در جهت تثبیت اصل ولایت فقیه، زحمات بسیاری کشید. حجت الاسلام هاشمی نژاد پس از پایان دوره مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی مقام دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را به عهده گرفت و از این پایگاه، حملات مداوم خود را متوجه نفاق حاکم بر بعضی مکان های دولتی و ارتجاع کرد و با ضد انقلاب به مبارزه سختی پرداخت. وی با شروع جنگ تحمیلی، در جبهه های غرب و جنوب حضور یافت و با سخنرانی های پرشور خود، در بالا بردن روحیه رزمندگان نقش بسزایی ایفا کرد. آن شهید بزرگوار، پشتوانه محکمی برای انقلاب بود، از این رو نقشه ترور وی طرح شد و در سالروز شهادت امام جواد (ع) در هفتم مهر ۱۳۶۰ در چهل و نه سالگی به دست یکی از منافقان کوردل، بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. بدن پاره پاره این شهید عالی مقام پس از تشییع باشکوه مردم، در جوار مرقد منور امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

هروی بغدادی، ابوعبید قاسم

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(224/ 223/ 222 -157 ق)، حافظ، محدث، فقیه، مجتهد، ادیب و لغوی. در هرات به دنیا آمد. پدرش از غلامان رومی و در خدمت مردی از اهل هرات بود. ادبیات و فقه را از اساتید بزرگ آن زمان فراگرفت. قرآن و لغت را نزد ابوالحسن کسایی و اسماعیل بن جعفر و شجاع بن ابونصر بلخی و ابوعمرو شیبانی و فراء و ابوزیاد کلابی و ابوعبیده و اصمعی و یزیدی و ابوزید انصاری و عده‌ای دیگر آموخت. وی در قراآت، فقه، لغت و شعر متبحر بود. از اسحاق بن سلیمان رازی و اسماعیل بن جعفر و شریک بن عبداللّٰه و اسماعیل بن عیاش و هشیم بن بشیر و سفیان بن عیینه و اسماعیل بن علیه و یزید بن هارون و یحیی بن سعید قطان و حجاج بن محمد و ابومعاویه ضریر و صفوان بن عیسی و عبدالرحمان بن مهدی و حماد بن مسعده و مروان بن معاویه و ابوبکر بن عیاش و محمد بن جعفر غندر و سعید بن عبدالرحمان جمحی و عبیداللّٰه اشجعی و وکیع بن جراح و عبداللّٰه بن ادریس و جریر بن عبدالحمید و عباد بن عباد مهلبی و معاذ بن معاذ عنبری و عمر بن یونس و عبداللّٰه بن مبارک و اسحاق ازرق و دیگران حدیث شنید. استادش، سعید بن ابومریم مصری، و نصر بن داوود بن طوق صاغانی و محمد بن اسحاق صاغانی و حسن بن مکرم و احمد بن یوسف تغلبی و ابوبکر بن ابی الدنیا و حارث بن ابی‌اسامه و محمد بن یحیی مروزی و علی بن عبدالعزیز بغوی و عبداللّٰه بن عبدالرحمان دارمی و عباس دوری و محمد بن حفص دوری و احمد بن یحیی بلاذری و عبدالمجید بوشنجی و ابوالحسن علی بن عبداللّٰه طوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی در بغداد اقامت گزید. سپس در زمان امیر ثابت بن نصر بن مالک خزاعی به منصب قضاوت شهر طرسوس گمارده شد. در اواخر عمر به مکه رفت و همان جا درگذشت. از آثارش: «الغریب» یا «غریب الحدیث»؛ «غریب القرآن»؛ «الغریب المصنف فی علم اللسان»؛ «فضائل القرآن»؛ «ادب القاضی»؛ «الاموال»؛ «الشعراء»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «المواعظ»؛ «القراآت»؛ «النسب»؛ «معانی القرآن»؛ «المجاز فی القرآن»؛ «عدد آی القرآن»؛ «الامثال السائرة»؛ «المقصور والممدود»؛ «الطهارة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (10/ 6)، تاریخ بغداد (416 -403/ 12)، التاریخ

الکبير (172/ 7)، تذکرةالحفاظ (418 -417/ 1)، تهذيب‌التهذيب (276 -274/ 8)، تهذيب‌الکمال (154 -145/ 15)، الجرح والتعديل (ج 3، ق 111/ 2)، سيرالنبلاء (509 -490/ 10)، شذرات الذهب (55 -54/ 2)، صفة الصفوة (328 -327/ 2)، طبقات ابن‌سعد (254 -253/ 7)، طبقات الشافعيه‌ی سبکی (160 -153/ 2)، طبقات الفقهاء الحنابله (364 -360/ 1)، طبقات المفسرين داودی (37 -32/ 2)، العبر (308/ 1)، الفهرست ابن النديم، ترجمه (121 -120)، الکامل (259/ 5)، معجم‌الادباء (261 -254/ 16)، المنتظم (336 -334/ 6)، ميزان‌الاعتدال (359/ 3)، النجوم الزاهرة (294/ 2)، وفيات الاعيان (63 -60/ 4).

هروی، ابواسحاق احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 334 ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن یاسین حداد. وی از عثمان بن سعید دارمی و موسی بن احمد فریابی و عبید بن محمد وراق حافظ و معاذ بن مثنی و فضل بن عبداللّٰه یشکری و همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبداللّٰه بن ابی‌ذهل و منصور بن عبداللّٰه خالدی و خلیل بن احمد قاضی و محمد بن علی بن محمد باشانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در فن تاریخ‌نویسی دست داشت و کتابی با عنوان «تاریخ هرات» تصنیف نمود. در «میزان‌الاعتدال» سال درگذشت وی 234 ق ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرةالحفاظ (878 -877/ 3)، سیرالنبلاء (340 -339/ 15)، شذرات‌الذهب (335/ 2)، طبقات الحفاظ (375)، لسان‌المیزان (437/ 1)، معجم‌المؤلفین (168/ 2)، میزان‌الاعتدال (175/ 1)، هدیةالعارفین (47/ 1).

هروی، ابوذر عبد، عبداللّٰه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(434 -356/ 355 ق)، فقیه مالکی، حافظ، محدث و صوفی. معروف به ابن‌سماک. اصل او از هرات و از علمای بزرگ مالکی و شیخ‌الحرم زمانش بود. در طلب علم و حدیث به مسافرت‌های طولانی پرداخت. علم کلام را از ابن باقلانی فرارگرفت. وی در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و بشر بن محمد مزنی و عده‌ای دیگر و در سرخس از ابومحمد بن حمویه و زاهر بن احمد فقیه و در بلخ از ابواسحاق مستملی و در مرو از ابوهیثم کشمیهنی و در بصره از ابوبکر هلال بن محمد بن محمد و شیبان بن محمد ضبعی و در بغداد از ابوالفضل زهری و ابوالحسن دارقطنی و ابوعمر بن حیویه و در دمشق از عبدالوهاب بن حسن کلابی و در مصر از ابومسلم کاتب و در مکه از ابواسحاق ابراهیم بن محمد دینوری و عده‌ای دیگر حدیث شنید. وی راوی «صحیح» بخاری از مستملی و حموی و کشمیهنی بود. فرزندش عیسی و علی بن محمد بن ابوالهول و موسی بن عیسی صقلی و عبداللّٰه بن حسن تنیسی و ابوصالح نیشابوری موذن و علی بن بکار صوری و احمد بن محمد قزوینی و ابوطاهر اسماعیل بن سعید نحوی و ابوحسین بن مهتدی باللّٰه و ابوولید باجی و عبداللّٰه بن سعید شنتجالی و عبدالحق بن هارون سهمی و ابوبکر احمد بن علی طریثیثی و ابوشاکر احمد بن علی عثمانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوعمر بن عبدالبر و احمد بن عبدالقادر یوسفی و ابوعبداللّٰه احمد بن محمد بن غلبون خولانی از او اجازه‌ی روایت داشته‌اند. او را حافظی کثیرالشیوخ دانسته‌اند. وی مدتی در مکه مجاور گشت و در آنجا به تصنیف کتب و گردآوری «معجم» مشایخ خود پرداخت. بعدها در ناحیه سروات، در حوالی مکه، سکنی گزید. او هر سال در موسم حج به مکه می‌رفت و سرانجام نیز در مکه درگذشت. از دیگر آثارش: تفسیر قرآن؛ « السنة والصفات»؛ «الجامع»؛ «الدعاء»؛ «فضائل القرآن»؛ «دلائل النبوة»؛ «المستدرک علی الصحیحین»؛ «الصحیح المسند المخرج علی الصحیحین» یا «المسند الصحیح المجرد علی البخاری و مسلم»؛ «شهادة الزور»؛ «فضائل ملک بن انس»؛ «العیدین» یا «فضائل العیدین»؛ «مسانید الموطات»؛ «فضل یوم عاشوراء»؛ «المناسک»؛ «الربا» و «الیمین الفاجرة»؛ «کرامات الاولیاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (141/ 11)، تذکرةالحفاظ (1108 -1103/ 3)، سیرالنبلاء (563 -554/ 17)، شذرات‌الذهب (254/ 3)، طبقات الحفاظ (443)، طبقات المفسرین داودی (368 -366/ 1)، العبر (269/ 2)، الکامل (36/ 8)، کشف‌الظنون (1830 ،1673 -1672 ،441)، معجم‌المؤلفین (66 -65/ 5)، المنتظم (311/ 9)، النجوم الزاهرة (38/ 5)، هدیةالعارفین (438 -437/ 1).

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 168/ 163 ق)، حافظ، فقیه و محدث. در اواخر روزگار صحابه‌ی صغار (آنان که در زمان رحلت پیامبر (ص) کم سن و سال بودند) در هرات به دنیا آمد. اصلش از قریه‌ی باشان هرات بود. در نیشابور نشو و نما یافت. در طلب علم به مسافرت پرداخت و عده‌ای از تابعین را ملاقات نمود و از آنها حدیث شنید.از جمله از عبداللَّه بن دینار و ثابت بنانی و ابوحازم اعرج و ابواسحاق سبیعی و ساک بن حرب و موسی بن عقبه و ابوزبیر محمد بن مسلم قرشی و محمد بن زیاد جمحی قرشی و یحیی بن سعید انصاری. همچنین از منصور بن معتمر و ابی‌جمره ضبعی و عاصم بن بهدله و عاصم بن سلیمان و حسین معلم و آدم بن علی و عبدالعزیز بن رفیع و ابوحصین عثمان اسدی و حمید طویل و حجاج بن حجاج باهل و عطاء بن ابی‌مسلم خراسانی و عبدالعزیز بن صهیب و مطر وراق و دیگران حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. سپس به مکه رفت و در آنجا مجاور شد. فرزندش، عبدالخالق بن ابراهیم، و استادش، صفوان بن سلیم، و ابوحنیفه نعمان بن ثابت و محمد بن جعفر بن ابی‌کثیر و عبداللَّه بن مبارک و حفص بن عبداللَّه سلمی نیشابوری و ابوعامر عقدی و سفیان بن عیینه و خالد بن نزار و وکیع بن جراح و حسین بن ولید نیشابوری و عبدالرحمان بن عبداللَّه دشتکی رازی و غسان بن سلیمان هروی و برادرش، مالک بن سلیمان هروی، و عمر بن عبداللَّه بن رزین و عبدالرحمان بن مهدی و محمد بن سابق و معن قزاز و یحیی بن ابوبکر کرمانی و یحیی بن ضریس بجلی رازی و ابوحذیفه نهدی و عبدالرحمان بن سلام جمحی و محمد بن سنان عوقی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن»، در فقه؛ «المناقب»؛ کتاب «العیدین»؛ کتاب «التفسیر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (168/ 2)، تاریخ بغداد (111 -105/ 6)، التاریخ الکبیر (294/ 1)، تذکرةالحفاظ (213/ 1)، تهذیب‌التهذیب (118 -117/ 1)، تهذیب‌الکمال (368 -364/ 1)، الثقات (27/ 6)، سیرالنبلاء (385 -378/ 7)، شذرات‌الذهب (257/ 1)، طبقات الحفاظ (106 -105)، طبقات المفسرین داودی (11 -10 / 1)، العبر (185/ 1)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (416)، الکامل (64/ 5)، لسان‌المیزان (191/ 8)،

معجمالبلدان (383/ 1)، معجمالمؤلفين (41/ 1)، ميزانالاعتدال (63/ 1)، الوافى بالوفيات (24 -23/ 6).

هروی، ابوعبدالرحمان، ابوجعفر محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 303/ 302 ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به شکر. وی از محمد بن رافع قشیری و علی بن خشرم و علی بن حرب و احمد بن عیسی مصری و عمر بن شبه و احمد بن منصور و رمادی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری گوید که وی در مرو، طوس، سرخس، مرورود، بخارا و نیشابور نقل حدیث کرد. ابوولید حسان بن محمد و محمد بن جعفر بن مطر و ابوبکر احمد بن علی رازی و ابوحامد بن شرقی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در هرات درگذشت. از آثارش: کتاب «تاریخ هرات»؛ کتاب «الجواهر»؛ «العجائب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (127)، تذکرةالحفاظ (749 -748/ 2)، سیرالنبلاء (222 -221/ 14)، شذرات‌الذهب (242/ 2)، طبقات الحفاظ (336 -335)، العبر (446/ 1)، کشف‌الظنون (1437)، معجم‌المؤلفین (51 -50/ 12)، الوافی بالوفیات (67/ 5).

هروی، ابوعبداللَّه، محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 302/ 301 ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هرات بود. از احمد بن یونس یربوعی و همطبقه‌ی او در کوفه و اسماعیل بن ابی‌اویس و عده‌ای دیگر در مدینه و احمد بن حنبل و همطبقه‌ی او در بغداد و ابراهیم بن محمد شافعی در مکه و محمد بن معاویه نیشابوری و محمد بن مقاتل مروزی حدیث شنید. سامی از مشایخ ابوحاتم بن حبان بستی است و ابن‌حبان در «صحیح» خود و نیز عباس بن فضل نضروری و بشر بن محمد مزنی و دیگر علمای هرات از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرةالحفاظ (698 -697/ 2)، سیرالنبلاء (115 -114/ 14)، شذرات‌الذهب (235/ 2)، طبقات الحفاظ (324)، العبر (442/ 1)، معجم‌المؤلفین (157/ 10)، الوافی بالوفیات (226/ 3).

هروی، ابوعلی حسین

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(301 -207 ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن‌خرم. وی از سعید بن منصور و خالد بن هیاّج و داوود بن رشید و هشام بن عمار و سوید بن سعید و محمد بن عبداللّٰه به عمار و عثمان بن ابی‌شیبه و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. بشر بن محمد مزنی و منصور بن عباس و ابوحاتم بن حبان و ابوبکر نقاش مفسر و محمد بن عبداللّٰه بن خمیرویه و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی او را در حدیث ثقه می‌داند. از آثار وی کتابی در تاریخ است که بر اساس سنوات مرتب نشده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (251/ 2)، انساب سمعانی (637/ 5)، تذکرةالحفاظ (695 -696/ 2)، توضیح المشتبه (219 -218/ 3)، الثقات (193/ 8)، الجرح والتعدیل (ج 1، ق 47/ 2)، سیرالنبلاء (114 -113/ 14)، شذرات‌الذهب (235/ 2)، طبقات الحفاظ (322)، العبر (441/ 1)، لسان‌المیزان (503 -502/ 2)، معجم‌المؤلفین (205/ 3)، میزان‌الاعتدال (524/ 1)، النجوم الزاهرة (204/ 3)، الوافی بالوفیات (340/ 12).

هروی، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 311 ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هرات بود. از ابوسعید اشج و زعفرانی و محمد بن ولید بسری و حسن بن عرفه و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. محمد بن احمد بن ازهری لغوی و محمد بن عبداللّٰه سیاری و ابومنصور محمد بن عبداللّٰه بزاز هروی و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند.
از آثارش: کتاب «الاقضیة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (270/ 2)، تذکرةالحفاظ (787 -786/ 3)، سیرالنبلاء (294/ 14)، شذرات‌الذهب (262/ 2)، طبقات الحفاظ (349)، العبر (462/ 1)، معجم‌المؤلفین (83 -82/ 6)، هدیةالعارفین (443/ 1).

هزار، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا هزار
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات حوزوی را از سال 1371 در شهر مشهد مقدس آغاز و از همان تاریخ هم تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه «الهیات فردوسی مشهد» شروع کردم. در سال 77 ـ 76 به قم آمدم و تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ام را ادامه دادم و در سال 79 ـ 78 موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته «الهیات علوم قرآن و حدیث» شدم. سپس به لبنان رفتم و مدتی در آنجا به ادامه تحصیلات پرداختم و کارشناسی «روان شناسی» را از آنجا دریافت کردم. در سال 84 ـ 1383 نیز موفق به اخذ دکتری در رشته الهیات از دانشگاه ICIS کشور انگلستان شدم.
در طول 7 سال گذشته در شهر قم، در پژوهشکده دارالحدیث قم و در واحدهای احیاء تراث، فهرستگان نسخ خطی؛ و غیره فعالیت کرده ام. مدتی نیز در واحد احقاق الحق، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی به پژوهش مشغول بوده ام. از سال 1377 تا 1381 نیز در مؤسسه فرهنگی توحید مشغول به کار بوده ام. از سال 1380 تاکنون هم در دانشگاههای مختلفی مانند دانشگاه قم؛ دانشگاه آزاد قم، دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد نراق، دانشگاه جامع علمی ـ کاربردی و دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس اشتغال داشته ام.
کارگاههای تخصصی مختلفی نیز مانند کارگاه بهداشت روانی از دیدگاه اسلام، فنون و هنر تدریس، دانسته ها و بایسته های ازدواج، آرامش جوان و غیره نیز در دانشگاه های مختلف کشور به ویژه در دانشگاه بو علی سینا همدان توسط بنده اجرا و انجام شده است. تاکنون 15 عنوان کتاب و بیش از 30 مقاله، منتشر کرده ام. آخرین کار علمی انجام شده ام: «نظارت علمی بر طرح کلان تدوین مآخذ شناسی امام علی علیه السلام» بوده است که توسط پایگاه اطلاع رسانی پارسا انجام شده است.

هسنجانی رازی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 301 ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هسنجان، از قرای ری بود. در طلب حدیث به عراق، شام و مصر سفر کرد و از طالوت بن عباد و عبدالاعلی بن حماد نرسی و هشام بن عمار و عبدالواحد بن غیاث و محمد بن عبید بن حساب و احمد بن ابی الحواری و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. ابوجعفر محمد بن عمرو عقیلی و ابوعمرو بن مطر مقری و ابوبکر اسماعیلی و ابوحسین محمد بن عبداللَّه رازی و عبداللَّه بن عدی و ابوعلی حسین بن علی و ابوجعفر بن مردویه اصفهانی و احمد بن علی دیلمی و عباس بن حسین صفار و دیگران از وی روایت کرده‌اند. هسنجانی دارای «مسند» ی در حدیث بوده است، با بیش از صد جزء، که میسرة بن علی قزوینی آن را از وی روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (76/ 1)، انساب سمعانی (642/ 5)، تذکرةالحفاظ (692/ 2)، ری باستان (639 ،272/ 2)، سیرالنبلاء (117 -115/ 14)، شذرات‌الذهب (235/ 2)، طبقات الحفاظ (321)، العبر (441/ 1)، کشف‌الظنون (1685)، معجم‌البلدان (467/ 5)، معجم‌المؤلفین (131/ 1)، الوافی بالوفیات (172/ 6).

هلالی خراسانی، ابومحمد، ابوالقاسم ضحاک

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 106/ 105/ 102 ق)، محدث، مفسر و مدرس. اصلش از بلخ و مدتی در بلخ و سمرقند و نیشابور ساکن بود. او در تفسیر و قصص تبحر داشت. علم تفسیر را از سعید بن جبیر در ری آموخت. از ابن‌عباس و ابوسعید خدری و عبداللّٰه بن عمر و انس بن مالک و اسود بن زید نخعی و سعید بن جبیر و عطاء بن ابی‌رباح و طاووس بن کیسان و طائفه‌ای دیگر حدیث شنید. ابن‌حبان ملاقات وی را با صحابه و حدیث شنیدنش از آنها صحیح نمی‌داند و احادیث وی را منسوب به تابعین می‌کند. عمارة بن ابی‌حفصه و ابوسعد سعید بن مرزبان بقال و جویبر بن سعید و مقاتل بن حیان نبطی و علی بن حکم و ابوروق عطیة بن حارث کوفی و ابوجناب یحیی بن ابی‌حیه کلبی و ابوسنان سعید بن سنان شیبانی اصغر و ابوسنان ضرار بن مره شیبانی اکبر و ابوعیسی سلیمان بن کیسان خراسانی و عبدالرحمان بن عوسجه و ابوالحارث عبید بن سلیمان باهلی خراسانی و مالک بن سعید بلخی و محمد بن سلیم خراسانی و ابوعبداللّٰه میمون وراق خراسانی و نهشل بن سعید و عمر ابن رماح و عبدالعزیز بن ابی‌رواد و قرة بن خالد سدوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی معلم کودکان بود و نوشته‌اند که هزاران دانش‌آموز در مکتب وی به کسب علم می‌پرداختند و او برای تعلیم و تدریس اجرت و مزدی دریافت نمی‌کرد. وی در خراسان درگذشت. از آثارش: «التفسیر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (310/ 3)، تاریخ الاسلام (حوادث 114 -112 ،8/ 120 -101)، تهذیب‌التهذیب (418 -417/ 4)، تهذیب‌الکمال (177 -173/ 9)، الثقات (482 -480/ 6)، سیرالنبلاء (600 -598/ 4)، شذرات‌الذهب (125 -124/ 1)، طبقات ابن‌سعد (261/ 7)، طبقات المفسرین داودی (216/ 1)، العبر (94/ 1)، معجم‌المؤلفین (27/ 5)، میزان‌الاعتدال (250/ 2)، النجوم الزاهرة (317/ 1).

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(569 -488/ 483 ق)، مقری، حافظ، محدث، مفسر، ادیب، نحوی، لغوی و زاهد. شیخ همدان و امام العراقین در قراآت بود. در همدان به دنیا آمد. در طلب علم مسافرت‌های بسیاری نمود. علم قرائت را نزد ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و ابوعبداللّٰه بارع حسین دباس و ابوبکر مزرفی فراگرفت و در همدان از عبدالرحمان بن حمد دونی و در اصفهان از محمود اشقر و ابوعلی حداد اصفهانی و در بغداد از ابوالقاسم بن بیان و ابن‌حصین و ابوعلی ابن مهدی و ابوعلی بن نبهان و در خراسان از ابوعبداللّٰه فراوی حدیث شنید. آنگاه به همدان بازگشت و تا پایان عمر در این شهر زندگی نمود. او در علم تفسیر، حدیث، انساب و تاریخ متبحر بود. ابواحمد بن سکینه و ابوالحسن ابن دباس و محمد بن محمد بن کیال علم قرائت را در نزد وی فراگرفتند. شیخ منتجب‌الدین، صاحب «الفهرست»، نیز از شاگردان وی بود و کتاب «الهادی» را نزد او خواند. منتجب‌الدین استادش ابوالعلاء را صدرالحفاظ و در علم حدیث و قرائت علامه معرفی کرده است. فرزندانش، احمد و عبدالبر و فاطمه، و نوادگانش، قاضی علی و محمد و عبدالحمید پسران عبدالرشید بن علی بن بنیمان، و ابوالمواهب ابن صصری و عبدالقادر حافظ و یوسف بن احمد شیرازی حافظ و محمد بن محمود حمامی و عتیق بن بدل مکی و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. ابوالحسن ابن المقیر از وی اجازه‌ی روایت داشت و شیخ هاشم بن محمد در «مصباح‌الانوار» خویش از وی روایت کرده است. در «معجم‌الادباء» وفات وی 599 ق آمده است. از آثارش: «زاد المسافر»، در پنجاه مجلد؛ «غایةالاختصار»، در قراآت دهگانه؛ «الهادی الی معرفة المقاطع والمبادی»، در وقوف قرآن؛ «الانتصار فی معرفة قراء المدن والامصار» که «طبقات القراء» است؛ «مفردات القراء»؛ «مولد امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «الادب فی حسان الحدیث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (195/ 2)، اعیان‌الشیعه (634/ 4)، ایضاح‌المکنون (715/ 2 ،606/ 1)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (128 -126/ 1)، تذکرةالحفاظ (1328 -1324/ 4)، الذریعه (151 -150/ 25 ،8/ 12)، روضات‌الجنات (87 -86/ 3)، ریحانه (206/ 7)، سیرالنبلاء (47 -40/ 21 ،304/ 19)، شذرات‌الذهب (232 -231/ 4)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن

54 -53/ 6)، طبقات الحفاظ (498 -497)، طبقات المفسرين داودى (131 -128/ 1)، العبر (56/ 3)، فهرست منتجب‌الدين (66 -65)، الكامل (129/ 9)، كشف‌الظنون (2026 ،1773 ،1387 ،1189 ،1106 ،946 ،114)، معجم‌الادباء (52 -5 / 8)، معجم رجال الحديث (284 -283/ 4)، معجم‌المؤلفين (198 -197/ 3)، المنتظم (518/ 10)، هدية‌العارفين (280/ 1).

همدانی، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بعد از 531 -440 ق)، حافظ، محدث و زاهد. در طلب حدیث به مسافرت پرداخت. در بغداد از ابن نقور و ابوالقاسم بن بسری و ابونصر زینبی و در نیشابور از فضل بن محب و ابوصالح مؤذن و در مکه از ابوعلی شافعی و سعد زنجانی و در جرجان از اسماعیل بن مسعده و در مرو از ابوالخیر محمد بن ابوعمران و در هرات از ابواسماعیل انصاری و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی «الجامع» ابوعیسی ترمذی را از ابوعامر ازدی و محمد بن محمد بن علاء و ثابت بن سهلک قاضی به نقل از جراحی روایت کرد. این طاهر مقدسی و ابوالعلاء عطار و عبدالرحمان بن عبدالوهاب بن معزم و عده‌ای دیگر از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «البدایة والنهایة فی الموعظة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (102 -101/ 20)، شذرات‌الذهب (97/ 4)، طبقات الحفاظ (470)، العبر (440/ 2)، کشف‌الظنون (228)، معجم‌المؤلفین (69/ 11)، النجوم الزاهرة (253/ 5).

یابری محمد، صادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صادق یابری محمد
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/12/12

زندگینامه علمی
اینجانب صادق یابری محمد فرزند محمد بعد از اخذ دیپلم و در سال 60 وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه «امام صادق (ع) شاه ابراهیم، نیروگاه (مدرسه مرحوم آقای خلخالی)» گذراندم؛ آن هم در ایام اوج جنگ و دفاع. آنگاه دروس سطح عالیه را در فیضیه و مدرسه مرحوم آیةالله گلپایگانی و ... با اساتید چون: «آیه الله بنی فضل»، «صالحی مازندرانی» و ... و دروس جانبی همچون: رجال، درایه و نهج البلاغه به ترتیب آیات عظام: «سبحانی»، «مرحوم فاضل لنکرانی» و علوم قرآن و حدیث: مرحوم «آیةالله محمد هادی معرفت» و ... و همچنین دروس خارج حدود 10 سال با آقایان: «آیةالله مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «موسوی اردبیلی» و ... گذراندم.
و در همین ایام، لیسانس: (زبان و ادبیات عرب) و فوق لیسانس: (الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث) را از دانشگاه اخذ کردم. و در همین ایام فعالیت پژوهشی، حدیث، علوم قرآن و مقالات و نوشتن کتاب را شروع کردم که متاسفانه به علت عدم تمکن مالی نتوانستم آنها را چاپ کنم. همچنین به فعالیت تدریس در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی با اخذ مجوز تدریس در دانشگاه پرداختم و در همین مدت در سال 76 - 75 به آفریقا جهت کارشناسی، تدریس، مدیریت و تبلیغ ایام مخصوص پرداختم. همچنین به فعالیت به عنوان استاد راهنما و داور در جامعة الصطفی مدرسه عالی فقه و معارف پرداختم.

یزدی، رشیدالدین

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رشیدالدین یزدی از علماء آن سامان است که یک نسخه از تفسیر فارسی او مشتمل بر سوره هود و یوسف و رعد در 208 صفحه به شماره 432 در کتابخانه ملک موجود است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1287 ق)، عالم دینی، مفسر، ادیب و لغوی. اصل وی از یزد و از دانشمندان سده‌ی سیزدهم هجری می‌باشد. صاحب عنوان در زمینه ادبیات، لغت و تفسیر قرآن دارای تصانیفی بوده است. از آثار او: «نخبة المیزان» یا «نخبة اللغات»، در لغت که در 1287 ق آن را تألیف نمود و در 1288 ق در تهران به چاپ رسید؛ تفسیر قرآن تا آخر «سوره‌ی نساء»؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبة الزهراء (ع)»؛ شرح «خطبة الشقشقیة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (171/ 8)، الذریعه (100 -99 ،98/ 24)، معجم‌المؤلفین (40/ 7).

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد یزدی
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1310/1/1
زندگینامه علمی
آیة الله محمد یزدی در سال 1310 هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و ارادتمند به خاندان پیامبر، چشم به جهان گشود. جدش، مرحوم شیخ محمد علی، حدود صد سال پیش از یزد به اصفهان هجرت کرد و در مدت زمان کوتاهی، در حوزه علمیه اصفهان، به درجات علمی بالایی نائل آمد. مرحوم «آقا نجفی» که در آن دوره، ریاست حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشت، شیخ محمد علی را مأمور بحث و مناظره با کشیش های ارامنۀ جلفای اصفهان کرد که شیخ محمد علی توانست بر تمامی آنها فائق آید و از آن پس، «شیخ یزدی» شهرت یافت.
پدر آیة الله یزدی، مرحوم «شیخ علی یزدی» نام داشت که از شاگردان «شیخ عبدالکریم حائری» و از روحانیون معروف اصفهان بود که امامت جماعت یکی از مساجد اصفهان را بر عهده داشت و به حل مشکلات مردم عالم پرور اصفهان می‌پرداخت. از ویژگیهای او آشنایی با علوم غریبه بود.
مادر آیة الله یزدی نیز زنی مؤمن از خانواده متدین و دوستدار اهل بیت (ع) بود که پدرش از مریدان «شیخ یزدی» به شمار می‌آمد و ارادت او به «شیخ یزدی» در ازدواج پدر و مادر وی بی تأثیر نبوده است.
آیة الله محمد یزدی تحصیلات خود را ابتداء در محضر پدر و با فراگیری زبان فارسی آغاز کرد و پس از آن، عازم مکتب خانه شد. مکتب خانه‌های آن روزگار اغلب در مسجد بود و فاقد میز و صندلی!. پس از گذراندن دورۀ مکتب، برای گذراندن کلاس چهارم آن نظام آموزشی، به نخستین مدرسه‌ای که در اصفهان به سبک جدید تأسیس شده بود و یکی از روحانیون که با پدر او نیز سابقه دوستی داشت، آن را اداره می‌کرد، رفت. شش کلاس آن نظام را در آن مدرسه گذرانید.
تحصیلات حوزه را که در آغاز، نزد پدر آموخته بود، در مدرسۀ «کاسه‌گران» اصفهان ادامه داد و سپس به مدرسه «ملا عبدالله» رفت و به تحصیل

شرح لمعه مشغول شد. پس از آن به مدرسه «صدر» آمد و به خواندن «قوانین» پرداخت و در این میان، از محضر عالمان بزرگ اصفهان نیز در زمینه‌های علمی و معنوی بهره می‌برد.
با تشریف فرمایی حضرت آیت الله بروجردی به قم، شور و بی قراری زائد الوصفی وجود این طلبه جوان را فرا گرفت و با اصرار فراوان به پدر، خواستار حضور و تحصیل در حوزهٔ علمیهٔ قم شد. پدر، در ابتداء با این سفر مخالف بود، ولی با واسطه قرار گرفتن یکی از علمای یزد، به سفر فرزند خود رضایت داد. در بدو ورود به قم، در مدرسه فیضیه مستقر شد. در آن زمان، آیة الله بروجردی، از برخی طلاب به سبب آشنایی با میزان توانایی علمی آنان، امتحان به عمل می‌آورد. وی با شرکت در دروس سطح، کتاب های رسائل، مکاسب و کفایة الاصول را به خوبی فرا گرفت و در درس خارج علمای بزرگ حوزه، از جمله آیة الله بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) شرکت کرد. تلاش علمی ایشان در آن سال ها باعث شد تا بتواند از حضرت امام خمینی (ره) اجازه نامهٔ اجتهاد دریافت کند.
وی در طول آن سال ها و حتی تا هم اکنون، از طریق شهریه، معاش گذرانده است و وضعیت خانوادگی، به ویژه علاقه مندی پدر به تحصیلات حوزوی، استادان بزرگوار حوزه و صبر و بردباری همسر و فرزندان خود را از عوامل مهم رشد علمی و فرهنگی خود می‌داند.
دوران تحصیل آیة الله یزدی، سرشار از تحصیل در محضر عالمان بزرگ بوده است. از استادان وی، هنگام تحصیل در اصفهان، می‌توان از آقایان: «شیخ حسن نجف آبادی»، «فقیه»، «سید محمد علی ابطحی» نام برد که بخشی از کتب دورهٔ سطح را در خدمتشان فرا گرفت. با ورود به قم به دروس مرحوم «آیة الله لاکانی»، مرحوم «حاج آقا حسین بُدلا» و مرحوم «زاهدی» رفت و رسائل، مکاسب و کفایة الاصول را در محضر «آیة الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «آیة الله مرعشی» و «آیة الله سلطانی» فرا گرفت و در درس تفسیر «علامه طباطبایی» نیز حاضر شد. وی در درس خارج علمای بزرگی همچون: «آیة الله بروجردی (ره)»، «آیة الله اراکی»، «آیة الله شیخ محمد تقی آملی»، «آیة الله شاهرودی» و نیز یک دوره کامل در درس خارج «امام خمینی (ره)» شرکت کرد.
آیة الله یزدی، ویژگی درس امام (ره) را چنین بر می‌شمرد:
«حضرت امام (ره) قبل و بعد از شروع سال تحصیلی به نصیحت طلاب می‌پرداختند و در اکثر مواقع هم به یاد دارم که شاگردان تحت تأثیر نفوذ کلام حضرت امام (ره) به گریه می‌افتادند. عجیب اینجا بود که مسائل مطروحه از سوی امام، گاه از اهمیت چندانی برخوردار نبود، ولی بحث و بیان امام به گونه‌ای بود که همه را به گریه می‌انداخت».
همچنین در باره همراه بودن درس امام (ره) با بینش سیاسی می‌گوید:

«ایشان در مسائل سیاسی و آموزش آن، در کنار دروس رسمی حوزه شیوه‌های عجیبی داشتند. برای مثال عرض می‌کنم که یک بار در کلاس درس اصول، از این شیوه استفاده کردند. در اصول فقه، بحثی وجود دارد تحت این عنوان که «امر و نهی در صورتی معنا دارد که مخاطب آن قابلیت تأثیر پذیری و انبعاث داشته باشد». اکثر اساتید وقتی به این مبحث می‌رسند، در مقام مثال زدن می‌گویند: به دیوار و سنگ نمی‌توان گفت چنین کن! اما حضرت امام می‌فرمودند: به «خروشچف» نمی‌شود امر کرد که نماز بخوان! خود به خود برای ما که شاگرد ایشان بودیم، این سؤال پیش می‌آمد که «خروشچف» دیگر چیست یا کیست؟ بعد می‌رفتیم دنبال پاسخ به این سؤال و همین امر بینش سیاسی ما را افزایش می‌داد و به گسترش افق دید ما کمک می‌کرد».

از دوستان و معاشران آیة الله یزدی در ایام تحصیل در اصفهان می‌توان از آقایان: فقیه ایمانی، مدنی، اخوان «ابطحی»، سید محمد علی مجلسی و سید محمد باقر مجلسی را نام برد. همچنین وی در نخستین سال های طلبگی با آیة الله «سید محمد حسین بهشتی» آشنا شد و نظم آن شهید سعید را شایان ستایش می‌داند. از دوستان ایشان در زمان تحصیل در قم نیز می‌توان از آقایان: «محمدی گیلانی»، «شیخ حسین مظاهری»، «شیخ محمد تقی مصباح یزدی»، «سید علی اکبر موسوی یزدی» و «حاج شیخ مرتضی تهرانی (انصاری)» نام برد.

زندگی آیة الله یزدی، همواره با تلاش ها و دغدغه‌های علمی و فرهنگی همراه بوده است. بخشی از این تلاشها در قالب سخنرانیها و تدریسها تبلور یافته است که اغلب، اساسی‌ترین مباحث اسلام و تشیع در آن مورد مداقه قرار گرفته است و تا هم اکنون نیز ادامه دارد. بخش دیگر آن نیز در قالب مقالات و کتب مفیدی است که جوانان و طالبان علم را از معارف والای مکتب تشیع بهره‌مند می‌سازد. ایشان نخستین مقاله‌های خود را در نشریه «حکمت» به چاپ رساند. از جمله کتب ایشان که در زمان طاغوت به چاپ رسید، کتاب «گمشدهٔ شما» بود که چاپ آن باعث شد فردی به نام «مردوخ» به بهانه آن، تهمت های ناروایی را به ساحت تشیع ابراز دارد. این مسأله باعث شد که آیة الله یزدی تهمت های او را در کتابی با عنوان «پاسخ به تهمت های مردوخ» پاسخ دهد که هر دو کتاب «گمشدهٔ شما» و «پاسخ به تهمت های مردوخ» مورد عنایت زعیم عالیقدر شیعه، حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت. آیة الله یزدی در طول دوران مبارزه بر ضد رژیم شاهنشاهی، حتی در زمان تبعید، دست از نگاشتن در جهت تبیین معارف اسلامی برنداشت و تا کنون، کتابها و مقالات بسیاری را به چاپ رسانده‌اند.

زندگی سیاسی حضرت آیة الله یزدی، با توجه به مبارزهٔ بی امان ایشان با

رژیم شاه و نیز افشاگری های فراوان که به تبعید و شکنجه معظم له منجر می‌شد و با نگاه به سابقه مدیریت ایشان در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، بخشی از تاریخ انقلاب را تشکیل می‌دهد و مطالعهٔ آن، فضای مبارزه و مقاومت را در اذهان دوستداران انقلاب زنده می‌سازد. آیة الله یزدی با ورود به حوزه علمیه قم، مبارزه و درس را توأمان آغاز می کند و با شرکت در درس امام خمینی (ره) و جلسات عمومی و خصوصی ایشان، توانایی و عزم خود را برای پی‌گیری جریان های سیاسی و پیروی از خط مشی امام (ره) اعلام می‌دارد. ارتباط وی با امام با حاضر شدن در درس خارج اصول ایشان در مسجد سلماسی و پرسش های علمی و سیاسی در پایان درس آغاز شد.
در آن ایام، در عصرهای جمعه، بیشتر جوانان به سینما می‌رفتند و جو سینماها آکنده از فیلم های زشت و مبتذل بود. حضرت امام (ره) با توجه به این معضل، از علماء و طلاب خواسته بودند که جلساتی را در عصرهای جمعه برقرار کنند. رساندن این پیام امام (ره) در برخی از شهرها، به عهده آیة الله یزدی بود. یکی از آن جلسات، جلسه معروف مسجد امام حسن عسگری (ع) واقع در قم بود که هر یک از علماء، ده شب در آنجا به سخنرانی می‌پرداخت. هنگامی که نوبت به آیة الله یزدی رسید، به جای ده شب، بیست شب آن جلسه را اداره کرد. عنوان بحث های وی در آن بیست شب، «انقلاب های تاریک و روشن» بود که امام (ره) نیز یک شب به آن محفل آمد و تا پایان جلسه هم حضور داشت.
سخنرانی های ایشان در آن ایام، چنان مؤثر و شور آفرین بود که باعث شد امام خمینی (ره) ایشان را احضار فرماید و شیشهٔ عطری هدیه و برای ایشان دعا نماید. ویژگی سخنرانی های آیة الله یزدی این بود که در سخنرانی خود ضمن بیان مکتب و روش اهل بیت و نیز خط مشی دشمنان آنها، واقعیات مبارزه و مصداق های کنونی دشمنی با اهل بیت را بیان می‌کرد؛ مثلاً در باره نهضت امام حسین (ع) سخن می‌گفت و بدی و پلیدی یزید و پیروانش را به مردم گوشزد می‌کرد. سپس حسینیان زمان و یزیدیان این دوره را با ویژگی های آنها و با انطباق با صدر اسلام بیان می‌فرمود. کتاب «حسین بن علی را بهتر بشناسیم» حاصل این سخنرانیها بود که چند بار، ساواک آن را از بازار جمع آوری کرد. ساواک که این گونه افشاگریها را برنمی‌تافت، آیة الله یزدی را بارها دستگیر و ممنوع المنبر کرد؛ از جمله دستگیری بعد از 21 رمضان در مسجد جامع قم و پس از سخنرانی در منزل آیة الله گلپایگانی را می‌توان نام برد. ساواک بارها ایشان را تبعید کرد که طولانی‌ترین آنها پس از بندر لنگه و بوشهر، رودبار بود؛ اما آیة الله یزدی در دوره تبعید نیز دست از مبارزه بر نمی‌داشت و بارها به طور مخفیانه به تهران و قم می‌آمد و در جریان امور قرار

می‌گرفت و اعلامیه‌های امام را برای مردم و علمای شهرها می‌برد. ایشان در قم و تهران جلساتی را به صورت مخفی تشکیل می‌داد و با افراد و جریانهای گوناگون به تبادل نظر می‌پرداخت که به (جلسات زیرزمینی) شهرت یافته بود.
از دیگر فعالیتهایی که در کارنامهٔ سیاسی آیة الله یزدی می‌درخشد؛ پناه دادن به آن دسته از سربازان فراری بود که پس از دستور امام (ره) و پیش از پیروزی انقلاب، از ارتش گریخته و به مردم پیوسته بودند. منزل او در آستانه پیروزی انقلاب، مرکز تلاش ها و نیز حل و فصل بسیاری از امور جریان های انقلاب بود. همان منزلی که امام (ره) پس از پیروزی انقلاب و مراجعت به قم، در آن ساکن شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اولین سخنرانی امام (ره) در فیضیه که شور و شوق فراوان و کثرت جمعیت مانع از انجام این سخنرانی بود؛ حضرت امام به ایشان دستور می‌فرمایند برای آرام کردن مردم ایراد سخن کنند و ایشان نیز امر امام را اطاعت نمودند که خاطرهٔ آن در اذهان حاضران در آن روز بزرگ، باقی مانده است.
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مراکز بسیار مهمی بود که در زمان رژیم طاغوت، خدمات شایانی را به مبارزات ملت ایران برای دست یابی به انقلاب اسلامی انجام داده است. آیة الله محمد یزدی، از آغازین روزهای تأسیس این مرکز، با آن همکاری داشته است و این همکاری تا کنون نیز ادامه دارد. ایشان خود در باره جامعه مدرسین می‌گوید:
«جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در شمار مراکزی بود که بی آنکه تبلیغات هنگفتی برای اثبات ارزش و اعتبار خود بنماید، توانست احترام تودهٔ مردم را نسبت به خود جلب کند. مردم اعضای جامعه را افرادی متدین و فاضل یافته بودند و عمیقاً به این باور رسیده بودند که اینان کسانی نیستند که برای قصد و غرض دنیوی کاری انجام داده و سخنی بگویند و جز برای خیر و انجام وظیفه دینی و الهی خود کاری نمی‌کنند.
آیة الله محمد یزدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره در خدمت نظام و بازوی توانای امام و رهبری بود. ایشان در مسؤولیتهای بسیار مهمی ایفای نقش نموده‌اند

یزدی، معین‌الدین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ف. 789 ه.ق) مؤلف کتاب «مواهب الهی» که تاریخی است درباره خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و برادرش شاه محمود که به سال 757 ه.ق اتفاق افتاده است. معین‌الدین در شیراز مجلس درس داشته و گاه ممدوح وی شاه شجاع در مجلس درس وی حاضر می‌شده. وی مدتی در کرمان به مدرسی یکی از مدارس مشغول بود.
حاج معین‌الدین یزدی از دانشمندان روزگار محمدمظفر بوده و در سال 757 تاریخ آل‌مظفر را نوشته و به مواهب الهی موسوم ساخته و نیز کتابی به نام حدائق‌الحقایق در تفسیر سوره یوسف دارد.
وی بنابر نقل جامع مفیدی اعلم علماء وافقه فقهای زمان خود بوده و به تدریس علوم عقلی و نقلی اشتغال داشته است و در سال 780 ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : -IR90-0180-0000-0000-0621-0609 53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».